





394
11
S/M BY



فهرست الجزء الثاني من مرات الكائنات			
باب اول در احوال خلفاء بنی امیه ۲	فصل اول در احوال معاویه رضی الله عنه ومناقب و خلافت او ۳	مطلب اولیات ۴	مطلب وفات معاویه ۵
فصل ثانی در احوال یزید بن معاویه وقصه کربلا وقصه دیگر ۵	مطلب محاربه مدینه ومکه ۶	مطلب ثالث در احوال معاویه بن یزید بن معاویه ۷	فصل رابع در احوال عبد الله بن الزبیر ۷
مطلب خلافت و بناء کعبه و قتل مختار ۸	مطلب قصه شهادت او ۹	فصل خامس در احوال مروان بن الحکم ۱۰	مطلب خروج مروان ومحاربات ۱۱
فصل سادس در احوال عبد الملك بن مروان ۱۱	مطلب مناقب ومثالب ۱۱	مطلب بیعت ومنع حج ومحاربات وبعض حالات ۱۲	مطلب بناء کعبه و اولیات عبد الملك ۱۲
مطلب وفات عبد الملك ۱۴	مطلب ذکر احوال حجاج ظالم ۱۴	فصل سابع در احوال ابن عبد الملك بن مروان ۱۴	مطلب بیعت وخیرات و فتوحات ۱۵
فصل ثامن در احوال سلیمان بن عبد الملك بن مروان ۱۶	مطلب بیعت و وقایع زمان خلافت او ۱۶	فصل تاسع در احوال حضرت عمر بن عبد العزيز بن مروان ۱۷	مطلب بیعت و احوال خلافت او ۱۸
متفرقات در کیفیت وفات وبعض حالات و کرامات ۲۰	فصل عاشر در احوال یزید بن عبد الملك بن مروان ۲۱	مطلب وفات وامر عجیب ۲۱	فصل حادی عشر در احوال هشام بن عبد الملك و بیعت و خصات وسیرت و بدایع و وقایع ومدت خلافت او ۲۱
فصل ثانی عشر در احوال ولید بن یزید بن عبد الملك ۲۳	مطلب قبایح و کفریات مورثه الفضایح و کیفیت قتل او ۲۳	فصل ثالث عشر در احوال یزید بن ولید ابن عبد الملك ۲۳	فصل رابع عشر در احوال ابراهیم بن ولید ابن عبد الملك ۲۴
فصل خامس عشر در احوال مروان بن محمد ابن مروان بن الحکم بن ابی العاص ۲۴	مطلب کیفیت ظهور او ۲۴	مطلب محاربات ابو مسلم وغلبه آل عباس ۲۵	مطلب قتل مروان ۲۶

باب ثانی در احوال خلفاء عباسیه ۲۶	فصل اول در احوال سفاح ونسب و حلیه واوصاف او ۲۶	مطلب جلوس و بعض وقایع و وفات و انتقام او ۲۷	فصل ثانی در احوال منصور بن محمد و حلیه واوصاف او ۲۸
مطلب جلوس و بدایع و وقایع و زمان خلافت او ۲۸	مطلب وفات او ۳۰	فائده در احوال احوال حضرت امام اعظم رحمه الله تعالى ۳۱	فصل ثالث در احوال مهدی بن منصور ۳۳
مطلب جلوس و بدایع و وقایع در زمان خلافت او ۳۳	مطلب وفات او ۳۴	فصل رابع در احوال هادی بن محمد المهدی ۳۴	مطلب جلوس و بعض وقایع در زمان خلافت او ۳۴
مطلب وفات او ۳۵	فصل خامس در احوال هارون الرشید بن محمد المهدی و حلیه ومناقب او ۳۵	مطلب وقایع و بدایع در زمان خلافت او ۳۶	مطلب وفات و مخلفات ۳۷
فصل سادس در احوال امین بن هارون الرشید ۳۷	قصه شهادت ۳۸	فصل سابع در احوال مأمون بن هارون الرشید و حلیه ومناقب او ۳۸	مطلب بدایع و وقایع در زمان خلافت او ۳۹
مطلب قسسه عظیمه و وفات او ۴۰	فصل ثامن در احوال معتصم بالله بن هارون الرشید و مناقب ومثالب او ۴۱	مطلب قسسه عظیمه و کرامات جسمیه ۴۱	مطلب امر غریب و وفات او ۴۲
فصل تاسع در احوال واثق بالله و حلیه واوصاف او ۴۲	مطلب ظلم عظیم و بعض کرامات و ظه و رحن و وفات او ۴۳	فصل عاشر در احوال متوکل علی الله و رفع بدعت و محن ۴۴	قصه شهادت ۴۵
فائده در حال متوکل بعد الوفاة ۴۶	فصل حادی عشر در احوال منصور بالله ابن المتوکل علی الله ۴۶	مطلب امر عجیب و کیفیت وفات او ۴۶	فصل ثانی عشر در احوال مستعین بالله بن المعتصم بالله بن رشید ۴۷
مطلب بیعت و حوادث و خلع و قتل ۴۷	فصل ثالث عشر در احوال المتوکل علی الله بن المعتصم ۴۷	مطلب خلع و قتل ۴۸	فصل رابع عشر در احوال ابن الواثق بالله و مناقب وشهادت ۴۸
فصل خامس عشر در احوال ابن المتوکل علی الله بن المعتصم ۴۹	مطلب ظهور و زنج و قتل و محن و حوادث متنوعه ۴۹	ظهور قرامطه و امور دیگر و وفات او ۵۰	فصل سادس عشر در احوال معتضد بالله بن لوفق بالله طلمنه بن المتوکل علی الله ۵۱

مطلب بیعت و نظم امور و بدایع و وقایع و قتل و محن ۵۱	مطلب اصل قرامطه و وفات او ۵۲	فصل سابع عشر در احوال مکتفی بالله علی بن المعتض بالله ۵۳	مطلب بیعت و بدایع و وقایع زمان خلافت و وفات او ۵۳
فصل نهم عشر در احوال مقتدر بالله ابن المعتض بالله ۵۳	مطلب خلافت ثانیه و قصه حسین بن منصور حلاج ۵۴	مطلب قتل و محن و بلایا از فساد قرامطه بد سجایا ۵۶	مطلب قتل و محن و بلایا از فساد قرامطه بد سجایا ۵۶
مطلب حوادث و قصه شهادت و انتقام ۵۷	فصل ناسع عشر در احوال قاهر بالله بن المعتض بالله بن الموفق بالله ۵۸	مطلب وقایع و خلع و حبس ۵۸	مطلب وقایع و خلع و حبس ۵۸
فصل عشرین در احوال راضی بالله بن المقتدر بالله ۵۹	مطلب وقایع زمان خلافت او ۵۹	فصل حادی و عشرون در احوال متقی بالله بن المقتدر بالله ۶۰	مطلب مناقب و وقایع ۶۰
مطلب قتل و محن و غدر و مکر ۶۱	فصل ثانی و عشرون در احوال مستکفی بالله ابن المکتفی بالله بن المعتض بالله ۶۱	مطلب وقایع و خلع و ظلم عظیم و عبرت ۶۲	فصل ثالث و عشرون در احوال مطیع لله بن المقتدر بالله ۶۲
مطلب وقایع عجیبه متنوعه ۶۲	مطلب امور مدینه و وقایع متنوعه ۶۳	فصل رابع و عشرون در احوال طایع لله بن المطیع لله ۶۴	مطلب وقایع متنوعه و آمدن ایلچی ۶۴
مطلب متفرقات و غرائب امور و خلع و بعض متفرقات ۶۵	فصل خامس و عشرون در احوال قادر بالله و مناقب او ۶۵	مطلب بیعت و بعض وقایع و امور غریبه ۶۶	فصل سادس و عشرون در احوال قائم بالله بن الله ۶۷
مطلب مناقب و امور غریبه و خلع او ۶۷	مطلب جلوس و امور غریبه ۶۸	فصل سابع و عشرون در احوال مقتدی بالله بن محمد بن القائم بالله ۶۹	مطلب بیعت و وقایع در زمان خلافت او ۶۹
فصل نهم و عشرون در احوال مستظهر بالله ابن المقتدر ۷۰	فصل ناسع و عشرون در احوال مسترشد بالله ابن المستظهر بالله ۷۱	مطلب غرائب و شهادت ۷۲	فصل ثانی و ثلاثون در احوال مستضی بالله ابن المستنجد بالله ۷۳
مطلب خلع و شهادت او ۷۲	فصل حادی و ثلاثون در احوال مستنجد بالله ۷۳	فصل ثالث و ثلاثون در احوال مستنجد بالله ابن المستنجد بالله ۷۵	فصل ثالث و ثلاثون در احوال مستنجد بالله ابن المستنجد بالله ۷۵

فصل رابع و ثلاثون در احوال ناصر لدین الله و حلیه و مناقب و معایب او ۷۵	مطلب امور خلافت و بدایع و وقایع ۷۶	فصل خامس و ثلاثون در احوال ظاهر بالله ابن الناصر لدین الله ۷۷	فصل سادس و ثلاثون در احوال مستنصر بالله ابن الظاهر بالله ۷۸
مطلب مناقب و خیرات و وقایع او ۷۸	مطلب خاتم و وفات ۷۹	فصل سابع و ثلاثون در احوال مستنصر بالله بن المستنصر بالله ۷۹	فصل سابع و ثلاثون در احوال مستنصر بالله بن المستنصر بالله ۷۹
مطلب ظهور و نارد و بار و حرق و غرق ۷۹	مطلب قسمة عظمی و مصیبت کبری و زوال خلافت آل عباس شرف انما ۸۰	باب ثالث در احوال ملوک بنی امیه در ولایت مغرب ۸۱	ملوک طایفه ثانیه بنی امیه در ولایت مغرب ۸۱
ملوک صفاریه در ولایت عجم ۸۱	ملوک سامانیه در ولایت عجم ۸۱	ملوک فاطمیه در ولایت مغرب بعده در مصر ۸۱	ملوک دیلمیه در ولایت عجم ۸۱
ملوک غزنویه در ولایت عجم ۸۱	ملوک سلجوقیه در ولایت عجم و بغداد ۸۱	ملوک سلجوقیه دیگر در ولایت کرمان در دیار عجم ۸۱	ملوک سلجوقیه دیگر در ولایت کرمان در دیار عجم ۸۱
ملوک خوارزمیه در ولایت عجم ۸۱	ملوک اتابکیه در حلب ۸۲	ملوک اتابکیه دیگر در دیار عجم ۸۲	ملوک ابویه در مصر ۸۲
ملوک چنگیزی در ولایت چین و عجم ۸۲	ملوک ترکمانیه در مصر ۸۲	ملوک چراکسه ۸۲	فصل اول در احوال امیر عبد الله الاموی ۸۲
فصل ثانی در احوال امیر هشام بن عبد الرحمن ۸۲	فصل ثالث در احوال امیر حکم بن هشام ۸۲	فصل رابع در احوال امیر عبد الرحمن بن الحکم ۸۲	فصل خامس در احوال امیر محمد بن عبد الرحمن ۸۲
فصل سادس در احوال امیر منذر بن محمد ۸۲	فصل سابع در احوال امیر عبد الله بن محمد ۸۲	فصل ثامن در احوال ناصر بالله بن عبد الرحمن ابن محمد امیر عبد الله ۸۲	فصل ناسع در احوال حکم بن عبد الرحمن ۸۳
فصل عاشم در احوال مؤید بالله هشام بن الحکم ۸۳	فصل حادی عشر در احوال مهدی بالله بن محمد بن هشام بن عبد الجبار بن عبد الرحمن الناصر بالله ۸۳	فصل ثانی عشر در احوال مؤید بالله هشام بن الحکم در سلطنت دفعه ثانیه ۸۳	فصل ثالث عشر در احوال مستعین بالله سلیمان بن الحکم بن سلیمان ابن عبد الرحمن الناصر بالله ۸۳

فصل رابع عشر دراحوال مستظهر بالله عبد الرحمن بن هشام بن عبد الجبار بن عبد الرحمن الناصر بالله ٨٣	فصل خامس عشر دراحوال مستعفی بالله محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله بن عبد الرحمن الناصر بالله ٨٤	فصل سادس عشر دراحوال معتد بالله هشام بن عبد الملك بن عبد الرحمن الناصر بالله ٨٤	باب رابع در احوال ملوک صفاریه ٨٤
فصل اول در احوال يعقوب بن ليث الصفار ٨٤	فصل ثانی در احوال عمرو ابن ليث ٨٤	فصل ثالث در احوال طاهر بن محمد بن عمرو ٨٥	باب خامس در احوال ملوک سامانیه ٨٥
فصل اول در احوال امیر اسماعیل بن احمد بن اسد بن سامان ٨٥	فصل ثانی در احوال امیر احمد بن اسماعیل ٨٥	فصل ثالث در احوال امیر نصر بن احمد ٨٥	فصل رابع در احوال امیر نوح بن نصر ٨٥
فصل خامس در احوال امیر عبد الملك بن نوح ٨٥	فصل سادس در احوال امیر منصور بن نوح ٨٥	فصل سابع در احوال امیر نوح بن منصور ٨٥	فصل ثامن در احوال منصور بن نوح الثاني ٨٦
فصل تاسع در احوال امیر عبد الملك بن نوح ثاني ٨٦	فصل عاشد در احوال امیر اسماعیل بن نوح ثاني ٨٦	باب سادس در احوال ملوک قاطمیه ٨٦	فصل اول در احوال عبد الله المهدي الفاطمي وظهور او ٨٦
مطلب جلوس ٨٧	فصل ثانی در احوال قائم بامر الله محمد بن عبد الله المهدي ٨٨	فصل ثالث در احوال منصور بالله اسماعیل بن قائم ٨٨	فصل رابع در احوال معز لدين الله معز بن اسماعيل ٨٨
مطلب بنام مصر ٨٨	فصل خامس در احوال عزیز بالله نزار بن المعز لدين الله ٨٩	فصل سادس در احوال حاکم بامر الله منصور بن العزیز بالله ٨٩	مطلب قبایح و فضایح ٨٩
فصل سابع در احوال ظاهر لا عزازدين الله على ابن الحاکم بامر الله ٩٠	فصل ثامن در احوال مستنصر بالله معد بن الظاهر المذکور ٩٠	فصل تاسع در احوال مستعلی بالله احمد بن المستنصر بالله ٩١	فصل عاشد در احوال آمر با حکام الله منصور بن المستعلی ٩١
فصل حادی عشر دراحوال حافظ لدين الله عبد المجید بن ابی القاسم بن المستنصر بالله ٩١	فصل ثانی عشر در احوال ظاهر بالله اسماعیل بن الحافظ لدين الله ٩١	فصل ثالث عشر دراحوال فائز بن نصر الله علي بن عيسى بن الظاهر بالله ٩١	فصل رابع عشر دراحوال عاضد لدين الله عبد الله بن يوسف بن الحافظ لدين الله ٩١
مطلب شجرات و بعض حوادث متنوعه و وفات او ٩٢	باب سابع در احوال ملوک دیلمیه ٩٣	احوال عماد الدوله علی بن بویه وظهور او ٩٣	احوال رکن الدوله حسن ابن بویه ٩٣

احوال مؤید الدوله منصور بن رکن الدوله واحوال خیر الدوله علی بن رکن الدوله ٩٥	فائده در مناقب ومعایب او ٩٥	احوال عضد الدوله خسرو بن رکن الدوله ٩٥	احوال معز الدوله احمد بن بویه و احوال عز الدوله بختیار بن معز الدوله ٩٤
احوال سلطان الدوله واحوال شرف الدوله حسن بن بهاء الدوله ٩٦	احوال مجد الدوله رستم بن خیر الدوله علی بن رکن الدوله ٩٦	احوال شرف الدوله واحوال بهاء الدوله فیروز بن عضد الدوله ٩٦	احوال مصام الدوله مرزبان بن عضد الدوله ٩٦
باب ثامن در احوال ملوک غزنویه ٩٧	احوال ملک ابو علی بن کیخسرو ٩٧	احوال ملک رحیم خسرو بن عمادین الله واحوال ملک منصور ٩٧	احوال جلال الدوله بن بهاء الدوله و احوال عمادین الله مرزبان بن سلطان الدوله ٩٦
احوال سلطان محمود محمود سبکتکین و احوال سلطان مودود بن مسعود ١٠٠	احوال سلطان مسعود ابن محمود سبکتکین ٩٩	مطلب جلوس و احوال سلطنت او ٩٨	احوال نصر الدوله ناصر الدین سبکتکین واحوال بین الدوله سلطان محمود سبکتکین ٩٧
احوال فرخ زاد بن سلطان مسعود بن سلطان محمود ١٠٠	احوال سلطان عبد الرشید بن محمود ١٠٠	احوال سلطان علی بن مسعود و اول بن محمود ١٠٠	احوال سلطان مسعود ثانی بن مودود ١٠٠
احوال سلطان بهرام شاه ابن جلال الدین و احوال سلطان خسرو شاه بن بهرام شاه ١٠١	احوال سلطان ارسلان شاه ابن جلال الدین ١٠١	احوال سلطان جلال الدین مسعود ثالث بن ابراهیم ١٠٠	احوال سلطان ابراهیم بن مسعود بن محمود ١٠٠
احوال سلطان چاقربک بن یکتايل ١٠٢	احوال سلطان رکن الدین طغرل محمدک ابن یکتايل بن سلجوق ١٠٢	باب تاسع در احوال ملوک سلجوقیه و ظهور ایشان ١٠١	احوال خسرو شاه ١٠١
احوال جلال الدوله بن سلطان ملک شاه بن برکیارق ١٠٤	احوال ناصر الدین و احوال سلطان محمود بن ملک شاه ١٠٤	احوال سلطان جلال الدین ملک شاه بن اب ارسلان ١٠٣	احوال عضد الدوله عزالدین ابوشجاع سلطان اب ارسلان محمد بن چاقربک ١٠٣
احوال سلطان داود بن محمود و احوال رکن الدین سلطان طغرل بن محمد ١٠٦	احوال مغیث الدین سلطان محمود بن سلطان غیاث الدین محمد بن ملک شاه ١٠٦	احوال معزالدین سلطان سنجر بن ملک شاه ١٠٥	احوال غیاث الدین سلطان محمود بن ملک شاه ١٠٤
احوال عزالدین سلطان سلیمان شاه بن محمد بن ملکشاه ١٠٨	احوال غیاث الدین سلطان محمد بن مغیث الدین محمود ١٠٧	احوال مغیث الدین سلطان ملک شاه بن محمود ابن غیاث الدین ١٠٧	احوال غیاث الدین سلطان مسعود بن غیاث الدین ١٠٦

احوال رکن الدین سلطان ارسلان شاه بن طغرل ۱۰۸	احوال مغیث الدین سلطان طغرل بن ارسلان شاه بن محمد بن ملک شاه ۱۰۸	باب عاشق در احوال ملوک سلجوقیه دیگر ۱۰۸	احوال قاور دین چاقو بک ابن یکانیل بن سلجوق ۱۰۸
احوال سلطان شاه بن قاور دین و احوال توران شاه ابن قاور دین ۱۰۹	احوال ایران شاه بن توران شاه و احوال ارسلان شاه ابن کرمان شاه ۱۰۹	احوال محمد بن ارسلان شاه و احوال طغرل شاه ابن محمد ۱۰۹	احوال ارسلان شاه و بهرام شاه و توران شاه ۱۰۹
احوال محمد شاه ابن بهرام شاه المزیور ۱۰۹	باب حادی عشر در احوال ملوک سلجوقیه دیگر ۱۰۹	مقدمه در احوال قوتلومش بن امرا تیل سلجوق ۱۰۹	فصل اول در احوال سلطان رکن الدین سلیمان ابن قوتلومش ۱۰۹
احوال سلطان د اودین سلیمان و قلی ارسلان بن سلیمان بن قوتلومش ۱۱۰	احوال سلطان مسعود بن قلی ارسلان ۱۱۰	احوال سلطان الدوله قلی ارسلان ثانی بن مسعود ۱۱۰	احوال ملک غیاث الدین کیخسرو بن قلی ارسلان ثانی ۱۱۱
احوال سلطان رکن الدین سلیمان شاه و احوال قلی ارسلان ثالث ۱۱۱	احوال سلطان غیاث الدین کیخسرو بن قلی ارسلان ۱۱۱	احوال سلطان معز الدین کیکاوس بن کیخسرو ۱۱۱	احوال سلطان علاء الدین کیقباد بن کیخسرو و امور سلطنت او ۱۱۲
احوال سلطان غیاث الدین کیخسرو ثانی بن علاء الدین کیقباد ثالث ۱۱۳	احوال سلطان عز الدین کیکاوس بن خسرو ثانی ۱۱۳	احوال سلطان رکن الدین قلی ارسلان رابع و احوال غیاث الدین کیخسرو ۱۱۳	احوال سلطان مسعود ثانی بن عز الدین کیکاوس ۱۱۳
احوال سلطان علاء الدین کیقباد ثانی بن فرامرز ۱۱۳	مطلب وقایع و زوال و احوال غازی چلبی بن مسعود ۱۱۴	باب ثانی عشر در احوال ملوک خوارزمیه ۱۱۵	احوال خوارزم شاه محمد و خوارزم شاه آتسز بن محمد ۱۱۵
احوال خوارزم شاه الب ارسلان و خوارزم شاه سلطان شاه و احوال خوارزم شاه علاء الدین تکش خان ۱۱۵	احوال خوارزم شاه علاء الدین محمد و عظمت و عزیم بغداد ۱۱۶	مطلب جنگ تانار و جنگ چنگیز ۱۱۷	قصه وفات و احوال خوارزم شاه جلال الدین ۱۱۸
مطلب محاربات عظیمه عجیبه و وقایع متنوعه غریبه ۱۱۸	احوال سلطان غیاث الدین محمد بن جلال الدین ۱۲۱	باب ثالث عشر در احوال ملوک اتابکیه ۱۲۱	احوال آق سنقر البرسی و احوال عز الدین مسعود ۱۲۱
احوال عماد الدین اتابک زنکی بن آق سنقر ۱۲۱	احوال سلطان نور الدین محمد و مناقب و جلوس و بعض احوال و وقایع ۱۲۲	مطلب وفات و قصه عجیبه و عجیبه دیگر ۱۲۳	احوال سیف الدوله و احوال قطب الدین مودود بن زنکی ۱۲۴

احوال سیف الدین غازی و احوال ملک عز الدین مسعود ۱۲۴	احوال ملک صالح ایمعا علی بن نور الدین محمد ۱۲۴	احوال عماد الدین زنکی و نور الدین ارسلان و قطب الدین محمد ۱۲۵	احوال قاهر عز الدین وارسلان شاه بن عز الدین ۱۲۵
احوال محمد بن قطب الدین محمد ۱۲۵	باب رابع عشر در احوال ملوک اتابکیه دیگر ۱۲۵	فصل اول در احوال اتابک معظم مظفر الدین سنقر ۱۲۵	احوال اتابک مظفر الدین و اتابک مظفر الدین تکله ۱۲۶
احوال اتابک قطب الدین طغرل و اتابک مظفر الدین سعد بن زنکی ۱۲۷	احوال اتابک مظفر الدین ابو بکر بن سعد بن زنکی ۱۲۷	احوال اتابک عضد الدین ابن سعد بن ابی بکر بن سعد ۱۲۷	احوال اتابک مظفر الدین و محمد شاه بن سلغر شاه ۱۲۸
احوال اتابک مظفر الدین سلجوق شاه و اشیر بنی سعد ۱۲۸	باب خامس عشر در احوال ملوک ایوبیه ۱۲۸	فصل اول در احوال سلطان ملک صلاح الدین یوسف بن ابوب بن شادی ۱۲۸	مطلب وفات و مناقب او ۱۲۹
احوال ملک عزیر عثمان و ملک منصور محمد و ملک عادل سیف الدین ۱۳۰	احوال ملک کامل محمد ابن ملک عادل ابو بکر ۱۳۱	احوال ملک عادل ابو بکر ثانی و ملک صالح نجم الدین ابوب ۱۳۲	احوال ملک معظم توران شاه و شجر الدر خاتون و ملک اشرف موسی ۱۳۳
باب سادس عشر در احوال ملوک چنگیزی ۱۳۳	فصل اول در احوال چنگیز خان بی امان سست پیمان و خروج او ۱۳۴	احوال هلاکوبن قلی بن چنگیز خان ۱۳۵	احوال ابغابن هلاکوب ۱۳۶
احوال سلطان احمد بن هلاکوب و ارغون بن ابغا و کیخسرو بن ابغا ۱۳۷	احوال بیدوبن طرغای ابن هلاکوب و سلطان محمود غازان خان ۱۳۷	احوال سلطان محمد خدا بنده بن ارغون ۱۳۷	احوال سلطان ابوسعید ابن خدا بنده ۱۳۸
باب سابع عشر در احوال ملوک ترکمانیه ۱۳۸	فصل اول در احوال ملک معز عز الدین ایبک ترکمانی ۱۳۸	احوال ملک منصور نور الدین و ملک مظفر سیف الدین قطن ۱۳۸	احوال ملک ظاهر بیبرس بند اقداری الصالحی النجمی ۱۳۹
احوال ملک سعید محمد برکت خان بن بیبرس و احوال ملک عادل سلامش ۱۴۰	احوال ملک منصور سیف الدین قلاوون النجمی الصالحی ۱۴۰	احوال ملک اشرف صلاح الدین خلیل و ملک ناصر محمد بن قلاوون ۱۴۱	احوال ملک عادل کتبغا المنصوری و ملک منصور لاچین ۱۴۱
احوال ملک ناصر محمد بن قلاوون ۱۴۱	احوال ملک مظفر رکن الدین بیبرس چاشنکی و ملک ناصر محمد ۱۴۲	احوال ملک منصور ابو بکر بن الملک ناصر محمد قلاوون ۱۴۳	احوال ملک اشرف علاء الدین علی و ملک ناصر احمد و ملک صالح ایماعیل ۲۴۳

احوال ملک کامل شعبان و ملک مظفر امیر حاج بن ملک ناصر محمد ۱۴۳	احوال ملک ناصر حسن و ملک صالح صلاح الدین ۱۴۳	احوال ملک ناصر حسن ابن ملک ناصر و ملک منصور بن محمد مظفر ۱۴۴	احوال ملک اشرف شعبان بن حسین و احوال ملک منصور علی بن اشرف شعبان ۱۴۴
احوال ملک صالح حاج ابن ملک اشرف شعبان ۱۴۴	باب ثامن عشر در احوال خافاء عباسیه در دیار مصریه ۱۴۵	فصل اول در احوال آل عباس مستنصر بالله احمد ابن الظاهر بالله ۱۴۵	احوال حاکم بامر الله احمد ۱۴۶
احوال مستکنی بالله سلیمان بن الحکم بامر الله و احوال واثق بالله ابراهیم ۱۴۷	احوال حاکم بامر الله احمد ابن مستکنی و معتضد بالله ابو بکر بن مستکنی بالله ۱۴۸	احوال متوکل علی الله محمد بن معتضد بالله ۱۴۸	احوال واثق بالله عمر ابن ابراهیم و احوال معتصم بالله زکریا و متوکل علی الله محمد ۱۴۹
احوال مستعین بالله امیر المؤمنین ابو الفضل عباس ۱۴۹	احوال معتضد بالله داود ابن المتوکل علی الله ۱۵۰	احوال قائم بامر الله حمزه و مستنجد بالله یوسف ۱۵۱	احوال متوکل علی الله عبدالعزیز بن یعقوب ۱۵۱
باب ناسع عشر در احوال ملوک چراکسه ۱۵۲	فصل اول در احوال ملک ظاهر سیف الدین برقوق ۱۵۲	احوال ملک ناصر فرج ابن برقوق ۱۵۲	مطلب مقاسد تیمور و احوال ملک منصور عبد العزیز بن برقوق ۱۵۳
احوال ملک ناصر فرج بن برقوق و ملک عادل مستعین بالله عباس ۱۵۳	احوال ملک مؤید و ملک ظاهر طاهر ۱۵۴	احوال ملک صالح محمد بن ملک ظاهر طاهر و ملک اشرف برسبای الدقاقی ۱۵۴	احوال ملک عزیر بن یوسف و ملک ظاهر جاقاق العلاقی ۱۵۴
احوال ملک منصور عثمان ابن ملک ظاهر جاقاق و ملک اشرف اینال الناصری ۱۵۴	احوال ملک مؤید احمد ابن ملک و ملک ظاهر خوشقدم ۱۵۴	احوال ملک ظاهر یلغای العلاقی المؤیدی و ملک ظاهر ۱۵۵	احوال ملک اشرف یلغای المجددی الظاهری و مناقب و وقایع او ۱۵۵
احوال ملک ناصر محمد و ملک اشرف قانصو و محمد ناصر محمد بن ملک اشرف ۱۵۶	احوال ملک ظاهر ابوسعید قانصو و ملک اشرف جانبلاط ۱۵۶	احوال ملک عادل سیف الدین طومانبای و ملک اشرف سیف الدین قانصو غوری ۱۵۶	مطلب زوال و احوال ملک صالح یا ملک اشرف طومانبای الاشرفی الجرکسی القانیبای ۱۵۷
مطلب فتح مصر ۱۵۷			

مقدمه در ذکر سلسله سفیة عثمانیان عالیشان خیراندیشان و کیفیت ظهور ایشان ۱	باب اول در احوال سلطان عثمان خان غازی بن ارطغرل غازی ۲	فصل در ذکر اولاد امجاد او و بیان امر اعثمان خان ۳	فصل در غزوات عثمان خان قبل السلطنه ۳
فصل در احوال غزوات و فتوحات عثمان خان غازی ۷	فصل عثمان خان زمانه دیار رومده اولان بکار مشاهیر علما و مشایخ ۹	باب ثانی در احوال سلطان اورخان غازی و در ذکر اولاد سعادت نهاد ۱۰	فصل در روز را و امراء پادشاه و ضرب سکه و تعیین الوان الوان کلبه بعض عسکر ۱۰
فصل در غزوات و فتوحات سلطان اورخان غازی ۱۱	مطلب فتح روم ابلی ۱۲	فصل در خیرات سلطان اورخان و وفات شهزاده و فصل در غزای اکبر و حصول فتح و ظفر ۱۳	فصل در وفات پادشاه و سلطان اورخان زمانه اولان مشاهیر علما ۱۴
باب ثالث در احوال سلطان مراد خان بن سلطان اورخان بن سلطان عثمان ۱۵	فصل در اولاد و وزراء و امراء او و فتوحات سلطان مراد و بعض وقایع زمان سلطنت او ۱۵	فصل در کیفیت ضبط و فتح قلاع مذکور و بعض وقایع زمان سلطنت او ۱۵	مطلب فتح ادرنه و وجه تسمیه بنجیک ۱۶
مطلب غایبه مسلمین بر کفار ملاعین ۱۶	مطلب عودت و بناء خیرات و سنت شهزادگان ۱۷	مطلب غزوات و تعمیر ادرنه ۱۷	مطلب تزویج ملوک ۱۸
مطلب فتوح و امور کثیره متفرقه ۱۹	عزای اکبر و نصرت و ظفر ۲۰	مطلب شهادت پادشاه ظفر دستمکاه ۲۱	فصل در خیرات سلطان مراد غازی و مرحوم پادشاه زمانه بکار مشاهیر علما و صلحا و مشایخ ۲۱
باب رابع در احوال سلطان یلدرم بایزید خان ابن مراد خان غازی ۲۲	فصل در ذکر اولاد و فتوحات او ۲۲	فصل در کیفیت فتح و ضبط بلاد منوره و وقایع زمان سلطنت پادشاه ۲۲	مطلب سوه حال ۲۳
مطلب فتوح و صلاح وغزا ۲۴	فصل در ظهور تیمور لنگ و گرفتن پادشاه ۲۵	فصل در وقایع بعد از گرفتن پادشاه و ظلم تیمور ۲۶	مطلب نصب ملوک و احوال شهزاده سلطان محمد قبل از جلوس بر تخت پدر ۲۷
دعوت تیمور بنده و وفات سلطان یلدرم بایزید خان ۲۸	وقتی تیمور بنده یار محمد و خیرات مرحوم ۲۹	فصل یلدرم بایزید خان زمانه اولان بکار مشاهیر مشایخ ۳۱	فصل در احوال شهزاد کان یلدرم بایزید خان ۳۲

باب خامس در احوال سلطان محمد خان بن بایزید خان علیه الرحمة والغفران ۳۶	فصل در اولاد و وزرای مرحوم پادشاه و مرحوم زماننده استقلال سلطنته فتح اولیان قلعه ل ۳۷	فصل در کیفیت فتح وضبط بلاد من بوره و وقایع زمان استقلال سلطنت ۳۷	مطلب امور و تدبیر ۳۷
مطلب وفات پادشاه و تدبیر عظیم در اخفاء موت او ۳۹	فصل در خیرات پادشاه و مرحوم ملک زماننده اولان بکار مشاهیر علما ۳۹	باب سادس در احوال سلطان مراد خان ثانی بن سلطان محمد خان ۴۰	فصل در ذکر شهرزادگان و وزیران و بکار بیکان ۴۱
فصل در کیفیت فتح وضبط بلاد من بوره و معظمت وقایع زمان سلطنت وامر عظیم ۴۱	مطلب بقی برادر ۴۲	قصه و غلبه و تسخیر و امور ۴۳	مطلب عبرت و قصه و امور و فتح ۴۵
مطلب وقایع و غنیمت و هزیمت و نصرت و تسخیر ۴۶	مطلب تزوج و غزا و انتقام و سرور و فتح ۴۷	مطلب هزیمت و سفر ۴۸	فصل در فراغت پادشاه از سلطنت و غزای اکبر و لطیفه و امور ۴۹
فصل در جلوس سلطان مراد بر تخت بعد از فراغت ۵۰	فصل در خیرات مرحوم پادشاه ۵۱	باب سابع در احوال سلطان محمد غازی بن مراد خان علیه الرحمة والرضوان ۵۵	فصل در ذکر شهرزادگان ۵۵
فصل در ذکر وزرا و ارکان او ۵۶	فصل در کیفیت فتح وضبط ممالک من بوره و ذکر معظمت و وقایع زمان سلطان محمد خان غازی ۵۷	مطلب سفر و فتح قسطنطنیه ۵۷	مطلب کرامات و فتوح ۵۸
مطلب فتح و فتوح و جنگ ۵۹	مطلب سور و غارت و فتوح ۶۰	مطلب حال فرمانیان ۶۳	مطلب فساد و عقوبت و اتکد و جنگ عظیم و غلبه سلطان کریم ۶۶
فصل در خیرات پادشاه ۷۱	فصل مرحوم سلطان محمد خان زماننده اولان بکار مشاهیر ۷۸	باب ثامن در احوال سلطان بایزید خان بن سلطان محمد خان ۸۰	فصل در وزیران و امور پادشاه ۸۰
فصل در غزوات و فتوحات و معظمت سائر واقعات و جلوس ۸۲	مطلب محاربه جم و جنگ فرمانیان و رجوع جم ۸۲	مطلب سرگذشت جم ۸۳	مطلب بعض وقایع و خیرات و فتوح و شوکت و غلبه و فتوح و انکسار ۸۴
مطلب فراغ از سفر و سرور پر سرور و عقد صلح و نصرت و ظفر ۸۶	مطلب غارت و فتح و نصرت ۸۸	مطلب فتح و غارت عظیمه ۹۰	مطلب ظهور و قزلباش ۹۱

مطلب جنگ سلیم خان و حرمان احمد خان ۹۴	مطلب تعیین سنجاق و ظهور سلیم خان و قسطن شاه قوی ۹۳	مطلب بلا یا و ظفر و حادثه و واقعه و زلزله عظیمه ۹۲	مطلب قسطنه خارچی و دعوت سلیم خان و جلوس او ۹۵
باب ناسع در احوال سلطان سلیم خان بن بایزید خان علیه الرحمة والغفران ۱۰۳	فصل در خیرات و حسنات مرحوم پادشاه و مرحوم زماننده اولان بکار مشاهیر علما ۹۶	مطلب وداع و وفات ۹۵	فصل در وزیران و امور پادشاه و فتوحات او ۱۰۴
فصل در احوال پادشاه بعد از جلوس ۱۰۶	آمدن سلیم خان و جلوس او ۱۰۵	فصل در احوال مرحوم پادشاه ۱۰۴	مطلب غزای اکبر ۱۰۸
مطلب فتح حاب ۱۱۲	مطلب رجوع و فتح ۱۱۰	مطلب غلبه و قسطن ۱۰۹	مطلب فتح شام و مصر ۱۱۳
فصل در بکار مشایخ در زمان سلطان سلیم خان ۱۲۰	فصل مرحوم پادشاه زماننده اولان بکار مشاهیر علما ۱۱۷	فصل در وفات پادشاه ۱۱۶	باب عاشق در احوال سلطان سلیمان غازی ۱۲۴
فصل در بیان غزوات و فتوحات و امور معظمه در زمان مرحوم پادشاه ۱۲۳	فصل مرحوم پادشاه زماننده انواع طریق و فتح اولنال قلعه ل ۱۲۳	فصل در اولاد مرحوم پادشاه و وزرا او ۱۲۲	مطلب سفر اول و فتوحات سلطان بی بدل و امور و سفر ثانی ۱۲۳
فصل در خیرات پادشاه مرحوم ۱۲۹	فصل در وفات پادشاه عالیجاه ۱۲۹	مطلب سفر ثالث و فتوحات و بعض امور و سفر رابع و بعض امور ۱۲۴	فصل مرحوم پادشاه زماننده مفتی اولنر ۱۳۰
فصل مرحوم پادشاه زمانده اولان بکار مشاهیر مشایخ ۱۳۶	فصل مرحوم پادشاه زمانده علما سنک تحت قضا سنه واصل اولینر سنک بکار مشاهیری ۱۳۴	فصل مرحوم پادشاه زماننده انجق تحت قضا سنه واصل اولان علما ۱۳۱	فصل مرحوم پادشاه زماننده قاضی عسکر اولنر ۱۳۱

قسم سابع کتاب مرآت السکاتات

باب اول در احوال ملوک پیشدادیان ۱۳۹	فصل اول در احوال کیومرث و احوال سیامک شاه ۱۳۹	فصل ثالث در احوال هوشنگ شاه ۱۳۹	فصل رابع در احوال طهمورث دیوبندیان انوجهان بن مرئیس هوشنگ ۱۴۰
فصل خامس در احوال جیشید ۱۴۰	فصل سادس در احوال خالد ماری ۱۴۱	مطلب ظهور مار ۱۴۲	فصل سابع در احوال فریدون فرخ ۱۴۲
مطلب درفش ۱۴۲	فصل ثامن در احوال منوچهر ۱۴۳	فصل ناسع در احوال نوزر بن منور ۱۴۴	فصل عاشم در احوال افراسیاب و احوال زاب ابن طهماسب بن منوچهر ۱۴۴
فصل ثانی عشر در احوال کرشاسب بن کشتاسب ۱۴۴	باب ثانی در ذکر احوال ملوک یکایان ۱۴۴	فصل اول در احوال کیقباد بن نوزر ۱۴۴	فصل ثانی در احوال کیکاوش و فتوح وحس و خلاص او ۱۴۵
فصل ثالث در احوال کیخسرو بن سیاوش ۱۴۵	فصل رابع در احوال کهراسب و احوال کشتاسب بن کهراسب ۱۴۶	قصه کافر شدن قوم عجم بظهور دین مجوس ۱۴۶	فصل سادس در احوال آردشیر بهمن بن اسفندیار ۱۴۷
فصل سابع در احوال هماینت بهمن و داراب ابن بهمن و داراب بن داراب بهمن ۱۴۸	باب ثالث در احوال ملوک اشکانیان ۱۴۸	فصل اول در احوال اشکانیان بن داراب بن دارای اکبر و احوال اشکانیان دارا ۱۴۹	فصل ثالث در احوال اشکانیان و احوال شاپور و احوال بهرام بن شاپور ۱۴۹
فصل سادس در احوال بلاش بن بهرام و احوال هرمز بن بلاش ۱۴۹	فصل ثامن در احوال افش یا خرد نرسی بن بلاش ۱۴۹	فصل ناسع در احوال فیروز بن هرمز و احوال بلاش بن فیروز و احوال خسرو ۱۵۰	فصل ثانی عشر در احوال بلاش و اردوان بن بلاش و اردوان بن اشکان و خسرو بن اشکان ۱۵۰
فصل سابع در احوال جودرز بن بلاش و نرسی ابن جودرز ۱۵۰	فصل هادی و عشرون در احوال اردوان بن نرسی ۱۵۰	باب رابع در احوال ملوک ساسانیان ۱۵۱	فصل اول در احوال آردشیر بن بابکان بن ساسان الاصف و ظهور او ۱۵۱
فصل ثانی در احوال شاپور بن اردشیر و هرمز ابن شاپور و بهرام بن هرمز ۱۵۲	فصل خامس در احوال بهرام بن بهرام و بهرام بن بهرام بن بهرام و نرسی بن بهرام ثانی و هرمز بن نرسی ۱۵۳	فصل ثامن در احوال شاپور و احوال کاف بن هرمز ۱۵۳	مطلب ایوان و احوال آردشیر بن هرمز و شاپور ابن شاپور و احوال کاف و بهرام بن شاپور ۱۵۴

فصل ثانی عشر در احوال جاماسب بن فیروز و قباد المزبور و نوشیروان عادل ابن قباد ۱۵۷	فصل ثامن عشر در احوال بلاش بن فیروز و قباد بن فیروز ۱۵۶	فصل خامس عشر در احوال یزدجرد بن بهرام کور و احوال هرمز بن یزدجرد و فیروز ابن یزدجرد و بلایا ۱۵۶	فصل ثانی عشر در احوال یزدجرد الاثیم و بهرام کور ابن یزدجرد ۱۵۴
مطلب غلبه و زوال و احوال خسرو بن هرمز ۱۵۹	فصل ثالث و عشرون در احوال هرمز بن نوشیروان ۱۵۹	مطلب هدایا ۱۵۸	مطلب فتوحات نوش زاد ۱۵۷
فصل ثامن و عشرون در احوال کسری بن ارسلان و کسری بن قباد ابن هرمز ۱۶۲	فصل سابع و عشرون در احوال شهریار ۱۶۱	مطلب هلاک و سبب قتل و معجزه پیر عربت و احوال شیرویه بن خسرو و آردشیر بن شیرویه ۱۶۱	مطلب جلوس ثانی و متفرقات در جاه و جلال و کثرت مال و سایر احوال ۱۶۰
باب خامس در احوال ملوک قبطیان ۱۶۳	فصل خامس و ثلاثون در احوال یزدجرد بن شهریار بن خسرو و زوال او ۱۶۳	فصل ثالث و ثلاثون در احوال کسری بن خشنس و فرخزاد بن خسرو ۱۶۲	فصل ثلاثین در احوال پوران دخت بنت خسرو و احوال فیروز و آردشیر دخت بنت خسرو ۱۶۲
فصل عاشم در بعض احوال برییا و طوایس و جورباق ۱۶۴	فصل سادس در بیان تدارس و مالیق بن تدارس و حرا بن مالیق و کاکلی بن حرا ۱۶۴	فصل رابع در بیان اثر یب ابن مصر بن بصر و صنان مصر بن بصر ۱۶۴	فصل اول در احوال بصر بن حام بن نوح علیه السلام و مصر بن بصر و قفط بن مصر بن بصر ۱۶۴
مطلب غرائب و غرق او و احوال ولوکه العجوز ۱۶۶	مطلب ظهور او ۱۶۵	فصل سادس عشر در احوال دارم بن ریان ابن ولید و کاشم بن معدان و ولید بن مصعب ۱۶۵	فصل ثالث عشر در احوال زامی بنت قامون و ولید بن شروان و هرارم بن ریان بن ولید ۱۶۵
فصل ثانی در احوال یعر بن قحطان و شعیب ابن یعر و عبد الشمس سبأ بن یسحوب بن یعر ۱۶۸	باب سادس در احوال ملوک قحطانیان و احوال قحطان بن عابر بن صالح ابن ارنخشد بن سام بن نوح ۱۶۷	فصل سابع و عشرون در احوال مناکیل و یوله و شیشاق و فرعون الاعرج ۱۶۷	فصل عشرین در احوال درکون بن ملطوس و بیان تردس و نقاش و امرینا و استامدس و یاطوس و مالوس ۱۶۷
فصل خامس عشر در احوال اقماعان اکبر و ذوسد بن عاد و حارث بن شداد و ذوالقرنین صعب ۱۷۰	فصل ثالث عشر در احوال شداد بن عاد و بنارم و شداد ۱۶۹	فصل ناسع در احوال عامر بن مار بن عوف ابن حمیر و نعمان بن یعفر و اسمح و شدید بن عاد بن المطاط ۱۶۹	فصل خامس در احوال حمیر بن سبأ و وائل بن حمیر و سکسک بن وائل و یعفر بن سکسک ۱۶۸

فصل ناسع عشر در احوال ذوالمنار ابرهه و افریقس بن ابرهه و ذوالاذعار عمرو بن ابرهه ۱۷۱	فصل ثانی و عשרون در احوال شراحیل و هدهد و بلقیس ۱۷۱	مطلب عسکر و عرش و تفصیل ۱۷۲	مطلب وفات و احوال ناشر النعم و شمر و ابو مالک ابن شمر و عمران بن عامر و عمرو بن عامر ۱۷۳
فصل ثلاثون در احوال اقرن بن ابی مالک بن شمر و ذوالحشاش بن اقرن و تبع بن اقرن ۱۷۳	فصل ثالث و ثلاثون در بیان کریب بن تبع و ابواکرب سعد بن کریب ابن تبع ۱۷۳	قصه آتش و احوال حسان بن تبع الاوسط و ذوالاعواد عمرو بن تبع اوسط و عبد کلال بن ذوالاعواد ۱۷۵	فصل ثامن و ثلاثون در احوال تبع اصغر و حارث بن عمرو و مرثد ابن عبد کلال و وکیعه بن مرثد ۱۷۵
فصل ثالث و اربعون در بیان صهبان بن محارب و عمرو بن تبع و ذوالشنار و ذوالنواس ابن حسان ۱۷۵	فصل ثامن و اربعون در احوال ارباط و ابرهه بن الصباح و قصه فیل ۱۷۸	فصل خسون در بعض احوال یکسوم بن ابرهه و مسروق بن ابرهه و یوسف بن ذی یزن ۱۸۰	حکایت عجیبه در احوال رسول صلی الله علیه و سلم ۱۸۰
باب سابع در احوال ملوک جرهمیه ۱۸۱	فصل در احوال جرهم ابن قحطان و عبد الیل و جرشم و عبد المدان و ثعلبه و عبد المسیح ۱۸۱	فصل سابع در بیان مضاض الاکبر و عمرو الاکبر بن مضاض و حارث بن عمرو الاکبر و عمرو الاصغر ۱۸۱	فصل حادی عشر در بیان بشر و مضاض الاصغر و حارث بن مضاض الاصغر ۱۸۲
فائد در کیفیت ظهور قوم جرهم در ولایت مکه مکرمه و حکومت ملوک جرهم در مکه و سبب زوال ایشان ۱۸۲	باب ثامن در احوال خلفاء حکام بنی اسرائیل ۱۸۳	فصل اول در احوال حضرت موسی و حضرت یوشع علیهما السلام ۱۸۴	فصل ثالث در احوال فیاض بافیخاش بن عزیز ابن هارون علیه السلام ۱۸۴
فصل رابع در احوال کوشان و غنشان و عفلون و اهود با خود لیموذ و تمکار و باین ۱۸۴	فصل عاشر در احوال باراق و کدعون ۱۸۴	فصل اول در احوال ایمالخ بن کدعون و یوآ ایروامو نیطو و یفنج و ابصن و الوان ۱۸۵	فصل ثامن عشر در احوال عبدون و حکام شهر فلسطین و شمسون الجبار و عالی السکاهن ۱۸۵
فصل ثانی و عשרون در احوال اشمویل بنی علیه السلام ۱۸۵	باب ناسع در احوال ملوک بنی اسرائیل ۱۸۵	فصل اول در احوال طالوت بن قیس ۱۸۵	فصل ثانی در احوال ایش پوش و حضرت داود بنی و سلیمان بن داود علیهما السلام ۱۸۶

فصل خامس در احوال رجیم یا خود رجیم یا خود رجوعام و بیان افیا یا اثیا یا ابضیا بن رجیم ۱۸۶	فصل سابع در احوال اسابن اتاو و یوشافاط و بیان یورام بن یوشافاط ۱۸۶	فصل حادی عشر در احوال علیا هو ۱۸۶	فصل ثانی عشر در احوال یوش بن اخروام صیا هو بن یوش و عزریا هو و یوش و حزقیا ۱۸۷
فصل ثامن عشر در احوال منشایا منشینا ابن حزقیا ۱۸۷	فصل ناسع عشر در بیان امون بن منشایا و یوشیا بن امون و یوشیا بن و یوشیا بن ۱۸۸	فصل ثالث و عשרون در احوال یحیی بن یهویاقیم و صدقیان یوشیا ۱۸۸	فصل خامس و عשרون در احوال ناشیه بن اموص ۱۸۹
باب عاشر در احوال ملوک یونان و بطالسه ۱۸۹	فصل اول در احوال فیلید بن مصریم ۱۸۹	فصل ثانی در احوال اسکندر بن فیلید و اجال جمع احوال او ۱۹۰	فصل ثالث در احوال شوس بن لاغوش المنطقی و فیلوذ قوس و اورا خطیس ۱۹۱
فصل سادس در بیان فیلو بطور و اقیه قوس و فیلو مطول و اورا خطیس الثاني ۱۹۱	فصل عاشر در بیان سوطراوشیدر یطس و اسکندروس و فیلوذ قوس الثاني ۱۹۱	فصل خامس عشر در احوال قالدو بطرا ۱۹۱	باب حادی عشر در احوال ملوک روم از کفار ۱۹۱
فصل اول در احوال غالیوس و یولیوس و اغطس و طیبیاریوس و فلیو دیوس ۱۹۲	فصل سابع در احوال مارون و ساسیانوس و ططیسوس ۱۹۲	فصل عاشر در احوال درمطنیوس و بارواس و طرانانوس و انطونیوس و مر قوس ۱۹۳	فصل سادس عشر در بیان قوم و دوس و فوطنجوس و اسکندروس ۱۹۳
فصل حادی و عשרون در بیان مکسمیسوس و عوردیانوس و دقیانوس و غالیوس ۱۹۳	فصل خامس و عשרون در بیان ارتانوس و فلو دنوس و اذر فلینوس و فرد قوس ۱۹۳	فصل ناسع و عשרون در بیان فاروس و دقانیانوس ۱۹۳	باب ثانی عشر در احوال ملوک رومیان نصاری ۱۹۳
فصل اول در احوال قسطنطین المظفر ۱۹۳	فصل ثانی در احوال قسطس و کایانوس و یونیانوس و رالیطیانوس ۱۹۴	فصل سابع در احوال خرطیانوس و تادوس و سوس و افاریوس و اورپوس ۱۹۴	فصل حادی عشر در احوال تادوس و سوس الثانی و مر قیانوس و رالنطیس و لوان ۱۹۴

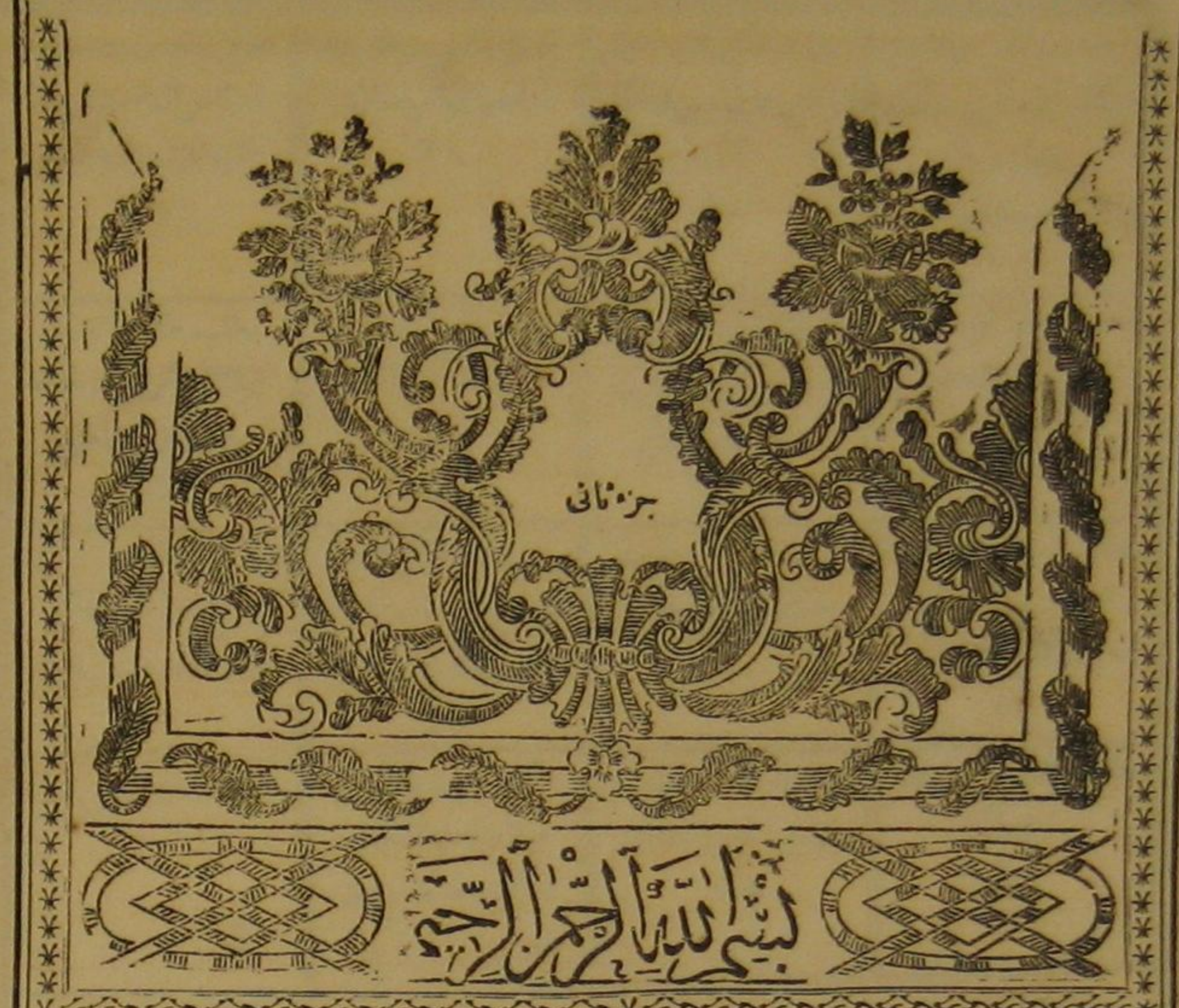
فصل خامس عشر در بیان زبیمون و امطینوس و نوسطینوس و نوسطینوس الثاني ۱۹۴	فصل ناسع عشر در احوال نوسطینوس الثالث و طبرپوس و طبرپوس الثاني ۱۹۴	فصل ثانی و عشرون در بیان ماریقوس و مرقوس و قوقاس و ارقیاس ۱۹۴	مطلب حکایت و روایت مفصلة اخرى در ذکر قیصره روم ۱۹۵
مطلب طبقه قیصره یونان ۱۹۷	باب ثالث عشر در احوال ملوک غسان ۱۹۷	فصل اول در احوال جفنه بن عمرو و عمرو بن جفنه و ثعلبه بن عمرو و حارث بن ثعلبه ۱۹۷	فصل خامس در احوال جبلة بن الحارث و حارث ابن جبلة و منذر بن حارث و نعمان بن حارث ۱۹۷
فصل ناسع در بیان ابن الحارث و ایهم بن حارث و عمرو بن حارث و جفنه بن منذر ۱۹۷	فصل ثالث عشر در بیان نعمان بن منذر و نعمان ابن عمرو و نعمان بن الایم و حارث بن الایم و نعمان بن حارث ۱۹۸	فصل ناسع عشر در بیان منذر بن نعمان و عمرو بن نعمان بن منذر و حجر بن نعمان و حارث بن حجر ۱۹۸	فصل ثالث و عشرون در بیان جبلة بن حارث و حارث بن جبلة و نعمان ابن حارث و ایهم بن جبلة ۱۹۸
فصل ثامن و عشرون در بیان شراحیل بن جبلة و عمرو بن جبلة و جبلة بن حارث و جبلة ابن الایم ۱۹۸	باب رابع عشر در بیان ملوک الحنفیه و احوال مالک بن قهم الازدی و عمرو بن قهم و جذیمه الابرش ۱۹۹	فصل رابع در احوال عمرو ابن عدی اللخمی و امرء القیس و عمر و اللخمی و اوس بن قلام العمالی ۱۹۹	فصل ثامن در احوال امرء القیس المحرق اللخمی و نعمان ابن امرء القیس ۱۹۹
مطلب ترک مالک و احوال منذر بن نعمان و اسود بن منذر و منذر بن منذر و علقمة الذمیلی ۲۰۰	فصل رابع در بیان امرء القیس بن نعمان و منذر بن امرء القیس و حارث بن عمرو بن حجر الکندی ۲۰۰	فصل سابع عشر در احوال عمرو بن هند و قابوس بن منذر بن ماء السماء و نعمان بن منذر بن الطائی و زارومه الهمدانی ۲۰۱	فصل عشرین در بیان منذر بن نعمان بن منذر بن ماء السماء و ایاس بن قبیصة الطائی و زارومه الهمدانی ۲۰۱
فصل ثالث و عشرون در احوال منذر بن منذر ۲۰۱	باب خامس عشر در احوال ملوک کنده ۲۰۱	فصل اول در احوال حجر و عمرو بن لخی بن قعنه بن خندف ۲۰۲	مطلب ضلالت عرب و اظهاری بدع و احوال زهیر الکلبی و کلیب بن ابی ربیع و زهیر بن العباسی و قیس بن زهیر ۲۰۲
فصل ثامن در احوال حارث بن عمرو بن حجر و حجر بن حارث بن عمرو ابن حجر الاکبر بن عمرو بن معاذیه ۲۰۳	فصل ثامن در احوال امرء القیس ۲۰۳		

قسم ثامن من الجزء الرابع کتاب مرآت الکائنات			
باب اول در سبب اختلاف لغات و انتشار امم بکائنات ۱	باب ثانی در اسامی و احوال امم عالم از بنی آدم ۲	فصل اول در احوال امت سریان ۲	فصل ثانی در احوال امت صابیه ۳
فصل ثالث عشر در احوال قبطیان و امت فرنک و امت عجم ۵	فصل سادس در احوال امت کرد و امت اترک ۶	فصل ثامن در احوال امت تاتار و امت چین و امم در بند ۷	فصل حادی عشر در احوال امت روس و امت صقالیه و امت یاجوج و مأجوج ۸
فائده در خروج یاجوج و مأجوج در آخر زمان ۹	فصل رابع عشر در احوال امت هند و امت سند ۱۰	باب سادس عشر در احوال امت حبش و امت سودان و امت کنعان ۱۱	فصل ناسع عشر در احوال امت بربر و امت بنی اسرائیل ۱۲
فصل حادی و عشرون در احوال امت روم ۱۴	فصل ثانی و عشرون در احوال امت ارمن و امت یونان ۱۵	فصل رابع و عشرون در ذکر کرمانشاه و عظمای و حکما که از طائفة یونان و سایر امم جهان ۱۵	مطلب حکیم ابیدقیس و حکیم اردیوس و حکیم ارسططالیس ۱۵
مطلب حکیم ارشمیدس و حکیم اسقراطیس و حکیم اسکلتینوس و حکیم اسکلتینوس ۱۶	مطلب حکیم اسکلتینوس و حکیم اسکلتینوس الثاني و حکیم اسکندر افرو دیشی و حکیم اسطوقانوس و حکیم اغاثنادیون ۱۶	مطلب حکیم افلاطون الهی ۱۶	مطلب حکیم افراطین و حکیم اقلیدس و حکیم افلاطون ۱۷
مطلب حکیم انبا زقاس و حکیم انبا زقاس بن فاذن و حکیم اندروماخس و حکیم انکساغورس ۱۷	مطلب حکیم انکسانس و حکیم انکسیانوس و حکیم اومیرس و حکیم برقطوس و حکیم برمانیدوس ۱۷	مطلب حکیم بطلمیوس الفالوژی ۱۷	مطلب حکیم بقراط بن راقلیس و حکیم بقراطیس و حکیم بلیناس و حکیم تالیس و حکیم ثالس ۱۸
مطلب حکیم ثالیس و حکیم جالینوس و حکیم در هو یاس و حکیم دیسقوزیدس و حکیم ذوانا ۱۹	مطلب حکیم دیسقراطیس و حکیم زرداشت و حکیم سقراط بن نیفرسفس ۱۹	مطلب حکیم طفطیو هیس و حکیم فلقطیر یوس و حکیم فلو طرخیس رومی ۲۰	مطلب حکیم فولوس و حکیم فیثاغورث و حکیم فیلمون و حکیم ماریوس ۲۰

مطلب حکیم ماغنیس وحکیم مورطس وحکیم مینوس وحکیم نیقوماخس ۴۰	مطلب حکیم هرودیس وحکیم هوزیدیس وحکیم لاذن ۴۱	فصل خامس و عشرون در احوال ام نصاری ۴۱	فصل سادس و عشرون در احوال امت عرب که انلره عرب عاریبه دیرلر ۴۲
مطلب قبیله عمود و قبیله طسم و قبیله جدیس و قبیله عمالقہ ۴۳	مطلب قبیله جرهم و قبیله بنی عبیل و قبیله سبا و قبیله حیر ۴۴	مطلب قبیله قضاچه و قبیله ازد و طائفه خزاعه ۴۴	مطلب طائفه اوس و طائفه خزرج و طائفه غسان و قبیله طی ۴۵
مطلب قبیله مدح و قبیله همدان و قبیله کنده و قبیله بنی مراد ۴۵	مطلب قبیله نخم و قبیله جذام و قبیله اشعرون ۴۵	نوع ثالث اشب و فصل امت عرب اولنده کج دیک اوزره جمله جنس امت ۴۵	مطلب قبائل بنی ربیعہ و قبیله بنی بکر بن وائل و طائفه عرب بنی ضیفه ۴۵
مطلب طائفه بنی زهل وسائر ۴۵	مطلب قبائل بنی مضر بن نزار بن معد بن عدنان ۴۵	مطلب قبیله بنی قیس غیلان که و طائفه بنی هلال و طائفه باهله وسائر ۴۶	

۴۹۵





الحمد لله الذي جعل السلاطين المؤمنين * حجة الدين المبين وسبب نظام امور المسلمين * والصلاة والسلام
على محمد سيد الانام * وعلى آله وصحبه الكرام الى يوم القيام (اما بعد) اشتهر تاريخ مرآت الكائنات جامع
ومرتي وعفو ولفظ نامتناهي الهينك راجي ومتطلي بنده حقير واقفكده بر تقصير نشاني زاده محمد بن
احمد بن محمد بن رمضان عفا عنهم الكريم الرحمن واسكنهم فسيح الجنان ديرك * قسم خامس واول نصف ثاني
كتاب مر قوم اولان اشبو اوراق مختلوم افادت رسوم * صحابه كز بندنكره كلان اساطين سلاطين
اهل دين احوالري تبينه تعيين اولوب اون طقوز باب عالي قبايه توزيع وهر برى نيجه فصول نافعه
المحصل اليه تفريع اولفندر * وهذا اوان الشروع * مستعينا بخالق المجموع (باب اول در احوال
خلفاء بني اميه) اول معلوم اوله كه ماينده ابن الزبير محسوب اولمق اوزره اشبو طائفه اون درت نفردر
ابتداء خلافتري هجرتك قرق برنده اولوب تحتكاهلري دمشق شام ايدى مدت خلافتري سكسان
اوج بيل ودرت آي ايديكه جمله سى تمام بيك آي اولوب حضرت رسول عليه السلام بركون
منبرده ايكن خلفاء بني اميه تك حضرت حسينه بعده سائر مسلمينه ايدى جكلى ظلم و جفاره و مدت
سلطنتري بيك آي اوله جفته قدرت حقه مطلع اولدقده عثمانك اولغين في الحال جبرائيل عليه السلام
كلوب (انا انزلناه) سوره سن كنور وب (ليلة القدر خير من الف شهر) دن مراد بودرد عشره ثانيا معلوم
اوله كه اشبو ملوك بني اميه بي شفقت وحميد دن حضرت معاويه وهر بن عبد العزيز بر فاجندن غيريلري
بد نهادوبى سداد وفسق اعتياد اولوب محن واحن ايله توان اولان زمان عدم الامان عيم العدو انلرنده انواع
ظلم وفسق وخور ظهور ايدوب اول قوم مستحق اللومده اكثر ملوك سن سن رسول رب ذوالمننه عدم
سلوك اوزره اولوب اشبوات عالي همت اينجده (بيت) عرش شرع رسول جله مل * ابتداول زمانده
بولدى خلل (نثر) تفسير ابوالسعودده (الم تر الى الذين بدلوا نعمة الله كفرا واحلوا قومهم دار البوار جهنم
يصلونها فبئس القرار) آينده حضرت عمر و حضرت عبيد بن ريدركه الذين دن مراد رب العباد
قربندن اخراجن يعنى ايكي طائفه ذوى الطغياندر برى بني المغيرة درك بدرغز اسنده قتل ايله جزاوسزالرين
بولديلر برى دخی بني اميه درك جناب رب قهار بي اهمه الدن بر مقتضای حکمت زمان معينه دل امهال

اولفندر (فصل اول در احوال معاويه رضى الله عنه) ابن صفركه صفركه كني ابو صفيان
اولوب اسمنه غلبه ايتشدر ابن حرب بن اميه بن عبد شمس بن عبد مناف كه جد رسول عليه السلامدر
معاويه حضرت رسولك نبوتدن التي بيل اول طوغشدر پدريه مكه فتي كوفي حضرت رسول او كنده
ايمانه كلوب ايكي سى دخی اوائلده مؤلفه القلوبدن اولوب بعده اسلامري محكم اولدى * مر ويدركه
اوزون بويلو آق بكز لو خوب صورت ومهيب اولوب كولدوكى زمانده اوست دوداغى بوقارويه
قيور بيلوردى صفالى حنا وكم ايله بوياردى (منقب) قوارخ معتبرده مذ كوردركه حضرت
رسولك قرآن عظيم يازان كابلندن اولوب بونك حقهده اوقات متفرقهده (اللهم اجعله هاديا مهديا)
ديو (اللهم علم معاويه الكتاب والحساب وقه العذاب اللهم مكنه في البلاد) ديو خير دعا ايدوب
ودخی بونك خطابا (يا معاويه اذا ملكت فاحسن) بيوروب پادشاه اوله جفته اشارت ورمزله بشارت
ايتشلا ايدى حتى كندودن مر ويدركه رسول عليه السلام بكابو كلامي بيوردقندنكره خلافت رجا سندن
خالى اولدم و دخی بركون رسول عليه السلام بر طواره بنوب معاويه بي آردنه بندروب كيدر كن (يا معاويه
ما يلبني منك) يعنى سنك بكانه عضولك يقيندر ديوب اودخی فارغ ديدكده (اللهم املا عيونا وعلما وحملا) ديو خبر دعا
ايتدیلر حضرت علی حضرت معاويه حقهده بعض كسنه لره (لا تكرهوا امره معاويه فانكم لو قد غوه لرأيتم
الرؤس تندرن كواهلها) ديمشدر مر ويدركه معاويه عقل و ذكاو عفو وسخاوت تدبير معظمات اشياه
ماهر ومكمل وملايمت وحلمه ضرب مثل اولوب حلم وعفوى خصوصنده نيجه حكايه وخبر لطيف
اولوب مستقلا ايكي كتاب عربى تأليف اولفندر * مر ويدركه طائفه عربك دهاتى يعنى غایت نخسندلري
درتدركه برى معاويه وعرو بن العاص ومغيرة بن شعبه وزباد ابن اميه در بعض سلف ديمشدر كه معاويه
اهل مهابت ونجاعت وتدبير وسخاوت وسعى واقدام واهل همت اولوب هر وجهله كويا سلطنت
ايچون يراد لمشدى حتى حضرت عمر يا اعلام رسولها بكرامت وفرستله معلوم اولغين معاويه به باقدقده
هذا كسرى العرب يعنى عرب حاكملندن عجم پادشاهلرينه تقليد ايدى جك سلطان كامران صاحب
شوكت وزينت وشان بودرديردى * مر ويدركه عظماء اسخياندن اولوب جزئ بهانه ايله نيجه بولك اجقه
باغشليوب بركره حضرت حسن بورجلندن شكايه ايتدكده سكسان بيل فلورى باغشليوب وقعه
صفينده دخی مغلوب ايكن مدبرامورى اولان عمرو بن العاصك حيله سيله غالب اولدقده انى مصره حاكم ايدوب
آلى بيلدك جله مصرخز بنه سن اكاباغشليوب عمرو وفات ايتدكده بتمش دوه بوكى تقد فلورى سى چقدى
(احوال خلافت) بيولك برادرى يزيد بن ابى سفيان حضرت عمر طرفندن حاكم شام ايكن هجرتك
يكرميسنده يزيد وفات ايتدكده كندوير بنه معاويه بي نصب ايدوب حضرت عرايشدكده ابقا ايتدى
حضرت عثمان خلافتنده يرنده طور وب عثمان شهيد اولدقده اوزاقدن اقر باسندن اولغين باب احوال
عليه ذكر اولفندى كبي عثمانك قانن طلب سبيله دعواى خلافت ايدوب اهل شام وحاب ومصرى
كندويه اويدوب حضرت علي ايله جنكرا ايدوب بعد زمان حضرت علي وفات ايتدكده حضرت حسن ايله
دخی جنك مقرر ايكن قول اصح اوزره هجرتك قرق برى ربيع الاولده باجنادى الاولى ده باشوالده
حضرت حسن مسلمانلرك قانن بلا سبب دوكمك ايچون حسن اختياريله معاويه به فراغت ايتدكده
شرعا صحيح خليفه اولغين جميع ممالك اسلاميه خلقى راضى اولدقنده اول سنه به عام الجماعة ديو آدقوديلر
استقلاللرك اولكي بيانده مروان خيمى مدينه به حاكم ايدوب بنه اوائلده مسلمانلر مغربدن افر بقيه شهرينك
اطرافنده كفاره غزا ايدوب ماللر واسيرلر ايلدر هجرتك قرق ايكي سنده عبد الرحمن آدلو بر سردارى بعض
بلاد سجستانى وقرق او چنده بعض بلاد سودانى وترق درندن هندستانده كابل شهرى فتح ايدوب مهاب
آدلو سردارى دخی هندستانده كفار ايله جنك ايدوب انلري صيوب قرق بشنده حاكم مصر
مغربده افر بقيه شهرى فتح ايدوب بنه قرق بشده تر سنانده قبقان شهرى قرق يديده مغربده
بنه افر بقيه شهرى فتح اولوب بنه قرق يديده ولايت چين وخطا خلقى اولان كفار اترالك جهيله خروج
ايتدكارنده مسلمانلر ايله ابن سوار آدلو سرداره مقابله اولدقنده جله سى شهيد اولوب اترالك نابلك قبقان

شهری تکرار آلود از آنکه مسلمانی را باند اجنبی بوایدی قرق سکر زده معاویه عسکر ایل از بره قبرسه بالذات
 کندوسی سغری تندی هجرتک الی سنده بمده قهستان شهری جبر ایل فتح اولندی واشوس سنده معاویه
 اوغلی یزیدی قسطنطنیه فتحه سردار ایدوب وارد قدح کبار صحابه دن حضرت ابی ایوب انصاری ایل
 نیجه صحابه و غیریدن بعض کسینه لدخی شهید اولدی بیلر بعد کفاری خراج کسوب کلوب اول ائنده
 مدینه دن حضرت حسنک وفاتی خبری کاد کرده معاویه یزیدی کندو دصکره خلیفه ایتمکه اهل
 شام دن بیعت آلوب الی برده حج ایچون مدینه به کاد کده حضرت حسین و ابن الزبیر و عبد الرحمن
 ابن ابی بکر رضی الله عنهم وافر ماللر و یروب یزیده بیعت تکلیف ایدوب انلر راضی اولد قلزنده سائر ناسی
 راضی ایدوب شامه کندی الی درنده ابن زیادی ولایت خراسانه سردار کوند روب نهر جیحونی
 دوه ایل کیچوب بخارا ولایتک بعضیسن آلوب طبرستان خلقی ییلده بشر یوز ییک ایلخه خراج کسدی
 الی آئیده خراسان حاکمی سمرقنده غزا و کفار ایل جنک ایدوب صلح اولد قلزنده رهنلر بن الدیلر الی
 طقوزده معاویه نک بکارندن بری مغربده بریده کفار ایل مرار اعظم جنک ایدوب طرفیندن ییجودی عد
 آدم قتل اولندی * قدس شریفی سابقا حضرت عمر فتح ایدوب بعد زمان کافر لکلوب آلدی معاویه
 تکرار فتح ایدوبی والحاصل بونک حقنده رسول علیه السلام (اللهم مکنه فی البلاد) دیو خیر دعا یتکین معجزه
 رسول ظهور ایدوب مغربده فراوان شهرندن مشرقده بخارا شهر نه دل و دیار یندن قسطنطنیه به دل
 بوار اقلزده اولان یمن و حجاز و شام و مصر و مغرب و عراق و جزیره وارمنیه و اذربایجان و روم و فارس
 و خراسان و جبال و دیلم و ماوراء النهر اقلیلزنده اولان جله شهرلر بی مانع و مزاحم ضابط و حاکم اولوب
 عظیم الهیبه و نورانی الشیبه منلیج الصوره جمید السیره وافر الاحتشام باهر الاحترام محبوب القلوب
 مسلوب العیوب سلطان عالیشان نصرت نشان ایدی * ثیاب فاخره کیوب لطیف اتره بنوب امور سلطنتندن
 متلذذ و محفوظ لکن برکت صحبت رسول الله سبیلله مخالفت شرع دن محفوظ ایدی (اولیات)
 مرویدرکه ۱ خلدن بیعت الدقه بعضیسنه یمن و یرمک ۲ حضور و سروردن محکم سموز اولد قدح منبرده
 خطبه بی او قور کن او قومتی ۳ خطبه عیدی صلا عید دن مقدم او قومتی ۴ صلا عید ایچون اذان
 او قومتی ۵ تکبیر عددلر بنی اسکاتین ۶ مصلحت ایچون اولاق کوند رملک ۷ طواشیلری یعنی آلت
 رجولیلری کیشلر خادم لری استخدام ایتک ۸ بشقه دیوان مهری قوللق ۹ حضرت علی شهید اولزندن
 اقل خوار جلدن بری معاویه بی قلی ایل مجروح ایتکین جامعه مقصوره یایدی یروب غماز قیلد بجه
 انک ایچنده قیاتی ۱۰ قدیمدن کعبه به اورقون اورقور بری برینک اوستنه اورتیه کیش ایکن یکی
 اورقور اولد بجه اسکسی چیقارلق ۱۱ خافا زمره سنده کندو دصکره خلافتی اوغلنه تعیین ایتک
 واول خصوصده مقدما خلدن بیعت آلتی ۱۲ بر شاعر کسینه سرقه ایتدیکی ثابت آلوب قطع ید
 لازم کاد کده برایکی منظوم بیتله تضرع ایتکین عفو ایدوب امت محمد ایچنده ابتدا اسقاط حد شرعی ایتک
 بوجله معاویه نک ایجاد واحد ایدر ۱۳ قدیمدن جیع طوائف عربده خصوصاً حضرت رسول علیه السلام
 ایل چهار یارلک حکومتلری زمانلر زده اطعمه متنوعه اولوب همان مطبوخ قسندن یخنی واون و بغدادی
 آشلی استعمال اولوب بونلرک دخی ایکی درلوسی بر زمانده جیع ایتک آزار واقع اولوردی معاویه
 خلیفه اولد قدح طائفه عرب ایچنده تنوع و تعدد طعامی ابتدا و احداث ایدی اکول کسینه اولغین
 بر شاعر بونی ضرب مثل ایدوب دیشدر (بیت) و صاحب بطنه کالها و به * کات فی امعانه معاویه *
 (نثر) مرویدرکه برکون حضرت رسول علیه السلام بونی بر مصلحت ایچون چاغردوب یکن بیوردیو خبر
 و یریلوب بر زمانده دخی چاغرد قدح یتکین یوردید کارنده رسول علیه السلام (لا شیع الله بطنه) یعنی الله
 فارغی طوبور مسون دیدیلر واقعا اول زماند نبیره قدر طعام به قاری تمام طوبوریدی (فائده) بونک
 زمان خلافت صحیح سنده وفات ایدن کبار مشاهیر صحابه بلا ترتیب زمان الوفا بونلردر حضرت
 رسول خاتونلرندن حفصه و ام حبیبه و صفیه و سمیونه و سوده و جویریه و عائشه و سائر صحابه دن عثمان
 ابن طلحه بواب کعبه مکرمه و عبد الله بن سلام اکبر علماء یهود سابقا و ایدو الشاعر و عمرو بن العاص

حاکم مصر و صفوان بن امیه و محمد بن مسلمه و ابو موسی الاشعری وزیر بن ثابت کاتب رسول الله علیه السلام
 و کعب بن مالک شاعر رسول علیه السلام و مغیره بن شعبه حاکم بصره و جریر بن عبد الله الجلی که غایبده
 کوزل اولغین حضرت عمر (جریر یوسف هذه الامة) دیوب ودخی حددن بیرون اوزون قامت اولوب
 ایغنتک طبانی بر ذراع ایدی و ابو ایوب الانصاری که استانبولده شهید اولدی و سعید بن زید از عشره
 مبشره و عثمان بن ابی العاص و خالد بن الولید سردار شجاعش عمار و عمران بن الحصین که بعض ملائکه بوکا
 سلام و یروب لکن کور غزلردی و معاویه بن خدیج و ابو بکره الثقفی و عمر بن حذم و عبد الرحمن
 ابن ابی بکر الصدیق و زیاد ابن ابیه و اسامیه بن زید بر سر بنده رسول علیه السلام و ثوبان بنده رسول
 علیه السلام و جبر بن مطعم و حسان بن ثابت شاعر رسول علیه السلام و حکیم بن خزام که کعبه نک
 ایچنده طوغشیدی و ابو قتاده و فضال بن عبید قاضی شام و سعد بن ابی وقاص از عشره مبشره و ابو الیسر
 و قثم بن العباس ابن عم رسول الله علیه السلام و عبید الله بن العباس و شداد بن اوس و عقبه بن عامر و سعید
 ابن العاص و ابو محذور مؤذن الرسول علیه السلام و حمزه بن حذاف و عبد الله بن مغفل المزنی و ابو هریره
 ودخی نیجه صحابه * مرویدرکه ابو هریره (اللهم انی اعوذ بک من رأس السنین و امارة الصبیان) دیو دعا ایدردی
 پس قبول اولوب هجرتک الی طقوزنده وفات ایدی (وفات معاویه) ولایت شامده عمر خلافتنده
 درت ییل عثمان خلافتنده اون ایکی ییل علی خلافتنده تغلب ایل بش ییل حسن خلافتنده آلتی آی
 حاکم اولوب حسن فراغتند نصره جمیع ممالک اسلامی به شرعاً صحت اوزره اون طقوزیل و اوج یاسکر آی
 خلافت و سلطنت سوروب هجرتک التمشی رجبنده یتش طقوز یا یتش بش یا یتش سکر یا یتش دمشق
 شامده وفات ایدی (نظم) جله خلق اهل سفر عالم مسافر خانه در بر مقیم آدم بولنر خیمه افلا کده *
 مرویدرکه مرض موده مقدما یتنا صقلا دیغی حضرت رسولک مبارک صاحب لردن بر قاج دانه قیلی
 و مبارک طرقلرین وفات ایتکده آغزینه و کوزلرینه قوماعه وصیت ایدوب (افه لوا ذلک و خلوا بیتی
 و بین ارحم الراحمین) دیدی * مرویدرکه عبد الرحمن و یزید و عبد الله آدلو اوغلاری هند رمله صفیه
 عائشه آدلو قزلی اولوب قاجی صوکنه قالدیغی نامعلومدر (فصل ثانی در احوال یزید لعین بن معاویه)
 ابن ابی سفیان هجرتک بکری التیسنده یا شنده طوغوب غایبده فارغ ز کوده سی ایری و سموز و قیللوا ایدی
 و یوزی وافر چچک نشانلوا ایدی عالم و شاعر بلایع لکن زانی و لوطی و مدمن خرف و نازل الصلا ایدی و ظالم
 بی رحم و بی دروغ و کردن شقا عذنی سزا و ارتیغ اولوب اهل بیت رسول و حرمین شر یقین خلقنه ایتدو کی
 انواع ظلم و اهانت تاروز قیامت باعث نفرت و لعنت اولمشدر * حضرت قهار عظیم الشنوندن مرجو
 و مطمئندرکه انصار و اعوان بی ایمانله اید الابدین اسفل السافلینده قرین کفار و شیاطین اولر
 (اول من یدل سنتی رجل من بنی امیه یقال له یزید) دیو ودخی (لا یرال امر امتی قائماً بالقسط حتی یکون
 اول من یشله رجل من بنی امیه یقال له یزید) دیوایکی حدیث صحیح وارد (بیت) دیمه بوجبه درلو
 فساد اول لعین * ایدوب نیجه اولدی بلادن امین * بوا مهالی صغره که امهالدر * واملی اهم ان کیدی متین *
 مرویدرکه حضرت عمر بن عبد العزیز نک یا شنده بر کسینه یزیدی امیر المؤمنین یزید دیو یاد ایتد کده اکابولیه
 دیرسن دیو قاقیوب تعزیر امر ایدوب بکری دکنک او ردیلر یعنی او مقوله فاسق لعین و ظالم بی دین
 بد آینه امیر المؤمنین دیمک شجاعا ز کدر دیدی (قصه کربلا) پدیری وفاتده حص بکی ایکن دمشق شامه
 کلوب مقدما پدیری بونکیچون جله خلدن بیعت آلتش اولغین حاضر و غائب اولان مسلمانلر کیکی
 بالا اختیار کیکی بالا ضرار بیعت ایدوب لکن حضرت حسین و عبد الله بن الزبیر یزید ظالم و فاسق
 اولغین خلافتنه مستحق دکدر دیو سابقا و لاحقاً اصلا رضا و برمیوب مدینه دن اولان ابن الزبیر که به
 واروب خلیفه اولوب بعده حضرت حسین دخی واروب مقدما ذکر اولندیغی اوزره نوابعیه کوفه به
 کیدر کن صحرای پر عنا و جای کرب و بلا اولان کربلا به کد کده انده شهید و واصل رحمت رب مجید
 اولدیلر (نقشه دیگر) اشراف حرمین سامع قتل حسین اولد قلزنده یزیده ایتد کفری بیعتلرین یوزوب یزید
 طرفندن مدینه حاکمی اولان عمرو بن سعید مکده عبد الله بن الزبیر اوستنه انک برادری لکن عدوسی اولان

عمر بن زبیری و انیس آدلو بر کسینه بی ایکی بیک عسکر ایلہ کوندروب بولده انیس عبد الاله آدملری
 قتل ایدوب عمری طوقوب عبد الله انی اور دیروب دکنک التندہ وفات ایدی (محرارہ مدینہ)
 کہ وقعہ حرہ دیکہ مسیحی و مشهور اولشد * مرویدر کہ اهل مدینہ بزید طرفدن حاکمیری عثمان بن محمد
 ابن ابی سفیان و جله بنی امیہ بی شہردن سوروب بزید ایشد کده مسلم بن عقبہ آدلو کافر صفت خبیثی
 اون بیک عسکر شرار ایلہ جنکہ کوندروب مسلمانلر ایشد کده مدینہ اطرافنه خندق قازوب اعداء
 پرداء بدرا التمش اوچ ذی الحجہ سی اوخترندہ کلوب شہرک طشرہ سندہ فتح حالہ حرہ آدلو برہ قونوب
 شہردہ کند ولرہ بر سردار دیکوب جمعیت ایدن مسلمانلرہ اوچ کونہ دلک بیای بزیدہ بیعت تکلیف ایدوب
 رضا ویرمد کونہ عسکر بزید (من اخاف اهل المدینة اخافه الله وعلیه لعنة الله والملائكة والناس اجمعین)
 حدیث شریفک مضمونشدن خوف ایتوب اهل مدینہ بی تخویف ایچون جنک ایدوب مسلمانلری
 صیوب اوچ کونہ دلک شہرک ایچنہ قلیچ چکوب نهب و غارت و انواع خسارت ایدوب سائر ناسدن
 ماعدا اوچیز یاجلہ سی صحابہ دن اولان یدیبوز نفر اهل قرآنی شہید و بیک عدد بکرہ قیزی جبر ایلہ
 تصرف ایدوب اول زمرہ اهل بقی وقتک ناموس شرعی هتک و بلد واجب التعظیم حضرت رسول کریمہ
 مسلماندن صادر اولمز نیچہ عظیم ایش ایدوب رعایتلری شرعا واجب اولان صحابہ بی غایت تشویش
 و یروب حتی کمال قترندن وقتنہ و فساددن مسجد شریف حضرت رسولہ اوچ کونہ دلک جماعتلہ نماز
 قیلغہ چارہ اولمیوب اهل مدینہ آوارہ اولدیلر عاقبت بقیہ مسلمین کمال ضرورت و کراہتلہ بزید لعینہ
 بیعت ایتدیلر (محرارہ مکہ) من یور مسلم بی دین امر بزید لعین ایلہ مکہ کیدوب دخی مدینہ دہ جنک
 اولنورکن محفہ ایچندہ یا نور خستہ اولغین بولده هلاک اولوب بعد زمان قہرندن چکار یلوب صلب
 اولنوب الی الان قبری طاشلقی اوزرہ درانک برینہ حصین آدلو کسینہ سردار اولوب عسکر ایلہ محرمک
 دردخی کونی مکہ و اروب چادرلر قوروب اندہ مسلمانلر ایلہ جاییجا بر رمقدار جنک ایدوب شرعا
 امیر المؤمنین و رئیس المسلمین اولان عبد الله بن زبیر صاحب خیر سالب ضیر بعض مسلمانلہ حرم کعبہ دہ
 چادرلر قوروب اندہ تحصن ایتدکلیچون فریق بی توفیق ضلالت رفیق شہرہ حوالہ اولان ایکی طاغدہ
 مخفی قوروب طاشلر آتغہ باشلیوب اکثری کعبہ معظمہ بی طوقنوب حیادن بری اولان اشقیانک
 بری کوندرو اوجیلہ آتش بارہ می قالدردقہ دل اوچوروب کعبہ نک اورتوسی بعدہ دیوارلر نیک سقنی
 یعنی توانی بانوب انون اولوقدہ قدیمدن تبرکات اصلش اولوب حضرت اسمعیلہ جنتدن فدا کلان
 قوچک بو نوزلری دخی بانوب او تو ز قرق کون محاصره دنصکرہ ربیع الاخرک اوچنی کونی بزیدک
 موتی خبری کلد کده ایکی عسکر بارشوب بر بریلہ قارشوب ابن زبیرہ خلنی بیعت ایدوب عسکر شام اولان
 خاتم اثم چکوب کندیلر (متفرقات) مرویدر کہ بزیدک زمان بی امامتہ دہ مسلم بن زیاد آدلو بر بکی
 خوارزم ایلہ بخارا شہرلر بن فتح ایدی من بولک معاویہ خالد ابوسفیان عبد الله الاکبر عبد الله الاصغر
 عمر عبد الرحمن عتبہ الاعور محمد ابوبکر حرب ربیع آدلو اوغللری و ارایدی کعبہ بی ابتدا حریردن اورنواورتن
 بزیددر بر روایتدہ ابن الزبیر درمہر نیک نقشی ربنا الله ایدی غایت فصیح و بلیغ شاعر اولوب جلد اشعار نیک
 بری بودر کہ (نظم) دعوت بماء فی انا فجاءنی غلام به خرافا وسعته زجر ایفقال هو الماء القراح وانما
 تبدی به خدی فاوهمک الخرا * و دخی حیرنک التمش درت ربیع الاول بیک نصفندہ حوران شہرندہ یا حص
 شہری قریبندہ بوغاز اگریسندن وذات الجنیدن هلاک اولوب تخرکاهی اولان دمشقہ کو نور یلوب
 دفن اولندی دیوات بی امیہ انقراضندن الی هذا الان قہر نجاشی شعاری سنہ کسار اولغنی اوزرہ در *
 مقتل منظوم لامعیدہ طام اوشتندہ شراب ایچوب کعبہ مستانہ او بانوب طام کازندہ نبول ایدرکن
 آشاغہ دوشوب هلاک اولدی بعضیلر دیکہ شیشوب هلاک اولدی دیومذ کورد * مدت عمری او تو ز
 سکر یا او تو ز طوقو ز مدت سلطنتی همان اوچ بیل و سکر آ ای ایدی زمان سلطنتدہ ظلم قتل اولسانلردن
 غیری وفات ایدن صحابہ نک مشهورلری حضرت رسولک خاتونلردن ام سلمہ و خالد بن عرفطہ و جره د
 الاسلمی و جابر بن عتیق و بربدہ بن الحصب و مسلمہ بن مخدوم و سور بن حمزہ و کبار تابعیندن علقمہ و مسروق

و ابو مسلم الخولانی ایدیلر (فصل ثالث در احوال معاویہ بن زبید بن معاویہ) مرویدر کہ پدری
 بزید لعین وفاتدہ یکرمی باشدہ اولوب انک وصیتلہ اهل شام بوکایت ایتدیلر (یخرج الحی من الميت)
 مہو و منجہ اصلا بابا سنہ بکرہ میوب غایت عاقل و دیندار و متقی وعدہ التشعار ایدوکی محقق و کذیبی
 ابولیلی و لقبی راجع الی الحق ایدی * تاریخ سیوطیدہ خلیفہ اولدقہ خستہ بولغین اصلا طشرہ جیہ میوب
 امور خلافتدن برنسنہ اشلیوب قرق کوندن یا خود ایکی آیدنصکرہ یکرمی بر یا یکرمی باشدہ وفات
 ایدی * حین احتضار دہ بریکہ خلیفہ اولغنی نیچون بر کسینہ بی تعیین ایتزن دید کارندہ (ما صبت
 حلا و تها فم اتمم مرار تها) دیو جواب حکمت نصاب و یردی دینوب * لکن کتب حیاۃ الحیواندہ
 مفصلا مذکور در کہ جدی معاویہ نک خصوصاً پدری بزیدک ایتدکاری افعال مشہورہ سنہ غایت
 منکر و بیحضور اولغین خلافتدن قرق کون یاش آ ی و بر قاج کوندنصکرہ حسن اختیار یلہ
 فراغت ایچون منبرہ جیقوب بر خطبہ بلیغہ او قویوب بعدہ جلد نیک بعض افعالن و پدر نیک خبت
 و ضلالتن تفصیل بعدہ بکاء عولیلہ تعویل ایدوب یعنی ناروق ایلہ جکر بن داغلیوب زار زار اغلیوب بعدہ
 (وصرت انا ثالث القوم والساخت علی اکثر من الراضی وما کنت لاثم لکم ولا برای الله جلت عظمته
 مقلدا اوزارکم والقاه بیدعائکم فشا نکم امر کم نخذوه ومن رضیت به فلوله فقد خلعت بیعتی عن اعناقکم
 والسلام) دیوب آشاغہ اینوب سربایہ واردقہ کمال صلاحندن او توروب اغلا یوب والدہ سی و اقربای کلوب
 علینک و اولاد نیک محبی او ماش سن دیو انواع طعن و تشنیع ایتدیلر * بعدہ انک خواجہ سنی طائفہ بنی امیہ
 بونی اضلال ایدن سندن دیوب اولدخی بین ایتد کده اینا میوب ظلماً طوقوب صاعیکن طہراغہ کومدیلر
 معاویہ دخی فراغتندن قرق باطقسان کونصکرہ ماہ جادی الاخرہ دہ یکرمی اوچ یا یکرمی سکر باشدہ
 وفات ایدوب خلافت رجاسیلہ نمازنی ولید بن عتبہ بن ابی سفیان قیلغہ مقام امامتہ کیچوب تکبیر ایتدوکی
 ساعت مطعون اولوب نمازی تمام ایتدین وفات ایتدین اول نماز بوز یلوب تکرار مروان قیلوب اهل شام
 انی خلیفہ نصب ایتدیلر من بوم معاویہ نک اولادی قالمیوب برادرلری قالدی مہر نیک نقشی الدینا غرور ایدی
 علیہ رجۃ ربہ الغفور (فصل رابع در احوال عبد الله بن الزبیر) اگر چه کیم بنی امیہ دن دکلدی لکن
 بالکثر باشقہ بر بایدہ یازاق مناسبتی اولمیوب زمان خلافتی ملوک بنی امیہ زمانلر نیک اراشدہ واقع اولغین
 بالضرورہ انلرک ایچندہ یازلدی * حتی تاریخ الخلفادہ مروان باغی ایدی خلافتی شرعا جائز د کل ایدی
 دیوانی اصلا یاز میوب معاویہ بن زبید ایلہ عبد الملك اراشدہ همان اشبو ابن زبیر یازشد * (فائدہ)
 فضائلک اجمالی بودر کہ (۱) پدری زبیر بن العوام عشرہ مبشرہ دن (۲) والدہ سی حضرت ابو بکرک قری
 اسماء ذات النطاقین در (۳) حضرت رسول علیہ السلام و اصحابی مدینہ بی ماہ ربیع الاولہ ہجرت ایدوب
 مدینہ بیودیلری مسلمانلرہ شہد نصکرہ اصلا اولاد کن اولما میچون بزیزہ سحر ایشوز در دیکین مسلمانلر
 بیحضور را بکن اول سنہ نک یا ایکنی سنہ سینک شوالندہ اشبو عبد الله طوغد قده حضرت رسول ایلہ جلد
 صحابہ کمال مرتبہ سرورلردن صوت اعلا ایلہ تکبیر مولا ایتدیلر جدی ابو بکر الصدیق بونک قولاغنه اذان
 و یردی (۴) بعدہ والدہ سی بونی حضرت رسولہ کتوروب مبارک دیرلرینہ قومغین خرما کتوروب مبارک
 آغز لیلہ چیغیوب بعدہ اغزینہ نو کروب بعدہ اول خرما بی آغزینہ یلا دوب دعا ایدوب ارقاسن
 صغایوب آدی عبد الله کنیتنی ابو بکر قودیلر (۵) یدی سکر یاشنہ واردقہ پدری تعلیملہ حضرت رسولہ
 بیعت ایتدک کلد کده رسول علیہ السلام کوروب تبسم ایتدیلر (۶) بر کردہ دخی رسول علیہ السلام کندولرہ
 حجامت ایتدیلر یروب قانلر بی یرہ دفن ایچون بوکاو یروب بودخی تبرکات جلد سن ایچوب رسول علیہ السلام
 نہ ایلدک دیو صوروب ایچدم دید کده (من خالط دمه دمی لم تمسه النار و بلک من الناس و بل للناس
 منک) دیدیلر (۷) مرویدر کہ غایت عابد و زاهد اولغین علی التوالی احیاء جمیع ایالی ایدوب بر کیچہ صاحبہ دلک
 نماز دہ قیامہ بر کیچہ رکوع دہ بر کیچہ سجود دہ طور مغہ معتاد اولوب نمازنی بوقدر اوزادوب لکن غایت
 ساکن اولقدن قوشچغزلر بونی اغاج صانوب اوستونہ قونوب کندی اصلا طویزدی (۸) اکثر ایامدہ صائم
 اولوب حتی کاه بر قاج کون کاه اون بش کون کیچہ و کوندز او رو جن بوز میوب آج و صومنز طور مغہ

صبر ایدردی بر هفته صوم وصال ایتک صحابه ده بودند غیر بدن صادر اولدی دیشلر (۹) قوت و شجاعتی
 دخی حد نه ایدده اولوب اول بایدده غایت تفصیل لره محتاج مناقبی واردر (۱۰) شدت فصاحت و بلاغته
 خود نادر انظیر ایدی (۱۱) وقوت علم و ذکاوتده ماهر و شهر ایدی بکار علماء صحابه دن اولوب عبادله
 دیکله مشهور اولنلر بریدر که انلر اسملری باب علماء صحابه ده کیجه شددر (۱۲) هریری برردر اولغت
 یلور یوزنر ملات قولی اولوب هر بر یله ایتک دیلجه سویلشوردی (۱۳) شدت صوتی دخی نه ایدده اولوب
 حرم کعبه ده خطبه او قور کن شهره حواله اولان ایکی طاعونک آوازندن یا قونلوردی (۱۴) صحابه دن
 عثمان بن طلحه * کان ابن الزبیر لایتنار ع فی ثلاث لاشجاعة ولا عبادة ولا بلاغة * دیوب تابعیندن
 مجاهد * ما کان باب من العبادة یحجز عنه الناس الا تکلفه ابن الزبیر * دیوب بنه تابعیندن بری
 کنت اذا نظرت الیه فی امر دنیاه قلت هذال جل لم یؤد الله طرفه عین و اذا نظرت الیه فی امر آخره
 قلت هذال جل لم یؤد الله طرفه عین * دیوب دنیا و آخرت سعادت لری جمع ایتدیکنه اشارت ایتشددر
 (خلافت) هر ویدر که بز بدیلید حضرت حسینی شهید ایتدیر کده انی خلع و عزل ایچون ابن زبیر
 مکه ده دعوی خلافت ایدوب حرمین و دیارین خاکی بو کایعت ایتدیکن احوال یزیده ذکر اولندیقنی
 اوزره اهل حرمین ایله جنکه یزید عسکر کوندر ووب کادکر نده ابن زبیری محاصره ایدوب
 هجرتک التمش دردی ربیع الاولنده یزیدک شامده وفاتی خبری کلمکین ابن زبیره حرمین و عین و عراق
 و خراسان خاکی اوج درت ایدنصره یزیدک اوغلی معاویه دخی شامده خلیفه ایکن وفات ایتدیکن
 ولایت شام و حلب و مصر خاکی دخی یعت ایدوب بعده مدینه و مصر و حباب و بصره و کوفه به بر حاکم
 دیکوب کوندردی (بناء کعبه) مقدمایزیدک عسکری ابن زبیری محاصره ده منجنیقله طاش انارلر کن
 کعبه نک اورنوسنه آتش طوقنوب توانی یعنی سقنی دخی یا نوب بعض دیوار لری بر منجه طاش انارلر کن
 هجرتک التمش درنده ابن الزبیر صاحب خیر (ع) نه غم اول خانه بی چونکیم آتی معمار ییقر *
 مفهومیجه کعبه بی مجددا بنا ایچون اساس قدیم حضرت ابراهیم علیه السلام حضرت رسول علیه السلام
 خاوندی عائشه (ه) لولان قومک حدیثوا عهد بالکفر لنقضت الکعبه و ادخلت فیها ستة اذرع من الحجر
 و جعلت لها بابین یا یدخل الناس منه و یا یا یخرجون و لا لصقت بابها بالارض) دیکین ابن زبیر دخی
 سلوب بناء ابراهیم اوزره حجر و حطیم دیدکاری کعبه نک ایچنه قانوب و بری برینه مقابل ایکی قبول
 و قبول ایشکنی بر ایله برابر ایدوب بنا تمام اولدقه ایچنه و طشره سنه رواج طبعه سوروب حریدن یا مصرک
 قباطی دیدکاری بر کونه قاشدن یا سوسی یزندن یکی اورنواورنوب جله شهر خلقیله شکر الله شهر دن بر قاج
 میل برده عمره برینه واروب اکثری یالین ایاق یوزیوب کلوب سعی و طواف ایدوب عمره دیدکاری عبادت
 مخصوصه تمام اولدقه بیحد قر بانلر یوزیوب وافر قوللر و جازه لرا اعتاق اولندی و حرم شریفی توسیع
 ایچون اطرافندن وافر اولر صانوق آلوب بیقوب حرمه قانندی (قتل مختار) قبائل عربیدن بنی ثقیف
 قبیله سندن مختار سقنی حضرت حسینک قاتنی طلب بهانه سیمله ولایت عراقده خروج ایدوب شیعه
 و روافض طائفه لری اکتاناع اولوب فصل مروانده کاه جک وجهله مروانک عسکرین صیوب قیروپ
 بعده کوفه بی آلوب بکا کو کدن خبر ایل کوردیو حاشا دعوی نبوت ایتدو کنی ابن زبیر ایتدکده هجرتک
 التمش بدیسنده کوردیو برادری مصعبی مختار ایله جنکه عراقده حاکم کوندر مکین واروب مختار دخی کوفه دن
 عسکر کوندر کده مصعب انلر کینی قیروپ کینی کوفه به قاجروپ در عقب واروب مختاری
 دارالخلافه ده بر قاج کون محاصره ایدوب بعده طوقنوب توانی اولان یدی کسنه ایله باشلرین کسوب
 جله ولایت عراقی ضبط ایتدی (متفرقات) مرویدر که (۱) ابن الزبیرک عبدالله و حمزه و حبیب و ثابت
 و عباد و قیس و عامر و موسی آدلو اوغللری وار ایدی (۲) اصلاصقالی و یوزنده قیل دخی اولوب اطلس
 الوجه یعنی امر دیوزلو ایدی و امر دیوزلو اولان اشراف اسلاف همان درت نفر ایدیلر که ابن زبیر و قیس
 ابن سعد بن عباد و اخنفت بن قیس و قاضی شریحدی (۳) تاریخ الخلفاء مذکوردر که کعبه معظمه به
 قدیمدن قیلدن و در بدن اورنواورنولر کن ابتدا دیاجدن یعنی سر بدن طوقنوش سنه اورن و کعبه به

روایح طبعه سورن ابن زبیر درنوب (۴) حضرت رسوله هیچ بریدن کسلش باش کلیوب حضرت
 ابو بکر رضی الله عنه خلیفه ایکن بر باش کتورلد کده حظا یتیموب بعده ابتدا ابن زبیره حضرت حسینی
 قتل ایدن و سبب اولان شهر و عمرو و ابن زیاد و بر قاج اهل فسادک باشلرینی مختار تقنی کس دیروپ
 کوندردی الحمد لله المنتقم من الاعداء وله الفضل والا لآء والنعماء دیدی (۵) هر ویدر که
 اوائل ظهوردن اسلامده عمالات عالمک بعضنده بش دفعه عظیم طاعون اولشدر بری دیار عجمده مداین
 شهرنده طاعون شیرویه در که هجرتک التمشنده حضرت رسول علیه السلام حیاتده ایدی * ایکنجی
 طاعون عواسدر که اوق کزنده حضرت عمر خلافتنده ولایت شامده عواس آدلو برقریده اولوب
 یکریمی بش ییک کسنه وفات ایتدی بصره ده دخی اولوب اولقدر کسنه وفات ایتدی * اوچنجی طاعون
 جارفدر که التمش طقوزده یا دیدده ابن زبیر خلافتنده بصره شهرنده اولوب اوج کونه دلک هر کون بخش ییک
 کسنه وفات ایدوب بر کونده جله سن دفته مجال اولماغین بعض میتلری زقاقلرده حیوانات یردی حق
 بر جمعه نمازنی جامع کبیره سکز کسنه قیلدی * در دنجی طاعون قبیاندر که سکان یدیده یا لئیده
 عبد الملك باخود ولید خلافتنده بصره و واسط و کوفه و شامده اولوب ابتدا بکر قز لرده ظهور ایتدیکن بواسطه
 مسعی اولدی * بشتی یوز او یوز برنجیده که زوال خلافت بنی امیه صدر لنده ظهور ایدن طاعوندر که
 رمضانده زیاده اولوب هر کون ییکر کسنه وفات ایدوب شوالده خفت بولدی (۶) ابن زبیر زماننده عمالات
 اسلامیه ده وفات ایدن مشاهیر اشراف و صحابه و تابعین یونلدر که اسید بن ظهیر و عبدالله بن عمرو بن العاص که
 کمال فضل ایله مشهور اولان عبادله دن بریدر و نعمان بن بشیر و سلیمان بن صرد و جابر بن عمر و ید بن
 ارقم و عدی بن حاتم و عبدالله بن عباس و عاصم بن حضرت عمر و ابو وقایلی و ید بن خالد الجهنی و عوف
 ابن مالک و اخنفت بن قیس و ابو الاسود الدولی که حضرت علینک اولادی استادی ایدی (قصه نهادت)
 شامده تغلبه خلیفه اولان مروان وفات ایدوب برینه اوغلی عبد الملك کدکده هجرتک التمش ایکسینده
 باباسنک بکارتدن عراق حاکمی حجاج ظالمی ایکی اوج ییک یا قرق ییک عسکر شرانر ایله مکه ده ابن زبیرک
 اوزرینه کوندر ووب کدکده اوج منزل یرده ارض طائفده قونوب ابن زبیر عسکر ایله عرفانده بر قاج کره
 جنک ایدوب بعده عبد الملك حجاجه بش ییک یاردیچی کوندر ووب مکه به کد کارنده ذی القعدة
 یاذی الحجه غره سنده حرم شریفده ابن زبیری صوو بیجک ایلدکدن منع ایله محکم محاصره ایدوب
 بودفعه عرفانده خطیب زمره حجاج حجاج لجاح ضلالت متهاج اولوب بعده کعبه به حواله اولان بر طاعونه
 منجنیق قوردیروپ اول ضل و مضل و لعین بی دین سنکین دل ابن زبیر ایله توابعنه طوقنوسون دیو حرم
 بیت الله داتما طاشلر آتدروپ نیچه سی کعبه به طوقنوب و اورنوسی یا نوب و دیوار لری محکم یاردلده
 فی الحال هو ابوالنوب الحقیق کعبه نک طواف ایدو جنک قدر برینه یغمور یا غیوب آخر برینه یا غیوب آتشی
 سیوند یروپ بعده منجنیق اتان بر قاج حار اتان اوزرینه یلدرم یا نوب درت کسنه یا نوب بر دفعه دخی
 اینوب الی التمش کسنه ایله منجنیق ییله یا قوب حجاج صاحب ضلالت بو حالدن عبرت آل یوب محاصره
 اوزانده ابن زبیری اکثر اعوان و انصار لیا طر براغوب کتد کارنده یتمش اوج جادی الاولی سنک لون التنی
 صالی کونی حرم شریفه اعداء پرداء مستحق الاجوم هجوم ایدوب ابن زبیر ایکی النده یالین قلیج لیلله
 حرمده محکم جنک ایدوب ملاعین شقاقری فوج فوج قاجروپ عاقبت ایکی قاشی اراسنه بر طاش طوقنوب
 یاردقه کوزلرینه قان طولوب باشن آشاعه کوب دیدیکه (نظم) ولسنا علی الاعقاب تدی کلومنا *
 ولكن علی اقدامنا تقطر الدما (نثر) بعده عدولر بوکا هجوم ایدوب بودخی کتد و نک ملک قوللر ییلله انلرله
 جنک ایدوب ایکوز قرق کسنه ایله شهید اولدیلر (انالله وانا الیه راجعون) (بیت) غایت ککارت
 جو بدین سوره نیست * جز ررضنا بقضاء الله نیست * بدن شریفی حجاج لعین باش آشاعه اصوب
 مبارک باشی شامده عبد الملك کوندر کده اول خبیث دخی عبرت ایچون جله شهر لره کوندر ووب بدن شریفی
 مصلوبانجه زمان طور ووب بعده حجاج ایتدیروپ یاخود حجاج عبد الملكدن خبر کوب ایتدیلر کده بدن شریفی
 چور و مکه باشلغین تختنده او سندنه غسل لو اثور کن اعضایی بری برندن جدا دوشوب هر عضو

بشقه بشقه بونوب و ترتیب اوزره کفنه دیز یلوب بعده نمازین قلوب دغن ایستدیلر * مدت عمری یتش بش
 یا تش اوج مدت خلافتی طقوز بیل وایکی یا اوج اییدی (فصل خامس در احوال مروان بن الحکم)
 ابن ابی العاص بن امیه بن عبد الشمس بن عبد مناف جد رسول علیه السلام * مرویدر که مروان اینجه واروق
 و غایت طانسوز اوزون اولغین خیط ماطل دیکله ملقب اولوب بوصورتلومرد مرداری خلق خلیفه
 ایستد کربنی بر شاعر دم ایدوب دیدیکه (نظم) لحنی الله قوما امر واخیط ماطل * علی الناس بعلی ما یشاء
 وینع (نثر) من بور مروان مکده شرعا خلیفه اولان ابن زبیر عصبان ایدوب و معاویه بن یزید و فاطمه مجرد
 رضاء اهل شام ایله کاند و کزد و ایله سلطان اولغین شرعا خلیفه کادر دیوامام ذهبی و غیر یلر آتی خلفادن
 عدا تمامه شلدر لکن کند و دنصکره خلفا اولان اولادی ذکرینه نوطمه اولغین چون مع الکراهه ذکر اولندی
 (فائده) اگرچه کیم فقها و علمادن واذیکا و عقلا دن اولوب کوزل قرآن و اقویوب نیجه کاتردن کربن و پرهیز
 ایدوب حضرت عثمان اقر باسندن اولغین مقبول و دامادی و کاتب السری ایدی لکن مکار و ستمکار
 و خونی و حضرت رسول الله ملعونی و ابن ملعونی اولوب مناقب بر معاینک اجمالی بودر که بومنوال اوزره
 ذکر اولنور (اولا) بوکا ابن الطرید دیرلردی زیرا پدری حکم بن ابی العاص فخر مکده کتوده
 ظاهر ایمانه کلوب لکن کال خبث و کفر مضمرندن حضرت رسول اردنجه بور یوب کوزین اکوب
 بورن بورشید یوب یعنی حاشا انلری مزه انوب رسول علیه السلام دونوب باقوب کند و کی نیجه کوسر رسد
 اوله سن دیوبد دعا ایستد کزنی و بورنی و فاتی ایدنجه دیکه احوال اوزره بورشش قالدی *
 باز اربایت صراف ناقدی امام و اقدی ایدر بر کون حکم بدشیم حضرت رسول حججه شریفه سنه کبرمه
 اجازت استد کده رسول علیه السلام یا نلرنده اولانه (انذوا لعنة الله من خرج من صلبه الا المؤمنین
 و قلیل ما هم بشر فون و یتضعون فی الآخرة) دیوب یوردیلر بعده حضرت رسول بر خصوص ایچون
 اکالعت ایدوب بنم طور دیغم شهرده طور مسون دیوب مکده اوج قوناق یرده ارض طائفه عثمان و حارث
 آدلو اوغلر یله یله طریدی یعنی سور کون اولملردی (ثانی) مستدرک حاکمه مرویدر که مسلمانلردن هر کیلک
 اوغلی طوغسه حضرت رسول دعا ایستد مکده کتور ملک عادت اولغین مروان دخی مکده طوغوب کتورلد کده
 رسول علیه السلام) هو الوزغ ابن الوزغ الملعون ابن الملعون (ثالثا) سابقا تفصیل اولندیغی
 اوزره حضرت عثمان شهید اولسنه سبب اولان قننه عظیمه و حضرت علی ایله معاویه محاربه لینه
 و حضرت حسن و حسین و ابن زبیر شهید اولملردی اوج قننه عظیمه مروان صاحب طغیان کیمه
 حقیقه و کیمه حکما سبب اولوب امت محمد ایچنه ابتدا قننه و اختلال دوشمه باعث و بادی اولغین
 (القننه نائمة لعن الله من ايقظها) و عیدینه دخی مظهر اولدیغی مقرر در (رابعاً) یوقاروده
 ذکر اولندیغی اوزره عشره مبشره دن حضرت طلحه بن طلحه قتل ایدن دخی بودر (خامساً)
 یزید لعن اهل مدینه ایله جنکه عسکر شقا اثر کوندر د کده بودنی یله کیدوب یونک تحریرک و تعلیمه
 انده ایدر کزنی ظلم عظیم فصل یزیده کجوب (من اخاف اهل المدينة اخافه الله و علیه لعنة الله و الملائكة
 و الناس اجمعين) حدیثک مفهومیجه فاتی مظهر لعنت خالق و مخلوقات اولدیله تاریخ خافاده
 مذکوردر که کبار احبار یهوددن یوسف ایمانه کلوب بر کون مروانک اوی یانندن یکد کده
 ویل لامة محمد من اهل هذا الدار دیوب نه زمانه دیکد کزنده حتی یحیی رابات سود من قبل خراسان
 دیوب ظهور آل عباسه اشارت ایستی حتی من بور یوسف مروانک بعد زمان خلیفه اولان اوغلی عبد الملک
 دوستی اولغین بر کون البنی عبد الملک ارتقا سنه اوروب اتق الله فی امة محمد اذاملکتم دیوب اولدخی
 دعنی و یحک ماشانی و شأن ذلک دید کده یوسف تکرار اتق الله فی امرهم دیدی * بعض کتیده
 مروانک جدی ابو العاص اولادینک امت محمد صلی الله علیه و سلمه جفاری حقنده (اذا بلغ بنوا ابی العاص
 ثلاثین رجلاً جعلوا مال الله دولا و عباد الله خولا و دین الله دغلا ثم یریح الله العباد منهم) دیوب حدیث
 شریف مرویدر و الحاصل اکثر بنی امیه نیک خصوصاً یزید ایله مروانک و مروان اوغلی عبد الملک مدبر
 اموری اولان حجاج اهل طغیانک قبایح عظیمه لینه حد و کار و عد و شمار اولوب غایتله مکار و ظلمکار

ایدیله جزاهم بالنار فی دار البوار (خروج مروان) قننه شهادت عثمانه سبب اولغین مجروح ایکن
 کیزلنوب بعده وقعه یوم جلده حضرت عائشه عسکرندن اولوب انلر صند قده نیجه یرده مجروح اولوب تکرار
 کیزلنوب حضرت علی امینله مدینه یه کیدوب بعده بنی امیه دن اولملره و محیل و مدبر اولغین معاویه نیک
 و اوغلی یزیدله مقبوللری و مدبر لری اولوب بر قاج کره مدینه ده حاکم اولوب یزید و فاتی ایستد کده اوغلی
 خالد و والده سنی نکاحلنوب معاویه بن یزید و فاتی ایستد کده خالد به سانه سیده دعوی خلافت ایدوب
 بعده صحابه دین ایدوکی مشکول اولان خنک بن قیس شام خلقنی ظاهره مکده شرعا خلیفه اولان ابن زبیر
 مطیع ایتمکچون حقیقه کده کند و مستقلا پادشاه اولغین چون طائفه عربدن وافر عسکر ایله ظهور ایدوب
 دمشق شهرنی الدقه مروان و جله بنی امیه حوران شهرنه قاجوب ابن زبیرک کوفه دن عزل ایستد و کی
 ابن زبید ایله جمع اولدیله (مخاربات) بعده مروان عسکر چکوب کلوب خنک ایله عظیم جنسکار
 ایدوب خنک اوج بیک آدمیه قتل ایستد کده هجر تک التمش دردی رجینه جله ولایت شام و حابده مروان
 تغلبه سلطان فرمانران اولوب التمش بشنده وافر عسکر ایله مصره واروب صلح طریقه آتی ضبط
 و اوغلی عبد العزیز ایستد کده حاکم دیکوب شامه کلد کده حضرت علینک نوابعدن سلیمان ایله مسیب آدلو
 ایکی کسینه حضرت حسینک قانی طلب ایچون درتیک عسکر ایله ظهور ایدوب سابقا مروان
 ابن زبیدی التمش بیک یا اوتوز بیک عسکر ایله دیار عراقی ابن زبیرک حاکمی الذن المغه کوندرمش اولوب
 دیار بکر اطرافنده ایکی عسکر جنک ایدوب سلیمان سبب اکثر عسکر یله قتل اولندیله (متفرقات)
 سابقا یزیدک خاقونلردن مروان بر بنی نکاحلنش اولوب التمش بش رمضانده یاربیع اولنده بر کون
 اوکی اوغلی خالد بن یزید یونک یانسه کلوب بودخی قاقیوب والده سنه سوکوب خالد والده سنه خبر و یرد کده
 خاقون قلمبنده عقده باغلیوب مروان ایچرو کلد کده خالد سکا نسنه دیدی دیوب خاقون یوق دیوب
 مروان یا قوب او یورکن خاقون انک یوزینه بر یصدق قویوب جاریه لریله اوستنه باصوب بوغلد کده
 امیر المؤمنین نجاة و فاتی ایستی دیوب یزید یزید بعض ولایتلر ده بلا سبب نجاة یا خود طاعون چقاروب
 نجاة یازهر افکندن و فاتی ایستی دیوب یزید مرویدر که حضرت رسول علیه السلام و فاتی ایستد مروان
 سکر یاشنده کند و فاتی ایستد التمش اوج یا تش اوج یاشنده ایستی و مدت سلطنتی اون درت آتی با طقوز
 یا اون آتی اولوب و مهرینک نقشی الله ثقی و رجائی ایستی و عبد الملک معاویه عید الله عبد الله ابان داود
 عبد العزیز عبد الرحمن عمر عمرو بشیر محمد آدلو اوغلاری و ارایدی یرینه عبد الملک کجوب عبد العزیز
 بابایی مصرده حاکم نصب ایتمشدی (فصل سادس در احوال عبد الملک بن مروان) مرویدر که هجر تک
 یکریمی التیسند طوغوب دین اسلامده ابتدا عبد الملک تسمیه اولنان بودر اوزون بویلو آق بکر لویاری
 کوزلو اینجه یوزلی آغزی بویک و آچیق ایستی دیشلری یرندن او ینامغین التون تل ایله صاریلندی
 (مناقب) مرویدر که قبل اختلافه مدینه ده ساکن اولوب کبار صحابه دن حدیث روایت ایدوب علم حدیث
 وفقه و شعرده و زهد و عبادتده غایت ماهر و بین الناس مشهور ایستی حتی کبار تابعیندن امام نافع
 لقد رأیت المدینة وما بها شباب اشد تشمیرا و لا اقله و لا انسک و لا اقرأ لکتاب الله من عبد الملک بن مروان
 دیوب و بعض سلف * فقهاء المدینة سعید بن المسیب و عبد الملک بن مروان و عرو و بن الزبیر و قبیصة بن ذؤیب
 دیوب و حضرت ابن عمره * انکم معشر اشیاخ قریش یوشک ان تقرضوا فن یسئل بعدکم * دید کزنده
 (ان مروان ابنا قیه سافسا لوه * دیوب و کبار تابعیندن امام شعبی * ما جالست احدا الا وجدت لی علیه الفضل
 الا عبد الملک بن مروان فانی ما ذکرته حدیثا الا زادنی فیه و لا شعرا الا زادنی فیه * دیوب و امام اصمعی
 (اربعة لم یلحنوا فی جد ولا فی هزل الشعبي و عبد الملک بن مروان و الججاج بن یوسف و ابن القریه * دیشدر
 (مثالب) یعنی معایب (اولا) انجر یعنی اغزی غایت مروان قوقار اولملره ابو الذبیان دیکله (ثانی)
 غایتده خسب اولان رشع الجرد دیکله ملقب ایستی (ثالثا) پدرینک و فاتی وانک عهد سابقی اوزره
 یونک خلافتی خبری کلد کده تلاوت قرآن ایدر بولغین مصحف شریفی قبا یوب هذا آخر العهد بک
 یعنی سنی آخر کوروشم یا آخر تلاوت ایدیشم بودر دیوب (رابعاً) تبدیل اخلاق ایدوب انواع مظالم ایله

طریق عدلن عادل خصوصاً سفلد مایه مائل اولوب مجر دستخیز ناس وقلوبه القاء هیبت وهراس ایچون مؤمنینک منفوری و بونک مدبراموری اولان حجاج لجاج بی دینی عامه مسلمینه مسلط وعباد اللهی بلاره مورط ایدوب صحابه و تابعین و سائر مؤمنینی بی شفقت و مروت قتل واهانت ایدوبکنه رضا ویرمیشیدی * عاقبهم الله فی دار القضا (بیعت) پدری مروان وفاتده قدیدن مکده خلیفه شرعی حضرت ابن زبیر اولوب اکثر مالک اسلامیه انک ضبطنده اولغین عبد الملکه انجیق شام و مصر و حب ولا یترینک خلقی بیعت ایدوب لکن ابن زبیر وفاتده دلک عبد الملک شرعاً باغی اولوب انک وفاتده نکره خلافتی شرعاً صحت بولدی دینلردر (منع حج) مرویدر که هر حج زمانده ابن زبیر اطراف عالمدن کلان حجاجدن کندوبه بیعت آلمغه معتاد اولغین عبد الملک خلیفه اولدقده ابن زبیر اهل شام دخی تابع اوله لردیو خوفندن او بیل شامدن اصلاً حجاجی کوندروا مکین بجه سی فریاد ایدو کونده قدس شریفده سایه جانشندن چقان صخر مبارکه انک تبه سن واند بهض نسبه لربنا ونیچه یوز سیک فلوری خرج ایدوب عرفه کوفی مسلمانلر انده ناجاروقفه به دورلردی (محاربات و بعض حالات) مرویدر که التمس التیده بایدیده ولایت عراقده مختار شقی حضرت حسینک انتقامی بهمانه سیله خروج ایدوب حسینک شهادتیه سیب اولان ابن زیاد ملعونک اوزرینه سکرینک عسکر کوندروب اولدخی قرقینک عسکر ایله (مصراع) صیدرا چون اجل آیدسوی صیاد رود * مفه و منجه فارشو واروب موصل شهرینک قریبده عظیم جنگ اولوب ابن زیاد و قتل حسنه مباشر اولان شهر و عمر و ونیچه اهل فساد قتل اولوب کسیلان باشلری مختار مکه به کوندروب کندوسی کوفه شهرینی ضبط ایدوب بعده مختار دخی قتل اولغینشدر که ابن زبیر طرفندن واقع اولغین انک فضلنده کجه شدر نظر اولنه * مرویدر که عبد الملک غایت مجتد و حازم اولغین کوفه حاکمی اولوب مختاری قتل ایدن ابن زبیر برادری مصعب ایله جنگه بالذات وارمغه عازم اولوب بوله جیقده قده تختگاهای اولان دمشقده عمرو بن سعید بن العاص خروج ایدوب اهل شامی کندیوبه اویدردقده عبد الملک ایشیدوب بولدن دونوب کلوب محاصره ایدوب طرفیندن محکم جنگ اولوب عاقبت عبد الملک عرفه حیلله ایله امان و یروب کندو نکره خلافتی ایمان غلاظ ایله تعیین ایتمکین تمام صلحه قمو آچیلوب یاشد کده عرو و دونوب بوغزلدی * اشبوسه ده روم کافر لری مسلمانلر بکری بربرینه دوشدیلر فرصت بن مدر دیو هجوم ایتد کونده عبد الملک دفعنه قادر اولوبه جغنی یلوب بالضروره کافر لره هر هفته ده سیک فلوری کسم ویره جنگ اولدی * یتش برده یا ایکیده عبد الملک مصعب ایله جنگه تکرار کیدوب اولدخی عسکر ایله جنگه فارشو کلوب مقدمه عبد الملک مصعب بکری نه وعده احسان ایله خفیة خبر کوندروب قبلرین کندوبه جلب ایتمکین محاربه ده اکثر عسکر اسکاواروب مصعب آز کسنه ایله قالوب جنگ ایدرک شهید اولدقده عبد الملک جله ولایت عراق عربی و عراق عجمی ضبط وهر برینه حاکم نصب ایدوب برادری بشره عراق بکلیکن و یروب کندوسی شامه کاد کده امر استندن حجاج ظالمی مکده شرعاً خلیفه اولان حضرت ابن زبیر ایله جنگه کوندروب انک فضلنده کچدوکی اوزره شهید اولدقده عبد الملک بلا نزاع ضبط جمیع عمالک اسلامیه ده مستقلاً پادشاه اولوب خلافتی شرعاً صحت بولدی دینلردر (بناء کعبه) مرویدر که حجاج ابن زبیری محاصره مخنیقه له طاش و آتش آتد یروب کعبه نلک اورقوسی یا نوب دیوار لری جاجی بارلدقده ابن زبیر اسلوب بناء قریشی تغییر ایتمشدر اولکی حالی اوزره بنا ایتمک دیرم دیو عبد الملک خبر کوندروب اولدخی باب غربی بی سد ایله همان باب شرقی قالسون و حطیمی طشره قوباق دیوار لری بوزمه دیو خبر کوندرومکین بویه بنا ایدوب بالاتفاق حالاموجود اولان بنا اودر (اولیات عبد الملک) (۱) مرویدر که دین اسلامده ابتدا بواسمه مسمی اولان بودر (۲) طومار لراوستنه (قل هو الله احد) ایله حضرت محمد اسمی و تاریخ کاتب یازمغی دخی بواجب ایتدی (۳) بوندن اول جله التون قسمی کفار و روملر اجمه قسمی کفار عجمک سکه لره اولوب دین اسلامده ابتدا سکه اوران بودر التونک بوزینه (قل هو الله احد) بوزینه (لا اله الا الله) و کازنده اولان کومش پرواز اوستنه (محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق) دیو یازلوب شریفخانه سی شهرینک اسمی دخی یله ایدی سکه خصوصتی هجرتک یتش بشنده ایجاد ایتدی (۴) خلفا

و ملوک اهل اسلامده ابتدا بجل ایدن بودر غایتده خسیس اولوب رشخ الحجر دیکله ملقب ایدی (۵) بر قاج سطر مقدم ذکر اولدنی اوزره بر کسنه به امان و یرمش ایکن بوغزلدوب دین اسلامده ابتدا غدر ایدن بودر (۶) بنه یوقاروده کچدوکی اوزره کفار روم عموماً هجوم ایتد کده بونک مقابله به عدم قدرتی مقرر اولغین انلره خراج شکسته معین کسم و یروب مسلمانلره ابتدا لیریشن ضعف بودر دینلردر (۷) خلفا یا تده سوزسو بلیتمکدن خلقی نمی ایدن ابتدا بودر (۸) خلفایه امر بالمعروف ایتمکدن دخی نمی ایدن بودر بعد الاستقلال هجرتک یتش بشنده ججه واردقده خطبه او قویوب چاق آخرنده * والله لا یأمرنی احد بقوی الله بعد مقامی هذا الا ضربت عنقه * دیدی (۹) منبرده ال قالد رمق دخی بونک ایجادیدر (۱۰) کعبه بی ابتدا حر بردن اورنویله اورتن بودر بعضلر ابن زبیر بعضلر یزید در دینلردر (۱۱) سائر خلفا کبی مصالح نامی بالذات کورمکه دیوانده او توردقده شوکت و مهابت ایچون باشی او جنده بعض خدمتکار لری یا این فلج لوطوب طور لردی بودخی انک ایجادیدر (متفرقات) مرویدر که (۱) هجرتک یتش او جنده حجاج لعین حضرت ابن عمر لزمان ججه کثرت ایچنده ایاغنه بر کسنه به طرافتله زهر لو کوندرا و جی صیلا دوب مرض موتیه سبب اولدی (۲) یتش در دنده مکدن مدینه به واروب آنده اولان کار صحابه دن انس بن مالک و جابر بن عبد الله و سهل بن سعد الساعدی به و بعضلر بنه قولاً و فعلاً عظیم اها تیر ایتدی (۳) یتش بشنده عبد الملک ججه کلوب حاکم عراق اولان برادری بشرک وفاتی خبری کلمه کین حجاج ظالمی جمیع عمالک عراق عرب و عراق عجمه حاکم کوندردی (۴) یتش بیدیه اقصای بلاد کفار رومده هر قل شهری فتح اولوب و عبد العزیز ابن مروان جامع مصری هدم ایدوب دیرت طرفندن زیاده ایدوب بنه بنا ایلدی (۵) سکسان ایکیده مسیس کوپروسی قریبده قلعه رستان و دیار شرقده ارمینیه و مغربده ضمه ججه شهر لری و دخی طونس قریبده ایچنده وافر شهر لراولان جزیره صقلیه فتح و ضبط اولندی (۶) واشبوسه ده عبد الملک بر اوغلی کفار رومله سویدیه ده جنگ ایدوب کفاری صیدی (۷) و عبد الملک کندو برادری محمدی آذربایجان و جزیره ارمینیه و لایترینه حاکم ایدوب واردقده وافر فتح ایتدی (۸) حجاج ظالم بصره و کوفه اراستنده دجله ایرماغی کنارنده بر شهر بنا ایدوب اورناده اولغین آدن واسطه قیوب کندو آنده ساکن اولدی (۹) سکسان درتده آنده قریبده مصیصه مغربده اوریبه فتح اولندی (۱۰) سکسان بشنده ولایت عجمده مسلمانلر اردیل و بر دعه شهر لری بنا ایلدی (۱۱) سکسان التیده بعض یرده برایکی قلعه فتح اولندی (فائده) مرویدر که عبد الملک ولید و سلیمان و مروان الاکبر و یزید و مروان الاصغر و منذر و معاویه و حکم و هشام و بکار و عبد الله و مسلم و عنبسه و محمد و سعید و حجاج و قبیصه و داود نام او غلاری و عائشه و فاطمه آدلوقیز لری و ار ایدی * مرویدر که بر کجه عبد الملک دوشنده حضرت رسولک مسجیدی محرابنده کندویی درت کره نبول ایدر کورمکین به حضور اولوب سعید بن المسیبه یا بن سیرینه یازوب کوندرد کده صلب اولاد کندن درت کسنه محرابه کچوب خلیفه اولغه دلالت ایدر دیو تعبیر ایدوب واقعا او غلارندن ولید و سلیمان و یزید و هشام خلیفه اولدیلر (فائده) قوارخ آل عثمان منلادر بسده عبد الملک اوغلی مسلم بنی وافر عسکر ایله قسطنطنیه فتحه کوندرومکین آنده واردقلرنده محاصره ایدوب قلعه غایت محکم و استوار و تختگاه قیصر اولغین کفار بیشمار اولوب تعب و نصب بسیار کچوب فتح و ظفر میسر اولوب کفار دخی رشید اولدقلرنده بو شرطه صلح اولدیلر که مسلم کندوسی یا لکتر شهره کیروب ایاصوفیه کله ساسنده بر کره اذان او قویوب کندودن و عسکرندن بوندن غیری قولاً و فعلاً برتکلیف و بر حال صدور ایتوب بر جبهه و بر اجمه مال استیوب همان دونوب ولایتلرینه کیده لر * پس بولتمش اوزره مسلمه ایاصوفیه به کیروب بلند آواز ایله تکبیر خدای بی انبار و اذان امت محمد محمد ممتاز او قویوب بعده دونوب شامه کتیدیلر دینوب اکن بعض قوارخ غیر بیتمه معتبره ده مسلمه بی فتح قسطنطنیه به کوندردن برادری سلیمان بن عبد الملک در دیو بو کواخا خلف تفصیل اولنوب اوج ورق آشغه ده ذکر اولور نظر اولنه والله اعلم (فائده) بونک زمانده صحابه و تابعیندن وفات ایدن اشرف عبد الله بن حضرت عمرو ولید بن عقبه بن ابی سفیان و اسماء بنت ابی بکر و ابوسعید ابن المعلی و ابوسعید الخدری و رافع بن خدیج و سلمه بن الاکوع و ابوعبد الرحمن السلی و اسود الخنقی التابعی

و عرباض بن ساریه و جابر بن عبد الله و عبد الله بن جعفر بن ابی طالب و سائب بن زید و اسلم غلام حضرت
عمر و ابودریس الخولانی و امام شریح تابعی قاضی عادل مشهور که پیش بیل متصل کوفه ده قاضی ایدی
و ابان بن عثمان و اعشی شاعر و ابوب بن القریه که فصاحتده ضرب مثل ایدی و خالد بن یزید بن معاویه
ورز بن بن حلیس و سنان بن سلمه و سواد بن عقیله و ابو وائل و طارق بن شهاب و محمد بن الحنفیه پسر حضرت
علی و عبد الله بن شداد و ابو عبیده بن عبد الله بن مسعود و عقبه بن السند و عرو بن الحرث و وائل بن الاسقع
و عمرو بن سلمه و ابوامامه الباهلی و عبد الله بن الحارث و دخی نیچر (وفات) مرویدر که عبد المالك حین
وفاتده و الله لوددت انی كنت منذولیت الی یومی هذا بحالا یعنی نه اولیدی پادشاه اولاد نبر پرو حال
اولس اولیدم دیوب اوغلی و لید بانه کلد کده بوییتی دیدیکه (یت) کم عاثر جلا و لیس بعوده *
الایعلم هل یراه موت (نثر) و لید بوییتی ایشد کده کندی و به تعریض اولغین اغلیوب بعده عبد المالك چله اولادینه
دنیوی بعض نصیحت و حجاج ظالمه رعایت وصیت ایدوب سکسان التي شوالنک نصفه التمش یا شنده
وفات ایدوب ابن زبیر زمانده کی خلافت باطله می یدی بیل ویدی آی انک وفاتد نصکره خلافت صحیحه می
اوج بیل و بش آی ایدی (فائده در ذراحوال حجاج ظالم لعنه الله علیه) طائفه عربیده بنی ثقیف قبیل سندن
اولوب اسمی حجاج بن یوسف الثقفی در اخفش یعنی جلوز کوزلو اولوب و دخی عورت آوازلی ایدی عالم عاقل
مد بر کامل شجاع و مهیب ذکی و لیب فصیح و سریع الجواب لکن فایتده مکار و ستمکار و خوئی
و بی رحم و خباثت نصاب ایدی حتی بوند نصکره کلان حضرت عمر بن عبد العزیز * لوجات کل امة بمنافقها
و جتنا بالحق فضلناهم * دیشدر من یور حجاج لجاج عبد المالك امر اسندن اولوب انک امر یله مک و مدینه به
جنکه واروب ایکی بیلده لاند ایدو کی فساد فصل ابن زبیر یله فصل عبد المالكده تفصیل اولمشدر * یتش بشده
عبد المالك حجه واروب بصره ده برادری بشرنک وفاتی خبری کلد کده انک برینه جمیع ممالک عراق عرب و بحمه
حجاجی حاکم ایدوب وارد قده غایت تفصیل محتاج ظلم ایدوب بید و لایعد قاندر و کوب طائفه خوارجله
مرارا عظیم جنک ایدوب عاقبت انلره غالب اولوب سکسان ایکیده مسجدستان بکی عبد الرحمن بن الاشعث
اهل بصره تابع اولوب بدرجله اوتوز اوج بیک آتو یوز بیکری بیک پیاده عسکر جمع ایدوب حجاجه هجوم
اولنوب کوفه قریه بنده عید اضحی * کونده حجاج ایل جمع اولوب یوز کونه دل یوز دوندن سکسان کره
عظیم جنک اولنوب هر برنده حجاج صنوب بعده شامدن بوکا عبد المالك یاردن بیکر کوندن سکسان
برقیده یا بیکجیده ابن اشعث صنوب ترکستانه قاجوب ترکستان بکی بوی قرق نقر قوابعیل طوئوب حجاجه
کتور بلور کن کندی و طامدن آشاغه آطوب وفات ایدی * بعده حجاج بصره ایل کوفه ارا سنده دجله
کارنده بر شمر بن ابیادوب اسمی واسط قودی بعده عبد المالك برینه اوغلی و لید خلیفه اولد قده حجاجه
خراسان و لایقتریک حاکم بکن دخی ضم ایدوب ماوراء النهر ده ترکستان و لایقنده عظیم جنک
و فضل ایدوب هجرتک طقسان بشنده الی درت باشنده وفات ایدی * ولایت عراقینده جله بیکری بیل
حاکم اولوب حد و سفدن بیرون انواع مظالم ایتمشد الی بیک یا خود زیاده جنک کلد قتل ایدو کندن
ماعد اظم صر بیل یوز بیکری بیک کسند قتل ایدوب وفات ایدو کده زندانده الی بیک یا خود یوز درت بیک
اروا و یوز بیک یا بیکری بیک عورت و ارایدی زندانک اوستی آچی اولغین اسیدن و صوغدن مسلمانلر دائما
احزانده و ناله و افغانده ایدیلر اکثری دخی زنجیر ایل بند و پردرد و کزند اولوب بعضی اللرین کونشه پرده
ایند کده زندان بیلر یوز قارودن کر بیج اتوب منع ایدر لیدی * و الحاصل دور آمدن و دیایه بویله ظالم و سندن دل
و ضال و مضل و عباد اللهی مبین و مدل بر حاکم کلدو کی محقق و متفق اولوب قبایح و مظالمی تفصیلی کتاب
مستقله مخددر * تفصیل محتاج مرض عظیم و عذاب الیم ایل سفر سقر ایدوب فریاد و انین ایل هلاک و جیفه
کثیفه تا باکی زیر مغالنه اولدی * میخی نمازینده مسلمانلر جمع اولوب ظالم و بی دین ایدی دیو قلدده متردد لر ایکن
کندونک خاصه جاریه لردن بریسی عالمه و شاعره اولغین طام او سندن جیقوب بر قاج بیت سویلیوب جله دن
بری (نظم) الله ربی کریم ماجد صمد * ان شاء الله یغفر لالحجاج ماصنه * دیکن نمازین قیلوب دفن ایدیلر
(فله الله علی الظالمین) فصل سابع در احوال و لید بن عبد المالك بن مروان مرویدر که قاره یاغریوزی

چچنک نشانیو بوری غایتده اوزون ظالم و متکبر و غضوب و ذلیل العلم و لحان و دخی کثیر الشکاح و کثیر الطلاق
اولوب اوقات متفرقه ده التمش اوج خاقون نکاحلش ایدی کندو ظالم و ممالک عراق بکی حجاج و دیار حجاز
بکی عثمان و مصر بکی قره هر بری غایت ظالم لر اولغین حضرت عمر بن عبد العزیز * الولید با الشام و الحجاج
بالعراق و عثمان بن جباره بالجهاز و قرة بن شریک بمصر امتلاآت الارض و الله جورا * دیشدر مع ذلك
مزبور ولید صالح و عباداته و خیرات و حسناته غایت مائل اولوب هر اوج کونده برختم قرآن ایدوب
ماه رمضانده اونیدی کره ختم ایدوب اگر قرآنده لواطه ذکر اولغینیدی دنیا ده انی کسند ایترا کلا دردم
دیوب امور سلطنته سعی و اهتمام ایل تمام رونق و نظام و یرمش ایدی (یعت) پدری کندو نصکره خلافتی
بوکا بعده ایکنی اوغلی سلیمان تعین ایدوب هجرتک سکسان التي شوالنک نصفه وفات ایدو کده جله
خلق و لید یعت ایدیلر (خیرات) مرویدر که بونک بید و بی شمار آثار بکار مورث الاشهراری
و ارایدیکه (۱) خلافتک اولکی بیلنده عیسی اوغلی اولوب بعد زمان خلیفه اولان حضرت عمر بن
عبد العزیز عادل مدینه به حاکم کوندردی (۲) مسجد شریف حضرت رسولی توسیع ایچون معمارلر
کوندروب مزبور عمر وارد قده انواع زینتله مجدد ابناء دیوب طول و عرضی ایکیشریوز ذراع ایدی
(۳) مکده حاکمه اوتوز بیک مثقال التون کوندروب کعبه معظمه نک قبوسنی و التون اولوغنی و کعبه نک
دیر کارینی التون تختله لایله قبلادیلر (۴) حرم کعبه معظمه بی دخی توسیع ایدوب طاشدن و مرویدن
دیر کار ایل بنا ایدردی (۵) قدس شریفده صخره مبارکه قبه سن و بعض آثار بنا ایدردی (۶) حرمین
محرمتینه آقار صولر کتورتدی (۷) یولیلر یول آزدن مسونلر دیو یوللرده جابجا میللر بایردی (۸)
سکسان یدیده یاسکرده تختگاه اولان دمشقده حالاجامع بنی امیه دیکله مشهور اولان جامع همدیو باغ
ارم نادره عالم اولق ایچون در و دیوارین و جله وارن زمرة انسان حیران اوله جتی بدایع صنایع ایل بنایه
باشلدوب ایچنده همان یا کنز اون ایکی بیک استاد مریح و نقاش اشلوب طقوز بیل چالشوب خزین
عظیبه خرج ایدوب تمام اولدین وفات ایتمکین برادری سلیمان تکمیل ایدی * مرویدر که مزبور جامعه جله
در تیوز صدوق التون صرف اولنوب هر صندوقده بیکری سکزی بیک فلوری و ارایدی بو جله یوزاون ایکی کره
یوز بیک التون اولور * ایچنده قنادیل اصلمغیچون صافی التوندن التیوز عدد زنجیر اولوب عمر بن عبد العزیز
خلیفه اولد قده بو قدر مال عظیم بی فائده پرده طورمقی ایچون آلوب التون * کسدروب بیت الماله
قویوب برینه تو جدن و دموردن زنجیرلر آصدی (۹) خسته لر ایچون دارالشفاء (۱۰) مسافرلر ایچون
دارالضیافه یعنی تاجخانه یا دیروب بویکی نسند دین اسلامده ابتدا بونک ایچادیلر (۱۱) جذاملر سائر
مسلمانلردن جر ایتمکیچون قارشمونلر دیو وظیفه لر ایدی (۱۲) و هر بر کوترم کسند به بر خدمتکار
(۱۳) و هر بر اعمایه بر فاند یعنی برید بی کسند تعین ایدی (۱۴) بیتلری سنت ایدردی (۱۵) و آنلره
خواجه لر تعین ایدی (۱۶) علما و صلحایه دا ئما تقسیم ایچون کیسه لر ایل ایلچه لر و یرردی (۱۷) قرآن عظیم
حافظلرینه دخی احسانلر ایدردی (۱۸) و حافظلرک یوز جلرین حالنه کوره ادا ایدردی (۱۹) علما و وضعارفقرا به
حالرینه کوره وظیفه لر تعین ایدی * و الحاصل جبار ظالم غیر عادل ایکن خیراته حددن زیاده مائل ایدی
تقبل الله حسناته و تجاوز عن سيئاته (فتوحات) زمان خلافتده عظیم فتحلر واقع اولمشدر که سکسان
یدیده قتیبه آدوسرداری محمد بن بشارا ناحیه سنده کفار انرا کله عظیم جنک ایدوب کفاری صیوب
طاغدوب بخارا شهرینی صلحه آلوب ایچنه عسکر قویوب کتد کده شهر خلقی انلری قتل ایدوب قتیبه
ایشیدوب دونوب جنکله فتح و خلقی قتل و اسیر ایدی * یته بویله ده ولیدلر برادری مسلمه روم کافرلرینه
غزا ایدوب ایکی شهر فتح ایدی * سکسان سکزده قتیبه ماوراء النهر ده صلح ایل ایکی شهر فتح ایتمکین ترکستان
پادشاهنک همشیره زاده می ایکی یوز بیک عسکر ایل کلوب محکم جنک اولد قده کفار ترک صنوب اشیو سنده ده
مسلمه دیار رومدن ایکی شهری و مغربده جمیع بلاد اندلسی و یته مغربده طایفه شهرینی فتح ایدوب ایچنده
یوز یتش مرصع تاج و براوطه طولوسی کبریت اجر و بر آیدنه جها نغا و علوم بحیبه و غریبه بیاتده نیچه
مجلد کابلر و سلیمان پیغمبر علیه السلام صافی التوندن و کومشدن و اوستنده انجو و جواهر ایل مرصع

اوج دائره اولان مائده لری یا خود صافی زمره ددن و صحنی صافی کوم شدن اولان سفره مبارکه لری و دخی
 بونله مانند بجه نجه قف عظیمه بولوب و لیده کوندر و بده کفار روم ایله جنکه ظافر اولوب وافر کافر
 قیری * بعده انکوری دید کوری عوریه شهر نه غزا ایدوب انده کفار رومی صیوب سکسان طقوزده قتیبه
 کفار ترک ایله جنگ کینی قتل و کینی اسیر ایدوب ولایت خراسانده شهر طالقان خانی ترکه معنونت
 ایتمکین قتیبه انلایله جنگ و نجه لری قتل ایدوب باقیلری درت فرسخ برده لایکی صف بر برینه مقابل
 صلب ایدوب بعده ولید عیسی جزیره و آذر بایجان حکوم شدن غزل ایدوب بری مسلمیه و پردکده
 دمور قیوولا بنده نجه شهر فتح ایدوب * طقسان ایکیده ولید موسی آدوسرداری مغربده جمع اندلس
 ولایتی تکرار فتح ایدوب * طقسان اوچده قتیبه ولایت چینده قنوج شهر بی صلحه آلوب کفار ترکی صیوب
 بعده خوارزم شهر بی صلحه آلوب بعده سمرقند شهر نه کلوب عظیم جنکه نصرکه وافر خراج ویرمک اوزره
 صلح ایدوب و الحاصل ولید زمان خلافتنده هندو سندن ترکستان و عجم و عراق و روم ولایتلری شک خیل
 بری فتح اولوب خزینه سنه اطراف عالم دن اموال عظیمه جمع اولوب سلطنتی کمال قوت و شوکت
 و مهابت بولدی (متفرقات) مهر بنک نقشی * یا ولید انک میت و محاسب * ایدی طقسان التی
 جنادی الاخره سنک نصفتده دمشق شامده الی یا قرقیدی یا قرق طقوز یا الی یا قرق ایکی باشنده
 وفات ایدوب اون درت ارکل اوغلی قالدی * حضرت عمر بن عبدالعزیز دن مرویدر که ولیدی مقبره یه
 ایدوب قود و غده کوردمکه الی بوغازنه باغلنوب ایغیله یه پردیش * زمانده وفات ایدن صحابه
 و تابعین و غیره مشهور لری * عقبه بن عبدالله السملی و مقدم بن معدی کرب و عبدالله بن بشر المازنی و عبدالله
 بن ابی اوفی و ابو العالیه و جابر بن زید و انس بن مالک و سهل بن سعد و سائب بن زید و سائب بن خلاد و حبيب
 ابن عبدالله بن زبیر و بلال بن ابی الدرداء و سعید بن المسیب و عروه بن الزبیر و امام زین العابدین و ابوسلمه
 ابن عبدالرحمن و ابوبکر بن عبدالرحمن و سعید بن جبیر که کار تابعیندن اولوب حجاج اعین بونی ظلم اصوصب شهید
 ایتشدر و امام ابراهیم نخعی که امام اعظمک استادی استادیدر و مطرف که مستجاب الدعوه ایدی
 و ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف و عجاج الشاعر (فصل ثامن در احوال سلیمان بن عبدالملک بن مروان)
 مرویدر که هجرتک التمشنده طوغوب جانی قاشلواق و یولکوزلو خوب صورت و بلند قامت و عالم و غیور
 و صاحب فصاحت و بلاغت و محب خیر و غزا و وعدت اولوب ظلم و سفلد دما دن احتما اوزره ایدی
 لکن بر مقدار اعرج و مغرور و حد دن بیرون اکول اولوب شام بطمانی حسابیلده هر کون تخمینا
 یوز بطمان قدر طعام بریدی (بیعت و وقایع زمان خلافت) مرویدر که برادری وفات ایدوب کون
 خانی بوکا غابانه بیعت ایدوب رمله شهرنده ایکن خبر وارد قده دمشق شامه کلوب ملوک بنی امیه
 نماز لری آخر وقتلده قیلوب و قیلدر معنی بدعت ایتشدر ایدی سلیمان خلیفه اولدیی کبی عیسی اوغلی عمر
 ابن عبدالعزیز مصاحب و دلیل خیر و نماز لری اوائل اوقانده قیلدر مق ستنی احیا و اجرا ایتمکین
 و حجاج ظالم بونک زمانده هلال اولغین مفتاح الحیر دیکله مشهور اولوب حتی تابعیندن ابن سیرین *
 رحمه الله سلیمان اخت خلافته بنخیر و ختمها بنخیر افتخها باقامه الصلاة لمواقیتها و ختمها باستخلاف عمر
 ابن عبدالعزیز * دیمشدر برادری باشلد و غنی جامع تکمیل و ترین ایدوب و دار الخلافه و آنک ایچنده
 برصاری قبه عالی رتبه یا بیدوب طقسان بیدیه حلبه و ارب برادری مسلمیه یوز بیک عسکر ایله قسطنطنیه
 فتحه کوندر و ب مال عظیم خرج ایدوب وارد قنده عظیم خط و غلاچکوب عاقبت کفاری مغلوب
 ایدوب استابول ایچنده بر جامع یا معنی اوزره صلح اولوب بعده یا بوب اکین اکوب بیچوب سلیمان
 وفاته دلانده طور دیر * حالا غلطه ده صحابه بنایی اولغله مشهور اولان جامع عتیق غالباً اودر اوج ورق
 یوقار و ده بوکا مخالف بر روایت کیچمشدن نظر اوانه * مرویدر که سلیمان عادل اولغین بر کون بر مظلوم
 کلوب سکالنه ایل اذان آیتنه یعنی (فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله علی الظالمین) آیتنه آند ویرم دید کده
 شکایتکندند و ب اودخی جفتکمی سنک فلان عاملان المذن غصبه الی دید کده خوف حق سبیلده
 قنندن آشاغه انوب دوشن قالی بی سر بوب بکاغنی طبرافه قوبوب * والله لارفعت خدی من الارض

حتی یکتب له بر دضیعتنه) دیمکین فی الحال مظلومه جفتکمی رد اولغله امر یا بولوب الینه و بریلوب بعده
 سلیمان یوزنی طبراقدن قالدردی (لحیره) زهی عدل و زهی انصاف و احسان * خدا رحمت ایده
 بی حد و پایان (نثر) مرویدر که حجاج ظالمک سابقا حبس ایدوب کی کسسه لردن او چیوز بیک ارو عورت آزاد
 ایدوب و حجاجک توابعی منصبلندن عزل ایدوب جمله ماللری دخی چکوب الی (متفرقات)
 مهر بنک نقشی (آمنت بالله مخلصا) اولوب اون درت نفر اوغلی و ارایدی * مرویدر که بر کون انواع زینتله
 کینوب حسن و جمالنه مغرور و شباب و کالنه مسرور اولد قده خاصه جابه لردن بری یانده کوروب
 بی نجه کور رسن دیوب اودخی بویتلری اوقودی (نظم) انت نم المناع لو کنت تبقی * غیران لا بقاء
 للانسان * انت خلون العیوب و عما * بکره الناس غیر انک فانی * دید کده سلیمان بوشعرک معناسندن
 تطیرا ایتمکین المنسوب جابه بی یاندن قوب بعده چاغروب نه ایچون بولیدیدک دید کده جابه شاشوب
 بن سز یو کون اصلا کوردمد دیو محکم یمنلرا ایتمکین اول کورین غیبدن ایدوب معلوم اولوب ایشدنلر
 تعجب ایدیلر * برده قده نصرکه طقسان طقوز صفر بنک اوننجی جمعه کونی حلب قریبده مرج دابق
 آدلو برده مر ض ذات الجنین قرق بش یا او قوز طقوز یاشنده وفات ایدوب بری وزیر و عم زاده سی
 عمر بن عبد العزیزه بعده کند و برادر لردن یزیده بعده هشامه وصیت ایدوب مدت خلافتی ایکی ییل
 سکرای ایدی (نظم) باغ دهرک طرفه حالی وارد * سیب و اناری نارد * قالدی باقی جهانده
 براحد * هر کسک آخر مقامیدر لحد * مرویدر که حد دن بیرون اکول اولوب هر کون بر قنطار رومی
 قدر طعام بیوب مر ض مونی دخی بر دفعه ده او چیوز دانه بشمش یومر طه ایله او چیوز دانه نازه انجیر یکندن
 ناشی اولدی * زمان خلافتنده ولایت شرفده دمور قیو و دیار بجمده حرجان و طبرستان و غیره برلده اوج شهر
 دخی فتح اولمشدی بونک زمانده وفات ایدن اشرف ناسک مشهور لری طلحه بن عبدالله الزهیری و قیس
 ابن ابی حازم و عبید الله بن عبدالله و عمره بنت عبدالرحمن و عبدالله بن مجبر و محمود بن الربیع و حسن بن حضرت
 حسن و کرب بنده ابن عباس و عبدالرحمن بن اسود الخنقی ایدی (فصل تاسع در احوال حضرت عمر
 ابن عبدالعزیز بن مروان) مزبور مروان شامده خلیفه ایکن اوغلی عبدالعزیز مصره حاکم ایدوب
 بعده کاخلافت میسر اولما مشدر مزبور عمر هجرتک التمش برنده یا او چنده مصرده یا التمشده مدینه ده
 یا التمش برده بصره ده وجوده کلوب والده سی حضرت عمر بن الخطابک اوغلی عاصمک قزیدر آق بکر لوبوفقه
 یوزلو خوب صورت و مهیب و خفیف الجیم قبا صفا لوب کوزلری جز و بجه چقور ایدی او غلا بنجی ایکن
 یوزنی آت دیمکین آخی یاربیلوب نشانی قلوب اول سبیدن اشج بنی امیه دیرلر ایدی (مناب) اوصاف
 حمیده و اخلاق پسندیده سی حد و کنار و عدد و شماردن خارج و ذروه علمیا به عارج اولوب اول باید کمال
 اجمال بوموال اوزره درکه (۱) او غلا بنجیقر قرآن عظیمی حفظ ایدوب بعده پدیری بونی تعلم علم ایچون
 مدینه یه کوندر مکین انده تحصیل و مهماتی تکمیل ایدوب پدیری مصرده وفات اید کده سابقا خلیفه
 اولان عیسی عبدالملک بونی شامه کتوردوب داماد ایدمش ایدی (۲) قبل الخلافه دخی غایتده صالح و عابد
 ایدی (۳) حتی حضرت خضر ایله احیاناً بولشوب لکن شرعه موافق و جهله کمال تتم ورفاهیت اوزره کینوب
 ایکنجی عم زاده سی و امید خلیفه اولد قده سکسان سکر سنه سده بونی مدینه یه حاکم کوندردی طقسان
 اوچده بلا سبب عزل ایتمکین شامه و ارمشدی (۴) بکار تابعیندن (۵) و ائمه مجتهدیندن ایدی (۶) زمان
 خلافتنده بی شک و اریاب قطب الاقطاب ایدی دیمشدر (۷) حد دن بیرون عادل اولغین جدی حضرت عمر
 ابن الخطاب (من ولدی رجل بوجهه شجرة یملأ الارض عدلاً) دیوب بونک کله جنکه وعداته اشارت
 و بشارت ایتشدر (۸) هر حاله خلفاء راشدین حضرت تدرینه تقلید ایتمکین امام ابوسفیان ثوری و امام شافعی
 (الخلفاء خمسة ابوبکر و عمر و عثمان و علی و عمر بن عبدالعزیز) دیوب تابعیندن ابن سیرین دخی بونک ایچون
 امام الهادی دیمشدر (۹) علم و کلامه دخی حد و نهایتده اولوب تابعیندن میمون بن مهران (کانت العلماء
 مع عمر بن عبدالعزیز تلامذة) دیمشدر (۱۰) خشوعله نماز قیلمی و زهد و طاعتی و جناب حق دن خوف
 و خشیت دخی حد دن بیرون اولوب بکار صحابه دن انس بن مالک بونک آردنده نماز قیلوب (ما صلیت وراء

امام بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم شبه صلاة رسول الله عليه السلام من هذا الفتي) دیوب تابعیندن
 امام مکیحول (لوحاف لصدقت ما رأيت ازهد ولا اخوف لله من عمر بن عبد العزيز) دیوب وفات ابتدا کده
 دخی (مات خیر الناس) دیشدر (بیعت واحوال خلافت وعدالت) مرویدر که عم زاده سی ولید کندو
 یرینه خلیفه اولی عهدندن برادری سلجانی اخراج و کند و او غنی ادخاله اکثر خلقی راضی ابتدا کده
 حضرت عمر بن عبد العزيز عبد الملك وصی اوزره سلجانی جله خلقه مقدمه بیعت وعهدا یتشدد در دیورضا
 و یرمیوب حتی ولید عنیدو کاغضب ایدوب هلاک اولسون دیوب راوطه به یار طاریره قودیروب اوستنه
 دیوار ایدیروب اوج کوندنص کره شفاعت ایلد بقصد ایدوب هلاک قریب حاله وارمش بولش ایدی *
 سلیمان عمر کندیوه بوقدر وفادارلق ابتدا وکنه حظ ایدوب خلیفه اولاده بعد زمان کندو نصکره
 خلافتی عمره بعد کندونک برادرلری یرینه بعده هشامه تعیین ایدوب وفات ایدرکن دخی بووجهله
 عهدنامه یازوب مهر لیوب وزیری رجاه بن حیاة ایلد طشیره کوندروب خلقه اجالا بیعت ایدروب سلیمان
 وفات ابتدا کده نامه اوقونوب بی امیه ناچار عمره بیعت ایدوب بودخی مع الکراهه قبول ایدی * زمان عیم
 الامان عیدیم العدو اتسده کمال عدل وتقوی وعمل بما هو الاقوی ایدوب دفع مظالم و بدعت و اجرائ احکام
 شریعت متعلق امور نا محصور اظهار و دنیا بی شمس عدل ایلد لامع الانوار ابتدا کده اول نور (۱) ابتدا خلیفه
 اولاده منبره چیتوب بعد التیید والتصلیه کندو بی عزل ایتک استیوب جله خلقی راضی اولماغین
 بر خطبه بلیغه اوقونوب اخرنده خلقه خطابا (اطیعونی ما طعت الله فان عصيته فلا طاعة لی علیکم
 دیدی (۲) دار الخلافه به وارمغه خلقه اندکری آتی کتورد کارنده کاغیبوب کندی قاطرنه بندی و او کجه
 اصلا کسنه یورتمدی اکا و خلفایه مخصوص اولان خاص آتلی وسائر نسملری دخی صاقوب بیت المال
 قودی (۳) سرابه وارد قده خلفای چون دوشن فالیری و مقعدری واصلش پرده لری قالدردوب صاقوب
 بهار بی بیت المال قودی (۴) خلفا توابعنک وکندو اقر باسنک سابقدن اللرنده اولان املاک و اموالی
 مظالم دن حاصل اولشدر دیو آلوب بیت المال قاتدی حتی کندو خاقونه پدیری عبد الملك و یردیکی بر جوه
 بی نظیری دخی خاقونی رضاسیله آلوب بیت المال قاتدی (۵) منول سابقه زمانرنده ظهور ایتش انواع
 بدعتلری دفع و رفعه باشلیوب تدریجیله قوی و فعلی نیجه بدعتلر دفع ایدوب * جله دن بری بوایدی که جمیع
 خلفاء بی امیه هر خطبه آخرنده حضرت امام علی کرم الله وجهه به سب ایتک عادتلری اولوب
 بونلر خلیفه اولاده طائفة بی امیه بی ظرافتله الزام و اول قوم عنودی لطف و رفق ایلد حقه راضی ایدوب
 بعده سب امام علی بی ترک ایچون غایتله ناز کانه برتدارک ایدوب جله خلق ملزم اولد قلدن سب یرینه
 (ربنا اغفر لنا ولأخواننا الذين سبقونا بالايمان) آیتی اوقونوب و دخی (ان الله يأمر بالعدل والاحسان) آیتی
 اوقونوب بوم قیامتله دلوعادت مورثة السعادة انک حسناتندرد (۶) خلافتدن اول عقارلرندن
 هر بیل قرق بیلک التون محصولی اولمغین زیاده فاخر لباسلر کیوب کمال حضور و سرور ایلد بختورکن خلیفه
 اولاده کمال زهد و طاعت و قلت وقناعت اختیار ایدوب بیالوقفتلر کیوب حتی برکون اکنده
 باشنده یاغنده اولان جله لباسلری همان اون ایکی اجه به تخمین اولنوب ارقه سنده کوملک کیرلنوب
 دکشدره جک اولماغین ائی بودروب به آئی کیردی (۷) بیت المالدن کندویه کونده همان ایکی اجه
 وظیفه تعیین ایتکین اکثر زمانده خرج ایدوب جک بر اجه می بولغیوب و اکثرا هر کون مرجن
 شور باسندن غیری سنه یزدی * ایکی بیل بش آئی خلیفه اولوب کمال عدالتدن عقارلری محصولی
 کال قلدن باشلیوب حتی وفاتی سنه سنده همان در یوز فلوری حاصل اولمغین برایکی سنه وفات ایتسه
 دخی آراولوردی دیشدر * برکون تازه اوزم آتی استیوب اصلا اجه می اولیوب خاقوندن بر اجه استد کده
 خاقون دخی بنده بر اجه بوقدر اما سن خلیفه سن اوزم المغه بر اجه به قادر دیکلسن دید کده اشبو حال یارین
 جهنده سلاسل و اغلالدن اهورن یعنی آسان و احسن دریدی (۸) مدت خلافتنده اصلا جماع ایتیوب
 بحکمة الله تعالی احتلام دخی اولدی (۹) مرویدر که رباح بن عبید ایدر عمر بن عبد العزيز بمقدمه مامدینه

حاکی ایکن برکون تازه چیتوب بر یرکسنه آنک آموزینه طیامش کاور کوردم قلمدن دیدمکد بوقوجه
 نه مودی اولور عمر نمازی قیلوب ایچر و کیدرکن بن انک اردنجه واروب اصلح الله الامیر سکا طیمان یرکیم
 ایدی دیدم یارباح سن ائی کوردکی دیدی کوردم دیدم بن سنی رجل صالح ظن ایدر میزیر اول کورد و کت
 یرقنداشم حضرت خضر در بکا کلدی خلیفه اوله جغمی وعدالت ایدو جکمی خبر و یردی دیدی (۱۰)
 مرویدر که هر کون کوندن طشیره مصالح عامه انائی کمال عدالت و اهتمام ایلد تمام کورد کد نصکره هر کجه
 بعض علما و صلحایی جمع ایدوب موت احوالن و قیامت احوالن سوبلشوب رفقت بيشمار ایلد جله سی زار زار
 اغلشورلردی و نار خوف خدا ایلد جکرلرین داغلیوب بعده ایچر و کیر کده عبادتخانه سنده اوقونوب
 متصل آغلیوب جناب حقه مناجاتلر و عرض مناجاتلر ایدوب و احیانا او یخو باصوب او یاند قده تکرار
 تضرع و زاری ایدوب علی الدوام والتوالی احیای لیالی ایدوب بوعادته ابتدا باشلیوب خاقونی سببن
 صورده قده بی اتقلدن من امر امة محمد علیه الصلاة والسلام اسودها و اجرها فتفکرت فی القبر الحائض
 والمريض الضائع والعاری المجھود والمظلوم المتهور والغریب الاسیر والشیخ الکبیر وذوی العیال الکثیر والمال
 القلیل واشباههم فی اقطار الارض و اطراف البلاد فعملت ان ربی سائلنی عنهم یوم القیامة فخشیت ان لا یتب لی
 حجة فبکیت دیدی (۱۱) برکوره دخی برکسنه کمال زهد و قناعتلرینک سببن صورده قده (ان نفسی فواقه لم تعط
 من الدنیا شیئا الا تاقا لی ما هو افضل منه فلما اعطیت ما لا شیء فوقه من الدنیا تاقا لی نفسی ائی ما هو افضل
 منه) دیوب ایکنی افضل ایلد مرادی حقیقتده جنت و مشاهد جلال بی ککیت حضرت رب العزیز در
 جعل الله الجنة مثواه و بلغه جمیع مائتاه (۱۲) بعض کجه لرده دخی مصالح مسلمینی کورمه بیت المالدن
 النان مومی یاقوب مصلحت تمام اولدیغی آنده ائی سوبندروب کندو مومنی یاقوب حتی برکوره
 خدمتکارینه بر ابرق صواسی ایلد دیوب اولدخی عمارت بیت المال مطبخنده ایسیدوب و عمر
 خبرالد قده کندو اجه سیله بر اجه اودون آلوب اول مطبخه کوندردی (۱۳) مرویدر که خلافتی
 ابتدا سنندن وفاته دل تحت ککمنده اولان جمیع ماکده صحرالرده قوردرلر قیونلر ایلد او یناشوب
 اصلا ضرر ایتزلردی حتی برکسنه بو حال کوروب غایت تعجب ایدوب بر جوبانه بونک سببن صورده قده
 چوبان اهل عرفان * اذا صلح الرأس فليس على الجسد البأس * دیو جواب بر حکمت و صواب و یردی
 اتفاق برکون بر قوردر بر قیون قافغین بر عارف کسنه خلیفه وفات ایتش انجی دیو او کونی و اول ساعی
 ضبط ایتدی بعده وفاتی چاق اوزمانده واقع اولش ایدوکی ظاهر اولدی (۱۴) عدالتی نهایت و کماله
 ایرمش ایکن اول باید همت بی مائندی غایت بلند اولمغین (لوقت فیکم خیرین عاماما استکملت فیکم العدل
 ائی لارید الامر فاحاف ان لا تحمله قلوبکم فاخرج مع طمعا من الدنیا فان انکرت قلوبکم هذا
 سکنت الی هذا) دیدی (۱۵) عدل و کمال و حسن خصالندن ماعدا وافر کلمات حکمتها و نصایح
 فصیحة عالمانی و ارایدیکه اول بچردن بر قطره و شمعدن مقوله ذره بودر که * برکسنه بکا وصیت یعنی عمل
 ایدو جک نصیحت ایلد دید کده یور دیکه (اوصیک بتقوی الله و ایشاره یخف عنک المؤنة و یحسن لک من الله
 المعونة) (۱۶) هر کالندن غیری اشعار بلیغه و آیداری دخی و ارایدی قبل الخلافه بونی دیشدر که (نظم)
 انه الفؤاد عن الصبا * وعن انقياد للهوى * فلعمر ربك ان فی * شیب المفارق والحلا * لک واعظا
 لو كنت تعظ * اتعاط ذوی النہی * حتی متی لاترعی * والی متی والی متی * مابعد ان سمیت کهلا *
 واستلبت اسم الفقی * بلی الشباب وانت ان * عمرت وهن للبلی * وکتی بذلک زاجرا * لامر عن غی کفی
 (۱۷) زمان خلافتنده بی شک وارتباب قطب الاقطاب ایدی دیشدر * والحاصل چهار
 یار کز یند نصکره یوم قیامتله دلا عدل واکل جمیع حکام روی زمین ایدوکنه علما آفاق اتفاق ایتشدر در
 (لوائفه) رضی الله عنه فی العقی * وجزاه بفضلہ الاولی (فائده) مرویدر که زمان خلافتنده وفات ایدن
 اشراف علما و صلحا بولردر که ذکر اولنور * انو امامه سهل بن احنف و خارجة بن زید بن ثابت و سالم بن ابی جعد
 و بشر بن سعید و ابو عثمان بن النهدی و شهر بن حوشب و ابو الضحی ایدی (فائده) بونک زماننده حیاتده
 اولوب بوند نصکره وفات ایدن اشراف بکار * مکده حضرت امام محمد الباقر و قاسم بن محمد بن حضرت

ابی بکر و سالم بن عبد الله بن حضرت عمر * و مدینه ده امام مجاهد و امام عکرمه و امام عطاء و مدینه امام
طاوس و شامه امام مکحول * و بصره ده امام حسن بصری و امام محمد بن سیرین المعبر * و کوفه ده
امام شعبی و حضرت امام ابو حنیفه در که بوجه کار تابیندن و عظماء علماء دیندن اولوب هر بری عابد
و زاهد و مستقل مجتهد ایدیلر (متفرقات در کیفیت وفات و بعض حالات و کرامات) معتبرانده
هر ویدر که طائفة بنی امیه بی حیمه کند و لردن اولان ملوک سابقه زمانلرنده هر بری واصل مراتب علیه
و غریقی نعم جليلة دنیو به اولمغین عمر انلرک الارنده بغیر حق اولان عقارات و منقولات و سایر اشیا ناک
کینی اصحابیه و ربوب و کینی بیت المال قانغین و انلری مر ادلر فخر عایت ایتمکین جله سی عداوته عقده
باغلیوب عاقبت کند و خدمتکار بنه بیک فلوری و ربوب انک الیه زهر یدر دکر ندره عمر طویوب
خدمتکاری کتور دوب نیچون بویه ایتدک دیدکده اول دخی بیک فلوری به طمع بلا سیله ایتدوکن اقرار
ایتمکین فلوری بی کتور و بیت المال قویوب امدی و ارسنی کسنه کور میه جک یره کیت دیوب صوچن
عفو ایدری * و ده بر زمان خسته اولوب شامده حص ایله معره شهر لری قریبده دیر سماعن آدلو قریبده هجرتک
یوز برنجی سته سنک رجینده قرق یاشنده ایکن وفات ایتدی و انده دفن ایتدیلر طبرانی اورتلور کن جله
خلق ارانده آشکاره کوکدن بر کاغذ اینوب اوزرنده قدر تدن (بسم الله الرحمن الرحیم امان من الله لعمر
ابن عبد العزیز بن النار) دیو یازمش ایدی * جله مدت خلافتی همان ایکی ییل و بش یا الی ای ایدی (فائده)
نیجه معتبرانده هجرتک (ان الله تعالی یبعث لاهذه الامه علی رأس کل مائه من یجد لها دینها) حدیث
صحیحی فخر اسنجه هجرت حضرت رسول نبو هر یوز ییل ایتد ارنده مجده و مجددین یعنی مؤید و مشید شمع
مبین اولور بر عالم عامل و کامل اهل یقین کلشدر (اولکی) مائه ناک مجددی بالاتفاق اشبو عمر بن
عبد العزیز صاحب عرفان و تمیز در که هجرتک یوز برنده در (۲) مائه ناک امام شافعی در که ایک یوز در تده در
(۳) مائه ناک امام ابی الحسن الاشعری در که او چیموز بکری شوق درده کلشدر (۴) مائه ناک امام ابو حامد
الاسفرائینی شافعی در که در تیوز ایتده در (۵) مائه ناک امام محمد غزالی شافعی در که بشیموز اون برده در (۶)
مائه ناک امام فخر الدین رازی شافعی در که التیوز ایتده در (۷) مائه ناک عظماء علماء دیار مصر دن
سلاطین جرا کسه زمانده قاضی القضاة فی الدین ابن دقیق العید شافعی در که ید بیوز ایتده در (۸)
مائه ناک مجددی بنه کار علماء مصر دن شیخ سراج الدین عمر البلقینی شافعی در که سکر یوز در تده وفات
ایتملر در او لکیدن غیر بلده بعض اختلافات اولوب ذکر اولنان قول اظهر و اشهر در و هر مائه ده متعدد
مجدد اولن جازر در عیشدر (۹) مائه ناک مجددی حقه بعض کار علماء مصر دن محمد بن جاعه در دیوب لکن
بنه انلردن جامع جمیع علوم مهمه اولان شیخ جلال الدین عبد الرحمن السیوطی الشافعی (الکشف فی مجاوزة
هذه الامه عن الالف) نام رساله سنده مجده مائه ناسعه بنم دیود عوا الیوب فی الحقیقه مؤلفات کثیره لطیفه سی
دلالتیه سائر اقرانیدن احقیقی ظاهر و باهر در مائه عاشره ناک و مائه حادیة عشر ک مجددی یقینا لکن نظما دخی
نامعلوم در مائه ثانیة عشر ک مجددی ایسه ظن غالب اوزره حضرت محمد مهدی اولقدر نکیم مذکور رساله
کشفه مهدی یل ایک یوز اولنده ظهور ایدر دیو تفصیل اولمشدر و الله اعلم (فائده) بخاری شارحی
کرمانی تصحیح دین جمیع انواعه شامل و متناولدر که هر مائه ده علماء و مشایخ و لو کدن بر کسنه بی مجددی
ایتمک جازر در حدیث شریفده (من یجد) عبارتده کی من لفظی تعدد مجددی مقیدلر و هر مائه دن مقدّمه
دخی دینی مجدد یعنی مؤید کسنه و ارایدی لکن حدیثده مجددین مراد هر مائه بی کیچوب تمام اولاده
حیاتده اولنان عالم کامل مشار الیه در دیوب * کتاب فوائج مسکیه ده دخی مجده مائه اولان علما دن بر کسنه
اولن لازم اولیوب علماء و سلاطین و امرادن متعدد کسنه لردن اولن هم جازر و هم واقعدر زیر خلفاء
بنی امیه دن عمر بن عبد العزیز خلفای عباسیه دن مأمون بالله قادر بالله مستظهر بالله ناصر بالله ملوک
دیار مصر دن سلطان محمد بن قلاون سلطان برقوق هر بری بر مائه ناک مجددی ایدیلر تکیم زمان
سلطانلرنده ایتدکاری آثار حسنه لردن معلومدر دیو منومدر (فائده) شیخ سیوطی تاریخ الخلفاء سنده
کار علماء صحابه دن عبد الله بن عمرو بن العاص (ما کان مندا ما کان الدینا رأس مائه سنه الا کان

عند رأس المائه امر) دیشدر واقعاً مائه اولی ده حجاج ظالم قننه سی * ایکنجیده خلقادن مأمونک
برادری امینله جنک ایدوب انی قتل ایتدوکی و جله مسلمانلری خلق قرآن اعتقادنه جبر ایتدوکی *
اوچنجیده خروج طائفة قرامطه و قننه عظیمه عزل و قتل مقتدر بالله و ظهور متغلبان فراوان *
در دنجیده قننه زندقه و انواع ظلم حاکم بامر الله سلطان مصر * بشنجیده کفار فرتک شام و قدس شریفی
مسلمانلر لندن الدقلری * التنجیده خط یوسف کبی خط عظیم و ابتدای خروج تانار * یدنجیده اکثر عمالات
اسلامیه ده قتل و اسیر و غارت و انواع خسارت ایدن هلاک و قننه سی * سکر ننجیده تیموری نور پرزور
قننه سیدر که هلاک و قننه سندن الحش و اوحش ایدی الله تعالی دن دیرلر که قننه مائه ناسعه و قننه
اول بری رجینده قبض ایده حضرت محمد صلی الله علیه و سلم حرمتیچون دیشدر * کتاب السطور اولان عبد
برقصو ایدر که اولاسیوطینک استعاده ایتدوکی قننه مائه ناسعه و انحر ملوک جراسه سلطنت نزاعیه
بر برلر یله نیجه قتل ایدوب عباد الله اراقده پایمال اولدیی * بعده سلطان سلیم خان مصری فخر ایتدکده
اوچ درت آیه دل واقع اولان محاربات عظیمه در که بوجه ناک تفصیلی آشاغیده کلور * ثانیاً مر حوم
سیوطینک دعای قبول اولوب قننه مائه ناسعه ظهور دن مقدم وفات ایتدی * ثالثاً برورق یوقاوردنبرو
ذکر اولنان اوچ فائده عمر بن عبد العزیز مجده مائه اولن مناسبه لکثیرا للفوائد یازمشدر و الله عز و جل
الکرام مقبول (فصل عاشر در احوال بریدین عبد الملك بن مروان) بخش برده طوغوب آق بکزلو کوزل
یوزلومدر صورتلو جسم کسنه اولوب برادری سلیمانک عهد نامه سی اوزره عمر بن عبد العزیز وفاتده
بیعت اولندی (متفرقات) هر ویدر که سابقا اهل هوا اولوب خلیفه اولاده قرق کونه دل عدالت
و صلاحده سلفه تقیید ایدوب بعده (مصرع) خلی مشکدر کشی ترل ایملک معتدانی * مفهومه
شوق و شغب ایله عیش و طرب ایتمک بانشادی و خلافتک ایکینی ییلنده سابقا عمر بن عبد العزیز بصره
حاکم کندن معزول ایتدوکی سناده مشهور دنیا اولان برید بن مهلب بن ابی صفرة دعوی خلافت ایله
خروج و بیحد کسنه جمع ایتدوکی حینده بریدا کبرادری مسلم بن عبد الملكی ارسال ایدوب صحرای
کربلا قریبده جنک اولاده ابن مهلب صیوب جله فوابعیه قتل اولندی * و بریدک مدت خلافتده
وفات ایدن کار علماء تابعین امام فخر الدین بن مزاحم و عدی بن ارباط و امام عطاء بن یسار و امام مجاهد
ابن جبیر و مصعب بن سعد بن ابی وقاص و موسی بن طلحه و خالد بن معدان و امام شعبی و ابو قلابه و ابو برده
ابن ابی موسی الاشعری و ابان بن حضرت عثمان و ابو رجاء البصری در (وفات) هر ویدر که یوز بش
شعبانک بکری بشنده خلیفه شامه بر قاج قوناق یرده باقیای خود حوران شهر قریبده قرق درت یا قرق
یا بکری طقوز یا یوز طقوز یاشنده ایکن وفات ایدوب تابوتی خلق اموزرنده کو قور و دمشق شامه
کتور و دفن ایتدیلر بر قاج کون مقدم جنازه آدلو بر محبو به جاریه سی وفات ایتمکین انک فراقی احتراقی
بونی مرض سله مبتلا ایدوب یوندن غیری مرض عشق دن وفات ایتمش خلیفه معلوم دکلر دیشدر در مزبور
جنازه خلیفه به مسلطه و غالبه اولوب امور خلافته قارشوب نصب و عزل عقد و حیل انک انده ایدی
بریدک مدت خلافتی درت ییل و بر آی ایدی (امر عجیب) کتاب نکارستان کمال پاشا زاده ده
مذکور در که بریدین عبد الملك جنازه و سلامه آدلو حسنا و مستنسا سازنده و شکر خنده ایک جاریه لطافت
سار به سی اولوب انلره عشقه مجبور اولمغین تقید امور سلطنتی مهجور ایدوب اوقاتی انرا یله عیش و عشرتده
هر ویر ایدر ای اتفاقاً جنازه وفات ایتدکده اوچ کون دفن ایتدر میوب ایل و نهاریمیتی اوستنه زار زار
اغلاوب نار فراق ایله جگر بن داغلیوب بر کون حیرت ایله سرای او طهری کرکن جنازه ناک او طه سی
اوکنه او غراوب سلامه ساز چالوب جنازه ناک وفاتده متعلق ییتلر ابرلا دقه برید نعره اوروب بیقلوب بر کون
بر کیجه مدح و شوی و بیهوش یا یوب شدت احزان عشق فراواندن قلبی سوزان اولمغین جان ویردکده جنازه یاشنده
مدفون و یوحال خلقه عبرتخون و حیرتخون اولدی (فصل حادی عشر در احوال هشام بن عبد الملك)
آق و سموز و احوال یعنی کوزی شانی اولوب صفالان سیهله یو یاردی (بیعت و خصلت و سیرت و بدایع
و قایع و مدت خلافت) هر ویدر که ایک برادر لری وصیتی اوزره یوز بش شعبانی و اخرنده او یوز درت یاشنده

بیعت اولنوب غایتده عاقل و مدبر و مهیب و عظیم الشان و اهل اقدام و حلیم و کریم و محبوب القلوب و جامع الاموال و کامران اولوب قان ایتمک خصوصی غایتده منفوری ایدی * خیر و عدله مائل اولغین بیت الماله مال کتورلده کده قسامه اسلوبیجه قرق کسینه اشومال حقیله التشرید دیوشمادت ایتیمیجه ایچر و قومزدی * مرویدر که جلوه قریب ولایت قنسرینده و صافیه بی بنا ایتدر دکه تاجیه برکون اصلایم و غصه سز او تور مق دبلد کده ضحوة کبراده بعض سرحدلردن قانه بولشمش قوش یلکی کلد کده و لا یوما واحدا دیوب یعنی دینانک حضوری و سروری و الحظیة بتون برکونده دخی او نر دیوب متغیر و متعجب و متحیر اولدی * مرویدر که یوزیدیده ولایت رومده قیساریه * یوزسکرده سید بطل غازی الیه خنجره * اون برده مجده بیضا * اون ایکیده ملاطیه قریبده خرنه شهر لری فتح اولنوب * اون طقوزده یا خود مقدمایوز التیده مسلمانلر ماوراء النهرده فرغانه شهر نه غزا ایدوب کفار ترا کدن یجده و لایعده کسینه لایله بادشاهلری خاقانی یا اوغلی قتل ایتدیلر * یکریمی برده یا یکریمی ایکیده کوفه ده زید بن امام زین العابدین دعوی خلافت ایدوب وافر کسینه لای ایدوب موصول شهرینه و سائر ممالکده و وجهله دعوتنامه یازوب کوندردیکه (بسم الله الرحمن الرحیم من زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الی اهل الموصل و سائر البلاد و السلام علیکم اما بعد فاتقوا الله یا عباد الله الذی خلقکم و رزقکم و الیه مصیرکم ادعوکم الی کتاب الله و سنة نبیه علیه السلام و حایة الضعفاء و محاربة الظالمین و اخذ اهل حق البیت منهم اسرعوا یا عباد الله و اتقوا الله قبل ان یرسل علیکم عذابا کما رسل الی امم من قبلکم فأتونی و تخاصوا و السلام) بعده کوفه کئی یوسف بن عمر زیدایله جنک ایدوب معرکه ده زیده اوق طوقنوب شهید اولغین دفن اولنوب بعده یوسف انی چقاروب باشن کسوب هشامه کوندروب بدن شریفی عربیانا و ظلم و عدوانا اصوب حکمت حق ایلد عورنی برنی ادر مجک کلوب آخ قوروب اورنوب بوقصه عبرت حصه کرامات سنیه و معجزات محمدیه ندر که جد اعلاسی اولان انبیانک اشرف و اولیسی اوستنه دخی مغاره ده اور مجک بویه آخ قورمشدی * مرویدر که اول بدن شریف درت بیل مصلوب طوروب بعده مزبور یوسف ظالم انی اتشه یا قوب کئی صاوردی بعد زمان سر (کاتد بن تدان) عیان اولوب خیاریاس اولان آل عباس ظهور ایتد کړنده (و جزاء سیئة سیئة مثلها) فخر و اسجیه بنی امیه طائفه لری مقبره لرندن چقاروب بقار اولدیلر (فائده) مزبور زید اهل کوفه دن بر طائفه کلوب ابو بکر ایلد عمر دن تبرا ایدرسن سکا تابع اولم دیوب زید صاحب هدا دخی تبرایه رضا و یرمد کده انلر دخی اذن نرفض یعنی امدی سنی براغورز دیکین انلر روافض دیو آدقوندی * مقدمایواسم ایلد صمی طائفه یوق ایدی بر فرقه دخی زیده تابع اولغین انلر زیدیه دینوب شیعه طائفه سنک فرقه لرندن بری دخی انلر (مفرقات) مزبور هشام ولایت شامده و صافیه آدومه شامده یوزیکریمی ربيع الاولی یا آخری یا خودشوال ایچنده الی اوج و یا خود الی بش یا شنده وفات ایتدی و مدت خلافتی اون طقوز بیل و طقوز یا اون بری ایدی یاسکز آی و زمان خلافتنده وفات ایدن مشاهیر تابعین سالم بن عبید الله بن حضرت عمر رضی الله عنه و طاوس و سلیمان بن یسار و عکرمه و قاسم بن محمد بن حضرت ابو بکر رضی الله عنهم و کثیر الشاعر و محمد بن کعب القرظی و حسن البصری و محمد بن سیرین و ابو الطغیل عامر بن واثله که اصحاب رسول الله دن جمیع دنباده آخر وفات ایدن بالاتفاق بودر هجرتک یوزنده وفات ایتد و جری الشاعر و فرزدق الشاعر و عطیة العوفی و معاویه بن قره و مکحول الشامی و عطاء بن ابی رباح و حضرت امام محمد الباقر و وهب ابن منبه و سکنیه بنت امام حسین و حکم بن عیینه و عبید الله بن بریده و میمون بن مهران و عمرو بن شعیب و حاد بن ابی سلیمان استاد امام اعظم و علقمه بن یزید و مسلمة بن عبد الملك بن مروان و عاتک بن حرب و عبد الرحمن بن الاعرج و قتاده و نافع و عبد الله بن عامر و عبد الله بن کثیر و ثابت البنانی و مالک بن دینار و ابن محب و محمد بن شهاب الزهیری و دخی غیر یلایدی (عبرت) نکار ستانده مذکور در کوه هشام صاحب الاحتشامک همان یا کز کندو کیکه مخصوص لبایلری التیوز عدد دوه کتور رکن وفات ایتد کده سرائی مهر لکین خزینه شدن کفن النعمه امکان اولدی * کاتب السطور اولان بنده بر قصه و رابدر

(نظم) انظر لمن ملك الدنيا باجمعها * هل راح منها بغير القطن والكفن * واقعا دنای سریع الزوال بی وفاوی مال ایدوکنه بوقصه عبرت حصیه نظیره کثیره اولوب جله دن بری بودر که ملوک ضغاریه دن عمر بن ایت بر سلطان کامران عظیم الشان اولوب یا کز مطبخی مهماتن التیوز دوه کتور رکن اشاغیده کله جنک و جبه اوزره بغداده بغلو کتور یلوب ابی کسینه حبس اولنوب زندانده اجلقندن وفات ایتدی (بیت) دانی که در نیکین سلیمان چه نقش بود * دل در جهان میند که با کس وفات کرد (فصل ثانی عشر در احوال ولید بن یزید بن عبد الملك) والده سی حجاج ظالمک همشیره سی اولوب طقسانده و باطقسان ایکیده شامده طوغشدر خوب صورت و شجاع و شاعر و بلیغ و فصیح اکن مدمن خرو لوطی وزانی و مباحی و مریکب هر فعل قبیح ایدی * حتی حضرت رسول علیه السلام بونک حقهده (لیکون فی هذه الامة رجل یقال له الولید) و اشد علی هذه الامة من فرعون فی قومه (دیتدر پدیری یزید مرص موشده بری بوکا تعیین ایتک دیلوب اکن اوغلا شقی اوغین برادری هشامه انک وفاتد نصکره بوکا تعیین ایتکین هشامد نصکره بیعت اولندی (قبایح و کفریات مورثة الفضایح) مرویدر که مستحق عذاب شدید اولان ولید عینک عادات ذمییه و قبایح عظیمه سنه حد و کار و وعد و شمار او لمیوب جله دن پدیر سنک ام و دلدری و کندونک صلیبه قیزی بی توقف و تکلف زنایله تصرف ایدوب و برکون مصحف شریفی دخی اچوب تغال ایتد کده حقیقه اولنده (واستغفروا و خاب کل جبار عنید) آیتی کلد کده کندویه تعریض اولغی محمدر دیو منفعل اولغین بنی قورقوردر سن دیوب قبا یلوب ابراقدن مصحف شریفه حاشا او قرا قوب دلوب باره لیوب و بعده بوشعر کفر مشعری دینیکه (نظم) اوقد کل جبار عنید * فهما انا ذالک جبار عنید * اذا لا قیت ربک یوم حشر * قتل یارب من قتی الولید * برکه بر جاریه سیده مجلس خرده ایکسی دخی هم مست و هم جنب ایکن صباح اذانی اوقوند قده قدیمدن امامتی خلفا ایدر اولغین جاریه سنه البته بود دفعه امامتی سکا ایتد ررم دیوبین ایدوب جاریه یه کندولباسلری نی کیدروب تبدیل صورت ایلد کوندروب جنابت و مستلکله مسلمانلر امامت ایتدردی * و برکه دخی چاق کعبه معظمه نک اوزرنده حاشا و کلا خراجیمک ایچون حج زمانده مکبه کتمک دیلد کده کفر و سفاهت و ظلم و قباحت سبیلده جله اهل شام بونی عزل و قتله اتفاق ایدوب کندوسی طرابلسه قریب ابدریاده تدمر شهرنده شکارده ایکن عزاده سی یزید بن الولید بن عبد الملك بیعت اولغین دار الخلافه اولان دمشق شامده غلبه ایلد جلوس ایتدی (کیفیت قتل او) بعده ولید عینک اوستنه عسکر کوندروب جنکده محاصره اولد قده ساکن اولد یعنی اولقبوسنه کلوب وظیفه لر یکزی زیاده ایدوب اوستکزدن نیجه تکالیفی رفع ایدوب فقرا کزه نیجه احسانلر و ایلکار ایتد می دیوب عسکر دخی کرچک ایتد لکن بزم سکا هجویمز همان الله ایچوند زیر الله تعالی انک اوامر شریفه سن استخفاف و نواهیسن استحلل و عدم استنکاف ایتدک دید کارنده * بتر معلوم اولدی دیوب اوطیه واروب البته مصحف شریفی آلوب اچوب یوم کیوم عثمان یعنی حضرت عثمانک شهادتی قصه سنه او غرام دیوب همان تلاوته باشلد قده اون نفر کسینه دیواری آشوب ایچرویه کیروب یوزیکریمی الی جادی الانخره سنک یکریمی سکا زنجی کونی سبت کونی قرق ایدی یا او قوز الی یا شنده ایکن بوغزلیوب سرشقا افسرین کوندره دیکوب شامده خلیفه یه کتوردیلر * مدت سلطنتی همان بر بیل و اوج آی یا ابی آی ایدی لهو و طریبه و شهوته مشغول و تدبیر احوال سلطنتدن زیاده غافل اولد یغندن غیری کفر و الحاد و زندقه به دلالت ایدن اموره ارتکاب و اجترامی و حین بآس و بآسده مصحف شریفه التجامی اول خبیث و ذلیلک حقیقه اختلال عقلنه دلیلدر یو خسه ایتدوکی ایشله زندیق و ملحد و کافر خوف اهل اسلام ایلد آشکاره اقدام ایتدیمشدر * مرویدر که قتل اولد قده اطرافده خار جیلر چوغالوب هر سنه نک بر سبب ظاهر سی اولغین بونک دخی قتل زوال دوات خبیثه بنی امیه به سبب اولدی دیمشدر و الله الحد والمثنه (فصل ثالث عشر در احوال یزید بن ولید ابن عبد الملك) خلیفه اولد قده عسکرلر وظیفه لر به سبب ایلد ایتدوکی زیاده لری کسمکین یزید الناقص

دیوملق اولدی بی والدہ سی آخر ملوک بجم اولان یزدجرد اوغلی فیروز کبیری انک دخی والدہ سی بنہ شاه بجم
اولان خسرو اوغلی شیرویه نلک انک دخی والدہ سی ترکستان پادشاهی خاقانک و شیرویه والدہ سنک والدہ سی
قیصر رومک قزلارندن اولمغین من بور یزد اقطاع ایدوب دیشدرکه (نظم) انا بن کسری وای فروان *
وقیصر جدی وجدی خاقان (نثر) مرویدرکه فارہ یاغز شحیف البدن خوب صورت ایدی ولیدہ هجوم
ایدوب خلق آفی قتل ایتد کلرنده خطبه ایچون منبرہ حقیقوب بعد الحمد والثناء خلقه خطایا بولکلامی
ادا ایتدیکه * اما به دفانی والله ماخر جت اشرا ولا بطرا ولا حرصا علی الدنیا ولا رغبه فی الملائ وای اظالم
لنفسی ان لم یرحمی ربی ولكن خرجت غضبا لله ودينه وداعیا الى کتاب الله وسنة نبیه حین درست
معالم الهدی وطنی نور اهل التقوی وظهر الجبار المستحل للحرمة والراکب للبدعة فلما رأیت ذلک اشفقت
ان غشیکم ظلمة لا تطلع عنکم علی کثرة من ذنوبکم وقسوة من قلوبکم واشفقت ان یدعو کثیرا من الناس
الی ما هو علیہ فنجیه فاستخرت الله فی امری ودعوت من اجابی من اهل واهل ولایتی واراخ الله البلاد
والعباد ولایة من الله ولا حول ولا قوة الا بالله ایها الناس ان لکم عندی ان ولیت امورکم ان لا اضع لینه
علی لینه ولا جبرا علی حجر ولا اقل ما لا من بلد الی بلد حتی اسد ثغره واقسم بین مصالحه ما یقوم به ان فضل
فضل رددته الی البلد الذی یریه حتی تستقیم المعیشتہ وتکونوا فیہ سوا آفان اردتم بیعتی علی الذی بذلت لکم
فانا لکم وان ملت فلا یعبی علیکم وان رأیت احدا اقوی منی فانا اول من یرایع ویدخل فی طاعته
واستغفر الله لی ولکم * دیوب اشاغہ ایندی امور خلافتہ مشغول اولدی مرویدرکه عالم وعاقل
وصاحب ذکا ومدير ومتمدين واهل تقوی اولوب طائفة بنی امیه مستحق الزجر عیش وعشرتدن
منع وحجرا یدردی لکن مذهب پر ضلال اهل اعتزالده اولمغین خلقی قدریه اعتقادینه دعوت ایدوب
اومذهب علمانی کندویه یقین ایتشدی بیرام نمازیه مصلایه سلاحه وارمق بونک ایجادی اولوب
شهر ایچنده ایکی صف مسلح آتولر اراسنده حقیقمشدی بعض نصایحی اولوب بری بودرکه * یا بنی امیه ایاکم
والغنا فانه یقتص فی الحیاء ویزید فی الشهوة ویهدم المروءة وانه لیسوب عن الخیر ویفعل ما یفعل المسکر
فان کنتم لابد فاعلین فخنوه النساء فان الغنا داعیه للزنا * مرویدرکه یوزیکرمی الی ذی الحجۃ سنک
بدیخی کوئی او تو زالی یا او تو ز بش یا قرق الی باشنده طاعوندن وفات ایدوب مدت خلافتی همان بش آی
ویایدی سکر کون ایدی (فصل رابع عشر در احوال ابراهیم بن ولید بن عبد الملك) برادر ی وفاتده
یرینه یکوب بر قاج آیه دلک بعض خلق بیعت ایدوب اکثری ایامکین حالا کردستان اولان ولایت
جزیره واذربایجان حاکی اولوب ابراهیمک لام برادر ی اولان مروان ولایت شامه کلوب ابراهیم دخی
انکله جنک کندیونک بشرو سرور آدلو ایکی برادر ی کوندروب مروان انلری صیوب ایکیسن دخی
طوبوب حبس ایندکده ابراهیم عم زاده سی سلیمان بن هشامی دخی یوزیکرمی بیک عسکرله کوندروب
مروانک عسکری سکسان بیک اولوب ارالرنده عظیم جنک اولدقه سلیمان دخی صندقه ابراهیم
کندوسی دمشق شهر نیک طشره سنه حقیقوب کندو عسکرینه مال فراوان ویروب لکن ایچلرینه
اختلاف دوشمکین ناچار قاچوب کیزلنوب بعده بعضیلر قولنجہ مروان الی قتل ایدوب بعضیلر قولنجہ
دیار بکر فربنده جزیره ولایت کیدوب بریلدن صکره انده وفات ایندی بعضیلر قولنجہ کیزلنکد نصکره
حسن اختیار یله کلوب مروانہ بواسوب خلافتہ بیعت ایدوب یوز او تو ز ایکیده دولت آل عباس ظهور
ایتد کده سائر بنی امیه الی قتل اولندی * مدت خلافتی همان یتش * کون یا خود درت آی ایدی
(فصل خامس عشر در احوال مروان بن محمد بن مروان بن الحکم بن ابی العاص) مرویدرکه
برادر ی محمدی برادر ی عبد الملك خلیفه ایکن جزیره ولایتہ حاکم ایدوب انده مروان هجرتک یتش ایکیسنده
طوغمشدی آفی بکزلو اورتہ بویلو جسم و قبا صقالو مهیب و بهادر وعاقل ومدير اولوب بنی امیه
طائفة سنک اشجعی ایدی جنکدن خالی اولوب جفاکش اولمغین مروان حمار قبیلہ اشتہار بولدی
تحقیق زندق اولان جعد بن درهم آدلو استادک مذهب باطلانده اولمغین مروان جعدی دخی یدرلدی
شامده آخر خلفا وملوک بنی امیه بودر (کیفیت ظهور او) مرویدرکه سابقا خلفا طرفندن نیجه عظیم

شهر لره ولایت لره حاکم نصب اولنوب وارد یغی یرلرده وافر جنکاکر وقتل ایدوب بعده سابقا ذکر اولنان
ولید قتل اولندقه مروان جزیره حاکی ایکن ارمینیه شهرنده دعوی خلافت ایدوب بعده یزید
ابن ولیدک وفاتی ایشند کده مال عظیم خرج ایدوب وافر عسکرله شامه کلوب سابقا ذکر اولندیغی
اوزره ابراهیمک ایکی سردار یله یایی جنک ایدوب هر بری صیوب بعده ابراهیم قاچوب یوزیکرمی یدی
صفر نیک نصفنده شامده خلافتہ بیعت اولنوب بعده ولیدی قتل ایتد یرن یزید ناقصی قبرندن حصاروب
صاب ایتدی (مخاربات) بعده مکان سابقی اولان حران شهرنه واروب خلافتدن خاج اولنان
ابراهیم الیه سلیمان بن هشام انده امانله کلوب مروانہ بولشوب بیعت ایدوب بعده اهل حص ودمشق
شام و فلسطین مروانہ عصیان ایتمکین مروان انلری کسر وقهر ایدوب بعده قر قیسا شهرنه کیدوب
اول اثنادہ من بور سلیمان یتش بیک اهل شام الیه مروان خلع ایدوب مروان دخی واروب حلب الیه شام
اراسنده ارض قنسرینده عظیم جنک اولوب سلیمان صینوب عسکرندن او تو ز یکدن زیاده کسنه
قتل اولندی * یوزیکرمی سکر زده خوارج طائفة سندن ضحاک بن قیس خروج ایدوب وموصل بکنی قتل
وشهری ضبط واطراف غارتله ذروه فسادہ عروج ایدوب عسکری چونالده مروان کاواروب صفین
دیدکاری یرده ایکی عسکر برکون صبا حدن اخشامه دلک جنک عظیم ایدوب ایکی طرفدن الی بیک کسنه الیه
ضحاک قتل اولنوب لکن اکثر مقتولین خوارجدن ایدی * اشبو جنکده مروان عسکر بیک صاغ قوی
طوروب مروان سکند ومکاتدن آیرلده بعض خوارج مروان اردوسنه ظفر بولوب تحتنه
یکدکده مروانلردن اوج بیک کسنه انی قوشادوب طوبوب قتل ایتلردی بعده خوارجہ بنه ایچلرندن
شیبان سردار اولوب مروان اکا واروب اون آیه دلک محاصره وهرکون محکم جنک ایدوب لکن داغما
مروانک عسکری صینوب بعده شیبان شهر زوره اندن کرمانه اندن بحرینه کیدوب انده قتل اولندی
(ابومسلم) مرویدرکه امام محمد بن علی بن عبد الله بن حضرت عباس عم رسول علیه السلام شامده بلقا
شهرنه قریب حیمه آدلو قریه ده ساکن اولوب (لنا ثلاثة اوقات موت یزید بن ابی مسلم ورأس المائة وفتق
بافر یقیمه فعد ذلك تدعو لنا دعاء الناس ثم یقبل انصارنا من المشرق حتی ترد خيولهم المغرب) دیوب
من بور یزید افر بقیه ده قتل اولنوب طائفة بر بر نقض عهد ایتد کارنده من بور محمد ظهور یز زمانی کادی
دیوب خراسانه برکسنه بی آل واهل بیت رسولدن برغیری معینه بیعتہ دعوتہ کوندروب بعده ابومسلم
خراسانی بی دخی کوندروب نقبایه مکتوبلر کوندر کده جمله سی قبول ومحمدی خلیفه ایتمکی مقرر
ایتد کلرنده خراسان بکی نصر بن سيار بوقصه بی طوبوب مروانہ تنبیه و اخبار ایچون بویشتلری یازوب
کوندر دیکه (نظم) اری تحت الرماد وميض نار * وپوشک ان یكون لها ضرام * فان لم یطفها
عقلاء قوم * یكون وقودها جثث وهام * فقلت من التجب لیت شعری * أیقاظ امیه ام یام *
فان كانوا یجثمون یاما * فقل قوموا فقد کان الیام * اذا حان الحین حارة العین * مثلی مفهومیجه مروان
بوخبره چندان عمل ایتموب بعده من بور محمد قبل ظهور الخلفاه وفات ایتد کده انک وصیتی مو جنبه
یوزیکرمی طقوز رمضانده من بور ابومسلم عجمده مروان شهرنده جمیع ولایت خراسان خلقی وفات ایدن
من بور محمدک اوغلی ابراهیم بیعتہ دعوت ایدوب بعده الیبعه مروان ضبط ایتد کده من بور ابراهیم ومحمد
قدیدن شام قرینده بلقا شهرنده ساکن اولمغین بلقا حاکمه مروان خبر کوندروب ابراهیمی طوبوب
کندویه حران شهرنه کتور دوب حبس بعده قتل ایتدی (غلبه آل عباس) مقدمه ابراهیمک وصیتی اوزره
جمیع اقربا ومتعلقاتی برادر ی عبد الله کوفه یه ایلشوب برادر ی منصور الیه انده برآی کیزلنوب یوز او تو ز
ایکی ربیع الاول سنک اوچینی یا اون ایکنی جمعه * کونی خلافتہ صبا حدن آشکاره بیعت اولنوب
بعده مروان یوزیکرمی یا یوزالی بیک عسکر الیه موصل قرینه واروب اردوسی اطرافنده خندق قازوب
بر طرفنه کو بر قوروب عبد الله دخی کندو عجمی عبد اللهی بجمد عسکرله کوندروب جمادی الاخره ده
عظیم جنک اولدقه بحکمة الله تعالی مروانہ قبول ایتمک لازم کلوب ناچار آتدن اینوب واحالده صدای
جنکدن سراج الندن آفی اورکوب کندو عسکری ایچنه قاچوب آفی کورنلر مروان قتل اولدی

صاحب قاجقه باشلاوب (اذاعت المدة لاتفع العدة) مغه ومخجه كثر عسكر كار كر اولوب بلا سبب
مجرد بر بول ايله قوت وحول قالمغن قاجوب اول محله ذهبت الد ولة بالبولة ديو ضرب مثل اولدى
(نظم) مكن نكيه بر آن ديوار دوله * كه بنياش بر دسيلا بوله (محرره) حضرت حق كشي به اولسه
معين * هرايشي اسان اوله انك همين * اولمجي عون خدا يارا كا * سهل اولان ايشلر اوله دشوارا كا *
(قتل مروان) مرويدركه عسكر يله قمار كن كيمي قيرلوب كيمي صويه غرق اولغله اكثرى هلاك اولدقه
قديمن وطني اولان جزيره ولايتنه واروب خزينه لر ين الو ب شامه كيدوب ممدار اولان عبدالله كلوب
جزيره في ضبط ايدوب مروانك اردنجه سكيدوب دمشقده محاصره ايدوب خليفه اولان عبدالله
بوني ايشد كده صالح آدلو بر عيسن دخی سر داره معاونه كوندروب شهرى جبرافتج ايدوب اوج كونه دل
ايچنه قيرلوب خلق قيروب قلعه في اساسنه دل يقوب مروان بوني ايشيدوب فلسطيندن مصره
قاجوب اندن دخی چاق حبش ملكنه كتمك ايچون مصره صعيد ولايتنه واروب بوجانبده دخی سردار
فلسطينه برادري صالحى عسكرايه مروانك اردنجه كوندروب بوجير آدلو قريده يتشوب يوز او توز
ايكى ذى الحجه سسنده قتل ايدوب اوغلاري عبدالله وعبدالله قاجوب عبدالله چاق مهدى خلافتنده
طوتلوب كا كنورلدی (متفرقات) مروانك زمان خلافتنده وفات ايدن اشرف مشاهير بونلردركه
ذكر اوانور * امام سدى ومالك بن دينار وعاصم احد قراء سبعه ويزيد بن ابى حبيب وشيبه بن النضاح المقرئ
ومحمد بن المنكدر ويزيد بن القعقاع المقرئ واوب المختصيانى واوانزاد وهمام بن منبه وواصل بن عطا كه رئيس
طائفة معتزله ايدى * ومروانك جمله مدت خلافتي بش ييل واوان آى مدت عمرى التمش يدى بالتمش ايكى
ييل ايدى بومحله دولت خيشه بنى اميه في حيه منقرض اولوب حضرت امام على وحسن وحسين
انتقاملري ايچون بنى اميه نك ملوك وامر اسنك ميتلرندن معاويه ويزيد لعين وعبد الملك وهشام وسائر لري
مقبره لرندن چيقار بلوب بدنى صحيح بوليمان صلب بعده احراق اولدى ودخی جميع ممالك اسلاميه ده مطلقا
بنى اميه طائفه سندن حياتده بولنانلر دن آشكاره يرده كورنور بر كسنه قونموب اوقات متفرقه ده
تفصيله محتاج انواع عذابله جمله سى قتل اولوب ايچلر نده نامدارلر دن همان عبدالرحمن آدلو كسنه
قورتلندر كه مغرب ديارنه كيدوب انده پادشاه اولدى تنكيم اشاعيده ذكر اوانور (نظم) بكا آن
فر يدون وضحاك وجم * نهان عرب خسروان عجم * همه خاك دارند بالين وخشت * خنك آن كه
جز تخم يكي نشكت (باب ثانی در احوال خلفاء عباسيه) اشبو طائفة عارفه هجرتك يوز او توز
ايكني سسه سنده ظهور ايدوب جمله سى اولوزيدى نفر ومدت خلافتلري بشيوز يكرمى درت ييل
وتختكاهلري بغداد وانك اطرافنده بعض بلاد ايدى (فائده) طائفة بنى اميه بنى حيه نك خبث وفسق وظلم
باعث الظلملر دن اكثر خلق عالم پر درد وال اولمغن خلفاء آل عباس كرام الناس عدالت استيناسك ظهور
موجب السرور لر نه اشارت ايدن احاديث بشارت توريتك بعضلري بونلردركه حضرت رسول عليه السلام
(رايت بنى مروان تعاودون على منبرى فساء في ذلك ورايت بنى العباس تعاودون على منبرى فسر في ذلك)
ودخی (الخلافه في ولادعى وصنواى حتى يسلموها الى المسيح) ودخی (اللهم اغفر للعباس ولولده مغفرة ظاهرة
وباطنة لاتعداد رزنا اللهم احفظه في ولده واجعل الخلافة باقية في عقبه) ودخی عبدالله بن عباس طوغوب
حضرت رسول عليه السلام انى كورد كده هذا ابو الخلفاء حتى يكون منهم السفاح حتى يكون منهم المهدي
حتى يكون منهم من يصلى بعيسى ابن مريم) ديويور مشلردر بعض سلف ايدراولور عزي ايشدمكه
(والله لقد افضت الخلافة الى بنى العباس وما في الارض احدا كثر قارنا للقرآن ولا افضل عابدا ولا ناسكاً منهم)
دبرلردى (فصل اول در احوال سفاح) اسمى عبدالله اولوب اكن خليفه اولمجيون بنى اميه دن
بيجكسنم قتل ايدى ايچون سفاح لقبيله مشهور اولدى (فائده) در بيان نسب وحليه واوصاف
سفاح (مرويدركه پدرى محمد بن على بن عبدالله بن عباس در كه جدا علاري حضرت عباس ايله عبدالله
تفصيل احوال لري بوقاروده باب اقربا رسول عليه السلامده كج مشلردر اما جدى على بن عبدالله لاهى جمله
قوابيله بنى اميه دن هشام بن عبد الملك ويا خود اندن اول وايدن عبد الملك خليفه ايكن ساطنت خوفندن

شامه يقين بقا شهرينه سوروب دوات بنى اميه انقراضنه دل بطائفة انده طوروب هجرتك يوز اون سكزنده
على وفات ايدوب خوب صورت ومهييب وعظيم الشان وعابدوزاهد كسنه ايدى هر كون بشيوز ركعت نماز
قيلوب يكرمى ايكي اوغلى اولمشدى عليك اوغلى دخی محمد يوز يكرمى بشده التمش باشنده وفات ايتشدى
مرويدركه سفاح يوز سكزده يا خود درتده طوغوب خوب صورت بلند قامت آق بگز لو سياه صاچلو
كوزل صقالو طوغان بورونلوا اولوب اگرچه خونى كسنه ايدى اكن زباده عالم وكمال ومدبر وعاقل
وفصيح وبلغ وسبحى وبي دريغ اولوب وعده ايتدوكني سسته في اصلا تاخيرا تيموب اول محله واول
بجلمسده البته ادا وعطا ايدردى بر كره عبد الله ابن حضرت حسن بيك كره بيك انجه نامنى قواقدن
ايشيدوب اكن بر پرده كوردمم ديمكين في الحال اكا اولقد راجحه باغشليوب همان اول بجلمسده نساييم
ايتدى مهر ينك نقشى (الله ثقة عبدالله وبه يؤمن) ايدى بونك حقهده حضرت رسول عليه السلام
(يخرج رجل من اهل بيتي عند انقطاع من الزمان وظهور من الفتن يقال له السفاح فيكون اعطاءه المال
حيثا) ديوب ودخی (منا السفاح ومنا المنصور ومنا المهدي) بيور مشلردر (جلوس وبعض وقايغ) زمان
خلافت مناسب كليه ايله مروان احوالنده بيان اولند بغي اوزره يوز او توز ايكي ربيع الاولينك او چنبي
يا اون ايكني جمعه كوفى كوفه شهر نده خلافتنه بيعت اولنوب بعده مروانله چنكه كندونك عيسى
عبداللهى كوندروب مروان صينوب ولايت مصره قاجوب انده قتل اولدى جميع ممالك
اسلاميه في سفاح مستقلا ضبط ايتدى بعده سخا وذكاده مشهور دنيا اولان خالد بن برمك نام
كسنه في وزير ايدى نوب مدبر اموره وزير تسميه اولنقى ابتدا يوزمانده ظهور ايدى مزبور خالد
سفاح دن كره منصوره دخی وزير اولوب مهدى خلافتنده وفات ايتشدى * مرويدركه حضرت رسول
عليه السلام و چهار يار كز بن رضوان الله تعالى عليهم اجمعين خطبه في اياغ اوزره اوقيوب بعده
معاويه سموز كسنه اولمغن او توزر كن او قوردى بعده خلفاء بنى اميه معاويه به تقليد ايدوب
اماسفاح خليفه اولدقه سنت رسول الله عليه السلام ايله عمل ايدوب الى يومنا هذا اجر اولنور
اولدى * مرويدركه سفاح برادري يحيى بن موصله وبنه برادري منصورى جزيره ولايتنه وعيسى
داودى مكه ومدينه وعين و عيامة ولايتلرينه برادرزاده سى عيسى بن موصلى كوفه وعراقه او بر عيسى
عبداللهى شامه ابو عون بن يزيد آدلو كسنه في مصره ابو مسلم خراسانى بي خراسانه حاكم ايتدى * مرويدركه
رئيس اصحاب فيل اولان ابرهه وعسكرى قهر ررب العالمين ايله سالك راه عدم اولدقر نده ينده شهر
صنعاده قايس آدلو كنيسة كفر انيسه سنك اطرافى مرور زمانله ويران وممكن سباع وبعض حيوانات
اولمكين سفاح خليفه اولدقه عين حاكى اولان داودى عسكرايه كوندروب انى بيقدروب ايچندن
عظيم مالرا لوب بعده اول كنيسانك نام ونشاني قالمدى (وفات) مرويدركه خلافتندن ايكي ييل
صكره كوفه دن كوچوب بغداده قريب انارش مز بنى تختكاه ايدى نوب ايكي بيلد نصكره يوز او توز بش
ذى الحجه سنك اون ايكني كوفى يكرمى يايكرمى يدى يايكرمى سكز ياي او توز اوج ياي او توز ايكي باشنده
جدري ديدكلى چچك مر ضندن وفات ايدوب خلافتى كندود نصكره بيوك اولان برادري
منصوره وصيت ايدوب جمله مدت خلافتى درت ييل وطقوز ياسكز آى اولوب سكز آى مروان حياتده
درت ييل انك وفاتد نصكره ايدى (فائده) سفاح زمانده وفات ايدن مشاهير بونلردر * يزيد بن اسلم
وعبدالله بن ابى بكر بن حزم وربيعة الراى كه فقه اهل مكه ومدينه ايدى وعبد الملك بن عمير ويحيى بن ابى
اسحاق الحضرمي وعبد الحميد الكاتب كه فاضل وكامل ايدى ودخی نيچلر (انتقام) تاريخ بن خننه ده
مذ كوردركه سفاح كندويه پدرى خلفاء بنى اميه دن اولان سليمان بن هشام بن عبد الملكى مقرب
ايتد كده بر شريف كسنه سفاحه كلوب (نظم) لا يفرنك ماترى من رجال * ان تحت الضلوع دآء و فيا *
فضع السيف وارفع الصوت حتى * لا ترى فوق ظهرها اموا * ديديكندو بول كلام نصاح ايله سفاح متأثر
وسليمانك قتلاه امر اولمغن في الحال قتل ايتد بلسفاحك عيسى عبدالله يانه دخی بنى اميه دن طقسان
نفر مقدارى كسنه جمع اولوب سفره طعام چكلك صد دنده شعردن برى كلوب ديديكه

(نظم) اصبح الملائك ثابتا بالاساس * بالهم ليس من بني العباس * طلبوا وترهاشم وشعوا *
بعد ميل من الزمان وباس * لا تقبلان عبد شمس عنارا * واقطعن كل رقلة وغراس * انزلوها بحيث
انزلها الله * بدار الهوان والانعاس * واذكروا مصرع الحسين وزيد * وشهد بجواب المهراس *
والقتيل الذي بجران اضحي * ناويا بين غربة وتنامي (نثر) عبدالله بن خنيزار ايدوب في الحال امر ايلدي
اول طقسان كسنيه في جادر دير ككريله اوروب اعضاءين قيروب دخی غام وفات ايتدين اوزرلر نه قایلر
دوشدوب بعض خلق ايله اوستنه چيقوب اوتوروب سباط چكوب يک ييوب التلر نده مونه قيرب
مجر وحرلک ناله وانيلري ايشيديلوردی * ودخی مزبور عبدالله دمشق شامده معاويه ويزيد
ومروان وعبد الملك وهشام وسائر بني اميه نك مقبره لرین آچدروب ايجلر نده بدنی چور عيش اولماني
آصوب بعده آتسه ياقدي ودخی سليمان بن علي بن عبدالله بن عباس بن اميه دن بر جاعی قتل ايدوب
جيفه لرینی کبلر يدر ديلر والاصل بني اميه دن اسم ورسمی مشهور ومعلوم اولان هيچ برکس نه قور تليوب
جله سی قتل اولوب ايجلر نده همان عبدالرحمن آدلو کس نه قور تلوپ اولدخی مغرب ولايته قاچوب
بعد زمان انده پادشاه اولمشدر تکيم آشاغیده کندوسی واولادی تفصيل اولنور ان شاء الله تعالى
(فصل ثانی در احوال منصور بن محمد) بن علي بن عبدالله بن العباس عم الرسول عليه السلام برادری کبی
بونک دخی اسمی عبدالله اولوب لکن لقبی منصور وانکه مشهور ایدی کنیکی دخی ابو جعفر اولوب بعد خلافة
اکثر یا بجل وخت وجع مالد غایت دقت ایدوب عاملردن بالذات کندوسی حساب الدقه منقیر
وچکردل قسین دخی حساب ایتکین دوانقی لقبيله دخی مذکور ایدی طقسان بشده طوغوب
برادری سفاحدن اون اوج یا طقوز یا سکر یایدی یاش یولک ایدی (فائده در حلیه ووصاف او)
مرویدر که قاره باغز و بلند قامت و نحیف و آرق یوزلو و عارض و عذار لر نده صفالی خفیف اولوب صفالی
سیاهه یو یاردی * مرویدر که مالک علم و ادب نازل لهو و طرب شجیع و مهیب و مدبر و مصیب و وقور و صبور
اهل فراست و ذکا و فو و متمأل و دور بین و جامع الاموال فصیح و بلیغ و تیز جواب و دافع السؤال اولوب
شرائط ریاست و ضبط سیاسته آل عباس ايجنده مردانه و بردانه ایدی و کیدوکی لباسری
در ویشانه و زاهدانه مصلی و اهل عبادت و اکثر احواله صاحب دنیا اولوب صاحب دیانت و متشرع
واهل عبادت و محب عدالت ایدی اکن زیاده حریص ریاست اولغین نظم امور سلطنت ايجون ظلمه
وافر کس نه بی رحم و مظل قتل ایدوب فرید عصر و مجتهد دهر اولان حضرت امام اعظمه دخی زهر
یدر مشدر هر شهرده هر طائفه دن بعض جاسوسلری اولوب نیجه خواص و عوامک اکثر جزئیات و کلیات
احوال لر نه اولوجهله مطلع اولغین جلّه عالم اندن محکم خوف ایدر لر دی غایت خسیس اولوب بر خوب
نفسی ایرلا دوب غایت ایل حظ ایتکین یارم اچّه و یروب اکن احبانا سخا ایدوب حتی بعد خلافة
جه وارد قدّم مدینه دوه جیلر خلیفه دن قاضی به شکایت ایدوب قاضی خلیفه بی شرعه دعوت ایتدکده
چاغر تده یا لک زجه واروب قاضی اکا برندن قاضی مبوب خلیفه اوزر نه دوه جیلر حق حکم ایتدکده
خلیفه قاضیک عدالتنه تعجب ایدوب و غایت حظ ایتکین قاضی به خیر دعا ایدوب بی اختیار اون ییک
قرمزی فلوری باغشلا دی (جلوس) مرویدر که یوز اوتوز ایتده یعنی یوز اوتوزالتی سنه سنک آخرند
چ شریفده ایکن برادری سفاحک موقی و کندویه خلقک یبعی خبری کدکده ابو مسلم ایل اهل مکده دخی
یعت ایدوب بعد آء الحج دار الخلافة اولان انبار شهر نه کادی (بدایع وقایع در زمان خلافت او)
(۱) مرویدر که سفاح و فائده شام حاکی اولان عیسی عبدالله بن علی مروانی صید و غنمه سفاح
غایت حظ ایدوب کند و نصکره خلافتی بکانهین ایتدی دیواقامت شهود ایتکین اهل شام اکا تابع
اولوب عسکر عظیم ایل حلب قرینه مرج دابقده جمعیت ایتدکده منصور ابو مسلمی انکله جنگه
کوندروب نصیبین شهر ی قرینه دخی عظیم جنگ اولوب عبدالله صنبوب بصره حاکی اولان برادری
یانه قاچوب انده کیزلندی (۲) بعده ابو مسلم عبدالله ملک ملوک و امراء بنی امیه دن مالک اولدینی خزان
عظیمه سن قبض ایدوب منصور ایتدکده بنی مالمی بر خوش ضبط ایل اوکا تچه صافله دیو خبر کوندروب

ابو مسلم بو کالجیوب خلافتی آل عباسدن آل رسوله نقل ايجون خراسانه کیدوب بر روایتده عبدالله
صید قدّم منصور آتی خراساندن صرف ايجون مصر ایل شام حا ککن و یروب خبر کوندرد کده المیوب
خراسانه کیدوب علی کل حال منصور اکا خبر کوندروب انواع اعتذار و استعالت ایل کتوردوب اول دخی اکثر
عسکر ی خلوان شهر نده قیروب اوج ییک کس نه ایل مداین شهر نده منصوره بواشوب الین او یوب منصور
اکا ظاهر غایت رعایت ایدوب بعده بعض مکار حیل کار لر خلیفه به بواشعه چوق آدمه کلک ترک ادبدر
دیکین تدر یجله ازلدوب یوز نفر آتلول ایل کلور اولد قدّم یوز اوتوزیدی شعبانده منصور کند و تنها سنده
یکرمی نفر مسلح اوغلاقی پرده آردنده کیزلیوب سیزه ال قاضی کبی فی الحال چیقوب ملعونی اولدوره سز
دیوب بعده ابو مسلمی تنها کتوردوب انشاء کلامده قلیچکزی کورهیم دیوب اول غافل دخی چتاروب
ویردکده منصور باقوب بکنوب مندری آتته قیروب بعده خطاب و عتابه باشلیوب عاقبت ال
قاچوب خدمه مکار لر کاوب باشی کسوب عسکر نه آتوب بعده وافر التون صاحب قسینه ی تسکین ایتدی *
مزبور ابو مسلم دولت عباسیه بی اظهار ايجون التیوز ییک کس نه قتل ایتکین * لا وفاء للملوك * خصوصا
اتق شر من احسن الیه * سری آشکار اولدی (۳) یوز اوتوز سکر نده منصور کعبه معظمه نك حرمنی
توسیع ایتدروب یکرمی اوج قیروب ایدردی (۴) روم کافر لر ملاطیبه شهر ی مسلمانلر اندن آتوب قلعه سن
ییقوب اما شهر خلقی ايجتمه دیر (۵) یوز اوتوز قوزده منصور سابقان عیسی عبدالله الی کتوردوب
تفصیله محتاج معامله نصکره کند و سمرانده اساسی صافی طوزدن براوطه یا دروب انده حبس ایتدی
بر کعبه ظرافتله صوقیور یروب صباحه دل طوزار یوب او طه ییقوب عیسی هلاک اولوب بلا سبب عجب
حال اولدی دیو ظاهر اما تم طوتدی (۶) نه یو بیله بنی امیه دن اولوب سابقان عبدالرحمن بن معاویه
ابن هشام بن عبدالملک ولایت مغربده پادشاه اولوب دوات بنی امیه عالمده تکرار آشکار و هجر نك در تیوزنه دل
مغربده دولتری یا دیر اولدی (۷) یوز قزده منصور ملاطیبه به یتش ییک کس نه کوندروب شهری
تعمیر ایتدیلر دخی آدنه قرینه مصیبه شهر ی یا دروب ايجنه ییک سپاهی قیروب آدنی معموره قودی
(۸) ولایت سنده دخی بر شهر اطیف یا دروب آدنی منصوره قودی دیشار (۹) قرق برده حرم کعبه ده
حطیم سابقا طاش ایل یا پلش ایکن منصورانی مر مر ایل یا دردی (۱۰) نه یو بیله ابو مسلم خراسانینک
مذهب باطلی اولان تساخ اعتقادنده ریونده طائفه سی ظهور ایدوب منصور انلردن ایکوز کس نه
حبس ایدوب باقیرلی کیزلنوب بعده بر بوش تابوت آتوب جنازه به جمعیت به سیه سیه زندانه واروب
تابوتی براغوب زندان قوسن قیروب کند و محبوسلری قور تاروب بر قاج یوز نفر اولوب خلیفه
سراینه هجوم ایتدیلر منصور دخی پیاده چیقوب مسلمانلر جمع اولوب زند بقلری جلّه قتل ایتدیلر (۱۱)
یوز قرق اوجده علم حدیث و فقه و تفسیرده مالک اسلامده علماء عظام و مجتهدین کرام کابلر تألیفنه باشلیوب
ابن جریر مکهده مالک مدینه ده اوزاعی شامده سعید بن ابی عروبه و حاد بن مسلمه و دخی غیر لر بصره ده
معمور یمنده سفیان ثوری کوفه ده ابن اسحاق علم قوار یخده امام اعظم علم فقهده کابلر تألیف ایدوب بونلردن
بر مقدار صکره هاشم ولایت و ابن لهیعه بونلردن دخی صکره ابن المبارک و امام ابو یوسف و امام محمد
و ابن وهب و غیر لر دخی تألیف ایدوب تدر یجله انواع علومده تألیفات چوغالغه باشلیوب علوم عربیه
ولغت و توار یخ تألیف اولندی بونلردن اول امت محمد ايجنده قرآن عظیمدن غیر یازاش کتاب اولیوب
علمادن مسائل علوم شرعیه و غیر ی از بردن او کیزلیوب هر کس علم هوس حفظنه اعتماد ایدردی (۱۲)
یوز قرق در تده منصور دعوی خلافت خوفیه اولاد حضرت حسنه دن اون برکس نه بی حبس و قید بشده
ایتدی (۱۳) قرق بشده یا چاق قرقه تختگاه ی اولان انبار شهر ندن ایکی اوج کونلک پرده نهر دجله
کازنده بغداد شهر نك یرینه کاوب ارض خالیه کوروب انده بر کلساده بر راهبه بواشوب سلیمه
کابلر نده بونده بر شهر یا یلوب آخر زمانه دل مذکور اوله جقه در دیو کور مشدر دیدکده منصور اولیری
راهیدن صائقون الوب راهیک اسمی باغ ارضنک اسمی داد اولغین انده بر شهر یا یوب اسمی بغداد اوله
دیو یوروب درت ییله دل غایتده عظیم واسع برمدور حصار و اور تاسنده کند و ايجون بر سر ایستوار

با بلوب درت و یا خود طقوز بیلده بغداد شهر بنک بناسی تمام اولوب فواج مسکینه ده بئابداده منصور
 التیوز سکسان سکر بیک کره بیک الحقه صرف ابتدی دینوب عثمانی الحقه حسابجه یوز بیک بریول
 اولوق اوزره التی بیک سکر یوز سکسان بولک عددی قدر الحقه اولور (۱۴) ینه یوز قرق بشده عبدالله
 ابن حضرت حسنک اوغلاری محمد و ابراهیم امام مالک فتواسیله مدینه ده دعوی خلافت و اهل
 مدینه محمده بیعت ایدوب ابراهیم محمد ایچون عسکر جعنه بصره کیدوب منصور محمدک اوستنه
 کندو برادرزاده سی عیسی ابن موسایی کوندروب عظیم جنکدنصر کرمحمدی اهل بیتندن نیجه کسنه ایله
 شهید و انزلک ظهورنه سبب اولان علما و غیردن وافر کسنه بی خلیفه و تابعی قتل و ضرب و انواع جفا و تهدید
 ایتدیلر بصره ده ابراهیم خلقی برادری محمده بیعتنه دعوت ایدوب بصره و واسط و اهواز خلقی تابع اولوب
 یوز بیک قدر عسکر جمع ایدوب مدینه ده مزبور عیسی محمدی قتل ایتدکده ابراهیم و اروب جنک ایدوب
 عاقبت ابراهیمک دخی باشن کسوب منصوره کوندردی (نظم) درین چن کل بخار کس فحید آری *
 چراغ مصطفوی باشر اربولوب بیست (نثر) مرویدر که علویله عباسیله راسخسار اسنده ابتدا بغض
 و عداوت براغن منصور در اندن اول آل علی و آل عباس محبت و استیناس اوزره ایدیلر (۱۵) یوز قرق
 التیده جزیره قبرسه غزا اولندی (۱۶) قرق سکزده مغربده اندلس جزیره سندن غیر جیع ممالک اسلامیه
 منصورک تحت ضبطنه داخل اولدی (۱۷) یوز اللیده ممالک خراسانده اسنادسیس آدلو کسنه آنلو
 و یاده اوچ یوز بیک عسکر ایله خروج ایدوب اکثر بلاد خراسانه مسلط اولغین منصور بیخضور اولوب عاقبت
 اجتم مروزی بی انکله جنک کوندروب اجتم قتل اولوب عسکری صینوب بعده حازم نام کسنه عظیم
 عسکر ایله و اروب جنک ایدوب طرفیندن یتیم بیک کسنه قریلوب اسنادسیس قاجوب برطاغه چیقوب
 اسیر اولان اون درت بیک کسنه بی حازم ظفر ملازم قتل ایدوب بعده اسنادسیسی محاصره ایدوب اودخی
 کند و نفسی طوعا تسلیم ایتدین قید بند اولوب اوتوز بیک کسنه اولان عسکری قیو و برلدی (۱۸)
 الی برده شهزاده محمد المهدی سنجائی اولان محمده ری شهرندن بغداده کلوب شهری بکنوب پدری
 انک ایچون دجله کنارک جانب شرف سنده رصافه شهر فی عالی سرایله بنایندروب وانی ولی عهد ایدوب
 یعنی کند و وفاته نصکره خلیفه اولغه خلقه بیعت ایدوب سلاطینه لازم اولان قدر وافر خدم و حشم
 و اسباب قجمل و یروب پدری یاتنده بولوق ایچون انده ساکن اولدی (۱۹) مرویدر که خلفا و ملوک
 اسلامیه ابتدا منجمین قولیلر عمل ایدن و نامنه کایله و دمنه و اقلیدس و غیره کبی سربانی و فارسی کتابلر
 ترجمه اولان و اشرف طائفه عرب برینه قوللر بن حاکم ایدوب ریاستلری عربلرک لارندن الان و آل رسولله
 آل عباس مایینه بغض و عداوت براغن منصور در (۲۰) مرویدر که بونک زماننده وفات ایدن
 مشاهیر علما و غیره بوندر در ابن المقفع و امیر معن بن زاید که باب سخاده حاتم طیدن زاید ایدی و مهمل بن صالح
 و علاء بن عبد الرحمن و خالد بن یزید الفقیه و داود بن هند و ابو حازم و عطاء الخراسانی و یونس بن عبید
 و سلم الاحول و موسی بن عقیبة التابی و عمرو بن عبید الزاهد المعتزلی و یحیی بن سعید الانصاری و امام کلای
 المفسر و محمد بن اسحاق و امام جعفر الصادق و امام اعش که اصحابدن بشیوز کسنه به تشنه شدی
 و شبیل بن عباد مقرئ مکة و محمد بن یحیی بن عیسی بن عبد الرحمن بن ابی ایلی التابی و عبد الملک
 ابن جریج التابی مجتهد اهل مکة و امام اعظم همام اکرم ابو حنیفه و حجاج بن ارباط و حماد الراویه
 و رویه الشاعر و جریری و سلیمان التیمی و عاصم الاحول و ابن شریمة التابی و مقاتل بن حبان و مقاتل
 ابن سلیمان و هشام بن عروه و ابو عمرو بن العلاء که علم قراءنده مشایخ سبعة نک بریدر و حکم بن ابان الزاهد
 و مسعود بن کدام عالم اهل کوفه و امام شعبه و حسین بن واقد قاضی مرو و امام زفر شاکر
 امام اعظم و اشعاب الطماع التابی و حمزه بن حذیف الزیات المقرئ الزاهد و امام اوزاعی المجتهد و خالد بن مهران
 و حمید الطویل المحدث و کهمس بن الحسن التابی و عبدالله بن عدن عالم البصره و دخی نیجه کسنه در
 (وفات) مرویدر که یوز الی سکزده منصور خلیفه ججه کیدوب مکة مکرمه شهرنه بر قاج
 منزل قریب یقلا شد قدده ماه ذی الحجه نک التبی کونی التیش اوج یا التیش درت یاشنده مروض

اسم الدن وفات ایدوب مدت خلافتی یکریمی ایکی بیل اوج آی و یا یکریمی برییل اون برآی اولوب
 اون نفر اوغلی و ارایدی وفات ایتدکده طقوز بیک بشیوز بولک عثمانی الحقه عدد شجیه الحقه سی قلوب عادت
 قدیمه اوزره هراجه بر درهم کومش ایدی (فائده) دراجال احوال حضرت امام اعظم رحمه
 الله علیه (کنیتی ابو حنیفه ایدی و اسمی نعمان بن ثابت در اجدادی نسبده اختلاف اولوب بحکم
 طائفه سندن ایشلر کوفه ده هجرتک سکسانده طوغوب پدری ثابت سابقا کوفه ده حضرت علی به
 بواسط کیدوب و ذریتنه من و برکتله دعا ایتددر حضرت امام بکار تابعیندن اولوب تازه لکنده
 ضحایه کرامدن انس بن مالکی اوج یا خود التی بیدی کسنه بی دخی کوروب انلردن احادیث شریفه
 روایت ایتددر معتبرانده فضائل حقنده حضرت رسول علیه السلام (سیکون فی امتی رجل یقال له
 ابو حنیفه هو سراج امتی یوم القيامة) و دخی (سیکون رجل یقال له النعمان بن ثابت و یکنی بابی حنیفه
 یحیی دین الله و سنتی) و دخی (سیکون فی آخر الزمان رجل یکنی بابی حنیفه هو خیر هذه الامة) و دخی
 (یحیی رجل فیحیی سنتی و یمیت البدعة اسمع النعمان بن ثابت) و دخی (فی کل قرن من امتی سابقون
 و ابو حنیفه سابق زمانه) و دخی (یخرج فی امتی رجل یقال له ابو حنیفه بین کتفیه خال یحیی الله تعالی
 دینه علی یدیه) و یورمشدر دیو مذکور در و علمادن بری دخی واقعه سنده (یا رسول الله
 ماتقول فی علم ابی حنیفه) دیو صورده (ذلک العلم یحتاج الناس الیه) بیورمشدر در و علمادن بری دخی
 ینه واقعه سنده حضرت رسول علیه السلامی کوروب (یا رسول الله ماتقول فی هذا الرجل الذی بالکوفه
 النعمان بن ثابت أخذ من علمه) دیدکده رسول الله علیه السلام (خذ من علمه و اعمل بعمله فتم
 الرجل هو) دیو یورمشدر در و حضرت امام علی رضی الله عنه (الا ینبیکم برجل من کوفه بلدکم هذا یکنی
 بابی حنیفه قد ملاه قلبه علما و حکمة و سئل به قوم فی آخر الزمان کمالک الرافضة بابی بکر و عمر) دیوب
 و امام محمد باقر ابو حنیفه به باقوب (کاتی بک و انت تحیی سنة جدی علیه السلام و قد اندرست و تکنون
 مفرغا لکل ملهوف و غیانا لکل مهموم یسئل المتخبرون اذا وقفوا تهديهم الى الواضح من الطريق
 اذا تخيروا فلک من الله العون و التوفیق حتی تشارک الیابین فی الطريق) دیمشدر مرویدر که تازه لکنده
 علم کلامه و معرفته چالشوب غایت ماهر اولوب بعده امام حماد تابعی به یکریمی سکز بیل شا کرد اولوب حماد
 دخی وفات ایتدکده انک برینه مجتهد و مفتی اولدی و صدای فضل بی انتهای عالمه طولدی مرویدر که علم و فضل
 و ذکا و فراست و زهد و تقوی و امانت و سرعت جواب و دیانت و قوت صواب و سایر کمالات سفیه انسانیه ده
 فائق الاقران و مشهور جهان ایدی زماننده اولان و صکره کلان جمیع مجتهدین و سایر علما
 و فضلاء بولک غایت مدح و ثناء ایدوب امام شافعی (الناس عیال فی الفقه علی ابی حنیفه) و دخی (انی لا تبرک
 بابی حنیفه واجبی الی قبره زائرانی کل یوم فاذا عرضت لی حاجة جئت الی قبره و صلیت رکعتین و سئلت الله
 تعالی الحاجة فتقضى) دیمشدر و دخی امام شافعی امام ابو حنیفه نک ایکنی شا کردی اولان امام محمدک
 شا کردی اولغین (اعانتی الله تعالی فی العلم برجلین فی الحديث بابن عیینة و فی الفقه بمحمد) و دخی (ایس لاحد
 علی من المنة فی العلم و اسباب الدینا ما لمحمد) و دخی (لقد کتبت عنه جل بعیر و لولاه لما لصق بی من العلم شیء
 و الناس کاهم عیال علی اهل العراق فی العلم و اهل العراق علی اهل الکوفه و اهل الکوفه علی الامام ابی حنیفه)
 دیمشدر مرویدر که امام اعظم بکار علمادن درت بیک کسنه دن اخذ علم ایدوب بو خصوصه بعضلر دیمشدر که
 (نظم) غدا مذهب النعمان خیر المذاهب * کذا القمر الوضاح خیر الکواکب * تقفه فی خیر القرون
 مع التقی * فذهب لاشک خیر المذاهب * و کان له صحب بشیوز علومهم * تجلی عن الاحکام صحب الغیاب *
 ثلاثة آلاف و الف شیوخه * و اصحابه مثل النجوم الثواقب * فضائل حقنده علما متأخرین وافر کابلر تألیف
 یدوب سافدن بری دیمشدر که (نظم) حسبی من الخیرات ما عدته * یوم القيامة فی رضی الرحمن *
 ابن النبی محمد خیر الوری * ثم اعتقادی مذهب النعمان (نثر) مرویدر که مذهب حنیفه
 بشیوز بیک مسئله اولوب مذهب شریفی مدحنده دیمشدر (نظم) ایاجبی نعمان ان حصا کما *
 انحصی و ما تحصی دقایق نعمان * جلائل کتب الفقه طالع تجدها * حقائق نعمان شقائق نعمان (نثر)

مرویدر که غایده اهل تقوی اولغین کسب حلال ایچون دکانده شرکت اوزره تجارت ایتدر ردی
 ذره قدر شه می اولدیغی نیجه یوز فلوری ریحی احیاناً ققرا و علمایه توزیع ایدردی دائمیاشا کردلری
 بیلوب چله خیرلرین کوردی اوزوز بیل کوندز صائم و کیجه قائم اولوب اکثریا مسجدده درس علم
 و فتوی ایل و کیجه صباحه دل کاه اوده و کاه مسجدده عبادت مولا ایل کجنوب قرق بیل یاتسو
 آبدستیل صباح نمازین قیلوب واسککریا برر کعتده ایکی رکعتده بتون ختم شریف ایدوب احیاء
 لیالی ایدوب کاهی اولوردیکه بر آیت رحمت و عذابی نمازده و خار جده تکرار ایدوب صبحه دل
 صبحه ایل کریان و نالان اولوب ایشدنردخی ترحم فراوان ایدر لدی امت محمدیه برر کعت نمازده
 ختم قرآن ایتمک همان حضرت عثمان و عثم داری و سعد بن جبیر و امام اعظم حضرت امیر اومشدر
 دیشلر مرویدر که اصلا بر کسسه دن جائزه قبول ایتیب درویشانه لباسلر کیوب احیاناً اظهار
 نعمت خدا ایچون در میوز فلور یلک لباس کیدی الی بش کره حج ایدوب و بر قاج بیل مکده
 مجاور اولدی یا لکز روحی قبض اولدیغی یرده بدی یلک کره ختم قرآن ایتشدی دیومقرر اولدیغنده
 اشیاء یوقدر دیشلر عمرده بر کره کولدم اکادخی نادیم دخی پشیمان اولشم دیشلر * قلیل الکلام کثیر
 الفکر اولوب بعض مسائل شرعیه خصوصنده شاکر دل یل بحث ایدردی بر کیجه یاتسو نمازین
 جماعتله قیلوب چقار کن بر ایانی طشمرده بر ایانی مسجدده ایکن بر مسئلهده شاکر دی زفر ایل صباح
 اذانه دل بحث ایدوب او بر ایان طشمره چقار مدین صباح نمازین قیلغنه مسجدده کیرمشد در حضرت
 علی (اربعه آلاف درهم و مادن و نانقته) دیشلر دیوب دیرت یلک اجه دن زیاده طو قیوب زیاده سنی
 تصدق ایدر ایدی مرویدر که آخر دوات ملوک بنی امیه ده انلر طرفندن عراق عرب و عجم حاکمی اولان یزید
 ابن عمر بن عبیدر خراسانده قتنه ظهورنده مجتهد ابن ابی لیلی و ابن شهرمه و داود بن هند ی برر نسنهیه حاکم
 ایدوب کوفه قضاسیله تدبیر جمیع اموری امام اعظمه تکلیف ایتد کده قبول ایتمکین ایام متعددده ده
 دو کوب حتی مبارک باشنه یکریمی عصا ووروب حبس ایتدی ایرتسی بره دن باشی و یوزی شیشوب به ده
 کتوردوب تکرار ابرام و الحاح ایتد کده طانشایم دیومهل آلوب مکیده قاجوب بش الی بیل مجاور اولدی *
 کتاب خزائن الفی آخرنده مذکور در که امام همام و داع جی ادا ایتد کده کعبه نک قیو جیسنه نصف مالنی
 باغشلیوب کعبه یی اچدروب تنها ایچر و کیروب نمازه باشلیوب اولکی رکعتده صاغ ایانی اوزره طوروب
 نصف اول قرآنی و ایکنی رکعتده صول ایانی اوزره طوروب نصف ثانی یی دخی او قیوب تمام ایدوب
 سلام و برر کده (یارب ما عرفک حق المعرفة و ما عبدک حق العبادة فهب لی نقصان الخدمه بکمال المعرفة)
 دیومناجات ایتد کده دیوار ایچندن هاتقدن (عرفت فاحسنت المعرفة و خدمت فاخلصت الخدمه غفر لک
 و ان کان علی مذهبک الی قیام الساعة) دیوبرن دای بشارت ادا هویدا اولدی مرویدر که منصور خلیفه
 زمانده کوفهیه کلوب منصور اکانه ظیم ایدوب کمال خستله اون یلک اجه ایل بر جاریه باغشلیوب
 امام قبول ایتدی بعد زمان منصور لظلی سبیلله مقدمامذ کور اولان ابراهیم بن عبدالله بن حضرت حسن
 برادری محمد عسکر جمع ایتمک ایچون مدینه دن کوفهیه کاد کده ابوحنیفه اکامعیندر دیوم منصور
 ایشیدوب امامی کوفه دن کتوردوب کندونک خلافتنه استخفا فی خلقه اعلام ایچون بغداد قضاسیله
 قاضی القضااتک منصبلرین تکلیف و جبر ایدوب حضرت امام ایسه غایده متقی ولوث حب دنیادن
 نئی اولغله قبول ایتمکین انجنوب حبس و خلقه فتوی و یرمکدن منع ایتدی بر روایتده اوزوز دکنک
 اوردروب مبارک ایاغندن فان اقوب بعده اوزوز یلک اجه باغشلیوب قبول ایتدی * مرویدر که زندانده
 حبس ایدوب هر کون اوزر دکنک اور بلوب اون برخی کون هجوم خلق خوفندن کتوردوب جبر ایل
 ارقه می اوستنه یاتوردوب اغزنه زهر لو شربت دو کوب * بر روایتده زهر بدنه سرایت ایتمکیچون
 صوب دو کوب بعده یسه حبسه کوندروب زندانده مبارک یوزی بشل اولوب علامات
 موتی طو بدقده مجدهیه واروب هجرتک یوز لایسند رجبده یا شعبان شریفده و یا نصف شوالده
 یتش باشنده وفات ایتدی رحمه الله علیه * نمازنی تخمیناً الی یلک مقداری کسسه قیلوب کمال

من اجمه دن کو چله ایتد و یه دل نمازی اتمام اولوب ایتد و یه نکره دفن اولندی بعده یکریمی کونه دل
 قبری اوستنه جنازه سی نمازنی نیجه کسسه لر کلوب قیلردی مرویدر که دفن اولندیغی کیجه صلحیادن
 بری هاتقدن یونی ایشدیکه (نظم) ذهب الفقه فلاقه اکم * فاتقوا الله وکونوا خفافا
 مات نعمان بن هذا الذی * یحیی اللیل اذا ما خففا (فائده) مرویدر که اوقات متفرقه ده اولان چله
 شا کردلری بد یوز اوزوز کسسه ایدیلر که هر بری فضل و صلاحده مشهور اولوب نیجه لری بعض ولایتلر
 قاضی و مفتی اولوب بکارندن قرق نفر لاسامیسی یونلردر که ذکرا و انور زینرا (عند ذکرا الصالحین تنزل الرحمة)
 مفه و منجه یتناذر اولندی * اولاکند و اوغلی امام حاد و سائر لدن ابو یوسف یعقوب و محمد و زفر
 و عافیه الازدی و اسد بن عمرو و حسن بن زیاد و کعب بن الجراح و عبدالله بن المبارک و داود الطائفی و فضیل
 ابن عیاض و ابراهیم بن ادهم و شقیق البلخی و ابو مطیع البلخی و خلف بن ایوب و یحیی بن زکریا و قاسم بن
 معن و نوح بن مریم و نوح بن دراج و علی بن مسهر و عصام بن یوسف و عبد الکرم الجرجانی و یوسف بن خالد
 العمی و مکی بن ابراهیم و محمد بن القاسم و محمد بن سلام و محمد بن الفضل و مقاتل بن الفضل و مقاتل بن سلیمان
 و فضل بن دکن و خار جة بن مصعب و مالک بن معول و محمد بن المنثر و ولید بن سلیمان و ایض و مندل
 و حیان و متوکل بن عمران و ولید الاعز و مجاهد بن عمرو بن العاص ایدیلر (نظم) اولدی یونلر مقتدای
 اهل دین * رحمه الله علیهم اجمعین (فصل ثالث در احوال مهدی بن منصور) اسمی محمد لقبی مهدی
 کنیتی ابو عبد الله در یوز یکریمی یدیده یا ائیده طو غوب عالم و شجاع و شاعر بامغ و ذکی و متواضع
 و جواد بی در بغ خوب صورت خوش سیرت محبوب القلوب مملوب العیوب ایدی * پدری حیاطده
 بجمده طبرستان وری ولایتلر یه حاکم اولوب بعده بغداد کلوب شهر یی بکنمکین پدری یونکیچون بغداد
 قارشوسنده نهر دجله نک او بر جانبنده رصافه آدلو بر نهر یادر و بر سلاطینه لازم اولان قدر خدم
 و حشم و انواع اسباب قجمل و یروب مهدی انده ساکن اولدی (جلوس و بدایع و فایع در زمان خلافت او)
 مرویدر که پدری بجه کیدوب یوزالی سکر ذی الحجه سی اوانده و یا آخرنده یولده وفات ایدوب خبری
 کاد کده مقدمای یونی ولی عهد ایتش اولغین ذی الحجه او اسطنده چله خاق خلافتنه بیعت ایتدیلر
 بجه کونی خطبه ده (ان الله تعالی امرکم بامرید ایه شمس و نئی بملائکة قدسه و نث بالمؤمنین جنة و انسه)
 کلامنی آخر نه دل یو ایچاد ایتشد در غایت پالک اعتقاد اولغین بیچد اهل الحاد قتل ایتمکله زندانده
 و ملاحدن نطهر بلاد ایدوب ابطال مذاهب اصحاب ضلال ایچون کابلر تالیف ایتدردی (نظم)
 اهل احسان و جود و صاحب خیر * مائل عدل و داد و دافع ضیر * اولغین خلیفه اولدقده رد مظالم
 سابقه یه مشروع و اموال عظیمه یی تفریق مشروع ایتدی باب سخاده حاتم طیمین زیاده اولوب حسن
 ابن امام زین العابدین حضرت یه بر دفعه ده قرق یلک فلوری باغشادی بغداد قارشوسنده رصافه شهرنده
 بر جامع بن ایدوب و کعبه معظمه به مصر لاجه سندن و قطنیدن اورنور ووب بعد الخلافة بجه واردقده
 مقدم اورنور و سائر رتولری بنای شریفه ضرر و یومکیچون قالدروب و کعبه نک دیوار لری مسک و عنبر ایل
 مطلا ایتدی * خلافتنک اولکی بیلمنده یونک یرینه پدر نک ولی عهدی اولان عزاده سی عیسی بن موسایی
 ابرام غلیظه خلافت عهدندن فراغت ایتدروب مقابله شده یوز یولک عثمانی عدد نیجه اجه و یروب و دخی
 عظیم کویلر باغشلیوب کندور یرینه اوغلی و انک یرینه موسی الهادی انک یرینه براوغلی دخی هارون
 الرشید خلیفه اولغه تعیین و خلقدن بیعت و عهد الی * خلافتنک ایکنی بیلمنده بجه واروب او چیوز یولک
 عثمانی عدد نیجه اجه لر و یوزالی یلک عدد قفطان و کوملک صدقه ایدوب و مسجد شریف حضرت رسولی
 علیه السلام توسیع ایدوب بعده در یادن کیلر ایل در تیز سکسان عدد می هر دیر کار کوندر و بر بعضلری
 اطراف حرم کعبه ده دیکلوب اوزر یرینه عالی سقفلر یا یلوب بعضلر مطاف شریفده اچق یرده دیکلوب
 ارالر یرینه دمور چو قرق ووب اوزر یرینه صافی التوندن زنجیر لرا صوب اوچلر یرینه صر چه دن قندیلار
 قودیلر * تقبل الله تعالی حسناته و اعلی فی الجنة در جاته * یرینه یونک زمانده یوسنه هندستانده اربد
 شهر یی جبر ایل فتح اولندی هجرتک یوزاتش برنده بجمه ده مرویدر که اسمی عطا اولان مقنع خراسانی

مذهب باطل تباخیه اوزره او این حضرت باری تعالی ایچون حاشا حاشا ابتدا ادمه بعده نوحه بعده
تدوینجه ابو مسلم خراسانی به بعده حالا بنم بدغه حلول ایتشدردیو کاه دعوی الوهیت کاه دعوی نبوت
ایدوب غایبده ساحر ماهر اولمغین کول یوزنده برقر دخی کوستروب ایکی آیلوقولدن مسافرله کورینوب
انواع سحر دن بعض غرائب دخی کوسترمکین خلقدن بیحد جهله مغبونی ملعون کندویه مقتون ایتدی
ماوراءالنهرده سنم آدلور قلعه بابوب انده ساکن اولدی سابقا عجمده مشهورنده بر جروجی وفهیر الحال
اولوب سحرله ظهور ایتد کده غایبده بدشکل وبر کوزی کور اولوب عیبی ستر ایچون یوزینه التوندن
صورت بکورمکین مقنع لقبیه مشهور ومعرف اولدی ایکی بیل صکره مهدی انک اوستنه عسکر
کوندروب مقنع صیوب زهرلو شربت ایچوب هلال اولدقده قلعه سنی مسلما ندر فتح وضبط ایدوب
نوابی قیروب وانک باشی کسوب حلب شهرنده مهدی به کوندردیلر الشمس برده مهدی مکده خطیمی
تجدید ایدوب اعلامی مراهله مرخم ایتدردی ویکه یولنده قصر لرو برکله یعنی حجاجه صوطورمقی ایچون
یول حوضر یایدروب وجامع لده خلفا نماز قیلد قاری مقصوره لری دخی بیقدروب ویکه
منبر لری یوزدروب حضرت رسول علیه السلام منبری کبی همان اوج قدمه لویایدردی الشمس
اوجده دیار رومده قحله چوغالوب کفاردن وافر قلعه لندی الشمس التیده مهدی بغداده کوچوب
مکه و مدینه وین ولایتلردن اولاق کلمکیچون یولرده قانلر دودولر بسا ایتدردی و امداد ایتدردی
وزنا دقه وملاحده طائفه لری نیک قتلنه کلی سعی ایدوب نیجه لری قتل وعالمی یوللردن پالک ایتدی
حتی اشعار عربیه بلیغه ده مشهور دنیا اولوب والده سندن کوز منظر طوغان بشار بن برد آدلوقطسان یاشنده
یری وصال بن عبدالقدوس آدلوشاعر ماهر صالح ویری الحاد اسناد اولمغین قتل ایتدردی کعبه
سابقدن حرمت اورناسنده اولیوب بر جانیبه قریب اولمغین چاق اورناسنه کسون وحریم شریفی دخی کالی
وامع اولسون دیو الشمس یدی سنه سنده حرمت اطرافدن بعضی اورلصاقون آلوب بیقوب حریمه قانلردی
وقدس شریف مسجدی اولان مسجد اقصای مبارکی دخی زمان خلافتنده بنا ایتدردی بونک زماننده
وفات ایدن اشرف علما یوللردن کذا و لیسور مالک بن معول البلخی که برکسته کاتق الله دید کده یکاغنی
طوبراغه قویوب جان و یری و امام شعبه که سلطان المحدثین ایدی وامام سفیان ثوری مجتهد و ابراهیم
ابن ادهم بلخی که سلطان العارفیندرو ابن ابی ذویب و داود الطائی که شاکرد امام اعظم ایدی و حجاج بن سلیمان
و ابراهیم بن طهمان و خلیل بن احمد استاد سیوی و دخی نیجه لرایدی (وفات) یوزالشم طقوز سنه سنده
محرم الحرامک اواخرنده شکارده بر جانور قوار ایکن آتی سکر دوب الجاق قبولی برخایه کبرمک اوزره
ایکن خرابه قبوسنک یوقاروسی ارقاسنه طوقنوب از مکین یاخود بیقلغین وفات ایتدی بعضلر قولنجه
جاریه لردن بریسی بر یولداشی حسدا زهر لکیچون حلوایه زهر قانوب مهدی دخی بیلیوب بیکین وفات
ایتدی مدت عمری فرق اوج بیل ومدت خلافتی اون بر بیل وبر ییچق آیی و یاخود اون بیل وبر آیی اولوب
اون بر اولادی و ارایدی (فصل رابع در احوال هادی بن محمد المهدی) اسمی موسی لقبی هادی اولوب
یوز قرق بیدیه پدیری شهرنده حاکم ایکن طوغدی آق بکزلو بلند قامت جسم کسنه اولوب اوست
دوداغی یومری وقورلمش یوقارویه مائجه اولوب قصد ایتمنجه دوداقلری بری برینه قاوشمزدی
(جلوس و اوصاف و بعض وقایع در زمان خلافت او) مرویدر که جرجان شهرنده حاکم ایکن پدیرینک
وفاتی خبری کد کده بغداده اولاقن ایله کلوب عهد سابق اوزره خلیفه اولدی بوندن اول مولد اسلامیه ده
اولاقله حرکت واقع اولدی سخی وفصح وعافل ومهیب وعالم ومنکام لکن احیاناً مسکرات ایچون
لهو و طربه مائل و مستکبر و ظالم ایدی کاهی یورغه حمار له نوب آتیه کده اوکجه یالین قلیجلر و جدا رواق
ویای ایله ییاده لری یور یور بوضع بونک ایجادی اولوب زماننده سلاح غایت چوغالیدی مهرینک نقشی
الله شمس موسی و به یوسن ایدی پدیری وصیتله زندا قده وملاحده لری ارادوب بولوغنی قتل ایتدردی
مرویدر که خلیفه اولدقده مدینه ده حضرت حسین بن امام زین العابدین دعوای خلافت
ایدوب مکی دخی ضبط ایدوب مجده اولان آل عباس طائفه سی انکله جنک ایدوب انک ولایتلردن

وافر کسنه نیک باشلرین کسوب هادی به کتورد کارنده انجنوب وظیفه لری کسیدی زیر از نور حسین
هر کالده نوادر دینادن اولوب حتی مقدمه مهدی به یواشوب مهدی دخی کافرق بیک فلوری باغشایدوب
اودخی حددن بیرون سخی وکریم اولمغین چله سن بغداد شهرنده تصدق ایدوب مدینه به کتد کده ارقاسنده
کوماکی یوغیدی (وفات) هادی نیک کیفیت وفاتده اولان اقوال بودر که قاری ایچنده بر جرجان جیغوب
اندن وفات ایتدی یاخود مصاحبلرندن بری لطیفه ایله قاشش اورمانی ایچنه آتوب مصاحب دخی هادی
یاشوب بیلد دوشد کارنده بر کسکین قاشش موسانک دبرنه کیروب صیلاوب ایکسی دخی هلاک اولدیلر
یاخود خلافتی اون یاشنده اولان اوغلنه تعین ایتمکیچون کندو برادری هارونی قتل ایتک تدارکنده
اولمغین ایکسینک دخی والده سی اولان خیزران خاقون هادی به انجنوب زهر یدردی یاخود منوره خاقون
جمع امور سلطنته محکم قارشوب سرانی قیوسنه اکبر و اعیان واروب واسطه ایله عرض حاجات ایدر لردی
هادی بوخصوصه انجنوب ملازمت ایدنلری منع ایدوب والده سینه دخی قاقیوب اگر سنک قیوکه
بر دوللو دخی کورسه انک یوننی اوررم اکبره جنک اییاکنک اوقویه جق مصحفن چویه جنک تسبیح یوقیدر
دید کده زیاده سیله انجنوب خاقون اوغلی یانندن غایت غضبه قانقوب کیدوب بعده هادی والده سینه
زهرلو طعمام کوندروب اودخی شبه لنوب بر کبه یدروب کبک اتلری دوکوب خاقون دخی زیاده کین
باغلدی اول ائنده هادی بر مقدار استمه طوقنوب یانددقده والده سی جاریه لریله کلوب یوزینی قالیجه ایله
اورقوب و اطرافنه باصد قلندره نفسی طوقنوب علی کل حال یوزینشم ربيع الاخرانده جمعه کجه سی
وفات ایتدی یدی نفر اوغلی قانوب اول کجه برادری اولان هارونک اوغلی عبدالله المأمون طوغدی
هادینک مدت عمری ۳۳ کریمی الی بیل ایدی مدت خلافتی ایدیه همان بر بیل اوج آیی ایدی
(فصل خامس در احوال هارون الرشید بن محمد المهدی) اسمی هارون لقبی رشید کنیتی ابو جعفر
اولوب یوز قرق سکزده پدیری شهرنده حاکم ایکن طوغوب موسی الهادی ایله ایکسینک والده سی
خیزران آدلوام ولد جاریه در لکن غایبده عالمه وعاقله وشاعره کامله بر جاریه دراون بش یاشنده
ایکن پدیری اکاروم کافر لری غزا ایتدردی برادری وفاتده پدیری عهدی اوزره خلیفه اولوب سخی
بن خالد بن برمکی وزیر و جمیع امور بن دخی اسکا تقویض ایتدی (فائده در حلیه و مناقب او)
مرویدر که رشید آق بکزلو کوزل یوزلو بلند قامت بسیم ووسیم واهل جسامت ایدی هر کون وهر کجه
یوزر کعت نماز قیلوب وهر کون کندو مالندن بیکر یایوز بیک اجنه تصدق ایدر ایدی (محرره)
عمر کونه امل درازدرر مکث انسان جهانده آذرر صرف ایت اوقاتکی مهماته تاکه
دوشیمه سن نداماته (نثر) مفهومجه اکثر باریل ج وبر بیل غزا ایدوب چله طقوزج سکز غزا ایدوب
برکه مدینه دن مکبه پیاده یوریدی (محرره) عقلی کامل عدلی شامل فضلی باهر جودی
وافر رأی صایب فکری ناقب قولی راسخ ظلمی ناسخ عهدی ثابت فرعی ثابت شری دافع
خلقه نافع شرعی راعی خیره ساعی شاه عالی جاه ایدی (نثر) والحاصل جمیع اوصاف حمیده
واخلاق پسندیده ده بی همتا واجل مولد دنیا اولوب حسنا جاریه لری اولوب انلرایله عیش وعشرقی وعلم
وشعرا و نظرفا وندمالیه صیبتی و بدایع امور سلطنتی و نیجه اوصاف و منقبتی کاب مستقل اولغه مقولدر
جود و سخا و لطف و عطاده حاتم طیدن زیاده اولمغین عطای کتری کدای احقری مقبول وغنی و ابواب
ارباب دوللندن مستغنی ایدوب دفعه نیجه یولک اجنه احسانه جزئی بهانه ارادری کتب محاضراتده
وحکایات سلاطین عالی در جاتده بونک وساطان محمود غزنوینک سائر سلاطین متقدمین ومتأخریندن
زیاده هر نوع دن بیدوبی شمار مناقب وحکایاتی واردر اوائل سلطنتنده عیش ونوشه مائل و نظرفا وندمالیه
خصوصا زیری اولان جعفر برمکی ایله صحبتته مشغول اولوب بعده صلاحه توجه ایدوب کاهلرین
آکدقده اغلردی و نارتوبه وندامته جکیرین داغلردی علما و مشایخی غایت رعایت ایدوب فضیل
بن عیاض و واعظ کامل ابن سمال و بملول دانا و دخی نیجه لرایله واقع اولان مکالمات و معاملاتی تفصیل عظیمه
شما جدر نصایح ککامینی وای وحقوق اهل اسلامی راعی واجراء شرع مطهره مجد و ساعی ایدی

عظماء علمان را عیانی ضیافت ابتدا کده الله ابریه صود و کوب خیر دعاسن الوب و ابن المبارک حضرت تری
وفات ابتدا کده کمال حزن و غم ایله اوج کون عزایه ارتوروب خلق کلوب تعزیت ایدرلردی * اکثریایه شیخ
زیارتیه پیاده واروب یا نلرنده اوتوروب اغلردی و محب علم و علما و لغین اوغلر یله مدینه ده امام مالکک اوینه
واروب حدیث شریف او قودیلر * و دخی و زرامی علم و صفا و ذکا و شعرو معارف و انشاده نوادر دنیا بلکه
بی مثل و بی همتا اولان یحیی بن خالد بن برمک بعده فضل بن یحیی المزبور بعده جعفر بن یحیی المزبور و صفی
و قاضی القضاة امام ابو یوسف و وفات ابتدا کده امام محمد و اسنادی مقوله سی مصاحبی اصعبی و شاعری
مروان بن ابی حفصه و ندیمی عباس بن محمد و حاجی فضل بن الربیع و خواننده سی ابراهیم الموصلی و خاتونی
دخی عیسی قیزی زبیده اولوب بومقوله کاملر جمعیتی اندن مقدم و صکره کلنلردن دیناده بر پادشاهه
میسر اولدی دیمشیر (فائده) رشیدک اون ایکی اولادی و ارایدی اوجی بری بری اردنجه خلیفه
اولدی که امین و مأمون و معتصم ایدیلر * فتوحات مکیده رشیدک احمد سبکی آدلو بر صالح و مغلر اوغلی
اولوب زماننده قطب اولمشدی * بعض معتبرانده اولان تفصیلات اجمالی بودر که رشید بر حامله
جاریه سی خاتونی زبیده خوفندن بر غیری شهره کوندر و بر اوغلم طوغرسه بو خاتمی اکا و برهنه دیو
جاریه یه نیجه بیک فلوری دکر بر ذی قیمت یوزک و یروب جاریه طوغروب رشید ایشیدوب ادنی احمد قویوب
اوغلان یوز کده خاتمی آل و والدیه سنه و داع ایدوب ترلذ دنیا و عبادت خدا ایتدیکچون دیار غریبه کیدوب
قصر و زهد و قناعت اوزره عبادتله بکثوب بعد زمان موتی قریب اولد قده صلحان برهنه اول یوزکی و یروب
بونی خلیفه زمان اولان هارون الرشیده و یروب بنم اشبو حال اوزره وفاتی دخی دیه سن دیو و وصیت
ایندی اول کسینه دخی بونی رشیدک اوغلی ایدو کتی بیلموب بغداده کلوب خاتمی و یردکده رشید کوروب
یلوب خبر الدقه و او بنم ارغلدر دیوزار زار اغلیوب خاتمی او کسینه یه و دخی نیجه بعض نسلر باغشلیوب
رشید حزن شدیدده قالدی (وقایع و بدایع در زمان خلافت او) یوزتمش الی سنه سنه یحیی بن عبدالله
ابن حسن بن امام حسین ولایت دیلده دعوی خلافت ایدوب شو کتی ارتوب رشیدانک اوزرینه فضل
ابن یحیی البرمکی عظیم عسکر الیه کوندر و بر مصالحه ایتد کارنده یحیی ککند و اختیار یله کلوب رشیده
بولشوب او دخی زیاده سیله اولار عیایت ایدوب بعده حبس ایدوب انده وفات ایندی * و دخی سکسان برده
ازینقی یاتنده صفصاف دید کاری سکونجک قلعه سی فتح اولندی * سکسان ایکیدره روم کافر لری پادشاهلری
قسطنطینک کوزینه قیزمش میل چکوب والدیه سی هیلانه یی برهنه پادشاه ایتدیلر سکسان اوچده
ولایت چین اتراک که طائفه خزر دیمکله مسی لردر ارمینیه شهرینه کلوب یوز بیکدن زیاده مسلمان
قتل و اسیر ایتدیلر ظهور دین اسلام دینرو بویه بر قننه عظیمه واقع اولما مشدی * سکسان بدیده تفصیله
محتاج بر خصوص چون رشید وزیر و ندیمی و محبوبی منزله سنده اولان یارقدیمی جعفر برمکی بی جله
نوابه یله قتل ایدوب سیرایلرین بیقوب برهنه سمل بن هارون نام کسینه یی وزیر ایدوب جعفرک جله مالان
اکا باغشلدی و عمالک اسلامیه ده اولان سائر برامکنک جله ماللرین آل و خاندانلرین و یران ایتد و بر
جعفرک برادری فضلی و پدیری یحییای رقه شهرنده حبس ایدوب یحیی انده وفات ایندی وفات ایتدوکی بیل
رشید دخی وفات ایندی * بنه سکسان بدیده کفار روم هیلانه یی دخی عزل ایدوب عر بلریقه و ردید کاری
تکفوری پادشاه ایتدیلر بنه بویل مزبور تکه و ر مسلمانله اولان صلح قدیمی یوزوب بومضمو تله مکتوب یازوب
* من تقور ملک الروم الی هارون ملک العرب اما بعد فان الملكة التي كانت قبلي اقامتك مقام الخ واقامت
نفسها مقام البندق فحمت اليك من اموالها احوالا و ذلك انشعفت النساء و حققن فاذا قرأت کتابی فاردما
حصل قبلک من اموالها و الا فالسيف بيننا و بينک * دیو مکتوب کوندر و بر رشید دخی انی او قود قده غایت
غضبه کلوب مصاحبی خوفنلردن طاعنوب وزیر جواب و تدارکده حیران قلوب تحیرده اولد قده هارون
فی الحال مکتوب آردنه (بسم الله الرحمن الرحيم من هارون امير المؤمنين الی تقور کاب الروم قد قرأت کتابک
یا ابن الکافر و الجواب ما تراه لا مانع منه) دیو یازوب کوندر و بر کمال غضبنلردن همان او کون عسکر الیه
سفره حقیقوب هر قله شهرنه واروب کفار روم له عظیم جنگ اولوب رشید غالب و منصور اولد قده تکه و ر کوردل

مقهور هر بیل کالی خراج و یرمک اوزره صلح اولوب رشید دونوب تختگاهنه کادی و دخی سکسان
طقوزده کفار روم و لایلرنده اولان جله مسلمان اسیرلرینک بهالرین آل و آزاد ایتدیلر یوز طقسانه رشید
هر قله شهرنی بالذات فتح ایدوب ولایت رومه عسکر فی نشر ایدوب بعض سردارلری صفالیه و فلقونیه
شهرنی فتح ایدوب جزیره قبرس و لایتی دخی مسلمانلریاقوب بیقوب اون الی بیک کافر اسیر ایتدیلر *
هر ویدر که قدیمدن تختگاه سلاطین کفار روم اولغین قسطنطینیه شهرندن بیک اولان عوریه دبدکاری
انکورنی شهرنی رشید بالذات فتح ایدوب شهرنی یاقوب خلقتی اسیر ایتدی زمان خلافتنده فتوحات
چو غالمغین بو کا خراج و یرمک کافر ولایتی قالدی و مکه بولنده وادنه و طرطوس و مصیصه و مرعش
بولارنده برکه لر و خانلری ایدوب خاتونی زبیده مکه مکرمه شهرینه ایکی اوج قوناقدن یرالتندن مرمرکی
تخیم طاشلر کسدر و بر لغملر قازدروب اقرار صو کتور مکچون نیجه کره یوز بیک فلوریلر خرج
ایدوب عرفاته کلد کده زبیده وفات ایتدیکن نایم قالدی * دور آمدنبر و هیچ بر فرده او مقوله
اثر عظیم میسر اولما مشدر و بعده نخر سلاطین آل عثمان سلطان سلیمان خان علیه الرحمة و الغفران کریمه سی
مهر و ماه سلطان پدیری معا و تیلده آتی تکمیل ایدوب نیجه یوز بیک فلوری دخی خرج ایدوب مکه
شهرینه یرالتندن اقرار صو کلدی (فائده) رشیدک زماننده وفات ایدن کبار علما و غیری بولنلردر که
ذکرا و انور * امام مالک در مدینه و امام اثب بن سعد در مصر و امام ابو یوسف و قاسم بن خالد استاد امام
شافعی و نوح بن مریم الحسام و ابو عوانه الیشکری و امام حاد بن امام اعظم و ابراهیم بن سعد الزهیری
و ابو اسحاق البزاری و ابراهیم بن ابی یحیی استاد شافعی و اسد الکوفی و سلیم المقری و امام سیبویه که امی
عرو بن عثمان بن قنبر در او توز یا شنده ایدی و امام عبدالله بن المبارک و امام کسائی و امام محمد بویکیسی
بر کونده عجمده ری شهرنده وفات ایدوب رشید غمناک اولوب * دقت العلم فی الی یا خود * دقت الفقه
و النحوی فی الی * دیدی امام محمد مفتیسی و قاضی القضاة کسائی اوغلی خواجه سی ایدی و علی بن مسهر
و غنبار و حضرت فضیل بن عیاض و ابن السماله الواعظ و مروان الشاعر و حضرت امام موسی الکاظم
و موسی بن ربیع الولی و یونس النحوی و عباس بن احنف الشاعر و دخی نیجه لر (وفات) هر ویدر که
یوز طقسان اوچده رشید ولایت خراسان احوال کورده که یا خود غزا ایتدیک کیدوب طوس شهرینه
خسته کیروب بر واقعه کور مکین قبرنی قازدروب کندوسی محقه ایله اوزرینه واروب ایچنده برکه
ختم قرآن عظیم الشان او قیوب بعده اکفیبوب جنادی الاخره ده یا اولی ده فرق بش یا شنده
یا فرق بدی یا شنده وفات ایندی غمازی اوغلی صالح قیلوب مدت خلافتی بکری اوج بیل و ایکی یحیی ای ایدی
(مخلفات) تاریخ الخلفاء مذكور در که بعد الوفاة خزینه سنده بیک کره یوز بیک عدد فلوری بولندیکه
عثمانی عدد نیجه بکری یکی بر یوکدن بش بیک یوز فلوری عددی قدر اولور که آل عثمانه مصر دن کلان
خرزینه حسابجه ایکیز بیللق مصر خرزینه سی قدر اولوب بهالری بر او قدر دخی جواهر و قاش و تحف
و طوار و انواع اسباب و متاع و ارایدی (نظم) نعمت دنیا سراسر خورده کیر * هر تماشا کونکر دی
کرده کیر * ملک دنیا چون نماد پایدار * مشرق و مغرب بدست آورده کیر * (فصل سادس دواحوال
امین بن هارون الرشید) امی محمد لقبی امین ایدی والدیه سی زبیده خاتونک خاطر یچون پدیری بونی جله
اولادندن مقدم خلیفه اولتی ایچون ولی عهد ایتدیکن وفاتی خبری کلد کده خلافته بیعت اولندی آق بکزلو
غایتده خوب صورت بلند قامت و اهل معرفت عالم و فصیح و شاعر ماهر و معنی و غایت بهادر اولوب
یومروغیله برارسلان قتل ایندی لکن سی التذیبر و مسرف و اهل تیزیروغایت جوان دوست و اهل عشرت
اولغین دائمًا صحبت ایدوب تدبیر امور سلطنتده اهمالی نه ایتده ایدی حتی خلایقنک ایکینی کونی کوی
و چوکان اوینامغه خلفا سیراینده بر میدان یاپدردی بعد زمان ککندویه نصیحت اولند قده (نظم)
خل الملوك بسطوا بالسيف والسلاح * انی رضیت فیهم بالراح والملاح * دیو جواب و یردی جله ممالکده
برادری مأون ایله ایکسی خطبه ده معا یاد اولنوردی کمال خضاسندن ادنا نه ایله نیجه بیک فلوریلر
باغشلمغین خرزینه یه ضعف و قلت کتوردی یوز طقسان دوتده امین کندودن کو چک برادری قاسمی

پدری زمانند و تصرف اولاد بی ولایت جزیره حاکم کردند عزل ابته کرده ولایت خراسان حاکمی اولان
برادری مأمون امینه محکم انجندی (قصه شهادت) طقسان بشده مأمونک نامی خطبه لادن اسقاط
وانک برینه کند و نیک بش باشد مومنی آدلو او غانی یاد ایدوب لقبی ناطق بالحق قویوب مقدم ایدوب
هارون کند و برینه خلافتی محمد امینه انک برینی عبدالله مأمونه وانک برینی قاسم مؤتقه تعیین ایدوب
عهد نامه یازدروب کعبه نک ایچنه أصدر مش ایدی امین موسایی مأمونه تقدیم ایچون خبر کوندروب
مأمون راضی اولد و قد امین عهد نامه بی مکدن کتوردوب پاره یوب کند و برینی موسایه تعیین ابته کرده
مأمون دخی انجنوب مأمون طرفندن عجمده ری حاکمی طاهر بن حسین خلئی مأمونه بیعت
ایدروب طقسان بشده امین علی بن عیسی بن هارونی همدان و نهاوند و قم و اصفهان و سایر بلاد جباله
حاکم ایدوب کمال زینت و شوکت و قرقیه نک نفر عسکر ایل مأمون اوزرینه کوندروب مأمون دخی طاهری
همان درت بیک مقداری کسینه ایل کوندروب طاهر غالب و ظاهر اولوب علینک عسکر بنی صیوب
علی بن یوغازلدوب باشی خراسانه کوندروب عسکر نک انهم زمانی امینه خبر و پرد کلرند بالقی آوله مق اوزره
اولوب قول بخی فلان اوغلان ایکی بالقی طوتدی بن بردخی طوقدم دیوب بعده مأمونی خلغ ابته و کنه
نادم اولدی (لمرره) شوکه حازم در ایشه عازم در بر رأی و تدبیرا کالازم در بر عاقبت فکری کرک آدمده
ناخطا ایلیم برده مده مرویدر که اهل بغداد مأموندن عظیم خوف ایدوب حرمینده و مالک عراق
و غیریده مأمونه بیعت اولوب طقسان بدیده طاهر ظافر عسکر وافر ایل بغداده کلوب امینی اون بش
آی محاصره ایدوب شهره منجیه قلعه طاهر اندروب محسود ارم ذات العماد اولان شهر بغدادک
بعض بنامی منهدم و حسن و بهائی منعدم اولدی امین صاحب سهو بوحالده عشرت و لعب و لهو ایتمکین
امراسی حیران و اهل شهر سرگردان اولوب خزینه پوشاقوب وزیرقان قشاقوب مدت محاصره ده
تفصیل عظیمه به محتاج غرائب امور صدور و ظهور ایدوب اکثر عباسیان مأمون عسکرینه
قارشوب طقسان سکر اولنده طاهر جبر و قهر ایل شهره کیروب امین و والده سی و قوایی سر ایدن
مدینه منصوره چیقوب جمع عسکری و خدمتکارلری طاعلوب ذخیره سی دخی دو کلوب بعده طوتلوب
حبس اولوب برکیجه طائفه عجمدن رفاق آدم کوندر بلبو امینی قلیجه چاؤب بعده کسه سندن
یوغازلیوب باشی بغداد قلعه سنده آصوب بعده طاهر مأمونه کوندروب مأمون انی کور دکه
نیچون قتل ابته بکزدیری طوقوب نیچون بکا کتورم یکر دیو طاهره انجندی وانی رد ایدوب خور و حقیر
و دلیل وفات ابته دی (متفرقات) مرویدر که یوم اننیده یوز طقسان سکر محر منده بکرمی یدی
یا بکرمی سکر باشند ایکن شهید اولدی و مدت خلافتی درت بیل طغوز آیدوب عامل عالم کامل اولوب
اشعار باغده دیکده زیاده اکل مالک عباسیه ایدی محاصره ده کند و دن امیددی کسد کده پوشوری دیدی
(نظم) یا نفس قد حق الخدر * ابن المهر من القدر * کل امرئ مما يخاف * و رقیبه علی خطر *
من یرتشف صفو الزمان * یغص یوما بالکدر (نثر) امام احمد بن حنبلدن مرویدر که رجا ایدر که الله تعالی
امینک کاهلر بن عفو ایدر زرا زمره علمادن اغوای شیطان ایل مخلوقیت قرآنه ذاهب اولان اسمعیل بن علی به
برکون کلوب سلام و پرد کده امین اکبره ولد زنا قرآن مخلوق در دیر ایمسن دیو عرضن یقدی دیدی و امینک
قاضی القضاة امام اسمعیل بن حماد بن امام اعظم بعده محمد بن سماعه ایدی و زمان خلافتنده وفات ایدن
مشاهیر علما و غیر یلدر که ذکر اولنور * منذر و شقیق بلخی که ابراهیم بن ادهمک مرید مقبولی ایدی و ابو معاویه
الضری که کار علمادن ایدی و عبدالله بن کثیر که قرا سبعة دن بریدر و ابو نواس الشاعر و عبدالله بن وهب
شاکرد امام مالک و ورش المقرئ و و کعب بن الجراح شاکرد امام اعظم و دخی غیر یلر ایدی (فصل سابع)
در احوال مأمون بن هارون الرشید) امی عبدالله لقبی مأمون اولوب والده سی ام ولد جاریه ایدی یوز سکان
ربیع الاولنده پدری خلیفه اولدی یغی کیجه طوغدی (فائده در حلیه و مناسبات) مرویدر که اورنه
یو یلو خوب صورت صاری شین ایری کوزلو اوزون و سیرک صفا لوطا رآنلوا اولوب یکا غنده بک و ار ایدی
بدنی آق ایکن بقدره الله تعالی ایکی ابایغینک طوبولری زعفران سوراخ کبی صاری ایدی تازه لکنده

علوم حدیث و فقه و لغت و نحو و توار یخ و اشعار عربیه ماهر اولوب بتون قرآنی حفظ ایدوب بیود کرده
علوم فلاسفه و حکایه چالشوب انده دخی زیاده ماهر اولد و قد بر مرسته به واردیکه قرآن مخلوق در دیو اعتقاد
فاسد ایدوب خصوصاً شیعه شذیه مذهبن اختیار ایتمکین عظماء علماء اهل سنته زیاده عظیم جفا و اهانت
ایتمدر بو سیئه لری اولسه علم و حلم و عزم و جزم عدل و عقل و فضل و بذله و مهابت
و شجاعت و فصاحت و سخاوت و ذکا و تدبیر بر اصابته افضل خلفاء آل عباس بلکه اکل ملوک طوایف
ناس دیک جائز ایدی و خلفاء عباسیه نک فاتحه سی سفاح و اسطه سی مأمون خاتمه سی متضد بالله ایدی
دیشلر کمال حلم و تواضع و عفود بی بدل و مقوله سی ضرب مثل ایدی مهرینک نقشی دخی * عبدالله
ابن عبدالله ایدی احد کوفی شکایتچی دکه ملک ایچون دیوانه چیقوب مالی کوفی علما ایله مباحثه مسائل
فقهیه ایدردی بر برام کوفی ساطنده اوچوز در لوط مام موجود اولوب هر برینک منافع و مضار بن بیان
ایدوب کثرت علم و قوت احاطه سنه خلق عالم حیران قالدیلر حسن تدبیر ایله ممالک عالمی ضبط و تسخیر ایتمکین
سلطنتی قوت و شوکت بولوب مغربده افر بقیه شهرندن اقصابی ممالک خراسانه و ماوراءالنهر و دیار سنده دله
حکمی جاری و امری ساری ایدی علم نجومده ماهر و غایت آکا مائل اولوب احکامی کماله ضبط ایچون
رصد دخی یلدردی (بدایع وقایع در زمان خلافت او) یوز طقسان سکرده برادری قتلک خبری کلد کرده
مرویندرنده بیعت اولوب بغداده کلد کرده حسن بن سهل عراقی و فارس و حجاز و یمن و لایقارینه حاکم
ایتدی مأمون زمانده ابوطالب طایب محمد بن ابراهیم بن اسمعیل بن ابراهیم بن حضرت امام حسن کوفه ده
ظهور و قوت و شوکت بولوب بعده وفات ایتدی ایکیوزده ابراهیم بن موسی بن جعفر العلوی ظهور ایدوب
ولایت جزیره مستولی اولوب وافر کسینه قتل ایدوب و نیچه لری دخی اسیر ایتدی کیچون جزایر یعنی قصاب
دیو لقب قودیلر اشبوسنه مبارکه مأمون جله آل عباس طائفه سنی صایدروب یاخود جمع ایدوب ارکان
و دیشی او تو زواج بیک نفس اولدیلر ایکیوز برده طائفه نجوسدن مزدک لعین دینی اوزره بایک خرمی نام
کافر آذر یا بجا نده ظهور و خروج و ذروره کتور فساد عروج ایدوب طائفه دیلدن اوچیزو بیک کسینه
جمع ایدوب بیکرمی یله دله عالمه کزوب معتصم بالله خلافتنده قتل اولندی * نه بو بیله مأمون برادری
قاسم المؤتقی ولایت عهددن اخراج و اون ایکی اماملری تفحص و ییچلرندن علی الرضایی ولی عهد ایدوب
حتی سکه و خطبه ده شریک ایدوب جمع ولایتده بو مضمونده امرلر کوندروب عادت قدیمه آل عباس اولان
سیاه صارتغی ترک ایدوب یشل صارنوب خلقه دخی امر ایتد کده جمع آل عباس مأمونه انجنوب عجمی
اولان منصور بن المهدی به بیعت ایدوب بعده منصور خلافتندن عاجز اولوب بن مأمونک خلیفه سیم دید کده
خلق بونی دخی براغوب ایکیوز ایکی محر منده بونک برادری ابراهیم بن المهدی به بیعت ایدوب اقبی مبارک
قودیلر غایتده سیاه کسینه ایدی غالباً والده سی سیاه عرب جاریه سی ایدی مأمون انکله چکنه عجم
کوندروب تفصیل محتاج نیچه محارباتند نکره مأمون عراق عجم ولایتلرینه کیدوب سرخس شهر نده
وزیری فضل بن سهل جام ایچینه غسل ایدرکن اوزرینه درت کسینه او شوب قتل ایدوب فرار ایتمشلر ایکن
مأمون انلری بولوب قصاص ایتدی * سنه مزبورده مأمون توران بنت حسن بن سهل نسکاحلنوب جمع
اولوب کند و قیزی دخی حضرت امام رضایه نسکاح ایدوب ایکیوز اوچده امام رضا طوسده خفاة وفات
ایدوب مأمون اهل بغداده مکتوب ایله اعلام ایتد کده ایکی ییلدن برویعت ایتد کری ابراهیمی خلغ ایدوب
ابراهیم دخی کیزلندی * اشبوسنه ده خراسانده یتمش کونه دله عظیم زلزله اولوب نیچه کسینه له لاله ایدوب
نیچه شهرلر بیهلدی * ایکیوز درتده مأمون بغداده کلوب آل عباس ابراهیم یله بنه سیاهلر کیدی ایکیوز
اونده ابراهیمی بولوب حبس ایدوب بعده عفو ایتدی * اشبوسنه ده مأمون سا بقامه نکوحه سی اولان تورانله
جمع اولوب عظیم دوکون ایدوب تورانک پدرینک والده سی مأمونک اوستنه فندقدن بیولک بیک دانه شاهانه
لواؤی آبدار تار ایدوب قاین اناسی اولان حسن بن سهل دخی کویلر آدی کاغذله یازوب کویکونک اوستنه
صاحب هر کاغذ الان برر کویه مالک اولدی * ولیده زفافده قرق بظمان بر عظیم شمع کافوری یا قذیلر قیزک
جهازی ایسه حد و صفه دن تجاوز و کتاب سربح الحساب انی بیاندن عاجز ایدی * مأمون شیعی اولغین ایکیوز

اون برده بر ائمه من ذكركم معاوية بنجر وان افضل الخلق بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم على
 ابن ابي طالب * ديومالكه ندا ايتدردي اون ايكيدنه قرآن مخلوقدرو عیلى ابو بكردن وعمر دن افضلدر
 ديوندا ايتدر دكده جله خلق انجنوب شهرده قنده ظهوری خوفندن بومعنائی اظهاردن فراغت ايتدی
 * اون بشده رومه غزایه واروب ايكي قلعه الوب صكره شامه واروب اون القنده رومدن بعضی قلعه لر دخی
 آلوب بنه شامه بعده مصره واروب فتح وضبط ايدوب خلفای عباسیه دن مصره ابتدا بو وار مشدر مصرده
 مشهور دنيا اولان اهرام نام عظيم بالزلزله بر بنی یقمة ق دیلیوب ممکن دكلدر دیو خلق منع ایدیه میوب
 مال عظیم صرف ایدوب هزار زحمت ودقت ومشقته بر جزویجه بر جکیزین یقمة قوب ایچنده حالاصرف اولنان
 قدرالتون ایله زمان قدیمه یازلش بر لوح بولوب او قوماعین امیدین کسوب فراغت ایدوب ولایت مصرده
 منف شهرنده اولان نهریل مقياسنی اسکی مصر قارشوسنده جیزه یقاسندن شديکی مكنانه نقل ايتدر وب
 اون پیدیه بنه شامه واردي (قنده عظیمه) ايكیوزاون سكرزده قرآن عظیم مخلوقدردیكي مسلمانله تكلیف
 ایدوب بغدادده قائمه مقام قودینی اسحاق بن ابراهيم علمای جمع ایدوب بوعتقه سده جله سنی جبرایله دیو خبر
 کوندر وب امور کثیره ظهورندن صكره اکثر علما قتل خوفندن ظاهر ارضا کوستروب لکن احمد بن حنبل ایله
 بعض علماء کل ظاهرا وباطنا ثابت قدم اولغین قیدوبنده ایله مأمونه کوندر یلوب قبل الوصول
 بحکمة الله وبهجزة القرآن مأمون وفات ايتدی (فائده) اولامعلوم اوله که علماء اهل سنتك قرآن مخلوق
 دكلدر دیدکاری قرآنك معنائی اولان کلام الله در یو خسه مصحف شریفك ککات اولنان حروف وکلماتی
 وقراءت اولنان الفاظ واصواتی جله مخلوق ایدوکنه جمیع علماء آفاق اتفاق ایتشدر بر یو خصوص کلی
 تفصیله محتاج اولوب عقائد کابلرنده بیان اولمشدر * نایه اقرآن مخلوقدردیك اگر چه مأمون زماننده
 شایع اولدی لکن ابتدا ملولنی امیه نك آخری اولان مروان حمارك استادی جعد بن درهم وجعدك
 شاکردی جهنم بن صفوان نام مامونلردن صدور ایتشدی که جعدابان بن صفواندن اودخی طاولندن اودخی
 رئیس ایتدی بن اعصم * وودیدن اخذ ایتشدی لبید عنید نوران شریفه مخلوقدردیوب حضرت رسوله دخی
 سخرا ایتشدی واسط بکی خالد بن عبدالله جعدی قتل ایدوب جهنم دخی قتل اولمشدر امام اعظم حضرت تلمی
 جهنم له عظیم بختلرایدوب جهنم کافر در دیشدر (مقرقات) مرویدرکه علوم فلاسفه وحکای یونانی
 جزیره قبرسدن ابتدا کتوردوب عربی به ترجمه ایتدیرن مأموندر وکعبه معظمه نك اورتوسنی ابتدا آق اطلسدن
 ایدن بودر ناصر بالله زماننده آق اورتیلو اولدی ارالقده بر کره سلطان محمود بن سبکتکین صاری اطلس
 اورغشدر و اوقات متفرقه ده وزراسی علوم نجوم وسائر علومده ماهر اولان ذوالریاستین فضل بن سهل وحسن
 ابن سهل واحمد بن ابی خالد وغیر برایدی وقاضیلری دخی بشر بن الولید و یحیی بن اکثم اولوب مزبور یحیی غایبه
 مقبولی ومصاحبی ایدی * مرویدرکه مأمونك مخاسنی حددن بیرون اولوب بر کون برادری معتصم بالله
 وکندونک اوغلی عباسه بشر یوز بیک وعبدالله بن طاهر او چیوز بیک وبرقاج بکاره دخی طقوز یوز بیک
 التون باغشلیوب بوجه یکریمی کره یوز بیک التون اولغین دور آدمدن برووقدر عطا دنیاده واقع وکسه
 انی سامع اولماشدر و بونك زماننده مصر دن هر بیل او یوز کره یوز بیک التون خزیننه کلوردی (فائده)
 بونك زماننده وفات ایدن اشرف علما وغیری * سفیان بن عیینه وامام شافعی که اسمی محمد بن ادریس در مصرده
 وفات ایدوب مناقبی تفصیله محتاجدر وعبد الرحمن بن مهدی و یحیی بن سعید القطان و یونس بن بکر
 وابو مطیع البلیخی شاکرد امام اعظم وشیح معروف کرخی و اسحاق بن بشر و اسحاق بن فرات وابو عمر
 اللغوی و اشهب مالکی وحسن بن زیاد شاکرد امام اعظم وحاجد بن اسامه ودوح بن عباده وزید
 ابن الحباب وابو داود الطیالسی وغازی بن قیس وشیح ابو سلیمان الدارانی وامام علی الرضی وقراء النحوی
 وقتیه بن مهران وقطرب النحوی وواقدی وابوعبیده ومعه ور بن المثنی ونصر بن شعیل النحوی وست نفیسه
 وهشام النحوی ویزیدی که مأمونك استادیدر ویزید بن هارون و یعقوب بن اسحاق وعبد الرزاق وابو العتاهیه
 الشاعر وابوعاصم وعبد المطلب بن ماجشون وابو یزید النحوی وامام اصمعی شیخ العلوم العربیه ودخی نیجه لرایدی
 (وفات) مرویدرکه مأمون دیار رومده ایکن ایکیزاون رجبنده قرق سکرز یا شنده ایکن ناکاه محکم

دربوب اوشیوب اطرافنده آتشر یا قلوب * یامن لا یزول ملک ارحم من قد زال ملک * دیه رل وفات ایتدکه
 طرطوس شهرنه ایلدیلوب انده دفن اولتوب مدت خلافتی یکریمی بیل الی آی ایدی جله اون بش
 اولادی اولمش ایدی (فصل ثامن در احوال معتصم بالله بن هارون الرشید) اسمی محمد لقبی معتصم
 بالله ایدی کنیتی ابواسحاق اولوب والده می ام ولد جاریه ایدی خلفاندن ابتدا لقبی لفظه الله مضاف
 اولان بودر (فائده) مرویدرکه بو کامن دیرلردی زیرا یوزیش سکرزده یابوز سکسانده وسنة
 مزبوره نك سکرزخی آی اولان شعبانده طوغوب وسکرزخی پدری حضرت عباس اولوب و پدری هارونك
 سکرزخی اوغلی وخلفاء عباسیه نك سکرزخیسی اولوب وایکیوزاون سکرز جبنده خلیفه اولوب
 ومدت خلافتی سکرز بیل سکرز آی سکرز کون ومدت عمری قرق سکرز بیل اولوب وسکرز فتح وسکرز قلعه بنا
 وسکرز عدو قتل ایدوب وسکرز عد واسیرا ایتشدی که آذر بایجان پادشاهی طبرستان پادشاهی
 اشکسباب پادشاهی اشباح پادشاهی فرغانه پادشاهی طخارستان پادشاهی صفه پادشاهی کابل
 پادشاهی ایدی وفات ایتدکه سکرز اوغلی وسکرز قزی وسکرسان کره یوز بیک فلورسی وبر اودکاو
 انچه می وسکرز بیک عدد جاریه سی و اوقدر دوه سی و اوقدر قاتری قلوب بود * کراولنان اتفاقات
 عجیبه غریب امور دنیا دندر (فائده) در مناقب ومناقب او مرویدرکه همت ومهابت شوکت
 وفصاحت قوت وشجاعت صاحبی اولوب حتی یازوسنی غیری کسینه لره قوتله ایصردوب دیش کار
 ایتزدی والتونك سکسنی بارمغیله محکم باصوب یازوسنی سیلردی و بیک بطمان آغراغی نسنه ل
 کونوروب بر قاج ادم بر یورردی وایکی بارمغیله بر کسینه نك بیلین صیقوب یکیکنی ازردی قوت بدینه
 وشجاعت قابیه می حددن بیرون ومواد اظهار شجاعتی عددن افزون ایدی * شاعر کامل وجوان دوست
 واهل عشرت ومائل صنعت فروسیت اولوب کریم الاخلاق عظیم الانفاق صاحب جود و لطف وبر و عاقل
 کامل ومدبر اولوب اکن برادر لری قدر عالم اولوب انله اضافتله جاهل قالمشیدی تحصیل علمه چندان
 میلی اولمدیغنی پدری کوروب انجنوب اوقومقدن فراغت ایتدوب خلافته لایق دکلدر دیو نظردن طرح
 ایدوب امین ومأمون وقامد آدلو اوغلاری بری برینک اردنجیه خلیفه اولغه عهدنامه یازدوب معتصمی
 یازمیوب لکن بحکمة الله مأموندر نصکره خلافت قائمه نصیب اولیوب بو کا اولدی ودخی جمیع خلفاء
 عباسیه بغداد وخلفاء عباسیه مصر بحکمة الله معتصم نسلندن اولدی (نظم) بیدالمر ان یعطی مناه *
 ویابی الله الا ما ارادا (قنده عظیمه وکرامات جسیه) مرویدرکه معتصم خلیفه اولدقه مأمونك
 وصیتله علماء عالمی قرآن مخلوقدردی که جبرایدوب مقدم امام احمد بن حنبل مأمون رقه شهرنده حبس
 ایتدرمش ایدی معتصم بغدادده قیدبند ایله کتوردوب یکریمی سکرز آی حبس اولندی مأمون ومعتصمك
 مقبولی احمد بن ابی داود نام عالم کامل اکن معتزلی وضال وضل دائما امام ایله بحث ایدوب امامی مذهب
 حقندن رجوع ایتدیرم میوب هر بحث اولدقچه بر برید آرروب حتی بری بری اوستنه اون درت بشده
 باغلشوب دوغمزسه هلاله اولنجیه دلک دکنک ایله دوکرم دیومعتصم قورقدوب امام اصلا قورقیوب ایکیز
 یکریمی بیلمده مجاسنه کتوردوب اولالطف بعده عنف ایله سوبیلیوب امام دخی معتصمه سوکد کده امر
 ایدوب امامی سور یوب یکریمی طقوز دکنک اور یلوب هر ایکیده بر معتصم برندن قالدوب یا احمد سوزم طوط
 قرآن مخلوقدردی سنی قویو ویریم دیوب اودخی (اعطونی شیأ من کتاب الله) دیوب معتصم بنه برینه
 واروب بواشاده امام غشی اولغین معتصم آی یوزی اوستنه بیقوب ارقه سنی یاغیله دیوب براغوب عقلی
 باشنه کدکده قیو ویریدرکه اولکی ضربده (بسم الله) ایتنجیده (لاحول ولا قوة الا بالله)
 او چنجیده (القرآن کلام الله غیر مخلوق) دردنجیده (قل ان بصیبتنا الا ما کتب الله لنا) دیوب طوتک
 او چقوری الارنده اولان قیدبنده باغلو اولغین او چقور قیرلده طوفی دوشوب کشف عورت اولورکن
 صوت خفی ایله (اللهم انی اسئلك باسمک الذی ملا العرش ان کنت تعلم انی علی الصواب فلا تمک لی ستر)
 دیدکده طون دوشمیوب محض قدرت حقه طوروب بویه کرامت عظیمه ظهور ایتدی * مرویدرکه
 هر عضا اولدقچه معتصمك ذمتن ابرایعنی حلال ایدوب سبیدن صورلده یوم قیامتده بوکسنه

[illegible]

آواز و اهل سازایدی جوان دوست و کثیر الاکل و سخی و عادل و مشاکل اولوب مائل زینت و شوکت و عارف احوال فروسیت مهیب و شجاع لیب و نفاع ایدی * اولاد حضرت علی به سائر خلفان زیاد عطا ایدوب وفات ایتد کده ایچلرند بر فقیر قالمیوب بونک زمانده حرمین شریفینده دینخیلک ایدر اصلا بر کسفه قالمیوب جمله سی قدردن خلاص اولاملردی * بعض معتبرانده مذکوردرکه بعض فقرا و ائمه حاجینه خلیفه به دیکه بیزه یوز ییلک ائمه و یرسون دیوب حاجب کولوب فقیردخی نه کولرسن (علی الطالب و علیک الابلاغ و علی الخلیفه السماع و علی الله التیسیر) دیوب حاجب خیر طالب و ائمه خبر و یروب و ائق فکده واروب بعده (اعطوه ما سأل حتی لا تعود التفسیر) جناب الحق تعالی (دیوب یوز ییکی اول فقیره و یردکارنده المیوب یا نیچون طاب ایتد ایدی دیکلرنده مناجاتده * یارب قد جعلت رجلا کما علی الناس و هو لا یملیک به * دیندم (امکن) دیوب جواب کلش ایدی * پس مرادم امتحان ایدی دیوب و ائق ایشتمد کده (ضعفوا و تصدقوا شکر اعلی عدم بخائی عند الفقیر * یعنی برا و قدردخی ائمه قاقوب جمله سنی فقر ایه و یرک حق تعالی بی یوفیقیرک یاننده اوتاندرمد یغنه شکرانه اوله دیدی (ظلم عظیم و بعض کرامات) تاریخ الخلافه مذکوردرکه ضال و ضل جلی ابن ابی داود المعتزلی اغواسیله ایکیموز اوتوز برده و ائق بصره حاکمه ائمه و مؤذینه قرآن مخلوقدر دیک اهر ایل دیوب بعده بکار محمد نیندن احمد بن نصر الخزاعی بی و ائق بغداددن قید بندله کتوردوب قرآن مخلوق دکادر و حق تعالی مؤمنلر قیامتده بی صورت و بی کیفیت کورلر دیوب حق سو یلدیکچون و ائق معتزلی اولغین محضا ظلما ائمه قلی آلوب مزبور عز یرک یوز یین واروب باشی بغداده کوندروب کوده سنی سرمن رأی ده آصوب الی ییل طوروب بعده متوکل خلیفه ائی ایشردی * مرویدرکه و ائق اول جسد مبارکی قبله دن دوندرمکه بکچیلر قویوب هر کجه کوندر ایل یوز یین قبله دن دوندردکارنده فی الحال یینه قبله به دو یوب اسان فصیله سورۃ یس او قودوغنی بکچیلر ایشیدر لردی (ظهور حق) مرویدرکه و ائقه امام اولداود نسا اینک استادی عبد الله بن محمد الازدی وطنشدن دمور بندله کتور یلوب و ائق یاننده ابن ابی داود معتزلی به خطاب ایدوب خلقی اکادعوت ایتدیکلر زانی رسول الله صلی الله علیه و سلم ییلوب خلقی اکا دعوتی ایتزدی یوخسه بیلمیزی ایدی دیوب اودخی بیلوردی دیوب عبد الله دخی پس بر سنه بی که بیغمیر ییلوب خلقه تکلیف ایتدک اکا جائز اوله سیزه جائزی دکادر دیدکده معتزلی ملازم و مبهوت اولوب ناچار سکوت ایتدکده و ائق بالضروره کولوب بعده اوتانده و غندن ایچر و کیدوب اول ملایه او چیوز فلوری و یروب وطنه کوندروب مذهب باطلدن دو یوب معتزلی بی یانندن رد و باب ضلالتی سد ایدی (لحمره) اولور طوغرو به حضرت حق معین * ایدر آئی جمله بلادن امین * دیمشدر بوسوزی اولور محقق * سن اول اهل حق تاسکده اوله حق (متفرقات) مرویدرکه و ائق صافی التوندن بر سقره سی وار ایدیکه درت قطعه اولوب هر برینی بکرمی کسمنه کونوروب اوستنه قونان صحنلر و تبسیلر و طبقلر جمله التون ایدی مرشد مضلی اولان ابن ابی داود التون قایدن طعام یاک حرامدر دیکین التون کسد یروب بیت الماله قوندی * غایله اسخیان اولغین برکون علمادن بر سنه بر لغت صوروب اودخی بر قافیه ده یوزشا عرک شعرین اوقیوب هر برنده اولغت مذکور اولغین یوز ییل فلوری باغشلمدی * و ایکیموز بکرمی یدیده خلیفه اولوب بکرمی سکرده خلیفه اشنام الترمکی بی خلیفه امور سلطنت یعنی مدبر جمیع امور خلافت ایدوب ایکی وشاح مرصع و برتاج مرصع کیدردی * اوتوز برده و ائق روم کافرلرندن ییلک اتیموز مسلمان اسیرلرین قورناردی و زمانده وفات ایدن مشاهیر علما * مسدد و خلف بن هشام المقری و اسمعیل بن سعید شیخ طبرستان و ابوقام صاحب کتاب الحماسه و ابن الاعرابی اللغوی و یو بطی شاکرد امام شافعی و دخی نیجه لرایدی (وفات) مرویدرکه جماعه غایت مائل اولغین بی اشتباه مزید باهدر دیوارسلان اتی بیوب اومیددن امراض ظهور ایدوب سرمن رأی ده ایکیموز اوتوز ایکی ذی الحجّه سنده اوتوز الی یا اوتوز ایکی باشند و وفات ایدوب مدت خلافتی بش ییل اون آی قدر ایدی * بعض معتبرانده قصه امام احمد بن حنبله کندی و نفع ایتدوکی بد دعا اوزره تورده یانوب اندن وفات ایتدی دینوب مرویدرکه حین احتضارده یونی اوقیوب تکرار ایدردیکه (نظم) الموت فیه جمیع الخلق یشتکر *

لا سوقه منهم بقی ولا ملک * ماضی اهل قلیل فی تفاقرهم * ولس بغنی عن الملائک ماملکوا (نثر)
 بعده قوری طراغه یوزین سوروب اغلابوب * یامن لایزول ملکدارحم من قدزال ملک * دیوب جناب
 رب الارباب غافر الذناب توبه واستغفار ومناجات بحسب ایندی * مرویدرکه جله خلق متوکل
 بیعتنه مشغول ولغین وانقل بالکرمیتی قالدقه بر برصیحانی کلوب کوزنی چقاروب یدی (مصرع)
 الدهر فیه لمن تعجب عیبه و عجائب (فصل عاشر در احوال متوکل علی الله بن المعتصم بالله
 ابن هارون الرشید) امی جعفر اقی متوکل کنیتی ابو الفضل ایدی ایکوز بشده یایدیده طوغوب پدیری
 وفاتده بیعت اولندی قاره یاغز خفیف الجسم کونه قد خفیف العارضین ملیح العینین ایدی * یونک ومعتصم
 ومأمون ورشید ومنصور حضرت رسول علیه السلام واکثر صحابه واکثر طائفه عرب کبی قولقرینه دل
 بتون صاحب لری وارادی خلافتنده سکنز خلیفه زاده بیعت ایندی که منصور بن المهدي عباس بن الهادی
 ابواحد بن الرشید عبدالله بن الامین موسی بن المأمون احمد بن المعتصم محمد بن الواثق سکنجی کندو اوغلی
 منتصر بالله ایدی بوحالت خلفادن برینه واقع اولامشدر (رفع بدعت) ایکوز اوئوز درنده متوکل
 اطراف عالمه نامه کوندروب مسئله خلق قرآن ونفی رؤیت وسائر اعتقاد معتزله بی رفعه عزیت وبغداددن
 علما ومحدثینی کتوردوب نیجه رعایت لرایدوب بعده بغدادده جامع رصافه ده ابوبکر بن ابی شیبہ جامع
 منصورده انک برادری اوئوزوب مذهب اهل سنت اوزره حدیث لرایت ایدوب هر برینک مجلسنده
 اوئوزیک قدر کسینه جمع اولوب متوکل خدیو عاروبو یایدیده علما وشعرا مدح وثنا لرایتدیلر (فتن ومحن)
 تاریخ الخلفاءده مفضلان کورددرکه ایکوز اوئوز او جده دمشق شامده عظیم زلزله اولوب اوج ساعت
 طوروب اولرک بناری بیقلوب وافر کسینه هلاک اولوب خلق مصلی به قاجوب انطاکیه شهر نه دل زلزله
 اوزانوب شهر یی قوب بکرمی بیک کسینه هلاک اولوب دیار بکرمه قریب جزیره ولایت کلوب ابی یقوب
 موصل شهر نه کلوب انده الی بیک آدم هلاک ایدی * اوئوز درنده رئیس طائفه ضالعه معتزله اولان
 ابن ابی داود خبات غودمض فالحه مبتلا اولوب جناد کبی حرکتدن قالدی * بنه یو بیلده ولایت عراقده
 الی کون متصل بادیموم اسوب بصره وکوفه وبغداد اکنیلری یاقوب یولارده مسافر لری هلاک
 ایدوب عجمده همدان شهر نه دخی اسوب طوار لری ومنزعه لرده اکنیلری یاقوب موصل وسنجارده دخی
 اسوب وافر کسینه هلاک اولدی * اوئوز بشده سرمن رأی ده بر کسینه دعوی نبوت ایدوب بکرمی یدی
 کسینه تابع اولوب متوکل انلری کتوردوب حبس ایدوب اول کذاب لعینی دکنک التنده هلاک
 ایدی * بنه یوسته ده متوکل نصاری طائفه سنه علی کیم وزناره وشفی وناج اوزنک وایله آت بخ و دلبند
 صارتمق وعورتلری دخی علی کیوب جامه کیردکلر نه چنقر اقلر طافق واحداث اوانان کلیساری
 بیقلای وقبولی اوزرینه اغاجدن شیطان لری اصلق ومن بعد دیوان خدمت لری نه نصاری استخرام
 اولغی امر ایدی * من یورمتوکل حضرت علی به واولاد نه بغض ایدن ناصیه مذهبده اراغین حضرت امام
 حسینک من اشر یقی واطرافنده اولان بناری واولری جله بیق دروب یرلری منزعه لرایتدوب خلق
 زیارتدن منع ایدوب اهل بغداد ناله وفر یادیوب مجامع وصوامعده بددعالر وشعرا وعلما عظیم ذم وهجاء
 ایدوب اولر وسجده لردیوارلر نه یازدیلر * اوئوز یدیده متوکل مذهب باطل جهیمیه اوزره اولان مصر
 قاضی سی محمد بن ابی المینک صاحب صفایان تراش ایدوب حصاره بندوب شهری کزدرمکه مصر حاکمه
 خبر کوندرده کده اودخی بالتمام عل ایدوب حقوق نامی اصحابه ویرمک ایچون هرکون بکرمیشر دکنان
 اورلردی * بنه یو بیلده قدسه یقین عسقلان یعنی غزه شهر نه برکیجه قدرندن آتش ظهور ایدوب نیجه
 اولری ومنزعه لری یاقوب ثلث لیلده سیوندی * اوئوز سکرده روم کانلری مصرده ابدریاده دمیاط شهر بن
 باصوب یاقوب بیقوب التیوز عورت قاقوب قاجدیلر * قرده اخلاط شهر بیک خلقی کولک یوزنده بر صیحه
 عظیمه ایشدوب نیجه کسینه لر خوفدن جان ویروب تاوق یرطه سی قدر طرولر یاغوب دیار مغربده اون اوج
 عدد کوی بره کیدی * قرق برده برکیجه کونکدن بلذر لری برلر نه کیروب حرکت ایدوب کیجه تک اکثر نه
 بجدیلر دوشوب اوزمانه دل اصاله واقع اولوب زهره رچالک اوله جق حال ظهور ایدی * قرق ایکیده

مغربده تونس شهر نه ونوا حیدر بن محمد ری وخراسان ونیشابور وطبرستان واصفهان شهر لنده
 عظیم زلزله اولوب یرلر وطاغلریار یلوب دیار مصرده سویدا آدلور قریبه کونکدن اوزر بطمان آغراغی
 طاشلریاغوب ولایت عینده برطاغ اوستنده کی منزعه لر یلور یوب آخر یرده کی منزعه لر ده واروب
 ودخی برطاغ اوستنه ماه رمضانده قارنالدن کونکدن بر آق قوش کلوب قونوب (یامعشر الناس اتقوا الله
 الله الله) دیوقرق کره چاغروب بعده اوچوب ایرتسی بنه کلوب چاغروب کیدوب بشیوز کسینه
 ایشدوب شهادت ایتدیلر * قرق اوچده یادر نه متوکل دمشق شامه کلوب هر وجهه حظ ایدوب
 برقوناق یرده داریا آدلور قریبه یی بکنوب برمرای یادر وب انده نوطن هر ادا یوب ابیکی اوج آیدنصرکه
 بنه بغداده کندی * متوکل کوردل بدشمال ناصیه مذهبده اولغین ایکوز قرق درنده برکون اوغلاری
 معتزله مؤیدک خواجه سی یعقوب بن السکیت النخوی به بنم اوغلار مله حسن وحسینک قنغیلر بن زیاد
 سورسن دیوب اودخی عالم وصالح وشی المذهب اولغین علینک قنبری بکا اوغلر کدن زیاد سوکودردید کده
 متوکل غضبه کلوب ملانک دیلی اکیه سندن چکدرو بیا خود قوللرینه امر ایدوب یاتردوب ایاقلرینه
 قارتیه باصوب علی کل حال جفا لیه شهید ایتدیلر (ع) رحمت حق اوله مظلومینه لعنت ظالمه * ایکوز
 قرق بشده دنیای زلزله قایلوب نیجه شهرلر وقعه لر وکویلر بیقلوب انطاکیه ده برطاغ دریایه دوشوب
 کولک یوزندن غایت هیبت لوصدالر ایشیدوب مصرده دخی زلزله لرایوب قصیه بایس خانی مصر طرفندن
 قورقچ آواز لرایشته کین نیجه لری خوفدن جان ویردیلر * کده دخی زلزله لردن بیکارلر بره کلوب متوکل
 ایشد کده عرفاندن مکیه اقرار سوکتور مک یوز بیک فلوری کوندردی علم جفرده برکابده مذکوردرکه
 ایکوز قرق بشده بتون عالمی زلزله قایلوب مصر وشام وانطاکیه ومغرب ونیجه شهرلر ده قلعه لر و بیحد
 ولایه د بنار بیقلوب جله خلق صحراره حقیقوب انطاکیه ده برطاغ پاره لنوب بر بیکل پاره سی دریایه
 دوشوب دریا قینایوب عظیم سیاه تون حقیقوب و بر بیکل ایرماق زلزله دن بره کلوب نه یره کتدوکی معلوم
 اولوب و برولایته برطاغ یوزوب اوستنده اولان بناری بیقلوب بو خصوصلردن متوکل غایتده قورقوب
 مضطرب اولدی (مفرقات) خلفادن ابتدا شافعی اولان بودر سائرلر حنفی ایدیلر غایتده جوان
 دوست وزن دوست اولوب محبوبلردن ماعدادرت بیک جاریه سی وارایدیکه جله سیله مجامعت ایتشدی
 وغایتده سخی اولوب شعرا به سائر خلفادن زیاد عطار ایدوب حتی بر شعاربو کا خطابا (نظم)
 فامسک ندا کفیک عنی ولا تزد * فقد خفت ان اطقی وان اتجیرا * دیوب بری دخی بر قصیده دیوب
 او قودقه یاتده حاضر اولان بیکر فلوریدن زیاد بهالوایکی انجوتک برنی باغشلیوب اول شاعر بش بیتله
 تکرار مدح ایتد کده او برانجوبی دخی ویردیکه ایات بودر (نظم) برمن رأی امام عدل * تغرف
 من بحره البحار * برحی ویمشی لکل خطب * کانه جنة ونار * الملائک فیه وفی بنیه * ما اختلف
 اللیل والنهار * یداه فی الجود ضرتان * علیه کتاها تغار * لم یأت منه الیمن شیأ * الا ات مئله البسار *
 وشیح ذوالنون المصری اسرار علم تصوفی آشکار ایتد کده ظاهرا شرعه مخالف اولغین مصر حاکمی شیخه
 زندقه اسناد ایدوب متوکل خبر کوندروب اودخی شیخی اولاقدرله وقید بندایله بغداده کتوردوب تفصیله
 محتاج قیل وقال وجواب وسوال النصره ذوالنون رهنونه محب ودفقون اولوب غایت اکرام ورعایت ایدوب
 (اذا ذکر الصالحون فحیلا بذی النون) دیوب تعظیمه یادیانکه معتاد اولدی (فائده) زمان خلافتده
 وفات ایدن بکارمشاهیر ابونور وامام احمد بن حنبل وابراهیم بن المنذر واهصاق بن راهویه المجتهد واهصاق
 الموصلی التمیم وشیح حاتم الاصم وروح المقری وزهیر بن حرب وحنون المالکی وایوبکر بن شیبه بن ابی غنیمه
 وانک برادری و دیک الجن الشاعر وابن حبیب المالکی وعبد العزیز بن یحیی شاکرک امام شافعی وعبد الله
 ابن عمر القواریری وعلی بن المدینی شیخ البخاری ویحیی بن یحیی وبشر بن الولید القاضی شاکرک امام ابویوسف
 وابن ابی داود المعتزلی وایواله ذیل العلاف المعتزلی ویحیی بن اکثم القاضی وشیح حارث المحاسبی وحرمله شاکرک
 امام شافعی و یعقوب بن السکیت النخوی واحمد بن منیع وشیح ذوالنون المصری وشیح ابوتراب النخشی
 ودعبل الشاعر الرافضی وابوعثمان المازنی شیخ علم شعو ودخی نیجه لرایدی (قصه شهادت) اوائل خلافتده

کند و در نصیره او غلی منتصره بعد از اینکین او غلی معتزله بعد از او چنی او غلی مؤید از غلی چون عهدنامه
 یازدروب معتزله والده می قبیحه آدلو حسنا جاریه سنه عاشق اولافین انک خاطر یحییون بعد از زمان معتزی
 تقدیم ایالت دیلیوب بر مجلس عامده منتصره بومعنا بی تکلیف ایدوب اودخی راضی اولدقه متوکل
 الخجوب داغا کتر لده قاقیوب سوکوب عرض بیقاردی اکبناء منتصر کین بجوب اول ائاده متوکل
 طاقه ائارا کدن بعضی امرای بر سنه ایچون اینجوب ایکموز قرقیدی شوالنک اینکین یا او چنی یادردی
 کجیه سنده وز پر و محبوبی و مقبولی و مرغوبی اولان فتح بن خاقان و سائرند یار یله محبتده مست ولا یعقل
 ایکن بش اون کسنه ایله منتصر واروب اوغلانلر و ندیملر قاقیوب متوکل اوپورکن بریسی قلی ایل چالوب
 او موزندن قاصو غنه دل یاروب متوکل فریاد ایدوب وزیر نیم مست منعه چالشوب بریسی دخی
 انی قلی ایله صالحیوب ارقاسندن جیقوب وزیر محبتندن کندوی متوکل اوسقنه اتوب ایکیمی معایان
 و بر دیر مدت عمری قرق بریل مدت خلافتی اون درت بیل و طقوز آری ایل سکر طقوز کون باون آی
 ایل اوچ کون اولوب بش نفر اولادی و ارادی (فائده) در حال متوکل بعد الوفا) هر ویدر که سلف
 کر آمدن بری ایدر که بر کجیه واقعه مده کورد مک بر کسنه بی بعض کسنه لک کو که چقاروب بواشاده
 بوشعری ایشتمک (نظم) ملک یقصاد الی ملک عادل * متفضل فی العفو لیس بجائر (نثر)
 او یانوب صباح اولدقه سر من رأی دن بغداده متوکل وفاتی خبری کدی * عمرو بن شیبان دخی ایدر متوکل
 قتل اولدینگی کجیه واقعه ده کورد مک بر کسنه بوشعری اوقور که (نظم) یا ناظم العین فی اوطار جسمانی *
 اقضی دموعک یا عمرو بن شیبان * اما ترا فقه الارحام مافعلوا * بالهشامی و بالفتح بن خاقان *
 وافی الی الله مظلوما بضیح * اهل السموات من منی و وحدان * و سوف یأتیکم اخری مسومه *
 یوقعوا هالها شأن من الشأن * فابکوا علی جعفر وارثوا خایه فتکم * تقد بکاه جمیع الانس و الجن * وینه
 ابن شیبان ایدر برفاج ایدنصکره متوکل واقعه ده کورد * مافعل الله بک دیدیکمده * غفر لی بقلیل
 من السنه احییتها * دیوب فانه منع هاتادیدیکمده * انظر محمد ابی اخاصه الی الله دیدی (فصل حادی عشر)
 در احوال منتصر بالله بن المتوکل علی الله) اسمی محمد اقبی منتصر در کدم کون ایری کوزلو کوزل
 یوزلو طوغان یوزلو اوره یوزلو و جیه وادب و شجیع نبیه و مهیب حلیم و عاقل کریم و کامل مائل خیر و عدل جلی
 و محب آل حضرت علی اولوب انلره احسان فراوان ایدردی * ایکموز قرقیدی شوالنده پدری قتل ایدردوب
 برینه کجده برادر لری معتزله مؤیدی ولایت عهد سابعدن اخراج ایدوب پدری ابطال ایدر وکی زیارت
 مشهد امام حسین خله اجازت و یروب عدل و احسانه مشغول و مکب اولمغین رعایا و برابا بوکا محب اولوب
 لکن پدری قتل ایدر دوکنه خلعدن شرمسار اولوب عسکر ائارا ایدر دیو کند و سبب اولدینگی انکار
 اوزره ایدی (امر عجیب) هر ویدر که بر کون مجلس عشرته ائنده دوشن قالی به نظر ایدر کن بر آتو آدم
 صورتن کوردیکه کارنده فارسجه یازویارلش جمعه یلور بر آدم کتوردوب اوقونده حریف نظر بفت
 باقوب اوقومغه خوقندن و حجابندن خط دکل نقش انجیق دیوب منتصر ابرام ایدر کده ایدی آنده یازمشکه
 بن عجم شاهی خسرو او غلی شیرهیم پدری قتل ایدوب برینه کجده بکده سلطنتدن چندان بهره دار
 اولوب همان انجیق الی آفرار ایدم منتصر بونی ایدوب لون متغیر اولوب و عقلی متغیر اولدی فی الحقیقه
 بودخی همان الی آی سلطنت سوردی بعده سنک اجل زجاج من اجن قیردی (عجیب دیکر)
 بنه هر ویدر که بر کون او یخودن اغلیه رفقا و یانوب والده سی بونک یانه کلدکده بوری یاغدن کیت دنیا
 و آخرت خراب اولدی شمدی بابایی دوشنده کورد و ای سکایا محمد خلافت ایچون بنی قتل ایتدک و الله انجیق
 برفاج کون بهره دار اولوب بعده هر جمع و مصیرک ناردر دیوسو یلدی دیوب واقعا برفاج کوندنصکره وفات
 ایدی * حافظ ذهی ایدر سلاطیندن پدری قتل ایدن ابتدا شیرهیم ایکین یزیدن الولید او چنی منتصر در
 عادت الله بونک اوزرینه مقرر در که قاتل پدری مراده نظر بولوب دولت دینادن آز بهره و راو لور
 (کیفیت وفات) هر ویدر که پدری قتل ایدر دوکنه خلعدن حجابندن عسکر ائارا قتل ایدر دیو بهانه
 ایدوب داغا انلره سوکوب بونلر خلفا قتل ایدیمیلر در دیکین انلر دیو بوکا کین بجوب بعض امرای بونی قتل

ایالت دیلیوب انک شجیع و مهیب و عاقل و اهل تدارک اولد و غیچون قتلنه ظفر بولغیوب حکمت خدا ایل
 خسته اولدقه طبعینه او یوزیک فلوری و برلکین فصدلا زمر دیوب زهر لویشترله قان الدقه ایکموز قرق
 سکر زریع الاخر سنک بشنده وفات ایدوب (بشر القاتل بالقتل) سری عیان بعده مضعون (کما تدین ثدان)
 دخی نمایان اولوب طیب دخی خسته اولمغین او فدیوب اول زهر لویشتر ایله بلا قصد فصد اولوب اولدخی
 وفات و داخل قبر بر طلمات اولدی * بعضی اقوال اوزره منتصر کشد و عیالنه بخل و اساءت اوزره او امغین زهر لو
 ایکنه ایل بر یوایی زهر لیوب ویرد کارنده انی یکین یا خود خوانیق مرضنه یا خصیتمنده یا مقعدنده بر مرضه
 مبتلا اولمغین اندن وفات ایددی مدت عمری یکری بش یا یکری الی یا خود اکسک مدت خلافتی ایسه
 همان آئی آی ایدی (فصل ثانی عشر) در احوال مستعین بالله بن المعتصم بالله بن رشید) اسمی احمد لقبی
 مستعین کنیتی ابو العباس اولوب متوکل برادر دیر ایکموز یکری برده طوغوب آق و قرمز ی بکزلو
 کوزل یوزلو اوره بو یلوخفیف العارضین و یوزنده چچک تشانلو و الفغ یعنی باتک اولوب حرف سینی
 نا اوقوردی فاضل وادب و بلوغ و لیب عالم بالا اخبار عارف بالا تار کریم و مسرف و مبذر و متلف اولوب
 خزان بوشادوب جواهر و تحف امتعه بی کتا من کان عطا و احسان ایدردی (بیعت) هر ویدر که
 منتصر وفاتده امرادن بغای کبیر و بغای صغیر و تانمش متوکل اولادی بزله خصمدر لر انلردن برنی
 خایه ایدر سنک بزلی هلاک ایدر دیوب بو کایعت ایدیلر (حوادث) بول بکاو قفتان کیمکی ابتدا
 بواحدات ایدوب عرضی اوچ قارش ایدردی قلنسوه بی کویک ایدوب اندن اول اوزون ایدر لری
 بونک زمانده اسمعیل بن یوسف نام کسنه خروج ایدوب کعبه معظمه بی یا قوب مکده شهر فی نهب و غارت
 ایددی * ایکموز الی برده کوفه ده یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن امام حسن ظهور ایدوب
 عسکری چو غالدقه قتل اولوب باشی مستعینه کوب بعده طبرستانده حسن بن زید بن محمد بن اسمعیل
 ابن امام حسن ظهور ایدوب عسکری چو غالدی بنه بویل اهل حص بکر بن قتل ایتمکین مومی بن
 بغاء کبیر واروب جنک ایدوب اهل حصی صیوب ایچلرندن وافر آدم قتل ایدوب شهری آتیه یا قدی
 (خلع و قتل) امرای ائارا کدن و صیف ایل بغاء صغیر باغری قتل ایدوب عسکر ائارا آرا سنده فتنه اولمغین
 بوا یکسنک ائنده مستعین مغلوب اولوب امور سلطنته مسلط اولدق برینه اینجوب سر من رأی دن بغداده
 کلوب اردنجه امرای اعتذار ایدوب تختگاهه دعوت ایدر کارنده عناد ایتمکین معتز بالله و برادر لری
 مؤید بالله و حبسدن چقاروب معتزی خلیفه ایدیلر اودخی مؤیدی الی بیک عسکره مستعین اوزرینه
 کوندروب بودخی بغداد حصار بن مر مات ایدوب بعده مخفیله یار ایدر لوب محاصره اولوب برفاج آی
 داغا جنک اولوب وافر کسنه قتل اولوب اهل بغداد ذخیره غایت مضایقه چکوب حتی بهضار
 جیفه بیوب محاربات عظیمه دنصکره ایکموز الی ایکی محرمده ناچار صلح اولوب مستعین خلافتدن
 فراغت ایدوب واسط شهرنه کوندربون طقوز آری ائنده خسته اولوب بعده سر من رأی ده کتوردیوب
 اوزرینه بر موکل قونوب ماه شوالا و چنده معتز بوکا بر کسنه کوندروب ارقه سی اوسقنه یاتروب
 کوکسنه اوتروب بوغازلدی آل عباسدن ابتدا آشکاره قتل اولنان بودریشلر مدت عمری او فوزر یا یکری
 درت مدت خلافتی اوچ بیل و طقوز باسکر آی و یکری کون اولوب اون الی نفر اولادی و ارادی
 (فصل ثالث عشر) در احوال معتز بالله بن المتوکل علی الله بن المعتصم) اسمی محمد یا خود ز بیر کنیتی
 ابو عبد الله ایدی ایکموز او فوزر یا یکیده طوغوب مستعین برینه اون طقوز یا شنده بیعت اولوب آل عباسدن
 بویه از نباشده کسنه خلیفه اولما شدی غایده خو بروی ایدی سائر خلفانک ایرلری خفیفه کومش
 قبلامه ایکن معتز صافی التوئندن ایتمکی احداث ایدی اولکی ستمه سنده واثی بالله زمانده مدبر جمیع
 امور سلطنت نصب اولنان اسناس وفات ایدوب بشیوز بیک فلوریسی جیقوب معتز آی الی الی برینه
 علی بن محمد بن عبد الله بن طاهری دیکوب ایک قلی قوشادوب بعده انی عزل و کندنک برادر لری ابو احمدی
 نصب ایدوب التون تاج مرصع طاویه وایکی وشاح مرصع یعنی یقالی و یروب وایکی قلی قوشادوب
 بنه او بیل عزل ایدوب واسط شهرنه سوروب برینه بغاء شر ایداری دیکوب خاعت و تاج کیدروب

سنة من بوره وچند معتر برادری مؤیدی ولی عهد لکندن عزل ایدوب دوکوب قید بند ایدوب بر قاج
کوندن کمره وفات ایدوب قتل ایدوب دیو خلاقدن قور قوب قضاة وار کافی کتور دوب اثر جراحت
یوغ ایدوب کئی کوستردی ایکوز الی اوچده خلیفه به مسلط اولان امیر الامر اوصیف قتل اولوب
وافر مالی الی دیو و صیف کیمکه امیر بغا ازوب الی درنده خلیفه نك اوزر بنه خروچ ایدوب (خلع و قتل)
مرویدر که معتر امر او عسکر اتر اگان زبونی اولوب بعده ایکوز الی بش شعبانده عسکر هجوم ایدوب
وظیفه مری ویرنا که سکا مطیع اولیان صالح بن وصیفی قتل ایدوب خزینه ده ایدوب اصلا مال قالماعین
معتر زاده سندن مال ایستوب اودخی ویرمد که عسکر اتر اگان ابن وصیف و ابن بغا ایدوب اتفاق ایدوب
آلات حربله مرایه کلوب خلیفه طشمره چیه سون دوب اودخی شربت ایچدم بوکون چیه مزم دیو خبر
کوندروب بعضری اجازتله یاخود جبرایله ایچرو کوروب معتر ایباغندن چکوب دوسرله اوروب
امی کونده کونش قارشوایاق اوزر بنه طور غروب کندو کی عزل ایدوب دیو یوز بنه طبایحه لار اوروب شهر
قاضی ابن ابی الشواربله وافر کسینه چاغروب حضور لر زنده فراغت ایدوب بعده بغداددن مهتدی بی
کتور دوب برینه خلیفه ایدوب بش کوندن کمره معتر عسکر طوطوب حمامه قوبوب صوصاد قده
صو ورمیوب زبون اولد قده چقاروب قارلو صو ورمیوب ایچوب فی الحمال جان و بردی * تاریخ
ابن شحنه ده بر اوطیه قونوب یکن وایچمک ویرلیوب انده وفات ایدوب دیومد کورد در مدت عری بکری
درت بیل واون اوج کون مدت خلافتی اوج بیل واتی آ ویکری برکون یادر بیل واتی آ ویکری
اوج کون ایدی (مترقات) بعده والده بی قبیحه نام حسنا خاتون کیزلنوب ماه رمضانده طوتوب
ابن وصیف جبرایله کازنا ایدوب مقدمایر دهن ایدوب کی اوج کره یوزیک فلوری ویکری کره یوزیک
فلور بک جواهر ابن وصیفه کتورلد که تعجب ایدوب لعنت بویه والده به که بو قدر مال عظیمی وار ایکن
الی بک التون ایچون اوغلنک قتلنه رضایره دیدی مالی الوب ملعونه بی مکده حقارتله کوندروب
بعده مکده یاخود معتمد علی الله زماننده مرم رأی شهرنه کتورلوب انده وفات ایدوب و معتر بانه
زماننده وفات ایدوب کازم شاهیری بولردر شیخ مری سقطی که جنید بغداد بک شیخی و دایمی ایدی
وداری صاحب کتب المسند فی الحدیث وعتبی و امام علی الهادی و محمد بن کرام رئیس طائفة ضالة کرامیه
(فصل رابع عشر در احوال مهتدی بالله بن الوائق بالله بن المعتصم) امی محمد کینی ابواحق
بالو عبدالله اولوب ایکوز اوزن یدیده طوغشدر (مناقب) مرویدر که کندم کون محیف البدن ملیح الشکل
قلیل الاکل عادل وکامل ولیب جری و شجاع و مهیب (نظم) صائم الدهر وصال و عابد * قائم الليل
ومطلع الزاهد * اولوب خلیفه ایکن اکثر یاسر کوزیت الیه اتکدن غیری نسنه یزدی ایکوز الی بش
رجی آخرنده معتر برینه خاق بو کایعت ایتک دیلد کلزنده غایده اهل تقوی و عامل بما هو الاقوی اولمغین
معتر کلوب عجزی ظاهر اولیجه قبول ایتم دیکین کتور دیلوب عجزنه شاهد لر شهادت ایدوب کندو دخی
معترف اولوب بالذات یعت ایتد که قبول ایدوب کال عدالتده حضرت عمر بن عبد العزیزه تقلید قصد
ایتمکین کندو به تم و حضور متروک و معجور و مغرض و منقور ایدوب امرایه دخی ظلم ایتمکی ترک
ایندروب امور سلطنتی سعی تمام و دقت و اهتمامله کندو بالذات کوروب حضورنده کاترا و توروب مال
احوال پاننده یازوب کور لر دی (قصه شهادت) ایکوز الی الیه موسی بن بهامعترک انتقامیچون و انک
والده سندن النان مالی المعجیون صالح بن وصیفه جنکدری شهرندن عسکرایله مرم رأی به کلوب مهتدی به
هجوم ایدوب بر آنه بندروب سرائی بغا ایوب کندو بی شهرده بر اوده قوبوب بودخی یا موسی الله تعالی بدن
قورق بدن نه استرمن دید که مرادم همان صالحه معین اولماغه عین الیه دیوب بودخی عین ایتد که تکرار
یعت ایدوب مراینه ایتدیلر بعده مهتدی نسکین قننه ایچون موسایی صالح الیه بارشدر مقی دیلد که سن
صالحه متفلسن دیوموسی الیه اشقیای مهتدی به تکرار هجوم ایتد کلزنده فلج قوشانوب دیو انخانه به
چیقوب فلج باره انجیه دل سز که جنک ایدرم دیکر اذ بکرحیا کزبوقی نیچه برخلفایه عصیان و طغیان
ایدومر صالحدن بنم خبرم بو قدر دید که اشقیایا کن اولوب بعده موسی هر کیم صالحی کتور رسه اون بیک

التون و برهم دیوندا ایتد مکن بر کسینه انی بر قرا کولاق دهلیزده اوپور بولوب خبر ویرد که باشی کسوب
شهرده کزدر کارنده مهتدی اکا قلیندن انجوب بعده موسی برعدوسی دخی قتل ایتمک کتد کده
بیله کیدن اسیر با کاله مهتدی امیر موسی الیه امیر قلی قتل ایدوب موسی برینه امیر عسکر اتر اوله سن
دیو خبر کوندرد که (مصرع) بوکون اکا ایدوب یار بن بکادر * دیو با کال مهتدین قور قوب ایکسینه
دخی خبر وروب جله سی اتفا قله مهتدینک اوزر بنه کلوب محکم جنک اولد قده مهتدی با کالی طوتوروب
قتل ایدروب بر کونده اتر اگدن درت بیک کسینه قتل اولوب عاقبت مهتدینک عسکری صغوب
کندو طوتوب ایکوز الی الی رجینک نصفنده اووز سکر یاشنده ایکن خایه لر بی صیقوب یاخود بیجا غله
اوروب شهید ایدوب * مدت خلافتی اون بر یحیی آی اولوب اون بش نغراوغلی واریادی (فصل خامس عشر
در احوال معتمد علی الله بن المتوکل علی الله بن المعتصم) امی احمد قلی معتمد کینی ابوالعباس یا ابو جعفر
ایدی ایکوز بکری طقوزده طوغوب کندم کون اورنه بولومد و یوزلو کوزل کوزلو کویک سوزلو صقالی
کوزل ایدی مهتدی شهید اولد قده حبسدن چقار یلوب یعت اولندی عالم و عاقل شاعر و کامل اولوب
اشعارنی التون حل اید یازدردی * برادری موفق بالله طلحه بی مشرق ولا بیلر نه حاکم ایدوب کندو نک اوغلی
جعفری ولی عهد ایدوب مصر و شام و مغرب به حاکم ایدوب اقبی مغوض الی الله قودی * کندوسی دایم عیش
و عشرته و شرب خمر مورث النکبته مشغول اولمغین رعایا و برایا بوندن نفرت و مدبر امور خلافت اولان
برادری طلحه به محبت ایدوب (ظاهر رنج) معتمد خلافتدن بر بیل مقدم خوار جدن از ارقه زنداقه
مذهبنده بر طائفة ضلالت عاکفه عبدالقیس اولادندن علی بن محمد نام کسینه ایله سودان و زنجیدن بر قاج
یوز بیک عسکرایله بصره اطرافنده خروچ ایدوب بصره بی یا قوب بیقوب مسلمانلری اسیر و موفق ایله جنک
کثیر ایدوب اون بش بیل ولایت عراقده بلاد اسلامیه نك بعضی غارت و اهملر قتل و اسیر و حقارت
ایدوب عسکر اسلامیه نیچه کره صواشوب بر کونده بصره ده اوچ یوز بیک مسلمان شهید ایدوب مدت تغلب لری
اولان اون بش بیلده اون بش کره یوز بیک کسینه قتل ایتمشدری * رئیس لری اولان بهبود نام ملعون
بکا نبوت و رسالت و بر لدی اما قبول ایتدم دیو حاشا دعوی علم غیب ایدوب کندو شهرنده منبره
چیقوب عثمان و علی و طلحه و زبیر و عاتشه و معاویه رضی الله عنهم سب ایدوب ارد و سنده آل رسولدن
خاتونلری کی اوج انچه به صانلوب هر زنجی ملعون پاننده بشر اوزر علویه اولوب وطنی و استخدام ایدر لر دی
(فصل و محن و حوادث متنوعه) مرویدر که از ارقه ظهورندن کمره ولایت عراقده عظیم طاعون اولوب
حد و عددن بیرون کسینه وفات ایدوب بعده عظیم زلزله لار اولوب نالری قلوب اتنده نیچه بیک آدم هلاک اولدی
ایکوز اتنده دیار عراق و حجازده نقط یوسف ظهور ایدوب برکیل بغدادی یوز الی التونه صانلور اولدی *
التمش برده خلیفه کندو دند کمره خلافتی اوغلی مغوضه اندن کمره کندو برادری موفقه تعیین ایدوب
مغوضی مصر و شام و مغرب و جزیره و ارمینه به موفقی بغداد و عراق و حجاز و عین و بلاد مشرق و اصفهان
وری و خراسان و طبرستان و سجستان و سند و لا بیلر نه حاکم ایدوب بن وفات ایتد که مغوض نابالغ بولور سه
بریمه موفقی کسین دیو عهد نامه یازدردی * التمش درنده یادخی مقدم مالی التیده یا تمشده موفقی اوچ یوز
بیک عسکرایله از ارقه رئیس یه بودله جنک ایدوب باشن کسوب بغدادده کتورلد که شهر طونانلوب جله عالم
شاد و خرم اولدیلر * التمش التیده کفار روم دیار بکره کلوب قتل و غارت ایدوب جزیره موصل خلعتی
قاجا دیلر * یسینه بویل عاصی عربلر مکده شهرنه هجوم ایدوب که به مکرمه نك اورنوسنی بغا لیلر * التمش درنده
احمد بن عبدالله الحجابی خراسان و کرمان و سجستان و لا بیلر نه مستولی اولوب دیار عراقی الوب التون و انچه نك
برایانه خلیفه نك برایت کندو نك نامن ضرب ایتد در مک دیلوب لکن سینه مزبوره آخرنده خدمت کار لری
انی قتل ایتدیلر * بویل معتمد اوزر بنه برادری موفق خروچ ایدوب بعده بارشدریلر * التمش طقوزده معتمد
موفق خوندن مصر حاکمی احمد بن طولونه خبر کوندروب احمد شامه کلوب معتمد موفقی رفعه بر چاره
مشاوره سیچون احمد بولشقی قصد ایدوب سیروشکار بهانه سیمه چیقوب موفقی کفارله جنکده ایکن
ایشیدوب نصیبین بکنه معتمدی دوندن مک ایچون خبر کوندروب اودخی موصلاده تشوب حسن تدبیر ایله

دوندروب سرمن رأی به کتوروب موفق کاتبی فارشولوب سرایه کبرمه که قوم یوب براوه قوندروب
 یانه کسسه کلاما ایچون بشیوز بکچی قوبوب ابتدا محجور و مقهور اولان خلیفه بودر بعده واسط شهره
 ایلد بلوب ایکوز تیش شعبانده معتقدن و اقبال و مجد و اجلال ایلد تخم کاهنه که کتورولدی * ینه یوبیل احمد
 ابن طولون که خاها طار فندن بکرمی القییل مصر حاکمی اولوب حافظ قرآن کثیرا الخیر محب علما مثل عدل
 صاحب عقل سلیم سخی شجاع و مهیب ذکی و مدبر مصیب اولوب مصرده غایت واسع براطیف جامع شریف
 یابوب بکرمی درت بیک آق قوی قرق بش بیک زنکی عرب قوی و ارایدی وفات ایدوب اوغلی خارویه برینه
 بکوب بعده موفق سابقا ابن طولونه انجمن کین کند و اوغلی احمدی مصر حاکم ایدوب عسکر ایلد کوندروب
 خارویه عزله راضی اولوب محکم جنگ اولوب ماتندیل و جیحون سیل خون آقوب عاقبت عسکر مصر غایب
 واحد کلدوکی ره آب اولدی * ینه یوبیل بغداد سیل کلوب بیدی بیک او بیکدی و دخی یوز بیک کفاروم
 طرسوسه کلوب جنگ اولد قده مسلمان غلب اولوب کفار دنگیت عظیمه الوب بوفتح و نصر تنک مثلی
 سبق اتمامش ایدی * و دخی اول ملوک فاطمیون اولان مهدی ولایت ینده ظهور ایدوب تدر بجه قوت
 و شوکت بولدی * یتش سکرده موفق تقریس و داء الفیل مرض فندن وفات ایدوب غایتده شجاع و مدبر
 و مهیب اولوب کفارله دائم جنگ و انلری قهر و کسر و قتل ایدوب اول ملوک صفاریه اولان یعقوب بن ابیسه
 جنگ ایدوب انی دخی صیوب محبوب القلوب مسلوب العیوب اولغین برادری معتقدن قورتلدم
 دیوشاد اولوب انک برینه انک اوغلی احمدی حبسدن چقاروب مدبر امور ایدندی اوچ پیلدن اول پدیری
 موفق انی حبس ایشندی (ظهیر قرامطه) ینه ایکوز یتش سکرده قرامطه دیمکه مسمی اهل الحاد
 و فساد بر طایفه بدینهاد کفر اعتقاد شراعتیاد ظهور ایدوب بصره و لحسا و قطیف شهرلرین و اطرافلرین
 ضبط و اوجیوز اولوزده متغرض اولنجیه دله ممالک اسلامیه ده انواع فساد ایدوب حاشا خر حلالدر
 و جنایتدن غل بوقدر و صوم فرض همان بر نوروز کونی بردخی کوز آیینک اولی اولان مهر جان کوندر
 دیوب اذانه و اشهد ان محمد ابن الخنفیه رسول الله دیمکی قانون و شرائط و ارکان صلونی تغییر ایدوب
 و ج و قبله قدسه در دیوب بونک امثالی کفریات ایلد سهوا و اشتیادین بحد و پایان کسسه تابع اولوب مسلمانلری
 رنجیده ایتکه باشلیدیلر (امور دیگر) هر ویدر که یعقوب بن لیث الصفار ظهور واکثر بلاد عجمی
 تغلبه قلم ایدوب معتقد علی الله انی ایشند کده عراق حاکمی کوندروب جنگنده اسیر اولغین یعقوب
 قوت و شوکت بولدی * ینه معتقد زمانده حسن بن زید العلوی طبرستانه نصر بن سامان ماوراء النهر پادشاه
 اولوب ایکوز التیش درنده حسن وفات ایدوب برینه اوغلی محمد بکدی * ینه معتقد زمانده مجهول الاسم
 بر خاری ظهور ایدوب نیجه شهر لره مستولی اولوب وافر کسسه قتل و احیر و نیجه شهر لر غارت ایدوب بعده
 نابید اولدی * یتش طقوزده سردار و مدبر امور خلافت اولان احمد بن موفق بالله خلیفه اولان عیسی معتقد
 مسلط اولوب بالفیروزه معتقد بر مجلس عامده اوغلی مغوضی خلع واحدی ولی عهد ایدوب لقبی معتقد بالله
 قوبوب بعده معتقد کاندرد و منجمله وقعه خوانلر او نور سیموب صحافدر دخی کتب فلامسه الوب صاعقونلر
 دیو امر ایددی (فانده) معتقد زمان خلافتنده وفات ایدن کار مشاهیر * یحیی بن معاذ الرازی الواعظ
 الزاهد و امام حسن العسکری و امام بخاری و امام مسلم و ابو داود و ترمذی و ابن ماجه که بوشیدنک علم حدیثده
 برر کابری مشهور جمیع دینادر * و حضرت شیخ یازید بسطامی که اسمی طیفور بن عیسی اولوب جدی
 شریان آدلور بر مجوسی ایدی * و امام مزنی ثاکر امام شافعی و یونس بن عبد الاعلی وزیر بن بکار و حجاج
 الشاعری و ابن الشوارب قاضی شهر سرمن رأی و حافظ ابو زرعه الرازی و ابن بکار قاضی مکه و امام داود
 الظاهری المجتهد و ابن قتیبه و حنین بن اسحاق الطیب و امیر الامراء موسی بن بغا و ابو حاتم الرازی و صالح بن امام
 احمد بن حنبل قاضی اصفهان و دخی نیجه لرایدی (فانده) محمد مهدی دخی معتقد زمانده وفات
 ایشند که حیانه ایکن قطب زمان اولندی و افاض و شیعه طائفه سی اکا اون ایکچی اما مدر
 وفات ایتیموب بر زمینه کبر و غلب اولوب آخر زمانده چقاچن مهدی بودرد و اعتقاد باطل ایشند در
 بونک تفصیلی بو فاروده باب حضرت حسینده که مشدر نظر اوانه (وفات) هر ویدر که ایکوز یتش

طقوز چنک اون طقوزنده معتقد سابقا کثرت شرب خمره مبتلا اولغین حالاست ایکن الی بر یاشنده فجاة
 وفات ایدوب یا طعامله زهریدر بلوب یا اوور کن بعضی بونی قابله صاروب بوغیلوب یا ریش باقراچینه انوب
 یا بغدادده بر چقوره دوشوب وفات ایددی * مدت خلافتی بکرمی اوچ بیل اولوب درت نفر اولادی و ارایدی
 (فصل سادس عشر در احوال معتضد بالله بن الموفق بالله طلحه بن المتوکل علی الله) اسمی احمد لقبی
 معتضد کنیتی ابو العباس در پدیری طلحه خلیفه اولوب برادری معتضد سردار و مدبر جمیع اموری
 ایدی ایکوز قرق ایکی ذی القعدة سنده یا قرق اوچ ربیع الاقلده طوغوب قاره یاغز و ضعیف و معتدل
 الجسم ایدی سابقا بونی پدیری مصر حاکمه جنکه کوندردیکی ذکر اوانوب ایکوز یتش بشده پدیری
 بو کالنجوب حبس ایدوب یتش سکرده پدیری خسته اولد قده بونی خدمتکارلری حبسدن چقاروب
 اوچ کوندنصکره پدیری وفات ایددی معتضد امور جنکده غایت ماهر و شجاع و مهیب و قاهر حتی
 ارسلان ایلد جنگ ایدر بهادر اولغین معتقد بونی پدیری برینه سر عسکر منصور و مدبر جمیع امور چهور
 ایشندی (بیعت) ایکوز یتش طقوز چنکده عیسی وفات ایتکین عهد سابق اوزره بو کایعت اولندی *
 هر ویدر که عاقل و عادل مدبر و کامل شاعر و بلیغ و بهادر صاحب تیغ بی در بغ اولوب کماله و معرفتده
 و هر حالده کند و دنگره کلان خاها بو کانسبت لائشی محض ایدی دیشلر * یا وزانده و حین غضبنده
 ترجی آرا اولوب امرادن برینه غضب ایتدکه صاعیکن طیراغه کومرددی خلق سزک ایچون خویدر
 دیرلرید کارنده و الله خلیفه اوله لی ناحق قان دوکدم فلانی مذهب الحساده بی دعوت ایتدیکچون قتل
 ایتد و قتل لازم حرامیلری فلان و فلان نامیه قتل ایدوب خلق انلری ظن ایتدیلریدی * برکون فارشوسنده
 ساده و خدمتکارلر طورر کن قاضی شهر زیارته کلوب جوانلره باقد قده فراسله هر ادنی بیلوب اشدی
 و الله قوشانغی حرامه چورمک واقع اولامشدر دیدی (نظم امور) هر ویدر که خلیفه اولد قده تسکین
 فتن و رفع مظالم و نشر عدالت و هیبت و تدبیر بر اصابتله هر وجهله امور خلافتده غایت رونق و نظام
 و شوکت و ربوب دوات آل عباس متوکل قتلند و بر و کمال ضعف بولوب زواله قریب ایکن مشید و سدد المانی
 ایتکین بو کافعاح ثانی دینوب خلق بو کافایت قعظیم و محبت ایدوب هیبتندن دهشت اوزره ایدیلر *
 خلفاء ماضیه زمانده اولایقی کبی جمیع اهل ایمان امن و امان اوزره ایدیلر و یکن زمانده الدن چقان عمالکی
 تکراراله کتوروب فتح و ضبط و تسخیر و اعداء بدرایی تدبیر ایدوب بونک زمانده جمیع اهل ایمان امن و امان
 و رخا و برکت فراوان اوزره ایدیلر (بدایع وقایع) هر ویدر که اول خلافتنده صحافدری فلامسه کابلرین الوب
 صاعقونلر و منجملری وقعه خوانلری عقد مجلس ایتکدن منع ایدوب ایکوز سکسانده اودیل شهرنده
 ماه شوالده کونش طوقلوب ایکند و یه دله دنیا یوزی قرا کوان اولوب کجه نک ثلثه دله برسیاهیل
 اسوب بعده عظیم زلزله اولوب جله شهری بیهقوب یوزلالی بیک آدم هلال اولدی دیو خبر کلدی * سکسان برده
 دیار رومده تکور به شهری فتح اولندی و دخی ری و طبرستان شهر لر بیک قیولری و بیکارلری صوی بره بکوب
 اوچ بطمان صوبراچه به صاعلوب ترک به دخی غایتده خط و غلا و انجین خلق جیفه بر اولدیلر * و دخی معتضد
 مکده دارالندویه بی یقوب حرم کعبه به قائمده سکسان ایکیده مصر حاکمی خارویه ابن طولونه معتضد
 عسکری مرارا عظیم جنگلر ایدوب بعده بارشوب خارویه نیک قیزی قطر اندی بی معتضد نیکاحلنوب بغدادده
 کتوروب جهازنده یا کزدرت بیک عدد جوهری او چقور و صافی التوندن بیک عدد هاون و اون صندوق
 طولو جواهر و ارایدی * سکسان اوچده ذوی الاحرام یا کز قالد قده میرانه داخل اولق امر ایدوب شافعی
 مذهبنجه بیت المال ضبط اولغنی رفع و دفع و ابطال ایدوب خلق غایت حظ ایدوب دعای خیر ایتدیلر
 (فتن و محن) سکسان درنده مصرده ایکند و دن اشنامه دله هوا غایتده قزاروب (مصرع) درو دیوار
 و دار و هر نه که وار * جله قیزل کورینوب (مصرع) درگاه حقه خلق مناجات ایتدیلر * ینه یوسنده
 معتضد حضرت معاویه به مشر لره لغت ایتک ایچون جله شهر لره خبر کوندردمک دیمکده علمادن بری
 آل علینک خلق ایچنده حرمتلری آرتقله بعضی خروج ایتک واردردیو بخو یقله فراغت ایتدردی *
 سکسان بشده بصره صاری بل اسوب بعده یشل بعده سیاه اولوب هوایی بون قاپلر ایدوب اردنجه

بوزاللی درهم آغرامی عظیم طولوریاغوب التیوزخرمانا غانی قلع ایدوب برقریه اوسقنه هوادن آق وسیاه
طاشلایاغدی (اصل قرامطه) سکسان التیده ولایت بحر بنده اوسعید حسن بن بهرام جنابی قرامطی
اعنه الله ظهورایدوب شوکتی قوت بولوب بصره یه قصد اید کده معتضد بصره یی حفظ ایدر مکی نوا حیدسی
غارت ایدوب معتضد کد عسکر یه مرارا جنگ ایدوب انلری صیوب عاقبت اوچیوز برده جام ایچنده
برخدمت سکاری اتی بوغازلیوب برینه کوچک اوغلی ابوطاهر یکدیکه انک احوالی اشاعیده کاور مذکور
اوسعید اهو از شهر نده جنازه آدوقر یهدن اولوب بعده بصره ده کمال ایکن بحرینه واروب مقدمما ذکر اولنان
زنج و خرمیه طاقه سنک بقایای بوکاتایع اولوب خروج ایتشدی * فواج مسکیه ده مذکور در که ملوک
بحمدن بهرام کورک فسلندن اوسعید جنابی ابتدا اظهار دین وزهد و تقوی ایدوب بعده خلقی عجیب
و غریب اعتقادات باطله یه دعونه شروع ایتدی * طاقه مزبور نهک اون درلو اسملری وارایدیکه بودر
قرامطه بابکیه خرمیه مز دکیه باطنیه اسمعلیه تعلیمیه حجر به ملاحده سبعیه (وفات) مرویدر که
معتضد غایده جماع اولغین مز ایچی بوزیلوب ایکیز سکسان طقوز ر بیع الاخر نده محکم خسته اولوب
مختضر اولدقه عجاوفا ت ایتدی دیو طیب نبضه یاشدقه کوزنی آچوب طیبیه بردقه چالوب طیب
فی الحال جان و یروب بر ساعت نکره معتضد دخی وفات ایتدی * مدت عمری قرقر الی یافرق بدی مدت
خلافتی طقوز یمل و طقوز یجی آی اولوب درت اوغلی اون برقری قالدی (متفرقات) بونک زمانده
وفات ایدن بکار مشاهیر ابن ابی الدنیا المحدث و اسمعیل قاضی شهر و ابو عینا الشاعر و ابو حنیفه الدینوری
و المبرد النحوی و اوسعید الخراز شیخ الصوفیه و البحرئی الشاعر و دخی نیجه لایدی * و مرویدر که معتضد مدوح
شعر اولوب بعضلاری بو طرز لطیف الیه مدح ایتشدیکه طیف الم بدی سلم بین الخیم یطوی الاکم
جاذبم بشی السقم عن لثم و ملتزم فیه هضم اذا یضم داوی الالم ثم انصرم فلم انم شوقا و هم
الاروم کم کم ثم یوم الاصم احلم کل التلم عما انهم و هو العلم و المعتصم خیر النسم خلاوعم
حوی الههم و ما احلم طود انهم سمع النسم رب الکرم جلال الظلم کالدرد ثم راعی الذم
حای الحرم فلم یرم خص و عم بما نسیم له التسم مع التسم و الخیر جم اذا التسم و الماء دم اذا التسم
* و مرویدر که جاریه سی و محبوبه سی در بره وفات ایتد کده مورثیه یی دیدیکه (نظم) یا حبیبالم یکن بعدله
عندی حبیب * انت عن عینی بعید و من القلب قرب * ایس لی بعد فی شئی من الله و نصیب * لک من قلبی
علی قلبی و ان بنت رقیب * و خیالی منک مذغبت خیال لا یغیب * لوترا لی کیف لی بعد عویل و نجیب *
و فوادی حشوه من حرق الحزن لهیب * انیقت بافی فیک محزون کثیب * ما ارى النفس و ان سائتها عنک
تطیب * لی دمع ایس بعصیتی و صبر لا یجیب * و مرویدر که بونک وفاته اشاعیده خلافتی یازیلده حق ابن المعز
بومرثیه یی دیدیکه (نظم) یا دهر و یجک ما بقیت لی احدا * و انت و الدس و باکل الولدا * استغفر الله
بل ذاکه قدر * رضیت بالله رباً و ابدا صیدا یا ساکن القبری غیر آه مظلمه * باظهار یه مقصی الدار منفردا *
ابن الجیوش الی قد کنت تحبها * ابن الکنوز الی احصیتها عددا * ابن السمریر الذی قد کنت
تلا * سها به من رأته عینه ارتعدا * ابن الاعادی الی ذلت مصعبهم * ابن الیوث الی صیرتها ابدا *
ابن الجیاد الی جلتها بدم * و کن یحملن منک الضمیع الاسدا * ابن الرماح الی غذبتها مهجا * مذمت
ما وردت قلباً و لا کبداً * ابن الجنان الی تجری جدواها * و تسحب الیه الطائر الفردا * ابن الوصائف
کالغزلان راعته * یسجن من حال موشیه جددا * ابن الملاهی و ابن الراج تحسبها * یا قوت کسیت
من فضا زردا * ابن الولوب الی الاعداء مبتغیا * صلاح ملایحی العباس اذ فسادا * مازات تقسم منهم
کل قسوره * و تحبط العالی الجبار معتدا * ثم انقضت فلا عین و لا اثر * حتی کانک یوما لم تکن احدا
(فصل سابع عشر در احوال مکتفی بالله علی بن المعتضد بالله) اسمی علی کتبی ابو محمد اولوب ایکیز
التش درت ربیع الاخری غره سنده طوغدی خو بروی سنبل موی لاله خدمتیه قد بدیع الجمال
منع الکمال عظیم المثال دری اللون نادر الیون محبوب فی بدل و حسن و جالیله ضرب المثل اولوب
حتی برشاعر دیندر که (نظم) قایست بین جمالها و فعالها * فاذا الملاحه بانحیانه لاتی *

والله لا کلتها ولوانها * کالشمس او کالدرد او کالمکتفی (نثر) والده سی ام ولد جاریه رومیه اولوب
اسمی چچک ایدی (بیعت و بدایع و وقایع زمان خلافت او) مرویدر که ایکیز سکسان طقوز ر بیع
الاخر نده پدری خسته اولوب مکتفی بغداده قریب رقه شهر نده بولوب فوت اولدقه بونک ایچون
وزیر ابو الحسن قاسم بن عبدالله غائبانه خلافتیه خلقه بیعت ایدروب بعده مکتوبله بغداده کتورلد کده
عظیم آلا یلر اولوب تکرار بیعت اولندی * ازدحام جسر دن قاضی ابو عمرو صویه دوشوب ینه اخراج اولندی
حضرت علی الیه بوندن غیری علی آدلو خلیفه کلامشدر عقیب جلوسنده پدری احداث ایتدوکی
بناری یقوب مسجد لرایدوب و پدری سرای یاقق ایچون الدینی دکاتلری و باغچه لری صاحب لری ینه
ویروب و مشاهیر اخبار ملوک ککی کمال عدالته سلوک ایتمکین جمله خلق دائما خیر دعالر
ایدردی سنه مز بورده بغداده عظیم زلزله اولوب برقاج کونه دلک ممتد و مشتد اولدی * و دخی
بصره ده عظیم یل اسوب جمیع خرمانا جلرین یقوب انک نظیری مسموع اولما مشدی * و دخی
قرامطه دن شیخ دیکله معروف اولوب کذب صریحه سید یکن یحیی بن زکریه ولایت شامده خروج
و شهر دمشق محاصره و دمشق بکی امیر طوغج الیه دائما جنگ ایدوب عاقبت ایکیز سکسانده
یحیی قتل اولوب برینه برادری حسین یحیی عمل الیه یوزنده بر یولک یک پیدا ایدوب اشبو شامه
یعنی خال بنم علامت کرامتدر دیوب عیسی اوغلی عیسی بن مهرویه بونک یاشمه کلوب بنم لقب مدثر در
قرآنده (یا ایها المذنب) کلامی بکا اشارتدر دیوب براوغلنه مطوق بالنور دیو لقب قویوب ولایت شامده
عظیم قینه و فساد ایدوب عسکری جو غالمغین اهل دمشق انله وافر مال و یروب صلح اولدیر بعده * حصه
واروب ضبط ایدوب منبر لنده امیر المؤمنین مهدی دیو کند و نامنه خطبه اوقدوب جاومعه شهر لری
و نوا حیدسن غارت و نیجه مسلمانلری و اوغلا یققری قتل و اسیر و بعلبک خلقنک اکثر فی قتل و سلمیه
شهر فی یغما و بعض منعم کسنه یی قتل ایدوب مکتفی آنک اوزرینه اون یلک عسکر کوندروب قرامطه
انلری کجیه باصوب یلک کسنه الیه سردار حلبه قاجوب بقیه عسکرک اکثری شهید اولوب بعده مکتفی
رقه شهر ینه کلوب سردار ینه بیای یارد یجیلر ککوندروب مصر دن دخی عسکر کلیمکین حص
قربنده قرامطه صیوب اکثری قتل اولوب نیجه لری ریسلری اوشامه الیه اسیر اولوب مکتفی به کتورلوب
قتل بعده احرار اولندیلر * مکتفی تکرار مصر و شامه عسکر کوندروب فتح و ضبط ایدروب احمد بن طولونک
یدی نفر اوغلی مصر ده قتل اولندیلر * سنه مز بورده ولایت رومده انطاکیه شهر یی جنگ الیه فتح اولوب
مال فراوان غنیمت اولندی * و دخی مصر ده عظیم قحط اولوب خاق جیفه لریوب اکثر اهل مصر هلاک
اولدیلر * طقسان ایکیده دجله یکر یی بر ذراع طاشوب بغدادی غرق ایتدی * طقسان اوچده قرامطه قوت
بولوب شهر دمشق آلوب قانلرد و کوب غارت ایدوب بعده کوفه یه کلوب مکتفی عسکر کوندروب انلر خلیفه
عسکر فی صیوب نیجه لری قیروب مسلمانلردن وافر غنیمت ایدیلر * طقسان درنده قرامطه ولایت عراق
حجاجی جمله قیروب یکر یی یلک کسنه ایدیلر مکتفی تکرار عسکر کوندروب قرامطه صیوب ریسلری اولان
ابن زکریه وفات ایتدی (فائده) مکتفی زمانده وفات ایدن بکار مشاهیر بونلرایدی * عبدالله بن امام احمد
حنبل و ثعلب النحوی و قبل المقرئ و البزار صاحب المسند و ابو حازم قاضی بغداد و امام محمد بن نصر المروزی
و شیخ ابو الحسن النوری و ابو جعفر الترمذی الشافعی و ابن راوندی عالم و شاعر و زندق (وفات) مرویدر که
مکتفی مرض موشده * والله ما ابی الاعلی سبع مائة الف دینار صرفتها من مال المسلمین فی ابنته ما احتجبت الیه
و کنت مستغنیاً عنها الخاف ان اسئل عنها و انی استغفر الله عنها * دیوب بعض بناره صرف ایتدوکی مال حسابندن
خوف کلی اظهار ایدوب * ایکیز طقسان بش ذی القعدة سنده او توز بریا و توز اوچ یاشدقه وفات ایدوب
سکز اوغلی سکز قزی قلوب مدت خلافتی الی ییل ویدی آی ایدی (فصل ثامن عشر در احوال مقتدر
بالله بن المعتضد بالله) اسمی جعفر اقبی مقتدر کنیتی ابو الفضل درایکیز سکسان ابکی رمضانه طوغوب
برادری مکتفی وفاتده اون درت یاشنده ایکن بیعت اولوب اندن اعل بویه آز یاشنده تازه کسنه خلیفه
اولدی درت بش آیدن صکره طقسان الی ربیع الاولنده وزیر عباس بن حسین بونک ایچون او غلامه قدر

دیو خلع ایتمکچون بعض اعیانله اتفاق ایتد کده مقتدر وزیر وافر ماله اسکات ایدوب لکن سائر اکابر
 عبدالله بن المعتز بالله وارب خلافت تکلیف ایتد کدرنده غایت عالم وصالخ اولغین هیچ برکسنه نك
 قانی دو کترایسه قبول ایدرم دید کده اکابر مقتدره سراینده کوی وچوکان اوینارکن هجوم ایدوب
 اودخی قاجوب قیولی قبادوب بوارالقه وزیرایله نیجه لقتل اولوب اکابر ابن المعتزی کتوردوب
 علما و اعیان جمع اولوب بیعت ایدوب لقبی غالب بالله باراضی بالله یا منصف بالله قویوب وزیر وقاضی
 نصب ایدوب اطرافه جلوسنامه ل کوندروب بواننده مجتهدیدن تاریخ مشهوره مؤلفی محمد بن جریر الطبری
 قتنه بی ایتدوب خلیفه وزیر وقاضی اولندر کیدردوب ابن المعتز خلیفه محمد بن داود الجراح وزیر
 ابوالثقی احد بن یعقوب قاضی اولدی دید کدرنده بودوات نیز زوال بولور اکرم زیرا بونلر هربری کامل
 کسنه دردنیایسه کاملره عدو و آفات و محن ایله مملوسه ل پرور و پرکردردیدی * فی الحقیقه همان برکون
 یچنده دهر خوان جله سندن روگردان اولدی (نظم) بکتر جهانک ایشی همان دوش خیالنه *
 اکلا بوسوزی عارف سکن دوش خیالنه (عربی) احلام نوم اوکطل زائل * ان اللیب بمله لایخضع *
 (خلافت ثانیه) مرویدر که ابن معتز جلوسنک ایرتسی مقتدره فلان اوه کو چسون سرایه کیرمک استرم
 دیو خبر کوندروب اودخی فوله دیوب توانی بریره کلوب کوز کوره سلطنتدن فراغت ایتیموب طالعمر
 تجر به ایدلم دیوب سلاحتوب اتفاحله ابن المعتز اولدی اوه هجوم ایدوب (نظم) اذا اقبلت جاءت
 تقادبشعة * وان ادبرت ولت تقد السلاسل * خواصحه حکمت خدا ایله اصلا جنک اولدن
 ابن المعتز ایله توانی قورقوب قاجوب بغداد شهری یغمالتوب قانلر دوکلوب مقتدر کندی عزیل ایدن
 امر اوعلانی طوقوب درت کسنه دن غیر یلری قتل ایدوب ابن المعتزی حبس ایدوب برفاج کوندنصرکه
 بوغردی (محرره) لا تأمن الدهران الدهر خوان * وفاؤه صورة کید وعدوان * بلاطف المرام کرا
 قاصدا حیل * من شره کل من فی الارض حیران (نثر) بعده مقتدر ابوالحسن علی بن محمد القرانی
 وزیر ایدوب اودخی عدالت ایتد کین مقتدر جله امورین اکاتفویض ایدوب کندو تازه اولغین ندما
 وطافقه نسایله لعب واهوه مشغول اولوب خزینه ل تاف ایتدی * سنه من پوره ده مقتدر کافر لری میری
 خدمتله قارندرمیوب طواره بالان ایله بنس و نردیوامی ایتدی * و دخی عبدالله المهدي مغربده پادشاه اولوب
 خلیفه دیگله مذکور اولوب عدل و داد ایله ضبط بلاد و تسخیر عباد ایدوب مهدیه شهرنی یا یوب افریقیه
 پادشاهنی قاجردی * بونار یخده مقتدر تازه اولغین جله مغرب و لایتری آل عباس ضبطندن چیقوب
 سائر عمالک عباسیه به دخی خلل کادی * ایکبوز طغسان طغوزده مقتدر وزیر ابن الفرائی طوقوب اوینی
 یغمالیوب برینه محمد بن عبدالله بن خافانی وزیر ایدوب عادل و متقی اولغین خری منع ایدوب شرعه
 مخالف میره النان ماللردن یلغی بشیوزیک فلور یلک بدعتلر رف ایتدی * او چپوزده دنور شهرنده برطاغ
 بره کجوب التندن وافر صوچیقوب کوی یلر غرق ایتدی * و دخی حیواناتدن فاطر جنسی ابراهیم یغمبر علیه
 السلام زمانتدنبرو طوغر من ایکن بوییده محض حکمت رب قادر ایله بردشی قاتر طوغردی (قصه حسین
 منصور حلاج رحمه الله) تاریخ خلفاده اوچپوز برده شیخ حسین بن منصور الحلاج دوه به بندر یلوب بغداده
 کتور یلوب برانجحه اصولب مسلمانلر بکسنه قرامطه مذهبنه دعوت ایدنلر دندردیوند اولنوب بعده صاغ
 ایکن داردن ایندر یلوب حبس اولندی * سابقا الوهیت دعواسن ایدردیو ولاهوت اشراقه خلل ایتش
 دیردیشایع اولوب توابعنه کاغد یازدجه من النور الشعشعانی دیو یازوب مناظره اولند قده مدعاسنه
 قرآن وحدیث و کتب شرعدن دلیلی بوغیدی دینوب * تاریخ کاملده مذکوردر که خلقه مخالف زمانلرده
 میوه لچقاروب الینی هوا به بوش اوزادوب اوزرنده (قل هو الله احد) دیو یازش ایله آوجی طولی
 کتوروب آدی دراهم القدره قویوب وخلق اولرنده نه ایشلر لسه وقلبلرنده نه وارایسه خبر ویرمکین بیحد
 خلق بوکاکی حاشا اله کائنات وکی ولی صاحب کرامات کیمی ساحر و کاهن کیمی مسخر جندر
 دیو مقتون وکراه و مغبون اولدیلر لکن غایتده عابد و زاهد و صائم الدهر اولوب کیجه صوابه اوج اقمه
 اتکدن غیری نسته یزدی * سراسندن عراقه اندن مکده واروب مجاور اولوب اوچپوز طغوزده بغداده

کله کده وزیر حامدن عباس بونک قتلنه چالشوب علما حضورنده سو یلدوب چاره بولموب عاقبت
 تألیف ایتدوکی برکاتک ایچنده حجه قادر اولیان کسنه اونده بر او طبعی پالک و خالی ایدوب زمان حیده اطرافنده
 طواف و مناسک حیی ادا ایدوب بعده اونوز نفر یتیمه اونده اولان طعاملرک اعلا سندن بدروب بعده
 لباس کیدروب هر برینه بدیشراجه ویرسه حجه وارمش کبی اولور دیمکین * قاضی بغداد اولان ابو عمرو
 بوکادایمک ندرنه کابده کوردک دیوب اودخی حسن بصرینک کاب الاخلاصنده کورددم دیوب قاضی
 اکا * کذب یا مباح الدم سمعناه بمکه و لیس فیه هذا) دیوب بعده جله علما بونک قتلنه محضر شکلی فتوالر
 یازوب من یور حلاج بنم قائم سزه حلال دکلر دینم اسلام مذهبه سندر شرعه موافق کابلرم واردر بنم قائم
 خصوصنده اللهدن قورقور دیوب وزیر فتوالری مقتدره کوندروب قتله اجازت اولد قده یلک دکنک
 اور یلوب ایکی الی ایکی ایانی کسلوب اصلا آدیموب بعده باشی کسلوب کوده سی آتسه یا قلوب کولی
 دجله به صاور یلوب باشی دارا غاجنه اصلدی * بعض معتبر اتده مذکوردر که یلک دکنک اور یلوب بعده
 ایکی ایانی کسلوب بعده بونی اورلد قده کوده سی ایکی ساعتده دلک باشنر طوروب یره دوشیموب باشی
 دخی یرده اوسکنده طوروب فهم اولنر کلمات سو یلکه مشغول اولوب آخر فهم اولنان کلای احد احد
 افضی ایدی و دخی ابتدا قانی یره صاحب دقده اونوز یرده الله لفظی یازلدی * بعض معتبر اتده دخی مرویدر که
 بعده خراسانده کی توانی کور میکچون باشی خراسانه کوندر یلوب احبابی قتل اولنان اودکلر صورتی
 بر حیوانه نقل اولنوب اتی قتل ایتدیلر دیوب بعضر حلاج قرق کوندنصرکه حیات بولور دیوب کیمی
 دخی نهران بولنده کورددم بکا دیدیکه بی ضرب و قتل اولندی دیو ظن ایدن صغر ل کبی اولمکزدیدی
 دیرلردی * مفاتیح الکنوز مؤلفی شیخ ابن عبدالسلام ایدرم مرویدر که حلاج دارا غاجنه نظر ایتد کده وافر
 کولوب بعده شیخ شبلی به باقوب یا بابکر یا نکهده سجاده وارمیدردیوب وارید کده دوشه دیوب دوشه دکه
 اوزرنده ایکی رکعت نماز قیلوب اوکیده فاتحه ایله (ولیلونکم بشی من الخوف والجوع) آیتی ایکنجیده
 فاتحه ایله (کل نفس ذائقة الموت) آیتی اوقویوب بعده وافر نسنه دیوب بعده جلال بونک قارشوسنه
 کجوب یوزینه برطمانجه اوروب یوزن قنادوب بورن قیرد قده شیخ شبلی فریاد ایدوب قفتان برنوب کار
 اولیادن نیجه لرغشی اولوب بعده حلاج بلش اولوک که الله عز و جل بنم قائمی سیزه حلال ایتدی بی قتل
 ایکنز مسلمانلر مهدی بنم قتلدن اهم نسنه یوقدر دیدی * علما انک حالنده کلی اختلاف ایدوب کیمی اکفار
 کیمی تعظیم ایدوب امام غزالی بونک عظیم فضائلن یازوب انا الحق دیدوکی و انک امثالی شرعه مخالف
 کلماتی تاویل ایدوب کمال محبت و شدت وجددن صادر درشاعرنک (شعر) انامن اهوی ومن اهوی انا *
 شخن روحان حللنا بنانا * دیدوکی کیدردیوب * شیخ عبد القادر کیلانی حلاج سورج دی اننه یا پشور کسنه
 بواندی بن اوزمانه یتشمس اولایدم ان آلورددم دیدی دیمشدر (متفرقات در احوال خلیفه و حوادث
 متنوعه) مرویدر که اوچپوز برده رئیس قرامطه اولان ابو سعید ملعون برجامده بر تازه خد متکارنه
 اولاشغین اوغلان اتی بوغازلیوب بعده درت کسنه بی دخی افتدی سنی استردیو بربر راییچر و چاغروب
 بوغازلیوب بشجیده طویلوب طونلوب قتل اولندی * و دخی مغربده پادشاه اولان مهدی طاقفه بربردن
 فرق یلک عسکرایله مصره هجوم ایدوب یلدن کلمکه چاره بولموب اسکندر یه به کاوب انده قتل و فساد
 ایدوب دونوب مقتدر بالله طرفندن عسکر واروب برقه ده وافر جنکار ایتدیلر * بعده بنه بوییده مهدی
 اسکندریه و فیوم شهرلری الوب ضبط ایتدی * اوچپوز ایکنده مقتدر بش اوغلنی وافر یقیرله سفت ایتدروب
 ایتامه لباسلر ایدوروب جمعیه التیوزیک فلوری خرج ایتدی * اوچپوز برده بغدادده زرب آدلو
 بر حیوان پیدا اولوب کیجه طاملرده کزوب بعضی اوغلا شققلری و نیجه خاوندلرک لری یکین خاق قورقوب
 قاجسون دیو طاسلر چالوب برفاج کیجه دنصرکه غائب اولدی * اوچپوز برده صلح ایچون کافر لری ایچیبسی
 کلمکین مقتدر آلیه امر ایدوب حصاردن سرایه دلک یوزالتش یلک نفر من بن و مسلح پیاده و سوار ایکی قول
 صف باغلیوب مرایده درت یلک آق اوج یلک سیاه قول التون و کومش کمر قوشاقلرله ال قاوشدروب
 بدیوز قپو جیلر طوروب سرای دیوارلر بنه اون ایکی بیکی دیبا و سراسردن باقیلری حر بردن اونوز سکنر یلک

پرده اصلوب دیوانخانه لده بکری یکی بیک قالیچه دوشنوب و دخی حرمده زنجیره یوز جانور باغلوب
وسم وزدن براغاج دوزلوب اوزرنده خوب آواز وافر قوشلر قونوب محصل اوقدور زنت وشوکت فراوان
نمایان قیلندیکه ایچیلر حیران اولدیلر * ینه بوییل عیان حاکمندن هدایا کلوب ایچلرنده برسیاه قوش
وارایدیکه قاری و هندی دلارنجه سویلیوب طوطیدن افصح ایدی * اوچیوزالتیده مقتدر والده سنک
یادردیغی بیمارخانه سی اچلوب ییلده ییدی بیک فلوری خرج اولنوردی * ینه بوییلده مقتدر وکله واپرستایی
وخر غفلتله مستلکی سببیله تدبیر امور خلافتیه والده سی و عورتلری قارشوب حتی والده سی برچار به سی
تعمین ایدیکه هر جعه کونی شکایتچی دیکلمک ایچون قاضی وارکان دولته اوتروب عرضحلالر و امرار
اوستنه کندو خطیله ییورلدی مقاصنده بعض امر و نهی و جواب یازردی * ینه بوییلده مغربدن مهدی
کلوب مصرده صعیدر لایتک اکثرین ایدی * و اوچیوز ییلده هوادن بر عظیم بلدز اینوب اوچ پاره اولوب
ضیامی چوغالوب هواده بولت بوغیکن رعده کی آواز ایشلدی (فتن و سخن) اوچیوز سکرزده بغدادده
خط اولوب وزیر حامد تجدد مظالم ایتمکین خلق متالم اولوب قننه ظهورا تیکله شهر یغمانوب عسکر
اتلنوب عوام انلره سوکوب بر قاج کون جنک اولوب عوام زندانی یاقوب آچوب اموال مسلمینی دخی
یغمانوب وزیر طاشلیوب مساهله شاه بی اتباه مغفل ایل احوال دولت عباسیه مختل و مهمل اولدی *
اوچیوز طقوزده سابقا ذکر اولندوخی اوزره منصور حلاج قتل اولندی * اوچیوز اوزنجمادی
الاولی سنده مشرقده طولی ایکی ذراع بریلدز دوشوب * اون ایکیده مقتدر وزیر ابن الفرائی و انک اوغلی
بوغازلوب ابو القاسم خاقانی وزیر ایدی * و دخی خراسان بکی فرغانه شهرنی فتح ایددی * اون اوچده برکون
اختتام زماننده بر بویک یلدز رعده آوازی کی بریول صحبه ایلد دوشوب ضیامی دینی قایدی * اون درنده
کافرلر مسلمانلردن ملاطیبه شهرنی قلع ایلد فتح ایدیلر * و دخی موصلده نهر دجله صافی یوز طوکوب اوزرندن
طوارلر یکدی اوزمانه دل نظیری واقع اولماشدی * و دخی طائفه قرامطه مکده یه توجه ایتدین اهل مک
انلردن قورقوب ولایت حجاز و غیره طاغلوب * اون بشده کافرلر سیماسط شهرنه کیروب ایچنده هر نه واریسه
الوب جامعنده ناقوس یعنی چالچالیدیلر * و دخی طائفه دیلمری و جبال ولایتیه مستولی اولوب نیچه
کسنه لقتل ایدوب وافر اوغلا تخیلر بوغازلیدیلر * اون التیده مقتدر علی بن عیسی برنه استاد خطاطان جهان
اولان ابو علی بن مقله یی وزیر ایدندی * و دخی قرامطه نک رئیس بر او یایوب ادنی دارالهجرة قوددی * اشبو
سته لده قرامطه نک اخذ بلاد و قتل عباد و انواع فسادلردن مسلمانلرک الم و خوفلری مستزاد اولوب ملاعین
بی دین بد آیین چوغالوب اطرافه عسکرلر صالوب خلیفه بی عاجز قونوب نیچه کره عسکرنی صیوب بر قاج ییلده دل
مکده حجاج کتبوب کفار نصاری دخی اخلاط شهرنی محاصره ایدوب بعده جامعندن منبری قالدروب
برینه صلیب یعنی خاج قومق اوزره صلح ایدوب کیدوب مغربده اندلس شهر ینه دخی بویله ایلدیلر * فلاحول
ولا قوه الا بالله العلی العظیم (خلافت نالته) مرویدرکه اوچیوز اوزنیدی محرمنده اوچیوز بیکرمیده
امیر الامرا مونس المظفره خلیفه سنی عزل ایدوب بریکی هارون بن غریبه و بریمک ایستردید کارنده انجمنوب
عسکرنی دخی خلیفه نک خدای امور سلطنته قارشوب اموال کثیره الدقربنه انجمنوب مونس باشه جمع
اولوب انلنوب یانسون زماننده سرایه واروب خلیفه نک خواصی و والده سی و دیزه سی و حرمی قاجوب والده نک
التیوز بیک التونی یغمانوب مقتدر رضا سیه کندوخی عزل ایدوب برادری محمد حبسدن کتور یلوب
امرا اسکایعت ایدوب لقبی قاهر بالله قویوب وزارت ابو علی بن مقله یی و بریمک مالکده نامه لری ایلوب
اوچنی کون قاهر عظیم دیوان ایتد کده مونس بوغیکن عسکر کلوب جالس بخشیدنی ایلد بیللق وظیفه لری
ایستوب غوغا اولوب حاجبی یعنی قیوچی باشی قتل و مونسک او ینه هجوم ایدوب عزل اولنان
مقتدری الوب اموزلرنده کونوروب سرایه کتوروب قاهر طوتلوب الله ایچون بکا قیمکزدیو اغلا یه رق
کتور یلوب مقتدرانی بانه الوب الینی او پوب والله قدراش سنک صوچک یوقدر قورقه دیوب انک والده سی
یاند حرمت و رعایتله حبس ایتدروب مالکنه تکرار نامه لری یلوب کویلو و بعض نسنه لر صالوب
مال جمع ایدوب عسکره مرادرنجه مال فراوان ویردی (بلایا از فساد قرامطه بدحجابا) اوچیوز

اون ییلده یاکرمیده مقتدر مکده امیر حاج ایلد حجاج کوندروب شهره داخل اولد قارنده عرفه دن برکون اول
ابوطاهر قرمطی لعنه الله همان ییدیوز نفر اشقیه الله قضای آسمانی و بلای نا کهانی کبی کلوب حرم کعبه ده
بیک ییدیوز و طشرده اوتوز بیکدن زیاده مسلمان شهید ایدوب مبتلرک کینی زمزم قیوسنه آتوب کینی
حرمده چقور قازدروب طولدروب نسا و صبیانندن دخی اوتوز بیکدن زیاده اسیر ایدوب بودفعه مسلمانلر
اصلاح ایدو مدیلر * طاهر ظاهر الکفر ناپاک کعبه نک اورنوسنی صوبوب عسکر ینه پاره یلوب حجر الاسود
شریفی دیوس ایلد قیروب قویاروب و کعبه قیوسن دخی قویاروب ایکسینی دخی کندو ولایتیه
کتورمک ایچون الوب کعبه نک عتبه جنت مر ینه سنه حقیقوب * انابالله و بالله انا اخلق و افنهم انا
دیو کفر عظیم سویلیوب التون اولوغنی قویارمغه کعبه نک اوستنه بر کسنه چقاردقده باش آشاغه
دوشوب یینی خورد اولوب هلاک اولدی * مکده جله الی کون طوروب بعده حجر الاسود الوب مکدن
حجی ابطال و کندو ولایتیه نقل ایتک اعتقاد باطلیه مسکن کفر معدنی اولان حجر و زنجیه هجر شهرنه ایلتموب
خفیف طاش ایکن یوله التنده قرق دوه دن زیاده هلاک اولدی * بکری ییلدنصکره مطیع لله زماننده ینه
مکده ایلد کده برضعیف و کوترم دوه کونوروب التنده صحت یولوب کوزلنوب سموردی فیله دوندی
بوخصوص حجر مبارک کراماتدن ایدو کنه شبه یوقدر طاهرک کیفیت هلاکی آشاغیده متقی لله
فصلنده کاور (حوادث) مرویدرکه اوچیوز اوزنیدی ذی القعدة سی آخرنده هوادن بر عظیم بلدز
دوشوب عظیم ضیامی ظهور ایددی * ینه بوییلده برکون محکم بل اسوب بغداد شهر ینه غایده قیل قوم
کتوروب حوالیری و اولری طولدردی * ینه بوییلده یاکرمیده بغدادده (عیسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا)
آینی تفسیرنده بعض علماء حنا بله حق تعالی رسولنی عرش برین اوزرنده حاشا کندو یاندیه یله اوتوردروب
سائر علماء مقام محموددن مراد شفاعت عظامدردروب بونلره عوام دخی قارشوب جدال عظیم و قتال
ایله موصل و ارا القده وافر کسنه مقتول اولدی * اون طقوزده قرامطه کوفه یه کلوب اهل بغداد بره دخی
کله لردیو محکم خوف ایدوب معصفر اچلوب اغلاشوب خالق الکمل در کاهنه انکله نوسل واطف خقه
توکل ایدیلر * ینه بوییل طائفه دیلمدینور شهر ینه کیروب خلقک کینی قتل و کینی اسیر ایدیلر (فائده)
مقتدرک اوچ کره خلافتی زماننده وفات ایدن بکار مشاهیر * محمد بن امام داود ظاهری و یوسف بن یعقوب
القاضی و ابن شریح شیخ الشافعیه و حضرت شیخ جنید بغدادی و ابن عثمان الحیری الزاهد و امام نسائی
مؤلف کتاب سنن و حیاتی رئیس معتزله و ابن الحلال شیخ الصوفیه و ابو یعلی صاحب المسند و ابن المنذر
و محمد بن جریر الطبری المجتهد صاحب التاریخ و زجاج شیخ الخواری و خزیمه و محمد بن زکریا الطیب و اخفش
صغیر نحوی و بنان الحال که اولیاء الاهدن ایدی و ابی بکر بن ابی داود و ابن السراج النحوی و ابو عوانه
صاحب الصحیح و امام بغوی مفسر و محدث و کعبی رئیس معتزله و ابو عمر و قاضی بغداد و قداسة الکاتب
و دخی نیچه لرایدی (قصه شهادت) اوچیوز بیکرمیده یاکرمی برده امیر الامرا مونس مقتدره انجمنوب
موصله کیدوب مقتدر انک مالی ضبط ایدوب موصل خلقنه مونسله جنک ایدو سز دیو خبر کوندروب
اودخی وافر عسکر جمع ایدوب و بغداده قصد ایدوب مقتدر دخی عسکرله چیقوب شوالک بکری ییدینی
اربعاء کونی وقت زوالده محکم جنک اولوب مونس طرفندن بر ملعون مقتدره حربه اوروب آتدن
یعقوب قلیله بوغازلیموب باشی کوندره دیکلوب جله لباسی صوبلوب عریان قونوب عورتی اوتلوغله
اورتلوب بعده یاندیغی بری قاز یوب کومدیلر (نظم) منه تاوانی دل اندر جهان * که ناپایداریست
و نامهربان * هران پاره خشتی که در منظر یست * سرکیقبادی و اسکندر یست * هران کل که
در کستانی بود * من عارض دلستانی بود * بجز خون شاهان درین طشت نیست * بجز خاک خوبان درین
دشت نیست (نثر) مدت عمری اوتوز سکر یا اوتوز طقوز ییل اولوب اوچ دفعه ده جله مدت خلافتی
بکری درت ییل و ابی آی اون کون یا اون برای اون درت کون ایدی (انتقام) مرویدرکه قتل ایدن لعین
اوزر ینه خاق چاغر شد قده سرایه واروب سابقا خلیفه اولان قاهری چقارمغه کیدرکن قارشودن بریول
دیکن کلکین برقصاب دکاشه ینه شد قده آتی اورکوب التندن چیقوب کندو سی دکانک یوقاروسنه میخلو

اولان چنگاله صابنوب قلوب فی الحال جان و یردی جیفه کشفه سن اول دیکن یو کیله یاقدر
(لحرره) ظالمک ظلمی بانه قالمز صانعه هر کیشی ایدوکن بولمز (نثر) مقتدر قتلده مونس حاضر
اولامغین باشی اکا ایلدکارنده اغلابوب کندونک یوزینه طبانجه اوروب اسف وندم و اظهار ماتم ایدی
(متفرقات) هر ویدرکه کامل العقل و صحیح الرأی اولوب لکن اهل عشرت و هوا زن دوست و مغلوب
نسا شارب الخمر اسور خلافتده برقصور و تارک النهی و الامی اولوب خزینه ده اولان جواهر و اموال
و تحفک اکثری جاریه لرینه و غیره طاغدوب غایتده مبدور و مسرف و بیت المالی متلف ایدی (لحرره) دیشدر
ایست جله اهل کمال هر ایشده قتی خوشدر راعتدال (نثر) هر ویدرکه جاریه لرندن برینه اوچ مققال
چکر بر در یتیم و یرمشدیکه بهاسی تنون دنیا خراجی ایدی و برینه دخی بر تسبیح انجو و یرمشدیکه مثلی
کور لاشدی غایتده کامران اولوب سر ایشده سائر قوللرندن غیری اون بر بیک طوائفی یعنی خادم
و اریدی هر بیل حجابجه اوچ یوز بیک فلوریدن زیاده خرج ایدوب و هر عرفه کوفی الی بیک قیون
و قرق بیک دوه ایلده صغر قربان ایدردی هر ویدرکه جله تلف ایدوکی ماللر سکز یوز کزد یوز بیک التون اولوب
یکری بیکری بولک حسابجه درت بیک بولک التون اولور و وفات ایدکده اون براوغلی قلوب اوچی علی التوالی
خلیفه اولدیلر که راضی و مقتفی و مطیع در متوکل ایلده هارون الرشیدک دخی اوچراوغلاری و سابقا
بنی امیه دن عبد الملک دخی درت اوغلی خلیفه اولمشدری خلفاده جعفر آدلو همان مقتدر ایلده متوکل
اولوب ایکسی دخی چهارشنبه کجه سنده قتل اولمشدر و مقتدر خلافتده یکد کده صبی اولد یغندن
ایامنده دست خلافت ضعیف اولوب تکرار ایدی که استخلاف اولنوب سنی ضعیف اولغله امری تمام اولوب
و عسکر طائفه می اوزر نه تغلب ایلر ایلده اختلال حاصل اولوب قتل اولنجه بوحال اوزره هر ویدرکه
بحکمة الله اربما کوفی قتل اولدیلر هر ویدرکه مقتدر ایلده صکره کلان خلفاء عباسیه ملوک متغلبه الندن
زبون اولوب مقتفی لامر الله زمانی اواسطده دولت عباسیه کما کان قوت فراوان بولدی (فصل تاسع عشر)
در احوال قاهر بالله بن المعتض بالله بن الموفق بالله) اسمی محمد لقبی قاهر کنیتی ابو منصور ایدی سابقا
مقتدر بالله خلع اولد قنده قاهر اوچ کون خلیفه اولوب بعده خلق بونی خلع و رفع و مقتدری تکرار نصب
ایدکارنده قاهر و والده می یاتده رعایت طریقه له حبس اولنوب اوچ یوز بیکریمیده یا بکری برده مقتدر
قتل اولد قنده قاهر و محمد بن المکتفی بی خلقی کنور و بخت خلافتی ابن المکتفی به تکلیف ایدوب او دخی عم
بدن احقر دیمکن قاهر بیعت اولندی (وقایع) ابتدا مقتدرک توابعنه و اهل بیتنه عذاب ایدوب
ماللر بن الوب مقتدرک و والده سنی محکم دوکوب عذابله هلاک ایدی اوچ یوز بیکری برده عسکر قاهر هجوم
ایدوب وزیر ابن مقله و امیر الامرا مونس و غیره یار بونی عزل و برینه ابن مکتفی بی نصب ایتمک تدارکنده ایکن
حیله ایلده مونس و غیره لر دخی جله طوقوب بوغاز لوب ابن المکتفی بی ایکی دیوار اور تاسنه قویوب اراسی
سد ایدوب ابن مقله بی عزل ایتمک کینز لوب اوی آتسه یا قلوب مقتدرک اولری یغما لوب بعده قاهر عسکره
وظیفه لر بن ویروب ساکن اولد قنده جله خلقی ایدن قورقوب قاهر بالله المنتقم من اعداء دین الله دیوایق
قویوب سکده دخی بویه نقش ایدیلر کندوسی دایما شرب خمر و استماع ساز و سوز ایدرکن شرابه یساغ
ایدوب سازلی قیردوب مغنیلری دوکوب منع ایدوب ساده رولری شهر دن سوروب زمانده سازنده جاریه لر
صنعتسز در دیوایق بیوردی اوچ یوز بیکری ایکیده اول ملوک دیالده اولان علی بن بویه قاهرک
سردار ایلده جله ایدوب سردار صیدوب علی فارس و خراسان ولایتلر بن ضبط ایدی و دخی قاهر قبل الخلافه
صانون آتانی ایدوکی جاریه بی بهامن ارتوب الان امیر امحاق اسمعیلی که قاهرک خلیفه اولسنه سعی
ایتمدی قاهرانی قتلده کی کینه دیرینه می اوزره طوقوب باش آشاغه قیویه آتوب اغزنی سدا ایدردی
(خلع و حبس) بنه اوچ یوز بیکری ایکیده مقدما کینز ابن مقله نک فخر و فخر بیکله عسکر قاهره
انجوب جمادی الاخره التیسنده وقت صحرده جله می آتلوب سرایه واروب قاهر سرخوش و بهوش باقوب
کوش طوغارکن او باندرد قنده او باغیوب وزیر ایلده خاقانلری قاچوب بعض عسکر ریان قبله لر
کیدکارنده او باقوب قلمن الینه الوب جام طامنه قاچوب کینز لوب بعده خدمتکارلرینه جبار اولد قنده

دیو و یروب وارد قلدنده آشاغه ایتمک عتاد ایتمکین کل این یوخسه اوقاقوب سنی هلال ایدر دزدکارنده
ناچار اینوب بوطرفه اعیان شهر محمد بن المقتدری حیدر بن جیه ساروب خلیفه ایدوب لقبی راضی بالله
قویوب قاهره اختیارکله فراغت ایلد دزدکارنده عتادا ایتمکین کوزینه قیزمش میل چکلوب اعی اولد قنده
حبس اولندی (لحرره) اولان دیر ایست مقبول خلقه صقین میل ایتمه عتف و سوء خلقه
(ذات و قهر و وفات) اون بر بیل محبوس اولوب بعده جقار یلوب یوللرده دینجی اولوب بعده مسکفی بالله
تکرار بونی حبس ایدوب اوچ یوز او تو ز طقوز جمادی الاولی سنده الی اوچ یازنده وفات ایدوب
مدت خلافتی بر بیل و الی آی ویدی یا سکز کون ایدی (متفرقات) هر ویدرکه عبد الصمد ابو القاسم
ابو الفضل عبد العزیز آدلو اوغلاری و اریدی زمان خلافتده وفات ایدن کار مشاهیر امام طحاوی
شیخ الحنفیه که قاهرک خواجه می ایدی و ابن درید شیخ العربیه و فربری راوی البخاری و ابو هاشم بن الجبائی
رئیس المعتزله و دخی به خضر هر ویدرکه قاهره قهرور جبار مغرور خبیث و ظلم سیرت حقوق و حدود و سیرت
هر حالده متلون و شرب خمر مدمن الیم و بی رحم و روی ترش خوئی سزا وار فخر اولوب حاجی سلامه
معقول فهم کسنه اولسنه اکثر نامی هلال ایدردی قاهر کندوسی دایما النده بر حربه طوقوب انکله بر آدم قتل
ایتمیخه بر قومزدی هر ویدرکه زمان خلافتده امیر مونس له توابعندن عظیم مال الوب عزل اولد قنده
نجه اشکجه اولوب اقرار ایتوب عاقبت راضی بالله انک یوزینه کولوب لطفله سو یلتمک دیلد کده خلیفه
ایکن انواع صنعت وزینتله بنا ایدوکی بستان شبیه الجنان ایچون انده کومدم لکن شمیدی بن اعی به نه یرده
ایدوکی بیلم تشخیصده ایده م بعض لر بی قازوب یوقلا کوز دیوب راضی دخی او باغیجه غایت محبت
ایدوب دایما انکله اکا وورکن حب مال جله دن زیاده اولغین عباد فینه بونده میکی اولنده میکی دیو تدر بجه
اغاجلری کسوب دیلری قازدیروب کوشکر بناسن دخی بیقوب ارادوب بولقیوب قاهره تکرار
صورد قنده مال یوغ ایدی لکن باغیجه به حسد مدن فکر ایدوب بیقدر مغه بهانه ایدم دیمکن راضی
بمحض و اولوب حبس ایدوب اون بر بیلدن صکره چقاروب خوار و حقیر کزوب چار سولرده دینجیلک
ایدردی خلق دخی سومد کارندن نسنه تصدق ایتلردی مستکفی بالله خلیفه ایکن بونی تکرار حبس ایدوب
انده وفات ایدی (فصل عشرون در احوال راضی بالله بن المقتدر بالله) اسمی محمد لقبی راضی کنیتی
ابو العباس ایدی ایکیموز طقسان بیدیده طوغوب قاهره باغز کونه قد تحیف و اوزون یوزلو ایدی اوچ یوز
یکری ایکی جمادی الاخره سنده قاهر خاخ اولد قنده بیعت اولندی (وقایع زمان خلافت او) هر ویدرکه
ابن مقله بی وزیر ایدوب قاهرک عیونی بازوب خلقه او قومی بیوردی سنه من بوره ده سابقا خروج ایدن
طائفه دیالده نک رئیس لری من داوچ اصفهانده وفات ایدی عسکری غایت چو غالمغین بغداده کلک ایستوب
مجو سیمله معین اولوب بن دولت طائفه عربی ازاله و دوات عجمی اعاده ایدرم دیو شایع ایدی بنه بویل علی
ابن بویه ضبط ایدوکی ممالکندن خلیفه به هر بیل سکز کزد یوز بیک ایچه کوندر که تعهد ایدوب خلیفه دخی
اکا سنجاق و خلعت کوندروب بعده ابن بویه خلف وعد و تسویف و تعویق ایلده نقض عهد ایدی بنه
بو بیل ابن ابی العز محمد بن علی الشلمغانی ظهور ایدیکه حاشا الوهیت و احیاء موتی دعوی ایدوب حلول
و تناسخ و بعض منکرات و ترک جمیع عبادات اوزره بر مذهب کفر مشرب واجب المهر بیدا ایتمکین ابن مقله
انی طوقوب علما فتوایله انی و توابعنی قتل و صلب ایدردی سنه من بوره دن بش بیلدک فرامطه خوفندن
بغداددن مکده حجاج کتیبوب بوللر قیاندی اوچ یوز بیکری اوچده خلیفه قوت بولوب ایکی اوغلاری
ابو الفضل ایلده ابو جعفری شرق و غرب ولایتلرینه حاکم ایلدی بوسنه جمادی الاولی سنده بغدادده عظیم یل
اسوب ا یکندودن اخشامه دله و احوال محکم قراردی ذی القعدة ده کولک یوزنده بر کجه صبا حده دله غایتده
وافر بیلد زردشوب اوزمانه دله نظیری واقع اولما مشدی بنه بویلده خلیفه واسطدن محمد بن رابق
کتور دوب و زارنی ابطال و جله امور بن اکاتفو رض ایدوب بغدادده نوا حید سنده حکم ایدوب بصره
را بک قاسمیه عماد الدوله ابن بویه نک اصفهان انک برادری رکن الدوله نک موصل و دیار بکر شهر لری ربیع
و مضربیل لری بنی جمدانک مصر و شام اخشید محمد بن طوغجک مغرب وافر یقیه فاطمه میوندن قائمک اندلس

عبد الرحمن الناصر له خراسان وما وراء النهر نصر بن احمد سامان بنك طبرستان جرجان ديلمه نك بجرین وعباسه
 بو طاهر قمر مینك اللرنده اولوب خلیفه آل عباس النده همان بغدادله نواحیسی قالدی بکرمی درنده
 ابن رایتی جمیع امور خلافتی مستهلا کوروب اطرافده مال جله اکا کتور یلوب خلیفه تصرفدن قالدی سنه
 من بوره ربیع الاولی نصفه و شوالی نصفه آیه جله بنون طوتلدی بکرمی بشده امور خلافت مختل اولوب
 هلال عباسیه خارجیه لرو متغلبه عاملار اللرنده قلوب خلیفه ضبطنده همان بغداد نواحیسی قلوب اکادخی
 ابن رایتی مسلط ایدی بوضع بنی امیه دن مغربده اندلس بادشاهی امیر عبدالرحمن ایشیدوب امیر المؤمنین
 ناصر لدین الله دیو کندویه لقب قویوب عدل و داد ایلد فتنه وضبط بلاد و قهر و کسر متغلبه ذوی العناد
 ایدوب بتمش عدد حصار فتح ایدی اوزمانده دیناده امیر المؤمنین لقبیه مذکور و مشهور اوچ بادشاه
 واریدیکه بغدادده راضی بالله اندلسده امیر عبدالرحمن قیروانده مهدی ایدی بکرمی التیده وزیرا بن مقله
 خلیفه به ابن رایتی طوت دیدکده ابن رایتی خبر المغین وزیر ی طوتوب حبس ایدوب بعده حصاروب
 صاغ الن کسوب بعده کسلان الله قلم باغلاب بازو یازوب دائما ابن رایتیه و خلیفه به بددعا ایدو کنی
 ایشند کده دینی دخی کسوب حبس ایدوب قتل و ذلت ایلد وفات ایتد کده همان او برده دفن اولوب
 صکره توابعی حصاروب و بربر اندن بریده دخی دفن ایتد یلر اوچ بادشاهه وزیرا ولوب اوچ کره سفر ایدوب
 اوچ برده دفن اولندی بوقصه غرابندوز * ینه بکرمی بدیده امرادن بحکم الترمکی ابن رایتی اوزر ینه عسکر
 چکد کده ابن رایتی قاجوب کیزلنوب بحکم بغدادده کوروب خلیفه اکا کرام و بغداد و خراسانده امیر الامرا
 ایدوب جمیع امور سلطنتی او کوروب خلیفه آت ملا حظه اولدی بکرمی بدیده ابو طاهر قمر مطی به بردوسی
 خبر کوندروب هر دوه باشنه بش التون باج و یرمکه حجاجه اجازت الیو یردی او بیله دل حجاجدن باج
 التزدی بکرمی سکزده دجله اون طقوز ذراع قاقوب طاشوب بغدادله اولر بن بیقوب آدم و حیواندن بیدر
 جان غرق اولدی (مترقات) مرویدر که راضی بالله سخی و کریم و عالم و شاعر و فصیح و محب علما اولوب
 صاحب اشعار و تدبیر امور عسکر ایلد منفرد اولان و جمعه کونی خطبه بی بالذات او قویان و ندما ایلد
 او توران خلفاء ذوی المفاخر له آخریدر انعام و احسان موفوری و سائر امور خلفاء ماضیه ترتیبی اوزره
 ایدی مرویدر که راضی زمانده علماء حنابله غایت عزت بولوب حتی امرا و ارکان دولت اولر ینه کوروب
 مسکراتن سنه کورسه لظرفی قیرو ب بیع و شراده دخی سائر خلقه حواله اولمشلردی و راضی زمانده
 وفات ایدن کبار مشاهیر * شیخ خیر النسیاج و شیخ ابو علی رودباری و نفطویه الخوی که اعمی ابراهیمدر
 و ابن مجاهد المقری و ابن کاس الحنفی و ابن ابی حاتم الرازی مؤلف تفسیر و توارخ و ابن عبدربه مؤلف کتاب
 العقد در علم محاضرات و وزیرا بن مقله و اضطرخی شیخ الشافعی و ابو بکر بن الانباری الخوی و دخی نیجه ل
 ایدی (وفات) او چیوز بکرمی طقوزده راضی کثرت جماعتدن بر قاج کون خسته اولوب بعده فان
 قوصوب ربیع الاخرده او تواریکی باشند وفات ایدوب مدت خلافتی الی بیل اون کون ایدی تاریخ ابن
 شهنه ده مرض استقادن وفات ایدی دیومذ کورد (فصل حادی و عشرون در احوال متقی لله بن
 المقتدر بالله) اعمی ابراهیم کنتی ابواصحاق ایدی ایکیز طقسان بدیده پدری اون بش باشند ایکن
 طوغشدر راضی وفاتده او تو زدرت باشند خلیفه اولوب آق بکزلو کوزل بوزلو شولا کوزلوصیق صقالو
 ایدی (مناقب) عابد و صالح و زاهد و مفلح و اکبر باصوم و تجمد و تلاوت قرآن ایدوب اصلا مسکراتدن بر سنه
 اجمعیوب آنکچون متقی لله دیو لقب قوندی خلیفه اولد کده اولکی حالتدن بر سنه تغییر و زیاده ایتوب
 اولکی جاریه سیله قناعت ایدوب معصیت نیر یفدن غیر مصاحب ایتیم دیر ایدی (وفایع) سابقا
 بغداددن غیر مالک هر بری بر خارجی و متغلب ضبطنه کیرمکن قوت خلافت عباسیه ضعف و انکسار
 بولوب بغداددن غیر یردن اصلا مال کزدی طاعت و عبادنه مشغول اولغین امور سلطنته امیر بحکم تصرف
 و بحکم ایدوب انک کاتبی وزیر مامنده اولدی * اولکی سنه ده تاج بغداد دیکله مشهور ناس و اثر عظیم
 آل عباس اولان بشل قبه نك باشی بر یغموری و بیلدرملی کجه ده بیقلدیکه من بورقه منصور خلیفه
 ایتد انهر بغدادی باید کده یلر یا بیلدی ارتفاعی سکان ذراع و اشاغیسی طول و عرضده بکرمی مشر ذراع

ایوان بحکم بنیان اولوب قبه به علم برنده اتلو آدم صورتی واریدیکه النده جد اعمی اولوب هر نه طرفدن عدو
 ظهور ایدو چک ایتسه او طرفه دو نر ایدی طلسمه قونوب نوادر دینادن ایدی * ینه بو بیل امیر بحکم ترکی قتل
 اولوب خلیفه کورتکن الدیلمی بی امیر الامرا ایدوب بحکم بکرمی کره یوز بیک التون قنندن زیاده انواع
 مان الی * سابقا ابن رایتی قاجد کده شامه واروب انده حاکم اولوب اشبو بیل بغدادده کلوب کورتکینه
 جنک ایدوب کورتکین صینوب کیزلنوب ابن رایتی خلیفه امیر الامرا ایدی * او چیوز او تو زده بغدادده
 اوزمانده دل اصلا مثلی واقع اولماش بر خط عظیم اولوب حیوان و انسان مبتلری اکل اولندی (فتن و محن)
 سنه من بوره ده علی بن محمد الیزیدی خروج ایدوب خلیفه ایلد ابن رایتی انکله چکنه چیقوب ایکسی دخی
 صینوب قاجوب بغداد شهر ی و خلیفه سمرانی یغمانوب خلیفه بغدادده ایک منزل برده قصه * کر ینه
 واروب ناصر الدوله ابن جدانی و برادری سیف الدوله بی انده بولوب ابن رایتی قتل اولوب خلیفه ناصری
 امیر الامرا ایدوب سیفه دخی خلعت کیدروب اوچی اتفاقله بغدادده کلوب بزیدی واسطه شهر نه قاجدی *
 ینه بو بیل بزیدی بغدادده تکرار هجوم ایدوب خلق مضطرب اولوب خلیفه ناصر ایلد چیقوب سیفی
 عسکر ایلد قارشو کوندروب مداین شهر نده عظیم صواش اولوب بزیدی صینوب واسطه قاجوب سیف اردنه
 دوشوب بزیدی بصره به قاجدی * او تو زده کافر لاریار بکر قرینده ارزن و میافارقین و نصیبین شهر لر ینه
 کلوب مسلمانلری قتل و اسیر ایدوب بعده خلیفه به شهرها کلساسنده حضرت عیسی مبارک یوزنی سیلوب
 صوزنی انده نقش اولوب قیلان مقرمه بی بزه و یرسکر مسلمانلردن اون بیک اسیر و یره لم دیو خبر کوندر کده
 خلیفه علمایه طانشوب جائز کورد کارنده مقرمه بی کوندروب او قدر اسیر قورتلدی * ینه بو بیل شهر
 واسطه امر اسیف الدوله به هجوم ایدوب سیف بغدادده کامکیچون بریه به قاجوب امیر توزون دخی بغدادده
 عزم ایتد کده سیف موصله قاجوب توزون رمضانده کلوب خلیفه اکا خلعت کیدروب امیر الامرا
 ایدی بعده انجشد کارنده توزون واسطدن کاتبی شیرزادی کوندروب بغدادده کلد کده حکومت ایدوب
 حتی جدی آدلو حرامی به هر آی بکرمی بش بیک التون * کسم ایلد خرسز لغه اذن و یروب اودخی
 مشعله لرله مو ملرله کجه اولر باصوب مالار الوردی خلیفه ناصری موصلدن چاغردوب عسکر عظیمه
 کلد کده شیرزاد کیزلنوب خلیفه اهل و عیالیه تکر ینه کیدوب ناصر اعراب و اکراددن عسکر و افرا ایلد
 واسطه توزون اوستنه واروب جنکده ناصر صینوب خلیفه ایلد موصله قاجوب بعده تکرار صواشوب
 ینه ناصر صینوب خلیفه ایلد نصیبینه قاجوب خلیفه مصر حاکی اخشیده بکا معاونته کله سن دیو خبر
 کوندروب ناصر خلیفه دن نوعا بیزار اولغی خلیفه مشاهده ایتد کده توزون ایلد صلحه خبر کوندروب اودخی
 رضایر و بروب بحکم عینلر ایدی (غدر و مکر) بعده اخشیده مصر دن کلوب رقه شهر نده خلیفه به بولاشوب
 یا امیر المؤمنین بن سنک قولوا و علی قولو کم اترال نابالغ غدار و مکار اید کار بن یلور سن شر و شر و مکر
 و ضرر لرندن حذر ایچون کل بزمله شامه مصره کیدوب انده ساکن و بلاردن آمن و مطمئن اول دیدکده
 * اذا جاء القدر عی البصر مفه و منه مظهر اوله جفی مقدر و مقرر اولغین کتمک ایستیموب اخشیده مصره
 خلیفه بغدادده کیدوب یولده توزون ملعون ناموزون او تو زواج محرم نك یا صفر نك بکرمی کونی قارشو
 کلوب اتدن آتوب براوبوب خلیفه اکا آتیه بین دیوب توزون بنجیوب خلیفه نك او کجه بیان یوزوب خلیفه بی
 مقدما آنکچون کند و طر فندن قورد و غنی چادره ایتد کده خلیفه بی طوتوب کوز ینه آتنده قیزمش میل
 چکوب خلیفه و خاتونلری فریاد ایدوب اکن توزون ایشد لمامک ایچون اوتاق اطرافنده طبل و سورنا
 چالدردی بعده خواص خلافت اولان برده حضرت رسول و خاتم وقضی الکوب متقی بی بغدادده ایلدوب
 مستکفی بی مجلسه کتوروب خلافته بیعت ایدوب متقی بی شهر دن چقاروب بر برده حبس ایدوب بکرمی بش
 بیلدر کده حبسده وفات ایدی مدت خلافتی اوچ بیل آتی آی ایدی * مرویدر که مقدما اعمی اولان
 قاهر بالله متقی نك اعمی اولدوغنی ایشد کده بر ایکن ایکن اولدق او چنجه محتاجز دیوب فی الحقیقه
 (مصرع) الشی لا یثنی الا وقد ثلث * مفه و منجه مستکفی بالله دخی میل حکم کله اعمی اولدی (ان فی ذلک
 لعیبه لاولی الابصار (فصل ثانی و عشرون در احوال مستکفی بالله بن المکتفی بالله بن المعتضد بالله)

اسمی عبدالله لقبی مستکنی کنیتی ابوالقاسم ایدی او چو زو او تو زو صفرنده قرق بش یاشنده متقی یرینه بیعت اولوب شیعه مذهبنه مائل ایدی (وقایع) او تو زو درنده تو زون ملعون ناموزون صرع مر ضندن هلاک اولوب کاتبی شیرزاد امیرالامرا اولمغیچون عسکرله اتفاقلاشد قدیمه مستکنی اکاخلمت کیدروب بعدملوک دیلدن احمد بن بویه اوازندن بغدادده صورتا خلیفه اذنیله حقیقتده تغلبه کاوب شیرزاد کیزلر خلیفه احمد خلعت کیدروب اکامه زالدوله بر برادری علی به عمادالدوله او بر برادری حسنه رکن الدوله کندویه امام الحق دیولقب قویوب بوجله بی سکه به ضرب ایدردی بعده معزک دولتی قوت بولوب خلیفه بی تدبیر امور سلطنتدن بالکلیه منع وهر کونده همان بش بیک آنچه خرج خلق تعیین ایدی ملوک دیلدن ولایت عراقه ابتدا مالک اولان بودر کرمان شهرنده بر جنکده برالی کسلمشدی (خلع و ظلم عظیم) او تو زو درت جمادی الاخره سنده معز خلیفه دن وهم ایتمکین خلیفه نک یانته واروب دیلدن ایکی کس سنه ال او پک ایستیوب خلیفه الی اوزات قدیمه طو یوب تختندن آشاعه چکوب دایندنی بوغازینه طاقوب اهل دیوان ایچنده فریاد وولوله اولوب معزک توابعی سرایک درون و بیرونده هر نه وارایسه جله بعمه سالیوب معز مذل خلیفه بی بیان سوروب کندو سراینه وارد قدیمه کوزینه قیزمش میل چکوب فضل بن المقتدری کتوردوب خلیفه ایدوب لقبی مطیع لله قویوب مستکنی حبس اولوب او تو زو سکرده قرق الی یاشنده وفات ایدی مدت خلافتی بریل درت آی ایدی (عبرت) معلوم اوله که بغدادده کوزینه میل چکوب اعمی اولوب عزل واهانت اولمش اوج خلیفه حیاته جمع اولدیلر که قاهر بالله و متقی لله و مستکنی بالله در بوقصه پر غصه غرابت حصه دنیای عیدم البقا و سربع الفنا و ذریع العنانک غدار غراری و فقاومکار طرار پر جفا و دار محنت مدار مسلوب الصفا اولوب ما واء لا و و متوا بولوا ایدوکنه مانند شمس تابان دایل و برهان واضح البیان اولوب اصحاب عز و جاه و رفعتیه موجب عبرت و ناصح عظیم الموعظتدر (نظم) هر ذره که در هوا و درها مونسست * کینسر وکی قباد وافرید و نوست * از خیره کشی که کردش کرد و نوست * این عالم خالک نیست طشت خون است (فصل ثالث و عشرون در احوال مطیع لله بن المقتدر بالله) اسمی فضل لقبی مطیع کنیتی ابوالقاسم اولوب او چو زو برده طوغشندی او چو زو او تو زو درت جمادی الاخره سنده مستکنی یرینه بیعت اولوب معزالدوله نوکا کونده بو زو فلوری خرج خلق تعیین و تصرف امور خلافتدن بونی دخی منع ایدوب جمیع ولایت عراقی کندو توابعی ضبط ایدیلر (وقایع عجیبه متنوعه) هر و بدیر که ینه بویه ییلده بغدادده عظیم خط اولوب نیچه کسنه لر جیفه لر و طوار لر زن کن بیوب بولارده اجلتدن وفات ایدنلری کابلر بیوب بر قاج دانه افکه عمارلر صاندلی * ینه بویه ییلده ناصرالدوله بن جدانله معزالدوله اراسنه عداوت دوشوب ناصر من رای شهرندن عسکر چکوب معزایله مرارا صواشوب عاقبت صلح اولدیلر * ینه بویه ییل مصر حاکی اخشید محمد بن طوغوج وفات ایدی اخشید لفظی ترکستانده شهر فرغانه پادشاهلر ینه لقبی اولوب ملک الملوک دیمک ایش و دخی مغرب پادشاهی قائم بامر الله وفات ایدی * بعض معتبرانده مذکوردر که مطیع لله زمانده مصرده عظیم زلزله اولوب بر قاج آیه دلن سکر را و لغین ولایت مصرده اوسیددن نیچه شهر لر خراب اولوب خلق عمرالده ساکن اولدیلر و دخی بغدادده هوادن بر بطمان آغراخی طاشلر یاغوب وافر آدم و حیوان هلاک ایدی و دخی مصرده عظیم احراق واقع اولوب دکانلردن ماعدایک یدربوز عدد او یانوب کافور اخشیدی آنشی سوند رکه بردستی صو کتورنه بر آنچه دیوندا ایدروب اون درت ینه فلور بک صو کتوردیلر * او چو زو او تو زو بشده معزالدوله خلیفه به تصرف امور اذن و برور اوزرندن حواله بی فالدروب خلفا سراینه کوندروب ارالزنده عهد و پیمان و نیچه ایمان اولدی * او تو زو یدیده دجله بکری بر ذراع طاشوب بغدادلدا اکثری غرق ایدی * طائفه قرامطه سابقا ساجر الاسود مبارکی کعبه دن قویاروب ولایتلر ینه ایلمکین امیر بحکم الترمک ایلر الله الی بیک فلوری و یروب المتی ایستد کده و یرمیوب بر آئی امر له الدق ینه امر اولمغیچو یرمز زدیشاردی * او چو زو او تو زو طوقه زده مسلمانلرله انی مفت و یرد کارنده مکده ایلد بلوب عید اضی کونی یرینه قوند قدیمه اوج بیک یدیبوز طوقه سان یدی درهم کومش ایلد اطرافی ینه اولندی * قرق برده تمام خلیفه دن بر طائفه ظهور ایدوب ایچلرندن بر تازمیکت حضرت عینک روحی بکا

خاقانی حضرت فاطمه نک روحی خاقوغه حلول ایتدی بری دخی بن جبرائیل دیمکین طو یوب دو کاوب معز الدوله شیعی او لغین قویوب یردی * سنه من بوردده منصور بالله الفاطمی مغربده وفات ایتدی اوغلی معز لدین الله پادشاه اولدی * قرق او جده خراسان حاکی خلیفه نامنه خطبه اوقیوب خلیفه ایشدوب اکاخلمت و سنجاق کوندردی قرق درنده مصرده عظیم زلزله اولوب اولر بیلقوب اوج ساعت طوروب جله خلق صحرا به حقیقه و تبصرع و دعا لر ایتدیلر (امور مدهشه) تاریخ الخلافه مذکوردر که قرق التیده در یاسکسان ذراع آشاعه اینوب نیچه طاغلو و جزیره و کور لمامش عجایب ظهور ایتدی و عجمه دری شهرنده و نواحد سنده عظیم زلزله اولوب یوز الی عدد شهر طالقان جله خلیفه یره چکوب همان او تو زو کسنه قورتلدی و جله ولایت یدیه یوز الی عدد قریه یره چکوب حلوان شهر نه اولاشوب انک دخی اکثری یره بکدی و یرالندن میتلرک کوکری و دخی نه وارایسه طشره حقیقه و بیکار لر ظاهر اولوب ینه یرده بر طایغ باره لثوب و دخی بر قریه جله ایچنده اولنلرله یرله کولک اراسنده صبا حدن او یله وقتنه دل معاق طوروب بعده آشاعه اینوب یره بکدی و دخی یربوزی جابجایا تلایوب ایچندن بد رایحه لوی بیکار لر و دخی لر جیقیدی * و ینه قم و حلوان و جبال شهر لر زنده و ولا یتلر زنده اولوب نیچه کسنه لر هلاک اولدی و دخی چکر که کاوب دنیای بوروب مز رعه لر و اغا جله او شوب یدیلر * و قرق طقوزده مصر جابجای مکدن دو نو ب مصره کیدر کن بر وادیده کیجه عظیم سیل کاوب جله سنی احوال و ائقال و طوار لر یله سوروب در یایه غرق ایتدی (وقایع متنوعه) ینه قرق طقوزده ما وراء النهر ده کفار تر کدن ایکیز بیک خرگاه خلقی ایلد ایمانه کاوب جله مال و طوار لر یله کو چوب دار اسلامه کدیلر لله الحمد و المنه * او چو زو ایلده معزالدوله بغدادده بر عظیم سرای یایوب اساسک عتی او تو زو طولی الی ذراع ایدی * الی ایکیده معز عاشورا کونی خلق دکانلری قیایوب طائفه زنان صاحبین چوزوب یولرده فریاد کان فوجه زنان ماتم حضرت حسین عالدشان ایچون کرک فرمان ایتدی * بو بدعتی ابتدا معز ید ایدوب ایکی بیلد نصره ترک اولندی * ماه ذی الحجه نک اون ایکینی کونی ررافض عاد تنجه یوم غدیر برامن ایدوب طبل و سورنا چالدردی * سنه من بوردده ولایت ارمن راهی ناصرالدوله بن جدانله بکری بش یاشنده ایکی کسنه کوندردی که قدرت حقه انالزندن بر یرینه متصل طوغش اولوب اوقات جوع و عطش لر بر ابر اولمغین کسوب بری برندن آیرمق ممکن اولیوب بری زندوست بری جواندوست ایدی اتفاق بری وفات ایدوب اطبا کسمکه چاره بولیموب عاقبت میتن رایحه سندن صاع اولان قزندانی خسته اولوب او دخی وفات ایتدی * الی او جده سابقا کوزینه میل چکوب اعمی اولان قاهر بالله وفات ایدی * ینه بویه ییل سیف الدوله ایچون عود نک طولی الی ذراع مثلی نادر بر عظیم چادر یددا ایتدیلر * الی درنده کفار روم پادشاهی مسلمینی غارتنه یقین اولمغیچون قیساریه شهر نه بنا یایوب وانی تختگاه ایدوب بعده مصیصه و طرسوس شهر لر بن الواب ایکینک ایکیز بیک قدر خاقنک کینی اسیر کینی قتل ایدوب بعده انطاکیه بی دخی الی * الی التیده معز وفات ایدوب یرینه اوغلی بختیار پادشاه اولوب خلیفه اکا عز الدوله دیولقب قودی * الی یدیده قرامطه دمشق شامی آوب شام و مصر دن مکده حجاج کتیبوب مصری دخی المتی دیلده کده مغربدن معز لدین الله کاوب مصری الوب ضبط ایتدی دنیای ملوک روافض قیلا یوب مغربله مصرده فاطمه یون عراقده دلیون حکم ایدلردی * الی طقوزده یا التمشده عراقده بر کیجه صیحه رعد کبی محکم صدا ایلد بر عظیم یلدر دوشوب کوش کبی ضیامی دنیای طوتدی * التمشده مطیع مغلوج اولوب دیل اغرلنوب آکن مرضی اخفا و التمش او جده اظهار ایتدی * التمش ایکیده بختیار خلیفه دن ظالمه مال ایستیوب اودخی نسنه یوم قدر خطبه ده بر نام قالدی دیلر سه خلافتدن دخی فراغت ایدیم دیوب بختیار تکرار اقدام ایتد کده خلیفه اسبابلر بن صایوب بختیاره در تیه و زیک انجه یردی * سنه من بوردده بغدادده اعوان دیلیدن بری قتل اولند قدیمه وزیر ابوالفضل شهره آتش بر اقدروب عظیم احراق واقع اولوب اولرده و حاکم برده وافر مسلمانلر یانوب مال فراوان تلف اولوب ینه بویه ییل وزیر خبیت دخی وفات ایتدی * التمش او جده خلیفه علمادن ابوالحسن محمد الهاشمی بی کلی ابرام و الحاح ایلد قاضی القضاة ایدوب کندویه اصلا وظیفه و یرلیوب خلعت کیدر لیوب شرعه مخالف شفاعت اولمغیوب کاتبه هر آی

او چيز حاجت به نوزاللي قسامنه يوز حافظ سجلا ته و محضره التيز فلوري و يرك شرط ايتمكين خليفه
 جله شنه رضا و يرميو قاضيتك مدح و ثناسني و بعض اموري مفصلا بيان ايد بر رات يازلدی * خلفاء
 آل عباس بر فاضل و متدين منلاي قاضي القضاة نصب ايند كده جميع مالان عباسيه به قاضيلر نصب و عزل
 اينك اكامفوض اولوب اصلا خليفه و غير يلى اكا قار شيردى (قائده) بونك خلافتنده وفات ايدن كار
 مشاهير * حرق شيخ الخنابله و شيخ شبل و حكيم ابو نصر فارابي و امام كرخي شيخ الحنفية و دينوري و قاضي تسوخي
 و ابو عمر و الزاهد و مسعودي مؤلف مروج الذهب و ابو بكر النقاش مؤلف تفسير و ابن درستويه و ابو الطيب
 المتنبى الشاعر المشهور و ابن حبان صاحب المسند و ابو الفرج اصفهاني مؤلف كتاب اغاني كه اللى بيلده
 تأليف ايندى و دى نجه زايدي (فراغ و وفات) او چيز التمش اوج ذى الجله سنده خليفه مقدم مامبتلا
 اولد ينى مرض فالج ارغفين حركدن قالوب دى دى محكم اغراند قدده ناچار اظهار ايدوب بختيارك
 حاجي سبكتكين تلقينيله خلافتي حسن رضاسيله ياسايقا بختيار اهواز كيدوب قائمقامي اولان
 سبكتكين بختيارك سراي نغماليوب خليفه به جبرا اوغلي طابع الله فراغت ايندر مكله طابعه بيعت
 اولد قدده بعد الفراغ مطيع لله شيخ فاضل دينوب اهل و عياليله واسطه كيدوب اوغلي دولتنده عزت
 و نعمت ايله بختوب ايكي ايدن صكره التمش اوج ياشينده وفات ايدوب مدت خلافتي بكرى طقوز بيل
 بش آي ايدى (فصل رابع و عشرون در احوال طابع الله بن المطيع لله) اسمى عبد الكريم لقبى طابع
 كنيته ابو بكر اولوب اورته بويول بورنلو بكرى اشقر شديد القوة حدتلو كسسته ايدى آل و اتباع
 حضرت على به غایت عداوت اوزره اولوب او چيز التمش اوجده پدري اختياريله قرق يدي ياشنده
 خليفه اولمشدر حضرت ابو بكر ايله بوندن غيرى باباسي حياتنده خليفه اولمش كسسته بوقدر ديشدر
 (وقايح متنوعه) مرويدركه بيعت اولد قدده جله عسكرايله اتلنوب ارقاسنه قديمدن خلفاده طورن
 برده حضرت رسول كيوپ امير سبكتكين خليفه نك او كجه كيدوب ايرتسي خليفه اكا سنجاق و سلطنته
 اجازت و يروب خلعت كيدوب لقبى نصر الدوله قودى بعده سبكتكين ايله افنديسي عز الدوله بختيار
 انجشوب سبكتكين عسكرا اتر اكي كندويه او يدروب بختيار ايله بغدادده مرار اوصا ايدى * سنه ٤٠٠ هـ بوره ده
 حرمينده خطبه سلاطين فاطميين نامنه اوقونغه باشلدى * التمش در تده عضد الدوله عم زاده سبي بختياره
 معاونت ايجون بغدادده كلوب عسكرا بختيارك اوستنه هجوم ايند كرنده قيسون قيايوب كيزلنوب عضد
 بغدادى بكنوب مدير امور خلافت عضد اولدى ديوب خليفه اساتدن اطرافه امر لار يازد قدده خليفه
 انجشوب او دى بغدادده و غيرى يرلده اللى كونه دل خليفه نامنه خطبه اوقونغي كسدى * نه بوييلده مصر
 و شام و شرق و غربده دفع و دفعي مقوله فرض اولان مذهب رفض غايت شيوع و قوت بولوب حتى مصر
 و شام پادشاهي صلاحه تراويحي منع ايدوب نه بوييل امير سبكتكين بمحمد وفات ايدوب بختيارك ماللرى
 قالدى * التمش بشده ركن الدوله فارس بن بويه سابقا مالان اولد و غي مملكتلرى اوغلار نه تقسيم بعده تسليم
 ايدوب عضد الدوله به فارس و كرمانى مؤيد الدوله به قم و قزوين و رى و اصفهانى خنر الدوله به دينور و همدان
 و بردى * نه بوييل بختيار ايله عضد انجشوب بختيارك بر محبوب بنى عضد اسير ايدوب بختيار بنى اختيار
 ديوانه اوله يازوب عضده تضرع نامه يازوب يا كز بر يسي يوزيك فلوريه الدوغي ايكي سازنده جاريه به هديه
 كوندروب محبوب بنى اللى * التمش بديده عضد بختيار ايله صواشوب طوقوب قتل ايدوب خليفه عضده
 خلعت سلطنت و تاج مجوهر و تنع و كر كيدروب قوشادوب برى التون برى كوش ايكي سنجاق و يردى
 التمش سكرده خليفه كمال ضعف خلافتدن بغدادده عضده نو بت چالدر مغه و خطبه ده شمر كنه اذن و يروب
 مقدما سائر ملوك بوقدر رخصت و يرما مشدى (آمدن ايلچي) التمش طقوزده مصر پادشاهى عزيز
 باللهدن ايلچي كلوب خليفه عضده تاج و خلعتلر كيدروب تاج المله ديوب بر لقب دى قويوب خليفه
 تختنده او توروب او كنه معصف حضرت عثمانى ارقاسنه برده حضرت رسولى قويوب بيلينه حضرت رسولك
 قلبن قوشانوب انده چو كان خلافتي طوقوب اطرافنده زينه يوز كسسته قلجلر طوقوب خليفه نك او كنده
 بر مرض برده اصواب اعيان مملكت مرته لر نجه ايكي طرفده صف باغليوب عسكردى دى ديوب ايلچي

انجرو و كيد كده ابتدا عضد واروب برده اچلد قدده عضد برا يوب ايلچي به دهشت كلوب بوانله ميدرد يوب عضد
 دى يوق لکن بر يوزنده خليفه الله در ديوب بعده عضد يدي كره برا يوب قدم قدم يوب يوب خليفه قيو اغاسنه
 عضدى يوقاروبه چقارد يوب عضد تكرار ايكي كره برا يوب خليفه عضده بكا يقين كل ديوب او دى
 يقشوب خليفه نك اياغنى او يوب خليفه اللى عضدك اموزينه قويوب بشقه طوران كرسى به او تورمق
 يوروب عضد استيموب خليفه ابرام ايند كده عضد كرسى بي او يوب او توروب خليفه اكا جميع امور خلافت
 تدبيرين سكاتفويض ايندم ديوب او دى الله تعالى بكامير المؤمنين اطاعته خدمت ايتكمه معين اوله ديوب
 بعده خليفه عضده خلعتلر كيدردى هيج برخليفه بر كسسته به چاق بويله مسخر و مغلوب اولوب مهابت خلافتي
 ازاله ايند يكچون خليفه بي شعرا هجوا ايند لردى (منفوقات و غرايب امور) يتش اوجده عضد
 همدا نندن بغدادده كلوب خليفه انى قارشولوب خلفا ماضيه ده بوضع اولما مشدى * نه بوييلده عضده عين
 حاكمندن هديه كلوب ايجنده همان اللى اللى بظمان يكباره عنبر خام بي نظير و ارايدى * يتش ايكيده عضد
 وفات ايدوب اوغلي صمصام الدوله بي خليفه انك يرته ديوب لقبى شمس المله قويوب بر تاج و يدي خلعت
 كيدروب ايكي سنجاق و يردى * يتش بشده ولايت عمانده دكردن فيل قدر بر آق قوش چيقوب بر ديه به
 قونوب صوت عالي ولسان فصيح ايله اوج كره قد قرب الامر ديوب نه دريايه كيروب اوج كونه دل بويله
 ايلدى * يتش التيمه شرف الدوله كلوب برادري صمصام الدوله بي طوقوب كوزينه قيزمش ميل چكوب
 برده شمرنده حبس ايدوب عسكرا شرفه ميل ايدوب بغدادده كلوب خليفه انى قارشولوب تاج سلطنت
 كيدروب عهد نامه سى ياز بولوب خليفه ياشنده اوقوندى * يتش سكرده شرف احوال نجوم مضبوط و معلوم
 اولمچيچون مأمون خليفه زماننده كي كى كوا كب سبعة رصدين امر ايندى و دى بغدادده عظيم خط و موت
 ظهور ايدوب بصره ده دى بادشاهى اسوب خلق اندن بيقلوب بر محكم بل دى اسوب دجله ايرماغنى يا قوب دى
 كورينوب و كيدلر غرق ايدوب و طواررله طلو بركي بي قالدروب بر فاج كوند نصكره براوزاق برده بولندى *
 يتش طقوزده شرف الدوله بغدادده وفات ايدوب سلطنتي برادري ابو نصره وصيت ايدوب خليفه اكا واروب
 تعزيت ايدوب ابو نصره مرارا يراويدى بعده خليفه به كلكده خليفه اكايدى خلعت و عباسي دلبند
 و بويينه خلخال و النيه ايكي بلازل كيدروب او دى برا يوب بشقه كرسيد و او توروب عهد نامه سى اوقونوب
 خليفه اكا بهاء الدوله ضياء المله ديوب قودى (قائده) زماننده وفات ايدن بكار مشاهير * ابن السنى
 المحدث و ابن عدى و محمد الففال الكبير الشافى شيخ الشافعية و سيراقي شيخ النحوي و ابو بكر الرازي شيخ الحنفية
 و ابن خالويه و زهرى شيخ العربية و ابو ابراهيم البخارى القارابي مؤلف كتاب ديوان الادب و رفاء الشاعر
 و ابو زيد المروزي الشافى و ابو بكر الابهري شيخ المالكية و امام ابو الليث سمرقندى شيخ الحنفية و ابو علي
 الفارسي شيخ النحوي و ابن الجلاب المالكي و حسين الماسرجي كه يتش جلد مسند كبير مؤلفيدر و محمد بن حفيظ
 الشيرازي شيخ الصوفيه و خطيب بن نباته كه واقعه سنده حضرت رسولى كوروب مر حبا بخطيب الخطبا
 ديوب يانلر نه چاغروب وار قدده آغز نه نو كروب وفات ايد نجه ده اغزى مسك كبي قوقاردى (خاع
 و بعض متفرقات) او چيز و سكرسان برده خليفه بهاء الدوله نك خواصندن برى حبس ايند كده بهاء بنى حيا
 كلوب برا يوب كرسى به او يوب توابعي خليفه بي تختندن چكوب اوستنه اوشوب بر احرامه صاروب بهانك
 سراينه كوتوروب شمرده ولوله و غلغله قويوب خليفه خلافتي اختياريله قادر باللهه فراغت ايدوب بخت
 ياز بولوب قادر غيرى برده اولوب بكرى كوند نصكره كلوب بيعت اولوب طابعي سراينه الوب عظيم رعائيله
 بسليوب طقسان اوج شوانك اول كجه سى وفات ايدوب نمازنى قادر قلوب جله اشرف دفننه حاضر
 اولد يلمرت عرى يتش اوج مدت خلافتي اون يدي بيل الى آي الى كون ايدى (فصل خامس و عشرون
 در احوال قادر بالله بن الامير اسحاق بن المقتدر بالله) اسمى احمد لقبى قادر كنيته ابو العباسدر باباسي
 اسحاق خليفه اولما مشدى او چيز او توران تيمه طوغوب قرق بش ياشنده خليفه اولمشدر (مناقب)
 مرويدركه آق بكز لوقبا و اوزون صفا الاو اولوب سياهله بوياردى عالم مجد و صالح مجتهد منفق و مشفق و حسن
 خصاله متخاق ذكى و لبيب و مدبر و مصيب كامل خوب سيرت عاقل بالسريرت سنى مشرب و شافى

مذهب ایدی علم اصوله بر کتاب تألیف ایدوب ایچنده فضائل صحابه کرام و اکفار روافض و معتزله لئام
بیان ایدوب مدت خلافتده مهدی جامعنده هر جعه کوفی محدثان مجلسنده اوکتاب لطیف اوقنوردی
(بیعت و بعض وقایع) اوچیز سکسان بر رمضانک اون برنجی کون بغداده کاوب تخته کجوب شوالده
عظیم دیوان ایدوب بهاء الدوله ایلده بری بر لیلده دائمًا مصافات اوزره اولغه عهد و پیمان و محکم ایمان ایتدیلر
سکسان درتده ولایت عراق حجاجی عاصی عر بلردن دروب عراق و شامدن و یمندن برکسنه حجه
وارمیوب همان مصر حجاجی واردیلر سکسان اتیده مصر پادشاهی عزیز بالله وفات ایدوب عمالک
ین و شام و حلب و حما و حص و موصلی دخی ضبط ایدردی سکسان طقوز برع الاقلینک اوننجی کوفی
بغدادده قوشلق زماننده بر عظیم هیبتلو بلدزدوشدی طقسانده ولایت سجستانده غایت اعلا التون
معدنی بولینوب طبراقدن بلاتعب تصفیة ذهب ایدردی طقسان سکزده بغدادده شیعه و اهل سنت
اراستده غوغا اولوب شیخ ابوحامد الاسفراینی قتل اولنه یازوب رافضیله مصر پادشاهی حاکم بامر الله
منصور زندیق ایچون یا حاکم یا منصور دیو چاغرشوب خلیفه سنیلره معاونت ایچون آتلور کوندروب
رافضیلری طاغندیلر طقسان سکزده بغدادده بر ذراع قاریاغوب یکریمی کون طوروب اوزمانه دلک
نظیری واقع اولماشدی و دخی دینور شهرنده عظیم زلزله اولوب یقلان بنار التنده اون ییک آدم هلاک
اولدی و عظیم طولویاغوب ایچندن بریسی یوزاللی درهم ایدی طقسان طقوزده بصره قاضیسی رفع
و غیرسی نصب اولندقدده بر شاعر ایکدنسی دخی بویه لطیف هجو ایتدیکه (نظم) عندی حدیث ظریف
بمثله یغنی * من قاضین یغزی هذا و ذلک منی * فذا یقول جبرنا و ذایقول استرخنا * و یکذبنا جیعیما
ومن یصدق منا (امور غریبه) مریدرکه خلیفه یه یا جوج و مأجوجدن برکسنه کتوردیلر
یوی بر ذراع صفالی ایک قارش اولوب غایت بیولک قولقلری و ارایدی سدزو القرنین اوستنه چیقوب
یوجانه یل دوشرمش ایدی * درتیوز اوند سلطان محمود بن سبکتکین هنده غزا ایدوب حددن بیرون
حال غنیمت آلوب خلیفه یه عظیم هدایا کوندروب ایچنده درتیوز بظمان صافی التوندن بر صنم و عورت
صورتمده وزنی الشمس مثقال یکباره یاقوت احمر شجر ارا و ارایدی * اون بر ده مغربده افر بقیه ده هوا
بولتنوب محکم رعدو برق اولوب غایده ایری طاشلریاغوب هر طوقنان آدمی و حیوانی هلاک ایدردی
اون اوچده مکده قرامطه دن احمر و اشقر باند و جسیم بر ملعون حجر الاسود مبارکی دوسله اوزوب
* الی منی نعبد الحجر ولا محمد ولا علی ایمنی محمد فالیوم اهدم هذا البیت * دیدکده فی الحال برکسنه
اکاخچر اوزوب بعده آنشه یا قلوب بر نیچه کسنه لاندکله بیله اولمق تمهیله قتل اولنوب بعض
اشقیامصر حجاجی یغمالدیلر * اون سکزده جمیع ولایت عرافده کوچکی تاوق بمرطه سی قدر بیوکی بر
ایکیش برظمان طولولریاغوب مزعه لرده اکثر جوبانی هلاک ایددی و دخی نثرین نایده غایتده صوغق
یل اسوب جله صورطو کوب دولابر حر کندن قالدی * یکریمیده ولایت بغدادده ناحیه نعمانیه ده
غایتده بیولک طولولریاغوب فرضا ایچلندن بریسی بغداد قنطار یه تمام بر قنطار اولوب بر ایچنده بر ذراع
کوملشدی * یه بوییک رجبنده بر عظیم بلدز یلدرم کی آوازله دوشوب بر یوزینی ضیائی طوقوب
درت پاره اولدی ایک کیجه دنصکره اندن کوچک بر یلدر دخی بعده اندن بیولک بر یلدر دخی دوشدی
(فائده) قادر بالله زماننده وفات ایدن کارمشاهی بر یولدر * رمانی شیخ النخوص صاحب بن عبادکه هم وزیر
و هم علماء کاردن ایدی وزیر مؤید الدوله و دارقطنی امام علم حدیث و ابن شاهین و ابو بکر الاودنی شیخ
الشافعیه و ابن ابی زید شیخ المالکیه و شیخ ابوطالب مکی مؤلف کتاب قوت القلوب و ابن شعون الواعظ
و زاهد السرخسی شیخ الشافعیه و ابن عیون المقری و کشمیری راوی البخاری و ابن جنی شیخ العربیه
و اسماعیل الجوهری مؤلف کتاب صحاح اللغة و ابن فارس مؤلف کتاب مجمل اللغة و حافظ بن منده و اسماعیل
شیخ الشافعیه و اصبع بن الفرج شیخ المالکیه و بدیع الزمان همدانی مؤلف کتاب مقامات و ابو حبان مؤلف
تساویه مشهوره و الشاعر و ابو الفتح بستی شاعر مشهور و رحلی شیخ الشافعیه و ابو الحسن القاسمی
و قاضی ابو بکر الباقلائی و خطیب بن نباته و ضعیفی شیخ شافعیه و حاکم مؤلف کتاب مستدرک در علم حدیث

و شیخ ابوحامد الاسفراینی و ابن فورک و شریف رضی و ابن مردویه و ابو عبد الرحمن السلمی شیخ الصوفیه
و ابن البوان استاد خطاطان و قاضی عبد الجبار الهمدانی المعتزلی و محمد علی شیخ الشافعیه و ابو بکر القفال
شیخ الشافعیه و امام ابواسحاق الاسفراینی و علی بن عیسی الریجی النخوی و دخی نیچه (فائده) مریدرکه
قادر زماننده رئیس اشاعره ابواسحاق اسفراینی و رئیس معتزله قاضی عبد الجبار و رئیس روافض شیخ مفید
و رئیس طائفة باطله کرامیه محمد بن الهیثم و رئیس القراء ابو الحسن الجالی و رئیس محدثین حافظ عبد الغنی
ابن سعید و رئیس المشایخ ابو عبد الرحمن السلمی و رئیس شعرا ابو عمرو بن دراج و رئیس خطاطان ابن البواب
و رئیس زنداقه حاکم بامر الله سلطان مصر و رئیس علماء لغت اسماعیل جوهری و رئیس علماء نحو ابن جنی
و رئیس بلغا بدیع الزمان و رئیس خطباء ابن نباته و رئیس القراء ابوالقاسم بن حبیب و رئیس ملوک سلطان
محمود بن سبکتکین و رئیس خلفاء دنیا قادر بالله ایدی (وفات) مریدرکه مزبور قادر در تیوز یکریمی
ایکی ذی الحجه سنده سکسان ایدی یا طقسان اوچ باشنده وفات ایدوب قازقی خلیفه اولان اوغلی قائم
بامر الله قیلولوب دار الخلافه ده دفن اولنوب اون آید نصکره کیجه چقار یلوب برمه ایل بغداد شهرنک
قارشوستنده نهر دجله نلک او بر جانبه کجور یلوب مقابرده دفن اولندی مدت خلافتی قرق بیل اوچ آیدی
(فصل سادس و عشرون در احوال قائم بامر الله بن القادر بالله) اسمی عبد الله لقبی قائم کتبی
ابو جعفر ایدی اوچیز طقسان بر ذی القعدة سنده طوغوب در تیوز یکریمی ایکی ذی الحجه سنده پدیری
برینه خلیفه اولدی (مناقب) خوب صورت خوش خوی حاکم عادل عالم کامل عابد و زاهد و مجید
و مجاهد صابر و ادیب عارف و لیب قوی الایقان کثیر الاحسان اولوب (لمحرره) اهل جود
و اطف ایدی اول ذوالعلا * هر نه کیم اولسه ر جادیزدی لا * بلکه دیر ایدی نم و یروب نم * اهل فضل
و بذل ایدی صاحب هم (امور غریبه) مریدرکه یکریمی یدی و جبنده بر عظیم بلدزدوشوب نوری
کونش نوره غالب اولوب ازدره هاکی سیاه و عظیم قویرونی اولوب بر ساعت طوروب یه بوییده
بر عظیم قرا کولق اولوب هر کسنه یا تنده اولانی کوره میوب خلقت نفسلری طوقلوب تیزکمه هلاک
اولورلردی * یکریمی سکزده مصرده خط یوسف کی خط عظیم اولوب یدی بیل اوزانوب خلق بری برین ییوب
بر اتمک الی التونه صائلدی مذکور خط جمیع عمالک عالمه مرایت ایدوب هر شهر خلقینک اکثری اچلقدن
هلاک اولدی و قوزا یکیده قیروان و افر بقیه ده عظیم زلزله لر اولوب قیروان شهرنک بعض یرلری یه کجوب
التندن بر عظیم تنون چیقوب عبوقه ایرشدی و دخی خراسانده هوان رعد کی مهیب آوازله یوزاللی بظمان
آغراخی یکباره دموردوشوب هیبت و صداستدن بعض حامله عورتلر اوغلان دوشردیلر پادشاه انی الوب
قلع ایشلمک دیلدکده آلات کارا تیموب هر اوردقلری آلت قیرلغین آخر فراغت ایدی * اونوز درتده تبریزده
بر عظیم زلزله اولوب جله شهر و حصا ر ییقلوب بنار التنده یوزاللی ییک کسنه هلاک اولوب سائر خلقی چوللر
کیوب اغلاشوب درگاه حقه نضر علرا بیدیلر * قرق طقوزده ماوراء النهرده حددن بیرون عظیم طاعون اولوب
تخمینا اون التی کره یوز ییک کسنه وفات ایتدیلر (خلع) مریدرکه امرأه اتراکدن امیر ارسلان
البساسیرینک دولت و شوکتی ارنوب خلیفه اکا طاشمعدین برایش ایغز اولغین آزوب ظلمله تخرب بلاد
و تعذیب عباد ایدوب امرأه غیریلری قور قندی خلیفه یی دخی طوقوب سرائی یغمالق قصد ایتد و کئی
خلیفه طوقوب اول ملوک سلجوقیه اولان سلطان طغرل چاغرتدی بغدادده ارسلانک ایدی باقوب طغرل دخی
در تیوز قرق یدیده بمده ری شهرنک کاوب ارسلان کیدوب عسکر جمع ایدوب مصر پادشاهنندن یاردم
ایستیوب اودخی و افرمال کوندروب بعده ارسلان طغرلک برادر ایی الله خبرلشوب طغرلک سلطنتنه اطماع
ایدوب اودخی خروج ایتد کده طغرلک دفعه مشغول ایکن الی سنه سنده ارسلان مزبور کلب عقور بلکه
کرک خوشخوار اولوب بعض عسکر مصر ایلده بغدادده کاوب خلیفه ایلد بر قاج آی صواشوب بغدادده خطبه یی
مصر پادشاهی نامنه اوقوب ذی الحجه ده خلیفه یی طوقوب بغدادده قریبده عانه شهر یه کوندروب حبس
ایتدردی * خلیفه دخی بو مناجاتی یازوب مکیه کوندروب کعبه نلک ایچنه اصدیلرکه * الی الله العظیم من المسکین
عبدہ اللهم انک العالم بالامر آخر المطلاع علی الضمائر اللهم انک غنی بعلمک و اطلاعک علی خلقک عن اعلامی هذا

عبدلقد كفر نعمك وما شكرها والى العواقب وما ذكرها الطغاه حاكم حتى تعدى علينا بغيا واساء اليها عتوا
وعندوا اللهم قل الناصر واغتر الظالم وانت المظلم العالم المنصف الحاكم بك نعتز عليه واليك نهرب من يديه
قد نعتز علينا بالخلوقين ونحن نعتز بك وقد حاكمنا في انصافنا منه عليك ورفعتنا ظلامتنا
هذه الى حرمك ووثقتنا في كشفها بكرمك فاحكم بيننا بالحق وانت خير الحاكمين (جلوس) مرويدركه
طغرل برادري طوق بقتل ايدوب بعده عانه حاكمه خليفه بي بغداده كوند رسن ديو خبر كوند رمكين
اعزازا كرامله كوند ريلوب الى ردى القعه سنك يكرمي بشنده كمال زينت وشوكت ايله بغداده كيروب
طغرل عسكر كوندروب بعد الحار به ارسلان طوتلوب باشى كسلوب خليفه به كادى * مرويدركه
خليفه قننه ساهنه بولساندن بر فردى انجتميو ب صو جلر بن عفايدوب سرايندن يغمالتن اسبابلى
بولان كسسه لردن ممت الميوب تكرر اراخه سيله صاقون الوب و آخر عمر نه دك صاتم وكجه قائم اولوب باشين
يصديغه قوميو ب غماز كاهنده او نور ركن بر مقدار او يوردى (امور غريبه) مرويدركه الى او چنده
كوفش تون طوتلوب دنيا قرا روب يلزلر كورنوب هواده او چار قوشلر به دوشد يلر الى در تده سلطان
طغرل خليفه دن قيزنى ديلوب اودخى مدافعه ايدوب عاقبت ابرام واقدام ايله ناچار نكاح ايتدى * الى بشده
طغرل بغداده كلوب سكو حه سيله جمع اولوب ابطال اولدان مقاطعات فاسده بي اعاده ايدوب بغدادى
يوزالى يك فلورى التزامه وروب تختكاهى اولان رى شهر ينه كيدوب تختنه كجوب رمضانده وفات ايدوب
برادرزاده سى خراسان بكى عضد الدوله اب ارسلان تختنه كجوب خليفه كا خلعت و سلطنته اجازت نامه
كوندردى * الى سكرده خراسانده نيجه كونه دك عظيم زلزله اولوب طاغريار يلوب نيجه كويلر به كجوب
وا فر كسسه هلاله اولدى * اشبوسنه ده بغداده بر قيز طوغديكه بر بنده ايكي باشى ايكي بوشى ايكي يوزى
وارايدى * بويلده شكل غرده مدور و منور بر عظيم ييلدز طوغوب اون كجه دن كره ندر بجه اكلوب
غائب اولدى * التمشه رمله ومصر وشامده عظيم زلزله اولوب رمله ده يكرمي بش يك آدم هلاله
اولوب قيو لردن صول طاشوب دو كلوب و در يار كوندك يول چكوب خلق در يار بنده بالى وبعض نسته
صيدايدركن على الغله دريا كلوب جلده سنى غرق ايتدى * التمش برده دمشق شامده نقش وزينت وحسن
صنعتده فر يدنيا وشيبه جنت عليا اولان جامع بنى اميه طوتلوب سقف بر تذهيبى جله يلوب ديوار ينك
حسن بي بدلتنه دخی خلل كادى * التمش ايكيدده مصرده نيجه ييلدنبر و خط تمتد ومشتد سبيله مصر
پادشاهينك قوت سلطنته ضعف كلكين مكده ده خطبه بي خليفه بغداد نامه او قيدر اولدق ديومكه
شريفندن ابلى كاد كده اب ارسلان كا اوتوز يك فلورى ويردى * التمش او چنده جلده دخی خطبه
خليفه ايله اب ارسلان نامه او قوندى * اشبوسنه ده التيموز يك كافر عسكرى جمع بلاد اهل اسلامى المي
قصده جمع اولدقه غايت تفصيله محتاج وجهله همان اون يك نفر عسكر ايله اب ارسلان شجاعت نشان
شير يان و بيرد مان كى انلى فارسولوب براوغوردن جله ايله صفلر ياروب واروب امير كفارى قيد بنده
كر قنار و عسكر جرار اشرارى نارمار وا كثرى طعمه شير شير آيدار ايتكين عموم هجوم كفاردن حيران
ومغموم اولان جله عالم شاد و خرم اولوب ارسلانه دعائى فراوان و ثنائى بي پايان ايتديلر * التمش بشده اب ارسلان
شديد اولوب اوغلى ملك شاه يرينه كجدى اشبوسنه ده مصرده عظيم خط اولوب حتى برخاقون برا كى يك
التونه صاقون الوب عظيم طاعون دخی ظهور ايتدى * التمش التيده نه ر دجله اصلا واقع اولدق وجهله اولوز
ذراع طاشوب بغداد شهرى صويه ياتوب بيجد طوار و انسان واموال فروان غرق اولوب يوز بيكدن زياده
او بيقلوب جله خلق كيلرا بچنده او نور رب ايكي جمعه نمازى كى ايجنده قيلنوب مسلمانلر دعا رومنا جانلر ايتديلر
* التمش بديده بغدادده عظيم احراق واقع اولوب خليفه نك سرايى و بيجدنلر ايتدى (فائده) خليفه نك زمانده
وفات ايدن كار شاهير * امام نعلبي مفسر و مورخ و امام قدورى شيخ الحنفية و ابو على بن سينا شيخ فلاسفه
وفاتى ابو زيد البوسى شيخ الحنفية و مهيار شاعر و مكى مؤلف تفسير و مهدوى مؤلف تفسير و ابو نعيم
الاصفهانى مؤلف حليه و شيخ ابو محمد الجوينى الشافعى كه امام غزاليك اسنادى اولان امام الحرمين
پدرى و استاد پدر و ابن ساهين و قاضى القضاة حسين بن على بن ما كولا الشافعى و امام قشيري شيخ علما

وصوفيه و ابن بطال شارح البخارى وقاضى ابو الطيب الطبرى وقاضى القضاة على الماوردى شيخ الشافعية
وابن برهان النخوى و امام بهقى شيخ المحدثين و ابن سيدة مؤلف كتاب محكم و خطيب بغدادى صاحب التأليفات
وابن رشيق مؤلف كتاب عمده و ابن عبد البر صاحب التأليفات و دخی نيجه لر ايدى (وفات) مرويدركه
درميو زاتمش يديده خليفه قان الدروب كجه او يوركن قولينك بندى بوشانوب قان روان اولوب ضعف
كلى مستولى اولدقه كار علما و اركانى چاغردوب اوقاتى عباداته صرف ايتكمله جماعى غايتده آزار ايتكين
اولادى قالميوب كند و حياتده وفات ايدن اوغليكن اوغلى چاغروب خلافتى اكاوصيت بعده آخرته
رحلت ايتدى * مدت عمرى يتش يدى مدت خلافتى قرق بش ييل ايدى (فصل سابع و عشرون در احوال
سقتدى بامر الله بن محمد بن القاسم بامر الله) اسمى عبدالله لقبى مقتدى بالله كنى ابو القاسم اولوب پدرى
محمد خليفه اولوب پدرى قائم بامر الله زمانده وفات ايدوب عبدالله بطن مادرده ايدى (بيعت)
جدى قائم وفات ايدركن قاضى القضاة دامغانى خفى بي و ابن صباغى و شيخ ابو اسحاق شيرازى شافعى بي وبعض
اركان واعيانى چاغردوب خلافتى بوكاوصيت ايدوب لقبى مقتدى بامر الله قويلوب وفات ايتدكه يكرمي بش
باشنده بيعت اولندى (وقايح در زمان خلافت او) كتاب دول الاسلام ذبيده مقتدىك سلطنتى قوت
وشوكت بولوب مدنى اوزايوب زمانى مظهر امن و رخا و آزار جيله اولوب ككن ممالا متفرقه ده عظيم
زلزله لردن اكلر بلاد خراب اولوب خلق صحرالرده ساكن اولديلر دنيوب * تاريخ الخلفاءده مفسلامد كوردركه
بونك زمانده ممالكده خيرات و آثار كثره ظهور ايدوب بوندن مقدم اولان برقاج خلفا نك سلطنتلر ينه
ضعف كلوب اكن بونك سلطنتى قوت بولوب كرم و اهل ديانت قوى النفس و عالى همت عاقل بي نظير و دلير كامل
التدبير محب خيرات بر اطيع ذات صاحب الحسنات اولوب عظماء علماء عباسيه دن اولغين آثار حسنه سندن
بعضى بونلرايدى كه بغدادده مغنيه و سازنده خانقنلر و خلق حمامه فوطه سز كيرمكى منع ايدوب مسلمانلر
حرملر ينه باقسونلردى بو كوتربازلر بر جلر بن ييقدردى اول سنه خلافتده مكده ده خطبه اسلوب قدیم اوزره
مصر پادشاهى نامه التمش سكرده دمشق شامده خليفه نامه او قنوب سلاطين مصر اذائنده زياده
ايتدر كرى حى على خير العمل كلايى ترك اوغين مسلمانلر شاد اولديلر * التمش طقوزده امام قشير ينك اوغلى
ابونصر بغداده كلوب ملك شاهك وزى رى نظام المللك مدرسه سنده اشاعره مذهبه درس و وعظ ايدوب تواني
چوغا لوب بعض مسائل اعتقاديه ده علماء حنابله بونلرله نزاعلشوب قننه عظيمه اولوب نيجه كسسه لر قتل
اولنوب خليفه وزى رى نخر الدوله بي حنابله به معين اولغين عزل ايتدى * التمش التيده جمع دنيا دن خط
كيدوب غايت او جلاق اولدى * و دخی خليفه ابو شجاع محمد بن حسنى وزى رايدوب لقبى ظهير الدين قودى *
يتش يدى صفر نده مشرق دن مغربه جرم و ضياده فرقدر بر عظيم ييلدز بر ساعته دك تانى ايله دوشدى *
يتش سكرده بغدادده ناكاه بامر الله بر سياه يل اسوب مو حش و مد هس محكم رعد و برق اولوب يا غور كى
نوز و قوم يا غوب برقاج ييلدرم ايتوب بو حالت ايكند و دن كره اوچ ساعت طوروب جله انسان قيامت
قوباردى و هر اسان اولديلر * يتش طقوزده اصفهان دن سلطان ملكشاه بغداده كلوب بعده كيدوب
سكسان در تده تكرر كلوب كند و ايجون بر عظيم سراي و اطرافنده امر اسيجون اولر ياللى بيوروب كيدوب
سكسان بشده تكرر كلوب ايستد و كات يره چيقوب كيدوب بغدادى بكا تسليم ايله ديو خليفه به خبر
كوندروب اودخى بر آى مهلت ايستيو ب ملكشاه رضا و يرميوب عاقبت انك وز يرينه اون كونه دك
مهل آليو يردى خليفه خبر كوندروب بو ائانده (نظم) صقين مظلومك آهندن صحر كاه *
كه آكار برده قومامشدر الله * فخوا سجه ناكاه بحكمه الله ملكشاهى انتباه خسته اولوب وفات ايتدى *
مرويدركه اول خبر و حشت اثرى كوندردكه خليفه عبادت وظيفه كوندز صيام كجه كول دوشيوب
اوستنده عبادت قيام ايدوب يوزين در كاه حقه سوروب ملكشاهه يد دعا ايدردى (امر ع الدعاء اجابة دعوة
المظلوم) سرى ظاهر و معلوم اولوب خايفه نك كرامتى ظهور ايتدى ديواهل بغداد مسرور اولديلر (نظم)
آنك ييك آه ميكدن بسحر * نكند صدهزار تبغ و تبر (نثر) ملكشاهك خانقنى آنك موتى صاقيوب
بش باشنده اوغلى محموده كند و امر اسنى خفيه بيعت ايتدروب بعده خليفه به خبر كوندروب اودخى سلطنته

اجازت و یروب ناصر الدین والدین دیولقب قودی * سکسان یدی محرم نیک نصفه مذمه محمود ک اوستنه بیول
برادری بر کارق خروج ایدوب پدری ساطنتی خلیفه کا و یروب لقبی رکن الدین قودی (فائده)
مقتدی زمانده وفات ایدن کبار مشاهیر * امام واحدی شیخ المفسر بن شیخ عبدالقاهر الجرجانی مخترع علم
معانی و بیان و بدیع و شیخ ابوالصالح الشیرازی و شیخ ابوعلی فارمدی شیخ الصوفیه و ابن الصباغ مؤلف کتاب
شامل و امام الحرمین که امام غزالی استادی و شیخ الاسلام عبدالله الانصاری صاحب التألیفات و امام
ابوبکر خواهر زاده شیخ الحنفیه و خطیب دمشق مؤلف متن تلخیص و ایضاح و قاضی القضاة محمد بن علی
الدامغانی شیخ الحنفیه و امام بزدی شیخ الحنفیه و دخی نیجه لرایدی (وفات) مرویدرکه در تیوز سکسان
یدی محرم نیک نصفه خلیفه بر کارق سلطنته اجازت و یروب ایتسی غناه وفات ایدوب شمس النهار آدلو
جاریه سی زهر بدری دیمشدر * مدت عمری او تیوز طقوز بیل مدت خلافتی او نطقوز بیل سکز آی یاوج
آی ایدی (فصل ثامن و عشرون در احوال مستظهر بالله بن المقتدر) اسمی احمد لقبی مستظهر کنیتی
ابوالعباس اولوب در تیوز شمس شو الله طوغوب سکسان یدی محرم نیک وفاتده اون الی
باشنده بیعت اولوب و الله سی نور خاتون اوغلی او غلینک اوغلی مسترشد خلافتنه دلک بشادی
(مناقب) مرویدرکه مستظهر ذو مجد باهر کرم الاخلاق عیم الاشفاق خوش نویس عالم نفیس محب علما
و صلحانوا زنده رعایا و ایدای زمان عیم الامان عیدم العدواني کافه خلقه ایام سرور و هذکام حضور
اولوب آکن کندوسی کثرت قن و حرو و به بر محن و مکروب اولمشدی (وقایع عجیبه) مرویدرکه در تیوز
سکسان طقوزده کواکب سبعة سیاره نک زحل دن غیر سی برج حوتده جمع اولغین جله منجه طوفان
نوحه قریب طوفان اولقی احتمالدر دیکین اهل بغداد قورقوب بعض تذکرکار کوروب اتفاق بو ییلده
حاجه یولده سیل کلوب اکثر مال و طوارر یله غرق اولوب طاعلر یقینانلر قورتلدی خلیفه ابشیدوب
منجه خلع لکیردی * نه بو ییل بغدادده ایکی کوزی کور بر کوچک قیرظهور ایدوب امرار ناسدن
خبر و یروب خلقی حیران ایددی * در تیوز طقسانه طائفة فرنک کلوب نیقیه شهرنی الوب مسلمانلردن
ابتدا الدقلری بودر بعه کفر طاب شهرنک اطرافن یغمالدیلر * مرویدرکه مصر پادشاهی ملوک سلجوقیه نک
شاهی الدقلر نه انجنوب شاهی و اطرافنی کلوب المغه فرنکی تحریک ایدوب اندر دخی استانبول دریا سندن عظیم
دونما ایلد کملشدی امر اورعایا بو خصوصدن قورقوب طقسان ایکیده فرنک پلنک چنک نهنک آهنک
بی درنک دیده مسلینه عالمی تنک ایدوب انطاکیه بی یدی آی محاصره ایلد جبرال الوب ایچیزدن مسلمانلر
جیقوب صواشوب صینوب معربه قاجوب کفار انلرک آرد نیجه کیدوب ایکی طرفدن ادملر قیرلوب معرده
یوز بیک مسلمان شهید ایدوب قرق کوندن صکره حصه واروب مسلمانلر انلرله صلح اولدیلر * بعده قدس شریفی
برجی آی محاصره ایلد الوب ایچنده بتش یکدن زیاده مسلمان شهید ایدیلر که نیجه لری علما و زهاد ایدیلر
مساجد و معابدی ییقوب جله و دیرلی کلساده جمع ایدوب آتسه یاقدیلر * اشبوسنه ده سلطان محمد
ابن ملک شاه برادری بر کارق جهنک و کاغلبه ایتمکین خلیفه محمدی پادشاه ایدوب لقبی غیاث الدین
والدین قویوب بغدادده خطبه ده یاد اولوردی * طقسان درنده باطنیه طائفه سی بغدادده جوغالوب
غناه نیجه کسنه لری خلق دخی انلردن نیجه لری قتل ایدوب امر او اعیان جبهه لری یله کرلردی اشبوسنه ده
فرنک مروح و حیفه و ارسوف و قیساریه و سمیساط و رهائشمرلری مسلمانلردن الدیلر * طقسان التیده
سلطان محمد بعض قنله لایتمکین اسمی خطبه لردن ترک اولمشدی * طقسان یدیده سابقا بر قاج بیلدن وانکله
برادری بر کارق جدالری عتد و قتالری مشتمل اولوب مسلمانلر ضرر عام اولغین عقلا ایکی سستی صلح
ایتدوب طرفیندن عهدنامه لری یازیلوب خلیفه بر کارق خلع سلطنت کوندروب بغدادده خطبه ده یاد
اولمشدی * طقسان سکزده بر کارق وفات ایدوب امر ای بشاشنده و غلی جلال الدوله اکشاهی برینه
کوروب خلیفه دخی اجازت و یروب خطبه ده یاد اولوب عیسی سلطان محمد خروج ایتمکین اتفاق خلقه
خلیفه اتی پادشاه ایدوب عزت و شوکت ایلد اصفهانه کتدی اشبوسنه ده بغدادده چچک مرشدن بچد
و پایان صیدان وفات ایدوب بعده طاعون عظیم ظهور ایددی * طقسان طقوزده نماندا اطرافنده برکسته

دعوی نبوت ایدوب وافر کسنه تابع اولدقه طوب قتل اولمشدی * بشیوز برده سلطان محمد بغدادده شرعه
مخالف باج و خراج لری رفع و عدالتله سلوک ایتمکین خلق دعالر ایدیلر * بشیوز اوچده فرنک شام طرابلسنی
جبرالیه فتح ایدوب ایکی بیل بابش بیل محاصره ایدوب نیجه جنک اولمشدی * بشیوز درنده مسلمانلر کفار
افر نیچدن عظیم خوف و رنج چکوب صیدا شهرنی فرنک امانله آلوب حلب بکی او تو زایکی بیک التون و نیجه آت
و اسبابه صور شهر بیک خلقی یدی بیک التونه شیرز بکی درت بیک التونه حاجکی بیک التونه صلح اولغله کفاری
اوزلر نندن دفع ایدوب بعده ملاعین ذو المکر صلی یوزوب غدر ایدیلر * اشبوسنه ده مصرده بعد العصر
سیاه بیل اسوب عالم قراروب کوز کوزی * کورمیب خلقنک نفسلری طوبالوب هواندن قوم باغوب خلقه
قتی خوف هلاکدوشوب بعده بر مقدارا چلوب هوا صاروب بعده اخشام اولدی * بو ییل اندلس پادشاهی
ابن تاشغین فرنکله عظیم جنک و کفارلک کیمنی قتل کیمنی اسیر ایدوب مال فراوان آلدی * بشیوز یدیده طبریه
قرینده مسلمانلر فرنک عظیم جنک ایدوب کافرلر صینوب اکثری قیر یلوب مسلمانلر سالما و غنا شامه دوندیلر
و بو ییل موصل پادشاهی مودود عسکر یله قدسه واروب فرنکله عظیم جنک ایدوب بعده شامه واروب
جعه نمازین قیلرکن باطنیه دن بری خنجرله اوروب اوکون وفات ایددی * قدسده فرنک بکی ایشیدوب
شام حاکمه طعن و تشنیع ایچون عربجه یازوب کوندردیکه * ان امة قتلت عیدها فی یوم عیدها
فی بیت معبودها الخقیق علی الله ان یبیدها * یعنی بر طائفه که رئیس لرینی بیراملری کوننده بیت اللهده
قتل ایدیلر لایق و مقرر در که الله تعالی انلری هلاک ایلیم * مرویدرکه بشیوز اون برده دیار بکر قرینده
سنجارد عظیم سیل پرویل کلوب شهری و حصاری غرق ایدوب قیوسن قوپاروب بر قاج فرسخ
یره کونوروب طبراق التیده کوملوب بر قاج بیلدن صکره بولندی و براوغلا نیچنی بشکیله کونوروب برزیتون
اغاجنه آصوب محض قدرت حقه الله بسلنوب بیودی (فائده) مستظهر زمانده وفات ایدن
کبار مشاهیر * ابوالمنظر السمعانی و نصر المقدسی و رویانی شیخ الشافعیه و خطیب تبریزی و حجة الاسلام
حضرت امام محمد غزالی و شانی مؤلف فتاوی مستظهریه و ابیوردی اللغوی و دخی بعض لرایدی (وفات)
بشیوز اون ایکی ربیع الاولینک یکرمی اوچنده اربعه کونی خوانیق مرشدن قرق ایکی باشنده وفات
ایدوب نمازنی اوغلی مسترشد قیلدی * مدت خلافتی یکرمی درت بیل اوچ آی اولوب بر قاج اولادی قالدی
(فصل تاسع و عشرون در احوال مسترشد بالله بن المستظهر بالله) اسمی فضل لقبی مسترشد کنیتی
ابو منصور اولوب در تیوز سکسان ربیع الاولنده یاسکسان الی شعبا ننده طوغوب پدری وفاتده
بیعت اولمشدی (مناقب) عالم عامل عاقل کامل اهل همت و عویت صاحب مهابت و شجاعت
اولوب عدل و اشفاق و انصاف و حسن تدبیر لطیف صاف ایلد امور خلافته و احوال رعیته رونق تام
و حسن نظام و یروب علما ایلد اختلاط و معاشرت و ملوک اطرافدن جور و اعتساف کورمکین انلرله
حروب مستلزمه الکروبه مرارا بالذات مباشرت ایتشدر * کبار علما شافعیه دن اولوب اول خیر ملوک اوائل
حائنده تصوفه سلوک ایدوب صوفلر کیوب عزتکوزین و خلوت نشین اولمشدی سائر خلفادن زیاده
خوش نویس و شاعر ماهر نفیس و خطیب بلیغ و سلیس اولوب بر عید اضحی خطبه سنده بونی اوقیدیکه *
الله اکبر ما ماحت الانواء و اشرفت الاضواء و طلعت ذکاء و علت علی الارض السماء الله اکبر ما مع سبحاب
ولع مراب و انفتح طلاب و سمرقاده ما یاب * دیوب بواسلوب مرغوب اوزره بر مفصل خطبه بلاغت رتبه
اوقیوب اوخرنده * اللهم اصلحنی فی ذریعتی و اعنی علی ما ولیتنی و اوزعنی شکر نعمتک و وفتنی و انصرنی * دیوب
منیردن ایفک اوزره ایکن ابوالمنظر هاشمی اشبو خطبه بلیغه مدحنه فی الحال شعر دیوب اوقودیکه (نظم)
علیک سلام الله یا خیر من علا * علی منیر قدحف اعلامه النصر * و افضل من ام الانام و عوهم
بسیرته الحسنی و کان له الامر * و افضل اهل الارض شرقا و مغربا * و من جده من اجله نزل القطر *
اقد شفت اسماعنا منک خطبه * و مو عظة فصل یلین لها الصخر * ملا تبه کل القلوب مهابة
فقد رجعت من خوف تخویفها مصر * و زدت بهاء عدنان مجد مؤثلا * فاضحی بهابین الانام لان الفخر
وسدت بنی العباس حتی اقد غدا * یباهی بک السجاد و العالم البحر * فله عصر انت فیہ امامنا

و الله دين انت فيه لنا الصبر * بقيت على الايام والمالك * تقادم عصرا انت فيه انتي عصر
 واصبحت بالعيد السعيد مهنيا * تشرقنا فيه صلاتك والنحر (غريب) مرويدركه بشيوزاون التيمده
 مكده زلزله دن كعبه مكرمه نك ركن ياني طرفي قاغشايوب بعض طاشلري دوشوب مدينه ده حرم شريف
 نبوي دختي يلقغه ياقلشدي * يكرمي درتده موصله هوايه بر بلوت كلوب آتش ياغدروب وافر اولر ونيجه
 يرلي ابدى ودختي بغدادده ايكي قورقو عقر بلوطه ورايتديكه او چوب كروب وافر اوغلا نجه هلاك ايدوب
 خلق كلي خوفه دوشد يكرمي بشده عين القضاة همداني نام عز بر صاحب تميز جذبه الهيمه سبيله اسرار
 تصوف دن بعض كلمات ديكين كفر سويلدي شرعا ثابت اولدي ديوب صلب اولندي (قائده) مسترشد
 خلافتنده وفات ايدن بكار مشاهير شمس الانم ابو الفضل البخاري شيخ الحنفية وقاضي القضاة ابو الحسن
 علي بن قاضي القضاة محمد بن علي الدامغان الحنفي وامام محي السنة البغوي صاحب التأليفات وحريري
 مؤلف كتاب مقامات وشيخ احمد غزالي برادر امام محمد غزالي وابو الوفاء بن عقيل الحنبل ومؤيد الدين الطغراني
 مؤلف لامية العجم وميداني مؤلف كتاب الامثال وامام ابو بكر الطرطوشي وشيخ عين القضاة الهمداني ودختي
 نيجه ل ابدى (حبس ونهادت) مرويدركه سلطان محمود بن محمد بن ملكشاه بشيوز يكرمي بشده وفات
 ايدوب برينه اوغلي داود كچورلد كده عيسى مسعود كلوب محكم صواشوب بعده هر برينه بر مملكت اولق
 اوزره صلح اولوب بغدادده خطبه ده مسعود بعده داود اوقنوب بعده خليفه مسعود له انجوشوب جنكه
 چيقوب عسكري مسعود عسكري نون قورقوب صينوب قاچوب مسعود خليفه يي توابعيله طوقوب همدان
 قرينده بر قلعه ده حبس ايتدي * اهل بغداد ايشده كده غريو و فر ياد ايدوب زوقاقرده مردان وزنان
 سروبار همنه ريان و نالان اولوب جاعته نماز قيلغي و خطبه اوقتي منع ايدوب اكثر ناس عظيم ياس طو تديلر
 خليفه اسير اولدقه بوشعر بلغي ديمشكه (نظم) ولا عجب الا لاسدان ظفرت بها * كلاب الاعادي من فصيح
 واعجم * خربة وحشي سقت حزة الردي * وموت على من حسام ابن مجسم (نثر) بغدادده بشيوز
 زلزله اولوب خلق اغلشوب ايكشوب سلطان سنجر برادرزاده سي مسعود شقاغوده بو مضمونده مکتوب
 كوندرديكه * اوغلام غياث الدين اولدين بو مکتوبه واقف اولدغي ساعات امير المؤمنين واروب رجاء عفو له
 زينبوس و كل تذل ايد كه يكرمي كوندركه مشاهده سنه دكل سماعه طاقت كتورلر رعد و برق وزلازل
 اولوب جناب حق دن خوف و اردر خصوصاً جامعه لرده نماز قلمتوب خطبه لر ترك اولدوغنه طاقت بوقدر
 الله دن قورقوب امير المؤمنين مقر سعادت ايتوب آبا و اجداد من عادت نجه غاشيه سن كندك بالذات
 كوتوره سن * مسعود بوني اوقود قله خليفه يه واروب يراووب رجاء عفو له اباغ اوزره طوروب بعده سنجر
 خليفه يي تختكاه ايت ديو مسعوده ايلجي و عسكر كوندروب كلان عسكر له ايچنده باطنيه دن
 اون يدي نفر ملعون مسعودك خبري بوغبك يا خود انك معرفيله بشيوز يكرمي طقوز ذى القعدة سي
 اواسطنده عجمده مراغه شهرنده خليفه نك چادر نه كيروب خليفه يي بجا قلمه اورو ب يانده بولنان توابعيله
 شهيد ايدوب بورن و قولاغن كبوب بالين بجا قلمه طشهره چيقدرنده عسكر او شوب ملعونلري قتل ايدوب
 بعده آتش ياقديلر * مسعود ايشيدوب اغليوب عسكرده فرياد و فغان قوبوب بغدادده خبر وارد قده
 ز قافله مردان وزنان نعره زنان قفا نلر ين يرقوب صاچلر ين چوزوب مرثيه لر ديوب عظيم ماتم و كوش
 اهل هوشي صداي و اويلالا اسم ايتديلر (نظم) دل بدين كند كردنده منه كين دولاب * آسمايست كه
 برخون عز بران كرد (نثر) مدت عمری قرق درت باقر بش مدت خلافتی اون يدي بيل ويدي باسكز
 آي ايدى (فصل ثلاثون در احوال راشد بالله بن المسترشد بالله) اسمي منصور لقبی راشد كني
 ابو جعفر در بشيوزايكده سبيليني قدر تدن مسعود طوغنغن اطبا كتورد يلوب التون ايكنه ايله ذكر
 و دبردن برر دولول دلد يله طقوز يا شنده ايكن بر جاريه حامل ايدوب بدر يي نجب ايتد كده مكه
 قرينده تهايه و لايتك اوغلا نجه قلمه طقوز يا شنده بالغ اولور ديو خبر وريدلر * بشيوز يكرمي طقوز
 ذى القعدة سنده پدي شهيد اولدقه بيعت اولندي عالم صحيح شاعر فصيح خوب صورت خوش سيرت اهل كرم
 و شجاعت صاحب عقل و كاست مائل عدل ايدى (خام و نهادت) مرويدركه خلافتندن

برقاج آي صكره سلطان محمود بغدادده تكمين خليفه موصله كيدوب مسعود علما و اركان واعيانى جمع ايدوب
 خليفه ظالم و خوني و شارب الخرد در ديو شاهد لشهادت ايدوب محضر يازلوب بويله خليفه يي سلطان زمان
 عزله قادر ميدرديو علمادن استفتاء ايتد كده قادر در ديكين * بشيوز اوتوز ذى القعدة سي اواسطنده خليفه نك
 عيسى محمد بن المستظهر بيعت اولنوب لقبى مقتني لامر الله قنوب راشده عزاني ايشده كده موصلدن
 آذر بايجانه واروب يانده اولان عسكر ايچون مراغه شهر نه مال صالوب ظلم و فساد ايدوب يانده همدانه
 واروب بعض مسلمانلري قتل و صلب و علمادن نيجه سنك صفالرين تراش ايدوب تشهير بلاد ايشدراندن
 اصفهانه واروب شهرى محاصره و نواحي سن غارت ايدوب اول حاله عظيم خسته اولوب اوتوزايكي رمضانك
 نصفنده طاقه نجه محمدن اولوب فراشلى اولان برقاج كسبه ساقام مسعود اتفاقيه ايجرو كيروب راشده بچاق
 او شروب قتل ايدوب انكه ييله خوارزم شاه دختي قتل اولنوب في الحال قاتلرد دختي جله قتل اولنديلر * مرويدركه
 راشد صاحب حسن يوسف و كرم حاتم ايلغين اهل بغداد ايشده كند بركون عزايه اوتوزوب ماتم ايتديلر *
 مدت عمری اوتوز بيل خلافتی همان اون برآي و اون بركون ايدى بعد القتل خلفايه مخصوص اولان برده
 و قضي مقتني لامر الله كتورديلر (فصل حادى وثلاثون در احوال مقتني لامر الله بن المستظهر بالله)
 اسمي محمد لقبى مقتني كني ابو عبدالله ايدى در نيزوسكسان طقوز ربيع الاولنده طوغوب بشيوز اوتوز
 ذى القعدة سي اواسطنده برادرزاده سي عزلنده قرق يا شنده بيعت اولندي (مناقب) مرويدركه
 خلافتندن التى كون مقدم واقعه سنده حضرت رسول كوروب (سيصل هذا الامر اليك فاقف يي)
 ديو بيورمغين بيعت اولدقه مقتني لامر الله ديوب قوندى * عامل و فاضل متدين كامل مدبر عاقل كريم
 الاخلاق عظيم الانفاق عظيم الاشفاق غايته اهل شجاعت و هر وجهه مستحق خلافت اولوب جزيات
 و كليات امور جله كند و معرفيله و خطي ايله صدور ايدرايدى بالذات نيجه غزال ايدوب حسن تدبيرى
 ورأى صائب دليبرى ايله تجديد مر اسم خلافت و تمهيد لوازم امامت و تشييد دعائم سلطنت ايدوب
 قد عين بوزيلان اركان خلافت قوت و نظام و رونق تام بولوب جميع ممالكى عدل ايله معمور و خيراته بر نور
 و خلق دختي حضور و جبروده ايد يله قبل الخلافه كلى عبادت و تلاوت و استفادة علومه مداوم بعد الخلافه
 دختي زهد و ورع و عبادته ملازم ايدى (بدائع وقايع) مرويدركه بشيوز اوتوزده سلطان مسعود سلجوق
 بغدادده اظهار عدل ايتشيكين دار الخلافه ده اولان جميع اموال و اسبابى آلوب همان خليفه يه درت آت
 و صوطا شيعه سكر قاتر قودى زير يانده آت و آلات سفر دن سنه طورمقى اوزره بيعت اولمشدى * اوتوز برده
 مسعود خليفه يه متعلق هر نه و ارايه آلوب همان مخصوص عقالر قلوب بعده وزيرى كوندروب
 بوز بيل فلورى ايتد كده خليفه دختي نه عجب مسترشد و راشد سزه كيدوب جله ماللري سزه قالد ي بزم
 دختي جله موجود بوز الديكر پس نه قالد يكه ويره بزم كراودن چيقوب اتى تسليم ايدى بزم خود اللهله
 عهد ايتد مشدركه مسلمانلردن ظلمه بر حبه المام ديدكده * مسعود فراغت ايدوب تجاره و سائر ناسه ظالمال
 صالوب الوب خلق غايته رحيمده و الم كشيده و زهر چشيده ايتدى * اشبوسنه جاذى الاولى سنده مسعود
 شقاغود خليفه يه جله اموال و املا كنى تسليم ايدوب خليفه دختي اوليكى كبي نصرفه و امر و نهى يي تكلفه
 باشلدى * يته بوييله خليفه سلطان محمد بن ملكشاهك فاطمه نام قيزى بوز بيل التون مهربايله نكاحلنوب
 الدى * يته بوييله اهل بغداد صوم رمضانك تكميل ايدوب اوتوز برنجي كيجه سي هوا چي ايكن هلال
 شوال كور غيوب بوقصه دن ياده واقع اولما مشدى * يته بوييل شامده برسيه بوات كلوب هواقراوب صكره
 آتش كبي بر قزل بوات كلوب دنيا برضيا اولوب صكره ريح عاصف اسوب نيجه بيحداغا جلريقبوب بعده عظيم
 يغمور و غايت ايرى طولور ياغدى * بشيوز اوتوزايكده ملوك ارا سنده فقرت اولوب اوسنه كعبه اورقوي
 كوندر لما كين تجار دن ابن امشيت القارى كند و مالندن اون سكر بيل التون اتى اورقواوردى * اوتوز اوج
 صفرنده حلبده بر كيجه سكرسان كره زلزله اولدى و دختي مصر و شامده اون بش كونه لك زلزله و دختي حلب
 خلق صحراله چيقوب انده ساكن و نيجه شهر لر خراب و بركون بر كيجه ده طقسان بر كره زلزله اولدى و دختي
 كوفه قرينده حيره شهرنده طولا و عرضا اون فرسخ برده عظيم زلزله اولوب حيره ده بيقلان باراننده

پوز بیکدن زیاده ادم هلاک اولوب بعده او قدر برجه یه کچوب شهر لک یزنده سیاه صو حیددی * نه بو بیلده
 امر المحصولات مالک مستولی اولوب سلطان مسعود و سلطان سنجار عاجز قالوب همان مجرد سلطنت لری نامی
 فالغین خلیفه نک قوت وشوکتی آرقوب بعده قوت ودوات آل عباس دمیدم زیاده اولدی * قرق برده مسعود
 بغداده کلوب ضر بخانه یادر و کاسب اولانی خلیفه طوقوب مسعود دخی خلیفه نک حاجبنی طوقوب
 خلیفه انجمنوب مسجد لری اوج کون قبادوب بعده حاجب و ضر بخانه جی قوبو و یر یلوب قننه باصلدی *
 نه بو بیل برواعظ کمال بحسنه مسعود کلوب واعظا کا خطا با حکیمانه و عارفانه نصیحت لرایند کده تأثیر
 ایتمکین بعض مظالمی ترک ایدوب بو خصوصی لوحاره قازدروب خلق بلمکچون طبل و علم ایله شهرده
 کردروب بعده بر مشهور یره میخلدوب ناصر الدین الله خلیفه اولد کده بزم مجمل عادتته حاجت یوقدر
 دیوب اول لوحلری قوبارتدی * قرق اوچده کفار فرنگ شاهی محاصره ایدوب حلب پادشاهی نورالدین محمود
 ابن زنکی برادر ی موصل پادشاهی غازی ایله واروب فرنگی صیوب قاجروب فرنگ الدینی شهر لری محمود
 برور قور تارمغه باشلدی * قرق درنده بغدادده اون کره عظیم زلزله اولوب عجمده حلوان شهرنده دخی
 برطاغ یاره لندی * قرق بشده عجمده قانر نکنده یغمور یاغوب اسباب لری و یر یوزینی قمرنی بو یادی
 (قبول دعاء) مرویدر که خلیفه مسعود له جله فوایدن جفار چکوب جنکه مجال اولماغین حضرت
 رسول علیه الصلاه والسلام بعض عرب قبیله لری نه بر آیه دلک صباح غازی فرضنک آنخرنده رکوعند نصکره
 بددعا ایتد کلمی کبی خلیفه ایله وزیر ی تنهارنده بشیوز قرقیدی جادی الاولی سنک بکرمی طقوزنده
 هر سحر بددعا به باشلیوب او قوز کون تمام اولد کده مسعود شهر همدانده تخت اوستنده نجاة وفات
 ایتدی خبری کلدی (نظم) آنکدیک آه میکند بسحر * نکند صد هزار تیغ و تبر (نثر) پس خلیفه
 واسط وحله و کوفه شهر لری نه واروب بعض مظالم و منکرانی رفع ایدوب بغداده کلد کده شهر ی تر بین یعنی
 دونامه ایتدی لر * قرق طقوزنده مصر پادشاهی وفات ایدوب بر کو چک اوغلی فالغین خلیفه مصری شام
 پادشاهی سلطان نورالدین نه وروب اودخی دایما فرنگی که جنکه مشغول اولغین کتدی * الی ایکیده ولایت
 شامده عظیم زلزله اولوب شیرز و حما و حص و حصن الاکراد و طرابلس و انطاکیه شهر لری بنک حصار لری
 و نیجه اولری بیقلوب بنار التنده بحدرو بیان انسان هلاک اولوب نیجه شهر لری و یران اولدی (متفرقات)
 مرویدر که مسعود وفاتیه خلیفه کمال استقلال بولوب امور سلطنتی پرا تظام و واصل مرام اولغله جله
 سر کشلری کندوبه رام ایتدی * مرویدر که مدت خلافتده کندو خطیله اوج مصحف شریف اجزاسن
 یازدی و کعبه معظمه نک قبوسن یکی یادر و ب اولکین تبر کا کندوبه تابوت ایتدردی و عالم و صالح
 و مشفق و اوصاف جیده غیر عدیده ایله متخلی ایکن معتصم بالله نصکره بویه شجیع و مهیه خلافت نصیب
 اولما شیدی و عسکر نصرت اثری هر نه یره کسه لر فح و ظفر میسر اولوردی و مقتدر بالله زماندنبرو
 امر آه اترک و ملوک عجم خلفا ایله بی شبهه و شک معظمات امور سلطنتده مشترک اولوب حتی خلفاء
 ذوالقدر السامینک همان مجرد خلافت لری نامی فالش ایدی * بونک زمانده خلافت قوت بولوب
 بوند نصکره دخی سائر خلفاء آل عباس بغدادده و سائر ممالک عراقده تسخیر ناس و شوکتله استیلا ناس
 ایدوب بی مانع و مزاحم کمال استقلال ایله حاکم اولدی لر (فائده) بونک زمانده وفات ایدن کار مشاهیر *
 علامه الدین محمود بن عمر الزخمری که صاحب الکشاف در و ابن عطیه که تفسیر شهر ی فی نظیر مؤلفیدر
 وفاضی ابو بکر بن العربی مؤلف قانون التأویل و ارجانی الشاعر وفاضی عباس مالکی مؤلف شفا و غیره
 و محمد الشمرستانی مؤلف کتاب ملل و نحل و دخی نیجه لرایدی (وفات) مرویدر که بشیوز لالی بش ربیع
 الاولی غره سنده خلیفه وفات ایدوب نمازی اوغلی مستجد قیلوب سر اینه دفن اولندی * مدت عمری التمش
 التي مدت خلافتی بکرمی درت بیل و اوج بیچی آی ایدی (فصل ثانی و ثلاثون در احوال مستجد بالله
 ابن المقتنی لامر الله) اسمی یوسف لقبی مستجد کنیتی ابوالمظفر اولوب بشیوز اوزون سکزده طوقمشدر
 (مناقب) مرویدر که قاره یاغز اوزون صفالو معتدل القامه علم کامل - لم شامل فهم ثاقب رأی صائب
 عقل وافر فضل باهر عدل ظاهر صاحب اولوب شجیع و مهیب ذکی و لیب شاعر بلیغ و فصیح و مدبر

اهل رأی صحیح رافع جمیع بدع و مظالم و دفع اشتیاده سیف صارم اولوب کرم و علم و حلم و رفق و شفقت
 و مفسد نه کمال بغض و غیظ و شدت اوزره ایدی * حتی بر غمازی حبس ایدوب بر کسنه انی اطلاق ایتدیر که
 اون بیک التون عرض ایتد کده بن سکا اون بیک التون و یریم نک بکا آنک کبی بر مفسد بولیو رکافی دخی
 حبس ایدوب مسلمان لری شمرندن خلاص ایدم دیدی * نظم و نثرده و علم اسطرلاب و نجوم و فلکیات و غیر یده
 ید طولایه مالک و ماهر اولوب بلیغ و سلیس و لطیف و نفیس اشعار بلاغت اشعاری و ارایدی * مرویدر که
 پدری حیاته و واقعه ده کوکدن بر ملک کلوب بونک اوجی ایچینه درت عدد حرف خایزوب ایرتسی
 بعض معبر لر سنه حسن و خسین و خسه هانده خلیفه اولورسن دیکه اشارت دردیو بشارت ایدوب بحکمه الله
 عینی واقع اولدی (فائده) مستجد زمانده وفات ایدن کار مشاهیر * دیلی مؤلف مسند الفردوس
 وزیر ابن هبیره و حضرت شیخ عبد القادر الکیلانی قدس سره و امام ابو سعید سمعانی و شیخ ابو النجیب
 السهروردی که شیخ شهاب الدین سهروردی بنک شیخیدر و دخی نیجه لرایدی (وفات) مرویدر که مستجد
 بشیوز التمش التي ربیع الآخر بنک سکزنده قرق سکر باشنده وفات ایدوب مدت خلافتی اون بر بیل
 و بر آی ایدی (فصل ثالث و ثلاثون در احوال مستضی بالله بن المستجد بالله) بعض کتیده
 مستضی بالله امر الله دیو یازمشدر اسمی حسن لقبی مستضی کنیتی ابو محمد اولوب بشیوز او قوز ایتدیده یاخود
 او قوز طقوزنده طوغوب حضرت حسن بن علی بن ابی طالبه نصکره بوندن غیری حسن آدلو خلیفه کلدی
 پدری وفاتده بیعت اولندی (مناقب) مرویدر که عاقل و مشفق عادل و منفق (مصرع) اهل جود
 و مخا و اهل وفا * و اوصاف جیده ده احسن خلفا ایدی تحتیه کد کده رفع مقاطعات غیر مشروعه به
 ندا ایتدروب علما و صلحا و زوایه نشینله اموال عظیمه اولشدر و ب ارکان واعیانه بیکدن زیاده خلعتلر
 کیدروب کمال سخا و غنای قلبندن یاتده مال و منالک ذره قدر قدر و حرمتی اولوب زمانده جمیع بدع
 و مظالمی رفع و امانه و رفق و شجیع مذهب لری دفع و امانه ایتدیدی * محب صلاح و مکب علی الفلاح اولغین
 مجلس و عظمه یوز بیک قدر کسنه جمع اولان شیخ ابن الجوزی بنک بحسنه واروب پرده آردنده او قور و ب
 دیکلردی اهل مکر و شر خوفندن اکثر ناسدن صاقینوب احتجاب ایدوب آه بند کده دخی وافر کسنه بیه
 آتلهوردی زمانده بغدادده و وافض آرز و اهل سنت غالب و ممتاز و سرافراز اولوب جله مسلمانان امن و امان
 و اطمینانده ایدیلر (بدایع و فایع) مرویدر که بشیوز التمش طقوزنده مصرده سلاطین فاطمیون منقرض
 اولغین ملک صلاح الدین انده وزیر ایکن پادشاه اولوب خطبه بی خلیفه نامنه او قودوب خبر کوئدر کده
 شهر بغدادده و تخت ایتدی لر * دمیدم خلیفه نک قوت وشوکتی آرقوب مصر و شام و حلب و جله دیار عرب و دخی
 بین و سر حدله خطبه بی ساری و جاری اولوب خلافتی استقلال و حکومتی بر کمال اولدی سنه منبوره ده
 ارض سواد عراقده بیوکاسکی قورنج قدر عظیم طولولر یاغوب بنار بیقوب وافر انسان و حیوان هلاک
 اولوب ایچلرندن بر بسی یدی بیک درهم وزنی و ارایدی * دخی دجله بحکم طاشوب حددن آشوب شهر ی
 غرق ایدوب جمعه نمازی حصاردن طشرده قیلبوب فرات دخی طاشوب قری و مزارع غرق ایدوب
 (ع) درگاه حقه خلق تضرع ایتدی لر * احوال بومنوال اوزره ایدکن بحکمه الله دجل ناحیه سنک
 مزارعی صومر لادن هلاک اولدی * تمش درنده بغدادده بر کجه نصف اللیله دلک بحکم یل اسوب کول یوزنده
 آتشدن دیر کار کبی علامت لک کورنوب صبا حه دلک طور و ب جله خلق درگاه خدای بی انبار چاره ساز بنده
 نوازه سوز و کداز ایل تضرع و نیاز ایتدی لر (فائده) مستضی زمانده وفات ایدن کار مشاهیر * ابن
 الخشاب الخوی و حافظ ابو العلاء همدانی و ناصح الدین بن البرهان الخوی و حافظ کبیر ابو القاسم
 و حافظ ابن العساکر صاحب التالیفات و حیص یص الشاعر و دخی نیجه لرایدی (وفات) مرویدر که
 بشیوز تمش بش شوالی آنخرنده یاذو القعدة نک ایکیسنده خلیفه او قوز طقوز باشنده وفات ایدوب یرینی
 اوغلی احمد وصیت ایدوب مدت خلافتی طقوز بیل و التي بیچی آی ایدی (فصل رابع و ثلاثون در احوال
 ناصر الدین الله بن المستضی بالله) اسمی احمد لقبی ناصر کنیتی ابو العباس ایدی بشیوز لالی اوج رجبت
 اوئده طوغوب پدری وفاتده بیعت اولندی (فائده در حلیه و مناقب و معایب) مرویدر که آق بکزلو

تاتار بوزلو کوزل کورلو نورانی النلو طوغان بوزلو سیرک وقرال صقالو ایدی محمد و عازم و مهمانی معد
وحازم عالم وحنی و عاقل و بلیغ و فصیح و کامل حددن بیرون اهل تدبیر و فکر و مکر ایله جهات تکر اولوب
کمال هیبتندن زهره ل چالو و انک خوفندن بیکد کسسه لر قریب هلاک اولورلردی * مهرینک نقشی رجانی
من الله عقوه ایدی * وافر اوصاف جمیده می واریکن رعایایه ظلم ایدوب و نیجه لک اموال و املا کارین آلوب
اندر دخی ترک دیار ایدرلردی و احیاناً بری برینه مخالف ایشلر ایشلیم و شیعه شنیعه مذهبنده اولوب
حتی شیخ ابن الجوزی بونک مجلسنده حضرت رسولد نصکره افضل امت کیمدر دیو صورلد قدده من بنته فی بیته
دیوب غایبه عارفانه ذوالوجهین جواب و یروب ابو بکر در دیو تصریحه قادر اولدی * مر ویدر که ولایت
بغداد نصکره احداث ایدیک رسوم و مظالم دن خرابه نوچه ایدوب کندوسی دخی کبوتر باز و بندقه انداز
اهل ظلم و اهل و صاحب جلب و سلب و محو ایدی (امور خلافت) مر ویدر که حسن تدبیر دلدیرله عظمت
و شوکتی دمام آرتوب مدت خلافتی دخی سائر خلفادن زیاده اوزابوب خروج ایدنلری قلع و قمع و مخالف
اولنلری دفع و رفع و ممالک عالمده اولان نیجه سلطان و امیری کین تدبیر کین تسخیر ایدی بحکمه الله هر کیم بوکا
خیانت و اضرا ایتکه نیت و اضرا ایتسه بر بلا به یارشدته گرفتار اولورلردی طالعی قوتده ایکن تدبیر و تسخیر
عالمده دقت و اطلاع احوال جمیع رعایا و برایایه غایت همت ایدوب هر شهرده و هر کو یلده نیجه جاسوسلری
وار ایدیکه مفردات احوال افراد انامی بوکا اعلام ایدرلردی * خصوصاً بغدادده هر محله نیک پاسبانی کیجه
اهل محله نیک خیر و شر دن مطلع اولدیغی احوال لرین یازوب صباح خفیه خلیفه به ویرلردی بویله
فکر و مکر و حیل و وسیله سله سلاطین و غیریدن اهل شر و خیر دن ایکی دوست اراسنه عداوت ایکی عداوت اراسنه
محبت بر اغوب انلر خبردار اولورلردی * غایبه مکار و حیل کار و دور بین پرافکار اولغین مصر و شام وین
و هند و عجم و نیجه ممالک عالمده سلاطین و سائر ناس بونک تدبیر و مکرندن خوف و هراس و توقظ و احترا سده
اولوب ممالک اسلامیه ده ایکی کسسه بریره کلوب بونک ذمه متعلق بر کلام سولیکه اقدام ایده مرلردی
معتصم بالله و نصکره هیبت خلافت زوال بولوب بونک زمانده مع زیاده کمال بولدی * کندودن مقدم اله
کتورلین مملکتلری فتح و ضبط ایدوب ولایت چینده و مغربده اندلس مملکتنده خطبه سی او قنوردی
بر مصلحت ایچون خوارزم شاهک مهر لو نامه سی کلد کده مکتوبی کتوردوب آچه دن ایلیجه وار کیت
نه مصلحت کلدیکان معلوم اولدی دیو خبر کوندروب اودخی حیران اولوب خلیفه غیب ییلور صافوب
دونوب کتدی * و هندستان دن بر کسسه سوره اخلاص او قنور بر طوطی ارغمان کتوردوب ویرمزدن
اول طوطی وفات ایدوب حریف غمناک اولوب ایرتسی خلیفه دن آدم کلوب طوطی بی استیوب حریف
اغلیوب وفات ایدی دیوب کلان آدم خلیفه انک وفاتی بلدی اما خلیفه دن نه رجا ایدرلد دیوب
حریف دخی بشیوز التون دیکده ایسته خلیفه سکا بشیوز التون کوندردی و سن چاق هندستان دن
جیق قدده مرادک بویلد و کنی خلیفه بلشدر دیدی * مر ویدر که جزئیات و کلیات بویله اطلاع کوستر دیک
کندویه جن مسخر اولوب بعض واقعات اموری انلر خبر ویرلردی دیشلر (بدایع وقایع) خلیفه شیمی
اولغین بشیوز کسسانده بغدادده امام موسی حرارین پناه اهل کلاه ایدکده نیجه مجرملر و مدیونلر کالنج
ایتمکله جرم و دیندن قورلدی عداوتلغین مسلمانلر عظیم ضرر اولدی * سکسان برده براوغلا خنق
طوغدیکه انک طوطی بر قارش درت بارمق اولوب همان بر قولای واریدی * سکسان ایکده دریس منجهین
ابومعشر بلخی کواکب شته میزاند جمع اولغین فلان کون باد صرصر اسوب عالمی زیروز بر ایدر دیکده
اهل بغداد قورقوب زیز میز ایدرلردی ایچنه ذخیره قورقوب وعده کوننده بحکمه الله اصلا ییل اسوبوب
حتی مناره لر یاغش مومار چقار یلوب طوطی ب شعلی تغریک ایده جک قدر یل اولماغین مخملمری
شهر اجمو ایدیلر * سکسان اوچده سلطان صلاح الدین قدس شریفی و نیجه شهرلری کافر النندن الوب
عظیم جنگلر ایدی * طقسان ایکده سکسانده بر سیاه یل اسوب عالمی بوروب خلق اوستنه قزل قوم باغدروب
کعبه نکر کن یاغشندن بر طاش دوشدی * سنه من بورده ملوک خوارزمیه دن علاء الدین خوارزم شاه
کسر و قهر ملوک کمال قوت و عظمت بولوب مملکتلر دخی خطبه آل عباسی کسوب بعده الی یلک عسکر ایله

نهر جیحونی بکوب سلاطین سلجوقیه کبی بغدادده او قنور ب خلیفه بی تسخیر ایتکه عزم ایدکده خلیفه
شیخ شهاب الدین مهروردی حضرت ندری ایلی کوندروب وارد قدده منع ایده میوب البته وارم دیو خبر
کوندر کده خلیفه دخی سلاطین سلجوقیه او قنور قلری سرانی بیقوب ایلی بی جوابسز خور و حقیر
کوندر کده خوارزم شاه ایشدوب حدتله همدانه کاد کده بی وقت عظیم قاریاغوب یکر می کون
چادر لرین اورتوب عسکری محکم الم چکوب بعض خواصی اهل بیت حضرت رسوله قصد ایدیکلر ایچون
حق تعالی غضب ایدی دیوب بحالده کند و مملکتلر دن ملوک ترکستان برهجوم صد دنده در دیو فریادی
کلمکین دونوب کتدی * طقسان اوچده عظیم آواز ایله بر عظیم یلدر دوشوب شدت صداسندن نیجه بنار
صار صلوب قیامت قویار صافوب خلق اغلشوب جناب باری به دعا و زاری ایدیلر * طقسان اتیدمه مصر دخی
تمام طاش میوب ایکی ییل عظیم ققط اولوب خلق قیر یلوب جیفه لر ییوب عجائب ظهور ایدی * طقسان ییدیه
مصر و شام و جزیره کردستانده عظیم زلزله لر اولوب قلعه لر و بنار بیقوب شام یاتنده بر قریه بره کتدی * طقسان
طوقوز مننده بر کیجه صباحه دل یلدرلری بری برلرینه کیروب چکر که اوچار کبی اوچوب دایما حرکت ایدوب
حضرت رسول صلی الله علیه وسلم ولادت کیجه سندنبرو مثلی واقع و ظهور ایتما کین خلق اغلشوب
تضرع و دعا لر ایدیلر * التیوز برده کفار روم النندن فرنک قسطنطنیه بی جبرایله الوب التیش ییلد نصکره
روم دخی فرنک النندن الدیلر * ینه التیوز برده ایکی باشلوا یکی اللودرت ایاقلو بر اوغلا شتی دوغوب لکن
یشامدی * التیوز اتیدمه ولایت چیندن کفارتا تاتارلر اشرار خروج ایدیلر تکیم اشاغیده باب احوال ملوک
چنکیز یه ده تفصیل اولور * یکر می برده خلیفه کعبه معظمه به بشل حر بردن بعده سیاهدن اورتور بوب
اوزماندن الی الان سیاه اورتیلور اولدی آندن اول مأمون خلیفه زماندنبرو آق حر بردن اورتی اورتیلورلردی
ارالقده برکه سلطان محمود غزنوی صارو حر بردن اورتیشیدی (فائده) ناصرک زمان خلافتنده
وفات ایدن بکار مشاهیر * ابن الانباری شیخ العربیه و سید احمد الرفاعی شیخ طائفه رفاعیه و ابن بشکوال
و سهیلی مؤلف روض الانف و امام عتایی حنفی مؤلف کاب جامع کبیر و امام برهان الدین علی مرغینانی که
صاحب الهدایه در و امام فخر الدین حسن که قاضیخان دیکله مشهور جهاندر و القاضی الفاضل و شمس
الاعتمه زنجیری شیخ الحنفیه و امام شاطبی شیخ القراء و شیخ ابو الفرج بن الجوزی و اعظ و صاحب تألیفات
و العماد الکتاب و فخر الدین الرازی و ابوالسعادات ابن الاثر مؤلف جامع الاصول و نهاییه در علم حدیث
و ابن الصباغ و ابن الدهان النحوی و ابوالبقاء المفسر و الشیخ نجم الدین الکبری و فخر الدین بن عساکر و دخی
بیکد ولایه کسسه لر ایدی (وفات) مر ویدر که خلیفه نکر اواخر عمرنده کوزلری ضعیف بلکه هیچ
کورمز اولوب لکن غایبه تحسند لکنندن بر فرده طو بوز میوب بر جاریه سنی کند و خطنه تقلید ایدرلردی
کاغذلری اکایز دروب خلق بلزلر ایدی و دایما ایچدی صوب بغدادده بی فرخ بردن کتور یلوب هر کون
آتشده قیسادوبیدی کوندر نصکره ظرفلر قونوبیدی کونه دل دخی صاف اولوب بعده ایچردی لکن
(لایغنی حذر من قدر) سمرنه مظهر اولوب مشانه زحمتنه اوغراوب نیجه دفعه مخدرات و منومات
ایچر یلوب عقلی کتد کده ذکر یار یلوب ایچندن طاش چقار یلوب التیوز یکر می ایکی رمضانک
آخر کونی یتش یاشنده وفات ایدی * مدت خلافتی قرقیدی ییل اولوب کندودن مقدم و مؤخر اولان
خلفادن هیچ بر بنک زمانی بو قدر اوزانما مشدر (فصل خامس و ثلاثون) در احوال ظاهر بامر الله
ابن الناصر لدین الله) اسمی محمد لقبی ظاهر کنیتی ابونصر ایدی بشیوز یتش برده طوغوب پدیری وفاتده
شوالک اتیداسنده الی بر یاشنده بیعت اولندی آق و قرمز ی بکوزلو غایت کوزل بوزلو کسسه ایدی
(مناقب) مر ویدر که عادل و دیندار عاقل و قار جمیده خصال و پسندیده فعال اولوب حضرت عمر
ابن عبدالعزیزه تقلید امید ایدوب عدل فراوان و احسان بی پایان و پدیرینک غصب ایتدوکی اموال
و املاکی صاحب لرینه ایصال و نیجه مظالم و مقاطعات ناسر و عی ابطال ایدی * بغدادده بعقوبا
ناحیه سندن اون ییلک التون حاصل اولورکن ناصر سکسان ییکه چقاروب ظاهر طاهر ذوالعدل الباهر
اون ییکه ایدرلردی واسطدن ظلمه جمع اولمش بوز ییکدن زیاده التون کلد کده جلوسنی صاحب لرینه ویردی

و شیخ عبد القادر کیلاقی اوغلینک اوغلی عماد الدین محمد کسم منته بغداده قاضی ایدوب پدری ناصر زمانند نبرو هر کجه با سبائل جمع محل رده خلقک احوال و اسرار بن یازوب خلیفه به خفیه ایصال ایدوب نیجه کسمنه ره ضرر ایشوردی ارشاد قاضی عماد ایلدوب بدعتی رفع ایدوب اما بونی ترک ایدرسکر خلق یوز بولوب آرزون اولور دیکارنده مسلمانلرک عیبلرین اچقده نه نفع وار برائتلرک صلاحنه دعایده لم دیدی و دخی قاضی به اون بیک التون و یروب مسجون اولان مدیونلری بونکله اطلاق و بذل اشفاق ایلدوب و قریبان بیراهی کجه سی علما و صلحا به یوز بیک التون اولشدر و بوقدر مالی نیچون تلف ایدرسن دیدکارتده بن ایکنک و دیکر دکان آجش باز دکانم قولتی خیر ایشلم که شمد نصکره نقد ریشاسم کرک ا کلار سزدیوب و دخی نیچون ذوق و صفا و تتم ایتمیوب کسب تعب و تالم ایدرسن دیدکارتده زراعت زمانی یکدی دیوب جائز که الله تعالی عمر یکی اوزون ایدد دیدکارتده ایکنک و دیکر دکان اچان نه قزاور قولتی بقیه عمر مده تحصیل خیرات ایدیم دیدی و خزینه به کیروب خزینه دار خزینه منزله زمانکرتده طولسه کرکدر دیدکرتده خزینه طولغیچون یا یلیوب بلکه فی سبیل الله توزیع ایچون یا پلشدر جمع مال عادت تجارت دیدی و سیر ایدد بر او دمه پدری زمانتدن قالمش وافر مهرلو کاغدر کوریلوب نیچون بونلری آچرسن دیدکارتده بو کاغذ بوقدر بر اچله سی غمز و کذب متعلق نسنه لر دیدی و الحاصل باب عدالتده بعض حکایاتی اولوب بی شک و بین ثالث عمر یندر دینک جائز دینک (بحسبه) التیوز بیکری او چده موصل و شهر زورده بر آیه دله عظیم زلزله را اولوب نیجه کوریلبره یکوب و دخی ایکی کره آیتونلدی (وفات) التیوز بیکری اوج رجبنده خلیفه الی ایکی باشنده وفات ایدوب مدت خلافتی همان جله طقوز بقی ای اولدی (ارباب الدول ما همون) و دخی (اتقوا فراسة المؤمن فانه ينظر بنور الله) مفهوم ملر نیجه خلافتد نصکره آریشایخی قلبنه لایح اولوب ایکنک و دیکر دکان اچان باز دکان کیم دیدی و واقع اولدی (فصل سادس و ثلاثون در احوال مستنصر بالله بن الظاهر بالله) اسمی منصور لقبی مستنصر کنیتی ابو جعفر اولوب بشیوز سکیان سکر صفر نده طوغوب پدری وفاتده بیعت اولندی کوزل یوزلو آق و قزل بکزلو سیاه بادام کوزلو طوغان بورنلر کر فاشلو صاری صقالو جسم و کونه قدایدی (مناف) مرویدر که جدی ناصر الدین الله بونک عقل و کالاتن و انکار و غی منکران کوروب محبت ایدوب لطیفه طریقه قاضی دیو چاغردی خلیفه اولدقده عدل و انصافه جود و الطافه و نظم احوال اطرافه باشلیوب علمایه کلی رعایتلر ایدوب مسجدلر کار بانسرایلر مدرسه لر بیمار خانه لر یا یوب نصرت اهل شرع و سنن و رفع فتن و دفع محن و جمع عساکر وجهاد عظیم المأثر و حفظ ممالک و ضبط مسالک و فتح بلاد و قلاع و قمع اعدا و اهل بدع واجب الاتقلاع ایدوب جله خلق بونک محبتنه اجماع ایتملردی (خیرات) مرویدر که بین البریه مستنصر به دیکله مسیحی فادیه دینا بر مدرسه علما و بر عظیم دار الشفا بنا ایتملدر مذاهب اربعه علماسنه شرط و یوز التمش بولک کتاب و وقف ایدوب اشبو خیراتی اوقافنک هر سنه محصولاتی یتیم بیک التوندن افزون ایدی (وقایع) بونک زمانده سابقاظه و رایدن کفار تانار ولایت چیندن چیقوب بلاد مؤمنینه کور اخذ بلاد و قتل عباد و شر و فساد ایدد کارنده خلیفه نک عسکری انلرک جنک ایدوب کفاری صیوب صد ورد و باب شر و شری مدوشد ایدوب بعده اول ملاعین بد را یله مدارا ایدردی بعض معتبرانده مذکوردر که کفار تانار دیار چین پادشاهی هلاکوبین چنکیزخان التیوز بیکری طقوزده آذربایجانده قصد ایدوب مستنصر خلیفه نک عسکری یار بل حاکی ملام معظم تاناری فاجروب او قوز او چده اربله تکرار کلوب مسلمانلر جنک ایدد کارنده وافر کافر قیریلوب باقیلری موصل اطرافه واروب قتل و فساد ایدوب مستنصر ماللر خرج ایدوب قوللر یازوب عسکر جمع ایتمدی (فانده) بونک زمانده وفات ایدن کار مشاهیر یا قوت الحموی و ابو القاسم رافعی شیخ الشافعیه و علامه یوسف السکاکی مؤلف متن مفتاح العلوم که معتزله دن ایدی و ابن المعطی مؤلف الفیه الفخو و حافظ عزالدین علی بن الاثیر مؤلف تاریخ کامل و اسد الغابه و ابن عتی الشاعری و سیف الدین الامدی صاحب تألیفات در علم کلام و حضرت شیخ عمر بن الفارض که قصیده تألیفه صاحبیدر مصرده وفات ایددی و حضرت شیخ شهاب الدین السهروردی مؤلف عوارف

المعارف و جمال الدین الحسینی شیخ الخفیه و ضیاء الدین ابن الاثیر که هم وزیر اولوب هم مثل سائر آدلو کتاب مشهور و تألیف ایتمشدی و حضرت شیخ محیی الدین بن العربی مؤلف فصوص و فتوحات و دخی نیجه لر ایدی رحمه الله علیهم اجمعین (وفات) مرویدر که خلیفه التیوز قرق جادی الاخره سنده پدری کبی الی ایکی باشنده وفات ایدوب بونک مدت خلافتی اون بدی بیل ایدی (خانجه) مرویدر که مستنصرک خفایح دیکله مذکور و مشهور غایت شجیع و قوی القلب برقرنداشی اولوب بن خلیفه اولورسم نهر جیحونی یکوب کفار تاناری قیروب ولایتلرین الورم دیکین مستنصر وفاتده بعض امرا آنک شجاعت و شهامتدن قورقوب مستنصرک اوغلی غایتده حایم و سادهدل و امور سلطنتدن حقیقه غافل اولغین کایعت ایدوب خلفاء عباسیه نک بغدادده اتقراض دوات و سلطنتلرینه و اکثر اهل بغداد اولان تخمینا اون سکر کره یوز بیک کبار و صغار و رجال و نساک قتل و شهادتلرینه بحکمه طالق الحوادث سبب و باعث اولدیلر تکیم بر صغیره دیکر مرقوم و کیفیتی انده معلوم اولور و انالله وانا الیه راجعون (فصل سابع و ثلاثون در احوال مستنصر بالله بن المستنصر بالله) اسمی عبدالله لقبی مستنصر کنیتی ابو احمد اولوب التیوز طقوزده طوغوب پدری وفاتده اولور یا شنده ایدی بیعت اولوب بغدادده آخر خلفاء عباسیه بودر اول خلفاء عباسیه اولان سفاحک دخی اسمی عبدالله اولوب بوقصه اتفاقات بحسبه دندر (فانده در مناقب و معایب) مرویدر که کریم و دین و پال اعتقاد و حلیم و این و صفاتی فواد اولوب لکن بی تدبیر و محب جمع مال و غافل و غیر ملاحظ المأل اولغین وزیر مؤید الدین بن علقمئی رافعی به جله امورین تقویض ایدوب اودخی اتی من اچنه کوره تسخیر و امور خلافتی کند و بلدوکی کبی تصرف و تدبیر ایددی (آمدن تانار) مرویدر که التیوز اتی سنه سندنبرو کاه پادشاهلری چنکیزخانله کاه اوغلینک اوغلی هلاک کو خانله بلاد اسلامیه به کوب انواع فساد ایدن کفار تانار چین بعد فتح یب البلاد ابتدا ولایت بغدادده قرق اوج سنه سنده کوب بعقبو انا حیه سنده خلیفه نک سرداری دویدر که کبر عسکر کفار تاناری صیوب فاجردی (ظهور ناردوبار) معتبرانده اولانک محصلی بودر که التیوز الی ایکیده یارده ولایت یمنده شهر عدنده قدر تدن بر عظیم آتش پیدا اولوب کجه اولدقده شراره پردودی هوا به صعود ایدوب دریایه دوشوب کوندز اولدقده آتش برنده عظیم دخان غمايان اولوردی الی درت جادی الاخره سنک اوچنی کجه سی مبینة منوره غایت هیبتلو کورلدی اولوب بعده ایکی کوندک دمام نیجه زلزله محکم اولوب بعده شهر یارم قوناق برده قدرت حقله بر عظیم آتش ظهور ایدوب نیجه طاعلری طاشلری قورشون کبی ایدوب مناره قدر علولری چیه قوب رعدا و ازندن زاده صدای اولوب تخمینا بیکری کونک بولدن هوا ده اثری کورینوب انک کال ضیاسندن مدینه شهر نده کجه موم باقعه حاجت الیوب کوندز کونشک نوری طوقش کبی قوتلو اولیوب من بورا آتش تدر بجله شهره یقلا شقده جله خلق مسجد شریف حضرت رسوله التجا ایلر یار و فغانلر و نضرع فراوانلر ایتمکین لطف حقله مدینه به مانند باد صبا صفایش و روح افزایلر اسوب بعده آتش شهر دن اوزاغه کیدوب محصل جله اوج آیتونلر یازوب یا یلوب طولی درت فرسخ عرضی درت میل اولوب طاشلری و بعض خرده طاعلری ایدوب بریره جمع اولوب سدا سکندر کبی بر یکباره سیاه طاغ اولدی حضرت رسول علیه السلام بو آتشک ظهور ایدد چکندن خبر و یروب (لا تقوم الساعة حتی تخرج نار من ارض الجبار نضی) لها اعتناق الابل بصری) بیور مشلر ایدی فی الحقیقه چاق ولایت شامده کبری و زنجیه اسمی بصری اولان ارض حورانده اشبو آتشک ضیاسنده دوره لر بوینی کورینوب مجزه رسول علیه السلام آشکاره اولدی (حرق) مرویدر که حکمت حقله سنه من بویه رمضانده مدینه ده مسجد شریف حضرت رسول علیه السلام فراشلندن بر بیک خطاسیله طوشوب جله سقف و دیوار و مسجدده هر نکه وار اینه یانوب خلق اوشوب سویندر مکه چاره بولمادی مسجد رسول ایکن یا غمسنه حکمت خصوصنده بر شاعر ماهر دیدیکه (نظم) لم یحترق حرم النبی اشبهة * یحترق علیه و ما به من عار * لکنما ایدی الروافض لامیت * تلك الرسوم فطهرت بالنار (غرق) بنه یو بیلده بغدادده نهر دجله محکم طاشوب شهرک اکثری غرق اولوب

وزیر خبانت نشانه نك كاشانه ضلالت آشپانه سی بیقلوب ویرانه اولدی (فتنه عظمی و مصیبت کبری
وزوال خلافت آل عباس شرفاً انما) کمال اجمال تفصیل حال بومنوال اوزره درکه دیار چینده مکی
اولان کفار تانار اشراردن چنکیزخان بدامان بی ایمان ینه کندو ولایتده ندر یجله صاحب قران اولوب
بعده اشاعیده بیان اولانه حق و جهله التیوزالتیده سلطان علاءالدین خوارزم شاهله والتیوزاون بشده
انک اوغلی جلال الدین خوارزم شاهله مانده شیر و بلیک مر ارا عظیم جنگ ایدوب جله بلاد عجمه مالک و تیغ
بی دریغی ایلد بیکد انسان هالک اولدی * بشیوزاللی بشده بغدادده سنیلرله رافضیلار اسنده برقنه عظیمه
اولوب اولر باصلوب ماللر بغمالنوب وافر رافضی قیرلده قده وزیر ابن علقمی دخی رافضی اولغین قلیندن
محکم انجنوب خلافتی آل علی به نکلده آل عباسدن انتقامه نیت ایدوب چنکیزخان اوغلی هلا کو به بغدادی
کلوب آلوب عباسیلری جله قیروب خلافتی اولاد حضرت علی به ویروب بغدادده نی کندو طرفتکن حاکم
نصب ایدر ایسک شمدیدن سکامعین اولوب کا کوره تدارک بشلام دیوخی کوندروب * اودخی نوله دیمکین
داما خضیه خبرلشوب مسکین خلیفه ساده دل و اهل حضور و غافل و جمع ماله محب و مکب و مائل اولغین وزیر
مکار خلیفه غفلت کاره بابا کر مجرد خوفندن چوق عسکر یازم شدربو قدر وظیفه اسرافتک اصلی بوقدر
دیوب ایکی دفعه ده اوتوز بش یلک عدد برار و خصم شکار عسکرک وظیفه لری کسوب و بونلری خضیه
شهردن سوردروروب بعده هلا کو به کل دیو خبر کوندروب اودخی کلوب بو طرفدن بقیه عسکر ایله سردار
قارشو واروب صواشوب مسلمانلر آز اولغین صیدوب قاجوب بعده هلا کو التیوزاللی الی محرمده
عاشورا کونی ایکوز یلک عسکر ایله کلوب بغدادک طشره سته قونوب مسلمانلر شاشوب امواج بلا
و آشوب باشند آشوب وزیر ملعون خلیفه به بن واروب ماینکزی صلح ایده می دیو کیدوب هلا کو ایله جله
آل عباسی قیرمغه عهدلشوب خلیفه به کاد کده همان مرادی قیزی اوغلکزه نکاح ایدوب سزکله
دوستلشوب سلاطین سلجوقیه کبی شریک اولوب بعده کیر و ولایت کتکدر انجق پس دفع شرایچون لازمدرکه
سعادتله سزا کابالذات واروب نکاح اولوب اوکتد کد فصره مراد کزهرنه ایسه ایده سز دیوب خلیفه ایده
ایله اولغین ایتاقوب (محرره) للمره لایمیدی الحذر * اذلا مفر من القدر * ان حل ما یقضی علی ال *
انسان قد یبعی البصر * مقه و منجه ارکان واعیان ایله وارد قده کافرلر بونلری بر جاده کوندروب بعده
وزیرلرین شهره واروب نکاح بهانه سیله علما و اکابر ییله کتور کده انلرک وزیر ایکیشر کتکدرک بونلری
اور یلوب خلیفه مسکین خطا ایله کلد و کتده نادم ولسان حاله بوشعری کویا کویاوترتم اولدیکه (نظم)
الی حقی مشی قدی * اری قدی اراق قدی * وایس بنافع ندی * فهان قدی فهان قدی * هلا کو ملعون
خلیفه بی و اوغلی بر رجواله قودر و کافرلر دجه اورمغه هلا کو ایدوب خلیفه نك بر قاج اولادی و بر قاج
عیلری دخی کیمی شهید کیمی اسیر اولوب قتل اشراف انام غام اولد قده دجله ایرماغنه کویا و قوردروروب
کافرلر شهره کیروب قبوله و صوبو لارینه کیر نلردن غیری صغیر و کبیر جلیل و حقیر جله مسلمانلری
اوتوز الی کونه دل یایی قیروب زفا قلد قده قان سیل روان اولوب جله اون سکر کزه یوز یلک کسینه
قتل اولندی * هر ویدرکه دور آدمدن تابصدور این دم عامه به سرایت ایتش بو یله بر مصیبت و ماتم
وظلم مضاعف و مدغم واقع اولامشدر دینلر * الحکم لله العلی العظیم * ذلالت تقدیر العزیز الحکیم
* بومصیبت قیامت نشان حقنده صاحب کاستان شیخ سعدی اهل عرفان بر لطیف قصیده
دیشدرکه مطلعی بودر (نظم) آسمانرا حق بودر خون بکرید بر زمین * بر زوال ملات مستعصم امیر المؤمنین
ای محمد در قیامت کبر آری سر زخاک * سر بر آوروین قیامت در میان خلق بین (روایت دیگر)
بعض نوار شیخ عربیه معتبره ده قصه من بوره بو یله مسطوره درکه وزیرلرین پرنساق هلا کو ایله اتفاق
ایند کده هلا کو بو کاسن بزه یار صادق ایسک بغداد عسکری غایت چوقدر تقلید سعی ایده سن دیوخی
کوندروب بودخی سابقا ذکر اولندیغی اوزره تقایل ایدوب هلا کو ایستد کده کلوب خلیفه عسکر
جمعه جالشوب اهل بغدادی بر لریله عهدلشوب قارشو واروب محکم صواشوب ایکی طرفدن بی روح
و مجروح چوغلوب عاقبت کفار صیشوب مسلمانلر ناری قوه ایدوب نیجه باشلر و اسیر ایله کلوب چادرلر ایله

طشره ده قونوب هلا کو وزیر انجنوب بری ظرافتله کتور دوب رنگ یکدی دیوخی کوندر مکی اوکیجه
وزیر ملعون جاسوسلر کوندروب مسلمانلری غرق ایچون دجله ایرماغنی یاردروب اوزرلرینه آقیدروب
اکثر عسکر و طوار و هر نکه و ارا بیه غرق اولوب بعضلری پیاده کویا جله قورتلوب وزیر خیا نتمسیر
حیله سنی هلا کو به بلدر مکی تکرار کلوب هلا کو رجوع ایدوب قارشو طورر عسکر بولغا مغین سابقا
ذکر اولندیغی اوزره وزیر حیله سیله خلیفه واعیان مملکت (مصراع) مرغ راجون اجل اید سوی
صیاد رود * مقه و منجه خلیفه کند و ارادتلر یله هلا کو ایاغنه منافق سوز یله واروب خلیفه به شهادت و جله
شهر خلقنه قتل عام باتمام واقع اولدی (نظم) عجب اولایه بواشیر جهان بیوفادن کیم * کیمی قودی کیمی
قویه النذن دادانک فریاد * قنی خجالت وافریدون که دون ایتدی انی کردون * قنی کینسر و دارا قنی اسکندر
و شداد * یله ویردی سلیمانی ایدندی اقمه لقمانی * رمیم ایتدی نریمانی نه قیلور کور جهان بیداد *
بوزر شول نقشی کیم یازدی * یقیر شول کوشکی کیم دوزدی * شو بید قله که ب دزدی دیر بر کون
انی نراد * نظر ایله بومعنا به کو کل و یرمه بودنایه * حذر ایت دوشمه غوغایه نه لذت فانی به نه داد
(متفرقات متبده از انواع متعدده) (۱) هر ویدرکه خلیفه هر قوم مظلوم هر حوکن مدت عری قرقیدی
مدت خلافتی اون بش ییل و سکر آری و بر قاج کون ایدی (۲) هر ویدرکه هلا کو ملعون قتل عامد نصکره
بغدادی ضبطه کند و بوا بندن بر حاکم دیکوب وزیر حقیر قیر ضعیفی طوقوب بره ملعون سن ولی نعمتک
اولان پادشاه که ویدنه بولدا شلر که بویه خیانت ایتش بکن بکانه ایسک کر کدر دیوب محکم سوکوب
کوزدن براغوب کفار ایچنده حقیر و خور و ایتد و کی خیانت نادم و بخصور اولوب * التیوز الی ییدی
اوانلنده انواع جفا ایله بی مهل و مطل قتل ایتدی (ع) لعنة الله علیه وعلیه ابد (۳) هر ویدرکه هلا کو غایتده
جبار و ستمکار و بی رحم و روی کفر خوی مستحق قاذورات و فحش اولوب جمع مدت خرو جنده و ذر و بقی
و فساد عرو جنده ممالک عالمده زمزه بی آمدن یکری کزه یوز یلک و اوتوز یلک کسینه قتل ایتشدر (۴)
هر ویدرکه مستعصم هر حوکن زمان خلافتنده وفات ایدن مشاهیر کار * شمس الائمة کردوی شیخ الحنفیه
و شیخ نقی الدین الشهیر بابن الصلاح و علم الدین السخاوی و ابن یعیش شیخ الخو و ابن البطار مؤلف کتاب
مفردات در طب و علامه ابن الحاجب مؤلف کافیه و شافیه و غیره و رضی الدین الصغانی مؤلف عباب
وزمملکاتی مؤلف انجمنا القرآن و شمس خسرو شاهی و مجد بن تمیمه و یوسف سبط ابن الجوزی مؤلف تاریخ
مرآت الزمان ایدیلر * هر ویدرکه مستعصم بالله و فاتیله بغداددن دولت عباسیه زائل و بدر قدر عالیلری
آقل اولوب التیوز الی طقوزده ولایت مصره منتقل اولدی لکن مصرده کی خلفا بغداد خلفای کبی
متصرف امور اولوب بولوم مصرک لارنده مقهور اولوب مرا جعت عامه خلق همان سلاطینه اولوردی
تکیم اشاعیده احوال خلفا و سلاطین مصر فصللر ندمه کوردر (باب ثالث) در احوال ملوک بنی امیه
در ولایت مغرب) بو طائفه ابتدا یوز او توز سکر زده ظهور ایدوب جله اون بش نفر و مدت سلطنتلری ایکوز
سکسان درت ییل و تحتشکاهلری مغربده قرطبه شهری ایدی (مقدمه) اولامعلوم اوله که دیار بغدادده
اولان خلاء عباسیه زمانلر ندمه ممالک سمیه اسلامیه ده تغلب طریقه پادشاه اولنلر بیکدولایه عفرقه اولوب
لکن نوار یچنده عام و مکمل مرتب و مسلسل ذکر اوانسان سلاطینک بین الجمهور مذکور و مشهور اولان
فرقه لری بونلر درکه طبقه لری اسامیه یله اوقات ظهورلری تاریخی حالاجالا یاز یلوب بعده هر فرقه نك
ترتیبلری اوزره مفصلاً احوال لری بیان و عیان اولنور (ملوک طبقه ثانی بنی امیه در ولایت مغرب) ظهور
ایشان فی ۱۲۸ هـ (ملوک صفاریه در ولایت عجم) ظهور ایشان فی ۲۱۵ هـ (ملوک سامانیه
در ولایت عجم) ظهور ایشان فی ۲۶۱ هـ (ملوک فاطمیه در ولایت مغرب بعده در مصر) ظهور ایشان
فی ۳۵۷ هـ (ملوک دیلمیه در ولایت عجم) ظهور ایشان فی ۳۲۲ هـ (ملوک غزنویه در ولایت
عجم) ظهور ایشان فی ۳۸۹ هـ (ملوک سلجوقیه در ولایت عجم و بغداد) ظهور ایشان فی ۴۳۲ هـ
(ملوک سلجوقیه دیگر در ولایت کرمان در دیار عجم) ظهور ایشان فی ۴۳۲ هـ (ملوک سلجوقیه دیگر
در ولایت یونان یعنی قرمان) ظهور ایشان فی ۵۰۰ هـ (ملوک خوارزمیه در ولایت عجم) ظهور ایشان

فی سنه ۹۰۰ (ملوک انا بکیه در حلب) ظهور ایشان فی سنه ۵۱۰ (ملوک انا بکیه دیگر در دیار عجم)
 ظهور ایشان فی سنه ۵۲۳ (ملوک ابویه در مصر) ظهور ایشان فی سنه ۵۶۹ (ملوک چنگیزیه
 در ولایت چین و عجم) اگر چه نیجه ری خصوصاً اولاری کفار اولوب لکن بعضری مسلمان اولغین جمله سی
 ملوک اسلامیه اراستنده یازلدی ظهور ایشان فی سنه ۶۶۰ (ملوک ترکمانیه در مصر) ظهور ایشان
 فی سنه ۶۵۲ (ملوک چراکسه) که خاقان بغداد انتراضند نصرکه مصرده اولان خاقان عباسیه زمانده
 پیدا اولدی لر ظهور ایشان فی سنه ۷۸۴ (ملوک آل عثمان) اگر چه کیم یونلر چراکسه دن سکسان
 بش ییل اول دیار رومده فی سنه ۱۰۹۹ ده ظهور ایتدی لر لکن بیان احوالری تفصیل کای اقتضا ایتمکله
 بشقه قسم اولغین بشقه دیباچه ایله چراکسه دن نصرکه یازلدی (فصل اول در احوال امیر عبدالرحمن
 الاموی) عربجه بکه و پادشاهه امیر دینکین بوکادخی امیر دیدیلر یوخسه آل رسول دکل ابدیکی مقرر در
 زیر معاویه بن هشام بن عبد الملک بن مروانک اوغلیدر پدری معاویه خلیفه اولیوب لکن جدی
 هشام یوز قاروده ذکر اولنان خاقان بنی امیه دن ایدی یوز یوخسه معتبره ده مذکور در که ظهور دولت
 آل عباس قنده سنده اطراف عالمده بنی امیه طائفه سنک مشهور اولدی قتل اولند قده عبد الرحمن فاجوب
 ولایت مغربده اندلس دیارنه واروب بنی امیه طائفه سنک فاجتوئلری یونک یاتنه جمع اولوب یوز او قوز
 سکرده قرطبه شهرنده سلطنته بیعت اولندی یونک چشم و درازو لاغر و خفیف العارضین اولوب لکن عالم
 کامل حاکم عادل ایدی شهر قرطبه ده برکاسانی جامع ایدوب یوز یونک فلوری صرف ایدی بعض معتبرانده
 طولی یوز عرضی سکسان ذراع بر عظیم جامع یابوب ایچنده یونک عدد دیرک اولوب جامعک بدایع صنایعنه
 استادان جهان حیران قلوب یالکتره نبری بناسنک اجرتنه اون یونک التون ویرلشدی دیومذ کوردر یوز بش
 ربیع الاخرنده وفات ایدوب مدت سلطنتی او قوزدرت یا او قوز اوج ییل ایدی (فصل ثانی در احوال
 امیر هشام بن عبدالرحمن) پدری وفاتده تخته کیدی یوز سکسانده او قوز سکر یاشنده وفات ایدوب
 سلطنتی ییدی ییل ایدی (فصل ثالث در احوال امیر حکم بن هشام) پدری وفاتده تخته
 کجوب لقبی مرتضی ایدی ایکی عیسی سلیمان و عبدالله یونک اوستنه خروج ایتد کارنده ایکسینه دخی ظفر
 بولوب سلیمان قتل ایدوب عبدالله صلح اولدی * ایک یوز الی یاسکر ذی الحجه سنده الی ایکی یاشنده
 وفات ایدوب سلطنتی یکریمی الی یاکریمی ییدی ییل ایدی (فصل رابع در احوال امیر عبدالرحمن بن الحکم)
 پدری وفاتده تخته کیدی پدری واجدادی سکضرب ابیحیوب اطرافدن کلان نقود مسکو کدی خرج
 ایدر لرایدی * مزبور عبدالرحمن عالم و کامل مدبر فاضل و عاقل اولغین کدر زمانه سک فازدروب التون الحقه
 کسدردی سلطنتی غایت قوت و شوکت و عظمت بولوب التونلو لباسلر کیمک احداث ایدوب کتب قدما
 و حکای مملکنه کتورتدی * ایک یوز او قوز طوقوزده التمش اوج یاشنده وفات ایدوب سلطنتی او قوز بر ییل
 اوج آئی اولوب قرق بش نفر اوغلی قالدی (فصل خامس در احوال امیر محمد بن عبدالرحمن) پدری
 وفاتده تخته کیدی عقبه صحیح و بلیغ فصیح خوش تماد و کثیر الجهاد ایدی مغربده وادی السلیط اولورده
 کفار ایله بر حرب عظیم و ضرب الیم ایتدیکه مثلی دیناده واقع اولیوب او چیوز یونک کافر قتل اولندی دیشلو
 اسیر اولاندن غیری * ایک یوز بش اوج صفرنده التمش بش یاشنده وفات ایدوب سلطنتی او قوزدرت ییل
 اون بر آئی اولوب او قوز اوج نفر اوغلی قالدی (فصل سادس در احوال امیر منذر بن محمد) پدری
 وفاتده تخته کجوب ایک یوز طوقوزده یاشنده یا بش یاشنده وفات ایدوب سلطنتی یکریمی ایکی یا همان
 ایک ییل ایدی (فصل سابع در احوال امیر عبدالله بن محمد) برادری وفاتده تخته کیدی علم و تقواده
 اسلاف و اخلاقدن زیاده ایدی او چیوز ربیع الاخرنده قرق ایکی یاشنده وفات ایدوب سلطنتی بش ییل
 اون بر آئی ایدی (فصل ثامن در احوال ناصر بالله بن عبدالرحمن بن محمد امیر عبدالله) جدی وفاتده
 تخته کجوب یونک پدری محمدی بابایی عبدالله پادشاه ایکن بر حدیثی ایچون قتل ایتدی یونک زمانده
 بغدادده آل عباسدن خلیفه اولان مقتدر بالله اطراف بکار یونک و خار بیلر زبونی اولد قده اشیر عبدالرحمن
 آل عباسه تلقیرا کندو به خلیفه و امیر المؤمنین و ناصر بالله لقبلر بن قویوب ولایتی بخفته کندو بی

خطبه ده و غیری برلرده یوز جهله ذکر ایتک امر ایدوب کشدودن مقدم پادشاه اولان آبا واجدادنه همان
 امیر فلان دیرلردی * فواجح مسکینه ده مذکور در که مغربده مالک ناصر اموی عالم کامل اولوب خواص علوم
 خفیه و اسرار عجیبه به غایت مائل اولغین هند پادشاهی مله و نیجه هدایا ایله کاتب کلیله و دمنه بر تصویر
 و علم حروفده سفر حضرت آدمی یعنی کتبی و جنت زیوتودن و مهر سیندن به کرمی بروق اوستنده
 حضرت آدمه نازل اولان کاتب اسرار حروفی که خواص عجیبه بی جامع و نافع ایدی کوندروب قسطنطنیه
 پادشاهی حکیم ارمانوس دخی علم خواص بناتانده لسان اغریقی یعنی لغت یونان قدیم اوزره ابتدا تألیف
 اولنان کاتب حکیم دیسکوریدوسی و اسان لاطینی یعنی لغت فرنک اوزره تألیف اولنان قوار یوخ ملولر روی
 نیجه هدایا ایله کوندروب اوج ییلد نصرکه اول کلبده امیر ورمی نامعلوم اولان بناتانک بعضی تعیین و تبیین
 ایتدیکه نیقوله نام راهبنی کوندردی * مزبور ناصر او چیوز الی رمضانده یتمش اوج یاشنده وفات ایدوب
 سلطنتی الی ییل و الی یایدی آئی اولوب اون بر نفر اوغلی قالدی (فصل ناسع در احوال حکم بن عبدالرحمن)
 لقبی مسنصر بالله یا مقتدر بالله ایدی پدری وفاتده تخته کجوب عالم فاضل عاقل کامل ایدی او چیوز
 التمش الی صفرنده وفات ایدوب سلطنتی اون بش ییل الی یاکریمی بش آئی ایدی (فصل عاشر
 در احوال مؤید بالله هشام بن حکم) پدری وفاتده اون بش یاشنده تخته کجوب حاجبی یعنی قیوچی
 باشیسی او عامر القبطانی جمیع امور سلطنتی مستقلاً کوروب کندو به منصور لقبی قودی او چیوز
 طوقوز جمادی الاخره سنده هشامک اوستنه عیسی اوغلیک اوغلی محمد بن هشام بن عبد الجبار
 ابن عبدالرحمن الناصر بالله خروج و خلق اکایعت ایتد کده هشامی قرطبه شهرنده حبس ایدوب تخته
 کیدی هشامک سلطنتی او قوز اوج ییل ایدی (فصل حادی عشر در احوال مهدی بالله محمد بن هشام
 ابن عبد الجبار بن عبدالرحمن الناصر بالله) پدری و جدی پادشاه اولیوب پدرینک جدی ناصر
 پادشاه ایدی ایکی اوج سطره مقدم کیدی اوزره هشام بن حکمی حبس ایدوب یرینه کچمشدی بر ییل
 اوج یادرت ایدنص کیره در تیوز شوالی اوائلنده سر کتدین تدان عیان اولوب اقر باسدن سلیمان
 ابن الحکم بن سلیمان بن عبدالرحمن الناصر بالله دخی یونک اوستنه خروج و بودخی عسکر جمع ایدوب کاهجوم
 ایتد کده سلیمان فاجوب لکن ارکان و اعیان محمدی خلع ایدوب محبوس اولان هشامی تکرار تخته
 کجور مکین محمدی طوقوب قتل ایتدی محمدک سلطنتی همان بر ییل اوج آئی ایدی (فصل ثانی عشر
 در احوال مؤید بالله هشام بن الحکم در سلطنت دفعه ثانیه) مزبور مهدی بالله اعیان مملکت عزل
 و یونی حبسدن چقاروب نصب ایتد کارنده غایت آرزماند نصرکه نه در تیوز سنه سی ایچنده سابقه هدینک
 اوستنه خروج ایدن سلیمان تکرار عسکر جمع ایدوب هشامی قرطبه شهرنده محاصره ایدوب عاقبت شهری
 جبراً قتلده فتح ایدوب تخته کجوب هشام اراقدده غائب اولدی (فصل ثالث عشر در احوال مستعین
 بالله سلیمان بن الحکم بن سلیمان بن عبدالرحمن الناصر بالله) اوائل ظهوری ایکی فصل سابقه مذکور در
 تخته کچد کده کندو به مستعین لقبی قودی اوج ییل و درت اید نصرکه در تیوز یددی محرمنده اولاد
 رسولدن علی بن جود بن میمون بن احمد بن علی بن عبدالله بن عمر بن ادريس بن عبدالله بن حضرت امام حسن
 خروج ایدوب کندو به متوکل علی الله یا ناصر بالله لقبی قویوب عسکر چکوب سلیمان و برادری
 و پدرلری قتل ایدوب تخته کجوب سابقاً غائب اولان هشامک موتی اطهار ایدوب بر ییل و طوقوز آئی
 پادشاه اولوب لکن یومدت ایچنده کشدونک دخی اوستنه بنه آل رسولدن عبدالرحمن امیر لقبی اقبلو
 برکسنه خروج ایدوب علی انیکله عظیم جنگار ایدوب محکم بلالر چکوب عاقبت علی بی در تیوز سکر
 ذوالقعدده سنده خدمتکارلری جام ایچنده قتل ایدوب یرینه برادری قاسم بن جود تخته کجوب لقبی قائم بالله
 یا خود سامون قویوب در تیوز اون ایکیده یا اون برده قاسم اوستنه برادرزاده مییحی بن علی خروج ایدوب
 لقبی معتلی بالله قویوب ارازنده نیجه جنگار اولوب عاقبت عیسی قاسمی طوقوب حبس ایدوب انده
 وفات ایتدی بر ییل و یدی اید نصرکه مییحی اوستنه سابقاً قتل اولنان مهدینک برادری عبدالرحمن
 خروج ایدوب واجدادی تخته کجوب ییحی قتل اولندی (فصل رابع عشر در احوال مستظهر بالله

عبدالرحمن بن هشام بن عبدالحبار بن عبد الرحمن الناصر بالله) سابقا خروج ایدنزل آنری اولان یحییانک
اوستانه خروج ایدوب رمضانده بیعت اولنوب ایکی اوج ایدنصرکره قتل اولنوب یاخودخلع اولنوب
بعد زمان قاجوب یولده وفات ایدوب بعض کتیده سابقا مذکور اولان سلیمان بن اشاعسی ذکر اولما مشدر
(فصل خامس عشر در احوال مستکنی بالله محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله بن عبد الرحمن الناصر بالله)
مستظهر خلغ اولدوقده خلغ یو کایبعت ایدوب بریل درت آی کجکده بودخی سلطنتندن خلغ اولندی
(فصل سادس عشر در احوال معتمد بالله هشام بن عبد الملك بن عبد الرحمن الناصر) در تیوزاون سکزده
مستکنی خلغ واشبوهشامه بیعت اولنوب بعده نیجه قتنه واختلاف ظهور ایدوب عاقبت در تیوز
یکرمی ایکیده خلغ وحبس اولنوب انده وفات ایدوب دوات بنی امیه بالکلیه زائل وناپایدار اولدی
الملک الدائم للواحد القهار (روایت آخری) بعض کتیده سابقا ذکر اولان محمد بن هشام بن عبدالحبار
بن عبد الرحمن اوزر شمه برادرزاده می هشام بن سلیمان بن عبد الرحمن الناصر خروج ایدوب خلغ اکیبعت
ایدوب رشید دیواقب قونوب بعده عیسی من نور محمد بن هشام بن عبدالحبار یونکله جنگ ایدوب یونی قتل
ایدکده خلغی انک خلعه اتفاق ایتمکین کیزلنوب بعده قتل اولنوب انک قتل ایدوکی هشامک برادری سلیمان
بن حکم المستنصره بیعت اولنوب لقبن مستعین بالله قونوب در تیوزا تیده سلیمان ایلدخی جنگ اولنوب
سلیمان اسیر اولنوب عبد الرحمن بن عبد الملك بن الناصر تخته کچوب مرتضی دیواقب قونوب بریل ایچنده
قتل اولنوب دوات بنی امیه ضعف بولغین آل رسولدن علی بن جود در تیوزیدی محرمته تخته کچوب
در تیوز سکزدی القعه سنده قتل اولنوب برادری قائم المأمون تخته کچوب اون برسنه سنده خلغ اولنوب
قائمک برادرزاده می یحیی بن علی بن جود تخته کچوب معتلی بالله دیواقب قونوب بریل یدی ایدنصرکره
قتل اولنوب بعده دوات بنی امیه عودت ایدوب مستظهر عبد الرحمن بن هشام بن عبدالحبار تخته کچوب
اللی کوندنصرکره قتل اولنوب محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله بن عبد الرحمن الناصر تخته کچوب مستکنی
دیواقب قونوب بریل درت ایدنصرکره خلغ اولنوب هشام بن محمد بن عبد الملك بن عبد الرحمن الناصر تخته
کچوب معتمد دیواقب قونوب برمدت سلطنت سوروب بعده خلغ وحبس اولنوب در تیوز یکرمی ایکی مقررده
وفات ایدکده دوات بنی امیه بالکلیه زوال بولدی دیومذکور در دوات عالم (باب رابع در احوال ملوک
صفاریه) بوطانقه ایکوزاللی برده دیار مجمده ظهور ایدوب جله می همان اوج نفر و سلطنتلری
اللی بیل ایدی (فصل اول در احوال یعقوب بن لیث الصفاری) پدیری لیث اهل حرفت اولوب صنعتی
دمور و باقر جنسندن اولان نوح یاقی اولغین صفاری برلر ایدی عربجه صغرتو جنگ اسمیدر منور یعقوب
ملوک مجمندن برینه سرعسکر اولوب بعد زمان سپاهیلر یونک ضبط و تدبیرین و لطف کثیرین کوروب
دلپذیر لری اولغین جله می یوکانایع اولدقلزنده هرات و پوشیج شهرلرینه پادشاه اولوب بعده قوت بولدوقده
بلخ و کابل و نیشابور و اهواز شهرلرینه بعده سجستان و کرمان و خراسان و خوزستانه و اکثر عجمه ستانه
مالک اولوب شهر نیشابوری تختگاه و باب عزت اتسان زمره دادخواه بناده ایتمشیدی * عاقل کامل
صالح عامل شجیع مهیب مدبر مصیب ثابت قدم صاحب کرم عالی هم اهل نعم کسسته ایدی * خلفاء
عباسیه دن معتمد علی الله یونک ظهورین ایدنکده عراق طاکن یونک اوستنه کوندروب جنگ ایچنده
حاکم اسیر اولغین یعقوب کال قوت و شوکت بولدی * معتمدک برادری و سرعسکری موفق بالله دخی بردقعه
یونکله صواشوب یعقوب مغلوب اولمشدی آخر عمرزده مغلوب اولوب اطباحقنه ایتمک ایستدکارنده
رضا و یرماتکین وفات ایدوب * مرویدرکه وصیتی اوزره سنک منارینه یوکلای قازدیلرکه (نثر)
هذا قبر یعقوب المسکین (نظم) ملک خراسانا و اطراف فارس * وما کنت عن ملک العراق بآس *
سلام علی الدینا و طیب نسبها * کان لم یکن یعقوب فیما یجالس (فصل ثانی در احوال عمرو بن لیث)
الصفاری برادری وفاتیده برینه کجی مساعده شوکتی یوما فیوما متزاید اولغین بغدادده خطبه رده
یو کادعالونب اندن اول بومرینه بر پادشاهه میسر اولما مشدی * شیراز شهرزده برجامع بالا ایستدر آخر کار
(مصرع) قائم ای اقبال وادبار * لخوا سخته زمان فی امان نامهر بان بوندن روگردان اولوب

خلفاء عباسیه دن معتمد بالله امیر اسماعیل سامانی یی اون ایکی بیل کسسته ایلد یونک اوستنه کوندروب
بودخی سکسان بیل نفر عسکر اوزدر یکریه مقابله یه مقابلد ایدکده جوش جنگ پر خروشدن التنده کی ات
بلکلیوب دشمن آلاینه قاجوب بی زحمت و بی تدبیر محض حکمت رب قدیر ایلد اسیر و همچون شیردلیر بسته
زنجیر اولوب بوحال عبرتال ایلد دوه یه بندریلوب خور و حقیر بغدادده اسیر کونوردیلر مدت سلطنتنده
کیدلار و مطبخی آلات و مهماتن او چیوز یاالتیوزدوه کونوررکن عاقبت زندانده اجلندن وفات ایدوب
(نظم) قلت را خود این رسم و آیین بود * که در مهر و روزیدنش کین بود * چو استاد صنعت کز حق با *
نخستید چیزی که نکردت باز (فصل ثالث در احوال طاهر بن محمد بن عمرو) جدی اسیر اولدوقده
یوقاجوب * حستمانده عسکر جمع ایدوب فارسه کلوب سابقا جدی اسیر ایدنر معتمد خلیفه یونک دخی
اوستنه عسکر کوندردکده ینه * حستمانه قاجوب انده وفات ایدوب دوات صفاریه بالکلیه منقرض اولدی
(نظم) نعمت دنیا میرا سر خورده کیر * هر قاشا کونکر دی کرده کیر * ملک دنیا چون نماید پایدار *
مشرق و مغرب بدست آورده کیر (باب خامس در احوال ملوک سامانیه) بوطانقه عادل و عاقل و مدبر
امور کامل کسسته لراولوب خراسانه و اکثر ممالک عجمه و هندستانه و ارنجه جمیع بلاد ماوراء النهره مالک ایدیلر
تختگاهلری شهر بخارا اولوب جله می اون نفر ایدیلر اول ظهورلری ایکوزالتش برده اولوب مدت سلطنتلری
یوزایکی بیل والی ایدی (فصل اول در احوال امیر اسماعیل بن احمد بن اسد بن سامان) مرویدرکه
منور سامان حضرت رسول علیه السلام دن اول کلان ملوک مجمندن بهرام جو بن نسلندن اولوب
اجدادنک اکثری ملوک دیار ماوراء النهر ایدیلر اول ولایتلری حضرت عمر رضی الله عنه خلافتنده مسلمانلر
ضبط ایدکده نصرکره سامانک پدیری سلطنتندن ساربانلق مرتبه سنه نزول ایدوب (نظم)
که یی بار سالار و که ساریان * چنین آمده رسم این کاربان * بعد زمان مأمون خلیفه زمانده خراسان یکی اسیر
طاهر سامانک لایق تربیت ایدوکی بیلوب کلی رعایت ایدوب سامان وفات ایدکده اوغلی اسدی مأمون
ماوراء النهره بر شهره حاکم ایدوب بعد زمان مستقل پادشاه اولدی اسدک بر قاج اولادی بعض بلاد خراسانه
حاکم اولمشدی * مرویدرکه منور اسماعیل عادل و لیب و مدبر مصیب اولوب زمانه می خلیفه سنه
اطاعت و محبت اوزره ایدی * ترکستانه و بعض ممالک غزالر ایدوب نیجه ممالک ترقه و ضبط ایدوب *
عمرو بن لیث الصفاری جنگده اسیر ایدوکی بر صغیره یوقاروده کچمشدر (فصل ثانی در احوال امیر احمد
بن اسماعیل) پدیری وفاتیده برینه کچوب الی بیل والی ایدنصرکره خدمتکارلری یونی قتل ایدیلر *
تاریخ سیر خواننده مذکور در که یونک ممالک سنده بعض خار جیلر ظهور ایتمکین انزلد دفعنه عسکر چکوب
ممالکنی کزوب جاتندن بزوب دائما علما ایلد اختلاط و صحبت ایتمکین خدمتکارلری بوندن نفرت ایدوب
او چیوز برده بر کجه خدمتکارلری یونی قتل ایدوب بخاراده دفن اولنوب بعده بعض قاتلری طو تیلوب
قصاص اولدیلر (فصل ثالث در احوال امیر نصر بن احمد) پدیری شهید اولدوقده اون یاشنده تخته
کچوریلوب عاقل و عادل و حلیم و کریم و اهل شجاعت و همت و نعمت و لطفی عیم ایدی * تدبیر امور ایلد
تسخیر جهور ایدوب ضبط بلاد و ربط عباد و کسر اهل عناد ایتمکین اشبوجهان فانی بنیان محنت
آشیانده نیجه زمان ککامجش و کامین و کامران اولدی * عارف کامل اولغین اوغلنه ایدوکی نصایح
اطیفه می بعض کتیده یازلشدر * اوج آی سل مر ضه مبتلا اولوب او چیوز او تیز برده او تیز سکزیاشنده
وفات ایدوب سلطنتی یکرمی سکزیبیل ایدی (فصل رابع در احوال امیر نوح بن نصر) پدیری وفاتیده
برینه کچوب زمانده خروج ایدن عدوسله و نیجه دفعه و عظیم خار جیلرله بالذات و بالواسطه جنگلر ایدوب
برایکی کره صینوب قاجوب ولایتن آخر کسسته ضبط ایدوب بعده بنه ظفر یولوب برینه کجی عادل و عاقل
کسسته اولغین او چیوز قرقده وفات ایدوب سلطنتی اون ایکی یااون اوج بیل ایدی (فصل خامس
در احوال امیر عبد الملك بن نوح) عاقل و عادل کسسته ایدی پدیری وفاتیده برینه کچوب یدی بیل
والی ایدنصرکره کوی و چوکان او بنارایکن آتدن دوشوب اول آنده جان و یردی (فصل سادس
در احوال امیر منصور بن نوح) سلطنتی اون بریل طوقوزای ایدی (فصل سابع در احوال امیر نوح

ابن منصور) خراسان بکری بوکاعاصی اولغین شهر غزنه ده شهنه اولان ناصر الدین سبکتکینه خبر
 کوردردکه نوحدن انزل شمرلنی دفع اتمکین نوح دخی سر عسکر لکنی سبکتکینه و یردی * تاریخ
 میرخوانده مذکوردرکه بونک اوزرینه ترکستان پادشاهی بغراخان کلک اوزره ایکن اکا طاق
 کتورلما مکی امیرنوح قاجوب اطرافده کزوب بغراخان خسته اولوب ولایت کده نوح کاوب کند و یرینه
 یکدی بعده نوح قدیمدن غزنه بکی اولان امیر سبکتکین الیه وانک اوغلی محمود الیه بیکد خار جیلردفع و کسر
 وقهر اتمکین نوح خلطی غایت قوت وشوکت بولشدی * او چیموز سکسان یدیده وفات ایدوب سلطنتی
 بکری بریل ویدی آی ایدی (فصل ثامن در احوال منصور بن نوح ثانی) غافل و بد تدبیر اولغین
 جلوسندن بریل ویدی آی یکد کده سابقا عاصی اولان بعض امرای بونی طوقوب کوزلرینه قیرمش
 میل چکوب بونک برادرنی تخت کوردیلر سلطنتی بریل طقوز آی ایدی (فصل ناسع در احوال امیر
 عبدالملک بن نوح ثانی) اوغلانچق ایکن برادر ییرینه کوردیلوب خراسان بکی محمود بن سبکتکینی عزل ایتک
 ایتد کده ارالنده عظیم محاربه لراولوب عاقبت عبدالملک صینوب بخارایه قاجد کده درتیز او تیز طقوزده
 ترکستان پادشاهی ایلاک خان کاوب ماوراءالنهر شهرلری الوب عبدالملکی اسیر ایدی (فصل عاشر
 در احوال امیر اسماعیل بن نوح ثانی) برادر ی طوتلده قده بو قاجوب ممالک عجمه بر مقدار عسکرایه
 شهر بشهر کزوب سلطان آل سامان بی سر و سامان اولوب بوجهان چهان پرلا واده معین و ملجا و مایوی
 بولوب عاقبت او چیموز طقسان بشده بونی هلالک وزیرمغالک خالک ایتدیلر * آخر ملوک سامانیه بودر بونک
 مملکتلری دخی خراسان بکی محمود بن سبکتکین ضبط ایدوب شاه عالیجاه انجم سپاه رعیتناه اولدی (نظم)
 بذافت الایام مابین اهلها * مصائب قوم عند قوم فوات (باب سادس در احوال ملوک فاطمیه)
 اشبوطانغه آل رسول کچمه کن فاطمیون دیکاه و ابدار بیک اسمی عبدالله اولغین عیدیه دخی دیکله
 مشهور ایدیلر * اقل ظهورلری ایکوز طقسان ایتده ومدت سلطنتلری ایکوز بیل اولوب جله سی
 اون درت نفر ایدی اقللر بیک تخت کاهلری ولایت مغرب اولوب درد فحیلری مغربدن مصره واروب
 اندن قلوب بعده کانلر مصرده ساکن ایدیلر (تنبیه) تاریخ خلفاده مذکوردرکه اشبوملوکان اکثری
 تحقیق زندیق اولغین کیمی حاشا سب انبیاء و لغغه ندا ایتدوب کیمی دعوی علم غیب ایدوب کیمی شرابه
 حلالت دیوب کیمی کندویه خلطی سجده ایتدوب غایت اصللری سب صحابه به سعی حثیت ایدر رافضی
 خیت اولوب علماء دیار مغرب بو طائفه نیک حالی مرتدین و زنادقه طالبدرکه شرع شریف واجب الاتباع
 خلافتی اظهار ایتدیلر دیواجاع ایتلدر * ثقاتدن مرویدرکه بو طائفه ناخائفه ضلالت عاکفه
 جله زمان سلطنتلرینده واقع اولان علما و صلحادن درت بیک کسمه بی محبت صحابه سبیل طلماقتل ایدوب
 اهل اسلامه کفار تاناردن و سائر فجاردن شر و ضررلری اشد بر خصم الدایدیلر * زمان خباثت نشان
 بر مظلومینده مصر شهرنده جله قاضی اوللر شیعه شیعیه مذهبی اوزره حاکم ایدیلر * عاقبهم الله بالانار
 فی دار البوارانه المنتقم القهار (فصل اول در احوال عبدالله المهدی الفاطمی) کندوسی ابن محمد
 ابن عبدالله بن میمون بن محمد بن اسماعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب اوغلیم
 دیو کچوب * اکن علماء محققین دیمشدرکه آل رسول اولوب کندونک مقدما اسمی سعید و پدیری سلیمه شهرنده
 بر دمویری یهودی ایدی بعض ایدر عبدالله کندونک امی قداح اولوب مجوسی ایدی * تاریخ ابن کهنه ده
 دیدیلرکه عبدالله اسم و نسبی سعید بن احمد بن عبدالله بن القداح در دیومذکور * مرویدرکه عید ولایت
 مغربه واروب آل رسول دیوب علماء علم نسب بونک احوالین بلیوب عوام ناسی ایتاندروب بوکا و اولادنه
 فاطمیون دیو آقودیلر نیجه علماء سلف ایدر عید اهل کید ازاله ملت اسلامیه به حرص بر زندیق
 هم مذهب فریق روافض ضلالت رفیق اولغین اهل سنت و جماعت ریسلری دیناده قالمسون دیو بیکد علما
 و صلحامذری الشرف قتل و تلف ایتلدر (ظهور) کتاب حیات الحیوان امام دمیرده مذکوردرکه
 حسین بن محمد بن احمد بن عبدالله القداح بن میمون بن محمد بن اسماعیل بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین
 ابن علی بن ابی طالب سلیمه شهرنه واروب سابقا انده جدی عبدالله القداح بعض کسمه لرده امانت قودیقی

ماللری و سائر متاعلری الوب قوجه سی وفات ایتش غایت حسنا بر یهودی خاتونی نسکا حلقوب
 اول یهودینک خاتوندن غایت کوزل جوان اوغلی اولغین مزبور حسین انی اوغل ایدوب کمال رعایتله
 بسایوب او قودوب تحصیل علم ایتدردیکه مزبور یهودی زاده ایدی عبدالله مهدی دیدکار یدر * بعده
 اوکی بابایی مزبور حسین که سابقا دعوی خلافت الیه ظهور ایتدیکچون خفیه تدارکار و عظیم تدبیرلر ایدوب
 مسلمانلری بونی خلیفه ایتدیکه بیعت ده دعوت ایچون نیجه توابعی بن و مغرب ولایتلرینه واروب خفیه خلطی
 مزبور حسین بیعت ایتدردیکه دعوت مباشرت ایدوب نیجه کسمه لری بیعت ایتدردوب دائما حسین
 خبرلر کوندردلر * پس مزبور عبید الله تحصیل علم ایدوب شرف نفس و همت بلند صاحب اولد کده
 اوکی بابایی حسین کندونک اوغلی اولماغین بونی صلی اوغلی اولمق شایع ایدوب بد نصکره خلافتیه
 مستحق بودردوب بو کادخی دعوی خلافتیه لازم اولان تدبیرات و تزویراتی تعلیم و تفهیم ایدوب کندونک
 عیسی قیزی بوکانکاح ایدی * پس مزبور عبید الله کندویه آل رسولک اثبات ایدوب ابن حسین بن علی
 ابن محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب اوغلیم دیو شایع ایدی *
 بعض علما دیدیلرکه مزبور عبید الله قداح دیدکاری کسمه نیک اولادندندر * مرویدرکه مزبور عبید الله الیه اوکی
 بابایی حسین وفات ایتد کده کندوسی دعوی خلافتیه باشلیوب کندویه مهدی دیو لقب قویوب خلطی
 کندویه بیعت دعوی عالمه منتشر اولوب مغربده ولایت مغربده مملکتلر فتح و ضبط ایتدکارین بوکا خبرلر
 کسمه بیعت ایدوب عسکر جمع ایدوب بونک نامنه ولایت مغربده مملکتلر فتح و ضبط ایتدکارین بوکا خبرلر
 کوندروب بونک ظهوری بغدادده خلیفه اولان امیر المؤمنین مکتبی بالله ایشیدوب بونی اله کتوریکه
 اصمیرلده عبید الله خلیفه دن قورغین اوغلی قائم بامر الله نزار الیه که کوچک اوغلان ایدی بعض توابعی الیه
 مغربه قاجوب افریقیه شهرندن و افرمال کتوردوب بعده بنه مغربده رفاده شهرنه کیدوب هجرت رسولک
 ایکوز طقسان یدر ربع الاخری اوخرنده واروب حکم ایتدوکی شهر خلطی کندوی امیر المؤمنین
 مهدی دیو یادیده لوجه نمازی خطبه لرنده دخی بولید کورد عاید لردیو امر ایدوب خلطی کندونک مذهبنه
 دعوت ایدوب خلطی جبرایله جمع ایدوب تابع اوللر احسانلر ایدوب اولیا نلری حبس ایدی معتبرات
 متفرقه ده مذکوردرکه ایکوز یتیمده دیار یتیمده عبدالله دعوی استحقاق خلافت و یتیم سکزده
 حج ایدوب مکده طائفه عربدن کانه قبیله لرندن بر قبیله به بوشوب بونک حالی انتره خوش کلمکین بوکا تابع
 اولد لرنده مصره بیل کیدوب کندویه کمال اطاعتلرین کورد کده اتفاقله ولایت مغربه کیدوب ایکوز
 سکسانده خلطی بوکامتابه دعوت ایدن ابو عبدالله الشیعی مغربده قیروانه واروب افریقیه پادشاهی
 زیاده الله بن عبدالله بن ابراهیم بن احمد بن محمد بن ابراهیم بن اغلب الیه جنگ ایدوب بعده تدبیر جله قوت
 وشوکت بولدی * طقسان التیمده ابو عبدالله زیاده الله الیه تکرار صواب جله عسکرین قیروب زیاده الله
 مصره قاجوب اندن دیار عراقه کیدوب انده وفات ایدوب ملوک اغالبه نیک آخری ایدیکه افریقیه ده یوزاون
 ایکو بیل پادشاه اولملدر مزبور ابراهیم بن اغلی هارون الرشید افریقیه به حاکم ایدوب کوندردلر *
 مرویدرکه ملوک فاطمیه اغالبه دن غیری نیجه سلاطینک دخی دولتلرین منقرض ایتلدر * برسی طائفه
 اداره درکه ادریس بن ادریس بن عبدالله بن حسن بن جعفر بن حضرت امام حسن اولادی ایدیلر که
 ولایت مغربده فاس و بربر و طنجه طائفه لریه دوللری قوت بولوب مدت سلطنتلری یوز بیلدن زیاده ایدی
 باشلری کسایوب مهدی به کتورلدی و دخی سلجماسه شهرنده دولت بنی مداردخی منقرض اولدیکه مدت
 سلطنتلری یوز او تیز بیل ایدی * دولت بنی رستم دخی منقرض اولدیکه مدت سلطنتلری یوز لیش بیل ایدی
 (جلوس) ایکوز طقسان یدیده مهدی به خلطی کیمی طوعا کیمی کرها بیعت ایدوب خلیفه و امام
 و امیر المؤمنین مهدی دیوب اودخی قلوب ناسی جذب و جلب ایچون صورتا عدل و احسانه باشلیوب سلطنتی
 تمام قرار بولد کده کندونک سلطنتیه سبب اولان ابو عبدالله الشیعی الیه انک برادر ی الوالعبا بی قتل ایدوب
 جزا جزاء ستمار مثلک مضمونی آشکار اولدی * او چیموزده مصری فتح ایتدیکه اوج کره عسکر کوندروب
 هر برنده بغداددن مقتدر بالله خلیفه عسکر کوندروب مصری محافظه ایتدیلر او چیموز برده طائفه مهدی

بر بردن قرق بیک عسکر ایله بنه مصره هجوم ایدوب نیلدن یکمکه قادراولماغین اسکندر به به کلوب قتل عباد
و بعضی فساد ایدوب دونوب کیدوب بغداددن خلیفه عسکر کوندرمکین مغربده بر فرقه ده وافر جنگکر
اولوب بنه بویل مهدی اسکندر به و فیوم شهر لر نی الوب ضبط ایدی * مرویدر که عاقل و شجاع اولوب
ولایت مغربده دریا کنارنده بر محکم حصار استوار یایدوب نیچه قبوری اولوب هر بر بیک بر قنادی
بوز قنطار اولوب تمام اولدقه خط ایدوب اسمنی مهدیه قویوب ساکن اولوب فاطمیه نه ضرر ایشمکدن
اشته شمدی امین اولدم دیدی * او چیوز بیکری ایکیده کند و قلعه سنده آتش درت یاشنده وفات ایدوب
مدت سلطنتی بیکری درت بیل و برای ایدی (فصل ثانی در احوال قائم بامر الله محمد بن عبدالله المهدی)
بعضی اسمی ترادر دیشلر * مرویدر که پدر سقر مقری وفاتنده تخته کچوب بودنی نیچه علما قتل ایدوب
کفر و زندقه و رفسده بدرندن اشد و اغاظ و علما و صلحا به اندن بغض و اغیظ ایدی حتی سب انبیای خصوصاً
العنوا لغار و ماحوی دیوشهرده ندا ایدوب حضرت رسوله ابو بکره تعریض قصدا تشدد بر صلی الله علیه
وسلم علی ماحوا لغار محمد المصطفی المختار سید الابرار و ابی بکر مقتدی الاخیار و صلا و سلاما
الی یوم الحشر و القرار و لعنة الله الملائک الدائم ابد الدهر علی القائم و علی سایر اخوانه الکافرین آمین
یارب العالمین * مرویدر که ابو یزید نام خارجی عسکر چکوب قائم اکثر شهر لر نی الوب تختکاهی اولان
مهدیه شهرنده بونی محاصره ایدوب بوائنده قائم ملعون او چیوز او تیز اوج سنه سنده وفات ایدوب
خلق بونک موتی اخفا ایدوب بعده او غلی اسماعیلی تخته کچور دیر قائم مدت سلطنتی اون اوج بیل ایدی
(فصل ثالث در احوال منصور بالله اسماعیل بن قائم) پدری محاصره ایدن خارجیه صواشوب
قاجروب پدری تخته کچری شجاع و فصیح اولوب منبر اوزرنده مسجع و مصنع خطبه را ایجاد ایدوب
او قوردی مغربده ولایت قیروانی فتح و ضبط و آنده بر شهر بنا ایدوب اسمنی منصور به قویوب انده ساکن
اولدی پدری وضع ایدوبکی مظالمی رفع ایدوب عدالت و رعایت ایله خلقی کند و به محبت ایدوب
لکن رافضی مشرب شیعی مذهب ایدی * او چیوز قرق برده او تیز طقوز یاشنده وفات ایدوب سلطنتی
یدی بیل اون اتی کون ایدی (فصل رابع در احوال معز لدین الله معز بن اسماعیل) پدری وفاتده
تخته کچری (محرره) اصل رامیل میکند هر فرع * تابع تخم میشود هر زرع * مفه و منجه اسلافی کبی
محکم رافضی و خبث درونی غیر عارضی ایدی لکن عالم و فاضل و عاقل و کامل و فصیح و بلیغ و مدبر و ساعی
بی دریغ و ذکی و منجی ممتاز مائل عدل و رعیت نوار اولغین سلطنتی قوت بولوب بر طرف درن بحر محیطه
و ارفجه بلاد و ولایت عربی فتح و ضبط ایدوب زمانده بغدادده خلیفه عباسیه اولان مقتدر بالله تازه اولوب
تدبیرده تقصیرا تحکمه مالوک اطراف عالم ارا سنده مطاع و مسلم اولماغین هر بری تغلب و کردن کشاکش ایدوده
معز دخی کند و ولایتی خلقنه کند و به خلیفه و امیر المؤمنین دیک امر ایدوب بنه مغربده ولایت اندلس
پادشاهی امیر عبدالرحمن دخی بو کا تقلید ایدوب به ناصر بالله لقب قویوب امیر المؤمنین و خلیفه
دیوب خطبه لده یاد اولتوردی (بنام مصر) مرویدر که مصرده کافور حبشی که بر طوایشی یعنی خادم
کیشی اولوب سابقا مصره خلفا اجازتیه شام بکد کنند و اروپ پادشاه اولان ملک اششید محمد بن طوغجک
قولی ایکن اششید وفاتده بر بنه پادشاه اولان او غلی کوچک اولغین کافور اکاوز پروتایک اولوب
بعده مستقل حاکم اولمشدی من بور کافور دخی او چیوز الیده وفات ایدوده امور مملکت مختل اولوب
قراطمه ملاعین دخی شای الوب مصره عزیمت صد دنده ایکن بعض عسکر مصر معزه بزه عسکر کوند
سکامصری تسلیم ایدلم دیو خبر کوندرمکین بودنی پدر بیک قولی قائم جوهر رومی سردارنی او چیوز
اللی سکرده بوز بیک عسکر ایله مصره کوندروب امر آله عباسک الدن الی * قدیمدن مصر نیل کنارنده
عربلر سطاظ و مصر عتیق رومیلا سکی مصر دیدکاری شهر اولوب من بور جوهر اب نیلدن بر قاج میل اوزاق
جبل متطب دینده بر شهر فرید الدهر با یوب اسمنی قاهره معزه به قویوب حالیا موجود اولان مصر بود
ودنی اذ اندرده علی خیر العمل دیک زبانه ایدوردی * سابقا او چیوز الی درنده مصر و شام و دیار مغرب
شهر لر نده مذهب رفس غایت اظهار اولوب اول نوار یخده تراویع نمازی جماعته قیلاقی حضرت عمر

احداثیدر دیومنع ابتدای * بعده من بور جوهر ابی بچق بیلمده جامع ازهر آدلو بر لطیف واسع جامع یا یوب
الی الا آن معبد و مسکن علما و صلحا و فقرا و غربا اولدی * من بور معز رافضی و شیعی اولغین الی سکر
شعبانده خطبه لده صحابه کرام ذکر اولغوب همان بعد الحمد و الثنا اللهم صل علی محمد المصطفی و علی
المرتضی و علی فاطمة البتول و علی الحسن و الحسین سبطی الرسول و صل علی الائمة آباء امیر المؤمنین المعز
لدین الله دیو اوقتی امر ایدی * بعده معز جمله اتباع و عسکر ایله مغربدن مصره کوجوب او چیوز آتش
ایکی رمضانک نصفه یکی مصره کیروب انی تخت ایدوب آبا و اجدادی نابوتلرین دخی بیل کتورمکین
مصرده سرایی ایچنده دفن ایدی * مصر شهر نه کد کده سائر اموال و تحفه دن ماعدا بیک بشیر و زوده یوکی
قیمرنی فلوری خزینه ایله شهره داخل اولمشدی دیشلر * مرویدر که بلاد مغرب و مصر دن غیری شام و حلب
و مدینه دخی خطبه سی اوقنوب مکده سابقا خطبه خلفاء عباسیه دن مطیع الله نامنه اوقنوب بعده
حرمین شریفینده عظیم خط اولغین من بور معز الی بیک التون صدقه کوندرد کده خطبه بونک نامنه
اوقنور اولدی * اخذادن اولوب آل رسولدن ابن طباطبا معز نسبی احوال مورد قده قلین نصفه دل
قیندن چکاروب هذانبی دیوب بعده مجلسده حاضر اولان امر و عسکره التون صاحب هذا حسبی
دیدنی دائما قول منجه منله عمل ایدوب رافضی مشرب شیعی مذهب ایدی * او چیوز آتش شده
قرق بوش یاشنده وفات ایدوب مدت سلطنتی بیکری درت بیل ایدی (فصل خامس در احوال عزیز بالله
نزار بن المعز لدین الله) پدری وفاتده تخته کچوب جمعه کونی خطبه به جیهده منبر اوستنده بر کاغد بولوب
نسب باطنه تعریضاً بویات بازمشدیکه (نظم) انا معنا نسبا منکرا * بتلی علی المنبر فی الجامع *
ان کنت فیماتدعی صادقاً * فاذا کرا بایع الالب السابع * وان ترد تحقیق ما قلته * فاقب لنا نفعک کالطاع *
اولادع الانساب مستوره * وادخل بنا فی النسب الواسع * فان انساب بنی هاشم * یقصر عنها طمع الطامع
(نثر) مرویدر که شیعی و رافضی باطل لکن حلیم و مجرمله عقوه مائل ایدی * پدری زماندن زیاده
ولایت عن و شام و حلب و حما و حص و موصله دخی خطبه و سکه سی ساری و جاری ایدی سفیره عدو و حاسد
اهل رأی کاسد بر فساد اولغین امور عظیمه به اهل کفر و جور و ددن نصاری و یهود طاقه لرین استخدام ایدوب
عیسی بن نسطورس نصرانی بی کند و به کاتب و یهودی میشایی شامه حاکم و نائب ایتمکله مسلمانلر بر نواب
اولوب یهود و نصاری طاقه لر عزت و رفعت بولمشدیدی * بعده برخاقون عزیز بنی تمیمه بالذی اعز الیه و
بیشا و النصاری بابن نسطورس و اذل المسلمین بک الا کشف عنا دیو ورقه ایله عرض و عرض عزیزی هتک
و قرض اید کده عزیز بن نسطورسی طوقوب مالن الی * مرویدر که عزیز مغربده ملول بنی امیه دن هشام
ابن الحکمکی هجو ایدوب نامه کوندرد کده اودخی سن بزى بادلک هجو ایدک بزده سنی بیلدک هجو ایدردک
دیوب کند و سی معلوم النسب و عزیز بنجهول النسب اید و کنه کتایه و اشارت ایتمکین بو هجو ملج متضمن
التفضیحین عزیز بیک قلی مغوم و مجروح اولوب ملزم و مهموت اولغین اختیار سکوت ایدی * او چیوز
سکسان التیده مصره ایکی قوناق برده قصبة بلیدسه جام ایچنده قرق ایکی یاشنده وفات ایدوب سلطنتی
یکری بر بیل و بش بچق ای ایدی (فصل سادس در احوال حاکم بامر الله منصور بن العزیز بالله) پدری
وفاتده اون بر یاشنده تخته کچوب پدری قوللرندن ار جوان آدلو آق خادم اتابک و مدبر جمیع امور اولوب
حاکم بیود کده ار جوانی قتل ایدوب مستقل اولدی * او چیوز طقسبان او چده حاکم طرفندن شام بکی
بر مغربنی بی حصاره بندروب ابو بکرله عمره محبت ایدنه نک حالی بودردیوشهرده کردروب بعده بویتن آوردی
رحمة الله علی الشهدید و لعنة الله علی العنید (قبایح پرفضایح) مرویدر که حاکم بامر الله دیدکاری
رافضی و کافور و زندیق این حقیقه هیچ بر دین و این اوزره اولدیغندن غیری لیل و نهارده بر حالده برقرار
اولوب دیوانه وار امور متضاده اظهار ایدردی مجر دنفسی هواسته تابع و امر ابلیس پرتلیسه طایع
بر ملعون دون مفتون و مغبون ایدی خرطیع و خرسوار اولغین حاکم حار دیکله اشتهار بولدی * شهر خلقتک
تفصیل احوال لرینه واقف و اطلایع چون جاسوسلک ایدر بعض خاقونلر کزدرمکین نیچه احواله واقف اولوب
علم غیب دعواسن ایدوب فلان کشی بو کون اوئنده شویله ایلدی دیو کشف اسرار و هتک استارایتمکین نیچه

عوام بود که اعتقاد حتی بعضی آنها را الوهیت اسناد میداد و شبام اطرافنده نیچه بیک لعین بوزعم باطله ثابت
و ممکن اید بیلر لعنة الله علیهم اجعین * هر ویدر که مصرده بر کون خطبه ایچون منبره چیه قد قد بر کاغد
بولدیکه بونی یازمشر (نظم) بالنظم والجور قد رضینا * و لیس بالکفر والحقه * ان کنت تدعی علم غیب *
بین لنا کتاب البطاقه (نثر) او چیز طقسان بشده اعیان شهر مصردن نیچه لری حبس و قتل ایدوب
سب صحابه بی مسجدلر و چار سولر دیوارلرینه یازدروب اطرافنده اولان بکلی بنه دخی خبر کوندردی
بنه بویله شهرده جله کابلی قتل ایدوب میوه سمندن الماوس بنه دن ملو خیه و بولی اولیان بالی صالتسون
دیو امر ایدوب عل ایتمین بازار جیلردن وافر کشته قتل ایدوب * طقسان التیده مصر و مکده و مدینه خاقنه
امر ایدیکه کند و تک اسم ضلالت رسمی یاد اولند بجه جله خلق ایاغ اوستنه قاقوب سجده ایدوب * طقسان
یدیده بنی اسمیه دن مغرب پادشاهی هشام بن عبدالملک نسلندن ابور کوه دیملکه مشهور بر خارجی ظهور
ایدوب وافر عسکرله مغربده برقه شهرین آلوب حاکم آنک اوستنه عسکر کوندرده کده حاکم عسکری
صینوب خارجی کلوب مصرده صغید ولایتی ضبط ایدیکه حاکم مصر و شام عسکرلرین جمع ایدوب
واروب عظیم جنگند نصرکه اله کتور بلوب باشی کلوب مصرده آصلادی * طقسان سکرده قدسده
و مصرده اولان کلیساری بیقدروب طاقه نصاری بوغازلرینه طولی بر ذراع وزنی مصر بطمانیه
بش بطمان حاج پیو دیلر دخی او مقدار وزنده بوزاغو باشی صورتده باشی یومری اغاج اصوب سیاه
دلیندر صارتق پیور قدده نیچه لری تحمل ایدوب اسلامه کدیلر * بعده حاکم مجنون جمیع کلیسار
تکرار یابلقه و اسلامه کلان کفار اکره ایدوب اسکی دینلرینه رجوعه امر ایدوب * در تیوزده حاکم
مصر درویش وزاهد اولوب مصرده بر مدرسه و جامع یالوب اوج بیلده خلق بوکا دعا ایدوب بعده
زندیق اولوب علمای قتل ایتمک بشلوب فعل خیری ترک ایدوب مدرسه سن ابطال ایدوب * در تیوزده
بغداد و کوفه و انبار و مداین و موصل و بعض شهرلرده مذهب رفض غایتده شایع اولغین حاکم نامنه
خطبه او قنور اولدی * در تیوز ایدیکه حاکم تازه خرما صالتسون دیو خرمانی آتسه یا قدروب تازه اوزم
دخی صالتسون دیوب نیچه باغلی بستان بوزند بستانه دو ندردی * در تیوز در تده خاقنلر
کیچده و کوندرده اصلا زقاقه چیه مسونلر دیو محکم یساع ایدوب وفاته دل اجرا اولندی *
اون بر شوالک اسطنده حاکم قدیمی عادی اوزره حماره بنوب ایکی آتلوا بده شهری طولا شوب بعده آتلوری
شهره کوندروب کند و بالکز کیدوب غائب اولوب بر آی قدر صکره ولایت مصرده حلوان آدلو قریده
بندوبی حمار و جروح بولنوب حاکم جیفه کشفه سی بولنوب لکن قفتانلری بیجا یارمه سیده بولنوب قتل
و موتی مقرر اولدی بعضی بونی هم شیره سی قتل ایدوب یا ایدردی دیشلر * مدت عمری او قوزیدی بیل
سلطنتی بکری بش بیل ایدی (فصل سابع در احوال ظاهر لاعزاز دین الله علی بن الحاکم بامر الله)
پدرینک موتی معلوم اولاده تخت کور بلوب اون سکر باشند اولغین عه سی ست الملک تدبیر امور ایتمکین
سلطنتلرینه ضعف کلوب ممالک شام و حلب و بعض ولایت مغرب بونلرک ضبطلرندن چیه قوب
درت بیلدن صکره خاقن وفات ایدوب * در تیوز بکری التیده و با سکرده ظاهر دخی وفات ایدوب
مدت عمری او قوز اوج بیل با او قوز بش بیل مدت سلطنتی اون بش بیل طقوز آی یا اون بیدی بیل طقوز آی
ایدی خوب سیرت مائل عدالت ایدی دیشلر (فصل ثامن در احوال مستنصر بالله معد بن الظاهر
المذکور) پدری وفاته میدی باشند او غلاخقی ایکن تخت کور دیلر * در تیوز التیده مصرده و رده
زلزله اولوب قیور صوبی قیناوب طشره طاشوب رملده بالریه قلوب التیده بکری بش بیک آدم هلاک
اولوب دخی در بار کونلر بول چکوب کارده اولنلر بالی دوشمرکن خلق بالی اولامغه طاغله قدده تکرار
بر آنده دریا کلوب قاقنه مجال اولوب جله سنی غرق ایدوب * التمش ایدیکه مصرده خطبوسفند نصرکه
نظیری واقع اولدی قحط اولوب حتی آدم اتی بنوب برانک الی التونه برکاب بش التونه برکدی اوج التونه
صالتوردی بوکا ممال اولمز بر انسان بری بیک بونده واقع اولدی برانک که قرق درهم اوله قرق فاوریه
صالتدی و برکاب باشی اون التونه صانقن التندی آلان اوجوزا لدم دیو فرج کسب ایدردی و قپوسی آچی

اوله کابلی کیروب او صاحبک فارشوسنده بعض او غلاخق لری دیوب کمال ضعفدن منعه قادر اولمز لردی
اشبو اسلوب اوزره قحطیدی بیل اوزانوب مستنصر سکسان بیک قطعه بلور و سکسان بیک حریر قاش
و بکری بیک اتونلو و کومشلو قلی صانوب خرج ایدوب * قحط سیدیل اولاد و عیالان بغداده کوندروب
بو قحط دنصکره ولایت مصر خرابه یوز طوتدی * اشبوسنده و بعده حرین و شام و حلبده خطبه
مستنصر دن کسایوب خلیفه بغداد نامنه او قنور اولوب اذانده فاطمیون احداث ایدیکلری حی علی خیر
العمل اقلی دخی مخالف سنندر دیو ترک اولندی * حزینور مستنصر خیر طلبه قحطدن فقر غلبه ایدوب
بر سجاده اوزرنده قالدی * بعض کتبه بر سجاده و نعلین الیه ترک سلطنت ایدوب مجمع علما و صلحا اولان
جامع ازهره کیروب وفاته دل عبادته مشغول اولدی دیشلر * در تیوز سکسان بیدیه وفات ایدوب
مدت عمری و سلطنتی ابا و اجدادنن زیاده اولوب جله التمش بیل ایدی (فصل ناسع در احوال مستعلی
بالله احمد بن المستنصر بالله) پدری برینه بکدی * هر ویدر که ملوک اهل اسلام ممالک عالمده بری برلرینه
دوشوب دایما جنکه مشغول اولغین خصوصاً سلاطین سلجوقیه شام ولایتین الدقلرینه مستعلی الم کلی چکوب
انلردن خوفندن فرنک کافرلرینه کلوب شامی الولک دیو خبر کوندروب انلردخی در تیوز طقسانده در یادن
دوختا ایدوب کلوب قدس و بیروت و عکا و اکثر بلاد شامی بش بیلده دل تدر بجه لوب بالکز قدسده التمش بیکدن
زیاده علما و صلحا و سائر ناسک کینی قتل و کینی اسیر ایدوب جله یهودیلری کلیسایه جمع ایدوب آتسه یا قدرلر *
اشبوسند قدده ممالک اسلامیه دن نیچه شهرلر دخی ایدوب * در تیوز طقسان بشده مستعلی وفات ایدوب
سلطنتی بیدی بیل اولوب افضل بن امیر الجیوش نام مدبر اموری و ارایدی (فصل عاشر در احوال آمر
باحکام الله منصور بن المستعلی) بش باشند پدری برینه کور بلوب بعده رافضی و فاسق اولدی *
بشیوز اوجده فرنک شام طرابلسن سابقا ایکی بیل محاصره ایتمکین حالا آلوب اکثر ولایت شامه
مستولی اولغین * بشیوز در تده مسلمانلر انلردن قورقوب حلب و بعض شهرلر خلقی بر قاجر بیک التونه
صلح اولوب بعده کافرلر غدر ایدیلر * اشبوسنده مصرده ایدند و وقتنده سیاهیل اصوب خلق
نفسلری طوتلوب هوا محکم قراروب شهر اوستنه قوم یاغوب خاق قیامت قو پار صانوب قورقوب
بعده بر مقدار اچلوب هوا صراروب بعده اخشام اولدی * اون بشده امیر الامرا افضلی بعض عسکر
علی الغله قتل ایدوب مال بی بابانی پادشاهه کتور بلوب ابو عبدالله البطایحی امیر الامرا اولدی *
بکری در تده پادشاهی مصر اطرافنده ایکن باطنیه طاغنه سنندن بعض کشته لراوشوب قتل ایدوب کندونک
اولادی قالمغین عیسی اوغلنی تخت کور دیلر * مدت عمری او قوز درت بیل سلطنتی بکری طقوز بیل
واون بش کون ایدی (فصل حادی عشر در احوال حافظ لدین الله عبد المجید بن ابی القاسم بن المستنصر
بالله) عم زاده می قتل اولنوب اوغلی قالمغین بونی تخت کور دیلر پدری پادشاه اولامش ایدی ابو احمد
ابن الفضل بن بدر الجالی بی وزیر و جله امور بن اسکافو رض ایدیکه انوا احمد تغلب ایتمکین * بشیوز
بکری التیده حافظ اتی قتل ایدوب قرق در تده حافظ التمش بیدی باشند وفات ایدوب سلطنتی اون طقوز بیل
یدی آی ایدی (فصل ثانی عشر در احوال ظافر بالله اسماعیل بن الحافظ لدین الله) پدری وفاته
برینه بکدی * بشیوز قرق طقوزده وزیر اولان عباس صنهاجینک اوسنه واروب اوغلنه فعل شفع ایتمک
ایستد و کن وزیر ایشد کده پادشاهی یوسف و جبرائیل آدلو برادر لیه قتل ایدوب بعد زمان شامه قاجوب
بولده فرنک کافرلری عباسی شهید ایدوب اوغلی نصری اسیر ایدیلر طافلرک سلطنتی بش بیل مقداری ایدی
(فصل ثالث عشر در احوال فائز بن نصر الله علی بن عیسی بن الظافر بالله) بش باشند تخت کور بلوب
لهلاج بن زریک نام کسسه وزیر اولوب ملک صالح دیولقب قنوب مصرده صالحیه دیدکاری جامع
بو بنا ایدوب * بشیوز الی ایدیکه ولایت شامده عظیم زلزله لرا اولوب شیر و حوا و حصن الاکراد
و طرابلس و انطاکیه شهرلری خراب اولوب بیقلان بنالرا آنده بیکد کشته هلاک اولدی * بشیوز الی بشده
فائز اوان ایکی باشند وفات ایدوب سلطنتی اتی بیل ایکی آی ایدی (فصل رابع عشر در احوال عاضد
لدین الله عبد الله بن یوسف بن الحافظ لدین الله) پدری پادشاه اولوب جدی حافظ پادشاه ایدی

فائز و غلامی ایکن وفات ایدوب اولادی اولوب عاضد انک عیسی اوغلی اولغین برینه بونی کچوردیلر *
 بشیوز الی التیده عاضد لیدری همشیره می وزیری له لایعی قتل ایتمک آدملر کوندر دوب بچاقلره بچاقلره
 مجروح ایدوب اوینه ایلدوب وزیر عاضده عتبانامه کوندر کده عاضد خیرم یوقدر دیو عین ایدوب
 خاله سنی طوقوب وزیر کوندر دوب قتل اولندی * وزیر دخی جراحانلردن وفات ایتد کده زر بک وزیر اولدی *
 الی سکرده له لایع خدمتکاری شاور وزیر اولوب امیر الجیوش دیو لقب قوندی * ضرغام آدلو کسنه
 شاوره هجوم ایدوب شاور ولایت شام پادشاهی نورالدینه قاجوب ضرغام وزیر اولوب مصرده نیجه
 امر اقل ایدوب یوقتنه لده اهل مصره ضعف کلوب کافر لمصری المغه طمع ایتدیلر (بحاربات و بعض
 حوادث مستوعه) بشیوز الی طقوزده شاور نورالدینه مصره فرنک مسلط اولمشدر مصر وزارتین بکا
 وزیر کوندر مصر قولنه وظیفه ویرد کد نصرکه خزینه نک ناشی منز کوندره یم دیوب اودخی اسد الدین شیر کوه
 ابن شادی بن ابوبی سر عسکر ایدوب شاور ایله مصره کوندر دوب وارد قلزنده ضرغامک عسکری صیوب
 ضرغام قاجوب اسد مصره کیروب شاور وزیر اولوب بعده نورالدینه وعده یه وفا ایتیموب اسد مصرده بلایس
 و شرقیه ولایتی ضبط ایدوب شاور فرنکه اسد اوستنه هجوم ایتسونلر دیو خبر کوندر دوب انلر دخی بلایسده
 اسدی محاصره ایدوب بعده نورالدیندن خوف لردن پول ویروب جله عسکر یله شامه کوندر دیلر * بشیوز التمش
 ایکیده نورالدین اسدی ایکی بیک عسکر ایله مصری فتحه کوندر دوب وارد قلزنده جیزه یه قونوب شهری ایکی آی
 محاصره ایدوب اول ائنده شاور فرنکدن یاردیچی ایتیموب انلر دخی اب دریا ده دمیاط طرفندن کلوب
 اسد صغید ایلنه قاجوب بعده آرز عسکر ایله کلوب شیرانه جنگ ایتد کده مصر عسکر یله کافر لرجو غنیکن
 بحکمه الله صیوب طاغیلوب اسد عسکری وافر کافر قیروب بعده اسکندر یه یه واروب برادر زاده می
 امیر صلاح الدین یوسفی انده حاکم قویوب کندو صغید ایلنه کیدوب اهل مصر ایله فرنک تکرار جمع اولوب
 اسکندر یه یه درت آی محاصره ایدوب اسد ایشیدوب ارسلان کبی کلوب جنگ ایدوب بعده
 شاور اسده وافر مال ویروب صلح اولغین اسد ایله صلاح شامه کیدوب بعده فرنک ایله اهل مصر فرنک
 طرفندن مصرده بر مقدار عسکر ایله برصو باشی اوتوروب شهرک قیولری انلرک ضبطنده اولوب خزینه دن
 هر ییل یوز بیک التون المتی اوزره صلح اولوب * التمش درنده فرنک مصره غلبه ایدوب بلایسی جبر ایله اوب
 خلقل کینی قتل کیمی اسیر ایدوب بکی مصری دخی محاصره ایدوب شاور فرنک خوفندن شهری آتسه
 یاقوب الی درت کونه دلک داغما یوب خلق اسکی شهره کوچوب بوانئاده مصر پادشاهی عاضد سست
 عضد سلطان نورالدینه فریادچی کوندر دوب شاور دخی فرنکه یوز بیک التون ویروب طقوز کره یوز بیک دخی
 ویرمه عهد ایدوب صلح اولد قده فرنک کیدوب نورالدین عظیم عسکر ایله اسدی و صلاحی تکرار کوندر دوب
 مهماتدن غیری ایک یوز بیک فلوری خر جلق ویروب اسد مصره یاقشده قده فرنک قاجوب اسد شهره
 چادرله قونوب شاور مغرور اسدی ضیافت بهانه سیله طوقی ایتد کده (نظم) حافرا لبرنی طریق اخیه *
 واقع فیله لا محاله فیله * خواستجه حیلله سی طویلوب کندو طویلوب عاضد اسده شاورک باشی بکا کوندر
 دیو خبر کوندر مکی کسوب کوندر دوب عاضد اسدی وزیر ایدوب ایکی آید نصرکه اسد وفات ایتمکین
 انک برادر زاده می صلاح الدین وزیر ایدوب لقبی ملک ناصر قویوب اودخی سلطان نورالدینه بن سزک
 طرف کزندن قائم مقام کز اولیم بکا پدری واهلی کوندرک دیوب اودخی کوندر دوب بعده صلاح عاضدک
 مؤمن الخلافه دیدکاری مقبول طواشیستی قتل ویرینه یه طواشیلردن قراقوش الاسدی نصب ایدوب
 تدر بجه صلاح مصرده کال استقلال بولدی (وفات) التمش التیده صلاح مصرده شیعه مذهبنده
 اولان قاضیلری جله عزل و شافعی قاضیلری نصب و شافعیلره مدرسه بنا ایتدی و فرنکلری اکثر بلاد
 ساحلدن قاجوب قوت و شوکتی مضاعف اولد قده نورالدین ایشیدوب ککوچنه کلوب
 البته مصردن فاطمیونک خطبه سن کسوب خلفاء آل عباس نامنه اوقونسون دیو خبر کوندر کده
 ناچار اولوب عضد دخی خسته بولغین بشیوز التمش بیدی مخرجک ایکنی جمعه سنده خلیفه بغداد اولان
 مستضی نور الله نامنه ارقیوب اهل مصر طغیوب عاضدک مرضی آرتوب عاشورا کونی وفات ایتدی

جمله خزینه سن صلاح الدین ضبط ایدوب بکند کار بن الیقویوب نورالدینه دخی بعض هدایا کوندر دوب
 بوجه دن غیر یسن اون بیله دلک متصل صاندیلر * تاریخ کاملده ابن اثیر عاضدک خزینه سنده اولان تحفک
 بریسی مانند شجر اعانور بردانه یاقوت احرا بیکه وزی اون بیدی درهم یا مثقال ایدی بن او مجلسده حاضر
 اولوب بویاقونی کوزه له کوردم دیو یازمش * مرویدر که عاضدک مدت سلطنتی اون ایکی ییل اولوب آخر ملوک
 فاطمه یون بودر بوند نصرکه ملک صلاح الدین من یور مصرده مستقل پادشاه اولدی * تکیم آشا غیده
 تفصیل اولنور (نظم) جرخ کردونده اولیه در قانون * آی طولنسه کونش طلوع ایلر * بوکاور برینه ایدر
 اقبال * منزله چونکه اول رجوع ایلر (باب سابع در احوال ملوک دیلیه) بو طائفه یه دیالیه و دیلیه
 و دیلیون و آل بویه دخی دیرلر کیمی بغدادده کیمی بغدادده اولوب خلیفه ایله خطبه و سکده مشترک ایدیلر
 اکثری زمان واحدده کیمی بغدادده کیمی عجمه پادشاه اولغین عدد لرنده و نیجه احوال لرنده خصوصاً مقدم
 و مؤخر یازمده کتب تواریخده اختلاف اولوب حال بعد القری اختیار اولنان بودر که بونلر اون سکر
 نفر اولوب اکثری روافض و شیعه و ظله ایدیلر اول ظهورلری او جیوز بکری ایکیده اولوب مدت
 سلطنتلری یوز بکری طقوز ییل ایدی * طقوز تقری بعض بلاد عجمه مالک اولوب لکن بغداده کلوب
 انده ساکن و خلفاء آل عباسه مسلط اولوب خلافت نامی انلرک تصرف جمیع امور بونلرک ایدیکه لقبی بودر
 معز الدوله عز الدوله عضد الدوله صمصام الدوله شرف الدوله بهاء الدوله شرف الدوله ثانی جلال
 الدوله الملک الرحیم * طقوزی دخی بغداده کلیموب همان بعض بلاد عجمه مالک ایدیلر که لقبی بودر
 عماد الدوله رکن الدوله مؤید الدوله نضر الدوله مجد الدوله سلطان الدوله عماد الدین الله ملا منصور
 ملاک ابوعلی (فصل اول در احوال عماد الدوله علی بن بویه) مرویدر که بویه آخر ملوک عجم اولان
 یزدجرد نسلدن برقیه الحمال بالقعی ایدی واقعه سنده نبول ایدوب ذکرندن آتشدن برعود حقیقوب دنیایی
 قیاموب او یاند قده اولادی اولوب دوشنده آتش ایشدوکی بره دلک پادشاه اوله جقلرنه اشارتدر دیو تعبیر
 و بشارت اولندی * واقعه اعلی و حسن واحد آدلو اوچ نفر صلی اوغلی پادشاه اولدیلر تکیم بیان اولنور
 (ظهور) مرویدر که او جیوز بکری ایکیده کارام عالمدن اولان طائفه دیلدن مزدا و بیچ نام کسنه
 جمیع طوائف عرب دولتین ازاله و باده و بعمه لک دولت قدیمه لرن اعاده ایتک قصد یله خروج و ذروه طغیان
 عروج ایدوب ذکر اولنان اوچ نفر برادر ماکان بن ماکان کافی الدیلبی خدمتنده ایکن مزدا و بیچ ماکانی
 طبرستانده قود قده بواج برادر دلور هنر آورل و بحر حربه شنورلر اولغین کلی رعایت لرایدوب علی بی
 کرخ حاکمی ایدوب علی دخی طقوز یوز نفر ایله اصفهان بکینی اون بیک عسکر یله صیوب شجاعی ظاهر
 اولد قده خلق علی به محبت ایدوب بعده علی بغدادده خلیفه اولان قاهر بالله طرفندن فارس حاکمی محمد
 ابن یاقوتله قباله اولوب محمدی صیوب فارس و همدان و شیرازی الوب عسکره خرج ایتمک مالی قالمغین
 ارقه می اوستنه یاقوب غله فکر ایدرکن تواندن بریلان دوشوب توانی یوقلد قلزنده براق صندوق طلوسی
 التون بولغین غایت شاد اولوب بوانئاده قفتان بجمکه بر درزی کتوردوب کندوی بوکا غمز ایتدیلر
 صانوب قورقوب والله بنده امانت اولان اون صندوقدرار توق دکدر ایچنده نه وار بیلیم دیوب کتورلد کده
 فراوان مال ایله مال مال بولندی * بر کون دخی یولده بندیک آتک ابانغی بره کجوب قازد قلزنده عظیم دغینه
 جیقیدی (نظم) انراکه خدای دولتی خواهد داد * ناکاه زسنگ خاره بیرون آید (نثر) اشیا و اوج
 وجهله بولدیغی ماللردن قوت و شوکت بولوب خراسان و فارس و بعض بلاد عجمه مالک اولدی (نظم)
 سعی للعلی حتی اذا ما اصابها * اتته العلی نسی الیه کما سی (نثر) عاقبت او جیوز او نوز سکرده شهر
 شیرازده وفات ایدوب سلطنتی اون بیدی ییل ایدی (فصل ثانی در احوال رکن الدوله حسن بن بویه)
 اخلاقی حمیده و اوصافی پستدیده اولوب اصفهان حاکمی ایکن برادری وفاتده شهر شیراز کلوب تخت
 بکدی * او جیوز التمش بیده فارس و کرمان و لایلرین اوغلی عضد الدوله یه ری و اصفهان و قم و قزوین
 مملکتلرین براوغلی مؤید الدوله یه و همدان و دیو شهر لرن براوغلی نضر الدوله یه و بروب کندوسی تبریز کلوب
 آنده وفات ایتد کده اوغلی مؤید تختگاه اولان شهر شیراز و واروب پدری برینه بکدی انک احوالی اشاغیده

ذکر اوتوز من بود رکن الدوله نیکو سلطنتی بکری سکن یا خود قرق دیت بیل ایدی (فصل ثالث در احوال
معز الدوله احمد بن یوسف) برادری رکن الدوله طرفندن اهواز حاکمی ایکن او چیوز اوتوز درنده بغداد
کلوپ مستکنی بالله خلیفه بوکا خلعت کیدروب بوکا وایکی برادر بنه یوقاروده ذکر اولندیغی لقبی قویوب
جمله سنی کند وایله سکه و خطبه ده شریک ایدی ملوک دیالیه دن ابتدا دیار عراق عرب حاکم اولان بودر * بعده
قوت وشوکت یولوب بغدادده بر عالی سرای یاپوب خلیفه بی تدبیر امور دن منع وهمان یومی بش ییک الخه
وظیفه تعیین واطرافه بکری وصوباشیلری کندو آدمزندن نصب ایدی * بعده خلیفه دن وهمندن سراین
باصوب جمله مالی بغه الموب دلبندی بوغازنه طاقلوب پیاده سور یلوب تابع سلطان مصل اولان معز مذل
کنده و سراینه وارد قده محض ظلاله خلیفه نک کوزلر بنه قیزش دموردن میل چکدروب بنه آل عباسدن
مطیع للهی خلیفه دیکوب لکن آنی دخی تدبیر امور دن منع ویوی یوز فلوری وظیفه تعیین ایدی * او چیوز
اوتوز درنده معز ایله کارامر اعباسیه دن ناصر الدوله ابن حمدان نزاعلوب نیجه جنک کیدروب بعده صلح
اولدی * اوتوز بنده معز خلیفه ایله عهدشوب قدیمی سرایلر بنه کوندروب تدبیر امور اجازت و یروب
اوزرندن بکچیلری رفع ایدی * اوتوز سکنده معز خلیفه به کندو برادری عماد الدوله یی کند وایله سلطنت
بغدادده شریک ایدوب کند واندن اول وفات ایدر سه عماد مستقل اولغه اذن دیلده کده خلیفه اذن و یروب
لکن او بیل عماد وفات ایتمکین بر برادری دخی رکن الدوله یی شریک ایدی * الی سنه سنده معز بغدادده
بر عظیم سرای یاپوب اساسنک عقی اوتوز الی ذراع ایدی * مرویدر که معز مذل دین رافضی لعین اولغین
الی برده شیعه طائفه می حب صحابه یی مسجد لرد یوارنه یازوب الی ایکی عاشوراسنده جمله خلقه شهداء
کر بلا یچون ماتم طوق امر ایتمکین * دکانلری قیایوب زقافرده چادرلر قور یلوب اوزرلر بنه چالرا صلوب
عورتلر صاحب لرن چوزوب مردان وزمان زاری کان نوحه زمان کروب یو بدعی ابتدا بو احداث ایدروب
ایکی بیل اجر اولندی * الی ایکی ذی الحجه سنده شیعه عادت بنه یوم غدیر بر امان ایدوب طبل وسورنا چالدری
الی بنده معزله هم شیر می وفات ایدوب خلیفه ده جمله اوزرنده قایق ایله تعز بنه واروب معز غایت حظندن
یرا یوبوب خلیفه قایق دن حقیق موب دونوب کندی * مرویدر که معز بغدادده ایکن تازه یکتلری
صوده یوزمکه ترغیب ایتمکین نیجه لرجالشوب شناور هتر آور اولغین حتی بعضار برالنده تورطوب ایچنده
آتش اوستنده چوملک طوروب ایچنده ییک بشوروب اورالیه صوده یوزردی * الی التیده معز وفات
ایدوب خلیفه آنک اوغلی بختیاری بر بنه بکروب لقبی عز الدوله قودی * معز مدت سلطنتی بکری بر بیل
اون بر آیدی سابقا کرمان شهرنده بر جنک ایچنده برالی کساش ایدی (فصل رابع در احوال عز الدوله
بختیار ابن معز الدوله) غایتده جمیع ونه نک آهنگ اولوب هیچ بر اقمز ارسلانله جنک ایدوب متلف
وسرف ووافاتی هوا و هوا به صارف جوان دوست ومنعم واهل عشرت وظالم ایدی * الشمس ایکیده بختیار
مطیع لله خلیفه دن وافر مال ایستیوب اودخی کلان آدمه جمله باج و خراجی سز جمع ایدر سز بنه همان
خطبه ده نام فالدی ایسترسه اندنده فراغت ایدوب بختیار ظلم اختیار البته مال و پسون دید کده
خلیفه ناچار اسبابلرین صاقوب در تیوز ییک الخه کوندردی * الشمس اوچده بختیار اهواز شهرنه کیدوب
بغدادده قائم مقام قودوغی قیو جی باشیدی سبکتکین یونک مران بغه الموب عسکرا ترا کی کندویه ایدروب
مطیع لله وفات ایدوب بر بنه طابع لله خلیفه اولده بختیار بغدادده کلوب سبکتکینله مرارا جنک کیدوب
الشمس درنده عم زاده می عضد الدوله ابن رکن الدوله بختیاره معاونته کلوب بغداد شهرندن حظ ایتمکین
بغداد عسکری کندویه ایدروب بختیاره هجوم ایدوب اودخی سراینده قیایوب طوروب الشمس بنده
عضد ایله بختیار صواشوب بختیارلر بر محبوب بی نظیری عضد اسیر ایدوب بختیار بقرار اولوب اکل و شرب
وسلطنتی ترک ایدوب دائما اغلیوب نارفراقه جکرین طغلیوب بر نضر عثمانه ایله بالکز بریسی یوز ییک التونه
صاقون الشمس بی همتا ایکی حسنابار به کوندروب عضد اندری الوب محبوبی کوندردی * اشوب سنه ده
بغدادده بختیارلر نامی خطبه دن ترک اولوب عضد نامه او قندی * الشمس ایدیه یانیده عضد ولایت
عراق وغیره مسئولی اولوب بختیارله صواشوب وزیر یی ایله طوقوب بعده قتل ایدی * بختیارلر مدت

سلطنتی اونیدی بیل ایدی (فصل خامس در احوال عضد الدوله خسرو ابن رکن الدوله) اهل شجاعت
ومهابت وسخاوت وفصاحت صاحب حلم وعلم ومعرفت اولوب لسان عربیده بلاغت اوزره انشاری وشعر لری
وار ایدی عیسی عماد الدوله وصیله آنک وفاتده فارس و کرمانه پادشاه اولدی دینوب لکن فصل ناییده پدیری
رکن الدوله او چیوز اوتوز سکنده برادری عماد وفاتده بر بنه بکروب او چیوز الشمس بنده اوغلی عضده
فارس و کرمانی و پردی دیو کچمشدر والله اعلم * مرویدر که عضد عاقل ودانامه هیب و توانا اولغین حسن تدبیر ایله
همالک عظیمه ضبط وتسخیر ایدی خطبه ده شهنشاه الاعظم ملک الملوک دیو یاد اولور دی * یو صحیفه ده
ذکر اولندیغی اوزره بغدادده کلوب بعد زمان عم زاده می بختیاری قتل اید کده طابع لله خلیفه بوکا خلعت
سلطنت و مرصع تاج کیدروب و خلخال و بلازل طاقوب قلی قوشادوب کندو ایله بو کاعادت اوزره
بر کومش اولوم و بر خصوص التون علم عقد ایدوب سلطنته اجازت و پردی * الشمس سکنده خلیفه عضده
اوقات معینه ده سراینده نوبت چالدرمغه اذن و یروب یونک اوکیاره سائر خلقه اوزرخصتی و بر مامه شلدی
بعده من یوز خلیفه جمیع امور خلافت تدبیر بن عضده تقوی رض ایدوب یی قات خلعت کیدروب بعده عضد
همدانه کیدوب بنده کلد کده من یوز خلیفه آنی استقباله چیقوب دور خلفاده بر فرده بورعایت
میدر اولامشیدی * او چیوز بنش ایکیده عضد قرقیدی باشنده وفات ایدوب کوفه قریبنده مشهد
حضرت علیده دفن اولندی بغداد و عراقده سلطنتی بش ییچ بیل ولایت عجمده و عراقده جمله سلطنتی
اوتوز بش بیل یا خود جمله همان سکنز بیل ایدی یونک بر بنه اوغلی صمصام الدوله یی خلیفه پادشاه نصب ایدی
صمصام احوالی عن قریب ذکر اولور (فائده در مناقب و معایب) مرویدر که عضد بخیرانی ییچ
و محامد صفاتی لاتعد در * مدینه منوره شهر بنه حصار و بغدادده هر سنه یوز ییک فلوری خرج اولور بر عظیم
بیمارخانه و کر بلا ده مشهد امام حسین و کوفه جوارنده بنجده مشهد حضرت امام علی و شیرازده سورالامیر
آدلور شهر و نیجه بنار و خیرلر ایشیدی * بغدادده اوتوزوب عراق و کرمان و فارس و عمان و موصل و خوزستان
و دیار بکر و آذر بایجان و اصفهان و طبرستان و جرجان و نیجه ممالک دخی ممالک ایدی * هر بیل خزینه سنه
اوچ ییک ایکیوز بول عثمانی الخه عدد نیجه الخه کلوردی * قوار ییچده صرع زحمتدن وفات ایدی دینوب
لکن تفسیر کشافده (ما غنی عنی مالیه هلاک عنی سلطانیه) آیتی تفسیرنده مذکوردر که عضد الدوله خسرو
کمال غرورندن کندوی ابله اسامدح و ثنائیدوب (نظم) عضد الدوله و ابن رکنها * ملک الاملاک
غلاب القدر * دیوب قضا و قدره غلبه دعواسن مشعر بر کلمه قبیحه مستلزمه الفضیحه اولغین او حالده نصرکه
فلاح بولیموب مجنون اولوب دیلی دخی طوتلوب (هلاک عنی سلطانیه) کلامندن غیری بر حرف سوبلکه
قادر اولدی * نعوذ بالله من الغرور والسرور المودی الی الشرور ومن هقوات اللسان المهلکات للانسان
(فصل سادس در احوال مؤید الدوله منصور ابن رکن الدوله) پدیری کندو ممالک او چیوز الشمس بنده
اوغلر بنه تقسیم اید کده بو کاصفهان وقم و قزوین وری ملکترین و یروب انده مستقلا پادشاه ایکن
پدیری تبریزده وفات اید کده تختگاهلری اولان شهر شیراز و واروب تخته بکدی بغدادده کلامشدر *
او چیوز بنش اوچده وفات ایدوب سلطنتی بیدی بیل والی آیدی (فصل سابع در احوال نضر الدوله
علی بن رکن الدوله) پدیری ممالک اوغلر بنه تقسیم اید کده بو کاهمدان و دینور شهرلرین و برمشدی
برادری مؤید ایله عضد یونی رنجیده ایتمکین نضر نیشابوره و جرجانه و خراسانه واروب بعده عسکرج
ایدوب مؤید ایله جنک ایدوب نضر صینوب ملوک اطرافه التجا و جناب حقدن نزول فرج رجایدوب بعد زمان
مؤید وفاتده شیراز و واروب آنک بر بنه تخته بکروب (من اذی جاره ورثه الله داره) قول صادقی متحقق
اولدی * مرویدر که عالم ربانی و مخترع علم معانی اولان شیخ عبدالقاهر جرجانیلک علمده استادی اولوب فضل
و کمالده و حسن خصالده و نیجه مؤلفات و سائر حالده مشهور و بلاد و مقبول عباد اولان صاحب اسماعیل
ابن عباد من یوز نخل دیر مستشاری و وزیر حقیق بالا فخراری ایدیکه عباد دخی سابقا رکن الدوله یی
و عضد الدوله یی وزیر اولوب عبادل پدیری عباس دخی وزیر اولمشیدی * مرویدر که من یوز صاحب او چیوز
سکسان بنده ری شهرنده وفات اید کده سیاه لباس یاس ایله جمله ناس آنک سراینه جمع اولوب جمله می فریاد

و قلعان ایدوب جنازه می او کینه پادشاه بیان یور یوب بعد الدفن بر قاج کون عزایه او توروب او چیوز
 سکیسان پیدینه نغردخی وفات ایدوب سلطنتی بر حساسیجه اون اوج بیل اون برای بر حساسیجه بکری
 ابکی بیل ایدی * مجد الدوله عز الدوله شمس الدوله لقبو اوج اوغلی قالدی (فصل ثامن در احوال
 صمصام الدوله مرزبان ابن عضد الدوله) پدری عضد او چیوز شمس ابکیده بغدادده وفات ایدکده
 طابع الله خلیفه بونی آنک بر بنه کجوروب بر تاج ویدی قات خلعت کیدوروب ابکی علم ویدی *
 شمس بشده بغدادده ایشلنن خاشاک باجی بیلده اون یول الحقه التزامه ویرمکین خلق جمع اولوب جمعه نمازین
 ترلا ایتمک عزم ایدوب قننه اولغین فراغت ایدی * شمس التیده برادری شرف الدوله عسکر چکوب
 بونی طوقوب کوز بنه قیزمش میل چکوب عمده بر دعه شهرنده حبس ایدوب بر بنه پادشاه اولوب بغدادده
 کادی صمصام مدت سلطنتی اوج یا طوقوز بیل ایدی * نظام التوار یخده شرفی بوندن مقدم یازوب شرف
 بغدادده کتدکده عمده بکاکنی صمصامه ویروب انکاه یله شیرازه کوب بعده شرف وفات ایدکده صمصام
 پادشاه اولوب طوقوز ایدنصکره عز الدوله نک ابکی اوغلی خروج ایتمکین صمصام قاچدی دیومذ کوردر
 والله اعلم (فصل تاسع در احوال شرف الدوله) شریک یا خود شیرک ابن عضد الدوله برادری صمصامی
 طوقوب بر بنه کتدکده عسکر بوکامیل ایدوب بغدادده کوب طابع الله خلیفه بوکافار شو چیقوب سلطنته
 اذن ویروب تاج و خلع ملر کیدردی * شمس سکرده وفات ایدوب شرف مأمون خلیفه زمانده کی کبی
 نجوم احوالی ایچون رصد یایدردی * شمس طوقوزده وفات ایدوب سلطنتی برادری بهاء الدوله به وصیت
 ایدوب مدت سلطنتی ابکی بیل سکر آ ایدی * نظام التوار یخده پدری وفاتده کرماندن بغدادده کوب
 پدری مملکت لری جله ضبط ایدوب همان الی آ پادشاه اولدی دیومذ کوردر (فصل عاشر در احوال
 بهاء الدوله فیروز ابن عضد الدوله) برادری شرف بغدادده وفات ایدکده طابع الله خلیفه بوکانه ز بنه
 واروب بودخی خلیفه کدوکنه سرور و تعظیمدن مرار ایاووب بعده خلیفه بونی انواع زینت و شوکتله
 کتوردوب بیدی خلعت کیدوروب خلخال و بلازل طاقوب بودخی ایاووب بوکافار کرسیده اوتروب
 برات سلطنتی اوقنوب بهاء الدوله ضیاء المله دیولقب قوندی * سکیسان برده خلیفه بونک خواصندن برنی
 حبس ایدکده بهاء قبلندن انجنوب خلیفه به واروب ایاووب کرسیده اوتروب بهانک آدمی ال اوچک
 طریقه واروب خلیفه بی چکوب تختندن ایدوروب اوستنه اوشوب احرامه صاروب بهانک سراینه ایلدوب
 بعده آنک بر بنه قادر باللهی خلیفه ایدوب بری بر بنه اهانت و خیانت ایتمکده عهد و پیمان و تآکید
 بالایمان ایلدیلر * نظام التوار یخده صمصام وفاتده نصر کده بهاولایت فارسه واروب قادر بالله خلیفه بوکا
 قوام الدین نه شاه دیولقب قودی دیومذ کوردر * بهانک جله مدت سلطنتی بکری درت بیل اوج آ ایدی
 (فصل حادی عشر در احوال مجد الدوله رستم ابن نغرد الدوله علی ابن رکن الدوله) او چیوز سکیسان پیدینه
 پدری نغرد ولایت ریده وفات ایدوب درت باشنده اوغلی رستم بر بنه کجوب مجد الدوله دیولقب قوندی
 بعده اول سلاطین غزنویه اولان سلطان محمود بن سبکتکین بونک اوزر بنه کوب مملکت لری نغردن الدی
 مجدک مدت سلطنتی او تورا ابکی بیل ایدی (فصل ثانی عشر در احوال سلطان الدوله ابن بهاء الدوله
 ابن عضد الدوله) اسم و رسم و احوالی بوحقیقه معلوم اولیوب تاریخ الخلفاده سلطان الدوله بغداددن
 کتدکده قادر بالله خلیفه بر بنه شرف الدوله بی کتوردوب سلطنت ویدی دیومذ کوردر * سلطان الدوله نک
 مدت سلطنتی اون ابکی بیل و درت آ ایدی دیشلر (فصل ثالث عشر در احوال شرف الدوله حسن
 ابن بهاء الدوله) عدله مانل عاقل کامل ایدی سلطان الدوله بغداددن کتدکده خلیفه بونی کتوردوب
 سلطنت ویروب بش بیلده نصر کده شرف موله تلف و شیراجله علف اولدی (فصل رابع عشر در احوال
 جلال الدوله ابن بهاء الدوله) تاریخ ابن شهنده او چیوز او تورا اوچده طوغوب در تیوز در تده
 بغدادده بر ییلاق جله محصول بغدادی جیر ایلدوب خلیفه خبر کوندردکده التفات ایتموب در تیوز
 او تورا بشده وفات ایدوب بر بنه مرزبان کیدی * جلالک بغدادده سلطنتی اون الی بیل واون برای
 ایدی دیومذ کوردر (فصل خامس عشر در احوال عماد الدین الله مرزبان ابن سلطان الدوله)

عمیسی جلال الدوله ایلد اون درت بیلده نک نزاع بعده مصالحه ایدوب در تیوز او تورا بشده جلال وفاتده
 آنک بر بنه بغدادده سلطان اولدی * او تورا طوقوزده بادا جل باجل عمود عمر عماد شمس البلاد کثیر الاجنادی
 منهدم و اثر و جودین منهدم ایدی * بغدادده مدت سلطنتی درت بیل ابکی آ ایدی دیشلر (فصل سادس عشر
 در احوال ملک رحیم خسرو ابن عماد الدین الله) پدری وفاتده بغدادده بر بنه کجوب ملوک سلجوقیه نک
 اقلی اولان طوغزل محمد بک ایلد منازعه لرنده نصکره در تیوز قرق پیدینه مصالحه ایدوب ملاقاته
 وارد کده خسروی طوقوب قتل ایدوروب خسروک سلطنتی سکر بیل اولوب ولایت عراقده آخر ملوک
 دیلمه بودردینوب اکثر کتیده بوندن اشاعینن ذکر ایتماشلردر (فصل سابع عشر در احوال ملک
 منصور یا خود ابو منصور بولاد ستون) نظام التوار یخده مذ کوردر که سلاطین غزنویه دن فارس
 پادشاهی ابوسعید خسرو شاه ایلد محاربه لرو مصالحه لرو ایدوب عاقبت ابوسعید حیلده و خدعه ایلد قتل
 اولنوب فارس ولایت دخی منصور ضبط ایدوب بعده سلطنتدن رفع اوانوب قلعه ده حبس اولندی
 (فصل ثامن عشر در احوال ملک ابو علی بن کینسرو) منصور حبس اولندکده طائفه دیلمه کارنده
 بوندن غیری کسنه قالمغین بونی تخت کجوردیلر لکن اطرافله مدارات و مصافات ایدوب در تیوز سکیسان پیدینه
 نویندخان نهر نک حاکم کینه راضی اولوب سلاطین اطرافله مدارات و مصافات ایدوب در تیوز سکیسان پیدینه
 وفات ایدی * نظام التوار یخده دخی ملوک دیلمه بوحمله تمام اولدی (نظم) فسحان رب العرش
 لیس لملک * تمام وحد مبدأ و ختام (باب ثامن در احوال ملوک غزنویه) بو طائفه به تختگاه لری
 دیار عمده غزنه شهری اولغین ملوک غزنویه دیرلر جدا عللر بیک اسمی سبکتکین اولمله آل سبکتکین دخی
 دیرلر حسن سیرت و لطف خصلته احسن طبقات ملوک عجم اولوب جله سی اون ابکی باون اوج نفر
 ذوی الظفر ایدیلر * اول سلطنت لری سبکتکین حسابده داخل اولی اوزره او چیوز التمش اوچده و مدت
 سلطنت لری یوز سکیسان درت بیلدر داخل اولماق اوزره اول سلطنت لری او چیوز سکیسان طوقوزده مدت
 سلطنت لری یوز الی سکر یا یوز التمش بیلدر (فصل اول در احوال نصرالدوله ناصر الدین سبکتکین)
 ملوک سامانیه باندده کراوندی اوزره امیر نوح بن منصور سامانی طرفندن شهر غزنه ده شهنه ابکی ولایت
 خراسان بکری نوحه عصیان ایدکارنده نوح سبکتکینه خبر کوندروب اودخی انلرک شرفی دفع ایدکده
 نوح بونی مرعسکر ایدتمشدی بعد زمان ملوک دیلمه دن عزالدوله بختیارک شهر بغدادده حاجی یعنی قیوچی
 باشیسی ابکی او چیوز التمش اوچده بختیارکجه کیدوب بونی بر بنه قودقده بختیارک مرانی بقیه ایدوب
 خسته اولان مطیع الله خلیفه به حسن اختیارکله خلافتی ارغلاک طابع الله فراغت ایلد دیوب اودخی
 او چیوز التمش اوج ذی الحجه سنده فراغت ایدوب ایزتسی طابع سبکتکینه خلعت سلطنت کیدروب علم
 ویروب بقیه نصرالدوله قودی بعده بختیارک بغدادده کوب سبکتکین عسکر اترکی کتدوبه ایدوروب
 بختیارک ایلد نیچه جنکار ایدیلر * او چیوز التمش در تده یا سکیسان پیدینه سبکتکین وفات ایدوب محمود
 اسماعیل نصر یوسف آدلو اوغللری قالوب اون کره یوز بیک التون و یوز کره یوز بیک الحقه و ابکی صندوق
 طلوسی جواهر و اون درت بیک مر اسرو او چیوز بونک سارقاش و دخی نیچه درلر خلفه سانی قالدی * بعض
 معتبرانده سبکتکین غزنه پادشاهی ایدی دینوب کن اکثرنده ذکر اولغیوب خصوصاً شاهی نامه مؤلفی
 فردوسی سلطان محمود بن سبکتکینی هجو ایدکده بویله دیشلر (نظم) اگر شاه را شاه بودی پدر *
 بسر بر نهادی مرا تاج زر * دیکین غالب ظن بودر که سبکتکین بشقه مملکتده مستقل پادشاه اولماش اوله
 والله اعلم بحقیقه الحال (فصل ثانی در احوال عین الدوله سلطان محمود بن سبکتکین) مناقب * مرویدر که
 محمود مسعود مودود الخصال برشاه آگاه سدید الفعال اولوب (محرره) لطف وجود و عدل و عقل و علم
 و فضل * حزم و جزم و عزم و رزم و بزم و بذل * انده جمع اولش ایدی بی اشتباه * ایلر ایدی خلقه عدلیله نیکاه
 (نثر) اساطین سلاطین روی زمیندن اولوب هر فصل و بابده مناقب علمیه المراتبی بر کتاب اولمغه قابل
 و مقبلدر * فصاح الملوک و کتب اخلاق و حکایات و محاضرات بونک محبوبی خاص ایاووزری خواجه
 حسن میندی و سایر علما و شعرا و صلحا و فقهرا ایلد واقع اولان اخبار جمیله و اطوار جمیله سنک ذکر

عبرت خونی ایله مشهورند بونک احوالنه کمال اطلاع انلری تتبع ایستیناره حاصل اواز * بعض معتبرانده سلطان محمود مشاهیر فصحا و علمادان اولوب علم فقه و حدیث و رسائل اشعار و منشآتده مؤلفاتی وارد در مذهب حنفیه تفرید ایدوب تفرید آدلور بر کتاب لطیف تألیف ایتدی * عالم و صالح کسینه اولوب مناقب و احوال سلطنتی خصوص صنده فضلادن بریسی بر مستعمل کتاب تصنیف ایتدی انجق من بور شافعی اولغله بعض مسالده شافعی مذهبین سلطان محمود ساده دله مستحسن کوستر مکه حنفی مذهبینه ایکن یوسبله رجوع ایدوب شافعی مذهبینه کیردی دیمشلم * مرویدر که هر کیچه کوندر کیدو کی لباس ملوکانه بی چصاروب کهنه لباس کیموب درگاه خدای بی انبازه یوز سوروب نماز و نیاز ایدوب صبا حیدر لک بوالله اغلیوب مناجات و طلب مغفرت و عرض حاجات ایدوب جناب حقه متذلل و مبتدل و یوشعر مسکنت مشعری قائل اولوردیکه (نظم) نه کشور کشایم نه فرمان دهم * یکی از کدایان این در کهیم * چه برخیز از دست و کردار من * مکر دست لطف شود یار من (جلوس و احوال سلطنت) بعض کتیده غزنه شهر نک خلقی بکری سبکتکینی کند و لره پادشاه ایدوب بعده هندستان اطرافن فتح ایدوب ممالکی و سعت بولوب مرض موده اوغلی محمود آخر یرده اولغین بیولک اوغلی اسماعیل و صیت ایدوب غزنه ده وفات ایتد کده تخت اسماعیل کچوب بعده محمود کلوب اسماعیل محاصره ایدوب عاقبت اسماعیل حصار ی اسماعیل آچوب سلطنتی حسن رضا ایدوب محمود فرغت ایتدی دینوب نظام التوار یخنده مذکور در که او اخر ملوک سامانیه اولان امیر فوج بن منصور شهر غزنه شهنه سی سبکتکینی او چپوز سکسان درنده سردار عسکر ولایت خراسان ایدوب سکسان یریده سبکتکین وفات ایتد کده سردار لغنی انک اوغلی محمود و یروب فوج اول ائشاده وفات ایدوب اوغلی عبدالملک تخت کچوب محمودی عزل ایتد کده انجوشوب مرارا جنکگر اولوب عبدالملک صینوب بخارایه قاجد قده محمود قوت و شوکت بولوب تخمینا او چپوز سکسان طهوز سنه سنده ممالک خراسان و سجستانه پادشاه اولوب بغداد خلیفه سندن بو کاسلطننه اجازت نامه کادی بعده آخر ملوک دلیله دن مجد الدوله ابن نخر الدوله دن سلطان محمود شکایتجیلر کاد کده واروب انزلک الزرنده اولان جرجان و عراق و لایترین الوب تدریجه اصفهان وری و طبرستان و جرجان و خراسان و خوارزم و کرمان و سجستان و بعض ولایت سجستان و دیار سنده مالا اولدی * دایما هندستانه سفر ایدوب تفصیله محتاج عظیم غزار و جنکگر ایدوب و محاربات جنت سزار و بعد فخر و صاحب قرانقلر ایدوب انده نیچه شهر الوب مساجد و مباد یابدردی * در تیوز اونده او تیوز ییک کزیده عسکرله ینه هنده سفر ایدوب بر آیتلی قوسصال بریده دن اونده ولایت کشمیرده قنوج شهرنه واروب نیچه ییک ییلدنبر و کافر عبادت ایدوب اون ییک عدد معمر و وقف قریه سی و نیچه ییک مخصوص خدمتکاری اولوب سونمات دیکله مشهور کائنات اولان صفی الوب الی ییک کافری قتل وایکیوز بیکدن زیاده سی اسیر ویکری ییک کافری مسلمان ایدوب نیچه یوز یول نقد التون و بحد جواهر زواهر و تحف الوب اول صفی که در تیوز بطمان صافی التون ایدی و عورت صورتده بونش التمش منقال یکباره یاقوت احرش جبرانی نیچه هدیه عظیمه ایله بغداده قادر بالله خلیفه یه کوندردی * من بور محمود هیبت ایچون ییک دانه قیل بسلدوب جنک بیل ایلتوب اعظم ملوک هندستان و تر کستانی جبر و قسرا یله قهر و کسر ایدوب جهانبانی و صاحب قرانلق مرتبه سنه قریب برحا کم لیب و حازم مصیب ایدی * علما و صلحا ینه دما و شعرا ینه عفا و ذریه خود و عطار بزل و محال ایدوب عنصری فرخی عسجدی آدلوا و ج شاعر بی مائندی اولوب بعده میدان عرفانک طاوسی حکیم ابو القاسم منصور فردوسی طوسی کلوب کمال تفصیله محتاج و جهله انله غلبه ایدوب التمش ییک بیت اولان شهنامه کابن محمود ایچون او تیوز ییلده تألیف ایدوب او دخی هر ییتنه بر فلوری و یرمکه وعده ایتدکن فردوسی شیعی ووزیری خواجه حسن میمندی سی باخود ناصبی اولغین خصوصاً فردوسی خاص ایازه مقسوب اولوب وزیره سر فروا یتما مکین وزیر محمود پادشاهم بر شاعر التمش ییک فلوری و یرمک امیر افرو بیت الماله انلا قدر دیکده بودخی التمش ییک انچه کوندروب فردوسی جامده ایکن جائزه کتور بولوب انچه یی کور دکه انجنوب ثانی کتور نه

ثانی جامچی به ثانی جام قبوسنده بر شر بختی به باغشلیوب تفصیله محتاج و جهله قاجوب پادشاه غنناک اولوب فردوسی دخی بحد و لرغندن سکسان ایکی بیتلور بر عرض حال یازوب ایچنده پادشاهی عظیم هجو ایتددر که بعضلمی بودر (نظم) ایاشاه محمود کشور کشای * زمن کر نترسی برص از خدای * که یدش از نوشاهان فراوان بدند * همه تاجداران و کیمیان بودند * فزون از تو بودند یکسر بجاه * بکنج و سپاه و تخت و کلاه * نکردند جز خوبی و راستی * نکشند هرگز سوی کاسی * همه داد کردند برز بردست * نبودند جز پالک یردان پرست * نجسند از دهر جز نام نیک * وزان نام جستن سر انجام نیک * هر آن سر که در بند دنیا بود * بنزدیک اهل خرد خوار بود * من این نامه شهر یاران یدش * بکفتم بدین نغز گفتار خویش * بسی رنج بردم درین سال سی * عجم زنده کردم بدین پاریسی * بسی سال بردم بشهنامه رنج * که ناشاه بخشد مرا نایب و کنج * نه پاداش من کنج را در کنشاد * مرا جز بهاء تقای نداد * ز دانش نبود شاه رادستگاه * و کر نه مرا بر نشاندی بکاه * ندارم ز دینار خسر و سپاس * که او نیست شاه حقیقت شناس * چو اندر تبارش بزرگی نبود * نیارست نام بزرگان شود * اگر شاه راشاه بودی پدر * بسر بر نهادی مرا نایب زر * پرستار زاده نیاید بکار * اگر چند باشد پدر شهر یار * بشیزی به از پادشاهی چنین * که نه عقل دارنده دانش نه دین * شهری کو برسد ز درویشی زود * بشهنامه او را نه شاید ستود * سر ناسزایان بر افراشتن * و زایشان امید بهی داشتن * سر رشته خویش کم کردند * بحیب اندرون مال پروردست * درختی که تلخت و بر امرشت * کوش بر نشانی بیاغ بهشت * و رازجوی خلش بهنکام آب * به بیخ انکین ریری و شه نایب * سر انجام کوه ر بکار آورد * همان میوه تلخ بار آورد * بعبر فروشان اگر بکذری * همه جامه نوشود عنبری * اگر بکذری نزد انکشت کر * بغیر از سیاهی نه بینی در * زید کوه ران بدینا شد عجب * سیاهی نشاید ستردن زشب * زید اصل چشم بهی داشتن * بود خالک بر دیده انباشتن * چو پرورد کارش چنین آفرید * نیایی تو بر بند یردان کلید * ز نایب زاده مدارد امید * که زنیکی بشتن نکردد سفید * ازان کفتم این بیتهای بلند * که تاشاه کبر دازان کار بند * دگر شاعرانرا یازارد او * همان حرمت خود نکند دارد او * چو شاعر بر نجسد بگوید هجا * همانند هجا تا قیامت بجای * بنالم بدر کاه یردان پالک * دشمنانده بر سر پراکنده خالک * که یارب روانش با آتش بسوز * دل بنده مستحق بر فروز * (نثر) مرویدر که فردوسی سیر بعض ممالکدن صکره و طنی اولان طوسه واروب بو جائده سلطان محمود خلف وعده نادم و هجو اولد یغنه متالم اولوب وزیر حسن میمندی بی عزل ایدوب هندستان قلعهر یکن برنده حبس ایتدردی * بعده فردوسی به التمش ییک التون کوندروب ایاتن کسینه لرطوسه کیرد کاری کون بحکمة الله فردوسینک وفات و دفنه راست کلکین فلور یلر قیزنه یا هم شیر سینه و یریلوب اودخی قبول ایتما مکین پادشاه طانشلوب مفصل خبر کاد کده فردوسینک اوزر ینه تربه و تکیه بنا اولوب اکا و او قافیه یا خود طوس شهرنه اقرار صو کتور یلوب اکا صرف اولندی (نظم) برفت شوکت محمود و در زمانه نماند * جز این فسانه که نشناخت قدر فردوسی (وفات) مرویدر که سلطان محمود در تیوز یکری برده التمش اوج یا التمش یا شنده وفات ایدوب مدت سلطنتی او تیوز اوج ییل ایدی (فصل ثالث در احوال سلطان مسعود ابن سلطان محمود) محب علما اهل سخا ایدی غایبده شجاع صاحب زور و قوت اولغین دموکرز ایل جنت ایدردی * پدری وفات ایدرکن خراسان و عراق عجم مملکتلرین بو کاخته کاه اولان شهر غزنه و بعض دیار هندی بونک برادری محمه وصیت ایتدیدی * بعده محمدی عیسی یوسف بن سبکتکین غزنه ده طوقوب حبس ایتد کده مسعود واروب یوسفی دخی حبس ایدوب پدری مملکتلرین بالتار ضبط ایتدی * بو حالده ایکن اول ملوک سلجوقیه اولان سلطان طوغرل ماوراء النهر دن خراسانه کلوب مسعود انکله مرارا صواشوب آخر صینوب غزنه یه کیدوب اکثر ولایتلر ینه طوغرل

مستولی اولوب محبوس اولان محمد اومد تدره استقلال بولمغین مسعودی حبس و در تیز او تو ز او چده
 اوغلی احمدی زندانه کوندر و ب مسعودی قتل ایتدردی مسعودی سلطانق اونی ییل ایدی * بنکار ستانده
 مسعود آل سلجوق و لایتنه عسکر کوندر و ب غارت و خسارت ایتد کارنده میکایل سلجوقی وفات ایتش
 اولمغین رعایای جمع اولوب خراسانه کلوب مسعود هنده قاجوب و لایتنی سلجوقیلر تالان ایتدیلر
 دیو مذکور در (فصل رابع در احوال سلطان محمد بن محمود بن سبکتکین) برادری مسعودی قتل
 ایتدرد کده مسعودی اوغلی مودود بونک اوستنه عسکر چکوب جلده اولادیه قتل ایدوب (بشر القاتل
 بالقتل) مفهومی ظاهر و معلوم اولدی محمدی سلطانق اونی درت ییل ایدی (فصل خامس در احوال
 سلطان مودود بن مسعود) عیسی محمدی و اولادنی پدری قانی ایچون قتل ایتد کده نصرکه سلطانق
 قوت و شوکت بولمغین بعض ملوک ماوراء النهر و هندستان و عجم بوکا سرفرو ایدوب ملوک سلجوقیه دن
 سلطان چاقربک سرکشک ایتکین مودود آنک اوستنه عسکر کوندر و ب چاقردخی اوغلی الب ارسلانی
 کوندر و ب چکنده مودود عسکری صندی * در تیز قرق برده قولنج مر ضندن وفات ایدوب
 مدت سلطانقیدی ییل ایدی (فصل سادس در احوال سلطان مسعود ثانی ابن مودود) پدری
 وفاتده اوغلا شجق اولمغین همان بش کوند نصرکه عیسی علی بی تخته کچوردیلر (فصل سابع
 در احوال سلطان علی بن مسعود اول ابن محمود) بونک زمانده عبد الرشید ابن سلطان محمود بن
 سبکتکین که نیچه زماند نبرو محبوس ایدی قور تلوب عسکر چکد کده علی صینوب قاجودی
 (فصل ثامن در احوال عبد الرشید بن محمود) یاخود عبد الرشید بن مسعود بن محمود علی بی قاجوب
 برینه کچوب در تیز قرق بشده سلطان مسعود بن محمود دامادی طوغرل آدلو بر بک ظهور ایدن ملوک
 سلجوقیه بی دفع ایچون البته عسکر چکوب وارمق کر کدر عیسی عبد الرشید آنی سردار ایدوب کوندر کده
 واروب سیستان قلعه سن الو ب بعد عسکر چکوب غزنه به کلوب عبد الرشیدی وافر باسندن بولدیغنی جلده
 قتل ایدوب تخته کچوب عسکره انعام جلوس و یرر کن بعض امرایراغ اوشر و ب طوغرلی قتل ایتدیلر
 مرویدر که مزبور عبد الرشید دون همت و فاسد تدبیر کسینه اولوب سلطانقیدی ییل ایدی (فصل تاسع
 در احوال فرخ زاد ابن سلطان مسعود ابن سلطان محمود) نظام التوار یخده بونی یازمیوب لکن تاریخ
 میرخوانده مذکور در که عبد الرشید قتل اولند قده ارکان دولت فرخ زادی حبسدن چقاروب تخته
 کچور و ب عبد الرشیدی قتل ایدنلری بولوب جلده سن قتل ایتدیلر بعد سلطان داود سلجوقی غزنه به
 عسکر چکوب کلوب فرخ دخی وزیر جرجیری قارشو کوندر و ب چکنده سلجوقیلر صینوب قاجوب بعد
 فرخ عظیم عسکر جمع ایدوب سلجوقیلر اوستنه کیدوب انلردخی چکنده عسکر کوندر و ب لکن صیندیلر بعد
 چاقربک سلجوقی اوغلی الب ارسلانی کوندر و ب غزنه به کاد کده چکنده الب ارسلان غالب اولوب بعد
 ایکی طرفدن بری برلر بک اسیرلرین آزاد ایدوب صلح اولدیلر فرخ زاد تازه کده وفات ایدوب برینه برادری
 ابراهیم کیدی (فصل عاشر در احوال سلطان ابراهیم بن مسعود بن محمود) فرخ زادک
 یا عبد الرشید کده وفاتده برینه کچوب عادل و عاقل و شجاع و صالح اولوب اوچ آی اور جن طوتاردی غایتده
 خوب خط اولمغین هر ییل بر معصوب شریف یازوب وافر صدقه لایله مکرمه به کوندریدی * ملوک
 سلجوقیه ایل صلح اولوب طرفیندن عهدنامه لری یازوب بعد هندستانه اوچ کره سفر ایدوب اسلافی ظفر
 بولمقد صعب قلعه لر و عظیم ولایتلر فتح ایدوب بر دفعه ده یوز بیک اسیر کتوردی * نظام التوار یخده
 مذکور در که زمان سلطانقده سرانده اصلا برشته بنایقوب شهرده بر مسجود و بر مدرسه بناییدی * در تیز
 الی برده سلطان طغرل سلجوقی بک برادری اولوب خراسان پادشاهی اولان چاقربک ایلر اراچنک ایدوب
 بعد صلح اولوب او ییل چاقربک وفات ایدوب برینه اوغلی الب ارسلان کیدی * سگسان برده یاطقسان ایتکیده
 سلطان ابراهیم دخی وفات ایدوب مدت سلطانق اونی یوز الی یاقربیدی یاو تو ز یاقربیدی ییل ایدی
 رحمه الله علیه (فصل هادی عشر در احوال سلطان جلال الدین مسعود ثالث ابن ابراهیم) پدری
 وفاتده برینه کچوب خاتونی سلطان خنجر سلجوقی بک هم شیرمه می ایدی * بشیوز سکر زده جلال وفات ایدوب

سلطنتی یکریمی یاوون الی ییل ایدی (فصل ثانی عشر در احوال سلطان ارسلان شاه بن جلال الدین
 مسعود ثالث) برادر بی حبس ایتکین دیگر برادری بهرام شاه بونک خوفندن دایبی سلطان خنجره
 قاجوب اودخی بشیوز اوند وافر عسکرله غزنه به کلوب چکنده ارسلان هندستانه قاجوب خنجر بهرامی
 غزنه ده تخته کچوب خرنه دن یکریمی کره یوز بیک فلوری و بیحد جواهر الو ب بعد خراسانه کیدوب
 ارسلان هندستاندن وافر عسکر ایله کلوب بهرام بنه خنجره قاجوب اندن وافر عسکر کتور و ب ارسلانی
 طوغرل قتل ایدوب برینه کچوب بوقصه بشیوز اونی ایتکیده واقع اولدی * مدت سلطنت ارسلان شاه
 اوچ ییل ایدی دیشلر (فصل ثالث عشر در احوال سلطان بهرام شاه بن جلال الدین) ارسلانی قتل
 ایدوب برینه کیدی اهل شوکت و حشمت اولوب علما و شعرا ایله محالست و مصاحبت ایدوب نام
 با احترامه نیچه کتاب لطیف تالیف اولوب زما تدره رعایا و برایا آسوده حال ایدیلر هندستانه ایکی کره
 سفر ایدوب مقدمه افخ اولغاش وافر مملکتلر الو ب هندستانق ضبط ایدوب بعد غزنه به کاد کده اول سلاطین
 غزنویه اولان سلطان معظم علاء الدین حسین بن حسن بونک اوستنه خروج ایدوب بهرام شاه قاجوب
 حسین برادری سیف الدوله بی غزنه ده قویوب کندی بهرام دونوب کلوب سینی تخته کچو و شهره صغره
 بندر و ب شهری کزدر و ب بعد قتل ایتدی بعد بهرام شاه کلیموب بشیوز قرق یدیده وفات ایدوب سلطانق
 او تو ز بش ییل ایدی (فصل رابع عشر در احوال سلطان خسرو شاه بن بهرام شاه) مزبور علاء الدین
 برادری سیفه اولان حقارتی ایشیدوب غصبه کلوب عظیم عسکر ایله بولده چیقوب * اشبو خسرو زمانده
 واصل اولوب خسرو هنده قاجوب علاء الدین غزنیه غارت و خلقنی قتل و اهانن ایدوب سام آدلو
 برادر بک اوغللری غیاث الدوله و شهاب الدین اوند قویوب کندوسی و لایتنه کیدی * بشیوز قرق یدیده
 غیاث و شهاب خسروی امانله کتوردوب بعد قلعه ده اوغلله حبس ایدوب طائفه غزنو بونک مملکتلری
 ضبط ایتدیلر بعد زمان غیاث وفات ایدوب شهاب مستقل اولوب اکثر ممالک هندستانق الو ب سلطان
 عظیم الشان اولدی * ملوک خوارزمیه دن سلطان محمد بن تکش زمانده برکسینه شهابی خفاة قتل ایتد کده
 شهاب قوللرندن سلطان شمس الدین ایلتمش شهاب برینه هندستانده مستقل پادشاه اولوب نیچه زمان
 اول ولا تدره آنک نسلی سلسله ایل سلطنت سوردیلر * خسرو شاه حبسده ایکن بشیوز قرق یدیده وفات
 ایتدی * تاریخ میرخوانده مذکور در که سابقا خسرو شاه علاء الدیندن قاجود قده هندستانده لهاور
 شهرنده اولور و ب سلطنت سور و ب بشیوز الی بشده وفات ایتدی (فصل خامس عشر در احوال
 خسرو شاه بن خسرو شاه) پدری وفاتده هندستانده برینه کچوب داغاعیش و نوشه مشغول اولوب امور
 سلطنته عورتلر و خادمه لر قارشوب امرای بوکا انجنوب بعد سابقا مذکور اولان غیاث الدین
 هندستانه واروب خسرو اکا قارشو طوره میوب امانله کلوب بولشوب غیاث آنی غزنه به کوندر و ب
 انده جلده اهل غزنه ایل قتل اولوب ملوک غزنویه بالکلیه منقرض اولدیلر (نظم) دل بدین پیرهن
 عشوه کر چرخ میند * کین عروسیست که در عقد بسی دامادست (باب تاسع در احوال
 ملوک سلجوقیه) اشبو طائفه اون سکر نقر اولوب اول سلطنتلری در تیز او تو ز ایتکیده اولوب مدت
 سلطنتلری یوز الی ییل ایدی * سلجوق لفظینک اصلده ترکیسی سلجکدر عربی بلر تعریب ایدوب سلجوق
 دیکین ترکیجه دخی بولیدیلر اولدیلر (ظهور) بو طائفه نک کیمی بغدادده کیمی محمده کیلری زمان واحدده
 کیلری ازمنه متفرقه ده سلطان اولمغین ترتیلری و نیچه احوال لری نو عاخیط و خللدن خالی اولمیوب تاریخ
 ابن شهنشه مذکور در که ماوراء النهرده اولان قبائل اتراک نامدارلرندن دقاق آدلو بهادرک اوغلی
 سلجوق نجیب و شجاع اولد قده یاتنه آدم جمع ایدوب ترکستان پادشاهی بونی ایشیدوب انجنم کین
 آنک خوفندن سلجوق ممالک اسلامه قاجوب بخارا شهرنک آردنده چند آدلو شهرده اقامت و داغما کفار ایل
 چنک ایدوب یوزیدی یا شنده انده وفات ایدوب امرایل میکایل موسی آدلو اوچ اوغلی قلوب میکایل
 غزاده شهید اولوب آنک دخی بیغو و طغرل محمد و چاقرداود آدلو اوچ اوغلی قلوب بعد زمان طغرل و داود
 پادشاه اولدیلر مزبور امرایلک اوغلی عزالدینک اوغلی قوتلش حالا قرمان دیدکاری دیار یونانه پادشاه

اولوب نسل جوغا لشدر نیکم آشاغیده بشقه باده بیان اولونور * فواج مسکیده مذکور در که قبائل
 اتر اکن آل سلجوق ماوراء النهرده قونار کو چر طائفه سندن اولوب اله کتورملری ممکن اولما مغین ملوک
 وحکام زمره لرینه رام اولوب سردار لرینی سلطان محمود بن سبکتگین تدبیر کثیرله تسخیر واسیر ایدوب
 متعلقاتی اطرافه پراکنده بتشدی * سلطان محمود وفاتده بر طریقه له حبسندن خلاص بولد قلزنده سلطان
 مسعود بن محمود بن نوله محتاج اولوب سردار لرینی قویو یروب تدریجیه قوت وشوکت بولوب ایچلرندن
 طغرل محمد بن بعض بلاد عجمه پادشاه اولدی * بعض قوار یخده سلجوق اعلمده طائفه اتر اکن قونی ناج
 جاعندن اولوب اونوز دردی پدیری عجم پادشاهی فریدون نسلندن اولان ترکستان پادشاهی افراسیابدر
 سلجوق ملک مال فراوان صاحبی اسرائیل میکائیل موسی یونس آدلودرت اوغلی اولوب عاقبت ترکستان
 شرفدن که حال اولوبک ولایتلریدر * اولاغینک قتلندن اوچیز تیش بشده ماوراء النهره کلوب سنور بخارا
 سغد سمرقند شهرلرنده اقامت ایتدیله * بر مقدر از زمانده صکره سلطان محمود غزنوی اجازه تیره نهر چکوندن
 کچوب نشا بور حدودنده ساکن اولدیله * امامیکایه لک چاقربک طغرل بک آدلوا بکی عاقل وشجیع اوغلی اولوب
 او طائفه نیک اتفاقیه ریاستلرین ایدوب ایکسندده دخی استحقاق دولت مشاهدده اولغین تدریجیه قوت وقدرتی
 آرتوب اولاد سبکتگینه غلبه ایدوب بعده ایکسی دخی پادشاه اولوب خلیفه آل عباسدن سلطنته اجازت کلوب
 جمیع آل سلجوق اوچ شعبه اولتی اوزره سلاطین اولدیله * اعظم لریکه شعبه اولی در بعضری جمیع ایران زمینده
 یعنی عجمستانده وعراق وعرب وعجم وبعض بلاد خراسان وکیمی بعض ولایتلرده سلطان ایدیلر که بونلرون
 درت نفر اولوب ابتدا سلطنتلری در تیوز یکرمی طقوزده اولوب جله مدت سلطنتلری یوزالتیش بریل ایدی
 شعبه وطبقه ثانیه لری عجمده ولایت کرمانده اون برنفر اولوب اول سلطنتلری در تیوز او تو زوجه اولوب
 جله مدت سلطنتلری یوزاللی بیل ایدی * وشعبه طبقه ثانیه لری ولایت قرمانده اولوب تحت کاهلری قوینه
 شهری ایدی اول سلطنتلری در تیوز سکسانده اولوب جله مدت سلطنتلری ایکیز یکرمی بیل ایدی دیو
 مذکور در (فصل اول در احوال سلطان رکن الدین طغرل محمد بن میکائیل بن سلجوق) پادشاه اولدده
 سلطان مسعود بن محمودی قاجروب طبرستان جرجان خوارزم اصفهان خراسان وبعض شهرلری ضبط
 ایدوب همدانده تخت کوب بغدادده قائم بامر الله خلیفه بوکا سلطنته اجازت و یروب خلعت کونردی *
 در تیوز او تو زوجه طائفه اتر اکن کدن بش یکن عددنر کاه یعنی اوباهلی مسلمان اولوب طوائف خطاوتانار
 کفرده برقرار قالدیلر * قرق یذیده بغدادده خلیفه اوزرینه امر اسندن بری عاصی اولدده خلیفه طغرلی
 چاغرمغین کلوب مزبور عاصی قاجدی طغرل آخر ملوک دیالمه اولان ملک رحیم خسرو ایلد سابقا منازعه
 ایتشیکن بویاده صلح اولوب خسرو بوکاملافاته واردده خسروی طوقوب قتل ایدوب بغدادده خطبه ده
 طغرل خلیفه ایلد شریک اولوب * قرق سکزده خلیفه طغرلک برادری داودک قیزی نسکا حنوب جمع
 اولوب در تیوز ایلد طغرلک برادری ایتال خروج ایتدده طغرل اکا کیدوب بوجانیده اول عاصی بک کلوب
 خلیفه بی طوقوب بغدادده قریب عانه شهرنده حبس ایدوب طغرل واروب برادری طوقوب قتل ایدوب
 بعده خلیفه بی بغدادده ایلکه آدم کونردوب تعظیله ایتدیله * در تیوزاللی در تده طغرل خلیفه نیک قیزی
 ایتیبوب اوزمانده دلخلفا قیزی خلاف جفسه ویرلک واقع اولمغین خلیفه طوقوب بالضروره ویرلک
 لازم کلمکین شهر تبریزده ماه شعبانده نکاح اولوب * الی بشده طغرل بغدادده کلوب خانویه جمع اولوب
 سابقا ابطال اولنان مظالمی اعاده ایدوب ولایت بغدادی یوز * الی بیک التون انتزاه و یروب کیدوب بری
 شهرنده بویلاک رضائنده جمعه کونی خسته لکه وفات ایدوب مدت سلطنتی یکرمی الی بایکرمی
 ایکیل عمری دخی تیش بیل مقداری ایدی * تاریخ الخلفاه طغرل ظالم ایدی دینوب لکن زین الجمالده
 حلیم و کریم و اوفاتی جاعته ادا یه مداوم وائین وخیس صومنه ملازم اولوب اکثرا صدقات و بناء مساجد
 بر خیرات ایدوب لباس حریر کیزدی دیو تخریر اولمشدر (فصل ثانی در احوال سلطان چاقربک
 ابن میکائیل) اصل اسمی داود ایدی طغرل حیائنده خراسانده سلطان اولوب در تیوز قرق سکزده قائم
 بامر الله خلیفه بونک قیزی نسکا حنوب الی مزبور چاقربک زمان سلطنتده سلطان ابراهیم غزنوی ایلد نیچه

چنگار ایدوب در تیوزاللی برده صلح اولوب یینه بویله وفات ایتدی * اکثر قوار یخده بونی مستقل پادشاه
 اولتی اوزره یازمشدر (فصل ثالث در احوال عضدالدوله عزالدین ابوشجاع سلطان اب اسلان محمد
 ابن چاقربک بن میکائیل) قوار یخده مذکور در که سلطان طغرل وفات ایدوب اوغلی قالمغین برادر زاده سی
 یرینه بکوریوب خلیفه بغداد بوکا خلعت و سلطنته اجازتنامه کونردی * شجیع و مهیب و مدبر مصیب
 عادل و کریم عاقل و رحیم سنی مشرب شافعی مذهب صاحب الخیرات کثیرا الصدقات رعایا پناه کواکب سپاه
 بر شاه آگاه مجاهد فی سبیل الله ایدی * در تیوزالتش اوچده کفار روم جمیع بلاد اسلامی المغه اتفاق
 طوائف نصاری ایلد بوجه عموم هجوم ایدوب اهل عمالک خوفدن هالاک اوله یازد قلزنده اب اسلان
 مانند شیر زیان و بیدمان همان اون ایکی بیک عدد دللور هنر آوریله اهل غلبه قارشو واروب اول وهله ده
 بی صبر و هله بر او غور و درن جله یک جله ایدوب صفلیاروب واروب کفاری بری یرینه قانوب سردار رومیان
 بی ایمان بر طغیان ایتدن یقوب طوقوب سائر کفره بخره اب اسلاندن (کاتم جرمه سنفرة فرت من قسورة)
 فرار ایدوب تار مار اولدیله * سردار کفاردن مال عظیم الوب الی بیلدک صلح اوزره آزاد و قن مجزونی
 شاد ایتدی * بوقع میدندن عالمده اولان عامه مسلمین فرح بی انتها ایلد * کاعظم خیر دعا ایتدیله
 دیار عجمده اولان مملکتلرندن غیری شام وحلبی وبعض دیار عربی دخی ضبط ایدوب ملوک اتر اکنده
 اوزمانده دلنهر فراتی برکسنه کیممشدی * نظام الملک آدلوا کامل وعادل و عادل بروز یر عیدم النظیری
 واریدی بغدادده خطبه ده سلطان دیو یاد اولوب بوندن اول بر سلطانیه بو عنوان میسر اولممشدی
 سائر احوالده دخی اسلاف ملوک حاصل اولدق مراتب و مناقبه واصل اولوب بلاد کفاردن وافر فتحلر
 ایتشدی * در تیوزاللی بشده اقرباسندن اولوب اول ملوک سلجوقیه بلاد بونان اولان قوتلومش بوکا عصیان
 ایتدده اوزرینه واروب جنکده قوتلومشک عسکری صینوب طاغلقده کندوسی بلا سبب میت
 بولندده اب اسلان کوروب اچیوب اغلدی * التیش بشده ایکیز بیک عسکر ایلد ماوراء النهره واروب
 فر بر شهرنده نهر چکونی کتارنه قونوب کو پری قوریلوب بر آیه دل عسکر کو پریدن کچمک اوزره ایکن
 برکسه یه غضب ایدوب زنجیر ایلد کتور وروب اودخی بوکا سوکده بندنی چوز دروب اوق آتقده غایت
 ماهر اولغین اکا اوق اوب لکن بحکمة الله طوقیموب اول کاب کرل نشان یاننده کیرل بجاغیلد اسلان
 اوزرینه یور یور بودخی تختندن قانوب یوزی اوستنه دوشدده اودخی فرصت بولوب بوش بوکرینه
 اوروب بعده حریف شقا الیف طشرده طوتیلوب قتل اولوب بودخی درت کوندن صکره قرق یاشنده
 وفات ایدوب * سلطنتی طقوز بیل و بر قاج آی باخود اون ایکی بیل ایدی (فصل رابع در احوال
 سلطان جلال الدین ملک شاه بن اب اسلان) هر ویدر که حسن الصورة جمیل السیره شجیع و کریم شفیق
 و رحیم ادیب و مهیب لبیب و مصیب عالم فاضل عاقل و عادل کامل و خوش دل حمید الخصال سدید الفعال
 وقور و صبور و غزاردده منصور بر سلطان مشهور اولوب عامه انا م مهد معدائنده نیام و عهد سلطنتده
 سیف حیف اندر نیام ایدی * اقصای بلاد ترکستاندن منتهای دیار یمنه دل اولان بلاد شام و حلب و عمالک عجم
 و عرب زیر تکیظ طفر قریبی اولوب پدر جنتقیری کبی کفار رومدن خراج آلودی جمیع مملکتلرنده نیچه
 یوز بیک فلور بیک مظالم رفع ایدوب بغدادده بر جامع و امام اعظم رجة الله علیه مزارنده بر مدرسه و مواضع
 متفرقه ده نیچه * کو پر یلر و سقایله یعنی سبیلار و خانلر و راه جده بر که لرو حوضلر ایدوب خیراتی بحد
 و حسناتی لایعده در پدیری کبی شکاره مائل اولوب کندوسی بالذات صید ایتد و کتی اون بیک عدد تخمین
 ایدوب فقرایه اون بیک التون بعده هر صید ایچون دخی بر فلوری صدقه و یرردی * کوفده برکون بحد
 شکار ایدوب جیران و حمار وحشی بونیوزلرندن و ایاقلرندن روز کارده یاد کار قالمغین منار و بارقله
 استوار یایدردی * پدر بیک وزیر نظام الملکی ابقا ایدوب لقبی اتابک قویوب ابتدا بولقبه ملقب اولان
 اورد * ایلک دخی اوصاف حمیده و آثار پشیدیه غیر عیدیه سی قوار یخده تفصیل اولمشدر * بغدادده مشهور
 دنیا و اصل رتبه علمیا اولان مدرسه نظامیه یوز یر عیدم النظیرک بناسیدر که امام غزالی ایچون یامشدر
 مزبور ملک شاه کاه دیار عجمده کاه بغداد و کوفه ده او توروب مقتدی بامر الله خلیفه بونکله مدارا ایدردی

در تیوز تمش ایکیده ملک شاه حلبه واروب ضبط ایدوب بولده حران ورها وجعه بر قلعه لربن الوب بعده
 بغداده کلوب سکسان ایکیده عظیمه ماوراء النهر واروب بخارا و سمرقندی الوب سکسان در تده
 بغداده کلوب برادری اینش دمشق و نیجه بکری دخی هر بری ولایت نرندن کلوب مولد رسول علیه السلام
 جمعیت ایدوب اطراف واکافدن بجد و حساب آدم جمع اولوب شعرا ملک شاهی مدح ایدوب بعده
 ملک شاه بغدادده برجامع و اطرافنده امر ایچون سرایلر یا بلغه امر ایدوب اصفهانه کیدوب سکسان بشده
 نه اوئده کلدکده وزیر نظام الملک ایله انجمنه و ملک شاهک بر اوغلانی نظامی بجاعله اوروب اتی دخی
 نظامک آدم لری قتل ایدوب بعده ملک شاه بغداده کلوب یوقاروده مقتدی بالله خلیفه فصلنده بیان
 اولندیغی اوزره اتی بغداددن جعفر مغه جبر ایتمشکن خلیفه بدد عاسیله ماه شوالک اون بشنده حمای
 محرقه دن وفات ایدوب سلطنتی اون طقوز بایکری ییل مدت عری اولوزیدی ییل ایدی (فصل خامس)
 در احوال ناصر الدین والدین سلطان محمود بن ملک شاه پدری وفاتده عورقی نرکان خاتون موتی
 صقیوب بکری نه خفیه خبر کوندروب عهدو بیان ایله محمودی بش باشند اوغلانجی ایکن سلطان ایدوب
 بعده مقتدی بالله خلیفه بوکا سلطنته اجازت و یروب لقبی ناصر قودی سکسان بدیده ماه محرمده
 برادری بریکاری کلوب سلطنت بغدادی خلیفه اکا و یروب محمود سلطنتی نامی ایکی ییل و بر قاج آی ایدی
 (فصل سادس) در احوال رکن الدین سلطان بریکاری بن ملک شاه پدرینک ولی عهدی ایکن
 انک وفاتده حاضر اولماغین برینه کو چک اوغلی محمود کچوریلوب ایکی ییلده نصر کده در تیوز سکسان بدیده
 بریکاری بغداده واروب سلطنتی محمودک الذن الدقه خلیفه بونی سلطان ایدوب لقبی رکن الدین قودی
 نه بو ییل اینش بن الب ارسلان حلب پادشاهی ابن آق سونقور و اوزرینه عسکر چکوب جنکده ابن سونقور
 قتل اولوب اینش حلب و حران ورها و بلاد جزیره و دیار بکری ضبط ایدی سکسان سکزده
 بریکاری عیسی اینش قتل ایدوب اینشک اوغلی رضوان حلبه بر اوغلی دقاق شامه مالک اولدی طقسانده
 خراسان پادشاهی سلطان ارسلان بن ارغون بن الب ارسلان سلجوقی قتل اولوب خراسانی بریکاری
 ضبط ایدوب قوت و شوکتی زیاده اولدی طقسان ایکیده فرنک کافر لری ولایت شامه هجوم ایدوب
 قدس شریفی و نیجه عظیم شهر لری سلجوقیلر الذن الدیر نه بو ییلده محمد بن ملک شاه برادری بریکاری
 هجوم ایدوب غالب اولدقه مستظهر بالله خلیفه اتی سلطان ایدوب بریکاری نیجه دفعه قتل ایدوب
 ارانده رعایا و برابا یمال اولغین طقسان بدیده عقلا ارایه کیروب محمد ممالک عجم بریکاری بغداد
 و عراق سلطنتی اولتی اوزره صلح ایدوب عهدنامه لری یارب یلوب محمد عجمه کیدوب طقسان سکزده بریکاری
 بغدادده وفات ایدوب سلطنتی اون ایکی ییل ایدی (فصل سابع) در احوال جلال الدوله ابن سلطان
 ملک شاه بن بریکاری پدری وفاتده بش باشند ایکن امرای بونی برینه کچوروب خلیفه دخی
 سلطنته اجازت و یروب جلال الدوله لقب قیوب بغدادده خطبه ده ییل اوقنوب بعده عیسی محمد بن
 ملک شاه بو کاجروج و خلق اکا اتفاق و خلیفه آتی سلطان ایدوب عزت و شوکتله اصفهانه کتدی
 (فصل ثامن) در احوال غیاث الدین سلطان محمد بن ملک شاه بن الب ارسلان در تیوز سکسان بشده
 ولایت عجمه پدری وفاتده تخت کچوب طقسان ایکیده نصر کده برادری بریکاری ایله داغما جنک و جدال
 و حرب و قتال لری ایدوب مقدماد کراولندیغی اوزره عقلا توسطله طقسان بدیده صلح اولد قلنده عجمه کندی
 طقسان سکزده بریکاری وفاتده برینه بش باشند اوغلی ملک شاهی کچور دکاری اینشیدوب کلوب
 خلیفه سلطنت بغدادی دخی بوکا و یروب عزت و شوکت ایله اصفهانه کتدی و یرویدر که هنرور سلطان محمد
 شجاع و عادل سخی و عاقل درم کرمی باز و آسمان سلطنته بهار بر شاه آگاه رعایا پناه معدت
 دستگاه ایدی بغدادده و سایر بلادده نیجه باج و خراج و نظامی ابطال و قواعد شرع مطهری اجرا و اعمال
 ایتمشدی امام غزالی بونک زمانده اولغین حضرت امامه و سایر علما و صلحاء انامه غایتده اکرام و ادعای انعام
 و احسان ایدردی نصایح امامه متصل عمل بوکا امل اولوب حتی بونک ایچون کاب نصیحه الملوک
 تألیف ایدوب ایچنده هر سوز باشند یا سلطان العالم دیو خطاب ایدوب یاز مشدر طقسان طقوزده

اصفهان طائفه باطنیه آلوب بشموزده محمد عظیم محاصره دفسکره فتح ایدوب حصاری بیقوب
 باطنیه بی قیوب رئیس لری نیک در یسنه صمان طولدردی پدرینک قوللرندن ایا ایلده صدقه نام ایکی بک بدرک
 بوکا عصیان و خروج ایتد کارنده محکم جنک اولوب عاقبت ایا اسیراولوب صدقه جنکده قتل
 اولندی و یرویدر که هندستانه غزا ایدوب منصور اولدقه بختانه هنددن وزی اون بیک بطمان
 صافی التونندن برصن الوب سابقا اصفهان شهرنده بنالیدوکی مدرسه سنک قیومی اوکنه قودی که جهان
 قنابنده بر قاج زمان نشان اوله بشموزاون برده وفات ایدوب بغداد و عجمه سلطنت لری جله اون اوج ییل
 اولوب برینه ولی عهدی اوغلی محمود کچدی و یرویدر که حین وفاتده بویاسانی انشاد ایتدی که (نظم)
 بزخم تیغ جهان کیر و کرز قلعه کشای جهان مسخر من شد چون مسخر رای بسی بلاد کرفتم
 بیک اشارت دست بسی قلاع کشادم بیک فشردن پای جوهرک تاختن آورد هیچ سودداشت
 بقای خدایت و ملک ملک خدای (فصل ناسع) در احوال معزالدین سلطان سنجر بن ملک شاه
 ابن الب ارسلان دیار بکرده سنجر شهرنده طوغغین اسمعی سنجر قودیلر اون باشند پادشاه اولوب
 برادر لری بریکاری ایله محمد زمانلرنده بکری ییل خراسانده انلر دفسکره قرق درت ییل دخی ممالک عجمه
 پادشاهی سوردی ترکستاندن یمنه و ارشجه بلاد عجم و عربک اکثرنه مالک اولوب ممالک عراق و شام
 و حرمین شهر یقینده خطبه ده یاد اولونوردی عادل و عاقل سنی و بالذل اولوب مناقب جمیله و مراتب جزیه
 صاحبی اهل هیز ایدی (لمرره) بسیم و کریم و عظیم و مهیب و ظریف و شریف و لیب و ادیب
 کمالاتی جمع ایلش شاه ایدی و سماء سعادتده برماه ایدی (نثر) و یرویدر که خلقت کند و دن شکرانی
 امتحانی ایچون زمانه سی شعرا سنه بن وفات ایتد کده بن ایچون نه مقوله مرثیه دیر سر جالا دیکوز کوره ییم
 دیوب انلر دخی قبل الموت مرثیه دیمکده متعیر و متفکر ایکن بر شاعر ماهر و بحر حلالتی باهر کویستروب
 بو شعر بی نظیری ایجاد و حضور شاهده انشاد ایتدی که (نظم) کس نکوید که شاه سنجر مرثیه که عادل
 بودغی میرد عالمی را کرفته بود بعدل و رفت تا عالمی دکر کیرد و یرویدر که جله اون طقوز جنک ایدوب
 اون بدیده ظفر میسر اولش ایدی بشموزاون او چده برادر زاده سی محمود ایله ارار نه نزاع دوشوب
 بعده سلطنتده اشتراک اوزره صلح اولوب بکری برده محمود ایله ری شهرنده جمع اولوب ایکسی تیخته برابر
 اوتوروب سنجر محمده قیزی و یروب بعد الجمع او وفات ایتمشکن بر قیزی دخی و یردی قرق سکزده
 ماوراء النهرده اولان قبائل اتراکدن عربلر غزید کاری اوغوز طائفه سی عجمه ستانه هجوم و خراسان
 و کرمانی ضبط و نیشابور شهرنی خراب و نیجه ولایتی غارت ایتد کارنده سنجر بونلرله محکم جنک ایدوب
 کند و عسکری طرفندن بعض خطایله کفار قبیله خطا غالب و مسلمانلر منزوم و هارب اولدقه شاه سنجر
 اسیراکه سنجر اولوب التون ففسده درت ییلده دل حبس اولنوب انده وفات و دخول قبرایله عظامی رفات اولدی
 تاریخ خلفاده سنجر طائفه غزاسیروملکترین ضبط و تسخیر ایدوب خطبه انک نامنه اوقنوب لکن تصرفی
 کیدوب مجرد سلطنت نامی قالمغین اغلیوب نار حیرت و حسرت ایله جکر بن داغلیوب قوت و شوکتی
 کند و زمانده سابس و خرنده سی حالته نازل اولدی و فسحان من ملک غیره نازل تاریخ این شجنه ده محاربه
 اتراکده سنجر اولا غالب بعده مغلوب و محبوس اولوب بعده قورنلوب تارک دنیای جفاقرین و شهر مروده
 زاهدتکیه نشین و عزات کزین اولدی بشموزاللی ایکیده قولنج مر ضندن تمش اوج باشند وفات ایدوب
 مدت سلطنتی التمش ییل ایدی دیشوب تاریخ میرخوانده مذکوردر که ولایت بلخ اطرانده قرق بیک خانه
 اولوب ایچونلرندن بشقه پادشاهی اولان اوغوز طائفه سی سلطان سنجر مطیع اولوب سنجر مطبخه هر ییل
 بکری بش بیک قیون و یرمکه معتمد اولوب قیون جمعنه مأمور اولنلر مرور زمانه تجاوزه باشلغین
 بر ییل وارانلری اوغوز قتل ایدوب ارار نه عداوت دوشد کده نجر بیک امر ایله سنجر انلر عسکر چکوب
 اوغوز حاکمی یوز بیک سک زرو یوز بیک غلام ماه بیکر و یرمده دیوب سنجر صلحه رضا و یرمیوب جنک اولدقه
 اوغوز جهانلر و مسلمانلر هجوم و سنجر طوب اسیر و کتر عسکری قتل ایتدیلر بعده جمیع بلاد خراسانی
 بیقوب و انشاه یاقوب غارت و قتل و نیجه در لوفساد ایدوب سنجر بونلر کند و ولایت لری نه ایلدوب و هر کون

همدانده طور و ب بعد خسته اولوب بشیوز الله شده اونوزایکی یاشنده وفات ایدوب جمله مدت سلطنتی
یدی بیل ایدی (فصل سادس عشر در احوال عز الدین سلطان سلیمان شاه بن محمد بن ملک شاه)
برادر زاده می وفاتده بونی موصلدن کتوردوب تخته کوردیلر عیش و نوشه مشغول اولوب تدبیر امور دن
عدول ایتمکین الی آیدن یاربیل الی آیدن صکره طوتلوب علاء الدوله قلعه سینه کوندربلوب یرینه
آذر باجیاندن ارسلان شاه می کتوردیلر تاریخ میر خوانده مذکوردر که سلیمان شاه خوب روی
خوشخوی لطیفه کوی طربجوی ایدی اوائل احوالی سابقا محمد فصلنده کچمدر محمدله محاربه ده
صینوب قاجوب موصله واروب بو آنده ایکن بشیوز الله شده محمد همدانده وفات ایدوب ارکان دولت
واعیان بو کاخبر کوندربمکین موصلدن کیدوب همدان واروب تخته کیدی بی وقار و ثبات وعیش و نوشه
سارف اوقات اولمغین جمله امرای بو کاخنبوب ملک ارسلان کتوردوب تخته کچوب سلیمان
همدان قلعه سینه حبس ایدوب بشیوز الله آتیده حبسه قرق بش یاشنده وفات ایدوب جمله سلطنتی
بر بیل باهمان سکر ای بادخی زایدی (فصل سابع عشر در احوال رکن الدین سلطان ارسلان شاه
بن طغرل بن سلطان محمد بن ملک شاه) سابقا بغداد قریبده تکریت قلعه سنده محبوس اولوب عم زاده می
سلطان محمد بغداد کورکن بونی چیقاروب عاقل ومدبر و کامل و اهل بر اولوب حسن تدبیر ایله اعداسی
تخویف و تسخیر و زمانده عزای کثیر ایتمشدر امور انامه حسن نظام و یروب همدانده وفات ایدی
بونک زمانده ملوک خوارزمیه نک ایکنجیسی سلطان ارسلان بن اتسز کمال قوت و شوکت بولمغین
بونک سلطنته ضعف کلمدی مدت سلطنتی اون بش بیل سکر ای باهمان اون بیل ایدی (فصل ثامن عشر
در احوال مغیت الدین سلطان طغرل بن ارسلان شاه بن محمد بن ملک شاه) پدری وفاتده
یرینه کچورلوب اوغلا تخی اولمغین وزیر و تانایکی اولان کسینه تدبیر امور جهور ایدردی بشیوز طقسان
ربع الاولنده ملوک خوارزمیه دن سلطان خوارزم شاه علاء الدین تکش بونک اوزرینه کلوب شهری کارنده
جنگ اولده طغرل بهادر اولوب خصوصاً مستانه اولمغین مردانه میدانده کیردکده آتدن دوشوب بر ظالم
انی حربه ایله اوروب قتل و باشی قطع ایددی تاریخ میر خوانده مذکوردر که مزبور طغرل
صورتی خوب سیرتی مرغوب طبعی وقاد ذهنی نقاد ایدی فارسی لطیف اشعار آیدار بر صفای اولوب
اهل هوا ایدی کندوبه عصیان و خروج ایدن امر اسیله و بعض اعداسیله تفصیله محتاج نیجه جنگ عظیم
و حرب الیم ایدوب کاه منصور کاه مقهور اولوردی عاقبت امر اسنک عصا تندن اینانجه قوتاغ سلطان
علاء الدین تکش واروب انی بشیوز طقسانده بونک اوستنه کتوردوب طغرل مست ایکن قوتاغ اوزرینه
آت سالوب النده کی کرزی حواله ایتدکده کندو آتک دیزنه طوقمغین آتله بیله بیقلوب قوتاغ بونی
قتل ایدی بعده ولایت خراسانی و سائر بمجستانی سلجوقیان الارندن خوارزمیان الوب ضبط و سائر
ملککنه نه ضم و ربط ایدیلر (نظم) سلاطین طوتدی ترتیب اوزره نوبت بونو بختانده اولدی
بوعادت کور بر زمردنیان برینی کچر بر طائفه طور برینی فنا ملکه بقا امیدنی کس
مؤیده ملک الله کدر برین (باب عاشر در احوال ملوک سلجوقیه دیگر) اشبو طائفه قاورد بن چاقربک
بن میکائیل بن سلجوق نسلدن اون برکسنه اولوب اول ظهورلری در تیوز او تو زاو چده ایدی محل
سلطنتی بعمده ولایت کرمان اولوب مدت سلطنتی بوز الله بیل ایدی بونر سابقا مذکور اولان
ملوک سلجوقیه ایلایکی برادر اوغللری و بری برلرینه عم زاده لری ایدیلر زرا انلر اب ارسلان بن چاقربک
بن میکائیل بن سلجوق نسلدن اولوب اول ظهورلری در تیوز او تو زاو چده ایدی و الله اعلم (فصل اول
در احوال قاورد بن چاقربک بن میکائیل بن سلجوق) میکائیل سلجوق پادشاه اولموب اکن بعض
احواللری بو قاورده کچمدر چاقربک ایدوب برادر طغرل بن میکائیل یرینه پادشاه اولمغین انک اوغلی
ارسلان و انک دخی نسلنک احواللری بالتمام بو قاورده ذکر اولمشدر حالا قاوردک و اولادانک احواللری
بودر که تاریخ میر خواندن غیر یرده بولمغین بونده دخی غایت مختصر یازمغین بعینه اندن نقل اولندی
بس معلوم ایله کمن بو قاورد بن چاقربک در تیوز او تو زاو چده ولایت کرمانده ساکم اولوب در تیوز الله شده

دواتی و قوتی ترقی و اعتلا و ولایت فارسه استیلا ایدوب ملول دیالمه نک الارندن چکوب آلدی بعده برادری
سلطان اب ارسلان عسبان و مخالفت بعده و موافقت و مطاوعت ایدی بعده سلطان ملک شاه
بن اب ارسلان جنگ ایدوب اسیر اولوب ملک شاه امر یله زهر یدر لیدی او سببله وفات ایدوب
سلطنتی اونوزایکی بیل ایدی (فصل ثانی در احوال سلطان شاه بن قاورد) پدری وفاتده انک یرینی
سلطان ملک شاه بوکا و یروب بودخی اون ایکی بیل سلطنت سوروب وفات ایدی (فصل ثالث
در احوال توران شاه بن قاورد) برادری وفاتده یرینه کچوب سلطنتی اون اوچ بیل و بر قاج ای ایدی
(فصل رابع در احوال ایران شاه بن توران شاه) پدری یرینه کچوب ملحد و ظالم اولمغین بش بیلد صکره
قتل اولندی (فصل خامس در احوال ارسلان شاه بن کرمان شاه بن قاورد) عیسی اوغلی ایران شاه دن
خونندن کیزلنشدی اوقتل اولند قده ارکان واعیان اتفاق ایدوب بونی تخته کچور دیلر قرق
ایکی بیل سلطنت و عدل و دادله حکومت ایدوب بشیوز او تو زاو چده وفات و عظامی رفات اولدی
(فصل سادس در احوال محمد بن ارسلان شاه) اون درت یاشنده پدری یرینه کیدی سائر احوالی
تاریخ میر خوانده مذکوردر (فصل سابع در احوال طغرل شاه بن محمد) پدری وفات ایتدکده
یرینه کچوب اون ایکی بیل سلطنت سوردی (فصل ثامن در احوال ارسلان شاه و بهرام شاه و توران شاه)
پدری طغرل شاه وفات ایتدکده یکرمی بیلده لاشبو اوچ برادر پر آزر بری برلر یله سلطنتده نرا علشوب
جبرایله کاه بری کاه بری تخته کچوب حرب و قتال و ضرب و جدال و محاصره و منازعه و مصارعه و مدافعه
و ضبط سلطنتی بری برلندن مطالبه و حقیقه دنیایه مکالمه و محالبه دن خالی اولموب بوسببله ولایت کرمان
و ایران اولدی (فصل ناسع در احوال محمد شاه بن بهرام شاه المزبور) پدرندن و عیله ندر نصکره تخته بو کیدی
بونک اوستنه ملک شاه سلجوقی هجوم ایتدکده محمد ملک ارسلان بن طغرله التجا ایدوب اودخی بو کاردم ایچون
عسکر و یرمکین محمد کرمانه توجه ایدوب جنگده قاجوب کتدی آخر ملوک سلجوقیه کرمان بودر
(نظم) هر که آمد بجهان جمله فنا خواهد بود آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود و الله اعلم
(باب حادی عشر در احوال ملوک سلجوقیه ثانی) اشبو طائفه نک احوالی معلوم اولنلری اون طقوز نفر
ایدیلر مقدمه مذکور اولان سلجوقیه اقر باسندن اولوب انلر میکائیل بن سلجوق بونلر میکائیل برادری اسر ایل
بن سلجوق نسلدن اولوب انلر دیار بعمده و بغدادده بونلر دیار رومده حالا قرمان دیمکله مشهور اولان ولایت
بونانده ساکن اولوب تخت کاهلری قونیه شهری ایدی ابتدای سلطنتلری در تیوز سکا سنده و مدت سلطنتلری
ایکوز تیش بش بیل ایدی (مقدمه در احوال قوتلومش بن اسر ایل بن سلجوق) تاریخ ابن شخبته ده
مذکوردر که قوتلومش بن عز الدین بن ارسلان بن سلجوق که قونیه و آقسرای و ملطیه پادشاهلر نک جدیدر
علم بجومده ماهر اولوب در تیوز الله شده اقر باسندن بجم پادشاهی اولان سلطان اب ارسلان عسبان
ایتمکین ارسلان بونک اوستنه عسکر چکوب محاربه اولده قده قوتلومش عسکر صینوب
قاجد قلنده قوتلومش بی جراحت میت بولمغین اب ارسلان پر احزان اولوب قوتلومش اوستنه اغلامش
(نظم) مرا انجام دنیا بجز خاک نیست و زو بهر زهر است تریاک نیست قوتلومشک مستقل پادشاه
ایدوکی و مسکنی نه شهر ایدوکی و سائر احوالی معلوم اولمغین پادشاه اولتی اوزره یازلندی ظن غالب بودر که
سلطنت آرزوسیه خروج ایدوب پادشاه اولموب دیار بعمده سلطان اب ارسلانک امر اسندن اوله و الله اعلم
(فصل اول در احوال سلطان رکن الدین سلیمان بن قوتلومش) اسمی هشت بهشت اولان تاریخ
آل عثمان مولانا داریس البدلیسمیده سلاطین سلجوقیه بجمدن ملک شاه بن اب ارسلان عیسی
اوغلی سلیمان بن قوتلومش بن اسر ایللی ولایت روم سرحدنه کوندروب حلب قریبده انطاکیه شهرتی
کفار فزنگ اندن آلب فتح ایتک اصغر لده عسکرله واروب فتح ایدوب سلیمانک ملک و قدرتی اربوب حلبی
وا کبر بلادشای دخی الوب ضبط ایدوب وفات ایتدکده سلطان ملک شاه بونک برنی بونک اوغلی داوده و یردی
دینوب لکن تاریخ ابن شخبته ده در تیوز تیش بیدیده سلطان سلیمان بن قوتلومش سلجوقی انطاکیه کی کفار
روم اندن فتح ایدوب حلب پادشاهی شرف الدوله مسلم بن قریش انطاکیه شهر نک محصوران سلیمان دن

کسسته به وافر بخشش ایدوب بعده قصیده صاحبیه ایاتی عددنجه یتش ایکی یکتا التوتله عذرنامه
 کوندردی * التوزاون سته سنده سل هر ضندن وفات ایدوب مدت سلطنتی همان بریل و برآی ایدی
 نکارستانده مذکوردرکه امر اسندن بر جماعتی برکاه اقتراسیله حبس ایدوب کمال غضبندن حبس
 خانه تک اطرافنده عظیم آتش باقدروب محبوس اولان امر افریاد وواو یلا ایلایانوب اوکیجه کیکا وسه
 واقعه سنده عظیم عتاب اولمغین کمال اضطراره او یانوب الم وندم و شدت حیرت و غم مدغم سببیه
 حی طوتوب مرض موتی بواولدی * صحتدن امید کسده بو بیی دیوب شهر سیواس دار الشفا سنده
 کند و ایچون یاپدردیغی تره سته فازدردیکه (نظم) ماجهانرا گذاشتیم و شدیم * ریج و راحت نکاشتیم و شدیم
 (فصل ثانی عشر در احوال سلطان علاء الدین کیقباد بن کیخسرو) عالم و عامل عادل و عاقل عابد و صالح
 کامل و مقلع صاحب شجاعت اهل سخاوت همی علیا اوحد دنیا * ایدی دور آدم نبرو
 بو عالم قانی به بویه سلطان ممتاز رعیت نواز غایده آرز کلوب کالات شرعیه دن حصه دار صناعات عرفیه نک
 خود جله سنده ماهر و خبردار اولوب حتی لعب شطرنج و زرده فردوی مثل و مانند ایدی * انواع عبادات ایل
 علی التوالی احیاء لیا ایدوب کوندر زرده اکثر اوقانده تدبیر مهمانده و استماع شکوا و قضاء حاجاتده
 اولوب لهو و هزله جدا مائل اولمغین زمان استراحتده و آوان تم و صحبتده مصاحبیه عادل پادشاهلر
 حکایتلرین اوقیوب و انلری سوب و لوب و تاریخ و سیر و حکایات انبیا و اولیا و مواعظ و عبرت گابریته دائما
 مطالعه و نظر ایدوب اکثر زمانده تلاوت قرآن ایدردی * امام غزالی مؤلفاتدن کتاب کیمیای سعادت و سیر
 الملوک و بونلرک امثالی کتابلری سفر و حضرده حضور نندن بر لحظه دورا بتزدی مناقب جمیله و آثار جزلیه سی
 کتاب مستقل اولمغه معتلدر * تختگاه معدن تنهاهی جای امن و راحت و عدل و کرم اولمغین * المشرع العذب
 کثیر الزحام خواستجه ممالک عالمدن نیجه علماء کرام و مشایخ عظام مجتمع * و مهرانور کی هر بری ملقع اولوب
 زمان معدلت نشاتده شیخ صدر الدین قنوی و شیخ جلال الدین محمد روی که حالا مثلا خنکار دیملکه اشتهار
 بولندر * و انک پدیری سلطان العلام برهان الدین و مثلا خنکارک اوغلی سلطان ولد و شمس الدین تبریزی
 و بجزر و لا بعد اولیا و علما و ارایدیکه جمیع دنیاده بر پادشاه تختنده بر عصرده بویه فاضل و کاملر جمعیتی
 غایت آرز واقع اولندر (امور سلطنت) هر ویدر که التوزاونده تختنه کجوب ایکنی بیلده
 سیواس شهرتی نسا ایدوب آذر بایجان و چنکرک شهرلرین و کجاق قلعه سن الوب سرحد مالکی آذر بایجان
 اولمغین اکبر عظیم حصار با یوب بعد زمان تختگاهلری اولان قونیته نکدخی قلعه سی اولمغین اطرافنه
 براق فات عالی طبقات حصار استوار بنا ایشدر که کمال متانت و نقش و نکار ایلاد کار روز کاردر * بنای
 تمامنده قلعه قبوسنه بر کلام مناسب فازدرمغه طالب اولدقده مثلا خنکارک پدیری سلطان العلام کلام
 حکمت اتخانی دیمکین قبویه فازدرلر که * هنر دایره تدفع السیل الدافق و الخیل السابق و لاتفع الویل الطارق
 فی اللیل الغاسق * هر ویدر که تدبیر و شجاعتده و علو همتده دخی مردانه و بردانه اولمغین زمانده
 کفار رومه نیجه دفعه غز ایدوب طوائف کفار نکور لرندن و ملوک بعض دیاردن بعض ولایتلر الوب
 آل عثمانک جدا عللری اولان شیر معر که مغازی و میرمردان میدان سربازی ارطغرل غازی بونک زمانده
 کلوب و لا بنده ساکن اولوب در تیوز قرق درت نفر دلاور هنر آوار ایل بونک بعض غز ارنده بیله اولوب
 ارطغرلک اوغلی عثمان خانه سلطنت ویرن ایکنی علاء الدیندر نکیم آشاغیده کاور * هر ویدر که علاء
 باهر العلا تا نار ماوراء النهر دن چنکیرخان صاحب قران بی ایمان عسکر ایل بعض چنکار ایدوب بونلر آزانلر
 چو غیکن نه غالب و نه مغلوب اولوب بعده انلر ایل مدار ایدر اولدی * بعده دیار بکر بنده سلطان جلال الدین
 خوارزم شاهله دخی عظیم جنگ ایتد * کده بونقاب و جلال هار ب اولدی * هر ویدر که بونک (ع)
 عدل و عقل و کمال و هر حال * خارج اندازه و صدای نامیده عالم بر آوازه اولمغین بغداددن ناصر بالله خلیفه
 بو کاشخ شهاب الدین مهروردی ایلده دایا و خلعت و سلطنته اجازت و تعظیم فراوان و القاب بیابان ایل
 نامه مجتبیان کوندر ووب چنکیر عسکرین دفعه معاونت ایچون بوندن بش بیک نفر عسکر ایتدیوب
 بودخی حضرت شیخه عظیم رعایتلر و بری برلندن کلی حفظ ایله تصوفاته معاملات و مصاحبتلر ایدوب

طلب اولان عسکری و یروپ شیخی بر قوناق بر کوندری کندی * هر ویدر که التوزاونده
 وفات ایدوب مدت سلطنتی بکرمی الی بیل ایدی (فصل ثالث عشر در احوال سلطان غیاث الدین
 کیخسرو ثانی ابن علاء الدین کیقباد) پدیری وفاتده تختنه کجوب جمیع مدت سلطنتده عسکر کفار
 مغول و تاتار بونکله محاربات بسیار و منازعات بشمار ایدوب ایچلرندن بردعه هلا کوخان ملعونک
 بکرنندن با یجوازیله عظیم جنگ ایدوب کیخسرو عسکری یتش بیک تاتارلر قرق بیک ایکن کیخسرو صینوب
 بعده تاتارلر قیصریه و سیواس محاصره ایله الوب اعیان آل سلجوق قتل و انواع بلایه مبتلا اولوب جمیع اهالی
 ممالک رومه بلامضاعف و هر کسک قلبی حرف علت کربت ایله صفادن اجوف اولوب مسلمانلر آفتلر
 غارتلر و انواع خسارتلر ایشدی * التوز قرق درتده کیخسرو دخی وفات ایدوب مدت سلطنتی سکر بیل
 ایدی * تاریخ منلا لاریده مذکوردر که کیخسرو وک انلر ایتد نصکره دولت سلجوقیه کمال ضعف
 بولوب حکومت ممالک روم مغول و تاتار شوم بوم رسومه منتقل اولوب سلجوقیان ذلیل الارنده شی ذلیل
 قالمغین آل سلجوق امرای تحت بد لرنده کی بلاده تغلب طریقله مستقل سلطنت دعواسن ایدر اولدی
 (فصل رابع عشر در احوال سلطان عزالدین کیکاس بن کیخسرو ثانی) پدیری وفاتده برینه کجوب
 غلبه تاتار ایله دولت سلجوقیه به کمال ضعف ککین بالضروره ملوک مغول و تاتار ذوی الغلبه مرفرو ایدوب
 ابقای خان بن هلا کوی کفر اتسامک امر نه رام اولوب پس کیکاسک کوچک برادری رکن الدین ابقای
 بدلقای کفر ارتقایه التجا و سلطنت پدیرن رجا ایتد کده (نظم) چودر لشکر دشمن افتد خلاف *
 نوشهر خود را بمان در غلاف * مفهومیخه و دخی * قطع الحیدر بالحدید مثلی مضعونجه بری برلر بنه مسلط
 ایتمکله ایکیسی دخی بلالره مورط ایتمکچون سلطنتده مشترک ایدوب کیکاس صاحب ناموس
 رضا و یرمیوب جنگ ایدوب منزم اولدی (فصل خامس عشر در احوال سلطان رکن الدین قلیچ
 ارسلان رابع ابن کیخسرو ثانی) برادری کیکاس منزم اولدقده انکله شریک ایکن مستقل اولوب
 براق کوندر نصکره ابقای صاحب شفا امر ایله عسکر تاتارلارنده مقبول و تختدن تحت ارضه منقول اولدی
 (نظم) با طالب الدینا الدینیه انلر * شریک اردی و قواره الاکدار * دارمئی ما ایتدک من یومها *
 ابکت غدا بعدا الهامن دار (فصل سادس عشر در احوال غیاث الدین کیخسرو ثالث ابن رکن الدین قلیچ
 ارسلان رابع) پدیری قتل اولدقده ایکی یچق باشند طفل اولمغین سلطنت سلجوقیه بونک نامنه اولوب لکن
 ولا یلرین امرای کفار تاتار ضبط ایدوب دیوانخانه ده کافر لرا و توروب محصول ممالک روی هر بیل جمع ایدوب
 ابقای خانه کوندر لرردی * اونیدی بیلده دل حال بومنیوال اوزره اولوب ابقای برینه هلا کونک مسلمان اولان
 اوغلی احمد خان پادشاه اولدقده ولایت آذر بایجانده التوز سکسان ایکیده جزئی بهانه ایله کیخسروی
 قتل ایتدی (نظم) دوات دنیا که غنا کند * با که وفا کرد که باما کند (فصل سابع عشر در احوال
 سلطان مسعود ثانی ابن عزالدین کیکاس) پدیری وفاتده ارغون خان ابن ابقای بن هلا کوا آنک سلطنتی
 بوکا و یرمکین بودخی ارغونه مطیع اولوب سلطنته غایت ضعف ککین امرای سلجوقیه نک نیجه لری
 سنجاقلر فی مستقلا سلطنت اوزره ضبط ایدوب مسعوده مرفرو و ایتز اولدیله جله دن منتشا و ارغون شاه
 لادقیه ایل علائیه شهر لرنده مستقل اولوب عصیان ایدن امرای کار بررده اولمغین سلاطین مغول و تاتار
 دخی سرفروا یتیموب قرمانلو طائفه می ممالک رومه قطع طریق و انواع قتنه و فساد و شرع و هجوم ایدر
 اولدیله (فصل ثامن عشر در احوال سلطان علاء الدین کیقباد ثانی ابن فرامرین عزالدین کیکاس
 ابن کیخسرو ثانی) بونک پدیری فرامرین پادشاه اولمغیندر * تاریخ منلا لاری و منلا لاری سده سته سبع
 و تسعین و ستمائه ده سلطان مسعود وفات ایتد کده ولایت تاتار و عجم شاهی هلا کوخان نسلندن
 غازان خان بن ارغون خان سلطنت روی مسعودک برادر زاده سی علاء الدین و یردی دینوب لکن مزبور
 تاریخلرک بر یرنده دخی اشوب علاء الدین سلطان عثمان غازی به التوز سکسان سکرده سنجاق و یردی دینوب
 مقدمایسه جالوسی طقسان یدیده اولمغیندر دینش ایه ده بوا یکی کلام سقیم ارا سنده شافض عظیم اولوب
 علاء الدینک عثمان خانه کوندر دیک برات لطیف مفصل صورتی حالا بوعده قهرده اولوب التوز سکسان سکر

تاریخچه مورخ اولمغین الله اعلم جلوسی سکسان بدیده اولقدردزیر بعض تواریخچید بیوز بدیده وفات
ایدوب مدت سلطنتی بکری بیل ایدی دیومند کوردردر با خود جلوسی بتش بدیده اوله زیر اینه تاریخ
منلا ادر بدیده ار طغرل غازی التیوز سکسانده علاء الدین کیقباد ثانی زمانده وفات ایدی دینوب
اشبوا احتمال ثانی اظهر اولقدردزیر سبع وسبعین لفظیله سبع وتسعین لفظیله مشایخی اولمغین کاتب
مهورایدوب سبعینی تسعین یازمش اوله والله اعلم (وقایع) میویدر که مزبور علاء باهر العلا غایتده شجیع
واهل سداد و رشاد صاحب جود و عدل و داد اولوب احیاء طریقت آبا و اجداده سعی و اجتهاد ایتمکین
قدیدن عدله مأنوسه و مظالمین منکوسه اولان عمالت محروسه سن عدالتله حمایت ایدوب زمان فترتده
ظهور ایدین قطاع الطریق و سائر اشقیای قلع و قمع و تدمیر و انلردن همالکی تطهیر الیه تعمیر و ترویج ایتشدی
تاریخ منلا ادر بدیده مذکور در که آل عثمانک جدا عللاری شیر معرکه مغازی میر مردان میدان شجاعت
و سربازی ار طغرل غازی دیار محمدن چنگیز قتنه سندن در تیوز قرق نفر دلاور هتر آوریله کوجوب
علاء الدین کیقباد اول زمانده دیار رومه کلوب اشبو علاء الدین کیقباد ثانی زمانده وفات ایدوب
ایکینک ماینلرنده اولان بش پادشاهک دخی زمانلرنده جله نک اجازت لریله کفار رومه دائما غزالر و بونلره
معاونت لری ایدوب ار طغرل وفاتدنصکره اوغلی عثمان غازی نبیه عیدیم الشیبه دخی مظهر الولد سرایه اولوب
دائما کفار غزا ایدردی انصاف بردفعه ده برادری شهید اولدقده کفاردن انتقام ایچون سلطان
علاء الدیندن استعانت ایدوب بودخی حیات اسلام و غیرت اوزره کندو بالذات وافر عسکر و مهمات الیه
قرهجه حصار اوسته واروب محاصره ایتدکده نسل چنگیزدن غازان خان عسکری نقض عهد و پیمان
ایتمکین هر قلیه شهرنی و اطرافنی یا قوب ببقوب قویه به دخی کلک اوزره در لر دو خبر کلدکده محاصره یی
بر اغوب طوب و تفنگ و بعض مهماتی عثمان غازی به و پروب انده قویوب کندوسی عسکر یله قویه به
کلوب بعده بغا سحر اسنده تاناری با صوب سابقا انواع فساد لرندن مسلمانلر متالم اولمغین عظیم
جنگ اولوب بعون الله جله سی قتل اولنوب امر سلطانله کافر لرل خایه لری دریمی یوز بلوب
بری برینه دیکلوب عالم فنا انجمده برنام قالمغیچون سایان ایدوب بعده اول صحر اطشاق یاریسی
دیکلمه مشهور اولدی بواننده عثمان غازی دخی مزبور حصارنی فتح ایتدوکی خبری کلکین پادشاه حظ
ایدوب اکا سنجاق و خلعت و مال عظیم کوندردی (زوال) تاریخ منلا ادر بدیده مذکور در که
سلطان علاء الدین کفار مغولک تکلیفات شاقه سندن مضطرب اولمغین غازان خان خانه مخالفت و عداوت
اظهار ایدوب (نظم) اذالم یکن عون من الله للفتی * فاول ما یجینی علیه اجتهاده * فخوا سنجاه اول بایده
تدبیرات ضارته ناصواب ایتمکین غازان خان بونک اوزرینه عسکر کوندروب بونی طوق اسیر و بسته
زنجیر ایتدیلر بعده اکثر مالک روی مغول شوم ضبط و مالک عجمیه به ضم و ربط ایدوب سرحد مالک رومده
اولان ولایتلری دخی سلاطین سلجوقیه بکری هر بری مستقلا سلطنت طریقیله ضبط ایتدیلر هر برینک
النده قالدی بعض تواریخ آل عثمانده سلطان علاء الدین بدیموز بدیده وفات ایدوب مدت سلطنتی بکری بیل
و بش یجینی آیدی دیومند کوردرد (فصل ناسع عشر در احوال غازی چلبی ابن مسعود) تاریخ منلا
ادر بدیده سلطان علاء الدین اسیر اولدقدنصکره سلطان غازان خان سمهره و سینوب و قسطنطنیه شهر لری
فرامی ایل و صار و خان ایل حد و نه وارنجه که اکثر مالک دیار رومدر او جا قلعی طریقیله سلطنت نامیله
غازی چلبی به و پروب سائر بلاد سلجوقیه بی غازان خان کندی ضبط ایدوب مزبور غازی چلبی ملکیتی تنک اولمغین
اسب و کتی لک اولوب عسکری دمدم متفرق و لباس سلطنتی متمیز اولغه باشلیوب آبا و اجداد نک خدام
وامراسی اکثر مالک رومه متغلب اولوب قوت سلطنت سلجوقیان انقراض و پایان بولوب بقیه نسللاری
ظه و در و آل عثمان اولاننده کمال ضعف اوزره حکام اولوب مرور ایامله زائل و بالکلیه مضاعف اولدی
درشوب بعض تواریخ آل عثمانده سلطان علاء الدین بدیموز بدیده وفات ایتدکده اوغلی غیاث الدین برینه
تخته کجوب غایت نظام اولمغین بدیموز الی بدیده قوللری اتی قتل ایدوب نسللاری منقطع اولمغین ولایت
یونان سلطانن خالی قالدقده شیخ خلص باشا تخته کجوب اتی سلطنت سوروب بعده شیخ بابا الیاس عجمی

صوفیلرندن نورالدین صوفینک بش باشندده قرمان نام اوغلو تخته کجوروب بعده انکچون ولایت یونانه
قرمان دیو آدقودیلر مزبور بابا الیاس عجمک میویدر غایتده چوغالمغین خروج ایدو دیو خوف ایتمکین
سلطان غیاث الدین انلری سابقا قتل عام ایتشدی دیومند کوردردر والله اعلم (باب ثانی عشر در احوال
ملوک خوارزمیه) اشبوطا تخته کجور و اولوب تخته کجولری عجمده شهر خوارزم اولمغین بونلره خوارزمیه
ودخی خوارزمیان دینوب هر برینه وصف تر کیمی طریقیله خوارزم شاه دیولقب قوغشدی یعنی
خوارزم شاهی دیکلدردر اول ظه و لرلی در تیوز طقسانده اولوب مدت سلطنتلری یوز بکری بیل مقداری
وارایدی (فصل اول در احوال خوارزم شاه محمد) بونک پدری انوشته کین بن میکائیل سلجوقینک قوی ایدی
ملوک سلجوقیه دن بریکار بن ملک شاه ولایت خراسانه برکسته یی حاکم ایدوب در تیوز طقسانده اول حاکم
محمدی خوارزم ضبطنه کوندروب (ع) اهل عقل و عدل و احسان اولمغین * مرور زمانله انده سلطان
اولدی خوارزمده جله مدت حکومتی او یوز بیل ایدی سلطان سنجر سلجوقیه مطیع اولوب بر بیل محمد
کندوسی واروب سنجره بولشوب بر بیل اوغلی آنسری کوندردی (فصل ثانی در احوال خوارزم شاه
آنسری بن محمد) پدری برینه کجوب نیجه مدت سلطنت سوروب انک کبی عاقل و عادل ایدی سلطان سنجره مطیع
ایکین اظهار عصیان ایتدکده سنجر عسکر چکوب کلوب آنسردخی عسکر یله واروب جنکده آنسری صینوب
خوارزمه قاجوب سنجر بونک اوغلی قوتلوی طوق بلبلدن ایکی یچدروب آنسری تذلل و تنزل خبرن
کوندرمکین سنجر بونک صوچن عفو ایدوب کیدوب آنسری تکرار عصیان ایتدکده سنجر کلوب بونی
محاصره ایدوب آنسری نه تضرع ایتدکده سنجر خیرامل (نظم) خذ العفو صفحا عن الجاهلین *
فمستحسن من ذوی الجاهلین * مفهومیله عمل ایدوب کندی بعده آنسری و چنی عصیانله سرکشلکی
قتی طانسیز ایتمکین سنجر برهنه کلوب محاصره ایتدکده آنسری اهل معرفت اولمغین بوشعری یازوب
قلعه دن طشرده سنجره کوندردیکه (نظم) مرا باملاک طاقت جنگ نیست * بجنگ ملک نیزم
آهنک نیست * ملک تاجدارست و شاه جهان * هزیت شدن زومرا تنک نیست * بخوارزم آید بفرین روم *
خدای جهانرا جهان تنک نیست * میویدر که آنسری بشیموز الی برده وفات ایدوب سلطنتی بکری بر بیل
ایدی رشید الدین الوطواط بونک نابونی کوردکده اغلیوب بوشعری دیدیکه (نظم) شاه افلاک از سیاست
میلرزید * پیش تو بطوع بندگی میورزید * صاحب نظری بکاست تادر نکرد * تا آن همه ملکیت
بدین می ارزید (فصل ثالث در احوال خوارزم شاه اب اسلان بن آنسری) بشیموز الی برده پدری برینه
کجوب خراسان و ماوراء النهرده نیجه شهر لر فتح و ضبط ایدوب سلاطین سلجوقیه نک انقراضلرینه قریب ضعف
قوتلری و نقص شوکتلری سبیله بوکا کمال شوکت و مکنت کلدی * بشیموز التمش سکزده یا بشیموز الی بدیده
وفات ایتدی (فصل رابع در احوال خوارزم شاه سلطان شاه بن اب اسلان) نظام التوار یخده پدری
وفاتده اتفاق آراء امر الیه تخته کجوب شاعر کامل ایدی بیولک برادری علاء الدین نکش عسکر چکوب
بونی قاجروب برینه کجوب بودخی غزنه به واروب انک پادشاهی غیاث الدین غوزی بوکایاردم ایتمکده
چین و خطا ولایتنه کیدوب وافر عسکر الیه خوارزمه کلوب نکش بونک اوستنه نهر جیحونی اقدوب
عسکر یله غرق اوله یازمغین مروه قاجوب تکرار عسکر الیه کلدکده بودفعه نکش قاجوب سلطان شاه تخته
کجوب نیجه بیلدنصکره وفات ایدی دینوب * تاریخ میرخوانده نکش بونک اوستنه مرار عسکر چکوب
آخرنده بو قاجوب تخته اولان سرخس شهرنی انده ضابطه قودوغی کسنه نکشه و پروب سلطان شاه ایتدکده
کمال نمندن ایکی کوندنصکره بشیموز سکسان طقوز رمضانک آخر کونده وفات ایدی دینوب لکن
نیکارستان مولانا کمال پاشا زاده ده سلطان شاه عاقل و کامل اولمغین پدری و صیدیله تخته کجوب بیولک
برادری تکش ولایت خوارزم سنک ولایت خراسان بنم اولدون دیو خبراشوب سلطان شاه
رضا و یرما مکین اون ییلده دلبری بر لریله حرب متوالیدن خالی اولوب عاقبت نکش چکش ایدرلک غلاب
و مظفر و ملک خوارزم کاسخرومه قراولوب سلطان شاه خراسانه کیدوب بکری بیل انده حاکم اولوب
بعده وفات ایدی دیومند کوردردر والله اعلم بحقائق الامور (فصل خامس در احوال خوارزم شاه

علاء الدین نکش خان بن اب اسلان) اهل عدل و کرم وجود ایدی بعض احوالی بر قاج سطر مه دمده یازمندر
 رشید الدین وطواط بونک جلوسه تمهیده بوشعری دیدیکه (نظم) جدت ورق زمانه از ظلمت
 عدل بدت شکسته کرد دست * ای بر تو قیای سلطنت آمده چست * هان تاجه کنی که نوبت دولت تست
 (نثر) بشیوز طقسانده آخر ملوک سلجوقیه اولان سلطان طوغرک از زینه واروب طغرل
 چنکده قتل اولغین خراسان و سائر بلاد سلجوقیه بی بوضبط ایدوب عزت و شوکتی علی العاده
 زیاده اولدی نیشابور پادشاهی سنجر شاه بن طوغان شاهه نکش قیزی یا همشیره سنی طلب ایدوب
 اودخی بوکا کند و والده سنی نکاحله و یروب مصافات اوزره اولوب بعده نکش سنجره انجنوب طوقوب
 کوزینه قیزمش میل چکدردی اشبو سنجر مشهور جهان اولان سلطان سنجرک غیریدر * مرویدر که
 نکش غایتده شجاع و بهادر اولغین بعض بلاد چین و هند و ماوراء النهر و اکثر بلاد عجمه مالک اولوب
 وظیفه لو یوزین عسکری و ارایدی ولایت اصفهانه واروب ضبط ایدکده شعراک سلطانی خاقانی
 شیروانی بر قصیده دیدیکه مطلعی بودر (نظم) شکر که خوارزم شاه ملک صفهان گرفت * ملک عراقین را
 همجو خراسان گرفت * ماهجه جتراء قلعه کردون کشاد * مورچه تیغ اوملک سلیمان گرفت *
 مرویدر که سلطنتی کمال قوت و شوکت بولاد قده بعضی فضلائی بووجهله مدح و تمثیت ایتدیکه (نظم)
 محمد الله از شرق تا غرب عالم * بشمشیر شاه جهان شد مسلم * نکش خان بن اب اسلان بن آتسر *
 پدر بر پدر پادشه تابا دم * خرامید بر تخت فیروز بختی * چو خورشید بر تخت فیروز طارم (نثر)
 مرویدر که شجاع و مجتهد و ساعی و مهمات عزم و جزم و حزمی رای اولغین دائما اعداسیله صواشوب اکثریا
 غالب اولوب بر کره ترکستان پادشاهی چنکده طوقوب بعده ای کندونک برعد وسیله جنکه سردار
 ایتندی بشیوز طقسان الی رمضاتک اوتنده سفر اوتنده خنای مر ضندن وفات ایتدی (فصل سادس
 در احوال خوارزم شاه علاء الدین محمد بن نکش خان) پدری وفاتدن بر آی صکره فخته یکدی
 (مناقب و معایب) علم فقه و اصولدن غام خبردار اولوب اکرام علماء ابرار و اعظام صلحاء اختیار ایدوب
 مردان میدان عرفانک ممتازی و آسمان فضل بی پایانک باز بلند پروازی امام نضر الدین رازی بونک زمانه
 اولغین علاء باهر الاعلام عالی رتبه غایت رعایت ایدردی لکن حاکم بی باک و ظالم سفالت علی القدر
 وسیع الصدر کثیر الغدرایدی * عسکری غارت و خسارنه معتاد اولغین ولایتی رعایای باعمال و فقیری مال
 دن مال کثیر المال اولملردی * کندوسی غایتده شجاع و مقدم و جسور و مجتهد و ساعی و تارک حضور اولوب
 بر آفاق بولی بر قاج کون ایچنده قطع ایدردی * لباسی درویشانه بلکه فقیرانه اولوب لباسی و آتارختی
 انجی بر فلوری دگر ایدی مائل شهرت دکلدی دیشلر (عظمت) پدری ضبطنده اولان خراسان و خوارزم
 و بلخ و بلخند ماعدا مازندران و کرمان و مکران و کیش و سجستان و بلاد غوز و غزنه و بعض هندستانه دخی
 نیجه محاربه لرله و پادشاهلر قتل ایتکده مالک اولوب التیوز سنه سندن صکره خطاطانه لرینی ماوراء النهر دن
 قتل و اسروتهب و غارت ایلد ایدوب بعده کفار تانار و ولایت چین ایلد دخی چنکدر ایدوب انلری عاجز
 قویوب حسن تدبیر و ضرب شمشیر ایلد در تیوز باره شهره در تیوز بیک یاو چیوز بیک آتلو عسکره مالک
 سلطان عظیم الشان قهرمان نشان و صاحب قران عظمت عنوان ایدی (نظم) سعی لایلی حتی
 اذا ما صابها * اته العلاتسی الیه کما سعی (نثر) مرویدر که ممالکی چو غالد قده غزنه ایلد هندستان
 راستده کی شهر لانی یولک اوغلی جلال الدین خوارزم و خراسان و مازندران راوغلی قطب الدین ابلاغ شاهه
 کیش و کرمان و مکرانی راوغلی غیاث الدین تانار شاهه ملک عراقی راوغلی غوز شاهه و یروب عادت ملوک
 سلجوقیه اوزره پنج وقت صلاتده بونلرک نو بتلری چالئوب کندونک نوبتی حضرت ذوالقرنین عادتجه
 طلوع و غروب زمانلرنده چالئوب جواهر زواهرله مرصع و ملمع بکرمییدی عدد بیولک کوسلری و نیجه
 خرده طبل و نقاره لری اولوب ایتد چالندونی کون هر کوی بونک ایتده محبوس اولان اساطین سلاطیندن
 بری چالدی والده سنی ترکان خانون دخی امر و نهی ایدوب کند و خطیله اعصمت بالله و حده دیوب
 طغرایازوب عصمه الدینا والدین ملکه نساء العالمین خونده جهان دیولقب قوغشیدی (عزم بغداد)

مرویدر که بشیوز طقسان ایتدیده بغداددن ناصر بالله خلیفه بی قالدروب ساداتدن علاء الملک ترمذی بی سیله
 کتوروب انده خلیفه نصب ایتل ایچون همدانه کادکده ناصر بونی ایشیدوب منع و دفعه نصیحت ایچون
 شیخ شهاب الدین مهروردی حضرت تلمی ایچی کوندروب * من نور شیندن مرویدر که همدانه واردم کندوسی
 اطلسدن ایملری ابریشمدن بی مثل و مانند بر اوتاق عظیم و باندکده دهلزنده سلاطین همدان و اصفهان وری
 و بعض ملوک عجم ترتیله اوتوروب بعده حریری نظیردن بر اوتاق دخی که انده ملوک عرب و بلاد ماوراء النهر
 اوتوردی بکاسیر ایتدروب بعده سجافلری جواهر ایلد مرصع التوندن بر عظیم اوتاق عالی طاق ایچنه
 کیردیکمه بر سادجه تخت اوستنده خوارزم شاه محمد اوتوروب عقالی آرتازه بیکت اولوب کیدوکی لباسی
 تخمینا اون بش الحقه لقی بخاری قبا و باشند اون بش الحقه لقی دری طاقیه و ارایدی سلام و یردم اصلا
 جواب و کلام ایتدی لکن بن بلاغت اوزره جد حضرت خدا و مدح رسول مجتهد ایتدیکمه نام رسول علیه
 السلامی ایتدیکده تعظیما دیری اوستنه چوکوب بعده بن فضائل آل عباسی و عباسیانه جفا ازاد کل ایدوکی
 ذکر ایتدم بنم سوزلری چله ترجمان کندویه بیان ایدوب خلیفه بی زهد و ورع ایلد وصف ایتدیکمه ده ترجمانه
 دیدیکه بوکادیکه وصف ایتدیکان کسینه بغدادده یوقدرامان واروب دیدیکان صفتلرله برخایه نصب ایدرم
 دیوب بعده اصلا سولوب بن بغدادده توجه ایدوب اودخی کلک اوزره ایکن بی وقت محکم قاریاغوب
 عسکرینک اکثر طواریری هلال اولاد قده دونوب عجمه کتدی (جنک تانار) مرویدر که التیوز درتده
 خوارزم شاه محمد عظیم عسکرله ماوراء النهر واروب ولایت خطا پادشاهی طایکوا ایلد مرا چنکدر
 ایدوب عاقبت عسکری صینوب بچد کسینه ایلد یله اسیر اولوب کند و بکارتدن بری بونک ایچون قولدر
 دیوب بعده کندوی به سایه کسندروب قول و وارسون بهای کتورسون دیوب محمدی حیلد ایلد قورتاروب
 التیوز بشده نهر چیحوی کچوب بچد عسکر ایلد بنه خطا پادشاهیله عظیم صواشوب ظافر اولغین وافر
 کافرا ایمان نافرقتل ایدوب پادشاهلرین طوقوب لکن رعایت ایدوب بعده صلح و قهر ایلد نیجه شهر فتح
 ایدوب کفار تانار طاقه خطایه کلان بلا و خطای ایشیدوب پادشاهلری کشلو خانله عجمستانه رزمه
 عزم ایتدی * محمد دخی انلرله جنک ممکن اولمیه جغن بیلوب ولایت چین و خطایه متصل اولان فرغانه و شاش
 و اسپجیاب و بعض بلاد چله رعایا و سائر خلقی بخارا و سمرقنده کوجروب مایندده بر آیلق بول بیابان
 قالسون دیوفکر ایتدی * التیوز اوند محمد تاناره قریب یرده ایکن انلرله احوال بالذات یوقلمغه اوج کسینه ایلد
 تبدیل صورتله کفار اردوسنه کیروب طوقوب چله سنه دکنک چالئوب کیم ایدکارین دیموب ایکسی
 هلال اولوب محمد بر بیلد فاجوب قورتلدی (جنک چنکیز) بعده کشلو خان وفات ایدوب جمیع ممالک
 چین و خطایه چنکیز قسینه انکیز پادشاه اولاد قده محمد ایچی و هدیه کوندروب ارارنده عهد و صلح اولوب
 ایکی طرفدن تجارت واروب کلوب بعد زمان محمد دایسی اولان ماوراء النهر یکی تجارت تانار وافر کوش ایلد
 اوغراد قلنده جاسوسلر درهم وافر ماللری وارد قتل اجازت و یره سز دیو عرض ایدوب محمد دخی بی فکر
 و ملاحظه رخصت و یرمکین خال بد حال نکبت مال محض طمع مال ایلد تجارتی قتل ایدوب چنکیز قاقیوب
 سلاطیندن نقض عهد و خلاف وعد قبیح و امر فضیحه در سنک معرفت کله اولد یسه جنکه حاضر اول و لادایکی
 بزه کوندرب قصاص ایدلم دیو خبر کوندروب محمد دخی کمال حیرتندن اظهار جلالت ایچون (نظم)
 قضا اول کند چشم خرد کور * پس آنکه بر خرد مند افکند زور * مفه و منجه ایچملری قتل ایدوب *
 زاد فی الطنبور نغمه آخری فحوا سنجه چنکیز کوردل اجوف قلبنده حدت و غضب مضاعف اولغین
 اخذ انتقام ایچون نغیر عام ایدوب محمد دخی کند و رعایاسندن ایکی بیلاق پیشین محصول الوب سمرقنده عظیم
 حصار باقی ایتدیوب بومصلحت ایچون عسکرینی اطرافه صالوب چنکیز رستخیز انکیز نهر چیحوی
 یکدی دیو ایشتمکین محمد دونوب اگر طور سه یانه عسکر جمع اولوردی لکن * اذا جاء القضاء عی البصر
 مفهومی مقرر و زوال دواتی مقدر اولغین هجوم عموم فتنه و آشوب دوندوکی ایشلد کده خلق
 طاغلوب چنکیز ابتدا محمد دایسی شهرنه کلوب نیجه زمان چنکدر اولوب عاقبت اول نایخته بی طوقوب
 سابقا تجارت کفاردن طمع خام ایلد الیق سیم خامی ایدوب کوزلرینه و قولاقلرینه دوکوب او شهرده

ابن العمید آدلو بریک که محمدانک پدر واقرباسنی قتل ایتمندی چنکیزه بولشوب محمدک عسکری غایتده
چوقدر سزا کاظرفوله من سز مکر بر خیل ایل اوله که والدیه سی ترکستان پادشاهی چنکیشینک قیزی ترکان
خانوله محمد غایت عداوت اوزره اولوب اولغینک یانندن کتشدرا کثر عسکری ایسه والدیه سنک اقر با
وعشیر تیدور امدی انزلک اغزلندن سزه نامه لریازوب بر کسینه یه و یروب سزه کاور جاسوس صورتنده
محمدک ارد وسنه اوغراوب نظرافتله طوتلسون دیوب واقعا بویه ایدوب طوتلدقه محمد کاغذ لری
کوروب اوقودقه اکثر عسکری کندویه خائن صانوب یانندن طاغدوب بعده چنکیز محمدک والدیه سنه دخی
محبته نامه کوندروب اودخی خوار زنده محبوس اولان یکر می نفر پادشاهی و بعضی کابر شهری قتل
ایدوب ولایتی خالی قویوب محمدک اولاد و عیالان الوب غایتده مستحکم اولان قلعه ایلاله واروب چنکیز
کلب خوار زمی آلوب بعده بخارایه کلب عظیم چنکیز اولوب مسلمانله هجوم اید کارنده کفار
صینوب مسلمانلر غنجه طاغلدقه کافر لدروب اکثری شهید ایدیلر (نظم) چو اید سیل آفت
از سر کوه فرود آرد خس و خاشاک انبوه (نثر) بعده سمرقند و خراسان و قزوین و همدان و اکثر ممالک
بجمی آلوب تخریب بلاد و قتل و امر عباد و انواع شرو فساد ایدوب بعده چنکیز محمدک اوستنه اوتوز یک
کافر کوندروب اطرافده شاعتر ایدوب محمد نیشابوره اندن بسطام شهرنه واروب انده اون صندوق طلویی
جواهر قویوب بعده چنکیزه نصیب اولدی (نظم) دو رایدلر نبرو بو چرخ فلک کینه کادی قزاق
کینه بویله یک (قصه وفات) بعده محمد یکر می بیک مقداری عسکر ایلهمدانه کیدوب دوات آباد
صحرایه کفار یثوب اطرافن قوشادوب (لمحرره) مغول غول سیره بدسریه هجوم ایددی
شه عالی سیری (نثر) محکم جنگ ایدوب محمدک عسکری قیرلوب یالکز با خود بر فاج آدمه نهر جیحون
ایچنده بر جزیره اولان قلعه به وارمغه صودن آله کوب واروب انده مرض ذات الجنه بدن خسته اولوب
وفات ایدوب باشنده کی دلبندی کفن اولدی بوقصه دلدوز جکر سوزاتیوز اون یدیده واقع اولدی بعض
معتبر انده مذکور در که بحیره مازندرانه قاجوب اسم الدن خسته اولوب علاج اراونوب بولغیموب حتی بیه جنگ
اتک دخی بولغیموب کی ایچنده غربت و کربت و محنت ایله وفات ایددی (لمحرره) شمع کی ذائب ایدرجیم
و جانی هم و غم حاصل اولور هر برندن لاجرم موت و سقم (نثر) تاریخ میرخوانده دخی مذکور در که
چنکیز محمدی صیوب لکن له کتوره مد کده مازندران وری و همدان و مراغه و خراسان و خوارزم شهرلرین
الوب جهلنک خلقن قیروب محفلر یاقوب جامع معلر مسجدلر بیقوب تخریب و افساد بلاد و تخریب
و قتل عباد ایدوب بعده قلعه ایلاله واروب محاصره ایدوب مسلمانلر صوملر لادن هلاک یقلشغین امانله
قلعه بی و یروب ایدق قلعه اول کون حکمت حقه عظیم یغمور یاغوب سیلر آقدی پس چنکیز محمدک
خزیننه سنی و والدیه سنی و اولاد و عیالانی اسیر و حقیر ایدوب مذکورنی قتل و انانی نصرف ایدوب والدیه ملعونه
سفره دن اتک باره لری دیوشروب پراولدی بوجبر و حشت اثری محمد ایشتمد کده اغلیوب غشی اولوب عقلی
باشنه کلد کده تکرار زار زار اغلیوب نار غیبت و حیرتله جان داغلیوب (لمحرره) شدت نحمده وفات ایددی
اوشاه چرخ بد کردار اندن آه (نثر) بشیوز طغسان التیده جلوس ایدوب جهل مدت سلطنتی
یکری بریل ایدی (نظم) دنیا دیدکاری نه عجب بیر زالدیر لیل و نهار یشه سی مکر ایله آلدیر
نکبت بوجانی محنت اوی غصه منعی درد و بلا فضا سی محل جدالدیر بیماری ماردولتی
لت دره منده هم مغرور اولتی اکا خطا و وبالدر (فصل سابع) در احوال خوارزم شاه جلال الدین
ابن خوارزم شاه علاء الدین محمد والدیه سی هندیه یاسندیه جاریه اولغین جلال دخی صارویه مائل
قاره باغز ایدی (ع) حزم و شجاعتده عزم و مهارتده حد نه ایدوب پدری حیاتده غزیه پادشاهی
ایدی مریویدر که سلطان عالیشان امکندر نشان اولوب بغداد خلیفه سنه نامه کوندرد کده امضاسنی
الخادم دیوب یازوب سائر پادشاهلر یازدقه کندو امرالرینه یازیلان النصر لله و حده طغراسن یازردی
(بحار باب عظیمه عجیبه و وقایع متنوعه غریبه) مریویدر که چنکیز بونک پدرنی فاجدقه بونک اوستنه
اون ایکی بیک عسکر کوندروب جلال جلال اشکال الشمس بیک عسکر آهن خای رزم آزمای ایل

انلری صیوب چنکیز دخی زیاده عسکر ایله اوغلی قوی بی کوندروب جلال انلری دخی صیوب قوی چنکیز
قتل اولوب مسلمانلر استراحتیه طاغلوب چنکیز اوغلینک قتلن ایشتمد کده اضطرار بدن جهل عسکر ایل
کله کین جلال قاجوب چنکیز بو کاسند ولایتده یتشوب عظیم جنگ اولوب حتی جلال کندوسی
بالذات یدییوز نفر دلور هنرا و ایلله مر دانه میدان کیروب معرکه پراشوبده محکم صواشوب هر جهلده
کفارک یوزلرین دوندروب چنکیز صینوب لکن کینده مکین اولان اون بیک نفر ملاعین مسلمانلر
صاغ قولنه یور یوب صیوب جلالک اوغلی اسیر اولوب جلال دونوب نهر سندن کارنه کلوب والدیه سی
و خانقنلری مددبری قتل ایلله اسیر اولمیه لم دیوفریا اید کارنده غیرتندن جهل سی غرق ایدروب بعده هجوم
کفار شوم ایلله قلبی برزنک و دبده بلادیده سنه حلقه میم و صدر لیم کی عالم تنک اولوب امر جنگ محال
و اسباب صبر و درنک ظاهر الاضعلال اولدقه (نظم) وایس الفرار الیوم عارا علی الفتی اذا عرفت
منه الشجاعة فی الامس مضعون نجه ارقاسندن جوشن چساروب سنجاغنی قاپوب غایتده عظیم اولان
نهر سندن آله قارشوبه کوب صویه اصلان اسباب ورختن کونشه سروب سنجاغنی دخی نهره ایلله کروب
قوریدوب کولکده سنده تنها او توروب بعده عسکر ندن یدی کسینه دخی ایرمانی کوب بونک یانله
کلد کارنده جلال بونلرله چکوب کیدوب چنکیز لاین بوشجاعت عظمایه تحسین ایدوب بوقصه
حیرت حصه التیوز بکریده واقع اولمشدی بعض معتبر انده جلال کندوی غرق ایچون نهر بحر مثاله
آت دیوب اردنجه عسکر ندن درت بیک عربان و جیمعان آتلو کسندر بیلله کروب لکن (نظم)
اگر تیغ عالم یچند ز جای نبرد رکی تا نخواهد خدای مغه و منجه اجالری کلامکین آنلری یوزوب
اونه جانبه کوب قارشوباقه نک خانی جلالی بیلوب ساد و سوارانی آرامغه چالشوب جلال کیرلنوب
هندستان پادشاهی ایشیدوب هجوم ایدوب دخی آنک اوزرینه آت صالوب یاقلشدقه براوق اوب
هلاک اولدقه (ع) باش کیدیمک ایاق اولمز بایدار مغه و منجه عسکری فرار ایدوب جلال غنجه دن
وافر مال الوب انکله قوتلنوب سجستانه کادی چنکیز ایسه سابقا او محمدن دونوب ولایت عراقه و بعض
ممالک و واروب تخریب بلاد و قتل عباد و انواع فساد ایدیلر تاریخ میرخوانده مذکور در که جلال صوبی
کوب هندستانه وارد قده بشیوز نفر عسکر ایلله نیچه کره هند یلر عسکرین چنکیزه صیوب عسکری اون بیک
اولدقه هند پادشاهی رای کو کاردل قیزی ایشیدوب اودخی قیزی اوغلیله وافر عسکر ایلله کوندروب
جلال اتی نکاحلنوب کو کاردل عدوسی قباچه یکر می بیک عسکرله نهر سندن کارنده اولغین جلال
یدی بیک عسکرله اوز بیک پهلوانی کوندروب اوز بیک شخصون ایتد کده قباچه مخت و قباچه اولغین
قاجوب انک اردوسن ضبط ایدوب بعده برقلعه بی محاصره ایدوب ایچروندن اتلان براوق بونک انله
طوقنوب بعده حصاری ایدقه غضبندن جهل خلقنی قیروب دوند کده شهر ملتانه اوغراوب قباچه
صواشوب صینوب جلال او جهل شهرنه واروب آتسه اوروب اندن هندستانه کندی التیوز یکر می
ایکیده جلالک برادری غیاث الدین ولایت فارسی الوب ملوک اتابکیه محمدن اتابک اوب یکر می سلطنتدن
رفع ایدوب یکر می اوچده جلال هنددن کلب بجمستانی ضبط ایدوب شیرازی بنه اوبکره و یروب بعده
قوت و شوکت جلال بر کمال اولوب حتی ارکان و اعیانندن نورالدین منشی برقصیده دیدیکه مطاعی بود (نظم)
بیاجاناکه شد عالم دکر باره خوش ورنکین بفرخسرو عالم الغ سلطان جلال الدین (نثر) بعده جلال
معاونت طلبنه بغداده عزم ایدکده ناصر بالله خلیفه بوندن قورقوب جنگ و دفع ایچون یکر می بیک
عسکر کوندروب چنکیزه بغدادیلر صینوب جلال واروب تبریزی الوب طاغلان عسکری جمع اولوب
اوتوز بیک عسکرله کرجستانه واروب عظیم صواشوب وافر قلعه لالوب مسجدلر یاوب بجمه کیدوب
کفار نازار تکرار هجوم ایتکین جلال عسکر جمع ایدوب قارشو توروب برادری غیاث قاجغین اکثر عسکر
طاغلوب جلال مر دانه میدان کیروب شیرانه جنگه آهنک ایدوب صفلر یاروب کفاری بری برینه قاروب
بقیه عسکر یلبر کوشه به چیقوب بعده اصفهان کادی التیوز یکر می بشده کرجستانه تکرار کیدوب
شام و روم وارمن و کرج و بعض ممالک پادشاهلری سابقا جلالدن رفجیده اولغین کرجیاره معاونت ایدوب

جلال رستم زال مثال اولمغین غلبه ایدوب بیکد کافر قیرولوب بعده خلقی مسلمان اولان اخلاط شهره واروب
محاصره وجبرایله فتح و بعض خلقی قتل ایدوب بعده اخلاط حاکمه شامدن معاوته التي بيك عسكر
كلوب جلال خسته اولمغین جنگده عسکری صینوب اخلاطه دونوب تاتارلر عجمه تکرار هجوم ایتدیلر
دوخیبر کلوب جلال برملال اولوب بعده تاتار کیشلردیو بر خیر غیر واقع شایع اولدوقده جلال بو کایا شایوب
(نظم) عیش ونوش ایله بو کون آکه غم فردایی * سکا صحرلمدیلر بولان دنیایی * مفه ومفجه صحبت
وعشره باشلیوب شعرادن بری بوشعری دیوب تنبیه ایچون جلاله ویردیکه متنبه اوله (نظم)
شاهازی کران چه برخواهد خواست * وازمستی بیکران چه برخواهد خواست * شه مست وجهان
خراب و دشمن پس ویش * بیادست کزین میان چه برخواهد خواست (نثر) جلال بدحال زوال
نوال غفلت واهمال و برقاج کون عیش ونوشه کمال اشتغال ایتدکده بر کچیه جله شاه و سپاه خواب غفلته
ایکین عسکر تاتار خصم شکار کلوب جلالی توابعی کو جله او باندروب مستلکی طاعلمغیچون باشنه
صوغتی صودو کوب بر آته نبوب یا لکز کندومی بر کوهستانه کیدوب بر کرد لوندی بونی آته ولباسنه
طمع اقتل ایتدی * یا خود جلال درویشانه لباسلر کیوب سیاح اولدی * میرخواندمر حوم بو بایده بعض
روایتلر دخی وارد بو جائده تاتارلر جلاللر جمیع عسکری قیرولوب اصلا کسینه قورتادی دیمشدر جله
مدت سلطنتی اون ایکی ییل ایدی دیمشدر (روایت) بعض معتبرانده مذکوردرکه سابقه داشت قبیاقه
کیدن عسکر جنکیز التیوز بیکرمیده دونوب بری ونساقوم وقاشان و همدان شهرلر بیک جله خلقن
قیرولوب تیریه قصد ایتدکدرنده جلال انلره بولشوب جنگده انلری صیوب برادری غیاثدن شیراز پادشاهی
ابو بکر بن سعد بن زنگی اصطخر شهرنه قاجدوقده غیاث واروب بی تعب ضبط ایدوب بعده ابو بکر غیاثله
مدارا ایدر اولدی * بنه بوییل جلال هندو کرماندن کلوب آذر بایجانده مستولی اولدی * التیوز بیکرمی
درنده جنگیزلر اوغلی تواینگ اوغلی هلا کو عسکر عظیمه اصفهان غلوا ایدوب جلال اوج کون قلعه دن
جیمه امغین کفارلر بعض الایلی غارت و خسارته طاعلوب جلال انلرل اردنجه عسکر کوندروب
یتشد کلرنده دارچهای کوزلرینه تنگ و تار و نیجه لرین گرفتار ایدوب بعده جلال عسکر و آلان دوزوب
قلعه دن جیقوب مقاتله یه مقابل اولدوقده برادری غیاث بو کایا نچمکین کندو عسکر یله چکلوب کیدوب
جلال جنگده باشلیوب کفارلر اکثری صینوب عسکر اسلامک صاغ قوی چقان کافرلر اردنه دوشوب
ایکی کون کیدوب بو جائده بقیه کفار بهادرلری اخشامد نصکره صول قوله جله ایدوب جلال انلری
اورته یه الوب قیروبو طاعلوب جلال یاتشد همان اون درت کسینه قالوب غیر بلری کرمانه و تبریزه
دوشوب جلال اصفهان و واروب کفار خراسانه کتدیلر * در تیوز بیکرمی بشده تاتارلرینه کلوب
جلاله شهر ریده صواشوب ایکی کره جلال صینوب اوچنچیده وافر عسکر جمع ایدوب لکن برادری جنگدن
اشوب عسکرله چکلوب کیدوب کفار انلری کندورلرلر آردلرین المغه کیدرلر صانوب صینوب جلال دخی
کفارلر قاجدقلرین حیله صانوب خوفندن طوروب کفار اصفهان کیمکین جلال دخی واروب صافلر
یاروب عسکر یله کچوب شهره کیروب بعده جیقوب کفاری محکم صیوب آردلرینه دوشوب نیجه لرین
مقتول و اسیر ایدوب بعده اخلاط شهرنده اوتروب ولایت ارمن پادشاهی اولان سلاک اشرفک اوزرینه کلوب
اخلاطی الملق ایستوب در تیوز بیکرمی کزده جلاللر بر محبوی وفات ایتمکین عقلی مختل اولوب نیجه
مدت مبتی یله کردروب البته صاغدردیو بیک کوندروب حالی ندرنه ایشلردیو صوروب خدمتکارلر دخی
اودر خوشدر درلردی * بنه بوییل تاتار تکرار کلوب جنگده جلال غایته صینوب عسکرلر کیمی قیرولوب
کیمی طاعلدی بنه بوییل روم پادشاهی سلطان علاءالدین کیقباد بن کچسروایله جلال صواشوب
صینوب یا لکز قاجوب آله طاعلدره کز کزن سابقا برادری بونک عسکری قتل ایتمش بر کرد جلالی یلوب
قتل ایتدی (روایت) نکارستانده جنگیزلرین جلاله نهر سندن کارنده جنگدن نصکره خراساندن دونوب
جلال بعض عسکرله عجمه کلوب کرجستانه واروب اردو لایلی تسخیر ایتدکده بنه عجمه کلوب بعده روم
وشامه عزم ایتمکین سلطان علاءالدین سلاک اشرفه معاوته کلوب جلال خسته اولمغین جنگده صینوب

صحت بولدوقده ممالک روم وشامه واروب بی حد غارتلر و خسارتلر و قحریب ولایتلر ایدوب غرور و سرورندن
بوییتی دیدیکه (نظم) در رزم چو آهنیم و در بزم چو موم * بردوست مبارکیم و بردشمن شوم (نثر)
دونوب دیار عجمه کلدکده عیش ونوشه مشغول و تدارکدن غافل ایکن بر کچیه کفار تاتار شجنون ایدوب
جلال دیوانه او یخودن مستانه قالقوب آته نبوب هزار حیلله ایل کفار اراسندن تنها جیقوب بر طاغ
کارنه واروب بعده معدوم یعنی حیات و مماتی نامعلوم اولدی دیومر قومدر (محرره) عاقل آنست که
عبرت بستاند زجهان * غافل از موت و قیامت نشود هیچ زمان * آن فریبنده کند خنده چو بر روی کسی
در پیش داغ جفاها بنهد بر دل و جان * بسلاطین بیکر آرایشان چون شد * اکثرش رفت ز دنیا بهزاران
احزان * جم و خصال و فریدن و سکندر دارا * همه دانی که چکونه زجهان شد کذران * حب دنیای
جفا پیشه زدل بیرون کن * ای محمد که در آنست رضای رحمان (فصل ثامن در احوال سلطان
غیاث الدین محمد بن جلال الدین خوارزمشاه) نظام التوار یخده مذکوردرکه پدری واقعه سندن نصکره
شیرازه کلوب غارت ایدوب بعده کرمانه واردوقده ملوک کرماندن اولوب ملوک ماوراءالنهر نسلندن اولان
بریق نام کسینه بونی قتل ایدوب سلاطین خوارزمیه بالکلیه منقرض وزائل و شمس دولتری آفل اولدی
(نظم) جهانبانی و ملک جاوید نیست * ز دنیا وفاداری امید نیست * نه بر باد رفتی بحرگاه و شام *
سریر سلیمان علیه السلام * به آخر شنیدی که بر باد رفت * خنک آنکه بادانش و داد رفت
(باب ثالث عشر در احوال ملوک انا بکیه) بو طائفه موصل و شام و حلب و بعض دیار عربده اون بیدی نقر
پادشاهلر اولوب جله سی عاقل و عادل و صالح و کاملر ایدیلر * ملوک انا بکیه دیمکله مسمی بر فرقه دخی واردکره
انلر ولایت عجمه پادشاه ایدیلر تکیم بونلر نصکره بیان اولنور (فصل اول در احوال آق سنقر البرسی)
زمره اترکدن اولوب مستقیم و پاک و عدله مائل و شجاع و اهل ادراک ایدی موصلده پادشاه ایکن
بشیموز اون بشده حلبی فرنک محاصره ایتدکده شهر خلقی بونی دعوت ایدوب کاورکن فرنک قاجوب
سنقر حلبی ضبط ایدوب بعده حلبه قریب کفر طاب شهرنی فرنک النندن الوب اعزازی دخی فقه واردوقده
فرنک جوق اولمغین سنقر صینوب موصله قاجوب اوغلی مسعودی حلبه حاکم ایتدی * بشیموز
بیکرمیده موصلده جمعه نمازین قیلرکن باطنیه طائفه سندن بر کسینه بونی شهید ایدوب سلطنتی
یدی ییل و برقاج آی ایدی (فصل ثانی در احوال عزالدین مسعود بن آق سنقر) پدری وفاتده
حلبدن کلوب موصلی دخی ضبط ایتدی * بشیموز بیکرمی برده مسعود وفات ایتمکین برقی سلطان محمود
ابن ملکشاه سلجوقی مسعودلر برادری عمادالدینه و یردی بعض کتبده مسعود ذکر اولغا مشدر
(فصل ثالث در احوال عمادالدین انایک زنگی بن آق سنقر) انایک لقبی بو فرقه ده ابتدا بو کاقوندی *
بشیموز بیکرمی برده سلطان محمود سلجوقی عماده سابقا ضبطنده اولان واسط و بعض مملکت عراقدن
ماعداجله ولایت عراق شهنه لکین یعنی حکومتن و یروبو عمادلر قوت و شوکتی ارتوب نصیبین و سنجار و حران
و حالا کردستان اولان جزیره ابن عمرو لایتلرین الوب برادری وفاتده سلطان محمود بو کاموصل سطننتی دخی
و یردی عمادلر برادری مسعود سابقا پدری آق سنقر وفاتده حلبدن موصله کیدرکن جلدیه قیماز نام حاکم
قومشدی بعده قیماز ظلم ایتمکین سابقا حلب پادشاهی اولان سلیمان بن عبد الجبار بن ارتقی اهل حلب پادشاه
دیگوب بو قوتقنی اطرافلرنده اولان فرنک کافرلری ایشیدوب حلبی المغه عزم ایدوب اهل حلب فرنکی مال
فراوان و یرمکله دفع ایدوب سلطان محمود بونی ایشیدوب جله حلب و شام ولایتلرین عماده و یروبو برات یازوب
کوندردی عماددخی قراقوش بکی حلبه حاکم کوندروب بشیموز بیکرمی ایکی محرمنده عاده کندی حلبه
واردی * بیکرمی او چده عماد دمشق شام پادشاهی قوزی بن طغی کیندن فرنکله جنگه یاردیمی عسکر
ایستوب اودخی جاما بکی سونجی کوندروب عماد سونجی طووب حایه واروب شهری ضبط ایدوب سونجی
و بعض شام بکرنی باغلیوب موصله ایلشوب بعده عسکرین جمع وشامه عزم ایدوب فرنک الله اولان
اتار بقلعه سنه واروب جنگده وافر کافر قتل و اسیر ایدوب بولجیلره ضرر اولمغین قلعه یی بالتام بیقیدی *
بیکرمی التیده شمس الملوک ابن قوزی حایه عماد النندن الوب شمسی کندو آدملری قتل ایدوب یرینه برادری

احمد بکرده عماد احمد اوسته واروب دمشق المغه قادر اولوب بشبوز او توزه عماد حلب و حمان
عسکری فرنگ النده اولان ملککله واروب انلردن اولقدن مال واسیر کثیر الی بلرکه ولایت شام طولدی
او توزه برده عماد معره و کفرطای فتح ایدوب حصه دخی مالک اولدی * او توزه او جده بعلبکی محاصره ایدوب
اون درت منجیق قیروپ امانله الوب تسلیم قلعه ایلد کارند نصکره غدار و مکار اولغین جمله شهر خلقی
اصوب بردار ایدوب * او توزه درت دمشقی محاصره ایدوب عاجز اولد قده موصله دونوب بولده زور شهرتی
صاحب اولان قبیحاق شاه ترکانی الندن الدی * او توزه سکزده عماد سلطان مسعود سلجوقی الیه مصالحه
ایدوب دیار بکری و او طر فله کفار فرنگ النده کی قلاعی فتح ایدوب * او توزه طقوزده رهایی و سروجی
ونهر فرات شرقی سنده بعض شهرلی دخی فرنگک الندن الوب قلعه بیره الفراتده فرنگی محاصره ایدوب
لکن موصله قودوغی حاکمک قتل اولدوغن ایشیدوب دونوب فرنگک بونی تکرار کور دیو خوفلرندن
قلعه بی مار دین حاکمه و یروب کندور کجه الیه ولایتلرینه قاجدیلر * قرق برده یادرتده عماد فرات کنارنده
جعبه قلعه سن محاصره ایدوب او یورکن کندو او غلزلری اوشوب بونی قتل ایشیدیلر * قاره یاغز خوب
صورت و مائل عدالت اولوب عمری التمشدن زیاده جه ایدی عسکری و اعدای اراسنده غایده مهلبانی
اولوب دمشق شهرندن ماعدا جمیع ولایت شام و حلب و موصله اولان شهرلر مالک اولوب سلطنتی
اون سکزیل ایدی (فصل رابع در احوال سلطان نورالدین محمود بن عماد الدین زنکی) بشبوز
اون برده طوغمشدر غایده کوچ اولغین همان زخمده اتیده بر قاج دانه قیل اولوب لکن خوب و نورانی
صورت ایدی (مناقب) هر ویدرکه ملک خصلت عمر سیرت علی ضاوت جزه شجاعت اهل خیرات
صاحب حسنات عالم و عامل عادل و عاقل عابد و زاهد مجدد و مجاهد اولوب علی التوالی اعیان الی ایدردی آوازده
عدل و شجاعتی اطراف عالمه منتشر و اوصاف حمیده غیر عدیده الیه مشتهر ایدی هر جنکده ایکشیر تیرکش
قوشانوب ایکشیر پای طاقتوب میدانه مردانه کیروب مانند شیر و بولنگ بالذات جنک و دیده اعدایه
صحرای تک ایدوب کفار الندن الی عددن زیاده شهر فتح ایشیدیلر * حلب و شام و دیار بکر و اکثر عمالک
عرب و حرمین محترمین و دیار یمده خطبه می اوقنوردی * فقه حنفی بی تمام بیلوب خفیه و شافیه ایچون
وافر مدرسه لایوب شام و حلب و حص و حما و شیز و بعلبک قلعه لری زلزله لردن بیقلد قده جمله سنی
تجدید ایدوب آثار احسانی و خیرات حسانی فراوان و بی پای اندر اهل شام و حلب اتفاقله ولی الله ایدوب کی
مقرر اولوب کندوسی قرقلردن وزیر صلیح الدین او چیموزلردن ایدی حالا دمشق شامده تربه سی
قبر نورالدین شهید دیکله مشهور اهل حاجاته ملاذ و پناه بر زیارتگاه اولوب محل قبول دعا در دیواعتقاد
اولور * حتی بر کسینه مجلس شرعه خصمه عین و بره جک محله ایدوب انده عین و بر (جلوس و بعض
احوال و وقایع) سلطنتی بشبوز قرق برده یادرتده پدیری وفاتنده بارمغندن مهر فی الوب حلبه واروب
برادری سیف الدوله دخی شهر زورده موصله واروب پادشاه اولدیلر * اول سنه سنده فرنگک استانبولدن
و الماندن عسکر فراوانله کلوب دمشق شامی محاصره ایدوب کارنده اشوبایکی برادر باجان برابر غیرت دینیه
ایچون شام پادشاهی ارتق بن محمد بن توری به اتفاقله معا و نه کیدوب حصه وارد قلدن کفار بولردن
قورقوب کندیلر * قرق درتده سیف و فات ایدوب دیکر برادری مودود موصله پادشاه اولدی
بو بیلده محمود حارم قلعه سنی محاصره و فرنگک انطاکیه بکنی بعض توابعیه اسیر ایدوب قرق التیده محمودی
فرنگ بکی جوسلین جنکده صیوب بودخی عسکرین جمع و فرنگکله جنک عزم ایدوب بوانتاده جوسلینی شکار
اوزرنده ایکن ترکمانلر صید و بند الیه قید ایدوب محمود کتورده کارنده انک ضبطنده اولان مرعش و عنتاب و عزاز
و دولوک و تل خالد و تل باش و وروندار و تونس و برج الرصاص و حصن البان و کفر سود و کفر لاث و نهر الجوز
و بعض قصبای محمود ضبط ایدوب عسکر اسلام شاد کام و اهل اغتمام اولدیلر * قرق طقوزده فرنگ دمشق
المغه باقلا شغین محمود شهر خلقیه مقدمه اخبار ایدوب بعده واروب کیدر کده پادشاهی ارتق بن محمود ایچ قلعه ده
قبانوب بعده امانله کلوب محمود اکاحص بکنی و یروب قبل الوصول عزل ایدوب بالاس بکنی و یروب
اودخی الحبوب بغداد کیدوب انده وفات ایدوب * الی ایکیده جمله ولایت شامده عظیم زلزله اولوب شیز

و جاح و حص و حصن الا کراد و طرابلس و انطاکیه شهرلی و قلعه لری بیلوب نیچه بک کسینه هلاک اولوب
شیز پادشاهی دخی توابعیه دفعه هلاک اولد قلدن محمود شیزلی ضبط ایدوب ینه بویل محمود بعلبکی
صاحب اولان ضحاک الندن الی * الی طقوزده محمود اسد الدین آدلو سرداری مصره وافر عسکر الیه
کوندردی * حکیم آخر ملوک فاطمیه فصلده تفصیلی بکمشدر * ینه بویل محمود حارم قلعه سن فرنگکله
عظیم جنک ایدوب الوب انطاکیه ناک و طرابلس کافر بکارنی دخی طوقوب اب دریا ده یاس قلعه سن دخی
فتح ایدوب * التمش درتده جعبه قلعه سن آلوب التمش ایکیده و درتده مصره مکرر عسکر کوندردی تنکیم
بودخی یوقاروده بکمشدر (وفات) کوندردی عسکره ایکی سردارک بری صلاح الدین یوسف بن ایوب
مصره مستقل پادشاه اولدوغن محمود ایشید کده التمش طقوزده مصره کتیکه قصد ایدوب بوانتاده شامده
خوایتی مر ضندن الی سکزیل باشند و وفات ایدوب سلطنتی بکری سکزیل ایدی (قصه عجیبه) تار
مدینه مذکور در کتب بشبوز الی بیده سلطان نورالدین شامده بر کجه تجمیع قیلوب ایوب و یوب حضرت
رسولی صلی الله علیه وسلم واقعه سنده کوروب ایکی اشقر شقاثر کسینه بی کوستروب بی بولردن قورنار
دوب یورمغین ده شتله واقعه سنندن ایکی کره ایوب آبدست الوب ایوب و یوب او ج کره بویه حال ظهور اید کده
روای صحیح ایدوب کئی بیلوب کندوب صلیح اولان وزیر بی جاغروب طانند قده بوسری هیچ کسینه به
دعیوب همان بکجه مدینه به کیت دیکین صباح اولدین محمود و وزیر بکری صالت آتلولو نقد وافر
التون الیه کجه ایچنده مدینه به کیدوب بکجه الیه اولن الی کونده واروب غسل ایدوب شهره کیروب
مسجد رسوله نماز قیلوب حیرتله او توره کن انده جمع اوللره وزیر صائب تدبیر پادشاه روضه رسولی
زیارت و جمیع اهل مدینه به صدقه و یرمکه کادی شهرده تقدیر انسان و ارایسه دفتر اولوب برر بر کلوب
پادشاهک کند و النندن صدقه السون دیکین جمله شهر خلقی کلوب الوب واقعه ده کوردیکی صفتلو کسینه ل
ظاهر اولد قده صدقه المامش کسینه واری کورک دیو دفعتله اقدام اولد قده همان ایکی مغربی کسینه
قالدیکه دانا عبادتده اولوب احیانا خلقه صدقه و برر دینلده کده بی الحال انلری کتوردوب واقعه ده
کوردکاری عینی الیه اولغین شاد اولوب نه کشیلر سز دیوب مغریلر زجه کلوب بویل بونده مجاور اولدق
دید کارنده البته طوغر و سوبلک دیوب انلر کیر و اویله سوبلیوب محمود همان قاقوب انلر اولدوغی حجره سنه
واروب سنه کور صیوب جمله اهل مدینه بولنری زهد و عبادت و سخا و زیارت قبور شر بقله مدح ایتد کارنده
محمود حیران اولوب لکن حجره ایچنی ارایوب حصیری قالدرد قده من ابرافوار حضرت رسول مختاره یقلا شجیه
قازمش برلم بولنوب بویکی حریفه و افر دکنک اوروب سو بلند کده بز کفار روم دز پادشاه مز نه وافر مال
و یروب مغریلر باسنه کیروب سزک پیغمبر بکزی براتندن لغ قازوب چیقاروب رومه ایلتک یورمغین بزدخی
کلوب مسلمانلردن کسینه طوغر و سون دیوهر کجه همان برر جزدان طولوسی طپراق قازوب صباح شهرک
طشهره سنه زیارت نامه و واروب تنها یره دو کرایدک دید بکارنده پادشاه بو خبر حیرت اثری ایشید کده بو خدمت
سعادت غایت عبادت منزات ملوک اسلام اراسنده کند و یه نصیب اولدوغنه سرور فراوان ایتد کارند نصکره
سوخچندن محکم کر یان اولوب بعده اول حریف کفر الیقلرک یونلرین اوردروب بدن هر دارلرین احراق بالنار
ایتدیلر * هر ویدرکه محمود مدینه به کله جکی کونک کجه سی اول لغ حجره حضرت رسوله یقلا شغین هواده عظیم
رعد و برق و نیچه علامت لظا هر اولوب طاغیر پاره لنور صانلوب جمله خلق لرزان و حیران اولمشردی بعده محمود
اطراف تربه عرش ربه رسول صاحب قربه چاق صو حقیقه محکم عمیق خندق قازدروب غایته وافر
باقرار ایدوب دو کلوب سدا سکندر ذوالقرنین وارد و وردن بر یکپاره حصا و استوار اولد قده دونوب شامه
کلوب کافر لرحقه قیوافقی و امانات و مقاطعات و کتابت و سایر امور سلطانیه دن هیچ بر عله استخدام
اولغامق یوروب جمیع مکوس و مظالمی دخی رفع ایدوب (عجیبه دیکر) کتاب ریاض نظرده مدینه ده
صواب آدلو خادم حرم رسول معظمدن منقولدرکه * مدینه بکنه حلب خلقندن رافضی بر جماعت کلوب
حضرت رسوله بر حجره مدفون اولان ابو بکر الیه عمری رضی الله عنهما قبرلردن چیقارمغه بزه اجازت
و یردوب عظیم مال و یروب اودخی صوابه بکجه مسجد شریف قیوسن ققان کسینه لره اچوب ایچر و قیوب

نه ایشلرله منع ایتمه سن دیوب بودخی ظاهر اوله دیوب لکن صلحادن اولغین بون کون قبر رسول
علیه السلام اردنده اوتروب متصل اغلیوب کجه ایله ایلک او یخوده قبوقاقلوب صواب خائف من الخطا
حیرتله قیوی اجدقده اللرنده قازمه وکورد و زنبیل ایله قرق نفر کسینه بربر کوروب مسجد شریفده
برقاج آدیم بریود کورنده قدرت حقه برشق اولوب جمله اهل کفر وضلال قارون مثال بره کجوب نابدید
وساحه رحمتن طریقه اولدیلر (فقطع دابر القوم الذین ظلموا والجدله رب العالمین) (محرره)
سرنکون ایت یالهی بعض شیخین ایدی * ناله وفر یاد اوله ایکی جهانده دیدنی (فصل خامس در احوال
سیف الدوله غازی ابن عماد الدین انابک زنگی) بشیوز قرق بشده پدیری وفاتده برادری نور الدین حلبه
سیف موصله واروب هر بری مستقل پادشاه اولمشدی * اوج بیلدنصکره سیف وفات ایتدی کریم
و شجیع کسینه ایدی (فصل سادس در احوال قطب الدین مودود بن زنگی) غایتده خوب سیرت
پسندیده خصلت ایدی برادری سیف وفاتده برینه کجوب بشیوز التمش بشده قرق باشنده وفات ایدوب
سلطنتی یکریمی بیل ایدی برینه اوغلی سیف الدین کجودی (فائده) هر ویدرکه بشیوز الی سکرده
جمال الدین محمد آدولصالح و مغل وزیرنه انجنوب حبس ایدوب بر بیلدنصکره حبسده وفات ایتدکه
وصیتی اوزره میتی مکه مکرمه به کوندربول هر کون قونارکن وکوبحرکن نیجه کسینه ل اوزرینه قرآن
وقیوب هر شهره وارد قورنده شهر خلقی بونک میتی اوستنه غار قیلوب مکه به وارد قده کعبه فی تاوتله
طواف ایتدربول سابقا مدینه ده مسجد حضرت رسول علیه السلام قورنده بنا ایتدوکی کاربان نسرایده
دفن اولندی * هر ویدرکه من بوروز برغایتده اهل خیرات اولوب مکه ده جبل عرفات اوستنده
بر مسجد یابوب و مسجد خینی تجدید ایدوب و عرفاته اوزاق یردن صوکتوروب جاجا بیلار یابوب و مکه
مکرمه حرمک قبول برن و کعبه معظمه نک باتده اولان حطیم مبارکی الاجه هر مر لایله یابوب و کعبه نک
نیجه برلرین تذهیب ایدوب و مدینه منوره به بر عظیم حصار یابوب بوجه به اجازت ایچون بغداد خلیفه سی
مقتفی لامر الله و مکه شریفنه وافر ماللر و یروب و نیجه برلرده دخی نیجه تکیه لر خانلر یابوب * آخر عمرده
جزیره ابن عمرده دجله ایرماغلت اوزرینه بونلش طاشله و دمور و باقر و نوره ایله بر کوپرو یابوب ناغام قالدی
مدت عمرده کند و سیرای قیوسنده هر کون یوز فلوری صدقه ایدوب هر بیل بیکر فلوری ایله اسیرلر قورناروب
ودخی علما و صلحا صدقه لوهدیه لر کوندردی * بعضیلر دیمشکرکه حبسده ایکن وفاته قریب بر آق قوش کلوب
وفاتنه دلایاتده طوروب متصل ذکر الله ایدردی * وفات ایتدکه موصله باید و غنی تکیه ده دفن اولندی
(فصل سابع در احوال سیف الدین غازی ابن قطب الدین مودود) پدر نک کوچک اوغلی ایکن بشیوز
التمش بشده انک وفاتده موصله برینه کجودی خوب صورت بلند قامت حمیده خصلت عادل و عاقل و اهل
غیرت اولوب حرمه کوروب حقه مغه غایت کوچک خادمه لر و لوزردی * بشیوز التمش التیده اولوز باشنده
سل مر ضندن وفات ایدوب صکره سلطنتی اون بیل و ایکی یا اوج آی ایدی برینی برادری مسعوده و جزیره
حاکم کنی کند و اوغلی سنجر شاهه وصیت ایلدی (فصل ثامن در احوال ملک عزالدین مسعود بن مودود)
قره یاغز خلیف العارضین اولوب جدی انابک زنگی به بکزدی * اهل خیر و دیانت و صاحب جود و مکرمت
اولوب بشیوز التمش التیده موصله برادری سیف الدین برینه انک وصیتی اوزره کجوب اون بر بیلدنصکره
عم زاده می حلب پادشاهی ملک صالح اسماعیل وفات ایتدکه بو کایرینی وصیت ایتمکین حلبه واروب
اکن مسعود لبرادری سنجر پادشاهی زنگی بن مودود دخی حلبه کلمکین تخته زنگی کجوب موصل ایله
سنجر مسعوده مقرر اولغین دونوب کادی * تمش سکرده مصر سلطانی ملک صلاح الدین شامدن کلوب
رها رقه خابور نصیبین سنجر شهر لرین الوب موصلی دخی محاصره ایدوب نه المدن کتدی بعده تکرار کلوب
عزالدینک مملکتارنده سکه و خطبه صلاح الدین نامنه اولق اوزره صلح اولوب کتدی * بشیوز سکسان
طقوزده مسعود وفات ایدوب برینه اوغلی ارسلان کجوب سلطنتی اون اوج بیل و الی آی ایدی
(فصل تاسع در احوال ملک صالح اسماعیل بن نورالدین محمود) بشیوز التمش طقوزده پدیری وفاتده
اون ایکی باشنده شامده تخته کجودی بعده حلبه واروب انده مقیم اولدی مصر پادشاهی ملک صلاح الدین

ابن ایوب کلوب شامی و حواصی ضبط ایدوب حلبه دخی کادکده حصه فرنک کادوکنی ایشدوب واروب
بعده بعلبکی الوب بعده اسماعیل عم زاده می موصل پادشاهی سیف الدین معاونه جاغروب صلاح الدینک
اوستنه واروب حمایتده عظیم صواشوب اسماعیل صینوب صلاح حلبه واروب اسماعیلی محاصره ایدوب
بعده صلح اولوب حاب بو کاشام صلاحه مقرر اولدی * تمش برده صلاح تکرار حلبه کلوب اسماعیلی
محاصره ایدوب سلطان نورالدینک بر کوچک قیز جغزنی صلاحه کتورد کورنده اوخشا یوب وافر مال
باغشلیوب نه استرسن دیوب اودخی عزاز قلعه سن دیدکده صلاح اتی و یروب مصره کتدی * بشیوز
تمش دیدی اسماعیل اون طوقوز باشنده حلبه قوایج مر ضندن وفات ایدوب شرب خرنافه در دید کارنده
غایت صالح اولغین زهر موتی ایچدی خرنایچدی * برینی عم زاده می مسعوده وصیت ایدوب
مدت سلطنتی بیل ایدی (فصل عاشر در احوال عماد الدین زنگی بن مودود) بشیوز التمش بشده
پدیری قطب الدین مودود موصله وفات ایتدکه برینه کوچک اوغلی سیف الدین کجوب عماد الدین
سنجراره پادشاه اولوب خوب سیرت محب علم ایدی * بشیوز تمش دیدی عم زاده می حلب سلطانی ملک
اسماعیل وفات ایدوب برینی دیگر عم زاده می موصل سلطانی عزالدین مسعوده وصیت ایتمکین مسعود
حلبه کلوب تخته بو کجوب مسعوده حلب برینه سنجرار و یروب موصله ضمیمه اولدی * تمش طوقوزده
مصر سلطانی صلاح الدین کلوب حلبی محاصره ایله الوب انک برینه عماده سنجرار خابور رقه نصیبین شهر لرینی
و یروب هر لازم اولدقجه عسکر ایله کلوب صلاح الدینه معاونه ایده دیو صلح اولوب صلاح دخی عبادی
ضیافت ایتدی * بشیوز طقسان ایکیده وفات ایدوب جمله سلطنتی اون بش بیل اولوب برینه اوغلی
قطب الدین کجودی (فصل حادی عشر در احوال نورالدین ارسلان بن مسعود بن مودود) بشیوز
سکسان طقوزده پدیری موصله وفات ایتدکه برینه کجوب التیوز دیدی دخی وفات ایدوب برینه
اوغلی ملک قاهر کجوب بونک سلطنتی اون دیدی بیل و اون بر آی ایدی (فصل ثانی عشر در احوال
قطب الدین محمد بن عماد زنگی) بشیوز طقسان ایکیده پدیری وفاتده برینه کجودی * سنجرار و خابور
ورقه و نصیبین شهر لر نک سلطنتی بو کادکدی صاحب عدالت سلطان ذوشوکت اولوب التیوز اون درنده
وفات ایدوب سلطنتی یکریمی بر بیل اولوب برینه اوغلی شاهنشاه کجودی (فصل ثالث عشر در احوال
ملک قاهر عزالدین مسعود بن ارسلان) التیوز التمش دیدی پدیری وفاتده موصله تخته کجودی
طقوز بیل و طقوز آی پادشاه اولوب التیوز اون دیدی وفات ایتدکه وصیتله اوغلی ارسلان شاه تخته کجودی
(فصل رابع عشر در احوال ارسلان شاه ابن عزالدین مسعود) التیوز اون دیدی موصله پدیری وفاتده
اون باشنده تخته کجوب بر بیلدنصکره وزیر و انابکی امیر لولو کوچکدر دیوبونی رفع ایدوب کند و می تخته کجوب
کند و به بدر الدین ملک رحیم دیو لقب قونوب آزماندنصکره ارسلان شاه وفات ایدوب امیر لولو موصله
قرق اوج بیل پادشاه اولوب بعده وفات ایتدکه مملکت لرینی اوغلاری مقامه ایتدیلر (فصل خامس عشر
در احوال شاهنشاه بن قطب الدین محمد بن عماد الدین) سنجرار و خابور و نصیبینده التیوز اون درنده
پدیری برینه کجوب بر بیل تمام اولدن برادری محمودی طوقوب بوغازلر و برینه کجودی (فصل سادس عشر
در احوال محمود بن قطب الدین محمد) برادری شاهنشاهی قتل ایتدکه برینه کجودی * بعده تغلبه
موصل پادشاهی اولان امیر لولو جمیع سلاطین انابکیه مملکت لرین مستقلا ضبط ایدوب دوات انابکیه
دیار عرب تمام اولدی (نظم) فسیحان رب العرش ایس ملکه * تناه و حد مبدأ و ختام (باب رابع عشر
در احوال ملوک انابکیه دیگر) بونلره سلغریان دخی دیرلر جمله سی اون نفرار و بر عورت ایدی *
بشیوز قرق اوچده ظهور ایدوب مدت سلطنتی یوز اووز بر بیل ایدی دیار فارس ملوک دلبلیه آخزند و
سکسان بیل مقداری ملوک سلجوقیه ضبطنده اولوب انابکیه ظهورنده جمله سی بونلره منتقل اولوب
تخته کاهلری شهر قریب الدهر شر از ممتاز ایدی (فصل اول در احوال انابک معظم مظفر الدین سنقر بن مودود)
تاریخ میرخوانده مذکور در که زمان سابقه طائفه ترا که دن الی بیگ مقداری پارسوار پادشاهلری
ظلمدن ترک دیار و اطراف عالمه انتشار اختیار ایتد کارنده جمله دن بری سلغر آدلو کسینه ایدیکه خدم

و حشمیه خراسانه کلوب اول اطرافده ابراق و یقین نیجه آقین ایدوب ملوک سلجوقیه ظهورنده انلره واروب حاجب اولوب ساغرک اولادی خوزستان و لرستانه واروب اول مالک و سیمعه ده مقیم اولدیله * مودود بن سنقر دخی ملوک سلجوقیه به مطیع اولوب اولادی نوبله انلره خدمته کوندردی * دولت سلجوقیه آخرنده سلطان ملکشاه بن محمود بن مسعود بن محمد بن ملکشاه بن ابی اسلان ولایت فارسه مستولی اولوب بر ییل یکجده سنقر بن مودود خروج ایدوب ملکشاه قاجوب سنقر تخته کجوب عدل و داد و ضبط بلاد و نظم احوال عبادایه که معتاد اولدی * بعده پهلوان محمد نام خارجی سنقره مسلط اولوب مرارا صواب عاقبت (محرره) خصمه ارسلان کبیله وارجی * نارطغیان مارچی اول خارجی * غایت منهنزم و مقهور اولوب بونک قوت و عز و جاهی کامل و موفور اولدی * شهر شیرازده جامع و تکیه و خان بنا ایدوب سلطنتی اون اوج ییل ایدی (فصل ثانی در احوال اتابک مظفر الدین زنکی بن مودود (محرره) اهل چود و اهل عدل و داد ایدی * عدلی ایله مملکت آباد ایدی * برادری برینه تخته کجوب بشموز یتیم برده وفات ایدوب سلطنتی اون درت ییل ایدی (فصل ثالث در احوال اتابک مظفر الدین زنکی بن زنکی) پدری برینه یکمشد در غایت عدالت و دیانت اوزره اولغین سلطنتدن فراغت و اختیار زهد و قناعت ایتمک دیکده وزیر روشن ضمیری خواجه امین الدین محمد کازرونی که صاحب کرامت ایدی عدالت افضل عبادتد زرا حدیث شریفده (عدل ساعة خیر من عبادة ستین سنة) بیورلمشدر دیو نصیحت ایتد کده فکر فراغدن و اولکیدن زیاده عدالت ایدوب چله بیکری ییل سلطنت سوردی (محرره) عدلدر عالمی معمور ایدن * ظاهر و باطنی پر نور ایدن * عدله بولدی بودنیار و نوقی * عدله راضی اولور حضرت حق * عدلدر باعث عز و رفعت * عدله اولدی بقاء دولت * عدلدر یشنه حکام سلف * عدلدر باعث عنوان شرف * عدل و داد ایله اولور ذکر جیل * آنکه بولور قدر جلیل (فصل رابع در احوال اتابک قطب الدین طغرل بن سنقر) عیسی اوغلی تکه نیک برینه کجوب کامل و محب اهل کمال ایدی * سابقا پدری زمانده خروج ایدوب پهلوان محمد بوکادی مرارا هجوم و جنگ ایدوب عاقبت طغرلی طوقوب اصطخر شهرنده حبس ایدوب بعده کوزلرینه قیزش میل کجوب بعده افق و جهله قتل ایدی * بعض کتیده طغرل املاذکر اولغیوب غالباً تکه بن زنکی زمانده بشقه بر ولایت پادشاهی ایمن کبی زیراتکه برینه برادری سعد بن زنکی کجودکی محقق و متفقدر والله اعلم (فصل خامس در احوال اتابک مظفر الدین سعد بن زنکی) برادری تکه برینه یکمشد در خلافت و عدالت و شجاعت و شهامتده و فصاحت و بلاغتده مشتهر و ماهر و ذکر جمیلی السنه ناسده ماتد مثل سائر اربادی * کرمان و اصفهان و الوب خلقتک اشراف شیرازده کو چوردی دایماً اطرافنده کی ملوک و حکامه عسکر کجوب منصور و مظفر اولوردی * نظام التوار یخنده سلطان محمد خوارزمشاه بونک اوستنه بیحد عسکرله کلوب بودخی همان ییک نفر ایله میدان کیروب وافر کسسه قیرو بکن آتی سور چکین طویلوب خوارزمشاه بونک شجاعتنه محبة انجتمیوب بعض شروطله صلح اولوب سعد شیرازه دوند کده بوارا قده اوغلی ابو بکر اتفاق اعیانله تخته یکمکین سعد ایله جنگ ایدوب اعیان سعدی کجه ایله خفیه شهره قویوب اوغلی بغلیوب قلعه ده حبس ایدی دینوب * لکن تاریخ میرخوانده مذکوردر که اتابک سعد غایت شجاع اولوب همان یدییوز عدد کزیده عسکر ایله مالک عراقی ایلدیلری حدودنه وارد قده خوارزمشاه محمد بغدادی المغه عسکر بیحد ولایه ایله کیدرکن ایشیدوب دونوب کلوب مزبور سعد ماتد رعد میدان آت صالوب اوکنه کلتری طاعیدوب ات اوستندن بعضلری قلوب بره چالوب محمد بونک شجاعتنه حیران اولدی * بعده سعد آتی سور چوب طویلوب محمد بوکا رعایتلری و ییله هجرت ایدوب بعده سعد کزینی محمد اوغلی جلال الدینیه و یرمک و اصطخر و سه کتیده قلعه لرینی و یرمک و هر ییل چله ولایتیک ثلث محصولی کوند رملک عهده کتیکه اجازت الوب محمد بوکا خلعت شاهانه کیدر و شیراز وارد قده ماینده فرصت بولدی * تخته یکن اوغلی ابو بکر فارش کلوب پدرینه قلع صالوب سعد کفتانی قان اولغین کسمیوب سعدانی کز ایله بیقوب باغایوب اصطخر شهرنه حبسه کوندروب

کندوبی شیراز و واروب اسکی تخته کجوب خوارزمشاه ایدوکی وعده لرینه وفایتدی بعده شیراز بر عظیم حصار و شهر ایچنده دخی بعض خیرات بنا ایدوب التیوز اوچده وفات ایدوب سلطنتی اون طوقوز ییل ایدی (فصل سادس در احوال اتابک مظفر الدین ابو بکر بن سعد بن زنکی) سابقا کراولندیقی اوزره پدری بونی حبس ایشیدی * بعده سلطان محمد خوارزمشاه هندستاندن کورکن بونی حبسدن چیقاروب بعده پدری حالت نرعه ایکن برینه کجودی * تاریخ ابن شحنة ده التیوز بیکری برده سلطان غیاث الدین تاتار شاه بونی رفع و مملکتلری ضبط ایدوب بر ییلد نصرکه تاتارک برادری جلال الدین خوارزمشاه هنددن کورکن بونی اولکی برینه کجوردی دینوب * کاستانده شیخ سعدی باز دینی حکایت پر شکایت بوقصه به اشارتدر که بودر (نظم) ندانی که من در اقالیم غربت * حراروز کاری بکردم در زکی * برون رفتم از تنک ترکان چودیدم * جهان درهم افتاده چون موی زکی * همه آدمی زاده بودند لیکن * چو کرکان بخونخوارکی تیز چنکی * چوباز آدمم * کشور آسوده دیدم * بلشکان رها کرده خوی پلنکی * درون مردی چون ملک نیک محضر * برون لشکری چون هر بران چنکی * چنان بود در عهد اول که دیدم * جهان پر ز آشوب و تشویش و تنگی * چنین شد در ایام سلطان عادل * اتابک ابو بکر سعد بن زنکی (نثر) مر ویدر که اهل خیرات صاحب حسنات اولوب اطراف واکفاده نیجه مساجد و جوامع و ابنیه کثیره المنافع باعشد در باب عدل و دیانتده دخی حد نهانده اولوب مزبور شیخ سعدی کستان و بوستانی بونک نامنه یازوب دیباچه بوستانده قرقدن زیاده ایاتله مدح و ثناء خیرده عالیتشدر که بر قاجی بودر (نظم) سرافراز دین پروردادر * نیامد چوب بیکر بعد از عمر * سر سرفرازان و تاج مهان * بدوران عدلش بنار دجهان * کاهکوشه بر آسمان برین * هنوز از تواضع سرش بر زمین * برون بینم اوصاف شه از حساب * نکند در دین تن میدان کباب * در ایام عدل نوای شهریار * ندارد شکایت کس از روزگار * جهانت بکام و وفات یار باد * جهان آفرینت نکهدار باد * بلند اخترت عالم افروخته * زوال اختر دشتت سوخته * درونت بنایید حق شاد باد * دل و دین و اقلیت آباد باد * همیت بس از کرد کار مجید * که توفیق خیرت بود بر مزید * جهان آفرین بر توجرت کاد * ذکر هر چه گویم فسوسنت و باد * (نثر) تاریخ میرخوانده مذکوردر که اتابک ابو بکر سداد نهاد پاک اعتقاد عادل و مدبر کامل و اهل بر اولوب هندده بعض بلادده خطبه ده یاد اولوردی * صدای علوشان و همومکانی شرفدن غربه واصل و عرب و عجم و ترک و تاجیکده نام نیک حاصل ایدوب امر لری او ستنده طغرای الله بس کلامی ایدی ولایت فارس ایکیوز بیلدنبور ملوک و امرای دیلمیه و سلجوقیه محارباتیله خرابه مشرفکن بونک ین دولت و حسن معدنیه همجوعروس فواسته آراسته و پیراسته اولوب اطراف واکفادن علما و صلحا و سائر اشراف کلوب تخته کاه معدنیه ها هنده ساکن و بونک محبت و دعاسنه راکن ایدیلر مساجد و معابد و دارالشفایه ایدوب هر وجهله رعایت علما و صلحا ایدردی * شرب خمر مباشرت ایتوب لکن محبت و عشرت اوزره ایدی دور بین و دوراندیش و اهل عزم و خرم و تفتیش اولوب سلطنته متعلق جزئیات امور التبه کندوبه عرض اولغین صدور ایتمزدی * ذکی و لایب و مدبره صیب اولغین چنکیز فتنه کار عالمی کشت و کذا را ایتد کده ابو بکر دفع شر اهل مکر ایچون (ع) و قبل یدلا لانتطیع لقطعه ها * خواستجه عدوی بدرا ایله برای مدارا اوغلی تهمتی عظیم هدایا ایله کوندروب بعده کاه اوغلارندن کاه برادرزاده لرندن بر بسمیلهر ییل چنکیز جنگ انکیزه اونوز ییک فلوری کوندروب کفار حقیق بالصفع شر لری بو جهله دفع ایدردی * بعده هلاکو بن چنکیز هر نه ولایتی فتح ایتسه ابو بکر اکامدارا ایچون بعض اولادی تهمة کوندروب هلاکو بغداده کتد کده اتابک اوغلی سعدی معاونت ایچون وافر عسکرله ییله کوندردی عاقبت (نظم) عاقبت کار بودر هر کسه * باد فایر و جوانه اسه * مفهومیجه مزبور اتابک التیوز الی سکرده یتیم باشنده وفات ایدوب سلطنتی اونوز بش ییل ایدی (فصل سابع در احوال اتابک عضد الدین سعد بن ابی بکر بن سعد) هلاکو ایلد بغداددن کلوب نور شهرنده خسته اولد قده پدرینک وفاتی و خلقت بوکا بیعتلری خبری کلوب بر قاج کوند نصرکه (نظم) الموت لایق فی احدا * لا والد اولاد * لا

معه و منجه بود و خلی و فات ایدوب بخانه سی شیرازه کتور یلوب دفن اولندی * پدر و پسر و فانیلینک ارده می
همان اون ایکی * کون ایدی دیشلر (فصل ثامن در احوال انابک مظفر الدین محمد بن سعد) پدری
و فاته نصکره بونی تخته کچوردیلر * لکن اوغلا بنج اولغین سلطنتی والدیه سی بی تر کان خاتون سوردی ایکی
بیلی ایدی آید نصکره میرای طامندن دوشوب و فات ایدی (فصل ناسع در احوال انابک مظفر الدین محمد شاه
ابن سافرشاه بن سعد بن زینکی) شجیع و دلیر و سخاوت بی نظیر ایدی تر کان خاتون قیزی نکا حلقه شد روز و شب
عیش و نوش و طرب و شوق شغب ایدوب خصوصاً سابقاً بی باک اولغین التیوز التمش برده بونی تر کان
خاتون معرفیه کند و بکری طوبه هلاکویه ایدوب برادر سیلجوق شاه پادشاه اولدی محمد سلطنتی
همان سکرز آیدی (فصل عاشر در احوال انابک مظفر الدین سلجوق شاه بن سافرشاه) خوب صورت
و صاحب شجاعت ایدی محمد بیوک برادر سیلجوق و والدیه سی طرفندن ملوک سلجوقیه نسلندن ایدی
اصطخر قلعه سنده محبوس ایکن قاجوب انده عسکر جمع اولوب شیرازده برادر سیلجوقیه کچوب سبب فساد
اولان بعض بکری قتل ایدوب تر کان خاتون غایده حسنا اولغین آتی نکا حلقه سی * غایت ظالم و باده نوش
اولغین بش آید نصکره مست و لایعقل ایکن تر کان مسکینه نک باشن کس دروب طبق ایل مجله کتورد کارنده
تر کانک قولاغنده اولان دریتی کند و ایلده چکوب قولاغیلده بیله قو باروب سازنده بهانی و یردی بعده
هلاکونک صوباشی و نیجه کسینه لری بی کاه قتل ایتمکین التیوز التمش ایکیده هلاکون عسکر کاوب
سلجوق شاه کازرون شهرینه قاجوب تاتارلر یتشوب جنگ اولوب سلجوق شاه سی جامعه طوب
قلعه یاتده قتل ایدیلر (فصل حادی عشر در احوال انابک مظفر الدین اشبش بنت سعد بن ابی بکر) ملوک
سلجوق یاندن ایش خاتونله همشیره سندن غیری کسینه قالیوب اشبش هلاکونک اوغلی تیمور و غنی نکا حلقه
اولغین سلجوق شاه یرینه بونی تخته کچوردیلر بکری بیل یا اون الی بیل سلطنت سوردوب التیوز
سکسان ایکیده تبریزه و فات ایدوب ملوک انابکیه و سلجوقیه نک آخری بو ایدی بونلرد نصکره بلاد ولایت
فارسی هلاکونک اولادی ضبط ایدیلر (نظم) کین رفته اند و کین آمده * بجای همایان آمده * سنا الله
فی الذین خلوا من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا (باب خامس عشر در احوال ابویه) بو طائفه اون نفر
اولوب ایچلرندن بریمی خاتون ایدی * اول ظهورلری بشیوز التمش بدیده یاسکرده و مدت سلطنتی
سکسان بیل و تخت کاهلری مصر دارالنصر ایدی * اشبو طائفه بیچده کسینه اولوب و جله سی علما و شعرا
و عتلا اولوب اکثری عدالت اوزره ایدی * زمان واحدده کچی مصره کچی شامه و کچی حلبه کچی
بعض بلاد عریه پادشاهلر اولوب هر برینک و اولادلر نک اسامی و احوالرینک ذکر تفصیل عظیمه محتاج
اولغین اشبو کنگده همان ترتیلده مصره سلطان اولنلری یاز یلوب سائرلرینک اکثری دخی مناسبت اقتضاسیلده
جایجا یازلدی (فصل اول در احوال سلطان ملک صلاح الدین یوسف بن ایوب بن ثادی) هر و یدرکه
من بوشادی اگر اددن اولوب اوغلاری ابوبله شیرکوه بغدادده ملوک سلجوقیه دن برینک شخصه سی هر روزه
خدمت ایدوب اودخی بونلری بغدادده تکریت قلعه سنک مستحق نظرندن ایدی * بعده شیرکوه قتل
نفس ایتمکین هر روز بونلری ردایتده کیده کیدوب سلطان عماد الدین انابک زینکی به خدمت کار اولوب ایکسی
دخی برار و کار کار اولغین عماد الدین نورالدین سلطاننده هر بری دولته ایرشوب ملوک فاطمیه آخری
عاضد الدین الله فصلنده تفصیل اولدیغی اوزره شیرکوهله ابوب اوغلی من بوش صلاح الدین نور الدین طرفندن
عسکرله مصره ایکی کره واروب کاوب شیرکوه و فاتهده صلاح الدین عاضده مصرده وزیر اولوب بشیوز
التمش بیدی محرمنده عاضد و فات ایدوده صلاح الدین تخته کچوب لکن خطبه بی بغداد خلیفه سی
مستضی نور الله نامنه اوقیوب خلیفه به خبر کوندره کین * اولدخی بوکا سلطنته اجازت نامه ایلد خلعتلر
کوندردی * التمش طقوزده صلاح الدین برادر سی نوران شاه سی عظیم عسکرله یمنه کوندروب یمنه صلاح
الدین شامه واروب انده برادر سی سیف الاسلامی قویوب کندو حمایه و حصه واروب ضبط ایدوب
بعده حلبه واروب ملک اسماعیل ابن سلطان نورالدین محاصره ایدوب حصه فرنک کلدو کئی ایشتمکین دونوب
واروب بعده بلکی الوبعده اسماعیل عسکر جمع ایدوب صلاح الدین اوستنه واروب محکم صواشوب صینوب

صینوب صلاح الدین انک اوزر یمنه دوشوب حلبه تکرار محاصره ایدوب بعده صلح اولوب شام صلاحه حلب
اسماعیل مقرر قلعتین صلاح الدین حلبدن کندی * یمش برده صلاح کلوب منج و عزاز شهرلرین الوبع
تکرار حلبه کلوب بعده محاصره اسماعیل ایلده صلح اولوب سلطان نور الدینک برکو چن قیزی صلاحه
کتورد کارنده اوخشا یوب وافر مال و یروب نه ایسترن دیوب عزاز قلعه سن دید کیده صلاح افی باغشلیوب
مصره کیدوب یولده مسیاف شهرینک خلعتی اسماعیلده دید کیری طائفه دن اولغین اکثری قتل و شهرینی
خراب ایدوب مصره واردده شهرینک اطرافنی احاطه ایتمکچون دوری بکری طقوز بیک ذراع حصار
و برکو چن طاغ اوستنده ایچ قلعه و میرای و شهرده بردار الشفا و امام شافعی منارنده بر مدرسه یابد رعه
باشلیوب من بوش قلعه چاق و فاتهده دل با یلوردی * یمش اوچده اب دریای شامده سابقه فرنگلر مسلمانلردن
الدقلری قلعه لری آلمغه عسکر ایل کیدوب واردده عسکر غارت و غنیمته طاعه قلعه کفار هجوم ایتمکین
صلاح مصره قاجوب یولده صومرا قدن چوق طوار قیرلوب طاعلان عسکر کیری کفار اسیر ایدی *
یمش التیده صلاح ولایت رومه سفرایدوب بعده منصور و مظفر مصره کلدی * یمش سکرزده شامه
واروب مصرده برادر سی ملک عادلی قویوب کندو سی غزیه توجه ایدوب بعده و فاتهده دل مصره واروق
میسر اولیوب ولایت شامده فرنگدن وافر قلعه لری الوبع بعده دیار بکره واروب رهارقه خابور نصیبین
سجبار شهرلرین الوبع موصلی دخی محاصره ایدوب لکن آمدین دونوب یمش طقوزده قره آمدی محاصره ایلده
الوب نورالدین محمد و یروب بعده حلبه کلوب بعده محاصره پادشاهی عماد الدین زینکی نایبک الدین
الوب اکا سجبار نصیبین و خابور ورقه بی و یروب هر لازم اولدجه عسکر ایلده کلوب صلاحه معاونت ایده
دیوب صلح اولغین صلاح عمادی عظیم ضیافت ایدوب بعده غزیه کیدوب بعده برادر سی ملک عادله حلبی
برادر زاده سی ملک مظفر مصری و یروب کندو اوغلی ملک ظاهری شامده قویوب سکسان برده یمنه موصله
واروب محاصره ایدوب لکن آمدین کیدوب میافارقین شهرینی الوبع بعده تکرار کلوب انک پادشاهی انابک
عزال دینک مملکتلرنده سک و خطبه صلاح حاکم اسمنه اولق اوزره صلح اولوب شامه کندی * بعده اوغلی ملک افضله
شامی اوغلی ملک عزیزله کندو برادر سی ملک عادله مصری نیایه و یردی * سکسان اوچده کرک شهرینه
غزا ایدوب اوغلی افضلی شهر عکایی غارت کوندروب اودخی واروب وافر غنیمت کتوردوب بعده صلاح
الدین طبریه شهرینی کفارندن قله قلع ایدوب بعده بلاد شامیه ده اولان فرنگلر جمع اولوب صلاحه عظیم
صواشوب بعده صلاح الدین قدس شریقی و نیجه بلاد شامیه بی کفار الدین فتح و ایچلرنده اولنلری قتل
واسیر ایدوب قدسه اولان کفارندن هر براردن اون هر عورتدن بش هر اوغلا نجه قدن ایکی التون الوبع
آزاد ایدوب قدسی طهیر و تعمیر و اقامت مراسم دینله تویر ایدوب تکیه لر خانلر مدرسه لری یابوب بعده
ولایت شامده کفار الدین وافر شهرلر دخی الدی * بشیوز سکسان بشده فرنک عظیم جمعیتله کلوب عکایی
محاصره ایدوب صلاح الدین ایکی کره کلوب عظیم صواشوب کندی * عاقبت کفار عکایی امانله الوبع لکن
حصاردن چیقانلری قتل واسیر ایدوب قیصریه به کیدوب انده محکم صواشوب مسلمانلری صویوب یفا
شهرینی الوبع صلاح کفار خوفندن غزه بی ورده بی بیقه و قدسه واروب افی تحصین و بناسن تحسین ایدی *
سکسان سکرزده کفار ایلده اوج بیل و اوج آیه دلک صلح اولدیلر (وفات) بشیوز سکسان طقوز صفری
اوخرنده صلاح ذوالفلاح دمشق شامده الی ایدی یاشنده وفات ایدوب میتنی متن تلخیص مؤلفی خطیب
دمشقی یویوب هر نیمه خوان اولوب خلق اغلاشوب عظیم ماتم و اظهار غم مدغم ایدیلر * مصرده و شامده
جمله مدت سلطنتی بکری ایکی بیل ایکی آی اولوب اونیدی نفر اوغلی و بر قیزی قالدی (مناقب) هر و یدرکه
و فاتهده جمله خزینه سنده همان بردانه التون و اووز الی باقر قیزی ایچمه سی بونلر اصلا عسکر قسمندن
برسنه سی بوغیدی نه چک آتارنده دخی مالکی اولیوب کچی باغشلا غش کچی وعده اولغشیدی شهر عکا
چایرنده قوش ایکن بر کونده اون ایکی بیک آت باغشلا مش ایدی شافعی مذهب زاهد مشرب اولوب اصلا
بروقت نمازی و قنندنا خیرا یمشوب دائماً جماعته قیلردی فتوحاتی بی حد خیراتی و عطیاتی لاتعد خوب خلعت
عدل سیرت بالزبان اهل عقو و احسان سلطان عظیم الشان ایدی * بلاد اسلامیه دن کفار فرنک الدقلری *

التش عدد شهرى فتح وضبط ايدوب مصر وشام و حلب و قدس و حرمين و حرمين و عین و بعض بلاد مغربه
مالک او لشدى * شجاع و قوى القلب اولمغين بر کره بشيوز بیک کافر عسکريله جنک ايشدى معمر اولسه ممالک
شرق و غربى مسخر ايتک مقرر ايدى قاضى فاضل آدلو بر وزیرى عالم و فاضل و عباد کاتب آدلو بر کاتب منشى
و کمالى و ارايد بیکه دنيا به برکن قبه للردن ايدى و ذکر جيلارى السنه ناسده دوار ايدى * رحمة الله عليهم
اجمعين (فصل ثانی در احوال ملک عزير عثمان بن الملك صلاح الدين) مر ويدر که صلاح وفات ايتد کده
بيول اوغلى ملک افضل نور الدين على شامه ايتکني اوغلى ملک عزير عثمان مصره * اوچني اوغلى ملک ظاهر
غياث الدين غازى حلبه * بر اوغلى ملک زاهر خضر شامده بصري ديد کاري حوران شهرينه * بر اوغلى ملک
زاهد اود بیره * برادري ملک عادل سيف الدين ابو بکر کرک و شوبک و بعض شهرله * عمر نام برادري ملک اوغلى
ملك منصور ناصر الدين محمد جاس و سلميه و معره و منبج و قلعه نجه * ملک امجد بهرام شاه بن فرخ شاه
ابن شاه شاه بن ايو بعلبکه * عيسى اوغلى ملک امجد شير * و بن محمد حص و رحبه و تدمره
مستقلا بادشاه اولد * بشيوز طقسانده عزير افضله انجشوب کلوب شامده محاصره ايدوب
افضل دخی عادل و منصور و ظاهري چاغردوب کادکرنده ارارین صلح ايدوب عزير مصره کتدی *
بعده افضل دخی و خورده باشليوب بعد زمان توبه و نمازه مداومت ايدوب کند و خطيله بر مصحف شريف
يازدي طقسان برده عزير شامه عزير ايتکني بولدن دونوب افضل ايتد کده عيسى عدله مصره کيدوب
عزير لوز برى قاضى فاضل قارشوليوب صلح ايدوب افضل شامه عادل صلح ايله مصره کيدوب ترک دنيا
ايتدی * طقسان ايتکيده افضلک وزیرى ظلمی حددن آشر دقده عزير عدله شامه واروب عادلی انده
قويوب کند و مصره دونوب افضل صلحد شهرينه کتدی * طقسان بشده شامده براعى بن عيسايم
ديود عوى و نيجه سفهالي اغوا و ضلالت اغرا ايدوب عاقبت صلب اولندی * مر ويدر که ملک عزير
پدرى کبی کریم و عادل شقيق و بالذل صالح و متدين و سلطنته لياقتی متعين اولوب بشيوز طقسان بشده
وفات ايدوب سلطنتی بش بيل اون آي ايدى (فصل ثالث در احوال ملک منصور محمد بن الملك عزير عثمان)
پدرى وفاتده طقوز باشده تخته کچور لمکين عيسى ملک افضل مصره کلوب بوکا و وزير و اتابک
اولوب بعده افضل عادلک مازدين فتحه کتد و کن ايشدوب شامه کلوب عادل دخی ايشيدوب
افضلدن اول کلوب افضل حلبده اولان ملک ظاهري چاغردوب اتفاقله شامى محاصره ايدوب المغه
بقلاشد قده ظاهرک بر محبوبى ايارديلوب عادل ظاهره اوغلانکی افضل آيردوب فلان کسنه نک ياتده
امانت قودى ديوب ظاهر محبوبى اوکسنه ده بولد قده افضله انجشوب حلبه کيدوب عادل شهردن
چيقوب افضل مصره قاجوب عادل انک آردنجه واروب افضل شهردن عسکرله چيقوب عادله
صواشوب صينوب شهره قاجوب عادل مصره کيروب افضل برينه وزير و اتابک اولوب افضل سابقا
مسکني اولان صرخد شهرينه کيدوب بعد زمان عادل محمدی سلطنتدن رفع ايدوب برينه کند و کچوب
بشيوز طقسان يديده محمدی جله توبعيله حلبه سوروب محمدی مصره سلطنتی جله بر بيل وایکي آي ايدى
(فصل رابع در احوال ملک عادل سيف الدين ابو بکر بن ايو ب) که ملک صلاح الدينک برادر پدر
مزبور سيف اديب و اريب و لييب و مصيب * فنون کالاته صاحب نصيب ايدى * مقدمه مصره
عزم ايتد کده شامى اوغلى ملک معظم عيسايه و يروب بعد زمان مصره محمدی رفع ايدوب برينه کيدکده
برادرزاده مى حلب سلطانی ملک ظاهر سابقا افضله شامده بون محاصره ايتد و کتده عذرنامه کوندر يروب
صلح اولوب حلبده سک و خطبه بي عادل نامته ايتدی * بشيوز طقسان ايتده مصره نيل آرزاشوب
ايکي بيله دلک عظيم خط اولوب قرا و اهل قرا قبولدن موقی چيقاروب غذا ايد نورلردى آجلقدن
بيجد آدم هلالک اولوب بوانلارده مصر و شامده عظيم زلزله لردنى اولدى * طقسان يديده ملک ظاهر
حلبدن کلوب شامى محاصره ايدوب افضل دخی صرخدن بونک ياتده کلوب ظاهره شامى افضله و يروب
کند و مصره واروب تخته کچمک نيت ايتد و کنى مصره عادل ايشيدوب قدسه قريب نابلسه کلوب
طوروب شام الفی اوزره ايکن ظاهر افضله حسد ايدوب شام بنم مصر سنک اولسون ديوب افضل

رضا و يرمد کده طقسان محرمنده ظاهر حلبه افضل حصه کتديله * التيوزده مصر و شام و جزيره
قبرس و ممالک روم و عراقده محکم زلزله اولوب صور شهرى ويران اولوب حورانده برقریه بره کيدى
عادل حال حياتده مصرى اوغلى ملک کامله و يروب کند و مى شامده قرار ايدوب بغداد خليفه مى
ناصر بالله شيخ شهاب الدين سهروردی حضر تليله بوکا و اولادنه سلطنته اجازت نامه کوندردى * التيوز
درتده ولايت ارمنده اخلاط شهرنى و توباعنى عادلک اوغلى ملک اوحد نجم الدين ضبط ايدوب التيوز يديده
اوحد وفات ايدوب مملکت لرنى بعض بلاد شرق سلطانی اولان برادري ملک اشرف موسى ضبط ايتدی *
التيوز طقوزده ملک عادل صفيه آدلو قیزی حلب پادشاهى ملک ظاهره و يروب اللی بیک فلورى مهرله
نکاح اولوب عروس صاحبه الناموسى شامدن حلبه کوندر يروب ظاهره عسکر فراوانله قارشوليوب
شهره کتوردى * التيوز اون درتده ملک عادل غزاده ايکن یتیم درت ياشدده وفات ايدوب مدت سلطنتی
قرق ايکي بيل اولوب بکرمى اوچي شامده بعده اون طقوزى مصر ايله شامده ايدى * اون الی نفر اوغلى و بر قاج
قیزلى قالوب ايجلرندن ملک معظم عيسى ياشده بولمغين شامه سلطان اولدى (فصل خامس در احوال
ملك کامل محمد بن ملک عادل ابو بکر) عالم و کامل ماهر و فاضل اولوب علمایه رعايت و احسان و علم فقه
و تحوون مسائل مشکله ده بخبر و امتحانلر ايدوب کند و بالذات طلبه رقيه المرتبه به درس و پروردی
مصرده اون بر بيل پدر بیک قائمه قاضی اولوب انک وفاتده پادشاه اولدى * التيوز اون درتده حلبده ملک
ظاهر بن ملک صلاح الدين وفات ايدوب بيولک اوغلى ملک صالح و ارايکن ايکي ياشدده کی اوغلى ملک عزيرى
وصيتی اوزره تخته کچورد يله ظاهرک مدت سلطنتی او توب بر بيل ايدى * ايشو سنه ده کفار فرنگ مصرده دمياط
شهرنى المغين ملک کامل کفار خوفندن اب نيله بر شهر و قلعه بايو ب آدى منصوره قويوب عسکريله انده
ساکن اولدى ينه بويل شام سلطانی ملک معظم کفار خوفندن قدس شريف حصار بن بيقوب خلعتی
قاجوردی ينه بويل جمع ممالک اسلاميه بي بر طرفدن فرنگ بی امان و بر طرفدن چنگيز بی ايمان الان و تالان
ايتکله زمره مسلمانان حيران و سرگردان اولد يله ذلک تقدير العزير العالم * ينه بويل حما سلطانی ملک
منصور محمد بن ملک مظفر عزير بن شهنشاه بن ايو ب وفات ايدوب برينه اوغلى ملک ناصر قلیج ارسلان کيدى
مزبور محمد شجاع و عالم کامل ايدى * ايکيوز مقدارى فقيه و نحوى منلايله دائما مصاحبت ايدوب
بر قاج کتاب تأليف ايتشدی * التيوز اون سکزده منصوره شهرينه وافر کافر فافر کلوب چنگه باشلوب
کامل دخی شامدن ملک معظمى شرفدن ملک اشرفى حسان ملک ناصري بعلبکدن ملک امجدی حصدن
ملك مجاهدی اقرباى اولمغين معاونه چاغردوب کادکرنده حرب مشتد و ضرب ممتد اولوب مسلمانلر
قدسى و نيجه شهرلى و بر مک شريطه صلح اولمق ائناسنده ايکن بعض مسلمانلر کفار اوسفنه نيل ايرماغنى
صاليو يروب ا ککرى بوغلوب بر مضعون (وتلك الايام نداولها بين الناس) صورت قضيه انعکاس
بولوب بوکره کافر صلح ايتسيوب کامل اوج بيلدن برون متصل چنگدن اوصافمغين بر قاج بکارين رهن الوب
کند و دخی اوغلى ملک صالحی انلره رهن و يروب دمياطى مسلمانلر آلدی * اون طقوزده عین سلطانی
ملك مسعود ايو بی مکة مکرمه به کلوب حاکمکنى شريفقارالندن الوب يدى بيل مجاور اولدى * بکرمى
ايکيده ملک معظم عيسى قرق طقوز ياشدده شامده وفات ايدوب سلطنتی طقوز بيل ايدى حاکم قوی و نبیه
ووقی و عالم و نحوى و فقيه حنفی اولوب محبوب القلوب مسلوب العيوب ايدى قدسه زیارته کلوب کتد کده
کار علما دن برى عيسايه بوقطعه بر صناعه بي يازوب کوندر مشد بکده بودر (نظم) غبت عن القدس فاوحشته
لما غدا باسک ما نوسا * و کيف لا يلحقه وحشة * وانت روح القدس يا عيسى (نثر) مزبور ملک
عيسانک برينه اوغلى ملک ناصر اود کچوب بعده ملک کامل امريله کاملک برادري ملک اشرف کلوب شامى
داودک لندن الوب و انک برينه کرک بلقاشوبک عزاز شهرلرین داوده و يروب کند و ضبطنده اولان بعض
بلاد شرقيه بي ملک کامله و پردی * بکرمى التيده ملک کامل قدسى فرنگله مسلمانلر معاضط ايتک اوزره
بالضروه صلح اولمغين اون بر بيل مشترک اولد يله ايشو سنه ده ملک مسعود مکده بکرمى الی ياشدده وفات
ايدوب سکز ياشدده اوغلى يوسف يمه پادشاه اولوب مسعودک سلطنتی اون درت بيل ايدى * ينه بکرمى التيده

باید بده ملک کامل جاسطانی ملک ناصر عزلی ایدوب برین انک برادری ملک مظفره و پردی اشبوسنه ده ملک
 امجدی ملک اشرف بعلبکده محاصره ایدوب بعده چیه قارلده قده شامه سور یلوب انده ایکن سابقه صاحب
 ایدوب کی بر قول امجدی شطرنج اوینار کن علی الغفله قله اوروب وفات ایکن شامه دفن اولندی
 بعلبکده قرق طقوز بیل پادشاه اولوب بنی ایدوبه یوله ماهر شاعر کلامشدر * یکریمی طقوزده ملک کامل
 آمدی ونصیبین و حصن کیفانی حاکم ظالم النذن الوب کند و اوغلی ملک صالح ایدوبه و پردی او قوزده
 سلطان حلب ملک عزیز شیز شهرین الدی * او قوزایکیده بیره سلطانی ملک ظاهر بن ملک صلاح الدین
 وفات ایدوب * او قوز درنده سلطان حلب ملک عزیز یکریمی اوچ باشنده وفات ایدوب ایدوب باشنده اوغلی ملک
 ناصر برینه کچوب پدرینک والده می مدبره امور اولدی * او قوز باشنده ملک اشرف شامه التمش باشنده وفات
 ایدوب برینه برادری ملک صالح اسماعیل کچوب اشرفک سلطنتی سکن بیل و بر قاج آی اولوب اهل کرم و مبارک
 قدم ایدوب سلطان مصر ملک کامل ایشد کده شامه کلوب محاصره ایدوب بعلبک و بلقا و حوران شهرلری
 صالحه و یروب شامی کامل ضبط ایدوب ینه بوسنه ده کامل شامه التمش باشنده وفات ایدوب مصر
 و شامه جله سلطنتی یکریمی بیل ایدوب شام تختنه ملک جواد یونس بن مودود بن ملک عادل اول مصر
 تختنه ملک عادل ثانی ابن ملک کامل یکریمی (فصل سادس در احوال ملک عادل ابوبکر ثانی ابن ملک کامل)
 پردی بونی مصرده قویوب التیوز او قوز بشده شامه وفات ایدوب مصر تختنه یکریمی * او قوز التیده
 برادری ملک صالحه ملک جواد رضاسیله شام سلطنتی و یروب شام بدلی جواده سنجار رقه عانه شهرلری
 و پردی * او قوز بدیده صالح مصره عسکر چکوب بعلبکدن ملک اسماعیل حصندن ملک مجاهد کلوب
 اسماعیل شامه تختنه کچوب صالح ایشد کده عسکری طاعلوب ناراسه واروب کرک سلطانی ملک
 ناصر صالحی طوقوب بعده عالی یروب ناصر صالحه قده واروب کفار النذن الوب باید قاری قلعه بی
 یقوب مصر صالحک شام وغیری ناصرک اولق اوزره عهداشوب اتفاقه مصره کیدوب مصردن ملک
 عادل عسکر یله چیقوب آردلرندن ملک اسماعیل دخی شامدن عسکرله کلوب صالح و ناصرک بر وجه
 جزم و بت حسب حاللری حیرت و کربت و مامدق (ضاقه علیهم الارض بما رحبت) اولد قده (الامر
 اذا جاوز حده انعکس ضده) مفهومیجه ملک عادل کند و قوللری طوقوب حبس اولوب صالح و ناصر
 منصور شوکت و سرور ایدوب مصره کیروب صالح تختنه یکریمی * ینه بوسنه ده سلطان حصن ملک مجاهد شیرکوه
 وفات ایدوب سلطنتی الی الی بیل اولوب برینه اوغلی ملک منصور یکریمی ملک عادل سلطنتی ایکن بیل
 و اوچ آی اولوب التیوز قرق درنده حبسده وفات ایدوب سکن بیلدن و محبوبس ایدی (فصل سابع
 در احوال ملک صالح نجم الدین ابوب بن ملک کامل) مقدماذ کراولند و غی اوزره شامه سلطان ایکن مصره
 عسکر چکوب برادری ملک عادل التیوز او قوز بدیده قوللری حبس ایدوب مصره کیروب تختنه
 یکریمی * او قوز سکنده شام سلطانی ملک اسماعیل صالح خوفندن صفد و شقیق و عسقلان و طبریه شهرلری
 فرنگه و یروب قده دخی مسلط ایدوب اهل اسلام برغم و آلام اولدیلر * بر بیلدن مصره صالح شامه عسکر
 کوندروب اسماعیل دخی چنکه عسکر کوندروب فرنگلر اسماعیله معاونه کلوب فرنگ و اهل شام چیقوب
 صیوب طاعلوب بعده صالح غزه و رمله و ساحل بحر شام شهرلری الوب بعده شامی المغه عسکر کوندروب
 بر بیل محاصره دکنکره الوب اسماعیل حلبه قاجدی زمان محاصره ده صالحک اوغلی ملک مغیث عمر اسماعیلک
 حبسده وفات ایدوب * قرق ایکنده جاسطانی ملک مظفر بنی الدین بن محمود بن محمد بن عمر بن شاهنشاه بن ابوب
 قرق اوچ باشنده وفات ایدوب سلطنتی اون بش بیل ویدی آی اولوب شعیب و ذکی و محب علما ایدی برینه اون
 باشنده اوغلی ملک منصور محمد یکریمی * و اشبوسنه ده ینه ملوک ابو ینه دن میافارقین سلطانی ملک شهاب الدین
 وفات ایدوب برینه اوغلی ملک کامل یکریمی * قرق درنده حصن سلطانی ملک منصور ابراهیم وفات ایدوب
 برینه اوغلی ملک اشرف یکریمی * قرق بشده مسلمان عسقلان و طبریه بی فرنگ النذن فتح ایدوب * قرق
 التیده حلب سلطانی ملک ناصر حصنه اشرفی محاصره ایدوب حصی الدروب تل باشر شهر بیل و پردی *
 قرق بدیده ملک صالح مصرده قرق باشنده وفات ایدوب سلطنتی طقوز بیل طقوز آی ایدی عالی همت

اهل سنت عظیم الضفت عظیم الهیبه اولوب اکثر عسکری و ملک قوللری طائفه آرا کدن ایدی مصره
 اوچ درت منزل برده شکاره وارمچون بر شهر بابو ابی صلیحه قویوب مصر شهرینک قارشوسنه
 نیل کارنده محکم حصار ایدوب روضه شهرین دخی بابو ابیچنه عسکر قویوب مصرده ایکن مدرسه یا عسکر
 (فصل ثامن در احوال ملک معظم نورانشاه بن ملک صالح ابوب) هنرور ابوبک وفاتده نورانشاهن
 غیری اوغلی قالمیوب بودخی حصن کیفاده اولمغین مصره کنبه ابوبک ام ولد ی شجر الدر عاقله و مدبره اولمغین
 درت آیه دلایبک مینتی صاقلیوب اسلوب سابق اوزره هر کون دیوان قوردروب ساطرچکدروب
 صالحک وفاتی کسبه باز ایدی نورانشاه بشیوز قرق بدی ذی القعدة می آخرنده نیل کارنده منصوره یه
 کلوب فرنگله صواشوب او قوز بیل کافر قیوب بکر فی اسیر ایدوب مصره کورکن یوله پدرینک قوللری
 انجند کده ماه محرم آخرنده شهر فارس کوره قوشیکن قلیج اوشورمکین بریاره و آواره و بیچاره اوتاغنه
 قاجوب چادره آتش اورد قزنده جان آجیدیله چیقوب کندوبی نیله اقوب لکن طوقلوب قتل اولندی
 سلطنتی همان ایکن آی ایدی (محرره) بلا می باله دکر جهانتک * النذن صد هزاران آه آنک *
 و برینه آلور و پردی کنی تبر * رک چانه اور زهر ایدوب نبتیز * نسندن خط ایدوب عاقل نسندن *
 خدا صقلایه مکر و قنه سندن (فصل ناسع در احوال شجر الدر خاقان) ملک صالحک ام ولد پدر
 اوغلی ملک معظم شهید اولد قده عسکر مصر جمع اولوب بونی سلطان ایدوب سکیمی کسلوب
 خطبه می او قنوب عزالدین ایکن ترکمانی وزیر ی اولدی * اوچ آیدنصره ایکن بونی نکاحلنوب
 تختنه کچوب بش کوندنصره ملک اشرف موسی تختنه کچوب بوارا قده حلب سلطانی ملک ناصر یوسف
 شامه کلوب اسماعیل النذن الوب ضبط ایدوب * شجر الدرک مستقلا سلطنتی همان اوچ آی ایدی
 (فصل عاشر در احوال ملک اشرف موسی بن ملک صلاح الدین یوسف بن ملک مسعود بن ملک کامل)
 پردی وجدی سابقین سلطانی ایدوب * التیوز قرق کزده مصرده تختنه کچوب سکن باشنده اولمغین
 سابقا بش کون پادشاه اولوب بعده عزالدین ایکن وزیر و تائبک و مدبر امور و سکیم و خطبه ده
 شریکی اولدی * درت بش آیدنصره حلب و شام سلطانی ملک ناصر مصره عسکر چکوب جنگ ایدوب
 ایکن عسکر دخی صیوب بعده عزالدین شام عسکرین صیوب بنی ابوبدن ملک صالح اشرف ملک معظم
 نورانشاه بن صلاح الدین و معظم برادری نصره الدین اسیر اولدیلر * سابقا شام سلطانی اولان ملک اسماعیل
 دخی قتل اولوب الی ایکنده عزالدین قوت بولوب ملک اشرفی رفع ایدوب برینه یکریمی * مصرده آخر ملوک
 ابو ینه ملک اشرف در اما ابو ینه دن شام و حلبده ملک ناصر حصنه ملک اشرف حماده ملک منصور و بعض
 بلادده بعض اقرباری دخی کیمی کند و لو کیمی کند و لو دکنصره اولاد و نسللری نیجه بیلار سلطان کامران
 اولوب لکن انلرک ترتیب اوزره اسماعیلی خصوصاً احوالری نامضبوط بلکه نامعلوم اولمغین مرقوم اولدی
 (باب سادس عشر در احوال ملوک چنگیزی) بونلر اطراف ممالک چینده طوائف تاتاردن بر قوع اولان
 مغول طائفه سندن اولمغین بونلر سلاطین مغل دخی دیرلر * اون نقر اولوب اول ظهورلری التیوز التیده
 و مدت سلطنتلری یوزا و یوز درت بیل ایدی اگر چه اکثری کفاردر لکن ایچلرندن بر قاجی اسلامه کلمکین
 خصوصاً ممالک عالمده صاحب قرانلق ایدوب شهر متعلق امور عظیمه لری صدور ایچکله اصل و فرع
 و احوالری بیلنک لازم اولمغین کتب توار یخده ملوک اسلامیه اراشده یازیلر کلمشدر (مقدمه)
 تاریخ الخلفاء سیوطیده مناسبتله مذکوردر که طائفه مغول هندستانه قریب اولمغین لغتلی هند لغتله
 مخلوط ایدی بعضی کوکسلو بعضی یوزلو کوچک کوزلو قاره بکزلو مربع الحکره در بغ البرکه خفیف الحسد
 عظیم الحسد تیز فهم نافذ السهم عظیم الوهم بی رحم و سفاک و چست و جالاک صاحب مکر و ادراک
 و غارتگری بالک اطراف ولایت چینده صحرا نشینلر اولوب قری و امصارده قرار ایچوب شقا و فساد
 و غارت و غارت بلاد و شر و ضرر و غدر و بدنه ساد که معتاد ایدیلر * احوال اکثر ام عالمه انلر واقف لکن انلرک
 احوالنه هیچ کسسه عارف اوله هنر دی زیرا ایچلرینه اجنبیدن جاسوس کیره صورت و سیرت و لباس
 وغیری حالده انلر اصلا تقلیده مجال مجال اولوب فی الحال طویلور و طو تلو ردی نه بره عزم

ایده جگر بی غایت اختفا ایتمکین بنمیب و ایستدلیوب سفره براوغردن قاقوب واره جگر بی پر اجل
 باجمل کبی خفا کلوب چتارلر و عسکر عدوی بری برینه قنارلردی اکابنازمه مسلمان نیچه سنین
 نوملایعین دین بد آیین الندن عاجز و با این اولدیله اکثر یا آلات حربلری اوقای اولوب عورتلری دخی
 ارلر کبی محکم جنگ ایدرلردی جله سی کفار اشرار اولغین کوشه طوغدینی زمانده طالوب دیناده اصلا
 برنسنه بی حرام عدا یمیب جمیع حیوانات اتن بیوب حتی نیچه لری آدم اتی برلردی سفرلرده دایما یا نلرجه
 قیون صغرات سور بلری کزدروب غیری ذخیره کورمیب طوارلری دخی ارپه بیکه معتاد اولیب همان
 ایقلرله بری قازوب نباتاتی کوکندن قورپاروب برلردی عواملری نکاحله مقید اولیب برعورتی نیچه
 لوند برکنند استمتاع ایدوب قبا مع و فضا یحیدن اصلا امتناع ایتلردی * مکار و ستمکارلر خوشخوارلر اولوب
 اقصای ماملری افنای طوائف انام اولغین ملک و ماله بقمیب رجال و نسوان و بیرو جوان اللردن
 اصلا امان بولوب بی مهل و مطل البته قتل ایدرلردی (محرره) ایتدیله دیناده چوق درلوفساد *

لغت ایده انلره حق فی المعاد (فصل اول در احوال چنکیزخان بی امان سست پیمان) ینه تاریخ الخلفاده
 مذکور در که ولایت چین اتی ایده طولاشلوب برر مستقل پادشاهلواتی عدد و اساع مملکت اولوب جله نک
 اوزر ینه خلیفه مسلمان نظیری فان دیکه ملقب بر سلطان عظیم الشان حکم ایدوب انک تختکاهی شهر طمعاج
 ایدی اتقا قاطعاً مملکت مزبور دن برینک پادشاهی دوش خانک خاقونی چنکیزلر عه سی یعنی خالسی اولغین
 دوش وفات ایتدکده چنکیز خالسی کورمکه کشلو خانله یله واروب خاقون بونلره دوش بهوشک اولادی
 قالدیغین بلدروب برینی چنکیزه تکلیف ایتمکین تختک کجوب مغول غول طبعدن وافر کافر جمع اولدقده
 خان اعظم اولان قانه هدایای شاهانه کوندردی طائفه تاتار صحرانشین اولوب ایچلرندن پادشاه اولمش
 کسنه اولماغین فان چنکیزه انجنوب کوندردیکی اتلرک قورقلرین کسوب رد ایدوب چنکیز ایتدکده
 قاقوب قانه مخالفتکده کشلو خانله عهداشوب عدد مورومار بیکد تاتار جمع و قانه عزم قع ایدوب مزبور
 فان سننه سی خفقان و دیده سی فان و علامت یرقان ایله طالوب بونلردن خوفندن (محرره) کاه عتف
 و کاه لطف ایله خبر * کوندروب ایده مدی هیچ دفع شر (نثر) عاقبت جنگ ایتدکده فان صینوب
 ممالک چین چنکیز جنگ انکیز ایله کشلوی صاحب غلواکوب کشلو خان وفات ایدوب برینه اوغلی کجوب
 بعده چنکیزانی طوبوب جمیع ممالک چینده مستقلا فان اعظم اولوب جله اهلای بلاد مانند عباد بو کامطیع
 و متقاد حتی حاشا الوهیتله اعتقاد ایدر اولدیله (خروج چنکیز) التیوزالتی سنه سنده چنکیز قننه انکیز ذروه
 یعنی و طغیان عروج و ترکستان و فرغانه ولایتلرینه خروج ایدوب التیوز اون بشه دلک اطراف ممالکده
 انواع فساد ایدوب بعده ملوک خوارزمیه دن علاء الدین محمد خوارزمشاه احوالنده تفصیل اولندیغی اوزره
 چنکیز محمد انجنوب بیکد عسکرله اوزرینه واروب برحیله ایله محمد باتدن عسکر عظیمی طاغندروب بعده
 چنکیز ایزار شهری آکوب سبب عداوت اولان محمد دایبسی جفا ایله قتل ایدوب اون النیده بخاریه کلوب
 چنکیزه چنکیز صینوب وافر عسکر قیلوب مسلمانلر غنیمته طاغند قننده کفار مستحق بارجوم هجوم
 ایتمکین مسلمانلر صینوب اکثری قیلوب محمد آخر برده اولغین ایتدکده بکری بیک عسکرله (محرره)
 زهر قهر دهرله اولوب زبون * شهر دن شهره بخاردی باغری خون (نثر) چنکیزانک اردنجه عسکر
 کوندروب اون بدیده چنکیز کندوسی کلوب ممر قند و خراسان و قزوین و همدان و سائر ممالک عجمی
 الوب تخرب بلاد و قتل و امرو انواع فساد ایدوب بعده عسکرینک بفرقه سن کرمان و غزنه و سجستان
 ستملرینه و بفرقه سن شروان و باب الاواب دیدکاری دمور قیو و دشت قیچاق ولان و لکن و طائفه روس
 و بلاد شمالیه ستملرینه کوندروب کندوسی محمد خانک اردنجه کیدوب یتشدکده محمد عسکرین صیوب
 محمد نهر چچونده برجزیره قاجوب چنکیز دونوب مازندران وری و همدان و مراغه و خراسان
 و خوارزم ولایتلرین الوب خلقن قیروب انواع فساد ایدوب اون سکرده محمدک اوغلی جلال الدین
 خوارزمشاهله سابقا غایت تفصیل اولندیغی اوزره ابتدا چنکیزلر اوغلی او قتل اولدقده چنکیز کندوسی
 مرارا صواشوب عاقبت جلای نهر ولایت سند کارنده صیوب هند ستانه قاجروب چنکیز دونوب

بغداد کلوب محاصره ایدوب بعده کندی * بکری برده سابقا شروان ستمنه کوندردی عسکر قیچاق
 و روس و ماسه و طائفه لیل و صواشوب انلری صیوب دونوب کلوب بعد الحراب مع و اورالان ری و نسواوه
 و قم و قاشان و همدان شهرلری تکرار ویران و یوم آشیان ایدوب تبریزه کاد کلزنده جلال هندستاندن
 کلبکین کفاری قارشولوب جبر و قهرله قهر و کسرا بیدی * بعده چنکیز التیوز بکری درنده کندونک
 قدیمی ولایتده وفات ایدی * لعنه الله علیه و علی امثاله (فصل ثانی در احوال هلاکوب بن قوی
 ابن چنکیزخان) بدری قوی چنکیز حیاتده سلطان جلال الدین خوارزمشاه محاربه سنده قتل اولغندی
 جدی چنکیز وفاتده تختک کجوب التیوز بکری درنده و بشده و سکرده باب ملوک خوارزمیه ده تفصیل
 اولندیغی اوزره جلال الدین خوارزمشاهله مرارا محکم جنگ ایدوب عاقبت جلالک عسکرین قیروب
 طاغدوب بکری طقوزده هلاک کو عسکر آذر بایجانیه قصد ایدوب بغداد خلیفه سی مستنصر بالله
 عسکرله اربل حاکی ملک معظم کفاری قاجروب او فوجده اربله تکرار کلوب مسلمانلر جنگ ایتد کارنده
 وافر کافر قیلوب باقیلری موصل اطرافنه واروب قتل و فساد ایدوب خلیفه بغداد قولار یازوب عسکر
 جعنه ماللر صرف ایدی * او فوج درنده تاتار اربل محاصره ایله الوب خلقنی قیروب قرق برده اخلاط
 و دیار بکرو اکثر بلاد رومی الوب قونیه ده او فوج روم پادشاهی غیاث الدین کیخسرو سلجوقی تاتاره مسخر
 و مطیع اولدی * قرق او جده تاتار بغداد ناحیه لرندن بعقبو بایه کلوب دویدار خلیفه یعنی سر عسکر
 قارشو چیقوب تاتار صینوب الی درنده هلاک کو بلاد اسلامه تکرار کلوب الموت قلعه سن ملاحده
 و امعا عیله و قهستانیه لقبیلرله مشهور اولان ملوک و جماعت اللرندن الوب انلری قیروب شهری و فواحش
 خراب ایدوب میافارقین حاکی ملک کامل هلاکویه واروب سرفروایتمکین اکامان و یروب بعده هلاک کو
 آذر بایجانیه واروب فی ضبط ایدی * الی الی اولنده یو قاروده مستعصم بالله خلیفه فصلنده عظیم تفصیل
 اولندیغی اوزره هلاک کو کندو عسکرله و کرجهستان و موصل و بعض ولایتلر عسکرله بغداد و واروب
 عسکر مسلمانله دویدار کبیر قارشو واروب تاتار قرا و لیل و صواشوب مسلمانلر غالب اولوب بعده مستعصم
 وزیری ابن علقمه هلاک کو ایله متفق اولغین انک حیلله سیه عسکر اسلامک اکثری هلاک اولوب هلاک کو ایشدوب
 کلوب بقیه عسکر اسلام واروب تکرار صواشوب لکن غایت آزاواغین صینوب هلاک کو بغدادک طشره سنه
 قونوب وز برملعونک حیلله سیه مستعصم و جله علما و ارکان و اعیان شهر هلاک کو به ملاقاته وارد قننده
 برر برر قتل اولوب بعده جله اهل بغدادی قرق کوندک قتل عام ایدوب اون سکرلر یوز بیک مسلمان
 شهید ایتدیله * الی بدیده حران ورها و دیار بکری واروب الوب الی سکرز اولنده حایه کلوب ایکی کون
 قتل عام ایدوب زفا قننده خون انسان سیل مانند سیل روان اولدی نیچه مسجدلر بیقوب ایچ قلعه بی
 امانله الوب بعده شامه واروب عاقبت امانله اتی دخی الوب شامه کندو طرفندن حاکم دیکوب بمملکت
 و قدس و نابلس و صفد و کرک و بعض شهرلری دخی قلعه فتح و ضبط ایدوب بعده دونوب حلب قرینه حارم
 شهرینک خلقنی جله قیروب حلب و حاصص قلعه لرین بیقوب ولایتنه کندی * بعده شام حاکمک
 اوستنه سلطان مصر عسکرله کلوب جنجکده کافرلر صینوب قاجوب سردارله نیچه لری قیلوب
 هلاک کو ایتدکده حلبه عسکر کوندروب شهر خلقنک اکثری قیروب بعده حلب و حاصص عسکرلری
 جمع اولوب تاتاری قاجروب نیچه لرین قتل و اسیر ایتدیله * الی طقوزده ولایت جزیره و غیره اولان هلاک کو
 عسکرندن الی بیک کافر کلوب حلبی غارت ایدوب حصه یقلاشد قننده حص سلطان و بعض بکری بیک
 در تیوز عسکرله یتشوب اکثرین قیروب باقیلری قاجوب عجب بودرکه مسلمانلردن همان برکسنه شهید
 اولمش * التیوزالتشده تاتار موصلی طقوز کون محاصره ایله الوب طقوز کوندک خلقنی قتل عام ایتدیله *
 اشبوسننه ده هلاک کو عیسی دشت قیچاق پادشاهی برکت خانله صواشوب هلاک کو صینوب عسکر
 قیلوب * التمش درنده یا خود التمشه یا التمش او جده یا تمش بدیده هلاک کو صرغ زچندن خسته اولوب بعده
 مراغه شهرنده وفات ایدوب تلاقعه سنده دفن اولوب اول کبر صاحب کبر و جبر قننه تریه کتیف رتبه
 یابدیلر * مر و بدرکه کفرندن قطع نظر سلطنته حری غایت مهیب و جری مدبر و مکار و اعدا ستمکار

جنگ آزمای واهل فطنت و رای بر این بی دین اولوب مدت سلطنته بنده و غیره بکرمی کره یوز بیک کسسه
 قتل ایتندی (متفرقات) مر ویدر که رئیس علماء روافض اولان متنی تجرید مؤلفی خواجه نصیر الدین
 طوسی خذله الله بونک استادی مقامنده مقبولی اولوب اکثریایله شعر ایدوب علم نجومده بر قاج بیلدک
 بونکچون رسد ایتندی * مر ویدر که هلا کو بغدادی الدقه ذکره شام سلطانی ملک ناصر بوسف اپو بی به
 مزبور طوسی انشایله بونی یزوب کوندر مش ایدیکه * یعلم السلطان الملك الناصر اطال الله بقاءه انه لما توجهنا
 الى العراق وخرج الينا جنودهم وقتلناهم بسيف الله ثم خرج الينار وساء البلد ومقدموها فكان قصار
 كلامهم سبب الهلاك نفوس تستحق الاذلال واما ما كان من صاحب البلدة فانه خرج الى خدمتنا ودخل
 تحت عبودتنا فسألناه عن اشیاء کذبنا فيها فاستحق الاعدام وكان کذبه ظاهرا ووجدوا ماعلوا حاضرا
 اجب ملک البسیطة ولا تقولن قلاعی المانعات ورجالی المقاتلات وقد بلغنا ان شذرة من العسکر التجأت الیک
 هاربة والی جنابک لاندۀ (نظم) ابن المقر ولا مقر لها رب * ولنا البسیطان الثری والماء * فساعة وقوفک
 علی کنا بنا فحول قلاع الشام سمائها ارضا وطولها عرضا والسلام * ایکنی دفعه بونی یازوب
 کوندر مشدیکه * خدمه الملك ناصر طال عمره اما بعد فانا فتحنا بغداد واستأصلنا ملکها وكان ظن
 وقد ضح بالاموال ولم ینافس فی الرجال ان ملک یبقی علی ذلک الحال وقد علی ذکره وبقادره تخفف
 فی السجال بذرہ (نظم) اذ اتم امری فی نقصه * توقع زوالا اذا قیل تم * ونحن فی طلب الازدیاد *
 علی عمر الابد * فلا تکن کالذین نسوا الله فانسا هم انفسهم وابد ما فی نفسک اما امسالک بمعروف
 اوتسر یح باحسان اجب دعوة ملک البسیطة تأمن شره وتعال بره واسع الیه برجالک واموالک ولا تعوق رسلا
 والسلام * او جینی دفعه غضب وحدثه بونی یازوب کوندر مش ایدیکه (اما بعد فتح جنود الله بنا ینتقم
 من عتاوتجبر وطنی وتکبر ویا امر الله ما اتقر ان عوتب تمر وان روجع استمر ونحن قد اهلکنا البلاد وابدنا
 العباد وقتلنا النسون والاولاد فاعلم الباقون انتم من مضی لاحقون وایها الغافلون انتم الیهم تساقون
 ونحن جیوش الهلکة لا جیوش الملكة مقصودنا الانتقام وذلک لا یرام ونزلنا لا یضام وعدنا فی ملکنا
 قد اشر من سیموفا ابن المقر (نظم) ابن المقر ولا مقر لها رب * ولنا البسیطان الثری والماء *
 ذات الهیبتنا الاسود واصبحت فی قبضتی الامر آء والخلفاء نحن الیکم صائرون ولکم الحرب وعلینا الطلب
 (نظم) ستعلم لیلی ای دین ندایت * وای غریم بالتقاضی غریعها * دمرنا البلاد وایتنا الاولاد
 واهلکنا العباد واذقناهم العذاب وجعلنا عظیمهم صغیرا وایهم اسیرا فحسبون انکم منا ناجون
 او متخلصون وعن قلیل سوف تعلمون علی ما تقدمون وقد اعذر من انذر * مر ویدر که التیوز الی سکرده
 هلا کو حلیه کلوب ملک ناصر الدین اندن خوفندن قاجوب هلا کوشامه کلوب ضبط ایدوب کتبغا
 آدلو حاکم دیکوب یانده عسکر قویوب کندو کندکده کتبغا ملک ناصری صحرای تیمده طوتدروب
 کتوردوب هلا کو به کوندر وب اودخی ناصر رعایت ایدوب شامه کوندر مکده وعده ایدوب بعده مصر
 سلطانی عسکر چکوب کلوب کتبغایی وعسکری قتل ایتدیکه هلا کو ایشیدوب قاقیوب انتقاما ناصر
 بی ناصر وائک برادری مالک ظاهر غازی بی ودخی حبسه اولان بونلک توابعی و سائر مسلمانلری
 قتل ایتندی (نظم) ابن عالم فانیست وفانیست دراو * ابن کهنه جهانیست جهانیست دراو *
 خواهی که در او جای اقامت سازی * ابن آب روانیست روانیست دراو (فصل ثالث در احوال
 ابن افغان هلا کو) سفالک الدما ومظالمین بی احتما بر کافر نافر ایدی پدری وفاتده برینه تخته چکوب
 ولایت خراسانه که تخی نیشابور در عراق همه که تخی اصفهان در عراق به که تخی بغداد در آذربایجان که
 تخی تبریز در خوزستان که تخی تستر در فارس که تخی شیراز در دیار بکر که تخی موصل در رومه که
 تخی قونیه در * ایشود کر اولان هلا کده اولان بیدولایه شهر لره پدری کبی حکم ایدردی * التیوز
 سکسانده عربستانه عظیم عسکر ایدوب برادری متکون سکان بیل یوز بیک عسکر له حصه قویوب
 مصر سلطانی قلاون دخی الی بیک قدر عسکر مصر وشامه کلوب صواشلوب کافر مسلمانلرک صول قوان
 صیوب بعده نیجه دلاور هنرا وراقب عسکر کفار مرارا هلا ایدوب متکوبی جراحیلوب عسکری

صینوب قیرلوب بقیه السیوف اولان الوف مذات مأوف طاعلوب برییلد نکره منکوبو جراحیندن
 وفات ایدوب ابغای ضلالت ابغاعسکری انهم زمان ایشند کده رجه بی محاصره ده ایکن راغوب ولایتنه
 قاجوب سکان برده همدانده الی یاشنده وفات ایتدی (فصل رابع در احوال سلطان احمد بن هلا کو)
 اسمی نکدر ایکن اجدیه طائفه سی بونی پدری هلا کو قارشوسنده کندولایه بیل آتسه قویوب یاغامغین
 هلا کو بونی انلره باغشلوب انلر بونک اسمی احمد قویوب دخی اوغلا تبحر ایکن ایمانه کلمشدی برادری
 بغا وفاتده تخته چکوب تانار لره دخی ایمانه کلمه تکلیف ایتدکده ابغا اوغلی ارغون جوزی خروج ایدوب
 احمدانی طویوب التیوز سکسان ایدیکه یاو جده تانار لر ارغونی پادشاه ایدوب واحدی قتل ایتدیلر *
 سلطنتی اوچ بیل وعری بکرمی الیه او ترمایینی ایدی رحمة الله علیه (فصل خامس در احوال ارغون
 ابن افغان هلا کو) پدری حیاطده خراسان بکی ایدی بعده عیسی احمدی برینه چکوب مزبور ارغون
 طغانی و آرزون سفالک بی بالک وظالم نابالک ایدی غایتده قوتلویهدر اولمغین اوچ آتی بری بری یانده دیزوب
 قوتله یردن صحرایوب او جینی آت اوزرینه نردی تخته چکده اوغلری قازان الیه خداینده بی خراسانده
 قودی * التیوز طقسانده وفات ایدوب سلطنتی سکر یایدی بیل ایدی (فصل سادس در احوال
 کیتوبن ابغا) برادری ارغون وفاتده دیار رومده اولمغین کلوب تخته چکدی * التیوز طقسان او جده
 یادرته طائفه تانارک بعضلری بونک عم زاده سی بیدوبه میل ایتدیکن انی پادشاه ایدوب اودخی عسکر
 جمع ایدوب جنگ اولدقه کیتوب قتل اولندی (فصل سابع در احوال بیدوبن طرغای بن هلا کو)
 عم زاده سی کیتوب زمانده بشقه پادشاه اولوب انسکه جنگ ایدوب انی قتل ایتدکدر بیدوب جدی
 تخته چکوب سکر ایدنصرکه بونک عیسی اوغلی خراسان حاکمی غازان بن ارغون عسکر جمع ایدوب
 تبریزده بیدوبی قتل ایدوب برینه بکدی (فصل ثامن در احوال سلطان محمود غازان خان بن ارغون
 ابن افغان بن هلا کو) خراسانده حاکم ایکن عسکر چکوب پدر بیک عیسی اوغلی بیدوبی التیوز
 طقسان درته تبریزده قتل ایدوب برینه چکوب بیدوبه وزیر نوروز تلقینله ایمانه کلوب اسمی
 محمود قویوب جمعیت عظیمه ایکن کندو خلقنه التون وانجیو صاچوب بعده نوروزدن قرآن عظیم الشان
 اوقیوب رمضانده اورج طویوب کفارتاناراراسنده (محرره) دین اسلام طاهر ونافع * اولدی مشهور
 ظاهر وشایع * قوار یخ عثمانیه منلادر یسده غازان مسلمان اولدینی کون در تیوز بیک کسسه دخی
 اسلامه کلوب بعده غازان کایساری بیقوب جمیع امراسنی ایمانه کتوردی دیومذ کوردی * طقسان طقوزده
 غازان عسکر له حلیه کلوب تخریب وکفر وایر ایدوب جایه واردقده عسکر اسلام الیه شام سلطانی ملک ناصر
 قارشوایوب محکم صواشوب عسکری صینوب غازان شامه کلوب بعض عسکری الیه جان مسلمانلرک اوردیجه
 غزه وقدر وکرلک شهر لر نه دلک کیدوب دمشق شام قلعه سی تاناراله میوب مسلمانلر غزانه وافر مال و برمکین
 دونوب کیدوب اکن قیچاق آدلو حاکم وافر عسکر قویوب بعده مصر سلطانی عسکر کوندر کده تانار لر قاجوب
 کتدیلر * بیدوبیوزده عسکر تانار ولایت حلیه کلوب اطرافده نیجه فساد ایدوب سلطان مصر عسکر له کلوب
 هجوم ایتدکده تانار لر دونوب جنگ اولدی * بیدوبیوز ایدیکه غازانک قطلوشاه آدوسر دار الیه بجد عسکری
 ولایت شامه کلوب سلطان محمد بن قلاوون دخی مصر دن کلوب اخشامه دلک محکم صواشلوب صباح تانار لر
 مسلمانلر کندولری احاطه ایتدیکر کورمکین قاجوب مسلمانلر بونلری نهر فرات کنارنه دلک قویوب نیجه سی قتل
 واسیروا کثری غرق اولدی بوندنصرکه تانار لر دیار اسلامه اصلا کتدیلر * بیدوبیوز او جده غازان همدان
 یاری یاتبریز شهرنده زهر یدرلوب کین یاشنده وفات ایتدی * سابقا تبریزده بی مثل و رفیع و واسع
 بر جامع بر صنایع و کندوبه برتر به وانک اطرافنده اون ایکی عدد عالی مدرسه لریا بیدرمغین کندوتر به سنده
 دفن اولندی * حرمین محترمینه و بغدادده مشهد حضرت علی ومشهد حضرت حسینه وسادات و اشرفه
 نیجه کو یدروقف ایدوب نیجه تکیه لروخانلریا یوب خبراتی بجد وحسناتی لاتعد بر پادشاه ایدی سلطنتی
 طقوز بیل اولوب ملوک چنکیزیه نک اپوسی ایدی * سلطان عثمان خان بن ارطوغرل غاز بیک سلطنته جلوسی
 بونک وفاتدن اوچ بیل اول ایدی (فصل تاسع در احوال سلطان محمد خداینده بن ارغون) اصلده

اسمی اولیاد و اولوب مسلمان اولدوقده اسمی محمد لقبی خدایند بر لقبی دخی حسن سلطان قودی برادری
غازان وفاتده برینه کجوب عدله مائل عالم و عاقل ایدی لکن رافضی مشرب شیعی مذهب اولوب وفاتده دله
حضرت علی و اهل بیتدن غیری صحابه کرامی خطبه لرده ذکر ایدر مژدی حتی وفاتده قریب شهر بغدادده
باب الازج محلله سنک خلقي خطبه بی شیعه مذهبجه او قومن لر دیو انلری قتل عام بیوروب لکن حق تعالی
امان و یرمیوب امتلادن خسته و هلاک اولدی * مر ویدر که یدییوز درنده عجمده سلطانیه نام بر شهر
فریدالده و انک ایچنده سکر مناره لو بر جامع یایدروب انی تختگاه ایدوب انک بنامی تهیتنده بر قصیده
دیتددر که مطعی بودر (نظم) وضع سلطانیه کویاکه سپهریست برین * یام شتیت مشکل شده
بر روی زمین (نثر) کردستانده سلطان آباد شهرنی دخی بونا ایتددر دیار عجمده یهود و نصاری مسلمانلردن
فرق اولتی ایچون رنگلر دیندارد مرغی ابتدا بواجباد ایدی * محب علما و صلحا اولغین زمانده اولان
علامه قاشانی و علاءالدوله سمنانی و شیخ صافی اردبیلی و شیخ اوجده الدین کرمانی به بین الناس بالذات
خدمت ایدردی * سفره کتدکجه ایکی چادر قورلوب آدی مدرسه سیاره قونوب برنده مذهب حنفی برنده
مذهب شافعی مدرسی دانشمند لر یله او توروب بواسلوب مر غوبله یله قونوب کو چوب علم جلیل
تحصیل ایدوب وظیفه و طعاملری خزینه و مطبخندن انعام اولتوردی * یدییوزاون التیده وفات ایدوب
جامعی اورته سنده دفن اولنوب مدت سلطنتی اون ایکی ییل ایدی (فصل عاشر در احوال سلطان ابوسعید
ابن خدابنده) پدری وفاتده برینه کجوب سنی پالک اعتقاد اولغین خطبه لرده نام صحابه کرامی یادی ایدروب
یدییوزاونوز التیده وفات ایدی * بعده درت ییله دله نسلندن ایکی کسسه بر مقدار سلطنت سوروب
بعده تاتارلر ایچنده بعض قتل و محن ظهور ایدوب یدییوز تشده تبریزده شیخ حسن بن دمورداش بن چوبان
بغدادده ارغون بن هلا کونک قیزی اوغلی شیخ حسن بن حسین بن اقبغا بن ایلخان ککندوری
بونلردن سکر اولادری مستقلا پادشاهلر اولوب بعده یدییوز تش اوچده تورلنک ظهور ایدوب جمع ممالک
شرقی حرب کیر و ضرب شمشیر ایل فغ و تسخیر و ملوک اطرافنی رای و تدبیر ایل کسر و قهر و تدبیر ایدی
(محرره) دکل سلطنت کسبه جاودان * خدا نکدرر ملک باقی همان (باب سابع عشر در احوال
ملوک ترکانه) اشبو طائفه بکری درت نفر اولوب کبی عبد معتنق کبی قول اوغلی ایدیلر اول ظهورلری
التیوزالی ایکیده و مدت سلطنتلری یوزاونوز درت ییل اولوب تختگاهلری مصر دارالنصر ایدی
(فصل اول در احوال ملک معز الدین ایلک ترکانی) سابقا ذکر اولنان ملوک ابویه دن ملک صالح
نجم الدینک چاشنکیری ایدی * التیوزفرق سکرده ملک صالح ام ولدی شجر الدر خاتون مصرده
پادشاه اولدوقده ایلک کاویر اولوب اوچ آیدن سکرده انی نکا حلتوب ایلک پادشاه اولوب بش کوند نصکره
عزل اولنوب ملک اشرف موسی بن یوسف پادشاه اولدی لکن سکر یاشنده کوچک اولغین ایلک انک وزیر
و تابیکی و سکر و خطبه شریکی اولوب التیوزالی ایکیده ایلک قوت و شوکت بولغین اشرفی رفع ایدوب
کند و فخته کجدی * اشبو ییل یئنده شهر عنده الی درنده مدینه منوره ده بر عجراده قدر تدن عظیم آتش
ظهور ایدوب طاعلر قدر قلعلملری هوا به صجرا یوب طاعلری ایدوب بر قاج آیدن سکره قدر تدن
سیوندی تکیم مستعصم بالله خلیفه فصلنده تفصیل اولغشدر نظر اولته که اغرب غرائب جهاندر *
الی بشده ایلک موصل سلطانک قیزی نکا خلقي ایستدکده شجر الدر انجوتوب جامده ایکی قتل ایدروب
بر قاج کوندن سکره شجر الدر دخی قتل اولنوب سرکاتدن تان عیان و آشکار اولدی (فصل ثانی
در احوال ملک منصور نورالدین علی بن عزالدین) ایلک پدری قتله ایدوب اون ایکی یاشنده تخت کجوب
التیوزالی یدیده سابقا مذکور اولان تاتار پادشاهی هلاکوب بغدادی خراب و ممالک اسلامیه به هجوم آیدکده
ملوک ابویه دن شام پادشاهی ملک ناصر یوسف معاونه مصر دن عسکر ایستدکده علی کوچک اولغله
اهمال ایتمکین کفار ایل جنک تدبیرندن عاجز در دیولالاسی و تابیکی سیف الدین قطز تخت کجوب علی بی
نواب علیه حبس ایدوب عینک سلطنتی ایکی ییل سکر آیددی (فصل ثالث در احوال ملک مظفر سیف الدین
قطز) تنزل الاسماء من صوب السماء * غوا سخته مزبور قطز نظم موفور و احداث مظالم ایل کاب عقور

اولوب بعض ناس رفیق استیغابی دندان جفا ایلد عض و زجاج قلیلین کسر و روض ایدردی * التیوزالی
یدیده افتدبسی اوغلنی رفع ایدوب برینه کجدی * الی سکرده هلاکوب حلبی الوب شام سلطانی ملک ناصر حاکم
سلطانی ملک منصور عسکر لر یله مصره قاجوب قطزک خوفندن مصره کیرمیوب ناصر عسکر فی منصور ایلد
مصره کوندروب کند و صحرای تیه سخته کیدوب قطز منصوره قارشو جیه قوب رعایتله مصره قودی هلاکوب
شامه کلوب اما ناله الوب کتبغابی انده حاکم ایدوب یاتنه بعض عسکر قویوب کند و عجمه کیدوب کتبغا نصاری
بولدروب طوب هلاکوبیه کوندروب واردقده هلاکوب ناصر رعایت ایدوب بنه شامی و برمه و عد ایدی
بعدر زمان کندونک امر اسندن کتبغابی و عسکر فی مسلمانلر قتل ایتمکین هلاکوب دخی بحضور اولوب اتقاما
ناصری قتل ایدی * مر ویدر که قطز عسکر اسلام جمع اولغین مصر دن جیه قوب کتبغادخی عسکرین
جمع ایدوب ایکی عسکر قدس ایلد حوران اراسنده ماه رمضانک بکری بشنخی کونی جمعه کونی بولشوب
صواشوب مسلمانلر کتبغابی و تاتاری صیوب قیروب قاجروب دویدار کیر یعنی سر عسکر اولان بیرس
بندقداری کفارک آردنه دوشوب ممالک شام و حلبدن بالکلیه قوب جقاروب شام و حلبی قطز ضبط ایدوب
حاکم پادشاهی ملک منصور سلطنتنده ابقا ایدی * مقدما قطز بیرس به خدمت عوضی حلب بکلکینی
وعد ایدوب خلف ایتدکده بیرس انجوتوب ضرر قصد ایدوب قطز ییلوب صاقنوب مصره دوندکده بولده
بعض خواصنه بیرس قتل ایتمکده طان شوب بیرس طویوب بری برلردن حذر اوزره کیدوب بولده بیرس
بعض امر اتقامله التیوزالی سکر ذی القعدة سنک واسطنده مصره درت قوناق یرده صالحیه شهرنده
شکار اوزرنده قطزی قتل ایدوب بیرس پادشاه اولدی قطزک سلطنتی همان اون بر بیتی ای ایدی
(فصل رابع در احوال ملک ظاهر بیرس بنداقداری الصالحی النجمی) قاره باغزو کولک کوزلر اولوب دشت
قیچاقدن کتور یلوب ملوک ابویه دن ملک صالح نجم الدینک قولی ایدی غایت عاقل و مدبر و شجاع و اهل خیر و بر
مهیب و خوش سیرت لیب و خوب خصالت ایدی * التیوزالی سکرده غزادن کلورکن ملک مظفر
قطزی قتل ایدوب برینه پادشاه اولوب مصره کیردکده سابقا قطزک احداث ایدوبکی مظالمی رفع ایدی
هلاکوب بغدادی الوب مستعصم خلیفه بی قتل ایتدکده آل عباسدن احد بن محمد الظاهر بامر الله قاجوب
مصره کلوب نسبی اثبات ایتدکده بیرس انی خلیفه مسلمین و امیر المؤمنین نصب ایدوب لقبی مستعصم بالله
قیوب مال عظیم خرج ایدوب کلی رعایتله بغداده کوندروب واردقده شهید اولدی تکیم آشاعیره
تفصیل اولتور * مصرده خلیفه نصب اولتی ابتدا بیرس زماننده واقع اولدی شام بکی علم الدین مستقل
پادشاه اولدوقده بیرس عسکر کوندروب شامی ضبط ایتدیلر * الی سکرده تاتارلر مسلمانلر تکرار کلوب حلب
عسکر قارشو واروب لکن صینوب جایه قاجوب تاتارلر حلبی الوب اکثر خلقي قیروب بعده حاکم
عسکر جمع اولوب تاتارله حصده صواشوب تاتارلر صینوب اکثری قتل و اسیر اولدیلری بنه الی سکرده درباده
یدی عدد جزیره جله خلقله بره کچمکین عکاشم رنده اولان فرنک کفاری عظیم غم و ماتمده دردیو خبر کلدکده
بیرس عسکر کوندروب شهر شوبک فرنک الندن فتح اولندی * الی طقوزده ولایت جزیره اولان
تاتارلر حلبی غارت ایدوب حصه یقلاشدن قلزنده سلطان حص ملک اشرف و بعض امر ایلک در تیوزنر
عسکرله واروب الی ییلک تاتارله صواشوب کفاری صیوب اکثرین قیروب سردارلری یدو کوجله
قورتلوب قاجوب عجمدرکه مسلمانلردن همان برکسسه شهید اولدی * التمش رمضاتنده تاتار موصلی
طقوز کون محاصره ایلد الوب بعده خلقي طقوز کونه دکل قیروب حصاری خراب ایتدیلر * التمش برده
بیرس شامه واروب سینه سنده کینه دیر یشه می اولدینی ملک مغیث عمر بن ملک عادلی صورته تعظیم
و رعایتله کتوروب مصره کلدکده سابقا بیرسک خاتونه کوچ ایتمکین خاتون جاریه لر یله کانهلین و اشروب
قتل ایتدیلر بعده بیرس مصره کیدوب التمش درنده ولایت شامه کلوب صفد شهرنی اما ناله الوب خلقي
قیروب اطرافه عسکر کوندروب * فتح الک و سکون یا مننایله طرابلس سیس شهرلری فتح اولنوب مصره
کیدرکن قاره شهرنک خلقي نصاری و خاتنلر اولغین جله سن قیروب مصره کیدوب بعده یشه شامه کلوب
بش اون کون او توروب مصره کیدوب التمش التیده تکرار کلوب یقا انطاکیه بغراض در بسالک و بعض شهرلر

فتح ایدوب کندی * یدیده تکرار کلوب کرک شهر نه واروب بعده مدینه منوره واروب زیارت ایدوب
دووب کرکه جایه حلبه شامه اندن مصره واروب بعده تکرار شامه کلوب عکابی غارت ایدوب شامه بعده
جایه واروب مصیاف شهر نه کی اجماع علیه طائفه سینه عسکر کوندروب شهری الوب مصره کندی *
التش طقوزده کلوب حصن الاکراد و عکا شهر لری اما نه الوب مصره کندی یتشده شامه کلوب حلبه
تاتار کادی دیو ایشتمکین واروب بعده مصره سینه شامه سینه مصره واروب کلوب صهیون شهر ینک
صاحبی وفات ایشتمکین ضبط ایدوب بیرهی تاتار محاصره ایشتمکین واروب تاتاری قاجروب
شهری ضبط ایدوب مصره کندی * یتش او چده کلوب ولایت سینه کیدوب غنیمتله شامه کلوب
تاتار تکرار بیرهی کلبکین کیدوب طاغلدیلر دیو خبر کلد کده حلبه کلوب بعده مصره کندی * اشبوسنه
یابر ییل صکره زنیکی عربلردن نو به و دقله ولایتلر سینه عسکر کوندروب نهب وغارت اولوب وافر مال
واسیر لایله کلوب نو به پادشاهی دخی کتوردیلر و سلاطین سابقه زمانلر زده نو به نیچه کره عسکر واروب
فتح اولغیوب لکن بیرس نو به سنده نو به الثوب دقله ولایتی خواجه کسادی * یتش درتده بیرهی او تو زیات
تاتار لایله کلوب طقوز کون محاصره ایدوب شهر خلی انلری باصوب منجنیق لری یا قوب تاتار لر فرار
ایتدیلر * یتش بشده بیرس کند و یه روم بکاری کلک اوزره ایدوکاری ایشتمکین مصردن حقیقوب حلبه
انلر بولشوب بعده مصره کیدوب سینه ولایت شامه کلوب عسکر تاتار له صواشوب انلری صیوب اکثری
قتل واسیر ایدوب بعده قیسار به شهر فی الدی (عبرت) مرویدر که یتش التی حجر منک او اخرنده
خسوف کلی اولوب منجملر بر عظیم الشان کسند و وفات ایدردید کزنده بیرس پروم وترس اولغین فکر کج
وترس ایدوب زنججه موتی غیری کسند به صرف ایشتمکله کند و به بدل اولوق ایدوب (نظم)
سیکون الذی قضی * کره العبد ارضی * مفهومی معلومی اولماغین ملوک ابو سینه دن برینه قصدا لایله
زهر لوقز ایچوروب بعده (ع) هر نه صانور سلک اشو که هپ باشک کسه کرک * مفهومی منجه بعینه اول کسه دن
کند و دخی زهر منقر ایچوب لکن کسه نک دینده زهر بولاشقی قالمغین ایکسی دخی بر زمانده
وفات ایدوب بیرمی قوبلی خفیه شامده دفن ایتدیلر * لکن سلطان تخت روان ایچنده خسته یا نور
دیو بهانه ایدوب کیدوب مصره کیدو کزنده موتی اظهار ایدوب اوغلی محمدی تخته کچوردیلر بیرس
سلطنتی اون بدی ییل ایدی * مرویدر که مصره ایکی جامع یا یوب قدسده دخی نیچه خیراتی اولوب مدینه ده
مسجد حضرت رسولی علیه السلام تجدید و تعمیر ایدوب درت مذهبده بر قاضی نصب ایتن بونک زمانده
ظهور ایدوب مدت سلطنتده حج ایتن اکا نصب اولوب جله زمان دولنده قرقدن زیاده شهر فتح و ضبط
ایتدیلر (فصل خامس در احوال ملک سعید محمد برکت خان بن بیرس) پدری شامده وفات ایدوکی
خبری کلد کده اون سکر یاشنده مصره تخته کچورلدی تازه و ظالم و بی تدبیر حاکم اولغین ایکی ییل
واج ایدو کزنده جبراعزل اولوب برینه بدی یاشنده برادری سلامش کچورلوب محمد شامده کرک شهری
ویریلوب واروب بر ییل آنده طوروب بعده وفات ایدوب برینه برادری نجم الدین خضر کرک حاکمی
اولدی (فصل سادس در احوال ملک عادل سلامش بن بیرس) برادری عزل اولوب برینه
کچورلوب بدی یاشنده اوغلا نجاتی اولغین وزیر و تاتابی امیر سیف الدین قلاوون خطبه و سکه ده شریک
اولوب درت آی اون کوندنصره سلامشی بلا نزاع عزل ایدوب کند و تخته کچوب سلامشی کرکه کوندردی
(فصل سابع در احوال ملک منصور سیف الدین قلاوون الجمعی الصالحی) دشت قباقدن کتورلوب
یک التونه صانوب ملوک ابو سینه دن ملک صالح نجم الدین ابو بک قوی اولشدی اهل تدبیر و کرم حسن
الاخلاق و الشیم اولغین وزیر و تاتابک ایکن جله عالم بو کاشخت ایشتمکین سکرز رجبنده اتفاق اعیانله
سلامش برینه پادشاه اولدی * سکسانده هلا کونک اوغلی ابغاشامه هجوم ایدوب قلاوون دخی مصر
و شام و حلب و بعضی ممالک عربدن الی یک مقداری عسکرله فارشولوب ابغاشامه برادری منکو غور چنکه
یرار سکسان یک تاتار لایله کلوب حصده صواشوب مسلمانلر کفاری قتل واسیر ایدوب وافر طیوم اولوب
منکو باره لوب ابغاشامه بی محاصره ده ایکن ایشیدوب ولایت کیدوب قلاوون دخی مصره دوندی *

سکسان ایکده قلاوون شامه کلوب بعده بر عظیم سیل کلوب بنالری قوب اغا جلقو پاروب بیدوده
وات و چادر الوب کیدوب قلاوون مصره دوندی * سکسان بشده عسکر کوندروب ملک بیرس اوغلاری
سلامش ایل خضر الدین کرک شهری محاصره و اما نه الثوب بعده کند و واروب سینه مصره کادی *
سکسان سکرده طرابلسه کلوب محاصره ایل فرنگلر الدین ایدی * سکسان طقوزده قلاوون غزایه حقیقوب
یره برابر یقوب یوز سکسان بش بیلدنبور فرنگلر الدین ایدی * سکسان طقوزده قلاوون غزایه حقیقوب
وفات ایدوب سلطنتی اون بر ییل درت آی ایدی * مرویدر که کریم و شجاع و عاقل و اهل خیرات و حلیم
و مدبر کامل و صاحب فتوحات اولوب بلاد شامیه دن نیچه لری فرنگلر الدین فتح و ضبط ایدوب
اون ایکی ییل عدد ملک قوی و ارادیدی * مصر و مکّه و قدسده بر مدرس و مصرده بر بیمارخانه صفا آشیانه
یا عسکر که جمیع دنیاده اکا هم تبار دار الشفا بولغیوب بناسی و اوقافی خصوصاً صامصاری احوالی تفصیل
عظیم استعداید * مغربدن بر اهل کیمیا کلوب بر حوض طلومی باقری و قورشونی اکسیر لایله زراجر
بی نظیر ایدوب انکله یا عسکر دریلر (فصل ثامن در احوال ملک اشرف صلاح الدین خلیل بن قلاوون)
اهل کرم عالی هم صاحب نعم حسن الشیم کسند ایدی * التیوز سکسان طقوزده پدری
وفاتده برینه کچوب طقسانده عسکر مصر و شامله عکابه واروب کفاری محاصره ایدوب منجنیق لری
الوب جبرله فتح ایتدکده مسلمانلر عظیم طیوم اولوب خلیل قلعه بی خاکه برابر یقوب فرنگلر قورقوب
صفد بیروت غناب انظر طوس شهر لری و سواحل بحر شامی خالی قویوب کتدیلر * طقسان
برده روم یعنی سواس قلعه سنی خلیل جبر لایله الوب مصره کندی * طقسان ایکده شامه کلوب
مصره کیدوب طقسان او چده شکار اوزرنده پدر ینک قوللردن و امر اسندن بیدر و لاجین و قره
سنقر و بعضی بونک یاتنه کلوب کند و بی مجروح ایدوب آندن دوشوب میتی مصرده کی تر به سنده
دفن اولندی * او کون بیدر پادشاه اولوب کند و به ملک قاهر دیو لقب قویوب ایرتسی قاهره مقهور اولوب
خلیل قوللری اتی قوه لیوب طقوز کون قتل ایدوب بعده ملک ناصر تخته کچو کده لاجین و سنقر عفو اولوب
سائر بولدا شلری طقوز لوب اللری یا قلی کسلوب صلب اولندیلر (فصل تاسع در احوال ملک ناصر محمد
ابن قلاوون) برادری خلیل شهید اولد قده محمد طقوز یاشنده اولوب تخته کچوردیلر اوغلا نجاتی اولغین
بر ییل اوج ایدو کزنده امرادن کتبغایه تخته کچوب ناصری براوطه ایچنده حبس ایتدی (فصل عاشر
در احوال ملک عادل کتبغایه المنصوری) سلطان قلاوون قوللردن ایدی ملک ناصر اوغلا نجاتی اولغین
تغلبه انک برینه کچوب ملک عادل دیو لقب قوندی اشبوسنه نیل آرزاشوب مصره خط و غلا و طاعون
و وبا پیدا اولغین کتبغایه شامه کیدوب طقسان اتی محرمده مصره کیدر کن بعضی امرای بوکا هجوم
ایتد کزنده دووب شامه قاجوب امیر لاجین پادشاه اولوب کتبغایه امان ابغاشامه کزنده صرخد شهر نک
بکلاکن اکا و یردی * بعد زمان کتبغایه کرک حاکمی اولوب آنده وفات ایتدی (فصل حادی عشر
در احوال ملک منصور لاجین) ملک اشرف خلیل امر اسندن ایکن بو خصوص ایچون خلیل بوکا
انجنوب بوغدر دقده وفات ایتدی دیو براغوب (نظم) اکرنیغ عالم بچیند زجای * نبرد رکی ناخواهد
خدای * مضبوطه اجل مقرری مقدر اولماغین ضرر ایرشامشدی کتبغایه برینه کچوب ملک ناصری
حبس دن چیه قاروب بکچیلرله کرک شهر نه کوندردی * التیوز طقسان سکرده ارمن ولایتنه عسکر کوندروب
سیس شهرندن غیر یلری فتح اولندی * طقسان طقوزده بر کچیه شطرنج او بنار کن ایچ اوغلا نجاتی بوکا و شوب
قتل ایتدیلر سلطنتی ایکی ییل و اوج آی ایدی (فصل ثانی عشر در احوال ملک ناصر محمد بن قلاوون) لاجین
قتلده اتفاق آراء امرای ایل کرکدن مصره کتورلوب ایکن دفعه تخته کچورلدی اهل عقل مائل عدل صاحب
شوکت و عنوان بر سلطان کامران و عظیم الشان اولوب باب سخاده حاتم طیدن زیاده ایدی * نیچه
کتب معتبره ده هجرت حضرت رسولک مائه سابعه سنده سلاطیندن محمد دین یعنی ناصر و مؤید مسلمین و ناشر
و مسد شرع مبین بو ایدی دیو تعیین اولغشدر * طقسان طقوزده ملوک ابو سینه دن حاکم سلطانی ملک مظفر
محمد بن ملک منصور محمد وفات ایدوب ملک ناصر انک برینی امرادن قره سنقره و یردی * اشبوسنه

حسنه ده سلاطین آل عثمان خلعت خلافتهم الی انتهاء الزمان حضرت تبریک جده اعلی و ابی الداری اولان
عثمان خان غازی مستقلا پادشاه اولدی سیکیم آشاغیده تفصیل اولور * بنه بوییده ملوک چنگیزیه دن
غازان خان جله عسکر تاتارایله حلبه کلوب تخریب و قتل و تعذیب و کسر و اسیر عجیب ایدوب حمایه
وارد قده ملک ناصر عسکر اسلامه حصده یتشوب عظیم صواشلوب مسلمانلر صیوب قاجوب کفار بونلری
قدس و غزه و کرک شهرلر بنه دله قوه لیوب غازان دمشق شاهی محاصره ایدوب مسلمانلر وافر مال و برمکین
امان و یروب کیدوب شامده قیاق نام یک ایله وافر عسکر قویوب کتد کده ملک ناصر بیرس ایله سلاری
عسکرله کوندروب شامه یقلاشد قورنده قیاق قاجوب مسلمانلر کلوب عسکر تاتار طاعلوب ولایت
ارمن خانی عصیان ایدوب کندولرندن النان قلعه لرین الدیلر * یدیبوزده تاتار تکرار ولایت حلبه کلوب
فسادر ایدوب اهل حلب و شامه قاجوب ملک ناصر مصر دن عسکر یله عوجانام محله کاد کده تاتارلر
جنگ اولغین ولایتلر بنه کیدوب ناصر دخی مصره کیدوب اشبوسنه ده تاتارلر ایله جنگه عسکر جمعنه
صرف ایچون احتیاج کلی اقتضاسیله اکثر اغنیادن حال حیاتلر نه دله ماللاری آندی * بنه بوییل
مسلمانلر دن فرق ایچون کافرلر کلوب یهودیلر صاری سائر لر قزل دلبند صارفق امر او انوب
بو خصوص ابتدا بوزمانده ظهور ایتدی * یدیبوز ایکیده غازانک سرداری قتلوشاهله بیحد عسکر تاتار
بلاد اسلامیه کلوب ملک ناصر دخی شامه کلوب بر کون یاتنه عسکر جمع اولوب ماه رمضانده نهر فرات
کارنده بیر جگ شهرنده بر کون یاتسویه دله عظیم صواشلوب وافر مسلمان شهید اولوب لکن تاتارلر صیوب
بیحد کافر قلوب صباح اولد قده تاتارلر کندولری مسلمانلر احاطه ایتش کورمکین قاجوب مسلمانلر انلری
نهر فراتده دله قوه لیوب قیروب اسیر ایدوب اکثری فراتده غرق اولوب مسلمانلر منصور و مسرور دوندیلر *
بو حالده نصره کفار تاتار دیار اسلامه اصلا کلدیلر * یتش ایکیده ولایت مصر و شامده عظیم زلزله اولوب
بنالری قلوب وافر کسینه هلاک اولوب جا و حص قلعه لر بنک نیجه پرلری بیقلدی * یتش او جده آت جنسینه
طاعون کبی اولت کیروب قیروب دیناده آت قالمیه یازدی * یدیبوز سکزده ناصر مکده کتک بهانه سیله
مصر دن چیقوب کرکه کاد کده مصرده امر اادن بیرس ایله سلار تغلب ایتمکین سلطنتدن حظم کتدی
دیو خبر کوندرمکین بیرس مصرده تخته کچورلوب ملک ناصر کرکه بکاکینی ویردی (فصل ثالث عشر
در احوال ملک مظفر رکن الدین بیرس چاشنکبری) اون بر آری پادشاه اولوب بعده مصرده نیجه امر ا
غیرت چکوب کرکه واروب ناصری شام خلقی مکتوبلر کوندروب دعوت ایتمکین واروب حب و حاکم
و حص بکری کلوب عسکر مالک شامه مصره کیدوب غزه یه وارد قده امر اء مصر بیانی کلوب بیرس
خبر کوندروب امان ایتیب بعده ولایت صغیده قاجوب سلار ناصر قارشو کلوب بعده بیرس
طونلوب حبس او انوب بعده خفیه قتل اولندی (فصل رابع عشر در احوال ملک ناصر محمد
ابن قلاوون) یدیبوز طقوزده شامده پادشاه اولوب ماه شوالک او چینی کوفی عز و شوکت و عسکرده
کثرت ایله مصره واروب او چینی دفعه تخته کچوب بیرسی کتور دوب حبس بعده قتل ایتدردی *
اون یدیده نهر نیل حددن آشوب طاشوب نیجه شهرلر و کویلر باصوب بیحد آدم غرق اولدی * اون طقوزده
ناصر ججه واروب کاد کده ملوک او ییه نسلندن ملک مؤید عماد الدین اسماعیله حامی سلطنتی مستقلا و یروب
خطبه به اجازت و یردی من بور مؤید غایتده فاضل کامل اولوب بر قاج کتب لطیف تألیف ایتش *
مر ویدر که ملک ناصر او چینی سلطنتده ایکی کره حج ایدوب یدیبوز بکری سکزده کعبه مکرمه حرم مجددا
تعمیر ایدوب بیت الله معظمه اوتوز بش یک درهم کومش قابلوصافی آبنوسدن بره منیع قیو کچوردوب
اولکی قبوی بمن پادشاهی قومغین چیقاروب قدیمدن کلید دار بیت الله اولان طائفه بنی شیبه
انی او انوب خرم و مفتنم اولدی * اوتوز او جده حامی سلطانی اسماعیل وفات ایدوب برینه اوغلی ملک
افضل محمد کیدی * اوتوز یدیده امیر طنبغا عسکر مصر و شامه بیاس قلعه سنی محاصره و امانله اولوب
نهر جیحونک شرقیه بنده بعض شهرلر دخی الدی * اوتوز ایتیده ملک ناصر ساسله ایله مصرده خلفا اولان
آل عباسدن مستکنی بالله خایفه به انجوب باغلدوب حبس ایدوب بعده یوز نفر اولاد و نوابعیله قوص

شهر بنه سور کون ایدوب لکن واقف و طیفه تعیین ایدوب مصرده و غیره بنه خطبه ده مشترک ایدیلر
مر ویدر که ناصر ملک قدس شریفده نیجه خیراتی و عظیم بنالری اولوب سکز نفر اوغلی مصرده علی التوالی سلطان
ذوالقدر اعلی اولوب بوقصه نک نظیری جمیع سلاطین بنی آدمده واقع اولدی بمی معلوم د کلدور * یدیبوز
قرق برزی الحجه سنه الی سکز یاشنده وفات ایدوب اولکی سلطنتی بر ییل اوج آیدی * ایتکینی اون بر ییل
القی آ * او چینی اوتوز ایکی ییل اوج آیدی اولوب جله سی قرق درت ییل ایدی بونک زمانده مصرده اولان
علمانک مشاهیر کجاری بونلر ایدی * قطب الدین رازی شارح مطالع و شمس الدین اصفهانی شارح طوابع
و ابو حیان مؤلف تفسیر بحر و تفسیر نهر و شیخ اکمل الدین مؤلف عنایه شرح الهدایه و شیخ قوام الدین کاک
مؤلف معراج الدرایه (فصل خامس عشر در احوال ملک منصور ابو بکر بن الملك ناصر محمد قلاوون)
یدر بنک وصیتله تخته کیدی لکن فاسد و شارب الخمر و مستحق ناز ذات الجبر اولوب حتی پدر بنک ایکی خانویه
زنایا یتمکین ایکی آید نصره سر عسکر اولان امیر قوصون سیفی اتفاق ناسله بونی خلع و بیج سلطنتی قلعه
ایدوب قوصه سورلوب انده قتل اولندی (فصل سادس عشر در احوال ملک اشرف علاء الدین علی
ابن الملك ناصر) محمد برادری عز لنده بر بنه کچوب یدی یاشنده اولغین ملک اشرف کو چک دیو مشهور
اولدی * یدی آید نصره بونی امیر قوصون خلع ایدوب قوصه سورلوب درت ییل انده طوروب بعده
وفات ایتدی (فصل سابع عشر در احوال ملک ناصر احمد بن ملک ناصر محمد) یدیبوز قرق ایکی شوالنده
یا قرق او جده کرک شهرندن کتورلوب برادری بر بنه کچورلوب اوج آید نصره بنه کرکه کیدوب
انده طغیان ایتمکین اهل مصر بونی خلع ایدوب برادری اسماعیلی تخته کچوردیلر (فصل ثامن عشر
در احوال ملک صالح اسماعیل بن ملک ناصر محمد) قرق اوج محرمی اولنده تخته کچوب قرق درتده
درت یروب خسته اولوب وفات ایتدی (فصل تاسع عشر در احوال ملک کامل شعبان بن ملک ناصر محمد)
یدیبوز قرق الی ربیعنک او اننده تخته کچوب شعراء فضلادن شیخ بن نباته دیدیکه (نظم)
جبین سلطانتا المزیح * مبارک الطالع البدیع * یا بهجة الدهر اذ تبدا * هلال شعبان فی ربیع
(نثر) بر ییل و قرق بش کوند نصره سابقا حبسه اولان برادری امیر حاجی خلایق چیقاروب تخته
کچوروب شعبانی انک بر بنه حبس ایدوب بونکچون مر ایده بیسن طعام امیر حاجه انکچون زندانده بیسن
طعام بو کاصیب اولوب بوقصه بر حصه دن اهل فطنت و خیرت اولنلر کلی عبرت حاصل اولور (نظم)
دور ایدلر نبرو بو چرخ فلک * کیمینه امک دوشر کیمینه یمک (نثر) اشبوسنه ده غمدن نعبان اولان شعبانی
اجل شعبانی اغزنه آتدیلر یعنی ظلم احبسه قتل ایتدیلر (نظم) ملک جهان که حاصل باد فنادر *
سیل فنا بوزنده یا بلش بنادر * داری غم و مداری بلا و اساسی درد * چرخ بر بن دید کبری بر آسیاد در *
(فصل عشرین در احوال ملک مظفر امیر حاج بن ملک ناصر محمد) حبس دن چیه قارلوب تخته کیدی
بر ییل و اوج بیچ آید نصره قرق سکز رمضانده تاریخ ابن شحنه قوا نجه وفات ایدوب یا خود امیر
بیغاروس بونی قتل ایدوب تاریخ الخلفا قوا نجه عزل او انوب علی کل حال بر بنه برادری حسن کچورلدی
(فصل حادی و عشرون در احوال ملک ناصر حسن بن ملک ناصر) محمد یدیبوز قرق سکزده تخته کچوب
قرق طقوزده مصر و شام و اکثر ماکده عموما طاعون عظیم اولوب نیجه یوز بیلد نبر و نظیری واقع
اولما مشدی * سلطنتدن اوج ییل طقوز آری اون کون نصره عزل و حبس او انوب برادری صالح تخته کچورلدی
(فصل ثانی و عشرون در احوال ملک صالح صلاح الدین صالح بن ملک ناصر محمد) یدیبوز الی ایکیده
تخته کیدی * الی او جده حلب بکی بیغاروس ترکمانلر و لغادر دید کجاری ذوالقدر بکی قره خان و طرابلس
وصفد و حاکم بکریله مصرده کند و پادشاه اولغیچون عسکر چکوب مصر دن دخی ملک صالح عسکرله
چیقوب بیغاروس شقا مأنوس تخته جلوسدن مأیوس اولوب (نظم) لشکر اهل شقا دائم بیانکی
تفرقه است * دفتر شیرازه نا کرده بیادی ابتراست * مفه و منجه عسکری طاعلغین دونوب حلبه کاد کده
شهره کبرمه کوه بوب ارغون کاملی حاکم بکی اولدی (نظم) اکا کیم اولیه دولت مقدر *
امک صرف ایله اولور مکدر * قبول عامه کبی جامه اولمز * ولی هر شخص کج اندامه اواز *

خدا و پسرش که در بخت و تختی * و پسر میوه باغ هر درختی * خداوند اولی بنجه لطف و احسان *
 اله کبر من بکین دولت اسان * انک کیم نیتند یوق صفامی * بنای عزتک اولمز اساسی (نثر) الی بش
 شوالنده ملان صالح عزل و حبس اولنوب برینه ساقا محبوس اولان برادری حسن تکرار تخته کجور لوب
 صالحک سلطنتی اوج بیل و اوج آی اولدی (نظم) الله منصب بایدار اولمز مثال دستمال *
 اکامغور اولغه شاهان سلفدن اورنک آل (فصل ثالث و عشرون در احوال ملان ناصر حسن بن ملک
 ناصر) محمد حبسیدن چیقار لوب تخته کجور لوب ایکنی دفعه پادشاه اولدی پدرینک اولادندن بیایی
 سکنجی پادشاهد که بوقصه نک مثلی دیناده واقع اولما مشدی * یدییوز التمش برده امیر بیدر خوارزمی حلب
 عسکر یله سیس ولایتند بلادارمنه غزا ایدوب انده طرسوس و مصیصه و بعض شهرلر آلوب نصرته عودت
 ایدی * سلطان حسن مصرده غایت بلند و مکلف و بی مانند عالم پسند مصنع و زیما هم و اعلا بر جامع
 واسع بنایا مشدر که آسمان بلند طبقات کبی قات قاتدر * یدییوز التمش ایکنده امیر بلغانک بر قوی سلطان
 حسن مستحسینی شهید ایدوب اولکی سلطنتی اوج بیل طغوزای ایکنجی بیی الی بیلیدی آی ایدی (نظم)
 بویله در احوالی کردونک مدام * کیم قوررشاه و کدا راهینه دام * کسه بورهدن ره ایلونزشها *
 عبرت دنیایه یوقدرانتها (فصل رابع و عشرون در احوال ملان منصور محمد بن مظفر) امیر حاج عیسی
 حسن برینه بکدی ایکی بیل اوج ایدن صکره عزل و حبس اولنوب اولوز سکر بیلان صکره سکر یوز برده
 وفات ایدکده غازی آشاغیده ذکرا ونه جق اول ملوک چرا کسه اولان سلطان برقوق قیلدی (لحظه)
 سلاطینه باقی دکل بوجهان * خدا نکر در ملان باقی همان (فصل خامس و عشرون در احوال ملان
 اشرف شعبان بن حسین ابن ملک ناصر محمد) یدییوز التمش درت شعبانده اون یاشنده عم زاده می محمد
 برینه کجوب پدری حسین پادشاه اولما مشدی * التمش ایکنده بر کجه مصرده کولک یوزنده عظیم نور ظهور
 ایدوب یولار کورنوب کونند ضیاسنه یقلشوب ثلث اخیره دلک طوردی * التمش اوچده ملک شعبان امیر
 سائر ناسدن ۵ تاز اولوب تعظیم اولنمغیچون بشل دلبند کیمک و بشل علامت کونورملک امر ایدوب بو عادت
 حسنه دیناده ابتدا اول سنه ید اولوب بعض شعر ایدیلرکه (نظم) جعلوا لابیاء الرسول علامه * ان العلامة
 شأن من لم یشر * نور النبوة فی کرم وجوههم * یعنی اشرف عن الطراز الاخضر (نثر) التمش ایدیه
 ملک شعبان سیس شهرنی ایکی آی محاصره ایلد فتح ایدوب سالم و غانم دونوب ارمن تکورنی طوقوب مصره
 کوندردی * التمش طغوزده شعبانک اون درنده قرخسوفله طوغوب بکرمی سکرزنده کسوف شمس واقع
 اولدی نه بوییل ملان شعبان جبه کتمک ایچون مصردن چیقوب امر اسنک بعض اشقیاری بوکاهجوم ایدوب
 بودخی شهره قاجوب وفات ایدی دیواوغلی علی بی تخته کجور مشدر کورمکین تکرار قاجوب بیل اولنلردن
 اون کسنه قتل اولنوب ایکی کونند صکره شعبان طوقوب بکرمی درت یاشنده ایکن عذابله قتل اولندی
 مصرده بر مرده باوب خوب سیرت پسندیده خصلت محب علما مائل صلحا اولوب سلطنتی اون درت بیل
 وایکی بچق آی ایدی (نظم) چونکه قنادر بوجهانک ایشی * حیف که مغرور اوله آکا کشی *
 قنغی نهی تختدن ایرمادی جرخ * خنجر کینی کیمه اورمادی جرخ * کیمدر اوکیم بومی نوش ایدی *
 ساقی دهر آنی خوش ایدی دوات دنیایه ایدن اعتماد * عاقبت کار قانور نامراد (فصل سادس و عشرون
 در احوال ملان منصور علی ابن ملک اشرف شعبان) یدییوز التمش طغوز ذی القعدة سنده سکر یاشنده ایکن
 پدری قاجوقده تخته کجور لوب وزیر و اتابکی سیف الدین برقوق تدبیر امورده مستقل ایدی * سکسان
 اوج صفر نده اون اوج یاشنده وفات ایدوب سلطنتی درت بیل و درت آی ایدی (نظم) درین ره خواه
 سلطان خواه درویش * باخر عقبه مرک آیدش پیش * درین صحرا که بوی خرمی نیست *
 کاهنی بی قانز آدمی نیست (فصل سابع و عشرون در احوال ملک صالح حاجی ابن ملک اشرف شعبان)
 برادری وفاتده الی یاشنده تخته کجور لوب * بویله دیورکی شهری فتح و ضبط اولندی سکسان درت
 رمضانده بوی وزیر برقوق رفع ایدوب برینه کندو تخته کجوب ملک ظاهر اشرف دیواوب قونوب
 طقسان برده حاج بکی یلبغای ناصری مصره عسکر چکوب برقوق طوقوب کرک شهرنه کوندروب

ملک صالحی تکرار تخته کجور لوب ملک منصور دیواوب قونوب کندوسی وزیر و مشیر اولدی * طقسان اوچده
 امیر منطاش یلبغای و بر قاج بکاری طوقوب اسکندر برده حبس ایدوب برقوق قتل آدم کوندر کده
 اول کسنه کرک خلقتک مبعوضری اولغین خلق آتی قتل ایدوب برقوق چیقار مغین آز کسنه ایلد شامه
 واروب شام بکی جان نیور عسکر یله قارشولوب صواشوب برقوق صیوب شهره قومیبو حبس بکی کومش
 بونغا برقوقه معاونه کلوب وافر عسکر جمع ایدوب مصردن ملک صالح و خلیفه اسلام و امیر منطاش
 عظیم عسکرله کلوب شام قرینده صواشوب ایکی عسکرلک بعضری غالب بعضری مغلوب اولغه ایچلرینه
 حیرت دوشوب کومش بغا حلبه منطاش شامه قاجوب برقوق سراسیمه کز ککن ملک صالحک
 چادری اوزرینه راست کلوب اینوب صالحی طوقوب کندوسی تخته کجوب چادر یاتندن کچلر ناچار
 اینوب برقوقه دستبوس ایدر اولدیلر (لحظه) کملوا واسه کشی به دوات * یدیلور بر قیل ایل بی منت *
 دوات ملوک ترکانیه ملک صالحده زوال بولوب سلطنت مصر و شام و حلب چرا کسه به انتقال ایدی (نظم)
 جرخ مینا قام اولودر حادثانه آینه * مهری یوقدر ماه رولر کبی بقمه آینه * غره اوله سود پر خسران دنیایه
 صقین * نقد عمرک دیندر و پرمک کر کدر داینه * زال دینادامندن حرص دستن ایلد قطع * مهر ملن و یردخی
 عرض ایت طلاق باینه * دار دنیا بر مسافر خانه در کیم هر زمان * رحلت ایلر سه بری قونر بریسی چاینه
 (باب ثامن عشر در احوال خلفاء عباسیه در دیار مصریه) خلفاء آل عباس ایکی فرقه در بریسی هجرتک
 یوز او یوز ایکنده ظهور ایدوب تختلری ولایت بغداد ایدی تکیم جمله سی سابقه تفصیل اوزر ده ذکر اولمشدر
 بر فرقه سی دخی نه انزلک نسلندن اولوب بغدادی هلا کوی ملعون الدقه فرار و ترک دیار ایدوب التیوز
 الی طغوزده مصرده ظهور و قرار ایدیلر (مقدمه) معلوم اوله که مصرده ملوک ترکانیه بعد هم
 ملوک چرا کسه (الائمة من قریش) حدیثی خصوصاً (الخلافه فی ولایه و صنوبی حتی یسلو هالی المسیح)
 حدیثی ودخی (اللهم اغفر للعباس ولولده مغفرة ظاهرة و باطنه لا تغادر ذنباً اللهم احفظه فی ولده و احمل
 الخلافه فی عقبه) حدیثی موجوده شرعاً تصحیح سلطنتی ایچون آل عباسدن بر کسنه بی خلیفه دیکوب
 واکامستوفی وظیفه لر تعیین و هر وجهله تعظیم و رعایت ایدوب خطبه و سکرده مشترک اولورلر دی * لکن
 ملوک دلیله بعد هم ملوک سلجوقیه بغدادده او توروب خلفاء عباسیه بغدادلک اوزرلر نه تغلبه مسلط اولوب
 اکثری تدبیر امور جهوردن مجبور و مجبور ایدکری کبی ملوک ترکانیه و ملوک چرا کسه دخی مصرده کی
 خلفاء عباسیه بی امور سلطنتده تصرفه قارشد رمیوب مجرب بعض معظمت امور ایلر اعلام به ضنده
 مشورت و استیذان ایتکله کفا ایدوب حقیقه بونلر آلت ملاحظه اولغین نیجه نوار یخده بو فرقه عباسیه
 مصریه اصلا ذکر اولما مشدر لکن تاریخ الخلفاء و نیجه نوار یخده مذکور اولوب خصوصاً خلافت
 و سلطنت عامه اهل اسلام شرعاً انزلک حتی اولغین اشبوکاب جلیل الاعتبار مؤلفی عبد حقیر صدق یار غبار
 عیار ذکر و شرحلرین اختیار ایلدی (فصل اول در احوال آل عباس مستنصر بالله احمد بن الظاهر بامر الله
 محمد بن الناصر لدین الله احمد) پدری وجدی سابقا بغدادده خلیفه ایدیلر بعد زمان کندو بغدادده محبوس
 ایکن هلا کوقترنده بر طریقه قورنوب مصرده ملک ظاهر بیرس سلطان ایکن التیوز الی طغوز رجینده
 طائفه عربدن اون نفر آدمه مصره کلوب بیرس اعیان شهرله بونی قارشولوب تعظیفه سراینه قوندروب
 بغدادده مستعصم خلیفه شهید اولدقندبرو جمع دیناده اوج بچق بیل خلافت عباسیه کسلوب عالمه
 خلیفه و امیر المؤمنین نصبی شرعاً واجب اولغین هر بور رجیک اون اوچنی کونی سلطان بیرس علما و صلحا
 و امرا و عسکری جمع ایدوب مزبور احمدلک خلفاء عباسیه نسلندن ایدوکی ثابت اولوب ترتیله جمیع خاق بیعت
 ایدوب لقبی مستنصر بالله قونوب بعد بیرس اطراف ممالک سکر و خطبه خلیفه ایلد کندو نامه مشترک اولغه
 امرلر کوندردی * جمعه کونی خلیفه منبره چیقوب حمد و ثناء نصرکه فضائل آل عباسی بیان واد او بیرسه
 و مسلمانلر خیرد عایدوب بعده بونی بغدادده کوندرملک ایچون چادرلر قورلوب شعبانک در دخی کون شاه
 و سپاه جهل آلتوب بیل چیه قوب چادرده علما و صلحا و امرا جمع اولوب خلیفه لباس آل عباس سلو بنده خلعت
 و عمامه سیاه و طوق و کری کندو الیه بیرسه کیدوب قلیق و شادوب بیرسه سلطنته انشا الیه مفصل اجازت نامه

یازولوب بر منبر قورلوب علمادن بری چیقوب او قدی * بعده بیرس خلعت و زینت و شوکت ایله شهره کیروب چله
 امر او عسکر او کجه پیاده یور یوب بعده بیرس خلیفه یه وزیر و کاتب و خزینه دار و جبهه خانه و بشیر و زفر
 آتل و عسکر و قرق عدد مکت قول و یوز عدد آت و اون قطار دوه و سائر لوازم سفر و مهمات و یروب نقد و یورد و کی
 و خرج ایندی کی چله اون کره یوز بیک فلوری اولوب بیرس دخی کند و سی یله کیدوب شاهه وارد قلزنده
 بیرس قلوب خلیفه ایله مصر و شام عسکر ندن نیجه کسنه لر قوشوب سابقا موصل و سجاری و جزیره
 بادشا هری اولنر یله کیدوب ذی القعدة نك او چنی کونی خلیفه شامدن چیقوب حلبه کادکده
 آل عباسدن اولوب اشبو مستنصر دن اول حلبه خلیفه اولان حاکم بامر الله کلوب بو کاسر فر وایدوب
 بعده مستنصر کیدوب یولده در تیز نقر آتلاویه بر عرب بکی دخی بو کامعا وسته کلوب بغداده بر قاج
 کونلت برده هیت شهر نه کادکده بغدادده هلا کوملعونک بکار بکسی قراغیا ایشیدوب عسکر چکوب
 التیوز اتش محرم نك او چنی کونی خلیفه انبار شهر نه کادکده قراغیا یتشوب چنک اولنوب کفار صینوب
 اکثری قرانه غرق اولوب بر مقدار کافر صاحب کین کینده مکین اولمغین خجاة چیقوب زند کزندی چاقوب
 سلمانری بری برینه قلوب قیروب بر روایتده خلیفه دخی شهید اولوب بر روایتده (نظم) ارالقده
 خلیفه اولدی مقفود * جسم و اسم و رسمی اولدی نابود (نثر) چله مدت خلافتی التی ای اولشدی *
 رحمة الله علیه و علی اخوانه (نظم) سرخ جفا کار عجب کار ایدر * کینه سنی عالمه اظهار ایدر *
 عکس در کاری و باری انک * جور در خلقه شعاری انک * نیک و بدی ایلز اصلا جدا * بلکه ایدر بدله
 نیکی فدا * فرق ایدر مز و شبه بینی * اهل هنر دن یومر اول عیننی * اولیه کمان ایله که خرخ دنی *
 کم کورینور دورد و پرویزی * عالمی غربالنه وضع ایلش * نیکنی دفع و بدی رفع ایلش * کیکی که تخت
 اوزره ایدر سر بلند * عاقبت الامر ایدر تخته بند * کیمه کبر جام و پرورش بهر * حل ایدر اول جام ایچنه
 صکره زهر * نیجه شهک شانی ایندی رفیع * ایلدی فرمانته خانی مطیع * قیلدی یتنه جویری ایله زبردست *
 دست بدست ایلدی طیراغه پست * دهرده اول خیل که شاه ایدر یلر * داد کر و ملک پناه ایدر یلر *
 خوار و علیل ایلدین قومدی * زار و ذلیل ایلدین قومدی * قانی کیومرث و فریدون و جم * قانی سلاطین
 عرب هم عجم * کور خلفا قانده نهان اولدیلر * عبرت نظار جهان اولدیلر * بلکه جهان باغی و فاسز درر *
 عمر کلی انده بقاسز درر * باغ که ورد یتنه بقا اولیه * ورد که باغینه و فاولیه * لایق آرام اولور می اوباغ * اول
 کل ایله عطر بولور می دماغ * عاقل ایسه لور برمه کوکل باغنه * زاغ صفت دوشمه انک آغنه * طبعی بندینه
 حول ایله * جاهل ایچون چاهی قبول ایله * دوات و اقبال ایله اوله شاد * مهر یتنه هم ایتمه صاقن اعتماد *
 کورنه دیش خسرو شیرین سخن * ییل نیجه در دور سپهر * کهن * بوی سلامت ندهد باغ دهر *
 زانکه سرشت نباش زهر * باغ چه بین که بهار یش نیست * هیچ کلی نیست که خار یش نیست *
 شادی عالم چوسر اسر غمت * آنکه بود شاد بعالم کست (فصل ثانی در احوال حاکم بامر الله احمد
 ابن حسن بن علی بن ابی بکر بن المسترشد بالله) هنر و مسترشد بغدادده سابقا خلیفه اولوب سائر لری
 خلیفه اولماشدی بغدادی هلا کولد قده احد کیرلنوب قاجوب امراء عرب ایچنده طوروب ملک
 مظفر شاهه کادکده بونی چاغروب وارد قده خلیفه دیکوب بودنی امراء عرب ایله بغدادده کیدوب کفار
 تاتارانه دوشن عانه و حدیته و هیت و انبار شهر لرین فتح ایدوب تاتارله جنکده غالب اولوب بعده شام بکی
 بونی چاغردوب سنی مصر سلطانی ملک ظاهر بیرس دعوت ایدر که سن دیکین شامه کلوب مصره واروب
 سابقا کراوانان مستنصر مصره بوندن اوج کون اول کیرمکین جائز که بی طوتار دیو و همله دونوب حلبه
 کلوب اتفاق اهل حلبه آنده خلیفه اولوب وافر عسکر ایله تکرار عانه یه واروب آنده مستنصره بواسوب
 ا کاه مطیع اولوب مستنصر تاتارله جنکده نابید اولد قده حاکم رجه شهر نه کلوب مصر دن بیرس بونی
 چاغرفغین التیوز اتش مقرنده اوغلی و نواب علیه واروب بیرس سابقا مستنصره ایدر و کی کبی استقبال
 و تعظیم و اجلال و خلافته بیعت و انواع رعایت و مقدار کفایه و وظیفه تعیین و سکه و خطبه ده شرکتی تمکین
 ایندی * اتش ایکی رمضانده بیرس خلیفه بی خلیفه بولنه تدن منع ایندی زیر خلیفه نك توابعی شهرده

کروب امرار سلطنته متعلق سوز سوز یلر لردی (محرره) دیمه سر نهانی کتم و ازایت * شیوع و ازدن
 کی احترازا یات (نثر) بعد زمان سلطان قلاوون پادشاه اولد قده خلیفه یه رغبت ایچوب سلطنتده دخی
 اجازت ایستیموب قلاوونک اوغلی صلاح الدین سکیان طقوزده فخته کچد کده خلیفه یه کلی رعایت ایتمک
 باشلادی * یدییوز برجمادی الاولی سنده ملک ناصر بن محمد بن قلاوون سلطنتده اشبو خلیفه وفات ایدوب
 اوزرینه تر به یایلوب خلافتی قرق بریل و بر قاج آی اولمغین بونک زمانده مصرده سکر پادشاه دکلشوب بونک
 زمان خلافتی و قایمی انلرک احوال سلطنتلری اولمغین انلرک فصل لرنده کچم شد نظر اولنه * اول نظر و
 سلطنت آل عثمان یدییوز سنده سنک ابتدا سنده اولمغین بونک خلافتی و اخر نده ایدی بونک زمانده وفات ایدن
 بکار مشاهیر بونلردر (۱) شیخ عزالدین عبدالسلام و تاج الدین ابن بنت العز و محمد الدین بن دققی العید
 و ابن عصفور النخوی و امام قرطبی صاحب تألیفات و شیخ جمال الدین بن مالک و برهان الدین بن جماعه
 و نجم الدین السکابی شیخ علم منطق و امام محی الدین النوی صاحب تألیفات و کواشی مؤلف تفسیر
 و ابن خلکان صاحب تألیفات و ابن نفیس شیخ الاطباء و اصفهانی شارح محصول و تقی الدین ابن بنت العز
 و ابن الخساس النخوی و یاقوت المستعصمی سلطان الخطاطین و دخی نیجه کسنه لر (فصل ثالث در احوال
 مستکنی بالله سلیمان بن الحاکم بامر الله) التیوز سکیان درت محرم نده طوغوب پدری وفاتده
 بکرمی باشنده انک تعیینیه خلافته بیعت اولندی ممالک اسلامییه به اعلام ایچون نامه لر کوندر لدی *
 یدییوز ایکیده کفار تاتار ولایت شامه هجوم ایند کده ناصر ایله خلیفه یله چیقوب ناصرک ایکنی
 سلطنتده کچد و کی اوزره جنکده مسلمان لر غاب و تاتار هاراب اولدیلر * بعض وقایع زمان خلافتی مناقبتیه
 یوقار و ده سلاطین مصر فصل لرنده کچم شد * یدییوز او تواتر ایدر ملک ناصر خلیفه یه انجنوب قلعه ایچنه
 کک و چروب بر قاج آیدن صکره ملک ناصر ی خلقه بولشعقدن منع ایدوب بر قاج آیدن صکره بارشعغین شهر
 ایچنده کی اوینه کویروب بر قاج آیدن صکره ملک ناصر بهر خصوص ایچون خلیفه نك خطیه سلطان مجلس
 شرع شریفه وارسون دیو بر رقععه صولند قده تکرار انجنوب خلیفه بی یوز عدد مقداری اولاد و اتباعیله
 قوص شهر یتنه سوروب لکن مصرده اولان وظیفه لر یتنه ترقی ایدوب و خلافتدن رفع ایچوب یتنه خطبه لرده
 ذکر اولنوردی * یدییوز قرق باقرق بر شعبانده قوصده وفات ایندی * هر ویدر که عالم و فاضل نفیس
 و شجاع و سنی و خوش نویس اولوب چوکان باز و تفنن انداز ایدی علمایله مجالسه و محادثه و موافقه
 و مباحثه ایدوب انلر بحثلر و نوازشلر ایدردی * سابقا ملک ناصر ایله غایت محبت و الفت و سیر و محبت لرده
 مشارکت اوزره اولوب معیتله کوی و چوکان او ینایوب برادر لر کبی کچنورکن بر طغوی لا وفاء لاملولک
 ناصر بو کالنجوب راه جفا به سلوک ایندی * حاکم خلافتده مصرده وفات ایدن بکار مشاهیر بونلر ایدی
 (۱) قاضی تقی الدین بن دققی العید و شمس الدین سروجی شارح الهدایه و نجم الدین بن رقععه رئیس الشافعیه
 و رشید ابن المعلم شیخ الحنفیه و قاضی ارموی مؤلف متن مطالع و ابن ابی العز شارح الهدایه و شمس الدین
 اصفهانی صاحب تألیفات و ابن زملکانی مؤلف اعجاز قرآن و شیخ تقی الدین بن جمعه و علاء الدین قونوی
 مؤلف حاوی الفقه و غیر الدین ترکیفی شارح جامع الکبیر و ملک مؤید سلطان حاکم صاحب تألیفات
 و برهان الدین الجعبری و قاضی بدر الدین بن جماعه و دخی نیجه لر (فصل رابع در احوال و اتق بالله ابراهیم
 ابن محمد حاکم بامر الله) پدری خلیفه اولدی ابراهیم سابقا فقیر الحال و ارباب دولندن سوال نوال ایدر
 او امغین خلافتدن صکره خلق بونی مستعطی دیر لردی مستکنی قوص شهر نده وفات ایند کده خلافتی اوغلی
 احمد و صیت ایند و کی نابت اولوب لکن ملک ناصر سابقا مستکنی یه کویمکین خصوصاً ابراهیم کند و نك مفسد
 و غمنازی اولوب مستکنی ایله ماینلر یتنه عداوت برافغین ناصر علما و صلحا و امر احضورنده ابراهیمه
 بیعت دیلد کده بونلر مستکنی اوغله و صیت ایتشدر ابراهیم فاسقدر لایق دکلدر دید کارنده ناصر
 احمدی کتور دوب لکن عنادا هیچ بر یتنه بیعت ایچوب درت آیه دلک خطبه و سکلرده خلیفه اسمی
 آکلیموب بعده ابراهیمه توبه و یروب خلیفه دیکوب خلق مع الکراهه بیعت ایدیلر * بعده ناصر وفات ایدر کن
 نادم اولوب احمدی خلیفه ایدر مز دیو و صیت ایدوب بر یتنه اوغلی ملک منصور کچد کچم بد بیوز قرق بر

ذی الحجه سنده یا بحر منده احمدیله ابراهیمی جمع ایدوب قنغیسی احمدر دیوعلایه سوروب اجدد کاند
 ابراهیمی خلع واجده بیعت اولندی (فصل خامس در احوال حاکم بامر الله اجدد بن مستکنی) خلیفه
 اولدیقی بیل ملک منصور زانی وشارب الخراولغین عزل اولنوب قوصه سورلوب انده قتل اولنوب برینه
 برادری ملک اشرف کوچک کچورلوب اودخی بریل ایچنده عزل اولنوب برادری ملک ناصر کچورلوب قرق
 اوچده اودخی عزل اولنوب برادری ملک صالح کچورلوب بریلدنصکره وفات ایتمکین برادری ملک
 کامل کچورلوب قرق یدیده قتل اولغین برادری ملک مظفر کچورلوب قرق سکزده عزل اولنوب برادری
 سلطان حسن کچورلوب قرق طقوزده مصر و شام و اکثر مالکده نیجه یوز بیلدنبر و مثلی ایشیدلماش
 طاعون عظیم اولوب الی ایکیده حسن دخی عزل اولنوب برادری ملک صالح ثانی کچورلوب بوجله نیک
 تفصیلی یوقاروده یکمشدیر * بدییوزالی اوچده یادرتده حاکم بامر الله طاعوندن وفات ایدوب خلافتی
 اون درت بیل ایدی بونک زماننده وفات ایدن کبار مشاهیرک بعضی بونلر ایدیکه ابو حیان و ابن الوردی
 و امام ذهبی صاحب تألیفات و ابن فضل الله الفاضل المنشی و ابن قیم الجوزیه (فصل سادس در احوال
 معتضد بالله ابو بکر بن مستکنی بالله) برادری حاکم و وفاتده مدبر امور سلطنت مصر اولان امیر شیخون
 علما و امرای جمع ایدوب خلافتده کیم احمدر دیوب ابو بکره اتفاق اولغین بیعت اولنوب اهل خیر و متواضع
 و محب علم ایدی (عجبه) تاریخ خلفاده مذکوردرکه طرابلسده نفیسه آدلو بر قزاق اره واروب
 لکن بکارتی اصلا کتیوب اون بش باشنه وارد قده هم لری باقوب فرجنده ذکر یتوب ییوب بر بارمق
 قدر اوزانوب خایه لری دخی یتوب بو خصوصده محضر کلدی (فسبحان الذی یدیه ملکوت کل شی
 یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید) بدییوزالی بشده ملک صالح عزل و سلطان حسن تکرار نصب
 اولنوب التمش ایکیده شهید اولوب ملک مظفر بن ملک منصور کچورلوب التمش اوج جمادی الاولی سنده
 معتضد خلیفه وفات ایدی * بونک زماننده وفات ایدن کبار مشاهیرک بعضی بونلردر (۱) امام تقی الدین
 ابن سبکی و فاضل سمن مؤلف معرب قرآن و قوام الدین اتقانی مؤلف غایه البیان و جمال الدین بن هشام
 مؤلف مغنی اللیب و مغلطای شارح بخاری و ابوامامه النقاش مؤلف تفسیر (فصل سابع در احوال
 متوکل علی الله محمد بن معتضد بالله) پدری وفاتده بیعت اولندی بونک صلیدن طوغان و سقط واقع
 اولان جله اولادی یوز عدد اولمشدی * وفات ایدکده وافر اولادی قلوب ایچلرندن بشی خلیفه اولوب خلفاده
 بوقصه نیک نظیری دو شامشدر * بدییوز التمش درنده سلطان مصر ملک منصور عزل اولنوب برینه
 ملک اشرف کچورلوب یتیم اوچده امیر لیشل صارمقی و دبندر لینه بشل علامت طاققی امر اولندی
 اشبوسنه ده یمورلنک نهنک آهنگ بونک چنک دیار محمد خوج و ذروغینی و طغیان عروج ایدوب اولسم
 نافع ایچون لفظ عذاب تاریخ واقع اولمشدر * فی الحقیقه عالمده قهرماننق و صاحب قراننق ایچون نیجه
 بیلر مالک شرق و غربده ضرب و حرب و عباد اللهی مبتلای بلا و کرب و اخذ بلاد و قتل عباد و نیجه فساد
 ایدوب عاقبت سکزیوز یدیده هلاک و وزیر مغالک خال و شروضرندن عالم پال و تابناک اولدی * بدییوز التمش سکزده
 مصر سلطانی ملک اشرف قتل و برینه اوغلی ملک منصور نصب اولندی * یتیم طقوزده مصر عسکر اولان
 امیر ایکن تصرف اموره مستقل اولوب بعض خصوص ایچون خلیفه به انجمنکین قوصه سوروب ابرتسی
 شفاعت اولندوره شهره کتوردوب معتصم بالله زکریا بن ابراهیم بن محمد بن الحاکم بامر الله اجدد خلعت
 کیدروب زعمجه خلیفه دیکوب لکن اصلا کسنه بیعت ایتمیوب اون بش بکرمی کوندنصکره ایکن
 شفاعت امر الله معتصمی عزل و متوکل خلیفه ابقا ایدی (عجبه) سکسان ایکیده حلبده
 بر امام نماز قیلرکن جماعتدن بری امامی مسخره لنوب امام غازی یوز میوب سلام و یردکارنده حضرت
 رب غیور قهار قدر فی الحال اول خبیثک صورتی بعینه خنر براتمکین قاچوب بر اورمانه کیروب
 بحد مسلمانلر کوروب شهادت ایدوب مصره محضر کوندور دیر * نعوذ بالله من الکفر والضلال و سوء الحال
 سکسان اوچده ملک منصور وفات ایدوب مصره برینه برادری ملک صالح حاجی کچورلوب سکسان درنده
 حاجی عزل اولنوب برینه امیر برقوی کچوب اول ملوک بکرا کسه بودر سکسان بش رجبنده سلطان برقوی

متوکل خلع وقلعه ده حبس ایدوب بونک برینه واثقی خلیفه نصب ایدی (فصل ثامن در احوال
 واثق بالله عمر ابن ابراهیم بن محمد بن الحاکم بامر الله) پدری وجدی خلیفه اولماشدر سلطان برقوی
 متوکل حبس ایدکده یو کاییت اولندی * سکسان سکز شوالی آخونده واثقی خسته لکدن وفات ایدوب
 خلافتی اوج بیل و اوج ای ایدی (فصل ناسع در احوال معتصم بالله زکریا بن ابراهیم بن محمد بن الحاکم
 بامر الله) برادری واثقی وفاتده اهل مصر سلطان برقو قدن سابقا عزل و حبس ایدوب متوکل ینه خلیفه
 ایتمکین رجائید کاند برقوق عناد ایدوب سابقا ایک نصیله اون بش کون مقداری خلیفه نامه اولان
 معتصمی خلیفه ایدوب خلق دخی مع الکراهه بیعت ایدی * بدییوز طقسان برده امر اذن غریغوا و بلغا
 خروج ایدوب برقوی صاحب عقوب تارک الحق ایچون متوکل عزل و حبس ایدی دیو بدنام ایدوب خلق
 برقو قدن نفرت ایتمکین برقوی نادام اولوب معتصمی رفع و متوکل نصب ایدی * معتصم کندی وفاتده دیک
 معزول طوردی خلافتی اوج بیل مقداری اولمشدی (فصل عاشر در احوال متوکل علی الله محمد
 ابن معتضد بالله) سلطان برقوی بدییوز سکسان بش رجبنده حبس ایتمشدی طقسان برده برقاج سطر
 مقدم ذکر اولندیقی سبیله حبسدن چیهاروب معتصم برینه خلافتده بیعت اولنوب برقوی یو کاحددن
 بیرون رعایتلر و بخشش ایدوب کمال مصافات اوزره اولدیلر * ینه طقسان برده (نظم) هر که او نیک
 میکند یاید * نیک و بد هر چه میکند یاید * مغهوره برقوق دخی عزل اولنوب کرلنه نهر نده حبسه کوندروب
 سابقا سلطان اولان ملک حاجی تکرار کچورلدی * اشبوسنه ده مؤذنلر مناره لرده عقیب اذاند حضرت
 رسول علیه السلام وال و اصحابه صلاه و سلام ایتمکین احداث و قلوب سامعینه صفال اراث ایدوب
 یو بدعت حسنه بوسنه دنبر و عادت مستلزمه السعاده قالدی * طقسان ایدیکیده برقوی حبسدن
 چیهارلوب تخته یکدکده زمان عزلنده خلیفه دن راغی اولغین کالی رعایتلر ایدوب سکزیوز برده
 برقوی وفات ایدوب برینه اوغلی فرج کچوب سکزیوز سکز رجبنده عزل اولنوب برادری عبدالعزیز
 کچورلوب ینه بوسنه ده اودخی عزل اولنوب تکرار فرج کچورلوب اشبوسنه رجبنده خلیفه وفات
 ایدوب او ایکن خلافتی زمانی اون التی بیل ایکنی التی بیل اوچنی اون یدی بیل ایدی بونک خلافتی زماننده
 وفات ایدن کبار مشاهیر (۱) صلاح الدین صفدی و قطب الدین تحفانی و عزالدین بن جاعه و تاج الدین
 ابن السبکی و بهاء الدین بن السبکی و جمال الدین بن الاسنوی و ابن الصایغ حنفی و شیخ جمال الدین بن نباته
 و عقیف الدین الیافعی و سراج الدین هندی شارح کافیه و حافظ عماد الدین بن کثیر مؤلف تفسیر و توارخ
 و بدرالدین بن حبیب و ضیاء الدین القریمی و شیخ اکمل الدین شارح هدایه و مولانا سعد الدین نفتازانی
 و بدرالدین زرکشی صاحب تألیفات و سراج الدین البلقینی و زین الدین عراقی و دخی نیجه ل ایدی
 (فصل حادی عشر در احوال مستعین بالله امیر المؤمنین ابو الفضل عباس بن المتوکل علی الله) سکزیوز
 سکزده پدری متوکل برینه خلیفه اولدی * اون درنده هندستان بادشاهی غیاث الدین اعظم شاه
 ابن اسکندر شاه خلیفه به وافر مال و پادشاهه ار مغالنه کوندروب سلطنته اجازت شرعیه رجاسنه ایلی
 کوندردی ینه بوسنه سلطان فرج بن برقوی امر اذن شامده خروج ایدن شیخ محمودی ایله و نوروز ایله جنگه
 مستعینله یله کیدوب جنگده فرج صینوب امر آتی عزل ایدوب جبر و ابرام و شروط کثیره و نیجه کلام ایله
 اون بش محرمنده امر خلیفه بی پادشاه ایدوب بعده فرج قتل اولنوب خلیفه من بور شیخ ایله مصره کلدیلر
 بخاری شارحی شیخ الاسلام ابن حجر تهذیب سلطنته قرق سکزی بیلور قصیده دیدیکه بعض اییاتی بودر (نظم)
 الملك اصبح ثابت الاساس * بالمستعین العادل العباسی * رجعت مکانة آل عم المصطفی *
 لخلها من بعد طول تاسی * فرع غامن هاشم فی روضه * زاکي المنابت طیب الاغراس *
 فالجند لله المعز لدينه * من بعد ما قد کان فی ابلاس * بالاسادة الامر آراکان العلی *
 ما بین مدرک ثاره و مواسی * ترکوا العدی صری بمعتزک الردی * قاله بحرهم من الوسواس *
 و امامهم بجلاله متقدّم * تقدیم بسم الله فی القراطس * فهو الذی قد ردّ عنا البؤس فی *
 دهر به لولاه کل الباس * وازال ظلمات کل معصم * من سائر الانواع و الاجناس *

کم نعمه الله كانت عنده * فكانها في غربه وتامى * استبشرت ام القرى والارض من *
 شرق وغرب كالغيب وفاس * مولاي عبد قد اتانا راجيا * منك القبول فلا يرى من ياس *
 لولا الهابة طوت امداحه * لكانها جاءته بالقسطاس * فادام رب الناس عزك دائما *
 بالحق محروسا رب الناس (نثر) مر ويدركه خليفه تدبير جميع امور سلطنتي من بورشخ محمودي به اصميرايوب
 وزير ايدوب اول دخي كندويه نظام الملك ديولقب قويوب سكه وخطبه ده شريك اولغين امرا واعيان
 اولان خليفه نك ديواته واروب بعده شيخه واروب لازم اولان امور به ورلدی وطرغا يازدرمغه شيخ كندو
 دو اندارني خليفه به كوندروب لازم اولاني خليفه به يازدروب به شيخه كتوروب انده تقسيم اولنوردی *
 بعده شيخ قوت وشوكت واستقلال بولوب سلاطين سابقه عادتخه خليفه خلافتده طوروب سلطنت بوكا
 اولن ايجون خليفه به تكليف ايند كده اودخي نوله لكن بن قاعه سرايندن جيقوب شهرده اولكي منزله كوچه يم
 ديوب شيخ بوني قاعه ده محبوس كبي طوروب خلقه قارشدرمق ايجون كوچه كركضاو يرميوب بي منت
 وبی اجازت ماه شعبانده تغلبه پادشاه اولوب كندويه مؤيدلقين قويوب خليفه بي خلافتدن دخي رفع وانك
 برادري داودي نصب ايدوب مستعيني اهل وعياله براره قويوب خلقه بولشمدن منع طريقيه حبس
 شاكلو ايدی (نظم) الدهر دولاب يدور به السرور مع السرور * بين افق فوق السماء فاذا به تحت الصخور
 (نثر) شام طاكی امير نوروز شيخ خليفه بي رفع ايدو كنه انجنوب شيخه جنكه عزم ايدوب شيخ ايشته كده
 سكر يوزاون يديده شامه عسكر كجوب كيدوب مستعيني قيدنده اسكندريه قاعه سنه حبسه كوندروب
 بعد زمان ملك ظاهر طر يادخي صكره ملك اشرف بر سبای تخته كجركده مستعيني حبسدن جيقاروب
 مصره كلكه اجازت ويرد كده مستعين اسكندريه شهرندن حظ ايدوب انده تجارتدن دخي وافر مال دخي
 تحصيل ايتكدين انده قلوب سكر يوزاوتوزاوج جمادی الاخره سنه قرق ياشندن اكسك ايكن طاعوندن
 وفات اينوب خلافتي يدي ييل اوج آي و بوم دنك ايجنده التي آيده هم خليفه هم سلطان نامنه اولوب لكن
 من بورشخ محمود بنك مغلوبی كبی ايدی (فصل ثاني عشر در احوال معتضد بالله داود ابن المتوكل على الله)
 سابقا مذکور اولان شيخ محمودي تغلبه تخته كجوروب سكر يوزاون بشده بونك برادري مستعيني خلافتدن
 رفع وبوني نصب ايدی * يكرمي درت محرمنده قرق ياشنده من بورشخ وفات ايدوب يرينه اوغلي احمد پادشاه
 اولوب ماه شعبانده وزيري ططر آني رفع ايدوب تخته كندو كجوب ذي الحجده ططر وفات ايدوب يرينه
 اوغلي محمد كجوب يكرمي بش ربيع الاخره مخمدي وزيري بر سبای رفع ايدوب يرينه كندو كجوب قرق
 بر ذي الحجده سنه بر سبای وفات ايدوب يرينه اوغلي يوسف كجوب قرق ايكي ربيع الاولنده يوسف وزيري حقمق
 رفع ايدوب يرينه كندو كجوب * اشبوسا ططنك هر بر سبانه خليفه اجازت ويروب مقرر قيلمشدی
 بوسلاطينك احوالري آشاغیده كلور (نظم) منه در جهان دل كه بيكانه ايست * جو مطرب كه
 هر روز در خانه ايست * نه لایق بود عشق بادلری * كه هر بامدادش بود شوهری (نثر) سكر يوز
 قرق بشده معتضد ورور دراز خسته اولوب ربيع الاولده التمش اوج ياشنده وفات ايدوب خلافتي اوتوز ييل
 مقداري ايدی (مناقب) مر ويدركه علم وكالده وهر حالده اشرف خلفادن اولوب بالاعتقاد صاحب
 اوراد عظيم الشان ايدی عيم الاحسان ذكي وعادل واكثر علومدن حصه به نائل ودائما فاضله لاياله مختلط
 وقلب صفا جلي معاشرت اهل عرفانه مرتبط ايدی * غایت بلند همت اولغين جاساوند ما ايله خلقه قدما
 معاملهن ايتك ديلوب لكن او قدر وسعتي اولماغله احيانا زير بار ديونده زبون اولوردی (تجربه) مر ويدركه
 بونك زمانده سكر يوز يكرمي بشده برخاوندن برخشي اوغلا فتيح طوغدی كه هم ذكری وهم فرجی
 اولوب ايكي آوجي ايجنده بر راي وياشنده صغرو بونوزی كبی ايكي بونوزی اولوب لكن في الحال وفات ايندی
 (متفرقات) يرينه يكرمي بشده مصرده عظيم زلزله اولدی * بونك زمان خلافتده وفات ايدن كار مشاهيرك
 بعضی بونلرايدی (۱) مجد الدين فيروز آبادی كه صاحب قاموس در و عز الدين بن جماعة و جلال الدين
 البلقيني وسراج الدين قاري الهادي مؤلف فتاوى وشمس الدين البرماوى شارح بخارى ومولانا قاره
 ده قوب قرياني وابن الجزري شيخ للقرآن وابن حجر ديكره معروف شاعر ومنشی فاضل ككه بديعه

آدلو كتاب مؤافيد رودخي نيجهر (فصل ثالث عشر در احوال مستكني بالله سليمان بن متوكل على الله)
 برادري معتضد وفاتده انك تعيينيله بيعت اولندي غايتده صالح وعادل وديندار وكثير السكوت وكثير التلاوه
 وعباده تكار اولوب * تاريخ الخلفاء ده شيخ جلال الدين سيوطي بنم پدرم بونك اما مي و غايتده مقبولي ايدی
 بزبونك خانه خير آشيانه سننده نعمت بيكرانه سيله پرورده اولشدر آل عمر بن عبدالعزيز بن نصر كره بونك
 آل واتباعي كبي اصحاب عبادات بر طائفه كلامشدر * سكر يوز التي درت ذي الحجده سنك آخرنده مقدمه خسته
 اولغين وفات ايدوب مصر سلطاني حقمق بونك غايت محب ومعتقدی اولغين نابوي او كجه بيان يور يوب
 بر قاج دفعه تبركا كوتروب پدرم دخي قرق كوندنصر كره وفات ايدی شيخ الاسلام ابن حجر بونك زمانده
 وفات ايدی ديمشدر (فصل رابع عشر در احوال قائم بامر الله حمزه ابن المتوكل على الله) حيا تده اولان
 ايكي برادرندن دخي اسن وارشدوا حسن اولغين خلافته بيعت اولندي * ليبي ومهيبي كسبه ايدی سكر يوز
 الی يديده سلطان حقمق وفات ايدوب اوغلي عثمان تخته كجوب بر يقي آيدنصر كره وزيري امير اينال عثمانی
 رفع ايدوب يرينه كندو كجوب الی طقوز رجبنده اينال بغي منال (نظم) امور تضحك السفهانه منها *
 وتبكي من عواقبها الالباب * مفهومه بعض خصوصه خليفه به انجنوب سرباه چاغردوب وارد قده
 قاقيوب خليفه دخي لسانده لكنت اولفله جواب ويركن اينال فهم ايدو ميوب طوبوب قلعده ده حبس
 و برادري يوسفی نصب ايدوب بعده محبوسى اسكندريه به كوندروب انده حبس ايدروب التمش برده
 اطلاق ايدرد كده اسكندريه ده ساكن اولوب التمش او چده انده وفات ايدی * خلافتي بش ييل ايدی
 (فصل خامس عشر در احوال مستنجد بالله يوسف بن المتوكل على الله) برادري رفعنده يرينه
 كجورمشدر * سكر يوز التمش بشده اينال وفات ايدوب يرينه اوغلي احمد تخته كجوب بوسنه نك رمضانده
 امير خوشقدم احمدی رفع ايدوب يرينه كندو كجوب التمش اينكده وفات ايدوب يرينه يلبای كجوب
 ايكي آيدنصر كره عسكر بابايه هجوم و رفع ايدوب يرينه عمر بغا كجوب ايكي آيدنصر كره اودخي عسكر
 هجوميله رفع اوانوب ويرينه امير قايتباي نصب اولندي (نظم) باطالب الدنيا الدنيا منها *
 شرك الردى وقرارة الا كدار * دارمي ما تضحكت من يومها * ابكت غدا بعد الهامان دار (نثر)
 من بور خليفه ايكي ييل مفلوج اولوب سكر يوز سكرسان درت محرمنده طقسان ياشنده وفات ايدی
 خلافتي يكرمي بش ييل ايدی (فصل سادس عشر در احوال متوكل على الله عبد العزيز بن يعقوب
 ابن المتوكل على الله) سكر يوز اون طقوزده طوغوب سكرسان درت محرمنده عيسى مستنجد يرينه كجوب
 خليفه اولدی * پدری يعقوب خليفه اولماشدر * اشبوسا متوكل حميد الخصال سيد الفعالي محبوب القلوب
 مسلوب العيوب عالم كامل صالح عامل اولوب مستكني باللهك دامادی ايدی * سكرسان بشده مصر
 عسكری سر عسكر امير يشبك دويدار ايله ولايت عراقه كوندروب رها شهرى قرينده يعقوب شاه
 ابن حسن ايله صواب مصر ييل صينوب كيم قيرلوب باقيلري اسير اولوب يشبك بوني اولدی * سكرسان
 التيده مصرده عظيم زلزله اولوب بناال حتى طاغرا صار صلوب لكن تيز ساكن اولدی * اشبوسنه مصره
 فاتح قسطنطينيه اولان صاحب قران زمان نخر آل عثمان مرحوم ومغفور سلطان محمد خان حضرت تليزبك
 وفاتي خبری واوغلي سلطان بايزيد خانك جلوسى خبری كاوب بعده شهزاده سلطان جم برادرندن خوقا
 قاجوب مصره كاوب سلطان قايتباي غايت رعایت وزيايه تعظيم ايدوب جم پرغم مصردن حجه كندی
 اشبوسنه شوالنده مدينه منوره مسجد حضرت رسول صلى الله عليه وسلم مناره لزند يرينه بر كجه
 يلدرم اينوب مسجد شريف يانديغى خبری كلدی * بعده سلطان قايتباي اني مجددا بنا ايدی تكيم آشاغیده
 كلور * طقوز يوزاوج محرمي اوخرنده متوكل خليفه وفات ايدوب ماه صفرده وصيتي اوزره به قوبه بيعت
 اوانوب مستكن بالله ديولقب قوندى * تاريخ الخلفاء سيوطي بومحمد تمام اولوب بوندن آشاغيسى
 يازليوب خيس آدلو كتاب سير آخرنده ومير خوانده من بور مستنك طقوز يوز التي شوالنك اول كوني
 دويدار كبير فاضل وغوري بي اتفاق اهل مصرله سلطنته كجوردی دينوب من بور خليفه نك سائر احوالى
 يازليوب مرحوم سلطان سليم خان مصري فتح ايدی يي وبعد زمان وفات ايدوب يرينه مرحوم سلطان

سلیمان خان پادشاه اولدین اجالایز لوب بو کتاب دخی بومحمد تمام اولغین ظن غالب بودر که سلطان سلیم
مصری فتحه کده مستسک بالله حیاته و خلافتده موجود بوانش اوله * والله اعلم بالصواب
(باب ناسع عشر در احوال ملوک حرا کسه) اشبو طائفه چرکس جفندن بکرمی بش نفر آ زاد لوقول
ایدیلر * ظهورری بدیوز سکسان درنده و مدت سلطنتی بوز او تون سکر بیل اولوب تخت کا هری مصر
دارالنصر ایدی (فصل اول در احوال ملوک ظاهر سیف الدین برقو الجرسکی العثماني) چرکس جفندی
اولوب امرأه مصر دن امیر بلغای کبریک معتقد در عاقل و عدل انما و محب صلحا و علمایر امیر دلیر صاحب
تدبیر ایدی * فواج مسکینه ده هجرت حضرت رسول صلی الله علیه و سلم دن مائنه ده محمد دین یعنی ناصر
و مؤید شرع سید المرسلین زمره سلاطیندن برقو علمادن سراج الدین بلقینی شافعی ایدی دینشدر
آخر ملوک ترکانه اولان ملک صالح حاجینک وزیر و والی باشنده او غلا فحق اولغین انک انابکی ایکن
بدیوز سکسان درت رمضانده تغلبه انک برینه تخت کجری * طقسان برده حلب بکی بلغای ناصر مصر
عسکر چکوب برقو طوق کر که کوندر و ب صالحی تکرار تخت کجور و ب صالحه کندی
وزیر اولدی * طقسان او چده امیر منطاش بلغای حبس ایدوب برقو قتل آدم کوندر و ب او کسنه
کرک خلعنک مبعوضی اولغین خلق اتی قتل ایدوب برقو چیقارد قلنده از کسنه ایل شامه وار و ب
شام بکی جاتر عسکره فارشولوب صواشوب صیوب شهره قومیوب حلب بکی کشمغیر بر قوقه معاونته
کوب وافر عسکر جمع ایدوب صالح دخی مصر دن خلیفه و منطاش عظیم عسکره کوب شام قر بنده
صواشوب ایکی طرف دخی کاه غالب و کاه مغلوب اولغین حیرته ایکن کشمغیر حلبه منطاش شامه
قاجوب برقو سراسیمه کرکن (نظم) اذا قبلت جات تقاد بشعرة وان ادبرت ولت تقد السلاسل
مصدافجه ملک صالحک چادری اوزرینه اوغرا یوب یلوب اینوب صالحی طوق برینه کجوب
ایکینی دفعه تخت کجوب او و ب چادر یاتدن کچنلر ناچار اینوب برقو سرفرو ایدوب دستبوس ایدر
اولدیلر (محرره) بخت و طالع ایدر ایشی کشی * بختسز عکسه دوز هر جنبشی (نثر) بعده
منطاشله جنکه بلغای کوندر و ب حصده عظیم جنک و امرادن نیجه لقتل او انوب منطاش
قاجوب بلغای برقو شام بکلکی خبرین کوندردی * طقسان او چده منطاش شامه عزم ایدوب
حاجای الوب بعلبکه وارد قده بلغای عسکره اکا کیدوب منطاش غیری یولدن شامه کوب بلغادخی
کوب نیجه کون صواشوب برقو ایشیدوب مصر دن فی الحال عسکره چیقوب منطاش ایشد کده
شرقه قاجوب برقو شامه اندن حلبه کوب دوند کده بلغای بعض امرای قتل ایدی * طقسان درنده
برقو مصره کیوب منطاش بر عرب بکنه وارد یعنی ایشد کین اتی ایشدوب اودخی و پرد کده حلبه
قتل او انوب باشی مصره کنور لیدی * اشبو بیل عجمده قره قیونلیدن ترکان پادشاهی قره یوسف بن قره محمد
تبریزی فتح ایدوب مفتاحلین سلطان برقو کوندر و ب دخی اکا سلطنته اجازت خلعت کوندردی *
طقسان بنده بغداد پادشاهی سلطان احمد بن او یس تیمور انکدن قاجوب مصره کوب برقو فی زینت
و شوکتله فارشولوب غایت رعایت ایدوب تیمور عراق عرب و جمله بلاد عجمی آلدیغی خبر و یردی
بعده تیمور برقو ایلی کوندر و ب برقو انلری یولده قتل ایدوب تیمور ایشد کده شامه عزم ایدوب
موصل قر بنده رحاشهرین الوب تب و غارت و نیجه کسنه لاسیر ایدوب دونوب کندی * طقسان التیده
برقو سلطان احمد ایل شامه کوب احمدی بغداده کوندر و ب وارد قده بغدادی الوب سکینی برقو نامنه
ایندی * طقسان بدیده سلاطین آل عثماندن یلدرم بایزید خان ابن مراد خان بروسه شهرندن برقو
و خلیفه به ایلیله هدایا و محبتنامه کوندر و ب سلطنته اجازت شرعیه طلب ایدوب ایکینی دخی اجازت
خبرین کوندر دبلر * هجرتک تمام سکر یوزنده برقو خسته اولوب ماه شوالده وفات ایدی * اولدی سلطنتی
القی بیلیدی آئیکی طوق بیل طوق زای اولوب مصرده برجامع و مدرسه یا یوب قدسده مطبخ حضرت
خلیل الله برکوی وقف ایشدی (فصل ثانی در احوال ملوک ناصر فرج بن برقو) پدری وفاتده
او ان یکی باشده تخت کیمکین شام بکی تم حلب بکی اقبغا اتفاقله عصیان ایدوب عسکر جمع اید کارنده

یلدرم بایزید خان بروسه دن کوب ملاطیبه فی محاصره ایل الوب سکر یوزایکیده ناصر مصر دن شامه کیدوب
تم دخی عسکرله چیقوب قدس اطرافنده صواشوب تم صیوب طوق لوب ناصر منصور بامرور موفور
دونوب مصره کادی (مفاسد تیمور) ینه بوییل تیمور انک سکر کره یوز بیک عسکرله و بر قاج فیله
هندستان سفرندن دونوب برقو قتل وفاتن ایشیدوب شاد اولوب سیواسه کوب محاصره ایدوب بعده
امانله الدقهه غدر ایدوب چقور لر قازدروب اوچ بیک صاغ کسنه بی کوموب شهر ی یاقوب ییقوب
انواع ظلم و فساد ایشد کده فلان ظالم تیمور سیواسه ایدوب کن ایدی دیو بن اصحاب الملل ضرب مثل اولشدر
بعده همسنی قلعه سن الوب حلبه عزم اید کده عساکر اسلامیه حمله جمع و قدوم ضرر زوم تیمور بدیده
وسیع اولوب شاه تیمور یی نور برزور فرزانه آتلو و پیاده عسکر یی کرانه و بر قاج فیل کوه نشانه ایل
کوب نطع شهر حلبه بخت فرخ ایلدرخ نما و بادی سفت دما اولد قده اهل حلب نیجه طاب شهره قاجوب
مجرد از دحامدن ییچد کسنه هلاک اولوب عسکر تیمور بونلری بیای مقتول و مأسور ایدوب بعده شهرده
بر قاج کونه دل انواع ظلم و قتل و فساد ایدوب علمای چاغردوب مفتی حنی اولان مولانا محمد بن شخبه ایل
واروب بولشد قلنده قیل و قال و جواب و سوال ایدوب ابن شهنه دن حظا ایتمکین حلبه قودینی بکه
علمای رعایت و حمایت ایلک اصمیر لوب بعده شامه کیدوب مصر دن سلطان ناصر عسکرله شامه کوب
محکم صواشوب تیمور صیغه یقوشوب اکن ناصر لبعض بکاری خیانت ایتمکین ناصر احتیاطا مصره
کیدوب تیمور دمشق شامه کیوب حلبه ایدوب کندن زیاده ایدوب بعده دونوب حلبه یقلا شوقه حاجی
آتشه یا قدر و ب عجمده قراباغه کیدوب سکر یوز درنده تیمور یلدرم بایزید خانک اوزر ینه کوب آشاغیده
تفصیل اولنه حق و جهله انکور یی شهرنده محض حکمت رب قادرا کبرایه تیمور اکا ظفر بولدی (نظم)
خدای عز و جل را بضمین هر چه کند * لطیفه ایست که کس را از ان خبر نبود (نثر) ینه بویله
تیمور سابقا مصره حبسه کوندر لیش بر بکی طلبه ایلی کوندر و ب ملک ناصر دخی بکی و ایلی بی
رعایتله کوندر دیکین تیمور حظا ایدوب ناصر هدایایه بر فیل کوندردی * سکر یوز التیده سابقا مصره
کوب کیدوب بغدادده تکرار پادشاه اولان سلطان احمد بن او یس تیمور خوفندن قهر و صرخته قاجوب
شامه کوب ناصر امرایه طوق لوب حبس اولندی * اشبو بیل تیمورک مصره کلان ایلیملری دونوب
ناصر دخی تیمور هدایایه برزرافه یعنی زور نایاب و بر قاج نعمه یعنی دوه قوشی کوندردی بوسنده حلبه
و بعض برارده عظیم زلزله اولدی * سکر یوز سکر ریح الاقلنده ناصر کندی امراسنک اختلافندن قاجوب
کیرانوب برادری ملک منصور یی تخت کجور دیلر ناصرک اشبو اولکی سلطنتی اتی بیل ویش آئی ایدی
(فصل ثالث در احوال ملوک منصور عبد العزیز بن برقو) برادری کیزلند کده برینه کجور لوب
الی سکر کوندر کسکره ینه برادری ظهور ایشد کین تخت کجوب بوی طوق اسکندر یه کوندر و ب
انده قتل ایدردی (نظم) دنیا که درویشات کم ییتم * در هر فرش هزار غم ییتم * چون کهنه
رباطیست در هر طرفی * راهی به بیابان عدم ییتم (فصل رابع در احوال ملوک ناصر فرج بن برقو)
مقدم کیزلند کده برینه برادری کجور لوب الی سکر کوندر کسکره ظهور ایشد کین تخت کجوب *
سکر یوز اون بشده امرادن شیخ محمودی ایل نوروز آدلوماند سک بدرک ایکیک شامه خروج ایدوب
ملک ناصر مستعین خلیفه ایل مصر دن ییله چیقوب واروب ناصر جنکده مغلوب و خامر اولد قده
امرأه بلا امر بوی عزل و قتل برینه خلیفه فی سلطان ایدیلر ناصرک عمری بکرمی اتی بیل اولکی سلطنتی
القی بیل بش آئی ایکینسی اتی بیل طوق زای ایدی (فصل خامس در احوال ملوک عادل مستعین بالله
ع. اس ابن المتوکل علی الله) محمد خلفاء عباسیه مصر دن اولغین بونک تفصیل احوالی اوچ ورق مقدم
کچمشدر سکر یوز سکر دنبرو مصرده خلیفه ایدی سفرا و ستنده ناصر قتلنده امرانک کلی منت و ابرامریله
تخت کجور لوب خروج ایدن شیخ محمود بکوزیر اولوب نظام الملک دیواقب قونوب سک و خطبه ده شریک اولوب
الی آید نکره خلیفه فی تغلبه ظالم حبس ایدوب برینه تخت کجوب درت ییله نکره اسکندر یه کوندر و ب
حبس ایدوب بعد زمان مصر سلطانی ملک ططر یا ملک برسبای بوی حبسدن چیقار و ب اسکندر یه ده

مجاورت اختیار ایدوب سکز یوز او تو ز او چده طاعون دند وفات ایتدی (فصل سادس در احوال
ملک مؤید شیخ المجددی الظاهری امی شیخ در سابقا محمود آدلو باز رکات قوی اولغین محمودی دیکله بعده ملک
ظاهر بر قوقل قوی اولغین ظاهری دیکله مشهور ایدی * اوج درت ورق مقدمه مستعین فصلنده تفصیل
اولندی اوزره سابقا شامده خروج ایدوب بعده مصره سلطان و خلیفه اولان مستعین بالاهلک وزیر و سکه
و خطبه ده شریکی اولوب سکز یوز اون بش شعبانده انی ظلم ارفع و حبس ایدوب تختہ کند و کجوب ملک
مؤید دیولقب قوقل * اون الی ذی الحجه سنده مستعینک برادری معتضد بالاهی خلیفه دیکوب شام یکی
امیر نوروز بوظلمی ایشدوب شیخه چنکه عزم ایدوب شیخ دخی ایشد کده سکز یوز اون بدیده مستعین
اسکندر به حبسه کوندروب کند و شامه عسکر چکوب سکز یوز بکرمیده مصره حالا مؤیدیه
دیدکاری بر لطیف جامع شریف و مدرسه یا یوب بکرمی درت محرمده وفات ایدوب سلطنتی سکز بیل
بش آی ایدی (فصل سابع در احوال ملک مظفر احمد بن ملک مؤید شیخ) پدری برینه کجور لوب
امیر ططر وزیر و تابیکی اولوب بیدی آید فکرمه ططر احمدی رفع ایدوب برینه کند و کجودی (فصل ثامن
در احوال ملک ظاهر ططر) قول جنسید و ملک مظفرک وزیر و تابیکی ایکن سکز یوز بکرمی درت
شعبانده تغلبه برینه کجوب اوج آید فکرمه وفات ایتدی (فصل تاسع در احوال ملک صالح محمد
ابن ملک ظاهر ططر) پدری وفاتده برینه کجور لوب درت آید فکرمه وزیر و تابیکی اولان امیر بر سبای
بونی رفع ایدوب برینه کند و کجوب ملک صالح بعد العزل مصره کمال عزت و حرمت و حضور و رفاهیت
اوزره معیشت ایدوب سکز یوز او تو ز او چده طاعون دند وفات ایتدی (فصل عاشر در احوال ملک اشرف
بر سبای الدقاقی) سلطان بر قوقل عبد معتقد در ملک صالح وزیر ایکن سکز یوز بکرمی بشده تغلبه
انی رفع ایدوب برینه کجودی * بکرمی طقوزده قبرس جزیره سن کفار الذدن فتح ایدوب پادشاهی
اسیر اولمشیکن آزاد ایدوب هر بیل خواجه کسیدی * او تو ز التیده دیار بکره بالذات سفر ایدوب
زمان سلطنتده مصره بر اعلام درسه بنا ایدوب فرق بر ذی الحجه سنده وفات ایدوب سلطنتی اون الی بیلدر
(فصل حادی عشر در احوال ملک عز بر یوسف ابن ملک اشرف بر سبای) پدری وفاتده برینه کجوب
اوج آید فکرمه وزیر و تابیکی امیر چقمق بونی رفع ایدوب اسکندر به به کوندروب برینه کند و کجوب
سکز یوز اتش سکرده یوسف اسکندر به ده وفات ایتدی (فصل ثانی عشر در احوال ملک ظاهر چقمق
العلائی) سلطان بر قوقل عتقا سندن ایدی ملک عز بر یوز وزیر ایکن تغلبه برینه کجوسدر زمانده نیجه
جوامع و صوامع و بعض مواضع تعمیر و بنا ایدوب خیرات و مبرات بحد و حسنات و صدقاتی لاتعداد
خصوصا حرمین محترمین خلقنه هر بیل در یادن کیلر بغدادی کوند رملکیچون کویلو وقف ایدوب هر کون
بر وارد بغدادی بشملک شرط ایتدی * سکز یوز فرق بدیده ج ایدوب الی بیدی صفر نده خسته اولده حسن
اختیار ایلر اوغلو تختہ کجور و بر یکی هفته دنسکره کند و وفات ایتدی (فصل ثالث عشر
در احوال ملک منصور عثمان ابن ملک ظاهر چقمق) پدری خسته ایکن بونی تختہ کجور و بر فرق
کوند فکرمه امرادن امیر اینال تغلبه بونی رفع ایدوب برینه کند و کجوب بونی اسکندر به به کوندردی اهل علم
و صلاح و کمال اولغین الی بریاشنده وفات اید فحیه دلک علم و عباداته اشتغال ایتدی (فصل رابع عشر
در احوال ملک اشرف اینال الناصری) ملک ناصر فرج بن بر قوقل متعلق سندن ایدی * سکز یوز
الی بیدی ربیع الاولی غره سنده ملک منصور ی رفع ایدوب برینه کند و کجودی * سکز یوز اتش بشده
خسته اولده حسن اختیار ایلر اوغلی احمدی تختہ کجور و بر ایتسی کند و وفات ایتدی مصره
بر مدرسه یا یوب قدسده حضرت ابراهیم و بر قاج انبیاء علی نبی و علیهم الصلاوة والسلام مزارات شریفه لرینه
آغریه لوز بانی اور تو ز طوقدوب اور تدر مشدر * قدسده بعض خیراتی دخی وارد سلطنتی سکز بیل
و ابیکی آی ایدی (فصل خامس عشر در احوال ملک مؤید احمد بن ملک اشرف اینال) پدری برینه
کجوب درت آید فکرمه سکز یوز اتش بش رمضانده امیر خوشقدم تغلبه بونی رفع ایدوب برینه کند و کجوب
بعده احمد سکز یوز طقسان بشده الی سکز یاشنده وفات ایتدی (فصل سادس عشر در احوال ملک ظاهر

خوشقدم) سابقا ذراولان ملک مؤید شیخ محمود بن عتقا سندن احمد بن اینال برینه تغلبه کجوب
الی بیل و الی آی سلطنت سور و بر سکز یوز اتش ایکن ربیع الاولنده وفات ایدوب نیجه آثار خیراتی وارد
مکه مکرمه طاغیر اور تاسنده اولغین شهره سبیل کلسون دیو اوزاقدن بر عظیم سد بنا اولوب
حالا سد خوشقدم دیکله مسمی اولانی غالباً او بنا ایتدر مشدر (فصل سابع عشر در احوال ملک ظاهر یلبای
العلائی المؤیدی) خوشقدم وفاتده برینه کجوب الی بیدی کوند فکرمه مصره عسکر هجومه بونی رفع
و امیر عمور بغای نصب ایدوب بونی اسکندر به به کوندروب اوسنه ایچنده آند وفات ایتدی (فصل ثامن عشر
در احوال ملک ظاهر) عمر بغا الظاهری اتفاق عسکرله یلبای برینه کجور لوب الی سکز کوند فکرمه
عسکر بو کا دخی هجوم و رفع و برینه امیر قایتابی نصب ایتدیلر * بعده عمر بغا عزت و حرمت ایلر مصره
دمیاط شهره کوندروب بعده اسکندر به ده متقاعد اولدی (فصل تاسع عشر در احوال ملک اشرف
قایتابی المجددی الظاهری) مصره محمود آدلو باز رکات کتور و بر بعده سلطان بر سبایک قوی
بعده ملک ظاهر سلطان چقمق بونی اولوب چقمق آزاد ایتدی * عمر بغا رفع اولنده سکز یوز اتش
ایکن رجینک التخی کونی فرق الی یاشنده تختہ کجور لودی (مناقب) مرویدر که آق بکزلو خوب صورت
بلند قامت منور روی پستیده خوی فصیح اللسان ملیح البیان صالح وایب شجاع و مہذب مدبر
و مصیب اولوب هر حالده خیار کار ملوک سلف جلیل الاعتباردن معدود اولغه سزاوار بر پادشاه عالیه
رعایا پناه ایدی * مناقب و احوالی کتاب مستقل اولغه مختل اولوب ند کلو توصیف اولسه کبر و قصوری
اولوب عدل و دادله تعمیر بلاد و ترفیه عباد ایتدی * سکز یوز اتش درنده مکه مکرمه ده
مناده مسجد خیفی و عرفاتده مسجد عمری و قبة عرفاتی و موقف حجاجک ایکن حدی اولان ایکن علمی
و مژدافه مشعر الحرامک نزد بانلرین و راه حیده خلیص آدلو منلده برکة عظمتی بنا ایتدروب اول حوضه
اقارصو کتوردی * بر بیل صکره عرفاتک اقان بیکاری کسلیکین اقتدروب اتش طقوزده مکه شهرنده
زمن شریف قیوسی قبه سنی و مقام حضرت ابراهیمی و حنفیلمقامن تعمیر ایتدروب اتش طقوزده حرم
شریفه بر منبر کوندروب هر بیل کعبه معظمه به اورنه جک اور تو تعیین ایتدی * مرویدر که مکه و مدینه
و قدسده واسع و بلند و مرخم و بی مانند مدرسه لر و حرمین شریفینده عمارت لر و مصره قریب قطیبه قصبه سنده
بر جامع یا یوب حرمین شریفین خلقنه دشبشه دیکله معروف و مشهور نیجه یلک اردب بغدادی و حجویات
تعیین ایدوب وقف ایتدوبی معمور قریه لردن تحصیل اولوب هر بیل سویس در یاسندن کوندروب
نیجه بای و کدایه اندن وایه اولوب بخنه و خام توزیع و انعام اولتور * مدینه منوره ده مسجد شریف حضرت
رسول صلی الله علیه وسلم مناره سنه بحکمة الله بر کیجه بیلدرم اینوب جله مسجد باند قدسده مجدداً آنی لطیف
بنا ایدوب حالا مزار لامع الانوار عرض اعتبار رسول مختاری احاطه ایدن مصنع و مشبک فوجدن التون
بالدزی قفص واسع و عظیم بوتک اثر بدر و الحاصل خیراتی بحد و حسناتی لاتعداد * مرویدر که کمال
شجاعتدن غایت آرزو عسکرله مصردن نهر فرات اطرافنه سفره وار مشدی و کمال دیانت و احتیاطندن
بر منصب و جهت محلول اولده غایت مستحقنه ویرملک ایچون بر قاج آی توقف و اهتمامده تجسس و تکلف
ایدردی * شکر الله سعیه الموفور (وقایع) بعض حوادث زمان سلطنتی بونلدر که سکز یوز اتش
طقوزده ممالک روم و حباب اراسنده بعض ولایتلر تغلب ایدن شهر سوار طوتلوب مصره کتور لوب صلب
اولندی قایتابی قبل السلطنه ایکن کره ج اتش اولوب بعده سکسان درنده دخی کیدوب مدینه فقراسنده
الی بیلک مکه فقراسنه بش بیل فلوری تصدق ایدوب مکه ده اولان مدرسه سنه شیخ و مرید لر نصب ایتدی *
سکسان بشده سر عسکری اولان امیر بشبک دویدار عسکره مصر ایلر سلطان یعقوب بن حسن ایلر چنکه
کیدوب رهها شهر نده صواشلوب مصر بیلر قتل و اسیر اولوب بشبک بونی اورلدی * سکسان اتیده
مصره عظیم زلزله اولوب بالار و طاغیر صار صلوب آرزمانده ساکن اولدی * یه بیل فاتح قسطنطنیه
اولان مفخر آل عثمان مر حوم سلطان محمد خانک و فاتی و اوغلی سلطان بایزید خانک جلوسی خبری کلوب بعده
شهرزاده سلطان جم برادری خوفندن قاچوب مصره کلوب قایتابی کاغایت رعایت ایدوب مصردن

شاهمانندن مکه به حج گشتی * طقوز یوز بر ذی الحجه با خود ذی القعدة سنک یگری سکنزده سلطان قایتبای
یتش بش باشند و فوات ایدوب سلطنتی یگری طقوز ییل و درت آی وایکی کون ایدی * رحمة الله علیه
و علی امثاله (فصل عشرون در احوال ملک ناصر محمد بن ملک اشرف قایتبای) پدری خسته اولوب
وفاتلن ایکی کون مقدم خلیفه زمان متوکل علی الله ایلر ارکان واعیان بونی سلطان ایدوب سن بلوغده
جوان ایدی سر عسکر اولان دویدار کبیر امیر قانصو خسمایه وزیر و انابکی اولوب ایکنی کون سلطان
قایتبای وفات ایدی * طقوز یوز ایکی جمادی الاولینک یگری سکنزده قانصو خلیفه ایلر علما و امرای
جمع ایدوب محمدک سلطنته عدم قدرتی ییلنوب خلع ایندیرلوب برینه کند و کچورلوب بیعت اولندی
(فصل حدی و عشرون در احوال ملک اشرف قانصو خسمایه الاشرفی القایتبای) سلطان قایتبای
معتقل زندن اولوب قانصو خسمایه دیرلر ایدی غالباً سابقاً عسکر کردن بشیوز نفرک ضابطی اولدیغیچون
ایدی * جلسی ملک ناصرک وزیر و انابکی ایکن خلقی جمع ایدوب انی خلع و کندوبی نصب ایندردی *
اوج کوندنصرک عسکر حرکت ایندکده قدسه قریب غزه شهرنه قاچوب خان پونس وقعه سنده
ناپید اولدی (نظم) بکزر جهانک ایشی همان قوش جالنه * اکله بوسوزی عارف ایسک دوش
خیالنه (فصل ثانی و عشرون در احوال ملک ناصر محمد بن ملک اشرف) سابقاً کراولندبغی اوزره
اوغلاختقدردوب سلطنتدن خلع اولنوب اوج کوندنصرک طقوز یوز ایکی جمادی الاخره سنده
رشد و بلوغی نابت اولوب ایکنی دفعه تخته کچورلوب بونک برینه کچن قانصو قاچوب بعده ناصر
ذوالرای القاصر (نظم) ان الشباب والفراغ والجد * مضیعة للمرءای مفسده * مغفومنج اراذل
وضیقه ایلر معاشرت و فواحش و منکرانه مباشرت ایدر اولدقده مصر شهرینک قارشو سنده جزیره جیزه
قصبه سنده طقوز یوز درت ربع الاولی نصفده قتل اولنوب اولکی سلطنتی التی آی ایکی کون ایکنجیسی
ییل و التی آی ایدی (فصل ثالث و عشرون در احوال ملک ظاهر ابوسعید قانصو) سلطان قایتبای
مرحومک عبد معتی و ملک ناصرک دایسی ایدی یعنی بونک همشیره سی انک والده سی ایدی ناصر قتل
اولندقده خلیفه زمان واعیان و ارکان طقوز یوز درت ربع الاولینک اون بدبسنده جمعه نمازی وقتده
بوکایعت اولندی * عمری یگر میله او تو زما بیننده ایدی بر ییل سکر آی وایکی کون یا اوج کون بکرده
طقوز یوز بش ذی القعدة سی آخرنده بونک وزیر و انشته سی جانبلاط تغلب ایندکده قانصو قاچوب
برای مقداری کیرلنوب بعده اسکندر یهیه کوندنرلوب قلعهده قیدوبند پرگزند ایلر حبس اولنوب
اون بدی ییل انده طوروب اوغلی دخی طوغوب مرحوم سلطان سلیم خان صاحب قران طقوز یوز
یگری اوجده کلوب مصری فتح ایندکده امرء مصر ایلر اسکندر یهیه قتل اولندیلر (نظم) بودر هزل
وفا اولمز جفادن بر نفس خالی * کوکل ویرمه اکای عاقل آنک بویه درحالی (فصل رابع و عشرون
در احوال ملک اشرف جانبلاط) سلطان قایتبای قوللرینک مشهورلرندن ایدی ملک ناصر قانصو
برینه کچوب ملک قانصو قاچوب التی آی واون التی کوندنصرک جانبلاط اسکندر یهیه قتل اولندی
(نظم) گردش کردون هزاران کونه در * هر دانه چرخ بر طاحونه در * کیمکه کادی عالمه کیمک کرک *
امریردان بویه درتک کرک (فصل خامس و عشرون در احوال ملک عادل سیف الدین طومانبای
الاشرفی) سلطان قایتبای قوللرینک مشهورلرندن اولوب جانبلاط قتل اولندقده طقوز یوز بش
جمادی الاخره سنک اون سکنزده خلیفه و ارکان اعیان معرقیلر مصره سلطان اولدی * سابقاً شامه تغلبی
زماندنر و بش آی دخی تخت مصره جلوسندن درت آی مقداری کچدکده امیر قانصو غوری بونک برینه
کچدی * بعض کتبه اشبو طومانبای ذکر ایتمیوب همان جانبلاط برینه قانصو غوری کچدی دیومذ کورددر
(فصل سادس و عشرون در احوال ملک اشرف سیف الدین قانصو غوری الظاهری الاشرفی)
ابتدا سلطان خوشقدمک بعده سلطان قایتبایک قولی ایدی هرور زمان ایلر مصرده دویدار کبیر یعنی
سر عسکر و امیر الامرا ایکن طقوز یوز اون ایکی شوالینک اول کونی خلیفه زمان مستقیمک بالله
بعقوب و علما و امرء معرقیلر طومانبای برینه کچوب قصبه خلیفه التی باشند سلطنته بیعت اولندی

مکه مکرمه ده بعض بنار و تعمیر و مصر ده حج بولنده بر قاج خانلر و قیولر و مصر ده یشل کاشی ایله بری نظیر مدرسه و تر به یاوب و افر و قیلایدوب اسکی مصر دن چاق یکی مصر ده دیک نیچه ییک میل یردن نیل کنارندن سراینه صو کلک ایچون عظیم کرلر اوستنه صوبولی یاپردی (زوال) هر ویدر که طوقوز یوز یکر میده آسمان شجاعتنک باز بلند پروازی و میدان مردانک سر باز و ممتازی هر حوم سلطان سلیم خان غازی طوائف عجمک پشت و پناهی شاه کمره اسماعیل دلیل ابلیس تضلیل ایله صحرای چالدرانده ماتند شیر و پلنگ حد و صفدن خارج عظیم جنگ ایدوب عاقبت شاه صینوب تیر خورده شکار و ارفزار ایدوب سلطان سلیم رومه کلوب یگیری ایکی کیده سلیم خانله غوری اراسنده عداوت دوشوب انلر و مدن کلوب غوری دخی چرا کسه دن الی ییک مقداری عسکرله مصر دن کلوب حمله بر قوناق یرده هر ج دابق صحراننده ماه رجبک یگیری بشنده احد کونی وقت صحر دن بین الصلاتینه دلک حرب عظیم و ضرب الیم اولوب عاقبت (محرومه) مالک الملک سلطنت بخشا * حاکم عدل و فاعل ماشا * ارادت حکمت غایتله سلطان سلیم خان کوه تمکین مظهر نصر عزیز و فتح مبین اولوب چرا کسه ابالسه منکوب و قه و روم غلوب و مکسور اولوب غوری یاتندن بر طوب طاشی حد تله کچوب انک صدا سندن قولاغی پرده سی یرتلوب الیدن چیقوب سجاده دوشدوب یاوب جان و یردی * یا خودار القده قتل اولوب یا قوب سمر کسه نه اولغین حیرت و غیرت و حرارتدن و زهر قهر دهر دن ناشی چتلاوب بعده میتی بولنوب اول ایدوکی بار ماغنده کی خاتدن بلندی * مدت سلطنتی اون بش ییل و طوقوز آی و یگیری بش کون ایدی (ملو افه) دوشدی غوری غور چاه زلته * چکدی جور دوری یردی غایتله * نعمت دهر آخری نکبند در * اهل ادرا که جهان عبرت در (فصل سابع و عشرون در احوال ملک صالح یا ملک اشرف طومانبای الاشرافی الجرکسی القايتبای) سلطان غور بنک برادری اوغلیدر مصر ده دویدار کبیر و صاحب شجاعت و تدبیر اولغین غور بنک و فاتن ایشته کده اهل مصر طوقوز یوز یگیری ایکی روضا ننده بونی تختنه کچور دیلر (فتح مصر) هر ویدر که سلطان سلیم خان صاحب قران حبلدن شامه کلوب انده قشلاوب فصل بهار ده مصره واروب طومانبای شکسته رای سابقا شهر لک طشره سنه خندق قازوب کنارنده ایک یوز مقداری طوب قلعه کوپ دیزوب اونوز بیک یرار سوار احضار ایدوب خسرو جم چاه فریدن کلاهینه احوال چرا کسه دن امیر خیره بای دلالتله آگاه اولغین چرا کسه نک اردندن یور یوب طوپلر عمل مانده قالمغین چرا کسه شاشوب ذی الحجه نک یگیری طقوزنده خیس کونی قوشلقدن بین الصلاتینه دلک غایت تفصیله محتاج و جهله قتال عظیم و جدال الیم اولوب طرفیندن بیحد کسه نه قیرلوب عاقبت عثمانیان عوالی مراتب حقله غالب و طومانبای ولایت مصر دن صعید ایلنه هارب اولدی * بعده پادشاه شهر لک طشره سنه قوشمغین طومانبای اطرافدن جمع اولان اون بیک عسکر ایله مصره خفیه کلوب شهر زقافرینه خندقلر قازوب کوشه بندلر یاپدوب مترسلر قوردقده ایکی کون امرایله عسکر اوچنی کون عسکر ایله پادشاه بالذات ترتیب صفوف و سل سیوفله شهره کیروب زقافر ده چرا کسه نک پیاده و سوار ایله و یوکسک اولر پنجه لرندن و طاملرندن اولان نساور چال ذوی البدال ایله تفصیله محتاج انواع و جوهله جنس کلر ایدوب عثمانیان هوایی طوپلر و تفنگ کلر اوب اولری بیقوب یا قوب جمله اهل مصر دن انواع طریقله تخمینا الی بیک کسه تلف اولدقده شهر خلقی پشیمان و فزع فراوان ایتمکین امانله فتح اولنوب امراء چرا کسه دن سکرلر یوز کسه نه طولوب میدانده بیونلری اولدی * طومانبای بر قاج آدمله خفیه برکی به بنوب صعید ایلنه قاچوب طوقوز یوز یگیری اوچ محرم نک بیکری اوچنی کونی یوم سبتده سلطان صاحب قران عامل نص قران تحت عالی بخت مصر ده دولته جلوس ایدی * بعده طومانبای پادشاهه استغفار و اعتذار نامه کوندروب اولدخی اماننامه ایله انا طولی کتخدای و نصیحت ایچون مذاهب اربعه قاضیلرین کوندروب طومانبایک مرادی مکر و احتیال و پادشاهی اغفال اولغین واران مسلمانلری قتل ایدوب اوچ بیک نفر چرا کسه ایله ایلغار ایل کلوب (ارباب الدوله مله مون) مضمونی اوزره پادشاه دخی مجرد

احتساباً تا نهر نال جانب غربیست که می‌کین طوما نهای بر کعبه کلوب عسکر سلطان ایلد عظیم
صو اشلوب طرفیندن چوق کسینه دوشوب عاقبت طوما نهای بقیه اشرا ایلد کارزاردن فرارایدوب
اسکندریه کسینه کتدکده اول کعبه پادشاه خبرالوب بعض سردار ایلد کزیده سپاهی در عقب کوندرمکین
(نظم) غصنفر جوش کردون هوش آهن پوش خارا کر * مصاف افروز جنگ اندوز اعداسوز
شیر افکن * اولان عسکر روم ظفر رسوم رشید ایلد اسکندریه اراستنده مانند اجل باعمل پرو جل
یشوب طوما نهای بحیره ولا یتنه قاقوب کتک ایچون نلدن کچر کن چاقوب چرا کسینه
بری برینه قاقوب و بازار عده هیه صاقوب طوما نهای کندوی غرق ایچون لباس وسلاحن یتله
اتدقده رومیان یوزوب اوچیزدن زیاده توابعیل طوقوب کتوردیلر * بعده پادشاه مصر خزیننه سن
ضبط وعسکر یتنه بخشار و یروب بعده طوما نهای رعایت و خیانتدن فراغت ایدوب یتنه عالی منصب
و یرمه عزم ایدوب امر پادشاهله وزیر اعظم ضیا قترا ایلدی لکن (ع) خیلی مشکدر کشتی
ترک ایلک معتادتی * مضمونجه عامه رعایا و عوام و اهل شهر عادت قدیمه لری اوزره شکایت محمله
داد فرمای دیه چک برده الله یتنه طوما نهای دیکدن فراغت ایتمیوب (محرره) دکشمز طبیعت
اکر خیرا کشر * اکاکوره اولور عملر مقرر * مفهومیجه طوما نهای دخی قلبندن خیانته تو جهی
کتدوی معلوم پادشاه اولغین پادشاه بونی تشهر و تحقیر وقتنه عوامی تسکینه کندوی مصر سلطان لغین
تقریر ایچون ماهر بیع الاوالت بکرمی برنجی کونی طوما نهای چهاره بندروب منادیلر ایلد شهر
کزدروب بعده شهر اور تاسنده باب زو یله دیدکاری دمور قبوده جمله لباسیه صلب و احتمال شرکت غیری
قلوب اهل مصر دن سلب و کندیوه طوما نهای جلب ایلدی * طوما نهای مدت سلطنتی سلطان سلیم
مصره کلنجیه دلجه اوج بیتی آی ایدی (محرره) کیمه کوستردی بودوران صفایی * که آخر صوغادی
جام صفایی * جهانک کسینه یوقدرو فامی * فنا اوزره قونلشد بر نهای * نیچون خلقه کشتی بویه کر یتنه *
که بونی عاقبت کیره کر یتنه (خاتمه) ممالک مصر و شام و حلبی و جل و لایت عربی سلطان سلیم خان
صاحب قران دست هوس پرست چرا کسه ابالاسه دن ضرب شمشیر و حرب کثیر ایلد فتح و تسخیر ایدوب انلری
کسر و رفع و شر و ضرر لر ین دفع ایتد کده دارالنصر عالی قصر مصره یتنه چرا کسه دن اولوب شاه عالی جاهه
شامدنیرو فتح و لایت و مکر و فکر چرا کسه بی دما دم اعلام ایلد نیچه معاونت و صداقت اوزره خدمت ایدن
امیر خیره بای نصب و ذکر جمیل کسب ایدوب اشرف اقطار جهان اولان ممالک عربستان دستان ایلد
(محرره) شمس و بدر و خاقین * وجهه ارضه زرب و زین * بلکه محض نور عین * حرمین اکر مین *
ممالک سنیه عثمانیه یضم و تقلیل ترج و غم بلکه تحصیل فرح جم و انوب و شاه غازی و مبارز بی مانع و حاجز
تختگاه حضرت یوسف صدیقی حائر خصوصاً ضبط حرمین ایلد خلافت عظمی و امانت کبریا فائز اولدی
بونلر هر بر بی بر عطیه علیه ربانیه و هدیه سنیه سجانه درکه محسود سلاطین اهل اسلام و مغبوط
خواقین جهان تکبران انام ایدی * من قدیم الایام نیچه عظام حکام اسلام خدمت حرمین عرش احترام اعظم
مقصود و مراملری اولوب عمر عزیزی آرزوی تامله اختتام بولشدی (نظم) دولت و سلطنت آنست که
الله دهد * چون بخواید که دهد دولت ناگاه دهد * درگاه خدای خلایق پناه حضرت الله جل و علا
عن الامثال و الاشباهدن تضرع و رجاء توقع و استدعا اولنور که (ان الله طوی لی الارض فرایت مشارقها
ومغارها وان امتی سیبلغ ملکها ما طوی لی منها) حدیث بشارت تور یتنک مضمون همایونی روز بروز
ظهور و بروز ایدوب عامه معموره ارض کافه ممالک دنیا بال طول والعرض (محرره) آسمان خلافتک
ماهی * خان احمد زماغز شاهی * ابد الله عمره و ملکه * و اجری فی بحار السلطنة فلهک * حضرت تریبک عن قریب
میسر و مسخر وزیر کنین ظفر قرینلری ایلدی مقرر اولد * بحق اله وصفاته العلی (نظم) خدایا تاج جهان
را آب و دنگست * فلک را دور کیتی را درنگست * بقای دولت شاه جهان باد * پهر اقلیم حکم اوران باد *
مقرر بر سر پادشاهی * مسلم بادش از مه تا جمادی

تم القسم الخامس والحمد لله الملك المعین

(بسم الله الرحمن الرحيم)

الحمد لله الذي اضاء فضاء الروم بنور ظهور الملك العثماني وجعلهم خلفاء حقاؤه اداة حجة للعلة الخفية
الزمانية والصلوة والسلام على محمد المجد الذي خص بالعزة الرجائية والخلعة السجانية وآله واصحابه التابعين
الجامعين لجلالات العرفانية والكمالات الانسانية (اما بعد) قسم سادس كتاب مرآت الكائنات اولان
اشبو اوراق فوائد سمات ملوك مكرمت سلوك آل عثمان خلد الله خلافتهم الى اتم انهاء الزمان وانهضاء الاوان
حضر تليك احوال احوال فرخ فاللری یتانده اولوب بر مقدمه واون باب اوزره توزیع وهر باب بر تاج فصل
ایله تقریر اولغندر (مقدمه) در ذکر سلسله سنیه عثمانیان عالیشان و کیفیت ظهور ایشان (باب اول)
در ذکر احوال سلطان عثمان غازی خان (باب ثانی) در احوال سلطان اورخان غازی (باب ثالث)
در احوال سلطان مراد خان غازی وشمیدکه خداوند کار دیکله اشتهار بولمشدر (باب رابع) در احوال
سلطان یدرم بایزید خان (باب خامس) در احوال جللی سلطان محمد خان (باب سادس) در احوال
سلطان مراد خان ثانی که یک مراد دیکله مشهور در (باب سابع) در احوال سلطان محمد خان غازی که
ابوالفتح دیکله مشهور در (باب ثامن) در احوال سلطان بایزید خان غازی (باب تاسع) در احوال
سلطان سلیم خان غازی فاتح مصر (باب عاشر) در احوال سلطان سلیمان خان غازی * مر حوم مر قومدن بروز
و صدور و ظهور ایدن فتوح و غزوات و سایر حوادث و واقعات اجداد کرام جنت مقام لری احوالی
کبی کا کان مجموع و مضبوط و رسن تألیف حسن ایلد مر یوب اولیوب محرر سطور اولان بنده بر قصور
دخی حدانت سنی حسیله مفصلا و قوف و شعوری اولماغین تعرض و بیانی دائرة امکانه وصول بولدی *
والعذر لدی الکرام مقبول (نظم) رحمت حق پر روان آن شهنشاهان دین * کز فروغ سخی شان
پرنور شد روی زمین *

(مقدمه در ذکر سلسله سنیه عثمانیان عالیشان و کیفیت ظهور ایشان)

(فائده) اسامی اجداد کرام لری ذکر نده تواریخ معتبره ده بدو تبدیل و تغییر و زیاده و نقصان واقع اولوب (نظم)
اشبو عبد کینه به استاد * بحر زخار علم بی اعداد * شیخ الاسلام مقتدای انام * اعنی خواجه افندی سعدی
نام * ملا الله قهره بالنور * روح الله روحه مجبور (نثر) کتاب تاج التواریخده بووجه اوزره یازمشدر که
عثمان خان بن ارطغرل غازی بن سلیمان شاه بن قیالک بن قزل بغا بن بایتمور بن آی قوتلغ بن طغرا
ابن قرایمو بن ساقور بن بولغای بن سنقور بن توقتمور بن یاساق بن چندور بن قوتلغ بن قورقانی بن قراخان
ابن یاسو بن یلواج بن بایک بن طغرا بن طوغش بن کوچیک بن اورتق بن قاری بن قرتای بن طورخ
ابن قزل بغا بن یماق بن باشوغا بن بایسوی بن سوچق بن چاروغا بن قورخان بن بالچاق بن قوماس بن قرقه
اوغلان بن سلیمان شاه بن قورخلو بن بودلغان بن بایتمور بن نورمش بن کولک اب بن اوغوزخان بن قرقه خان بن
قایی خان * بعضیلمر مزبور قایی خان نسل یافت بن نوح نبی علیه السلام دن اقلجه خان اوغلی دیب تاقوی اوغلی در
دیوب بعضیلمر قایی خاندن مراد عیص بن اسحاق نبی علیه السلام در دیمش والله اعلم بحقیقه الحال و حقیقه
المقال (فائده) کیفیت ظهور اجداد خیر نهاد عثمان خان عالی نژاد حقه نوار شیخ معتبره دن مستفاد در که
هجرتک در تیوز یتنه قریب سلطان محمود غزنوی زمانده اولوب تفصیل حال لری یوقاروده بکن سلاطین
سلجوقیه تک جد اعلای سلجوق و وابعی ولایت ترکستان شرق دن که حالا اوزر بکستان دیرلر اولتلاغینک
قلندون اوچیز شمش بوش سنده ماوراء النهره کلوب منور و بخارا و سغد و سمرقندده مقیم اولدیلمر * بر مقدار
زمانده نصکره سلطان محمود غزنوی اجازت یله نهر جیحوندن کچوب ممالک خراسانده ساکن اولوب سلجوقیان
ایله یله کلان قبائل ترک کدن جد اعلای آل عثمان اولان قایی خان قبیله سی حدود مر و شاه جهانندن ماهان
شهرنده متمکن اولوب اطراف ممالک عجم و عرب و رومه متفرق اولان جمیع قبائل اترک ملوک آل سلجوقه
مطیع و حین حاجتده معین ایدیلر دولت سلجوقیه عجمده منقرض اولوب دولت ملوک خوارزمیه تک دخی
اواخری اولدقده ولایت جیندن ممالک اسلامه هجوم ایدن جنکیز خان ظهور نک قسینه سنده عالمه زلزله و فترت
و ملوک و لوله و حیرت دوشد کده قبیله قایی خان و اکثر قبائل اترک آذربایجان و دیار بکر اراستنده جای امن

وراحت اولان ارمینیه واخلط حدودنه کلوب قرار یابدیلر بعده آثار از تانار دیتا اول دیار خرد تار
زرعیاره دخی وصول حصول بولدوره روم پادشاهی سلطان علاء الدین کیقباد بن کیخسرو و ممالک کنندن غیری
سکن و مأمن فالماغین من پور سلیمان شاه سردار لری اولدیغی قبیله قانی خانیه رومه کلوب یا خود مقدمه
وفات ایدوب یا خود قبیله من پوره نواحی شهر اخلاطده یوزیش ییل متکین اولمشیکن التیوزان التیده
عسکر جنگیز تسلط ایتمکین سلیمان شاه کند و قبیله سیله بلاد رومدن ارزنجانه کوچوب برقاج ییل آنده
یلاق و قشلاق ایتدکده مضایقه امکنه دن دواب و مواشی اول اطراف و حواشیده بی راحت و متلاشی
اولدوده و طنلر نه رجوع قصدیه جعفر قلعه سنه کلوب نه فراتدن بکر کن سلیمان شاهک اتی مخالف محله
دوشکله غرق اولوب آنده دفن اولندی واللہ اعلم (فائده) در احوال ارطوغرل غازی (نظم) جنگ
مید آنده چون اراوتنه ارطوغرله * روح پاک شاه مر داندن سلام ارطوغرله (نثر) هر ویدر که
سلیمان شاهک سنقر تکین کون طوغدی ارطوغرل دوند ار آلدودرت نفر یرار اوغلی قلوب توابی بوانوب
هر برنی برجاعت کند و لر سردار ایدوب سنقر و له کون طوغدی و طنلر نه قزار ایدوب ارطوغرل ایله
دوند ار پاسبان اوامنده و سورملو چقورده قرار ایتدیلر برمدتد نصکره ارطوغرل (محرره) دلیر دیر عدی
النظیر * سماء شجاعته بدو منیر * اولوب غزا عتجت جزایه میلی کثیر اولغین اوغلی صاروبانی بی که
ساوچی بک دیکله معروفر سلطان علاء الدین سابق الذکره کوندروب ولایت رومده یلاق و قشلاق رجا
ایدوب اودخی انکوریده قراجه طغانی تعیین ایتمکین ارطوغرل و دوند اردر تیوز قرق درت نفر جنگه
برار نامدار و اهل و عیال و مال و طوار ایل و واروب اتفاق سلطان علاء الدینک کفار تانار له جنگ ایدوب
علاء الدین مغلوب اولغه متوجه اولدیغی حاله راست کلوب مغلوب طرفی کیم اید و کتی بیلنوب مجر داعات
ضعیف و اغاثت لایف عادت مردان و سبب رحمت یزدان اولغین تاناره هجوم و انلری مکسور و مر جوم
ایتدکده علاء الدین ارطوغرل معینه تقصین ایدوب عسکر تاناردن الذان غنیمت لری اشوب مبارک قدم آملره
هنه و عطا و خیر دعا ایتدی بعده ارطوغرل برقاج ییل دلدل متصل اطرافنده اولان بلاد کفار رومی غارت و نهب
ایدوب و اخذ مال و اولاد و ازواجه زمره اهل حربی پرغم و کرب ایدوب بواشاده استانبول تکوری ولایت
روم ایلیده ساکن اولان آق ناوید کیری قوم تانار اتفاقیه ممالک اسلامیه به توجه ایتدکدره سلطان علاء
الدین عسکر چکوب واروب کند و اخیلر ایل ارطوغرلی و توابی مقدم کوندروب ارمنی در بندند مدرت کون
جنگ اولوب کفار و تانار صینوب قاجوب اسکری قیریلوب مسلمانلر سالم و غنام دوند کزنده علاء الدیندن
ارطوغرل کندویه و اوغلار یت پورت طلب ایتمکین ییله جنگ ایلد قره جه حصار اراستده سکونلر و سراجیق
قشلاق و طومانچ طغانی و ارمنی طغانی یلاق تعیین اولندی بعده ارطوغرل جله توابیله ولایت کون تاهیه ده
و غیریده دائم کفار غزا و بعض ولایت لری یغما ایدوب تدریج له توابی چو غلوب لکن قلعه فتحنه و ولایت المغه
مقید اولوب همان غارت و غنیمت ایلد قناعت ایدردی بوحال اوزره عمری طقسان ییتدن متجبار اولدوده
سلطان علاء الدین کیقباد ثانی ابن فرامر زسلطنتک اولنده التیوز سکسانده سکوتجک قصبه سنده وفات
ایدوب عثمان بک کوندز بک ساوچی بک آدلواوچ اوغلی قلوب عثمان بک عالی کهر شجاعت کستر قائم مقام
یدراواتی مقرر اولدی (نظم) حق تعالی روحنی شاد ایلسون * کشور اولادین آباد ایلسون (فائده)
ارطوغرل ایلد دیار رومه ییله کلان ایل و اولوسی اولوسی و کفار بخاره اهل هجوم و غلوسنی بونلر ایدیکه *
اچنه قوجه و قورق و کورال و طور غودال و کوندزالب و ایقودال و حسن الب و صالتقالب
و محمودالب و صایا خود حصه چاوش و انک برادری سواش چاوش و عبدالرحمن غازی و آق باش
و قره اوغلان و قره مرسل و جخلو و قره نیک و شیخ محمود و طارغال و مهماد و قره تکی *
مر ویدر که بونلر و سائر بولداشیرنک نیجه لری عثمان خان زمانده و بعضری دخی سلطان اورخان زمانده
حیونده و غزارد ییله اولوب بونلر اولاد و نسل لری دخی سلاطین عثمانیه به خیر خواه و مخلص و سفر
و حضر رده بنده متخصص ایدیلر

(باب اول در احوال سلطان عثمان خان غازی ابن ارطوغرل غازی)

(نظم) مبدأ شاهان خلافت عمار * حضرت عثمان ولایت مدار (نثر) ولادت با سعادتش در قصبه
سکوتجک فی سنه ۶۰۶ آمدن سنجاق باو از سلطان علاء الدین کیقباد ثانی فی سنه ۶۸۸ جلوسش بر تخت
سلطنت فی سنه ۶۹۹ تار یخ منلا در یس ده جلوس اوائل شهر سنه سبعمائه ایدی دیومند کوردرد مدت
عمرش سنه ۶۹ مدت سلطنتش سنه ۲۶ وفاتش در قصبه سکوتجک فی سنه ۷۲۶ جنازه رحمت اندازده بی
بعد زمان بروسه شهر نه نقل اولنوب حصار ایچنده مناسرتده دفن اولندی (نظم) حق اتی رضوانه
قرین ایلیم * آنده دخی تخت نشین ایلیم (نثر) محرو سطور اولان عبد پر قصورک جد امجدی رمضان
زاده نشانی امیر محمدک تار یخ مختصر مع تبرنده محرو در که مر حوم عثمان خان غایتده اهل کرم و احسان
و صاحب عدل فراوان ایدی اول اهل خیر و بر اوج کونده بر مطبخنده و افرطعام بشردوب (مصرع)
فقر او ارا مل و ایتم * ضیافت و اطعام اولنوب صبیان و رجال و نسو به صدقه و کسوه تقسیم و لطف بلیغ
بی دریغی تعمیم ایدردی * مر حوم مر قوم (ع) دار عقبی به رحلت ایتدکده (نظم) قرار در کف آزادگان
تکیر دمال * چو صبر در دل عاشق جواب در غربال * مفه و نه خزینه سنده موجود تود بولنوب همان
برقاج آتلی و برقلی و برجه سی و برقاج قیونلری بولندی حالا بروسه شهر یلک اطرافنده کوندیلن بکلک
قیونلر تبرک الیقونوب بسانیان اول قیونلرک نسلدر دیرلر (فصل در ذکر اولاد امجاد او) قبل السلطنه
غایت تفصیله محتاج و جهله کار علما و مشایخدن شیخ ادبانی نام عزیزلر بر خستنا و مستنفا کریمه سنی طلب
ایدوب من پور شیخ اهل دنیا ایلد مظاهر تدن و مظاهر تدن مجانب ایچون نیجه مدت تردد ایدوب عاقبت
عثمان خان بر واقعه عجبیه کوروب شیخه عرض ایتدکده بنم قیزمدن اولادک اولوب سن و آنلر تحفه بکوب
جهانگیر اولور من دیو تعبیر داند ایدوب بعده کریمه سن تزویج و متاع نصایح مهمه بی بیان و تزویج ایتدی
* پس مر و رایله اول دختر بلند اختر تدن اورخان غازی و علاء الدین پاشا آدلواوچی کهر معتبر طوغدیکه
اورخانه سلطنت میسر اولوب علاء الدین طریق مشایخه سلوک ایدوب لکن برادری اورخانک سلطنتنده ناصح
و یاری و ابرام کلی ایلد وزیر و مستشاری اولدی وفات ایتدکده بروسه ده دفن اولندی (فصل در بیان امر اء
عثمان خان) کوندزالب میرلوا این اوکی و حسن الب میرلوا یار حصار و طور غودال میرلوا اینه کول که
حالا بونا حیه به طور غودالی دیرلر و قورکالب و غازی رحمان و اچنه قوجه و آق تور و صالتقالب
و حصه چاوش و بیتلش برادر حصه و کوسه میخال میرلوا قره قیاسا بقا قباخمن تکوری ایکن
نیجه مدت عثمان خان محبت و معاونت اوزره اولوب عاقبت ایمان تلقین اولند قده صدقه ایمانه کلوب اسمنی
عبدالله قودیلر (فصل در غزوات عثمان خان قبل السلطنه) تار یخ منلا در یسده مذ کوردرد که عثمان
غازی بدیری وفاتد نصکره ایتد اغزا ایتدوکی سنه ۶۸۴ ده واقع اولدیکه اینه کول تکوری ایلد جنگ ایدوب
عثمان خانک برادر زاده سی شهید اولوب کفارلر اکثرین قیروب باقیلری قلعه لر نه قاجوب مسلمانلر سالم و غنام
دوندیلر بعده بر کجه اوچیز کسنه ایلد بلغار ایدوب اینه کول توابعدن قوبله قلعه سنه واروب فی الحال
فتح ایدوب قلعه سباهیلرین قیروب سائرلرین اسیر ایدوب قلعه بی یقوب بعده شهری آتیه یا قوب قبل الصباح
چکوب کتدیلر سنه ۶۸۶ ده بعض کفار اطراف بونلر دخی ایچون جمع اولدوده بودخی قارشو واروب
جنگده برادری ساوچی بک یا کوندزالب شهید اولوب عاقبت کفار صینوب نیجه لری قیروب باقیلری قراجه
حصار قاجدیلر بعده سنه ۶۸۷ ده جمعیت عظیمه ایتمک اوزره اولان کفار ایلد جنگه معاونت ایچون
زمانه سی پادشاهی سلطان علاء الدین کیقباد ثانیدن استمداد ایدوب اودخی غیرت دین مقضاسنجیه کندو
بالذات عسکر چکوب قونیه دن کلوب سلطان اوکی دیکله معروف اولان قره حصاری محاصره ایدوب
بعده دیار رومه بجمدن عسکر تانار کلد و کن ایتمکین پادشاه ایلد کیدوب طوب و تفنگ و نیجه مهماتی
عثمان خان و یروب بودخی برقاج کون چالشوب قلعه بی فتح ایدوب تکوری و بعض هدایای علاء الدین
کوندروب اودخی غایت حظ ایدوب اسکی شهر له این اوکی سنجاغی و یروب (محرره) تیغ و توغ و نقاره
طبل و علم * اسب و اسباب جنگ و درهم هم * اسکا کوندردی بونلری اول شاه * نایده حال اهل
کفری تباه (فصل) سلطان علاء الدین من پور عثمان غازی ذوالسعی المشکوره جانبیه کوندردیکی برات

ایالت متضمن انواع عبرت و خبرت و نصیحت خصوصا مشعر کمال توقیر و رعایت و مبین عطیه سدید
بجذو غایت اولیغین بوحمد الهی بالتمام ذکر و اعلام اولندیکه بعبارت بود در (*) من برهان امیر المؤمنین علاء الدین
کیقباد بن فرامرزا السلجوقی ایدہ الملائک العلی * حد و سپاس و شکر بی قیاس اول خالق بی چون و رازق خلیفه
ربیع مسکون بل رازق جملہ مخلوقات و صانع جمیع مصنوعات جل جلاله و عظم نواله حضرت ته که * خلعت خلقی
صف و صفوت اوزره طیف آدمه کی و رب افسر خلافتی فرق مبارکته اوروب سریر (انا جملہ لئک خلیفه
فی الارض) ده متمکن قیلوب جملہ ساکنان افلاکی (واذ قلنا للملائکة اسجدوا لآدم فسجدوا) خطایله
مأمور ایدوب اول خلیفه انانی معزز و مکرر ایلدی * و صلوات نامیات شول حبیب خدا محمد مصطفی و جاریار
باصفا حضرت تکریمه و آل و اصحاب و توابع و لواحقته رضوان الله علیهم اجمعین اولسونکه * مکتب حکمتده
(و علم آدم الاسماء کالها) دن غرض انلک نام شریف لک ظهور و انتشاری اولوب هر چند صاب بشریدن
نیجه یلک انبیاء کزین صلوات الله علیهم اجمعین و اولیاء سعادت قرین و سلاطین غزا آیتلک عدمدن وجوده
کد کزری انک ذات لطیف و دین منیع لک شرف شیوعی ایدی * لکن صحف رسالت و منشور خلافت من اوله
الی آخره مهر نبوت خاتم انبیاء الیه ختم اولدیغی کبی آنک مبارک مقدیمی بر کانیله امت عالی نه حکمت سلاطین
بالدی تیری دخی سائر ادیان حکامته متفوق واقع اولوب هر زمانده بر صاحب قرانک یرایغ بلوغ سعادت
عنوانی (ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده) طغراسیله مزین و هر وقتده بر بختیار چها نبالک توفیق رفیع
عایدانی (و رفیع بعضکم فوق بعض درجات) خط دلکشاسیله مبین بیوریلوب هر بریتک کوش هوشنه
صدای (لئن شکرتم لازیدنکم) و ندای (ولئن کفرتم ان عذابی لشدید) ایرکور یلوب لاجرم مائده احساندن
بهره و راولان عباد شکوری صلاهی رحمتدن دور اولان فراغت و جباریه اکثریا مظفر و منصور
اولوب (وهو العزيز الغفور) مضمومیه مقام شکرانده معزز و محترم اولور * فلهذا مهور دوات و اقبال روز
افزوم سهر سعادت و اقبالدن طالع و لامع اولوب نور خورشید فروغ وجودی (السلطان ظل الله فی الارض)
بیرامنده بر ضیا و جلوه غما قیلوب (والله یؤتی ملک من یشاء) جبه سن قامت پراستقامته لایق و ارزانی
کوروب (ان هذا هو الفضل المبین) ناج ابتهاجن فرق فرق دان مأجبه سزاوار و احری بیوروب مسند نشینان
(کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر) صدرنده تمکن و امتیاز احسان
ایلدی یندخی (الشکر یدیم النعم) فخراسیله عامل اولوب (احسن کما احسن الله الیک) مائده سننه بارعام
بیوروب (وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها) آثارین مقدور بشریت و اقتضای سلطنت اوزره مبدول طوئوب
مناصب علیه و مراتب جلیه فی اهلنه بیدریغ ایدوب هر کسینه بی قابلیت و استعدادنه کوره بر مراد خلقی باینده
تاخیر و تراخی جائز کور میوب * اعط القوس باریم قبضه سن اهلنه صوفوب مالک انام و حدود اسلام المبحون
خدمت لازمه سن مؤدی قیلان مبارزان میدان و نغا و دلیران معرکه هجبار لکله رستم وار نامدار اولان
قوج یکتزلک و یکتانه آکلان ارلک هر برینه حال و حالجه و رسته و مقام نه رعایت و شفقت اولوب مساعی
منکوره لری ضایع اولما مشدراول جملہ دن مر زبان خطه ید اولان سعادتدعالیجا عثمان شاه بن ارطغرل
یلک خبر خوا ایدہ الله که کوب سعادت آیین جبین عزت قر بندہ تابان و درخشان اوله لی جمیع اقارب
سعدا العواقب و جملہ عشائر و قبائلله غزا و جهادی شعار و کفار خاکسار برله مقاتله بی کار (و قاتلوا
المشرکین كافة) مفهومن سرمایه روز کار ایدوب (قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله ولا بالیوم الآخر
ولا یحرمون ما حرم الله و رسوله ولا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الکتاب حتی یعطوا الجزیة عن ید
وهم صاغرون) مدلولان تحقیق و اجراء سنده تدقیق ایلوب جرات و جلادتی آوازه سیله عالم پر اولغین
اطراف و کافدن جانب شریفنه وارنلری (عرض المؤمنین علی القتال) تقدیه سیله طوئوب صدیق وار
ما ملکن راه حقه بذل و فاروق مثال اعلاء کلمه الله صرف ایدوب خصال غنائیه می جدال شیرزدانی به
قرین و مثال رحمانیه می افضال صدقانی به رهین اولوب * خواص و عوام شکران نعمت ایلد رطب اللسان
و کافه انام ارتفاع و ارتفاع سنه منتظر و مکرر ان و طینت طبیعه می زلال دوات برله شجر و فطرت لطیفه می
عبیر غریزه مجز اولوب حواس ظاهره و باطنه می حدت و دقت ایلد موصوف و قوت متخیله می و انتقالی

سرعت و تیز و لکله معروف تیغ و سنالی برق خاطف و تیر جان ستانی شهاب ناقب عقلی کامل و رأی صائب
سمند اقبال رام و سلاطین آفاق فرمانبر و غلام قائد ظفر بشیر و ویلک نصرت او کتجه تیز و درجال غیب معین
وارواح شهداقر بن فتح مژده رسان و توفیق همعنان * عهد بعید و روز کار مدید و نبیر و اجداد عظام عزایله انار
الله بر ایهنم آبا و اجدادی رحیم الله نوراندن ایرانه بل اخلاطدن یونانه مهاجرت و مظاهرت طرقتن مسلولک
طوئوب انام فرصنده که هنکام غبطتدر ص اسم جانسباریده انواع دقتله دقیقه فوت ایتوب سابقا کند و لره
یورد و اوچاق و یریلان محبت انقره قره طاغندن خوالی این اوکی و خطه ید و یکی شهر واسکی شهر و اینه کول
و بار حصار اطراف و عموریه نک اکثر نواحیدن قوت باز و ایلد آجوب ممالک اسلامیه مضافاتنه داخل
ایلد یکندن غیری نه دکلوکه کروه کفره دمر هم الله و قهر هم (و مکرر و او مکرر الله والله خیر الماکرین) طبقه
اکا مکرر وحیده قصیدن ایتدیلر سه کیر و بعنایه الله کند و لره راجع اولوب (عسی ان تکرهوا شأ و هو خیر لکم)
مفهومی اوزره فوائد عمیه می * کندی به عائد اولغله همیشه اعدای بدرای نخل و منفعل دوشوب * علی
الخصوص اینه مقولیه دین ملعون بی دینی حقلوب تغلب و تسلطی حزب مشرکینه محقق اولالی نفوس
خبیثه نک ارواح کثیفه می جیفه ایدانلرندن کر بران هر بری مرده بیجان و خاتم انلرندن آوازه و ستر کردن
بجاریا بایانده باش قور نامغه برار اولوب مأیوس و منکوب پروانه بی پر کبی اول شمع نورانی به قصد ایتد کار نیجه
بال و پر لری منکسر و مضرف خالک مذلته دوشوب (قل لن ینفعکم القرار ان فررت من الموت و الا قتل و اذا
لا تموتون الا قلیلا) معنائی صدور و ظهور بولوب کند و بختیار لغله و رطه هلاکدن نجات یقاسنه جیقوب
آنک حقتده زمین و زماندن ندای (لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل
الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجة و کلا وعد الله الحسنى
و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما) کاخ صماخ همایونمه ایرشوب و جناب الهیدن (درجات
منه و مغفرة و رحمة و کان الله غفورا رحیما) موهبه سننه مستحق اولوب جناب والای شه نشاهدن
دخی (من جاء بالحسنة فله عشر امثالها) رعایتنه احق کور بولوب طوغ صبح طراز آفتاب علم و طبل و نقاره
پرولوله محتشم تقویض و تخصیص قیلوب لوا اسکى شهر دن یکی شهره و ارنجه خطه ید و نواحیسیله
بجموعا بر سنجاقی بر اعتبار ایلد سعادتد مشار الیه تقلید ایدوب و یردم و یردم شولکه مقتضای ذات
سبحانید ر مسند امارت و ابالنده کمال سکینت و وقار برله تمکن و قرار ایلوب (اعدلوا و اقرب للفقوی)
مفهومن شعار و دثار ایدوب شرطالمی مظلومدن دفع و آتش مظالمی روی زمیندن رفع ایتنه جهد
کوستروب (عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة) فوا نندن بهره مند اولغله چالشوب زمان حکومتده
وضیع و شریف غنی و فقیر عالم و جاهل قریب و بعید مسافر و مجاوره جملہ یکسان باقوب دعوالری فصل
اولنجه مقادیر ایلد قید اولوب شرعه متعلق امور قضاة انامله فصل ایدوب و سیاسته مستحق اولانی
بلا توفیر برینه کتوروب مع هذا الشفقة علی خلق الله و فی اوزره اراقة دماده صبر و وقاری الدن قویموب
جائزکه اهلاک و افتاد نصکره اول شخص مغضوبک ابقا سننده نوعا فائده مشاهده قیلوب هزار حیف
و تأسف مفید دوشوب فرصت فوت اولغله باعث خجرت اوله فاما (ولکم فی القصص حیاة یا اولی الالباب)
و عیدندن انحراف ایتنه مکرر و رنه قلیل دینی قصاصدن افضل طوئوب ترجیح ایدله ل اول حینده دخی
حقوق ایتامی بقصو رایفا ایتدروب (ولا تقربوا مال الیتیم الا بالی حقن) نهی ایلد منتهی اوله * و سادات
عظامکه عمره شجره نسب مصطفوی و نتیجه مقدمات حسب نبویدر لر (اصلها ثابت و فرعها فی السماء) اوزره
معزز و محترم طوئوب مذاق جانى آنلک رعایتی ایلد شهد کام و رواق رواقی آنلک حمایتی سبیلده سدره مقام ایدوب
اعزاز و اکراملری ذکر آخرت اتخاذا بیلده و علماء کرامکه و رنه سید الانامدر کمال لطف و شفقتله مرعی و محی
طوئوب دین مبین و اجراء شرع متین آنلک وجود شریف و انقاس لطیف لری بر کانیله بیلوب (لحوم العلماء
سبعة) مقتضایه خاطر عطر لر برین رنجیده ایتکدن بغایت اندیشه و حذر ایدله * و طائفة نبیاهه و طیفه
واحسان ایوان کشاده قیلوب افراط و تفریطدن محتجب اوله * و رعایا و برابا جانلر برین دخی کانیلی ملاحظه
ایلیوب نه آنلک رسوم عرفیه سن دفترله تعیین اولن ان کسینه لر دن منع * و نه آنلر دن زیاده بر حبه ناحق بره لغله

جواز کوسر و ب حال متوسطه جانیندن رعایت ابد و زراع و حرانی بدایع واحد ائدن حفظ و حراست
و آسیب روز کردن صیانت ایدوب و دایع الله فی الارض اما تدار لغین دقت تام و اهتمام مالا کلام ایل
برینه کتور و ب یوما فیوما تعمیر بلاد و ترفیه عباددن خالی اولیوب مقدمات نصفتی منتج سعادت دارین
ملاحظه ایدوب غرات نهال معداتی میوه باغ جنت کی متجدد و متضاعف اولغیچون مساعی جمیله صرف
ایلیوب بویات نجسته نیک حبوب معانیسن کشتزار طبایع دهاقین جهانده دست نشان ایلده
(نظم) زبانی که پیشینکان کاشند پس آیند کان میوه برداشند جواز همزما کشته شد چند چیز
نهر کسان ما بکاریم نیز و احیای مواتده جد بلایع وسیعی بدریغ ظهوره کتور و ب (من احی موات من
الارض فمی له و دعاوی الارض لله و رسوله ثم هی انکم منی) مدلوله طالبانی بهره مند و راغبی برومند
ایلیوب نواحی و بلدانده خالی و معطل بر قودرمیوب شن و شاداب قیادرمسته هم عالیه سن بذل ایلده
و اوقات نجسته ساعاتی اداء فرائض نجسه برله حرب و سلم و تمکین و عزمده نوکل نام ایل کذران ایدوب
جنتکه بلجاست و صلحه ملائمت صورتلرین مطرد طوبی رأی و مشاوره مطبوعه دتصکره هر قنغیسی که
لازم کله خالصا لوجه الله و تبعار رسوله فرصتی فوت ایتمیوب غیرت دین اسلام و سید الانام ایچون روز
و شب چالشوب تعطیل و تعویقن روا کورمیوب (الجنة تحت ظلال السیوف) مضمون مجاهدینه
بیان ایدوب و ب (ولا تحسبن الذین) فضائلندن قاجیوب (وجاهدوا فی الله حق جهاده) حقوقنک
استیفاسن عطیه عظمی و وسیله دین و دنیا یلیوب توقف و اهمالی روا کورمه و مال غنایندن خس شرعی بی
انخراج ایند کد نصکره قصورین غزات نصر تشعاردن پیاده و سواره بحسب استحقاقنم توزیع و تقسیم ایلیوب
هر برینک حصه شرعیه سن ایفا ایلده و کفره قتل سنک میدان جهادده آلات مبارزه لایله (من قتل قبیلا
فله سلبه) حدیث شریفی اوزره عامل اولوب نقایس امتعه دن اولدینی تقدیرجه دخی ایچقه سزالیوب بی وجه
طمع دن زیاده محترز و مجتنب اولوب حقوقی مستحقنه واصل ایلده و خزائن و اموال حکام لشام و اعداء
بدرجانه دکلو اولورسه دقتیله بیت المال خاصه ضبط ایدوب بر ایچقه و برجه قودرمیوب جواهر
مقومه و اقش متعوه دن لایق احتشام سلطنت اولانی غلمان و جوارئ مرغوبه برله جناب سلطنتیابه
روانه ایلده و دروع و اسلحه اقسامندن متخیرین بنقه طوبی غیرسن وقت حاجتده بلا وظیفه واران
غازیله و بروب صفوف رجالی مرتب ایلده و شاید که احتیاج چکله دیو ذات ستوده صفاتکه کوندربیلن ایکی
بوغچه جبه و دیبای روی و الاجه مصری و جامعه قطیفه بلنکی و برقبضه التوتلوق و بر بدوی سمند مستمند
جندیانه سیمین رخت و چاقا و بوزیک درهم تقدیه دن غیریک قطع جبه و جوشن و خود و برکستوان
و ایکی ییک قبضه کان اللیشراوق ایلده محلو جبهه لری برله و بیک بشیموز قبه سپر و اوج ییک قبضه قی و خنجر
و ایکی قطار دوه یوکی سنان ایلده مربوط کوندرار سال اولندی و عمده الاعیان قراجه بلان چاوش زیده
قدره دن بر موجب دقتراخذ ایدوب لازم اولدقه غزات نصرت آیاتدن دریغ ایلیوب سبیل جهادی
مفتوح قیلاسن و رسم بوغچه و تشریفه و شاقان خاصه و عشر بویه و رسم بی و برایش و عادات پروانه دار
و هدیه دفترویس و معاوضه و طغرائی و طمع خواهی یاز و یوز و بیشکش نوروز و مشرفات سالیانه
وسلامی ملوکانه دن بالجه شان سعادت نشانکی فارغ البال و مقضی الآمال قیلوب خاطر عاظرکه اولبایده
جزئی و کلی نسبه ایر کورمیوب دائما حضور قلب ایلده او غور آچقلغه عون الهی و معجزات رسالتیهای
تأییدی و حاشر و غائب ارئیک ظاهر و باطن همتلری بنم خیر دعایم برله ککند و کد بدرقه و وفادارملاحظه
ایلیوب (ادعوا ربکم تضرعوا و خفیه) کلمات طیباتن دوش و گردنکه حائل صالوب (حسبی الله و نعم الوکیل)
وردی تذکار (نعم المولی و نعم النصیر) ذکرنی تکرار قلقدن خالی اولیوب (ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم
و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون و وعدا علیه حقا فی التوراة و الانجیل
والفرآن) معامله سنک رجیله سودمند و محصل المرام (و اولئک هم الفائزون) توفیقیه موفق و شاد کام اولوب
بنم دوام دولته بقاشنه دعا ایتمکده مساعی جمیله ظهوره کتور و ب خدمات لازمه به قیام کوسر و رشویه یله
تحریری و اول ثل شهر شو ان المکرم سنه عثمان و عثمانی و عثمانیه بمقام قونی (فصل) سلطان علاء الدین

کوندردیکی منور براته عثمان خان کوندردیکی جوابک صورتی بودرکه بعبارته نقل اولندی
(جواب) سده سنیه حضرت خداوند کاری ابقاه الله الملك الباری ترانه عرض بنده قدیمی بودرکه
قدوة الاعاظم و الاعیان قراجه بلان چاوش زید قدوره قوللریله بوجانسبار بنده لری نه طوغ صبح طراز مهر علم
و طبل خانه محشم و خلعت شاهانه و سمند مستمند جندیانه و ساز و سلب و اوج یکدن زیاده اسلحه متعوه دن
جبه خانه و بوزیک درهم تقدیه مفصل و مشروح دقتیله کوندربیلوب و منشور مشهور و مستوجب
الخبور زر زکارده دخی اسکی نهری خطه یید و نواحیسنه ضم ییور و ب بالجه بر سنجاقق یرا و لوق اوزره
تفویض و تقلید ییور و ب بین الاقران سرافراز و ممتاز ییور لاش و حق سبحانه و تعالی حضرتی اول برهان
امیر المؤمنین لازال مؤید او منصورا جنابنی جمیع سلاطین اسلام ایچره سر بلند قیلوب دارینده مقام رفیع
ارزانی الملك اوزره سایه سعادتلری مفارق انامدن الی یوم القیام دور و مهجور ایتمیوب نیچه بزم کی خاص
بنده لری نیک و اراغی راه نریقلرنده مبدول اولوب اول دولتلو پادشاهمزل کسکلکین کورمیه و زبجره سید
المرسلین یارب العالمین و بعد الوصول بودیارد اولان بندکان مقبول صفای قلبه سنجاق هامیونه استقبال
ایدوب و بکلکمیزی طویلوب کمال اطاعت ایلده فرمان قضا جریانده مشروح اولان مواعلی رؤس الاشهاد
او قد قدده سعادت طاعة دیوب انقیاد کوسر و ب دوام دولت پادشاهی به اتفاق ایلده دعال و ثنار قیلنوب
کلبانکار چکادی و غزات رفیع الدرجاتک لوازی انعام ییور بلان تقدیه و اسلحه دن تکمیل قیلنوب بعنایه
الله و توفیقه ازینق نواحیسنه جهاد اکبره عزم و توجه قیلندی و او مر مکه دولتلو پادشاهمزل خلدانه طله
خیر دعالی رفیق طریقمز اولوب عون حق رهنما و معجزات حبیب خدا هادی طریق هدا اولوب ارواح انبیا
قرین و همت اولایانین و اصحاب کرامک طریقت حسنه لری شعار و فعال طیبه لری دنار من اولوب اعداء
بدرامکوب و مغلوب اوله و بعنایه الله تعالی اگرچه بروسه جابلرینه توجه اقدام کورینورایدی لکن
یکی شهر ضبطنه ازینق کفاری مانع اولدقلری اجلدن حضور مزده اولان ارباب رأی مسلمانلر انک تقدیرین
افضل کورمکین مبادرت اولندی که (وما النصر الا من عند الله) باقی حالاتی منور چاوش قوللریله
کوندربیلان طور و غودالب غازی بنده کینه لردن تققد و تفحص ییوره لکه اخبار خفیه و اطوار خبیه مزه
بالجه واقف اولوب تقریرند نصکره فرمان سعادت لو پادشاهمزل کدر (فصل در احوال غزوات و فتوحات
عثمان خان غازی) اولا بالذات و بالواسطه جنگ ایلده و محاصره ایلده و صلح ایلده و سایر طریق قله فتح اولنان قلعه ل
اسامیسی بودر که قلعه قولجه و قلعه قره حصار و قلعه بوند حصار و قلعه یکی شهر و قلعه این اوکی و قلعه
بلنک و قلعه یار حصار و قلعه اینه کول و قلعه کور و حصار و قلعه مر مره و قلعه کته و قلعه کستل
و قلعه قوج حصار و قلعه لیلج و حصار و قلعه لنگه و قلعه چادرانی و قلعه مکجه و قلعه آق حصار و قلعه
کوره و قلعه تکور و یسکاری و قلعه اوکده و قلعه یا قجه حصار و قلعه قره جیش و قلعه صوفی آغزی و قلعه قره تنکین
و قلعه اویناش حصار و قلعه صولی و عیان کولی و قلعه قره جیش و قلعه صوفی آغزی و قلعه قره تنکین
و ناحیه آق یازی و ناحیه قوجه ایل و قلعه قورک و قلعه کلکی و قلعه قوج حصار و قلعه کراسته و قلعه
موطرنی و قلعه ورنوس و قلعه شهر بروسه و قلعه فاندری و قلعه یلاق آباد و قلعه ارمنی یازاری و قلعه بولی
و قلعه قره مرسل و دخی نیچه نامعلوم قلعه لر بونلر اراقلرنده فتح اولمشدر و نایب اشبونلرک هر برینک نارنج
فتحی و کیفیت فتحی خصوصنده قوارنج متفرقه ده اولانک اجمالی بودر که و ارطوغرل غازی احبانا کفار ایلده
جنگ و اطرافنه یقین اولان برله آقین ایدوب لکن قلعه فتحی و ولایت ضبطی ایلده مقید اولیوب آنک
و فائند نصکره اوغلی عثمان خان ییلاق و قشلاغه و اروب کلدیکه جوارنده اولان اینه کول تکوری
مسلمانلری رنجیده ایتمکین و سنه التیوز سکسان درنده منور تکوردل کور ایلده محکم صواشوب عثمان خانک
برادر زاده سی و بعضی عسکر کزیده سی شهید اولوب بعده مسلمانلر آزاینک لطف حق ایلده منصور و کفار مقهور
و نیجه لری مقتول و مأسور اولوب ولایتلری مسلمانلر غارت و غنیمتله عودت ایلدیله و سنه مزبوره ده عثمان
خان غازی اوچ یوز نرد لا ورله اینه کول ناحیه سننده قولجه نام حصار بر کیجه شبخون ایدوب کفاری
غافل اولغین فی الحال فتح و سپاهیلری قتل و بایقیلری یغمار حصاری هدم و احراق ایدوب مسلمانلر شاد و خرم

و مغتنم کتدیلر * سنه التیوز سکنان التیده اینه کول وقره حصار تکورلی عسکر جمع ایدوب عثمان
 خان قارشو واروب طومالچ بلنده محکم صواشوب برادری صاوجی بل یاخود کوندز بنک شهید اولوب
 عاقبت کفارلک اکثری وقره حصار تکورنک برادری قیریلوب باقیلری قلعه لرینه قاجدیلر * سنه التیوز
 سکنان سکرده اوج درت ورق مقداری یوقاروده یکدیکی وجه اوزره عثمان خان غازی سلطان اوکی دید کاری
 قره حصار فتحه کیدوب سلطان علاء الدین دخی معاوضه کلوب بعده کتدکده عثمان خان قلعه بی فتح
 ایدوب تکورنی بعض هدایا ایل سلطان علاء الدین کوندروب اودخی یوکاسنجاق و طبل و نقاره و آت و عی
 و خلعت و بیحد آلات جنگ کوندردی * بعده عثمان خان جامع شریف ایجاد ایدوب کند و نامه
 خطبه او قودوب ابتدا مفتی زمان اولان طورسون قبیله اوقیوب عثمان خان شهری معمر و عظیم
 بازارگاه ایدی * سنه التیوز سکنان طقوزده قلعه یوند حصار ی و قلعه یکی شهر و قلعه ابن اوکی فتح اولندی
 * سنه طقسان برده عثمان خان موطنی کویک سورقون طرافلو یکجه سی ناحیه لرینه اقبین ایدوب
 مسلمان مال و اسیر و طوبی کثیر ایل عودت ایتدیلر * سنه طقسان ایکیده یاخود سکرده بلجک تکورلی
 یار حصار تکورنک قیزی تزویج بهانه سیله جمعیت ایدوب عثمان خان دو کتده دعوت ایدوب کلورسه قتل
 ایتدیکه قول ایدوب بودخی متنبه اولمغین عورت صورتده قرق نفر بهادر ایل اسبابلری بلجک قلعه سنه
 ییلاغه کتدیکه امانت قومغه معتاد اولمغین کوندروب کندودخی اکثر عسکرنی عورت لبا سیله دوکونه
 ایلتوب اوکیجه بلجکه کوندردکری کسنه لقلعه بی خالی بولمغین یکجه لری قتل و قلعه بی ضبط ایتدک
 دیو خفیه خبر کوندردمکین عثمان خان (محرره) بر مقتضای الحرب خدعه * کفاره ایدی حیل و صنعه *
 (نثر) علی الغفله و ابی ایل دوکون برندن کیدوب کفار بونی قاجدی صانوب آردده دوشوب تشدد کارنده
 صواش اولتوب مسلمانلرک ایسه اکثری بوصوده اولر چیقوب کفاری قیروب خصوصاً بلجک تکورنی
 قیروب بعده الغار ایل حصاره واروب علی الغفله تکورنی و عروس اوله جتی قیزی جهازی ایل جمعیتنه کلان
 رجال و نسائی دوکونجی لبا سی ایل اسیر و قلعه سن ضبط ایدوب اوکیجه اینه کول حصارنی محاصره به بر بلول
 کوندروب ایتسی بالذات کندوسی واروب فتح و ضبط ایدوب تکورنی و ابی قیزی قتل عام ایتدی * سنه التیوز
 طقسان طقوزده یا تمام ییوز سنه سنک اوانلنده قونیه پادشاهی اولان سلطان علاء الدین عجم پادشاهی
 اولان اولاد چنکیز طرندن سابقا عسکر تانار کلوب اسیر ایدوب ولایت قرمانه قنده دوشوب هر قصبه
 و ولایت یکی اولان بشقه یوی چکوب پادشاه نامه اولوب احوال اهل اسلام بر محنت و آلام اولمغین اطرافدن
 نیجه عسکر عثمان خان کلوب باب سعادت عی ملاذ و پناه رعایا و سپاه اولد قلعه اتفاق ایل اول تاریخده
 پادشاه اولدی دیشلر (نظم) سعی للعلی حتی اذا ما اصابه * اتنه العلی نسبی الیه کاسی * سنه ییوز
 برده عثمان خان اوغلی اورخان بکه سابقا اسیر ایلدی یکی یار حصار تکورنک حسن و مستقنا قیزی
 نکاح ایدوب بعده قره حصار سنجاغن و یروب غزیه معتاد اولمغین مری عسکر اسلام ایدی * اسکی شهری
 کند و برادری کندز الیه این اوکی و یوند حصارنی ایغود الیه یلر حصارنی حسن الیه اینه کولی طور غود الیه
 سنجاق و یروب اوغلی علاء الدین پاشا ایل آنک والده سی قاین اتاسی شیخ زاده بالی باندده قیروب بلجک محصولی
 شیخ و یروب وقره سنه وقف تعیین ایدی * کندوسی یکی شهر کلدی آنی تختگاه ایدوب مسجد لر و حمام لر
 و نیجه درلو بنار ایل معمر ایتدیمکین اسمی یکی شهر قونوب سابقا او قوردی قصبه نک اسمی اسکی شهر
 اولدی * سنه ییوزده سابقا عسکر اسلام نیجه کره واروب فتح ایدوب مدکاری کو بری حصاره بودقه
 عثمان خان واروب یولده کتد و نک عیسی دوند ارب عنناد ایتدیکین عثمان خان اکاوق آتوب هلاک
 ایلدی * بعده قلعه بی نیجه کون محاصره ایدوب عاجز قالدقه یغمادیمکین فی الحال فتح اولتوب بعده قلعه
 مری به توجه ایتدکده حاکمی کلوب مطیع اولمغین خلعت کیدروب یزنده ابقا ایدی * سنه ییوزده از نیقه
 واروب بعدا محاصره فتحه چاره اولماغین قلعه نک اوستنه حواله برقله یایدروب ایچنه قرق نفر بهادر
 قیوب کفار شهری طشره چقار قیوب تضییق امر ایدوب از نیق اطراف نک قریه لرین عسکره تیمار اولدروب
 بعده تختگاهنه کتدی * سنه ییوز ییوزده یا اون ییوزده از نیق تکورلی استانبول تکورنیه محاصره دن

شکایتنامه کوندروب اولدخی معاوضت ایچون عسکر جمع ایدوب دیادن یلاق او به کوندروب غازی
 عبدالرحمان ایتدیب واروب کیجه ایل باصوب اکثری قیروب قاجنلرک اکثری دخی غرق اولوب باقیلری
 کی به بنوب کیر و استانبول کتدیلر * سنه ییوزده بروسه وادرومن و کستل و کتدیلر * سنه التیوز
 هجومه اتفاق ایدوب عظیم عسکر چکوب عثمان خان دخی قارشو واروب محکم صواشوب کفار صینوب
 قاجوب کستل تکورلی قتل اولتوب کتد تکورلی اولوب باط تکورنیه صینوب پادشاه انده واردقه خوفدن
 کتد تکورنی ویرمکین کند و قلعه سنه قارشو یاره لندی * یوچنکده پادشاه عیسی یا برادر زاده سی
 آی طوغدی بلک شهید اولوب حاله مزاری زیارتگاه اولدروب * سنه ییوزده ده قلعه کستل بریل صکره قلعه
 قوج حصار فتح اولندی * سنه اون اوچده پادشاه اوغلی اورخان و قبا قیا تکورلی اولوب حالا کند و اختیار ایل
 ایمانه کلان کوسه میخالی قره حصارده محافظه به قیوب عسکر کرجاسیله کند و غزیه کیدوب جنگ اولمغین
 لیلوب جی حصار نک و لنگه و چادراق و مکجه قلعه لرینک تکورلی تدریجه کلوب اطاعت و قلعه لرین
 تسلیم ایدوب بعده آق حصاره وارلدقه تکورلی بر مقدار صواشوب صینوب قاجوب حصار ی یغمالینوب
 کیوه ناحیه سنه وارلدقه قلعه سن کافر لخال قیوب بر برده جمع اولوب یچنه ایلدکار بلک خبری پادشاه
 معلوم اولیجی فی الحال اوزر لرینه واروب چنکده آنلری قیروب تکورلی طوب مال لرین یغمالیوب ناحیه
 کیوه ده قلعه تکورنیکاری و قلعه اوکده و قلعه نیجه حصار ی و دخی نیجه قلعه لفتح اولندی * و سنه
 ییوزده قلعه اویناش و قلعه صولی و عیان کولی فتح اولندی * سنه این درنده یا اون ییوزده پادشاه بروسه
 فتحه واروب لکن قلعه سی صعب اولمغین برقله قبلوجه طرفده برقله طاغ طرفده یا یلوب برینه پادشاه
 برادر زاده سی آن تیموری برینه قولی بلباشیجی بر مقدار عسکر ایل قیوب بروسه صحراسنک قریه لری
 ضبط اولتوب قلعه دن طشره آدم چیه غز اولدیلر * سنه اون ییوزده پادشاه شهزاده اورخان غزیه سردار
 ایدوب حرب و ضرب عنیف و تدبیر دایر و لطیف ایل قلعه جیش قره و قلعه صوفی اغزی و قلعه قره تکین
 و ناحیه آق یازی و ولایت قوجه ایل و قلعه قورکبانی فتح ایدی * قوجه ایلانی اچ قوجه قورکبانی قورکور
 الب المغین انلرک اسمیله مسی اولدی * سنه اون سکرده قلعه کلدی و قلعه قوجه حصار ی و قلعه کراسته
 محاصره و جنگ بعده امان ایل ایدی * سنه یکریمی اوچده قلعه موطنی فتح اولندی * سنه یکریمی شده
 یا التیده پادشاه پیرلک مر ضلرندن حرکت ایدوب میوب شهزاده اورخان بروسه فتحه کوندردمکین ایدو
 ادرنوس ولایتنه واروب قلعه بی فتح و ضبط ایلدی تکورلی طاعه قاجغین اردینه دوشوب عسکر ایل یاده
 اولوب طاعه ییروب تکورنیکور بر یوکسک یردن دوشوب هلاک اولوب و ابی طوئوب بعده اول حصار ی
 ییقبوب بعده بروسه به واروب کافرل اون بریل یاسکز ییل محاصره دن حلق و غلا و انواع بلایه مبتلا
 اولمغین تکور کندوسی او تویز ییلک التون و یروب صلح و امانله قلعه بی تسلیم ایدوب و ابی ایل و بر مقدار مالی
 ایل استانبول کیدوب خزینه سن شهزاده ضبط ایدی * سنه یکریمی التیده قلعه قاندری و یلاق آباد
 و قلعه ارمنی بازاری و قلعه بولی و قلعه قره مرسل فتح اولتوب ایشوبی قره مرسل نام بهادر فتح ایتدیکین انک
 اسمیله مسی اولدی * سنه ییوزده پادشاه محکم خسته اولمغین شهزاده بروسه دن کلوب پدیده
 کور شوب اغلا شوب بعده پادشاه اکا ایشو ایات مضمونیه نصیحتلر ایتدیکه (نظم) عاقبت کار بودر
 هر کسه * باد قشایر و جوانه اسه * سکا وصیت ایدرم کوش قیل * غیر غم دینی فراموش قیل * راه جهاد
 ایچره ایدوب اجتهاد * ملک روبره قیل عدل و داد * ایل رعایت علمای تمام * تا که بوله امر شریعت نظام *
 عسکر و مال ایل غرور ایل * شرع شریف اهلای دور ایل * شرع در رباه شاهی و بس * شرع مخالف
 ایشه ایته هوس * نصرت دین ایدی چو مقصد سکا * مقصد مه قصد کر کدر سکا * عالمه انعامی عام
 ایده کور * ملک امر بی تمام ایده کور * شاه که احسانلر بیکنانه در * سلطنت اسمی اکا فسانه در * حفظ رعایا به
 چالش روز و شب * تا که رفیق اوله سکا لطف رب * بویه وصیت ایدوب اول دین پناه * ایدی بقا کشورینه
 عزم راه * حق آفرضوانه قرین ایلیمه * آنده دخی تحت نشین ایلیمه (فصل) عثمان خان زمانده
 دیار رومده اولان بکار مشاهیر علمای و مشایخ بوللر ایدیکه (۱) خیرالاعالی شیخ زاده بالی عالم و عامل و زاهد کامل

ایدی اصلده قرمانی اولوب شامده تحصیل علوم ایند کد نصیره رومه کلوب مرشد راه اهدا و امور دین و دنیا ده
 مستشار و مرجع و معتد اولمشدی مالدار اولمغین و زاویه و مشافره خانه یا یوب به ده عثمان خان بونک کریمه سن
 آکوب سلطان اورخانک والده سی اولمشدر یید یوز بیکری التیده یوز بیکری باشنده وفات ایتدی (۲) طورسون
 قتیبه القزمانی شیخ اده بالینک شاکردی و دامادیدر تکه میل علوم شرعیه ایتمکین اده بالی برینه مفتی و مدرس
 اولوب مستجاب الدعوه کسسه اولدی (۳) منلا خطاب قره حصار ی روم و شامده تحصیل علوم مهمه ایدوب
 منظومه نسفی به لطیف شرح یازمشدر (۴) شیخ مخلص بابا عثمان خانله عزالده بیله اولوب صاحب کرامات
 علیه و مقامات سنیه ایدی (۵) عاشق پاشا ابن مخلص بابا عابد و عارف بالله اولوب احوال سلو کده عاشقانه
 برتری منظوم کابی وارد قیر شهر نده مدفوندر مناری محل قبول دعا در برلر (۶) علوان چلبی ابن عاشق پاشا
 پدزی کبی کامل عزیر اولوب اهل جذبه عظیمه ایدی اما سیه قره نده مدفوندر بونک دخی تصوفده نظمی وارد
 (۷) اخن حسن مظهر کرامات معدن برکات مستجاب الدعوه عابد و زاهد اولوب بروسه ده ساکن ایدی
 اکرم الله مأیهم و عطر بنسیم الجنة تراهم

(باب ثانی در احوال سلطان اورخان غازی ابن سلطان عثمان غازی)

(نظم) کلید فتح و کشاد عمالات اسلام و ابوالغزاة محمد خصال اورخان خان (نثر) ولادتش فی سنه ۶۸۰
 یا خود فی سنه ۶۷۸ جلوسش فی سنه ۷۲۶ عرش سنه ۸۱ یا سکسان ایکی یا سکسان اوج
 مدت سلطنتش سنه ۲۵ وفاتش در بروسه فی سنه ۷۶۱ بروسه ده حصار ایچنده مدفوندر (فصل در ذکر
 اولاد سعادت نهاد) (۱) سلطان مراد خان ولادتش فی سنه ۷۲۲ احوالی اشاعیده کلور (۲) سلیمان پاشای
 غازی ولادتش فی سنه ۷۱۶ وفاتش فی سنه ۷۶۰ پادشاهک بیولک اوغلی اولوب کندودن ایکی آتی اول
 وفات ایلدی موتی کیفیتی و مکانی اشاعیده کلور (۳) سلطان قاسم کوچک ایکن وفات ایتدی مناری
 بروسه ده در منوران مراد خان ایله سلیمان پاشانک والده لزی نیلوفر خانوندکه سابقا حکایتی مرورایدن
 یار حصار تکورینک قزیدر که بلجک تکورینه ویریلوب دوکون اولمش ایکن قبل الاجتماع سلطان عثمان
 غازی باصوب الوب اوغله نکاح ایتمشدی اشبو خانون بروسه صحر اسنده اولان ایرماغه برکوپری یا پیغین
 اول ایرماغک اسمی نیلوفر ایرماغی اولدی بروسه ده بر مسجد و نیجه خیرات بنا ایدوب بروسه ده اورخان
 تربیه سنده مدفوندر (فصل در روزا و امراء پادشاه) (۱) خیرالدین پاشا که سابقا منلا تاج الدین کوردی
 دیرلردی (۲) لالا شاهین که بروسه ده مدرسه و کرامتیه ده کوپری یا پیغیندر (۳) علاء الدین پاشا که پادشاهک
 لاب و ام برادری اولوب لام جدی اولان شیخ اده بالی به مقارن اولمغین تارک دنیا اولوب بعده پادشاهک
 ابرامی ایله وزیر و نصیر و مشیر اولمشدر (فصل در ضرب سکه و تعیین اوان کلاه بعض عسکر و ایجاد
 طوائف یا و مسلم و یکجری) تاج التوار یچنده اولان تفصیلک محصلی بودر که سنه ید یوز بیکری سکرده
 اورخان غازی از تکمید قلعه سی فتحندن دونوب بروسه ده کلوب اتی تختگاه ایدند که برادری علاء الدین
 تهینه کلوب کاردان و صاحب عرفان اولمغین انک تلقینیه پادشاه خیر نهادمهمات سلطنتدن اوج
 نسته ایجاد ایلدیکه اولادیری عثمان خان کثرت غزادن سکه ضربنه تقید ایستوب حالا سلطنته قوت و شوکت
 و دغدغه دن امن و راحت کلمکین ید یوز بیکری طقوزده ضربخانه وضع و سیم وزری کتدو نام شریفیه
 ضرب و قطع ایتدردی (ثانیاً) اوزمانه دلک عسکر کبی قزل کبی صاری کبی سیاه کلاه کیرلردی جمله سی
 آق کلاه کیک تعیین ایدوب بلدرم بایزیدخان زمانده آق کلاه مخصوص سپاه شاه و ملازمان درگاه
 قنوب ارکان دوات قوللرینه قزل بوزک کیک تعیین اولندی و فاشق سبط طینیه سلطان محمد خان علیه
 الرحمة و الغفران زمان شریفانده یالدر لوزمره ایله آق بوزک یکجری یلره وینه صرمه لوزل بوزک ارکان دولت
 قوللرینه تفصیل اولوب سائر سپاه سنت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اوزره دایند
 کیک بیورلای اما یکجری بولوب باشیلری کیدکاری اوسکوف سلطان اورخان اوغلی سلیمان پاشای غازی
 ایجادیدر که منلا خنکار حضرت تارینه محبه آتی کند و کیوب سلطان مراد خان غازی زمانده شایع اولوب
 صنایع زره و زری ایله کلاه اهل چاده اولوب بعض سفرو حضرلده پادشاهلردخی کیر اولدیر اما حالا بروسه ده

سلاطین عثمانیه تر به زنده تاج مطلی اوستنه یوسقی صارق وضعنده کورلری برطور غریب اوزره دورایدوب
 اوجی نه برده ایدوکی معلوم اولمسان زیبا و خوشنما عامه لری ایام اقامت و مجالس عبادت لرنده کیرلردی
 (ثانیاً) زمره عسکرده پیاده لردخی لازمدر دیوترک اوغلارندن دلاور هنر آوریکنلر جمع ایتدیریلوب سفر
 زمانلرنده کونده بر راجه وظیفه ویریلوب سفر آخرنده وظیفه لری کسلوب هر بری مکانه کیدوب زراعت
 و حرانته چالشوب رسوم عرفیه دن معاف قنوب ضبط ایچون بونلره اون باشی یوزباشی یکباشی نصب
 اولوب یایادیک ایله مشهور اولدیرلر اشبوطا نفعه جو غالوب فساد ایدر اولد قنلرنده بعد المشاوره کفار رعایا
 اولادندن خدمت و جنگه برارلری جمع ایتمک ایچون بر قاج بیله برکه بیک نفر اوغلان دیوشمرکه بعض
 خدام دیوان کوندریلوب کتوردکارنده ایمانه کتوریلوب سفت ایتدیریلوب بوسبیله تکثیر مسلمین و رغم انوف
 کفره ملاعین اولوب بونلرک وظیفه لری بر راجه دن قابلتیلرینه کوره زیاده اولتیق قانون قنوب بونلره
 یکجری دیوآقودیلر اول زماندنبر و اوجیوز بیله قریبدر که کفاردن تخمینا اوجیوز بیک کسسه ایمانه
 کتوریلوب بونلردن ماعدا اسیر اولوب ایمانه کتوریلنلرک عدد نه خودهمان الحق الله جل علاه آگاه
 اولمغین سلاطین عثمانیه نک سائر ملوک دنیادن مرتبه فضیلتلری علیا ایدوکنه بومعنی دلیل اقوی در
 پس یکجری احداثنده کمره یا بالره وظیفه بدلی اراضی و منار و برلر بیکه سفر دن دوندکارنده زراعت
 ایدوب رسوم عرفیه دن و تسکایفدن بری اولدر بوجه ایله اولاد تاراکدن بر طاقه دخی اتلوسفره اشوب
 انلره دخی مخصوص برلر ویریلوب بونلرک اسمی مسلم قنوب مرتبه لرنجه بولوب باشیلری و سنجاق بکاری نصب
 اولندی (فصل در غزوات و فتوحات سلطان اورخان غازی) اولابعد السلطنه بالذات و بالواسطه انواع
 طریقه فتح ایلدیکی قلعه لرامامیسی بودر قلعه صماندره و قلعه ایدوس و قلعه قنوب حصار ی و قلعه
 از تکمید و قلعه هرکه و قلعه از نینق و قلعه طریقی یکجیه سی و قلعه کونک و قلعه مودرنی و قلعه کلک
 و قلعه ادرمید و قلعه ایدنجک و قلعه قزله طوزله و ولایت قرانی که نیجه قلاعی وارد و قلعه کراماسی و قلعه
 میخالیج و قلعه اولوباط و قلعه بالی کسری و قلعه برنجه و قلعه منیاس و قلعه بکار حصار و قلعه ایازمند
 و قلعه آناخور و قلعه امر و دایلی و بعض قلاع روم ایلی یقاسنده و قلعه چغنی و قلعه ایشلونه و قلعه اود کوکل
 و قلعه دوکور و قلعه فرجهک و قلعه خیره بولی و ولایت آجیه اوامی و قلعه ابا سلغ و قلعه قورکور حصار ی
 و قلعه کامیبولی و قلعه معلغره و قلعه ابصاله و بعض قلاع تکور طانغی و چورلینک و خیره بولینک حدودندن
 اولان قلعه لردخی (ثانیاً) اشبو قلعه لرل زمان فتح و کیفیت فتحلری خصوصی بودر که سنه ید یوز بیکری
 التیده سابقا بعض قلاع فتح ایدن ایکی سردار ولایت قوجه ایلنده صماندره قلعه سن فتح تدارکنده ایکن قلعه
 تکورینک اوغلی مراد اولوب اتی دفته چیقده قنلرنده علی الغالب باصوب کفار طاعنوب کوراسیر اولوب
 استانبول تکوری و ایدوس تکوری اتی تخلصه عسکر کوندروب جنگده کفار صندوب قاجوب تکوراسیری
 از تکمید تکوری مال عظیم ایله صاقون آکوب نه اول مال از تکمید فتحه خرج اولندی صماندره حکومتن
 پادشاه فتح ایدن اجه قوجه به ویروب اولدخی استانبوله قریب اولمغین اکثر یا طرافتی نهب و غارت ایتدردی
 سنه یکجری سکرده پادشاه قورک و رباله غازی عبدالرحمانی ایدوس فتحه کوندروب وارد قنلرنده محاصره و قتال
 ایدوب غایت صعب قلعه اولمغین فتحه ظفر میسر اولد قنده تکورل قیزی واقعه سنده برقیویه دوشوب حقه غه
 چاره ارارکن برکوزل بیکت کلوب بونی چقاروب باله اسلر کیدر کوروب اویند قده حیرتله حصار دن اشاغه
 بقارکن غازی عبدالرحمانی کوروب واقعه ده کوردیکم بودر دیو عاشق اولوب تفصیل حالی و واقعه احوالی
 و حالا بیله کرکیدوب فلان کیجه بر نیجه کسسه ایله خفیه حصار یانه کله سز قلعه بی سز الیو بره دیو کافرجه
 بازوب طاشله طشره عبدالرحمان قریب ایتوب سردارلر بولوب الوب اوقیدوب قلعه نک اطرافن آتش عیاقوب
 کیدوب کافر بونلری قاجدی صاقوب غافل اولوب وعده کیجه سی غازی عبدالرحمان سکسان دلاورله کلوب
 تکورل قیزی بونلرک بر قاجنی کند ایله بوقار و چکوب غازی عبدالرحمان یولدا اشیرله قلعه قهوجیلرین قتل ایدوب
 قپویی آچوب چله مسلما نلر شمره کیروب کافر لر مستانه اویقهوده اولمغین تکوری و سائرلرین قیروب قلعه بی
 ضبط ایدوب قیزی و نیجه اسیر و ماللری پادشاهه ایلند کارنده اول قیزی غازی عبدالرحمانه نکاح ایدوب قره

عبد الرحمن آرد و او غازی اولدی بکه ثابت بهادر قویوب استانبول کفاری آنک نامندن خوفناک اولوب مهده
اولان اوغلا نجه قلمین انکله قورقورلردی * سنه منوره ده پادشاه بالذات از نسک مید فتحه واروب
آنک جوارینده قیون حصارنی محاصره به بر بلوک عسکر کوندر ووب انشاء چنگده تکورک سینه سینه اوق
طوقنوب کندوسی قلعهدن اشاعه دوشد کده کافر قورقوب قلعهدی امانله اچوب ویروب تکورک باشی
کسیلوب پادشاهه کوندر مکن قلعهدی اوکنده برادر ایدوب از نکمید تکورری اولان خانقون برادرینک باشی
کورده کده قلعهدی امانله ویروب اجازتله کی به نبوب استانبوله کندی بعده ایدوس قلعهدی مخرب
رازنکمید تعمیر و محافظه ده سی کتیر اولوب اطرافنی سپاهیلره تیار ویریلوب کفار کیدلرندن محافظه ایچون
دریا کتاری قره مرسل نام بهادره ویرلکین آنک اسمی ایله مشهور اولدی * سنه اوئوز برده پادشاه ازینق
فتحه کلوب استانبول تکورکینک کوندر دیک عسکری شهزاده سلیمان پاشا واروب باصوب کینی قیروب کینی
اسیر کتور دیر اهل ازینق قریندن محاصره خصوصاً یاردیجی کلکدن یأس و طاعون و قحط سیدیه
آخر قلعهدی امانله ویروب تکورری استانبوله کیدوب اهل شهر و رعایا پادشاهه تابع اولوب بعده پادشاه اشبو
نهر فرید الدهری غایت بکنوب تعمیر و تختهسکاه و بلوک قاضیسی مولانا قریه خلیلی ازینقه قاضی ایتدی * سنه
اوئوز ایدیکه از نکمید بکی شهزاده سلیمان پاشا طراخی یکجه سی فتحه عزم ایتدکده تکورری قارشو کلوب
ولایتی طوعا تسام ایتدی * بعده کوبسکه واروب رعایا سی مطیع اولدقده تکور دخی ناچار حصارنی تسلیم
ایتدی بودیارل خلقی آت چوللری ایشلر موتا بلر اولغین غازیلر حظ ایتدیلر انلرینه بکی چوللر کیدروب بعده
بودرینی به واروب آنک دخی تکورری ولایتی تسام ایتدی بواسطوله دخی نیجه ولایتلر فتح ایدوب جبرایله
انسانغین غارت و غنیمت اولغدی دیوغازیلر بخصور اولدقده شهزاده بونلر نیجه سینه بوللا تلمده بعض
کویلری مز رعیه لر غلیک ایدوب پادشاه ایشدکده حظ و دعا ایتدی * سنه اوئوز درتده پادشاه قلعهدی کلکدن فتح
مراد ایلدی بعد الما اوره بشیوز کسسه ایلر سر در کوندر ووب واروب قلعهدی بریل محاصره و مز رعیه لرنده
اولان ترکلری بیچوب ضبط ایدوب اول بهارده پادشاه کندوسی واروب محاصره ایلر بر آیه دل صواشلوب کفار
عاجز اولغین امانله قلعهدی ویروب خراجکزار اولدیلر * سنه اوئوز بشده ادرمید وایدنچک و ترلجه طوزله
قلعه لری فتح اولندی * سنه اوئوز بیدیه ولایت قراسی حاکی بجلان بک که سلاطین سلجوقیه نسلندن اولوب
آل عثمانلر دوست اولغین طورسون نام اوغلنی رهن ویروب پادشاه دخی انی اوغلی کبی رعایت ایدردی وفات
ایدوب برینه یولک اوغلی کچوب ظالم اولغین ولایت خلقی پادشاهی دعوتیه ایچلی وهدایا کوندر مکن عسکرله
کیدوب بولده قویوس وایلیوس نام قلعهدی کفارالندن فتح اولنوب بعده کرماسی و میخالیج وارولوب بعض
قلعه لرل تکورلری بر بر کلوب مطیع و خراجکزار اولوب پادشاه بالی کسری به واردقده بجلان اوغلی برغمه
حصارینه قاجوب بجلانک وزیر حاجی ایلکی اعیان شهرله پادشاهه هدایا ایلر بولنوب اتفاق ایلر برغمه به
واروب امر پادشاهه طورسون بک اعیان ولایت قراسیله حصارکارینه واروب برادر ایلر مصالحه
و محالکی مشایحه ایچون سوبلشک صدنده برادر برآز یوقارودن نشانلیوب اوق آتوب طورسون
شهید اولدقده منیاس وایازمند ویکار حصارنی وساطة قلاع خلقی قلعهدی مفتاحلرین کتور ووب پادشاهه
تابع اولدیلر * بجلان اوغلی دخی ناچار قلعهدن چیقوب پادشاهه التجا و تضرعه غمورجا ایتدکده بروسه به
کوندر یلوب ایکی یلدنصکره آنده طاعونندن وفات ایتدی * پادشاه جمیع ولایت قراسی بکاسکینی
و کندونک جله عسکری سرعسکرلکینی شهزاده سلیمان پاشا به ویروب آنک تدبیر امورین ارکان دوات بجلانیه
اولان حاجی ایلکی وغازی فاضل واجه بک واورنوس بکه تقویض ایدوب ارکان و اعیان و سپاه ولایت
قراسی بی اسلوب قییم اوزره ابقا ایدوب بروسه به کاورکن اولوباط تکورکینک خیانتی ظهور ایتکین قتل
بودرینی دار اسلامه ضم ایتدی * سنه اوئوز مکزده پادشاه غزایه کیدوب اب دریاده اناخور و امر و دایلی
ودخی بعض قلاع واروب اول وهله ده حا کمری مقاومتیه عزلرندن قلعهدی لرن تسام ایدوب خراجکزار اولوب
پادشاه دخی قابل انتفاع اولان قلاعی ضبط و باقیلرین تخریب ایدوب مقامنه دوندی (فتح روم ایلی)
یدیوز اوئوز مکزده شهزاده سلیمان پاشا پادشاهه معرفتیه ایتدکدن روم ایلنه کجک مراد ایتدکده

اجه بک وغازی فاضل جنی قلعهدی سنک قارشو سنده دریانک عرضی آزاوغین برصال دوزوب برکجه ایچنده
کیدوب یلکن آچوب قارشو به کچوب باغلر اسنده بر دیل طوقنوب شهزاده به کتور ووب قلعهدی فحی نه یردن
آساندر دیوسو یلدوب بعده اب دریاده کافر ولایتندن صغر لغارت ایدوب دریلرندن قایشلر کسوب انکله
اناجلری بری برینه محکم حاروب ایکی یولک صال دوزوب شهزاده و اعیان ولایت وغازیلر بوجله سکسان
کسینه ایلر برکجه ایچنه کیروب فی الحال واروب قلعهدی به متصل مز بله لکدن یوقارو چیقوب ایچنده کی کفاری
باغلیوب لکن قتل ایتوب اسکله ده اولان بعض کیلری کجیلرینه وعده احسانله قارشو کوندر ووب اوکجه
اوج کونده دلجله اوج یلک نفر عسکر کچوب او محلهه یقین برده بعضی کافر کیلری اولدیغی ایشلر مکن
اشوب قلعهدی بولنات آنلره بعض غازیلر نیوب واروب کیلری آتیه یاقوب کادیلر * بعده یوقلعهدی قریب
ایشلونه نام قلعهدی به دخی برکجه مسلمانلر علی الغفله واروب یوقی الدقلری وجه ایلر آلوب اشبو ایکی قلعهدی
سپاهیلرین اهل و عیاللری ایلر قراسی ولایتنه کچور ووب رعایا لری برلنده ابقا ایتدیلر * سنه التمشه کلبولی
تکورری مسلمانلره عسکر چکوب جنک اولدقده صینوب قلعهدی سینه قاجقین شهزاده کلبولی بی محاصره به
اجه بک وغازی فاضل ایلر بعض عسکر قویوب کندوب بولایرده اوئوردی اجه بک اول اطرافنی تسخیر و رعایا سی
برلنده نفر بر ایتکین اول صخرا اجه اواسی دیو مسی اولدی * قو کور حصارنک تکورری کجه علی الغفله
مسلمانلره اکثر ایشخون ایدردی شهزاده دخی ظرافتله مارتلوسلر کوندر ووب قلعهدی یاتنده کزنوب بر قاج آدم ایلر
تکورری چیقده قده طوقنوب اسیر ایدوب بعده اهل قلعهدی خوفلرندن حصارنی امانله ویروب تکور کور دیر صلب
و خزینه سی سلب و جلب اولنوب شهزاده سابقاروم ایلی فتحه عزم ایلدکده متلا خشکار خلفا سندن بر عز بر
تبرکاو بر دیک کلاهی کاهی کیوب حال مال غنیمتی غازیلره بونکله اولشدر ووب بعده انی التونله ترین ایدوب
بالذات کند و کیوب بعده سائر کابره دخی بواسطوله التونلو کلاه پید ایدوب کیدردی بعده شهزاده کلبولی به
هجوم ایلدکده چوقدن محاصره اوزره اولغین تکورری قلعهدی امانله ویروب کندوسی اهل و عیالیه استانبوله
کندی بعده شهزاده اجه بک ایلر غازی فاضلی کلبولی ولایتنه بک ایدوب انده قویوب آخر عمر لرینه دل
اول اطرافنده غزا ایدرلردی * سنه منوره ده حاجی ایلکی ایلر معلفره واصله شهرلری دخی فتح اولندی بعده
عسکر اسلام کفار مستحق بالرجوم اوزر لرینه هجوم ایدوب دخی تکور طاعنده اولان بعض ولایتلر جبرله
فتح اولنوب اورکوکک حصانی اوج یعنی سرحد ایدندیلر و خیره بویه و چورلی به مسلمانلر مرارا آقین ایدوب
مال و طوار و اسیرله طویوم اولوب او محالرده اولان قلعهدی دخی فتح اولندی بعض نواریچنده اورکوکک و دو کور
و فرجه بک و خیره بولی قلعهدی یدییوز الی طقوزده فتح اولشدر دیو مذکوردر (فصل درخیرات سلطان
اورخان) اولان نکمید فتح ایتدکده نیجه کلباسلرین مسجدلر و بری مدرسه ایدوب جیره لری ایدوب
مصارفچون بعض کویلر وقف ایتدی ثانیاً ازینق فتحنده دخی کلباسلرین مسجدلر و بری مدرسه ایدوب
داود قیصری حضرت لرین مدرس ایتدی و عمارت و مسافر خانه یا یوب مسافرینه هر کون طعام بشمک شرط
ایدوب اول کونی طعایم پادشاه قصد نوب ایچون کند و ایلرله قوتروب تقسیم ایدوب جامعک چراغلرین دخی
کند و ایلر یاقدی ثالثاً بروسه ده برجامع و تاجا و کاربانسرای و عمارت یا یوب و مناسر دیدکری کلباسی
مدرسه ایدوب اطرافنه جیره لری یا یوب بوجله به کویلر وقف ایتدی و کیکلو بابا دیدکری عزیزه برتکیه و جامع
شریف یا عسدر (فصل دروفات شهزاده) یدیوز التمش برده سر عسکر اسلام اولان شهزاده سلیمان
پاشانک روم ایلنده ایلدیک فتوحاتی اهل دین نصاری ایشیدوب غیر تلرندن نفیر عام ایتدکارنده شهزاده
ایشیدوب غازیلره تسلیمت و انواع نصیحت ایدوب برکون دفع غم ایچون شکاره چقوب بر قازه طوغان
صاوب اردنجه سکر درکن آتله دوشوب وفات ایتکین بولایرده سرانی قریبده بنا ایتدیک جامع و عمارتی
یاتنده دفن اولندی سابقا بروسه ده بر مسجد دخی بنا ایتدی (فصل درغزای اکبر و حصول فتح و ظفر)
شهزاده وفاتند نصکره کیدلرله اون بش یلک کافر کلبولی به اون بش یلک دخی بولایر کلوب عسکر اسلام
کفار نسبت غایده آزاوغین برسوز و کداز ناچار قارشو طور ووب لکن صینوب قاجوب کفار انلری قوه لر
ایکون حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و دین مبین قوی الاصول حرمتنه رب کریم متعال زمره

دوی الضلال دفعه انسان صورتند جنود غلبه ارسال ایدوب اول مستحقین بالرجوم اوزر زبته هجوم
 اید کردند کفار بولری عسکر مسلمیندن بر فرقه صانوب سلاحین براغوب قاچوب مسلمانلر کفارلر
 ظاهر ابلا سبب قاچد قلوب کوروب جانب حقندن عنایت اولدیغن فراستله یلوب قوت قلبله کفارلر
 اوردنه دوشوب جله سن قیروب اسیر ایدوب همان کیدلر ایچنده اولان کمیجه لر قورتلدی اسیر اولنلر بعضنه سز
 غالب ایکن نیچون بلا سبب قاچدیکر دیو مسلمانلر صور دقه بوز آتله یتیش بر عسکر عظیم سزه معین اولوب
 سردارلری شوصه قتلوشو صورتلو بر تازنه بهادر یکت ایدیکه انلرک هیبت و هجوملری خوفندن قاچدق دیکین
 اول دیدکری یکت وفات ایدن شهزاده نک روحی ایدوکی معلوم اولدی * کلیبولی بی محاصره ایدن اون بش یکن
 کافر دخی بولداشلر یکنلر انهمزام و انعدا ملرین ایشتمکین قورقوب کتدیله (فصل در وفات پادشاه) شهزاده نک
 وفاتی و کفارلر انهمزای خبری کلدکده پادشاه غلبه مسلمیندن حظ ایدوب لکن فرقه الاولاد حرقة الابد
 معهود منجه قلب با فراغی برداغ اولدی (محرره) مسراتها مرقونه بعموم * حلاواتها معجونه بسجوم *
 فلا ترج فی الدنیا الدنیه راحه * فما خلقت الا لحض هموم (نثر) شهزاده آزاده ملک نظیرک خبر موتی
 پادشاهه محکم تاثیر ایدوب (نظم) القلب یحزن والعین تبکی * وقفنجه دوکدی چشمندن اشکی *
 آه حزین باقدی زمینی * جرخ برینی کدی انینی * جله سپاهی کیدی سپاهی * ایر کوردی هر کس
 کوکله آهی (نثر) بعده پادشاه خسته اولوب اوغلی سلطان مرادی کتوردوب تصحیل و وصیتلر ایدوب
 محصلی بولدی (نظم) شریعت آباءن ایلدیش * رعایا حفظنه سعی ایت همیشه * غرض نام نکودر
 اکالاش * کسنه انجمن دور کده نالاش * جهاد امر نده صرف اجتهاد ایت * جهاند نامکی غازی
 مراد ایت * بوفانی ملک مغرور اوله زنه ار * طریق شرعدن دور اوله زنه ار * قتاد رعایت دنیانک امری *
 اولور هر کس نه دکوا و لسه عمری * کرم ایلد بکاجلب دعا قایل * مرادم بودر آفریند عاقل (نثر) پس
 بدیوز التمش برده شهزاده سلیمان پاشا وفاتدن ایکی آی صکره پادشاه دخی وفات ایدوب بروسه حصارنده
 مناسترده دفن اولندی مدت عمر وسلطنتی یوقاروده یکمشد (فصل) سلطان اورخان زماننده اولان
 کار مشاهیر علمانلر ایدیکه ذکر اولنور ۱ داود قیصری فرمانده مصرده جمیع علومی تحصیل و تکمیل
 ایدوب فصوصه و قصیده ثابته شیخ ابن الفارضه بر لطیف شرح بازوب دقایق علم تصوفی درج ایتدی ازینقه
 پادشاه بایبغی مدرسه به ابتدائونلر مدرس اولمشدر ۲ تاج الدین کردی متن مطالع مؤانی قاضی سراج الدین
 اومویدن اوقومشد رفته و سائر علومده ماهر و مشهور اولغین داود قیصری وفاتنده انک برینه مدرس اولدی
 ۳ علاء الدین اسود که قره خواجه دیرلردی متن و قایه به و اصولده متن معنی به لطیف شرحلر بازوب تاج الدین
 کردی وفاتنده برینه مدرس اولدی متلافنار یکن استادی ایدی ۴ چندره لوقره خلیل سلطان
 اورخان قره خواجه نک اوینه واروب سقرلده عسکره قاضیلر ایتمک بر منلایستد کده شاکر لری آنلردن
 آیرلر ایستیموب عاقبت جبرائولی تعیین ایتمکین اغلیه رق قبول ایتدی دولت عثمانیه ده ایداقاضی عسکر
 اولان بودر بر روایتده بیچک قاضی ایکن ازینقه بعده بروسه به قاضی اولوب سلطان مراد زماننده قاضی
 عسکر بعده وزیر اعظم و بکر بکی اولوب خیر الدین پاشا دیو مشهور اولدی ۵ محسن قیصری مجد الدین قیصری
 حضر تلمنک شاکر دی ایدی بعده شامده تکمیل علوم ایدوب فقه و فرائضه بر صنعت و لطافت برده منظومه
 و عروضده قصیده اندلسیه به شرح بازوب رومده وفات ایتدی (فصل) سلطان اورخان زماننده کار مشاهیر
 مشایخ بولنلر ایدیکه ۱ کیکلوبا باجمندن کلوب اهل ولایت صاحب جذبه و کرامت عزیز ذوق عیز ایدی کیکلر
 مسخر اولوب بروسه فتحنده بر جیرانه بنوب سلطان اورخان ایلد حاضر اولغین بولقبه مشهور اولدی ۲ قراجه
 احمد سلطان ملوک جم نسلندن ایکن ترلند دنیا ایدوب رومده آق حصارده مدفوندر قبرنده دعار مقبول اولور
 و هر خسته شقایه وصول بولور ۳ اخی اوران اهل دعوات مستجاب و کرامات مستطابه ایدی ۴ ابدال موسی
 اهل جذبه ایدی بروسه فتحنده یله اولوب بروسه مدفوندر * مریدر که برقل قور آلوب پنبه به صاروب
 کیکلوبا یله کوندروب اودخی بوکابر چناق سود کوندروب حاضر لر بریسی سود کوندرمکدن مرادنه یکی
 رید کده شیخ موسی بوکیک سودیدر حیوان تسخیری نبات تسخیرندن اصعب اولغین بکاغلبه ایتدی دیش ۵

ابدال مراد بودخی اهل جذبه و بروسه فتحنده یله اولوب بروسه مدفوندر ۶ دوغلوبا بودخی اهل جذبه
 ایدی بروسه فتحنده غازیله دفع حرارت ایچون یوغرت ایرانلر اولمشدر دیکچون بولقبه مشهور اولدی
 فارسیجه ایرانده دوغ دیرلر * نورالله مرقد هم عطرالله مشهد هم
 باب ثالث در احوال سلطان مرادخان ابن سلطان اورخان ابن سلطان عثمان
 (نظم) شاه عاجبانه غازی حضرت سلطان مراد * آنکه باشد ملک و ملت را معین با عدل و داد (نثر)
 کثرت غزاسیده غازی خنکار دیکله اشتهار بولمشدر * ولادتش فی سنه ۷۲۷ جلوسش در بروسه
 فی سنه ۷۶۱ مدت عمرش سنه ۶۵ سلطنتش سنه ۳۱ وفاتش فی شهر رمضان سنه ۷۹۲ بر جتکندنصره
 شهید اولدی تنکیم تفصیلی کلور * مریدر که مر حوم صاحب کرامات دیه جک مر تبده اولوب جلدن بری
 قیلوجه جامع عام اولدقه سیره واروب کند و انده اولان طوغان اوچوب قبه به قونوب جاغر دیکه کلامکین
 قوربوقال دیدکده واقعا اولد اولدی و بر صعب قلعه حقدقه مکر بونی تنکری یقه دیدکده محض قدرت
 حضرت رب ایلد بلا سبب یقلدی حاله از ارشینی طبرانی دوا امر اضدر دیو مشهوردر (نظم) بوایتدی
 نشر غرب و شرقه دینی * منور ایلد یارب مرقدینی (فصل در اولاد و وزراء و امراء او) اولاد اولدی
 سلطان بلدرم یازیدخان و یعقوب چلی و سواجی بک ایدیلر که بدیوز التمش سکرده سنت اولوب عاقبت
 حاللری اشاعیده کلور ثانیاً وزراء و امراء سی ۱ خیر الدین پاشا که قره خلیل دیرلر ایدی قاضی عسکر ایکن
 وزیر اولدی احوالی یوقاروده علامده یکمشد ۲ لالاشاهین روم ایلد بکر بکیسی اولدی ۳ علی پاشا ابن خیر
 الدین پاشا دیری وفاتنده برینه وزیر اعظم اولدی ۴ صاروجه پاشا ۵ حاجی ایلکی ۶ حاجی اورنوس غازی که
 روم ایلنده نیچه ولا یتفتح ایدوب عظیم و قفلر بنا لراشمدر ۷ قونلویک ۸ اینه بک بونلرک دردی دخی عظیم
 الشان سنجاق بکری ایدیلر ۹ قاره تور تاش لالاشاهین برینه روم ایلنده بکر بکی اولدی ۱۰ طوئجه بلبلان
 ۱۱ الیاس بک ۱۲ مستجاب سوباشی ۱۳ احمد چاوش ۱۴ قاره مقبل ۱۵ یکت پاشا ۱۶ بازار طوغان
 ۱۷ قونلویغا ۱۸ فیروز بک ۱۹ احمد بک ۲۰ یحیی بک ۲۱ عیسی بک ۲۲ شیر مر دیک بونلرک کیمی
 روم ایلنده کیمی اناتولیده برار و نامدار بکر ایدیلر (فصل در فتوحات سلطان مراد) بونک زماننده انواع
 طریقه فتح اوانسان قلعه لر و ولا یتلر بونلر ایدیکه ۱ اناتولیده قلعه انکوری و بعض قلاع و روم ایلنده قلعه
 بنطوس و قلعه چورلی و قلعه مسالی و برغازدر قرب جورل و بعض قلاع در نواحی مغیره و اصاله و قلعه
 دیمتوقه و قلعه کشان و قلعه برغازدر قرب ادرنه و قلعه شهر ادرنه و قلعه بابا اسکیمی و قلعه کوملچنه
 و ولایت واردار و قلعه زغره یکجه سی و قلعه زغره اسکیمی و قلعه قلبه و قلعه بیغا و قلعه جرم و قلعه یکجه
 قزل اغاج و قلعه یانبولی و قلعه ایدوس و ولایت قرن اواسی و قلعه سوزه بولی و قلعه خیره بولی و قلعه قرق
 کلیسا و قلعه بیکار حصار و قلعه ویزه و ولایت صماق و ولایت احتمان و قلعه های ولایت کوسندیل
 و قلعه قره جک و قلعه انیجورکدر قرب استانبول و قلعه چتال برغاز و قلعه بولونیه در قرب انیجورکد تنکری
 یققدوغی حصار دیرلر و قلعه بوری در روم ایلد و قلعه اسکنه و قلعه مارولیه که عورت حصار دیلر و قلعه
 قواله و قلعه درامه و ولایت زخنه و قلعه سیروز و قلعه قره فریه و قلعه نیش و قلعه کوتاهیه در ولایت
 اناتولی و قلعه سما و قلعه اگری کوز و قلعه طوشانلو و قلعه بک شهری و قلعه سیدی شهری و قلعه یلواج و قلعه
 قره اغاج و قلعه اسبارنه و قلعه جید و قلعه آق شهر و قلعه تر قوزدر روم ایلد و قلعه برابه و قلعه مناستر و ولایت
 قارلی ایلد و ولایت اشتیب و بعض قلاع در راه ولایت ارنا و در بعض قلاع ولایت بوسنه و هر سک و قلعه صوفیه
 و قلعه برادادی و قلعه طرناوی و قلعه شومنی و قلعه در تحسنه و قلعه چتر هزار و قلعه خردا تیه و قلعه نیکیبولی
 و قلعه طواسلو و سائر قلاع آن دیار (فصل در کیفیت ضبط و فتح قلاع مذکوره و بعض وقایع زمان
 سلطنت مرادخان) سنه بدیوز التمش برده فخته یکدیکی کجه اوغلی بلدرم یازیدخان وجوده کلدی * سنه
 التمش ایدیکه پادشاه روم ایلنده غزایه کتد کده اناتولیده اولان ملوک قرمان و بعض بلاد ممالک عثمانیه غارتنه
 بری برلر یحقی کفارله دخی اتفاق ایتدیکری ایشیدلد کده پادشاه شه اناتولیه کلوب انکوری دیدکری
 انکوریه قلعه سنی محصور و قرمان بکرین مملکتلرندن دور ایدوب اهل نفاقله اتفاق ایدن اشرار کر قنار و قنار لیلد



واصل بوار و تار اولمغین انکوری صاحب لری که اخیر دیکله معروف اولوب تغلبه حاکم ایدیلر هدا ایا ایلد چیه قوب
 قلعه بی پادشاهه تسلیم ایدوب قول اولدیلر بعده اول اطرافده بعض قلاع دخی صاحب لری بدندن جبرایله
 اندی بینه یولده امرادن حاجی ایلکی روم ایلنده نهر مریمج کارنده برغان قلعه سن فتح ایدوب آنده طوروب
 اکثر اطرافه اقلین ایدوب مظفر و مستقیم اولوردی * سنه التمش اوچده پادشاه نیجه آیین و قوانین وضع ایدوب
 جلد دن بری بر روایت اوزره جندره لو مولانا خلیلی مستقلا قاضی عسکر نصب ایدوب قدیم دن سفره
 کیدله بجه اردوده مصالح شرعیه ایچون پای تحت قاضی کورتوریلوردی بعده سر عسکر اوله جتی یتشمش
 یول شهرزاده اولمغین لالا شاهین بن روم ایلی بکر بکسی و سر عسکر دیکلوب عسکر کورمکه دیکلر ایلوب
 پادشاه زمره سپاهله کجوب بولایرده برادری مزارنی زیارت و روحیون و قفل ایدوب قلعه بنطوسی محاصره
 و امانله الدی بعده چورلویه واروب حصار جنگه کنده تکورینک کوزینه اوق طوقنوب کور اولدقه
 پادشاه بغما یورمغین فی الحال فتح اولوب تکورینک باشی کسلوب عبرت ایچون ملوک کفار کوندر یلوب
 قلعه بی بره بر اریقوب بعده مسئلی قلعه سنه واروب تکوری قلعه و خزینه سن تسلیم ایدوب خراج کسلدی
 بعده چورلوقرنده قلعه برغانه وارلدقه کفاری قاجغین قلعه بی یقده یلر بعده امرادن حاجی ایلکی به مغلغه
 طرفندن طایغ اتکند مالان قلاع و اورنوس بکه اتصاله طرفندن دریا کارنده اولان قلاع فتح و ضبطی
 یورمغین ایلکی دخی بالتمام اداء خدمت مأموره ایدیلر من بویاکی نامدار شهرزاده سلیمان پاشای غازی
 وفات ایدیه لی بریلدنبروروم ایلی حاکمده حفظ بلاد اسلام ایدوب کفار ایچنده شجاعتله بنام اولوب نیجه
 غزالی تملردی حالادیمتوقه تکوری مسلمانله شجون ایچون برکیجه قلعه سندن چیققدقه غارت ایچون
 کزن حاجی ایلکی اکار است کلوب محکم صواشوب تکوری طوقنوب قلعه یانته ایلد کده اوغلی آتی کوروب
 امانله قلعه بی تسلیم ایدوب بواننده اورنوس بن دخی قلعه کشانی فتح ایدوب ایلکی دخی اموال غنائم بجد
 و حسابله پادشاهه کادیلر (فتح ادرنه) بعد المشاوره ادرنه فتحه لالا شاهین پاشا کوندر یلوب پادشاه کندومی
 قلعه بابا اسکسی فتحه کندی شاهین پاشا ادرنه تکوری ادرنه که شهرانک اسمیله مسی ایدی بجد عسکر
 جمع ایدوب عظیم صواشوب عاقبت کفار صینوب قاجوب اکثری قیر یلوب باقیلری قلعه به قاجوب اموال
 غنیمتی پاشا پادشاهه کوندر یلوب اوچا به دعوت ایتمکین پادشاه وارد قده برکیجه ادرنه تکوری خزینه و بوابین
 آلوب نهر مریمجده کمی به بنوب اینزه قاجوب ادرنه خلئی قلعه بی امانله تسلیم ایدیلر بعده پادشاه دیمتوقه
 ادرنه دن زیاده معمور اولمغین واروب آنده قرار ایددی * سنه یدیسوز التمش اوچده اورنوس بن قلعه
 کولمجنه بی و ولایت وارداری فتح ایدوب تدریججه نیجه آثار خیر یلوب و قفل ایدوب مسافر لرهر نه دکلو طور لر
 ایسه منع اولوب ضیافت اولقی شرط ایددی شاهین پاشا دخی احسن بلدان و اطیب عمران اولان زغره بی
 و اطرافده کی بلادی فتح و ضبط ایدوب غنیمت بی نهایت ایل پادشاهه کلد کده پادشاه عالمناه (نظم) امر او سپاه
 بجنتلر و یوروب ایددی نیجه نوازشلر (وجه تسمیه بنجیل) ولایت فرماندن پادشاهه بیله کلان عالم کامل
 محترم مولانا فر رستم قاضی عسکر مولانا قره خلیله اموال غنیمتدن بیت الماله خمس التقی شرعیدر نیچون التقی
 دید کده اتفاقله پادشاهه عرض اولوب من بورمنلار ستمه اصهر لنوب اوزمانده قیمت اسیر غایت یسیر اولمغین
 یوزیکری بش الحقه بها تقدیر اولوب اسیر باشنه یکریمی بش الحقه التقی قانون قونوب بشده براولمغین فارسیجه
 اسمی بنجیل قوندی * سنه التمش درنده پادشاه مره جیش و مره عیش مفع و منجه استراحتیون بروسه به
 کیدوب امر انک بعضلر بی روم ایلنده فتح بلاد قوماغین * سنه التمش بشده لالا شاهین پاشا قلعه به واروب
 خیلی مدت محاصره اید کده تکوری قلعه بی امانله و یوروب کندوسی اهل و عیالیه سرف ولایت کندی
 (غلبه مسلمین بر کفار ملایین) التمش التیده سرف و بوسنه و افلاق و انکروس قرالری اتفاق اوزره بجد
 عسکرله ادرنه طرفه هجوم ایدوب پاشا دخی پادشاهه فریادی کوندر مکین بروسه دن قاقوب کیدلر روم ایلی
 یقاسنه کجورکن اناطولیده بیغاق قلعه سن محاصره ایدوب بواننده کفار سرف همجو دریای زرف
 ادرنه یماکی منزل بره کلوب مسلمانلارون یلک نفر اولوب کفارک تخمینا عشری قدر اولمغین عقال مشاوره سینه
 مقدما حاجی ایلکی کند و ضبطنده اولان سپاهله تجسن اخبار ایچون کوندرلد کده متوکلا علی الله واروب

کفارک کتیری نهایتده لکن جهل و اغترار ایل و نهار عیش و نوشدن دائمی بوش کور مکین برکیجه
 عسکر بی یلوب بر قاج بردن صدای طبل و صور و نفیر و ندای تهلل و تکبیر ایل بروسه عموم هجوم اید کده زمره
 کفره (کاهنم حر مستغفره) اورکوب شاشوب کمی بری برلری کمی مسلمانلر قیروب کمی صوبه غرق اولوب
 کمی دخی قاجوب بعض قلاع و کنده پراکنده اولدیلر حال اول صحرا به سرف صیندی بی دیر حاجی ایلکی
 مال کثیر و بیحد اسیرله کلد کده شاهین پاشا ظاهر ا حظ ایدوب لکن حسدنن ایلکی بی ظرافتله زهرلدوب
 وفات ایددی (عودت و بناء خیرات و سنت نهم زادگان) اموال غنیمتله خبرانمزام کفار پادشاهه کلوب
 محاصره اولنن قلعه بیغادخی بغما ایلد فتح اولمغین پادشاهه دونوب بروسه به کلوب بشقه فصلده کله جنگ ایتیه
 خیراتی بدیسوز التمش بدیده بنای ایدوب بعده اوغلری بایزید خان و یعقوب چلی و ساوچی بکی سنت ایچون
 عظیم دو کون ایدوب امر اوعلما و صلحایه خلعتلر کیدردی (غزوات و تعمیر ادرنه) سنه التمش بدیده پادشاه
 روم ایلنده کیدوب آنده تختگاه ایدند یکی دیمتوقه ده او نوروب ادرنه قربنده جرم قلعه سن فتحه عسکر
 کوندر یلوب تکوری امانله حصار یوردی * بعده پادشاه برواقعه کورمکین ادرنه به واروب انی تختگاه
 ایدنجکچون سرای بایدرمغه و هر وجهله تعمیر ایدر مکه مباشرت ایددی * سنه التمش سکرده تیمور تاش بکی
 بانولی و قزل اغاج فتحه و شاهین پاشای صماق و اختمان ولایتلرین فتح و غارت کوندر مکین تیمور قزل اغاج
 یکیجه سن فتح ایدوب و کفار بن خراج کسوب بعده یانولی به واروب صعب قلعه اولمغین نیجه مدت محاصره
 و جنگ ایدوب کفار عاجز قالد قلرند حصار ی تسلیم ایدیلر تیمور بک مال فراوانله پادشاهه کلوب
 شاهین پاشا دخی صماق و اختمان ولایتلرینه اقلین ایدوب اسیر و مال کثیرله کلدی * سنه التمش طقوزده پادشاه
 روم ایلنده غزایه حقیق و ولایت ایدوس بعده قرن اواسی بعده قلعه سوزه بولی بعده قلعه خیره بولی بی امان
 و اطاعتله فتح و ضبط ایدوب غنیمت فراوانله دونوب ادرنه سرای تمام اولمغین آنده قرار ایددی * سنه
 یتشده غزایه حقیق قرق کلسا قلعه سن محاصره ایلد فتح ایدوب بعده بیکار قلعه سنه واروب جبرایله
 فتح ایدوب قلعه بی یقوب کفارنک کمی قتل کمی اسیر ایدوب بعده مقدم محاصره ایدردیکی ویزه قلعه سنی
 فتحه کلوب برآی قدر جنگله کفار زبون اولوب عرض مال و نضرع و ابتها ل ایل امان و یر یلوب استانبوله
 ایکی کونلک یرده اولوب تکورل تفر جکا هی اولمغین محافظه سنه شیر مرد آدلوب بر بهادر قوندی * سنه
 یتش ایکیده پادشاه بروسه به کیدوب شاهین پاشا امر سلطانله اختمان ولایتلر تسخیر و رعایای خراج کسوب
 برلرند تفر یر ایدوب صماق و به کیدرکن کفار لاس عسکر یقیاس ایل کورمکین مسلمانلر آریکن توکل خدای
 بی انبازا تمکین محکم صواشوب (ع) لطف حق ایل مسلمین منصور * و کفار مقهور اولوب مسلمانلر
 غنیمت ایل صماق و ولایتلر واروب ضبط ایدوب بعده قلعه به کلوب اقل بهارده شاهین پاشا صا و یر دیارنه ایلغار
 ایدوب اول جوارده اولنلری خراج کزار ایدوب بعده صوفیه ولایتی غارت ایدوب بر غنیمت اولمغین پادشاهه
 هدیه لر کوندردی * سنه یتش اوچده پادشاه روم ایلنده کجوب کوستندیل ولایتنده شاهین پاشا فتح اید کلرین
 حمایت و باقیلرین دخی فتح قصد اید کده کوستندیل تکوری وافر مالک و سپاهه وزیر و سیم معدنلرینه مالک
 و دیار بلغاره حاکم اولمغین سائر ملوک سرفروا بنمکن پادشاهه مقابل اوله میه جغن یلوب هدا ایا ایلد
 قارشو کلوب قلعه لری مفتاحلرین تسلیم ایتمکین خلعت کیدر لوب خراج کسوب حکومتده ابقا اولندی
 بعده پادشاه دونوب بروسه به کلدی * سنه یتش درنده استانبول تکوری ویزه بی الملق استردی و فریادی کلکین
 پادشاه عسکرله کلیبولیدن کجوب مغلغه به کلوب روم ایلی عسکر بی دخی جمع ایدوب روم ایلی و اناطولی
 عسکرنک کثرتدن مضمون مرچ البحرین رأی العین اولدقه تکور کور دفعنه بوقدر عسکر چوقدر
 دیوشاهین پاشای قلعه فرجه جنگ فتحه کوندر یلوب پادشاه کندوسی استانبوله برکونلک بولده قلعه اینجوکری
 محاصره و ایکی اوج کونده فتح و اشقیاسنی قتل و نسا و صغارنی اسیر ایدوب بعده چتال برغانه واروب
 انک ضابطی قلعه بی تسلیم ایدوب بوحالده شاهین پاشا فرجه جنگ فتحه کوندر یلوب بویه قلعه جقدقه توقف بزی
 اینجوکزه قلعه بولونه بی محاصره و جنگ ایدوب فتح اولدقه پادشاه طار یلوب بویه قلعه جقدقه توقف بزی
 نیجه مهم ایدن الی قودی مکر بونی تکرری یقادیوب عسکر دن بفرقه بی محاصره ده قویوب سائر عسکر ایلد

کند و سی قره ذکر کارنه کیدوب یوده استراحتیه اینوب بر بیولک اغاجه طیاغشیکن پادشاه دعا کز بر کاتدن
قلعه فک بردیواری بلاسبب محض قدرت رب ایلد بیقلوب قلعه فتح اولدی دیوخر مسرت اثر کلکین پادشاه
مسرور اولوب اغاجه دوللو قواق اول حصاره تکری بقیدی دیوآد قودی بعده شاهین باشایی
کوندروب اودخی واروب حددن بیرون مال غنیمت کتوروب بر سباهی براتون طاس بولوب باشنه کیوب
اوستنه دلبند صاروب پادشاهانی کوروب سبین صوروب کسنه الماغیچون ایندم دیوب پادشاهانی
اکا باغشیلوب بعده بر روایتده خواص بند کان التوندن اسکوف کیمکه اند نرو فرمان سلطان اولدی * سنه
یتمش بشده پادشاه وزیر اعظم خیرالدین باشایی اورنوس بکله بعض قلاع فتح کنه کوندرد * کده واروب پاشا
کوملجنه ده طوروب اورنوس جنگ مائوس سائر بکله لب دریاده بوری واسکته قلعه لرینه واروب فتح وضبط
ایدوب بعده مارولیه قلعه سنه واروب تکوری مارولیه آدلو عورت اولوب سیروز تکورینک اقرباسندن اولمغین
اندن یاردجی ایستوب کوندرو اوله دیوالد انوب مسلمانلرله صواشوب یاردجی کلکوب محاصره وارومغین
ناچار وافر مال ایلد قلعه بی وروب استی عورت حصاری قودیلر سابقا پادشاه سیروزی محاصره یه دیولوبانی
کوندروب بعده شاهین باشایی دخی وافر عسکرله کوندروب یوده قواله قلعه سن سهولته فتح ایدوب کومش
معدنی ضبط ایدی بعده قلعه درامه بی وزخنه ولایتی جزئی زماندره ضبط ایدوب بعده قلعه قره فریه بی
امانله وقبول ذمتله یعنی خراجکزارلق شرطله فتح وضبط ایدوب بتش التیده اموال فراوانله کلوب
پادشاه دخی بروسه یه کندی * سنه بتش بدیده ولایت سرف کافرلرینک حرکتی ایشیدلکین پادشاه اوغلی یاریند
خانی بروسه ده قوبوب وافر عسکرله روم ایلنه کوب سرف حاکمی لاس اوغلی اموال ورعایان صعب قلعه لره
قاجروب مزاعده ترکلرین تلف ایدوب ولایتلرین خالی قومغین درت آیه دك عسکر قطن الم چکوب
قلعه بنشده قشلاق ایچون واریلوب محاصره ده عظیم صواشوب طرفیندن چوق آدم هلاک اولوب آخر
بغماله فتح اولندی * صعب قلعه اولمغین اهل ولایت سرف اموال و ذخیره ورعایارینک اکثرین انده
قوملردی بهلای سی ضبط اولنوب پادشاه عسکره تقسیم غنایم ایدی * لاس اوغله خبر فتح نیش نیش زهر اکود
کبی تشویش ویرمکین اوچ ییلاق خراج وهدایا و تضرع نامه کوندروب هر ییل الی وقیه کومش خراج ویرمکه
عهدا جمکین پادشاه رضا وروب نیش قلعه سنی وولایتی محکم محافظه ایدوب بروسه یه دوندی * سنه
بتش سکرده پادشاه سدره و نیکیولی حاکمی صاصمنوس ولایتی فتح ایتکه روم ایلنه کد کده صاصمنوس
وافر هدایا ایلد کوب عرض عبودیت و خراجکزارلق قبول ایتد کده لازم اولوب دعوت اولند قجه معاونه
کلک شرطله حکومتنده ابقا اولنوب بعده پادشاه ادرنه ده قشلا یوب روم ایلد بکربکلکی تیمورتاش بکه
ویروب سباهی اوغلاقی عسکرکی احداث ومتوفی سپاهیلرک وظیفه و تیمارلرین اوغلرینه تقسیم وحفظ
اسباب سفر و خدمت اسب و استراچیون و بنوق کافرلرینی استخدام و بونلرک امشالی نیجه معقول نسنه لر
مزبورلر تدبیرات حسنه سندن در (مزویج) ملولک ولایت اناطولیدن کریمیان اوغلی کند و قیزی شهرزاده
یاریند خانه ویرمک اوغلی یعقوب بکی پادشاه قول ایتک و کوتاهیه و سماواکاری کوز و طواوشا نلو قلعه لرینی
جهازله ییلد تسلیم ایتک ایچون وافر هدیه ایلد ایچی کوندربمکین پادشاه رضا وروب بروسه یه کلوب
امرا و ملولک اطرافی دعوتیه نامه لر کوندردی * ییدیوز سکان اوچده جمعیته شروع اولنوب اولاه مصر
سلطنتدن عربی آنلر و مصری قاشلرله وحید و صاروخان و آیدین و منشا و قسطنطنیه و قرمان ولایتلری
ملوک کلک دخی هر برندن هدیه لرله ایلجیلر کلوب پادشاهلرینه کوره رعایت اولنوب بعده وزرا و امرا و ارکان
واعیان مرتبه و حاللرینه کوره بیشکش چکدیلر * جلده دن اقدم واعظم امرا اولان اورنوس بک غازی یوز عدد
خو بروی و سنبل موی نوجوان اوغلان چکدیکه یکرمینک اللرنده کومش طبقله التون واخه
وسکانتک اللرنده کومشدن طاس و مشرب و شمعدان و لکن اریق و صراحیار اولوب یوز عدد جواری
مه ییکرو حوری منظر دخی یله چکوب زمرة ناظرین یوده یه عظیمه سلاطین آیین حقنده تعجب و تحسین ایدیلر
سوز مو نور السور و مرور ایتد کده کلان ایلجیلر کتکه پادشاه اجازت وروب اورنوس بک هدیه سنی بالتام
مصر سلطنته کوندروب آنک هدیه سن اورنوس بکه وروب سائر ملوک ووجهله وافر هدایا کوندروب اشبو

جمعیته کلان یتکشلری امر او علمای و صلحا و عسکرو سائر ناسه حاللرینه کوره تقسیم ایدوب خزینه به آندن
برسنه قومدی بعده بروسه قاضی خواجه افندی بی و بعض ارکانی خاتونلر یله بک نفر عسکرله کابین
کتورمه که کوندربمکین وارد قلندر کریمیان اوغلی بونلری استقبالی ایدوب بعده اکرام واجلال ایدوب عظیم
دوکون وعده نکاح مسنون ایتد کد نصکره وعده ایتدیکه هر حصار محروسی و عروس صاحبیه الناموسی
تسلیم ایدوب بروسه یه کد کلندر پادشاه تکرار د و کون ایدوب کند و کریمه سنی ولایت قرمان حاکمی قرمان
اوغلی علی بکه ویردی بعده حمیدایی حاکمی حسین بکدن ابرام و منتهله بکشهری سیدی شهری بلواج قره اغاج
اسبانته قلعه لرین وافر مال ایلد صانولدی (فتوح و امور کثیره متفرقه) * سنه ییدیوز سکان درنده
امر سلطانله تیمورتاش پاشا عسکر چکوب قلعه پرابه بی محاصره و صلحه آلوب بعده قلعه مناستری بر مقدار
محاصره و جبرله آلوب بعده قارلی ایلد واشتیب ولایتلری دخی الوب بعده قلعه سلا نیکی محاصره ایدوب غایت
صعب اولمغین التیوب لکن فواجیسی ضبط و مطیع لرین رعایت و معاند لرین غارت و صاحب خسارت ایدوب
پادشاه اموال غنیمت کوندردی * سنه سکان بشده پادشاه ادرنه یه واروب امر سلطانله بکربکی
ارناود ولایت غارت و یول اوزرنده بعض قلاع فتح ایدوب غارت ایچون اقتیلر صالوب مال و اسیر کثیر ایلد
ادرنه یه کدیلر * سنه سکان التیده یه بکربکی امر سلطانله بوسنه وهرسلک ولایتنه غارنه کیدوب
وارد قده نیجه قلاع آلوب هرصکی باقوب بحد اسیر و مال و مواشی کثیرله کلوب بوسنه وهرسلک حاکمیری
خراجکزار اولمغیچون در عقب ایچی کوندردیلر * سنه سکان بدیده پادشاه ادرنه یه کتد کده اوغلی یاریند خانی
سرخدا اولان ولایت کریمیانده شهر کوتاهیه ده ایکنی اوغلی یعقوب چلبی بی قرانی ولایتده کوچک اوغلی
سواجی بکی بروسه محافظه سنده قومغین سواجی بلای شهاب و اغوی اصحاب ایلد دعوی سلطنت و اجرای
حکومت و جمع عسکره دقت و خزینه سلطانی بالتام اتلاف و سلولک راه بی و اعتساف ایتد کده پادشاه
ایشیدوب بروسه یه کلوب کته صحراسنده محکم جنگ اولوب باغیلر صیوب کینی قیریلوب کیمی قاجوب
سواجی طوتیلوب پادشاه کا خطاب و عتاب و نصیحت ایتد کده جواب مورث التالم تکلم ایتکین امر سلطان
جلیل ایلد کوزلرینه قیزمش میل چکدی (نظم) کس نتواند گرفت دامن دولت بزور * کوشش بی فائده است
وسمه برابروی کور (محرره) حرکت ایلدی چو اولدی وقت * مستحق اولدی ایشه اکامت *
کوزنه طوردی شاهل احسانی * بولا هر دم جزای هر جانی * سنه مزبورده تازه اسلامه کلش بردانا
و توانیکت برتدیردیلر ایچون کافره قاجوب صوفیه بکنه واروب استاد طوغاچی اولمغین مقرب اولوب
دائما شکاره یله کیدوب برکون اول بک بدرک همیعون سلک برشکا راردنجه سکر دوب بویکت دخی یله
کیدوب عسکر دن دور اولد قلندر دلاور هنر آورا اولمغین بکی طوقوب بغلیوب آلوب قاجوب قلعه یه کتوروب
آنده اولان بلبان بک بونی آلوب عسکرله صوفیه یه واروب قلعه خلقی (ع) بکری باغلو بورکی طاعلو *
کور دکارنده امانله قلعه بی آچوب تسلیم ایتدیلر مزبور صوفیه او تلو صولوفنه تلوطیف ولایت اولوب
قدیدن کفارلک عسکرلری قرار کاهی اولمغین سابقا لاشاهین پاشا نیجه کره سی ایدوب فتح ایده مامشدی
* سنه سکان سکرده پادشاه ادرنه یه واروب وزیر خیرالدین پاشا ایلد غازی اورنوس بکی قلعه جتروز
و جای حصار و یکیشهر فتحی ایچون کوندروب پاشا بیکیجه یه وارد قده وفات ایدوب (ع) عالم بی نظیر
و خوش تدبیر * اولمغین پادشاه عثمان اولوب آنک اوغلی علی پاشایی وزیر اعظم ایدوب کوندردی بوحالده
قرمان اوغلی عصیان ایدوب حمید اوغلندن صانولنن قلعه لری غصب ایتدوکی خبری کادی دخی مصر
سلطنتدن نیجه آت و قلع و قاش و سلطان الغزاة و المجاهدین لفظیلر دخی وافر القابله بر نامه ایلد ایچی کلوب
پادشاه غایت حظ ایدوب سلطان مصر وافر هدایا کوندردی بعده پادشاه وافر عسکر جمع ایدوب سابقا
ملوک کفارلرین مطیع اولان لاس دخی ایکی بک جبه لو کافر قوشوب پادشاه قونیه یه واروب قرمان اوغلی ایلد
محکم جنگ ایدوب عاقبت قرمانلر صیوب ابن قرمان قلعه یه قاجوب اکثر امرا سی اسیر اولوب آنلرک اکثر
ماللرین پادشاه سبب غلبه اولان شهرزاده یاریند خانه و روم ایلد بکربکی تیمورتاش پاشایه باغشیلوب تیموره
وزارت دخی ضم ایدوب بویکی منصبی جمع ایتک ایتد او کامیبر اولدی * بعده پادشاه قونیه بی محاصره و جنگ

ورعایا سینه عدالت و حیات ایدوب حتی عسکر لاسدن بر قاجی بعضی رعایایی و نخبیده ایمه کین سیاست
 ایدوردی * بعده قرمان اوغلی علی بن خیا تنه نادم اولوب پادشاه کریمه می اولان خانونی ولایتک علما
 و صلحاسنی شفیع کوندرمکین (نظم) خذ العفو و صغیر من الجاهلین * فمستحسن من ذوی الجاهلین *
 مفهومیخه اول جرم و هقوی عفو اید کده داماد بنهاد کلوب عتبه آسمان مرتبه ترانه یوز سوزوب من بعد
 خیانت ایتمه که پیمان و نیجه ایمان ایددی * سینه سکسان طقه وزده سابقه ملوک کفار دن مطیع اولان لاس
 روم ایلنده بعضی محاکمات اسلامییه بی غارت ایدیکن پادشاه ایشدوب یکر می یلک عسکر له لالاشاهین پاشایی
 ایلغاره کوندروب لاس دخی سائر ملوک کفار ایلله اتفاقا شوب ارناود حاکمی مسلمانلری اغفال ایچون صورتا
 قولاغوز لغه کلوب اوکری نه دوشوب پاشا سونه ولایتین غارت ایدوب مسلمانلر غنیمته طاعنه قدده قولاغوز
 بوسنه قرانه خبر کوندروب اودخی اوتوز یلک کافر له کلوب شاهین پاشا ایلنده همان یلک آدم اولغین
 صواشوب صینوب یلک بلایله قاجوب یکر می یلک قدر مسلمانلر دن تخمینا اون بش یکی شهید اولوب پادشاه
 بونی بروسه ایشد کده هنوز استانبول تکورنک اوج قیزنک برنی کندویه ایکسنی دخی شهزاده لره نکاح
 ایدروب و سلطان بایزید دخی اوغلی سنت و عظیم جمعیت ایشدی * پس عسکر رجوع ایدوب اول
 صاحبنوس اوزرینه اوتوز یلک عسکر له وزیر اعظمی کوندروب تیمورتاش پاشا اوغلی بخشی یکی دخی بش
 یلک آدم له بر اوادی قحنه کوندروب بخشی بخشی وضع له تیز واروب بر کجه حصاره آدم له چقاروب قلعه
 ضابطلرین قیروب طوبوم اولوب ضبطنه آدم له قویوب بعده وزیر له طرناوی قلعه سنی فتح ایدوب بعده شومنی به
 وارد قلدن اهل قلعه قارشو کلوب قلعه بی ویردیلر * بعده پادشاه ادرنه به کلوب وزیر واروب بولشوب
 نهر تونا کتارنده قلعه نیکیولی و طار و ملوک قحنه کوندرمکین وافر عسکر له کیدوب صاحبنوس انده شخص
 واطرافنی وزیر ضبط ایدوب لکن قلعه صعب اولغین محاصره اوزاند قدده پادشاه کندو واروب صاحبنوس
 وزیر یلواروب لکن شفاعتیه نیجه ییلتی خراجن کتوروب پادشاه تکرار قول اولد قدده جرمی عفو و حکومتنده
 ایضا اولوب سلسله قلعه سنی ویره جک اولوب انده وارد قدده ویرمکین اوزرینه تکرار وزیر کوندروب
 بولده قلعه خلقی قارشو کلوب قلعه نک مفتاحلری ویرمکین ضبط اولندی * بعده وزیر طوغان یکی
 بعض عسکر له کوس اوه ولایتنه کوندرمکین واروب غارت ایدوب بیحد اسیر و مال کتیر له کلد کده کوس
 اوه تکوری اسیر لره قلعه چتر هزاری ویرمکه ایلمچی کوندروب وزیر دخی رضا و یروب لکن قلعه بی الدقه
 اسیر لری ویرمکین تکرورنک کجی * بعده خردایه قلعه سنی بعده نهر تونا ایلستده صاحبنوس نصر قنده کی
 قلعه لری دخی فتح ایدوب عسکر بی شمار ایلله نیکیولی بی محاصره اید کده صاحبنوس مأیوس شقاما نوس
 قلعه دن اهل و عیالیه چیقوب وزیر تضرع و یا بوس ایمکین قلعه سنی ضبط اولوب بعده پادشاه کتوروب
 شفاعتله عفو ایدوب لکن ولایتلری بوکا ویرلدی (غزای اکبر و نصرت و ظفر) یندیسوز طقسان برده
 پادشاه لاس ولایتنه غزایه عسکر جمع ایدوب بوسنه فرنک انکروس افلاق ارناود بغداد و صقالیه دید کاری له
 وجه بکری دخی اتفاقا شوب ایکوز یلک کافر نافر جمع اولوب پادشاه دخی ملوک اسلامه نیجه نامه کوندروب
 عسکر طلب ایدوب کندو شهزاده لری کتوروب مقدمایش یلک آدم له بخشی یکی سز حده ایلغاره کوندروب
 واروب وافر اسیر کتوردی پادشاه اختتام حصاره وارد قدده کوس تنبدیل حاکمی که خراج کتار ایدی عسکر له
 کلوب پادشاهی ضیافت ایددی * بعده پادشاه کوس اوه به واروب کافر دخی قونوب مسلمانلر کفار له انحق
 خشی قدر اولغین خصوصا کفار طرفندن محکم یل اسوب توفالدرمغین اوکجه پادشاه (محرره)
 یوزین طرناغه سوردی یلواروب لطفاسی رحمانه * حبیبینی شفیع ایدندی نصر اهل ایمانه (نثر) پس
 دعایی قبول اولوب اول کافر بکری مسلمانلره شیخون قصد اید کده ایچارندن بری هجوم ایدرسک جا نر که
 قاجوب فرحت فوت اوله یارین خود جله می رزه شکار اوله جقلری مقررو آشکار در دیومنع ایدوب ثانیاً
 وقت محرره یغمور یاغوب توفیلا صلوب بعده ایکی طرفدن الایلر باغلنوب تفصیله محتاج حرب عظیم و ضرب
 الیم اولوب (ع) ظاهر اولدی عاقبت حقیقت دین رسول * کفار له اکثری قیریلوب بیدی عدد نامدار
 ملوک اشیرا لک سردار مر دار بید کاری ابن لاس سناس التباس دخی چنکده قتل اولوب اکثر عسکر اسلام

فرار ایدن کفار له اردلر نجه کندیلر (شهادت) پادشاه ظفر دستکاه منصور اولدیفه اظهاسر ورله
 (مصرع) حمد موفور و شکرنا محصور * ایدوب لکن کجه نصرت ایچون دعا اید کده آخرنده شهادت
 رجا ایدوب حالامیسر اولدیفه فکره دوشوب قلبی مغیرایکن اولیدی نامدار کافر بکری بکری لشکر
 اراننده مجروح و هنوز بارو ح اولغین پادشاه اکاوغراد قدده قاقوب ایمانه کلوب ال اوپک بهمانه سیه
 یوز یوب چاوشلر منعه جالشوب پادشاه تنه سوزم وارد در یوب اجازت اولد قدده کلوب یکی ایچنده کیزا غش زهر لو
 خنجر ایل پادشاهک قارنه واروب قان روان اولدی * ایلغاره کیدن بایزید خان کلوب پدرنی بو حاده و شرف
 زوالده کوروب زار زار اغلیوب پادشاه کوزین آچوب بو مضمون اوزره نصیحت و وصیت ایددی که (نظم)
 خنجر کینی کیه اورمادی جرح * قنقی شهی تختدن ایرمادی جرح * دوات دنیا به ایدن اعتماد * عاقبت کار
 اولور نامراد * چونکه قنادر بوچه سانک ایشی * حیف که مغرور اوله اکا کیشی * عدل و خضارتی
 تکمیل قیل * خیردار بکا تحصیل قیل * سلطنتی صانع که راحت در * بلکه حقیقه قدده جراح حدر *
 جهادیت ایامیه و باغ مراد * عالم ایچنده بوله سن بخشی آد * چونکه جهان کسه به باقی دکل * نام نکویه
 چالش ای جان و دل * کره ایدر ظلمت ظلم آدمی * شه که ستم ایدیه بیقر عالمی * شه که مهمساز خلایق دکل *
 ظل اله اولغه لایق دکل * جلب دعا ایدیه کوراجداد که * ایت آتی کیم لایق اولاد که * بویه دیوب ایددی
 عزم رحیل * اکرمه الله بفضل جزیل (متفرقات) شهزاده به قوب چلی بقان کفار له اردلر نجه
 ایلغاره کتیش اولوب موجود اولان ارکان و عسکر بایزید خانه سلطنت ایچون بیت ایدوب بعده (نظم)
 برولا یتد ایکی میرا ویز * بیسه زار ایچره ایکی شیرا ویز * مفهومیخه بر سلطنت وارنلر نه تعدد خلقه مورث
 حیرت و تردد اولغین به قوب مکر و بی بابا کزیزی ایدر دیو طرافتله چاغروب چادره کلد کده بوغریلر * بعده
 پدر و پسر تابوتلری بروسه به ایلتلوب مر حومک قبلوجه ده کی جامعی تر بنده دفن اولوب شهید اولدیفی محله
 دخی بر قبه بایلدی (فصل در خیرات سلطان مراد غازی) اولافله ده شهرک اورنا سندن کچن نهر مر بیج
 اوستنه طولی ایکی اوق آتقی و عرضی ایکی عر به کجه جک بر عظیم کوپری یا یوب آنک تعمیر نه نیجه اولی قوللر
 خدمتکار لر و ناظر و معمار لر تعیین ایددی * و بروسه ده حصار ایچنده سرای قارشو سنده بر جاع و شهر دن
 طشره قابلوچه ده حمام و عمارت و مسافر خانه و جامع و آنک اوستنده مدرسه و حجرات طلبه به بروسه ده
 کولدر ده بر مسجد و بیلیکده بر جامع و ناطولیده یک شهر ده بر جامع و پوست پوش آدلوغریزه بر خانقاه و بی
 تکیه بنا ایشدر (فصل) مر حوم پادشاه زماننده بکار مشاهیر علما و صلحا و مشایخ بونلر ایدیکه (۱)
 مولانا محمود علوم جلیله بی تحصیل و تکمیل ایدوب بروسه به قاضی اولشدر فاضل و متشرع عامل و متورع
 محبوب القلوب مصلوب العیوب ایدی بیر فانی و شیخ نورانی اولد قدده قوجه افتدی دیکله مشهور اولدی
 مر بولر محمد آدلو فاضل کامل اوغلی تازه ایکن وفات ایدوب محمدک اوغلی مونی پاشا دیار رومه تحصیل
 بعض علوم اید کده دیار عجمه به بیحد فضلاء کرام و شغل کمال اهتمام و ارادیدیکن ایشدوب تفصیله محتاج
 وجه له واروب مر ورسین و شهر له تحصیل فضل موفور و کمالات نامحصور ایدوب علوم ریاضیه ده سلف
 و خاقه غلبه ایددی * سمر قنده عجم شاهی الغ بیگ ابن شاه رخ بن تیمور لکن بوندن اوقومشدر قاضی زاده روی
 دیکله مشهور عالم اولوب علوم عقلیه ده بعض مؤلفاتی وارد دیار عجمه ده وفات ایشدوب حقیق قان اناسی
 روم ایلی قاضی عسکر لکندن متقاعد اولان مر حوم صالح منلا افندی لک لاب جداء لاسیدر (۲) مولانا جمال
 الدین اقسرای جمیع علومده ماهر و دنیاده مشهر فاضل کامل متبع و اهل زهد و تقوی و ورع اولوب امام
 فخر الدین رازی حضرت تلمیذک دردنی طبقه ده اوغلی ایدی صحاح جوهری بی بالتمام حفظ ایدوب بر قاج
 مؤلفاتی واردر بیحد ولایه شاکردری اولوب عظیم شهرت ایلغین سید شریف حضرت تلمیذ کندو بالذات
 بونلر دن اوقومشچون عجمدن کلوب حکمت حقه مر حومک وفاتی کوته راست کلدیکن انک مقبول
 شاگردلر دن منلا قناری حضرت تلمیذ به مصره کیدوب هدایه شارحی شیخ اکمل الدین حضرت تلمیذن اوقودیلر
 (۳) شیخ حاجی بکتاش اهل ولایت صاحب کرامت عزیر ایدی قیر شهرنده مد فوندر (۴) شیخ محمد کشتی
 عجمدن رومه کلوب بروسه ده وطن ایشدی اهل جذبه مستجاب الدعوه عزیر ایدی (۵) شیخ پوستوش

بودن بخدمت کشید صاحب جاذبه و کرامت مستجاب الدعوه ایدی * پادشاه بونکچون بروسه قریبده
یکشنبه در برزویه بنای ایدی انار الله برهانم و ثقل بالحسنات میرانم

(باب رابع در احوال سلطان یلدرم بایزید خان ابن مراد خان غازي)

(نظم) آفتاب عز و شوکت یلدرم خان بایزید * آسمان دین و دولت سایه لطف مجید (نثر)
غایت غضب و کینه اولغین یلدرم خان دیگه ملقب و مشهور ایدی و لادش فی سنه ۷۶۱ یا خود فی سنه
۷۴۸ جلوس فی ۴ شهر رمضان سنه ۷۹۲ مدت سلطنتش سنه ۱۲ و اوچ بیچی آی مدت عمرش سنه
۴۴ یا خود سنه ۵۷ شهرزاده ایکن کریمیان اوغلی نیک قیزی اوچ ورق مقدم یکدی یکی تفصیل اوزره نکاحلندی
فی سنه ۷۸۳ پادشاه اولاده کفار دین لاس یکی و بلیق اوغلی نیک همشیره سنی یا قیزی غایده حسنا اولغین
نکاحلندی فی سنه ۷۹۸ تخت یکدی کده بر صغیریه مقدم یکدی یکی طریقه برادری یعقوب چلبی بی بوغدروب
برادرین قتل ایتمک سلاطین آل عثمانده ابتدائوندن صادر اولدی * ظهور قصه تیور فی سنه ۸۰۴ وفاتش
در نزد تیور در قصبه آقشهر در اناطولی از جای محرقه وضیق النفس فی ۱۴ شعبان سنه ۸۰۵ تفصیل
احوال و کیفیت وفاتی عن قریب کاور (فصل در ذکر اولاد او) (۱) امیر سلیمان (۲) موسی چلبی (۳) عیسی
چلبی (۴) سلطان محمد (۵) ارطوغرل بک (۶) مصطفی چلبی (۷) قاسم چلبی مزبور ارطوغرل پدیری حیاته
وفات ایدوب بروسه بر مسجدی وارد در سائر لری پدر بک صوکنه قلوب احوال لری اشوب بک اواخرنده
کاور برروایده سلطان محمد ایکجید در عیش (فصل در فتوحات) بونک زمانده انواع طریقه فتح اولان
قلعه و ولایت بوندر که (۱) اکثر ممالک ولایت لاس و قلعه قره طوز و قلعه اسکوب و قلعه جتروز و قلعه
ودنه و قلعه و دین و قلعه لاشهر در اناطولی و ولایت آیدین ابلی و ولایت صاروخان و ولایت منتشا و ولایت
تکک ابلی و قلعه روسجی در روم ابلی و قلعه نیکولی و قلعه سلسره و قلعه دوه لوقه حصار در اناطولی
و قلعه قونیه و قلعه آقشهر و قلعه نیکده و قلعه آقسرای و معظمت بلاد قرمان و قلعه لارنده و قلعه امامیه
و قلعه توقات و قلعه سیواس و قلعه قیصریه و قلعه قسطنطونیه و قلعه عثمانجی و ولایت جانیک و ولایت
سامسون و قلعه سلاطینک در ولایت روم ابلی و قلعه یکشهر و اشوب ایکسینک توابعی اولان نواحی و قلاع
و قلعه شیلی در اناطولی و جزیره موره در روم ابلی و قلعه برخاله و قلعه کانقری در اناطولی و قلعه آتیه در روم
ابلی و قلعه قره نریه و قلعه بیهنی در اناطولی و قلعه ملاطیه و قلعه دیورکی و قلعه درنده و قلعه کاج و دخی نیجه
قلاع و قلعه ارزنجان (فصل در کیفیت فتح و ضبط بلاد مزبوره و وقایع زمان سلطنت پادشاه) سنه
یدیز طقسان ایکجید پدیری غزاده شهید اولاده ادرنه به کوب تخت یکدی کوب اول بهارده بعض امرایه فتح
ممالک اصغر لیب بروسه به کوب جامع و مدرسه و عمارت و مسافرخانه و دارالشفا بناسنه باشلادوب
در عقب تیمورتاش پاشا قره طوه و سائر معادن نواحیه و اکثر ممالک لاسی فتح و ضبط ایدوب اسکوب
یکی پاشا بکت دخی بوسنه ولایت آقین ایدوب اسیر و مال کنیرالوب و دین یکی فیروز بک دخی افلاکه آقین
ایدوب طور بوم اولوب بوندر لهر بری اموال غنایم ایلد بروسه به کایر بروسه پادشاه بدر بروسه ایلنده ایکن
عصیان و فساد ایدین ملوک اطراف تأدینه غزایه جیوق * اولالا شهریه محاصره و امانه الوب ایچنده خیرات
بناسن امر ایدوب ایدین ایلینه کتده آیدین اوغلی قارشو کوب قلعه لری مفتاحلرین ویرمکین جرمی عفو
اولوب قلاعی النوب کندوبیه همان ولایت از میر ویریلوب ولایت آیدین سنجانی شهرزاده ارطوغرله ویرلدی
بعده پادشاه ولایت صاروخانه واردده اودخی صلحه فتح اولوب قرامی ولایتیه ایکسینی بولک اوغلی میر سلیمان
سنجاق ویردی * بعده ولایت منتشا و واروب حاکی اولان منتشا اوغلی قورقوسندن قسطنطونی حاکی
کوترم بایزیدک یاتنه قاجغین قلاع و نواحی ضبط اولوب ارباب تیماره تقسیم اولندی * بعده پادشاه بروسه به
کوب قرمان اوغلندن شکایتی کلکین سفره جیوق کند و فانی اولان کریمیان پادشاهی کریمیان اوغلی
یعقوب یکی و آن وزیر بی و توابعی حبس ایدوب بعده تکک ایلنه واروب اتی تسخیر و ضبط ایدوب بعده قونیه به
واروب آن پادشاهی قرمان اوغلی علی بک طاش ایلنده صعب طاعنه قاجوب حصار زمانی اولغین پادشاه
عسکری غارت مزاعدن منع ایدوب ذخیره به مضایقه چکوب پادشاه قلعه خالقنه ترک کردن نه بروسه

نفع اولوب ضایع اولوب بروسه به کایر بروسه پادشاه بدر بروسه ایلنده ایکن
جیوق مزاعده بیع و شرا اولوب اجه لری ضایع اولما بونکچون پادشاه چاوشلر تعیین ایدوب اهل قونیه
بوعده الله تحسین عظیم و قلعه بی تسلیم ایدوب آقشهر و نیکده و آقسرای و سائر بلاد قرمان بوجه آسان ایل
اخذ اولوب جله نیک ضبطی تیمورتاش پاشا به اصغر لندی * قرمان اوغلی پادشاه خبر تضرع کوندرمکین
(نثر) اغفر ذنوب الخاطئين * العفو دأب الکاملین * لانتقم من ظلم * فوض الی رب الامم (نثر)
مفهومی و منجه جرمی عفو ایدوب لارنده و طاش ایلدی اکا ویردی * سنه یدیز طقسان اوچده کفار افلاق
حرکتی پادشاه ایشیدوب ادرنه به واروب جله عسکرین جمع ایدوب افلاق ولایتیه واروب اول غارت بعده
جنگ ایدوب کفار تار ماروا کثری گرفتار اولوب افلاق یکی سابقا مسلمانلردن اسیر ایدوب کالین و مالارین
کوندروب خراجی زیاده ایتمکین جرمی عفو اولوب بونکچون قرمان اوغلی علی بک انکوری محافظه سنده
اولان تیمورتاش پاشای علی القله باصوب توابعی قیرو بکندی باغلیوب ولایتی بغمال ایتمکین پادشاه بروسه به
کابو علی بک خوفندن پاشا به خلعت کیدروب جله محبوسلره و هدیه و ایلچی ایلد پادشاهه * کوندروب
عقور جالید کده پادشاه غضبه یوروب اودخی ناچار عسکر چکوب صواشله قده قرمانیلر صینوب اکثری
آتلر یاغی الله پامال اولوب علی بک بخارکن اوغلی محمد ایلد طوئوب پادشاه محمدی بروسه به حبسه کوندروب
علی بی ولایت قرمان تسخیری ایچون تیمورتاش پاشا به واروب اودخی سابقه جانی آجغین (نظم) فرصنده
دوشمنه ویرن امان * نادم اولور عاقبت اول بی کان * مفهومی و منجه اجازتسز قتل ایدوب پادشاه قاجوب پاشا
دخی پادشاهم بوقدیمی خائن اولوب خلاص اولسه ینه کلی فساد ایدردی دید کده عفو ایدوب بعده قونیه به
واروب جمیع بلاد قرمان تکرار تسخیر و محافظه اولندی * سنه طقسان درنده باسکر و باطفورده سابقه اعلیادن
اولوب قیصریه و سیواس اطرافنده بقیه توابع چنکیز اعیندن قور * کوجر بعض قبائل تابع اولوب مصر
سلطانه سرفروایه قوت بولوب پادشاه اولان قاضی برهان الدین بکرمی اوز بیک سوار خوخواره سردار
اولوب بعض احوالی پادشاه ایشید کده اوز بروسه واروب برهان قاجوب دیار بکرده طاعنه جیوق سلطان
اوزون حسنک جد اعلای دیار بکر پادشاهی بایندر قره عثمان آق قیونلی بهادر لرله برهانک اوز بروسه ایلغار
ایدوب عظیم جنگ ایلد قتل ایدوب برهانلر برهانک اوغلی انشته سی ذوالقدر اوغلنه کوندروب پادشاهی
ولا بروسه چاغرمغین واروب توقات و سیواس و قیصریه بی ضبط ایدوب بروسه به کادی * سنه طقسان بوشده
سابقا قسطنطونی پادشاهی کوترم بایزید افلاق کافرلرین تحریک ایدوب انتقامه فرصت دوشما بکین حالا
پادشاه عسکرله یورید کده بیرلکدن و مرض و خوفندن وفات ایتمکین قسطنطونی و باقر * کورسی و قلعه
عثمانجی و جانیک و سامسون و سائر قلاع و ممالکی سهولتله ضبط اولوب اوغلی اسفندیار بک سینوب
قلعه سنه قاجوب اتی کندوبیه عطا و ابقار جاسیه تضرعنامه کوندرمکین اکا سنجاق قلعه ویریلوب لکن
منتشا و آیدین اوغلاری اغواسیه تیمور لکنه قاجوبلر (سوء حال) ولایت لاس قرالی و بلیق اوغلی کاه عاصی
و کاه مطیع اولوب (ع) قلب سلطانی جذب و جلب ایچون * غایده حسنا و مستننا اولان همشیره سنی
یا خود قیزی پادشاهه ویرمکده خبر کوندرمکین کتورمکه آدم لک کوندریلوب اودخی عظیم جهاز و افر نهدیه ایل
کوندروب کلد کده پادشاه اکا کساح ایدوب کمال حسینه مفتون اولوب اهل فسق و هوا اولان وزیر اعظم
علی پاشا اغواسیه پادشاه هرگاه ساز و سوزله شرب خمر مشغول اولوب و تدبیر امور دن عدول ایدوب وزیر
بد ضمیر فاسد تدبیر اصغر لیب * التماس علی دین ملوکهم فخواستجه اکثر ناس فسله استیضاس ایدوب
بوحالت پر غفلتدن فسق و ظلم ناشی و منتشر و فاشی اولوب بعده امتداد جورید طور مرتشی وراشیدن سپاه
ورعیت متحیر و متلاشی اولغین ۴ مو با پادشاهه شکایت اید کاردنده قصبه قاضیلرین تقیضه مستقیم ملالار
کوندروب روم ابلی ایلد اناطولیدن سکسان عدد ظالم قاضی کتوریلوب پادشاه یکیشمده آنلری برچاقه
اوه ویروب آتش یاغی ایشید کده شدت و حدت غضبندن کسینه شفاعت ایدوب میوب عاقبت بر حبشی ندینه
وزیر قضای تحلیصه چاره ایچون بکرمی بک اجه وعده ایتمکین ندیم لباس سفرله پادشاهه واروب استانبوله
کسکه اجازت دیلیوب آنده مراد لندر دید کده پادشاه ایچون یوز کشیش کتوره یم دیوب نیچون دید کده

پادشاه دخی طقسان بیک عسکر جمع ایدوب اون ایکی بیکجری وکندار عزب اولوب قاینی اولان لاس
 اوغلی دموره غرق اولوش بیکری بیک عسکرله مساوتله کلوب انکوریده تیمورله جمع اولوب ذی الحجّه نیک اون
 قاقوزنده جمعه کونی الاید باغلیوب حد و صفدن متجاوز و قلم مشکین رقم تحریرندن عاجز اوله جوق سرب
 عظیم و ضرب الیم اولوب (لمحرره) دورایدندن بوجرخ میسارنک * اولدی هیچ بویه محکم جنگ (نثر)
 عاقبت طائفه تاتار و ایدین و منقشا و مارو خان و کریمیان و لایتنرندن اولان عسکر قریبی بکری تیمورک
 یاننده اولغین هر بری بکری نه کیدوب صاغ قول اولان اناطولی عسکری بوزیلوب لاس عسکری دخی
 بر مقدار صواشوب بعده قاجوب عاقبت وزیر اعظم علی پاشا و امیر ادبشاور بیکجری اغاسی روم ایلی عسکر یله
 قول قولده طوران یولک شهرزاده امیر سلجانی قورنار مغیجون الوب بروسه یه قاجوب بعض امر ادخی
 عسکرک اوکندله طوروب مردانه و شیرانه جنگ ایدین شهرزاده سلطان محمدی سخجانی اولان امامیه شهرینه
 ابرامله قاجوب پادشاه یاننده بیکجری و قیوقولرندن غیری کسمنه قالماسغین منت بک پادشاه حال
 معلوم سزدخی کیدک سعادتله وادی سلامتیه وارنجیه دل بن جنگ ایده طوره بم دیوب پادشاه کمال غیرت
 و حیرتدن قضایه رضا و روبر اول اوزون و اسی کونده اخشامه دل صواشوب بعده جنگ ایدرک صغیر یاروب
 خلاص اوزره ایدوکن تیمور ایشیدوب اردنجه چنکیز لغین نسلندن محمد و خانله تازه عسکرک کوندر یوب
 قرا کو اوقده محکم صواشوب پادشاه یله اولنرک کیمی قتل کیمی اسیر اولوب عاقبت پادشاهک آتی سورجوب
 دوشوب طونلوب تعظیله تیموره ایلدیدی (لمحرره) جهان ایچره قضا اللهه ردیوق * بلا سیلینی دفعه
 هیچ سدیوق * بلنر سر تقدیر الهی * اولور هر عقل انک فکر نده ساهی (فصل در وقایع بعد از گرفتن
 پادشاه) تیمور اتاغی قیوسنه دل پادشاهی قارشولوب برابر او توردوب عجب اولور تقدیر حق بواغش اما که
 بر ملایت ایدیکه سر خشونت ایدیکه صوب سزدن اولدی اما انشاء الله ولایت روی سزدن خالی قوم سز
 خاطر عاظمه غبار کسون دیمک مضبوطه خطاب ایدوب بودخی (لمحرره) چونکه امر خدا اوله ناجز *
 خرد خورده دان اولور عاجز * بویه یازمش چو کاتب ازلی * ایدر آ که راضی جان ودلی * مضمونده
 جواب و روبر بعده شقاق و تضاد منقلب وفاق و نواد اولد قده شاه نیک نهاد تفحص احوال اولاد ایدوب
 تیمور دخی اطرائی یوقلدوب مصطفی چلی نایدوب سبازرلی قاجغین بولنیموب ایکی کوند نصکره موسی چلی
 بولنوب تعظیله کتور بولوب تیمور رعایت ایدوب بدر یچون کوریلان اوتاق یاننده بونکچون دخی بر اطمین
 چادر قوردر روبر هر برینه خدمت ایچون نامدار بکیر و صباح و اخشامده پادشاهانه طعاملر تعیین ایدوب
 بر قاج کونده بر پادشاهی چاغردوب برابر او روبر مصاحب لر و سائیرلر ایدوب کوناهیه ده بر کون پادشاهی
 عظیم ضیافت ایدوب مجامیده ساز و سوز چاللوب بعضی ایدوب بولنر سیر ایدوب تیمور پادشاهی
 تطیب خاطر ایدوب تا کید محبت و تحصیل قریلت ایچون کریمه لایتک بری کندونک وفات ایتش یولک
 اوغلی میرزا میران شاه اوغلی میرزا ابو بکره خطبه یعنی طلب ایدوب بعده تیمور منزل منزل حرکت ایدیکه
 پادشاه غیرتکارزیت و عسکر سز عدولر قارشو سنده آشکاره انه بمکدن عارچکوب نوعا عارض صورتیه
 فخر و ان ایچنه کیرمکی اختیار ایدوب * بوسیدن بعض جوله مؤرخین غلط ایدوب تیمور پادشاهی قفسه
 قوروب یله کرددی دیوار تکاب شطط ایشیدر دوتوار یخ معتبره مذکوردر (ظلم تیمور) هر ویدر که
 تیموری نور برزور (نظم) ثالث چنکیز و هلا کو ایدی * غارتچون کاری تنکاو ایدی (نثر) قلب
 برزنی سیک و قریب عالم و تعذیب بی آدم ایچون مائل غارت و جنگ اولوب هر نه یردن که بکردی برکت
 و امن و راحت ایدن کورجی و هر نه یرده که کاری قرار ایده ایدی انده قیامت قویار ایدی شوم قدم بوم شیم
 صاحب ستم هر بیس و طامع و اموال مسلمینی ناهب و جامع اولغین دیار رومک هر طرفه اقبیل کوندر روبر
 قتل و اسیر و انواع فسادله مسلمانلر ماللرین چکوب الوب معمور و لایتری خراب و نوته تراب ایدیلر چله دن
 اوغلی اوغلی اوزر بیک عسکرله بروسه یه کوندر روبر شهرزاده امیر سلجانی ایشیدوب بدرنک خزینه سنده
 نصف و امتعه نیک کیده لرین الوب روم ایلنه قاجوب تیمور یلر کلوب شهرده انواع فساد و قتل و بیه و ما و خلقه
 مال ایچون اشکجه ایدوب مدارس و مساجدی آخور ایدوب حضرت امیر سلطانی و منلا فناری فی و حصن

حصن و نیجه کابل مولانی شیخ المحدثین محمد الجزری بی تیموره کوندر روبر اودخی عظیم رعایت ایدوب کندوبله
 یله کیمکی تکلیف ایدوب حضرت امیرله منلا فناری ایشیدر کلر نده ینه بروسه یه کوندر روبر شیخ محمد سادات
 بجمعه واروب تیمور یاننده طوروش اولغین تیمورله کیمکه رضا و یردی بعده تیمور یلر ازینق و طراخی و میخالیج
 و ولایت قرامی شهرلرین تاراج و خلایق فلس اجمره محتاج ایدیلر براوغلی دخی عسکرله قرمان و تبک و جمید
 و لایتنرینه و معتدلرندن بری بعض امر ایلله منقشا و ایدین ایلنه کوندر روبر وارد کلر نده انواع ظلم و فساد
 و تخریب و بلاد و تعذیب عباد ایدوب اشکجه ایلله مال فراوان جمع ایدوب بقیه زمان صینی تیمور هوایی خوب
 اولان کوناهیه ده بکوردی و دخی انک قلعه سنده تیمور تاش پاشانک جواهر و اسبابدن غیری بکری مدقودین
 بولوب الوب عسکر نه توزیع ایدوب بعده قیش کلکین کندوب دخی ایدین ایلنه کلوب اولاد و امر اوعسکر نه
 ولایت اناطولیده بشقه بشقه قشلاقلر تعیین ایدوب (نصب ملوک) بعده تیمور یلر برزبان ملوک آل عثمان
 کثرت خصمان قوت و شوکت و استیلا لاله امان و زمان بولماسغیچون اون ییلدنبرو بروسه ده محبوس اولان
 قرمان اوغلی محمد بیکه و سابقا کیده ویه و اوان کریمیان اوغلی یعقوب بیکه و ولایت قسطنطنیه حاکمی اسفندیار بیکه
 و منتشا اوغلی و ایدین اوغلی قده دن اباعن جد پادشاه اولد قری و لایتنر ی و روبر هر بری ولایتی ضبط
 ایتدیکه کوندردی (فصل در احوال شهرزاده سلطان محمد قبل از جلوس بر تخت پدر) یوقاروده
 کدوکی اوزره محاربه تیمورده توابعیله سابقا سخجانی اولان امامیه و قوفاک سینه کیدرکن قسطنطنیه
 حاکمی اسفندیارک همشیره زاده سی قره ییچی یلی بیک نفر عسکرله قارشو کلوب صواشوب صینوب طوسیه
 حصارنه قاجوب فرار ایدین عسکری اکثری قتل اولوب بعده شهرزاده بولی به کلوب تیمورک احوال ییلمکه
 جاسوسلر کوندر روبر خبر الدقه امامیه اطرافنه واردی (جنگ) سکز یوزبده اترکدن قره دولت شاه نام
 حراخی تیموره واروب انک معاوتیه بعض اشقیایه سردار اولوب بعض عمالک عثمانیه یه استیلا ایدوب شهرزاده
 طرفنه هجوم اوزره اولوب بودخی انک احوالی بیکه جاسوس کوندر روبر عسکری بغمایه طاعلوب یاننده
 بیک قدر آدم قالمشدر یو خبر کاد کده شهرزاده ایلغارله واروب جنگده دولت شاهک کوزنه اوق صایلا نوب
 ییقلوب باشی کسلوب جیفه سنی سکصونلر باره لتدیلر توابعنک نیچه لری سیاست اولنوب اکثری خوف
 تیمورله کلش اولغین شهرزاده یه تابع اولدیلر (جنگ) تیمور شهرزاده نیک شجاعت و عقل و تدبیر ایشیدوب
 ظاهر اجملسنده مدح ایدوب محبتنامه لر کوندردی لکن آل عثمانه بغض مضمری اولغین ولایت جایکده
 رئیس اترک اولان قباد اوغلی انک امر یله اشقیای جمع ایدوب و قلعه نیک حصاری محاصره ایدوب شهرزاده ایشیدوب
 واروب طاعدوب کیمی قتل کیمی اسیر ایدوب قباد اوغلی قاجوب طاشان اوغلی قلعه سینه کیروب شهرزاده
 انک ضبطنده اولان قباصل قلعه سنی محاصره ایدوب بعده یورش ایلله فتح و ضبط ایدوب اهل قلعه یه امان و یردی
 (جنگ) شهرزاده توقاتده ساکن ایکن ایل اوغلی بکری بیک ترکانه سردار اولوب قازا وایه کلوب توقاده دخی
 عزم اوزره اولوب عسکر نه هر کون شهرزاده نیک مملکتلرندن بری غارت ایدردیکی ایشیدر کده شهرزاده
 یحضور اولوب لطف و عطف مایینده حکیمانه برنامه کوندر روبر اودخی کمال غرورندن نامه بی اوقومادین
 محمدنه یرده درنه ایشیدر دیوب بعده نامه بی اوقود قده غصه کلوب مرادم سنکله جنگ دکل مملکتلر بیک ضبط
 ایتدیکدر همان کوزل کوردیکی بره وارکیت دیونامه کوندر روبر شهرزاده شجاعت عاده همان بیک نفر کزیده
 عسکرله واروب علی السهر باصوب ایل اوغلی عسکرکی ذخیره جعنه پراکنده ایتدیکین یاننده اون بیک جبهه لو
 و آتلو عسکر بولنوب اخشامه دل صواشوب (لمحرره) فائده ایتمز جنود * اولیجق عون و دود *
 مفهومجه تر کاینلر صینوب کشته لردن پشته لریدا اولوب لکن بحکمه الله شهرزاده طرفندن بر فردقل
 اولغیوب ایکی کسمنه اسیر اولوب انک دخی بریسی قورتلوب کلوب بریسی ایل اوغلی قیووردی (نظم)
 اگر تیغ عالم بچیند ز جای * نبرد کی تافتخواهد خدای (جنگ) بعد الظفر شهرزاده مقرر نه کلد کده کوزلر
 اوغلی نام تر کسمان ایل اوغلی خروجی اوقاتی فرصت ییلوب قره حصاره واروب شهری ضبط و قلعه سنی
 محاصره ایدیک ایشیدر کین شهرزاده دخی عسکرین جمع ایدوب ایلغارله کیدوب وقت سحرده علی الغله واروب
 تر کاینلر ناچار جنگ ایدوب صینوب ایل و اولوسنی و مال و منال محروسی براغوب قاجوب شهرزاده منصور

و پر غنیت و ثواب و قاده گادی (جنک) سینه سبز یوز بش او خرنده تر بکندن کوپک اوغلی نام برکاب
عقور تحریک اتباع مجرله مغرور اولغین بانه و افراشته کلاب سگ صحرای قازاوه طرافنده یلوب عملکی
غارت و نیجه خسارت ایتدیکی ایشیدلمکین شهزاده نصر تشمار عسکر ایلد یلغار ایدوب بر سر و قنده
اول زمرة بهایم جمله نایم ایکن باصوب اول کلاب نکبت اکنساب دست و پارینه لرزه و شدت حیرتدن زبانلرینه
هذیان و هرزه عارض اولوب فی الحال کیمی اسیر کیمی طعمه شیر عشیر اولوب کوپک اوغلی بعضی قوابعیه
ختر برتر خورده کبی قاجوب شهزاده و افراطو یلق ایلد قواده کتدی (جنک) ایام آلام شهزاده نیک نام
اراسنده اسمی مزید و تابع شیطان مزید بر حرامی عنید نیجه یزید یلیدی کندویه مطیع و مرید ایدوب سیواس
مهدوم الاساسده قطع طریق و نهب اموال ناس ایتدیکی ایشیدلمکین شهزاده اقدم و اعظم ارکانی اولان
بایزید پاشایی بعضی عسکرله کوندر و وار دقلزنده زمرة دزدینز اول شهر خرابده سلطان جامعن کند و لره
حصار و جای قرار اید تمکین پاشا انلری محاصره و وعده مناصب علیه ایلد دعوت ایدوب اشقیانک عتاد لری
اشدد ایلد قده پاشا جامعن دیوارین دلمک چالشوب و افردل کلریدا اولد قده مزید عنید و ایلد منار میه
چیقوب صواشوب پاشا دخی مناره نک ایچنده آتش باقوب و دود ایلد الصعودندن اشقیان چار قلوب تضرعده
اشاغه اینوب جمله سنی باغلیوب شهزاده به کتورد کلرنده بهادر اولغین نساد و خیانتیه توبه و عین و یروب
اودخی (نظم) باشمی یولکده ایدیم * بنده لک حقنی ادا ایدیم * ایلدک چونکه لطف بن یولکده *
صرف ایدم نقد عمری یولکده * دیکین خلعت کیدروب سیواس شهر بنک نه میرنه کوندر مکین واروب
آر زمانده سعی کامل ایلد معمور لکده اولکی حالته واصل اولدی (دعوت مجبورینور) شهزاده نک
اختلال حالده وقت سن و سالده کمال شجاعت و تدبیرله بو قدر اعدایی قهر و شجاعت ایتدی بکندن اهل ظهور
و صاحبقران اولسندن هر اسان اولغین اول روبه برتر و برتر آفاق کیری صیده مکر فکر ایتد کده رعایتده
اولادنه تقدیم ایدوب داماد اید تمکده دعوت ایچون و افردایا و محبتنامه ایلد برایچی تعیین ایدوب سلطان
بایزیدی دخی شهزاده به ضرر ایتدیوب - ایدم داماد اید تمکدر دیویمینر ایلد ایتا ندروب اندن دخی مهر لومکتوب
ایلد بر معتد آدم الوب ایلدی ایلد کوندر و شهزاده ایلدی لری استقباله آدمکر کوندر و رب تعظیم ایلد کتوردوب
مکتوب لری ایلد باشنه قویوب (ع) از دوست یلک اشارت از ابا سبر و دیدن * مفهومیجه سعاد طاعه
دیوب بعده ارکان دولتی مجوردن قورقز میسر دیویمکدن منعه چالشد قلزنده نوکل خدا ایلد کیمکه مصر
اولوب هدایا ایلد چیقوب عسکر یله اما سیه به بعده قصبه عثمانیجه گادی (جنک) سابقا صواشوب
چان قریبجی شهزاده بی پوصوده بکلیوب بکر کن هجوم ایدوب محکم صواشوب عاقبت عسکر لری بیجی
صیتوب حفظ محیا ایچون قاجدیلر (جنک) سر و آزاده اولان شهزاده مر تاض آباده وارد قده تانار لر
سردار زندن ساوچی اوغلی علی بک جم غفیر ایلد شله دشمن کیر یولنده نامر دلت یعنی رهزنگ تدبیرین ایدوب
مقدما متعلام احوال ایچون اول بدناموس ایلدی صورتده جاسوس کوندر و رب کاوب بواشوب کتد کده
شهزاده در عقب واروب علی شاشوب قاجوب عسکر روم اتی قوه لیوب یلک بلایله سلاسل قلعه سینه کیردی
(توقف) شهزاده تیوره واصل اولدین یولده چکدیکي بلاری تیوره وارمق متین اولد یغته رب دوا منندن
کندویه لطف و تنبیه حسن اولغه جازم اولوب بولی نواحی سینه کلشیکین یله اولان تیور ایچین ضیافت
ایدوب کرچه تیور خانه خصوص ایدر عز برمنه کمال اشتیاقده بر لکن هجوم اعدا زما تده ممالک مری خالی قومی
معتول دکلدر خان حضرتلر نه عذر مری حسن تعبیر ایلد ادا اید سز دیوب خواجه سعی اولوب عاقل و کامل
اولان صوفی بایزیدی اعتذارنامه ایلد یله کوندر و رب خبر کلکده منتظر اولدی (فصل) در وفات سلطان
یلدرم بایزید خان اگرچه سلطان مزبور رعایت و حضورده ایدی لکن (نظم) تقدیر واسه اهل جاه غریب *
وطن آکسه ایلر آه غریب * قالور عش دا ندده حب وطن * اولسه جنت دخی اکامسکن * مفهومیجه
اول شاه غیور تیورینور لک یاتده ماتدم اسور و سلطنتندن مجبور و مجبور و اولاد و عیالندن دور و ممالک
رومک ویران و منهدم تصور اولد یغنه غم مدغم موفور ایلد مرض ضیق النفسدن رنجور اولوب هموم هموم
و هموم هموم و هموم ملین مانند موم ذائب و مصب مصائب ایتد کده مرض خفقه ان دخی عارض ورشته

امیدی قارض اولوب سینه سبز یوز بش رجینک او اسطنده عوارض و آلام قدن لام و مرض دلخراش صاحب
فراش ایتدیکین تیورانی ایکی طیب حاذقه تبدیل هوا و علاج و دوا ایچون آقشهره کوندر و رب معالجه ده
سعی اولندی لکن چاره بولمیدوب شعبانک اون دردنده خیس کوفی (ع) رحلت ایتدی بو قنادارندن اول
شاه کزین * کندوسی زهر یوب اندن وفات ایتدی دیدکاری کذب صریح در دیشلر به جنازه می بروسه به
ایلدوب یا خود آقشهره بر عزیز من اری جوارنده امانت طریقه دفن اولوب بعده بروسه به ایلد لدی
(نظم) جرخ جفا کار عجب کار ایدر * کینه سنی عالمه اظهار ایدر * کیمی که تخت اوزره ایدر سر بلند *
عاقبه الامر ایدر خفته بند * کیمه که برجام و برز نوش بهر * حل ایدر اول جام ایچنه صکره زهر *
اشوب جهان باقی و فاسر در * عمر کلی آند بقاء سز در * بوی سلامت نده دباغ دهر * زانکه
سرشته نباش زهر (نثر) پس تیور بو خبری ایشیدوب محکم آجیوب اغلیوب بو مضهونی ادا ایتدی که
(نظم) چاره نه چونکه امر بر دانی * الدی الدن عزیز نه مانی * حیف صد حیف اول شه نشاهه *
که سوط ایتدی جاهدن چاهه * منتج اولدی ایتدی کم افکار * حیف کیم بویه اولدی آخر کار *
رقم خامه قضا بواش * امر بر دانه مقتضا بواش * واره لوم بر دخی دیار مزه * بقا لوم منتهای کار مزه *
بره بند اولدی پوشه کالی * اوله جسته مسندی عالی (نثر) مرحوم مر قومک دخی روح پرفتوحی
مقام جواب تعریض اتد سابه کو یا بومثل قدیم مضهون کو یا ایدیکه (نظم) لا الفینک بعد الموت تبدخی *
وفی حیاتی مازودخی زادا (رقن مجورید یارجم) پادشاه وفات ایتدیکی ماه شعبانده تیور لک سابقا وفات
ایتش یولک اوغلی اوغلی اولوب صلی اوغلارندن زیاده سوکلیسی میرزا محمد دخی وفات ایتدیکین قدی لام
وقلبی پرالام اولوب بقیه عسکر هلا کوندر نیجه یلک خانه اولان تانار و اثر ارکه بایزید خان سیواسی فتح ایتد کده
آنلری رومه کتور مشدی تیور بونلری انواع تفصیله محتاج تدبیر و ملاطفه ایلد ایدر و رب دیار عجمه کونور و رب
رومدن ارزنجانه بعده ارض رومه واروب کر جستان خفته عازم اولدی (فصل در خیرات مرحوم)
پادشاه ترتیب زمان بنالری نامه لوم اولق اوزره ادر نه ده برجام و عمارت بروسه جامع و مدرسه و عمارت
و مسافر خانه و حمام و دارالشفای شیخ ابواسحاق درویشلر به برز او به عالیله باوب و اق چاغلان صوینی کرلر
یاوب طاعندن ایدوب کتد و بنار زندن فضل قلان صوینی شمرده چشمه لر باوب خیر جاری و نفی محلاته ساری
اولدی * و نه بروسه ده شهر اور تا منده حالا جامع کبیر دیدکاری جامع لطیف و واسع بنا ایتدی و آلاشهری دخی
فتح ایتد کده جامع و مدرسه و حمام و بعضی خیرات بنا ایتدی و بای کسریده برجام و مدرسه و قهره قریه ده
و دیمتوقه ده و کو ناهیه ده برجام بنا ایدوب کتد و زما تده فتح اولنان بهض شهر لرده دخی نیجه عمارت لر
وزاویه لر ایدر (فصل) مرحومک زما تده اولان بکار مشاهیر علما بونلر ایدیکه (۱) مولانا شمس الدین
الفناری جمیع علومده حدن بیرون ماهر و مشتهر ایدی رومده مولانا جمال الدین اقسرای حضرتلر بنک
غایت مقبول شاکردی اولوب آنک وفاتند نصکره سید شریقه مصره واروب شیخ اکملدن اتفاقله اوقیوب
بروسه به کلد کتد نصکره قاضی اولوب پادشاهک غایت مقبولی اولدی بعده بر قاج کره حجه واروب مصر لک
فضلا سیله مجملر ایدوب فضیلتنه تحسین ایتدروب شارح بخاری اولان شیخ علامه ابن حجر منلادن اوقیوب
عادت علما اوزره اجازه نامه یازدروب الوب بعده مثلا بروسه به کلد کده قاضی و مفتی و مدرس اولدی * سورة
فاتحه بی مفصل تفسیر ایدوب و بر سالده یوزدر لوعلدن مسائل درج و صحت لخر ج ایتدی * فن اصوله
تدریجیه او یوز یله دلک فصول بدایع آدوب برکاب تألیف ایتدیکه اکثر اعظم فضلا استخراجندن عاجز لر در
* علم منطقه متنی شمسیه به بر یوم قصیده شرح یازمشر اوان یولک کتبی و یوزالی یلک نقد التونی اولوب ملبس
و مزین و افرجواری و خدمتکار لری اولوب لکن کمال تقوا سندن کسب یدیه کچمک ایچون قز لک ایشلیوب
لباس و طعمه انی خرج ایتدیکین کوچک دل بند و درویشانه لباسلر کیردی * بروسه ده برجام و مدرسه بایدی
بر خصوصه پادشاهه انجیوب قرمان اوغانه کیدوب اودخی منلایه کونده یلک انچه دانسته در لینه بشیوز
انچه و طبقه تعیین ایدوب بو دخی تفسیر فاتحه بی آنک نامه یازوب بعده پادشاه نام اولوب قرمان اوغانه منلای
بره کوندر دیو خبر کوندر مکین منلادخی نه بروسه به کاوب اولکی منصب لر نه متصرف اولدی (ع) درس

و فتوی و زهد و تقوی ده * نوادر دینادین اولوب سکر یوز اووز اوچده وفات ایتمشد (۲) حافظ الدین محمد انکر دردی که ابن البرزازی دیکله معروف اولمیش تالیف ایندیکی کتاب فتاوی برزیه دیکله شهرور عالم اولدی مشاقب امام اعظمه ده مشاقب کردی آدلو بر لطیف کابی و بعض مؤلفاتی دخی وارد در عجمده تحصیل و تکمیل علوم ایدوب رومه کاد کده منلافتاریه عظیم مباحثه ایدوب علم فروع فقهده یوفتاری به علم اصول فقه و سایر علومده فتاری بو کاد کده ایدوب سکر یوز بکرمی پدیده وفات ایدوب (۳) محمد الدین محمد شیرازی تحصیل انواع علوم ایدوب تفسیر شریف و بخاری و مشارقه شر حلل یازوب چله فرقدن زیاده مؤلفاتی وارد علم اغنده موصاری حد در زیاده اولد کده لامع معلم عجاب آدلواتش جلدلو براغت کابی یازوب به ده انی ایکی جلدده مختصار ایدوب اسمی قاموس قویوب مشهور عالم اولدی * بروسه به کد کده پادشاه بوکا و افرمال و یروب تیورلک دخی بش یلک التون و یروب به ده عمالک شرق و غربی کروب تحصیل و تکمیل علوم ایدوب لغت و حدیث و تفسیرده غایتده ماهر اولدی قوت حافظه سی حد در بیرون اولغین هر \approx ون ایکشر یوز سطر از برلوب حفظ ایندیکی اوتتمایغین علوم و معارف عجمیه به ملاک ایدی * دنیایی کروب هر اوغرا دینی و لایک حاکمی کلی رعایت ایدوب به ده واروب قاضی اولوب انک پادشاهی غایت رعایت ایدوب انده ایکن سکر یوز اون التیده وفات ایدوب (۴) شیخ شهاب الدین سیواسی قول جنس سیدر تکمیل علوم ایدوب اهل ولایت صاحب کرامت عزیر اولدی بین ایلجه ورتفیر شیخ دیکله مقبول و مشهور اولان تفسیر بونک تالیفیدر آیات کریمه نیک بعضی مشکلاتده (مألت ربی عن هذا فاجانی بکذا) دیو یازمغین جناب حقه توجه ایدوب سمرنه فیض اولانی مراد ایتمشد زیر ادیناده مکالمه مع اللی زهری ثانیایه بلسکه همان موسی پیغمبره لخر عالم صلی الله علیه و سلمه مخصوصدر من بونک بعض لطیف تالیف لری دخی وارد در * وفاتش در قصبه ایاش فی سنه سکر یوز مکیان (۵) حسن پاشا جمال الدین آقسرائی حضرت تلیک شاکر دلرندن اولوب علم صرفده متی مراحه بر لطیف شرح یازدی (۶) سفر شاه جیع علومده ماهر و مشهور اولوب منلافتاری زماننده ایدی بلا غنده ماهر اولوب غایت بلیغ خطبه لری وارد در (۷) محمد شاه فتاری که پدیری اولان منلافتاری کبی بحر محیط جیع علوم اولوب قوت کد کده پد رنه غالب ایدی * پدیری حیاستده بروسه ده یلدرم خان اوغلی سلطان محمد مدرسه سنه اون سکر یازمده مدرس اولوب هر وجهه مسلم عالم اولدی * سید شریفدن اوقویان نخر الدین عجمی که بعد زمان سلطان مراد زماننده مفتی اولدی حالا بو کامعید اولوب بونک اول درسنه پدیری و سایر کار فضلایله حاضر اولوب بوکا و ن فندن بر روشکل مسئله صور بلوب چله سنه جواب ویردیکین جیع فضلا تحسین و خیر دعا ایلدره وفاتش فی سنه سکر یوز اووزیدی (۸) یوسف بالی ابن منلافتاری برادری وفاتده بیرنه مدرس اولوب فاضل کامل ایدی * بروسه ده قاضی ایکن وفات ایدوب فی سنه سکر یوز قرق ایتی (۹) شیخ قطب الدین ازنی جیع علومده خصوصاً علوم شرعیه ده ماهر اولوب زاهد مجاهد ایدی بر مفصل تفسیری و بعض مؤلفاتی وارد در تیور رومه کلوب بوکا بوکاشد قده تیورده زبر و غنقله نصیحت ایدوب (۱۰) شیخ محمد الجزری دیار عرب و عجمده تحصیل علوم ایدوب جیع علومده خاصه و صاعلم قراءتده ماهر و مشهور اولوب وافر کابل یازمشد در حصن حصین دخی بونک تالیفیدر بروسه به کد کده پادشاه بوکا رعایت ایدوب بونک اولادندن بری بر قاج شهرزاده خواجه سی و جامع کبیر متوالیسی اولوب بعد زمان پدیر و سیر تیورله یله عجمه کیدوب تیور بونی صاغ یاتده سید شریف و سایر علمائک اوزر لر نه کور رایدی * وفاتش فی سنه سکر یوز مکیان اوج (۱۱) عبدالواحد عجمدن کلوب کوتاهیبه ده مدرس اولدی علوم عقلیه و نقلیه ده کامل ایدی بعض مؤلفاتی اولوب نظم بلیغی و اراییدی (۱۲) عبداللطیف بن ملاک فرشته اوغلی دخی دیرل علوم ظاهره و باطنیه ده ماهر و مشهور ایدی متن جمع و مشارقه و شماره بر رفته بول شرح یازمشد در تصوفده دخی رساله سی وارد در * آیدین بک اوغلیک خواجه سی اولوب تیورده مدرس اولدی عربی نظم فرشته لقی بونک تالیفیدر (۱۳) محمد بن عبداللطیف ابن ملاک متن و قایمیه شرح و روضه المتقین آدلو بر کاب تالیف ایدوب (۱۴) شیخ عبدالرحمان البساطی انطاکیه ده طوبیوب تحصیل ایچون دیار عرب و عجم و مغربی کروب جیع علوم تکمیل ایدوب علم وفق و خواص هر رفته امام غزالی و شیخ احمد بن محمد بن کرمه دنیا به بوله ماهر کسنه غایت آر کلدردر بروسه به کلوب

یونان اید کده (محرره) صاحب کمال قدرتی صاحب کمال اولان یلور * هر در لحوال اعلی هم حال اولان یلور * مفهومی و مباحثه منلافتاری حضرت لری یوندن علوم عجمیه اوکرندی فنون غریبه ده حسن خطله غایت بلیغ دیاجه لرله وافر تالیف لری اولوب علم و فقهده کاب شمس الا فاق بونک تالیفیدر * فوایح مسکیه آدلو بر کاب لطیفی وارد در که ایچنده یوز در لولمندن غرائب درج ایتمشد (۱۵) علاء الدین رومی فاضل و ذکی و بحاث اولوب عجمده سید شریف ایله منلاسه الدینک بشقه بشقه در سلرین ویری بر لریه عظیم بحثلرین دکایوب عظیم سوالر و جوابلار یازوب کزدیکی و لا یلدره علمایه صورتده ایشید نلرحیران اولوب مصره وارد قده علماء عربی مجتهد عاجز قویوب عظیم سوالر خصوصنده بر رساله لطیفه سی وارد در (۱۶) شیخ نخر الدین رومی قصبه مدرفی ده ساکن اولوب خلقدن منقطع عابد و زاهد ایدی علوم شرعیه ده غایت ماهر اولوب ادعیه مأثورده بر کاب یازوب مناسبتله هر علمدن مباحثه دقیقه درج ایدوب (۱۷) منلارمضان عالم عامل فاضل کامل اولوب پادشاهه قاضی عسکر اولدی شرح عقائد لره ضان حاشیه سی غالب بونک تالیفی اولمدر (۱۸) احمدی کریمیا تدر منلافتاری ایله مصره واروب تکمیل علوم ایدوب ولا یتنه کد کده کریمیان اوغله خواجه اولوب شعره مائل اولغین منلافتاری شعره چالشوب بعده پادشاهک یول اوغلی امیر سلیمان مصلح صاحب اولوب انک نامه اسکندرنامه بی و نیجه قصائد و اشعار نظم ایدوب مقدمه مصرده بر عزیز دیک اوزره عمری شعره صرفه ضایع ایدوب * تیور رومه کد کده بونی مه احب ایدوب بر کون جامه یله کروب منلافتاری اولان نسنه لر به ایچ دیوب بودخی هر برینه تخمینله به ایان ایدوب بکادخی به ایچ کوره به دید کده سکسان ایچه دیوب تیور دخی منلاعدالت ایتمک بالکیز بنم فوطه م سکسان ایدردید کده بنم دخی به ایچدیکم فوطه در زیر اسن بر ایچه به دکر سن دیمکین تیور و لطیفه نظریه دن محکم کولوب غایت حظندن جامده بولسان جیع آلات سیم وزری منلایه باغشلدی (۱۹) شیخ بدر الدین محمود که قاضی سماونه اوغلی دیکله مشهور در دیار رومه اوقیوب مصره کیدوب آنده مبارک شاه منطقه دین سید شریف حضرت تلیه معالوقیوب مبارک شاهله عجمه واروب مکده کنز شاری شیخ زیلعیدین و قیوب مصره کد کده به سید شریف یله شیخ اکملدن اوقیوب جیع علوم ایدوب تحصیل ایدوب بدرالدیندن دخی مصر سلطان فرج بن برقوق اوقیوب بعده بوکا جذب الهیه ایرتمکین مشایخدن برینه التجا و آنک یاتنده واصل رجا اولغین انک امریله عجمده شهر تبریزه ارشاده کتیدی * تیور بوکا کلی رعایت و تعظیم و عبا بونک فضیلتی تسام ایدوب بعده به بعض عمالک عرب و رومه به ده ادرنه به واروب شهرزاده موسی چای پادشاه اولد قده بونی قاضی عسکر ایدوب موسایی برادری سلطان محمد قتل اید کده منلای توابعیله ازنیقه سوروبیدی یلک ایچه وظیفه تعیین ایدوب بعده اسفند یار بکه قاجوب بعده روم ایلنه کیدوب آنده احبامی جیع اولوب بونی ضیافتلر و رعایتلر اید کد کده بعض کسنه لر پادشاهه بونکچون ملطنت سودا سنده در دیمکین علمایه واسیل سکر یوزون \approx کزده صلب اولندی * مرحوم فقهده لطائف الاشارات آدلو متنی واکاتسمل آدلو لطیف شرحی وارد در که ازنیقه یازمشدی و جامع القصولین آدلو بری تطبیق کابی علم صرفده متی مقصود شرحی و تصوفده واردات و مسرة القلوب آدلو ایکی کابی وارد در * سید شریف بونی فضیلتله مدح ایدردی (۲۰) حاجی پاشا منلافتاریله مصره واروب شیخ اکملدن و مبارک شاه منطقه دین علوم عقلیه و نقلیه بی تحصیل و تکمیل اید کد کده مرض عظیمه مبتلا اولغین ناچار علم طبه چالشوب طیده شفا آدلو عربی و بی نظیر و تسهیل آدلو ترکی بر کاب یازوب مقدمه مسائر علومده بعض تالیفاتی دخی و اراییدی * سید شریف بونی دخی فضیلت نامه ایله مدح ایدردی (فصل) یلدرم بایرید خان زماننده اولان بکار مشاهیر مشایخ بونلر ایدوب \approx (۱) شیخ حامد قیصری علوم ظاهره و باطنیه ده کامل اهل کرامات علیه و مقامات سیده ایدی بروسه ده صانعچون ارفاسنه زنیل ایله اتمکدر بوکادوب کروب خلق اوشوب تبرکاه اتون الورلدی * منلافتاری بوکا مصلح و یوندن مستفید اولوب فضیلتنه اعتراف ایدردی * پادشاه جامع کبیری یابد قده بونی واعظ ایدوب خلقک کندویه توجه هجو من کورد کده ریاحوفندن براغوب آقسرائی کیدوب آنده وفات ایدوب (۲) شیخ شمس الدین محمد بن علی الحلی بنی البخاری (محرره) عالم عامل عارف کامل * مرشد واصل مقصدی حاصل (نثر) بر عزیز بقایه

صاحب جذبه و ورع و پرهیز و اهل وادعی بخاراده طوغوب
او غلامی که کراماتی ظهور ایدوب بعده مشایخ عظامه خدمت و نائل رتبه ولایت اولادده رومه کلوب
بروسه قوطن ایدوب متلافناریدن کتاب مفتاح الغیب شیخ صدرالدین قنوی بی او قودی بروسه خلایق
حضرت شیخ غایت محبت ایدوب امیر سلطان دیکله مشهور اولوب پادشاهل کریمه سی شیخه نکاح اولوب
آندن اولادی اولوب سکر بوز او فوجده یایکیده وفات ایدوب * حالامه اشرافی اطراف عالمدن زیارتگاه
وملاذ و بنه اهل حاجت و نگاه اولشدر * حیث و عمتده کراماته نهایت و حد و غایت یوقدر (محرره)
قدس الله سره الاعلی * و جزاه بما هو الاوفی (۳) شیخ حاجی بیرام علوم عقابیه و نظمی ده ماهر اولوب انقوده
مدرس ایکن فراغت ایدوب شیخ حامد سابق الذکر مقارن اولمشدی (محرره) عارف واصل مرشد
موصول * اهل کرامات عالی مقامات (نثر) بر عزیز با تمیز صاحب تقوی و پرهیز اولوب نیجه کسسه لری
تکمیل و راه حقدن مراد لری تحصیل ایتمش خیر هوس و مؤثر نفس ایدی * شیخ آق شمس الدین و نیجه اولور
سابقا یونک مریدی اولوب مزاری ملاذ و مأوی و محل قبول دعا در (محرره) قدس الله سره الاصفی *
و جزاه بفضل الاوفی (۴) طایف ایدوب امره نهر صقریه قریبده اولوب اهل عزت و ولایت مرشد کامل صاحب
کرامت ایدی ترکیه یولک برادره امره دیرلر (۵) یونس امره طایف امره نک مریدلرند اولوب نیجه ییلر
ارقه سیله شیخ مطبخه اودون طایفش ایدی * عاشق پرشوق و اهل وجد و عرفان و ذوق اولوب جناب حق
بر سوز و کد از و تضرع و نیاز ساده سلطانی ترکی اشعار پر عرفانی وارد که مرته می آندق معلوم اولور (۶)
شیخ عبدالرحمن ارزنجانی قزلباش شاهلری نک جدا اعلالری شیخ صنی الدین اردبیلی حضرت زلی بنک خلفه اسندن
اولوب رومه کد کده امامیه قریبده طایفدره ساکن اولدی برکون مریدلرینه بزه بعض دوستلر که جکدر
طعام حاضر ایدوب تهنه من یوقدر دید کارنده شیخ صومعه سندن طایفه جیقوب کد و به کیش بر سوری
جیرا نکر کوروب قوفورله ضیافتچون نفسی قنغیکر فدا ایدردید کده ایچلرندن بریسی قارشو کلنکین
مریدلر آتی بوغازلیوب مسافرلر دخی کد کده انلر ایچون بشور دیر بر صبح شیخ غایتده محمد نک اولوب
مریدلری صوردد قریبده طایفه اردبیلیه شمدیه ذک حسن عقیده و تقوی اوزره اولوب برکون شیطان آنلری
اضلال ایدوب سلف صالحلری یولندن بچقاردی دیوب بر قاج کوند نصکره خبر کادیکه شیخ صنی اوغلینک
اوغلی شیخ حیدر سالک طریق ضلالت و اعتداف و تارک جمیع عقائد و آداب اولادی (فصل)
در احوال شهزادگان بیدرم بایزیدخان (اولا) مر حومک وفاتنده صاحب ازوم ایلنه کیدوب تختنه یکن
شهزاده امیر سلیمان و امامیه و وفات حاکی شهزاده سلطان محمد تیمور نک هدایا و تهنه بنامه لره
بر ایللی کوندروب محمد خان پدیری وفاتنه غایتده کرمان و تالان و درو چیچون خیرات فراوان ایدوب تیمورک
عجمه توجهن ایشیدوب اول مکارز و باده کار جائز که بونی شکار یار قمنه آشکار ایدوب احتیاطا جله عسکر یله
بولی قریبده عظیم حصع طایفدره قرار ایدوب (ثانیاً) تیمور مر حوم پادشاه یاننده اولان شهزاده مصطفی
جلایی به اکثر و زحیم قولنج بعدالت عز به و اتسلیمه فاخر خلعت کیدروب بر مرصع قلی و مزین رختلره یوزعدد
عربی آت و طغرایرینه آل قغالو براتله بروسه حا کلکن و یروب مر حوم پدیری آنده دفن ایدوسن دیور عایتلره
کوندروب کند و عجمه کندی (ثالثاً) شهزاده موسی جلایی بروسه یه توجه اید کده سابقا بروسه اطرافنده
کیرلش اولان شهزاده عیسی جلایی تیمور کد کده ظهور ایدوب اول اطرافه استیلا ایشیدی موسی جلایی
آنک اوستنه وارد قده قزاقی ایلانده اشوبایی برادر پر آزار اولوب بری برلرینه عسکر چکوب مر اراجنکر
ایدوب عاقبت موسی غالب و عیسانک وجودنی عالمدن سالب و سلطنتی کندوبه جالب اولوب بروسه ده تخت
پدیر بوکامیسر و مقرومقر اولدی (رابعاً) ادرنه پادشاهی امیر سلیمان برادری موسانک بروسه ده تخت کد یکن
ایشیدوب سباه کینه خواه ایل کلبو ایدوب بکوب بروسه یه کلنکین موسی قاجوب قرمان اوغلینده واروب
سلیمان بروسه یی ضبط ایدوب کوچلر برادری قاسم جلایی بی استانبول تکرورنه رهن قبولوب تجدید و تآکید
عجبایدوب استانبول بوغازندن بکوب ادرنه یه کیدوب سلطان محمد بونی ایشیدوب تهنه بنامه ایلهدایا
کوندروب بودخی حقدن کاهج بنامه و هدایا کوندروب قرمان اوغلنه خبر کوندردیکه برادر مر موسی

محکم حفظ ایدوب معاوتندن و قاجر مقندن حذر ایل و الاوقته که حاضر اول (خامساً) موسی جلایی بوخبر
راحتیری ایشیدوب قسطنطونی حاکی اسفندیارله خبر اشوب امیر سلیمان بروسه یه کد کده موسی قرماندن
اسفندیار قاجوب سلیمان ایشیدوب قالقوب اول قیش بعض قصبات کزوب مفرح برلده جوانلرله باده
صحبتلرینه مشغول اولغین روم ایللی بکری بوندن بروب موسی جلایی یو جانیه کوندربختنه بکوره لم
دیواسفندیارله خبر کوندرد کارنده موسی سیدوبدن کی به قویوب قره دکردن افلاق دیارنه واروب کافر بکی
قارشو کلوب امیر سلیمانک ظلمدن بچضور اولغین بوکاتعظیم و رعایت ایدوب عسکر قوشوب کوندروب
روم ایللی بکری قارشو کلوب سلسره یه کد کده ادرنه یه متوجه ایکن امیر سلیمان خبرالوب سرعتله ادرنه یه
واروب تختنه بکوب عادی اوزره جوانلرله و ندیلرله جاملرده باده صحبتنه مشغول و عاقبت کاردن برغفل
اولدی * بعده موسی جلایی علی الغفله ادرنه یه کلک اوزره در دیو خبر ویرلر کده موسی کیدر که بنم اوستمه کله
دیوب بوشانده موسی جلایی یه جمیع امر اوسپان نایع اولوب ایلغارله کلوب امیر سلیمان یه حامده مخمور بولغین
حیرتله ناچار استانبولده قاجوب برقریه یه کلوب انک اهللی بونک سباهیلرندن رنجیده اولغین بونی طوقوب
باغلیوب موسی جلاییک آدمیری یتشوب بونی شهید ایدیلر به ضاربونی قره یه خانی قتل ایدوب بعده موسی
جلایی انلری جمع ایدوب پادشاهنه خیانت ایدنک حالی بودر دیو آتشه یاقدی دیمش * بوقصه سنه سکر یوزاون
درت اوائلنده اولوب موسی جلایی تختنه بکوب امیر سلیمان جنازه سن بروسه یه کوندردی (روایت دیگر)
ناج التوار یخنده مذکور در که شهزاده را حوالنده شمدیه ذک کراولان مؤرخلر اتفاق ایدوب کیدر لکن انلردن
متلافن شری وجهه آخردن بویه تفصیل ایشدر که (قصه) اولایمور عجمه کد کده موسی جلایی کرمان
اوغلی یعقوب بک و یروب بیدم خان وصیتی اوزره اصهر لیکه موسی سلطان محمد ایدستد کده پدیر نک نابویه
یله تسلیم ایلیم * پس تیمور کیدر کن سلطان محمد عسکر یله بولی طایفدره روز کار کچروب تیمور یلردن
انرا قلمد قده مودرنی یه کلوب فیروز پاشا اوغلی یعقوب بک کلوب ال اوپوب سر عسکر اولوب انک تدبیر یله
سلطان بروسه یه توجه ایدوب بالی کسری به وارد قده انک ضابطی اینه بک صوباشی قارشولوب سلطانک
اقی ایاغنه قاشلرد و شیوب قولی اولد قده شهزاده عیسی جلایی ایشیدوب الم چکوب بعده اینه بک تدبیر یله سلطان
برادری عیسیه (نظم) دنیانه مشاعیت کد ارزد بنازی * زنه مار مشور طلبش بیده ساعی (نثر)
منارعه اینک سزه و بزه لایق د کادر پس اناطولی سلطنتی ایکیم قاسمه ایدوب بروسه و سیواس و نو قاده وارنجیه
بزم عمالک آیدین و صاروخان و کرمان و قرانی و قرمان سزک اولسون دیو محبتنامه کوندروب اودخی
بن محمددن بیولک ایکن انک نه حدیدر که بنامه سلطنت نزاعن ایدوب جنکه حاضر اولسون دیو جواب کوندربکین
سلطان بروسه یه یوروب اولوباد جحر اسنده ایکی شهزاده محکم صواشوب عاقبت عسکر عیسی صینوب طایفدره
عیسی استانبول تکرورنه قاجوب وزیر تیمور تاش پادشاه دخی قار کن براوغلانی آتی خنجرله اوروب
سلطان کتوریلوب جان ویرد کده باشی کسوب صورت بشیرده تخذیر ایچون ادرنه پادشاهی شهزاده امیر
سلیمان کوندردی (قصه) بعده سلطان محمد بروسه یه واروب تختنه بکوب (ع) تخت بولدی مستحق
دیوشاد اولدی جهان * بعده ازبکه واروب قلعه ضابطلری قارشولوب تسلیم ایدیلر بعده یکیشهره واروب
آنده اطرافندن بچدش کایتجیلر کلوب بوسیلله سلطانک عسکر دخی چوغالغین کرمان اوغلنه سنک
یانکده اولان برادر مر موسی ایل آقشهرده امانت قونان پدیرمک نابون کوندربوخبر کوندروب اودخی
کوندروب عظیم جمعیت و ماغله کتوریلوب بروسه ده دفن ایدوب احوال مملکت یوقلا بیه امامیه و وفات
طرفلرینه کندی (قصه) امیر سلیمان سلطان محمد بر قاج وجهله انجمنکین برادری عیسانی ادرنه یه
کتوروب مال و عسکر و یروب بروسه یه کوندروب واروقده قلعه خلایق برادر که نزاع کز فضل اولیخه تسلیم
ایتز دیوب بعده اطراف اناطولیده هر نه قلعه یه وارد یسه بویه جواب ویرد کار ایچون دولندن امید کسوب
طالع خشنه کوسوب ناچار سلطانه تواضع و تضرع ایل خبر کوندروب قیشلاق ایتیب اودخی بک بازارنی
تعین و جمیع لوازم میریدن کوندربکین حضورله بکوب بهارده قرمان ولایتنه واروب جشنکار ایدوب
بعض قلعه لالوب عسکر یازوب ولایتلردن مال جمع ایدرک بروسه یه کلوب قاعه یی ویرمد کارنده طشهره سن

بغالبوب سلطان ایشید کده اوج بیک عسکرله اوج کونده ایلغارله اماسیه دن کلوب عیسانک اون بیک
 عسکری وار ایکن صاحبان اخشامه قریب زمانه دلو و اشلوب محمدیلر منصور و عیسویله مقهور اولوب
 عیسی قسطنطونی به قاجدی (قصه) قسطنطونی پادشاهی اسفندیار بو کامعوانتی چون عسکرله انکوری
 فتحه بیل کیدوب محاصره ده ایکن سلطان ایشیدوب اوج بیک نفرله اون کونه دلو واروب عظیم صواشوب
 عیسی واسفندیار صیوب قسطنطونی به قاجوب سلطان پر غنیت بروسه به کلوب بعده نوقاده کیدوب مالوک
 اطرافدن هدایا و تمینت نامه لر کادی (قصه) عیسی چلبی بروسه به تکرار هجوم ایدوب نواحین غارت
 ورعا و بایه کندیون نفرت ایتدیمکین سلطان ایشیدوب بروسه به کلوب عیسی از میراوغانه واروب
 آنک تخریکله ایدین صرخان منشاخاکلری اکابکری بیک عسکر جمع ایدوب سلطان دخی اون بیک دلاورله
 واروب حله اولدی (نظم) عسکر اهل شقادام بیانکی تفرقه است * دقت شیرازه ناکرده بیادی ایتست *
 مفه و منجه اتمقیانک جلوه سی طاعلوب عیسی بر قاج نفرله قرمانه قاجدی از میراوغلی رکاب سلطانه کلوب
 یوز سورمکین صوجینی باغشلیوب یزنده ابقا ایدوب بعده سلطان ولایت آیدینه واروب ضبط ایدوب بعده
 صرخانه واروب حاکمی جامده باصوب بوینن اور دیر * بعده کر میانه واروب حاکمی یعقوب بک مقتدا حاکمین
 کتورمکین یزنده ابقا ایدوب بروسه به کادی عیسی چلبی قرمان اوغلی کندوبه سلطان خوفدن معاونت
 ایتمکین شدت نمندن کیدوب (نظم) چودولت نبخشد سپهر بلند * نیاید بر داندکی در کند * مفه و منجه
 بخت بر کشته ایل کوه و دشته دوشوب صحرای جهاندی بی نام و نشان اولدی * بعض روایتده بعد زمان
 اسکی شهر اطرافنده کیزلوا بدو کئی سلطان ایشیدوب مالوک کوندوب حاصره بولوب بوغدیلر * تاریخ منلا
 ادربده سلطانک بعض مالوک اطراف حقلرندن کلدوکی عیسی قتلندن صکره اولدی دیومند کوردرو الله اعلم
 (قصه) ادرنده امیر سلیمان برادری سلطان محمد استقلالان حصد ایتمکین بروسه به کلبه عظیم عسکر
 جمع ایتدیکده سلطان ارکانله طاشوب (نظم) هر که با پولاد بازو بنجه کرد * ساعد سین خود را بنجه
 کرد * مفه و منجه عسکر کثیر ایله مقابل خطادن خالی اولماغین انکوری به کیدوب عسکر جعنه باشلیوب
 امیر سلیمان بروسه به کلوب آندن دخی انکوری به عزم ایتدیکده سلطان انکوردیده قلعه سلاسل محافظه سنه
 یعقوب بکی قویوب کندوب عسکرله کیدوب امیر سلیمان عسکر فر اوانله کلوب شهر خانی تابع اولوب قلعه بی
 یعقوب ویرمیوب امیر سلیمان قاقیوب فتحه عظیم تدارک ایدوب یعقوب سلطان فریادی کوندوب اودخی
 صبر ایله ایکی کونه دلین سکا واروب بقشورم دیو یازوب کوندوب کاغدی کتوره فی امیر سلیمانک ویدرنک
 وزیر اعظم لری علی پاشای حیلله کارطوب ظرافتله کاغدی تبدیل ایدوب بن سکامعا وسته قادر دکام قلعه بی
 ویروب مسلمانلر قاتله سب اولیه سن دیو یازوب جاسوسی حیلله ایله قاجوب یعقوب مکروب نامه بی کوروب
 ایشانوب قلعه به اسانه ویروب بر قاج کوندیکده سلطان کلوب حیلله بی طویوب کیدوب امیر سلیمان بونک
 کلوب کندو کندن غوره دوشوب سائر قلعه لرین دخی المغه کیدوب لکن هر بری محکم تدارکله محافظه ده
 اولغین دونوب بروسه به کلوب عیش و نوشه مشغول اولدی (قصه) امیر سلیمان بروسه ده ایکن سلطان محمد
 نوقات و اماسیه ده اولوب جاسوسله یوقلا دوب لیل و نهار غفلتده دردیو خبر کلد کده سکر بیک عسکرله ایلغار
 ایدوب سلیمان ایشیدوب عسکر مو جود یله بیک شهر فواجیسنده بر صعب دریده کیدوب سلطان دخی واروب
 حصار جنگی کی صاحبان اخشامه دلو و اشلوب عاقبت محکم یاغورلر زمانی اولوب عسکر عاجز قالمغین
 سلطان اماسیه سخته کیدوب سلیمان بروسه به کلوب سلطانک ولایتلرینه اقینه عسکر جمع ایدرکن سیوری
 حصاردن بوکا سعادتله کورسکر قلعه بی ویره لم دیو خبر کلکین وافر عسکرله واروب قلعه بی ویرم کازنده
 محاصره ایدوب اکثر عسکری غارت کیمکین قرمان اوغلی سلیمانی شیخون ایتمک عزم ایدوب سلیمان طویوب
 اورنوس بکی سردار ایدوب قرمانلر دفعنه کوندوب اودخی واروب قرمان اوغلی سلطانله اجازه واروب
 ولایتلر بیک نصفن ویروب سلطانله معین اولغه عهد ایدوب سلیمان ایشید کده بعد المشوره انکوری به واردی
 زیرا اوزرینه کورلر ایه انده جنگ سائر برلر دن انساب ایدی بعده اطرافنه غارت کیدن عسکر بیک دونوب جمع
 اولمیرنه منتظر اولدی (قصه) امیر سلیمانک عسکری محالک سلطان غارت و خراب ایدوب سلطان بوحاله

پراخزان ایکن برادری موسی چلبی که قدیمدن بیلله اولوب مطمع فرمان ایدی بی روم ایلینه کوندولر واروب
 ضبط ایدوب چراغکنز اولایم و سکر و خطبه بی نامکزه ایدیم دیوان ایدوب سلطان دخی اکابر مقدار بولداش
 و خزینه و مهمات سفر و جنگ ویروب قره دزدن کیدولر کلوب افلاقه وارد کده افلاقل کافر بکی قارشو کلوب
 کلی رعایتلر ایدوب قیزی دخی نکاحله ویروب روم ایلی بکاری ایشید کازنده اکثری قارشو کلوب تابع اولدیلر
 (قصه) امیر سلیمان بونی ایشید کده وزیر عاقلی علی پاشا وفات ایتمکین شاشوب عاقبت یعقوب بکی نه
 انکوری محافظه سنه قویوب اناتولی بکار بیکسی ایدوب کندوبی کایبولی یقاسندن روم ایلنه کلوب
 عسکر جمع ایدوب موسی چلبینک اوزرینه واروب اثناء جنگده روم ایلی بکاری سلیمانه تابع اولغین موسی
 بالکنز قلوب آزادله قاجوب طاعلرده اولوب احیانا کلوب بعض برلر غارت ایدوب بینه طاعه کیدوب امیر
 سلیمان عادی اوزره ادرنده حاصره عیش و عشرته مشغول اولغین آنک فرصت کوزلردی (قصه) امیر
 سلیمان کیدوب اناتولی منازعدن خالی قالمغین یعقوب بک دعوتله سلطان محمد انکوری به کلوب سلیمانک
 آیدین و منتشا و صرخان و مناوغات ولایتلر بیک حفظنده اولان آدم لری کلوب قلعه لری مقتدا حاکمین سلطانه
 و بر دیر اودخی منصور و سرور بروسه به کلوب عدل و داد ایله تعمیر بلاد و نظم احوال عباد ایتمک باشلیدی
 و خیر لربلیدی (قصه) ادرنده امیر سلیمان بی اصابه کرما به لرده باده نابه و عشرت و خوابه مشغول و نظم
 امور و عزم عدوی پرزوردن غافل ایدی (نظم) شاه کیم اوله روز و شب مخور * کشوری هر کز اولیه
 معمور * اکا کیم پاسان کرک شب و روز * نیجه عدل ایلله اوله مالک افروز * متنبه کر کدر سلطان * که
 اوله امری کشورنده روان * امرنی غیره ایلین تفویض * اولور آخر آنک مقری حضیض * سلطنت چون
 و دیعت حقدور * سهل عدایدن آتی اسقدر * هر کرانشاه زادر کست * نخورد آنکه تلخ و ناپاک کست
 (نثر) پس موسی چلبی داغابونک فرصت کوزدوب به دزمان میخال اوغلی و قیون موساسی اکاناع اولوب
 ادرنه به کلوب عسکرلرک اولی شهرک باغلرینه کلد کده قوجه اورنوس بک امیر سلیمان غافل واروب (محرره)
 نه حاص و عشرت قابسی کندی باشک شاه * دیو قاجق سواق ایتد کده حاجی لانیچون حضور مزه مانع
 اولور سن موسی کیدر که اوزریمه کلکله قادر اوله بیکلکدن عتلمک خال و فکر که زال کلش دیوب اودخی طشره
 چاقیوب بعده بیکجیری اغاسی حسن اغا کیروب تنبیه ایچون تغلیظ ایتمکین امیر سلیمان قاقیوب اغانک
 صقان تراش ایتدوب یاتندن قووب بودخی طشره چیقوب امر او عسکره دوستن و دشمنن بیلز نکبتدن
 نه او مارز کوریکز بکانه ایلدی کاکر موسی چلبی به کیده لم دیو آتیه بوب خواص امیر سلیمانن قره جه بک
 و قره مقبل واورج بکدن غیری جلوه سی بونکله بیلله کیدوب موسی چلبینک اوکده دوشوب ادرنه به کتوردیلر
 امیر سلیمان مستانه خواص خدمتله تدارکسز عجله ایلله استانبول قاجوب بر کجه بر کویه کلد کازنده
 ادرنه دن بروقولاغز اولان ترکان قریه خلقنه خبر ویروب آنلردخی هجوم ایدوب ایکی بولداشی قتل و سلیمانک
 آتی مجروح ایدوب دوشوب طویوب بوحالده ادرنده دن آدم لربلر شوب طویوب موسی چلبی ایشید کده قیون
 موساسی کوندوب بوغدیلر بی سنه سکر یوزاون درت و معرکه تیوردن قباله دیر و جلوه مدت سلطنتی سکر
 ییل ایکی آی اون کون اولدی * مرحوم مرقوم کرچه اهل هراکن شجیع و خوروی و صاحب خیر و خناییدی
 صدقه و احسانه غایت مائل اولوب هر کون بر قول آزاد ایدوب ادرنده ده حالا جامع عتیق دیدکاری جامه کن
 بناسنه بشلا یوب ناعام قلوب بقیه سن موسی چلبی بایدوب بینه ناعام قلوب سلطان محمد تکمیل ایتدردی
 (قصه) موسی چلبی ادرنده ده تخته بکد کندیکده نیجه بکاری امیر سلیمان خیمات بهانه سیه عزل
 و قتل ویرلرینه کندو آدم لری نصب ایدوب معز ولرک اموال و املاک لرین دخی غضب ایدوب بعده اقدم
 و اعظم امر اولان اورنوس بک غازی قاجردوب اودخی کوزاغر یسندن اعی اولدم دیو بهانه ایدوب
 وافر هدیه کوندوب اکن البته کسون دیکن ناچار کلوب او پرکن اعی کی حرکت ایدوب بعده موسی
 چلبی بونی امتحان ایچون ضیافت ایدوب بونک اوکده بر طبقه بشش قور بغار قونوب بودخی اعی کی طعاعی
 الیه یوقلا یوب قورقوسندن ناچار یوب بهانه ایلله خلاص اولدی * بعده موسی چلبی حکام اطراف طلب
 مال کثیر ایلله کندودن تغیر و کفار خراج کزازی تکالیف شاقه ایلله تضحیر ایتدی * جلوه دن استانبول

تکونند مال عظیم استیوب وزیر اعظم ابراهیم پاشا ابن علی پاشا بونک سوء اخلاقندن بزوب بن واروب
 تحصیل ایدم دیوب بونم سانه ایلدندن کیدوب بدری زمانندن و تکروردوسی اولغین آنک معرقیه
 بروسه ده سلطان محمد عبودیتنامه کوندروب آنده واروب قواکز اولق مراد مدر دیمکین سلطان دخی
 کله سن دیومکین کوندروب واروقده وزیر اعظم اولوب روم ایلنه کچمک تدبیرین ایدوب تکرورله خبرلشوب
 عهد و وعده لایتمکین کاسونلر کیلر احضار ایدم دیمکین سلطان اون بش یک نفر آتلو عسکرله استانبول
 مقابله سنه کلوب کیلر کلسکه قاتلندی بعض مؤرخلرموسی چلبی استانبول ایلغار ایدوب نواحیسنی غارت
 ایدرکن وزیر اعظمی کور شاه ملک یک قاجوب تکرور آندن سلطانله کلوب روم فتحنه تخریک ایتدی دیوب
 ابراهیم پاشای ذکرا تمامش (قصه) تکرور کیلر کنوروب ال اوپوب سلطان ضیافت ایدوب موسی چلبی
 ایشیدوب بید عسکرله کلوب استانبول قریب اینجور کیده محکم صواشوب کشته لردن افان خون مانند
 نمر حیون اولوب بواننده تفصیله محتاج وجهله امر او اکثر عسکر سابقا تفری اولغین چله سی موسای
 براغوب محمد تابع اولوب موسانک آتلو عسکری صینوب قاجوب محمد لیرا نلری قوه ایوب نیجه لیرن قیروب
 موسی دخی قاجوق دیلد کیده یکچیر یلر بلجامن طوبوب قومایوب ایتدی یلک قدر پیاده و آتلا اولوب
 سلطانک عسکری چانلر آرد نیجه طاعماغین موجود اولان ایکوز نفر دلاور ایلر دانه میدانه کیروب شیرانه
 جنگ ایتدی بعده کندو و توابعی مجروح و نیجه لیری بی روح اولغین (نظم) ولیمس الفرار ایوم عارا علی الفقی *
 اذا عرفت منه الشجاعة فی الامس * موهوم نیجه ناچار قاجوب تکرور معرقیه فارشوبه کچوب بروسه یه
 کیدوب او طرفه عسکر سلطان دونوب سلطان بولماغین ناچار موسی چلبی به تابع و عتو کاهلر نه متضرع
 اولد قلنده عفو ایدوب آنلری تخیر ایتد کیده اکثری خوف لردن قلوب بعض سلطانله کتدیلر (خاتمه)
 سلطان محمد بنه روم ایلنه کتک ایچون عسکر جمع ایدوب قاین اناسی ذوالقدر اوغلی سلیمان یک معاونه
 چاغر لغین اولاد و عسکر یله کلوب عظیم رعایتلر مظهر اولوب سلطان چله عسکرله استانبولدن کچوب
 ادرنه دن اوتنه نیجه شهرله واروب تدریجلا کتار امر اکلوب تابع اولوب موسی چلبی دخی بر قاج یک آدمه
 متخیرانه کزوب ایک شهراده طرف لردن تفصیل عظیمه محتاج امور ظهور ایدوب عاقبت موسی چلبی
 بکوردن کندو به معاونه اولیه جغه جازم و سلطانله چانلردن قلا نیجه عسکر یله ناچار جنگه عازم اولوب
 چامور لوا و ده ایک برادر محکم صواشوب موسی چلبی عسکرینک صینوب تدریجلا برانکده اولد قلرین
 کوروب مردانه میدانه کیروب شیرانه جنگ ایدوب بعض عسکر سلطان کندویی اورنایه الدقلرین کورد کده
 اطرافنه چله ایدوب جنگه صفلار یاروب بقیه عسکرینه کلوب اکثری مجروح و بی روح کورد کده امیدین
 کسوب اغلوب چکیلوب کیدوب بعض امراء سلطان بونک ادرنه دوشوب بودخی شدت حیرتدن
 آتی ضبطنه قادر اوله میوب برتاغه واروقده طائمه چیقاره میوب اینوب شدت حیرتله اوتور کور لکین
 طوتوب امر پادشاهی اوزر یای کرشیلر بوغدی لیری سنه سکر یوزاون الی * انکچون برادر نه کرشچی سلطان
 محمد دیولقب قودیلر * موسی چلبینک مدت سلطنتی ایک ییل بدی آی بکرمی کون ایدی بودخی سابقا برادری
 امیر سلیمانی بوغدر مغین سر کاتدین ندان عیان اولدی * بیده جنازه سن بروسه یه ایلتوب غازی خنکار
 تریه سنده برادری امیر سلیمان باندده دفن ایتدیلر رحمة الله علیهم اجمعین

(باب خامس در احوال سلطان محمد خان ابن بایزید خان علی ما الرحمة والغفران)
 (نظم) سیر سلطنت سلطان محمد * مه برج شرف شاه مؤید * چو مطلق منصرف اولور کاله * دینور
 سلطان اوشا باجاله * ایدوب بدسیفی الطاف رحمان * چراغ دودمان آل عثمان * اکراولماسه انک اهتمای *
 آوردی ککشوروی حرامی * ایدوب رب مجید اول شاهه تأیید * بوملکی ایلدی انکله تجدید *
 سونشکن او اندردی بو شعی * مرتب ایتدی بوباشیده جعی * شجیع و عاقل و بخشنده ایدی * چراغ دولای
 رخننده ایدی * عطاده حاتم ورسم غاده * ایرنر اول شه نیکو نهاده * دیار روی ایتدی عدلی ترین *
 انک آثار بدوریم و آیین * الهی ایل مشکورا همتان * مؤید ایل اخلاف کرامن (نثر) مرحوم مرقوم
 نازده ایکن فتنه کچمکین چلبی سلطان دیرلردی * ولادتش فی سنه ۷۸۱ یاخود فی سنه ۷۷۷ وفات پدرش
 فی سنه

فی سنه ۸۰۵ جلوسش بر تخت پدر بروسه استقلال بعد از وفات جمیع برادران فی سنه ۸۱۶ مدت سلطنتش
 ۸ مدت عرش سنه ۴۳ یاخود سنه ۴۸ وفاتش در ادرنه فی سنه ۸۴۲ پدری زماننده اما سیه و وفات یکی
 اولوب سکر یوز درنده تیمور محاربه سی انهم زماننده برادر لری طاعلوب بودخی سنجاغنه کیدوب بر ییله دل
 بش الی عظیم خار جیلرله محکم صواشوب غالب کدیکي بعده اون بر ییله دل ایک اوج برادر لری یله فصل
 جنگلر ایدوب عاقبت منصور و مظفر اولد بونی یوقار و ده تفصیل اولغشدر نظر اولانه (فصل در اولاد
 و وزرای مرحوم پادشاه) اولاد اولدی بونلدر که (۱) سلطان مراد خان (۲) سلطان محمود (۳) سلطان
 یوسف بویاکیستک کوزلر نه قیز مش میل چکیلوب بیده طاعوندن وفات ایتدیلر فی سنه سکر یوز بکرمی سکر
 (۴) کوچک سلطان مصطفی بونی برادری سلطان مراد قتل ایتدی فی سنه سکر یوز بکرمی الی (۵) سلطان
 احمد * ثانی وزیرای بونلدر که (۱) حاجی عوض پاشا (۲) بایزید پاشا (۳) ابراهیم پاشا ابن علی پاشا (فصل)
 مرحومک زمان استقلال سلطنتده فتح اوشان قلعه روولایتلر بونلدر که (۱) قلعه اسکلب و قلعه سوری
 حصار و قلعه قیرشهری و قلعه سکار و قلعه آقشهر و قلعه یکیشهر و قلعه سیدی شهری و قلعه اوغادی
 و قلعه اولق حصار و ولایت سعید ایل و قلعه قسطنطونی و قلعه جانیک و بناء قلعه برکوکی در کنار نهر قونا
 در روم ایل و قلعه سوران و قلعه طوسی در اناطولی و قلعه کانقری و ناحیه باقر کوره سی و قلعه قله جنگ
 و سامسون دیکله مسیحی ایک قلعه و قلعه هرکه و قلعه اسکی ککبوزه و قلعه طاروجی (فصل در کیفیت
 فتح و ضبط بلاد مزبوره و وقایع زمان استقلال سلطنت) مرحوم پادشاهک سکر یوزاون التیده شریک
 و منازعی قائمده روم ایلنده سد ثغور و نظم امور و جهور ایدوب ادرنه یه کلوب اناطولیده قرمان اوغلی
 سلطانک برادر یله جنگی ایامنده فرصت در یوکلوب بروسه بی محاصره و نواحیسن غارت و اوتوز بش کونه دل
 جنگ ایدوب موسی چلبینک جنازه سی کتورلد کده پادشاهک نصرت و استقلالن یلوب خوفندن قاجدی
 و ناهر دلک ایل یوزی صوبین بره صاجدی (لطیفه) مزبور لخر من طنائی دیرلر قدیمی ندیی بر مضحکی اولوب
 حموز کسته اولغین سر عتله کتسکن عاجز قالوب آخام عثمان اوغلینک اولوسدن بویه قاجرسن دیرسی کلش
 اواسه نیلرلد کده قرمان اوغلی غایت عار چکوب مسکینی بردار ایتدی (قصه) سابقا شهمزاده امیر
 سلیمانک حال حیاتنده استانبول تکرورینه رهن کوندردیکی یاخود وفاتند نصکره قاجوب واران اوغلی
 پادشاه برادری موسی چلبی ایله جنگه مقید ایکن نوابعلیه کیدوب قرن آباده واروقده یانته بعض اقتضای جمع
 اولوب پدری تختی الماغه یا توبلی طرفنه کتد کده پادشاه اول طرفه واروب اقتضای طاعلوب مزبور شهمزاده بی
 لالاسی کتورد کده قرمان سلطانله کوزینه میل چکدرلوب بروسه یه کوندربول بعده پادشاه بروسه یه
 واروقده کا و افرا حساند ایدوب بر معمور قریه تملیک و همشیره سن برنامدار سنجاق بکه تزویج ایدوب
 ایکسینه دخی دایما احسانلر ایدردی (امور) سکر یوزاون بیدده پادشاه قرمان اوغلیندن انتقام المغه
 تدارک کوروب اطرافه نامه ل کوندرد کده قسطنطونی حاکی اسفندیار یک عسکر یله کند و اوغلی معاونه
 کوندروب کریمیان اوغلی یعقوب یک دخی بول اوزرنده وافر ذخیره کتوروب بعده پادشاه آقشهری آندن
 بکشم برین وسیدی شهرین و اولق حصارین و سعیدایان فتح ایدوب بیده قونیه بی محاصره ایدوب اول ایامده
 عظیم یغمورلر یاغوب سیل بر ویل مدود الذیل اردودن خیلی حشم و خیل الوب قرمان اوغلی صلحه تضرع
 ایتکین پادشاه کچوب کیدوب قره دکر ستمنده جانیک قلعه سن فتح ایتدی (تدبیر) سکر یوزاون سکرزده
 پادشاه جمجه قرمان اوغلینه بیحضور اغندن انکوری یه کاد کده خسته اولوب اطباء علاجلر ایدوب لکن
 شفا بولماغین کریمیان اوغلی باندده اولان خسرو شیرین مؤلفی شیخی نام بر شاعر فائق و طیب حاذق
 کتورد یلوب پادشاهک بنضن کوروب ملاحظه ایتد کده بوجالته استماع اخبار مسمردن انتع علاج اولر
 دیمکین اناطولی بکار بیکدی بایزید پاشا عسکرله کوندربول اودخی غایت مدبر اولوب قرمان اوغلیله قدیدن
 دوست اولغین پادشاه حنی دین غایت زبوندر کدر که ایلله بوطرفه توجه و صلح ایچون پادشاهه ایچلی
 کوندره سکر عاجز اولغین یوق دیمز بعده همت مقدرا یسه آسان وجهله سلطنتن الورس صحت مقدرا یسه خود
 صلح مقرر دیرد یو خبر کوندرمکین اودخی پادشاهی جاسوسله یوقلاوب مرضی مقرر اولد کده ایناوب جان اتوب

کاورکن باثاقمانیلری بر کجه باصوب قرمان اوغلی محمد بکی و اوغلی مصطفای طوبوب پادشاه خبر کاد کده
 فی الحال شفا بولوب منلا شیخی به کلی احسانلر ایدوب کر میانه کوندروب بعده پاشا اسیر لری کتورد کده
 عظیم احسانلر ایدوب ووزارتله روم ایلی بکتر بکیمکنی و یروب سلطان عطا کوش خطا پوش قرمان اوغلنه
 دخی خلعتلر کیدروب و اونا قیاده بر عالی چادر قوریلوب طعام تعیین اولوب بر کون چاغروب نیچون دایما
 خیافت ایدرسن دیوب اودخی (محرره) توبه و پیمان و ایمان ایتمکین * عفو ایدوب آزاد و باز ایلدی
 (نثر) قرمان اوغلی کتد کده بولده چایرده پادشاهک خاص آتیرن کوروب چکوب الو بزم عثمانیلرله عداوت
 قیامته دکدر دیوب کتدی * تاریخ منلا ادر یسده پاشانک قرمان اوغلی ناز افته طوبوبی پادشاه سابقه قونیه به
 وارد قده قرمان اوغلیله صفر باغلیوب صواشوب قرمان اوغلی عسکری صیغه قده اوغلی مصطفای حصار
 حفظنه قوبوب کتد و طاش ایلمنه قاجوب پادشاه قونیه بی محاصره ده ایکن خسته اولد قده واقع اولوب پادشاه
 انی آزاد ایتد کده حصار کارنه واروب اوغلی وعده عفو له پادشاه کتوروب عهد و پیمان و ایمانله تکرار آزاد
 اولد بیلدیومذ کورد (امور) سکر یوزاون طقوزده افلاق خراج ویرما مکین پادشاه عسکر جمع ایدوب
 روم ایلمنه کجوب نونا کارنده بر کوکی نام بر قلعه بنا و ساختی و یکساله نام قلعه لری تعمیر ایتدردی و اقیحیلر افلاق
 و لایق غارت ایدوب وافر مال و اسیر کتورد بیلر افلاق حاکی اوج یللاق خراج کوندروب مطیع اولغین پادشاه
 ولایت انکر و سه کیدوب سوران قلعه سن فتح ایدوب قرال اوج عدد نامدار بکر زاده بی رهن کوندروب صلح
 رجا ایتمکین (نظم) چودشمن بجز اندر آورد سر * نباید که برخاش جویی دکر * مفعول منجه پادشاه
 ادرنه به کلوب بوییلده پادشاه آتدن دوشوب نیچه کونلر عظیم الم چکدی * بنه بوییلده پادشاه قسطمونی حاکی
 اسقند باردن بعض قلعه لر ایستیمکین طوسی و کاکتوری و قلعه جک حصار لرین ویردی (امور) سابقا پادشاه
 شهر زاده مراد خانه اما سیه سنجاعن و یروب سکر یوز بکر می برده ارمینیه کبراده نیچه قتنه اولغین اطرافده
 اولان امرایه شهر زاده درنک امرایندی * بوییلده اما سیه و توقات حدوددن قسطمونی و بروسه حدودنه
 کتجه عظیم زلزله لر اولوب او شهر لرک خلقی اوج آیه دلته صحراره چادر لرله او تورد بیلر کز اولان قتنه لردن
 بری بویایدیکه سابقا بنجوردن قاجوب بیلدرم خانه کلوب سبب عداوت اولان قره قوی بیلوبکی قره یوسف که
 صکره عمالک آذربایجان و عراقه تدویرجه مستولی و مستقل والی اولوب دیار بکر حاکی قره عثمانله ارزنجان
 و بایورد بکلکچون دایما تراعه ایدی عاقبت ارزنجان والی الوب پیرهره و یروب عمر دخی عسکر چکوب
 قره حصار شرقی بی محاصره ایدوب آنک صاحبی ملک احمد اوغلی حسن بک شاه زاده به قدیمدن عبودیتی
 اولغین عمر دن شکایت ایتمدی * بویا آمده الب ارسلان اوغلی حسن بک جنید بکی اولدروب جانکی الدی
 اسقند باریک دخی سامسونی و باوره بی الو ب اوغلی خضر بکه ویردی * اشبو قصه لری پادشاه ایستد کده سنه
 سکر یوز بکر می ایکیده عسکر جمع ایدوب واروب قتنه لسا کن اولدی * بعده قلعه سامسون مقدم محاصره
 اولوب صکره پادشاه وارد قده خضر بک کلوب قلعه بی ویردی * اشبو آمده ولایت جانیک دخی فتح و ضبط
 اولندی پادشاه بروسه به کاورکن اسکلیده بر صحراده نیچه بیک خانه تانار کوروب صوروب منت بک آدلو
 بر تانار بکنک قبائی اولوب سردار لری صفار اوغلینک دو کوئی جمعیتی اولغین رکاب همایونه یوز سوره مدی
 دید کارنده پادشاه بونلرکله ظهورندن قورقوب روم ایلمنه قلبه اطرافنه کوچروب حالا او محله قونش دیر لر
 بونلر معمور ایدوب منت بک اوغلی محمد بک بر عمارت و خان و بهض خیر بنا لرایندی (امور) سنه مزبوره ده
 پادشاه بروسه جامع و مدرسه و عمارت و تربیه بناسنه بشلدوب اکاوقف ایتمک ایچون بر سردار کوندروب
 استانبول قریبده هر که قلعه سنه وارد قده کافر لری قاجغین ضبط ایدوب بعده اسکی ککبوزه به واروب
 خیلی محاصره ایدوب عاقبت یغما ایلد فتح اولوب اونا حیدر طاروچی نام حصاری کافر لری اطاعت و عهدله
 و یروب اکا قریب بندیک و قرتال و بعض قریه لر دخی النوب پادشاهک بنالری نه وقف اولندی (امور)
 تفصیل حالی مر حوم بیلدرم خان علماسنده بکن سما و نه اوغلی منلا بدرالدین محمود که موسی چلبینک قاضی
 عسکری اولوب آنک قتلنده آید بیلر اجه وظیفه ایلد از نیقه سور لشدی * فاضل کامل و اهل ارشاد اولغین
 انبای جوغلوب قاضی عسکر ایکن کتخدای اولان بوز کوجه مصطفای خلیفه ایدوب آیدین ایلمنه

کوندرد کده تیره و آیدین خلقینک تیره کو کالین آیدین ایتمک صورتنده مذهب الحاد و مشرب فساد ایلد انلری
 تسخیر ایدوب اوج بیکدن زیاده سوار و پیاده ایدروب خارجی اولدیغنی شیخ ایستیدوب پادشاه خرقیدن
 قره دگره اندن کی ایلد افلاقه قاجوب افلاق حاکی اکا بیه حساب اسباب ویردی * بواننده پادشاه سلا نیک فتحنه
 کتیمکین شهر زاده مراد خانه خبر کوندردیکه بوز کوجه نک اوزرینه واره اودخی وارد قده اون بیک یابش
 بیک نفر اشقیما ایلد محکم صواشوب عاقبت اکثری سردار لر یله مقتول و باقیلری قاجد بیلر روم ایلمنه مزبور
 شیخ بیکد احباب و اتباع جمع ایدوب سلسله به کلوب دلوارمان دید کاری برده طوروب اطرافده احبابنه
 نامه لر کوندروب پادشاه ایستد کده سلا نیک قهندن قتنه دفعی اهم و نه بی اعدردیو سیروزه کلوب بایرید
 پاشا بیلر کوندروب شیخنق و باغیلر صواشوب شیخ اورمانه کیزانوب بوز کوجه قتلنک خبری کاد کده
 شیخی بایلمنه اولان اشقیما پادشاه خوفدن طوبوب یاخود پاشا شیخه مریدانلق نامیلر بعض کسسنه لر
 کوندروب انلر ایلد طوتدروب کتورد کده پادشاه علمایی جمع ایدوب شیخی الزام ایتد کارنده ساعی بالف سادرد
 دیو قتلنه حکم اولغین سیروزده صلب اولندی (وفات پادشاه و تدبیر عظیم در اخفاء موت او) (محرره)
 مقرر بوجهان جای قنادر * مسیل اوزره یا پلش بر بنادر * کلان لاید * کوچراشوب و جهاندن *
 قونار یرینه بیری کار باندن * سنه سکر یوز بکر می درت جمادی الاولی سنده ادرنه ده پادشاه مرض اسهال دن
 وفات ایدوب اما سیه ده شهر زاده به خبر واروب کتجه قرق بر کونه دلوزرا میتی صافلیوب هر کون دیوان
 سوروب پادشاه از مر اوغلی اوزرینه کیده چکدر دیو بیکچری و سباهه وظیفه لرین و یروب اناطولی به کجوب
 بیغاده اناطولی بکتر بیکسی بایتمه کتیمکه بیوروب اطرافه امر لر کوندردیلر * سلسله دار لر بلوکی پادشاهی البته
 کورمه دیوب ووزاد فقه چالشوب چاره اولد قده اوکون مهلت الو ب بر طبیب لیب تدبیر یله میتنه قفتان
 و دابند کیدروب پادشاهی هوا انجمنک هم سیه اوطه بی قرا کوا یتیمکچون درو دیوار لرینه برده لرا صوب
 میتی یصد قلعه طیاروب اللری حرکت ایتد مکچون بر صنعتله ادرنه آدم قویوب بعده پادشاه بایلمنه هنر کامه
 اولسون دیو سباهیلرکله همان برقاج بلوکلر باشیلرین ایچرو قود قلعه طیب قارشو کلوب دلبدن بره چالوب
 وزیر اعظمه پاشا دادر فساد سنک الکندن بپادشاهه علاجه چالشوب سن انی حرکت ایتد مکله زبون ایدور سن
 دیو عر بده ایدوب میتنک دخی ادرنده اولان کسنه النی و بعض اعضا سنی تحریک ایتمکین ال اوچکه کیرنلر
 غام بقمیموب شاشوب پادشاهه دعا ایدوب چیقوب کوردلک حیاتده در لکن خسته انجی دیو خبر ویرد کارنده
 سائر سباهیلر یا نوب شهر زاده نک اما سیه دن بروسه به کادو کئی وزرا ایستد کده میتی تخت و تانله بروسه به
 کوندروب بر قوناق قالد قده شهر زاده و اهل شهر قارشو واروب اغلشهرق کتوروب وفاتنک قرق ایکنی
 کوتنده دفن و روحیچون خیرات ایتدیلر (فصل در خیرات پادشاه) بروسه ده آق مر مردن مصنع
 و ایچرو بی اتونلو و نقشلو و ثلث خطله و افرایت کریمه لر یا زیلو بنظیر کاشیلر مانند مر صعب بر جامع و مدرسه
 و تربیه و عمارت باعشد که جامعی یشل جامع و مدرسه سی سلطانیه دیمکله مشهور اولوب دیار بجمعه برداشتمند
 حددن زیاده شغل ایتمه بروسه سلطانیه سنه دانشمندی اولوق ایسترسن دینوب ضرب مثل و معلوم اهل ملل
 اولشدی * هر مدرس بکی اولد قجه برر عظیم درس عام ایدوب پادشاهانه ضیافت اولوق شرط ایدوب الی الان
 انکله عمل اولنور * و قصبه مرز یقوننده دخی ایکی حمام یا یوب جلله اوقافی محصولندن هر سنه مکدومدینه
 مجاور لرینه صره دید کاری صدقه کوندربلک شرط ایدوب یوعادت باعثة السعادة سلاطین رومده ابتدائونک
 ایجادیدر * حیانتده دخی حرمینه وافر صدقه لر کوندروب و دایما علما و اراذل و یتیمه احسانلر و رعایا به شفقت
 فراوانلر خصوصاً هر جمعه کوئی فقرایه تقسیم طعاملر و مستحققره صدقه و انعاملر ایدردی (نظم) رحمت
 اول سلطان عالی همته * کیم مدار اولدی نظام امته * دوات عثمانی تجدید ایلدی * عدل بنیانی تمهید
 ایلدی * ملک رومه ویردی رونق له نظام * طاب مشوا الی یوم القیام (فصل) مر حومک زماننده اولان
 کاره شاهیر علمابونلر ایدیکه (۱) مولانا خیر الدین العجمی نیچه علمادن بده سید شریف حضرت تارندن اوقیوب
 رومه کاد کده سلطان مدرسه سنک مدرسی محمد شاه فناری به معید بعده بعض مدارس مدرس اولوب سلطان
 مراد زماننده یومی او تونلر اجه وظیفه ایلد مفتی اولوب پادشاه زیاده ایتمک دیلد کده بیت المالدن قدر کفایتدن

زیاده المتی حلال دکلدر قبول اتدی اجراء حقه سیف مسلول صارم و ماصدق (لا یخاف فی الله لومة لائم)
 ایدی شقایقه بر عظیم قصه سی مذکور در خواجه زاده بوندن کتاب صحیح بخاری او قوشمدر فقهده مشتمل
 الاحکام ادلور طیف کتاب یازمشرادر نه ده وفات اتدی (۲) صاری یعقوب قرمانی فاضل متبحر و صلاح
 متصف و مشهور اولوب بعض تألیفاتی وارد رجحه واروب مصر علماسیله بحث اتدی واقعه سنده حضرت
 رسولی کوروب یار رسول الله (لحوم العلماء مسمومه فن شها مرض ومن اكله مات) دیوسزدن منقولدر
 بویه میدردید کده رسول صلی الله علیه وسلم (یا یعقوب قل لحوم العلماء مسموم) دیوسر مشر (۳) قره یعقوب
 فرمانده نیکده دندر علوم جلیله فی تحصیل و تکمیل ایدوب مصابحه شرح و هدایه حاشیه یازوب مصر
 و شامه دخی وارمشر (۴) صوفی یازید فاضل کامل و عارف عاقل اولغین یلدرم یازیدخان بونی شهزاده
 سلطان محمد خواجه ایدوب سنجاعه یله کیدوب بعده شهزاده بونی تیمورلنک کوتاهیمه دهن ایکن ایلچیلک
 کوندر مشدی (۵) فضل الله عالم عامل و فقیه کامل اولوب سلطان محمد زماننده ککبوزه قاضیسی ایدی (۶)
 محمد بن سلیمان که متن کافی در سنده مداوم اولغین محی الدین کافی جی دیکله مشهور ایدی ولایت قرمانی ده
 برغمه شهر ندر رومده تحصیل ایدوب بعده عجم و تاتاره کیدوب بکار علما روم و غیریدن ملاقاری و ابن ملان
 و یزازی و نیچه لردن اوقیوب تقلیدانده بحر محیط زخار و ابر برادر در بار اولدی بعده مصره واروب شیخ
 جلال الدین سیموطی بوندن اون دورت ییل اوقیوب علم و فضل و صلاح و اوصاف حددن بیرون مدح ایدوب
 مختصرات و رسا بلدن بحد مؤلفاتی و ار ایدی سکر یوز یش طقوزده طقسان بریاشنده مصره وفات اتدی
 (فصل) مرحوم پادشاه زماننده اولان بکار مشاهیر مشایخ بونلر ایدیکه (۱) شیخ عبداللطیف قدسی اهل ولایت
 صاحب کرامت عزیزی ایدی اولادس شریفه تحصیل و تکمیل علوم ایدوب بعده عجمه کیدوب شیخ زین الدین
 خانی حضر تیزدن تکمیل طریق ایدوب ارشاده اجازه بروسه به کوب انده وفات اتدی (۲) شیخ عبد
 الرحیم مزین بونی مصره کیدوب آنده شیخ زین الدین خانی به بوشوب تکمیل طریق ایدوب ارشاده اجازه
 وطنه کوب آنده وفات ایدوب حددن بیرون کراماتی ظهورا یشدی عاشقانه الهی اشعاری وارد (۳)
 شیخ پیر الیاس امامیه نواحیه سندن در زمانندن فضله مشهور علمادن اولوب تیمور رومه کلد کده آنک
 ابرامیه شیره وانه کیدوب بعض مشایخدن تکمیل طریق ایدوب خیلی مدت نصرکه اجازه صله سته کوب
 شیخ وفاتن ایشد کده ارشاده بوشوب بعد زمان وفات ایشد کده مبعثی تشریفه سیله بر صفا اوزرینه
 قویوب اگری اولغله تخته دخی اکلد کده میت تخته بی الیه یا بوشوب طوتدیغنی بعض خلق کوردیلر (۴)
 شیخ زکریای خلوقی پیر الیاس مریدلر ندر روم بروفاتده مریدلری قائم مقام کیم اولور اوله دیو خلوندره ایکن
 مزبور زکریا به اولغله اشارت الهیه اولغین بو کایعت اتدی بدمعارف عظیمه و مجاهده اهل عزیزی ایدی (۵)
 شیخ عبدالرحمان جللی ابن ملا حسام الدین کوشلور اوغلی دیرلردی والده سی پیر الیاس قیزی کندوسی شیخ
 زکریا مریدی اولوب آنک برینه کچد علم تعبیرده ماهر اولوب عاشقانه الهی اشعاری وارد در مخلص
 حسامی ایدی (۶) شیخ شجاع الدین قرمانی شیخ حامد قیصریدن تکمیل طریق ایدوب عارف بالله ایدی
 (۷) شیخ مظفر الدین لارنده وی بودخی شیخ حامد یاننده اهل مقامات و کرامات اولدی (۸) شیخ ابنجه بدر الدین
 شیخ حاجی بیرام حضر تیزینه مقارنتله مقامات علیه و کرامات سنییه ایرشدی (۹) شیخ قزل بدر الدین
 بودخی حاجی بیرامه مقارنتله مقامات و کراماته ایرشدی (۱۰) شیخ بابا دمور انقروی بودخی حاجی بیرامه
 مقارنتله واصلیندن اولدی (۱۱) شیخ صلاح الدین بولوی بودخی حاجی بیرامه مقارنتله واصلین و مرشدیندن
 اولدی (۱۲) شیخ مصطفی الدین خلیفه بودخی حاجی بیرامه مقارنتله واصلین و مرشدیندن اولدی (۱۳) شیخ
 عمر دده بروسوی بودخی حاجی بیرامه مقارنتله واصلیندن اولدی (۱۴) شیخ طاف الله اسفندیاریک نسلندن
 اولوب امرادن ایکن حاجی بیرامه مقارنتله واصلیندن اولوب حضرت شیخ بونی بالی کسریده خلیفه نصب
 اتدی (نظم) بونلر اولدی مقتدای اهل دین * رحمة الله علیهم اجمعین

(باب سادس در احوال سلطان مراد خان ثانی ابن سلطان محمد خان علیه الرحمة والغفران)
 (نظم) خسرو غازی معزالاوله صاحب عدل و داد * آفتاب اوج برج سلطنت سلطان مراد (نثر)

ولادتش فی سنه ۸۰۶ جلوسش فی سنه ۸۲۴ مدت سلطنتش در وقعه اولی سنه ۲۳ مدت فراغتش سنه ۱
 مدت سلطنتش در دفعه ثانیه سنه ۷ عمرش سنه ۴۹ وفاتش در ادرنه فی سنه ۸۵۵ اون سکر یاشنده
 تخته کجوب بکرمی اوج ییلدن نصرکه اون ایکی یاشنده اولان اوغلی سلطان محمد حسن اختیار یله فراغت ایدوب
 بر ییلدن نصرکه پادشاه براو غلا تخته در دیو جمع کفار حرکت ایتمکین شهزاده بدری کتور دوب کفار یله جنگ
 و غلبه دن نصرکه شهزاده رضاسیله تخته کجور یلوب یدی ییلدن نصرکه مرض صداعدن وفات اتدی (فصل)
 در ذکر شهزادگان و وزرا و بکر بکیان) اولا شهزاده لری بونلر در که (۱) سلطان علاء الدین سکر یوز
 قرق اوجده ایکنی برادری سلطان محمد ایله یله سنت اولوب بعده امامیه سنجانی ویر یلوب آنده ایکن سکر
 یوز قرق اتدی پادشاه قرمان اوغلینک اوزرینه عسکر چکد کده امر پادشاهله بودخی سنجاغدن عسکره
 کوب سفر آخرنده اجازه سنجاغنه وارد قده بنه یو ییلده وفات اتدی (۲) سلطان محمد خاندن که پادشاه
 اولغین احوالی اشاعیده کور (۳) سلطان احمد امامیه ده وفات ایدوب میتی بروسه به کتورلدی (۴) سلطان
 حسن (۵) سلطان اورخان بوا یکسی ادرنه ده سنجاعه حقیقمدین وفات اتدی (۶) کوجک احمد پدری
 وفاتنده دخی سر ایده اولغین بو غدر لوب پدری تا بونلر بروسه به کوندر یلوب آنده دفن اولندیلر (ثانیاً) وزرا
 و بکر بکیلری بونلر ایدیکه (۱) وزیر اعظم ابراهیم پاشا ابن علی پاشا ابن خلیل پاشا پدری و جدی دخی سابقا
 آل عثمانه وزیر اعظم ایدیلر و وزیر ثانی حاجی عوض پاشا خیانت تمهیله قتل اولغند و وزیر یازید پاشا
 دوزمه جه مصطفی بونی تمید ایدی و وزیر اسحاق پاشا و وزیر صار و جه پاشا و وزیر خادم شهاب الدین پاشا
 و وزیر امور پاشا اولد تیمور تاش بعده عزل اولوب اناتولی بکر بکیلکی ویرلدی بجای جزه بک وزیر
 اورج پاشا اولد تیمور تاش بعده اناتولی بکر بکیلکی ویرلدی بجای قرجه پاشا و وزیر علی پاشا اولد تیمور تاش
 بعده عزل اولوب صار و خان سنجانی ویرلدی و سان پاشا میر میران روم ایلی و قرجه پاشا میر میران اناتولی
 ورنه غزاسنده شهید اولدی و جزه بک میر میران اناتولی بجای اورج پاشا و وزیر اعظم خلیل پاشا ولد
 ابراهیم پاشا پدری وفاتنده قاضی عسکر ایکن برینه کجورلدی و قوله شاهین پاشا میر میران روم ایلی و قاضی پاشا
 میر میران روم ایلی و داد پاشا میر میران روم ایلی و زغنوس پاشا و بکر بکی اوزغور اوغلی (فصل)
 مرحومک زماننده فتح و ضبط اولسان قلعه و ولا یتر بونلر در روم اناتولیده ضبط ولایت منشأ و فتح ولایت
 از میر و فتح ولایت آیدین ایلی و فتح ولایت صارخان و فتح ولایت حمدا ایلی ککرتوار بجنده بوا و فتح ولایت
 یازلیوب بعضنده یازلمشدر و فتح قلعه الاجه حصار که پای تخت مملکت لاس در ولایت روم ایلی و قلعه
 قوجه قیاسی در اناتولی و ولایت جانبک و ضبط ولایت کرمان در اناتولی و فتح ولایت جان اوامی و قلعه
 ککرت و کجنگ در ولایت لاس و دخی نیجه قلاع و قلعه آینه و قلعه سلانیک در روم ایلی و قلعه آقشهر
 و قلعه قونیه و قلعه بکشهری در اناتولی و قلعه نوارده در روم ایلی و قلعه سمندر و قلعه کرمه موره
 و سائر قلاع جزیره موره و قلعه الجح حصار و قلعه قوجا جی در ولایت ارناود و قلعه بالابادره (فصل)
 در کیفیت فتح و ضبط بلاد مزبوره و معظمت و قایع زمان سلطنت (تدبیر) اولا تخته کچد کده از میر
 اوغلی و بعض ملوک اطراف خیانتنه باشلغین هر برینه نوازشنامه ل و فاخر جامه ل کوندر دوب قسبه فی تسکین
 و اطفا آتش کین اتدی (امر عظیم) بنه سنه جلوسده سلانیکده برکسنه (نظم) مانحوایا جوق
 کشی بی شاه ایدر * فکر باطل آدمی کراه ایدر * مغمه و منجه تیمور محاربه سنده غائب اولان مصطفی جلای
 ابن یلدرم یازید خان بنم دیو دعوی استحقاق سلطنتله خروج ایدوب وافر اشقیبا ایدوب اورنوس
 اوغلری تابع اولوب سیروزه کوب اهل قلعه حصار ی تسلیم ایدوب از میر اوغلی جنید بک دخی نواده یله واروب
 وزیر اولدینی ایشد کده پادشاه یازید پاشای کوندر دوب اودخی روم ایلنه کجوب دوزمه جه مصطفانک ککرت
 عسکر بن ایشد کده بر حیل و تدبیر فکر یله قاجوب دوزمه به واروب اودخی بو کا وزارت ویروب بعده حیل
 ایچون کلدیکنی فراسده یلوب شهید اتدی * بعده جنید تدبیر یله روم ایلینک ییاسنی مسلم ایدوب بعضی
 بعضنه خرچلقچی ایدوب الیشراجه ویروب آنلره اشکنی دیو آد قومق احداث ایدوب و دخی حددن زیاده
 پیاده عزب جمع ایدوب روم ایلینک عموما قحیلر بن و آنلرک طوجه لرن یعنی بلوک باشیلر بن کتور دوب

بعد عسکره کلیب و ایدن کجوب میخالیج اواسنه قونوب پادشاه بونی ایشیدوب بویه بجد عسکر شقاثرله کلان
(لمرره) خصنه ارسلان کبی واریجی * نارطغیان مارچی اول خارجی * ایله مقابله مشکل اولغین
مغموم و شکسته دل اولوب حضرت امیرسلطان و اروب اول دخی دعا و نصرت آل عثمانی حقندن و چالیدوب
جانب غیب بی عیب مزیل الیبدن بشارتله اشارت اولغین پادشاهه قلی قوشادوب تقویت و تسلیت ایله
کوندردن کین اولوب ایدرماغنه و اروب کوروسن کسوب انده چادرلر قورلدی ابرهیم پاشا و عوض پاشا به الحاق
اولان امور و اوریج و علی نام وزیرله که تهور تاش اوغللر ننددر بونلر القاسیله سابقا قاتده حبس اولسان
میخال اوغلی محمد بکی روم ایلی بکری نه آشنادر دیوانلر نصیحت ایچون چاغردوب بوشانده دوزمه مصطفی تأثیر
دعای حضرت امیر ایله بلا سبب بونی قنایوب اوج کون اوج کجه دیکمیبوب زبون اولغین جنک ایدمیبوب
محمد بک کلوب ایرمق کازنده فارشوده کی روم ایلی بکری بیر ترک طورخان بیر کوملو اوغلی بیر اورنوس
اوغللری دیوچاغردوب کلد کازنده پادشاهلر طوررکن بریلانچی نکسته اویق ارکیمیدر نیچون بویه ایتدیکنر
دیوب نصیحتی تأثیر ایدردی * بعده دوزمه پادشاهه شیخون ایتدرمکیچون کور برینک یوقارو باشندن
بش ییک آتلو پیاده کوندروب پادشاهه خبر اولوب سابقا بکچی قونان بشبور بکچیریدن غیری ایکی ییک آتلو
کوندروب دوزمه عسکری کجه صودن کچد کده عثمانلر آنلر کین قیروب اکثرین طوقوب ایرتسی اردوده
باشچی دکاتنده ایکی عزب بر پشش باشه صاندلی بوحالده * عوض پاشا دوزمه به حیلل ایچون محبتنامه
کوندروب حقیقته پادشاهه بانده اولان بکریلر سکا خیانت ایدم جکر در غافل اولم دیو یازوب
تهور تاش اوغللری دخی جنید بک کاغد کوندروب سن مستقل پادشاه ایکن بر خاریجی وزارتته تنزل ایتمک
روامید پادشاه آنل بکریلر انصاف ایتدیله کفلان کجه شیخونه و اروب بکری آنی طوقوب آله ویره * پس
ایرکندن قاجوب پادشاهه تابع اولمسن * دیو یازمغین دوزمه ایله جنید حیرتده ایکن معهود اولان کجه ده
عوض پاشا عسکرله ایرمقدن کجوب طبل و سوراچالهرق وارد قده جنید بک آیدین ولایتته کیدوب
دوزمه دخی بر قاج آتلاویه قاجوب کلیبولی به کجوب اولانجه کیلری قرایه چکدروب آلترین صقلیبوب
بو طرفده عوض پاشا دوزمه نک خزینه سن ضبط ایدوب بکاره استالالت ایدوب نهراوسنه کور و قوردروب
ایرتسی پادشاهه کجوب بکریلر کفن برکردن ایدوب اعتذار و استغفار ایتد کازنده عفو اولوب * بعده پادشاهه عیله ایله
دریا کازنه و اروب کی بولمقدن کلیبولیده برکسنه به برپوز کچ کسنه ایله مکتوب کوندروب عاقبت
برفرنگ کیسی بوانوب کیمچی ایله بش ییک التونه قول ایدوب کجه خفیه کیدوب پادشاهه اکاصغ و غنجه
عسکر قویوب فارشویه وارد قلدننده عصار بکچیلرله صواشوب بر قاج کی الوب کتوروب شاه و جله سپاه کجوب
دوزمه بونی ایشند کده ادرنه به قاجوب پادشاه آنل اردنجه کیدوب دوزمه قاجوب بعض شهر لر طولاشوب
اردنجه عسکر کیدوب عاقبت یاننده اولان سپاهیلرانی طوقوب تسلیم ایتمکین قید بنده کتوریلوب ادرنه
حصار نک برجنده صلب و وجودین عالمدن سلب ایتدیله (ع) همیشه دشمن عثمانیان اولمقهور *
بوقصه سکر یوز بکری بشده واقع اولدی (لمرره) مفلح اولز اهل افساد و فساد * دائمی محنت چکر بولز
مراد * خلق اراسته قتی مذموم اولور * عاقبت بولور جزا معدوم اولور (بغی برادر) پادشاه دوزمه
مصطفی دفعنه مشغول ایکن پادشاهلر کوجک برادری اولان مصطفی چلبی به حید بکی و گرمیان اوغلی
و قرمان اوغلی عسکر ویرمکین بروسه به کلوب شهر خلقی قلعه بی قبا یوب پادشاهه عصیان ایدم مز ز نیجه
مدت محاصره ایتمکین فتح ایدم من سز همان بر فحی آسان بره بیورل دیو یوز باره قاشله ایلیجی کوندرمکین
ازنیقه و اروب محاصره ایدوب پادشاه دوزمه ایله متفق ایدی دیو بکوره قاقیوب استانبولی محاصره ده ایکن
ایشیدوب ازنیق ضابطنه قلعه بی ویره سنکده بوشانده علی الغفله وارمق اوزره یم دیوب و مصطفی آنک لالایی
الیاس بکسنی اناطولی بکری بکسی ایدم هم دیو مکتوبلر کوندرمکین ضابطی قلعه بی امانده و اروب لالادخی
مصطفی شهرده عیش و عشرته و تدبیردن غفلته دوشوب ظاهرا دیوانلر سوروب منصبلر ایتیارلر و اروب
قرمیان و قرمان بکری لالانک مصطفی به خیانتن فراسته یلوب مصطفی الوب کتیکه ابرام ایدوب لکن
(نظم) قضا اول کند چشم خرد کور * پس آنکه بر خرد مند افکند زور * مغه و مخه مصطفی لعل و عسی

ایله صبح و مسا کجوروب پادشاه روم ایلی محافظه سنه ایکی سردار کوندروب کندوسی ازنیقه وارد قده
لالا الیاس مصطفی طوقوب کتورمکین بوغدریلوب بدی یاننده دفن اولمغه بروسه به کوندردلی فی سنه
سکر یوز بکری الی (قصه) وزیراچو غلغین پادشاهه امور پاشایی کرمان اوغلنه ایلیجی کوندروب اوریج
پاشا به بکری بکریلر و آنک برادری علی پاشا به صارخان سنجاغ و کندولامی یورکچ پاشا به امامیه سنجاغ
و اروب وزارتده همان ابراهیم و عوض قالدی (غلبه) پادشاه بروسه ده ایکن اسفندیار بک طراقلی
و بوری بی محاصره ایتدیکی ایشیدمکین پادشاهه یورب بولی به یا قلدننده اسفندیار عسکر بک نیجه لری آنک
اوغلی قامم قدیم پادشاه یاننده اولغین کلوب تابع اولوب پادشاه بولی به کلد کده اسفندیار حکم جنک ایدوب
عاقبت عسکری مغلوب و روی یوچهرلری مغلوب اولوب کندوسی دخی عثمانلردن بر شش بر ضرر یله مجروح
اولغین قاجوب سنوب قلعه سنه کیروب (ع) جراحتدن قولانغی صاغر اولدی * مملکتلری بک اکثری
عثمانلر ضبط ایتد کده اسفندیار پادشاهه اعتذار نامه ایله اوغلی مراد بکی کوندروب هر سفرده قادر اولدجه
معاونت و خدمت و قیزی پادشاهه تزویجه عهد ایتمکین (نظم) ایله نادمدن جنک عذرین قبول * دفعنه
سجی ایلیوب اولم ملول * مغه و مخه جرمی عفو ایدوب بروسه به کلد کده اعدا غز یله متمم اولان عوض
پاشا دیوانه جبهه ایله کلدوکی یوقلدنوب واقع چقد قده کوزلرینه قیزمش میل چکدرلدی (تسخیر) پادشاه
اسفندیار دفعنه مشغول ایکن افلاق بکی ممالک اسلامیه به تعرض ایتدوکی ایشند کده محافظه ده اولان
فیروز بک اطرافنده کی بکریلر افلاقه اقین ایتمک خبر کوندرمکین اندر دخی ایلمغاره و اروب وافر کافر قیروب
بعده پادشاه ادرنه طرفنه وارد یغنی افلاق بکی ایشیدوب وافر هدیه ایله کلوب ایکی ییللق خراجن تسلیم
ایدوب ایکی اوغلی دخی رهن ویردی و ایشیدوب ییلده که سنه سکر یوز بکری بدیدر ولایت ارنانده کافری دخی
طغیان ایتمکین اورنوس اوغلی عیسی بک غارتچون وافر عسکرله کوندردلی (سور) سکر یوز بکری
سکرده پادشاه بروسه به کلوب دوکون تدارکن کوروب مقدما نکاحلند یغی اسفندیار بک قیزی کتورمک
عسکر و بکریلرله خادملر و خانلر و کرمان اوغلی یعقوب بک خانقونی که پادشاه اکاشه انا دیو بک یجد تحف
و هدایا ایله کوندروب اسفندیار دخی بونلر عظیم رعایتلر عالی دوکون ایدوب بیجد جهار لره قیزی تختروانله
کوندروب کندو دخی وافر آدمیله قوشدی بروسه به کلد کده پادشاه کندونک اوج همشیره سگ بری
کندو یاننده اولان اسفندیار بک اوغلی قاسم بک بری اناطولی بکری بکسی قراجیه پاشا به بری ابرهیم پاشا اوغلی
محمود چلبی به و اروب جله سیچون بر عظیم دوکون ایدوب علما و مشایخه ضیافتلر و احسانلر و ساز و سوز و مرور
فر و انلر ایتدردی (نظم) همیشه در که عثمانیان چنین بادا * رشادی دل شان دشمنان حزین بادا (قصه)
ولایت منتشا کی یعقوب بک ابن منتشا وفات ایدوب الیاس و محمود نام اوغللری قلوب بعد زمان محمود
وفات ایدوب الیاس مستقل اولد قده او یس واجد نام اوغللری پادشاهه خلوص تا کیدمچون رهن
کوندروب * سکر یوز بکری طقوزده الیاس دخی وفات ایتد کده او یسله احمد پادشاهل رعایتله غیر قانع
و سلطنت آبا و اجداد لرینه طامع اولغین قاجق دیلد کازنده وفات قلعه سنه حبسه کوندریلوب منتشا بکلی
بلبان پاشا به ویرلدی او یس واجد ایکی ییلد نصکره بر حیلل ایله قاجوب احمد بک دیار بکریه بعده مصره بعده
بحمه کیدوب نابید ایدوب او یس قاجغه قادر اولوب حیرتله کز رکن طوتلوب دزدار لره ییلد قتل اولندی
(قصه) سکر یوز بکری طقوزده ولایت آیدین بکی بخشی بک پادشاهه خائن اولان از میر اوغلی جنید بکله
دائم صواشوب جنید روباه کید بخشی بک برادری حیلل ایله صیدوبی ترد و مطل قتل ایتد کده پادشاه اناطولی
بکری بکسی اوریج پاشایی اوزرینه کوندروب جنید قورقوب اسلی قلعه سنه کیروب پاشا اول اطرافلر
قریه لرین تیار او اشدروب دوند کده جنید تکرار فسادلر ایتمکین اوریج پاشا وفات ایدوب بر بنه اولان حمزه
پاشا دخی کوندرمکین صواشوب جنید اوغلی قورت حسن عثمانلر بک برقونی صیوب قورلر کن بقیه
عثمانیان جنیدی صیوب قلعه سنه قاجوب (نظم) قورت کیم صید ایچون همیشه یله * بالضروره
ویر یوغازی اله * مغه و مخه قورت حسن بقیه عثمانیه ضرر قصد یله طوتلدی (نظم) شجاعت نافع
اولز اولسه کردول آناری * شقاوت اهلانی انج ز خلاص اعوان و انصاری (نثر) بعده حسن قلعه یانته

ایالتوب پادشاه اطاعت تکلیف اولند قدده جنید عنادیدوب بر کون حصاردن قرق نفر دلور آنلوا ایله
علی الغضله جیقوب صفار یاروب قرمان اوغلنه معاونت طلبنه واروب پادشاه خوفندن یوز بولیوب
باسله دونوب کلوب نه صفار یاروب قلعه سه کپروب محاصره اوزاند قدده اهل قلعه هر وجهه مضایقه دن
خسته اولمغین بالضروره اما نه طشره حیده قدده بخشی بک برادر بک انتقامچون (محرره) دوشمنکدن
فرستی قوت ایله * نادم اولوب دوشمنه سن تاغمه * فهو منجه قورت حسنی صکره پدری قیون کبی
یوزاز لیب باشلری حصاره فارشودیکه کین اهل حصار قابوی اچوب قلعه بی تسلیم ایستیلر (قصه) افلاق
کافری سرحد امر اسندن پاشا بکی حبس ایستد و کین پادشاه ایشیدوب سکر یوزا ووز زده روم ایلنه کپروب قلبه به
کند کده تکه اوغلی عثمان چلبی قرمان اوغلی اتفاقیله ادالیه حصارنی محاصره ایستدیکین ایشیدوب روم ایلی
بک کربکی سی سان پاشایی لاس ولایتنه کوندروب پادشاه کندوسی قنغی جانبه وارمغه ضرورت زیاده اولورسه
اکا کتمکچون خبر ظهورنه توقف ایستد پاشا بک عسکرله واروب تختگاه ولایت لاس اولان الاجه
حصاری فتح وکلیسارین مسجد وجامع واکثر ولایت لاسی دار اسلام ایدوب امر پادشاهی ایله مزید بک اتانی
ضبطه سنجاق بکی کوندریلوب مزید دخی دمدم فتحلر اتمک اوزره اولدی * اوجانیده عثمان چلبی پادشاه
خوفندن قرمان اوغلنه واروب انک معاونتیه ولایت تکه دن عسکر جمع ایدوب ادالیه بی المغه عزم ایدوب
کلیکه یقلاشد قدده قرمان اوغلینک کلسنه قتلانوب بویامده خسته اولوب ادالیه بکی ایشیدوب ایلغارله بلولک
کوندرمکین واروب عثمانی قتل و همشیره سن اموال غنیمتله کتوردیلر (قصه) قرمان اوغلی محمد بک که
نیجه کره اله کلوب بعد قویور یاروب عثمانیانه خیانت وکلیک کتور دخی خالی دکلدی * حال دخی کلوب
ادالیه بی بدی ای بر طرفه اوج ای بر طرفه طوبر قوروب دوکوب محاصره اوزاند قدده (اذا حان اجل البعیر
حام حول البعیر) مفوم منجه برکون بر الاجه آتیه نوب حصارکله طرفندن یورش قابل ایکی دیو کزوب بقارکن
قلعه ده برطو بچی بونی نشانلیوب اند قدده طوب طاشی بونی آت اوستندن قابوب خرد خشخاش ایدوب
عسکری طاغلوب یولک اوغلی ابرهیم بک مینی آلوب ولایتنه قاجوب دیکر اوغلی علی بک حصاره کپروب
ادالیه بکی حزه بک طشره جیقوب الاجه آتی بوش کز کوروب قرمانلرک مالارنی الوپ اول طوب طاشی
عبرت ایچون زنجیرله قلعه قابوسنه اصدیلر (نظم) شغالی که کین بابلنک آورد * سرخویش راز بر سنک
آورد * چرا مر دعاقل ستر دچنان * که آخرشود عاجز از دشمنان (نثر) حزه بک علی بکی مال غنیمتله
پادشاه کوندروب اودخی بوکاتکه ایلی سنجاقن و مرصع قلم و مکمل رختله برآت کوندروب سابقا طوتلان
تکه اوغلی همشیره سن دخی نکاح اتمک یوردی * علی بک دخی وافر احسانلر و همشیره لرندن برخی وصفیه
سنجاقن وروب آخر عمر نه دل صفا ایله کچندی * اول جانبه ابراهیم بک پدرینک میتن قونیه به ایلتد کده
عیسی فخته کجش بولوب ایکسی نیجه دفعه مجادله و مقاتله ایدوب عاقبت ابراهیم برادری عیسی ایله
پادشاه کلوب بودخی هر برینه برهمشیره سن و عیسی بکه روم ایلنده سنجاق و ابراهیم قرمان سلطنتن
وروب قلم قوشادوب عسکر قوشوب عهد و پیمانله کوندروب وارد قدده عیسی الندن تختنی قورتاروب
پدری غصب ایستد وکی ولایت حیدر قلعه لر بن قلعه اوقاق ضمیمه سیله پادشاه ووردی (قصه) ترکاندن
قرل قوجه اوغلاری دیکله معروف درت حرای اما سیه و وفات اطرافنی غارت و قطع طریق ایدوب
حاملردن عورت دخی قبارلری * اما سیه بکی یورکچ پاشا مدبر کامل اولمغین پادشاه اغزند بونلر * شجاعتکیز
ایشیدوب حکمرانه احسانم ظهورنه سبب اولمغین یوردی بکه فتح ولایت جانبیک * بارش اولشان لالام
یورکچ پاشا ایله کیدوب خدمت آخرنده ارقق آباد سزه تیار و جای قرار اولسون دیوچاوشلر برامرو بر
قشنان بعض هدایا و کندودن دخی بشقه مکتوب و هدایا و ایلی کوندروب آنلر دخی نوله دیوب درتوزلکن
نفرز کان جمع ایدوب پاشا به وارد قدده دوشمنه حله ایدوب قلم اوشروب پادشاهدن عسکر کالجیه اول قلعه لر
ضبط ایله لم دیوسو یلشوب پاشا به کد کده فراسله ترکانلرک خیانتن اکلاوب اما سیه ده تمارض ایدوب
اوغلی خضر بکی قارشو کوندروب اما سیه به کد کارنده اعلا اولر و باعلری دخی سبها لورلر نه کوندروب
رعایتلر ایدوب هر کون خضر بک آنلر واروب یوزلر نه کلوب برکیجه جله سی مستانه اوپورلر کن من یور

پاشا قوجه اوغلاری بن قتل ایدوب یولداشلر بن دخی بغلیوب بر مغاره به قویوب ایچنه آتش یا قوب قبوسن
قباوب ایچر وده فوتشدن جله سی هلاک اولوب بغده پاشا ایلغارله ترکانلرک مسکنی اولان چورم لو صخره اسنه
واروب جله سن قیورب اهل و عیالاری اطرافه طاعارب دیانچیلک اینککه کتدیلمر * عسکر غایبده طویم اولوب
برقیون بر اچیه به صانلور اولدی بعد پاشا برتر کن کتورنه برخاعت دیو چاغرتغین بو طریقه له جوق کسنه
هلاک ایدوب بوندن صکره ولایت رومده ترکان بلورمدی (عبرت) برهفته دن صکره برخا تون نضر عیله
مغاره قبوسنی اچلوب اوغلنی یوقلا د قدده بر قاج آدم اتنده مویه قریب صاغ بولوب بیکناه اولمغین قدرت
حقله خلاص اولدی (قصه) ولایت اما سیه ده قوجه قیاسی حصارنک پادشاهی حیدر بک نام بیر
قلعه بی غایت صعب و بلند و کوره دماوند مائند اولوب ایچنه یوز ییلقی ذخیره قویوغین کسنه به سر فر وایتمیوب
قاسم آدلو عاقل اوغلنی کاهی تجسس احوال ایچون ملولک اطرافه کوندروب اوغلی ایدو کین ییلمدر میوب
غیری کسنه بی کوندرمکه اعادای یزدی * یورکچ پاشا بونی فتحه چاره فکر ایدوب عاجز قالد قدده حیدرک طیفور
چلبی نام مصاحبی پادشاهدن وعده احسانله تدبیرله ایدوب بعد ائک الیه ذخیره انبارنه آتش اوروب
یاند قدده حیدرک اوچانی سونوب شدت محمدن جانی کویوب پاشا ایلغارله وارد قدده حیدر ذخیره سزلکله
مضطر اولمغین قلعه بی تسام ایدوب پادشاه بونی ایستد کده حیدر او تراق اعلا تیار ووردی (قصه)
سکر یوز برده یورکچ پاشا ولایت جانبیک المی ایچون حاکمی اولان اب اسلان اوغلی حسین بک اوزرینه
عسکر جمعنه باشلیوب اودخی ایشیدوب بن عاصی دکام دیو اختیار یله کلوب بواشد قدده پاشا بونی زنجیرله
پادشاه کوندروب اهل و عیالنی اما سیه به کتوروب صقلیوب پادشاه حسینی بروسه ده حبس ایدوب
حسین بکچی بی باغلیوب ککندوسی حصاردن کتدایله انوب احضار اولمش آتیه نوب قاجوب ایکی
ییلدن صکره اختیار یله پادشاه ککلیز رعایت اوانوب روم ایلنده سنجاق ویریلوب اهل و عیالنی دخی
کتوردیلوب تسلیم اولندی (امور) اناطولی احوالی دوزلد کده سکر یوزا ووز برده پادشاه ادرنه به
واروب سرحد بکارندن اسحاق بکه وافر عسکرله لاس ولایتنه اقین امر ایدوب اوسنه کندوسی ادرنه ده
اوتوروب اشاغیده بیان اولنه جتی ارکنه کوپرو سن وقصیه سن پایدروب بواشاده کر میان اوغلی یعقوب بک
بیر محض اولمغین آخر عمر مدبر برکره پادشاهی کوره ییم دیو ککله استیذان ایدوب اذن اولمغین بروسه به کلوب
اهل بروسه امر پادشاه قارشو لوب تعظیله شهره کتوروب امیر سلطان بولشوب مزارات عثمانیانی زیارت
و علما و مشایخ و سادات و فقرا به اناملر ایدوب بعد ادرنه به کیدوب برقوناق قالد قدده امر پادشاه جله ارکان
وسپاه قارشو لوب بر سرایه قوندروب بحد سمط چکلوب ابرسی پادشاه رختیله برخاص آت کوندروب
زینت و شوکت ایله سرایه ایلدیلوب پادشاه ککی تعظیم ایدوب بعد بر قاج کون متعدد ضیافتلر و مصاحبتلر
ایدوب عاقبت کندویه و توابعنه احسانلر و خلعتلر و رعایتلر ایله ولایتنه کوندرلدی * بر ییلدن صکره وفات
ایستد کده وصیتنامه سی اوزره ولایتلری پادشاه ضبط ایدوب امور بک اوغلی عثمان چلبی به سنجاق ووردی
* بعده امر سلطان روم ایلی بکاری ولایت لاسه واروب بحد کافر قیورب وافر غنیمت الوپ ولایت جان اواسی
و قلعه کوکرجنلک و دخی بعض قلاع فتح و ضبط اولند قدده و باق اوغلی پادشاه ووزرایه وافر هدایا و نضر
نامه لر ایله بر حسنات قیزین دخی پادشاه ویرمک ایچون ایلی کوندروب صلح اولد قدده هر ییل خراج جمعنه آدملر
کوندریلور اولدی * نه بوسنه ولایت بوسنه به اختیار کوندرلوب اسیر کتوردی * نه بویاده وزیر اعظم
ابراهیم پاشا وفات ایدوب اوغلی خلیل پاشا قاضی عسکر ایکن وزیر اعظم اولدی (فتح) کفار فرنگ
دوغمای سلائیکه کلوب آنده کافر لطرشه جیقوب اول اطرافده اولان ممالک اسلامییه بی غارت ایستد کارین
پادشاه ایشیدوب سکر یوزا ووزایکیده اهتمام نام ایله عسکر جمع ایدوب واروب سلائیکی قره دن محاصره
ایدوب در یادن دخی دوککه کیدلر کتوروب لکن وندیک دوغمای مانع اولوب مدت محاصره قرق کون
اولد قدده زمهره عقلا غازیان فیلقن تقیل رجاسیله یورشه تمیل یورلر سه زمان قلیلده فتحی تحصیل اولوردی
دیکین شاه روشن را تلقین امر ایله یورد قدده عسکر نظراتر سی اوفرایله یور یوب حصاره علملر دیکوب فتح
میسر اولمغین اهل قلعه نک سرکشلری قتل و باقیلری اسیر اولوب مسلمانلر شاد و خرم و جددن بیرون مغتم

اولوب پادشاه شهری تعمیر و مساجد و جوامع را بنا کرد و در آنجا مسجدی بنا کرد که
 سلاطین و کبیران و عسکران در آنجا می نشستند و در آنجا مسجدی بنا کرد که
 اشوسنه ده لاس اوغلی مراد اولوب برین و یلیق اوغلی یکدی و بروسه ده عظیم طاعون اولوب حضرت امیر
 سلطان برروایتده منلاقاری دخی و پادشاهان برادران کوزلرینه میل چکیلان یوسف چلبی و محمود چلبی
 و امیر سلیمان اوغلی اورخان بک و کوزلرینه میل چکیلان وزیر معزول عوض پاشا و نیجه ایمان بوسنه ده
 وفات ایتدیلر (وقایع) تبریز پادشاهی قره قیونلو میرزا اسکندر بن قره یوسف کوزلرینه عجم شاهی
 شاه رخ میرزا ابن تیمور لنگ نیجه کره عسکر چکوب واروب لکن تیمور وفاتده نصره اولاد و احادی اراسته
 دوشن منازعات وقت اقتضای سید دویوب کیدردی سکر یوزا و یوزدرتده تکرار کوب مقابله ده اسکندر
 قاجوب و قاتنه کلدکه بهاره دلانده اولمغه اجازت ایچون پدرم جدیکزمر حومک تیمور شتردن آزاد لوسی
 ایدی دیو پادشاهه نامه کوند رملکن پادشاه دخی ا کافاخر خلعت و مرصع قلع و من رخنه لاله آترو نیجه تحفه ل
 کوندروب اوجا بیلرک حاکمی یورکیچ پاشایه دخی امر کوندردیکه میرزا نذ و اباعملک جمیع مهماتلرین کوروب
 کلی رعایتلرایده پس اول دخی بیک کیمیک ایکی بیک چیل و فو بره و سائر مهمات طوار و کوندوبه و توابعنه
 مستوفی ذخیره لرا حضار و تسلیم ایدوب بهار کلدکه شاه رخ اسکندر آرد نیجه کاه میوب و لایتلرین غارت
 و انواع خسارت ایدوب کیدوب بوطرفه اسکندرک فوابعی رعایای تلامغه باشلده قده پادشاه ایشیدوب
 اناطولی بکار بکین عسکرله کوندروب بیوردیکه بعدالتنبیه اسکندر کترسه راه ادباره اجبار ایدوب پس
 مقدما خبرلشوب اودخی محجوب اولغین قالقوب کیدوب لکن اوغره دقلری پرلری غارت ایدوب کلدیلر
 (نظم) مرید باصله اعتماد ایتمه بی و فایله اتحاد ایتمه بی خوی بد در طبیعتی که نشست بی و زود تا بوقت مرگ
 از دست بی سته مزبوره ده کسوف کلی حی یلدزلر کورینه جنگ قدر عظیم قرا کولق اولوب یینه ییلده
 قورقلی یلدز طوغوب واکثر بلادده عظیم خط اولدی بی بعض فواریخده کسوف کلی اوغوز التی سته سنده
 دیو یازلشدر مکر مکر راولش اوله (عنایت) سکر یوزا و یوز شده ادرنه ده پادشاه روم ایل بکار بکینسی
 ولایت ارناود غارتنه کوند رملکن واروب اقیق ایدوب وافر کافر قیروب بیحد اسیر و مالده دویوب کلدیلر
 (هزیت) برین است بحر برین را مدار بی کهی عیش و نوش و کهی نیش و خار (نثر) سکر یوزا و یوز
 التیده پادشاه انکر و سه سفر قصد ایدوب مقدما تجسس احوال ولایت ایچون اورنوس اوغلی علی بکی روم
 ایل عسکرله کوندروب وارد قده یغمایه و کوزل اسیرلر لوب وصول نعمایه مشغوللر ایکن قرال صاحب
 خلال مسلمانده هجوم و کینی قتل کینی اسیر ایدوب طمع خام ایلد کرفتار دام اولدیلر (نظم) غازی بیدر
 اوکیم چالنه مال و جاده ایچون غازی اودر که سعی ایدوب امراله ایچون (نصرت) اکروری که بینه دسبب
 الاسباب در کردری بکشاید مفتاح الالباب (نثر) سکر یوزا و یوز بیده خداوند کار خیر کار غلبه کفاردن
 عار چکوب بالذات سفر ایتکی مقرر ایتدکه فرمان اوغلی ابراهیم بک عهدی یوزوب جید ایل بکینی اسیر
 و اول ولایتی ضبط ایتدکن ایشتمکین ادرنه ده اوغوز قرا ایلد و یوز بویالده روم ایلنده ملول کفار اتفاقله
 هجوم ایدوب ابتدا کورک جینلک حصارنه وارمده درلر دیو ایشتمکین روم ایل بکار بکینسی سنان پاشایی
 محافظه حصاره کوندروب باقلده قده قرال ایل بیحد عسکرله قوشا غش دیو ایشتمکین کیجه ایلغارله
 کیدوب علی السحر یوزوب کافرل شاشوب کوجاری اوزلوب جهیتلری یوزلوب نیجه سی نه تو نایه غرق
 نیجه سی آتش تیغله حرق اولغین قرال برضلال هزار سعی ایلد و یوز بویالده روم ایلنده ملول کفار اتفاقله
 و مسرور مال غنیمت نامشور ایلد و یوز بیلر (تسخیر) پادشاه صاروجه پاشایی ادرنه محافظه سته قویوب
 فرمان اوغلی ابراهیم بکی نادیب ایچون بروسه به واروب عسکر جمیع ایدوب یوزوب فرمان اوغلی عیسی بک
 ذوالقدر اوغلی سلیمان بک قاضی برهان الدین اوغلی زین العابدین ییل اولوب آق شهره وارد بقی کون ضبط
 ایدوب بعده قویبه به واروب محاصره ایتدکه مفتاحی ویرلکین ضبط ایدوب بعده بکشر بر فتح ایدوب
 فرمان ایل ایلندن غیر یسن بالتمام تسخیر و ضبط ایدوب طاش ایلانی ایچون بالته جیلر وروب بهض
 صعب پرلری یقوب فرمان اوغلی خورده دوشوب علماء سندن برعارف کاملی بومفهومده نصره نامه ایل

کوندردیکه (نظم) صوبایرمن یوزلر کند و هر بالری بی اوهرم غصه به باقورمه عمان کرم بی
 خوار ایلد کیم عزتی سن و برمش ایدک بی لطفه که اوله پشیمان که بودر شان کرم بی نه کرم اوله که مغلوب
 ایدینه آتی کلاه بی نه کنه وار کز بون ایلیمه من آتی کرم بی طو قشم چونکه خیالت یوز نه عذر ایتکین بی عیب
 بوش اولسه بعد اولیه دامن کرم بی قول خطا قیسه نوله عفو شه نشاه قتی بی طوته لم ایکی الم قانده ایش
 قانی کرم (نثر) پادشاه دخی منلائک خاطر یچون عفو ایدوب الدیغی قلعه لری ویرمه و تکرار خیانت
 ایتما که عین ویرمک ایچون آدم قوشوب کندوسی ادرنه به واروب سابقا ارناود ولایتنه غارته کوندردیکه
 علی بک مال و اسیر کثیر ایلد منصور و مسرور کیش بولدی بی بوقصه لرسکز یوزا و یوز طوقه و زواخر خنده واقع
 اولدی (تزوج) لاس حاکمی و یلیق اوغلی پادشاه کندوبه انجمنوب اوزرینه عسکر کوندربک تدارکنده
 ایدوب کینی ایشیدوب مقدمه جاریه لکه عرض ایتدیکم قیزمک جهازی تمام اولدی دیو قبول یوزوب لوب الوب کیمکه
 آدم کوندربک رجاسته ایلدی کوندروب بعد التردد پادشاه ایکی خادم کوندروب اسحاق بکک خاتون روم
 ایلندن الوب ییلد واروب کینی کتورک دیوب وارد قلدنه و یلیق اوغلی قارشو کلوب سمندره ده عظیم دو کون
 و کاین ایچون کان آدم لره کلی رعایتلرایدوب بیحد جهازله کوندروب کلدکه پادشاه بکنوب لکن بر کافر قیزنه
 دو کون نه لازم دیو جمعیت ایتدوب بعد الاجتماع وافر متاع باغشلیوب بروسه به کوندروب آنده اولان
 خاتونلری اسفندیار بکک قیزی کتورتدی (غزا) سکر یوزا و یوز قده پادشاه انکر و سه ولایتنه اقیق ایتدکه
 اورنوس اوغلی علی بکی سردار ایدوب کوندروب وارد قده بلو کر سچوب هر طرفه صالوب قرق کونه دل
 ولایت انکر و سه کفر ما قوسی با مال ایدوب مسلمانلر عددندن زیاده اسیر و مال کثیرله کلوب پادشاهی تشویق
 ایتدکلر نه جمیع ممالک عثمانیه به امر ل کوندروب بیحد پیاده و سوار حضار ایتدکه قرق بر بهارنده ادرنه ده
 جامع جدید بناسنه باشلدوب علماء و مشایخ و فقرای ضیافت ایدوب بنایه پادشاه محض اواب ایچون کند و الیه
 دخی چالشوب بعده عسکر ظفر فرایله کیدوب فوناده کیلره یینوب کچوب لاس حاکمی و یلیق اوغلی و اندلاق
 حاکمی دراقولادخی امر پادشاه ایلد کلوب و یلیق اوغلی دلالتله انکر و سه ولایتنه واروب التی پاره حصارین
 الوب کافرلر صعب در بندلر دن یکیلور محکم قلعه لره کیروب قارشویه طور رکسینه اولماغین خصوصاً قیش
 کیمکین و مسلمانلر غارتدن پر غنیمت اولغین پادشاه دویوب بوله دراقول پادشاهی ولایتنه اوغراوب
 ضیافتلر و عظیم بیشکشلر چکوب بعده پادشاه ادرنه به کلدی (انتقام) ارناود حاکمی سابقا اسکندر نام
 بر جوان بک خرام نازل اندام اوغلو پادشاهه قول اولمغه کوندروب خدمت خاص مرتبه سته
 اختصاص بولان خدام عالیقامدن اولوب پدیری وفاتده پادشاه اسکندری پدیری برینه حاکم ایدوب
 کوندرومشدی (نظم) تقدیریت جروا طول دهری بی فلما مارکبا عض رجبی بی غرست الخل حتی
 صار شوکا کذلک الغرس فی غیر المحل بی معفو و منجه عصیان ایدوب اول کافر النعمه و مستحق النقمه ممالک
 محروسه به ال اوزاندیغی پادشاه ایشیدوب سکر یوز قرق ایکیده بر سردارله اوزرینه عسکر کوندروب ارناود
 ولایت غارتنه طاعلده قلدنه اسکندر در بندلری سد و بند و قصد کز ندایتدکه مسلمانلر عسکر اسکندر ستمکری
 کوروب الارنده اولان اسیرلری قتل ایدوب (نظم) جنگ کفاره ایتدیلر آهنگ بی قیلدیلر آنلرک مجمان
 تنک بی ایلدیلر سباه کفره هجوم بی سیفلر نازل اولدی همجور هجوم بی کرچه بیحد مجاهد اولدی شهید بی لیل
 کبری ز دست شان نر هید بی انتقام آلدیلر سکندر دن بی چوق قلاغ الدیلر اوکشوردن (غزا) سکر یوز قرق
 اوجده پادشاه انکر و سه سقر ایدوب بلغراده واروب محاصره ایدوب لکن غایت صعب اولوب فتحی میسر
 اولد قده انکر و سه ولایت غارتنه عسکر کوندروب وارد قلدنه بیحد مال و اسیر الوب اردوده بر جفت ایچادوکه
 بر جاریه و یوزالی ایچیه به محبوب اوغلان صاتلدی بعده کورکن کومش معدنی اولان فوایرده قلعه سنی فتح
 ایدوب عظیم غنیمتله کلوب بوغزاده اولان طو یلیق بر زمانده اولدی دیشلر بی بعده پادشاه اول طرفلرک
 بقایای قلاعنی تسخیره اسحاق بکک شهاب الدین پاشایی بعض عسکرله قویوب کندوسی ادرنه به کلدی (سور)
 یینه بوسنه پادشاه اوغلری سلطان علاء الدین ایلد سلطان محمدی سفت ایدوب عظیم جمعیت ایتدیلر وروب بوقتر ییلد
 کند و کر به سن دخی اسفندیار بک اوغلی قیابکه نکاح ایتدی (فتح) سمندره بک فتحی نیجه وجهه مناسب

اولمغین پادشاه جله عسکر بن جمع ایدوب لاس حاکی و یلق اوغلی و افلاق حاکی در ا قولاد عوت اولنوب و یلق ایکی اوغلی کوندر ووب کند و اقدام ایدوب در ا قولاد کند و سی ایکی اوغلیله کلوب اشبو کافر لک هر بری بر حصاره حیدر کوندر یلوب و پاشا اوغلی قراله قاجوب سکن یوز قرق در تده پادشاه سمندره به واروب طو بر قور ووب ایکی ای قلعه یی دو کوب کافر لاجز اولد قلزنده امانله تسلیم ایدوب قبل الفتح پادشاه حاجی امحاق بکی وافر عسکرله بولی حصارنی فتحه کوندر ووب واروب محاصره ایدو کارنده خارجدن اوزر لینه وافر کافر عسکری کلوب عظیم صواشلوب عاقبت کفار صینوب اکثری قتل و نیجه لری اسیر و مسلمانلر غنیمتله سیر اولدیلر * پس سمندره و ولایت لاس ضبط اولنوب قضات و حکام و محافل قور ووب دونلدی (نظم) چنین است رسم سرای سنج * که یی نوش باشد که یی دردور سنج (نثر) افلاق حاکن سابقا پادشاه حبس ایدو کده قرال افلاقه حاکم دیکوب پادشاه سمندره فتحه مشغول ایکن اول ملعون تواندن کجوب ممالک اسلامیه به تعدی ایتمکله تصدی ایدوب پادشاه ادرنه به کاد کده هنرید بکی وافر عسکر و آفخیلرله افلاق غارتنه کوندر ووب وارد قلزنده کفار طاعلوب قلعه لره و طاعلره صیغنون مسلمانلر غنیمت و کوشه کوشه عیش و عشرت مشغول ایکن قرال دن افلاقه یارد مجیلر کلکین قوتلنوب هر کنده پراکنده اولان مسلمانلر جمع اولدین بلولک بلولک کینی قتل کینی اسیر ایدوب آز کسنه قاجوب خلاص اولدیلر (هزیمت) پادشاه ایشیدوب الم کجوب مشاوره ایدو کده روم ایلی بکر بکیسی قوله شاهین پاشا با خود خادم شهاب الدین پاشا کتکه اجازت کلوب روم ایلی عسکرله وانا طوایدن التی سنجاق بکیله کیدوب وارد دده بودخی عیش و نوشه دوشوب قرال دن افلاقه تکرار یارد مجیلر کاد کده پاشا قورقوب او کجه اکثر عسکرله قاجوب بعض امر او کل خدا ایله طور ووب ایتسی صاحبان اخشامه دل عظیم صواشلوب کفار بیحد و شمار اولمغین مسلمانلر جله سی شهید اولدیلر (سفر) بوهزیمت لری قرمان اوغلی ایشیدوب ممالک عثمانیه یی غارت ایدو کتی پادشاه ایشیدوب روم ایلی عسکرله برومه به کجوب انا طولی عسکر بن جمع ایدوب اوغلی علاه الدینی دخی عسکرله امام سیه دن کتور ووب قرمانه کیدوب الی الان آل عثمانک کند و لرندن صادر اولمیان غارت ممالکی کمال غضبندن ارتکاب ایدوب قونیه به وارنجه ولایت قرمانی چکنیوب یقوب ابراهیم بک طاش ایلینه قاجوب پادشاهک همشیره سی اولان خاتونی و وزیر سرور بکی و علماسندن برنی وافر هدایایله پادشاه کوندر ووب پادشاه همشیره نک کوزی یاشنه ترحم ایدوب عفو ایتدی (هزیمت) ارباب فهموم قتلزنده محسومدر که دور فلکی کاه موافق مراد کاه مطابق آرزوی حساد اولور (نظم) زمانه به نیک و بد آیتن است * ستاره که یی دوست که دشمن است (نثر) ییاء علی هذا قرمان اوغلی قراله سزاوته دن بزورادن یور ووب عثمان اوغلی اور تادن کونوره لم تون روم ایلی سزل انا طولی دخی دریاه دل بزم اولسون دیو خبر کوندر ووب و یلق اوغلی دخی تخریک ایتمکین پادشاه قرمانه کتدی دیو قرال اوغلی و بکر بکیسی کوندر ووب لاجه حصار و شهر کو بی و نیشی باقوب یقوب خاقانی اسیر و ماللر بن یغما ایدوب ادرنه به عزیمتده ایکن پادشاه قرماندن دوش اولمغین عجله ایله روم ایلینه کجوب از لادی در بندنده کفاری قارشوایوب کفار بیحد و شمار اولمغین جکه بحال اوایوب قیش اولاری اولمغین در بندده و صالیو ووب طو لوب یولار قباوب با جارد وندیلر پادشاه روم ایلی بکر بکیسی قاسم پاشای و بولی بکی محمود جلای یی که وزیر اعظم برادری و پادشاهک انشته سی ایدی بهض بکر ووب سادر لره کفار لک ادرنجه کوندر ووب وارد قلزنده کفار لک بعضی بوصوده اولمغین نیش در بندنده مسلمانلری اور تابه الوب بیحدیم ادر لری شهید و نیجه نامدار لری و محمود جلای یی دخی اسیر ایدوب ولایت لینه کتدی بلر قانردن غایت آز کسنه قور ووب کادی * و یلق اوغلی اوغلارم حبسدن قور ووب یور ووب سمندره سنجاقی اولکی کبی بکا و بریلور سه جان و دله مطیع اولورم دیوهدایایله ایلی کوندر ووب پادشاهک همشیره سی دخی زوجیچون ماتم و فغان ایتمکین محبوب سارا زاد و صلحه رضایور یلوب محمود جلای دخی کافردن کتور لری * بعضی قور ووبده انزام مسلمان پادشاه کند و وارمزدن قدم ایدی سبی بواید بکه طور خان بک روم ایلی آفخیلر نه شهید بلک اسلامده قوت و ار کفاری برا و غوردن هلاک اید رسکنز صکره سزه اعتبار قالمیوب چقت سورملو و قید کر کورملو اولور سز دیو غزادن صوغ ووب نیش اطرافنده بکر بکیسه معاونه کلک قول و قرار

اولمغین کلک کارنده پادشاه دخی الدانوب پاره یه آتدی * پس پادشاه سفر دن دوند کده طور خانی حبس ایدوب نیجه مدت محبوس قالدی دیومذ کوردر (فصل در فراغت پادشاه از سلطنت) سکن یوز قرق یدیده (نظم) سلطنت دبد کاری انجق جهان غوغا سیدر * اولیه بخت و سعادت دیمه ده عزت کبی * مفه و منجه پادشاه دل آگاه متوجه بارگاه اله اولمغین چون سلطنتدن فراغت عزیتم ایدوب (نظم) وارلم برایکی کون ذکر ایدلم مولای * بزه اصغر ملدیلر بویلان دنیایی (نثر) دیو وزیرایه اعلام ایدوب منع چاره اولد قده پادشاه مغنیسا بکی شهنزاده سلطان محمدی کتور ووب تخته کجور ووب کند و سی خواص خدامندن بعضی و اسحاق پاشای ییله الوب مغنیسا به کیدوب خلیل پاشا شهاب الدین پاشا صار ووجه پاشا و زار تده قالوب منلا خسرو قاضی عسکر ایدی (غزای اکبر) قرمان اوغلو قراله عثمان اوغلی نک دماغی مختل اولمغین اون ایکی یاشنده اوغلا نیجی تخته کجور ووب کند و سی صار خان ولایتنده صحبت نسا و سیر صحرایه کتکه مشغولدر بویه فرصت دوشمشیکن نه طور رسن دیو تخریک و اغوا و اول کلب عقوری اغرا ایتمکین (نظم) انکروس وله وجهه والان * بوسنه افلاق هر سک و بغدادن (نثر) بربره کلوب لاس اوغلی دستبوت اوکار نه دوشوب سکسان یلک آهن پوش و دریا جوش عسکر شقا اترایله بلغراددن کجوب نیکبولی اوزر نه کلوب اول اطرافی خراب ایدوب کتدیله * نیکبولی بکی فیروز بک اوغلی محمد بک فرصت کوزدوب یاشنده اولان غازیلر و آفخیلرله کفار لار دین بصوب نیجه مسلح کافر طو ووب پادشاه کوندر ددی دفع کفاره چاره استشاره اولند قده سلطان مراد خان کلک لازمدر دیو وزیر شاه عالی رایه حسن تعبیرایله عرض وادا ایتمکین مکتوب کوندر ووب مراد خان کلک ایستمد کده سلطنت سزه متعلق ایسه دفع عدویه سعی فرض عین اولشدر بزه متعلق ایسه اولوالامره اطاعت لزومی معلوم سعادت تکرر دیو نضر عنایه کوندر لیکین قالقوب التمش بش پاره فرنک قادر غه سی کلیبولی دریاسن بکله کله آندن بکلم محال اولمغین استانبول قرینده یلاق آباد طرفنه کلوب خلیل پاشا دخی آندن غیری بردن بکلم محال ایدو کتی فراسته آ کلبوب مقدماتا قار شوده لاجه حصاره کلوب طو بر قور ووب بر قاج کیلر کتور ووب بعض عسکرله پادشاه منتظر ایدی سمولته کجور ووب ادرنه به واروب ایکی عسکر جمع اولوب مراد خان سلطان محمدی ادرنه ده قور ووب کند و سی عسکرله کیدوب کفار افلاق دن کجوب وارنه به کتشدی * ایتسی که سکن یوز قرق سکنز رجینک طقوز نیجی کونی یوم نلشایدی حرب عظیم و ضرب الیم اولوب انا طولی بکر بکیسیله وافر مسلمان شهید اولوب عسکر اسلام انهمزام بولوب اکثری قاجوب پادشاه یاشنده قبوقولر لرندن و اختیار بکاردن غیری کسنه قالمامغین پادشاه کوه تمکین مغیث المله و فین و مجیب المضطر بن اولان حضرت رب العالمین در کاهنه تضرع و انین ایدوب بواشاده قرال برضلال غروره مستانه یالن قله میدانه کیروب پادشاهک اوستنه یور ووب (نظم) قرالک کوزی پکیدی شاه الاین * دیدیکم بوالای ده الاین (نثر) پادشاه آگاه متوکلا علی الله طور ووب اطرافنی احاطه ایتمش اولان قبوقولر لینه بولعینک از آدمله عسکرندن آیرلوب غرورایله کلکی علامت زوالیدر همان او کندن شق اولوب یول و بره سز اور تابه اله سز دیوب قرال کلوب عسکرله پادشاه طور دیغی الای بیرا غنه آت صالد قلزنده مسلمانلر آیرلوب کفاری اور تابه الوب قوجه خضر آدلوب بر بکیری قرالک آن چالوب دوشد کده باشن کسوب پادشاه کتور ووب احسان فر اوانه مظهر اولدی * سائر لرن دخی او بر کافر لری قیروب جان قور تار میوب بعده قرالک سر جدا سن سر جدا به دیکوب شاه و سپاه کفار آلاینه جله ایدو کارنده کافر لر قرال باشن کورمکله قاجغه باشلوب سائر کافر بکری بزونده قرال ایچون کلک دیغز غرننه و عیسی محبتنه کلک دیو نصیحت ایدوب چاره اولمیوب خصوصاً ساقا حسان مسلمانلر الای بیرا غنک کافر طرفنه یور ووب بکندن پادشاهک غلبه سن اکلیوب در ووب کلوب پادشاه روم ایلی بکر بکیسی داود پاشای عسکرایله کفار ادرنجه کوندر ووب توبایه وارنجه ایکی کون ایکی کجه متصل کافر قیروب نیجه لرن دخی اسیر ایدوب کفار اردوشده اولان ایکیوزالی عرب طوسی انواع اسوال النوب مسلمانلر طیوم اولدیلر (لطیفه) پادشاه کشته لر پشته سن سیره واروب عزرب بک نام مقر بار نه نه عجب بوملعونلر اراسنده براق صفا لوب و قدر دند کده پادشاهک ایچلرنده بر بیر اولیدی باشلر نه بویه بلای کیدی دیدی (امور) بعده پادشاه حقان بکره غضبالبته کیمی قتل او انوب کینه

عرقه و زکب و جنبر کیدر بلوب ز قافله تشهر ایچون کدر مالک امر ایدوب شفاعت وزرا ایلد عفو اولوب
بعضت عزله اکتفا اولندی * بوسروریم سینه سوله وزیر پادشاهه سابقه احبس اولسان طور خان یکی
آزاد ایدوب توقادن کتوردیلر و قرالت باشی بروسه به کوندروب شهر لده دوتنار ایدوب بعده پادشاه
جمع ملوک اسلامه فتح نامه لره بر قاجر حبه لو اسیر کافر کوندروب جله دن مصر سلطانه منور عزب بکله
یکری بش جبه لو کافر کوندروب عربله جبه صانوب دیار رومده شوکت اسلامی بالدرم کین تحیف
ولاغرا ولان عربلر اشبو کوه سکر و ازدر منظر کافر لری کوروب تعجب ایدوب الله بنصر ابن عثمان دیودعا
فراوان ایدوب اوجعه مصر جامع لرنده خطیب لر خیر دعا ایتدیلر (فصل در جلوس سلطان مراد بر تخت
بعد از فراغت) اکثر تواریخده مذکور در که مراد خان غزادن کلد کده سابقه تخته کچور دیک اوغلی سلطان محمد
اوغلا تخی اولغله سپاه ایچره تمام مقید اولوب اعدادخی قولایستملر کوروب اکا شقه و دین ایچون غیره
کند و تخته کچمک ایستوب محمد خان فراستله اکلیوب وزیر اسیمله مشاوره ایدوب بعده آلتنوب پدرینک
اوتاغنه واروب تخته کچمکه تکلیف و ابرام ایدوب اودخی استخاره ایدوب دیوب لکن مرادی عسکر کچمک لرانی
یوقلامق اولغین ابرتسی شکاره چیقوب جله عسکر سیه کاسونلر دیوب انده بلوک اغالیله سوبلشوب جله نیک
کندوبه مائل ایدوکلرین ییلوب شهره کلوب تخته کچوب سلطان محمد مغنیسایه کتک یوروب اول دخی عزم
ایدوب لکن بوتد برلری و عسکر تخریک ایدن خلیل پاشا اولغین اکا انجنوب جله ارکان شهادتی کوندردی
کیدوب قاضی عسکر منلا خسرو پادشاه غم چکمه ایکی اوج ییلد نصکره ینه سلطنت سنه کدر مصلحه فده
ایو قال کادی واقعه ده دخی کوردم دیو تسلیت و نصیحت ایدوب سائرلر دونوب شهزاده بوکاسن دخی دون
دیوب بودخی زمان دولتشکرده سیه اولوب شمعی اولماق انصاف سزاقدر دیکین شهزاده حظ ایدوب
اکانه تخته تکرار جلوس ایتد کده منلا به یجد و پایان رعایت و احسان ایتدی (روایت) بعض تواریخده
مذکور در که مراد خان غزادن کلد کده ادرنه ده برمدت طوروب سلطنتی اولکی کبی سلطان محمد و یوروب
خواص خدامیلر کند و مغنیسایه کیدوب سلطان محمد کند و اسیمه یکی انچه کسدروب اوزمانلرده ادرنه ده
احراق عظیم اولوب شهرک برزستانی دخی کتخداسیمه و یکجیلرله بانوب یکجیری باش قالدروب خادم شهاب
الدین پاشا سیر این باصوب اودخی آردقودن پادشاه سیرانه قاجوب یکجیر یار بوچوق دبه سنه چیقوب
خلق قورقوبوب بوچوغار انچه ترقی و برلکین نوعا قننه ساکن اولوب بعده خلیل پاشا اسحاق پاشا بکری
اورغور و اعلی انفاقلشوب سکر یوز قرق طقوز اوخونده مراد خان چاغردوب اودخی در یادن کچوب بوچوق
دبه به قورقوب شکاره چیقوب یکجیر یارک ضمیرین ییلوب تخته کچوب محمد خان مغنیسایه کوندروب صاروجه
پاشایی کالایا دیوب زغنوس پاشایی عزل ایتدی * جزیره موره کفر نک یقاسنه یقین و عمر مر اکب دریا و التشر
فرسخ طول و عرضی و سکر کونلک دروی اولوب معمور و صعب المور ایدی پادشاه انک فتن مراد ایتکین
سکر یوزالای بهارنده واروب جزیره نک قره دن روم ایل یقاسنه متصل یولی اولان اوج میل بردلده قدیم دن
کافر لر عرضی بش ذراع ارتفاعی ایکی کوندروب یولی طولی اوج میل بر محکم دیوار یابوب عدو کلامک ایچون مزبور
دیوارده بش برده بر قلعه یابوب یولجیلر ایشلک ایچون دیوارده بر یقور یابوب دیوارک اوکنده غایت عمیق
خندق قازوب ایکی طرفه دریادن دیل کلوب طولوب قدیم دن اسمی کرمه موره اولوب اومحلدن عدو دکل
من غ بلند پرواز یکمکدن و از کجردی * پادشاه طوبلر قوردروب خندخی طبر اغله طولدروب قلعه لری یوریشله
الوب خور یادرلری قیروپ بشن دخی یقیدی * بعده جزیره موره کافر لری خراج کسوب قلعه لری ضبط ایدوب
یوقنده اسیر کتندن بر حسناتجاریه اوچیز انچه به صانوب غازیلر بید نقد و کومش آلائی الوب چوقه نک
غایت اعلا سن الوب آلفنی ثقلت و بر ملک ایچون براغور لری بوسفرده باللو بادره دخی فتح اولندی * تاریخ
نشریده فتح موره مقدمات سکر یوز قرق اوچده اولدی دیومذ کوردر (فتح) پادشاه عسکر جمع ایدوب سلطان
محمدی دخی کتوردوب ولایت ارناورده انچه حصاره واروب غایت صعب و بر لوازم اولغین ایکی آی محاصره
ایدوب فتح چاره بولمقد لعه کلان صولرین دلوب کسوب اهل قلعه صومزلدن اضطرار ایلد تسلیم
ایدوب پادشاه کلبه لری مسجد ایدوب ضبطنه آدملر قونوب بوسفرده ولایت ارناورک کزیده برلری تسخیر

اولنوب مسلمانلر طوبیم اولدیلر (غزای اکبر) انکروس قرالی وله وجه و سکوات ولت بانلری و دخی نیجه کافر
بکاری تغییر عام ایتکین پادشاه دخی تغییر عام ایدوب عسکر اسلام اجتماعی ایچون صوفیه ده قتلنوب قرمان
اوغلی دخی یاردیجی کوندروب پادشاه بونلری قلتاق ایلر لوقایش اوزنکیلو قیلرلی باغی ایدن کوروب کولوب
عسکر منزک مسخره لری یوغیدی قرمان اوغلی کرمندن اوخدمتی ادا ایتش برانندن یاردم اوغز همدان
عهدی یوز مسون دیوب عسکر جمع اولد قده یور یوب کفار کوس اواده قانوشوب سکر یوزالای ایکی شعبانک
در دنده جمعه کونی صباحدن الایلر باغلیوب یکجیر یاردم و شیشلر عز بر حبه لره پادشاه اوکنده طوروب
اطرافنی طوبلر ضرر برنلر ایلد قوشادوب وارنه عرا سنده عسکر اسلام اردلری خالی اولوب کافر لر او طرفدن
غلبه ایتش اولغین جالاجله اغرقلری عسکرلر ادرنه قور یوب حساب قایسدن بیرون خر بنده و دایس تیرو تیر
و شمشیر و خنجر طوبلر صاروجه پاشا برادری سنان بک بر نیجه ییک عسکرله اغراق بکلیوب ترتیب عمامه
پادشاه ایکی رکعت نماز قیلوب تضرع و نیازله آتیه نبوب (نظم) ایکی عسکر بری برینه کیردی * صدای
ضر برن عیوقه ایردی * شود کلو ایتدی غازیلر نبردی * که طوتدی * کول یوزین اول عرصه کردی * قیل
منشاره دوتدی استخواندن * غازیلر بکزدی اول عرصه قانندن (نثر) اخشامه دل کچمک صواشلوب کچمه
غازیلر آتلرین نوبله ییلوب صباحه دل و ایتسی دخی جنک و آشوب و آشوب کافر لر یالین قیلرله براوغوردن
جله ایدوب مسلمانلر یلوب کفار لک ادرین الوب قیرمغه باشلیوب اوکلری اغراقله باغلو اولغین صبلانوب قلوب
موجود اولانجه سی قیرلوب نولک بانی سکوات بانی قتل اولنوب له بانی طوتلوب لکن بیلتامه کین نیجه مدت
دیوار اسلامده قول اولوب اننوب صانوب عاقبت قورتلوب ولایتنه کیدوب تخته کچوب من بعد مسلمانلری
رنجیده ایتز اولدی * چه بانی دخی طوتلوب پادشاهه کتورلد کده اون پاره قلعه و یوروب خراجکار اولوب بش
ییک عسکرله خدمتکزه کله یم دیدیکی دیکلمیوب قتل اولندی * قرال بر کشته حال ایدوب اوکجه عرب لرین
بری برینه چانوب میخلدوب طابور یعنی حصار ایدوب صباحه دل طوب و تفتنک و تیر ایلد جنک اولنوب صباحه
قریب عسکر ینه سز بونده طوریکز بن ترک لایینک آردین الاین دیو بهانه ایلد کیدوب توابعیلر قاجدی (نظم)
طائر زین جناح آفتاب * جرخه کیروب ایتدی چون سیره شتاب * جرخه جیلر کیردی میدانه کیر *
صالیدی غازیلر سمنین ایلر * موج اوروب صحرایوزی دریا کبی * تیغله اود صاچدی اثرها کبی *
قیردیلر کفاری اولدن بتر * آتش تیغله باندی خشک و تر (نثر) کافر لر قرالت قاجدیغن ییلوب صینوب
بونلر دخی قاجوب سیم وزر و لات جنک و انواع متاعله طولو و افرعربله طوب یلق اولوب اشبو طابور جنکی
اول کیدن اشد و ازید ایدی (فصل در خبرات مر حوم پادشاه) ادرنه ده سابقه شهزاده موسی چلبی
باشلدوب وفاتنده ناعتم قلوب بعده انک برادری چلبی سلطان محمد دخی یادروب ینه ناعتم قلان جامعی
تکمیل ایدوب درت کوشه سنده یوللری بشقه او حشرقه لو بر مناره یابوب مزبور جامع اوج شرفه لو
دیکله مشهور اولدی * بعده پادشاه سکر یوزا و نوز برده ادرنه قریبده اورمانلق و سازلق بتاق اولغله حرامیلر
بتاغی اولان ارکنه دیدکاری اورمانی کسدروب دوز ایدوب یوز شش درت یاخود اوچیزا تیش کوزلو و کورلو
عظیم محکم و اوزون کوربری یادروب بیحد خزینه خرج ایدوب برباشنده بر عظیم قصبه بید ایدوب جامع
و عمارت یابوب تمام اولد قده ادرنه دن علما و صلحا و فقرای چاغردوب عموما ضیافت ایدوب طعمای کند و الیلد
قورناروب و جامعلر جراغلرین کند و الیلد یا قوب معماره خلعتلر و کلی احسانلر ایدوب کور برینک برباشنده دخی
بر عظیم یولک کوی قوندروب قصبه بی و قریه بی تکالیف عرفیه دن معاف ایلدی * و سکر یوز قرق برده
ینه ادرنه ده بر جامع دخی و یاننده مسافر خانه و عمارت و یولجیلر آت باغلقه بر عظیم آخور یابوب مسافر لره
طعام و طوار لر ینه یم تعیین ایتدی * و بر مکتب و مولو یلر بر تکیه و جمیعت خانه و جامع یاننده یومی یوز انچه
وظیفه ایلر بر مدرسه یابوب مدرسی مولانا علی طوسی عجمه کند کده سلطان محمد بومدرسه یاننده بر مدرسه
دخی یابوب یوز انچه بی تصیف ایدوب هر برینه الی ایدوب اشبو ایکی مدرسه جفته مدرسه دیکله مشهور
اولدی * مزبور سلطان مراد ادرنه ده یومی الی انچه وظیفه ایلر بر مدرسه دخی یابوب سائر علومدن غیره حدیث
شریف دخی نقل اولتیق شرط ایتکین دارالحديث دیو مشهور اولدی * و بروسه ده مرادیه دیکله مشهور

اون بش یل انده شغل ایدوب رومه کلد کده اون بش اچقه لو بر مدرسه و بر یلوب بعده پادشاه بونی چاغردوب
 بروسه ده الی اچقه الیه کندو مدرسه سنی و برد کده بن اون بش اچقه بی مصارفه توزیع ایتدم زیاده اولیچق
 وقتی مشوش ایدوب قبول ایتدی (۱۴) منلا محمد که ایا نلوغ چلیسی دیرلردی ذکی و فاضل و عابد
 و عامل ایدی منلا بیکان دن اوقیوب اغرسده مدرسه ایدی * من جمعه غایت لطیف شرح یازوب هر باب آخرنده
 مننده اولیان مسائلی یازوب هدایه شراحنه قوی اعتراضاتی وارد (۱۵) منلا علی طوسی علوم عقلیه
 و نقلیه بی تحفه یلدن کمره بروسه به کلد کده پادشاه بوکاسلطانیه مدرسه سن و بر یلوب سلطان محمد خان استانبولی
 فتح ایدوب صحنی بنایان دن اول سکن کلد مدرسه لرندن زربک مدرسه سن یومی یوز اچقه الیه بوکاسلطانی
 و استانبول قر بنده برقریه باغشلد بیکه حالامدرس کوی دیکله مشهوردر صحن مدرسه لری تمام اولدوده برین
 بوکاویری * بعده برکون پادشاه بالذات منلانک مدرسه سنه کلوب منلانی اورنایه آلوب صایغ یانته پادشاه
 صول یانته وزیر او نوروب دانشمند حاشیه عضددر سین اوقیوب منلا شوقه کلوب نشر فضائل و حل
 مشکلات مسائل انجمن پادشاه سرورندن فالقوب او نوروب منلایه اون بیک اچقه و بر خلعت و دانشمندله
 بشر یوز اچقه و بر دی * بعده بوکا ادرنه ده پدی مدرسه سن یوز اچقه الیه و بر یلوب بعده منلا بر خصوصه
 انجوب عجمه کیدوب خواجه عبیدالله سمرقندی یانته تکمیل طریقه ایتدی * حواشی قسندن بش الی
 عددموافاتی اولوب جله سی مقبول علما و اشدر (۱۶) جزء قرمانی علومده غایت ماهر اولوب درس و فتوایه
 مشغول ایدی تفسیر قاضی به لطیف حاشیه یازدی (۱۷) ابن تمجید سلطان محمدک خواجه سی اولوب فاضل
 کامل و صالح ایدی عربی و فارسی نظمی اولوب تفسیر قاضی به حاشیه یازمشدر (۱۸) سید علی عجمی عجمه
 تحصیل علوم ایدوب ادرنه به کلد کده بروسه ده بلدرم خان مدرسه سی و برلدی * سلطان محمد زماننده اتن یاننده
 علی الیه بحث ایدوب فضلی ظاهر اولدی بعض حواشی تألیف ایدوب حسن خطی و ارایدی (۱۹) سید علی
 قومانی وفات قر بنده در جمیع علومده فاضل اولوب وقایه به عنایه آدلوبی نظیر شرح وزجی شامله دخی شرح
 یازدی (۲۰) حسام الدین نوقانی فاضل کامل اولوب خوده عوامله مختصر و غایت مفید شرح یازدی بعض
 تحریراتی دخی وارد (۲۱) الیاس سینایی فاضل و کامل و ذکی و مشغول ایدی فقه کبره بر شرح و علم تفسیرده
 بر رساله و شرح مقاصده حاشیه یازوب هر بری غایت بی نظیر در خوشنویس و سر یع الکتابه اولوب برکونده
 بنون متن قدوری یازدی * بروسه ده سلطان مدرسی ایکن وفات ایتدی (۲۲) یحیی بن جزء قصبه مرزبفونده
 مدرس و قاضی و مفتی ایدی رومدن اولوب علم فقهی فضلا مشایخ عجمدن اولان خواجه محمد یارسان
 اودخی شیخ ابوطاهر دن اودخی صدر الشریعه حضرت تیزندن آمشدر (۲۳) منلا محمد که منیا اولو اغلی
 دیرلردی جمیع علومده غایت ماهر و علوم عجمیه و غیر بیه به مطلع اولوب ادرنه ده مدرسه ایدی * شرح عقائده
 حاشیه یازوب عجایب و غرایب آدلوبر کاتب یازدیکه ایچنده طلسمات و نارنجیات و عجایب و غرایب درج
 ایتدی (۲۴) علاء الدین قوج حصار ی عجمه کیدوب سید شریف و منلا سعد الدیندن اوقیوب رومه کلد کده
 بعض مدرسه مدرس اولوب مفتاح سعد الدین شرح غایت لطیف حاشیه یازمشدر که علوم عربیه ده
 کمال مهارته شاهدر (۲۵) قاضی بلاط فاضل و زاهد اولوب مصباح شرحی ضوه غایت لطیف حاشیه
 یازمشدر که حالا اول کاتبه قاضیک دیرلر (۲۶) بخشایش فقیه صالح و فاضل کسینه ایدی پادشاه نامه
 بر رساله یازمشدر (۲۷) محمد بن قطب الدین ازنبی منلا فناریدن علوم شرعیه و عقلیه بی اوقیوب پدی
 شیخ قطب الدین کبی هر علمه غایت ماهر اولوب بعده تصوفه سالو ایدوب عارفیندن اولدی * فصوصه شرح
 و شیخ صدر الدین قوی حضرت تیزنک دخی مفتاح الغیبه مختصر و مفید بر لطیف شرح یازوب سکن یوز سکان
 بشده وفات ایتدی (۲۸) فتح الله شروانی علوم عقلیه و شرعیه بی سید شریفدن علوم ریاضیه بی سمرقنده
 قاضی زاده رومیدن اوقیوب رومه کلد کده قسطنطینده نطن ایتدی موافق الهیات حاشیه یازمشدر
 (۲۹) شجاع الدین الیاس که مفرد شجاع دیکله و اسکوب شیخی دیکله ملقب ایدی اسکوبده احصاقیه
 مدرسه منده قرق ییل مدرس اولدی فاضل محقق و کامل مدقق اولوب درویشانه لباسلر کیوب مستجاب
 الدعوه ایدی (۳۰) منلا الیاس علوم عقلیه و فقه و علوم عربیه ده ماهر و اهل تصوف ایدی (۳۱) سلیمان

چای ابن وزیر خلیل پاشا عالم و فاضل اولوب اهل متاعب جلیله و خصال حمیده ایدی پدی وزیر ایکن
 قاضی عسکراولوب بنه حیائنده وفات ایتدی (فصل) مرحوم سلطان مراد زماننده اولان بکاره شاه
 مشایخ بونلر ایدیکه (۱) شیخ مجذوب آق بیق حاجی بیرام حضرت تیزنک مریدلرندن اولوب خلوتده بوکادینا
 مسخر اولوب حضرت شیخ دنیا فانیه در قبول ایتده دیوب بودخی (الدینا من رعة الاسرة) مفهومی و منجه جنت
 آنکله تحصیل اولوردیوب کیدرکن شیخ بوکا امدی بندن فائده الیه کتیزسن دیوب آق بیق زاویه دن
 چیقارکن باشندن تاجی دوشوب شیخ طرفندن ایدوکنی بیلمکیز وفاتنه دلک باشی قبا کر یوب تراش اولدی بعده
 دائماً جرحه سنه اتتون اچقه کتور یلوب بودخی صقلا میوب قرا و محتاجله اولمشدر دی * بروسه ده بر عظیم
 اوصافون الوب وسعت اوزره بکندی صاحب کشف و کرامات و جذبه سی غالب اولوب هنری بروسه ده در
 بر اوغلی اولوب اودخی صاحب یوب باشی قبا کر یوب بو حاله منلا علاء الدین علی عرییدن او قورایدی (۲) شیخ محمد که
 یازیبی زاده دیرلر حاجی بیرام خلفا سندن و مصایح شارحی منلا زین العرب شاگردلرندن اولوب کلیبوایده
 نطن و وفات ایتدی * ترکی و منظوم و مقبول علماء روم اولان محمدیه نام کتاب مستطاب آنک تألیف در کمال
 قضیاتی و تصوفده عرفان و وجد و حالی آندن معلوم اولور ایکی کتاب دخی تألیف ایتشدر اهل کرامات
 ظاهره و باطنه ایدی (۳) شیخ احمد یازیبی زاده محمدیه صاحب کبریا دیرلر بوکا احمد بیجان دیرلردی بودخی
 کلیبوایده اولوب انوار العاشقین آدلو ترکی کتاب یازوب کرامات و مقاماتی آندن معلوم اولور (۴) شیخی
 کریمانی علمادن اوقیوب بعده حاجی بیرامه مرید اولوب بعده وطننده مقیم اولدی * عالم کامل و صالح و طیب
 حاذق و شاعر ماهر اولوب خسرو و شیرین قصه سن نظم ایدوب مقبول عالم اولمشدر * بدشکل و کوزلری معلول
 کسینه ایدی (۵) شیخ مصلح الدین ادرنه ده اولوب دباغرامامی دیرلر ایدی علوم ظاهره و باطنه ده ماهر و شهر
 اولوب دائماً الاستغراق و عارف بالله ایدی هر کجه یوز رکعت نماز فیلوب سر (نور علی نور) ظهور بولمغیچون
 هر ایکی رکعت بشقه آبدست الوردی شیخ بیری خلیفه حیدر لودر علوم ظاهره و باطنه بی جمع ایدوب عارف
 واصل و مرشد کامل ایدی کتب معتبره دن درس دیکه معتاد ایدی (۶) شیخ تاج الدین ابراهیم بن بخش
 فقیه اصلده مناوطا فقه سندن اولوب علوم ظاهره بی بیری خلیفه دن اوقیوب بروسه ده شیخ عبداللطیف
 قدسی یاننده سالک واصل و مرشد کامل اولغین آنک وفاتنده قائم مقامی اولوب مریدلری چو غولوب هر بری
 مراده واصل اولوب زاویه سنده بر کره یوز بیکرمی مرید جمع اولدی (۷) شیخ خواجه حسن عالم و عارف و زاهد
 و مرشد کامل مجاهد ایدی بروسه ده امیر سلطان حضرت تیزی خسته اولوب بریکره برکسینه نصب ایدیک
 دید کلر نده بن وفات ایتد کده شهرده فلان مجذوبه واریکیز بنم مریدلر مدن برینی تعیین ایلسون دیوب
 وارد قلر نده بونلری قووب تکرار واروب سلطانک وصیت خبر ویرد کلر نده عرشه باقکلر دیوب باقد کلر نده امیر
 سلطانک یاننده مزبور خواجه حسنی او نورر کورمکین آفی مرشد ایدنیلر (۸) شیخ ولی شمس الدین مزبور
 خواجه حسن خلفا سندن عالم فاضل و کامل عارف و زاهد و واعظ اولوب وافر کسینه لر بوندن منتفع اولدیلر
 (نظم) علی ارواحهم تحف النصابا * من الله الذی خلق البرایا

(باب سابع در احوال سلطان محمد غازی ابن مراد خان علیه الرحمة والرضوان)

(نظم) خدا یکان ملوک جهان محمد خان * که اوست فاتح قسطنطینی قوی بنیان (نثر) ولادتش فی ۷ رجب
 سنه ۸۳۳ یا خود فی سنه ۸۳۵ جلوسش بر تخت در حیات پدر بابر ام افی سنه ۸۴۷ انفصالش
 از سلطنت بجهت جلوس پدرش بر تخت باقتضا بعض امور فی سنه ۸۴۸ یا خود فی سنه ۸۴۹ پدی
 بوکا مرعش و البستان پادشاهی سلیمان بن ابن ذوالقدر قیزی ایستیوب الیور یوب جمع اولدیلر فی سنه ۸۵۲
 جلوسش بر تخت در زمان وفات پدر فی ۱۶ محرم سنه ۸۵۵ مدت سلطنتش در دفعه اولی سنه ۱ یا خود
 سنه ۲ مدت سلطنتش در دفعه ثانیه سنه ۳۱ یوم ۴ مدت عرش سنه ۵۳ یا خود ۵۱ وفاتش فی یوم الخمیس
 فی ۴ ربیع الاول سنه ۸۸۶ شهرزاده ایکن سنجایی مغنیه ایدی مرحوم مر قوم شجاعت و سخاوتده
 و ذکاوت و علم و علوه منته و هر در لواحظه اکمل ملوک عثمانیان و افضل سلاطین جهان ایدی (نظم)
 اودر مهر تابان و شهرسها * فن رام منسلاله قدسها (فصل در ذکر شهرزادگان) (۱) سلطان

بایزیدخان که پادشاه اوغین احوالی بشقه باده کور (۲) سلطان مصطفی ولادتش فی سنه ۸۵۲ مغنیا
 سنجانی ویریلوب بعد زمان قرمان بکار بکلی سنجاقلی ایله ویریلوب آنده وفات ایتدی فی سنه ۸۷۹
 بعض احوالی اشاعیده کور (۳) سلطان جم ولادتش فی سنه ۸۶۴ قسطنطونی سنجانی ویریلوب سلطان
 مصطفی وفاتیده قرمان ویرلدی * الی یلدن زیاده قرمان حاکی اولوب سلا حشورانی فنی تکمیل ایدوب
 حتی سلطان علاء الدین سلجوقینک کرزلینه نیجه قیه حلقه لضم ایتدی و بی نظیرشاعر اولوب مقبول دیوان
 و اشعاری و اوردرخواجه سلمانک فارسی جشید و خورشید کجائی پدیری سلطان محمدخان نامنه لطیف ترجمه
 ایتدی عاقبت حالی و کیفیت وفاتی سلطان بایزید باده کور (فصل درذکر وزیرا و ارکان او) (۱)
 خلیل پاشا پادشاهک پدیری زمانند نبو وزیر اعظم اولوب بونک پدیری ابراهیم پاشا آنک پدیری علی پاشا آنک
 پدیری جندره لوخلیل پاشا آل عثمانه وزیر اعظم اولوب اشبوخلیلک اوغلی ابراهیم پاشا سلطان بایزید زماننده
 وزیر اعظم اولوب بی اشاعیده کور بوقصه نک نظیری مسجوع دگاد و استانبول فتحند نصره پادشاه بونی حبس
 بعده قتل ایدوب یرینی محمود پاشایه ویردی وزیر صا و وجه پاشا و وزیر زغنوس پاشا و وزیر محمود پاشا که سابقا
 قاضی عسکر دخی اوشتد علم و عقل و کمال و هر حاله سلطان و وزراء سلاطین آل عثمانه را یکی اوچ کره وزیر اعظم
 اولوب ارالقده بر سبب ایله عزل اولوب * لا و فاء لامه لولک مفه و منجه دفعه اخیره ده جزی بهانه ایله عزل بعده
 حبس و قتل اولندی تکیم اشاعیده کور * وزیر اسحاق پاشا محمود پاشا یرینه وزیر اعظم اولدی و وزیر خادم
 شهاب الدین پاشا و وزیر کردک احمد پاشا ابن ولی الدین پاشا سابقا قاضی عسکر اولمغین
 احوالی علما فاضله کور * وزیر قوجه پاشا و وزیر مصطفی پاشا و وزیر مسیح پاشا و وزیر روم محمود پاشا غضب
 پادشاه ایله قتل اولندی بی اشاعیده کور * وزیر بوسنه محمد پاشا و وزیر حکیم یعقوب پاشا طیب حاذق اولمغین
 علماده ذکر اولور * وزیر قره جه پاشا بله تراده شهید اولدی و طانی قره جه پاشا میرمیران روم ایلی و خادم
 سلیمان پاشا میرمیران روم ایلی و وزیر داود پاشا و خاص مراد میرمیران روم ایلی * اوزون حسن جنکنده شهید
 اولدی و وزیر ننان پاشا ابن خضر بک و وزیر محمد پاشا و وزیر کچ پاشا و وزیر رشاد پاشا که منلا خند بکار
 نسلندن ایدی و پادشاه وفاتیده بکچیر بلر شهید ایتدی لر * وزیر محیی الدین پاشا که مغنیا لوالو اوغلی دیر فضلادن
 اولمغین علماده ذکر اولور (فصل) مر حوم پادشاه زماننده فتح و ضبط اولسان قلاع و ولایت بونلدر که
 (۱) قسطنطینیة که استانبول دیکله مشهور عالمدر و قلعه لوری و قلعه قوم رغوسی و قلعه سیوریجه
 حصار در روم ایلی و آنک بانه بعض قلاع و قاهه اموله و قلعه ایتر و قلعه طاش اوز و قلعه نوایی در ولایت
 لاس در روم ایلی و قلعه ترجمه و دخی نیجه قلاع و ولایت لاس و قلعه بحوری و قلعه فکه در راه موره و دخی
 اول سنده بعض قلاع * قلعه باف اوه و قلعه توقاق حصاری و قلعه منخلو و قلعه کور فوس و قلعه بالو باده
 و اول سنده بعض قلاع * قلعه رضا و قلعه امول و قلعه صوه و قلعه کروج و قلعه رانجه که اشبویش
 قلعه دخی جله سی و ولایت لاسده ایدی * قلعه سنده و قلعه کورک جنلک و قلعه اما صره اناطولیده قره دکر
 کارنده اولوب اما سیه نک غیردیر * قلعه قسطنطونی و قلعه سینوب و باقر کوره سی و سائر قلاع و ولایت اسفندیار
 و قلعه طربزون و قلعه قیونلو حصار و قلعه جزیره مدلی و قلعه لوفجه و قلعه یاجسه و قلعه ادرجای و قلعه
 بویوجه که بواجی ولایت بوسنه ده در * و سائر ولایت بوسنه و ولایت قواج ایلی در قریب بوسنه در ولایت
 روم ایلی و ولایت باولی ایلی در قریب ولایت بوسنه و قلاع ولایت هرسان در قریب ولایت بوسنه و ضبط آقشهری
 و ابلاغون بازاری و بکشهری در قرمان و قلعه صیقلان حصاری بودرت شهر اناطولیده در * و فتح قلاع جزیره
 موره تکرار و قلعه موری و قلعه مسراط و قلعه لوندار و قلعه یلدرز و ایکی قلعه دخی بوالی عدد قلعه لره روم
 ایلنده فارلی ایلی دیر و بنا قلعه ایلبصان در ارناودلی و فتح ولایت ارناود و قلعه قونییه در اناطولی و قلعه
 کواله و قلعه لازنده و قلعه جزیره اغری و وزیر روم ایلی و قلعه قزل حصار در اغری و وزیر و قلعه موت در قرمان
 و قلعه نیکده و قلعه ارکلی و قلعه اوج حصاری و قلعه ارونه حصاری و قلعه آقشیرای در قرمان و قلعه
 علامیه و ضبط قلعه سلفکه و فتح قلعه موغن و قلعه اولاله و قلعه قره حصار شرقی که شین قره حصار دخی دیر
 و قلعه ارمنالک و قلعه مینان و قلعه دوه لور و حصار و قلعه کفه و قلعه باوکره و قلاع ولایت ازاق و قلعه

اچمه حصار در روم ایلی و قلعه اسکندریه ارناودلی و قلعه کول باشی و قلعه درغوس و قلعه قالش بونلرک
 اوچی دخی مزبور اسکندریه نک اوچ طرفنه متصل در قلاع جزیره بولیه و قلعه مونه در ولایت ازاق و ولایت
 طرول در قریب ارزنجیان (فصل در کیفیت فتح و ضبط ممالک مزبوره و ذکر معظمت وقایع زمان سلطان
 محمدخان غازي) (نظم) رشک شاهان جهان اولان فتوح * بونک ایامنده ایتشدر سنو ح * جله دن
 قسطنطینیة شهرنی * فتح ایدوب و پدیری عزتک پیرنی * ایلوب در واره احسانی باز * رایت علی بوانیدی
 سرفراز * ابتداء شوکت عثمانیان * بوشمک دورنده اولشدر عیان * اکثر قانونی بوضع ایلدی *
 نعمت لطفیله خلایق طوب ایلدی * بحر و کاندن جود و احسانی فزون * ربک صحرادن شناخوانی فزون *
 علم و عرفان کافی ایدی در کهی * بذلی ایله کیسه لر اولدی بی * بخشش ایتسه کل کبی خندان ایدی *
 هر نیجه مدح اولسه صد چندان ایدی (سفر) پادشاه ادرنه ده دفعه نازنه ده سته سکنیوزالی شده جلوس
 ایتد کده قرمان اوغلی ابراهیم بک بعض ممالک عثمانیه بی غارت ایتد کین پادشاه عسکر چکوب آقشهر و بکشهری
 اطرافنه وارد قده ابراهیم برغل سنک دل طاش ایلمنه قاچوب عظیم هدایا ایله نضر عننامه کوندرمکین عفو
 ایدوب بروسه په دونوب اناطولی بکار بکیمی اولان وزیر اسحاق پاشای منتشا اوغلی الیاس بک اوزرینه
 کوندروب وارد قده و لا یتندن سوروب چیقاردی (مقدمه) پادشاه استانبولی فتح مهماتی تدارک ایچون
 ادرنه په کتمک ایستوب کیسولی بوغازنی کافر کیلری سدا تمکین قوجه ایلی طرفدن کاب اناطولی
 حصارندن غلطه نک ایدی اولان بقایه چکوب روم ایلی حصارین درت آیده یا قرق کونده یا بوب عظیم طوب لر
 قوروب اول بوغازنی بوغازی پادشاه سیدو کر همی میسانه شد ایدوب استانبول اطرافن غارت ایتد بروب بعده
 بهاره دکه عسکره اجازت و بروب کندوسی ادرنه په واروب اول قبش مهمات محاصره تدارک اولوب وافر طوب لر
 دو کدروب جله دن برطوب اوچپوز قنطار باقردن ایدی (فتح قسطنطینیة) پادشاه عالمبانه سکنیوزالی
 یدیده اول بهار عسکره بکریه بروب سنه مزبوره ماه ربیع الاولینک نصفه استانبولک طوب قبوسی ستمه
 قونوب مترسکر قوروب قلعه په طوب لر اوتوب چایجا بعض دیکر اچلوب حصاردن دخی مسلمانله طوب لر
 اتلوب وافر کسینه شهید اولوب و انشاده غلطه بقاسی قدیدن فرنگ ضبطنده اولمغین فرنگ تاندن ایکی عظیم
 بارچه طولوسی باردیجی عسکر کاب بعده پادشاه آگاه مؤیدمن عندالله قلعه بی هر طرفدن دو کمکچون
 کیکلر کتور بک فکر ایدوب غلطه دن استانبول بقاسنه دمور زنجیر کرلش اولغله او طرفدن کی یکمکه چاره
 و لایمغین غلطه نک اوستی یانندن علم جرائع الدمه ماهر لر صنعتیه قره دن وافر کیلر یوریدوب قصبه حضرت
 ابی ایوب بوغازینه چکوروب (ع) ان السیفینه لایجری علی الییس * مثلن ابطال ایدوب طوب لرله دریا
 طرفندن قنار قبوسی ستمندن حصاری دو ککه باشد قلزنده (لحیره) تکرور کور او قودی کفری ازیر *
 دیدی کلدی بلازیر و ازیر (نثر) پس او طرفنی دخی محافظه و تعمیره عسکر قویوب کندوسی هر طرفنی
 جست و جویچون نک و بوایدوب پادشاه طرفندن حصاردن جنک ایدوب و طوب لرله بیقلان برلری یا بق
 خصوصنی معاونه کلان فرنگکره اصهر لیوب مدت محاصره دن تمام الی کون یا خود طقسان درت کون
 یکد کده مسلمانلر طوب لر یقه دینی کد کلردن یوریش ایتد کعزیت ایدوب اخشام قرا کافی اولد قده پادشاه
 آگاه مجاهد فی سبیل الله امر یله غاز یلر جدار اوجا لینه موملر و مشعله لر باغایوب صبا حه دکه قلعه په هجوم
 ایدوب کد کوری یا غمه قومیب سه شنبه کونی صباح اولد قده فرنگ عسکر نک سردار مرداری حصار
 اوزرنده جنک تدارکچون طوررکن آسمان شجاعتنک بازی بر جوان غازنی حصاره چیقوب قارتنه قلج
 صلا یوب (ع) باش کید یچک ایاق اولز بایدار * مفهم و منجه عسکر فرنگ قاچغه باشلیوب عسکر اسلام
 حصاردن اتلان طوب و تفنگ و اسباب جنکه باقیوب یور یوب (نظم) نعره لردن دتردی چرخ برین *
 صیحه لردن ایکلدی روی زمین * هر طرفدن ظواهر اولدی ولوله * پردی اول ستمکین بنایه زرنه (نثر)
 پس میدان شجاعت سربازلری و آسمان جلادت شهبازلری صدای ترح زدا ی فرح بخشای الله الله یوریش
 ایدوب دشمن برغل کوردله کوزاچدره یوب فی الحمال (نظم) دیکلدی قله لرده رایت فتح * او قوندی
 هر طرفنه آیت فتح (نثر) حصار بدنلری اوزره نیجه بدنلری سرونجه سینهلر تیر بلایه سپر اولدی (نظم)

قلعه سنده چون دیکدی رایت نصر تنما * قلعه بارمق قالدروب ایمانه کادی کویا * تکرور مقهور
مسلمانلری حصاردن دورا تنکه صرف مقدور ایدرکن قلعه به وصول وایچر ویه دخوللرین کوردکده
ملخوطلی معکوس و علم دولتی منکوس اولمغین بخت مخوس و قلب مأیوس ایله سراینه قاجوب یوله یغمایه
مشغول اولان غازیلر بلوکارندن آزطافه کورمکین انلری قیروب برمجروح عزب یکدنه قلی حواله ایتدکده
عزب خیر طلب تقویت حضرت رب ایله تکروری آمدن دوشروب باشن کسوب یاننده اولان کفارتار مار
اولوب پادشاه و سپاه شهره کیروب اوج کون اوج کجه یغما اولنوب بعده پادشاه خلقه امان ویروب شهری
ضبط و تهمیر و یوزدن زیاده کایسای مسجد و جامع ایتمکله تور ایتدردی (نظم) شکر الله سیمه الموفور *
وکسایه بجهل من نور (نثر) بوقع مینه دینیلان نار یخزلک احسنی اولال (بلده طبعیه) اقلی اولوب نایابویت
ایدی که (نظم) فتح قسطنطنیه فرصت یولدیله اولون * فتح ایدوب سلطان محمد یازدی تاریخ آخرون
(گرامان) اولاشقایقه مذکور در که پادشاه استانبول فتحه عزم ایتدکده شیخ آق شمس الدینی چاغرمغه
اجد پاشای کوندروب وارد قده فلان کون قبا قوشلق زماننده قلعه نکلان برندن مسلمانلر ایچر و کیروب سن
اوزمانده پادشاهل یاننده اولسک کر کدر دیروب ییله کلوب بعده فتح کونی شیخ چادری ایچنده پاشای قبا یوزین
طهر اغه سوروب تضرع ایتدکده باشن قالدروب الحمد لله فتح میسر اولدی دیدوکی ساعتده حاضر اولان
کسینه باقوب جمیع مسلمانلری قلعه به کیر کوردی پادشاه دخی کبررکن یاننه باقوب اجد پاشای
کوردکده شیخ دیدوکی کر چک چیقدی فتحه میرومندن زماننده یوله عزیر اولدیغنه میروم زیاده دریدی
* نایابا ینه شقایقه مذکور در که قطب الا قاق خواجه عبید الله نقشبندی حضر تلی عجمده شهر
چر قنده بر خیس کونی او یله نمازین قیلوب بجهل ایله ابراقا ته نبوب بعض می یلدر دخی ییله کیدوب شهر دن
آیرل قده انله توقف یوروب کندوسی یالکریجه بر صحرایه واروب هر طرفه آت صالوب می یلدر دن بری
آردنجه کیدوب بوحالی کوروب دوند کارنده حضرت شیخه سوروب اودخی روم پادشاهی محمد خان اول آنده
کفار ایله محاربه ده بزدن استمداد ایتدی * اکامه اوته واردق بعون الله منصور اولدی دیدی بو طرفده
پادشاه دن منقولدر که خیس کونی عقیب ظهرده ازدحام کفاردن عسکر مزانه مزانه یوز طوقلارنده خواجه
عبید الله دن استمداد ایتدیکده آق آت نبوب شویله لباس و صفته قارشومده حاضر اولوب قورقه دیو تسلیم
ایدوب بدخی کفار چوقدر دیدیکده قفتانی یکی کوستروب ایچنه باق دیوب باق دیغده بچده عسکر اسلام
ایله طوماش بر عظیم صحر کوردم بولرسکامه عاونه کلشدر در فلان بشته به حقیقوب اوج کره طبل چالدروب
عسکره امر ایله کفار جهل ایلسونلر دیدکده ییورد قلیک جهل سن ایتدم کوردمکه خواجه دخی عسکرله ییله
جهل ایدوب فی الحمال کفار صینوب طاغذیلر خواجه به عسکر کفار چوقدر دیدیکمی یاننده اولان وزرا
حیرتدن عظم متلاشی اولدیغندن ناشی صانوب زیرا حضرت خواجه بی انلر کورمز لردی دیدی (نظم)
ابر شوب عالمه آواز فتح * جهان طولدی پیام تازه فتح * بلاد ملک اولوب سر جهل ترین * فلک کرده ملک
ایتدی تحسین (تتمات) تکرور وزیر ی طولوب توابعیله حبس اولنوب کی به نبوب چان فرنکار سلوری
حصار نه کیرد کارنده مفتاحی پادشاه کوندربمکین ضبط نه آدم کوندروب وارد قلدن قده قوم برغوسی
و بو غاطوسی دخی فتح ایتدیله بو طرفده پادشاه تکرور معین ایدی دیو وزیر اعظم خلیل پاشای توابعیله حبس
ایدوب قرق کوندن کیره اتی قتل و سائر لری آزاد ایتدی حکام اطرافه امر ل کوندروب اهل صنایع و حرفی
اهل و عیال لریله استانبول کتوردوب شهر اور تا سنده اسکی برای بهد زمان اب دریاده یکی سرای و جامع
شریف و کز مدرسه و عمارت و بیمار خانه و نیجه عالی بشالره شهری معمور ایتدردی (فتوح) پادشاه
سلاطین آقا قردن هدایا ایله تهنیتنامه ل کلوب لاس حاکمی و بلقی اوغلی دستبوت دخی مرحوم سلطان مراد
فتح ایدوب ینه بو عیال و غصه ایله الدیقی قلاعل بعضنک مفتاحلری کوندروب پادشاه باقیرین ایستوبوب
اودخی عنادا تنمکین پادشاه قاقیوب عسکر اجتماعنه قتلایموب لاسه کیدوب مقدما اقبیلر صالوب یوله
عسکر تشوب دستبوت مال و منالنی سورجه حصاره قویوب اهل و عیال ایله انکه کروسه قاجوب پادشاه
سورجه به کلوب محاصره ایکی طرفدن چوق آدم هلاک اولوب عاقبت کافر ل حصار ی آجوب دستبوتک

ایمان جدمالک اولدیغی انواع اموالی پادشاه الوب مزبور حصارک جوارنده نیجه حصون مصون فتح وضبط
اولوب بوسفرده امواله حصار ی دخی فتح اولندی * بعده پادشاه وافر عسکر کوندروب بقیه ولایت لاسی غارت
یورمغین اداء خدمت ایدوب طیوملغه کلدیلر * پادشاه ادرنه به قسلا مغه کلوب محمود پاشای وزیر
اعظم لقتدن عزل ایدوب ومنلا کورانی به دخی المنجوب قاضی عسکر لکدن عزل ویرینه منلا محمد الدینی
نصب ایتدی * دستبوت هدایا ایله ایلی کوندروب هر یل اوتوزیک التون خراج ویرمکه عهد ایدوب بر یل لغنی
قبضه آدم کوندربوب واروب کتوردی (فتح) پادشاه اوصاله قردن ینه یز قنن مراد ایدوب خاص یونسی
دریادن اون باره قادر غه ایله کوندروب بر کجه واروب علی الغفله محاصره ایدوب قردن پادشاه دخی وارد قده
تکروری قلعه بی تسلیم ایدوب بعده آنک قارشوسنده دریاده طباش اوز قلعه سن فتحه ینه یونس امر پادشاه
واروب فتح ایتدی * بعض تواریخده مذکور در که ایتدکوری که استانبول تکرور بیک اقبیلر سندن ایدی مسلمانلر
هجوملرین کوردکده اهل و عیال الوب سندر لک خیزه سینه قاجوب اینزی پادشاه فتح وضبط در نصره ادرنه به
وارد قده تکرور مزبور امانله پادشاهه کلوب حسنا و مستننا اولان قیزی وافر هدایا ایله ویرمکین جرمی عفو
اولنوب زخنه تیماری ویر یلوب اوجا به وافر سپاهله کوندربل کده (ع) عادت ترک ایلر خان چو
بد کوهر اوله * مغه و منجه یوله علی الغفله جهل سن شهید ایدوب فرنگه ستانه قاجدی (فتوح) لاس حاکمی
دستبوت وفات ایدوب پادشاهه خبر کلدکده عسکر جمع ایدوب سکیز یوز الی طقوزده یوروب ایتد انواری
حصار نه واروب (نظم) قوشاندی قلعه بی وایتدی جنسکی * یوردی آتدیله بطوب و تفنکی * شود کلو واردیلر
طوبی حصاره * درود یواری اولدی باره باره * بدی کون ایلدیله بر جنگ و ییکار * حصار ی ویردی کافر صکره
ناچار * حصار ایچره مکر دستبوت بی دین * قومشدی نقر و آلات زرین * پرایدی قلعه ممدن حاصلندن *
زروسم ایله ملولایدی چوقدن * جمیع سن ویروب سلطان دهره * خدا ایتدی غزانه آتی بهره * ایدوب اول
قلعه بی تعمیر خنکار * قودی آنده بک وقاضی و زردار * ترجمه قلعه سینی دخی الدی * اول اقلیم ایچره
کوس فتح چالیدی * ترجمه دخی پرسم وزیر ایدی * نه معدن باغ عدنه بکزی ایدی * خدا عونی ایله اول حصن
فاخر * محل اهل اسلام اولدی آخر * دیار لاسدن چوق سور مشهور * محمد خان النده اولدی معمور *
چوشد سرمایه شادی فتوحش * غریق بحر رحمت بادر وحش (نثر) بعده بر یکی اقبیلرله بحوری
قلعه سن فتحه و دیار لاسی غارنه کوندروب وارد قلدن بچور بیک کفار ی شهری باقوب حصار ی خالی
براقشدر کورمکین ضبط ایدوب اطراف غارنه یا دیلر بو طرفده پادشاه کوس اوایه کلوب جدا عیالسی شهید
اولدیغی یرده صدقه و طعام اولشدروب غارنه کیدن سردار غنیتمله کادی * پادشاه عسکره اجازت ویروب
خواصیله سلائیکه واروب بر قاج کون طوروب آندن استانبول کادی (جنن) کزیده قلاع ولایت انکروس
اولان بلغراد شدادی بنیاد فلک دوار و راستوار و فتحی دشوار و ایچنده اهرمن کردار بش ییک برار کفار اولوب
دائماد یار اسلامه ایصال شر و آزار ایتمکی کار ایتدیمکین سکیز یوز التمشده پادشاه جمعیاه (نظم) جهل
اجنادینی اعداد ایلدی * عزم تسخیر بلغراد ایلدی (نثر) یکی دوکلان عظیم طوبلری تواندن کیرلرله
کوندروب وارد قده حصار یاننده متر سلقور یلوب قلعه جنکین ایدوب طرفیندن آدم لرد و شوب عاقبت
(نظم) ضرب باروت ایله باروی حصار * طرفه العین ایچره اولدی نارمار (نثر) بدنلر اوستنده مسلمانلر
الای بیر اقلرین دیکوب نیجه لردخی کد کلدن ایچر و کیروب کفار له جنک ایدرکن بخره بخره سردار مردار اولان
قرال بدقه ال قردن عسکر عظیمه و تواندن آلات جنسکله طولو وافر کیرلرله کلوب چاقوب (نظم) حصاره
قارشو قوندیلر کاره * قودیلر زاده لشکر حصاره * توانا اوستنده جنک ایتدی کیرلر * شهید اولدی مجاهد
آدمیلر * قلیلر صد می آواز سندن * صد اچدی فلک دروازه سندن (نثر) کافر کیرلری بچد اولغین مسلمانلر
کمیکیرلری کیرلرله قاجوب (نظم) سازه و تونه جوی خون اولدی * عرصه سبزه کون اولدی (نثر)
نیجه غازیلر خند قدن یوزوب بکوب حصاره حقیقوب نیجه کافر لره هلاک ایتدیله شاه آگاه فرزانه جبه
وجوشن سز مه دانه میدانه کیردکده عسکر یور کلوب بیکیر یلردن بشیوز نفر دلا ورا یچر ویه کیروب کفار له
صاوشور کن قرال لعین عسکر ایله کلوب آنلر جهل سن شهید ایدوب طشره ده اولنله خوف دوشدکده پادشاه

نکاح خلوت نکور الیه عمالک عثمانیه فی غارت ایدودی * پس امر پادشاه ایلده سیمواس بکار بکسی وافر عزب
 یازوب دلاوران رجوم هجوم ایلده مزبور قلمه بی محاصره و جنگ کار ایدوب فتح میسر اولما مغین اطرافنده اولان
 بلاد و قرانی تالان و خلعتی تالان ایدوب حاکم ایران رخنه عمالک ویران ایدو کزنده اوزون حسن امر ایلده تراکه
 متراکه دخی دمادم عمالک عثمانیه بی غارت و امر ایه عثمانیه ایلده جنگ و خصوصت ایدر ایدو و کلمر بن پادشاه
 ایشیدوب قیونلو حصارنه واروب محاصره ایدوب اوزون حسن راه زن مانند زن کماخ طاعلرینه قاجوب
 اشقیاء ترله همجو کرلستلر کجه کلوب اردودن طشره بولد قلمی قاجوب قاجوب چالوب بعده حسن دراز عم
 زاده سی خورشید بکی وافر ازرا کله رهگذر عسکرده بوصویه کوندروب قراول اولان کدک احمد پاشا بکجه
 اکار است کلوب محکم صواشوب اترالک صینوب قاجوب قیریلوب خورشید آزادله قورتلوب وارد قده
 حسن نام مستحسن والده سی ساره خانونی وافر هدایا ایلده و بکر یله اعتذار و طلب عفو کوندروب پادشاه دخی
 حصار ی امانله الوب حسن اوستنه عزمتله (ع) صعب و دشوار و آسمان کردار * کوه قاف شکوه بلغاره
 ابلغار ایدوب یقلاشد قده ایلچیلر دخی کلوب ساره بیچاره نضر عنه مرجه عفو اولوب پادشاه برادرب هزار تبعاله
 طاعی آشوب طر بزونه واروب سینوبده کی دو نماند دخی کلوب طوبلر اقلند قده نکور قلمه بی ویروب پادشاه
 قول اولغین اهل و عیال ایلده استانبوله کوندربیلوب رعایا خراج کسلوب کفار سب پاهیلر بک املاتی غازیله
 ویریلوب طر بزون خزینه سنک کزیده لری ساره خانونه باغشالوب ولایتنه کوندربلدی * پادشاه قزل احمد
 مور و سنجابن ویروب اودخی قبول کوستروب کیدر کن بولیده اسبابی الوب اوزون حسن قاجدی سلطان
 باریند زمانده کلوب آخر عمر نه دل رعایا اولندی * پادشاه احمد قاجدیغین ایشید کده اسماعیل بک دخی
 قاجامغیچون اهل و عیال ایلده قلبه طرفته کوجورلدی (فتح عظیم) پادشاه استانبوله کاد کده افلاق حاکمی
 قازقلو بوده نکت خیانتی ایشیدوب عسکر جمعه امر لرو الوب مزبوری دردولته چاغردوب اودخی
 بن پادشاه قدیمی قولی اولغیم نوله واریم لکن ولایتی قرا لدن حفظه آدمکر کوندربلدی (نظم)
 ليس المشيئة لاسلطان والناهي * ان المشيئة في الاشياء لله * مفهومه وجوب و تقو و تقدیر مقتضی
 خطای التدبیر اولغین امر پادشاه اهل و عیال ایلده بکی جزه بک بعض امر او اعیانله شدت شتاده افلاق محافظه سنه
 وارد قنده (ع) قازق آرایش قازقلو لغین * شجون و حزه بکی اکثر عسکرله شهید ایدوب باشلرین قرا له
 کوندردی * پادشاه بونی ایشید کده سکر بوزالتش الی بهارنده عسکرله یور یوب قازقلو صعب برله قاجوب
 قدیم عدوسی اولان بغداد بکی دخی کلام کیچون بوللری سدا بک عسکر کوندرد کده پادشاه انزله الی فرسخ
 برده صومز بر صحر آه کر بلا همتاده بر غایت امی کونده راست کلوب انزله مسلمانلری اخیلر صاوب قاجیوب
 جنگه مقربا غلنوب اول وهله ده کفار صینوبیدی بک عدد جبهه لو کافر قتل و باقیلری اسیر اولوب پادشاه
 افلا قده بر آئی او توروب کامر انقلر ایدوب قازقلو بر کجه شجون کلمکه عزم ایدوب پادشاه خبر الوب الای
 باغلیوب طوروب کفار بوللری غافل صاوب اول محکم قرا کو کجه ده کلوب عسکر ایچنه کیروب مسلمانلر انزله
 قلی او شروب محکم صواشوب کافر طاعلر غازیله لیت صائل و غیت هائل کبی حوله لر بقاندره جمله لر
 ایدوب ولوج شامدن بلوج بامه دلک آتش حرب و کین تسکین اولوب (نظم) زمین از خون مردان موج زن
 کشت * سپر هاشت و جوشنها کفن کشت * قازقلو ملعون نه بره وارسه پای سمندی قانده ودل
 برغلی خفقانده اولغین * بخت مخصوصه عزم آنکروس ایدی غازیله بجان کفار دین بولد قلمرین کتوروب قتل
 اولوب جنگ ایدر لک اهل و عیال لری اسیر و غازیله واصل مال کثیر اولوب ولایت افلاقی پادشاه ضبط اید کده
 انک بک لکن قدیم آستانه ده اولان قازقلو بک برادری رارول و پوده به ویردی (تسخیر) یتیمه اشوب سنده ده
 پادشاه قزلک ضبطنده اولان مدلی جزیره سنده دو نمان کوندروب کند دخی عسکرله قرده دن واروب قلمه بی
 طو بلر اقلند قده نکوری کلوب پادشاه قول اولد قده مال و عیالی کندوبه ویریلوب قلمه ضبط اولوب جزیره
 رعایا سی قهر بر اولوب سباهیلر تیمار ویرلدی (فتوح) ولایت بوسنه قرالی عصیان ایتکین سکر بوزالتش
 یدی بهارنده پادشاه عسکر پیشمارله یور یوب قرا لک اتاج حصارنی یقیدیغی ایشید بکین پادشاه قاجیوب
 محمود پاشایی بعض عسکرله مجلا کوندروب اودخی لوجه حصارین اوج کون محاصره ایلده الوب ضبطنه

آدملر قوب بر رو ایدو بولوجه حصارین دخی اوج کون محاصره ایلده الوب خلعتی استانبول فواحه سنه
 کوندردی * بوماینده نیجه بیچنه لربولوب غازیله طیوم اولوب بده پاشا قرا ل اولدنی قلمه کلوجه کیدوب
 کجه اولد قده بر مخالف دربنده کلوب دخوله اقدام ایدوب طورخان اوغلی عربکی دیل المغه سردار ایدوب
 اودخی کیدوب قرا ل احوال بیلور کافر لربولوب پاشایه کوندروب قرا ل غافل اولغین عرب بک ایاغاره کیدوب
 قلمه یاتنه یقلاشوب قرا ل بوللری اخیلر صاوب اورتابه الوب نهری عمیق اولان کوپری بی کسمکه آدملر
 کوندروب عرب بک دخی مر دانه صواشوب لکن کفار چوق اولغین اضطرارده ایکن پاشا کلوب یتشوب کفار
 قلمه بی قاجوب قرا ل محاصره دن عاجز قالد قده امان و نضر ع ایلده قلمه بی ویروب کلوب پاشا دخی انی پادشاه
 ایلنوب صوحن عفو ایدر مکده عهده ایدوب بعده قرا لک برادری اولدنی اورجای قلمه سنه واروب اودخی
 برادرین کوروب کلوب قلمه بی ویروب پاشا بول قلمه لری ضبط و حفظ ایدر یوب کاد کده پادشاه با ییجسه حصارنه
 کلمش اولوب کافر قرالی و برادرنی طو تلش کورمکین قلمه بی ویروب پادشاه انلری استانبول فواحه سنه
 کوجوروب بعده پادشاه محمود پاشایه قرالی جبرله طوغق ممکن ایکن امان و وعده احسانله کتوردیکنه قاجیوب
 عقده باغلدی رضای ملول مقتضای سنجه سلول مصارعه آساردن اصعب و خراط قساددن اتعاب ایدو کی معلوم
 ذوی الادبدر ملاحظه لری نه موافقت و اتبیه هر خردمند آگاه ایشی و هر مر دراه روشی دکادر که خط ایدنه
 عطا لرایدوب میر ایدر لکاه تدبیر دلبر ایدی تدبیر ایدر ل * مقاصد و اغراض مقراض اعراضه مقطوع
 و اذیال حب مال دن پنجه آ ز ممنوع اولمخجه چشکال عقابلر دن خلاص میسر و تاب عقابلر دن نجات
 متصور دکادر * القصه پادشاه قرالی قتل ایتکی علم اهل دانشه طاعشوب اوسفرده بیلده اولان منلام صنف
 فتو اویروب حتی منلا کندوسی نواب ایچون اننه قلی الوب بر قاج کره چالوب کسدرد مدی (فتوح) بوسنه
 ولایتنه متصل قواج ایل ویاولی ایل حاکم لری بکه قراجه اوغلی ویاولی اوغلی دینلوردی * نو فرده
 طونلوب محبوس اولغین بوسنه قرا لیه بیل قتل و عملکنلری ضبط اولوب جمله ولایت بوسنه دخی تسخیر
 اولوب بکاسکی منت بک اوغانه توجیه اولندی * اخیلر براغتنام و عسکر اسلام عطایای سلطانله شاد کام
 اولدیلر (فتوح) ولایت بوسنه قونده هر سک دیارنی که قلاع رفیه بی مشتمل و جانب غریبی بحر فرنگه
 متصلد رفخ ایتک ایچون پادشاه توجه اید کده قرا ل هر سک فرنگه قاجوب پادشاه انی فتحه محمود پاشایی
 کوندروب استانبوله کیدوب پاشای خجسته رای هر سک قلمه لری برر بر رفخ ایدوب قلاع حافظلرین حبس
 ایدوب مال وافر ایل کلوب قرا ل هر سک پادشاه هدایا ایلده اوغلی رهن کوندروب رجاء عفو و احسان ایدی
 شمدن * پس شاه عطایا بخش ولایت هر سکی ایکی بخش ایدوب اعلا سن الیقوبوب باقیلرین قرا له باغشلیوب
 اوغلی ایمانه کلوب انی احمد قونوب تدبیر جمله وزیر اولدی * آ ز زماند نصکره قرا ل هر سک وفات ایدوب
 اکا ویریلان ولایت دخی پادشاه طرفندن ضبط اولندی (حال فرمانان) (نظم) و اذا اراد الله رحله دولة *
 عن دار قوم اخطا و التذیرا * مفهومه پنجه قرمان اوغلی ابراهیم بک اسحاق پیر احمد قرمان قاسم علاه الدین
 سلیمان نوره صوفی اولدی اوغلی اولوب اسحاق جاریه دن سائر سلطان مراد خان همشیره سندن اولغین
 تختی اسحاقه اولقی مراد ایدوب ایچ ایلنی اکا ویروب کزیده اموال اکا امانت قوبوب سلفه کده قلمه سنه قرار
 ایدر مدی * سکر بوزالتش سکرده مرض موده اوغللری کلوب بونی محاصره ایدوب قونیه قلمه سندن
 چیقاردوب بودخی قاجوب کواله حصارنه کیررکن ضعفدن وفات ایدوب پیر احمد قونیه ده تخته بکوب
 سلیمانله نوره صوفی پادشاه کلوب آغری یارلر ویرلدی اسحاق اوزون حسن هدایا ایلده خبر کوندروب
 بکامع اونه کس و نلر هر قوناقلرینه بیکرالتون ویریم دیوب حسن دراز اشوب چوق جائزه به حرص و آز ایل
 کلوب احمد برادر لیه پادشاه قاجوب اشتکا و لطفنه انک ایدی * دراز ناساز قرمانی تالان ایدوب کتد کده
 پادشاه احمد عسکر قوشوب کوندروب جنکده اسحاق صینوب خزینه سن الوب درازه قاجوب خانویه
 بر اوغلی سلفه کده قالد یلر احمد سلفه کده دن غیری جمله قرمانی ضبط ایدوب آقشهری بک شهرنی صقلان حصارنی
 ایلغون بازارنی پادشاه ویروب عاقبت ذاتده اولان بدی که موجب خسران ایدر برابر از و غارت عمالک
 عثمانیه به آغاز ایدوب (نظم) چوتیره شود مر دراروز کار * همه آن کند کش نیاید بکار *

معه و منجه پادشاهان ایاغونی تکرار آید سده کده نظر پادشاهیدن دوشوب عاقبت هلال اولدیغی عاقبت
احوال بعضی قرمانیان ایلده عن قریب بیان اولدور (فتوح) ملوک کفار اتفاقلشوب جزیره موره به
فرنگ بوسنه به دخی انکروس قرالی هجوم ایتکین پادشاه غیور جمع عسکر منصور ایدوب سکر یوزاتش
طقوزده اولامچو دپاشایی کوندروب در عقب کندودخی کیدوب پاشاموره اغزنده کرمه حصار نه یقلاشد قدیم
سابقا فرنگکار آتی ضبط و تعمیر و اسباب حفظ و جنگی تکرار ایدوب حالا کورفوس قلعه سن دوکوب
دیوار لرین دلوب المتی اوزره ایکن قلعه موره ایچنده اولان موره بکی سنان بک امیدین کسوب ناچار شجون فکر
ایدوب بر کجه یوزدن زیاده سوار و پیاده ایلده صدای کوس و نفیرونلای تمایل و تکبیر ایل پور یوب کافر لر محمود
پاشا کادی صانوب شاشوب اکثری قریلوب پادشاهی کلوب کرمه حصارنی وجه بسیرله تسخیر ایدوب چنان
کفار له آرد لر نجبه ایاغارجیلر کوندروب آند دخی بتشوب چوغنی قیروب قورتلان کافر لر کازده کی کیلیر سنه
بنوب قاجوب بده پاشا امر پادشاه جزیره موره ده اولان موری مسیراط لونداریلدر قلعه لرین ک بونله
قارلی ایل دیلردی وایکی قلعه به دخی فتح ایدوب پادشاه دخی انکروس قرالان ولایت بوسنه به هجومدن
منع ایتکه کیدوب صوفیه به وارد قدیم کیلر له چنان فرنگ مدلی به واروب المنه مباشرت ایتکه قلعه
خلفدن فریادی کلکین پادشاه محمود پاشایه کلبه و ایدوب کجوب مجمل مدلی به واره سن دیو اولاق کوندروب
اودخی موره محافظه سی لوازم کوروب کیدوب فرنگر مسلمان دوتخامی کادوکن ایشیدوب قاجوب
پاشا مدلی به کلوب تعمیر و حفظی لوازم تدبیر ایدوب پادشاه کندی قرال بدفعال فرنگکار له انهم زمان
ایشیدوب ولایت بوسنه دن همان یایجه حصارین الوب کیدوب آتی دخی الیدی ضابط لرینک تقصیرندن
اولغین پادشاه ایلره عظیم سیاحتلر ایدوب قیش کلکین دوتوب استانبوله کادی (غلبه) سکر یوز تمشده
پادشاه یحیی سباهله یایجه بی قرال اندن قورنار مغه کیدوب وارد قدیم محاصره ایدوب چالشوب اسباب
ضبطی وافر اولغین زمان محاصره اوزانوب قرال لغین پادشاهی آندن صرفی چون وافر عسکر له کلوب اوزرینق
قلعه سن محاصره ایدوب پادشاه دخی یایجه بی محاصره ده امر ایدن برنی بعض عسکر له قیروب کندوسی
اوزرینقه عزم ایدوب کجه جک صعب در بندله قرال عظیم طوبیله قوروب وافر جبهه لو کافر له بکادوب
قیش دخی قریب اولغین پادشاه روم ایل عسکر یله محمود پاشایی اوزرینق محافظه سنه قیروب کندو صوفیه به
قیشلامغه کندی بشیوز نفر دلاور له سابقا اوزرینق محافظه سنه کوندربیلان میخال اوغلی اسکندر بک
کفار له قلعه دن صواشوب طوبیله یقلا ن برلری دمدام با یوب لکن امتداد محاصره دن عاجز قالمشدی پاشا
در بندله قلعه احوال بقولامغه کجه ایچنده آدم لر کوندروب وارد قلنده محکم قیش اولغین محاصره ایدن
کفار اطراف حصار ده بیرالنده از به لایدوب ایچنده با تور لر اولغین خبر وارنلر حصار کارنه کلوب بکچیلر له
سولشوب صبر ایلک اوج کونه دل پاشا نزه کوردوب کیدوب ایتسی قلعه ده طبل بنارت چالشوب کجه کی
مصابحتی قرال ایشیدوب اغر قارنی قاجوب صالت قلوب یولارده قرال قیروب میخال اوغلی علی بکی
اقتبیلر له کوندرد کده کافر لر قرال پاشا کادی دیکین جله اسباب جنگی براغوب قاجوب علی بک حصاره
واروب حصار خلقی دخی یغما به و تکرر نهمایه چالشوب پاشایه خبر وارد قدیم ایلغار له کلوب نهر ساویه
وارنجه خان کفاری غیروب چوغن اسیر ایدوب ساویه به خود یحیی کافر غرق اولوب قرال مقدم کچمکین
قورنلوب کیدوب پاشایی کامیاب اموال غنیمت یحیی پادشاه کلوب انواع رعایتیه مظهر اولدی (تسخیر)
سابقا ارناود کافر ی عصیان ایتکین سکر یوز تمش برده پادشاه ارناود ولایت عسکر چکوب واروب
سرکشل ایدنلری طوبیله ولایتین تسخیر و سردار لرین تحسیر ایدوب اطرافه اقتبیلر صالوب یحیی اسیر و مال
وطوار کثیر کوروب طباغله چنانلر کلوب عفو و لطفه مظهر اولدی و طباغقه عصیان به اختیار لر در دو مقرر
اهل اسلام اولغی چون احتیاطا آرزمانده بر حصار استوار ایدوب پاشا نامنی ایلحصان قیروب پادشاه ادرنه به کادی
(فتح) ارناود سردار لردن خائن اسکندر خراج و بر مکه عناد و ایلحصان شهرنی غارت و قلعه سن محاصره
ایتکین تمش ایلک بهارنده پادشاه عسکر جمع ایدوب واروب اسکر در قوری باشی و کوزی باشی ایل
فرنگه قاجوب پادشاه آنک جله مان و ولا تیرین الوب ایکی سخا قایدوب بر کسنه به ویردی عا کده طاعون

اولغین پادشاه شهر لر کیر میوب قره دکر کازی ستمنه واروب راحت افزا جالارده قیسه دل صفا سوروب بعده
استانبوله کادی (نظم) تأیید المیش چو یار یها کرد عالم بکرفت و کامه کار یها کرد (فتوح) قرمان
حاکمی پیر احمد بک قلی قاسی اولغین لطف سلطان جود استیفا می ناسی اولوب غارت ولایت به مباشرت ایتد کده
پادشاه قرمانه عسکر چکوب احمد لارنده به قاجوب پادشاه کواله قلعه سن فتح و قونییه شهرین ضبط ایدوب
محمود پاشایی عسکر له احمد کوندروب وارد قدیم امر اعظم جنسکار ایدوب عاقبت قرمان لر صینوب احمد
خلایص اولوب پاشانک اسباب عزلندن بری دخی بواهمال اولدی دیشلر اسیر اولنلر پادشاه کتورلد کده
جمله ستمه سیاست اولوب بعده طور غوداوغلار بن اله کتورمکی پادشاه پاشایه سوروب اودخی ایلغار ایل بلغار
طاغنه کیدوب مزبور لر سوسه قاجغین پاشا بلغارده بولدیغی طور غوداوغلری زنجیره چکوب کتورلد کده
امر پادشاهیله قتل اولندیلر بعده پاشایه قونییه ولارنده اهل حرقتندن به ضلری استانبوله سورمک سورملغین
انتخاب و انواع تسلیت ایل کوندرد کده پاشانک عدوسی اولان روم محمود پاشایی ارتش ایتدی دیو غنم و سابقا
سفر لده صدور ایدن بعض امورنی سوء تدبیر و قصور به جل ایتکین پادشاه قرمان بک کن اوغلی سلطان
مصطفایه و یوروب استانبوله کورکن محمود پاشانک افتاغنه بیه قدر و عزل ایتدی قرمان اوغلی اسحاق
اوزون حسن یاننده یا خود عسکر له کور ایکن وفات ایتدی (فتح) فرنگ بکرلندن جدرال التمش
قدره ایل ایل ایزه کلوب قاضی و خطیب قلوب شهر غارت ایتکین سکر یوز تمش اوچده پادشاه دوتخا
امر ایدوب کلبولی بک لکن محمود پاشایه و یوروب یالیرده کی کیلری جمع ایدوب اغر یوز جزیره سنه وارمق
بیوروب اودخی جمع ایدوب واروب جزیره اطرافنی قوشادوب روم ایل یقاسنه قورمش اولوب کافر له کسدکی
کوپری برینه کیدور استندن کوپری قوروب طوروب قرا دن پادشاه کلوب قلعه بی هر طرفدن دوکوب
بو حالده جدرال سیکسان باره قدره ایله معاونه کلوب کثرت عسکری کوروب ایراقده طوروب مسلمانلر
قلعه به یوریش ایدوب جکری فرصتی کوزدوب دیل المنه قایقلر کوندروب کازه کلش برمر تدبولوب الوب
اوجنی کون یوریش در دیوب پادشاه صائب تدبیر دیل اندیغندن خبر اولد قدیم ایرته یغما کونیدر
حاضر اولک دیوند ایتدی و زرا و امر ایدو شاک بوتدیرنه حیران اولوب استحسن ایتدیلر (نظم)
عقول ملوک عقول اولدی قوی عقول الملوک ملوک العقول (نثر) پس ایتسی وقت سحرده طوبیله قلوب
کد کاردن یوروب حصاره کیروب خدمته قابل اولنلری در زنجیر و باقیسن قتل و شهری یغما ایدوب غازیلر
طیوم اولوب وقت ظهرده حصاره بیراقلر دیکوب جعه نمازی صلاهی اوقند قدیم جدرال ملعون ایراقدن
کوروب مغبون اولدیغنه محزون اولوب کیدوب مزبور قلعه به مقابل دریا ایچنده قزل حصار در لر بر غوز که
کافر له خزیننه بی انده ایدی فتح اولندی و جله مالی خزیننه پادشاه ایچون الیدی اشبوسنه ده سلطان جبه
قسطنطونی سخا غنی ویرلادی (وقایع) پادشاه استانبوله کلد کده روم محمود پاشایی وافر عسکر له قرمان
اوغلارنی استیصاله یعنی دیار عده ایصاله کوندروب لکن (نظم) از جوهر بدهمه تباهی خیزد *
شور و شر و فساد و منیاهی خیزد (محرره) اول ستم بیسته بد اندیشه * خلقی دوشردی در دوشوشه *
اغنیاسندن اخذ مال ایتدی فقر اسینی پایمال ایتدی (نثر) جمع مال ایچون کزوب وارساق دیارنه دخی وارساق
دیوب وارد قدیم تجاوزه بشلامغین وارساق بکرلندن بری وافر پیاده ایل بر در بندله طوروب عثمانی لری قیروب
پاشای غشای افشای ذوارت شاخزیننه سن آلدروب عسکر له نصفی مقدار یله کوجه قورتلدی (ع) چرا عاقل
کند کاری که باز آرد پشیمانی * پادشاه بونی ایشیدوب مزبوری قتل ایدوب قرمان سفرنی وزیر اعظم اسحاق
پاشایه بیوروب اودخی سکر یوز سیکسان بشده وافر عسکر له لارنده به وارد قدیم احمد بک اوزون حسنه برادری
قاسم دخی صعب لرله کیدوب یا خود وزیر ایل صواشوب صینوب اودخی اوزون حسنه قاجوب پاشاموت
وینکده قلعه لرین تعمیر واره کوی و اوج حصارنی وارونه حصارنی الوب اقسرایه کلد کده امر پادشاهیله
استانبوله اولر سوروب حالا استانبوله اقسرای دید کاری محله به قوندیلر (فتوح) پادشاه کدک
احمد پاشایی تمش ایتده علائیه فتحنه وافر عسکر له کوندروب وارد قدیم طوبیله قوروب حصار ی دوکوب
حاکمی اولان قلی ارسلان بن عبد اللطیف بک پاشا ایل خبر لشوب امان ویرلکه اطمینان کلد کده اهل و عیال

و مال و منال طشهره چیه قاروب قلعه بی تسلیم و پاشایه تضرع و التجا ایند کده پاشا دخی ولایت علائیه بی ضبط و احکام نصب ایدوب (نظم) اول ارسلانی خدیو بدو بنده * کتوروب ایتدی اخلاص ایل بنده (نثر) پادشاه دخی قلعه رعایت و کومبلنه سنجاغ عینایت ایتدی * بعده سلفه قلعه سنده اولان اسحاق بک اوغلی پدر بک و قاتر ایشتمد کده قلعه بی و برهیم ضبطنه آدم کوندرو سو نلردیو خبر کوندرو مکی پادشاهینه احمد پاشایی پیش یدیده عسکرله کوندروب و اردقده ضبط ایدوب اندن موقن حصارنه واردقده اوزون حسن پیراجد بکله قامم بکه عسکر قوشوب سرحد کادکاری ایشیدمکین پاشا قونیه به ~~کتدی~~ (فساد) قره قونلو طاقه سندن تبریز دیار بکر پادشاهی جهان شاه بن قره یوسفی و اکبر مالک عجم پادشاهی اولوب تیورانک نسلندن اولان ابوسعید میرزایی ایکریل ایچنده نابود ایدن آق قیونلردن عراق عرب و عراق عجم و آذربایجان و فارس و کرمان پادشاهی اوزون حسن بایندری کند و یاتنه کلان قرمان اوغلاری احمد بکه و قاسم بکه وزیری عربکی و عم زاده سی یوسفجه میرزایی و افر عسکرله بیل قوشوب انلردخی توقات اطرافته کلوب رعایای پامال و توقاتی باصوب جله شهری آتسه باقوب انواع فساد و ضلال ایدوب بعده قیصریه به دخی کلوب آنده دخی فساد لر ایدوب بعده عمر بک دو نوب کیدوب اون بک آدمله یوسفجه بی قرمان اوغلرینه قوشوب بونلردخی قرمان و حیدر ولایتلرین کروب محالک عثمانیه ده فساد لر ایتدیلر (عقوبت) پادشاه بوحالری ایشتمد کده محمود پاشایی تکرار وزیر اعظم ایدوب اناطولی بکر بکسی داود پاشایی شهرزاده سلطان مصطفایه قوشوب انلردخی کیدوب یوسفجه ایلدیر ایلنده محکم صواشوب ترکانلر سیل آشوب باشلرندن آشوب ایاقلری لام الف کبی طولاشوب دستی پادن پستی بالادن فرق ایدو صیوب شاشوب کیمی مقتول کیمی مغلول اولوب پادشاهه کتورلد کده یوسفجه ایل بکرین حبس ایدوب سائرلرین قتل ایتدیروب مهلسکه ممرکدن احمد بک ترکانلردن آز کسنه ایلدیر قورتلوب نه حسن درازه قاچوب قامم بک طاش ایلنه ~~کیروب~~ سلفه قلعه سن پادشاه نوابینک اللرندن اوغلردی (انکسار) پادشاه اوزون حسنه عقاب آمیز و طعن انکیز نامه کوندردیکه مضبوطی بودر (نظم) سن امک حکمه بزرگوارالم * باشکده بیوه چنبرین صارالم * مملکت یقه می هنر صاعه * مقصدک جنگ ایه تک اوصفه * قوسن دواته سوار بزم * طالع عون کرد کار بزم * اولمشوز بای عزمه سوار * اینمزایتمیخه دشمنی خوار * خنجر و تیغمز اولوبدیرتند * دور و نزدیکدن کوبدیر جند * کشور شرقی خونه غرق ایدرز * برق کین ایل خصمی حرق ایدرز * مرد روزنبر دایسک قاچه * تقد ناموسی طپراغه صاچه * ضررک چونکه ابردی جیرانه * کاخ اقبال اوله ویرانه * چونکه سن راه عدلدن چیقدل * تیشه ظلمه اولد ییقلد * قصه کونه ایشی دراز ایتد * در فکر کرزی باز ایتد * بعده سکر یوزتمش سکر و والنده پادشاه سیوا به واروب عسکری بوقلا میخچون الای دوزوب روم ایل بکر بکسی خاص مراد قرق سنجاق بکله و بکریمی بک عزب ایلد صاغقوله شهرزاده بایزید خانله اناطولی بکر بکسی داود پاشایی کرمی دوت سنجاق و بکریمی بک عزب ایلد صوغقوله شهرزاده مصطفی خانله طوروب قبوقولاری اورناده پادشاهک عین و بسار و قفا سنده و بکچر یلرا و کنده زینت و شوکت ایلد طوروب محصل یوز بیک تفرع ~~کیر و ایدری~~ * بوجه محقق ماصدق کل طویل احق اولان حسن دراز ناساز خوف و احترازندن نهر خرات قریبده طاغله ارقه و یروب طوروب خاص مراد قراول اولمغین غرور و شتاب و بیهوده شتاب ایلد بعض عسکرله حسن اوتمنه کیدوب اورنایه انوب محکم صواشوب عاقبت پاشا واکثر عسکری مقتول و بانیلر مغلول اولدیلر (واقعه) پادشاه یوسفجه ابتدای بوجهنده واقعه سنده کوردیکه حسن دراز ایلد کوروش طوروب حسن بونی باصوب دیری اوتمنه چو کدروب بودخی انک بوکین دلوب جکرندن بروصله قویاروب طپراغه انوب حسن بونکاه زبون ایدوب اوتمندن دفع ایتدی * بو واقعه بی علمادن بر نه تعبیر ایتدرد کده نصرت و غلبه ایلد بک پادشاه بوسفر ایچون معصفت شریفدن تفأل ایتدم (فریضه) لک الله نصرا عزیزا) ابی کادی نصرت و فرصت بزمدر زبیر اعد درو فی اشوب سنه نلک عددنه موافق در دیو تقویت قلب ایتدی * مراد پاشا قصه سنه پادشاه الم چکوب لکن واقعه ده کورین دیراوستنه چو کلک بواش شدن کیر و دشمن جکرین قویاروغله فرصت و نصرت بزمدر دیو قوت قلب حاصل ایتدی (جنگ عظیم و غلبه سلطان کریم)

لسان حال زمان (نظم) این زمان شمشیر کین بر ترلتر کان آزمای * دردبار تر کان نه ترکمان نه ترکان * مفهومی کویان اولمغین شاه بر ناموس یاتنه عسکرک قاموسی قاموس اعظم کبی مجتمع و ماهیچه اعلام ظفر اعلاملری ملتحم اولوب بایسورد طرفه کیدوب یدنجی کونکه سکر یوزتمش سکر ریسع الاقاینک اون التخی کونی یوم الاربه ایدری عسکر حسن راه زنه چاقوب (نظم) الای باغلندی سنجقورچولدی * نیچه زینت ایلد صفلردیلدی (نثر) جنکه باشلند قده سلطان مصطفی قولنده داود پاشا سینه دوشمنه هجوم ایدوب طاعروب فارشوده حسن درازک کوچک اوغلی کور زینل میرزا عز بلرا سینه دوشوب باشی کسلوب پادشاهه کلد کده واقعه ده حسنت جکرین قویار دینک تهمیری اولمغین شادمان اولدی * صاعقه ولدن سلطان بایزید دخی اوزون حسن طور دینی پشته به هجوم ایدوب زور و موفورله حسنی طاع دینه طقوب بعده حسن عسکر نلک صوغقوله اولان بیوک اوغلی اوغورلی محمد اوزرینه هجومله صیندروب سوندروب محمدی دخی (نظم) نه جای قرارونه دست ستیز * بنساکام نهاد رودر کریم * مفهومیخه (ع) بخت برکشته کبی یوزچویروب الایدن * کتد کده حسن دراز عسکر نلک انهم زامنندن و اوغلی زینک انعدا منندن (محرره) قلبی مکسور و خاطری غمناک * سینه سی چال و دیده سی غمناک * اولوب محمد خانک کندویی هازم اوله جغه جازم اولمغین میرا خورینه یوز آتی کتورکد باش قورنار اندر دبوب اکا بنوب قرمان اوغلی پیراجدله بیلد کیدوب (نظم) مایه سن دشمن صانوب بخار ایدری * قورقوسندن ایکی چشمی چار ایدری (نثر) اوج کونلک یولده اهل و عیالی طور دینی اردوسنه بر کونده واروب انلری الوب اکثر مال و منال بر اغوب تبریز یولنه قاچدیلر (نظم) لاشه و باش ایلد طولدی مر حله * چوق نوادر نسته لر کیدی اله * ترکان عرقینی کسیدی شاه روم * بلدی مقدارین دراز بر هموم * ایلوب شهیدن کمال احتراز * ایتدی پاین کلیندن دراز * پس وصیت ایلدی اولادنه * باشلدی عثمانلر و صنی یادنه * دیدیکم ایسترسکز اقبال و جاه * ایلک بوخاندانه بدنسکاه * بونلر یارد مجبسی اللهدر * بونلره بدخواه اولان کراهدر * ایتدیلر اولادی پندی قبول * اولدیلر بوخاندانه جله قول * دیمبوب بوغصه به اوزون حسن * اولدی شمشیر غم اکایول کسن * آه واه ایلد کچوردی سالتی * کسیدی دوران رشته آمانی * اولسکه کرداری انک مر دار اوله * صانمه کیم عالمده بر خوردار اوله * حدی بیلک کر کدر هر کشی * تاکه اولیه نه انک ایشی * بد عمل اولور جهان ایچنده خوار * اولسکه خارا کدی اولور محصولی خار * دولت دنیا به مغرور اولمه سن * کورنه اولدی عاقبت اوزون حسن (نثر) شاه و سپاه حسنت اردوسنده تقود و قش و طوار و انواع متاع ایلد پرا تفاع اولوب پادشاهه معرکده اوج کون او تروب ترکان اشقیاسنه قتل عام یوروب اسیرلردن علما و اصحاب معرفت و صنعتی استانبوله ~~کوندروب~~ آق قیونلوری مطلقا قیروب قره قیونلوری آزاد ایدوب حسن دراز حبسنده اولان عجم بکرزاده لرین امام سیه ده حبس ایتدیروب جنکده و بعده قتل اوللردن غیری اوج بیک اسیری یولده برهفته به دق قتل ایتدردی * بعده قره حصار شرقی به کلوب حاکی اولان داراب بک قلعه دن چیقوب سرفرو ایتد کده ادرنه ده چرم سنجاغی ویریلوب حسرت المولک اولان حصار و نواحیسی و انده اولان معدن زاج جله ضبط اولندی * شاه رعیت خوار حسن دراز ~~کبی~~ خان عظیم الشانه غالب و منصور اولدیر غنه سرور و موفورندن جله مملکده اولنلر آزاد اولسوندروب حساب اولند قده قرق بیک جان اعتاق اولمش اولدی * یوسفجه نوجهده سپاهیلرک خرنه دن قرض الدقاری یوز بولک اچیه بی دخی پادشاه باغشلدی * حسن دراز قاچد قده پادشاهه جله ارکان اردنجه کیداسون دیوب وزیر اعظم محمود پاشا عاقل و میرکلام اولمغین پادشاهم عدوی بدخواه ایلد مغلوب اولدیکه مقابلیه قادر اوله لابد صعب طاعلرده اختفا یلده جکی مقرر در محالکی الذیغی تقدیرجه مستحکم قلاعی یوقدر که انی المقدن عاجز اوله وزیر کتدیکه زکی اشقیای ولایت اکاتایع اولق مقرر در پس سعیز ضایع اولمش اولور اولی بودر که تختگاه سعادت پناه رجوع یورله دیکین * پادشاهه دویوب استانبوله کلد کده حسن اردنجه کیداسه اله کتور بلوردی دیو اغوا و اعدا ایدرا ایلد محمود پاشایه انجنوب وزارتدن عزل ایتدی (فتوح) حسن دراز انهمز امند نصکره شامتی سرایت ایتدی دیو قرمان اوغلی احمد بکی نظر دن نواعد و رایتد کده احمدینه قرمانه کلوب قلعه ارمشا کده طوروب اطراف غارت ایتدیرمکین پادشاه کلد احمد پاشایی اناطولی عسکری

و بعض قبو قوال را به کونندروب بودخی مقدم اغفال ایچون احد بکه صلحنامه ایله برایلی کونندروب احد بک
ایناوب مسرورایکن پاشا ایلغارایله واروب باصوب احد بک عسکری قاجوب مغاره لده کیزلنوب کندوسی
خواصیله برآورمانه کیروب پاشا ایل والوس قزمانیانی غنیت و قلعه ارمناسکی جبرایله فتح و ضبط ایتدی
بعده میان قلعه سنه واروب غایت یوسک بک برقیبا باشند اولوب اصلاحیه حاجی یولی اولیوب جوارنده
برطاغدن اکا کوری قوریلوب انک اوزرندن کچیلوب کوری کسلد کده قوش اوچزدی اوطاغ ان اطراف
دخی کوهستان اولوب اکادخی چیقلی غایت مشک اولغین طوب قوره جق برده عسکر متحیرایکن پاشا کمال
دقتله برصعب یول یولوب عسکرله پیاده اولوب اورغانلره طوب یولی زحمتله یولورچکوب قوروب سابقا احد بک
خزیننه و اهل و عیال محفوظ بروردی یوسف نام معتد علیه قولیله یوننده قومشدی پاشا قلعه بی طوب یولره
دوکوب یوسف بک دائماد لکری یایدروب بعده هروجه له عاجز قالد قده پاشا اکا (نظم) بجا ایتمه که
اولز آخری خبر * عناد اوزره قاورسک اید سن سیر * دیوانوع نصیحت ایتد کده امان و پیمان و ایمان ایله
قلعه بی تسلیم ایدوب پاشا دخی احد بک اهل و عیال و مال کمال رعایتله قونیه ده شهرزاده سلطان مصطفایه
کونندروب قلعه بی ضبط و تعمیر ایدوب بیراقلرد بکوب کوس بشارت چالدروب اوجانده احد بک احیاناً
بر یوسک طماغه چیقوب قلعه سنه باقوب انز دیو حظ ایدوب بود دفعه باقوب انش کورد کده چونکه
عیالم و اولانجه مالم خصوصاً قلعه لرم کندی (نظم) الاموت بیاع فاشتریه * فهذا العیش مالا خیریه *
دیوب غشی اولوب عقلی کلد کده کندوبی بر یوسک قیامان آتوب بحکمة الله قفتانی اغاجه ایلشوب طوروب
توابعی ایلرصار قودوب کوجله قورتاروب چکوب زخدن نیجه کون خسته اولوب اول محنت یاری آواره دیار
تقالیب روز کارایله سرکشته و زار اولوب طرسوسه وادی بریل قدر حدود ولایت شامدم آرام ایدوب
انواع محنت ایله آخر نه رحلت ایتدی (فتح) بوجانده احد پاشا سلف که قلعه سنه واروب طوب یولره دو بک
صد دنده قلعه نک طوب یولرله که عثمایلرین ایدیلر خبرلشوب احسانلر و عده ایتدیکین طوب یولر بار و تخانه به
اوت و بروب باروت و بعض اولر باقوب قزمانیلر شایب اکا اوشد کده پاشا عسکرله سابقا اچیلان کد کاردن
حصاره کیروب مستحفظلردن سکسان آدم قتل ایدوب قلعه بی ضبط ایتدیلر (فتح) شهرزاده سلطان مصطفی
کند و آدم لردن نیکده بکی اولان قوچی بکی دوه لوقره حصار فتحه کونندروب واروب محاصره ایتد کده قلعه
ضابطی آتجه بک که کزیده امر اقرمان ایدی شهرزاده کند و بالذات کا و رسم تسلیم ایدرم والا صواشورم دیوب
خبر وارد قده شهرزاده وجع کلیه دن خسته اولوب لکن فرصت فوت اولما مغجون کلوب قلعه تسلیم اولند قده
مرضی قولنجه دونوب نیکده به واروب جامه کیروب حقیقیدی ساعت وفات ایدوب بعده بروسه یه ایلشوب دفن
اولندی (قتل محمود پاشا) پادشاه تعزیت شهرزاده ایچون امراء اطراف کلوب وزارت عظمیان معزول
محمود پاشا دخی کلد کده اعداسی اولان ارکان شهرزاده نک عدوسی اولغین حال و فاته سرورده دردی یولی
غمز ایدوب پادشاه یوقلدوب بودخی بحکمة الله آق قفتان کیوب دفع غم عزل ایچون شطرنج اوینار کورلمکین
(ع) کل نم دیده را آبی غامت * مثلی مفهومیجه پادشاهل سابقا دخی قراج وجهله اینجمنه سی اولغینیدی
قلعه حبس بعده قتل ایتدی * فی سنه سکن یوز شش طقوز (فتوح) قره دکز کاردنده ولایت کفه به که خیلی
زمانه برونفر نک انده اولوب ملوک کفر و اسلام اکا تعرض ایتمه مشلردی * سکن یوز سکسانده پادشاه کدل
احد پاشایه دریادن سفر ایچون دوغما تدارک ایله دیوب اودخی اوچ یوز پاره قانرغه و ماونه و کوه و آت
کدستی جنگیملری و سایر مهماتله تدارک و احضار ایتد کده پادشاه اکا کفه فتحه کتک امر ایدوب کلی
رعایتله کونندروب وارد قده قلعه کفه بی خیلی مدت محاصره ایدوب طوب یولره دوکوب دلاکارا چلوب عاقبت
تکوری امانله و بروب اهل و عیال قورتاروب خزیننه سن پادشاه ایچون پاشایه و بردی پاشا دخی رعایای ابقا
و قشر بر ایدوب بیمار تقسیم ایتدی * عسکر اسلام و ورو قاقم و سنجاب و انواع اموال بحساب الوب مغتم و شاد
و خرم اولدیلر * حصار کفه کفه کیرد کده توابع و لواحق نه خیرینه سی اولنوب قلعه یاپور کرمه بی مهولته فتح ایدوب
بعده ولایت ازاقکده مقابله و مالک شمالیه و ترکستان و ماوراء النهر و دیار حاجی ترخانیدن کلان تجارک
بندر و معبر و بر کس حدنه وارنجیه و قدر قلاع و اراپسه جله سن فتح ایتدی (فتح) بعده مزبور پاشای

قلعه کشای منکوب حصار نه واروب نیجه مدت طوب یولره دوکوب حصار رخنه دار اولد قده تکوری
پاشایه کلوب مطیع اولوب حصار ده اقر باسندن بری قلعه بی و برمکه عناد و چونکه عزم ایدوب تکور حصار
بانته واروب نصیحت ایتد کده تأثیرا تیوب صعب قلعه اولوب فتحی کلی زحمته محتاج اولغین (نظم)
کر کدر حیلله ارلاک ایله یله * که ارلاک اون در طغوزی حیلله * برتر دیرله نیز جیشله ایش * انکچون دیرلر
التدبیر لالجیش * مفهومیجه پاشا محاصره به بر مقدار آدم قویوب کندوسی اوصانوب کتک صورت کوسروب
یو صولره کیروب کفار سفاقتهار طشره چیقوب محاصره ده اولنلره صواشوب انلر دخی تدبیرله کیروب
چکوب یو صولر بانته * کورد کارنده کیمی اوکارینه چیقوب پاشا آردلرین الوب کفار منکوبی منکوب
ولکد کوب ایدوب قیردیلر * وضبط حصار و غنیت بیشمار له مراده ایدیلر (ظفر) یته یولیده سمندره بکی
مالقوج اوغلی امر پادشاه ایله سیرماده سنه اقرین ایدوب الی بیک قدر مسلح کافرله محکم صواشوب عاقبت
غالب اولوب برقاج کافر بکرنک باشی و نیجه لرنک یورنی و کوشنی پادشاه کونندردی (غنیت) پادشاه روم
ایلی بکرنک بکسی خادم سلیمان پاشای کزیده سباهله ارناود اسکندریه سی فتحه کونندرمکین واروب صعب
قلعه اولغله در فتحی باز اولتی محتاج زمان دراز اولغین غارت و عظیم غنیت ایله دوندیلر (هزیت) کمال
قوت و شیطنت سببیلله ملولت عالمه سرفروا یمن ولایت قره بغداد قرالی عصیان ایتدیکین مزبور پاشا عسکر ایله
اکا کتد کده امر کونندرمکین یورغون عسکر تکرار بر آلتی یوله مع الکراهه سفر ایدوب وارد قده زمرة اعدا
بی نشان و نابدید اولغین مسلمانلر غارته مشغول ایکن قرال یوللرده یو صولره قویوب پیاده و سوار ایله هجوم
واکترین شهید و مر حوم ایدوب بقیه عسکرله پاشا کوجله قورتادیلر (فتح عظیم) پادشاه فاقیوب
سکن یوز سکسان بر بهارنده قره دکر دن قدر غله نهر قونایه وافر ذخیره و مهمات سفر کونندروب بغداد قرالی
مزرحه لده ترک لری و صحرا و طاغری باقوب مملکتی اغنیاسن صعب یجنه لره قویوب جله ولایتی طوارلرین
صعب یولره حصاروب جله عسکر ایله ادرته سی آحق و غایت واسع بر عظیم اورمانه کیروب یوللری بیولک
اغاجلر و چالیلرله بند ایدوب عمیق خندق قازوب طوب یولره قوروب آلات حربله طوروب یوطرفه عسکر طفرخو
عدوی نخس روچمن جست و جوایدوب نام و نشان عیان اولیوب سرکردانی و خط و غلا و اول ولایت
یانمش یوزیه و رایحه سیله انواع بلا چکوب کزکن حکمت خالق شب و روز ایله قولاغوز یول یا کلوب پادشاه
انی قتل امر ایتد کده قارشوده اورمانده آدم وارانجی دیو خبر کلمکین بلولک سچلوب یوقلامق ایچون کونندروب
جله کفار بغداد داخل اورمان اولشلردر دیو کاد کارنده قلاغوز قتلدن عفو اولنوب وقت مجرمه پادشاه
الای دوزوب یور یوب دخی نشان کاهه و ارمادین * کفار خول صورت کمال عله و حیرت سببیلله طوب یولر
اوت و بروب مسلمانلر برجه و بربرده اولغین طوب طاشلری اوزر لردن کچوب کیدوب انجی بعض جدال باشنه
طوقنوب کتدی * اما مسلمانلر اندقلری طوب یولر کفارک طوب عربله رینه طوقنوب برده و شمدی پادشاه قلقان
یوزینه طوقنوب آت صاوب جله عسکر دخی طوب و تنکه باقیوب یور یوب کفارک طوب عربله رینه قویوب
(نظم) نیجه اوروب جنگه شیران و غا * دم اوروب هر بری اولدی ازدها * قوشلقدن بین الصلایته دلا
محکم صواشوب وافر مسلمان شهید اولوب لکن اکثر کفار یجده و شمار قیرلوب حتی باشلرندن مناره لریا بلوب
قرال ذلیل عدده قلیله اورمانک برکوشه سندن کوهستانه قاجوب طابور ایچنده کفارک بکیرد و لایعه نسا
و اولادی و انواع اموال غیر قابل التعدادی آتوب یونلردن غیری ایکی آیه دله متصل ولایت بغداد غارت
و تحصیل انواع غنیت اولنوب الشان اجناس دواب بی عدد و حساب اولوب یوسفده افلاق بکی جله عسکر ایله
یله اولغین انلر دخی حاللر شه مناسب اموال دن حصه باغشانبوب اول واسع ولایتده یولنسان خننازیر
سور یلری دخی * الجفسیه عله الضم مفهومیجه یولره و برلری (فتح) پادشاه بغداددن دونوب قونادن
یکد کده انکروس قرالی قونایله موراوه ابرماقلر بک مجموعه عهده مالک عثمانیه دن قویولوج نام محمله طاشله
اغاجدن ایکی محکم حصار و قونانک اونه یوزنده یولرله قارشو شده بر قلعه دخی باقوب طوب یولر و چکوبیلر قویوب
او محلی اسکا عهده ایدوب فساد پاشلادی دیو خبر کلمکین آت قارننه دلا قاریاغش ایکن (محرره) دفع شرورفع
ضرر احدثدن اولی عاقله * دیوشویش قبشه باقیوب واروب اول قلعه لک خندقلر نه قونادن صوصالوب

طو کد قده کچوب طو بلره دو کوب یغمادید کده غاز یلر یور یوب حصار لره بیراقلردیکوب تفنکیجی کافر لره
 کوزاچدرمد قلدند امانله تسلیم ایدوب ولایتلرینه کتک ایستین کفار ه اجازت و یروب باقیلرین اناطولی به
 کوروب خیانتی ظاهر اولانی اسیر ایدوب قلعه لری آتشی باقوب بر ایله برابر ایدوب استانبوله دوندیلر (فتح)
 سکز یوز سکسان اوچده پادشاه ارناود اسکندریه سن قححه کیدوب سرحدار ناودده ایچقه حصاره وارد قده
 ایچنده کی کفار امانله تسلیم ایدوب * باشلرین هم عیال ومالارین قورتاردیلر مهمات ضبطی
 کورلد کده اسکندریه به وارلوب مزبور قلعه بر یوکسک طاغ اوستنده اس کندر ذوالقرنین بناسی اولوب
 بر طرفنده درنه دید کازی دریا شمال ایرماق اقوب اوج طرفتک برنده درنه ایله یونانیه ایرمقلری میچمند
 اش آدلو بر صعب قلعه بر طرفنده دخی بر یوکسک طاغ اوستنده درغوس آدلو بر صعب قلعه بر طرفنده دخی
 بر عظیم کول اغزنده کولباشی آدلو بر صعب قلعه اولوب مزبور کولک منافع ومحصولاتی آنک سببیله ضبط
 اولوب یلده قرقینک فلوری حاصل اولوردی * مزبور اوج قلعه اسکندریه بی جوانیدن حفظ ایتمکین
 قدیدن کامولک عالمین یاد کسنه ظفر بولماشدی * حالا پادشاه کلد کده نهر لک طغیان زماقی اولغین بر عظیم
 کور یوب بلوب عسکر کچوب قلعه به حواله صعب بر لره وافر باقر حیه سارلوب از درها بیکر طو بلر دو کوب
 قلعه به اتلوب بعض برلرین سو کوب مرار یوریشلر اولوب فتح میسر اولماغین امر پادشاه ایله روم ایلی
 بکر بکیدی اول کولباشی امانله بعده درغوسی یغمایله بعده لشی امانله فتح وضبط ایدوب لشد فرنگ
 طرفندن ضبط حصار ایچون کلان بهض فرنگ بکری عیال ومالارین کی به قویوب کیدرکن نهر کارنده
 اردوبه اوغره مغین بهادر بکنلر صوب یوب یوزوب فرنگلر اورمانه قاچوب غازیلر کیدر کده کی کفاری واموالی
 لوب اورمانده اولان فرنگلر خنایرین زنجیره طاقوب پادشاه کتوردیلر * بعده اسکندریه مقابله سنده
 بر حواله قلعه یوب اورغوس اوغلی احمد بک بعضی بعضی تدبیرله تسخیر ایدوب بعده او بر لره قریب
 یورلوب بعده پادشاه استانبوله کلوب اتی ایدن کمره مال وعیاللرینه دکلامک شرطیله فرنگستانه
 کتک ایچون امان ایستد کازی خبری کلوب پادشاه اجازت وامان و بر میکن و ندیکدن کیدر کتوردوب
 مال وعیاللرله کیروب قلعه بی عثمانلره تسلیم ایدیلر (فتوح) پادشاه اسکندریه سفرندن کاد کده
 ارناود ولایتده اله کتورلیان برلری تسخیر ایچون سابقا وزارتدن عزل اولشان کدل احمد پاشایه اولونیه
 سخیاغن و یروب اودخی واروب اول حدودلر بعضی بعضی تدبیرله تسخیر ایدوب بعده او بر لره قریب
 اولوب فرنگلر تصرفنده قلاتن جزیره بولیه ولایتی تسخیر تدبیر ایچون سکز یوز سکسان درنده اجازتله کلوب
 پادشاهله سوبلشوب لازم اولان قدر قدرغه وعسکر الوب دریا دن کیدوب وارد قده نیچه عظیم قلعه لری کین
 جبراکین صبر افخ ایدوب اول جزیره نلک حاکمی اسبانیه به قاچوب پاشاه دخی بر مدت آنده طو روب بعض قلاع
 دخی الی ایکی یلدن کمره پادشاه وفات ایتمکین پاشا سلطان بایزید جلوسنک تهنتنه و بیتمه قلاع جزیره
 مزبوره فتحنک لوازم ایستک کلد کده مزبور حاکم اسبانیه دن قرق باره قدرغه ایله کلوب طو بلره دو کوب
 الوب مسلمانلر اکثرین شهید باقیلرین اسیر ایدیلر (نظم) ماللا نام مع القضاء تحیل * ذهب القضاء بحیل
 الاقوام (فتح) ینه سکز یوز سکسان درنده پادشاه قوجه ایلی بکنی او تو زیاره قدرغه ایله کفه فواحیستدن
 آفاق صوبی کارنده قدیدن کافر آنده اولان مونه حصار قححه کوندروب اودخی واروب محاصره اید کده
 کافر قورقوب امانله قلعه بی تسلیم ایددی (فتح) سنه مزبوره به بابیورد و آذربایجان قریبنده طرول ولایتنک
 حاکمی عمالک عثمانیه به ضروری کسک اولماغین اماسیه بکی شهرزاده سلطان بایزید امر پادشاه ایله لاسنی
 عسکرله کوندر میکن حاکم طرول اولان طرول ولایتندن ایرلوب قاچوب لایا پاشا طرولی سهولتله ضبط ایددی
 (هزیت) سنه مزبوره ده حسن بک اوغلی عیسی بک میخال اوغلی علی بک ماله اوج اوغلی بالی بک او تو زیلک
 عسکرله اکثر و س غارتنه کوندروب وارد قلدند هر بری استقلال اوزره عامل و تکثیر مال واسیره مشتغل
 اولوب نیچه کنده پراکنده اولد قلدند اکثر غزاه مکر قرال پراحتیاله شهید و سردار اولان عیسی دخی جنکده
 شهید اولوب علی بالی بوخیر * کامر البالی ایشیدوب عدو ایله مقابله بحال اولغین فراره میال اولدیلر
 (انکسار) سکز یوز سکسان بنده پادشاه جزیره دروس قلعه سن قححه وزیر مسیح پاشای استانبول کیدرندن

غیری کلبولیدن التیش باره قدرغه و وافر عسکر و طو بلر ایله کوندروب وارد قده اناطولی عسکری دخی و دوس
 فاروشوندن کچوب دریا طرفنده عرب یوغازی دید کازی قلعه بی کد ساقا صاحبیه کرامدن معاویه خلافتنده
 ردوس قلعه سن قححه شامدن کلان عسکر اسلام کفاری تضییق ایچون یوب لکن فتح میسر اولماش ایدی
 حالا ردوس قححه یوکاه و قوف اولغین مزبور پاشا جزیره دن بو کادل کور یوب چکدروب دریا دن دخی کیدر لره
 محاصره ایدوب قلعه کارنده عظیم طاشلر اولغین یوریش کونی بهض صندوب دریا به اتلوب طوب و تفنک
 باقیموب قلعه به یور یوب طر ماشوب جزیره طرفندن دخی غازیلر یور یوب کال کترندن کور یوب اوج بر دن ییقلوب
 بیکدن زیاده آدم غرق اولغین بو حیرت فرصتنده کفار هجوم ایدوب کیدر دن یوزوب کلنلرینه دریا به کیروب
 یوزرکن طوب و تفنک و زنبک و خدنک ایله اوب شهیدایتمکین ماز عسکر کیدر کیروب دفع عار ایچون نفس
 رودسک قلعه سنه واروب طوب و تفنک باقیوب اطرافدن یور یوب چوق کسنه شهید اولوب قلعه به علملر
 دیکلوب طشره واروشه عسکر طو لوب قلعه خلقنده مال عظیم اولغین عسکر یغمالمسولر پادشاه خزینه سنه
 ضبط اولنسه کر کدر دیو پاشای بدرا ندا ایدر میکن طشره ده اولنلر یاردمه کیر میوب اراتق کسلد کده
 ایچورده وانلر اکثری حتی سابقا بکر بکی اولوب حالا قسطمونی بکی اولان سلیمان پاشا دخی کفار
 هجومیله قیلدن کچوب بعده مسیح پاشا امر پادشاه ایله آیدین ایلی یقاس سنده ردوسه تابع بودر دم قلعه سن
 قححه واروب محاصره ایدوب نیچه زمان طوبله دو کوب قححه بحال اولماغین تکرار امر پادشاه ایله
 عسکره دستور و یروب کندیسی استانبوله کلد کده وزارتدن عزل اولوب کلبولی سخیاغن و برلری
 (وفات) پادشاه عالیجاه مطلقه فرم ادا اید کده (نظم) جواهر بکجنینه داران سبار * ولی رازرا
 خویشتن باس دار * مفهم و منجه مطلب خلق جهانندن نهان ایدوب محل مقصوده قریب اولمیچیه اسرارین
 اظهارا بنزایدی پس سکز یوز سکسان اتی بهارنده ماه صفر لک بکری التیسنده بوجه ایهام و اخفا عظیم
 تدارکله لکن احتمال غالب اوزره فتح وضبط بعض بلاد عرب نیتیه مزاجی خوش دکل ایکن اسکداره کچوب
 صحراده عسکرله قونوب بر قاج کوندن کمره ککبوزه به واروب قوند قده حالی دکر کون اولوب ربیع الاولک
 درنده خیس کونی وفات ایددی (نظم) باغ قدس اید مرقدینی خدا * ایتیه رحمتدن اتی جدا *
 ویردی اسلامه سعیده رونق * آر توره رحمتینی حضرت حق (فصل در خیرات پادشاه) مرحوم مر قومک
 علوهمتی و دین اسلامه خدمتی و عباد الله شفقته و کمال عدالته عزیمتی و علم او مشایخه محبتی و انواع رعایتی
 بوسبیله محالک عالمین علما و صلحا ک استانبوله کلوب کثرت جمعیتی و فقرایه دائما خصوصا اجدادی عادی
 اوزره ایام جمعه ده تصدقات بیغایتی حدود صدقن خارج و ذوره علیایه عارج ایدی لکن بکار آثار خیرات
 پر اشتهاری بونلدر که * اول قححه استانبول که حسرت المولک خول ایدی * ثانی استانبوله ولادت حضرت
 عیسان م قدم بنا اولوب اوزماند نبر و عبادتخانه و رفعت و وسعت و لطافتده هفت آسمانن نشانه اولان
 ایاصوفیا کلباسان عقب قححه جامع ایدوب مصارفه اوقاف تعیین ایددی (نظم) عبادت دیلر سک
 ایاصوفیا * بروکل بریدر ایاصوفیا * ثالثا شهر ایچنده نیچه کلباسا دخی کیمی جامع کیمی مسجد قیلندی
 * رابعاشهر لک اور تاسنده بر جامع رفیع و واسع و حرمتک ایکی طرفنده در در عده مدرسه عالییه بر حیرات
 و مدارس آردنده سوخته لساکن اولغه نتمات دیمکله مشهور سکز بلوک حجرات و برجانبه عمارت
 و مسافر خانه و دارالشفاء عظیم آخور و برجانبه مکتب تعالیم قرآن بشالر ینه سکز یوز التیش برده باشلیوب
 جمله سی سکز یوزیتش شده تمام اولدی (نظم) اسامی چون زمین ثابت بنانی چون فلک محکم *
 ندیده هیچ سیاحتی نظیرش در همه عالم * ایتیه مزبوره نک شرائط عظیمه اوزره مصارفه صرف ایچون اوقاف
 معموره وقف ایدوب و خراج یهودیانی تعیین ایدوب و زوائد اوقافدن علما و مشایخه وظیفه لر ویردی * خامسا
 خارج حصارده حضرت رسولک علمداری ابواب انصاری مزارشرفته تربه و جامع و مدرسه و حجرات طلبه
 و عمارت * سادسا شهر ایچنده شیخ وفاتیه سنه بر جامع و تکیه و عمارت یاپدی * سابعاروم ایلنده و اناطولیده
 فتح ایددی بکی شهر لره احداث ایددی مسجدلر و جامعلر و بعض بنا لرحد و عددن بیروندر (نظم) ایددی
 احیاء کالات کلا یحیی * ضاعف الله له الاجر بفضل اونی (فصل) مرحومک زمان سلطنتنده اولان

کارمشاهیر علی بن ابی طالب (۱) محمد بن فرامرز که ملاخسرو و دیلمه مهر و وزیر پدری قول اولوب امرادن
 ایدی او وفات ایتد کده بونی انشته سی خسرو بک بسلمکین خسرو قانی دیلمه کده بعده اختصارا ملاخسرو
 دیلمه مشهور اولدی جمیع علومی منلا سعد الدین شاکر درندن رومه کلوب مفتی اولان منلا حیدر هر ویدن
 اوقیوب سلطان مراد زمانده ادرنه ده شاه ملاک مدرسه سنه بعد زمانه ادرنه ده حلبیه مدرسی اولان
 برادری بر نه مدرس اولوب سلطان محمد پدری فراغیه اولدی دفعه ده تخته کده بونی قاضی عسکر
 ایدوب بعده پدری تکرار تخته کده منلا منصف اولوب بعده سلطان محمد تخته ایکنی دفعه کده بونکده بونکده
 انچه وظیفه و کلی احسانلر ایدوب استانبولی فتح ایتد کده قاضیلغن منلا خضر بک و یروب او وفات ایتد کده
 منلا خسرو و یروب غلطه و ایوب و اسکندر قضا لرین و ایاصوفیاء مدرسه سنه ایتدی مدرس کونلری
 دانشمند لری کلوب منلا نک اوئده یملک ییوب منلا قاتره بنیوب دانشمند لرا و کنجه یوروب و اروب در سار دیوب
 بعده دانشمند لرینه اوکنه دوشوب اوینه کتوروب بعده حجه لرینه کیدر لر ایدی پادشاهه کوسوب بروسیه
 کیدوب بعده زمان پادشاه بونی استانبوله کتوروب مفتی ایدوب غایه تعظیم ایدردی مرحوم منلا غنی اولمغین
 بروسیه ده مدرسه استانبوله بر قاج مسجد یا یوب وافر قوللری و جاریه لری و ایددی لکن کند و حقیرانه لباس لر
 و کوچک دلبند کیوب اورنه بولوق باصقا لوز اهد و مهیب و بر وفار و کمال فضیله ده بحر ز طرایدی فقه ده درر
 غر را صولده مرآت و مرقات آدلو بر متن و شرح باز مشدر که نظیر لری دنیا به کلام مشدر نیجه تألیفاتی دخی
 واردر و وفاتش فی سنه سکنوز سکنان بش (۲) منلا خیر الدین طاشکوپر بی زاده نک جدید نیجه فضلادن
 بعده منلا یکاندن تحصیل و تکمیل ایدوب غایه ده فاضل و عابد کامل ایدی طاشکوپر قصبه سنه قرق
 ییل مدرس اولوب سلطان محمد مدرسه لرینک برین ویرمه کده چاغردوب و ارماد مشدر تحصیل حالی شقایقه ده
 مذکور در (۳) منلا زکریا اسحق محمد اولوب کوچک ایکن شیخ حاجی بیرامدن اوقیوب شیخ بونکده بونکده دیولقب
 قومشدی صحن مدرسه لری بنا اولنده بریسی بونکده برلدی بعده بروسیه سلطان مدرسی خواجه زاده ایله
 پادشاه مجلسنده بعض مسائل علوم عقلیه ده الی کونه دلم متصل بمحمد ایدوب منلا خسرو و کلوب فصله
 مجال اولوب بدخی کون خواجه زاده نک غلبه سنه حکم ایتمکین پادشاه زبیرک مدرسه سنی خواجه زاده به
 و یروب زبیرک دخی انجنوب بروسیه کندی بعده پادشاه نادم اولوب چاغرتد قده کلیموب اصل منصب قبول
 ایتدی (۴) منلا مصطفی بن یوسف کیدری باز رکان اولمغین خواجه زاده دیلمه مشهور ایدی شقایقه بونک
 جمیع احوالی غایه تفصیل اولوب کمال اجالی بودر که اهل علم اولدی دیوبدری بونکده اوت ایتمکین فقر ایله
 کنجوب فضلادن اوقیوب جمیع علومده فرید عالم اولوب بروسیه ده اون انچه وظیفه ایله ارسلانیه مدرسی ایکن
 استانبوله کلد کده سلطان محمد بونی کندویه خواجه ایدوب غایه فقیر اولمغین وافر مال و انواع اسباب
 تجمل و یروب بوندن متن عزیزی اوقیوب غایت مقبول اولوب محمود پاشا حسدی ایله قاضی عسکر لک بعده زمان
 کند و طلبه بروسیه ده سلطانیه مدرسه سی بعده استانبوله منلا زبیرک ایله بحث و غلبه ایتد کده انک برینه صحن
 مدرسه سی بعده ادرنه بعده استانبول قضا لری بعده برغیری وزیر مکر یله ازینق مدرسه سیله قضایی و یروب
 سلطان بایزید تخته کده بوز انچه ایله بروسیه سلطانیه سن بعده بروسیه ده مقبلا و پردی حواشی قسندن
 نیجه مؤلفاتی اولوب تها فت آدلو کلبی مقبول علما و دنیا اولمشدر عده منلا دوانی حضرت نلری انی کوروب
 حظ ایدوب بدخی یازمق استردم بونی کوریموب یازیدم رسوای اولوردم دیش وفاتش فی سنه سکنوز
 طقسان اوچ (۵) منلا احمد که غایه تحیف البدن اولمغین خیالی چلی دیر لری اهل تقوی و فضیله ده واصل
 درجه علیا اولوب سابقا منلا خضر بک سلطانیه ده خواجه زاده ایله یله زمان واحدده معید لری ایدیلر
 بعده اوتوز انچه ایله مدرس اولوب بعده پادشاه بونک فضیلتن بلکین ازینقده یوز اوتوز انچه ایله مدرسه و یروب
 اوتوز اوچ یاشنده وفات ایتدی برکه خواجه زاده ایله بحث ایدوب غلبه ایتشدی شرح عقائده غایه مدین نظیر
 حاشیه یازمشدر بعض فقر رانی دخی واردر (۶) منلا کستلی که اسحق مصطفی در خضر بک شاکر درندن
 جمیع عقایدات و نقلیات ده بحر محیط ز احر اولوب مطالعه و حفظ کتب اوائل و اواخر ایتشدی دیمتوقده
 مدرس ایکن صحن مدرسه لرینک بری ایتد بونکده یروب بعده بروسیه و ادرنه و استانبول قضا لری بعده قاضی

عسکر لک و یروب بعده وزیر بونکده جفا ایچون قاضی عسکر لکی ایکی بولدر و بونکده اناتولی فی حاجی حسن زاده به
 و یروب منلا یالکز روم ایلی قبول ایتدی دید کده وزیر کلوب تسلیم ایتدی سلطان بایزید تخته کده بونی
 عزل ایدوب بوز انچه وظیفه ایدوب روم ایلی قاضی عسکر لکین ابراهیم پاشا ابن خلیل پاشایه و یردی * من بوز
 منلا شرح عقائده براطیف حاشیه یازمشدر راستانبوله جامع یا یوب طقوز یوز برده وفات ایتدی (۷) خطیب
 زاده مولانا محمد سابقا کراولسان پدری مولانا تاج الدین و مولانا علی طوسیدن و منلا خضر بکدن
 اوقیوب عالم متبحر و فاضل مشهر اولدی صحن مدرسی ایکن پادشاه بونکده انجنوب عزل بعده ایتد کده بونکده
 خواجه بعده عزل و بوز انچه ایله مدرس نصب ایتدی قوی القلب بجات و متصالب و متعصب کسینه ایدی
 پادشاهه و اروب سلام و یرد کده ا کلیوب ان دخی او ییوب مصافحه ایدردی کلب تجریده حاشیه سی
 و بعض مؤلفاتی دخی واردر طقوز یوز برده وفات ایتدی بعض تواریخچه سلطان بایزید زمانده مفتی اولدی
 دیومذ کوردر (۸) منلا علاء الدین العربی حلبده علمادن اوقیوب رومه کلد کده منلا کوراندین و منلا
 خضر بکدن تحصیل و تکمیل جمیع علوم ایدوب بروسیه ده مرادیه مدرسی اولوب مشایخ خلوتیه دن
 بر اولوعزیر کلد کده اندن دخی تکمیل طریق ایتدوب عارف حقیقت و مجاز و ارشاده مجاز و صاحب
 جذبه و کرامت اولدی بعده صحن مدرسی اولوب جمعه کونی جامعده کندینک صوفیلره اوتوروب ذکر و نو حید
 ایتدوب احواله جذبه الهیه کلوب کندودن غائب اولوب ایرتسی درس دیمکه قادر اولوب آنلر برینه
 اثین کونی درس دیردی سلطان بایزید زمانده بوز انچه ایله مفتی اولدی هر کیجه مجامعت و غسل ایدوب
 یوز رکعت نماز قیلوب بر ساعت او ییوب بعده تجمد قیلوب بعده صبا حه دلم مطالعه ایدردی علوم شرعیه ده
 غایت ماهر اولوب حتی بونکده تلویحی حفظ ایتشدی طقسان طقوز اولادی اولوب اون بشی صوکنه قالد بلر
 (۹) منلا عبدالکریم امرادن بری بونی محمود پاشای و منلا یاسی کافرولا بتندن کوچک لریکن آلوب منلا یاسی
 طوارک بر طرفنه محمودله بونی بر طرفنه بونکده کتوروب اوچنی دخی برابر اوقودوب محمودی سلطان مراده
 کوندر و بونکده او دخی سلطان محمد باغشایوب یله بیودیلر منلا عبدالکریم ایدیه بکار فضلادن جمیع علومی
 اوقیوب فضله مشهور اولد قده بر مدرسه بعده صحن مدرسه لری بنا اولنده قده بریسی بعده قاضی عسکر لک
 و یروب بعده عزل اولنوب بعده استانبوله و مقبلا و یرلدی فاضل کامل و صالح عامل ایدی (۱۰) منلا
 حسن سامسونی نیجه علمادن بعده منلا خسرو دن جمیع علومی اوقیوب بر مدرسه به بعده صحن مدرس بعده
 سلطان محمد خواجه بعده قاضی عسکر بعده صحن مدرسی بعده استانبول قاضیسی اولدی فاضل کامل
 و محب فقر و مشایخ و اهل تقوی و خوب خط اولوب کندویه و افر کابل و سلطان محمد بر صحاح جوهری
 یازدی بعض رسائی و فقر رانی واردر وفاتش فی سنه سکنوز طقسان بر (۱۱) منلا محمد بن مصطفی
 ابن حاجی حسن نیجه علمادن بعده منلا بکاندن اوقیوب دیمتوقده بعده معلغه ده مدرس بعده کلیبولی به
 قاضی اولدی بعده پادشاهه مدح اولنده قده بروسیه ده مدرسه مرادیه بعده بروسیه قضایی بعده قاضی عسکر لک
 بونکده اناتولی قاضی عسکر لکی و یروب سلطان بایزید زمانده روم ایلی قاضی عسکر لکی اولدی شرعیات
 و عقلیات ده متبحر و مشهر و اروب محب علما و مشایخ و فقر اولوب صرفه میزان آدلو کلب و سورۃ انعام تفسیرنه
 حاشیه و بعض رسائی دخی یازمشدر طقوز یوزاون برده قاضی عسکر ایکن وفات ایدوب عمری طقسان
 یاشندن زیاده ایدی (۱۲) منلا علی قوشچی تیمور لک اولادندن عجم شاهی الغ بک میرزانک طوغا نیجیسی
 ایکن دیار عجم فضلادن اوقیوب اکثر علومده خصوصاً علوم ریاضیه ده غایت ماهر اولوب الغ بک ایچون
 قوریلان رصدی تکمیل ایدوب احکام رصد اولان زینج دیدکاری کلبی یازوب الغ بک وفاتده تبریز پادشاهی
 اوزون حسنه کلوب کلی رعایت ایدوب صلح ایچون سلطان محمد ایچیلکله کوندر و بونکده رعایت ایدوب
 الیه و مفتی ایستد کده ایچیلک جوان و اروب و یروب بعده کله یم دیوب کیدوب پادشاه بونی کتورمه که آدم لر
 کوندر و بونکده هر قوناق ایچون منلا به بیکرا انچه و یروب کلی رعایتله شهره کیدوب پادشاه نامه تألیف ایتدی یکی علم
 حسابه محمدیه نام کلبی هدیه کتوروب بعده اوزون حسن چکنکته یله کیدوب بولده فحیه آدلو علم هیئتده
 بر رساله یازوب استانبوله کلد کده ایکیوز انچه وظیفه ایله ایاصوفیاء مدرسه سی و اولاد و نوابعه دخی منصب لر

ویرلوب استانبوله جله ایکوزنقر توابعله کلتندی * متن تجریده بی مثل و همتا شرح لطیف و زیبایازوب هروجهه مقبول علماء غول اولمشدر * علم صرفده عنقودالزواهر آدلو کلاب و کشاف حاشیه سته حاشیه یازمشدر یکریمی قدن برزمتنی برجلده یازوب هر نه پره کنسه خدمتکاری بیله کتوروب مطالعه ایدوب جله سنی حفظ ایتشدی دیشدر (۱۳) شیخ علی بسطامی هر ویکه امام غفر رازی و حضرت ابو بکر و عمر نسلار ندر تازیه ایکن کلاب تالیفنه باشلغین مصنفک دیومشهور اولدی * عجمده تحصیل و تکمیل جمیع علوم ایدوب رومه کادکده قویه ده مدرسه تصرف ایدوب استانبوله کادکده قولانغی صاغر اولغین سکسان اچقه وظیفه تعیین اولندی * بحر محیط علوم اولوب اولوزدن زیاده مقبول کلابر تالیف ایتدی تاج و عبا کیوب طریق تصوفده دخی مرشد کامل ایدی * کونده برجز کلاب ایدوب و دانشمند لری مشکل اولان محملری کاغذه یازوب بو کاوروب بودخی انسه جوابلرین یازردی * وفاتش فی سنه سکر یوزنیش بش بو عید حقیقک والدہ سی پدیری شیخ عبد اللطیف نقشبندی بونک نسلاندن در رحمة الله علیه (۱۴) منلا سراج الدین محمد حلی تیمورلنک بونی عجمه ایلتوب آنده فضالان او قویوب رومه کادکده سلطان مراد بونی اوغلی سلطان محمد خواجه بعده ادر نه ده کند و مدرسه سن و یروب حالا کاحلیبه دیرلر کافیہ متوسطنه و طوالع شرحنه حاشیه ر یازوب کند و خطیلہ وافر کلابری و ار ایدی (۱۵) منلا درویش محمد بن خضر شاه بروسه ده سلطانیہ مدرسی اولوب فضیلت و زهد و تقوای حد و صفدن خارج ایدی * عبا و شعله دلبند کیوب مستجاب الدعوه ایدی ییلده همان بر کره عاشورا کونی تراش اولوب خلق قبوسنه اوشوب صاچنک قیللر ندرن بردانه الوب خسته لره سبب شقا و لوردی * کاهی مدرسه ده ایکن صاچندن قیل ایستکه بعض کنسه لر کادکده قویا رسو ندر یوباشن طو تار ایدی * بحکمہ الله طامدن دوشوب اوسبیلده وفات ایتدی (۱۶) منلا الیاس قول جنسی اولوب نوجوله کتورلدیکی منلا عبد الکریم احوالده یکمشدر * منلا خضر بکدن او قویوب سلطان محمد کوچک ایکن خواجه اولوب بعده جذبه الهیه ابرشکین کارمشایندن برینه واروب تکمیل طریق وارشاده مجاز اولوب بروسه ده علم و عبادته مشغول اولدی اشاعیده مذکور اوله حق سید ولایت ایدر سابقا شیخمله عجمه واروب عرفاته کیدرکن افغل قطب زمان عرفاته خطیبک صاغباننده طور رباق تاکه کوره سن دیوب واروب باقدقه کورد مک منلا یاسدر شیخمه خبر ویردم اودخی باقوب کرچک اودردیدی * اما ظاهر منلا الیاس عجمه کلیوب بروسه ده ایدی بعده بروسه یه وارد یغزده برکسنه بکا عرفاته قطبی * کوردکی دیوب بندخی کوردن شهرده کی منلا یاسدر دیدم او کجه موته قرب خسته اولوب اککن ینه قورتلدم ایرتسی شیخله منلا الیاس وارد یغزده بو کیدر دیوبی صورتی شیخم دخی بنم اولاد مد ندر دید کده * منلا دیدیکه بنم سز می شایع ایتکین روحی قبض اولغنه بو کجه تضرع ایتدم محمد صلی الله علیه وسلم شفاعت ایتدی بلدمکه اولاد رسولن ایش دیوب بعده افشاء امر عظیمدر اندن حذر ایلدیو بکا خطاب ایتدی قدس الله ارواحهم (۱۷) منلا خواجه خیر الدین منلا خضر بکدن اوقیون بعده مدرسه بعده سلطان محمد خواجه اولوب استانبوله جامع و مدرسه یایدی عالم و فاضل و متقی و ظریف الطبع و لذیذ العجمه ایدی (۱۸) منلا افضل زاده حمید الدین الحسینی جمیع علومده ماهر و متبحر و اهل تقوی و حایم و صبور و متواضع ایدی عالم و زاهد اولان پدیری افضل الدین بعده سائر علمادن بعده منلا بکادن او قویوب بروسه ده ایکی مرادیه مدرسه لری بعده سخن مدرسه سی بعده استانبول قضای و یروب سلطان بایزید زماننده مفتی اولوب بعض مقبول حاشیه لری و تفسیرده بری نظیر رساله سی و اردر استانبوله بر مدرسه بنای دیوب حالا سخن قودوغی دیکله مشهور اولمشدر (۱۹) منلا سنان پاشا ابن منلا خضر بک ابن جلال جمیع علومه مطلع اولوب افراط ذکادن ایراد شکوک و شبانه مائل ایدی تازه لکده پادشاه بو کادرنه ده بر مدرسه بعده دارالحديث مدرسه سن و یروب بعده کندیوه خواجه و مصاحب بعده انجنوب عزل و حبس ایتدکده جله علماء دیوانه واروب البته قیو ویرلسون بو خسته دیوانده کلابر مز پاره ایوب ملککتکی ترلایدنر دیکین * قیو و یروب بعده سوری حصار قضایله مدرسه سن و یروب بولده عظیم جفا ایتدروب سلطان بایزید تخته یکدکده یوزانجه ایل ادر نه ده دارالحديث مدرسه سن و یروب بعده فارغ اواغین یوزانجه وظیفه و آربه اقی بر تمار بعده کابیولی بککی ویرلدی جناب

حقه ترک مناجاتلری و دیوانی واردر استانبوله وفات ایتدی (۲۰) منلا یعقوب پاشا ابن منلا خضر بک عالم محقق فاضل مدقق مدین و حمید الاخلاق ایدی بروسه ده سلطانیہ مدرسی بعده سخن مدرسی بعده بروسه قاضیسی اولوب صدر الشریعه یه بی نظیر حاشیه و شرح مواقف کارینه کندونک و افرسواللرین یازوب حسن چلبی موافقه حاشیه سنک اکثرین بوندن اخذ انش (۲۱) منلا احمد پاشا ابن منلا خضر بک فاضل کامل و متواضع و محب فقر ایدی سخن مدرسه لرینک بری ابتدا بوکا و یروب یکریمی یاشندن اکسک ایدی برادری سنان پاشا و زارتدن بودخی مدرسه سخنندن عزل اولندقه بوکا اسکوب قضا سیله مدرسه سی و یروب سلطان بایزید جلوسنده ادر نه ده چفته مدرسه لر بریسی بعده مدرسه سخن بعده بروسه فتوای یوزانجه وظیفه و شهر قریبده برکوی تیمارله و یروب طقوز یوز یکریمی یدیده وفات ایتدی بروسه ده مدرسه یاپوب کلابر و قف ایتشد (۲۲) منلا صلاح الدین مدرس ایکن شهزاده سلطان بایزید خواجه نصب اولوب بودخی شرح عقائد بعده منلا خواجه زاده نک هداية الحکمه شرحن او قودوب انکچون هر برینه برر لطیف حاشیه یازوب بعده بروسه سلطانیہ سنه مدرس اولدی عالم عامل و مبارک نفس صالح کامل ایدی (۲۳) منلا عبد القادر جمیدی نچیه فضالان او قویوب خیالی چلبی ایل شریک اولوب بعده بعض مناصب تصرف ایدوب پادشاهه خواجه و مصاحب و مقبول اولوب وزیر مکر یله عزل اولوب صلاسنه کیدوب آرزمانده خسته اولوب وفات ایتدی عالم فاضل اولوب لکن کندویه عظیم زعمی و ار ایدی (۲۴) منلا علی بن یوسف ابن مولانا فزاری تازه لکنده عجمه واروب تحصیل و تکمیل علوم ایدوب سلطان محمد جلوسی اوائلنده رومه کلوب بروسه ده مدرسه مناستر بعده مدرسه مرادیه بعده بروسه قضای بعده قاضی عسکرلک و یروب بونک همتهله علماماندهما اوج سباه پرواز و واصل انواع اکرام و اعزاز اولدیلر * اون ییلده نصکره عزل اولوب سلطان بایزید جلوسنده روم ایل قاضی عسکرلکی و یروب سکر ییلده نصکره عزل اولوب بروسه ده ساکن اولدی کمال تحقیق و تدقیق ایل درس و شعله غایتده چالشوب کجه دوشکده او یوم یوب الندن کلاب دوشیوب او یخوسی کادکده دیواره طیبایوب اویانده الله طو تدبغی کابه مطالعه ایدردی * کافییه یه شرح یازمشدر بعض مشایخک خلوتیه کیروب تصوفدن ذوق عطیه واصل اولمشدی طقوز یوزا و چده وفات ایتدی (۲۵) منلا حسن چلبی ابن محمد شاه قساری فاضل کامل اولوب اوقافن علم و عبادته توزیع ایدوب مشایخله مختلط ایدی ادر نه ده حلییه ده مدرس ایکن مصرده بر فاضل کامل مغریدن مغنی اللیب او قومغه واروب او قویوب حج ایدوب کادکده ازینده مدرسه بعده سخن مدرسه سی ویرلدی * مدرسه حجره سنده ساکن اولوب عبا و شعله دلبند کیوب بش وقتی جامعده جماعته قیلوب سلطان بایزید زماننده سکسان اچقه اوراق ایلده بروسه ده ساکن اولدی مطوله و شرح موافقه و تلویحه برربی نظیر حاشیه یازمشدر (۲۶) منلا مصطفی بن منلا حسام علوم شرعییه ده غایت ماهر و صالح و اهل سلوک ایدی بعض مدارسه بعده بروسه سلطانیہ سنه مدرس بعده بروسه ده مفتی اولدی تلویحه و صدر الشریعه یه برر حاشیه یازوب ترکیده خصوصاً عربییه منشی کامل اولغین یازدبغی مکاتبی جمیع ایدوب بر لطیف کلاب ایتشد (۲۷) منلا محی الدین که اخوین دیکله مشهور ایدی علوم کثیره تحصیلندن نصکره بعض مدارسه بعده سخن مدرسه اولدی حاشیه تجریده حاشیه و بعض رساله یازمشدر (۲۸) قاضی زاده منلا قاسم نچیه علمادن بعده منلا خضر بکدن علوم کثیره تحصیل ایدوب ذکی و مشغول و صالح و عابد و حمید الاخلاق و محب فقر ایدی تیره ده مدرس ایکن سلطان محمد سخن مدرسه لرینک برینه بروسه قضا سن بعده سخن مدرسه سن و یروب سلطان بایزید تخته یکدکده جبرله بروسه قضا سن و یروب سکر یوز طقسان طقوزده وفات ایتدی (۲۹) منلا محی الدین که مغنیسا اوغلی دیکله مشهور در علمادن او قویوب منلا خسرو لغایت مقبول شاکردی ایکن بر طریقه پادشاهک معلومی اولغین محمود پاشا مدرسه سی بنای اولندقه ابتدا بوکا و یروب اول درسنه منلا خسرو و خطیب زاده و نچیه فضلا حاضر اولوب تمام اولدقه منلا خسرو رومده ایکی درس کوردن بری محمد شاه فنارینک اول درسی ایکنی بودیومدح ایتدی * بعده سخن مدرسه سی بعده استانبول قضای بعده قاضی عسکرلک بعده سخن مدرسه سی بعده وزارت و یروب بعده عزل اولوب ایکوزانجه وظیفه تعیین اولندی * سلطان بایزید زماننده قاضی عسکرلک و یروب احوالده ماه رمضانده

وفات ایتدی (۳۰) منلاحسام الدین تبریزدن کلوب مفتی منلاحسام الدین عجمینک ام ولدنی نکاحلغین
 ام ولدنیکه ملقب و مشهور ایدی * فاضل و اهل عزت و تقوی اولوب علم و عبادته مشغول ایدی غایت
 جوق کابلری اولوب اکثری سرتاپا تصحیح و فوایدیه تحشیه ایتشدی بعض مدرسه دنسکره پادشاه بوکاجین
 مدرسه سن و ربوب سلامت فطرت و صلاح حیه مائل اولغین ابوبه کیدرکن بونک اوی اوکندن کیدیکه بودخی
 شربت چیقاروب پادشاه بونک النین الوب الیجوب سلام و ربوب کیدردی * و دائمی احسانلر ایدردی برکون
 پادشاه سفره کیدرکن بولده بعض علما (بایبها الذین آمنوا بالله ورسوله) آیتنده مؤمنله ایمان
 امر اولتقدده حکمت ندر دیوب پادشاه بودخی بوکاحکمتن بیان ایلده دیدکده اشبو چالسان طبلار جواب و برر
 دیوب طبلار نه دیریدیکه دم دم دیر (آمنوا بالله ورسوله) دن دخی مراد دومو اعلی ایمان * دیکدر دیکین
 پادشاه غایتده تحسین ایتدی فضل و ذکائی بولده ایکن (اهل الجنة به) مفهومه اموردیاده غافل اولغین
 قول اغز اولدیکه حنده مدرسه سی قنغیسی ایدوکن یا کلوب یا ننده اولان مدرسه لر برینه کیروب
 نه دوزدی بعده ایا صوفیه مدرسه سی ویرلای (۳۱) منلامه عرف زاده نیجه علمادن بعده منلاحضر بکدن
 اوقوبوب مدرس ایکن سلطان بایزیده خواجه اولدقدده غایتده مقبول و معظمی و معزز و مکرمی اولوب
 اشبو منلایه مقارن اولسم عقیده صحیح اولزدی دیوب من بور منلا آخر عمر نده اعلی اولدقدده پادشاه بونی
 مصاحبلکدن دور ایتدی (۳۲) منلایر اوجه محی الدین مدرس ایکن ادر نه قاضی اولوب حسن سیرتی
 اولماغین عزل بعده سلطان بایزیده خواجه بعده ایکیز زاجه و طیفه تقاعدله عزل اولدی شرح عقائد
 حاشیه یازمشدر (۳۳) منلایه الدین فاضل کامل شید الذ کافوی الطبع و اذقانی علم و عبادته مصروف
 ایدی * پیری حاجی بیام سلطانک خلفا سندن شیخ لطف الله اهل ارشاد و ایدیه ایدی منبور منلا خواجه
 زاده نک معیدی ایکن بالی کسریده مدرس بعده بروسه مدرسه یلدرم خانه بعده استانبولده حکنه مدرس
 اولوب بعده مغنیسا اولغینی پادشاه قاضی عسکر لکدن عزل و بونک مدرسه سن اکاویروب بوکایه مدرسه
 یلدرم خانی ویردی بعده مدرسه سی براغوب بالی کسریده عزت ایدوب سلطان بایزید ادر نه ده مدرسه یلدرم
 بوکایردی وفاتش فی سنه سکر یوز طقسان بش (۳۴) منلا سراج الدین منلا کستالی و خواجه زاده دن
 اوقوبوب بعض مدرسه ده مدرس ایکن حکن مدرسه سی ویرلوب مسائل جیح علومی و اکثر قصائد و اشعار
 عربیه فی حفظ ایتدی فن انشا و نظم عربیه دخی ماهر اولغین پادشاه بونی نشانی ایدوب کینج یاشنده وفات
 ایتدی (۳۵) منلا کویلو اوغلی محی الدین علمادن اوقوبوب فضله مشهور اولدی بعض مناصب دنسکره
 قاضی عسکر بعده موزول اولدی ایکی همشیره سنک برنی سنان پاشا آلوب محمد آدلو اوغلی اولدیکه محمود پاشا
 مدرسه سنه مدرس بعده بعض بلاد قاضی بعده معزول و تازله کیده وفات ایتدی * برنی دخی کمال پاشا اوغلی
 سلیمان چلی الوب احمد شاه آدلو اوغلی اولدیکه مفتی ثقلین و مشهور خاقین اولان کمال پاشا زاده اودر (۳۶)
 منلا ولدان که اسمی محمد در علمادن اوقوبوب کایبولی قاضیسی ایکن وزیر محمود پاشا بونک نجابتین و ربوب
 پادشاه تربیت ایتدیکین کتورلوب قاضی عسکر خسته اولغین قائم مقام قیانبوب نیجه زمان عرضه کیدرکده
 پادشاه بونک ادب و ذکاوت برتن بکنمکن بروسه بدری مدرسه سن بعده بروسه قضا سن و ربوب بعده عزل
 ایدوب سلطان بایزید تختنه کیدرکده بونی اناطولی به قاضی عسکر ایدوب بعده منلا وفات ایتدی * زمان
 حکومته خورشید سیرت و باله میر برت اولوب قوت فراستله حقله باطل بینن فرق ایدردی (۳۷) احمد پاشا
 ابن ولی الدین الحسینی علمادن اوقوبوب فضل عظیمه و اصل اولدقدده مرادی به مدرس بعده قاضی عسکر اولوب
 بعده پادشاه بونی کندوبه خواجه و دائمی صاحب بعده وزیر ایدوب بعده انجنوب عزل ایدوب بعد زمان
 (نظم) قول خطا قیاسه نوله عقوبه نشاه قنی * طوالم ایکی الم فاند ایش قانی کرم * یتقی مشتمل اولان
 کرم قصیده سنی کوندر کیده بعض سخا قلوب و ربوب عاقبت بروسه بککنده وفات ایتدی * بر فضائل و معارف
 اولوب ترکیبی نظیر دیوان اشعاری و اردر * قصائد عربیه ده ماهر اولوب قصائد ترکیه ده خود سلطان جیح
 شعر آیدر و در اشبویات منلاحضر بک من حومک عربی قصیده مستزاده سنه دیدیکی نظیره دندر
 (نظم) یارای قلبی به سام الحظاتی * هیات نجاتی * مازات فدا لک روح و ذواتی * من قبل غایتی *

نقش الی بابل یا قرة عینی * بالدمع کابا * اشهدت علی الوجد مدادی و ذواتی * سل من عبرانی * کم تحرق
 احشای و فی فیک زلال * و الشارب منه * یحکی خضرا مورده ماء حیاتی * لانی الظلماتی (۳۸) ابراهیم
 پاشا ابن خلیل پاشا ابن ابراهیم بن علی بن جندره لوقره خلیل * پیری واجدادی دردی دخی سلاطین غماینه به
 وزیر اعظم اولدقلری یوقاروده کچمشدر * پیری سلطان محمد عزل و حبس و قتل ایتدکده بونی ادر نه قضا سندن
 عزل ایدوب خلق ایچنده خوار اولغین علمایه دانشمند اولقی ایستدکده پادشاه خوفدن قبول اولوب (نظم)
 الدهر دولا بیدور به الشر و مع السرور * بینا الفی فوق السعای * فاذا به تحت الصخور * مفه و مخبر و رسته ده
 یلدرم خان متوایسی بعده تقمیش و معزول بعده بروسه ده محتسب بعده بر شیخه مرید اولوب بعده شیخ
 اکا استانبولده و اراما شهرزاده سلطان بایزیددن غافل اولمه دیکین و ربوب بوکچون سلطان محمدنه ایسترسه
 ویرلسون دیوب امامیه قضا سن ایستدکده پادشاه بونی تنفیه ایدوب لکن و ربوب وارد قدده امامیه بکی سلطان
 بایزید بکا محبه کدک یلورم دیوب وعده لرایدوب از زمان دنسکره تختنه کیدرکده منلا کستالی بی روم ایلی
 قاضی عسکر لکدن عزل و بونی نصب ایدوب بعده وزیر اعظم ایدوب بودیری خیرید سیرده چکر بکی آفات
 و مخافته مکافات اولدی * قضا و وزراتنده سلوکی مقبول خلق اولوب وزیر ایکن مطبخنده هر کون التیوز نفر
 فقیر طعام ویرلوردی وفات ایتدکده همان سکر بیک انچه سی بولتدی (۳۹) منلا مصلح الدین یارحصاری
 علمادن بعده خواجه زاده دن اوقوبوب مراه پاشا مدرسه سنه بعده حکن مدرسه سنه مدرس اولوب جیح
 علومده فاضل ایدوکنه زماننده کی علما معترف ایدیلر * سلطان بایزید زماننده بوکاستانبول قضا سی تکلیف
 اولوب ایستدکده پادشاه بوکاین یلورم سن مستحق سندن غیری قاضی ایدرسم الله تعالی نک امر نه عاصی
 اولمش اولورم سندن تضرع ایدر که قبول ایدسن دیو خط همایون کوندر مکی * ناچار اولوب اون ییله دل غایت
 اعلا قاضیق ایدوب ظلمه طائفه سی بوندن عظیم قورقوردی * وفات ایتدکده مسجد نده دفن اولندی فی سنه
 طه و زوزاون بر (۴۰) منلا یوسف کرماسی علمادن بعده خواجه زاده دن اوقوبوب علوم عربیه و شرعیه ده
 ماهر اولدقدده بعض مدارس بعده حکنه مدرس بعده بروسه به بعده استانبولده قاضی اولدی * ابراهیم حقه سیف
 صادم و ماصدق (لا یتخاف فی الله لومة لائم) ایدی * برکون مسجدده کوچک دلبندله واروب جیققدده وزیر
 اعظم چاغر غنغین احواله واروب وزیر سببین صورتقدده خالق خدمته بوهیتله وارمشدرم مخلوق ایچون تغییر
 هیئت ایتدکده نفیسمه رخصت بولدم دیکین * وزیر حظ ایدوب پادشاه دیویردکده وافر بخشش کوندردی
 مطوله حاشیه و وقایه به شرح علم اصوله و جیز آد لومتن علم معاینده برکاب یازمشدر * مکتبی قریبده مدفوندر
 (۴۱) اشرف زاده منلا خواجه زاده دن وافر اوقوبوب بعده منلا علی طوسی به معید اولوب فضائی آفاقه
 منتشره و مشتهر اولدی * مسائل جیح علومدن بر مستله بونک قشده مشکل و مشتبه اولوب انجوبه زمان
 و نادره اوان ایدی * کشیدین هر ویدر که بدرم بکا امر ایتدیکه هر علمدن برمتی معناسیله اوقومزدن مقدم
 مجرد الفاظن حفظ ایدم بندخی امر یله عمل ایتدیکین جمله علوم بکا دفعه واحده معلومدر دیر ایدی * بعده تصوفه
 میل ایتدیکین صوفیونه قارشوب بعده سیاحتیه میل ایدوب قلندر لر بوکایانج اولوب بونی جبر و قهرله ییله
 کز دروب لارندن قورتابوب زمان کثیر انلرله ممالک کزوب وفات ایتدی * علمه شغلدن فراغت ایتش اولایه ایدی
 فضلا سلف یادی خلقه اوئدر دردی دیشلر * فبجنان من اقام العباد فی ارا (۴۲) منلا عبدالله امامی
 فضلادن اوقوبوب علوم شرعیه و عربیه ده ماهر و عابد و زاهد و عارف و صاحب کرامات ایدی امامیه ده سلطان
 بایزید مدرسه سنه مدرس ایکن وفات ایتدی * بونک علمدن جوق کسنه منتفع اولدیلر (۴۳) حاجی
 بابای طوسی علوم شرعیه و عربیه ده کامل اولوب مدرسه مشغول اولغین بوندن جوق کسنه منتفع اولدیلر
 کافیه اعرابی مصباح اعرابی قواعد اعراب شرحی و عامل شرحی ازوب هر بری مشهوردر (۴۴) منلا ولی
 الدین قرمانی علوم نافه ده غایت ماهر اولوب کاهی وعظ ایدوب خلق منتفع اولوب وعظده کندوبه حال غلبه
 ایدردی * محضی نظایمی اولان صاحب دیوان بر تازله اوغلی سن ترکی قصائد و غزلیاتی استانبولده مشهور
 و مقبول اولدقدده سلطان محمدانی چاغر دیوب اودخی استانبولده کیدرکن بولده وفات ایدوب پیر کاهی
 وعظده مناسبتله بعض اشعار فی ازقوبوب محکم اغلیوب خلق دخی اغلشورلردی (۴۵) منلا علی فناری

مشهور عالم اولان منلا فزاری نسلندن دکادر منلا علی طوسیدن اوقوبوب بعض مدوسه لره بعده صحنه
 مدرس اولوب بعده بروسه به قاضی به ده اناطولی قاضی عسکری بعده معزول اولوب سلطان بایزید زمانده
 وفات ایدی به قاضی و اصولی عالم و علوم عربیه و عربی انشاده غایت ماهر اولوب شرح مفتاحه حاشیه
 باز مشدر (۴۶) منلا قره سنن فضلادن اوقوبوب بعض مدارس مدرس اولدی به علوم عربیه ماهر اولوب
 شافیه به و مراجه و صدر الشریعه به و علم هیئتده ملخص بجمعی به بر شرح یاز مشدر (۴۷) منلا مصلح
 الدین بزکریا بن آی طوغش قرمانی به کند و ولا بی علماسندن بعده مصره واروب علماء عربیدن اوقوبوب
 رومه کاد کده مصباح شرحی ضومه حاشیه و مقدمه ابواللیثه توضیح آدلو بمقبول شرح یازدی (۴۸) منلا
 شمس الدین که دقوزدر برردی بعض مدارس مدرس بعده بروسه ده یلدرم خان مدرس اولدی به متن مراجه
 و مقصوده بر شرح و شرح آداب بحشه بر حاشیه یاز مشدر که هر بری مشهور و مقبولدر (۴۹) منلا مصلح
 الدین که غایتده سوز و قمری بکزل اولوب بن قزل قاتر برردی جمیع مسائل علوی الفاضله حافظ اولوب هر کون
 اون کتاب معتبردن درس دیوب غایت مجدد و ساعی ایدی به بروسه ده مناسره بعده استانبوله صحنه سلطان
 بایزید زمانده به مناسره بعده در نه مدرسه مرا دیه به مدرس اولدی (۵۰) حکیم قطب الدین دیار بحم
 ملوکندن بر نیک وزیر ایکن قترندن رومه کلوب فاضل و صالح و علم طبعده غایتده ماهر اولوبین پادشاه
 بوکا کونده بشیوز بقچه و آیده بکری بیک بقچه وظیفه تعیین ایدوب دایما بخشنشدر دخی و برردی (۵۱) حکیم
 شروانی محمدن کلوب فاضل ذوق و طیب حاذق و فضیلتده فایق اولوب پادشاهن مقبول لرندن اولدی
 (۵۲) خواجه عطاء الله محمدن کلوب علم طب و علوم عقلیه و شرعیه ده ماهر ایدی (۵۳) حکیم یعقوب
 یهودی ایکن علم طبعده حددن بیرون ماهر اولوبین پادشاه بونی دیوانده دقتر دار ایدوب ایمانه کاد کده وزیر ایدی
 شقایقه بونک طبعده کمال مهارتده متعلق غرائب یاز مشدر (۵۴) حکیم لاری محمدن کلوب طبعده ماهر
 اولوبین پادشاهه طیب اولدی (۵۵) حکیم عرب دیار عربده تحصیل و تکمیل علم طب ایدوب رومه کاد کده
 اسکود به بیک بوکا عظیم رعایت ایدوب طبعده کمال مهارتی شایع اولوبین پادشاه کتور دوب رعایت ایدی
 کریم و صالح کسینه ایدی (۵۶) التوحی زاده عابد و زاهد و پیرورانی و طیب حاذق اولوبین پادشاهن التفات
 و رعایتده مظهر اولمشدی (۵۷) منلا سراج محمد ملوک و امرانک مقبول ایکن قترن ظاهر و نرنده قاجوب
 بروسه به کاد کده قاضی منلا علی فزاری محمد بونکه آشنا اولوبین پادشاهه تربیت ایدوب استانبوله
 جامع دخی تمام اولوبین پادشاه بونی بومی الهی بقچه ایله خطیب ایدی به علم بلاغده کامل و خوب تفسکده
 زمانک دوردی دیک قابل ایدی به دیار رومه اول و آخر بونک نظیری کلام مشدر (فصل) مرحوم سلطان محمد
 خان زمانده اولان بکار ماهر بونلر ایدیکه (۱) شیخ آق شمس الدین اسمی محمدن جزه اولوب شیخ نهاب الدین
 سهروردی نسلندن رشاده طوغوب پدیریه رومه کلوب تحصیل و تکمیل جمیع علوم اید کده قصبه عثمانیه ده
 مدرس بعده فارغ اولوب حاجی بیرام سلطانده مرید و واصل مراد اولوب کرامات علیه سنه نهایت یوقدر نباتات
 بوکان فلان مرضه دوام دیوسو بلیکن علم طبعده حددن بیرون ماهر اولوب کابل یازدی کونیک قصبه سنده
 ساکن ایدی به استانبول فتحه کلوب کرامتله کوسر و ب بعد الفتح به کندی تصوفده نور آدلو رساله و بر رساله
 دخی یاز مشدر که بکار اولیاء عارفیندن اولوب شقایقه احوالی تفصیل اولمشدر (۲) مصری اوغلی شیخ عبد
 الرحیم قره حصارده طوغوب شیخ آق شمس الدین تحصیل تصوف ایدوب وحدت آدلو کتاب یازدی (۳)
 صراف اوغلو شیخ ابراهیم سیواسی شافعی آق شمس الدین تحصیل تصوف ایدوب اطوار سلوکده کزار آدلو
 کتاب یازدی استغراقی غالب لیدی سکر یوزکسان یدیده وفات ایدی (۴) شیخ شامی که اسمی جزه در آق شمس
 الدین خلفا سندن اولوب انک وفاتده نصکره ارشاده مشغول اولوبین جوق کسینه منفع اولدی (۵) عطار زاده
 شیخ مصلح الدین بودخی آق شمس الدین خلفا سندن اولوب انک وفاتده نصکره ارشاد خلق ایدردی (۶) شیخ
 سعد الله ابن آق شمس الدین شیخک بیول اوغلی اولوب علوم ظاهره و بکار علمادن اوقوبوب ماهر و مشتمل اولدده
 تصوفه سلوک ایدوب ارشاد خلقده پدیرنه قائم مقام اولدی (۷) شیخ فضل الله بن آق شمس الدین بودخی علمادن
 تحصیل و تکمیل اید کده پدیرنک خلفا سندن اولان شیخ شامیدن تحصیل تصوف ایدوب ولی الله اولدی

(۸) شیخ امر الله ابن آق شمس الدین بکار علمادن اوقوبوب بروسه ده متولی بعده الهی بقچه وظیفه ایله متعاهد
 اولدی عارفیندن ایدی (۹) شیخ حمد الله بن آق شمس الدین که جدی چلبی دیرلر ایدی پدیرنک اصغر اولادی
 ایدی فاضل و زاهد و تصوفده عارف و کامل و اهل عزات ایدی ترکی نظمده حددن بیرون ماهر اولوب مشهور
 و مقبول عالم اولان یوسف وزلیخا و لیلی و یحیون و مولد رسول علیه السلام قصه لرین نظم ایتمشدر (۱۰)
 شیخ مصطفی ابن وفا که شیخ وفادیکه مشهور عالم اولوب شیخ عبداللطیف قدسیدن تکمیل طریق ایدوب
 ارشاده مآذون اولدی جمیع علوم ظاهره و باطنیه ده حددن بیرون ماهر و مشتمل و کامل و مناقب علیه می
 مستقل کتابه محکم اولوب شقایقه ایدمه اجمال اولمشدر بکار اولیاء عارفیندن و اکثر اوقات خلوت و عبادتده
 صارفیندن ایدی به در یادن حجه کتد کده ردوس کافر لری بونی اسیر ایدوب قرمان اوغلی ابراهیم بک صانق
 الدوره استانبوله کادی اصلده قونیدر (الی رحه ربه) نارنج وفاتیدر (۱۱) شیخ حاجی خلیفه اسمی عبد الله در
 قسطنطنیه ندر جمیع علوم ظاهره و باطنیه بی تکمیل ایدوب بکار مرشدین و عارفیندن اولدی مناقب
 و کراماتنه نهایت یوقدر جسیم کسینه ایدی وفاتش فی سنه سکنوز یمشدر (۱۲) شیخ سنن قزوی سابقا
 ذکر اولان شیخ تاج الدین قرمانی خلفا سندن رعایتده اهل زهد و ورع عز بر عارف بالله ایدی (۱۳) شیخ مصلح
 الدین قوجوی عالم عارف بالله اولوب زهد و ورعی حددن زیاده ایدی وزیر بونک زیارتنه کاد کده ایدکاری
 مقامی یوزلرینه اوروب محکم قایوب آنلر دخی توبه ایدوب الن اوپوب کیدر لردی استانبوله مسجدی قر شده
 مد فوندر (۱۴) شیخ مصلح الدین اصلای فاضل و زاهد و اهل عزات اولوب ایصالده ارشاده مشغول ایدی
 (۱۵) شیخ محی الدین قوجوی علوم ظاهره و باطنیه مشغول ایکن شیخ پیری خلیفه به مرید بعده تکمیل تصوف
 ایتمکین ارشاده مجاز اولوب استانبوله متوطن و ارشاده مشغول اولوب مسجد و تکیه سی قر بند مد فوندر
 اهل ظاهر و باطن صاحب عزت و کرامات عز بر ایدی (۱۶) شیخ سلیمان خلیفه علوم ظاهره ده کامل
 اولدده شیخ تاج الدین به مرید و تحصیل مراد و ارشاده مجاز اولدده استانبوله ساکن اولوب اهل و اولاددن
 مجرد اولوبین عبادتده چالشوب نیچون ارشاد ایتمز دید کلمنده حق طالب بوله مرید ایدی (۱۷) شیخ
 عبد الله الهی اناطولی قصبه سنده و ندر استانبوله کلوب علمه شغل ایدوب بعده بحمه کیدوب آندده تحصیل
 علوم ایدوب بعده سمرقنده واروب خواجه عیبد الله نقشبندی حضر تندن تحصیل و تکمیل تصوف ایدوب
 رومه کاد کده روم ایلنده بیکجه وردار قصبه سنده نطن ایدی غایتده متواضع و ملک خلعت (ع)
 عارف و اصل مقصدی حاصل به مرید و موصل اولوب مناقب شقایقه مد کورددر به بوحقیرک لام جده سنک
 جدی اولان حضرت امیر بخاری بیک شیخیدر قدس الله سرهما (۱۸) شیخ علاء الدین خلوتی محمد به اون بیک
 نفر مقداری مریدی و احبابی اولان سید محی شروانی خلفا سندن در جذبیه عقلیه و نفس مؤثر صاحب اولوب
 بعضلره بر نظر ایتمکله بعضلرک قولافنه سولیکله آنلره دخی جذبیه حاصل اولوردی به استانبوله کاد کده
 خواصر و عوام بوکا اقبال ایتمکین پادشاه بونک سلطنتی احتمالنندن خوف ایدوب آخر شهری تشریف ایتمک
 امر ایتمکین کیدوب لارنده ده وفات ایدی (۱۹) شیخ حبیب قرمانی شرح عقائد اوقور کن سید محی
 شروانیه واروب اون ایکی ییل طوروب تکمیل تصوف اید کده اجازتله رومه کلوب کزوب بکار مشایخ رومه
 بولشوب جلدن انقره ده بر زمان طوروب دایما حاجی بیرام سلطانده وارردی کشف قلوبه مالک عز بر اولوب
 اصلا باقوب و طیبانوب اوپو مز ایدی اما سیه ده مد فوندر (۲۰) شیخ مسعود مدرس ایکن فراغت و شیخ علاء
 الدین مذکورده مرید و اندن تحصیل مراد ایدوب بعده در نه ده ساکن و ارشاده مشغول اولدی به صاحب
 جذبات و کرامات عارف بالله اولوب عابد و مجاهد ایدی (۲۱) شیخ محمد که منلا جمال الدین آق سرائی نسلندن
 اولوب حاجی خلیفه دیرلردی معانی اوقور کن تصوفه سالک اولوب نیچه مشایخه مقارن اولوب عظیم
 ریاضتله چکوب واصل مراد اولدی به عز بری سلطان بایزید استانبولدن طاعون دفعنه دعا ایچون قرق
 کسینه ایله حجه کوندر کده کیدر کن بولده وفات ایدوب بحکم الله اود دفعه ده طاعون بالکلیه کسلوب
 بر قاج ییله دل دخی قتل اوزره اولور اولدی به شقایقه نیچه کراماتی مذکوردر (۲۲) شیخ سنن حالا
 استانبول اطرافنده بونک اسمیه مشهور اولان قر به ده ساکن ایدی عالم و زاهد و مرشد کامل اولوب جوق

کسته بی تکمیل آید اعلی الله درجاتهم فی دار النعم و شرفهم بقاء وجهه الکریم
(باب نامن در احوال سلطان بایزید خان ابن سلطان محمد خان علیه الرحه و الغفران)

(نظم) شهری روی او دوات پدید است * پناه خلق سلطان بایزید است (نثر) ولادتش فی سنه ۸۵۱
یا خود فی سنه ۸۵۶ جلوسش فی یوم الاحد ۲۱ ربیع الاول یا خود فی یوم السبت ۱۸ ربیع الاول سنه
۸۸۶ مدت سلطنتش سنه ۳۱ مدت عمرش سنه ۶۷ یا خود سنه ۶۴ وفاتش در راه ادرنه بعد از فراغت
از سلطنت فی ربیع الاول سنه ۹۱۸ شهنشاده ایکن سنجابی اما سیه ایدی غایتده صالح و علبد و مشایخه محب
و معتقد اولوب پادشاه اولاد قد نصره مفتی ابوالسعود افندی بک پدری شیخ یاوصی دید کوری شیخ محبی الدین
الاسکلبی نام عزیز مریدی اولوب انک تکیه سنده قرق کون خلوته ~~کیر مشدر~~ (فصل در اولاد مرحوم
پادشاه) (۱) سلطان عبدالله جلجله برادر لری بک ابری اولوب جدی سلطان محمد خان زماننده صارخان بکی
اولاد سکر سکر یوز سکران سکر رمضاننده وفات ایدوب بروسه ده مدفوندر (۲) سلطان شهنشاه سکر یوز شهنش
بشده طوغوب ولایت قرمان بکی ایکن طقوز یوزاون بیدیده قونییه ده وفات ایدوب بروسه ده مدفوندر و وفاته
لطیف مرثیه دیندر که بندی بودر (نظم) بکار کول فغان ایده لم شاهم ز قتی * سلطان تخت قونییه
شهنشاهم ز قتی (نثر) محمد آدلو بر اوغلی فرمانده نیکه بکی ایدیکه سلطان سلیم خان تخته یکده کده قتل
اولشدر (۳) سلطان احمد سکر یوز شهنشاده طوغوب حسن خصال و کرم پر کمال اهلی اولوب اکن عیش و نوشه
مشغول قاصرالتدبیر اولوب پدری تخته یکده کده اما سیه سنجاغی و یرمشدی * مراد علا الدین سلیمان عثمان
آدلو اوغلاری اولوب بونلر عاقبت حاللری و سلطان احمد لطفه طقوز یوز بکر میده شهنشاده ایدوب برادر سلیمان
سلیم باینده ذکر اولنور (۴) سلطان علمشاه صارخان بکی ایکن طقوز یوز ~~کیر مشدر~~ وفات ایدوب بروسه ده
مدفوندر عثمان شاه آدلو اوغلی اولوب کانقری بکی ایکن قتل اولنور دینی سلطان سلیم باینده کلور (۵) سلطان
قورقود سکر یوز شهنشاده بایزیده بادرته طوغوب اصناف اوصاف کلامه بی مثال و جامع محاسن خصال ایدی
علوم متداوله ده تعقی خصوصاً شهنشاه عیالنده تقوی اولوب فقهده مذاهب ائمه جمعه متعلق بر کباب لطیف
تألیف ایشدر * علم موسیقیه دخ غایت ماهر ایدی صارخان بکی بعده ولایت تکه بکی اولوب بعده پدرنه
کوسمکین مصره کیدوب اندن حج ایدوب شهنشاه پیری رضایی ایچون کلوب سنجابی مقرر قیلتوب عاقبت طقوز
یوزاون طقوزده سلطان سلیم خان زماننده شهنشاده اولدینی اشاعیده کلور بروسه ده مدفوندر (۶) سلطان سلیم
خان حکمت رب قادر کبرایله سلطنت بو کامیسر اولغین احوالی باب مستقلده بیان اولنور (۷) سلطان محمد
سکر یوز سکرانده طوغوب اولاد طقوزی به بعده صارخانه بک اولوب طقوز یوزاون اوچده وفات ایدوب
بروسه ده مدفوندر * مریدی اهل کمال اولغین در کاهی اصحاب معارفه مالامال اولوب حتی سلطان شعر آروم
اولان نجباتی بک مرحوم سنجاقده بونک نشانیسی ایدی وفاته مرثیه دیندر که بندی بودر (نظم)
صارخان ولایتی شهری محمود خان قتی * زین الملولا و مغر شاه جهان قتی (نثر) اورخان موسی امیر نام
شهنشاده لری قالمشدر که عیلمی سلطان سلیم خان تخته یکده کده قتل اولنور قلی اشاعیده ذکر اولنور (۸) سلطان
محمد سکر یوز سکران طقوزده طوغوب غمندی کفه ولایتده بک ایکن طقوز یوزاونده وفات ایدوب مینی بروسه به
کتورشدر (فصل در وزیر آروم پادشاه) (۱) اححاق پاشا سلطان مرادک خاص قولارندن اولوب
انک زماننده وزیر اولوب سلطان محمد زماننده محمود پاشا یرنه وزیر اعظم اولوب سلطان بایزید جلوسنده ابقا
ایدوب سکر یوز سکران سکرده بیکلر خضعندن سلاطین سنجابی او توراق ویرلوب انده وفات ایدوب (۲) مصطفی
پاشا وایس پاشا پادشاه سنجاقده لالاسی ایکن جلوسنده دخ وزیر اولوب سلطان جم عسکر یله جنگه
کوندرد کده بروسه ده اوق طوغوب وفات ایدوب ~~کیر مشدر~~ (۳) کدک احمد پاشا غایتده عاقل
و مدبر کامل ایدی سلطان محمد زماننده وزیر اولوب وافر غزال ایدوب عاقبت عزل و انوب روم یلنده اولونییه
سنجابی ویرلوب جزیره بولیه نیک فتح و تسخیر یرنه سردار نصب اولغین واروب فتح ایدوب بعد زمان کلوب
پادشاه سلطان جم جنگه بولشوب سنجابی ظهورا ~~کیر مشدر~~ بکی وزیر اولوب سکر یوز سکران بیدیده قتل اولنور
(۴) قاسم پاشا جزیری جلوسنده نشانی ایکن یریلد نصره وزیر اولوب سکر یوز سکران بیدیده اوج ییلدک وزیرانده

طو رو ب بعده وفات ایدی * اهل علم و فضل و درویش نهاد صاحب کرم و خیر و عدل و داد ایدی (۵) داود پاشا
سکر یوز سکران بیدیده یحیی پاشا یرنه روم ایلی بکر بکیسی یرنه او ییلده کدک احمد پاشا قتلنده وزیر اولوب
آرزمانده نصره اون بک ییلدک وزیر اعظم اولوب طقوز یوزا بیکیده معزول بعده ایکی ییل دیمتوقه ده متقاعد
اولوب وفات ایدی * سابقا استانبولده جامع و مدرسه و مکتب و عمارت با یوب غایتده مالدار اولغین میراث
همان نغودندن قاضی عسکره رسم قسمت دیو بطریق الصلح بش یولک اچده ویرلوب املاک و اسباب و تحف
وسائر اموال محسوب اولامشدر (۶) مسیح پاشا سلطان محمد و زراستدن اولوب بعد زمان عزل اولنوب پادشاه
جلوسنده کاه وزیر کاه بعض سنجاقده بک بعده یرنه وزیر بعده عزل اولنوب بعده حجه واروب کدکده اوج
ییلدک وزیر اعظم اولوب طو یخچانه صاعقه دن طو نشوب سوندرد که وارد قده برطاش ایغن قیروب ایکی
کوند نصره وفات ایدی (۷) محمد پاشا ابن خضر بک داود پاشا یرنه روم ایلی بکر بکیسی یریل نصره وزیرایکی
ییل نصره معزول و سلطان احمد لالا اولوب اون دورت ییلد نصره اما سیه ده وفات ایدی آئیده مدرسه
ونکیه یا مشدر * تاریخ منلاد ادر بریده غضب پادشاه یله قتل اولندی دیومذ کوردور (۸) احمد پاشا فنساری
حضرت منلاد فنساری نسلندندر فاضل و صاحب معارف اولغین سکر یوز سکران سکرده نشانی اولوب
سکر یوز طقسانده مسیح پاشا عزله وزیر اولوب ایکی ییل نصره معزول و بروسه ده ساکن اولوب آنده وفات
ایدوب (۹) ابراهیم پاشا ابن خلیل پاشا پدری واجدادی آل عثمانه وزیر اولد قلی یوقاروده یکم مشدر پادشاه
تخته یکده کده سلطان احمد بونی لالا سکر یوز طقسانده استانبولده قاضی عسکر طقسان برده وزیر بعده وزیر
اعظم ایدی * طقوز یوز شهنشاده یرنه بختی سرنده وفات ایدوب عالم فاضل و عاقل و مدبر کامل ایدی استانبولده
جامع و مدرسه یا مشدر (۱۰) اسکندر پاشا سکر یوز طقسان درته روم ایلی بکر بکیلکندن وزیر اولوب اون
ییل نصره عزل و انوب بوسنه بک بکی ویرلوب سکر ییل غزال ایدوب بعده وفات ایدی (۱۱) خادم علی پاشا
عده مائل عاقل و صاحب خیرات ایدی جلوسده قرمان بکر بکیسی بعده سمندره بکی بعده اسکندر پاشا یرنه
روم ایلی بکر بکیسی بعده احمد پاشای فنساری یرنه وزیر و سپاه عرب اوزر یرنه جنگه سردار بعده روم یلنده
برقلمه فتحنده سردار اوق ایله مورده سنجابی ویرلوب طقوز یوزاون بیکیده وزیر اعظم اولوب اناطولیده شاه
قولی جنگنده شهنشاه اولوب * استانبولده جامع و مدرسه و عمارت وایکی جامع دخ یا مشدر (۱۲) هر سکر اوغلی
احمد پاشا روم یلنده بوسنه قرینه ولایت هر سکر جا کدک اوغلیدر سلطان محمد اولوب بسلطان ایدوب بعد زمان
مقرب سلطان اولغین سلطان بایزیدک شهنشاده ایکن کریمه سی بوکاز و ییچ او انوب جلوسده اناطولی بکر بکیسی
بعده مصر عسکر یله جنگه اسیر اولوب بعد زمان تخلیص اولنوب کتورلد کده قبودان بعده یرنه اناطولی بکر
بکیسی طقوز یوزا بیکیده وزیر بیدی ییلد نصره وزیر اعظم اوج اید نصره معزول و قبودان اولوب علی پاشا
شهنشاده اولد قده ~~کیر مشدر~~ رار وزیر اعظم اولوب بعده بکیر یلر بونک سیران باصغین معزول اولوب سلطان سلیم
جلوسنده یرنه وزیر اولوب بجم سفرندن دوند کده عزل و انوب چوق زمان یکم دین وفات ایدی * استانبول
قر بنده دیل دید کوری دریا معبرنده جامع و عمارت و مسافر خانه یا مشدر یعقوب پاشا (۱۳) سلطان محمد زماننده
قبواغانی ایدی جلوسنده نصره یرنه حدرده بعض بک بکر تصرف ایدوب خدماتی مشکوره اولغین روم ایلی
بکر بکیلک بکی بعده آستانه ده دورت ییل وزیر اولوب (۱۴) داود پاشای ثانی سلطان محمد قولارندن اولوب اهل
معرفت اولغین سکر یوز طقسان طقوزده نشانی اولوب دورت ییلد نصره نیکه بولی بکی اولوب بش ییلد نصره
وزیر اولوب اوج ییلد نصره وفات ایدی (۱۵) مصطفی پاشا قیوچی باشی ایکن جم سلطانک احوال یوقلامق
ایچون فرنگستانده روماشهرنده ریم بابایه کوندربلوب واروب خبر کتورد کده یا خود دلال و بر بر صورتیده
کوندرد کده سلطان جمه یا شوب زهر لواتره ایله بجم تراش ایدوب قاچوب کلکین علی کل حال مقبول
پادشاه اولوب روم ایلی بکر بکیسی بعده طقوز یوز بیدیده وزیر اولوب سلطان سلیم خان جلوسنده سلطان
احمد ایله متفقدرد یوز بروسه ده قتل اولندی * استانبولده جامع و مدرسه و تکیه و عمارت یا مشدر (۱۶) یحیی پاشا
سلطان محمد قولارندن اولوب او اخر سلطنتلرنده روم ایلی بکر بکیسی اولوب بعد الخلوس عزل بعده یرنه
بکار بکی اولوب ایلی ییلد نصره ولایت بوسنه سنجابی بکی طقوز یوز بیدیده اناطولی بکر بکیسی و پادشاهان

قره عظمی
احمد

دامادی بعده روم ایلی بکر بکسی بعده وزیر اولدی قصه اس کوبده جامع و عمارت و خان یا عسدر
(فصل در غزوات و فتوحات و معظّمات و سائر واقعات) (جلوس) من حرم سلطان محمد خان غازی
سفره عزم ایدوب اسکدر بقا سنده مال دبه سی قر بنده قونش ایکن وفات ایتمکین پادشاه خسته در اطبا
جامه قومی استرل دیو پهانه اولوب تابوتی عربیله مرابه بکوروبلر شهرزاده به اولاق کوندرلر بیکچیریلر
طوبوب شهره بکوب وزیر نشانی محمد پاشا نیک سر این با صوب قتل ایدوب یهودیلر اولرین یغمالیوب شهر
بکجیسی اسحاق پاشا نصیحتله قشّه دفع اولوب جدی یاتنده سر ایله اولان شهرزاده سلطان قورقود بابایی
سلطان بایزید طرفدن وکاله و نیابته تخته بکوروب بیکچیری به ترقی و بخشش ویرایکین غوغا با صلدی
اگرچه سلطان جنگ دخی اوغوزجان آدلور اوغلی اسکی سر ایله ایدی لکن اکثر اعیان و ارکان سلطان بایزید
ماقلر ایدیلر بر قاج کوندر نصکره پادشاه امام سیه دن کلوب سکر یوز سکسان الی ربع الاولینک بکری برنجی
یوم الاحدده زینت و شوکت ایله اسکدر دن شهره بکوب عظیم آلائی اولوب ایرتسی سلطان محمد
جنارزمی نمازینه جمعیت اولوب حضرت شیخ و فامام اولوب تابوتی پادشاهه وزرا امور زنده کونوروب
کند و جامی قبله سنده دفن ایدیلر بعده وزرا و علما و ارکانه خلعتلر کیدرلر بجه عسکره قانونله
ترقیلر و بخشش و ورلدی (محماریه جم) خبر جلومی قرمانده سلطان جم ایشیدوب بیوک برادرینک
اوسته خروج قصدیه وانر عسکر جمع ایدوب بروسه به کلکه عزم ایتدکده مجلایکی بیکچیری ایله ایاس
پاشا محافظه به کوندرلدی در عقب پادشاه دخی اسکدره بکوب عسکر جمعنه قاتلر سلطان جم کدک
صوح نام سردار ایله عسکر کوندرروب بروسه ده صواشلوب شهر خانی نصوحه معاونت ایتمکین پاشا و اکثر
بیکچیر یان اسیر اولوب اوچینی کوی سلطان جم کلوب تخته بکوب خطبه او قودوب دخی عسکر جمع ایدوب
روم ایلی سزک اناتولی بزم اولسون دیومنت ایچون اقر باو علمادن آدملر کوندرروب پادشاه رضا ویرمده
جم بکشر صحرانسه جنگ ایتمک ایچون واروب پادشاه دخی عسکر ایله واروب روم ایلنده محاربه کفاره
اولان شعیب و مدبر نامدار کدک اسد پاشا کلوب ترتیب صفوف ایدوب سکر یوز سکسان الی ربع الاخرینک
ایکینی کوی یوم سبتده بکشر ابرما غنک کارنده وقت عصره دك حرب عظیم و ضرب الیم اولوب تدریجیه
عسکر جردن فرقه فرقه آدملر کلوب پادشاهه تابع اولوب عساکر متفرقه قرمان طاعلغه باشلامغین
صیندی جم قدی خم اولغین قاجدی چاق قونیه به بعده اموالی یغمالر بولده اباغنی دخی آت دیوب
بجده غم و امان ایله کیدوب طوبیلان عسکری قتل اولوب اردنجه پادشاه عسکرله هجوم ایتمکین جم غم مدغم
و یأس و ندم ایله والده و کریمه و عیالان الوب اوچیز زنده روبا عیله حلیه بعده شامه واروب کلی رعایتلر اولوب
غره شعبانده مصره وارد قده استقبال و تعظیم اولوب سلطان قایتبای ضیافت و انواع رعایت ایتدی
بوجایده پادشاه قونیه به واروب قرمان حکومتی سفرده کند و ایله ایله اولوب مغنیسابکی اولان بیوک اوغلی
سلطان عبدالله ویروب استانبوله کلدی (جنگ قرمانیان) قرمان اوغلی قاسم بک مرحوم سلطان
محمد زمانده اوزون حمله قاجوب بعده آنک اوغلی یعقوب میرزا نیک یاتنده اولوب قرمانه کلکه فرصت
کوزه دردی جم قترنده کلوب و ارساق و طورغود و قرمان بکری نیک بقایایی بونک یاتنه کلوب عظیم درنک
ایدوب غارت ایدرلک لارنده به بعده قونیه به کلوب محافظه ده اولان بکرایله قرمان بکر بکسی خادم علی پاشا
صواشوب قاسم عسکری چوق اولغین پاشا قونیه ده شهرزاده یاتنه قاجوب قاسم بونلری محاصره ایدوب پادشاه
ایستدکده وافر عسکرله کدک اسد پاشایی کوندرروب قاسم ایستدکده طاش ایلنه قاجوب اسد پاشا اوغلی
پاشا آردنجه کیدوب نقط اولغین ذخیره جمعی ایچون علی پاشا آرزو عسکرله آیرلده قاسم هجوم ایدوب اسد
پاشا ایستدکده سر عتله کلوب ظهر دن اخشامه دك جنگ اولوب قاسم قوناغنده چایجا آتشی ایدوب آدملر
قوروب کزیده عسکرله طرسوسه قاجوب اسد پاشا ایلماس قلعه سنه اوغره بوب یعقوب ذخیره لر عسکره
تقسیم ایدوب علی پاشا ایله لارنده به واروب عسکره دستور ویروب قاسم بک قشّه سن دفع ایچون آنده
قتل مغه بارشادن اجازت ایستدی (رجوع جم) سلطان جم مصر دن رعایتله حجه کیدوب کلوب
قاسم بک و نیجه امراء عثمانیه بوکا خبر کوندرروب اغوا و اغرا ایتدکارنده اهل و عیالان مصرده قوروب

چرا کسده دن اجازتله حلیه کلوب عثمانیاندن چوق کسینه کلوب تابع اولوب پادشاه ایستدکده بروسه به
بکوب سلطان جم عسکر جم ایله آنده به کادکده قاسم بک قارشولوب ولایت فرمانده کشت و کذا ایدوب
اسد پاشا و بعضی امرا ایله نیجه وقایع ظهور ندن صکره پادشاه عسکر فر اوانله هر قایه کادکده جم ایشیدوب
قاسم ایله طاش ایلنه قاجوب پادشاه ایله بر قاج کره ایلچیلر بوب جم اناتولی سلطنتی رجاستدن فراغت
ایتمکین پادشاه اسد پاشایی بعضی عسکر ایله کوندردکده جم قاجوب روم ایلی یاقاسنه بکملک تدارکنده
اولدی (امور) قاسم بک عصیاننه نادم اولوب پادشاهه توبه و تضرعنامه کوندردکده عفو اولوب
قرمانک ایچ ایلی حکومتی ویرلدی و پادشاه نظم احوال عالمان ایچون ادرنه به واروب بر کجیه ارکان دولتی جمع
ایدوب نصف ایله دك عیش و صفای ایدوب صدق و اخلاصی اولنره خلعتلر کیدررب وزیر کدک اسد پاشایی
قتل ایدوب بعده آنک قاین انامی اولان وزیر اعظم اسحاق پاشایی عزل ایتدی و پاشا یه بیکچیر یلر پاشا قالدروب
ادرنه صو باشدین قتل ایتمکین داود پاشا عزل اولوب آزمدت نصکره بعده وزیر اولدی (سرگذشت جم)
سابقا اردوس پادشاهی اولان کافره هدایا ایله ادم کوندرروب دریان روم ایلنه بکمهکده استعانت ایتمکین
سکر یوز سکسان ییدی جمادی الاخره سنک اوچنده اولوز نفر آدمله ساحله کلوب ردوس بکندن عهدنامه ایله
کلان پارچه به نبوب وارد قده قرال ظاهر ارعایتلر لکن کتمکده عوق و تآخیر ایدوب عاقبت بورادن فرانجه
ولایتنه اندن آنک روسه وارمیجه مرادیکر حاصل اولمز دیوب فرانجه نامیه مواضع بعیده به صالقی ایستوب
صورتا رعایتلرله پارچه به قویوب کوندرروب بحر و برده قرق الی عدد شهره ایلتلوب کینده آز کینده چوق
ایکینده ایکیشریل ایلقونوب بوللرده قدی لام ایدوب جنگ انواع شداند و آلام بکوب مدت مزبورده
هر طرفدن کافر بکری ردوس بکنه آدملر کوندرروب شهرزاده بی ایستدکده کارنجه شهرزاده دیلندن بن بونده
کند و اختیارم ایله طوررم دیو زورمکتور بلر کوندرروب عاقبت قزل المادید کوری روما شهرنده اولوب معتقد
ویشوای جمع ملوک نصاری اولان ریم پایا فرانجه پادشاهنه آدم کوندرروب شهرزاده بی تکرار ایستدکده
سکر یوز طقسان اوچ ذی الحجه سنده ایکیز کافرایله کوندرروب طی ممالک و قطع مسالک و اقتحام ممالک
ایدوب کاه بردن کاه بچوردن نیجه بلاد و معبر بر خطر دن گذر ایتمکده تفصیلی جم نامه دیو بر مستقل
رسالده مبین و محرر در بعده عاقبت طقسان درت ربیع الاخری غره سنده پایادن غیری جمیع کفار برضلال
استقبال ایدوب تعظیم و اجلال ایله روما شهرنه ادخال و پایانک سرانیه انزال ایتدیلر ابرقی پایادین ایدوب
جمع ملوک کفارک ایلچیلری حاضر اولوب پایا شهرزاده به آنک روسه کتمک تکلیف ایدوب اودخی سلطنت دکل
جاندن اوصاف مغین مصره کتمک ایستوب اول ائشاده آنک روس قرالی شهرزاده بی دعوتیه آدملر کوندرروب بوحالده
استانبوله روما آرامی ایکی ایل قیول اولوب شهرزاده نك آنده ایدوب کون برادری پادشاه ایشیدوب قبوجی باشی
مصطفی اغایی که بعد زمان وزیر اولمشدر پایا به کوندرروب تسکین قشّه ایچون شهرزاده بی محکم حفظ ایله دیوب
اودخی تعهد ایدوب اوچ ییلد نصکره پایا وفات ایدوب شهرزاده بی یکی پایانک الدن الوب قورنار مغه فرانجه
پادشاهی وافر عسکرله کلوب بعدا محاصره پایا ایله بارشوب طقوز یوز جمادی الاولی سی غره سنده شهرزاده بی
الوب کیدرکن بولده نیجه حصارلری طوعا و کرها الوب پایا ملعون فرانجه بکی شهرزاده بی کند و اندن الدیغنه
قلبندن انجمنکین زهرلش اوستره ایله بردلاکی فرانجه بکی یاتنه بر حلیه ایله کوندرروب مکر و شبیه
شهرزاده بی تراش ایتمکده ظفر بولوب قاجوب یا خود مزبور قاجوجی باشی مصطفی اغیا پادشاه دن قاجوب کلد
دیو حلیه ایدوب شهرزاده به یاشوب بربر اولغین استانبول دن عن قصد کتوردیکی زهرلواوستره ایله تراش ایدوب
قاجوب پادشاهه کلوب علی کل حال شهرزاده نك یوزی محکم ششوب تخت روانه قونوب علاجلر کارا تیموب
بولیه بکینک تختی انا بولیه شهرنه کادکارنده مصرده اولان والده سی و کریمه سندن مکتوب کلوب ایکن عقلی
کاه کلوب کاه کیدوب اوقیامیوب جمادی الاولینک بکری طقوزنی کونک صالی کجیه سی (لاله الا الله)
دیهرک وفات و ترک دنیای بر آفات ایتدی بعده شعرا و فاته بوتاریخ لطیف دیشدرکه (نظم) دیدیلر
ایلیوب دعای سرش * جام رختدن ایلدی جم نوش (نثر) میتی فرنکستاندن کتورلوب بروسه ده
دفن اولندی بعده مصر دن والده سی و کریمه سی دخی کتورلدی (محرره) آه بو چرخ فلک بی امان * قان

دو کوب قانراچهر زمان * اجیرانسانه ایدر بیک جفا * کورمدی هیچ کسه جهاندن وفا *
 ظالم و بد سیرت و نامهربان * جورله هر لحظه بقار جسم و جان * اهل کمال اولنه اولورعدو * ایچمه کافان
 ایدر کاغلو * دشمن الله ایدر آتی زبون * جور و جفاله اولوب باغری خون * قلب ایدر غمرا ایل چال چال *
 محنت ایل عاقبت ایلر هلاک (بعض وقایع) سابقا اناطولیده ظهور ایدن قسطنطنیه لردن روم ایلنده کفار
 خاکسار حرکت ایتمکین قوت و شوکت اسلامی اظهار ایچون پادشاه ظفر شعار ادرنه به واروب سکر یوز
 سکناس سکر ربيع الاوانده جله عساکرین جمع ایدوب قلبه به واروب کزیده عسکری مور اووه صوبی اویتنده
 کافر لیاوب سلطان محمدیه بدی قلعه لرباسنه کوندروب کندوسی بر قاج قصبه کزوب صوفیه به کادکده
 قلعه لرباسی خبری کلمکین عسکره دستور وروب ادرنه به بعده استانبوله کلدی * سکناس طقوز محرمنده
 قرمان اوغلی قاسم بک وفات ایدوب امر اقرمان طورغود اوغلی محمود بک والدیه سی قرمان اوغلی بک قیزی
 اولمکین قاسم بر نه نصب ایدوب سنه مزبور ذی القعدة سنده ولایت قرمان حاکمی بیولک شمراده سلطان
 عبدالله وفات ایتمکین پادشاه غایتده حزن و غمکین اولدی * بعده میتی بروسه به کورلوب دفن اولندی
 (خبرات و فتوحات) پادشاه کلی و آق قرمان فتحه عسکرا جمعی ایچون امر ل کوندروب سکر یوز سکناس
 طقوز ربيع الاخرنده ادرنه به واروب قران کشور بلاندن غیری قره دکردن نهر نونیه قدر غره لرب بحد طوب
 و تفنک و آلات جنگ و وافر ذخیره کوندروب بعده ادرنه به جامع و مدرسه و عمارت و دارالشفای بناسنه
 و برای مقدم آتیه بنان بزازستان و نیجه چارسولی کار کیر باغچه باشلدوب صدقات و انعامات و علما و مشایخه
 ضیافت و الواس خلعت ایدوب بعده عسکره سفره چاقوب قدیمدن خراجکار اولان افلاق بکی یکریمی بیک
 قدر عسکر و وافر ذخیره ایل کلوب جمادی الاخره نک اون برنده قلعه کلی محاصره و طوبله دو کوب رخنه دار
 اولمکین طقوز کوندریکره کفار رضا ایل تسلیم حصار ایتمکین ضیطی تدارکی کورلوب آق کرمانه توجه
 اولندی * ولایت قریم حاکمی تانارخان الی بیک عسکره بابوس تهنیت جلوس و معاونت سفر ظفر مانوس
 ایچون کلوب کلی رعایت اولندی * در دینی کون آق کرمانه واروب قلعه نک اونوز یللی ذخیره و اقواتی و یحید
 اسباب و آلاتی اولوب خندق دخی غایت عمیق ایکن امر پادشاه ایل بر هفتقه ده طولدر دیرلر * جبک اون التخی
 کوفی حصاره علملر دیکوب بعض اموال غنیمت فراوان جامع بناسنه الیقونوب ماعداسی عسکره و تانارخانه
 تقسیم اولندی بعده دونوب ادرنه به کلدیلر (شوکت و غلبه) پادشاه شهره کلدکده مسیح پاشایی وزارتدن
 واسکندر پاشایی روم ایلی بکار بکیلکندن عزل ایدوب بوشاده هند و مصر و انکروس پادشاهلردن تهنیت
 جلوس ایچون هدایا ایل ایل کلوب بعده آق کرمانده کفار بغداد بکنه علی القفله کورسک قلعه بی اوغورلق
 تمکندر یوز خبر کوندروب مستحفظ طوبوب جله مساقفاری قتل ایدوب کجه انتظارده ایکن بغداد بکی
 ادمرله خفیه کلوب زردبانلر قوروب کچی حصاره کیروب کچی زردبانده ایکن کچی قتل کچی اسیر ایدوب
 پادشاه ایشند کده روم ایلی بکار بکیسی خادم علی پاشایی کندو عسکر به و بر مقدار یکچرله بغداد کوندریدی
 یولده افلاق بکی عسکر به معاونته کلوب سکر یوز طقسان شعبانده واروب بغداد بکارندن چوق کسینه
 تابع اولوب کنر بغداد اوغلیله ولایتنه قاجغین بغدادنه مسلمانلر اقرین ایدوب غایت طیوم اولدی لر خس غنیمت
 ایل پاشا استانبوله کلدی * طقسان برده بغداد اوغلی پاشانک کتدیکن فرصت یللوب فساد عزمی پادشاه
 ایشیدوب مالفوج اوغلی بالی بکه سلسره بک کچی وروب محافظه ولایت و غارت بغداد امر ایتمکین بغداد
 اوغلی ایشیدوب له و انکروس قرالردن عسکره کراسته یوب کوندر دکر نده صبا حدن اخشامه دلنه محکم
 صواشوب کافر کجه قاجوب نیجه سی قیرلوب مقدما کیدن اقتضای طیوم کلدیلر (خروج) سکر یوز
 طقسانده پادشاه اناطولی بکار بکیسی کوندروب آدرنه و طرسوس و کولک و دخی بر قاج قلعه بی کفارالندن
 فتح ایدوب انلری قلعه دن اخراج و رعایانه وضع خراج ابدی (انکسار) مرحوم سلطان محمدخان
 قدیمدن ولایت البستان پادشاهی ذوالقدر اوغلی علاءالدوله بک کندو منکوحه سنک اقریاسندن اولمکین
 قدیمی ولایتلرین آنک قزنداننی بدای بکدن البور بر مکده عسکره و غنیمت واروب ضبط ایتمدی * مصر
 پادشاهی سلطان قایتبای عسکری بونی انجتمکین بودخی حالا پادشاهه خبر کوندرمکین یعقوب پاشا

معاونته کوندروب وارد قده اولاجرا کسه دن حلب بکی جنکده قتل اولوب نیجه امرای اسیر اولوب حلب
 و شام عسکری صیوب عسکر روم اردلر نه دوشوب ملاطیه نک در بندنده یوصوده بش بیک عسکر اولمکین
 علاءالدوله قاجوب پاشا اندن غافل اولمکین روملردن چوق کسینه دوشوب باقیلری صیوب قاجودیلر
 (انکسار) سلطان قایتبای عثمانیانک کندو سرحدنده قلعه لردن الدقلین ایشیدوب اللردن المی ایچون
 سر عسکری امیراوزبکی و شام بکار بکیسن وافر عسکرله کوندروب قلاع مزبورده محافظه سننده اولان
 موسی بک و پادشاهک دامادی فرهاد بک عسکرلری تمام جمع اولدین ناچار صواشوب بکار شهید و عسکر
 صیوب قاجودیلر (انکسار) پادشاه ایشیدوب اناطولی بکار بکیسی هر سگ اوغلی احمد پاشایی عسکرله
 سکر یوز طقسان برده ادرنه سمته کوندروب خضر پاشا اوغلی محمد پاشایی و قره کوز پاشایی ضمیمه ایدوب
 وارد قلندر بویا بکیسی احمد پاشایه حصد اچنکدن ال چکوب احمد پاشا بامر قمری کسلنجه محکم صواشوب
 عاقبت صیغین طوبلوب سائرلر قاجوب حقه حصار ادرنه و طرسوس قلعه لرین ناچار کسه به وروب
 قورتلدیلر (سفر) پادشاه وزیر اعظم داود پاشایی عسکرله طقسان ایلکیده عربستانه کوندروب علاء
 الدوله عسکرله کلوب ولایت عربیه عظیم تدارک سزوارلق خطادر قرمان حاکمی طورغود اوغلی محمود بک
 اوزرینه واروب آنک قسطنطنیه دفع اولدی در دیکین وارلوب محمودی محاصره ایتد کزنده محمود متعلقان
 الوب تبدیل صورتله حلبه قاجوب وارساق بکری پاشایه کلوب مطیع اولد قلندر خلع مکر کیدروب دونوب
 استانبوله کلدی (انکسار) طقوز یوز اوچده پادشاه عسکره عثمانیه ایل وزیر علی پاشایی چرا کسه ایل جنکه
 کوندروب سلطان قایتبای دخی صلح ایچون هر سگ اوغلی رعایتله کوندروب پادشاه کاقبودانلق و وروب یوز
 عدد قدر غه ایل در یادن معاونته کوندروب علی پاشا ناوور زا کوره ایاس تمر دن ملوانه قلمه لرین الوب ایایی
 یقوب بعده سید قلمه سن طوبله دو کوب چرا کسه دن ایچنده اولان امیریش بک امانله و بر مکین ایکی بیک
 ادمیرله استانبوله کوندروب وارد قده پادشاه رعایتله مصره کوندریدی * قایتبای عثمانیانه جنکه
 نه اوزبکی عظیم عسکرله کوندروب رمضان اوغلی و طورغود اوغلی دخی بونلر تابع اولوب بغراض طماغنه
 کلد کزنده ناگاه بحکمة الله عظیم فورته اولمکین کیرلر باره لنوب قورتلار خلاف سمته دوشوب چرا کسه
 حضورله کچوب ادرنه حصار سنده ایکی عسکر تفصیله محتاج و جوهله محکم صواشوب ای کسینه دخی زل
 و خلل و کسل کلوب بری برلردن قاجوب نیجه امور ظهور نند نصره چرا کسه بورکنوب کلوب ادرنه بی
 محاصره ایدوب بحکمة الله مخزن باروته آتش دویمکین مستحفظلر سوندر مکده مشغول ایکن زیدسلری یا غنیمت
 سائرلری شاشوب بر قاج کون غیرت ایدوب ناچار ایمان و ایمان و امانله قلعه بی آجدیلر علی پاشا قزمانده
 هر قلعه کلوب احوالی عرض ایتد کده پادشاه عزل ایدوب بجان امرای قید بند ایل استانبوله کتوردوب
 قرمان بکار بکیسی قره کوز پاشایی قتل ایتدی (علامات) سکر یوز طقسان درت جمادی الاولی سنده
 بر کجه ادرنه ده اخراق واقع اولوب خیلی بریاندی ماه رجیده تکرار اخراق اولوب چوق بریاندی نه رجیده
 ماه غوزلر رابعنده جمعه کونی ادرنه ده هیبتلو صاعقه لر پیدا اولوب بدی برده عظیم ضرر احداث ایتدی
 (انکسار) البستان حاکمی علاءالدوله عثمانیاندن اعراض و چرا کسه به انتساب ایتمکین پادشاه انجمنوب
 آنک برادری اولوب سابقا چرا کسه طرفندن شام قلعه سنده محبوس بودا بک قاجوب پادشاه کلدکده
 استانبول قزنده و بره سنجایی و برلشدی حالا البستان حکومتی و برلوب امامیه و قیساریه بکری معاونته
 تعیین اولوب بودا بک ترکمان بکری کندو به مائل ایدوکار نه مغرور اولمکین معین اوله جق عسکر عثمانی
 تمام جمع اولدین بعضیه واروب علاءالدوله نک بیولک اوغلی شاهرخ بکی کید پادشاه طرفندن قیر شهری بکی ایدی
 طوبوب کوزنه قیزمش میل چکدروب علاءالدین ایشیدوب غم و المندن شامیلر معاونتله عسکر جمع ایدوب
 بوداقه هجوم ایدوب جنکده قیساریه بکنی علاءالدوله طوبوب شمد نکیر و فرصت سز کدر دیومصر پادشاهنه
 خبرله بیل کوندرمکین سر عسکر چرا کسه اولان اوزبک سکر یوز طقسان بشده کلوب قیساریه و زید کده
 و هر قلعه ولانده بی غارت ایتد کزنده امر پادشاه ایل هر سگ اوغلی اناطولی عسکرله یوز یوز یقلاشدی بی
 ایشلد کده اوزبک مملکتلر نه کیدوب ولایت قرمانی غارت ایتدی (عبرت) استانبوله سکر یوز طقسان

بش شعبان ماه قمری ناکاه بر ابرسیاه پیدا اولوب محکم بقمور لر یا غوب سیملا اقبوب هوا غایت قرار ووب
 تنایع صواعق و برق نیجه مواضع و اینیه بی سرق و سرق ایدوب اول علامت قیامت نشاندن جمله انسان ترسان
 و هر اسان اولوب صواعق نازل هائله دن بریسی ات میداشته غایت محکم اولغین مخزن باروت اولان عظیم
 کلسایه اینکین قبه سی وجهه اجمار دیواری هوا به او چوب اطرافنده درت محله عظیمه که جمله سی برقصه
 مقداری واریدی کیمی کلسادن روشن طاشلایه کیمی شدت وحدت حرکت ترزل ایله جمله سی زیر و زو خا که
 برابر اولوب کلسانک قبه سی هوا ده او چوب قارشوده قزل اطه یاننده دریایه سائر اوچان طاشلایه کیمی
 دریا آشوری غلطه به کیمی اسکنداره دوشوب چوق برله کلی ضرر لر ایرشدی * او کون ضحوة کبرادن وقت
 عصره دله استانبوله هر خانه دخانه غرق اولوب کوندز کیجه دن فرق اولنزدی * فسیحان الملک القادر الحمید
 الفعال المایه و یحشار و برید (فراغ از سفر) بواشاده ولایت مغربده باغن جدوقس پادشاهی سلطان
 عثمان قدرغه لاله مصحف شریف و نیجه کتب حدیث و بعض هدایا و ایلیله مصر پادشاهیه صلح اوله منر
 دیونصحت و رجائنامه کوندروب پادشاه عربستانه سفر ایچون بشک طاشده اوناغله قومشمیکن علماء
 رومن کیمی صلحی کیمی محاربه و انتقامی مناسب کوروب مفتی زمان اولان مولانا زین الدین العربی
 شای الاصل و اهل تقوی اولغین مسلمانه قتال خلال دکدر دیو صلحه سعی ایدوب قلعهد آدنده وادرنده
 واستانبوله اولان علامات تنبیهات خالق کائنات دردیو نیجه نصیحه فصیحه صحیحه ایتمیکن پادشاه سفردن
 فراغت ایدوب سیر ایدر لادنیه و اطرافنده واروب بهده استانبوله کادی (سور بر سرور) پادشاه بر عظیم
 دو کون تدارک ایدوب شهرزاده سلطان احمد لاهو غلی و وزیران برینک اوغلی سنت ختان اولوب و ککند و
 کریمه لایک برین عجم و زکات پادشاهی اوزون حسنک اوغلی اوغورلو محمدک اوغلی احمد میرزایه و برین داود
 پاشا اوغله و برین ارناود اسکندریه سی بکی نصح بکه ترو و نیجه کوندرو کونلر ایدوب سنجاقلرده اولان
 یول شهرزاده لر جدلری سلطان محمد زماننده سلطان جم ایله سنت اولمشردی اونا ریخته سلطان احمد اماسیه ده
 سلطان شهنشاهه منتشاده سلطان قورقود صاروخانده سلطان سلیم طر بزنده سنجاقده ایدیلر (عقد صلح)
 مفتی ملا عرب سکر یوز طقسان الی اولنده سلطان قایتبایه صلح ایچون بر نصیحتنامه کوندروب اودخی
 حظ ایدوب پادشاهه رجاء صلح ایله هدایا و اعتذار نامه کوندروب چقور اواده عساکر عثمانیه الله کیرن اوج
 عدد قلعه حرمین محترمین اوقافندن اولغین کالاول جرا کسه ضبط ایتمسن رجا ایتمیکن پادشاه ایلیله ره رعایتلر
 ایدوب هدایا و صلح نامه ایله کندودخی ایلی قوشوب یله کوندروب اهل مالک اسلام مسرور و بر صفا اولوب
 بومضوی کو باولایلر (نظم) شکر خدا را که زلف ازل * صلح و صفاشد بخضومت بدل * نادئ اقبال
 درین کهنه دیر * غلغله انداخت که الصلح خیر (فتوح) ولایت انکروس کفارینک قرائتی خصوصنده
 نزاعلری اولوب سرحد بکرنندن برینک نصیحتیه بلغراد بانی پادشاه بونده کورسه قلعه بی تسلیم ایدرم
 نه بی حاکم نصب ایتمسن دیوب پادشاه ایستد کده عسکر جمع ایدوب بان نامهربان شکسته پیمان اولورسه
 باری صغریه اولیه لم ارناود ولایتی فتحه عزم ایدلم دیوب دریا دن اوجیوز قدرغه کوندروب سکر یوز طقسان
 بدیده بوله بکی قرائدن خراجله ایلی کلمیکن پادشاه ارناود لقی ستمنه کیدوب مقدمه غارت و تسخیر ایچون
 دار پاشایی بعض عسکرله کوندروب انلردخی اونا حیمده کی بجه لری محاصره و فتح ایدوب غنائم و اسیردن
 سیر اولایلر * قتل اولانلردن ماعدا بیکدن زیاده کافر در زنجیر اولوب ارناود سردار لری نک اوغلی یله ایکن
 عارلندن اعلام ایتمیوب جمله سی قتل اولندیلر * اموال و غلمان و جواری خوب صورت انواعندن خمس
 شرعی افرار و ماعدای عسکره توزیع و اونا حیضط اولوب رعایاسنه خراج وضع اولندی (قصه)
 بوله قاندر صورتده برکسنه بر طاری بوله غدا بچندن سل سیف ایدوب پادشاهی اوره حق محمله اسکندر پاشا
 یوزدغاله که سن شق ایدوب عسکر جلجله باره لایلر پادشاه اشقرک و طیفه لرین که سوب مالان محروسه ده
 قاندر صورتده کرنلری سوردروب آدیش بدع اولان مملکتی پالایندیلر * بعده فرمان اولدیکه سفر لرده دیوان
 همایون قورلاجه قاپوچیلر قلملرین طاشاقوب حاضر باش اولوب فدای شکندره اولنلری داغما کوزده لر
 (نصرت و ظفر) پادشاه ارناود سفردن کدکده الی ییل قرار ایدوب بعده انکروس قرائی مالک اسلامیه

غارتنه جهدا بیدیکن ایستد کده ستمندره بکی میخال اوغلی علی بکه بکری یکن عسکرله انکروس ولایتین
 غارت امر ایتمیکن واروب طیوم کلورکن بردینده آردلری کفار المغین اکثر عسکر شهید اولوب بهادرلری
 جنک ایدرک قورتلوب قرائ مغرور اولوب بوسنه بی غارت ایچون ملوک کفار دن استبداد ایتمیکن جبار
 بکندن الی بیک ریم پادان ایکی بیک فرنک و خرواندن بجه پیاده و سوار کوب قرائ برادرزاده سی درنجیل بانی
 اون ایکی بیک زره پوش عسکرله کوندروب جمله بش بان جمع اولدی * بوسنه ایله انکروس اراننده کی ولایت
 خروانده ایکی بان واریدی برینک اسمی کرفارلی ایدیکه کاه پادشاهه کاه قراله تابع اولوردی حالا عاصی
 اولغین بوسنه بکی یعقوب پاشا اذن پادشاهیه آنک ولایت غارته عسکر جمع ایتمشدی برینک اسمی کیرالیا
 ایدیکه پادشاهه مطیع اولوب قراله عاصی ایدی کرفارلی لندن ایکی قلعه المغین کرفارلی قراله شکایت ایدوب
 اودخی معاونت ایدوسن دیو درنجیله اصهار لغین درنجیل عسکر یله کیرالیا ولایتی بغما و قلاعنی محاصره
 ایدوب اودخی پاشایه فریادی کوندروب پاشاهه کیرله سابقه اولوب بعده کفارانه دوشن پایجه حصارنه
 واروب محاصره ایدوب ولایت انکروسی غارت و پایجه کفار یله جنک بهده فتح ایدوب درنجیل ایله جنک
 کیدوب کفار اقدین ایدیروب غاز یلر طیوم اولدیلر * بعده جبار عسکرکته کیروب غارت ایدوب اونه کونه
 نام نهر عظیمدن کدیرلر که اوزمانه دله مسلمانلارندن کچما مشردی * بعده قرنان ولایتی اون بش کون غارت
 و بنالین خراب ایدوب طیوم اولدیلر * بعده درنجیل بان حکومتگاهنه واروب خانمان آتسه باقوب برار
 ماللرین الوب دار و دیارین ناراج ایدیلر * بواشاده درنجیل دیدکاری افسد اهل انجیل کیرالیا نک قلعه لرین
 محاصره مشغول ایدی ولایتی غارتن ایشیدوب عسکر یله یعقوب پاشا نک اوزرینه کلوب سکر یوز طقسان
 سکر دی الحجه نک یدینجی کونی یوم جمعه ده پاشا صحابه کرامدن برینک ایدرکی مشهور اولان قلی ایله مردانه
 میدانه کیروب عظیم جنک اولوب مسلمانلار اوسته هوا ده سیرغ مثال اوج یول قوش طوروب کفار اوستنده
 اولان یدی عدد عقاب ایله صواشوب قنادلرین قیدرقده مسلمانلر علامت خیردر دیو حظ ایدوب واقعا کفار
 مسلمانلر اضعا فی ایکن حضرت حقل الطافی ایله صینوب مسلمانلر درنجیلی اندن یعقوب قیدرو بندله پاشایه
 کتوردیلر کلمن باشلردن اون ایکی عدد مناره باقوب بورلرین قولالرین ایله دیروب اموال غنائم و کفار
 اسیرلرله پادشاهه کوندردی * درنجیل قره حصار قلعه سنده حبس اولوب غم و غصه ایله ایده هلاک اولدی
 بوغرا جزای ایچون پادشاه پاشایه تقود و خلعتلر و برمرص قلی وزیرین رختلو بر خاص آت کوندروب روم
 ایلی بکار بکیلرکن ویردی بعده آستانه ده وزیر ایددی (نصرت و ظفر) طاقوز یوزایکیده قرائله ایله بعض
 ممالک اسلامی غارته وافر عسکر جمع ایدوب بغداد قرالنه خبر کوندروب اودخی معاونه ظاهر ایدوب
 لیکن نقض عهددن قورقوب سرحد امراسنه عسکر یله بر سنجاق بکی کلوب فلان برده بوصوده طورسون
 دیو خبر کوندرمیکن امرادن بری التیوز مسلح آدمه محل معهوده واردقه بغداد قرائی ظاهر افاجوب
 عسکر عظیم کلیمور بش الی بیک مسلح عسکر کوندردیوله قرالنه خبر کوندروب لیکن کندوسوی دخی درت
 بیک کافر ی روم ایلی عسکر لبا سنده بوصوبه قوبله عسکر اوجله کدکده مسلمانلر و مسلمانلر صورتده
 بغداد عسکر ایکی یردن طبل و علم ایله بوصودن چیقوب محکم صواشوبله عسکر صینوب بیک مقداری
 قاجوب باقیسی مقتول و اسیر اولدیلر * قرائی ایشیدوب ولایتنه قاجوب بکری بیک عرب طابوسی دخی ذخیره
 و اسباب غنیمت النوب مسلمانلر آردلرینه دوشوب نیجه لری اسیر و نیجه لری قتل اولندی (انواع نصرت)
 پادشاهه خبر ظفر ایرشد کده سلسله بکی مالتوچ اوغلی بالی بکی روم ایلی عسکرینک اکثر یله ککافر لرینه
 مسلط ایتمیکن قرق بیک عسکرله و قرائ بغداد ایله له ولایتین واروب نیجه قلعه لرین یعقوب باقوب * اولافرقوه
 نام حصار ابرماغن یوزوب کچوب کو بری بکچیلرین قیروب قلعه بی الوب * ثانیاً بر حصاره برکول کارنده اولان
 نیجه شهرلر الوب * ثالثاً ایکی شهره واروب کفار ی قاجغین اردلر نیجه عسکر کوندروب بقتوب مال و عیال لرین
 الوب سائر لرین جمله قتل ایدیلر * رابعاً باغچه سی جوق براطیف شهره واردیلر که قرائلک آنده سرائی اولوب
 خاق اغنیایلر مال و عیال لر یله مغاره لره قارلرکن مسلمانلر راست کلوب طیوم اولدیلر * ضبطی عسیر اولغین
 نهری باقوب اهلنی اسیر ایدیلر * خامساً باغچه لو براطیف شهره دخی واروب اور تاسنده ایرتی اولغین نیجه

مسلمانان را زجمله یوزوب کچوب حصار یاقوب اهلانی اسیرایتد یلر * سادسانچه عسکر غارته کیدوب بفرقه سی
 شهری جنگله الواب اهلینک کینی قتل کینی اسیرایتدوب حصار یاقوب آتسه یاقوب طیوم کلدیلر * سابعاً بعض
 اقتیلر بر صحراده کفاردن ید یوز خانه بولوب کین قتل کین اسیرایتدوب طیوم کلدیلر * عسکر اسلام
 وطنلر بنه دوند کده قصبات وقرای کفاری یاقوب یقوب بر عظیم ایرمغه کو پری یاندروب کچوب بر رندی
 کفار طاش وناجله سدا تکیکی ایکی کون چالشوب آجوب بر طار برده کفارله صواشوب چوق مسلمان شهید
 اولوب لکن اولانجه کفار جله قیلدی * بعده بشیوز نفر اقبی ایکی برده کفارله صواشوب منصور اولوب بعده
 عسکر اسلام بر عظیم ایرمق * کو پرو سنده یلک بشیوز کفارله صواشوب ظفر بولوب کچوب بر شهری
 غارت ایدوب خوبان و مال فراوانله طولور کلیسانی بغه الیوب طیوم اولد قلزنده وطنلر بنه کلدیلر (غارتم)
 پادشاه وزارتدن فارغ اولان اسکندر پاشایی بوسنه به حاکم ایتمکین وارد قده وندیک توابعندن رادنه ولایت
 بغه الیوب غنائین پادشاهه کوندردی * بعده بر آلیق بوله اقبین ایدوب بعض قلعه لر و شهر لر یقوب یاقوب وافر
 اسیرالدیلر * یدیی شعبه لو بر نهر عظیمه نکه هر بری دجله و فرات کبی ایدی زجمله کچوب وندیک قاروشونه
 واروب اطرافن اقبین ایدوب طیوم اولوب بوحالده عظیم بغه ودرلر یاغوب سیل لردن بوللر طوطلد قده کفار
 قاروشوب صواشوب عسکر مظفر اولوب نهره کلد کلزنده اسیرلرک یوکارین قیروب کوچکلرین الیقویوب
 پادشاهه ایکیوز ایچ اوغلاقی کوندردیلر (فتح و نصرت) سابقا پادشاه ایکی یلدنبر و غزا ایچون اوچیز
 قدرغه یاندروب ایکیسی بکر مبشر یلک التونه یاپلش یولک ماونه ایدیکه طولی تمش عرضی اوتوز ذراع
 اولوب کولکلر زنده قرقنفر مسلح آدم اوزوروب تغنک و زبرک انازلردی بوجله بی عسکر و آلات جنگله
 طولوروب قبودان وایکینی وزیر د اود پاشایی در یادن اینه بجتی اوزرینه کوندروب کندودخی طقوز یوزدرده
 استانبولدن عسکرله جیقوب روم ایلی بکر بکیسی مصطفی پاشایی اینه بجتی محاصره سته کوندروب مخالفت
 هوا ایله دونما اوج آیدریاده کزوب آخر بر لیانه کیروب بکرمی کون کفار هجمومندن کازه جیقو میوب
 صومر لردن عاجز اولوب بوحالده کافر دونمائی اطرافلرین الواب کزوب پادشاه اینه بجتی قرینده چتالجه
 اوه سته کلوب دونما احوال اینستد کده هر سک اوغلی وزیر اجد پاشایی بعض عسکرله موره به واروب
 دونما به چاره ایتمک کوندروب پاشا وارمن دن اول کیدلر لیاندن جیقوب جنگ ایدرلر بریره واروب پاشا
 یتشوب کیدلر کیروب کیدرلر ایکن سابقا فرنگدن یراغ و عسکرله ملو بوزاللی قدرغه کلوب اینه بجتی بوغازنی
 سدا ایچون کازه طو بلر قوروب طوروب دونما کلوب محکم صواشوب کفارلر بر ماونه و بر پارچه سی
 دلتوب عسکر ویراغله در یابه یاقوب بعضلری صو یوزندن جنگاله طو یوب اسیرایتدیلر ایکی مارنه یدیه دخی
 آتش اوتوب یاقوب دریابه آتلان کفارلر نیچه سی غرق اولوب ید پیوزی طو یوب قتل اولندی لکن
 مسلمانلرک بر ماونه سته محکم باغلوا و اغین اودخی یاقوب ایچنده بشیوزدن زیاده عسکر شهید اولوب دریابه
 دوشن ید پیوز مسلمان قایقوله قورناردیلر بعده بر کافر قایمون الواب ایچنده کیدلر اسیر و در زنجیرایتدیلر اوج
 قدرغه ایچنده کی مسلمانلردن خالی قالوب کیر و دونما ایچنه کادی کفار شاشوب طاغلوب دونما اینه بجتی
 ایمانه کیروب کفار حصار کورد کلزنده قلعه مفتاحن امانله کتوروب مصطفی پاشایه تسلیم ایتدیلر غایت
 امی اولغین پادشاه اورایه یقین بر ییلاقده ایکن لیمان اغزنده ایکی طرفه بر قلعه یابلغه و محافظه ایچون جله
 دونما یقین برده بر لیانده قشلا مغه خبر کوندردی بوسفرده وزیر اعظم ابراهیم پاشا ابن خلیل پاشا وفات
 ایتدی (فتح) پادشاه بهارده متون و قرون فتحه عزم ایچون روم ایلنده قرق عدد ماونه یاپلچ یوزوروب
 بکرمیسی تمام اولد قده کفار فرنگ آتسه یاقوب بکرمیسی دخی تمام اولد قده کافرلر اقیه قلعه سته کلوب
 طو بله دو کوب الواب ملولک کفارلر جهیمه انفاقلری اولد بغنی پادشاهه ایشیدوب قیش ایچنده یعقوب پاشایی
 بعض عسکرله دونما کیدلرین مر مات ایدوب متون اوکنه وارمق پیوروب اودخی واروب طقوز یوز بش
 رمضانده پادشاه عسکر چکوب متونه واروب قهره دن عسکر در یادن دونما قلعه بی قوشادوب بر آیدنبر
 طو بله دو کوب حال دخی محکم دو کوب المانی اوزره ایکن فرنگ دونمائی کلوب در یادن و قهره دن عظیم
 جنگ وایکی برده ایکی طرفدن چوق کسسه تلف اولوب بوحالده وندیکدن درت قدرغه وافر آلات حرب و نیچه

یلک تفنگچی کافر کلوب حصاره کیروب قدرغه لرین آتسه یاقوب کلان لات واسبایی قلعه به طاشورکن
 امر پادشاه یله قراطرفندن سابقا اچلان کد کدن نزد بانلر ایله یوزویش اولغین ایکن دودن اختشاهه دلک عظیم
 صواشوب کفار صیدوب کیچه ایچنده اولر ایچندن آتشلر اوتوب عاقبت کینی اسیر کیمی طعمه شمشیر اولدی
 (فتوح) پادشاه دخی سفرده ایکن قرون قلعه سن فتحه بعض عسکرله علی پاشایی قهره دن دونمائی در یادن
 کوندروب پاشا اناوار بنه قلعه سن امانله الواب ایچنده کیدلر مال و عیاللر یله فرنگ تانه کیدوب رعایایی خراج
 کسوب پادشاه ایتستد کده یعقوب پاشایی یاردمه کوندروب قرونه وارد قلزنده کفار قلعه متونندن عبرت
 المغین امانله حصار ی تسلیم ایدوب مال و عیاللر یله فرنگ تانه کتدیلر پاشا پادشاهه وارد قده رعایا اولوب
 ولایت موره حکومتی سر بستلک ایله ویرلوب پادشاه عسکره دستور ویروب تسخیر بقایای قلاع ایچون علی
 پاشایی قویوب کندوبی ادرنه به کادی بواشاده فرنگدن بعض کیدلر کلوب اناوار بنه قلعه سن بر حیلله ایله
 الواب علی پاشا ایشیدوب کلوب قلعه بی محاصر مایدوب پادشاهه خبر کوندروب کیدلر ایستکین اوتوز عدد
 قدرغه کلوب کافر کیدلر یلک کزین ضرب وحر بله الواب قلعه بی دخی یوزویش ایله الواب اوج بیلک کافر قیروب
 نیچه لرین دخی اسیرایتدوب در تیز کافر حصاره قاجوب امانله قورتلوب کمی ایله کتدیلر پاشاهه مکره تقسیم
 غنائیم ایدوب حصار ی ضبط ایتدی (نصرت) پادشاه روم ایلنده ایکی ییلدنبر و متون و قرون فتحه
 مشغول اولغین فرمانده طوائف طور غود وور ساق حرکت ایدوب قرمان اوغلی ابراهیم بکک اوغلی حاج
 جزه نک اوغلی مصطفی که تازه لکنده عجمه قاجاشدی اناطولی خالیدردی بواشقیما یانه کچوب زمرلر نیچه پادشاه
 ایدوب لارنده بی محاصره و اطرافن غارت ایتمکین پادشاهه فرده ایشیدوب اما سیه بکی سلطان اجدده و دخی
 بکشمیری بکی اولان سلطان محمد ابن سلطان شهنشاهه خبر کوندرد کده سلطان اجدد عسکر جمع ایدوب
 البستان حاکمی علاء الدوله اوغلی شاهرخ بکی عسکر یله یاردمه کوندروب سلطان محمد وارد قده فرمانیلر
 طاش ایلینه قاجوب قیش باصغین سلطان اجدد و نوب اما سیه به کادی پادشاهه سفردن کلوب وزیر اعظم
 مسیح پاشایی وافر عسکرله طقوز یوزالتیده کوندروب فرمانه کلد کده فونیبه بکی سلطان شهنشاهه بولشوب
 بعده خارجینک اوزرینه کیدوب انک یاننده اولان بکارلر بعضلری پاشایه کلوب تابع اولوب پاشا طاش ایلنه
 واروب اول نواحیده بر قلعه یاقوب ایچنه ضابطلر قویوب خارجیلرک اوزرلر بنه کتمک توجه ایتمکین جله سی
 کفن برکردن پاشایه کلوب تابع اولوب خارجی اولان مصطفی قاجوب طر سوسه بعده حلیبه واروب بی نام
 ونشان اولدی پاشا ولایت قرمانی هروجه له تعمیر و اصلاح ایدوب آستانه به کادی (فتوح) ولایت
 جزیره موره حاکمی علی پاشا موره قلاع کفاردن اتیه قلعه سن محاصره ایدوب طو بلرله دو کوب طرفیندن
 چوق آدم دوشوب عاقبت فتح اولد قده ایچنده اوانلر امانله جیقوب فرنگه کیدوب بعده پاشا اردوسه
 قلعه سته واروب برکون صواشوب ایرتدی امانله الواب غنائیدن در تیز تازه اوغلان و سائر هدا پادشاهه
 کوندروب موره ولایت پاشا آتار خیر و عدل و تدبیر فراوان ایله آبادان ایتدی (نصرت) متون و قرون
 وندیک قرالینک معتبره قلاعندن اولغین غیرتلوب فرانجه پادشاهندن استمداد ایتمکین یاردمه کیدلر
 کوندروب جله مکمل ایکیوز قدرغه اولوب طقوز یوزیدیده جزیره مدلی به کلوب قلعه بی طو بلرله دو کوب
 مغنیه ایکی سلطان قورقود کز یوزنفر قبوسی قوللر یله راغاسن کوندروب قراسی سنجانی بکی دخی عسکرله
 کیدوب کیدلرله مدلی به یتشوب اغایله چوق کسسه شهید اولوب ایکن سائر لری صفر یارب قلعه به کیروب
 پادشاه ایشند کده هر سک اوغلی قبو قوللر یله موجود قدرغه لرله کوندروب اناطولی بکار بکیسی دخی امرله
 واروب جله سی جمع اولد قزین فرانجه عسکری ایشیدوب قلعه به یوزیوب کیرلر کن سردار مر دارلری قتل
 اولشوب عسکرلری قاجوب وندیک کفاری شاشوب کیدلرله قاجوب پاشا مدلی حصارین تعمیر ایدوب
 آستانه به دوندی (فتح) انکر و سله سرحد اسلام اورنایی اولان قلعه یایچه مر حوم سلطان محمد زماننده
 فتح اولوب انک و فاته نصکره بنه کفار الواب انکر و سه و رانجه قلعه لو فقه دن غیری قلاع وقراده غزاه اسلام
 غارتلر یله معمور بر قالماشدی * طقوز یوزیدیده ولایت بوسنه حاکمی اسکندر پاشا اوغلی مصطفی بکی یلک
 پیاده یلک سوارله لو فقه فتحه کوندروب وارد قلزنده غایت بتاقلو بر اولغین یوانین و خندقن اودون و طپراق ایله

طولدروب قلمه بی یوروش ایله الوب نسا و صغاری اسیر و بکاری قتل ایدوب یورنلرین و قواقرین اییه
 دیروب پدینه کوندردی * بریل صکره انکروس قرالی وافر آدمله قلمه یا بجه به ذخیره کوندروب پاشا
 ایشند کده ینه مصطفی بکی درتوزدلا و رایله کوندربسکین بش کونلاک یوله برکونده ایله مارله واروب کفاری
 کجه شجون ایدوب قیدری یو ییلده شمرزاده سلطان علمشاه وفات ایتدی (فتح) عیسی بک اوغلی محمد بک
 اولایت ارناودده ایلبان بکی اولوب اطرافن تدریجیه تسخیر و کفاری تخسیر ایدرکن اطرافنده کی بکارله
 تفاسلشوب خفیه برمه دار عسکرله جوارنده کی قلعه دراج قرینده بعضن یوصویه قویوب بعضیه جهمکه
 باشلیوب حصه اراهی مسلمانلری آزار صانوب طشره چیقوب جهمکه مسلمانلر قصله یوصو طرفنه قاجوب
 بعضلری شمد اولوب یوصوده کیلر چیقوب صواشوب کفار قاجوب جنگ ایدرکن مسلمانلرله قارشق حصاره
 کیروب جله کفار قیرلوب پادشاه اموال غنائم کوندردی (فتوات عظیمه) آق قیو بیلوسرداری اولوب
 تغلبه شاه عجم اولان اوزون حسن بایندری سابقا هر حوم سلطان محمد خانله جهمکه صیغین غمندن مر یض
 اولدقده اوغلی سلطان خلیلی کندور یرینه کچورمکه سنجاغندن دعوت ایدوب لکن دیکراوغلی اوغورلو
 محمد میرزا شجیع و مقبول عسکر اولغین انجنوب سنجاغی اولان اصفهان شیرازه کلوب پدیری ایشیدوب
 قاقیوب وافر عسکرله واردقده محمد قاجوب بغداده اندن امده واروب او حالده امر اوسپاه آذربایجان و عراق
 و دیار بکرار ازنده منازعات اولوب اوزون حسن تختکاهی اولان تبریزه دونوب محمدک اوزرینه عسکر
 کوندروب محمد قاجوب هر حوم سلطان محمد التجا ایدوب اودخی کلی رعایت ایدوب سیواس حکومتن
 و یروب بعد زمان محمد تحریک بعض امر ایله آذربایجان یور یوب پدیری صاغ ایدوکن ایشیدوب نادم اولوب
 ناچار پدیر بک عسکرله صواشوب قتل اولوب اوغلی احمد میرزا قاجوب سلطان بایزیده داماد اولدی * ایکی
 آیدن صکره اوزون حسن وفات ایدوب سلطان خلیلی تخت کچوب برادری مقصود میرزای که بغداد حاکی
 ایکن پدیری زمانده محبوس ایدی قتل ایدوب ینه برادر لری یعقوب میرزا یوسف میرزای والده لری
 خاطری ایچون دیار بکره کوندروب حاکی کنی یعقوب به ویردی خلیل ظالم و فاسق و بخیل اولغین سپاه و رعایا
 سومیوب عیسی اوغلارندن نیچه لر خروج ایدوب خلیل انملرله آق صواشوب یعقوب اون درت یاشنده
 لکن عاقل ورشد ایدوب ایله عسکر جمع اولوب یور یوب خلیل بحد عسکرله خوی و سلماش نوا حیسنده
 صواشوب یعقوب صینوب خلیل عسکری انلری قوه لیوب خلیل آزادله قالدقده یعقوب بک سرداری
 بایندر بک جهمکه خلیل راست کلوب باش کسوب خلیل عسکری صینوب یعقوب تبریزه واروب
 سکر یوز سکا سنده تخت کچوب نیچه مدت عدل و داد ایله تعمیر بلاد ایدوب سلطان بایزیده مدارات
 و مصافات ایدوب بعده تفصیله محتاج وجهله بلیوب زهر لوشربت ایچوب سکر یوز طقسان اتیده وفات
 ایدوب اوغلی بایسنغر میرزای اعظم امر اولان صوفی خلیل تخت کچوروب کندور وزیر و مستقل اولدقده
 بایسنغر نابالغ خلیل ایسه ظالم اولغین امر اراسنده نزاع اولوب یعقوب بک برادری مسیح میرزای تخت
 کچورمکه اتفاق ایدوب جهمکه مسیح قتل اولوب اوغورلو محمدک اوغلی محمودی بکر قاجوب پادشاه ایتمکه
 اوزر بک عسکرله خلیل اوزرینه یور یوب اودخی بایسنقری قالدروب درک زنده صواشوب خلیل غالب
 مطلق اولوب عراق و فارس و کرمانی ضبط ایدوب بعده سلیمان نام بک خروج ایدوب خلیل تفصیله محتاج
 جنگار ایدوب عاقبت خلیل نابود اولوب سلیمان بایسنقره وزیر اولوب لکن ظالم اولغین سکر آیدن صکره بعض
 امر اخروج ایدوب مقصود میرزا بک اون بش یاشنده اوغلی رستم میرزای حبسدن چیقاروب بایسنقر
 اوزرینه یوریدیلر اکثر امر سلیمان رستم کلوب رستم تابع اولوب بقیه امر سلطان بایسنقر ایله برادری
 سلطان مرادی قاجوب لام جلد لری اولان شروان پادشاهی شروان شاهه التجا ایتدیله رستم تبریزه تخت
 کچوب بایسنقری دفع ایچون عسکرله یور یوب شروان شاهه بایسنقره یاردم ایدوب رستم مقابل اولوب قره باغ
 و کجه و بردع بایسنقر تبریز و سائر ممالک عجم رستمک اولوق اوزره صلح اولندی * رستم کتده بایسنقر
 شروان آذربایجان کیدوب رستم ایشند کده اوزرینه اکثر عسکرین کوندروب کندو اصفهان کیدوب
 جهمکه بایسنقر طولوب رستم کتورل کده قتل اولوب رستم آق بیل پادشاه اولوب تازه و اهل هوا و مغلوب

نسا و امر اولغین استانبولده احمد میرزا ابن اوغورلو محمد امرادن خبر کلکین کتکه طاشوب پادشاه
 مسلمانلرله جهمکه رضا ویرما مکن برقاج آدمله خفیه قاجوب آذر بایجانیه واردقده رستم اکثر عسکری
 تدریجیه بو کا کلکین رستم کرجستانه قاجوب احمد میرزا تبریزه تخت کچوب عدل و احسان و آیین
 عثمانیان اوزره اوج آق سلطان اولوب بعده رستم کرجستاندن دونوب یولده احمدک نیچه امر اسن جهمکه
 قتل ایدوب عاقبت احمد بالذات واروب پنجوانده نهرارش کنارنده صواشوب رستم طولوب احمد میرزا
 مستقل شاه عجم و عراق عرب اولوب بعده نیچه امر ابونک خوفدن یوز چور یوب لام جدی شیروان شاهه
 التجا ایدن سلطان یعقوب به غایانه بیعت و سکه و خطبه بی انک نامه ایدوب وافر عسکر ایله شیرازدن یورودیلر
 احمد میرزا ایشیدوب بحد عسکرله واروب اصفهانده صواشوب بجه که الله شهمید اولدی * انک یاننده اولوب
 یوسف میرزا بک محمد نام اوغلی رزمشهرنه الوند نام اوغلی بهض امر ایله آذر بایجانیه بعده کرجستانه قاجوب
 وزیر اولان سلطان ابراهیم اول سلطان مرادی تخت کچورمکه چاغروب کندو واردده مستقل اوله جهمکه امر
 رضا ویرمیوب نزاع و جدال اولدقده رستم الوند میرزای کتوروب تخت کچوروب سلطان مرادک اوزرینه
 یور یوب جهمکه الوند غالب اولوب مراد طولوب حبس اولوب الوند تخت کچوب محمد میرزا ممالک فارس
 و عراقه مستولی اولوب دعوی سلطنت ایتمکین * الوند میرزا انک دفعنه کیدوب سلطانیه نوا حیسنده
 جهمکه شامت غروره ابراهیم سلطان قتل اولوب الوند میرزا قره باغه قاجوب محمد میرزا تبریزه واروب
 تخت کچوب بو فتوات انشاسنده ابراهیم برادری مرغه حاکی احمد بک مرادی حبسدن چیقاروب
 تخت کچوروب ممالک عراق و فارس پادشاه ایدوب محمد میرزا اصفهان کیدوب سلطان مرادله صواشوب لکن
 قتل اولوب بواشاده الوند میرزا تبریزه کلوب تخت کچوب سلطان مراد ایشیدوب تختی الوند الوند المغه
 توجه ایتدی (ظه و قزلباش) سلاطین و امر عجم ذکر اولشان کشا کشارده ایکن شاه اسماعیل بن شیخ
 حیدر بن شیخ جنید بن ابراهیم بن خواجه علی بن شیخ صدرالدین بن شیخ صفی الدین الاربدیلی که پدیری
 شیخ حیدر که سکر یوز طقسان اوج جادی الاخره سنده سلطان یعقوب طرفندن شروان شاهه معاونت
 ایچون بحد عسکره کیدن سلیمان بک جهمکه هلال اولدقده مر یور اسماعیل نابالغ اولغین اجدانک
 مرید لری یونی کیلانده صقلیوب تربیت ایدوب سن ادراک و تمیزه واردقده اردیله کلوب فتوات ممالک عجمی
 فرصت ییلوب (نظم) جمع احباب ایدوب خروج ایتدی * ذروه قمنه به عروج ایتدی * والدی خون
 ایلوب دعوی * عجم اقلین ایتدی برغوغا * قتل عام ایدوب ایلدی غارت * فرقه ضرت ایفاسارت *
 بولایغن قیدری الدی اسباب * ایتدی بحد هرید و احبابین * ایتدی بیرو جوائی طعمه سیف * طفله و هم
 نسیایه ایلدی حیف * شیعه آیین ایلوب شایع * اهل اسلامی ایلدی ضایع * علما قلم التزام ایتدی *
 عالمه راحتی حرام ایتدی * قدر شرع شریقی ایلدی پست * دین اسلامه ویردی خیلی شکست * افی
 کیم عداید بحر می عذب * وسعت مشربله ایلدی جذب * عرف افسادی اولیجی نابض * اولدی تاریخ
 قمنه بی قابض (نثر) بقایای اشقیای حیدریه اجتماعیه نیچه ملحد مشرب و رافضی مذهب ترک سترک
 یانته درلوب طقوز یوز بشده شروان حاکی فرخ رزاری قتل و طقوز یوز یدیده الوند میرزا ایله جنگ ایدوب
 مانکنه متصرف اولوب اجدادی خلفای ممالک رومه منتشر اولغین احبابی غایت چو غلوب نامه لره
 آنلری دعوت ایدوب رومدن فوج فوج مرده چون قرده کیدوب اکثری محاربات متوالیه سنده قیرلوب
 از قالدقده جمع اعوان ایچون روم حدودنده ارزنجانه کلکین پادشاه بیجی پاشای اناتولی عسکرله انکوری به
 کوندروب فرمان عسکری آق سرایده روم عسکری سلطان اجدانده جمعیت ایتدیله * شاه کراه روم
 اشقیاسندن سهی حثت ایله نیچه بک خبیث جمع ایدوب دونوب بایندر یلایله جهمکه بایلدی * شاهه کیدن
 ملاعینک اکثری تکه و حیدر ولا یلندن اولغین اول ستملرده شاه احبابی نامه اولنلر متون و قرونه سور کون
 اولوب اناتولی یقاسنه صوفی نامنده بر فرد کچورلما که پادشاه تنیه ایتمکین شاه اهل رومدن مأیوس
 اولوب طقوز یوز سکرده پادشاه عبودیتنامه کوندروب اجدادی احباب بک ولایت عجمه کلکینه
 اجازت رجا ایدوب لکن مقبول اولدی (روایت) شیده ذکرا و انسان کیفیت ظهور شاه تاج

التوار یخیزن منقول اولوب لکن علامه صاحب الافاده مولانا کمال پاشا سزاده سلیم نامه سنده کیفیت ظهوری تفصیل ایدوب کمال اجالی بود که شاه اسماعیل جدی جنید اریل اوجاغنده شیخ جلیل ایکن آرزوب غزانه امیه عسکر جمع ایدوب کرجستانی غارت و دوشده ولایت شروانه خیلی خسارت ایدوب بعده شروانشاه انده مخدول و مقتول اولدی * بعد زمان جنید ک اوغلی حیدر برغل قتنه و شوروشه مائل جوان شیردل اولوب اوزون حسنه دخی داماد اولغین اوخاندانه استناد ایدوب دیری قان طلب ایچون همچو باجوج عسکرله خروج و ذروه فساد عروج ایدوب بودخی شروانشاه عسکرندن مغلوب و مقتول اولدی بعده دیار عمده اوزون حسن اولادک قتنه و قنات عظیمه لری ظهور ایتدیکین حیدر ک کوچک اوغلی خواجه کمال فرصت بولوب طقوز یوز بشده خروج ایدوب اسمعیل قویوب همان اوچیزو آدمله آذربایجان کلوب اکثر عمالات اناطولیده قدیم دن بونک اجدادی خلفاسی اوغین انده نیجه کسسه لر پادشاه متون و قرون قتلینه مشغول ایکن فرصت بولوب بونک یاتنه واروب وافر عسکر جمع اولدقده واروب شروانشاهی طوق شیشه مانجوب کباب ایدوب بعده تبریز پادشاهیله صواشوب انی صیوب شهره کیروب تخته کچوب شهره قتل عام ایدوب حتی کدو والده سنی دخی نصیحت ایتدیکی ایچون الیه قتل ایدوب بعده تدریجه عمالات عجمی عظیم محاربه لر ایلدوب مسلمانلری قیلدن کچوروب چنکیزو تورکی تفصیل عظیمه به محتاج بیدر و شور ظهور ایتدیدی (نظم) دیه بونجه درلوفساد اولغین * ایدوب نیجه اولدی بلادن امین * بواهمالی صافه که اهل الدیر * وادی مهم ان کیدی متین (بلایا) طقوز یوز کزده پادشاه مصره نامه ایلد آدمله کوندروب سلطان جنگ قیزی و والده و عیالی کتوردوب کیمه بی بر بکه تزویج ایتدی * دیو یلرده جمیع عمالات عثمانیه ده اوج ییل متصل طاعون والی ییل غایت عظیم قتل اولوب فقرا واهالی قراوت اولدیرو و بوانلارده بحکمة الله ایکی ییله دله عمالات محروسه صولری چوغالوب طاشوب حدردن آشوب بولده دن بکشری کولی طاشوب قویه صحران دریا مال ایتدی (ظفر) دریابوزنده برقاج یلده نورو اسمیک ایچون کیمله کزن قره طور مش نام لوند شردن مسلمانلره کز ندر ایشدیکی ایشیدله کده پادشاه اون قدرغه دونادوب وارد قلنده طور مشک منزله باصوب طور مش قاچش بوانوب بشیوزیلکن و لنگر و سارکی آلاتی و بیدر طوب و تفنگ و آلات جنگ بولوب میری به خط ایتدیله طور مش بر بقی ییل کزوب کیرلنوب بعده طوقلوب پادشاهه کتورلدکده عبرت ایچون شیشه صانجادی (ظفر) پادشاهک مزاجی معتدل و امراض بلغمیه دن مختل اولغله تدبیراموری ارکان دولته تفویض ایدوب آنلرک اهل الدیر به نظام ملکه خلل کلدکده پادشاه انجنوب برقاج کون دیوان ایتدوب بعده موره حاکمی خادم علی پاشای وزیر اعظم ایدوب طقوز یوزاون ایکیده کیمله دریاده کزن لوند لرا طرافی غارت ایتدیکین برقاج قدرغه ایلد عسکر کوندروب وارد قلنده لوندلری طوقلوب زنجیرله کتوروب سیاست اولندیلر اول ایلامه ردوس کفاری ولایت منتشرده برقاج قریه خلقی اسیر و ماللرین یغمالاندیلر (حادنه) طقوز یوزاون اوچده البستان حاکمی علاءالدوله ک برحسنا قیزی شاه ایستیموب ایلی کوندروب اودخی تزویجی تقویوز بعده کافر دیردورکوزو پرهیز ایتدیکین آنک عنادی شاه بدنامدی قاقیدوب جنگه کلوب مملکت عثمانیه دن کچمه کدن ایچون پادشاهه نضرنامه کوندروب لکن پادشاه احتیاط ایچو پاشای جمیع عساکره سردار ایدوب انکوردیله توقف ایدوب لازم کاورسه یوریه سن دیو یوروب بونلر وارنجه شاه کلوب جنگه علاءالدوله ک بر اوغلی وایکی اوغلی طوقلوب علاءالدوله برصعب طاغیه قاچوب شاه برمدت صحراده طوروب بعده عجمه کیدوب ایکی بکرزاده لری کباب ایدوب عسکرینه یدردی (واقعه) تنکدایی بکی سلطان قورقود ولایت صحرانه تبدیل رجایدوب پادشاه قبول ایتدکده کوسوب طقوز یوزاون بش محرمده کی به شوب مصره واروب مصر سلطانی آید اوج بیک قلووی تعیین و انواع عظیم و رعایت ایدوب نیجه مدد نصرکه تحصیل رضای والد ماجدی قاصد اوغین سلطان مصر یکریمی یاره کیده کوندوب مقری اولان شهر انطاکیه به کادکده کیدر و نوب کیدر کزن شمرزاده بی المغیچون بکین کافر کیملری جله سنن الوب قورقود یدردن قورقوب اعتذارنامه کوندروکین به سنجاغنده ابقا اولندی (زلزله عظیمه) طقوز یوزاون بش

جادی الاولی سنده برکیجه استانبولده غایده عظیم زلزله اولوب محکم بنار حتی قلعه ننگ دخی نیجه برلری یقوب اول علامت قیامت نشاندن جله انسان ترسان و لرزان اولوب بر آیه دله زلزله بالکلیه منقطع و زائل اولوب بوانلارده نیجه رجادرله اچق برلرده اولوب پادشاه ایچون سرایده اغا جلدن چاقمه اوده لر ایلدوب آنده ساکن اولدی * بعده پادشاه ادرنه به کیدوب دیمتوقه سران تعمیر ایتدوب استانبولک یقلاق برلرین دخی یایدردی (تعیین سنجاق) شهرزاده سلیم خان طر بزون بکی ایکن داتما کر جستانه غزا ایدوب احیانا قزلباشلرله دخی صواشوب جمعیتلرین طاعیدوب بعده اوغلی سلیمان خان یومکین اکادخی مستقل سنجاق رجایند کده پادشاه اکولایت کفه سنجاقین ویرمکین سلیمان خان کیمله واروب ضبط مملکت و نشر عدالته شروع ایتدی (ظهیر سلیم خان) پادشاه مریض اولوب تدبیراموری وزیرایه تفویض ایتدکده عمالات عثمانیه احوالی مختل و نظام عالم مختل و معطل اولوب قزلباش دخی بعض عمالات عثمانیه به قدم باصده قزلباشه خصوصاً پادشاه اهل هوا اولان سلطان احمد و عده فراغت سلطنت ایتدیکینه سلیم خان پرغم و احزان اولوب یدر یله ملاقاته و نصیحت و عرض بعض حاجاته وسیله اولق ملاحظه سیده روم ایلنده بر سنجاق ایستیموب اوج کره نضرنامه کوندروب هر برنده مکرورزا ایلد پادشاه رجوان کوندروب بودخی رای غیر مضرده مصر اولوب دریادن کفه به کلوب آندن دخی بر رجانه کوندروب پادشاه بوکانصیحه مولانا صاروکرزی کوندروب کادکده شهرزاده نک محبت و اطاعت لکن رجایه اصرار بر اخبار ایتدیکین پادشاه اناطولی سنجاقلردن هر قنغین دیلر سه ویره یم دیو غیری کسسه ایلد خبر کوندروب شهرزاده پادشاهه بالذات عرض ایدله جنگ امور واردر و وارمینجه اوزم صکره نه بره کتک امر ایدر لسه کیدرم دیو جواب کوندروب بعده آق کرمانه کیدوب اخیوایدله طور مغیچون دریادن ذخیره و اسباب لازمه ایلد کیدر کوندروب تانارخان هدایا ایلد قارشو کلوب بیورسکزیله کیده یم یاخود منزله عسکر قوشایم دیوب بودخی ایستیموب سلاستریه کادکده پادشاه ایشیدوب مقدا اناطولی به سفر یم سانه سیده روم ایلی عسکرکی جمعه خبر کوندروکین حالا موجود عسکر ایلد ادرنه به بعده سلیم خان قارشو واروب بر مزنده ایکسی بری برلرینه قارشو قونوب شهرزاده یدرینه ایلی کوندروب مرادم رکاب همایونه رومال و مشاهده جمال فرخ فال حضرت سلطان باکمال ایکن نه جرم مشته ایلد بزی رد و صدوباب رجایی سد و دیو یورلر دیو ایلی کوندروب محصل نیجه وجه مفصل ایلد ایکی طرفدن مرارا خبراشوب عاقبت سمندره سنجاقی و الاحصار سنجاقی ویرلوب انواع خوف و اموال باغشلوب مادامکه حیاتده یم سلطنتی اوغلرمدن برینه فراغت ایتیم دیو پادشاه عهدنامه کوندروب سلیم خان دخی سنجاق ضبطه آدمله کوندروب لکن وزیرانک سلطان احمد حلیم و غافل و اهل هوا اولغین میل و اتفاقلری اولوب حالا تخته کچورمه مکر و فکرلرین و سرانامه لر کوندروکارین ایشتمکین ادرنه اطرافنده طوروب تدریجه یاتنه نیجه بکرزاده کلوب عسکرکی چوغالوب وزرا القاسیله البته سنجاغکده سن دیو پادشاه خبر کوندروب اودخی اناطولیده خارجیلر قتنه سی دفعنه منتظر زچاره اولزسه عسکر منزه اوخدمتی اندایه کیده لم بعده سنجاغه کتمز آساندر دیوب تکرار البته کیت دیو ابرام اولدقده برمدت ایدوب زغره ده توقف ایتدی (قسنه شاهقوی) سلطان قورقود ولایت تنکدای کون اوصانوب عجله ایلد اسکی سنجاقی اولان مغنیسایه کیدر کزن تنکدک لوشاقیامی پادشاه وفات ایتدی صانوب طقوز یوزاون الی محرمده عادت و روافض اوزره جمعیت ایدوب شاهقوی نام برمر داری سردار ایدوب اشقی چوغالوب ممالکی غارت و خسارت ایتدیکین مسلمانلرک کچی طاغره قاچوب کیمی قتل اولنوب اناطولی بکر بیکسی قره کوزباشا بولک کوندروب انلر شید اولد قلنده کندوسی یک نفر آدمله کوتاهییه اوکندده صواشوب پاشا طوقلوب صلب اولنوب قزلباشلر ککوتاهییه بی یا قوب یقوب انطاکیه به واروب قلعه بی محاصره ایتدیلر پادشاه وزیر اعظم علی پاشای عسکرله کوندروب سلطان احمد کندوسی عسکر یلر روم ایلانه کچمه یوروب پادشاه اکاشاهقوی اوزرینه وارمه سن انی برطرف ایتدکده سنی تخته کچوررم دیو خبر کوندروکین واروب پاشا ایلد جمیع اولوب بوانلارده سلیم خان ادرنه قزلباش عسکرله کلوب پادشاه اکاشاهقوی سنجاقین ویروب رعایتلر ایتدوکی خبری کککین احمدخان بر احزان اولوب قزلباشلر عسکرله پاشای ایشیدوب قورقوب قزل قیاطاغنه

صیغنیوب پاشا او شعله واروب اشقیانک بولارین سدا ایچون برطرفنی حیدربک ایله ایکی بیک آدمه بکادوب
 برطرفنه عسکرله کندوسی طوروب اله کیرن ملاعینی قتل ایدوب محصور اولان مغرورلر مضطر اولدقلرنده
 برکجه قاجق ایچون هجوم ایتمکین حیدربکی شمدایدوب عسکرنی طاعیدوب قیساریه بولدن سیمواسه
 قاجدیلر علی پاشا احمدخان یانده قونوب عسکرلر کزیده لریله طقوز یوزاون بیدیده ایله غارایدوب یتشوب عسکر
 تمام جمع اولدین عجله ایله حیدربک ایله ایچون قزلباشلر غایت چوق اولغین طوروب عظیم صواشوب پاشا ده غایتله
 بالذات جنگ ایدوب عاقبت اوق طوقنوب شمدیدوشاه قولی دخی جنکده نایدید اولوب ایکی عسکر ریسلری
 کتککه طاعیلوب قزلباشلر شاه قوایینک وزیریه عجمه کیدوب بولده برکاربانه بواشوب بیک مقداری مسلمان
 قتل و مالارین اخذایدوب منظومه نحو و انبیا نامه ناظمی شیخ ابراهیم شمستری حضرت لریله اوغلنی شمدید
 ایدوب غارت بلاد ایدولر تبریزه واروب شاه بولرله مدارا ایچون استقبال ایدوب نفر یو ایچون هر بلوکی
 امر اسندن برینه ضیافت نامیه حواله ایدوب اوچنی کون برینه زارده ضیافت ایچون اوناقله عقد
 مجلس ایدوب سولشهرک عتاب ایدوب ایکی ریسلرین فیئامش صوقز غایتله آتوب بککین قتل ایدوب
 عسکرلرندن بکندوکنه وظیفه تعیین ایدوب باقیلرین آزاد ایدوب انلردخی اولاد و عیالارین الوب دیلنجیلک
 بکک اطراف عالمه طاعیلدیلر (جنگ سلیم خان) سلطان احمد علی پاشانک شمدید اولدیغن ایشیدوب
 کمال غم و المله اما سیه به کیدوب خبرانهم زام پادشاه ادرنه ده کلوب آندن مقدجه اوغلی سلطان شهنشاه دخی
 وفات ایتمکله ضعف مزاجی خاطرین پرآزار و جانندن بیزارا ایتمکین سلطان احمدی کتوردوب تخت
 کجورمک ایچون اولاروم ایلی بککینه پادشاه بالذات پیمان و ایمان ایدوب استانبوله کلوب احمدخانه
 خبر کوندروب بوحالی سلیم خان ایشتمکده اوتوز بیک عسکرله اوج کونده چورلویه کلوب نقض عهده
 سبب ندر دیو خبر کوندروب جوابه منتظر ایکن مکر وزرا ایله قرق بیک عسکر سلیم خان طرفنه یوروبوب
 ماینده حرب عظیم و ضرب الیم اولوب سلیم خان لسان حالله کویا بوشعری کویا ایدیکه (نظم) متاع جانی
 جانان غارت ایتمک قصد ایدردیلر * سنکدر نقد جان جانا نه حاجت ایلمک بغما (نثر) مرادی پدینه
 ملاقات اولوب ازدحام و التحامدن مجال اولیوب عسکری دخی صیغنی آرمه کمال سرعتله کیدوب
 کیلری طور دخی اخیولی به واروب دمبدم بجانلر یتشوب جله اوج بیک قدر اولدقه کندوسی خواصیه
 کی به یتشوب کفه به واروب سائرله بریکی مرداردیکوب قره دن کفه به کوندردی (حرمان احمد خان)
 پادشاه روم ایلی عسکرنی آلیقوبوب احمدخان اما سیه دن چاغردوب کندوسی ادرنه دن استانبوله کلوب
 احمدخان دخی کلوب اسکدار یقاسنده مال دیه ده قونوب وزرانلر بیرله پادشاه احمدخانه بواشوب مرعسکر
 ایدوب سلیم خان اوزرینه جنککه کوندولرک ایشیدوب لکن (نثر) بنده تدبیر ایدر خدا تقدیر *
 حاصل اواز خلاف امر قدیر (نثر) مفهومیجه بحکمه الله اوکیجه شهرده بیکچیر بلر جمع اولوب سلیم خان کی
 رسم زمان و قهرمان آوان و صاحب رأی و عدل و احسان و ارا بکن عسکر فراوان ایله شاه قولی دفعه درمان
 بولمیان تن پرور فاسق جبان بزه نیجه سلطان اوله ییلور دیو احمدخان دن روگردان اولوب آنک معینی اولان
 هر سنا اوغلی احمد پاشانک وزیر مصطفی پاشانک و نشانی تاج زاده جعفر چلبی اولری باصوب کندولر قاجوب
 ماللرین یغمه ایوب صباحه دلک ارکان دولتی غارت و خسارت ایدوب سلیم خان نامنه کلبانککر چککوب
 جله سی صباحه دیوانه واروب اون بش کسسه نک عزل رجایدوب مصطفی پاشایی اقبایه پادشاه شفاعت
 و باقیلرین عزل ایدوب بیکچیر یلر اسکدار دن آدم کچما مکن ایچون اسکله لری بکایوب احمدخان ایشیدوب مجلس
 عیشده برنشوب اولوب یاده غفلتدن صاحبی و قورش رجاء سلطنتی قلبدن ماحی اولوب کویا (نظم)
 دل سقیم و غم مقیم و بختله طالع عقیم * عز و قوروز و ظفر ایدوب سفراولدی جدا * مفهومی کویا اولوب
 نه ایدیه بککین و نه بیه کیدیه بککین تعیین ایچون بر قاج کون آنده طوروب پادشاه اکابر مقدار صبر ایله سلطنت
 سنکدر دیکل مفهومیته تسلیم نامه ل کوندولرکین شدت غم و حیرتدن اناطولی ولایتک سلطنتی
 اله کتوره بیه بعد جلیب قلوب سباه ایدوب پادشاه اوله ییم و حاله قرمانه واروب بکی اولان سلطان محمد ابن سلطان
 شهنشاه کندومه تابع ایدیه یو کیدوب پادشاه بونی دوند رکه چالشوب خبر کوندردیکه عهده ایدوب

واردده محمدخان قوینه قاعه سن بر قاج کوند نصکره وروب تابع اولوب احمدخان تخت کجوب زعججه سلطان
 اولوب اجر آموور سلطنته باشلیوب پادشاه ایشتمکده تکرار مثالم و بیزا اولدی (فتنه خارجی) محاکم
 عثمانیه قنده لرین رومدن احباجعنه کلان علی خلیفه نام قزلباش فرصت و غنیمت یلوب بککری بیک
 عسکرله قره حصار و نکساردن نهب و غارت ایله اما سیه به کیدوب سلطان احمد لاسی و وزیر سنان پاشایی
 عسکرله آنلری دفعه کوندروب سنان صیتوب قاجوب قزلباشلر توقاته کلوب قنده لر ایدوب اول اطرافک
 اتراسکی محب شاه اولغین چوق کسسه آنلره تابع اولوب ولایتلر غارت ایدیلر (دعوت سلیم خان)
 قبوقلاری سلطان احمد بود دفعه دخی عجزین ایشیدوب پادشاه مریض و پیر اولوب اولادنده سلیم خاندن
 غیری سلطنته احق یوقدر آنی ایشترز دیو دیوانده غلایدوب پادشاه دخی سلطان احمد انجمنش اولغین مراد
 عسکرله ایسه اوله اولسون دیوب سلیم خانه امر کوندروب دعوت ایدوب بواشاده سلطان قورقود برادری
 سلطان احمد دن قورقوب خصوصاً اغوی بعض ارکان دولت ایله استانبوله کلوب جدی سلطان محمد وفاتده
 بدری طرفندن وکاله تخت کجورلوب بیکچیر یلره ترقی و بخشش و برملک تقر بیدله حال دخی سلطنت رجاسیه
 آنلره التجا ایچون بیکچیر یلر اوده سینه کلوب مسافر اولوب مقدمه سلیم خانه عهد ایش اولدق ایچون بوکاعذرلر
 ایدوب آنک ضررندن سنی حمایت ایدله دیو دیوانه تسلیم ایدیلر * بعده سلیم خان کلوب جله ارکان و عسکر واهل
 شهر تعظیم و اجلال ایله استقبال و یکی باعجه میدانده اوناغنه اترال ایدیلر (جلوس او) سفر شمسقا تعینی
 دفع ایچون بر قاج کون آنده اولوروب عسکر و ارکان و اعیان بوکاسلطنت تکلیف ایدوب بود دخی بنم مزاج
 و مراد بود دیو تفصیل ایدوب رضا و برسر کز خوش والا برادرلر بیک برنی اختیار ایلک دیوب آنلردخی
 هر وجهله مقبولن سن دیوب پیمان و ایمان ایدیلر * طقوز یوزاون سکر صفر بیک سکر خنی کونی یوم سبتده کمال
 زینت و شوکت و وفرت و وفرت عسکر طفره مغرور نصرت آیت ایله پادشاهانه دیوانه واروب حضرت پدیر عالی
 کهر بیک الن اووب اودخی بولره تعظیم و عزت و عرض کمال محبت و بذل انواع نصیحت و تسلیم امانت امامت
 و خلافت ایدوب بومضمونلرده خطاب حکمت نصاب نصیحت انتساب ایدیکه (نظم) ایستری بیک اوله
 عالم سا کرام * مستحقه ایله دائم احترام * ظلم وعدوان عرقنی کس شاه ایسک * عدله میل ایت بنده الله
 ایسک * حق سکا چون ایدوب ایل روی رام * کندوکه قیل غفلت او یخوسن حرام * کسه به قهر یله
 آزار ایله * مملکت اهلینی بیزا ایله * منتقم اوله که نغمه جلب ایدر * قلبدن رسم محبت سلب ایدر *
 ایله اخوانکده هرگز جفا * کیم بودوران کسه به ایتز وفا * چکمه اول انلره سن تیغ کین * قطع رحم ایتنه
 ضرورت اولدین * لطفکله انلری خشنود قیل * قنده رسمن دهر دن نابود قیل (نثر) بعده پادشاه ال
 قالدروب خیر دعا ایدوب بعده سلطان سلیم خان سلامیوب بیه آلا یله منزله کلوب تخت سلطنته جلوس
 ایدوب جله ارکان و اعیان و رؤساء عساکر ظفر نشان و علما و سادات شرف عنوان قانون اوزره دستبوس
 ایدوب شرعاً بیعت و سلطنت و خلافتی تهنیت ایدیلر (وداع) سلطان جدید و البأس الشدید پدیر سعید خان
 بایزیدی هر نه یرده ساکن اولق ایسترسه بخیر ایدوب اودخی ادرنه قر بنده سابقا ملاحظه فراغله تعمیر
 ایدردیکی دیمتوقه شهرین اختیار ایتمکین ررم ایلی بککری کسبی و دفتر دار و قبوقلارلرندن نیجه لخدمته تعیین
 اولوب جمیع مهمات کورلوب خزینه دن هر نه ایسترسه المنی پدیر عز برزأ بیه تقویض اولوب لوازم تمام
 اولدقه حضرت پیر و واجب التوقیر فخر وانه کیروب تعظیم جمیع ایله تشییع اولوب حین وداعده رقت
 و بکاو بکک کوشه سی سلیم خان جلالت انتباه نیجه نصایح و خیر دعا ایدوب غم و احتراق ایله افتراق ایدیلر
 (وفات) سلطان سعید خان بایزید سن شبایدنبرو اکثار معاشرت نسا ایتمکله ایاق اغری سینه و احراض
 باغمیه به مبتلا اولوب پیرلکده سوء مزاج مبتدی مشد اولغین ادرنه به بقلاشدقه طقوز یوزاون سکر ربیع
 الاول بیک اونینی کونی وفات و ترک دنیای پر آفات ایدوب (کسه الله لباس غفرانه و سقاء کاس رسته
 و رضوانه) (نظم) ای کردش جرخ چنداری ویری * هستی زوفا و عهد یکباره بری * بر قامت شاهی
 چوقبایی دوزی * بازار بی ماعش دود صجامه دری (نثر) جنازه سی استانبوله کتورلوب شاه و سباه
 سیاهلر کلوب شعله لمارنوب قارشولوب اغلاشوب تابوتی باشلر اوسفنده کتورلوب بعد الصلوه جامعی

فارس و سنده دخی اولوب برهفته عزاسی طو لوب روحته تصدقات فراوان اولندی (فصل در خیرات و حسنات هر قوم بادشاه) (۱) عدد سلاطین عثمانیه ده بایزید ثانی اولدینی کبی صلاح و تقوا ده دخی گویا بایزید ثانی اولوب حالابین الجهور بایزید ولی دیکله مشهور اولمشدر (۲) جود و سخا سی بذل و عطاسی نه ایتده اولوب صدقاتیه قرا اغنیاء اولوب هر سال فقرای اطرافه دخی صدقه لر ارسال ایدوب کثرت عطا و احسانله خزینه به نقصان کلمشدی علما و مشایخ و اشرف و محتاجینی ارا یوب بولوردی و عطاسی سیه هر بری غنی اولوردی حتی طوقوز و طوقوزده سکسان الی بولاجقه صدقه ایدوب نیجه کسه ره مناسبته امیرانه و ملوکانه خلعت و عرار و تحفه لر و آت و خدمتکار و سایر امتعه احسانی خود فراوان و خارج حیطة بیاندرد (۳) جله علما و صلحایه حضرت عمر و وضعنه نوعا مشابه سالیانه دیدکاری سنوی وظیفه لر تعیین ایتشدیکه مفتی زمانه و سایر علماء بکار قضا ائل نشانه اوز بیکلجقه حسن مدرس لر بنه بدیشری بیک مفتاح مدرس لر بنه درد ریکل حاشیه تجرید مدرس لر بنه ایکشیر بیک مشایخه دخی حال لر بنه کوره بشر بیک اوجر بیک ایکشیر بیک اچقه وظیفه تعیین ایدوب هر ییل باشلرنده توزیع اولنوردی (۴) ادرنه ده جامع و اسع و لطیف مدرسه و دارالشفاء و عمارت و مسافر خانه و تکیه و غیره فوجیه اوستنده کو پری باید رمشدرد سکر بوز سکسان طوقوزده باشلنوب درت ییلده تمام اولوب * خرم بناتار بیخ قنای واقع اولمشدر (۵) استانبولده بر جامع بر صنایع و مسافر خانه و مدرسه و عمارت و مکتب یا یوب مدرسه نک تدریس مقبیلره شرط ایتشدرد * بوجه لر بیک بنه طوقوز بوز اوجده باشلنوب طوقوز ییلده تمام اولمشدر (۶) شهرزاده ایکن سنجاغی اولان امامسیه ده دخی جامع و مدرسه و مکتب و مسافر خانه و عمارت و خان و تکیه و بایدروب مدرسه سن امامسیه مقبیلره بنه شرط ایتشدرد (۷) بنه امامسیه سنجاغنده قصه عثمانیجده هر قزل ابرقی اوستنده اون طوقوز کوزلو بر عظیم کو پرو بایمشدر که نوادر دنیادن اولوب بحد مال خرج اولمشدر (۸) صقریه ابرمانی اوستنده کیوه ناحیه سنده دخی بر عظیم کو پرو بایدرمشدر که بود دخی نوادر دنیاندرد * بویکی کو پرو عمر و معبر تجار عرب و عجم و دنیاده نظیر لر یکدر (۹) صاروخان ولایتنده هر کدوز اوستنده دخی اون طوقوز کوزلو بر عظیم کو پرو بایدرمشدر که بود دخی نوادر دنیاندرد (۱۰) بوذکرا و لسان نازدن ماعدا نیجه برارده مسجد لر تکیه لر قلعه لر کو پرو لر خانلر کینی ایتدادن بنالیدوب کینی تعمیر ایتشدرد که کمال تفصیله تحت ساجدر * تقبل الله حسناته و اعلى فی الجنة درجاته (نظم) برین رواق زبرد نوشته اند بزر * که جز نکوی اهل کرم نخواهد ماند (فصل) هر قوم زماننده اولان کار مشاهیر علما بولر ایدیکه (۱) منلاجی الدین سکساری بعض فضلادن بعده منلا بیکاندن اوقیوب هر قنده کمال تفسیرده خود غایتده ماهر و حافظ قرآن عظیم و عابد و زاهد ایدی قسطه و فی بادشاهی اسماعیل بان بونک ایچون مدرسه یا یوب اوچیز جلد کاب و قفا ایتکین انده تدریس علوم و جمعه کونلری و عطا ایتکین جوق کسینه منتفع اولد بزر بادشاه تخته بیکد کده بونی ایتکین کتور دوب بومی الی اچقه وظیفه ایدوب کاه ایا صوفیه ده کاه سلطان محمد خان جامعنده نقل تفسیر و وعظ ایدوب بادشاه دخی دکاه دی * تفسیرده وافر تحریراتی و صدر الشریعه به غایت اعلا حاشیه سی واردر و فاقش فی سینه طوقوز بوز بر (۲) منلا یوسف بن جنید توفاتی کاهنجی چلی دیکله مشهور ایدی منلا خسروشاگردن اولوب تدریجده حسن مدرس ایدی اولد کده اوز زقبیه وظیفه سی سکسانه جقدی اوی قریبده مسجد یا یوب علمایه وافر کابل و قفا ایتدی * درس علم و مطامعه کتب فقه و تلاوته مشغول فاضل و صالح اولوب صدر الشریعه به شرحه غایت لطیف حاشیه یازمشدر (۳) خطیب قاسم امامسیه وی احمد قریبیدن اوقیوب بعده امامسیه ده مدرس بعده بادشاهه سنجاغنده ایکن خواجه اولوب تخته بیکد کده بو کابروسه ده مرادیه مدرسه سن و یروب بعده امامسیه بکی شهرزاده سلطان احمد خواجه ایدوب آنده وفات ایتدی * علوم شرعیه ده فاضل اولوب حیدر الخصال و مشایخ ایل مختلط ایدی (۴) منلا قولستان وزرادن بریک قولیدر بعض علمادان و منلا علی قوشجیدن اوقیوب بروسه ده مناستره بعده سلطانیه به بعده استانبولده حجه مدرس اولوب وظیفه سی تدریجده سکسانه ایشدی جمیع اوقاتنی علم و عبادته صرف ایدوب مطالعه ایتدیک کابلری فوائد و تحریراته بر تحشیه ایدر ایدی * علی قوشجیدن علم هیئتده رساله فقهیه سنه لطیف شرح یازمشدر (۵) منلا شاعرستان منلا خسرودن اوقیوب علوم شرعیه و عقلیه ده

فاضل اولوب غایتده مشغول ایدی صدر الشریعه به مقبول حاشیه یازمشدی (۶) منلا شجاع الدین الیاس که لطیفه طریقه اوستی شجاع دیرلردی زیر اسوز چاره تر کار اوستی دیرلر علوم شرعیه و عقلیه دن حصه دار اولوب بعض مدارس دکنکره حسن مدرس ایدی * قوی النفس سلیم العقل مستقیم الطبع ایدی (۷) منلا علی بیکانی حسن مدرس ایدی * سکسان اچقه ایل بروسه فتوای ویرلدی * فاضل و مجتهد و ذکی کسینه ایدی و فاقش فی سینه طوقوز بوز طوقوز (۸) منلا لطفی توفاتی منلا سنان باشادن اوقیوب انک تربیتیه سلطان محمد بونی خزینه ده کی کابلده حافظ کتب ایدوب بوسیدله غرایب کتبه مطلع اولوب سنان باشا برسیله شهر دن سورلد کده ییله کیدوب سلطان بایزید تخته بیکد کده بو کابرفاج مدرسه دکنکره مدرس * حسن بعد زمان بروسه ده مرادیه بی ویردی (محرره) کمال فضل و ذکا و صلاح و تقوا ده * نظیری غایتله آزایدی بودیاده * منلا کمال باشازاده تازلکندده بوندن حاشیه مطالع اوقومشدر کاه شرح مفتاحه بر حاشیه و سبع شهادت آدلو و موضوعات علوم آدلو ایک رساله یازمشدر که هر بری کمال فضیلتنه شاهد در هر کون درس دکنکره شیخ و فاضل حضرت تلمیذ زاویه سینه واروب صحیح بخاری نقل ایدوب اغلیوب تمام اولد کده شهید اولمغیچون دعا ایدوب شیخ و فاضل آمین دیوب بعد زمان منلا خطیب زاده بونک فضیلتنه حسدندن زندیقدر فلان سوزی سوبلدی دیوایکی دانشمند شهادت زور ایتدروب مفتی افضل زاده توفیق ایدوب لکن خطیب زاده قتلنه حکم ایتکین بونی اولوب باشی بره دوشد کده دخی (لا اله الا الله) دیو سوبلدی * ولقد مت شهیدانا ریخ موتیدر * شقایقده احوالی تفصیل اولمشدر رجه الله علیه و علی امثاله (۹) منلا عذاری کریمانی اسمی قاسمدر خسرو شیرین مؤلفی شیخینک همشیره زاده سیدر * حسن مدرس ایدی بکن طوقوز بوز برده وفات ایتدی کمال فضل و ذکا ده نوادر دنیادن ایدی کونده ایکشیر اوجر سطر درس دیوب جمیع علوم قواعدین اجرا و حسن تقریر ایله حل شهادت عظمی ایدوب شرح مواقف الهیاتیه بی نظیر حاشیه سی و غایت اعلا ترکی و فارسی اشعاری واردر (۱۰) منلا قاسم چلی الجمالی حسن مدرس سندن استانبولده قاضی اولوب قاضی ایکن وفات ایتدی علمه غایت چالشوب کتب مطوله دن چوق کاب از برلیوب سخی و عاقل و عظیم الشان ایدی (۱۱) منلا علی بن احمد الجمالی سکس مفتی علی چلی دیکله مشهور در قرمانده منلا حمزه دن اوقیوب قدوری و منظومه نسفی بی از برلیوب رومه کلد کده منلا خسرو دن بعده آنک امر یله سلطان مدرس منلا مصطفی بن حسامدن جمیع علوم اوقیوب هر ور زمان و تقالیم جرح کردان ایله مدرس احدی المدارس الثمان اولوب بعده حجه کیدوب مصرده بریل اکتوب بوجانده مفتی افضل زاده وفات ایتکین بادشاه فتوای نیایه حسن مدرس لر یازمق بیوروب طوقوز بوز سکزده علی چلی کلد کده بوز اچقه ایله اکاویروب بعده استانبولده کی مدرسه سی تمام اولد کده الی اچقه ایله آتی ضمیمه ویردی * صحابه کرام سیرت و لوا حب فضیلت و کرامت زاهد و اهل تقوی ناطق بالحق و ناهی عن المنکر و عامل بالاقوی ایدی * سلطان سلیم کی غصوب بادشاه بر کره یوزاللی بر کره دخی در تیوز کسینه بی قتل امر ایتکین منلا واروب حکم نصیحتله بعد التردد عفو ایتدردی * مناقب جلیلده سی شقایقده تفصیل اولمشدر وفات ایتدیک کون اشراق و قننده حضرت موسی نک روح شریفی کابو شمدن کبر و دیار آخرتی تشریف ایلکوز دیدی دیو خبر ویردی (۱۲) منلا عبدالرحمن بن علی بن مؤید الامامسیه و بیکه مؤید زاده دیرلردی جمیع علوم عقلیه و نقلیه ده غایت ماهر و السینه ثلاثه ده بلاغت اوزره نظم و نثره قادر اولوب نادره دنیا و انواع فضائلده واصل رتبه علیا ایدی * ناطولی قاضی عسکری ایکن علمادان برینک رساله سین اضاده بونی یازمشدی (نظم) هاتیک رساله علی وفقی السؤل * من امعن فیها یلتقی بقبول * بستمعظم من افهاما ثم بقول * یاخیر رساله و یاخیر رسول * روم ایل قاضی عسکری حاجی حسن زاده دخی بویه امضا ایتشدیکه (نظم) رساله افنون النکاة جامعه * و مثلها دایل افضل صاحبها * مزبور منلا غایتده خوشنویس اولوب انواع خطوطی یازردی امامسیه ده تازه ایکن تحصیل علم ایدوب بعده برسیله شرازه واروب منلا جلال الدین دوایندن یدی ییل اوقیوب جمیع علوم تکمیل ایدوب رومه کلد کده قلندر خانه بعده حسن مدرس لر و یروب سکز ییلدن کمره ادرنه قضاسی الی ییلدن کمره قاضی عسکرلکی درت ییلدن کمره حاجی حسن زاده وفاتده روم ایل قاضی عسکرلکی و یروب یدی ییلدن کمره

رفته ظهور کرده اوی یغما اندوده عزل اولوب سلطان سلیم تخته یکده تکرار قاضی عسکر ایدوب عجم
سفره بیه کیدوب دوند کده عقلی مختل اولغین ایکوز باقه وظیفه ایله عزل اولوب ایکی ییلدنصکره طقوز یوز
یکری ایکیده التمش ایکی یاشنده وفات ایتدی * مکرر اتدن غیری یدی ییل جلد کتبه مالک ایدی ایکی اوج
رساله دن غیری جمیع موافاتی مسوده قلوب امور قضایه اشتغال دن بیاضه چیقهدی (۱۳) برکی زاده منلا
مصلح الدین قاضی زاده در بعد التحصیل شهرزاده سلطان احمد خواجه بعده حخته مدرس بعده ادرنه به نیجه
مدت حسن سلوک قاضی اولوب سلطان سلیم جلوسنک اوائلنده یوز او تو ز باقه وظیفه ایله عزل اولندی
فاضل ذوقون اولوب صاحب کمال و جمال ملیح البیان فصیح اللسان ایدی (۱۴) منلا محمد بن حسن
سامسوی فضلادن اوقیوب نیجه مدارس نصکره حخته مدرس بعده سکسان ایله متقاعد بعده ادرنه به
قاضی اولوب طقوز یوز اون طقوزده قاضی ایکن وفات ایتدی * فاضل و محب فقرا و قانع و معرض عن الدنيا
اولوب ایل و نهارد قایق علومه اشتغال دن خالی دکل ایدی تلویحه و شرح مفتاحه بر رخاشیه یازمشدر (۱۵)
منلا سیدی حیدری بعد المدارس حخته مدرس اولوب بعده استانبول قضای و یروپ آزمدت نصکره وفات
ایتدی قایده فاضل کامل و مشغول اولوب بعض تحریراتی واردر (۱۶) منلا سیدی قرمانی بعد المدارس
حخته بعده ادرنه به پادشاه مدرسه سینه مدرس بعده بروسیه به ده استانبول قاضی بعده اناطولی به بعده روم
ایلنه قاضی عسکر و سلطان سلیم جلوسی اوائلنده معزول و حخته یوز یکری ایله وظیفه ایله مدرس اولدی
فاضل کمال ذکی و مدق صالح و نورانی و مهذب و متواضع و شفیق کسینه ایدی (۱۷) منلا نورالدین
قراسیلوکه صار و کر زدی فضلادن اوقیوب تبدلات اطوار و تقلبات روزگار ایله حخته مدرس بعده سکسان
ایلنه وظیفه ایله متقاعد و سلطان سلیم زماننده استانبول قاضی بعده اناطولی به بعده روم ایلنه قاضی عسکر
بعده معزول و یوز یکری ایله وظیفه ایله حخته مدرس بعده به استانبول قاضی بعده وظیفه سابقه ایله معزول
اولوب طقوز یوز یکری یدیده وفات ایدوب مسجدی قرینه مدفوندر * فاضل کامل و فقیه و محدث و ناطق
بالحق و مهذب و عابد اولوب تفهده مرتضی آدلو برمتن یازمشدر (۱۸) منلا سیدی محمد بن محمد القوجوی که
سیدی چلبی دیرلری پدی فضلادن اولوب بودخی آندن و حشی حسن جلیدن اوقیوب بعد المدارس
حخته مدرس بعده سکسان ایله متقاعد اولوب سلطان سلیم زماننده استانبول قاضی بعده اناطولی به
قاضی عسکر اولوب بعده اختیار ایله فارغ اولغین یوز یکری ایله حخته مدرس سی و یروپ بعده مدرسه بی
بر اغوب بعد زمان مصره قاضی اولوب بریل آنده طور و بچ ایدوب استانبول کلد کده یوز او تو ز باقه وظیفه
تعین اولوب طقوز یوز او تو ز برده وفات ایتدی * جمیع علومه غایت ماهر و مشتهر اولوب تحریر و تفریع و عربی
انشاده نوادر دنیان ایدی بعض رسائنده کندونک پیر لیکن وصفده دیشدر که (ع) نزل التلویج بهامتی
حتی نقوس قامتی (۱۹) منلا بانی آیدینی فضلادن اوقیوب بعد المدارس حخته مدرس بعده وظیفه ایله
متقاعد بعده بروسیه به قاضی بعده معزول به ده یوز باقه ایله حخته مدرس سی بعده بروسیه به قاضی بعده به حخته
مدرس اولوب طقوز یوز یکری طقوزده وفات ایدوب مسجدی قرینه مدفوندر منق قوجه زاده
مرحومک فاین اناسیدر غایده مشغول اولوب جمیع علومدن حصه دار ایدی وافر کابری اولوب علمایه وقف
ایتشدر (۲۰) منلا عبدالرحیم بن منلا علاء الدین عربی پدی بونی بابک یعنی بابا جق دیوا و خشامغین بابک
چلبی دیرلری یدیرندن و خطیب زاده دن اوقیوب بعض مدارس بعده حخته مدرس بعده اناطولی قاضی
بعده به حخته یوز باقه ایله مدرس و طقوز یوز یکری اوچده وفات ایتدی جمیع علومه فاضل کامل ایدی (۲۱)
منلا صلاح الدین موسی بن منلا افضل زاده فاضل کامل و زاهد مجاهد مشغول ولی علی القدر و اصل ایدی
اندام و دیبانه مدرسه سینه مدرس اولوب برکون درس دیرکن مناره دن مؤذن الله اکبر دیدیکنی ایشته کده
نعالی الله و تقدس دیوب بعده بولقلی انداملا سکدن ایشته دم دیوب بعده کشف حال ایتدیکنه فاضل و اولوب
بوسرافشا و لامق کر کدی دیوب الارین دیرلرینه اوردی * بعده حخته مدرس بعده التمش ایله وظیفه متقاعد
ویرلری صاحب عزالت و دانا اهل عبادت اولوب کندوی کورمه کاندله اصلا کلام دینی و سولشزدی
اهل و عیال دن مجرد اولوب قدیمدن دادیسی اولان خاقون خدمت ایدردی آیدست المنده غایت موسوس

اولوب قیش کونلر زنده هر بقولنه یکری قوغه طلوسی قدر صود و کردی * بر کره قیش کونی آبدستدن اصلان
لباسن قورغیچون آتسه یقین وارد قده انکی یاقوب آتش تدریجله یور یوب کند و طوبیوب قارنه کلد کده
سویندر مکه چالشوب قادر اولوب دادیسی دخی آنده اولامغین بحکمة الله یاقوب وفات ایتدی (۲۲) منلا
محیی الدین عجم منلا کورانی شاکر دیرلرنددر بعض مدارس بعده حخته مدرس بعده ادرنه به قاضی اولدی *
فاضل و متدین و متصلب و تحریر و تفریع و خطی خوب کسینه اولوب فرائض سیده حاشیه و بعض رساله لر
یازمشدر (۲۳) منلا امام علی اماسیه وی قصبه چورمنددر پادشاه اماسیه ده یک ایکن امامی اولوب بعده
یدرندن شفاعتله قصبه کومش مدرسه سن الیو یروپ تخته جلوسنده انکورری قضاسن مدرسه سیله بعده
بروسه قضاسن و یروپ متکلم و قوی القلب اولغین بعده مصر سلطان قایتبای ایله بارشغه و انده محبوس
اولان وزیر هر سن اوغلنی کتور مکه ایلجیلک ایله کوندروب و واروب بر مراد کلد کده اناطولی قاضی عسکر لیکن
و یروپ بعد زمان وظیفه تفاعله عزل ایدوب بعده اوغلی سلطان قورقود ایله ماینلرین اصلاحه کوندروب
واروب کلد کده اعی اولوب طقوز یوز یکری یدیده وفات ایتدی * شیرین زبان و فاضل سخن دان و صالح فلاح
نشان محب خیرات و ساعی فی المبرات ایدی * بطون مختلفه دن سکسان مقداری اولادی اولوب بو حقیق لک پدی
والده سنک پدیردر * رحمه الله علیم اجمعین (۲۴) منلا بدرالدین محمود بن شیخ محمد پادشاهک استانبولده امامی
ایکن بروسیه به قاضی اون ییلدنصکره اناطولی به قاضی عسکر بعده معزول اولدی * عالم عامل و کریم الاخلاق
و محب علما و صلحا ایدی محمدیه به نظیره محمودیه آدلو ترکی منظوم کابی اولوب اکن نظمی الجقدر (۲۵) منلا خلیل
بعض مدارس بعده حخته بعده ادرنه به پادشاه مدرسه سینه مدرس بعده استانبول قاضی بعده اناطولی به
بعده روم ایلنه قاضی عسکر اولوب سلطان سلیم جلوسنک اوائلنده قاضی عسکر لکده وفات ایتدی فاضل
و حلیم و کریم و محب خیر و متواضع ایدی (۲۶) منلا پیر محمد جمالی علمان تحصیل علم ایتد کده صوفیه و فلبه
و غلطه کبی شریف قصبه ره قاضی بعده سلطان محمد و قفقه متولی بعده دقتدار اولوب سلطان سلیم زماننده
وزیر اولغین پیری یاشادینوب بعده وزیر اعظم اولوب سلطان سلیمان خان جلوسنک اوچنچ ییلنده عزل اولندی
غایده ذکی و عاقل و مدبر مصیب و کامل و صالح و دیندار و محب علما و صلحا و خیر کار ایدی * نیجه آثار خیرات
بنایا یتشدر (۲۷) منلا زلز زاده منلا خواجه زاده و غیر بدن اوقیوب بعد المدارس ادرنه به استانبول قاضی
و قاضی عسکر لک دخی هر برینه اولوب سلطان سلیم خان بونی مصر پادشاهی سلطان غوری به
ایلجیلک کده کوندروب کلد کده سینه روم ایل قاضی عسکر ایدی بعده وظیفه ایله عزل اولوب خیلی
زماندنصکره طقوز یوز او تو ز طقوزده وفات ایتدی (۲۸) منلا ادريس بدلیسی عجم بکرنندن برینک نشاننجیسی
ایکن قزلباش ظهوری قترتده رومه کلد کده پادشاه بوکا کلی رعایت ایدوب ایل و ییللق وظیفه لر ایدوب
آنک امریه هشت پیمشت آدلو فارسی مفصل و بی نظیر نوارخ آل عثمان یازدی ذوقون و منشی سحر نمون
اولوب عربی و فارسی بلوغ و لطیف قصائد و ایاتی و فوائد عظیمه بی جامع بی نظیر رسائی واردر * هر کالده نوادر
عالمدن اولوب سلطان سلیمان جلوسنک اوائلنده وفات ایتشدر دقتدار ابو الفضل افندی بونک اوغلیدر او دخی
عالم و منشی کامل ایدی (۲۹) منلا سیدی علی زاده اسمی به قوبدر علمان اوقیوب بعد المدارس ادرنه به
پادشاه مدرس سی بعده ادرنه قاضی سی بعده به پادشاه مدرس سی بعده حخته مدرس سی بعده یوز باقه ایله متقاعد اولوب
طقوز یوز او تو زده حجت کورکن وفات ایتدی فاضل کامل اولوب متن شرعه الاسلامه جامع و نافع و نظیری
عجم بر شرح یازوب ایکی تألیفی دخی واردر (۳۰) منلا جعفر بن تاج بک که تاج زاده دیرلری پدی
پادشاهک سخا قده مدبر اموری اولوب کندومی منلا خواجه زاده و غیر بدن اوقیوب فضایله مشهور عالم
اولد قده محمود پاشا مدرسه سی و یروپ نیجه فضلا بوندن اوقیوب بعده نشاننجیلق و یروپ پادشاهک اوخرنده
عزل اولوب سلطان سلیم جلوس ایتد کده سینه نمانجی بعده اناطولی به قاضی عسکر ایدوب عجم
سفرندن کورکن قشلامغه دوغکیچون عسکر قشنه به تحریرک ایدنلرک بری بودر دیو قاقیوب قتل
امر ایتد کده پادشاه قیه که بنم بریمه بدل بوله مز سن صکره فاضل اولور سن دیوب او دخی کرچک دیرسن یلورم
لکن اختیار ایتدم دیوب بونین اوردیلر * رحمه الله علیه * نظم اطفاله هوسنامه آدلو ترکی کابی و اطباء منشائی

وارد (ع) فضل و عرفان و ذکاءه نادر دینا بدی (۳۱) مناسبتی بن تاجی بک منور منلا به قمر
 برادر فضلادن اوقیوب فضلله عالمده مشهور اولد قده بروسه ده مرادیه بعده استانبولده مدرسه علی پاشا
 بعده مدرسه سخن و رولوب حجه واروب کلد کده سکسان اجه تقاعد و برلدی * جمع علومده کامل و ماهر علوم
 عربیه ده خود بکار سلف کبی فضلی باهر اولوب بلغاء عرب عربا کبی قصائد و اشعار کثیره لطیفه عربیه دیوب
 عربی دیوان اشعار بر کتاب اولمدر عربی و فارسی و ترکی انشاری و شرح مفتاحه حاشیه می و نیجه رسائل
 بر فواید اولوب متن عقائدی عربی غایت لطیف نظام ایتمشدر صالح و معنی و صادق القول حیدر الاخلاق
 اولوب (محرره) آسمان علمده شمسازیدی ممتاز ایدی * فضل و عرفان ایله دنیاده نظری آزایدی *
 (۳۲) منلا قطب الدین محمد بن محمد ابن قاضی زاده روی والده سنک پدری متلا علی قوشیدن و منلا
 خواجه زاده دن تحصیل و تکمیل فضائل ایدوب خواجه زاده به داماد اولوب مناسبت مدرسی اولدی فاضل
 و صالح و کریم الاخلاق و علمه غایبه مشغول اولوب نیجه طالب علمای تکمیل ایلدی تازه لکده وفات ایدوب
 رسائل و فوایدن نیجه مؤلفاتی اولوب ناقصه قالدی (۳۳) منلا محمود که میرم چلی دیر لردی منور منلا قطب
 الدین برادر دیر خواجه زاده و سنن پاشادن اوقیوب اوچینی مدرسه سی مناسبت ایدی جمع علوم و معارفده
 فاضل کامل اولوب علوم ریاضیه ده علمه زمانه غالب مطلق اولمغن پادشاه بونی خواجه ایدوب ریاضیات
 اوقیوب بعده سلطان سایم بونی اناتولی به قاضی عسکر بعده یوز اجه وظیفه ایلد عزل ایدوب حجه واروب
 کلد کده طقوز یوز اوز برده وفات ایدی سلیم الطبع و النفس و قور و صبور و صاحب مروت عظیمه ایدی علوم
 عتیه ده بعض مؤلفاتی وارد (۳۴) منلا حکیم محمد شاه قزوینی منلا جلال دوانیدن علومی اوقیوب اطباء
 نسلدن اولمغن طبعه غایت ماهر اولوب بعده مکده مجاور ایکن منلا مؤید زاده بونکچون عالم و فاضل و طبیب
 حاذق و کامل در دیکین پادشاه بونی کتوردوب یوزیکری اجه وظیفه تعیین ایدوب سلطان سلیم جلوس ایلد کده
 غایت مقبول ایدوب مصاحبت ایدوب مراتب عالییه به ایرشدی سلطان سلیمان زمانده وفات ایدی
 سورة فحمدن اشاعه دیکتفسیر شریف و بشقه مناسبات آیات و سور قرآن کتبتن و تهافت خواجه زاده به
 و شرح عقائد عضدیه به بر حاشیه و متن ایسا غوجیه و متن کافییه به و متن موجز طبعه بر شرح و نیجه کتب
 و رسائل یازمدر (۳۵) منلا کمال الدین اسماعیل قرمانی ککه قره کال دیر لردی خیالی چلییدن و منلا
 خمیر و دن اوقیوب بعد المدارس ادر نه ده حقه مدرسه لر بیک برینه مدرس اولوب بعده قاضی عسکر مؤید
 زاده بونکاسا بقدن انجمن کین عزل ایدوب الشمس اجه وظیفه تقاعد ایلد کده حظ و خیر دعا ایدوب ککند و
 مسکنده علم و عبادته مشغول اولدی * تفسیر قاضی و کشفه و صدر الشریعه به و عقائد خیالی حاشیه سنه
 و شرح موفقه حاشیه لر و دخی نیجه مؤلفاتی وارد فاضل و صالح کسینه ایدی (فصل) منور حوم سلطان
 بایزید زمانده اولان بکار مشاهیر مشایخ بونلایدیکه (۱) شیخ محی الدین محمد اسکایی که شیخ یاوصی دیر لردی
 مفتی ابوالسود ایلد بیک پدر دیر سابقا علمه چالشوب بعده منلا علی قوشچی به دانشمند اولوب آنک
 وفاتده صکره به مشایخه مرید و واصل مراد و ارشاده مجاز اولوب علوم ظاهره و باطنیه ده غایت کامل
 اولدی حجه کیدر کن اما سیه کاب سلطان بایزید بن محمد کلد کده منی تخته کچمش بولورم دیوب اولد
 اولد قده پادشاه بونی شیخ ایدوب بیعت ایدوب احیانا سیرایه کتوردوب وافر مصاحبت ایدوب بونکابر عظیم
 تکیه یاوب ککند و دخی شیخ یاوصی ده اربعه کیردی و زرا و علمای شیخه مر اجعت و ملازمت و کمال فضیلت و قوت
 و دیانتدن خوف و هیبت اوزره اولوب آنک شیخ غایت زاهد و اهل تقوی اولمغن اصلا تغییر حال ایتزدی
 کرامات عظیمه سی اولوب شقایقه بر قاجی مذکور در طقوز یوز بیکرمیده کایدیه وفات ایدی (۲) شیخ
 مصلح الدین سیروزی شیخ یاوصی خلفه سنن اولوب آنک وفاتده زاویه سنه شیخ اولدی عالم فاضل و مرشد
 کامل و عابد و زاهد عامل اولوب بوندن نیجه کسینه لر منتفع اولد یز طقوز یوز بیکری التیده وفات ایدی (۳)
 سید ولایت امیر صبحی القصبه کرماسیده طوغوب استانبولده عاشق پاشا اولادن شیخ احمد که
 زین الدین خانی حضرت تریک خلفه سنن اولان شیخ عبداللطیف قدسی خلفه سنن ایدی داماد و مرید بعده
 ارشاده مجاز اولدی * مرار حجه واروب شیخ ایلد و ارده عرقانده قطب زمانی کوروب بروسه به کلد کارنده

طبعه بولشوب بعض معامله ذکوره خیر دعاسن الدینی سلطان محمد علماء سنن منلا الدیاس احوالده
 تفصیل اولمشدر نظر اولنه سید ولایت بیک کرامات عظیمه سی اولوب بر قاجی شقایقه مذکور در (۴) شیخ
 بولیلی چلی که اسمی محی الدین مدرس ایکن صوب شایخ حاجی خلیفه نک مریدی و آنک وفاتده قائم مقام
 ارشادی اولدی صاحب جذبه و استغراق عزیز ایدی طقوز یوز اوزن بشده وفات ایدی (۵) شیخ نیازی اسمی
 ایلسدر منلا ولدان برادر دیر قضا دن فارغ و شیخ حاجی خلیفه به مرید و آنک تحصیل مراد و مجاز بالارشاد
 اولدی عارف محقق و عابد و زاهد محقق اولوب علم و عبادته مشغول ایدی وفاتش فی سنه طقوز یوز اوزن درت
 (۶) شیخ صفی الدین مصطفی کانقر بیلدر شیخ حاجی خلیفه دن تحصیل و تکمیل ایدوب شیخ بولیلی چلی
 بونکارشاد خلفه اجازت و برور برینه قائم مقام ایدی * عالم و عابد و زاهد و مرشد ایدی طقوز یوز اوزن طقوزده
 بروسه ده وفات ایدوب حاجی خلیفه یا تنده مدفوندر (۷) شیخ رستم خلیفه بروسه لیدر صاحب کرامات
 اولوب لکن احوالی ستروا خفا ایچون معلم صیدان اولوب بلا ضرورت سوزسو بلزدی سابقا اهل صنعت اولوب
 بعده اختیار نو کل ایدی مال و منصبی بوغیکن اغنیاء و فخرایه انعام ایدوب کندویه هدیه کتورنه اضعا فله
 مکافات ایدردی عابد و زاهد و مجاهد ایدی (۸) شیخ علی ده ده شیخ وفا حضرت تریک خلیفه سی و وفاتده
 قائم مقامی ایدی پیر و مجرد و عابد و زاهد و مبارک نفس عزیز ایدی (۹) سید علی بن میمون مغربی ایدلسی
 و لایق مشایخدن تحصیل مراد ایلد کده مصره واروب حج ایدوب ولایت شامده نیجه لری تربیت ایدوب بعده
 بروسه ده بوطن ایدوب بعده ولایت شامه واروب طقوز یوز اوزن بدیده وفات ایدی * صاحب مقامات علیه
 و کرامات خفیه و جللیه اولمغن وجهه ارضه مانده مهر و ماه و آیه من آیات الله ایدی مشایخ حایه المراتبی کمال
 تفصیل محتاجدر (۱۰) صوفی زاده شیخ عبدالرحمن دانشمند ایکن سید علی مغربی به مرید و آنک مانده تکمیل
 طریق ایدوب شیخ غایت مقبول اولمغن شامه کند کده بروسه ده بونی خلیفه ایدی * عوام لباسن کیوب
 متواضع و نورانی کسینه ایدی وفاتش فی سنه طقوز یوز اوزن طقوز (۱۱) شیخ بابانعمه الله معارف ربانیه ده بحر
 مطلق و اسرار بهیه الهیه به مستغرق ولی علی القدر اولوب اختیار غنا ایله حالی اخفا ایتزدی * کلشن رازده
 بر شرح مقبول و تفاسیر به مر اجعتنر حقایق برد قایقه بر تفسیر شریف یا زوب بحیر عقول اولمشدی
 قرمانده قصبه آقشهرده ساکن و انده مدفوندر (۱۲) سید احمد بخاری نقشبندی که امیر بخاری دیکله
 مشهور اولمشدر بوجقیرک لام جده سنک لام جدیدر * اولاعظمه قدامه مشایخ خواجکادن اولان خواجه
 محمود انجیر فغنوی علمیه رحه الرب القوی نسلدن اولمغن دیار عجمده بن المشایخ معزز و مکرم ایدی * ثانیاً
 سلسله نسب سادس باهر النوری کاب بحر الانسابده بویه مسطور در که سید احمد بن محمد بن علی بن جعفر بن
 عیسی بن محمد بن علی العربی بن ابی امام جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین ابن الامام حسین
 ابن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم * ثالثاً سلسله مشایخ دخی بودر که بونک شیخی عبدالله الهی خواجه
 عبید الله سمرقندیدن اودخی خواجه یعقوب خرخیدن اودخی خواجه علاء الدین عطاردن اودخی خواجه
 بهاء الدین نقشبندن اودخی خواجه امیر سید کللادن اودخی خواجه محمد بابا سیدن اودخی خواجه علی
 رامینندن اودخی خواجه محمود انجیر فغنویدن اودخی خواجه عارف ریو ککریدن اودخی عبدالخالق
 غجد و ایندن اودخی خواجه یوسف همدانیدن اودخی خواجه علی فارمدیدن اودخی ابوالحسن خرقانیدن
 اودخی بایزید سلطانمیدن اودخی امام جعفر الصادقن اودخی قائم بن محمد بن ابی بکر الصدیقن اودخی
 سلمان فارسیدن اودخی حضرت ابو بکر الصدیقن اودخی حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلمدن تحصیل
 و تکمیل طریق ایتشددر * رابعاً منور سید احمد کمال احوال خیر ما لاری بونموال اوزره در که اول مرید
 فردکن بن حضرت قطب العارفین خواجه عبید الله سمرقندی نقشبندی عامله جلاله بالفضل الایدی آستانه
 عزت آشیانه سنده ایکن انزلک امر یله خلیفه ارشاد وظیفه لر شیخ عبدالله الهی حضوره واصل و اول طریق
 توفیق رفیقده مراد فواید اندن حاصل اولدی * شیخ مر قوم ولایت عجمدن دیار رومده وطنلری اولان قصبه
 سیاهه قدوم منیلزوم ایلد کده امیر مر حوم دخی یله کاب طایفه عارفه نقشبندی به الی یل مدام امام اولدی
 حضرت شیخ امیر کبیر واجب التوقیر دایم اصاغ یا تنه الوب کمال تعظیم و تکریمدن بر فردی اکا تصدیق و تقدیم

ایستاد بزم سید احمد علی التوالتی احیاء الیالی ایتمکین مدت امامت منده وضوء عشایله صلوة فجر کثیر الاجری
 ادا ایتمکین در دیوبند مدح و ثناء ایدردی * امیر عبادت اشتغال اوزمانده کی استراحت ندن سوال اولند قدده مطبخ
 شیخ ایچون هر صحرایی استرالیه جوار مرده اولان کوهساره کیدوب قطع همه ایند کده بهیه لری مرعایه
 صالوب بنانده قلوب اکل نباتات دن انرقضاء و طراید نیجه بر شجره استناد ایدوب بر لحظه خوابه اعتیاد
 ایتمکین دیمش * بعد ذلک اول عابد سالک عشق رب الکل ایله تجرد و توکل اوزره اولوب همان اون دانه ایله
 عزم راه بیت الله ایتدی * مکده و قدسده ایکی ییل طور ووب ضعیف البنیه ایکن تحصیل رضاء رب ایچون
 روز و شب عبادانه باجان و دل مشغول اولوب یا تده خرجلی اولوب بر فردن بر نسنه دخی قبول ایتمکین
 خزانه غیب و هبابی ریدن کچوب اصحاب استحقاقه دائما تصدق و انفاق ایدردی * بعده دعوت حضرت
 شیخ عالی رتبت ایله مکدن سیماوه ارتحال ایدوب نیجه زمانه نکره شیخ آخرته انتقال ایتد کده استانبوله
 تکیه و مسجد یا یوب جله مرید سید لریله ساکن و اجراء احکام طریقه ساعی وراکن اولدی * فضل
 عالم الغیوب ایله مالک جذب قلوب اولغین زوایه شرف حاویه لری من دحم جباه و ملتئم شاه اولد قدده نیجه
 ارباب مناصب ترک مراتب و مطالب ایدوب سالکان راه حق زمره سنبه ملحق اولدی * امیر کبیر مشار الیه
 زاد الله فیضه علیه حضرت تریک آداب و عادات مورثه السعاداتی عمل بمقتضای شرع هر اصل و فرع قات
 کلام و طعام احیاء الیالی و صوم ایام مداومت ذکر خنی و متابعت مذهب حنفی ایدی * مجلس شریفنده کلمات
 دنیویه بالکلیه ذکر اولغیوب حضور لامع التورنده درویشان دلریشان خیر اندیشان هیئت و وفار و صفت
 و انکسار الیه سر مجیب و متوجه عالم غیب اولور لردی * بعضی بیک خاطر لری اولوب اول ولی علی الخنا ب
 حضور نه ظاهر اعرض ایتمکین عالم قلب فیض جلدن اخذ جواب با صواب ایدر لردی * داماد لری و قائم مقام
 ارشاد لری اولان شیخ محمود نام عزیر اهل عرفان و تمیز دیمشدر که حضرت شیخ طقوز یوز بیکرمی ایکیده عز
 و سعادت له دار بقامدار عقبا به رحلت ایدوب جسم نورانی رسلین و صیت لری اوزره غسل ایتدیکده ازبا
 تا بفرق عرق اولوب روحانیت لردن بکاحیاء کلی مستولی اولد قدده بحکمة الله الملک الکبر اوج کره فتح بصر
 و هر برنده بکا نظر ایدوب بی شک و یمن ینه غرض عین ایتدی * بعده جنازه رجت انداز لردن من ارباها الا نواره
 قود یغمزده قبله طر فقه کندوسی بالذات دونوب او محله حاضر اولند بو حال حیرت آله ناظر اولوب کمال
 تعجب لردن روح دائم الفتح حضرت سید کائنات صلوة و یردی (۱۳) شیخ اوزون مصلح الدین قسطنطیندر
 علم و فضله مشهور اولد قدده نیجه مشایخه بعده شیخ الهی به مرید و تحصیل مراد ایتدی * ولی علی القدر
 و مهیب و معروض عن الدنیا ایدی علمادن بری کلوب بو طریق ترک ایتمکین ایسترم دید کده ناصل طریق دیوب
 طریق علم دید کده اندن ابو طریق بوله کی دیوب سوال ایدن سکوت ایتد کده مجلسده حاضر اولند کریمانی
 سان چلی بی یلور کسنه واری دیوب یلورزدید کزنده نیجه یلور سز دیوب قاضیدر و فوضه لاندردید کزنده
 طریق تصوفی تکمیل ایتمکین اما سز انک حالی بیلسز شول کسنه نک که همتی عالی اوله طریق تکمیل ایدر
 کرک قاضی کرک مدرس اولسون همتی عالی اولمائی نفسی ترک طریق علمه سوق ایدوب اکا اول میسر اولوب
 طریقت مجرور اولور دیدی * آخر عمر نده بر وسه ده شیخ تاج الدین مزاری قریبده بر حصیر و شویوب هر کون
 انک اوستنده سورده یس اوقیوب قرق کون تمام اولد قدده وفات ایدوب او محله دفن اولندی (۱۴) شیخ عابد
 چلی منلا خنکار نسلند در قضا دن فارغ و شیخ الهی به همتی و واصل مراد اولدی * استانبوله مسجد و تکیه
 یا یوب علم و عبادت مشغول اولدی (۱۵) شیخ لطف الله اسکوی فاضل دانشمند ایکن فراغت و شیخ الهی به
 واروب بر عظیم کرامت کوره کین مرید و تحصیل مراد ایتدی * بعده اسکویه واروب بر طاعنه صومعه ده
 وفات ایدنیجه طور ووب علم و عبادت مشغول اولدی * کافر چو بانلری بونک اطرافنده کزوب زهد و ریاضت
 و کیجه لده عبادت لرن کور ووب نیجه لری ایمانه کدی (۱۶) شیخ بدر الدین بابا شیخ الهی مرید لردن اولوب انک
 وفات نکره دزنده ده ساکن و خلق دن منقطع اولوب بونک ارشاد یله چوق کسنه منتفع اولدی * سماع
 طریقتده بریدر و جمار حقیقتده بر جرایدی (۱۷) شیخ علاء الدین خلیفه الخلق سابقا سباهی ایدی
 اهل تقوی و جذبه و حال و صاحب کرامات عظیمه ایدی استانبوله تکیه یا یوب ارشاد ناس ایتمکین چوق

کسنه منتفع اولدی * بر کسنه کیما به چالشوب بر یول الحق بهورجه کید کده شیخ بوکا وغل کیما صغیر اولم
 بو یله اولور دیوب بر اوج طپراق الوب النده بر مقصد ارطوبوب بره بر اقد قدده خالص التون سبیکه سی اولغین
 قویجیلره صاقوب بور جانی انکاه ادا ایتدی * فسخان الله القادر علی ما یشاء (۱۸) شیخ سلیمان خلیفه سلطان
 محمد خان قولرندن ایکن شیخ مسعود خلیفه به مرید و تحصیل مراد ایتدی استانبوله تکیه یا یوب ارشاده
 مشغول اولوب صاحب حال و جذبه عظیمه ایدی مجلسنه خلق ازدحام ایدوب انده دخی حال ایدر شور دی
 (۱۹) شیخ قوغاجی ده ده که اسمی سوندک ایدی جذبه و احوال و کرامات عظیمه صاحبی ایدی مناقبی تفصیله
 محتاج در استانبوله مد فوند تکیه سی و مزاری مشهور در (۲۰) شیخ امام زاده خلوقی ولایت ایتدیده
 ساکن اولوب عالم فاضل و عارف کامل و صاحب جذبه قویه و ریاضات و مجاهدات عظیمه اولوب نیجه مرید لرن
 واصل مرتبه ولایت ایتدی (۲۱) شیخ صلاح الدین ازینقی عالم عامل عارف کامل زاهد و ورع عابد و متواضع
 اولوب ارشاده مشغول ایدی (۲۲) شیخ یارید خلیفه چلی خلیفه مرید لرن در رادرنه ده ساکن ایدی
 علوم ظاهره و باطنیه به عارف و اوقات و عظم و ارشاد و عبادت صارف ایدی و عظمی لذت و مؤثر اولغین چوق
 کسنه منتفع اولدی (۲۳) شیخ سنان الدین یوسف که سنبل سنان دیر لرایدی افضل زاده مر حومه فضله
 مشهور دانشمند ایکن چلی خلیفه به مرید اولوب ریاضات و مجاهدات ایدوب ارشاده مجاز اولد قدده مصره
 واروب ارشاده مشغول اولوب بعد زمان استانبوله کلوب مصطفی پاشا تکیه سنده ساکن اولوب وعظ و تفسیر
 و ارشاد ایدوب وافر مرید لری تکمیل و ارشاده مجاز ایتدی (۲۴) شیخ جمال الدین اسمحاق قرمانی که جمال
 خلیفه دیر لردی منلا کستلی دانشمند لردن اولوب فضله مشهور ایدی حسن خطی اولغین سلطان محمد بوکا
 متن کافی به یازدروب بر مقصد ارمال و یرمکین انکله حج ایدوب کلد کده قرمانده شیخ حبیبیه مرید و مجاهدات
 عظیمه اید واصل مراد و مأذون بالارشاد اولغین بعد زمان استانبوله کلوب شود لوجه ده پیری پاشا بوکا تکیه
 یا یوب آنده ساکن اولدی علوم ظاهره و باطنیه ده ماهر و مشتمل اولوب جوارز قص و سماعده مستحج و مصنع
 و پر انشای مفصل رساله سی وارد که کمال فضل و عرفانته شاهد در * غایتده عابد و زاهد و مجاهد اولوب
 بکا و مناجات متوالی الیه احیاء الیالی ایدردی و نقل تفسیر و وعظ ایتد کده اغلیوب حال غلبه ایتمکین نعره
 اوروب حیقرو بکاهی کندوی کرسیدن اشاعه آتوب غشی اولوب مجلسده حاضر نیجه فاسق لری به ایدر لردی
 بر کره بر کافر بو حال ایشیدوب کلوب مصلحان اولدی (۴۵) شیخ داود قصبه مدریندن اولوب شیخ حبیب
 خلفا سندن در تصوفده کاشن توحید آد لری و ترکی نظامه بر کاب یازوب غایت مقبول اولمشدر اهل کرامات
 عزیز ایدی (۲۶) شیخ قاسم چلی شیخ چلی خلیفه نک خلفا سندن اولوب ارشاده اجازت و یرد کده استانبوله
 کلوب علی پاشا تکیه سنده ساکن اولوب ارشاده مشغول اولدی زاهد و عابد و مرید و مجاهد اولوب بوندن
 چوق کسنه منتفع اولدی سلطان سلیم سلطانک اوخرنده وفات ایتدی (۲۷) شیخ رمضان حاجی بیرام
 سلطان طریقتده اولوب عرفان و ارشاده بحر زخار و بر در بار ایدی مستجاب الدعوه صاحب کرامت
 مرشد کامل اولوب نیجه مرید لری واصل مراد و مجاز بالارشاد ایتد در رادرنه ده ساکن ایدی (۲۸) شیخ بابا
 یوسف سفری حصار حاجی بیرامیدر عارف و تشرع و واعظ مؤثر نفس و نافع ایدی استانبوله پادشاهک
 جامی تمام اولوب اول نماز قیلند یغی جعه کونی و عظم ایدوب پادشاه دیکلیوب نفس پر سوزی خلقه تأثیر
 عظیم ایدوب نیجه لرنه حال کلوب طشره ده دیکلیان کافر لک اوچی ایمانه کلوب شیخک اوکند کلمه شهادت
 او قود قرند پادشاه غایت حظ ایدوب هر بر بنه وافر مال و یروب پادشاه امر یله وزرا دخی وافر نسنه و یروب
 بعده شیخی پادشاه آخرت بابا ایدوب بعده واقعه سنده مکینه واروب حجر الاسود یا تده بر کاب نظام ایتمک
 امر اولوب قدرت کلوب وارد قدده معارفدن اوزمانه دل خاطر نه کلدک نیجه امور و اسرار فیض
 اولغین و نظمه درج ایتدی مناقب و احوالی ثقیابده تفصیل اولمشدر * طیب الله تربتم و رفیع فی عالم
 القدس و ربتم

(باب ناسع در احوال سلطان سلیم خان ابن یارید خان علیه الرحمة والغفران)

(نظم) داور جمجاه فریدون حشم * فاتح ملک عرب و هم * مظهر الطاف خدای کریم * حاجی دین

حضرت سلطان سلیم (نثر) ولادتش در اماسیه فی سنه ۸۷۵ یا خود فی سنه ۸۷۲ جلوسش فی ۸ ماه
 صفر سنه ۹۱۸ مدت سلطنتش سنه ۸ شهر ۸ مدت عرش ۵۱ یا خود ۵۴ وفاتش در راه ادرنه در شب ۹
 شوال سنه ۹۲۶ مغنیسابکی سلطان سلیمان خاندن غیری او غلبه غیدی (فصل در ویران مر حوم پادشاه) (۱)
 وزیر اعظم مصطفی پاشا بعد از زمان سلیمان احمد معین در دیو قتل اولندی (۲) فی سنه طقوز یوزاون سکر (۳) وزیر
 اعظم هرسل اوغلی احمد پاشا بعد از زمان عزل اولندی (۴) وزیر بلاق مصطفی پاشا داماد پادشاه در
 کورکن عزل بعد از زمان اماسیه ده غضب پادشاه علیه قتل اولندی (۵) وزیر بلاق مصطفی پاشا داماد پادشاه در
 (۵) وزیر حسام پاشا در اراکین وزیر اولمشدی مصره کیدرکن غضب پادشاه علیه قتل اولندی (۶) وزیر
 یونس پاشا اسنان پاشا برینه وزیر اعظم اولوب مصر دن شامه کورکن یولده غضب پادشاه علیه قتل اولندی
 (۷) وزیر ثانی زینل پاشا (۸) وزیر ثالث خواجه اوغلی محمد پاشا که عالم فاضل اولوب سابقه ادرنه ده حفته
 مدرسه نک برنده مدرس ایکن نشانجی اولوب پادشاه مقبولی اولغین وزیر برآمدی ادرنه ده وفات ایتدی
 (۹) وزیر بربری پاشا با قاضی ایکن دقتدار بعده وزیر اولوب مصر سفر نده استانبول محافظه سنه
 قونمشدی غایتده عاقل و مدبر اولغین یونس پاشا قتلده عجله ایله شامه کتور دلوب وزیر اعظم قی ویرادی سلطان
 سلیمان جلوسنک اوچنی یلنده عزل اولندی (۱۰) وزیر فرهاد پاشا سلطان سلیمان زمانده عزل اولوب
 سنجاق ویرلوب بعده ادرنه ده غضبه قتل اولندی (فصل در فتوحات مر حوم پادشاه) قلعه بایبورد و قلعه
 کینی و قلعه کالج و قلعه آمد و قلعه ماردین مرارا و قلعه رها و سائر قلاع و بلاد ولایت دیار بکر و قلعه
 موصل و قلعه سنجار و قلعه سمورک و قلعه تیره جک و قلعه شهر حلب و قلعه انطاکیه و قلعه ملاطیه
 و قلعه بهسنی و قلعه عینتاب و قلعه درنده و قلعه دیورکی و قلعه قلاع و بلاد ولایت حلب و قلعه شیز و قلعه
 حیا و قلعه حص و قلعه نهر دمشق شام و قلعه طرابلس و قلعه بعلبک و قلعه قدس شریف و قلعه رمله
 و قلعه غزه و قلعه صفد و قلعه لحون و قلعه قاقون و قلعه و بلاد ولایت شام و قلعه مصر قاهره و قلعه
 اسکندریه و قلعه دمياط و قلعه قلاع بلاد مصر و ضبط مکده و مدینه شرفهما الله تعالی (فصل در احوال مر حوم
 پادشاه) قبل الجلوس سلیم نامه لرده اولان تفصیل عظیمه نک کمال اجمالی بودر که سلطان بایزید خان اوغلری
 یوردکده اوقات متفرقه ده سلطان شهنشاهه ولایت قرمانی غایت سوکاو اوغلی سلطان احمد ولایت
 اماسیه بی سلطان قورقوده ولایت صاروخانی عاقل و شجاع و مدبر و غضوب اولغین وزیرانک سومدکاری
 سلطان سلیم خان غایت اوزاق و الجاق اولان ولایت طربزون غایتده تن و هر طریفی محل سنک اولوب کرجستانه متصل
 هوا اولغین اکاماتلار اولوب دایما انکله خبر لشکین سلطان قورقوده حسد و غمندن مصره کیدوب سلطان
 فاتیما کلی رعایت ایتدی ولایت طربزون غایتده تن و هر طریفی محل سنک اولوب کرجستانه متصل
 اولغین سلطان سلیم خان دایما کفاره غزا ایدردی سلطان بایزید عاید و زاهد و منیر و اولغله امور فی وزیرایه
 تقوی رضایتمنک آنرا اغواسیله سلیم خان اعدا تکثیر نه رضام بودر کسنه ایله جنگ ایتوب همان سنجاق
 ضبط لده مقید اوله سن دیو بیای امر لکوندر لکین سلیم خان (نظم) بی من دیو دوست هر خدمتی که کردم
 یارب مباد کس را خدمتی غنایت دیو انجنوب بدیل مکان ایچون استیذان ایدوب اجازت ویرلده
 کندونک اوغلی سلطان سلیمان خانک سنجاقی اولان کفه به واردی بعده پیری ادرنه ده اولغین دولتوبایمی
 کوروب بالذات عرض ایده جنگ امورم وارد دیو وافر عسکر ایله روم ایل یما سنده اولان کفه دن قره دن
 یوروب وزیرامکر پادشاه روم ایل عسکر فی عظیم سفرم وارد دیو چاغروب سلیم خان ادرنه ده برقوناق یقین
 کلدکده پادشاه دخی اون بش یک قدر کیده عسکرله واروب قونوب پیر و سیر ایچیلرله من ارا خبر اشوب کال
 تفصیل محتاج حکیمانه نیجه قیل و فالده نصره سلیم خان پیری وزیرامکر یله سمندره سنجاق و یوروب کندو
 حیانتده برکسنه بی کندو برینه پادشاه ایتماکده عهد نامه ایل وافر آت دوده و قاز و تحف و هدایا کوندروب
 ادرخی پیری خاطر ایچون آلوب لکن بانه وافر آدم جمع اولغین کتیبوب سابقا پادشاه حسن اختیار یله سلطنتی
 سلطان احمد ویرمکه عهده ایتمکین سلیم خان صاحب عرفان (نظم) دوات و سلطنت آنست که الله دهد
 چون بخواد که دهد دوات ناکاه دهد دیوب تقدیر رب مقتدر ظهوریه منتظر اولدی (نظم)

لیس المشیئة للسلطان والشاء * ان المشیئة فی الاشیاء لله (قصه) بواثنا ده شهنشاه سلطان شهنشاه فرمانده
 وفات ایدوب پادشاه سلطان احمدی کتور دلوب تخته کورمک ایچون جله قرق بیگ نفر عسکر ایله استانبوله
 کیدوب سلیم خان دخی اونوز بیگ نفر عسکرله یتشوب چورلی قر بنده صرت کوی یاننده ایکی عسکر قونوب
 وزرا اغواسیله پادشاه مع الکراهه جنگ یوروب لکن سلیمه ضرر ایشدر مسوئل دیوب الله خطادن صاقلیه
 دیو دعا ایدوب وزرا امر یله عسکر براوغردن یوروب شهنشاه کندو عسکر فی منعه چالشوب چاره اولوب
 ایکی عسکر قارشوب (نظم) فنا جله آورده همچون بلنک اجل باز کرده دهان چون نمک * زینس
 کشته افکنده برکوه و دشت * جهان گفت بس کن که از حد گذشت (نثر) عاقبت شهنشاه نک عسکر
 صینوب کچی قیلولوب باقیلری قاجغین کندو دخی قره دکر ستمه عجله ایله کیدوب برقاج کونه دلخنا لردن
 ایکی اوچ بیگ آدم جمع اولوب کیلری طور دیغی بره وارد کرده عسکر فی کفه به قره دن کوندروب کندو برکی به
 یتوب واردیلر (امور) بومحاربه دنصکره دعوت پادشاه له سلطان احمد تخته کچمک ایچون کلوب
 اسکدرده مال دبه سنده قونوب ایرتسی زینت و شوکتله کورلوب پادشاهه بواشوب سر عسکر اولوب سلیم
 خان اوزرینه کوندرمک مقرر قیلنش ایکن (نظم) مابین رقده عین و انتباهتها * یقلب الدهر من حال
 الی حال * مفه و منجه اوکیجه یکچیر یلر جمعیت ایدوب سلطان احمد ایچون جلای نامه برقاج حرامیلر
 حقه دن کلدی بویه بی اقدام بی تدبیری سلطنته قبول ایتیه لم دیوب آنک معینی اولان ارکانک اولرین
 باصوب یغمالیوب ایرتسی شهنشاهه ایشدر کده استانبوله کیرمکه قورقوب برقاج کون او توروب بعده کیدوب
 قونیه به واروب آنک بی سلطان محمد بن شهنشاهی کندویه ایدوب جله قرمان و اناطولی بی ضبط دنصکره
 روم ایلنه کچمک فکر یله کیدوب پادشاه بونی دوندرمکه استانبوله لکوندروب مقید اولدی قونیه به
 وارد کرده محاصره و صلحه الوب پادشاه و سپاه بوخیری ایشیدوب اکال انجنوب سلیم خانه میل ایتیلر (قصه)
 بو طرفده سلیم خان پدیرینه (نظم) زانجا که اطف شامل و خاق کریم تست * حرم نکرده عفو کن و ماجرا
 میرس * دیو اعتذار نامه کوندرمکین پادشاه حظ ایدوب سمندره به نیکولی سنجاقن ضم ایدوب براتن
 کوندروب بودخی امتثال واروب ضبط ایتدکده پادشاه بونی سر عسکر ایدمکه چاغروب بواثنا ده بحرین
 بعض وزرا ایله سلطان قورقوده همان اوچ آدمه اولاققله کلوب سلیم خانک کله جکی ایشدر کده سلطنتدن
 مأیوس و عزات و فرامته مأیوس اولوب پادشاه آنک کلدو کنه انجنوب نه سبیله کلدی دیو صورتده سلطان
 احمد شرندن قاجدم دیدی (آمدن سلیم خان) سلیم خان کلدکده امر پادشاهیه جله سپاه وارکان حتی سلطان
 قورقوده دخی قارشو واروب حددن بیرون زینت و شوکت و تعظیباتله شهرده برمناسب سیرایه قوندرلوب
 ایرتسی جله عسکر وارکان یاده و سواراوشوب اوکته دوشوب سیرایه کتوروب ایچرو کیدر کده پیر پیرسر
 یوسف نظیری کوردکده (نظم) بی توصیف انداشت کلستان کائنات * ای عندلیب کلشن دوات خوش
 آمدی * مضه و نخبه اظهار محبت و خیر دعا ایدوب برمه دار مصاحبت نصره شهنشاهه سلامیوب منزله کلدی
 سلیم نامه قولنج جله یکچیر یلر البته پادشاه مزبوا لاق کر کدر دیو اتفاق ایتدکین وزیرا بوخصوصی اضطرار یله
 پادشاهه عرض ایتدکارنده رضا و یردی دینوب لکن صحته اقرب اولان کابشقه ایقده اجمالا مذکوردرکه
 سلطان بایزید اوغلی سلیم خان سر عسکر ایتدکده چاغروب ادرخی کلدکده پدرم حالا سلطنتی بکا تسلیم
 ایدوب کندو فراغت ایتسون دیوب لکن پادشاه بوخصوصه برقاج کون ترد ایدوب سلیم خان مشایخه
 مراجعت ایتدکین جله می مرده ایدوب سیدولا بی دخی چاغرتدکده ابرام عظیمه واروب پادشاه اولورسن
 اما عمر لکمتد اولمز دیوب بعده پادشاهک ترددی کیدوب سلطنتی رضا ایله تسلیم ایتدی (جلوس) طقوز
 یوزاون سکر صفر نک سکر زنجی سبت کونی پادشاهدن خبر اجازت کلدکین سلیم خان اجلال فراوانه تخته
 جلوس ایدوب جمع ارکان و اعیان دستبوس ایتدیلر اوکیجه جناب حضرت خداجل و علایه جدو شکر و ثنا
 و توفیق و هدایت ایچون بجدتضرع و دعا ایدوب ایرتسی پیری بونی دعوت ایتدکین عظیم آلا یله سیرای عزت
 مأویه واروب پیر بیگ آن اوپ ادرخی امانت سلطنت کبرای بالذات تقوی رض و تسلیم و نصایح و خیر دعا ایله
 تنیم ایتدکده پادشاه جدید پیر سعیدی سلامیوب کندو منزله کلدی (نظم) اولور هر عالمک بر کامرانی *

که اول قرنک اولور صاحب قرائی * جهانان اول کیدر برکون بری * بری داخی طور آنک بری * حقیقت
 بوجهان برره کدرد * کلان قوندی قونانده کوچیسردر (فصل) در احوال پادشاه بعد الجلوس
 امراء عدالته و تدبیر نظام احوال مملکت به پادشاه سلطنت قورقوده صاروخان و مدالی سخاقرین و جمیع
 عسکره و علمای وادان و مشایخه ترقی و بخشش و ربوب روم ایلی عسکری کلوب جمع اولغه امرار کوندروب
 اوغلی سلیمان خانی استانبوله چاغرتدی * بعده بدری سلطان بایزید بعد افراغ یوقاروده تفصیل اولندیقی
 اوزره دیتوقیه کیدوب ادرنه قریبده وفات ایتمکین چنارزه سی استانبوله کتورلوب جامعی یانده دفن
 اولندی (سفر) امر پادشاهیه کفهدن شهرزاده سلیمان خان کلوب کمال زینت و شوکتله ال اوپوب روم ایلی
 بکری دخی عسکرلرله کلوب هر برینه تر قیلر وانه امرار اولوب اناطولیده سلطان احمده تابع بعض بکری
 رعایا و سپاهلری طوبوقید و بنده کتورمکین قتل اولندی * بعده سلطان احمد اناطولیده استیلاسی
 و اوغلی سلطان علاءالدینک بروسه به کلوب مال امان ایستوب شهر صو باشدین قتل و خلعه تکالیف
 شاقه سی خبری کلد کده * پادشاه پدرم مرحوم وصیت ایتمکین بکرا درلر مدن صورت بقی و عناد ظهور ایتمکین
 بشدن انلره ضرر ایشیمه چون بویه اولدی اهل مال و امهال باعث اختلال احوالدر (نظم) در اقلیمی
 دوشه راجا نباشد * بیک منزل دومه راجا نباشد * صفاهن بر نیامه ایکی شمشیر * طور امر برکام ایچره
 ایکی شیر (نثر) خصوصاً سلطنتی اختیار منقر لباش او باش حقلمندن کلمه چون ایدی پس بوقتنه بی دفع
 ایتمکینه اکمال بولنزدیوب سلیمان خانی استانبوله قویوب کندوسی بوزیک قدر عسکرله ماه جادی
 الاولی نصفنده خیس کونی اسکدره بکده علاءالدین ایستوب عسکری طاعلوب کندوسی
 باباسنه قاجوب پادشاه انکوری به توجه ایدوب مقدم بعض عسکر کوندرمکین احمد خان (نظم)
 دلش چون کبوتر طپیدن گرفت * زمز کان سرشکش چکیدن گرفت * نه جای قرار و نه روی ستیز *
 بناچار نهاد رودر کبر (نثر) بالضروره فرماندن اماسیه به قاجوب مقدمه عسکر بونک اردنجه دوشوب
 نه یه کسه در پی واروب عاجز قالدقه (ع) ترک تاج و تخت و بخت و رخت ایدوب * سبکبار اولغین
 بخت برادر ایل ملاطیه و درنده ستمنده رونده اولدقه نه اردنجه دونده اولدیله * احمد خان یانده اولان نیجه
 بکرا قاجوب پادشاه کلوب رعایته مظهر اولدیله * پادشاه انکوریدن بروسه به ماه رمضانده قشلاقمه کلوب
 عسکره دستور و ربوب بهارده جمع اولتی نیوردی (امور) سلطان احمد غیرته کلوب کاخ و نکسار یولندن
 عسکرله وقت غیره امورله قدیمی سخاخی اولان اماسیه به واروب فی الحال حصاره کیروب پادشاه طرفندن
 اولان مصطفی بکی وزیر ایدوب اماسیه عسکره استیانت ایدوب پادشاه بونی ایستد کده احمد خاندن
 قاجوب کلان بش تفر برادر زاده لری سلطان شهنشاه اوغلی محمد بیک بیکده بکی ایدی و سلطان علمشاه اوغلی
 عثمان بیکه کاتقیری بکی ایدی و سلطان محمد اوغلاری اورخان و موسایی و امیر خانی که هر بری بر و ابده سخا
 بکی ایدی ماهشوال بکری بدغنی کجه سی اخشام وقتنده سرایه چاغردوب قیوجیلر و طه سته قونوب اگرچه
 بونک ایکیسی طفل نارسیده ایدی لکن احتیاطاً قتلیل شرکا ایچون بشی دخی بوغدروب دفن ایتدردی
 (ع) پادشاه از برای مصلحت صدخون کنند (عبر) سلطان قورقوده سابقا پادشاه بولشدقه ترک
 مخالفت و عصیانه پیمان و ایمان ایدوب حالا عصیانه عزمی ایستد ملکین سلطان صائب تدبیر و صاحب
 عرفان فی امتحان ایچون سپاه و ارکان اغزلندن پادشاه دن بیزار اولدق کاورسکرتخته سزی بکوردرد
 دیومز قورمه ل مکتوبله کوندروب اودخی اینانوب هر برینه محبت و استیانتامه بازوب بوخصوصی
 تخریه ایچون معتدل مزدن بری کوندردیوب پادشاه مکتوبلری کوردکده حاضر بولنان عسکرله شکار
 بهانه بیلر بروسه دن جیقوب (ع) قوردصیدن کوستروب قورقودشکارین ایدی قصد * درت کون
 ابلاغ ایدوب بشتی کون شهر مغنیسایه سایه صالوب علی الغفله برای قوشادوب قورقودشکاروب بیاه نام
 محرم امرار لیه برر مقلد التون اخه الوب بر آینه ییوب باغچه قیوسندن قاجوب خیل خیال ایشیزده
 برقرار کومغاره واروب پادشاه فی اراغیه یک نثر آملو کوندروب کوه و صحرای ارای یورلوب کلوب
 پادشاه بروسه به درنوب لکن قاجون دیوا طرافده اولان مرلری محکم بکندردی * قورقود غم نواله

مسکین بیاه ایل اوج هفته مغاره ده طوروب بعده سابقا سخاخی اولان تسک ایلنه واروب اورادن تبدیل
 صورتله فرنگستانه کتک فکریله کجه تسک ایلنه واردقه (نظم) کیدر بلر مغاره ایکی دردمند *
 دیده تراب خشک و زار و مستمند * آج و محتاج و غریب و خاکسار * نه بشر پیدانه دیار و نه یار * قالدیلر
 بر نیجه کون اول غارده * چکدیلر سخت اوکچن تارده * بستری خال اولدی بالینی حجر * قورقودن
 قورقودنلر چکدی نلر (نثر) عاقبت بیاه شهرزاده فلک آتیه ییوب ذخیره ایچون طشره جیقوب برترکله
 آشنا اولوب برقاج التونله کاوروب مغاره بی کوستروب ذخیره کتور دیوا صحرایغین ترک برقاج کون کلوب
 کیدوب فرنگستانه کتک ایچون کی بولق تدارکنده کزکن بندوی آتک تمغاور خسته بقانلر طوب تک بکده
 کتوروب ضرر بله سولیدوب مغاره بی کوسترکده شهرزاده بی بیاه ایل طوب پادشاهه خبر واردقه برقبوچی
 باشی کوندروب شهرزاده بی بوغوب بروسه به کتوروب سلطان اورخان یانده دفن ایدوب بیاه غم نواله نیجه
 زمان تر به دارو کوزلرینه قبه تر به طیار اولدی (نارنج) ای کوکل دائمیه کجوب * فرح آدینی آکده
 دنیاده * پرده غفلتی * کتور کوزدن * نظرایله بو جرخ جلاده * کاسه سندن ایلدوب ساغر *
 خون ناحقندن ایدینور باده * صونار اول جامی هرکشی به دیز * بوکدار بو پادشاه زاده * قنی قورقود
 خان که شوکتله * منلی بولنزد ایدی دنیاده * حاصلن باقدی نارحسرتله * خرمن عمرنی و ربوب باده *
 دیدی هاتق و فائنه تاریخ * مسکنک اوله عرش اعلاده (عبر) پادشاه وزیر اعظم مصطفی پاشایی
 سلطان احمد ایل متفقدردیوب قتل ایدوب بعده سابقا سلطان قورقوده کوندردیکی کبی سلطان احمد دخی
 ارکان و سپاه اغزلندن مزورمه لرله مکتوبلر کوندروب (نظم) فلک چون کار سازیم غماید * تخت
 از پرده بازیم غماید * مغمه و مغمه اردخی اینانوب عسکرله کلوب پادشاهی ازینق قریبده بیکشهر صحراسنده
 قونش بولوب بودخی قونوب کندویه حمله اولدیغن طوبوب وقت محدوده قاجوب اناطولی عسکری اردنجه
 بتشوب لکن انلرله اولده صینوب دوتوب احمد خان انلری قوه لیوب پادشاه وزیردوقه کین اوغلنی بعض
 عسکرله کوندروب تانارخان اوغلی سعادت کرای دخی بیاه کیدوب (نظم) بری برینه لشکر قاتلیدی *
 متاع جان و دل هیچه صاتلیدی * شان جانستان طوغرلای جان * دل و جان اولدی تیره آشیانه *
 چالشق قامت شمشیری بوکدی * خزان مرلر عمری دوکدی * چو سلطان احدا یدی شاهه کینه *
 سمنددواتی دوشدی زیننه * بولوب خال اوزره اول درغینی * انکله ایلدیلر زین * سوار ایدوب براسب
 خوش حرامه * کتوردیلر شه عالیه قامه * شان اغایه امر ایدی شهنشاه * عدم ملکده قوره آکا خرگاه *
 کیمه کوستردی بودوران صفایی * که آخر صوتدی جام جفایی * نیچون چاهه کشی بویه کر بشه * که بونی
 عاقبت کیره کر بشه * اکاکیم اولیه دولت مقدر * امک صرف ایلسه اولورمکدر * خدا ورمک کرکدر
 بخت و بختی * ویررمی میوه باغن هر درختی * خدادن اولمجه لطف و احسان * اله کبر من نکین دولت
 آسان * آنک کیم نیتنده بوق صفایی * بنای عزتک اولمز اسامی * سزوار ایدی اقبال عظیمه * آنکچون
 ویردی حق سلطان سلیم (نثر) اگرچه پادشاه ایکی برادر ندن دخی باشد کوجک ایدی لکن بحکمه الله
 (نظم) ده انکشت بی سزای نکین * بکه ترسد لیک انکشتین (لحیره) شرف المر به قتل و کلال و ادب *
 لایسن و جمال و بجه و نسب (امور) احمد خانک عسکری طاعلوب عسکر پادشاه بتشوب آنلری طوبوب
 فوج فوج کتوروب پادشاه جله سن آزاد ایدی (لحیره) کاشکی عسکره اولان احسان * عسکر اسینه
 اوله ایدی همان (نثر) احمد خانک عثمان نام اوغلی چنکده شهید اولوب براوغلی دخی مراد بجمه قاجوب
 شاه اسماعیل و واروب رعایت اولنوب دائمشکاره بیله کیدوب بتشوب مصاحبت ایدوب بر زمانه نکره
 التفاتدن دور اولوب بعده مقتول بولنوب بعض خزینه شاه قتل ایتدردی دیوب بعضلر بروم فداسی قتل ایتدی
 دیدیلر * دیار بجمه جله اوج درت بیل طورمشدی احمد خانک ایکی اوغلی علاءالدین و سلیمان مصره واروب
 آنده طاعوندن وفات ایتدیلر (نظم) بویه درحالی جهانک هر زمان * انقلاب اوستنده درکون و مکان *
 بولدیغن بوازد هال یلر غذا * بر در ریائنده سلطان و کدا * بر نهالی بسلر آب لطفله * دوشر رطیراغه آخر غفله *
 مخصی محنت صفایی برکدر * بروفا کوستره یوزیک جور ایدر (نثر) پادشاه سلطنتده منازعلری قالدقه
 ادرنه به واروب خبر استقلالی اطراف عالمه منتشر و منشر اولدقه مصر سلطانی غور بدن عظیم هدایا ایل

تهنیتنامه و افلاق و بغداد و وند بکدن دخی خراجله وافر پشکشلر کلوب انکروس قرالی دخی خراج و عظیم
هدایا ایلدنا کیدصلح قدیم رجاسنه بر معتبر بکنی ایلی کوندرد کده تخو یف قرال ایچون حبس اولندی
(غزای اکبر) خسرو شرافکن دشمن کداز * حضرت سلطان سلیم سرفراز (نثر) دیوان اشعار بلاغت
آثارنده (نظم) در سفر کشتن و این بی سروسامانی ما * بهر جمعیت دلهاست پریشانی ما * دیدیکی اوزره
اقصای مرادی عالمی عدله تعمیر ایچون اصحاب بغی و فساد دی تدمیرا تک ایدی لاجرم تقدیم اهم امر الزم
اولمغین فساد اتم و ضرری اعم اولوب مدوحات جناب وب اولان صحابه کرام ذوی الارب حضرت تلمیذ دخی
دهان هذیان فشانندن صب سب ایدن شاه اسماعیل ابلیس تضلیل اوزرینه سفری مقرر ایتمکین (نظم)
اوکره نویدر آدمی زاده * زاد لازمدر آدمی زاده * مفهومیجه بادشاه جمعباه جمیع ممالکدن بچد ذخیره و اون
یک نفر عزب جمع ایندروب ذخیره نک بعضی قرادن دوه لرله اکثری قره دکردن کیلرله کورتوروب شهرزاده سلیمان
خانی مغنی سادکن کتوردوب ادرنه ده محافظه به قویوب طقوز یوز یکر می صفر نک یکر می دردنده خدس کونی
اسکدارده عسکرله قونوب مقدمه ممالک عثمانیه ده قزلباش محملری و اراپسه بدی باشندن یتیمه دل بعد انشبت
امعلری دقت اولنوب آستانه به کوندربله دیو امر لر کوندربمکین دقتله یوقلنوب قرق بیک مقداری کسنه
بولنوب کیمی قتل کیمی حبس اولنشدی ایچلرنده بر جاسوس بولمغین انکله شاهه (ع) طعن و امن آمیز
و جنگ انکیز نامه کوندروب * بعده سیواسه وارد قده عسکری یوقلیوب چوقاق جنگه برامیان قرق بیک
کسنه بی اردوده ذخیره مضایقه ویرماملک ایچون سیواسه قبصر به اراسنده طور منق بیوروب یوز بیک عدد
کزیده عسکرله کیدوب قاجیوب جنگه کلک ایچون شاهه کاه عصا ایلد عبا کاه چنبر و نرک * کاب نسا و عرقیه
کوندروب اودخی حقه ایلد معجون کوندروب بودخی اکا بیک کره طعن آمیز نامه کوندروب دیار بکر لر قزلباش
طرفندن حاکی اوستجا لواو غلو محمد خان ولایتک رعا یاسن عجمه سوروب مملکتی یاقوب انسان و طواریه جنگ
نسنه قالمغین و بر قاج آیدنبر و جان واستخانه اثر ایلده جنگ انواع تعجب سفر حکمکین فخر بیک بعض ارکان
دولتله یولده نیجه دفعه بیکیر یلر ایلد طوروب کاه لطفله کاه عتفله سفرندن فراغت رجایدوب حتی بر کچه
پادشاهی قورققی ایچون تفکر انوب او تاغک یوقاروسن جاجیاد لیلر پادشاه آگاه متوکلا علی الله (نظم)
دست از طلب ندارم نا کام من بر آید * با جان رسد بجانان با جان زن بر آید (نثر) دیوب کیدوب فرمان
بکار بکیمی همدم پاشایی سفرندن دولتک کرلید بیکچون قتل ایدوب یولده بر قاج برده دیلر طوتلوب پادشاه
شاه کراهی جنگه کتورمک ایچون روم ایلی و اناطولی بکر بیک نیجه لرندن شاهه وار کانه مزور مهر لرله
برقدیدن شاهک محملری یوزو پادشاه مزلی رحمانکدن بیزار زهمان تیر کله مزجنگ اوزرنده جله مزانی
براقوب سزه تاج اولورز دیو مستقلا مکتوبله کوندربمکین شاه اینانوب تبریزه کلوب بوانشاده قراول اولان
علی بن ابن شهرسوار بن ذوالقدر بر یولک کسلش قزلباش باشلرله بر قاج باغلو اسیر کوندروب پادشاه دخی
اکامر مع اویانلواتون زخمیرلو بر آت برالتونلوقل ایکی خلعت اوج بیک نقد فلوری کوندردی * بعده جادی
الآخره نک بیکری سکرزده وقت فحاده کونش طوتلوب پادشاه شرقک ضعف طاننه استدلال اولنوب
غره رجیده بحر ای چالدرانده بر یوکسک بره قونلوب شاه دخی عسکر یله کلوب دوزیره قونوب ایتسی اربعا
کونی پادشاه آلا برباغلیوب بحر ایه یور یور قزلباشان قلاشان دخی (نظم) سیل و ارایردی خروش و جوشله *
طولدی بحر ایش آهنبوشله * طاع و طانی بصدی یکسر آدمی * نوز غرق ایتدی سهر اعظمی (نثر)
جنگه باشند قده شاه کراه صاغ فولده اناطولی عسکری اوزرینه دیار بکر و کردستان حاکی اوستجالی اوغلو
محمد خانی و بغداد حاکی خلیفه بکی و نیجه نامدار لری وافر عسکر ایلد کوندروب کندیونک آلی سنجانی دیدنده
وزیری و قاضی عسکری و بعض بکر بی قویوب کندیوسی کزیده عسکر ی اولان قرق بیک نفر یولاد بوش
در باجوشله یور یور اکن زخمیر لرله باغلنوب حصار استوار اولان طوب عرب لرین یارمق خصوصاً بیکیری بی
یولندن ایرمق محال اولمغین روم ایلی عسکری اولان صول قوی باروب عسکر لر ادرنه بیکم فکر یله کلوب
اولاماقوله کلندر نشان برینه کلچک طوبله آتش ویرلد کده محمد خان و خلیفه بیک و نیجه امر او اکثر
عسکر لری خصوصاً شاهک وزیر و قاضی عسکری کیمی طوبله کیمی قلیله هلاله اولوب لکن بوجا بدن دخی

وافر امر او عسکر کیمی قزلباش انده کیمی بزدن آتلا ن طوب لرله شهید اولدیلر * نانیاصول قوله شاه کراه کاد کده
بیاده اولان کانداز عز بلری انواع طریقه قیروب چکنیوب بر جان قورتلوب بعده روم ایلی عسکر سینه
جمله ایدوب محکم صواشلوب (نظم) متاع زندگی صاندلی ارزان * دل و جان اولدی اول و هم ایلد ارزان *
دوکادی تاج خونین قزلباش * قره طبرغه پست اولدی قزلباش * دوشن خاله اوزره صیغمزدی شماره *
بدن چالوزر هله باره باره * شود کلو چوغدی میداده کشته * که اولدی کشته لر دن نیجه پشته *
غبار ایلد قرار دی چشمی مهرک * باشی چکزندی دود ایلد سهرک * اگر خون با صمسه کرد نبردی * مقرر
بر رنده یل اسردی (نثر) محصل قوشلقدن اخشامه دل اولدیه حرب عظیم و ضرب الیم اولدیه کاهله
دوشوب کیمه اول واره جغن بیلزور برده قرار بولز اولوب بکر بکیلده امر انک بکاری و عسکر نیجه ضعف
ویراری (نظم) شهادت شهیدی نوش ایلدیلر * جهان فکرین فراموش ایلدیلر (نثر) بوانشاده عسکر
روم ایلی صینوب سخقلریا یوروب پادشاهدن طرفه قاجدیلر شاه کراه صفر سوکوب پادشاه طور دینی الای
بیراغنه یورود کده ایکی عسکر فارشورکن ویری برلرین قیرشورکن بیکیر یلر براوغردن تفنگ سزوب
طوبله دخی اوت ویرلد کده اصحاب وفاق و شقاق مخلوط ایکن زقاق زقاق سوپر بولوب هلاله و آغشته
خون و خاله اولمغین قزلباشلر یوزلری ترسلرینه دوشوب عسکر لر ادرنه بیکم دبلد کلرنده قطار زنجیر
ویولار ایلد بر لرینه بند اولمش طوار لرله اغریق دریاسنه غریق اولد قلدنده عسکر اسلام اوشوب انلری شامروب
صواشوب بچد قزلباشلر بکش نفر بکر ی دوشوب (نظم) اولدی جوق آسمان بر جانله * چالدران صحرایی
طولدی قانله (علبه) عاقبت شاهک دست و بازوسنه تفنگ طوقلنوب قوی طوغز اولد قده آتی سورچوب
آتی بره دوشورمکین برغازی بیکت نیزه سین طوغر لدوب آت صالد قده شاهک غایت مقربی اولوب کندیوبه
شکلده واپاسده بکره بن میرزا سلطان علی شاهی قورتار مغیجون شاه بنم دیوایلر و واروب بیکت دخی بونک اسب
واسپانه طمع ایتمکین باغلیوب شاهی طوتمد دیو پادشاهه کتوردی او جابنده خضر نام بر ملحد کندیوبی شاهه
فدا ایتمکین آتی شاهه چکو بندروب خضر قتل اولنوب بعد زمان انک اوستنه شاه تربه و عمارت یاپوب آت
چکن خضر دیو مشهور اولدی * شاه کراه همان درت بش کشی ایلد محکم قاجوب (نظم) تار مار اولدی
قزلباش شقی * سرتکون اولدی لعینک سنجی (نثر) شاهک برخا قوی و امر او عسکر سرتکون عورتلری
و بچد قزلباش باغلنوب پادشاهه کتوردی * قزلباش طرفنده یوکسک برده طوروب سیرایدن لرک برصادق
اقوی دیمشدر که شاه عسکر نک قلبه ده وصول قوده طوران عسکری قیرلوب کندیوسی کزیده عسکر یله عثمانی لرک
صول قوتله بدی کره جمله ایدوب صواشوب هر دوشنده آت دکشدروب کونش صزار قده بقیه عسکر یله
طوب اولوب براوغردن آت صالوب بر مقدر صواشوب بعده صینوب آتدن دخی دوشوب بر کسنه
آت چکوب بند کده قاجوب احوالی بیلنمه کیچون معرکه ده بر قاج قورچیسن قودی اخشام زماننده
انلر دخی اندی * القصه شاه همان کز آدمه جنگ کوتک ایتسی قوی بونینه صاراش خوار و حقیر تبریزه
واروب مقدمه خلق یوکا باغقه قورقوب ابراقدن سجده ایدر لر کن جالا غیاث اسنه اوشوب خاطرین صوروب
حتی بر بیر بقال بر قار یوز کتوروب دعا ایدوب دولتوشاهم یتسکی خیره تبدیل ایلد دیو نصیحت ایدوب
شاه دخی جوع و عطشیدن قار یوزی الو بکن خوف و عازیدن شهره کیر میوب در کزینه کیدوب بقا نلردن
یائنه همان ایکی اوچیموز کسنه جمع اولدی * غائب اولان خاقوی تاجلی خانم مسیح پاشا اوغلی الینه کیروب
بر کچه جادرنده یاقوب وافر جواهر و یوروب بالوار مغین قیو ویرد کده خوی ملکنه واروب اودخی عجله ایلد شاهه
کوندردی * اسیر اولان خاقوی اید * نامه کوندروب ایستد کده پادشاه ویر میوب قاضی عسکر تاج زاده به
نسکاح ایدوب اودخی شاه رخنه انکله جمع اولدی * بعده شاه دفع غم انهمزام ایچون داغامست ولایعقل و عالمدن
غافل اولوردی عاقبت کثرت شر بدن مر تعش اولوب ویدنی جاجیاد لوب انهمزامدن اون ییل صکره
او مر ضلردن هلاله اولدی (نظم) بوجابنده پادشاه قزلباش قاجوب اخشام اولد قده بچد مشعله لیا قدروب
یاتسوز مانته دل اهتماما آتدن اینیوب مانند عقرب و چیان اولان قورچیانی قتل ایتد یوروب اطراف یوقلدوب
اعدادن نشان بوغدی بکی عیان اولد قده چادر لر قوردروب عسکرله قونوب او کچه عسکر او یومیوب اللریته

کیرن سیم وزری نجبه رلقا له اولشوب قاش وسائرماع خود عددن بیرون ایدی (نظم) غارت اولدی
 آنده کونا کون متاع * سیم وزرج ایندی عسکر صاع * اولدی یغما السب واسباب کزین * هم مرصع
 اخچر و شمشیر و زین * خیمه و خنجر کاموقالی و تهمید * کیردی غازی یلر المینه بعدد * اشترافست قظار اندر قطار *
 آلت هیجا هزار اندر هزار * اولقد کیردی غنایه دن اله * کاروانی مخزن * کویا اول مر حله (نفر)
 پادشاهه لایق اولان انواع اموال غنیمت خیز بنه به ضبط اولوب جلدن شاهک اطله دن اوتانی ایدیکه
 وسعت و ارتفاع و نقش بر صنایع ده وصفدن بیرون ایدی خاص آنلری دخی میری به آلمدی * ابرار تسی دیوان
 اولوب تهنیت نصرت ایچون جله ارکان واعیان لک اولوب بعده بهادرانق اید ندره رعایت و ترقی و بخشش لار اولوب
 اطراف محاکمه فتنه لار کوندر لوب بعده تیریری محافظه ایدوب شاهک خزینه سی ضایع اولما میچون
 بروز برود قتر دار و یکچیر یلرو اهل تیریزه اماننامه اید آشنای مللا در یس کوندر لوب تیریزیکچیری بونی
 ایشیدوب شاهک کتورمه که قابل اسبابان یوکلوب کندی پادشاهه یولده بر قولا فده * کرد بکر ندان
 بری کاد کده جندکده شاهک معینی اولغین براوغلی و یوز الی نقر یوابعله قتل ایدیلر * برغیری قونا فده
 بر کردی دخی یوز الی آدمه کاد کده منافع در دیوانلری دخی هم و ماکتل ایدیلر * رجعتک لون التیسده
 دد شاه تیریزه یقین قونوب شهر خلقی قاروشو کلوب پادشاهک اتی ایانی التسه چاق شهره دله قیتلو برزی قاشلر
 پاوشه دیلر سادته شهره کیرد کده قزلباش زمانده مر بوط دواب و مسکن غراب اولان جله مسلح و جوامعی
 قعمیر و جاعته نماز قلمچله تنویر ایدوب ابتدا جمعه نمازی قیلد فده عجم حافظلری داودی فخر لره عشر ل
 تعقلرا و قیوب پادشاه و افرا حسا نلر ایدوب شهر مخلقتک سفیری فایتده مصر و اولوب پادشاهه دما مو فور
 ایدیلر بعده پادشاه اهل تیریزه اسکا بر و اهل کماللر ندان بیک خانه صاحب یلر انتخاب ایدوب جله توابع
 و ماللریله کو چروب هر برینه حالته کوره اسباب سقر و یروب امر ادن برینی اللری ضبط و حفظه تعیین ایدوب
 تیمور لنگ نسلندن سلطان حسین یقرا اوغلی میرزا بدیع الزمان که سابقا خراسان پادشاهی و منبلا جایی و سایر
 فضلانک مدحی اولوب تقالیب دهر بر جفا ایلد فتنه دن جدا اولوب تیریزه کلمندی و قزلباشک قهری نبتیزی
 جکرین داندی یومی بیک انچه وظیفه تعیین اولوب شرف ملازمت و رعایت پادشاهه مظهر اولوب
 استانبوله کاد کده طاعوندن وفات ایددی * القعه پادشاه رجعتک بکری بشفده قزلباشلر وجودن عالمدن
 نابود ایتدیکچون اقل هم ایدده شاه اوزیرینه کتمکچون قره باغ طرفنه قشلاقمغه کتمکه عزم ایتمشیکن یکچیر یلر
 جمع اولوب (نظم) دیدیلر پادشاهه جم نشان * تیغک اولون دشمنه آتش خشان * کشور ایران که
 برو برانه در * آنده قشلاق ایلک افسانه در * زهره لچال ایلر یکن جله من * ناخوان اولدق یولده جله من *
 واردلر معمره رومه شها * ایلدیزی بند محمدن رهنا * اشکر آرا اولدیقی دمهده بهار * امر کیده اوله
 شاه اسوار * کشت ایدوب ایران زبانی سر بسر * قومالم سرخ سردن هیچ اثر (رجوع) لاجرم
 سلطان اکرم رومه دونوب یولده واقع اولان امورک اجالی بود که عسکر عظیم قیش و شدت قحطدن محکم
 تشویش چکدیلر و قدر دار پیری چلبی وزیر اولوب بعده مصطفی پاشا محزلک عسکر اولدی دیو عزل اولدی
 و قلعه نالین جوار خلقی عذابا تمکین قتل اولدیلر * و مقدهما کوندر دگاری بعض عسکر قلعه نایبوردی فتح
 ایتمکین قلعه کینی خلقی ایشیدوب مفتاحلرین تسلیم ایدیلر و میراخویر یقلو محمد اغا تدیرو و شجاعته پادشاهک
 معتقدی اولغین بابیورد و اوزنجان و طبر برون و قره حصار شرقی و جانبک حکومتن و یروب سر حد محافظه سن
 اصمردی * و عسکرله متقلدر دیوهر سنک اوغلیله دوقه کین اوغلی وزارتندن عزل ایددی اما سیه به کاد کده
 عسکره قشلامغه دستور و یروب یکچیر یلر پیری پاشا پادشاهه خواجه سی چلبی چلبیک اولرین باصغین
 دوقه کین اوغلی بعض محرکاری پادشاه قتل ایددی * و شاهدن ایچیلرله و افرا دایا و نضر عنامه کلوب ایچیلر
 حبس اولندی و قلعه کما خنده اولان قزلباشلر جوارلرنده اولان قلعه اوزنجان خلقنه غارت و قتل و نجه فدا
 ایدوب سنیلر اولان اوزنجانلر دخی عید قریانده کما خیلری باصوب قیوب باشلرندن مناره لایلدیلر (فتح)
 عده امر پادشاهیه یقلو محمد پاشا عسکرله کما خه و اروب طر قوروب محاصره ایددی من بور حصار بر طاع
 اوزره نالین غایت بیولک و محکم و اطراف غایت عینی دره در نهرات کازنده کنیوبی نظیر باغچه لری اولوب

یلدرم پازیرخان ضابطنده ایکن غصده تهورانک الله دوشمنکین پادشاه اول بهارده جله عسکرله کیدوب
 یولده مصر سلطانی غوربدن ایلی کوب و ولایت نوالقدردوده اولانکی کبی یا خطبه ده یا کده اسمی مذکور
 اولقی مراد ایتدیکن عرض ایتدکده پادشاه قاقیوب مردایسه مصرده خطبه و سکه سین مستر ایتسون
 دیوب ایلی بی دوندردی بعده کما خه و اروب جبر و قهر لره الوب جله خلقی قیوب اهل و عیالارین اسیر ایددی
 طو بلرله یقلان یلری یلیدوب ایچنه وافر جنگی و آلات جنگ و ذخیره و بر برار بک قیوب دیوب کادی
 من یور قلعه نالین جله عیالیندن بری بود که یغور زمانده بهار بولتیرندن محض قدرت و حکمت رب عزت
 ایلد بی حد و نهایت سرجه یاور یحقلری قلعه اطرافه نزول ایدوب خلق او شوب آنلری دیوشروب نظر فله
 طولدروب طو زایوب کین سیوب کین صاقوب اول تمکسوددن نیجه سود ایدرلر شکله سلوایه کده حلوایه
 بکر بر قراج کون کسمه المیوب یزنده طوره قنادلنوب اوچار فسخان القادر علی مایشاه و یختار (فتوح)
 شهر مر عسده اوزوران ولایت البستان حاکمی علاء الدوله ابن ذوالقدر سلطان محمد خان جرائفی ایکن حالا
 پادشاه دیار جمعه کیدر کین چاغز لاقده عذر و مهانه ایلد کلیموب بعده پادشاهه کما خده ایکن اردو ایچون ایلدیلن
 ذخیره یی یولده غصب ایتمکین پادشاهه سیواسه کاد کده ورم ایلی بکر * کیمی منان پاشایی بیک نقر برار آتلو
 و بر مقدار یکچیر یلرله شمسوار اوغلی علی بکله ایباغارا یله البستانه کوندر لوب کند و دخی جله عسکرله
 در عقب کیدوب علاء الدوله پادشاهک خبرین ایشند کده جله مال و عیال و ورعایه سین غایت بلند وضع اولان
 طور ناطاغنه کو چروب داممنده اولان در بندلری بنده ایدوب عسکری اولان تر کمالک تیر و کانه اعتقادا
 میدانده طو وروب پاشا کاد کده صقلر باغلنوب محکم حواسلوب تر کمالر صینوب نقالر جله قیوب علاء
 پر بلانک و جله اولاد و اقرباننک باشلری کسلوب برادر یی عبد الرزاق بک اولادیه اسیر و در نجیز اولوب غنیمت
 اولسان تقود و جواهر و سارخف و اسباب ایلد پادشاهه کوندر لوب او دخی علاء الدوله مصر سلطانیله متفق
 اولغین باشی نامه ایلد مصره کوندردی * ولایت البستان قلعه لری نلک ضابطلری جله قلعه لری مفتاحلرین
 پاشایه کوندر لوب تسلیم ایدیلر امر پادشاهیه دزدلر لرو و جنگیلر قونوب ضبط اموال ایچون امان و مال نصب
 اولنوب بکر بکلی علاء الدوله نلک برادر یی شمسوارک اوغلی علی بکله ویرلدی * من یورستان پاشا پادشاهه
 وارد فده کلی رعایت ایدوب وزارت دخی و یروب یله کیدن عسکره سیکر انچه بخشش ویردی بعده پادشاه
 قیصر یه به کاد کده جله عسکره اجازت و یروب قیو قوللریله استانبوله کادی (امور) پادشاهه یکچیر یلرک
 اختیارلرین مرابه کتور دوب عجم سفرنده نیجه کره هجوم کره محزلک کیر ایددی البستانه دیکن کر کسز دیو محکم
 اقدام ایدوب انلردخی اسکندر پاشایی قاضی عسکر تاج زاده جعفر چلبی بی و سکیان باشی اله ویرمکین یو سنلرین
 اوردردی * و سابقا پادشاهه اما سیه ده قشلا فده انکروس کافری بعض ممالک اسلامیه بی غارت و خدارت
 ایتدکده حاجی بک و اروب انلرک اکثرین قیوب پادشاهه وافر کسلش باش کوندر مشدی لاجرم پادشاهه حالا
 روم ایلد سفر تدار کتبه باشلیوب قادر غلر ترمیم و احداث اولنوب و تر ساخانه لریا لوب هر خانه بناسنه الی بیک
 انچه خرج اولدی اول بهارده سفره کتک ایچون ادرنه به قشلامغه کندی (فتوح) قندین کردستان
 بکاری سنی اولوب ایکن بری برلریله متفق اولما غین قزلباش ظهور ایتدکده انلرک اکثر ولایتلرین جبرله الوب
 یچنه آدملرین قیوب نیجه لری دخی شاهه سر قزلباش سکه و خطبه شاه نامه ایددی سلطان سلیم خان تیریزه
 کیدر کین بعضلری کلوب بولشوب پادشاهه انلری ولایتلرینه حاکم نصب ایددی بعده شاهه صینوب قاقوب پادشاه
 رومه دوند کده کرد بکر بنه اسماعیل نامه لره مللا در یسی کوندرمکین بکری بش نقر کرد بکاری جمع
 و جله سی پادشاهه خلوصه تابع اولوب هر بری قزلباش الله دوشن اسکی مملکتلرین انواع طریقه لریله ضبط
 ایدوب سکه و خطبه پادشاهه نامه اولدی * قشکاه ولایت دیار بکر اولان قلعه قره آمد خلقی دخی منلا در یس
 تدبیر یله ایچورده اولان قزلباشلری سوروب چیتاروب پادشاهه تابع اولوب اوسجالی اوغلی منسو باتی قتل
 و ماللرین یغما ایدیلر * کرد بکاری شهر آمدی محافظه ایدوب جله سی پادشاهه عبودیتنامه لری کوندر لوب
 اما سیه ده قشلا فده کادی (بحاربات) شاه اسماعیل پادشاهه رومه دوند کده تیریزه کلوب سابقا صینوب
 قاجد فده سیه و امر انلرک اهل و عیال و ماللرینی نه کیدور عیالی غارت ایتمکین انلردن انتقام المی دیلد کده

بعض عقلا سلطنت سرایایه سرایا عطایایه عطایا رعایایه موقوف اولمغین حالا تنغیر رعایا محض خطا در
دیو نصیحت است که این فراغت ایدوب اوستجالی اوغلی قره خانی آمد محاصره سنه بش یک قزلباش که کوندروب
کردار ایدو دخی جنگه عسکر کوندروب نیجه کرد بکری درت یک آدمه انلری باصوب طاعیدوب نیجه لری
قرب کردار غایت طیوم اولدیلر * بر ییلد نصکره طقوز یوز یکر می بر شعبانده امر بادشاهیه بایبوردده
عسکره محافظه ده اولان یقولوجد پاشا و سیواس بکر بیکسی شادی پاشا قره خان جنگنه کوندرباشکین واروب
کرد بکری دخی کلوب قره خان قلعه ماردینه واروب مال و عیالان الوب ایچنه بکچیلر قویوب کندوسی
عسکر یله بر صحرایه واروب منلا ادریس بشیوز کسینه ایل ماردینه واروب نصیحت و امانله ضبط ایدوب شادی
پاشا محمد پاشایه کوسه کین آیرلوب کیدوب عسکره تفرقه دو شمعین محمد پاشا دخی امر اکر ایدله آمده قشلا مغه
کلوب قره خان دخی ماردینه کلوب پادشاه ایستد کده شادی پاشای صاحب عنادی برغم ایدوب اول
بهارده فرمان بکر بیکسن و اناطولی سپاهلر نیک بعضی بده قبو قوللرین بیک بکچیلر یله کوندرباشکین اول
خریوت قلعه سین اوج کون طوبله دو کوب فتح ایدوب اول جانیده شاه دخی قره خانه یاردمه همشیره زاده سی
حسین خانی و بغداد حاکمی قیصر سلطانی نیجه نامدار بکر و وافر عسکره کوندروب یوله کردار له صواشوب
یک یوز قزلباش قتل اولنوب بوجانیده محمد پاشا رومدن ایکی بیک آدمی مقدمه خانه جنگه کوندروب
تفصیل محتاج سیله مسلمانلر صیوب اکثری قیرلوب پاشا قزلباش صیندی صاوب آمده کلوب بعده
قبو قوللری کلد کده امر اکر ایدله جمعیت ایدوب اتفاقه یوز یوب قوج حصارده قزلباشلر صواشوب (نظم)
معرکه جیحونه دوندی قانله * دوندی کردونک باشی افغانله (نثر) اولا قره خان صاغ قوله اولان فرمان
عسکرین برلندن ایروب غلبه اوزره ایکن سردار ایکوز تفنکیجی کوندرباشکین فرمانیلر قوتلنوب جنگ
ایدکن قره خانک بو غازه تفنک قندیقی طوقنوب یقلا دقه باشی کسلوب جدایه دیکلوب صولفوله دخی
قزلباشلر جوق کسینه شهید استمکین امر اکر ایدله اتفاقه آت صالوب جله قزلباشلری طاعیدوب اکثری
قیروب انجی عشری قورتلوب آنلر دخی اکثری سنجار حصارده صوسر هلاک اولدیلر اون بیک مقداری
قزلباشک بورنلری و قوللری و بکری نیک باشلری پادشاه کوندربولوب قزلباش ضبطنده اولان نیجه قلاع
و بلاد ولایت دیار بکر و کردستانی عثمانیان الوب باقیلرین دخی محاصره ایلد فتح و ضبط ایتدیلر * محل شیاطین
ماردین اولان شهر ماردین دخی اکثر خلقی اهل دین اولمغین پاشایه تابع اولوب اکن قره خان برادری سلیمان بک
قلعه ده اولمغین عناد ایدوب پادشاه عربستان فتحنه کند کده یقولوجد پاشا آنده کیدوب محاصره ایلد
قومغین بر ییلد قریب قلعه جنگین ایتدیلر (فتح حلب) پادشاه جمع ولایت جمعی فتح یتیلد اوج ییلاق سفر
تدارکنی تنبیه جله عسکرین جمع ایدوب روم ایلی عسکرین مقدما قیصریه واروب توقف ایتمک ایچون
کوندروب بعده قریب بیک عسکره وزیرستان پاشای کوندردیکه قیصریه ده اولنلر ییلد دیار بکر * و واروب
عربستانده جرا کسه طاقه سندن نه ظهور ایدرسه اعلام ایلد * پادشاه دخی البستانه واروب ملطیه معبرندن
یکمک ایچون جرا کسه بکرینه اجازت ایستمک خبر کوندروب انلر دخی قزلباش تحفه پادشاه صاحب
ظهور اولد یغندن قورقوب مصر سلطانی فاضل و غوری الی بیک برار عسکره حلبه کلوب پادشاه ایستد کده
اولا غوری به هدا و نامه ایلد عدوی دین قزلباشک جنگه کتمک ایچون عربستاندن یکمکه اجازت ایستمک
ایچیلر کوندروب کندوسی عسکره البستانه کلد کده عموما دیار بکر فتحی و قزلباش انهم زمانک خبری کلوب
پادشاه سرحد سرداری یقولوجد پاشای عسکر یله چاغردوب پادشاهک ایچیلری سلطان غوری به حلبه و واشوب
غوری آنره غضب ایدوب بعده شاه پادشاهله بارشدر متی مرادی ایدوکن نامه ایلد اعلام ایتد کده پادشاه
دخی غضبه کلوب حلبه یقلاشد قده غوری عسکر ابرامیلد جبراکلدی ککنه رجاء صلح ایچون اعتذار نامه
کوندروب پادشاه قبول ایچوب (الصیف ضیعت اللین) مضبوطه جواب حسن و وروب حلبه بر قوناق یرده
مرج دابق حصارده طقوز یوز یکر می ایکی رجبتک یکر می بشنده احد کونی وقت حصاردن بین الصلایینه دل
عظیم صواشوب ایکی طرفدن بیحد آدم دوشوب عاقبت جرا کسه صیوب سلطان غور بیک یانندن بر طوب
طاشی شتله یکمکه آنک صداسندن قولای پردی بر تلغین تجدید و ضوهمانه سیله بر آدمی سیله الایدن

جیقوب سجاده دوشه دوب یاتد قده جان و پردی (نظم) چنین است این منزل برهوس * غماند درو جوادان
هیچ کس (نثر) چرا کسه صیوب طاعیدوب قزلباشلری عسکر روم قیروب جله دن شام بکی جانپردی غزالی
بعض امر ایلد شاه و حلب حاکمی خیربای حلبه قاجوب یونس پاشا خیربای آردنجه واروب حلب شهرنده
نیجه لری قتل ایدوب خیربای جاجوجه قاجوب یونس پاشا ایلغار له شاهه کیدوب یوله جقان بکره یتشوب
خیربای جله توابعله کلوب پادشاهه قول اولوب طوتلان سانر جرا کسه قتل اولندیلر * بعده پادشاه غوری بی
یوقلدوب ییلد کیدن خدمتکاری طوتلغین سویلر لوب برچاوشه قوشلوب واقع ایسه کتوردی توب چاوش
واروب سجاده اوستنده میت بو لغین باشن کسوب کتورد کده پادشاه اولمغین باشن کسمک ترک ایدیلر
دیو پادشاه قاقوب قتل یوز یوب شفاعت وزیر ایلد بر لکی کسمک کاه کتفا اولندی * پادشاه حلبه یقلاشد قده
شهر لوقار شوکوب تابع اولدیلر و خزینه ده اون کره یوز بیک نقدالتون و اوقد اراق ایچ و بیحد آلات سیم
و جواهر و تحف و اوج بیکدن زیاده سمور و وشت و دیو و بیحد قاشلر و لایعد آلات جنگ و مصنع چادر لر محصل
سکسان مخزن طلوسی اموال غنیت و انواع ذخیره ضبط اولنوب یونلردن غیری عسکر لک لری نیک کین
طایع و ملقر خود حسابیه صیغمز دیو جله دن ماعدا امر اوسپاه جرا کسه نیک اما تلری اولان انواع اسباب
بشقه حفظ اولندی و جمیع قلاع و بلاد ولایت حلب جرا کسه انلندن فتح اولنوب رومی حاکم و بکچیلر قوندی
و سپاهیلر عموما بخشش و پردی (فتوح) بعده پادشاه دیار بکر بکر بیکسی محمد پاشای جله عسکر یله مار دین
فتحنه کوندرباشکین واروب بر ییلد نبر و محصور اولمغین فتح و عناد ایدن قزلباشلری قتل ایدوب باشلرین پادشاه
کوندروب بعده قزلباشلر انلندن نیجه قلعه لر دخی فتح ایدوب سابقا مصر پادشاهلری اولان بی ایوب نسلندن
اولوب دیار بکر قریب ده اولان حصن کیمه پادشاهی ایکن ولایتی شاه اسماعیل غضب ایتدی بکی ملک خلیله
پادشاه ایکی برینی و وروب برات همایون کوندرباشکین اودخی کرد بکری معاونه ایلد محاصره ایدوب بعده
امانله ضبط ایتدی * و ورهاشهری و نواحی دخی ضبط اولنوب قلعه سنی قزلباش حاکمی ورمیوب بر ییل
محاصره اولنوب پادشاه مصری فتح ایتدی بکی ایشیدلد کده قانله بی امانله تسلیم ایتدی * و و دفعه موصول و سنجار
و تعمر و ارغی و سیورل و ویره جلقه لری و جمیع ولایت دیار بکر قلعه لری فتح و ضبط اولنوب جمیع بلاد
ممالک کردستانک بر ییلاق یولدر قزلباش ضابطلرندن تخلص اولنوب پادشاهه تابع کرد بکری ضبطنه
کیروب سک و خطبه پادشاه نامه اولد بقی خبری کلمکین پادشاه یقولوجد پاشایه وافر نقد و تحف و اسباب و منلا
ادریسه ایکی بیک سک و درت کورک و براتونلوق و ایکی صوف و ایکی چوقه و کردستان بکرینه توزیع
ایتمک ایچون یکر می بش یول ایچقه و بشیوز خلعت و اونیدی سنجاق کوندردی (فتح شام) شام کوخال رخ
عرصه کیمه بیت عام * خوش سواد است به دل که علیکم بالشام * مفه و منجه پادشاه دمشق شام شهر نه
کیدوب یوله جاجوجه ضابطلری قلعه لرین تسلیم ایتدیلر * ماه شعبان آخرنده پادشاه دمشق کلوب شهر خلقی
قارشلوب شاه و سپاه چادر لره قوتوب اون ایکی کوند نصکره پادشاه عسکره قشلا مغه اجازت و وروب
کندوسی شهره کیروب ساکن اولدی * ولایت شامده اولان جمیع بلاد پادشاهک ضبطنه کیروب هر برینه
حاکم بکچیلر و لوازم قودی (فتح مصر) سلطان غوری انهم زمانده بقیه عسکر جرا کسه شاهه اندن بر یله
قاجوب مصرده غوری وفای ایشیدلد کده آنک برینه پادشاه اولان طومانیبای یاتنه جمع اولوب بو طرفه پادشاه
عالمیناه حلب و شام ضبط مصر فتحنه موقوف اولمغین مصره کتمک عزم ایتد کده وزیر پادشاه مصر یولی
اوتسر صوبه مخافت بر یله ردر و عاصی عربلر چوقدر عسکر اسلام تحمل ایدو خوف ایدرز حتی
بوسیدن مصره تیمور و هلا کو و چنکیز واره میوب ملولت عالمدن همان اسس کندر رومی در یادن وار مشدر
دید کارنده * پادشاه عالی همت البته کیدرم دیو عزیمت ایتد کده او ییل بیک قطار دوه هلاک اولمغین بالکزمیری
ایچون ایکی بیک عدد دوه صاوتون النوب و نیجه یوز قطار دوه قریب لره صو کتورمک تعیین و سپاهیلر ایکوز
یول ایچقه بخشش اولنوب روم ایلی عسکرینه خزینه دن نیجه یول ایچقه قرض و وروب سابقا ایکی بیک عسکره
غزه به بر بیک کوندرباشکین حال دخی بش بیک عسکره وزیرستان پاشا کوندردی طومانیبایه پادشاه بکام طبع
اول والا وقتکه حاضر اولوب غوریدن عبرت آل دیمک مضبوطه نامه کوندروب اودخی ایچیلری قتل و بش

بیک عسکرله جانبردی بی شامه کوندروب و میسان و میرا کسه خان یونس نام منزله صبا حدن اخشامه دیک
 محکم صواشوب چرا کسه صینوب قیلوب عشری مقداری مصره قاجوب رملده قلان بعض عسکر رومی
 رمله خانی غزه خانی شحر یکیکه قتل ایتدیله * طقوز یوز بیکری ایکی ذوالقعدة سنک یکری برنجی کونی پادشاه
 شامدن مصره عزم ایدوب رملده غزه اشقیاسن قتل خبر کوندرمکین سنان پاشا انلری قتل ایدوب زقاق
 طلوب پادشاه وارد قده شهر خلقتی عفو ایتدی * بعده قدسه زیارته کیدوب عسکری غزه ده قویوب اوج کونده
 واروب کلوب بعده عسکره بخشش ووروب یولده وزیر حسام پاشا عسکر بریه به تحمل ایده مز دیمکین پادشاه
 آتی بوغردی * بعده (نظم) مسند مصر جای هر کس نیست * تحت یوسف سزای هر کس نیست *
 دیومصره عزم ایدوب سابقا سلطان غوری ایچون جمع اولان ذخیره بی دوهله یوکلدوب سکر * و نلک
 قومال و بروحشت و صومسز بریه وارد قده یغمورلر یاغوب برودت کلوب توز باصلوب صفایله کجوب
 کیدوب یوز بیکری بیک مقداری عسکر پیاده و سوار ایله مصره بقلاشد قده طومانبای اونوز بیک برار آتلو
 عسکرله شهرک طشره سته حیقوب خندقلر کسوب مترسار قوروب ایکیزمقداری طوب دیزوب فرنگدن
 طوب بچیلر کتورتدی ایسیدمکین * پادشاه طوب یوله اوغره مامغیچون چرا کسه نک اردلرندن وارمق ملاحظه
 ایتدکده حلب حاکی ایکن قاجوب بعده پادشاهه مطیع اولان خیربای خیربای دلاتیه چرا کسه نک
 اکسهری طرفندن برکه الحاج مزاینه قونوب ایرتسی که ذی الحجه نک بیکری طقوزی خیس کونی ایدی
 علی السحر آلا یلدر یوزبایلقارله یوزبای مصر شهر نک ارقه سی طرفنده اولان جبل مقطب نام طاغ سمنددن
 کلدکده چرا کسه نک خلافی ماملورلی اولغین شاشوب طوب یلر بطلال فالغین امواج بلا باشلرندن آشوب
 صاغ طرفنده برفاچ طوبی آتوب لکن فائده ایتیموب قوشلقدن بین الصلاتیه دیک تفصیله محتاج عظیم جنگ
 اولوب عاقبت چرا کسه صینوب اکثری قیلوب طومانبای آزادمله صعیدا یلته جانبردی دخی شام یولنه
 قاجوب طوتلان چرا کسه قتل اولنوب یو جانبدن دخی سنان پاشا وادنه حاکی رمضان اوغلی و نیچه امرا
 و وافر عسکر دوشدی چرا کسه اردوسنده بحد دوه وفاتر و آت و انواع رخت سیمین و اسباب و آلات یولنوب
 استراشتر اشتر ایدر کسه بولنوز اولدی (نظم) مخزن اولدی سیم وزردن مر حله * نیچه نادر تحفه لر
 کبردیله (نثر) چرا کسه نک انطفاء جمع و انتفاء جعلری ظاهرا اولد قده پادشاه جمله عسکر یله چادرلرله
 قونوب اوج کون اونوروب شهره کیر میوب شهر ضبطنه آدملر کوندروب امان دیوندا ایتدروب جیفه لر
 کترتدن شاه و سپاه برد کشدردیلر * طومانبای اون بیک قدر عسکرله بر کجه شجنون ایتکه کله جکی پادشاه
 ایشیدوب عسکر حاضر طوروب طومانبای خبر الدقه شهره کیروب زقاق قده کوچه بندلر یاوب خندقلر
 قازوب طوب یلدر یوزبای ایرتسی وزیر اعظم یونس پاشا وافر عسکرله شهره واروب اول کون و ایرتسی صبا حدن
 خشامه دیک چرا کسه ایله صواشوب نیچه آدملر قیلوب عاقبت * و چه بندلری بکر کارکنده یو کسل اولر
 بخیره لردن و طاماملردن ارلر عورتلر اوغلا تحقلر ایکی طرفدن عثمانلر اوسته اوق حربه طاش اغاج کول
 طپراق آتش آتوب یولردن دخی انلره اوق و تنلک آتوب زقاق رملته طلوب اوجینی کون پادشاه جمله سپاهله کلوب
 آتلور پیاده اولوب قلقلانلرین باشلرینه طوبوب ضرب زنلر و هوایی طوب یلر و بحد تفنگلر آتوب بخیره لر دیوارلر
 ییقلوب آدملرله کلوب بعض اولره پادشاه غضب ایتدکین آتیه یا قوب ایچنده اولنلر کیی یا قوب کیی
 قاجوب نمر نیله غرق اولدیلر * و بعض اولردن حاشا طوب آبریزلر آتوب خاص بدکاره دوشدکده امر پادشاه یله
 بعض عسکر او شوب اولردن اتان عورتلری چیقاروب عملرندن دیوارلره یخلدوب اول کون و کیجه متصل
 صواشوب ایرتسی محرمک سکر نده جمعه کونی جمله اهل مصر اولری ایچندن امان امان دیو فریاد و فغان ایتدکین
 جنگدن ال چکوب طومانبای بدرای برفاچ آدمله کیی به نبوب صعیدا یلته قاجدی امرا چرا کسه دن سکر
 یوز کسه طوب یلور رمله میدانده باشلری کسلدی * مصر زقاقلری لشکرله طلوب بوغزاده جمله الی بیک
 عدد آدم قتل اولدی دیومنقولدر * پادشاه شهره کیر میوب یله او و ناغه کلوب عفونت هوا دفعیچون لشاری
 نیله اندروب برفاچ کون صوبی ایچله دی * جانبردی پادشاهه سرفروا یتدکین امانله کلوب ال او یوب خلعت
 کیدردلی * محرمک بیکری اوچنده یوم سنده پادشاه شوکتله شهره کیروب نخته کیدی طومانبای پادشاهی

اغفالاطاب عقوا ایچون اعتذارنامه کوندروب بودخی ظاهر به بناه اناطولی کجدا سیه امانامه ونصیحت
ایچون مذاهب اربعه قضاتن کوندروب طومانبای جله سن قتل ایدوب پادشاه دخی ایستدین مجرد احتیاطا
نیلک جانب غر بیسنه کجده طومانبای اوج بیلک عسکر جرکه له کلوب عثمانلور اولده صواشوب طرفیندن
چوق آدم دوشوب طومانبای پادشاه یوقاده ایدوکن بیلیجک اسکندریه به قاچوب اوکیجه پادشاه ایستدوب
روم ابلی بکر بکیسی وشمسوار اوغلنی وخیرباله جانبردی بی کزیده عسکر له ایلغار له کوندروب بحیره ولایتنه
کیدرکن یتشوب چرا که نکین اسیر کین طعمه شمشر ایدوب طومانبای قاچوب دیار غربه قاچق ایچون
نیلدن کجک صد دنده نیله یقلاشدقه یتسلمکین حیاتدن امید کسوب رخت ولباس سیه کندوبی صویه
اندقه یوز بکلر یوزوب یتشوب چیقاروب اوچیزدن زیاده آدم له اسیر ودر زنجیر ایدوب کتورلد کده
جمله یولد اشلی قتل او انوب پادشاه شهره کیروب مولو چرا که خزینه سن اجوب جله عسکره بخش شلوروردی
بعده طومانبای ایچون خیانتدن فراغت ایدر سه عالی منصبلور بر که عزم ایتمکین حالارعا تیلور و امر پادشاه یله
وزرا فی ضیافتلر ایدوب کن تخت یوقا ائندن کتدیکنه تأفف واثماحالی کویه واه وتلف اولمغله
قیوورلدیکی تقدیرجه کیر وفساده اشتغالی اکثر احتمال اولغین خصوصا بقیه چرا که صحرارده اولان
اعراب ابالسه بونک اسیر اولدیغنه اینا عیوب الله بنصر طومانبای دیوگاه کاه اطراف مصری غارت و تباہ
ایتمکین پادشاه بونی تشهر و تحقیر و تنه ناسی تسکینه سلطنت مصری کندوبه تقریر ایچون ربیع الاولک
یکری برنجی کونی حصاره بندروب شهر ی منادیلرله کزدروب جله اباسیله دمور قبوده آصوب اوج کون
مه اوب طور دی (محرره) کیمه وفایلدی بو چرخ دون * کایلدی عاقبت آنی زبون * ایتمدی شهر ی
زار و هلاک * تخت نشین ایکن ایدوب زیر خاک * کینی مغلول واسیر و ذلیل * کینی اعدا قلیله قیل *
عزنی دکر صولک اوجی ذلته * لعنت حق انجیلن لذته * عقل اوکیم عبرت له دهر دن * ایدو حذر ایچیمه
اول زهر دن (وقایع) چرا که به تابع اکن قدیدن اباعن جد حرمین محترمین حاکی اولان سید برکات
اوغلی ابوغنی محمدی هدایا و تهنیتنامه ایله مصره کوندرب کین کلوب ال اوپوب کلی رعایت او انوب بعده
پدرینه خلعتلور نقد و تحفدن کلی بخش شلور و لمکین مکینه کیدوب پادشاه اکرم حسرت قدما عظام سلاطین
عالم اولان خادم و حاکم حرمین اوقا شرفنه وصولنه شکرا الله حرمین خلعتنه توزیع ایچون ایکوز بیک قدر نقد
فلوری و پارچه لر له بجد بغدادی کوندروب تقسیم ایچون ناظر و کاتب و ایکی متدین قاضی کوندردی بو ائاده
دیار بکرده مار دین و حصن کینه افتخار بیک و طرابلسه بعضی عاصیلر قتل خبری کلوب و دیار مصرده شیخ
عربلر وافر هدایا ایله کلوب ال اوپوب خلعتلر کیدرلوب رعایا به کمال عدالت اصرار نوب برلرینه کوندردی
(نظم) کلوا لوسه آدمه دولت * بدیلور بر قلیله بیک نعمت * کلوا لوسه ایلک تدبیر * طوته من آنی نیجه
بیک زنجیر (نثر) پادشاه شامده ایکن استانبول محافظی پیری پاشایه امکندر به به دونخا ایله وافر ذخیره
کوندربو خبر کوندروب قبودان جعفر انا کلکین پادشاه اسکندریه بی سیره واروب ذخیره بی مصره
و مصرده النان جله اموال غنی بی کیدرله استانبوله کوندروب مصره کلدی * وجهه عکره وظیفه و تیمار لرینه
ترقیلر و برلرینه کیمه که اجازت و یردی بعده خواص عکرله احوال مصری نظم ایچون بر مقدار او توروب
مقیاس نیلده بر مصر بایدروب انده او تورردی * و ولایت مصری کیم ضبط ایدو بیلور و نوجه له نمکندر کندو
کمزدن اول بیلک ایچون شجیع و امکدار و مقبول اولان وزیر اعظم یونس پاشایه مصره حاکم ایدوب اودخی
کمال حرص و جبر ایله جمع مال مشغول اولغین پادشاه آگاهه چرا که سن سابقا حاکم اولان خیر بایی
کندوبه قدیدن خلوصه بنده صادق خصوصاً دیندار و احوال عربستانه واقف اولغین فی مصره حاکم ایدوب
ماه شعبانک یکری ایکنی کونی مصر دن کوچوب یولده یونس پاشا پادشاه یله ناشوب کیدرکن برخام سوز
سو بیلوب قلب پادشاه یله خیانتی شبهه سنی مؤید اولغین بونی اورلدی * پیری و برلیوب نامه کلد کده
استانبول دن پیری پاشای کتور دوب وزیر اعظم ایتدی و بلاد شام و حلبی فتح بر ایتدیروب اوقافی و املاکی
وارضیت المالی تمیز ایتدیروب خاص اولمغه مناسب برلری خاص باقیلر بن تیمار و زعامت ایتدیروب دفتری
ضبط اولندی * و پادشاه انکروس قرالی روم ایلنده بعض ولایته ال اوزادوب محاربه ده زور نیق بکی شمید

اولدین ادرنه محافظه سنده اولان شهرزاده سلیمان خان اولاغله عرض ایتدی * و دیار بکر طرفدن فتوحات
 جدید خبری کادی پادشاه * آمده حضرت شیخ محی الدین عربی مزارنه تریه و برج جامع شریف و عمارت یابدروب
 تمام اولغین طوقوز یوز بیکری درت محرم سنده جمعه نمازین قیلدی * بمحمد شاه اسماعیل پادشاهک حسره الملوک
 و عسیره السلوک اولان همالان عربستانی فتحدن حقیقه مرادی بی مانع و حائل فتح جله بمحمد سنانه دخی مائل
 و نائل اولق ایدوکنی بیلکین قورقوب وافر هداایله تمینتنامه کوندردیکه مضمونی بودر (نظم) دیدی
 ای خداوند تاج و سپاه * فزون اوله دائم سکال و جاه * جهان اوله محکوم حکم عام * مبارک اوله
 شاهی مصر و شام * نه تن سار بلسکه ملک عجم * سکندر ایا شاه کردون حشم * بی جا کرداد قتل بیل شما *
 کند عقابکدن ایله رها * نیکه ایله بو یکا تدوین * که یوقه ربو جانده فکرستیز * کلام خدادر جوالصلح
 خیر * قوصلح ایله آسوده اولسون بودر * خدا ایلسون دائم اقبالسکی * نصیب ایلسون جله آمالسکی *
 (نثر) پادشاه نامه به التفات ایتدیوب ایلی بی قید و بند ایله استانبوله کوندردی (نظم) سخن در بدیهه
 نباشد صواب * بوقت خودش داد بید جواب (نثر) بعده پادشاه شامدن طوغری دیار عجمه کتک
 ایتدیوب جله عسکر که جک یله تاخیر جای تکین جله درت اید نصکره حلبه کیدوب جانپردی غزالی بی
 شام حاکی ایتدی حلبه ایکی آی او توروب بعده استانبوله بعده ادرنه یه واردی (قصه) سابقا ناطولی
 نقتیشنده قرده مرده قزلباشدن جلال نام مله مجذوب و بل لباسیله بوزاوردن نوقات ستمه قاجوب بر مغاره ده
 اولوب اودیارک خلقی مائل رفض اولغین احوال بیلوب مجذوب الهیدردیک بهانه سیه یانه بیکری بیل
 مقدار یاده وسوار جرج اولوب اول اطرافک امر اوسپاهی بکر بکاری یانه قاجوب پادشاه خبر کد کده وزیر
 فرهادیاشایی عسکره کوندروب جلال ایشیدوب سیواسه قاجوب شهسوار اوغلی علی بک عسکر تر کانه
 آردنه دوشوب پادشاه انکوری به جلال قره حصاره کوب علی بک پادشاه قتلیموب کیجه ابغبار ایدوب وقت
 ضحاده آتشهرده جلاله بولشوب صواشوب جلال قاجوب لکن طوتلوب جله نوابعلیه قتل اولوب
 عورتلری اسیر اولدی * علی بک جلاله باشن پادشاه کوندروب احسانه مظهر اولوب فرهادیاشاه علی بکه کین
 بیجوب سلطان سلیمان خان زمانه خاندردیو اجازت الوب واروب عظیم حبله ایل قتل ایتدی * تکیم اشاغیده
 کلور (فصل در وفات پادشاه) مصر فتح اولند قدده دریادن کیمز ایشک ایچون ردوس قحقی مهمدر
 دیووزرا عرض ایدوب دوختاند ایدوب تمام اولد قدده پادشاه کوروب اوج درت آلیق باروتله نیجه کیده لم
 یدی سکنز آیده انجی فتح اولنور جدم سلطان محمد خان زمانه کدی کبی وارلوب صفرا اید کتورسه بریکز زنده
 قالماق لازم بویه ضعیف تدبیر ایله سفرا تم و بالجله بزمه سفر بوق مکر سفر آخرت دیدی * پس شاه یم شیم طقوز یوز
 بیکری الی شعبانده ادرنه یه کیم تدارکن ایدوب رجب آخرنده ارقاشنده دانه خردل قدر شیر پنجه چیقوب
 جان صاوب ایتدی حاصمه محکم صیقه دروب باره ازوب ایتدی که شعبانک ایکنی کوندر زینت و شوکتله
 نهمردن چیقوب اوناغه قونوب چبانی یاره سی غایت بیو یوب آروب علاچدن قلوب بون اوغین چورلی
 قرینه سابقا بیدرله صواشد قلی صرت کوی یانه ده و تورا ق ایدوب ادرنه یه کیدن وزرا کتور دلوب خلق
 شبهه یه دوختامان ایچون دیوانلر قوروب منصبلر توزیع ایتدی یار ایکی آیدر او تورلوب ماه شوالک طقوزنجی
 کیجه سی وفات ایتدی رجه الله علیه وعلی اسلافه * علامه صاحب الافاده مولانا کمال پاشا زاده
 مرحومک وفاتیه بر مرثیه مطوله دل پسنددیمشدر که جلد دن برتر جمیع بندی بودر (نظم) عزمده نوجوان
 و حزمده پیر * صاحب السیف صائب التذیر * هم صف آرا ایدی هم آصف رای * نه وزیر استریدی
 و نه مشیر * الی شمشیر ایدی دلی خنجر * نیزه ایدی قوی و بارمقی تیر * آرمده تده چوق ایش ایتدی * سایه سی
 اولاشیدی عالمگیر * شمس عصر ایدی عصرده شمسک * ظلی مدود اولور زمانی قصیر * تاج و تختله نخر ایدر
 بکر * نخر ایدردی انکه تاج و سریر * کوکلی اول سورده بولوردی سرور * که چار چاغری دی تیغ و نقر *
 رزم ایچنده و بزم عیشنده * کورمیدی بیز چرخ آ کانلیر * چیقسه ایوان بزمه مهر منیر * کبرسه میدان رزمه
 شیر دلیر * اولیجی دار کیر اول شیری * آکسون و قانرا غاسون شمشیر * حیف سلطان سلیمه حیف و دریغ *
 هم قلم اغلاسونانی هم تیغ (نثر) مرحومک مقبول و صاحبی حسن جان بکدن منقوله در که حین احتضارده

بکا حسن جان نه حال درید کده سلطانم جناب حقه توجه ایدوب الله ایل اوله حق زماندر دیوب بزی بوخجه
 زماندر و کیکله یلوردک جناب حقه توجه زده قصوری فهم ایتد لک دید کده حاشا لکن بوزمان سائر
 زمانلره بکزه تمکین دیدیم * بعده برخطه دنصکره سوریه بس او قود یوب برکه اوقیوب ایکنجه کده کندوسی
 یله اوقیوب (سلام قولامن رب رحیم) آیتنه کدیکده شهادت بارمغین قالدروب تسلیم روح ایتدی * بعده
 شهرزاده یه اولاغله مکتوبلر کوندربول ایتدی وزرا دیوان سوروب منصبلر و یروب پادشاهک میتنی طیبیلر
 یوبوب یوزکن میت ایکی کره صاغ الیه کندویه ستر عورت ایدوب کورنلر حیران اولوب تکبیر و روح رسوله
 صلوات کثیر ایتدیلر (فصل) مرحوم پادشاه زماندره اولان بکار مشاهیر علمایونلر ایدیکه (۱) افضل
 علماء انصار اکمل فضلاء اعصار بحر محیط زانجام علوم اوائل و اواخر (ع) شهر مهر حقایق محیط
 کل کمال * شمس شریعت بدر فضیلت عالم اوحد منلا احمد که کمال پاشا زاده دیکله مذکور و مشهور اولمشدر
 عامه علومده تحقیق و کافه فنونده تفوقی آثار بکارندن بروجه مجزوم معلومدر هیچ برفن بوغیدیکه انده
 مهارتی اولمیدی و آنده انواع تصرف و اختراع ایتمک یول بولمیدی جله تالیفاتی سرآمد و متنازوم دون کتاب
 و یارماله یازمیدی فن آرقالمشدر * جلال کتب و رسائلی وسائل تحصیل فضاثلدر * محصل نیجه زماندر که
 عالمده بونک کبی فائق و مهور بر منلا ظهور ایتمامشدر * فضل و صلاحی غایبه رشد و فلاحی نهایت ابرشوب
 حتی طائفه جن دخی استفتا ایدر لر دیو شایع و جله اقوال و احوالی مقبول طبایع اولمشدر (لمحرره)
 آسمان علمده شهباز ایدی ممتاز ایدی * فضل و عرفانله دنیا ده نظیری آز ایدی (نثر) پدری سلیمانک پدری
 کمال پاشا امر آل عثماندن ایدی مزبور منلا احمد تازه لکده علم شریفه غایت چالشوب بعده تیمار وزعامت
 و یروب بعده منلا لطیفدن حاشیه مطالع و منلا کستلیدن و منلا خطیب زاده وغیرین دخی بعض علوم
 اوقیوب تدربجیلده ادرنه ده سلطان بایزید مدرسی ایکن دفعه ناطولی قاضی عسکری اولدی * مصر فتحنده
 یله اولوب زیرک زاده روم ایلی قاضی عسکری ایدی سلطان سلیمان خان زمانده عزل و افترا ایله نقتیش
 اولنوب بعده یوزاچقه وظیفه ایله ادرنه ده مدرسه دارالحديث بعده ینه مدرسه بایزید خان بعده استانبوله
 مرحوم علی حلبی برینه مقتبیلک و یروب طقوز یوز قرده وفات ایتدی * بیکری مقداری کتاب یوز مقداری
 رساله یازوب اخلاق حمیده سی و فضائل غیر عیدیه سی وصفدن خارج و ذروه علیا به عارجدر (نظم) روح
 پاکینه ایدوب حضرت حق رجتلر * ایلسون حور یلرال اوزره طوقوب عزتلر (۲) منلا عبدالحمید که حلبی
 حلبی دیرلر قسطه و نیندر علمای رومدن اوقیوب بعده عربستانه واروب علماسندن اوقیوب حج ایدوب
 بعده عجمه کیدوب علماسندن اوقیوب مشایخدن برینه واروب درویشلرندن اولوب وطنه کد کده پادشاه
 قبل السلطنه بونی کتوردوب کندویه امام ایدوب فاضل متفین و معارفه متین و مصاحبی لذیذ اوغین
 تخته کد کده ایکوزاچقه وظیفه ایله کندویه خواجه ایدینوب وافر کویلر باغشلیوب سفر و حضرده لیل
 و نهار مصاحب و مقبول ایدندی * مصر فتحندن شامه کد کده وفات ایتدی صالح و محسن و معین فقر و اضعفا
 و حمید الاخلاق ایدی (۳) منلا محمد شاه ابن منلا علی بن منلا یوسف بالی بن منلا شمس الدین الفزاری بکار
 فضلادن اوقیوب سلطان بایزید زمانده بروسه ده مناستره سلطان سلیم زمانده حخته مدرسه بروسه یه
 بعده استانبوله قاضی بعده ناطولی به بعده روم ایتنه قاضی عکرا اولوب طقوز یوز بیکری طقوزده
 وفات ایتدی * اهل فضل و ذکا و خا و حسن خلق و وفار ایدی * شرح موائقه و فرائض سیده برنی نظیر حاشیه
 یازمشدر تازه لکده وفات ایتدی (۴) منلا محی الدین بن منلا علی الفزاری که محی الدین حلبی دیکله مشهور
 اولوب مزبور شمشک برادریدر بکار فضلادن اوقیوب علی پاشا مدرسه سنده بعده بروسه ده سلطانیه به بعده
 حخته مدرسه بعده ادرنه یه بعده استانبوله قاضی اولدی * سلطان سلیمان خان زمانده اون بش ییل روم ایتنه
 قاضی عسکر بعده موزول بعده مفتی بعده اختیار ایله فارغ اولوب تفسیر در سنه و تفسیر تالیفنه باشلیوب قبل
 التمام طقوز یوزالی درتده وفات ایتدی * فاضل کامل و اهل تقوی اولوب قوت دیانتندن مرثیه و سوسه یه
 وارمشدی * مهیب و وجیه و متکلم و قوی القلب و ناطق بالحق و محب علما و صلحا اولوب بعض رسائل
 و نثر براتی واردر (۵) منلا محمد مفتی علی چلبینک اوغلی و منلا حسام زاده نک قیزی اوغلیدر بکار فضلادن

اوقیوب بعده مراد پاشا مدرس بود و حسن مدرس بعد از او در نه قاضی بعده بنه حکنه مدرس بعده یوزاچه ایله
متقاعد اولوب طقوز یوزاللی بیدیه وفات ایتدی * اهل مکارم اخلاق اولوب فاضل کامل ایدی (۶) منلا محمد
شاه ابن منلا حاجی حسن زاده پیرنندن و سایر علمادان اوقیوب بعده مراد پاشا مدرس بعده ادرنه ده جفته
مدرس لرک برینه بعده حکنه بعده بروسه مرادیه سینه بعده سکسان اچه ایله حکنه مدرس اولوب طقوز یوز
طقوزده وفات ایتدی * علوم عقلیه و نقلیه دن بهره دار اولوب غایتده مشغول ایدی شعر و انشا و توارنج
و محاضراتده ماهر اولوب قدوری به شرح و بی نهایت رسالت و حوائی یازوب وفاتندنصکره ضایع اولدی
لذی الله احبه حمید الاخلاق کسینه ایدی (۷) منلا حسام چلبی کار فضلادن اوقیوب بعده المدارس ادرنه به
بعده بروسه به قاضی بعده بنه حکنه مدرس اولوب طقوز یوز یکریمی التیده وفات ایتدی * غایتده مشغول
اولوب فاضل کامل و ادیب و وقور و حمید الاخلاق ایدی بعض رسائل و تخریراتی وارد (۸) منلا مصطفی
ابن خلیل که شقایق مؤلفی منلا طاشکیری زاده نک پیریدر کار فضلادن حتی خواجه زاده دن اوقیوب جله نک
مقبول ایدی * بعض مناصب تصکره حکنه مدرس بعده حلیه قاضی بعده طقسان اچه ایله بنه حکنه مدرس
اولوب طقوز یوز یوزاوتوزده وفات ایتدی * فاضل کامل و زاهد عامل اولوب مسوده ده نیچه حوائی و رسائل
قالدی (۹) منلا عبدالواسع بک زاده اولوب کار فضلادن اوقیوب بعده بحمه کیدوب آنده منلا عبدالستار
ارغلی اوغلندن دخی اوقیوب استانبوله کاد کده بر قاج مدارس بعده قضا بروسه ویرلوب سلطان سلیمان تخته
یکج کده استانبول قضا سین ایکی کونند نصکره ناطولی بعده وروم ایلی قاضی عسکر ایکی ویردی بعد العزل جمیع
مالن خیراته صرف ایدوب کابری وقف ایدوب تخرید و انقطاع له مکه مکرمه به واروب عزت و عبادت اوزره
وفات ایتدی (۱۰) منلا عبدالرحمن بن سید یوسف الحسینی طاشکیری زاده نک دایسید و کار فضلادن
اوقیوب غایتده قضیات تحصیل ایدوب بعده تصوفه میل ایتکین بروسه ده جنید بک مدرسه سنندن فراغت
ایدوب لوی اون بش اچه وظیفه تعیین اولوب زیاده قبول ایتدی * اوائلده جذبه الهیه ایشوب آرزوم
بر قاج آی طاغرده اولوب اغا جلرده قدرت حقه اتمک بولوب یوب بر تبحر جانور لر کلوب بونی بکلیوب بعده
کاد خلقه فارشوب کاه جذبه ایشوردی اولیاء الله فارشوب انلردن عظیم حکایتلر ایدردی * طقوز یوزاللی
درتده سکسان یاشنده وفات ایتدی (۱۱) منلا محمد بن خطیب قاسم تدریجیه مصطفی پاشا مدرس ایکن
اماسیه ده شهر زاده سلطان احمد خواجه اولوب او وفات ایتد کده استانبوله و ادرنه ده نیچه مدارس ویرلوب
عاقبت تکرار حکنه مدرس اولوب طقوز یوز قرده وفات ایتدی * عقلیه و خصوصاً شریعیات و نقلیه اند
وعظ و نصیحت و معارف جزئییه و علوم عجیبه ده غایت ماهر و عابد و زاهد و قانع اولوب دائماً علم و عبادتده
مشغول ایدی علم محاضرات و توارنج اشرفده روضه آدلوغایت لطیف بر مختصر کتاب و فرائض سیده
و صدر الشریعه اوائلده بر حاشیه و نیچه رسائل و تخریرات یازمشدر (۱۲) منلا زین الدین بن محمد شاه فناری
بعض فضلادن اوقیوب بعده بروسه ده سلطان اورخان وقفه بعده اماسیه ده سلطان بایزید وقفه متولی
بعده شامه بعده حلیه قاضی اولوب طقوز یوز یکریمی التیده وفات ایتدی فاضل مدق و دیندار ایدی (۱۳)
منلا داود کار فضلادن اوقیوب بعده المدارس حکنه مدرس بعده بروسه به ایکی کره قاضی اولوب بعده اختیاریه
فارغ اولغین یوزاچه وظیفه تعیین اولوب طقوز یوز قرده وفات ایتدی فاضل مدق ذوق و ناطق
بالحق ایدی ضعف مزاج سببیه تألیفه چالشمی (۱۴) منلا بدرالدین کار فضلادن اوقیوب بعده المدارس
یوزاچه وظیفه تقاعد تعیین اولوب طقوز یوز قرده وفات ایتدی فاضل کامل و صالح عامل ایدی (۱۵)
منلا محمد بن محمد البردعی حکنه تحصیل و تکمیل انواع معارف ایدوب رومه کاد کده بعده المدارس ادرنه ده
جفته نک برینه مدرس اولوب طقوز یوز یکریمی سکرده وفات ایتدی * خوش صحبت حیده خصال خوب خط
ایدی تفسیر قاضی به و حاشیه تخریده و تلویحه حاشیه لری و آداب مجتمه شرح و عربی و فارسی لطیف انشازی
وار ایدی (۱۶) منلا محمد زاده ایدی فاضل کامل و محقق و مدقق و غایتده خوب خط اولوب وافر کتب یازوب
تفسیر ایشیدی بروسه ده عیسی بک مدرسه سنندن فارغ اولوب اون بش اچه وظیفه تقاعد تعیین اولندی امیر
بجاری حکنه نازندن تحصیل تصوف ایتدی (۱۷) منلا خواجه زاده محمد فاضل کامل و ذکی و حمیده خصال

ایدی بعض قصباته قاضی و سلانیق قضا سنندن بروسه به قاضی اولوب بعد العزل طقوز یوز یکریمی اوچده
وفات ایتدی (۱۸) منلا لیس زاده پیر احمد مدرسه حکنه مدرس ایکی کره قاضی اولوب بعد العزل طقوز یوز
اللی ایکیده وفات ایتدی فقهد ماهر عالم کامل اولوب صاحب کتب و مال حمید الخصال ایدی (۱۹)
پاشا چلبی الیکانی جمیع علومدن بهره به نائل فاضل کامل ایدی ادرنه ده دارالحدیقه مدرس ایکن طقوز یوز
اوقوز طقوزده وفات ایتدی غایتده مشغول اولوب کریم و حلیم ایدی ترکی اشعاری و شرح مفتاح حکنه بعض
یرلرینه تخریراتی اولوب ضعف مزاجی اولغین تألیفه چالشمی (۲۰) پاشا چلبی ابن منلا زیکر بعده المدارس
ادرنه ده جفته نک برینه مدرس ایکن سلطان سلیم زماننده وفات ایتدی فاضل و ذکی و مدرسن اراسنده اشتهار
نامی اولوب و انر طلبه علی تکمیل ایتشدی (۲۱) منلا عبدالعزیز منلا ام ولدک اوغلور دیکار فضلادن
اوقیوب ادرنه ده دارالحدیقه حلیه قاضی بعده اماسیه به مفتی بعده فارغ اولوب بخش اچه وظیفه تعیین
اولوب طقوز یوزاللی حد و دنده وفات ایتدی جمیع علومدن حصه دار اولوب علوم عربیه ده و نظم قصائد
بلیغه عربیه ماهر ایدی (۲۲) منلا شیخ زاده محمد ابن الشیخ مصلح الدین قوجوی فضلادن اوقیوب خواجه
خیر الدین مدرسه سینه مدرس و شیخ محی الدین قوجوی به داماد اولوب بعده مدرسه دن فراغ و عزتی اختیار
ایدوب اون بش اچه وظیفه تعیین اولوب بودخی جو قدر دیر ایدی صحابه کرام سیرت لومر دفر دگاه و ولی الله
و غایتده فاضل و عابد و زاهد و درس و عبادتده مجتهد و مجاهد ایدی یازاردن مهماتی کند و بالذات الوب کتوروب
کسینه به کونورمه کونورم دی * مسجده تفسیر شریف نقل ایدوب مجلسنه وافر خلق مجتمع و مستمع و منتفع
اولور لردی تفسیر قاضی به غایت مفید بر حاشیه و متن و قایده به و مفتاحه و فرائض بر شرح یازمشدر قصیده
برده به دخی مسجع و مصنع بر شرح بی نظیر یازمشدر که عرفان تصوفی و علوم عربیه ده تصرفی اندن معلوم
اولور * کندودن هر ویدر که آیات قرآنک برنده شکام اولوب جناب حقه توجه ایتدیکمه قلم دنیا قدر واسع
اولوب ایچنده ایکی آی طوغار که انلر نه ایدوکنی یلزم بعده بر نور ظاهر اولور که لوح محفوظه دلیل اولغین
اول آیت کریمه نک معناسی آندن استخراج ایدرم دیوب طقوز یوزاللی برده وفات ایتدی (۲۳) شیخ عبد
الرحیم عباسی مصرده طوغوب تحصیل و تکمیل علوم شرعیه و عربیه ایدوب سلطان بایزید سلطان
غوریدن ایلی ایله بیل کلوب بخاری به یازدیغی شریح هدیه ایدوب مصر قحند نصکره رومه تکرار کلوب
اللی اچه وظیفه تعیین اولوب طقوز یوزالتش برده یوز یاشنه قریب وفات ایتدی * قصائد و اشعار عربیه
مصنعه و انشاء عربیه غایتده ماهر اولوب بیحد و لایع آثاری وارد * محصل کمال فضل و صلاح و غیره وجه
ارضه مانند مهر و ماه و برکه من برکات الله ایدی جله اشعار نندن بری بودر که (نظم) مالی اری احبابنا
فی الناس * صاروا کذلک حبائبا فی الکاس * صورترونک عند اول نظره * کالوالو المتناسق الاجناس *
واذا اعدت الطرف ثقلتمجد * شیتا و صار رخوهم للناس (۲۴) منلا بخشی خلیفه اماسیه ویدر رومه
اوقیوب بعده عربستانه واروب فضلادن اوقیوب رومه کاد کده تصوفه سلوک ایدوب ولایت واصل اولدی
تفسیر و فقه و جمیع علومده کامل و عابد و زاهد و واعظ و مدرس ایدی * اکثر تفاسیر حفظنده اولوب بوندن چوق
کسینه اوقیوب منتفع اولدی لر بعض نسبه ایچون لوح محفوظه بویه یازاش کوردم دیوب عینی واقع اولوردی
حضرت رسولی صلی الله علیه وسلم واقعه سننده غایت چوق کوروب بو خصوصه بر رساله یازمشدر طقوز یوز
اوقوز حد و دنده وفات ایتدی (۲۵) منلا محمد که منلا عرب دیر لردی جندی محمدن انطاکیه به کلوب
محمدانده طوغوب قرآن عظیمی و کنز و شاطی و بعض متونی دخی ابرایوب و عیلمی شیخ حسین و شیخ احمد دن
و پیرنندن اوقیوب بعده تبریزه واروب اوقیوب حلیه کاد کده درس و وعظ و فتویه چالشوب فضله مشهور
اولدی * بعده قدسده مجاور اولوب بعده حج ایدوب مصرده سیوطی و شعبیدن حدیثه مجاز و مصرده وعظ
و درس و فتوا ایله مشهور اولوب سلطان قایتبای بونی کتوروب بولاشوب وعظ ایتدیروب انک ایچون نهامیه
آدلو فقهده کاب یازوب قایتبای بو کاغایت محبت و رعایت ایدوب طقوز یوز اوچده قایتبای وفاتده بروسه به
بعده استانبوله کلوب محبوب القلوب اولوب وعظ و توفی متکرات ایدوب سلطان بایزید دخی میل ایدوب دائماً
جائزه لر کوندروب انک نامنه تصوفده و شمائل رسول علیه السلامه بر رکاب یازوب بعده پادشاهه بولاشوب

دعا آید بر وی متون سفر نه بیه کوفور و بقلعه به ایکنی از چینی کین بواولدی * بعد زمان عیالیه حلبه واروب
 امیر خیر بای بوندن اوقیوب جله خرجن کور و ب بعد رومه کلوب سلطان سلیمی قزلباشه غزایه تخریک و ثواب
 غزاده بر لطیف کلاب یازوب قزلباش سفر نه بیه کیدوب یولده عسکره وعظ ایدوب جنکده منلادعا ایدوب
 پادشاه آمین دیر ایدی * بعد روم ایانده بعض قصبه لره واروب امر معروف ونهی منکر ایتمکین چوق کسینه
 صلاحه کلوب اوسکو بده اون ییل طور و ب مجلسنده چوق کافر ایمانه کلوب سلطان سلیمانله دخی انکرو سه
 سفر ایدوب جنکده دعا ایدوب قبول اولدی * بعد بروسه به واروب طقوز یوز او توز سکرده وفات ایدی کندو
 صلبدن یوز مقداری اولادی اولدی علوم کثیره کتب و رسائل یازوب علم کیمیا ده کامل و مراده واصل
 اولمغین ایکی مسجد ایکی جامع بنا ایدی * ناصر دین ناشر شرع سمین اولوب صحابه کرام سیرتو ایدی مشاقبی
 شقایقه تحصیل اولمشدر (۲۹) منلا خیر الدین که معطوف دیر لری کار فضه لادن تحصیل و تکمیل عقایمات
 و تعلیمات ایدوب پادشاهه سرای خواجه سی بعده سکسان الحقه ایلد واعظ اولدی مشارقه شرح کشفه حاشیه
 و علم طیده بر کلاب و کلامه رساله لری از دی طقوز یوز قرق سکرده وفات ایدی (۳۰) منلا عبدالحمید
 قسطنمو ندر علمادن اوقیوب تصوفه سلوک ایتمکین او توز الحقه ایلد استانبولده واعظ اولدی مفسر و فاضل
 کامل و زاهد عامل ایدی طقوز یوز قرقده وفات ایدی (۳۱) منلا عیسی خلیفه بود دخی بعد تحصیل تصوفه
 سالک و او توز الحقه ایلد استانبولده واعظ اولوب وعظی غایتده مؤثر فاضل کامل و مفسر ایدی بعده سلطان محمد
 جامعینه خطیب نصب اولوب بعده فراغت ایدوب یینه واعظ اولدی (۳۲) منلا شیخ محیی الدین امام سیه وی
 واعظ و فاضل کامل و محدث و سالک و عامل اولوب محبوب القلوب مسلوب العیوب مستجاب الدعوه عزیز
 اولوب وعظی غایتده مؤثر ایدی (۳۳) منلا توفاتی فاضل کامل محقق و عالم ربانی محقق اولوب امام سیه ده
 مدرس و درس و عبادته مشغول ایدی سلطان سلیمان سلطنتک اواننده وفات ایدی (۳۴) منلا مصلح
 الدین امام سیه ده سلطان بایزید جامعینه حافظ کتب اولمغین حافظ کتب دیومیشم و رایدی علمادن اوقیوب
 بعده عربستانه واروب کار علماء عربدن اوقیوب بعد الحج رومه کلوب منلا فاضل زاده به دانشمند اولوب بعده
 تصوفه سلوک ایدوب امام سیه ده او توز و ب درس و فتوی و تعلیم قرآن مشغول ایدی جمیع علومده غایت کامل
 خصوصاً فقهده عظیم الممائل اولوب اون متنی جامع خزن الفقه ادلور بر لطیف متن و بالکتر عبا اتمه او توز جز
 و شرح یازدی * محصل هر حالده نادر الاشباه برکت من برکات الله ایدی (۳۵) منلا معید زاده امام سیه ویدر
 فاضل محقق کامل مدقق مستجاب الدعوه عزیز ایدی (۳۶) عبدالله خواجه اناطولیده قصبه کپریچکده
 ساکن اولوب فقهده و علوم عربیه ده ماهر و مشتمر اولمغین جله طالب علم البتیه اکاواروب او توز لری جله
 اوقاتن درس و عبادته صارف مستجاب الدعوه عارف ایدی (۳۷) منلا حیدر پیری خیالی چلبینک برادری
 ووالده سی محمد بن محمد شاه فاریک قزیز * بر مدرس ده معید ایدوب کن مصره واروب فضلاء عربدن علوم
 شرعیه تحصیل ایدوب رومه کلدکده بر وسیده سلطان اورخان متولایی اولدی فاضل کامل نادر و نظم
 و نثر عربیه غایت ماهر ایدی (فصل در کار ماهر مشایخ در زمان سلطان سلیم خان) (۱) شیخ نصوص
 طوسی عیوی عالم و صالح و شاعر و خوب خط و حافظ قرآن ایکن مشایخ زینیه دن شیخ تاج الدین قرمانی به مرید
 واصل مراد اولمغین شیخ صنی و فائده مسند ارشاده کجوب طقوز یوز بکرمی درنده وفات ایدی (۲) شیخ
 مصلح الدین بروسه ده امام ایکن هم مدرس هم قطب زمان اولان منلا الیاسه داماد واندن تحصیل
 مراد ایدوب لیب وادیب و مهیب و کرامات ظاهره مشهوره صاحب عزیز ایدی (۳) سوره زاده شیخ محمد
 واصل مراد و قوی الارشاد دائم الاستغراق اولوب مجلسنه کچه بعض کسینه کلدکده موی سوندروب ذکره
 مشغول اوقاتن بیور و ب امر یله عمل اولمشد قدّه الوان عیبه و اطوار غریبه ایلد دمام نیجه عظیم نور پیدایا
 اولوردی متبدیلده بویه حال اولمغی خدمتده مد او لرحالی قابل وصف اولماقدیر * بر کون مرید لری نه
 بکا انسالخ حاصل اولسه کر کدر اوج کوندن صکره بنده شیش علامتی کور و لورسه بنی دفن ایکن کور لری نه
 کند و حاله قولندوب دیدیکی زمانده کور دیر که حرکت و حسن و نفیدن قلوب اوج کوندن صکره
 بوقلا دقلزنده کو کسی بر مقدار شمشکین دفن اولندی (۴) شیخ بکلی محیی الدین قسطنمو ندر بر طابغه تکیه

باب آورده مرید لری ارشاد ایدردی عابد و زاهد و صاحب کرامات عزیز ایدی (۵) شیخ حاجی چلبی منلا سنان
 باشا و منلا خواجه زاده نک مقبول شاگرد لردن ایکن شیخ باوصی حضر تری نه مرید و تحصیل مراد ایدوب
 مزبورک تکیه سی شیخی اولوب وافر مرید لری ارشاد و تربیت ایدی علوم ظاهره و باطنه ده غایت ماهر اولوب
 صاحب کرامات علمیه ایدی مفتی شیخی افندی نک پدر بر طقوز یوز قرق درنده وفات ایدی (۶) شیخ بهاء الدین
 زاده محیی الدین کار فضه لادن اوقیوب بعده شیخ باوصی به مرید و تحصیل مراد و مجاز بالار شاد اولوب مرور
 زمانه شیخ تکیه سینه شیخ اولوب تربیت و ارشاد نام ایدردی ناطق بالحق جامع جمیع علوم ظاهره و باطنه اولوب
 دقایق تصوفه نیجه رساله یازمشدر * مفتی علی چلبی خسته اولد قدّه فتوی یازمغه بونی قائم مقام ایدی
 طقوز یوز لالی برده حجه کیدوب کلدکده قیصر به ده وفات ایدوب شیخ نک شیخی ابراهیم قیصری یاننده دفن
 اولندی (۷) شیخ مصلح الدین بعض علوی اوقیوب حاجی چلبی به مرید و تحصیل مراد و مجاز بالار شاد اولدی *
 آثار وجد و استغراق یوز زنده شاهده اولنوردی قدس شریفه کیدوب انده وفات ایدی (۸) شیخ معلم زاده
 جمیع علوم ظاهره ده کامل و حافظ قرآن حاجی چلبی به و شیخ وفایه مقارن اولوب شیخ نصوصدن مجاز بالار شاد
 واکا قائم مقام اولدی صاحب ریاضت و مجاهده اولوب قرق ییل ختله تراویح قیلدی (۹) شیخ عبدالنبی
 خلیفه حاجی چلبی به مرید و تحصیل مراد ایدوب انک وفاتندن صکره عزت و عبادته مداومت ایدی (۱۰)
 شیخ قره محیی الدین حاجی چلبی به مرید اولوب تحصیل مراد ایدی * عابد و زاهد و عارف اولوب بروسه ده وفات
 ایدی (۱۱) شیخ اطف الله حاجی چلبی به مرید و تحصیل مراد ایش زاهد و عابد اولوب بروسه ده امام ایدی
 (۱۲) شیخ امیر چلبی که اسمی علیدر شرح کفایه مؤلفی سید جلال الدین کرمانی نسلندن اولوب پدری
 بروسه ده امیر سلطان اوینده تربیت اولمشدی (۱۳) شیخ علی کار فضه لادن اوقیوب بروسه ده جزه نک
 مدرسی بعده او توز الحقه وظیفه ایلد متقاعد اولوب شیخ نصوصدن ارشاده مجاز اولوب اوصاف جمیده صاحبی
 ایدی (۱۴) شیخ خضر نک چلبی ابن منلا احمد پاشا ابن منلا خضر نک ابن جلال پدرندن تحصیل فضائل
 ایدکده انده بروسه ده مرادیه مدرسی اولوب فاضل دانشمند لری کلوب تکمیل علوم ایدوب بعده
 استانبولده امیر بخاری نقشبندی حضر تری نه مرید و تحصیل تصوف ایدی مهیب و متشرع و متواضع
 و محبوب القلوب و مسلوب العیوب اولوب اشراف انامدن و نوادر ایامدن ایدی طقوز یوز بکرمی اوچده
 وفات ایدی (۱۵) شیخ لامعی چلبی اسمی محمود در پیری دیوان عالیده دفتر دار ایدی تازه لکنده فضلادن
 اوقیوب تحصیل علوم و فضائل ایدوب بعده حضرت امیر بخاری نقشبندی به مرید و تحصیل مراد ایدوب
 او توز بش الحقه وظیفه ایلد بروسه ده متقاعد اولوب علم و عبادته مشغول اولدی ترکی وفار سی نظم و نثرده غایتده
 ماهر و مشتمر اولوب منظوم و منثور ترکی وافر کابریازوب جله سی مقبول خلق اولمشدر * بر کو بکده دیار
 رومک منلا جامی سید در دقایق تصوفه واقف مرید در عارف ایدی طقوز یوز او یوز بیده وفات ایدی (۱۶)
 شیخ سیدی خلیفه امام سیه ویدر شیخ حبیب خلفا سندن اولوب امام سیه ده انک زاویه سنده شیخ اولوب عابد
 و زاهد و عارف بالله قائم الدلیل و صائم النهار ایدی وفات ایدر کن جنده کی مقایم کوسر لکین نه کوزل
 مقام لرد نه کوزل حور یلدر بار بروجی تیزجه قبض ایدوب اولاشدر دیو تضرع ایدوب وفات ایدی
 (۱۷) شیخ عبداللطیف شیخ وفای طریقه تکیه سی شیخی اولوب احیانا جذبه ابرشیمکین نعره اوروب وافر
 اضطراب ایدردی (۱۸) شیخ حاجی رمضان قسطنمو ندر اولوب سلطان سلیمان ساظنتک اوانلنده وفات
 ایدی عالم عامل زاهد کامل اهل عزت عابد اقباه و دنیا ده برکت من برکات الله ایدی شیخ سوره زاده بونک
 خسته اکین کورمکه کلدکده بن یار بن اولورم حق تعالی بیوردیکه نمازی سن قیله سن دیوب عینی واقع
 اولدی (۱۹) شیخ سوخته سنان عالم و عارف و عابد صالح و زاهد و مرید ایدی استانبولده خلقدن عزت
 اوزره اولوب پادشاهک او اخرنده وفات ایدی (۲۰) شیخ محمد بدخشانی قرآن عظیمی همان سوره و العادیه ده
 اوقیوب حاله کسبه به احتیاجم یوقدر دیدی * پادشاه شامی فتح ایدکده شیخه واروب بری بر لری تعظیما
 فتح کلام ایتمیوب سکوتله آیرلوب ایکنی و ارشاده شیخ پادشاهه ایکنی زدی الله قولار یوز همان فرق بودر که سنک
 ارفه لخلق یوکندن آغر بتم ارفه خفیه درسی ایلد که خلعتک متاعلین ضایع ایتیه سن دیدی طقوز یوز

بکر می آید و وفات آید * جعل الله الجنة مأواهم وملا بالنور متقلبهم ومثواهم
(باب عاشم در احوال سلطان سلیمان خان غازی)

ابن سلیم خان ابن بایزید خان ابن محمد خان ابن مراد خان ابن چای سلطان محمد خان ابن یلدرم بایزید خان ابن غازی مراد خان ابن اورخان خان ابن عثمان خان علیم الرحمة والغفران (نظم) شه صاحب قران سلطان سلیمان خان عادل دل * وجود پاکه پر نور در صان عالمه نازل (نثر) ولادتش فی سنه ۹۰۰ جلوسش فی سنه ۹۱۸ شوال سنه ۹۲۶ وفاتش در غزای جنت جزائی شهر صفر سنه ۹۷۴ مدت عمرش سنه ۷۴ مدت سلطنتش سنه ۴۷ شهر ۴ جدی سلطان بایزید زمانده سنجابی ولایت کفه پدیری زمانده ولایت مغنیا و صارخان ایدی (فصل در اولاد مر حوم پادشاه) (۱) سلطان مصطفی ولادتش فی سنه ۹۲۱ سنجابی اما سیه ایدی عصیان احتمالی و بر یکین سنه ۹۶۰ ده پادشاه حلبه کیدر کن چاغردلوب پوله بوغدرلوب مینی بروسه به کوندردلیکی اشاغیده کلور (۲) سلطان مراد (۳) سلطان محمود بویکینک وفاتی فی سنه طقوز یوز بکر می ایدی * سلطان سلیم تربه سنده مدفوندر (۴) سلطان محمد ولادتش فی سنه ۹۲۸ پادشاهک غایتده سوکلوسی اولوب تخیف بدن ایدی وفاتش در مغنیا فی سنه ۹۵۰ مینی استانبوله کتورلوب روحی ایچون تربه و جامع و مدرسه یاپدی (۵) سلطان سلیم خان ولادتش فی سنه ۹۲۹ سنجابی مغنیا ایدی پدیری برینه سلطنت بویکامیر اولندر (۶) سلطان عبدالله وفاتش فی سنه طقوز یوز اوونوزایکی (۷) سلطان بایزید ولادتش فی سنه ۹۳۴ برادری سلطان سلیم ایل محاربه سی و صینوب عجمه قاجوب انده بوغدرلدیغی اشاغیده کلور فی سنه ۹۶۹ سیوانده مدفوندر (۸) سلطان جهانگیر ولادتش فی سنه ۹۳۷ کوچک ایکن الدن دوشمکین اوقه سی کوزایدی وفاتش در حلب فی سنه ۹۶۱ تاریخ سورختان سلطان مصطفی و سلطان محمد و سلطان سلیم و بایزید فی سنه ۹۳۷ تاریخ وفات مر حومه سلطان والده پادشاه فی سنه ۹۴۰ تاریخ سورختان سلطان بایزید و سلطان جهانگیر فی سنه ۹۴۲ وفات مر حومه خاصکی سلطان والده سلطان محمد و سلیم و بایزید فی سنه ۹۶۵ استانبوله بر جامع وایکی مدرسه و عمارت و دارالشفایا پدیروب صاحبه الخیرات محبة العلماء و الصالحا ایدی (فصل در وزراء مر حوم پادشاه) (۱) پیری پاشا که اسمی محمد اولوب تفصیل حالی یو فاروده یکم در سابقه دخی وزیر اعظم اولغین جلوسده ابقا اولوب اوج ییلدنصکره عزل اولوب برینه ابراهیم پاشا اولدی (۲) مصطفی پاشا قصبه ککبوزه ده مدفوندر آند جامع و مدرسه و عمارتی وارددر سابقا وزیر اولغین جلوسده ابقا اولوب طقوز ییلدنصکره عزل اولندی (۳) فرهاد پاشا سابقا وزیر اولغین جلوسده ابقا اولوب بعد زمان عزل اولوب سمندر سنجابی ویرلوب بعده ادر نه ده غضب پادشاه ایل قتل اولندی (۴) قوجه قاسم پاشا پادشاهک سنجاقده دقترداری اولوب جلوسده وزیر اولدی (۵) احمد پاشا روم ایل بکار بکیلکندن وزیر اولوب مصر محافظه سنه کوندردلوب آنده خاثر اولغین طقوز یوزده قتل اولندی (۶) ابراهیم پاشا حرم پادشاهیده اوده باشی ایکن پیری پاشا برینه دفعه وزیر اعظم اولوب اون اوج ییلدنصکره طقوز یوز قرق ایکیده غضب پادشاه ایل قتل اولندی (۷) ایاس پاشا وزیر ایکن ابراهیم پاشا برینه وزیر اعظم اولدی (۸) کوزلجه قاسم پاشا وزیر ایکن عزل اولندی استانبوله قارشو بقاده جامع و مدرسه یاپندر (۹) بلاق مصطفی پاشا (۱۰) سلیمان پاشا وزارت ویرلوب بدون حفظه قوندی (۱۱) لطفی پاشا ایاس پاشا برینه وزیر اعظم اولدی بعده عزل اولوب طقوز یوز قرق ایکیده وفات ایدی (۱۲) حاجی محمد پاشا که صوفی محمد پاشا دخی دیرردی وزارتدن عزل اولوب بدون حفظه کوندردلوب آنده وفات ایدی (۱۳) خادم سلیمان پاشا لطفی پاشا برینه وزیر اعظم اولوب بعد زمان عزل اولوب طقوز یوز قرق بیدیده وفات ایدی (۱۴) رستم پاشا سلیمان پاشا برینه وزیر اعظم اولوب پادشاهک دامادی ایدی عزل بعده بنه نصب اولوب طقوز یوز غش سکرده وفات ایدی (۱۵) خسرو پاشا وزیر ایکن عزل اولوب وفات ایدی (۱۶) ابراهیم پاشا عزل اولوب استانبوله وفات ایدی (۱۷) احمد پاشا رستم پاشا عزله وزیر اعظم اولوب بعده عزل و غضب پادشاه ایل قتل اولوب بنه رستم پاشا نصب اولندی (۱۸) خادم حیدر پاشا حرم پادشاهیدن وزراتله جیوق بعد زمان روم ایلده سنجاق ویرلوب وفات ایدی استانبوله مدرسه سی وارددر (۱۹) مصطفی پاشا وزیر اعظم اولدی قسطنطینی پادشاهی

اسفندیار نسلندندر (۲۰) علی پاشا وزیر اعظم اولدی (۲۱) محمد پاشا وزیر اعظم اولوب چاق سلطان مراد خان ابن سلطان سلیم ابن سلطان سلیمان زمانده بردیوانه اکندود یوانده بیجاغله کوکسنه اوروب شهید ایدی (۲۲) پرو پاشا سلطان سلیم زمانده وفات ایدی (۲۳) فرهاد پاشا سلطان سلیم زمانده عزل اولوب سلطان مراد زمانده عدولری طرفدن زهریدرلوب وفات ایدی (۲۴) احمد پاشا سلطان مراد زمانده وزیر اعظم اولوب بیده وفات ایدی (فصل مر حوم پادشاه زمانده انواع طریقه فتح اوانان قلعه لر بونلدر که) قلعه بکوره لی در روم ایل و قلعه زمین و قلعه ارسلانغزه و قلعه قونیک و قلعه ارشوه و بعض قلاع ولایت آنکروس * و قلعه بلغراد و قلعه رودس و قلعه استانکوی و قلعه بودرم و قلعه لیدوس و قلعه سویونک و قلعه هر وار دین و قلعه اوسک و قلعه ایلوق و قلعه اوسک تکرار و قلعه صوبین و قلعه دنلواز و قلعه واردار و قلعه راحه و قلعه انمورچه و قلعه رخاص و قلعه ترخه و قلعه نوکای و نیجه قلعه لر دخی و قلعه بدون و قلعه پشته و قلعه سکدین و قلعه باجنه و قلعه سل و قلعه ماح و قلعه بسو و قلعه سینا و قلعه یانقا و قلعه برلکه و قلعه قنی و قلعه ملک خاص و نیجه قلعه لر دخی و قلعه بدون تکرار و قلعه شاق حصاری و قلعه کسل و قلعه قیونی و قلعه بایروجه و قلعه سالوار و قلعه بزرجه و قلعه درافات و قلعه بلسکر و قلعه قندوار و قلعه شوریل و قلعه ییونداق و نیجه قلعه لر دخی و قلعه قرون و قلعه اخلاط در ولایت ارمن در اناتولی و قلعه عادلواز و قلعه اختمان و قلعه سلطان و قلعه ارجیش و قلعه اونیک و قلعه شهر بغداد و قلعه شهر بان و قلعه هارونیه و قلعه دوداق و قلعه کرکول و قلعه شهر حله و ضبط ولایت کردستان و ولایت کاهورستان و ولایت مشعشع و ولایت جزایر در قرب بصره و جزیره واسط و قلعه سجاوه در میان ولایت قره بغداد در روم ایل و قلعه وشوه و قلعه والهوه و قلعه شقلاوش و قلعه یجوی و قلعه اوسترخون و قلعه مساور و قلعه بابی و قلعه ناتا و قلعه استوانین بلغراد و ولایت بصره و جزایر واسط در اناتولی و قلعه وان و قلعه طمشوار در روم ایل و قلعه بارقان و طقوز عدد قلعه دخی و قلعه سکتوار و قلعه کوله (فصل در میان غزوات و فتوحات و امور و نظم در زمان مر حوم پادشاه) (قصه) مر حوم سلطان سلیم خان عربستان فی فتح ایلد کده طائفه جراحه دن شامه بکار بکی نصب ایدی بکی جانبردی غزالی حاله ککر جمع ایدوب ولایت شامده دعوی استقلال ایتمکین وزیر فرهاد پاشا و افرع سکرله کوندردلوب غایت تفصیله محتاج محاربات و امور ظهورند نصکره طقوز یوز بکر می ایدی صفر نده جانبردی و توابعی علف شیر شمشیر و هدف نیزه و تیر اولایلر (سفر اول و فتوحات سلطان بی بدل) پادشاه سدادنم ادر شاد ایتد ابقا بالاباه و الاجداد اقامت سنت جهاد مراد نواز لری اولغین جنودنا سجد و نیجاعت نمودله طقوز یوز بکر می بیدیده استانبولدن ولایت آنکروس مخصوصه توجه ایدوب بکوره لی زمین ارسلانغزه قونیک ابرشونام قلعه لر و نیجه قلاع دخی فتح اولندی و اکتیبلر طائفه سی ولایت آنکروس و ولایت خروانه دلقین ایدوب بی حد اسیر و مال کثیر کوردیلر و قلعه بلغراد سکیز بنیاده پادشاه واروب عسکرله قوشادوب طو یلر قورلوب دوکوب (نظم) زلزله الساعة شی عظیم * سمرنی فهم ایلدی عقل سلیم (نثر) غایتده صعب و حسیرة الملوك ایکن بعون الله ذی المنزله و اخر رمضانده فتح اولندی مر حوم سلطان محمد خان بالذات واروب آکن قشعی و سیر اولدین یو فاروده یکم سندر (امور) اولامین ولایتنه اسکندر نام فاسد و فسد مستولی اولوب یاننده اولان آدم لری اتی قتل ایدوب سرشقا افسری پادشاهه کتورلوب باعون ملک ذی المنزله دیرمین عین طالع سلطان ذوالخلق الحسن ایلد مالک سنیة عثمانیه دن اولدی فی سنه طقوز یوز بکر می ایدی و کوچک شهر زاده لردن ساطار مراد بیده سلطان محمودک وفاتلری خبر لری پادشاه یوله ایکن کادی (سفر ثانی و فتوحات) طقوز یوز بکر می سکرده پادشاه جمعه بالذات غزایه کتمک ایچون ماه رجیده اسکداره کچوب قونوب عسکر جمع اولدقده دونما ایلد در بادن کیدوب اوائل رمضانده جزیره رودسه واروب طو یلر قورلوب غایتده صعب اولغین بر قایق آی دوکوب شکم چاشوب عاقبت ماه صفرده یورش ایلد فتح اولندی قارشو بقاده قلعه استانکوی و قلعه بودرم و قلعه رودس و قلعه سویونک دخی فتح اولدی (امور) اولو ولایت البستان حاکی ذوالقدرلو شهر واروغلی علی بک پادشاهه ظاهر اطاعت باطنا خیانت اوزره اولغین فرهاد پاشا عسکر ایلد غیری

بره کوند رملک نامیده کیدوب قدیدن ایکسی آخرت قزنداش اولغین علی بکی پاشا خسته لک بهانه سیدله
ارتق آباده کتوردوب بر قاج اوغلار یله یوغوب باشلرین کسوپ پادشاهه کوندردی فی سنه طقوز یوز یکریمی
طقوز (۲) مصرده ولایت شرقیه کاشفی جانم نام جرکس و بحیره کاشفی ایصال نام ناکس طائفه جراکسه
ابالسه ایله اتقان ایدوب مصره مستولی اولغه باش قالد رمق دیلد کارند مصر محافظه سنده کی مصطفی
پاشا انده اولان پادشاه قوللرین کوندروب محکم صواشوب عاصیلرک باشلری کسدی فی سنه طقوز یوز
یکرمی طقوز (۳) وزیر اجد پاشا مصر محافظه سنده کوندردلده عاصی اولغین باشی کسلوب پادشاهه
کوندردی (۴) شاه اسماعیلدن پادشاهه تهنیت جلوس ایچون نامه وهدایا ایله ایچی کادی (۵) وزیر اعظم
ابراهیم پاشا در یادن کیدلره مصر محافظه سنده کوندردی (۶) شاه اسماعیل وفات ایدوب برینه اوغلی شاه
طهماسب عجم شاهی اولدی دیوسر حد بکارندن خبر کادی * بوجله امور طقوز یوز از تو زده ظهور ایددی
(سفر ثالث و فتوحات و بعض امور) (۱) پادشاه ینه انکروسه غزا ایچون طقوز یوز او تو زایکی رجبنده
عسکر عظیمه استانبولدن کوچدی (۲) سلیمان رئیس یکریمی پاره قادر غه ایله مصر در یاسندن عین ولایتده
کوندردی (۳) فتح قلعه پروادی فی شهر شوال (۴) فتح قلعه و سک غایت و سیمع و رفیع اولوب جنگ عظیم
وبعد امانه فتح اولندی (۵) قلعه ایلق نمر تو نا کارنده خندق عمیق بر عظیم حصار اولوب محاربه ایله فتح
اولندی فی شهر شوال (۶) قلعه اوسک دخی صعب حصار اولوب محاربه ایله فتح اولندی (۷) نمر صاوه اوستنده
کیدلره کور و یو بلغین بدون طرفنه عسکر کچوردی فی شهر ذی القعدة (۸) قلعه صوبین و قلعه دلتواز و قلعه
وردار و قلعه راحه و قلعه افورچه و قلعه رخاص و قلعه ترخه و قلعه نوکای و دخی نیجه قلعه لرجه سی
ماه ذی القعدة فتح اولندی (۹) بحر ای مهاجده سلطان شجاعت مزاج قرال پراعوجاج ایله بوشوب
حد و صفدن بیرون علامات قیامت غون ایله حرب عظیم و ضرب عیم و کرب الیم اولوب عاقبت اظرب
عزت ایله کافر صیوب قیرلوب مهاکه اولان معرکه جوی خون و کشته لرله مشحون اولوب قرال بد حال
مجرور اولوب قاجوب کیدرکن آمدن دوشوب بر بناده قلوب هلاک اولدی (۱۰) اعظم مداین و تختگاه
انکروس اولان شهر بدون که دیده کردون و کوش قرون نظیرین کور و صیوب و ایشتیوب حسره الملوك
و عسیره السلوک ایددی * شاه و سپاه متوکلا علی الله اکاواروب محاصره ایدد کارنده ماه ذی الحجه و انده قلعه نک
جنگجیلری و قنچجیلری قاجوب ساخر خلق شهر تیغ و کفن در کردن امان دیونهر زن قلعه مفتاحن کنوروب
عقب پادشاهه مظهر اولدیله * بدون مقابله سنده اولان قلعه پشته دخی فتح اولندی (۱۱) ماه مز بورده
سکدن و باجنه وسل و ماچ و یسو و سینا و ایتا و پر لکه و قنی و ملان خاص و دخی نیجه قلعه لر فتح اولندی (امور)
اولا پادشاهه سفر دن کورکن ذوالقدر لوطا فقه سندن سوکلان اوغلی و آتجه نام مقصد لر خورج ایدوب قزلباشه
قاجوب کیدرکن بکر یتشوب جمعیله لرین طاغدوب توابعی قتل ایدد کار کی خبری کادی (۲) کوچک شهر زاده
سلطان عبدالهک وفاتی خبری بعده شهر زاده سلطان بایزید لوطوغدینی خبری پادشاهه یولده ایکن کادی (۳)
ذوالنون اوغلی نام کسه ذوالقدر لودن نیجه اشقیایی جمع ایدوب مملکت عثمانیه ده خبی فساد ایتمکین روم
ایلی بکر بکیسی کوندردلده کده یتشوب باسین اوه سنده قتل ایددی فی سنه طقوز یوز او تو ز اوج (۴) حاجی
بکتاش اوغلی قلندر شاه نام شقی خروج ایتمکین قیو قوللر یله ابراهیم پاشا کوندردلده یتشوب باشن کسدیلر
فی السنه المزبوره (سفر رابع و بعض امور) (۱) نجه والامان قرالی بدوی کلوب المغینانی تکرار فتح ایچون
پادشاه انجم سپاه ماه رمضان اولنده استانبولدن چیقوب مهاج اوه سنده وارد دده ولایت اردل بانی بانوش
قرال کلوب ال اوپوب فتح اولسان ولایت انکروس کافر لرینک مسلمانلره عدم استیناسلری احساس اولغین
انکروس قرالنی خراج ویرمک شرطیله مز بور بانوشه ویرلدی * بعده پادشاه بدونه واروب عظیم جنگه فتح
ایندی فی رابع محرم سنه طقوز یوز او تو ز الی (۲) قلعه بنای حصار دی دخی بو آید فتح اولندی (۳) ینه بو آید
پادشاه نجه والامان و انکروس قرال لرینک قدیمی تختگاهلری اولان بیج شهر نه واروب قرال سابقا قاجوب
پادشاه بیج حصارین اوزن بش کون محاصره ایدوب قلعه خلقله لیل و نهار صواشوب عاقبت کفار نجه والامان
الامان دیو فغان ایتمکین امان احسان ایدوب بلاد اسلامیه یبعید اواغله فتح و ضبطنه مقید و لماعین یا خود

قیس زمانی کلوب فتحی دور و دراز محاصره به محتاج اولغین فراغت و اطرافی کایا غارت اولوب مال و منال
واطفال و عیال کفار پر ضلال النوب شدت شتا اقتضاسیله دونلوب استانبوله کلندی (امور) اول
شهر زاده لردن سلطان مصطفی و سلطان محمد و سلطان سلیم سنت اولنوب عظیم دوکون اولدی فی سنه طقوز
یوز او تو زیدی (۲) شهر زاده سلطان جهانگیر وجوده کادی فی السنه المزبوره (۳) اولامه پاشا قزلباشدن
قاجوب پادشاهه کلوب ال اویدی فی السنه المزبوره (سفر خامس و فتوحات و بعض امور) (۱) ینه انکروسه
غزا ایچون پادشاه انجم سپاه طقوز یوز او تو ز سکز رمضان اوامطنده استانبولدن چیقه دی (۲) مقدمه ساسکسان
پاره قدر غه ایله قیودان دریا محافظه سنده کوندردی (۳) بتلیس حاکمی شرف بک عصیان ایدوب قزلباشه
منفق اولغین بکر بکلیکی اولامه پاشایه ویرلدی (۴) قلعه کسل خندقن عسکر اودون ایله طولدر مغین
ایچنده اولان کفار امان دیلد کلزنده پادشاه امان و یروپ قلعه بی ضبط ایددی فی اوائل شهر محرم (۵)
بود فعه ده قلعه قیون و قلعه بایروجه و قلعه سلوار و قلعه بزرخجه و قلعه درافات و قلعه بلسکر و قلعه وار و قلعه
شوریل و قلعه پیوندق و دخی نیجه قلعه لر خلق اطاعت ایتمکین اشبو قلاعلک جمله سی ضبط اولندی (۶)
الامان و نجه و خروات ولایت لر ینه اقتضیلر کوندردلکین عظیم شهر لرین و قصبه لرین و کوی لرین یاقوب یعقوب وافر
اسیر و مال کثیر ایله کادیلر (۷) نجه والامان قرال لرین یولده ایچیلر کلوب اوج یله ذلک صلح اولغه تضرع نامه لر
کتور مکین پادشاهه وعده بیوروب سعادتله استانبوله کادی (۸) قرنک کافر لر کیلره موریه چیقه قوب
قرون قلعه سین الوب ضبط ایدد کار کی ایشیدلکین برو جردن عسکر لر کوندروب فتح ایددیلر فی سنه طقوز یوز
قرق (۹) سابقا عاصی اولوب بجان شرف بک بتلیس بکر بکیسی اولامه پاشا اوزر ینه وافر قزلباشه کلوب
محکم صواشود شرف تلف و شیر شمشیره علف اولوب توابعیله باشلری کسلوب درگاهه معلایه کادی (۱۰) (ع)
ایچنین باشد همیشه دشمن عثمانیان (سفر سادس و فتوحات و امور عظیمه) (۱) پادشاه جمعه ماه مجاهد
فی سبیل الله استغفار رضا اله جل علاه ایله شاه کراه ضلالت پناه اوزر ینه طقوز یوز قرق او اخرنده استانبولدن
چقدی (۲) وزیر اعظم ابراهیم پاشا بعض عسکرله حلبده قشلاق ایچون مقدم کوندردلدی (۳) رئیس
خیرالدین بک که دیار مغریده جزایر ولایتک پادشاهی ایدی یکریمی پاره کیدلره کلوب پادشاهه قول اولغین ینه
ولایتی کندویه بکر بکیلیک ویرلدی (۴) ابراهیم پاشا حلبدن کوچوب تبریزه واریجه قزلباشه تابع اخلاط
و عادلجواز و اختمان و سلطان و اراجیش و اوینک قلعه لرینک خلقی مفتاحلرین کتوروب پاشایه تسلیم ایددیلر
(۵) خیرالدین پاشا یوز پاره قدر غه ایله دریا محافظه سنده کوندردی (۶) ابراهیم پاشا یلاق اوجانه وارد دده
کیدلر پادشاهی مظفر خان بش بیک عسکرله پادشاهه اطاعت ایچون پاشایه بولندی (۷) پادشاه دخی اوغله
کلوب پاشا ایله عسکر قارشو واروب شاه طهماسب خراساندن سلطانیه شهر ینه کادیکی ایشیدلکین ماه ربیع
الآخر غه سنده پادشاه آتک اوزر ینه یوروب سلطانیه به و قصبه اهره وارد دده شاهک اولو خانلرندن ذوالقدر
اوغلی محمد خان بیک عدد مقداری آدمه قزلباشدن قاجوب پادشاهه کادی (۸) شاه نابکار خول و اربابعلیه
طاغدن طاغره فرار ایدوب نام و نشانی عیسان اولدی (نظم) مکتفیدر که پنجه اوره شیرله شغال * قابلدیر
مقابل اوله برله غزال * خصوصاً که پدری شاه اسماعیل کند و اولادنه عثمانیانه قارشو طوروب جنگ
اولغمه لعنتنامه یازمیشدی * لعنة الله علیهم اجمعین (فتوح و بعض امور) (۱) شاهک مکانی معلوم
اولیوب شتازمانی ایرشیمکین پادشاه بغداده توجه ایددکه قزلباش طرفدن حاکمی اولان محمد خان
توابعیله قاجوب اهل بغداد قارشو کلوب مطیع اولوب پادشاه طقوز یوز قرق برجادی الاولی سنده کلوب
چادرلره قونوب شهر بان و هارونیه و دادوق و کرکول و شهر حله قلعه لر دی دخی ضبط اولندی * و ایراق و یقین
جمع مزارات میسار کدی پادشاه زیارت ایدوب حضرت امام اعظم مزاری اوستنه برقیه بایدروب بغدادده
قشلا دی (۲) وکیل خراسان اولان غازی قزلباشدن قاجوب پادشاهه کادی (۳) کردستان و کاه و رستان
و ولایت مشمشع و بصره قزلبنده ولایت جزایر و جزیره واسط مسخر و مضبوط اولدی (۴) قلعه و انده
اولان پاشایی بعض قزلباشلر محاصره ایتمکین پادشاهه اوطرفه توجه ایددی (۵) امراء اکراددن سوران
حاکمی عزالدین شیر شاهه مکتوب کوندردلکین دیوان عالیده بوخی اوولدی (۶) پادشاه یولده ایکن شاهدن

و تاجلو خاندان ایلچیلر کلدی (۸) پادشاه طقوز یوز قرق ایکی محرمی غره سنده شهر تبریزه قونوب شاه ایشته کده
 طاعن طاعه قاجوب پادشاه جمعیاه آنک اردنجه ایانغاره عسکر کوندروب کوه و صحرای ارای ارای
 عاجر قلوب و لایله یی غارت ایدوب کلدیلر (۸) پوله پادشاهه رجاء صلح ایچون شاهدن تکرار ایلی کلمکین
 پادشاه عالمناه (نظم) بدولت روان شد سوی تخت روم * رهاس کرد ایران ویران به بوم (غضب)
 ماه رجیده استانبوله داخل اولوب رمضانک یکریمی التیسنده تفصیله محتاج مواد سابقه اقتضاسیله وزیر
 اعظمی وغایتده مقبول و مکرری اولان ابراهیم پاشایی کیجه سراینه چاغروب بعد الصبحه او یورکن
 بوغازلندردی (نظم) خطر هاست در کار شاهان بسی * که پادشاه خویشی ندارد کسی (لحظه) قرب
 الملوك کمل النار فی الضرر * لم یجل ذلک عن احراق وعن شرر (سفر سابع و بعض امور) (۱) پادشاه
 عالمناه اولونه قارشو سنده کار دیر یاده و جزیره لده قری و قلاع کفار فرنگ غارت ایچون استانبولدن عسکرله
 چیقوب وزیر طای پاشایله فابودان خیر الدین پاشا دخی نیجه بیک عسکرله اسپانیه به تابع جزیره یولیه غارتنه
 دوغمالیه کوندردی فی سنه طقوز یوز قرق درت (۲) پادشاه اولونه به وارد قده اولونه طای طاعیلر طوری
 و یاغیلر تاغی اولغین آنده اولان طائمه ارناود عنود مملکت خلقنه تعدی ایتمکین اوزر لینه عسکر کوندروب
 حقلرندن کلدیلر (۳) دوغمالویه به وارد قده او تودرت پاره قلعهری فتح اولوب لکن دریا ایچینده اولمغله
 ضبطلری عسیر اولغین یاقوب یاقوب جله خلقی و قریه لری خفتی کینی مقبول کینی اسیر مغلول ایدوب
 غازیلر مال کثیر و وافر اسیرله دوندیلر (۴) طوائف فرنگدن و ندیک کافری قدیمدن پادشاهه مطیع ایکن حالا
 دوغمالیه ضرر قصد ایتمکین جزیره ده اولان کورفوز نام قلععه سنی دوغمالی قوشادوب صواشوب
 واروشی الوب دیوارلرین یاقوب ورا کسه و کفالویه جزیره سنده اوچیوز پاره قریه لری غارت ایدوب
 طایوم اولدیلر فی شهر ریح الاخر سنه طقوز یوز قرق درت (۵) پادشاه سفردن دوغمالیه استانبوله کلدی فی سنه
 قرق بش (سفر ثامن) ولایت قره بغداد بانی خراجکزار ایکن ملوک فرنگ والامان اتقانلرله ممالک
 اسلامیه به ضرر قصد ایتمکین مقرر اولغین قرق بش ربع الاخرنده پادشاه جمعیاه عسکر طفر اثرایله واروب
 تختگاه بغداد اولان قلععه سجاوه یی فتح ایدوب عسکر کفار بنده ادا جناد ملانک امداد انجم اعداده طاقت
 کتور میوب بکری قاجوب ولایت خلقینک اعیانی پادشاهه تذلل ایدوب کندولره حاکم نصبین رجاء تمکین
 ایچلرندن برلک زاده و یوده نصب اولوب هر ییل خراجلرین کوندرمکه متعهد اولدیلر بعده پادشاه دوغمالیه
 استانبوله کلدی (امور) اولاسلیان پاشا مصره کوندربولب مصردن دوغمالیه بحر عمانه کندی فی سنه
 قرق بش (۲) خیر الدین پاشا سنه مزبورده استانبولدن دوغمالیه چیقوب اندوره نام فرنگ قبودانیه بواشوب
 عظیم جنگ اولوب جوق آدم لره لاله اولدی (۳) مزبور اندوره کلدیلر بخار کن پوله نوه قلععه سین الوب طویلر
 و جنگی کافر قودوغنی خیر الدین پاشا ایتمکین واروب قلععه یی فتح و کافر لری قتل عام ایتدی فی سنه قرق
 الی (۴) پادشاه عالمناه سلطان بایزید الیه سلطان جهانگیری سنت ایدوب عظیم دوکون ایتدی فی سنه
 قرق الی (سفر تاسع) سابقا پادشاه ولایت انکروسی فتح ایتدکده قرالغنی اردل بانی بانوش قرالوروب
 بانوش وفاتده اوغلی استغان و یوده به ویرمندی سنه طقوز یوز قرق سکزده بیج قرالی فرزندوش بدونی
 المانیچون وافر عسکر کوندروب طویلر قورلوب قلععه یی دوکد کیری ایشیدلمکین پادشاه جمعیاه او طرفه
 عزم ایدوب مقدم وزیر محمد پاشا عسکر الیه وارغین کافرلر جنگندن ال چکوب عسکرلرینک اطرافنه خندق
 قازوب عربلرین اوکرینه دیزوب بری برینه زنجیره باغلیوب ایچنه کیروب آتی کندولره قلععه ایتدیلر که
 کافرجه بوکاسطوبوردرلر بر قاج کون مسلمانلره آنک ایچندن جنگ ایتدیلر عاقبت فتح اولوب بیچدولا بعد
 کافر قیلدی و یوسقده قلععه و شوه فتح اولوب بعده پادشاه استانبوله کلدی (سفر عاشور و فتوحات عظیمه)
 پادشاه جمعیاه بیج قرالنه تابع بعض قلاع فتحی ایچون سنه طقوز یوز لایله عسکر مظفرله استانبولدن چیقوب
 سرحد و وارد قده (۱) قلععه والیه فتح اولدی (۲) قلععه شقلاوش فتح اولدیکه کوه وارضعب و فخی دشوار
 بر حصار رفیع الجدار ایدی (۳) قلععه یجوری فتح اولدیکه معتدل هوا و صحرای فرح فز و ترح زده بیا اولوب
 جله اطراف باغ و دریا و محل صفایامن و فراغدر (۴) قلععه استورغون فتح اولدیکه روی زمینده کا بکر

حصن حصین و قلعه متین اولوب جداری غایت رفیع و خندق عمیق و وسیع ایدی قوا بعلیه ضبط اولوب
 محافظه سیچون یکجیری و دزدان و سنجاق بکی و قاضی نصب اولندی (۵) قلععه و سقراد (۶) قلععه مساوار (۷)
 قلععه بابی (۸) قلععه نانا فتح اولندی (۹) قلععه استولین بلغراد دخی فتح اولد بکه درکات جمیم کبی هوا سی و خیم
 صحرای محنت فرامی تنک و تاریک راه ناهمواری دراز و باریک اولغین قدماء ملوک کفار علیهم اللعنه و اهم
 سوء الدار و فوات ایتدکونده جیفه کثیفه لینه مدفن و اعدا طفرندن مامن اولدی ایچون غایتده مشید و معهد
 و مهمات حفظی مؤکد و مستدد ایتملردی بعون الله وجه اهل الیه فتحی محصل اولوب محافظه سنه
 بک و قاضی و مستحقظلر و یراق و مهمات قونوب جله کوبلری ضبط اولندی (نظم) از تیغ او بیجای صلیب
 و کلبه یا * در دار کفر مسجد و محراب و منبر است * آنجا که بود نوره و فریاد مشرکان * اکنون خروش
 نعره الله اکبر است (امور) اولا پادشاهک غایت سوکاو اوغلی سلطان محمد مغنی ساده وفات ایدوب
 جنازه سی استانبوله کتورلوب بعد زمان تر به و جامع و مدرسه یالیدی (۲) خبر وفات شهزاده یی پادشاه
 ایشته کده استانبوله کلدی (۳) بغداد بکر یکدیسی عسکر به کیدوب بصره یی و جزایری و واسطی فتح ایتدی
 خبری کلدی فی سنه طقوز یوز لالی اوج (۴) قزلباش شاه طهماسبک برادری القاس میرزا هدایت حقله
 سنی و مسلمان اولغین قاجوب دمور قبودن و دیار چرکس و تاناردن قلععه کفغه به کی الیه استانبوله کلوب
 پادشاهه قول و رعایتله مقبول اولدی فی سنه طقوز یوز لالی درت (سفر حادی عشر) پادشاه مظفر کروفر
 و عسکر او فرایله الی بش صغرنده دیار بحمه سفر ایدوب القاس یله کیدوب تبریزه وارد قده شاه طهماسب
 زیناس التباس بر خوف و هراس اولغین مانند جانور شکار اختیار فرار ایدوب نام و نشانی آشکار اولدی
 (نظم) ذره نک حدی دکل خورشید رخشان الیه بحث * قطره نک نه قدرتی وار که اید عیالیه بحث (نثر)
 لاجرم سلطان انجم حشم تبریزه بر قاج کون اقامتد نکره استانبوله دوغمالیه قلععه و ان سابقا فتح اولوب
 بعده بنه قزلباش آشدی حقیقه اول حصار معظم کید فتح دیار بحم اولغین اوزر بینه وارلوب طویلرله
 دوکد کده قلععه خلقی امان دیو فریاد زان اولد قلدنده عفو اولغین جله سی چیقوب کیدوب پادشاه قلععه به
 عسکرله بکر بکی قوبوب محکم حفظ ایتدیروب بعده القاس میرزایه عسکر قوشلوب بغدادده قشلاوب زمان
 فرستده قزلباشی شاهک ولایتی غارت امر اولغین قدیمدن تختگاه یی تبریز اولان ولایت آذربایجان و واروب
 اکبر برلرین یاقوب یاقوب حتی برادری سام میرزانک بارخانه سنه ایرشوب اسپان غارت و عیالنه
 اهانت ایتدی قیش زمانی کلکین پادشاه حلبه کلدی (فتوح) پادشاه جمعیاه اول بهارده بنه بحمه ستانه
 توجه ایدوب دیار بکره وارد قده یوقلنوب شاهدن نام و نشان اولاسغین وزیر ثانی احمد پاشایی بعض عسکرله
 کر جستان ولایتنه کوندرمکین واروب نیجه قلعهر فتح ایدوب ایچنه بکیمیلر قوبوب اول طرفی عسکره
 یغمالدوب قارشویه کسنه طور میوب وافر اسیر و مال کثیر الیه کلد کارنده پادشاه استانبوله رجوع ایتدی
 (فتوح) روم ایلنده ممالک اسلامیه جوارنده طمشوار نام حصار عالی و صعب و استوار که شایخه نام امین
 بی دینک اولوب اتی و توابعی فتحه وزیر ثانی احمد پاشا عسکر طفر فرایله کوندرمکین واروب طویلرله دوکوب
 محکم جنگله فتح اولوب آنک اتابع قلععه بارقان و طقوز عدد قلععه دخی فتح اولوب طمشواره بر بکر بکی
 و اطرافنه نیجه سنجاق بکی و قاضیلر و قلعهره محافظه مهماتی قوندی (سفر ثانی عشر و بعض امور) (۱)
 پادشاه عالمناه طقوز یوز لایله عسکر مظفر الیه بحم سفر بینه عزم ایدوب وزیر اعظم و ستم پاشا پادشاهک
 دامادی اولوب یولک شهزاده سلطان مصطفیانک والده سی قاین اناسی خاصکی سلطان اولغین کدو وزیر
 ایکن پادشاه وفات ایدر سه کندونک یولک قایینی سلطان سلیم فخته بکسون دیو فکر بر مکرر ایتمکین سلطان
 مصطفایی عصیان عازم دردیوایما پادشاهه غمز ایدوب بعض علامات ضعیفه و احتمالات خفیه الیه الدادوب
 ایناندروب عاقبت قتله نیت ایتدیرمکین پوله ملاقاته چاغرلدوب اودخی بخیر اما سیه دن عسکر یله کلوب
 قصبه ارکاید سنه التمش و والنده ال او عکه و ناهه کلد کده بوغدرلدی مکرر ستم هر بری تاریخ
 واقع اولمشدر جنازه سی بروسه به کوندربولب آنده دفن اولندی (لحظه) بی وفادانیه بو قدر اعتماد *
 اول جفا کارک الندن داد داد * هر کیلک کولسه یوزینه ایکی کون * صکره یا قزلباشه نیجه دوکون *

کیمی کیم ایدرسه صاحب تخت و تاج * میره چار کسر ایدر مثل زجاج * مخفی بخت صفای پر کرد *
 عادیدر قتل و مکر و شور و شر * فان ایچر هر دمه جسم و جاندن * عاقل ایسک کس امیدک آندن (۲)
 یوقش پادشاه حلیده قشلا یوب شهرزاده سلطان جهانگیر حلیده وفات ایدوب جنازه سی استانبوله
 کوندربول شهرزاده سلطان محمد یانده دفن اولوب بعد زمان طوبیخانه ده روحی ایچون بر مختصر چه جامع
 یالیدی (۳) اول بهارده پادشاه دیار عجمه کیده دوب پنجوانه وارد قده شاه ضلالتنه خوف غازیان شمشیر زنان
 ایله مانند زنان پنهان اولوب خصوصاً قیش دخی کلوب طور لغه و چادر قور لغه بحال بحال اولغین
 پادشاه رومه و یونیه بحالده شاهک حرکتی ایشیدمکین وزیر اید پاشا وافر عسکرله کوندردلکده شاه کراه
 بی عارفار شوکلیوب بنه فرار ایدی * پادشاه اول بهارده بنه عجمه کتک ایچون جله عسکرله امامسیه ده
 قشلا یوب شاه یونی ایشیدکده قورقوب رجاء صلحه نصیرنامه ایله ایچیلر کوندرمکین رجایی مقبول اولدی
 (عصیان) شهرزاده سلطان بایزید غرور و شتاب و اغوی اصحابه طریق رشاددن عدول و راه فسادده دخول و مثل
 مشهور (من استعمل الشی قبل اوانه عوقب بحرمانه) دن غفلت ایتدکین یانده عسکر شقاوت اثر جمع ایدوب
 یول برادری سلیم خانک اوزرینه یور یوب پادشاه بحالی ایشیدکده سلیم خانده معاونه وافر عسکر کوندروب
 صحرای شهر قوتیه ده ایکی برادر پر آرزو مانند بیر و بلنک تفصیل عظیمه محتاج عظیم جنگ ایدوب عاقبت بایزید
 عسکری منزه بلکه اکثری منعدم اولغین بایزید خان و غلریله ناچار فرار ایدی فی سینه طقوز یوز آتش
 الی یوقینه سیدله طقوزان یک کسینه هلاک اولدی دیشلر (نظم) سعادت بخشایش داوراست *
 نه در جنگ و یازوی زور آوراست * چودولت بخشید سپهر بلند * نیاید بر دانکی در کند (سفر ثالث عشر)
 پادشاه جمیع قبل الحاربه عصیان بایزید خاندن آگاه اولد قده احتیاطاً سفر تدارک ایدوب ۵۰۰۰ عسکر
 مظفر ایله ککدر صحرانده چادرلر قوروب از نور دیر فی ۲۸ شعبان المزبور * بعده بایزید خانک صینوب
 قاجدیغی ایشیدکده سفر دن فراغت ایدوب استانبوله کجوب قرار و استراحت و عسکر طاعتله اجازت و یردی
 (تتمه و عبرت عظیمه) بایزید خان قهر سلطان قهرمان نشانندن هر اسان اولغین عزم شاه خراسان ایدوب
 اون ییک قدر عسکر ایله شهر قزوینه واروب شاه طهماسب انی قارشوایوب او غول یونی اوغل ایدوب کلی
 رعایت ایدوب انک جرم عظیمی عنو یچون پادشاهه مرار نامه لاله ایچیلر کوندروب پادشاه دخی بو حقیر
 برتصیرک جد امجدی رمضان زاده نشانی امیر محمد انشاسله جوابلر یازوب تفصیل عظیمه محتاج امور
 صدورند نکره شاه کراه علیه لعنة الله بایزید خانی بش نفر اوغلریله بوغدروب پادشاه طرفندن واران آدمزله
 تسلیم ایتدکین جنازه لر فی سیواسه کتوروب دفن ایتدیلر فی سینه طقوز یوز آتش طقوز (نظم) منه تاوانی
 دل اندر جهان * که نایب ایدرست و نامهربان * هر آن پاره خشی که درم نظر بست * سر کیم قبادی
 واسکندر بست * بجز خون شاهان درین طشت نیست * بجز خالک خوبان درین دشت نیست (سفر
 رابع عشر) سرحد مالک اسلامیه ده بر سازلوی و بنا قوروب دریا مال کول ایچنده بر جزیره ده که اطرافی بر فرسختن
 زیاده عمیق و عظیم صو طور ردی قدما کفار طوب کارا تمام ایچون مزاره وارانچ دیر کردی کوب
 ارانسه چیلر چکوب شبکه مثال اوروب ایچنه صافی طبراق طولدروب بوجهله فات اندرقات حصارلر یابوب
 دیواری غایتده عریض و بلند ایدوب امنی سکتور قومشرایدی حالا ایچنده اولان کفار یونیلیری رنجیده
 ایتدکین پادشاه آگاه بیلکدن خصوصاً نفر بسدن ضعیف و متألیم کن متوکلا علی الله و طلب الرضاء الاله
 عسکر نفر اثر ایل طقوز یوز تمش اوج شوالی اوائلنده استانبولدن حیقوق سرم او سینه وارد قده عظیم
 یغورلر یاغوب صاره و دراهو ایرمقلری طاشوب صحرای طوند قده عسکر بکمل ایچون کیلر اوزرینه یدی
 سکر کون ایچنده طولی بش ییک یوز ذراع کو بری یابوب کجوب بعد انشازل سکتور و وارد قلدیده مترسل
 قوروب اوتوز برکون متصل عظیم طوبله دوکوب لکن طوب طاشلری طبراقه کوملکین فتح اولد قده
 قلعه بی اخطه ایدن سازلوی و بنا قوروب کول او سینه عظیم و واسع کو بری یابوب اوزرندن یوریش اولوب غازیلر
 حصارلر باروسنی یوقوب فتح ایدوب کفار بی انتباه بر غوی (وظنوا انهم مانعهم حصونهم من الله) ایچ
 قلعه به قاجوب عسکر اسلام (ایمانتکونوا یدرکم الموت ولو کنتم فی بروج مشیده) حالت اعلام ایچون

طوبلر قوروب صاحبان اخنامه دل بوئلر ایچر و به کافر لطرشه به طوب و تفنک و تیر و سنک آتوب فتح و طغ
 اولد قده پادشاه صاحب عارث جاعت کار (ع) آتش قهر که یارب اولدره یانسون حصار * دیومند حاجات
 پرورد کارا یتدکین اطفاله ایله اول صحرکه یاروده اولان بارونه و درود یوار بیوته آتش دوشوب کفار
 خاکسارلر دارلری و جدار حصارلری مانند غبار نار مار و کندلری زاروبی قرار اولدیلر (نظم) همیشه
 اولدره یانسون دیاری کفارلر * مدام قاره بر او سون حصارلر کفارلر (نثر) بعده ناچار قلعه آسار کلبه سایه
 التجا ایتدکین انی دخی مسلمانلر هر طرفدن طوبلرله دلوب کیروب صغار و بکار کفاری جله قیروب بر جان
 قورتلدی فی شهر صفر سینه بخت درت (فتوح) ولایت طمشواره قلعه کوله که غایتده محکم و رفیع
 و خندق عمیق و وسیع اولوب اوج طرفی دریا مثال بر عظیم کول اخطه ایچند فتنی مهم اولغین وزیر ثانی
 پرتو پاشا نیجه بکار بکیر و بکار و اتوا عندن عسکر ایله سابقا واروب اطرافنه طوبلر قوروب اون کون جنگ
 اولوب وافر کافر قیروب حصار فتح اولغین بقیه کفار ایچ قلعه به فرار ایدوب لکن کر یوستیزه بحال اولماغین
 امان دیو قریاد و فغان ایتدکین امان ویرلوب قلعه ضبط اولوب ایچنده اولان کفار و لایتنرینه کیدر کن
 غازیلر یتشوب جله سن قتل ایتدیلر و ایچیلر ایله طمانه تاتاریاد رفتار بش اون کونلک یولده اولان قری
 و امصاری یا قوب یوقوب پر غنیمت اولدیلر * و بوسفرده سکتور و کوله دن غیری نیجه عظیم قلعه لر دخی فتح
 اولوب بوجهله بکار قاضیلر بکچیلر و اقلر قوندی (فصل) در وفات پادشاه عالیجاه و جمع تقریسن ضعف
 و امی عتدود مادم مشد اولغین (الموت راحة المؤمن) مفهومیجه (نظم) جانب ملک بقارخت کشیدن
 اولی * روی این دهر پیر و چه ندیدن اولی * دیومنا جاته باشلیوب کریمار حیا کار سازانیده نواز نیجه مدت درکه
 روی زمین زینکین ظفر قریم ایتدک واصل اولدق رجام حاصل اولدق منام قالمی حاله بیست حرمنه
 سعادت شهادت بعده دیدار شریکی مشاهدت نصیب ایلد دیو دعا فر او ان و تضرع بی پایان ایتدکده دعایی
 قبول اولغین قلعه لر کفخی خبری کلدیکی کونک کجه سنده نصف الیلده که ماه صفرلر بکرمی بری اولان
 سبت کجه سیدر بر موجب حدیث رسول محمود شهادت اتوا عندن معدود اولان یورلر اغریسندن شاه
 جلیل عظیم العبدله سفر طویل ایچون کوس رحیل جالوب میر حیدر مالک وجوددن منازل جنان
 موعوده به ارتحال اعنی دنیادن عقبایه انتقال ایدی * اکرم الله مأبه و عطر بنسائم دارالخلد ترابه (نظم)
 جانش مقیم روضه دارالسرور باد * کاشفسرای مرقد او پرز نور باد (نثر) بعده جنازه رحمت اندازه سی
 ستانبوله کتوروب سابقا بنا ایتدیکی جامع شریفک او کمنده دفن اولندی (نظم) اغلدی مات ایدوب
 خلق جهان بوحاله * چیتدی افلا که بودردیله فغان و ناله * روح پاکینه ایدوب حضرت حق رحمتلر *
 ایلسون حور لیل اوزره طوب عزت لر (نثر) بونده افکنده نک بدری فاضل امجد و کامل اوحد و شانی
 زاده منبلا حدمکه مکر مده قاضی ایکن خبر وفات سلطان عالی درجانی ایشیدکده یوتاریغ لطیف فی نظیری
 ایجاد و تخریر و انشاد و تسطیر ایتدیکه (تاریخ) شه عالم کزین آل عثمان * معین دین پناه اهل ایمان *
 نصیر شرع و ملت قطب اسلام * سلیمان خان غازی بن سلیم خان * بخت سلطنت هشت و چهل سال *
 نشسته با کمال عدل و احسان * جوهان معمر و شد در سایه او * شده چون ذات پاکش ظل پزدان * بسی
 مدکی بشرق و غرب بکشاد * بدر کاهش چو خنجر و صد هزاران * مجاهد فی سبیل الله بوده * همیشه
 در غزایکداشت ازمان * برای نصرت دین کرد هجرت * رسیده در غزاعرش بیابان * عقیب الموت روح
 پرفتوحش * کسوده قلعه های پرخ بنیان * زحم الامر جاء النصر بنجود * بخت ملک و فتنش عین برهان
 چودرماه صفر عزم سفر کرد * ازین عالم بدار الملک رضوان * شده روحش روان بر عالم قدس * بود
 از محض ایمان حب او طمان * رفیقش روح پاک ایتدیباد * بصدیقین و باجمله شهیدان * شود در روضه بخت
 مکانش * قرینش رحمت حق نور قرآن * ربیب نعمتش اجد چو بشنید * بتار بخش نظر کرده بامعان *
 بکفته هانی در کعبه تاریخ * شهبذ راه حق سلطان سلیمان ۹۷۴ (فصل در خیرات پادشاه مرخوم)
 مر قوم سلاطین عثمانیه نک عددده عاشری و دین مبین و شرع مشید * یک ناصر و ناشری اولدیغندن ماعدا
 عدل و احسانی عقل و عرفانی فهم و ادعائی همت و شافی حد و صفدن آشری اولغین کبار اختیار

ملوک سلف ذوی الشرفه الحق ملحق اوله جق ایدی (محرره) خیره طولدرمشیدی عالمی * راجحه وارمشدی هر برآدی * نام یاک دهرده دقارد * بعد آنار کباری واردر (نثر) استانبولده اون شرفه لودرت مناره ایله برجامع واسع برصنایع یامشدر که مهندسان جهان حسن بناسنه حیران اولمشدردر التي عدد مدرسه برحجرات ودار الشفا و مکتب و مسافر خانه و عمارت بر خیرات دخی یابوب استانبولده چشمه لر آزادملغین برکونلک بولدن انم ایله شهره وافر صوکتوروب نیجه چشمه لاحداث و شهر خلقنه اول خیر جاری ذوالنفع الساری ایله حییات تازه و فرح بی اندازه ایراث ایدوب مزبور صونک باشنده ایکی برده برطایغدن برطایغه صوآقی ایچون قوس قزح مانند نیجه کوزلو واسع و بلند دمورله کندلش طاشلرله کرلر ایدوب بر بیتی سیل عظیمه یقلده قدخ زیاده استحکامله تکرار ایدوب * محصل مزبور کرلر بر قاج ییک بولناقله لر خرج ایدوب اول بنای زیبای عبرت نامه دنیادن معدود اولغنه سزا اولمشدر * شام شریفده دخی جامع بی نظیر و مدرسه و خان و مسافر خانه و عمارت و مکّه مکرمه دخی بر قاج لطیف مدرسه لر و نیجه بلاد عثمانیه ده دخی عظیم خیرلر ایدوب جمله سنی بیان خارج دائرة امکاندر (نظم) شکر الله سعیه الموفور * وکساء بحله من نور (فصل) مرحوم پادشاه زمانده مفتی اولنر بونلر ایدی (۱) مولانا مفتی علی چلبی که احوالی سلطان یازید علماسنده یکمشددر (۲) مولانا کمال پاشا زاده (۳) مولانا محی الدین چلبی که بویاکیسی سلطان سلیم علماسنده یکمشددر (۴) مولانا قدری چلبی که اسبی عبدالقادر در بعد المدارس سخنندن بروسه یه بعده استانبوله قاضی بعده اناطولی یه قاضی عسکر بعده معزول بعده مفتی اولدی بعده مزاجنه خلل کلکین براغوب وظيفه تقاعدله بروسه یه واروب مسجد و مدرسه یابوب طقوز یوزاللی بشده باللی طقوز زده وفات ایدی * فاضل کامل اولوب طبع نقاد و ذهن وفادایله کاشف معضلات حقائق واقف بمهمات دقایق ایدی تحریرات و رسائلی اولوب ضعف مزاج سببیله بیاضه چیقمدی (۵) مولانا سعدی چلبی قسطمو نیندر بعد المدارس سخنندن استانبوله قاضی بعده معزول و سخن مدرسی بعده مفتی اولوب خیلی زمانده نصکره طقوز یوز قرق بشده وفات ایدی * عدده شاهیر فضل عصر و زبده بخاری بر علماء دهر اولوب عقل صاف سلیمی مصباح رموز دقایق طبع موشکاف مستقیمی مفتاح کنوز حقایق ایدی * هدهابه و تفسیر قاضی به ایجاز و اعجاز اوزره بر حاشیه یازمشدر که علماء کبار حل مشکلاتی و فهم مراداتی ایله افتخار ایدرلر ایدی * کتب کثیره عجیبه یه مالک اولوب غریب علومه واقف و عارف اولمشدی قاضی ایکن هر هفته فضلاء مدرسی ضیافت ایدوب درس عام کی مباحثه علمیه ایدوب حل مشکلات ایدردی * فضیلت و استقامت و سایر اوصاف حیده ده واصل رتبه علما و نادره دنیا ایدی (۶) مولانا چوی زاده شیخ محمد بعد المدارس سخنندن مصره قاضی اندن اناطولی یه قاضی عسکر اندن مفتی اولوب بعده مسخ علی الخف مسئله منی قصه سنده پادشاه بوکا انجنوب وظيفه تقاعدله عزل ایدوب بعده روم ایل قاضی عسکر کلکین و یروب طقوز یوزاللی در تده بر کچه بعد العشاء خسته اولوب قبل نصف الیل وفات ایدی * فاضل کامل اولوب خصوصاً فقه و حدیث و تفسیر ده غایت ماهر ایدی علم و عبادته مشغول اهل تقوی ناطق بالحق خنده روی و متواضع کسبه ایدی (۷) مولانا شیخ عبدالکریم القادر که اولیاء الله بدن اولوب بعده مفتی دخی اولغین مفتی شیخ درلردی * قصبه کرامتیده طوغوب علمادن اوقیوب قرآن عظیمی از برایوب مثلاً بالی به دانشمند بعده شیخ امام زاده یه مرید اولوب بعده استانبولده کوچک ایاصوفیاده اوتوروب صوفیاری ارشاد و خلقه غایت تأثیر ایله وعظ ایدردی * وافر کاتبه مالک اولوب قوت حفظی نهایتده اولغین عیاتب مسائل و نوادر اخباری ضبط ایدوب لذیذ المصاحبه متواضع و کریم الاخلاق صاحب کرامات کثیره عزیزی * یلمده بر کره خلوت اربعینه کبروب برده چقور قازوب ایچنده اوتوروب نماز قیلوب و سایر عبادت ایدوب کمال ریاضتدن حوامی معطله اولوردی طشره چیقده قد که چک ییلده دلته نه وعظ و ارشاد ایدردی * فقه ده غایت ماهر اولغین یوزالجه وظيفه ایله استانبولده مفتی اولوب طقوز یوزاللی اوچده وفات ایدی (۸) مولانا ابوالسعود بن الشیخ محی الدین الشهر بشتی یاروبی که خواجه چلبی دیککه بالاستحقاق مشهور آقا ایدی * بعد المدارس سخنندن بروسه یه بعده استانبوله قاضی بعده روم ایل قاضی عسکر اولوب انزمانده چوی زاده اناطولی قاضی عسکر ایدی بعده مفتی اولوب اوتوز ییل مقداری

فتوایه مشغول اولوب سلطان سلیم اوخونده طقوز یوز سکسانده وفات ایدی * جمیع علومده غایت کامل خصوصاً علم تفسیر و فقه و علوم عربیه ده حد اعجازه واصل اولوب تألیف ایتدیکی تفسیر شریف زیبا بالغ رتبه علمیه بلکه احسن تفسیر دنیا اولمشدر * نظم ایتدیکی قصائد عربیه حقیقه بالاستحسان مانند قصائد امری القیس و حسان ایدوکی اهل عرفان اولنر عیساندر و الحاصل (نظم) لایدرلک الواصف المطری خصائصه * وان یکن بالغافی کل ما وصفنا (فصل) مرحوم پادشاه زمانده قاضی عسکر اولنر بونلر ایدی (۱) مثلاً عبدالواسع که سلطان سلیم خان علماسنده یکمشددر (۲) مثلاً محی الدین چلبی که بودخی آنده یکمشددر (۳) مثلاً قدری چلبی که بودخیغه دن بر صغیره مقدمه یکمشددر (۴) مثلاً ابوالسعود که بودخی بوقاج سطر مقدم یکمشددر (۵) مثلاً قطب الدین زاده محمد چلبی که قاضی زاده رومی نسلندن اولوب بودخی قاضی قاضی عسکر صالح مثلاً چلبی نیک بدریدر کار فضلادن اوقیوب بعد المدارس حلیه بعده ادرنه یه بعده استانبوله قاضی بعده اناطولی یه قاضی عسکر بعده معزول و یوزاللی ایچله سخن مدرسی اولوب بعده مدرسه بی براغوب حجه کیدوب کلوب بعده ینه وظيفه تقاعدله اوتوروب بعد زمان طقوز یوزاللی یدیده وفات ایدی * اهل کمال و فضیلت و سلف صالحین ایله هم سیرت اولوب مظنه ولایت ایدی حضرت امیر بخاری نقشبندی دامادی شیخ محمود افندی ادرنه قبوسندن طشره ده جامع و تکیه و حجرات یایدردی رکن مزبور مثلاً اناطولی قاضی عسکر اولوب مزبور شیخ مریدی اولغین دیوان عالیدن طوغور آنده واروب مجوز سن و صوفی چیقاروب الینه سبت آلوب درویشلرله ییله بنایه طاش و طپراق طاشیوب بعده اوینه کوردی (۶) مثلاً چوی زاده که بر کاغذ مقداری یکمشددر (۷) مثلاً محمد که معلول امیر درلر ایدی کار فضلادن اوقیوب بعد المدارس سخنندن مصره قاضی بعده معزول بعده ینه سخن مدرسه بعده ینه مصره قاضی بعده اناطولی قاضی عسکر اولوب بعده اباغ اغریسنه مثلاً اولغین وظيفه تقاعدله عزل اوانوب طقوز یوزاللی اوچده وفات ایدی * علوم عقلیه و نقلیه دن بهره دار فاضل محقق و مدقق و اهل وقار اولوب استانبولده مکتب و دارالقرار ملازمین او طه لری یابوب انده مدفوندر (۸) مثلاً یوسف که سنان چلبی درلردی شقایقه مذکور اولماغین اوائل حالی معلوم اولدی اناطولی قاضی عسکر ایکن متقاعد اولدی علوم عقلیه و نقلیه ده غایت ماهر خصوصاً تفسیر و علوم عربیه ده صاحب فضل ماهر عالم ربانی و پیر نورانی ایدی * سوره انعام تفسیر نه کمال تدقیق و تحقیقه بی نظیر حاشیه یازوب کار بلغاء صاف طرز زنده غایت لطیف و مفصل دیباجه یازمشدر (۹) مثلاً مصطفی که بستان چلبی درلردی قصبه قاضی ایکن استانبولده خامکی سلطان مدرسه بی بنی اولننده داخل اوق اوزره ابتدایو کارلر ایدی بعد المناصب روم ایل قاضی عسکر بعده متقاعد اولدی * غایتده فاضل ماهر و کامل متبحر و کمال صلاحله مشهور اولوب بودخی سوره انه امه غایت دقت و تفصیله حاشیه یازوب سنان افندی نیک بعض کلماته اعتراض ایدوب کار علماء ایکی فرقه اولوب بعضلر بونک جاننده بعضلر سنان افندی نیک جاننده در (۱۰) مثلاً عبدالرحمن چلبی سعدی افندی نیک پرورده سیدر روم ایل قاضی عسکر بعده مصره قاضی بعده متقاعد بعده مکیه قاضی اولوب بعده متقاعد بعده سلطان سلیم خان ابن سلطان سلیمان خان زماننده روم ایل قاضی عسکر ایکن وفات ایدی فاضل کامل و مدقق ایدی یکی باعجه ده جامع و مکتب یامشدر (۱۱) مثلاً جعفر چلبی شام قضا سندن اناطولی قاضی عسکر بعده متقاعد اولوب صاحب فضیلت و دیانت و مظنه ولایت و کرامت عالم ربانی و پیر نورانی ایدی شیخ الاسلام صنع الله افندی حضرت نیک والد ماجد درلردی (۱۲) مثلاً حامد افندی خیلی زمان روم ایل قاضی عسکر اولوب پادشاه وفاتندن نصکره عزل اولوب سلطان سلیم زماننده ابوالسعود افندی وفاتنده مفتی اولوب بعده وفات ایدی فاضل و فقیه و غایتده دیندار ایدی (۱۳) مثلاً محمد که عبدالکریم زاده درلردی اناطولی قاضی عسکر ایکن متقاعد اولدی جمیع علومده ماهر صاحب فضل باهر متقن و متدین و تعداد علماده کار سلفه ملحق اولسی متعین اولوب غایت بلوغ و لطیف قصیده و اشعار عربیه سی واردر (۱۴) مثلاً پروبر افندی قول جنسی اولوب بعد المناصب اناطولی قاضی عسکر بعده معزول بعده مکّه مکرمه یه قاضی اولوب آنده وفات ایدی فاضل ذوفنون اولوب قدیدن نقشبندی طریقه سالک و متاع زهد و صلاحه مالک ایدی (فصل) مرحوم پادشاه زمانده انجیق تحت قضا سنده

واصل اولان علمایون را بنی (۱) منلا احمد که طاشکیریلو زاده دیرلردی بعد المادرس ادرنه ده سلطان بایزید
مدرسه سندن بروسه به قاضی بعد العزل صحنه مدرس بعده استانبوله قاضی اولوب بعده کوزاغری سندن
اعلی و معزول اولدی علوم نقلیه و عقلیه ده ماهر حیر و بحر زار حاوی المصاحف و الفرائض و فقه و دیوار
طریق نقشبندیه ده سالک تقوی شعار عالم و عارف آگاه و اطلاع غرائب علومده آیه من آیات الله ایدی * متین
مقتضاه و فوائد غیاییه به غایت لطیف شرح و موضوعات علوم ادلوی بر مختصر و لطیف کتاب و جمیع علومک
مهمات و دقایق من بین قرق الی جزء مقداری بر کتاب مفصل عظیم النظیر باز مشدر که اکاناظر اولان کمال
فضیلت و احاطه سنه متبحر اولور نتیجه مؤلفاتی دخی اولوب علماء آل عثمان احوال بیان ایدن عربی کتاب
شقایق دخی بونک تألیفید را عی ایکن اغزدن سوبیلوب کتاب باز مشدر (۲) منلا اشجی زاده حسن چلبی
بعد المادرس بروسه به قاضی بعده وظیفه تقاعدله صحن مدرس اولوب طوقوز قرق ایکیده وفات ایدوب
ذکی و اهل فضل و کمال و حیدر الخصال مجرد عن العیال ایدی (۳) منلا محمد که وزیر اعظم بیری پاشاک اوغلیدر
علوم مشهوره دن تمام بهره دار اولوب مصطفی پاشا مدرسه سنه بعده صحنه مدرس بعده ادرنه به قاضی اولدی
وزیر اعظم ابراهیم پاشا خاطر یحیون پدری معزول ایکن زهرایوب بعده غیرت حق ایرشوب قدیمدن شرب
عرقه مبتلا اولغین قیش کیمجه سی اوجاق کارنده لباسی طوشوب مستانه او یانوب حیرتله عرق دست سن
صومالیوب اوستنه دو کین یاغ دو کیش کچی علونوب ایچنده هلال اولدی (۴) منلا عبد اللطیف
قسطمونی دندر بعد المادرس ادرنه به قاضی بعده متقاعد اولدی جمیع علومدن حصه به نائل و مطالعه و انواع
عبادته متصل مشغول اولوب مستجاب الدعوه کثیر الاعتکاف قلبی صافی و زاهد مجاهد حیدر الاوصاف
ایدی (۵) منلا معمار زاده محمد بعد المادرس حلبه قاضی بعد العزل بنه صحنه مدرس بعده بنه حلبه قاضی
اولوب آنده وفات ایدی * فاضل محقق و کامل مدقق حیدر الخصال و سدید الفعالم ایدی خاتونی دخی قوی
دانشمند اولوب شرح مفتاح و شرح مواقف اوقیوب علی سوزلری اولوب حسن خطی دخی و اغین دررغرر
واکمل و نیجه کابلردخی باز مشدر * بو حقیر کجادی رمضان زاده تشایجی بک مرحوم مزبور منلا به قلندر خانه
مدرسه سنده دانشمند اولمشدر (۶) منلا کریم زاده احمد بعد المادرس شامه قاضی بعد العزل صحنه
مدرس اولوب وفات ایدی فاضل محقق و کامل مدقق حیدر الخصال اولوب علوم عقلیه ده خود ماهر ایدی (۷)
منلا قره حیدر بعد المادرس حلبه قاضی اولوب تهمت طمعله عزل اولوب بعد زمان همان اولوزاچقه وظیفه
ایندیلر استانبوله او ی فارشونده مسجد یا یوب اکا و قفلر ایدی بین الجمه و فضله مشهور ایدی (۸) منلا
عبد الله والده سی طرفندن منلا قناری نسلند ندر بعد المناصب حلبه قاضی اولوب وفات ایدی * اکثر علومدن
حصه دار فاضل و مشغول و قوی الحفظ و حافظ قرآن و حیدر الخصال و کرم و سخاده حاتم طیدن زیاده اولوب
اون بیک جلد کلامه مالک ایدی قصیده برده به بر شرح یازوب احسن شرو حیدر دیمشدر (۹) منلا بدر الدین
محمد وزیر اعظم خادم علی پاشاک قوی ایدی بعد المادرس حلبه بعده ادرنه به قاضی اولوب آنده مسجد
و مدرسه یا یوب وفات ایدی علومدن بهره دار صالح و عابد و فقیه و متکلم و قوی القلب اولوب مفتی قاضی
زاده افندی بک پدریدر (۱۰) منلا احسان چلبی اسکوبیدر بعد المادرس شامه قاضی اولوب آنده وفات ایدی
علوم جلیله دقیقه به واقف فاضل کامل بر معارف و بی نظیر منشی و شاعر و حفظ الطائف و توارخ و نوادرده
ماهر طارح الکافه لذیذ الصبیه و الالفه رند و سرف شوخ و نظریف فصیح اللسان و صحیح الاعتقاد و مجرد
عن الاهل و الاولاد ایدی (۱۱) منلا اسرافیل زاده خیر الدین بعد المادرس شامه قاضی اولوب بعده معزول
بعده بنه شامه قاضی اولوب بعده حج ایدوب کلد کده معزول و بروسه ده مرادی به مدرس بعده دماغی مختل
اولوب وفات ایدی علومدن بهره دار فاضل و ذکی و جهات و عقلیاته مائل ایدی (۱۲) منلا شمس الدین
احمد که سلطان بایزید علمای سندن سید ابراهیم نام هر بیک قوی و شاکر دیر فاضل و صالح و متقی و اغین ابتدا
مدرسه حضرت ابی ایوبه بعده صحنه مدرس بعده شامه قاضی اولوب آنده وفات ایدی (۱۳) منلا قراصلو
حسن چلبی بعد المادرس بروسه و ادرنه و استانبوله قاضی بعده وظیفه تقاعدله تکرار صحنه مدرس اولوب
وفات ایدی جمیع علومدن حصه دار فاضل محقق و مدقق و ذکی و حیدر الخصال اولوب پادشاه خواجه سی

منلا خیر الدینک دامادیدر (۱۴) منلا پیر احمد بعد المادرس حلبه قاضی بعده وظیفه ایله متقاعد اولوب وفات
ایندی * جمیع علومدن حصه دار فاضل حیدر الخلاق اولوب بعض تحریراتی واردر (۱۵) منلا صالحو امیر که
اسمی محمد ابن عبد الاقلدر عجمده شهر تبریزده پدری سنی قاضی حنفی اولوب آندن اوقیوب کوچک ایکن
منلا جلال الدین دوانی بی کوروب پدری حیاتنده سلطان بایزید زماننده رومه کلد ندر بعد المناصب صحنه
حلبه بعده شامه بعده استانبوله قاضی بعده معزول اولوب طوقوز قرق ایش اوچده وفات ایدی * علوم عربیه
و شرعیه ده ماهر عربی و فارسی و ترکی انشاده خوده احب فضل باهر اولوب یازدیغی نیجه مفصل و فقیه لر
انشائنه اصحاب فضل و عرفان حیران اولمشدر کریم الشان پالیزان صافی بال حیدر الخصال ایدی (۱۶)
منلا محمد که مر حجابلی دیرلردی بعد المادرس شامه بعده بروسه به بعده ادرنه به قاضی اولوب آنده وفات
ایندی فاضل کامل مدقق و ذکی و حیدر الخصال ایدی (۱۷) منلا علی بن صالح که منلا عبد الواسع معیدری
اولغین واسع علیسی دیرلردی بعد المادرس بروسه به قاضی اولوب آنده وفات ایدی * جمیع علومدن بهره دار
فاضل کامل صاحب اخلاق حیده و وفار ایدی انشاسی مقبول خول بلکه حیرت افزای عقول اولان ترکی
همایوننامه بونک تألیفیدر فارسی کتاب کایله و دمنه دن ترجمه ایشدر (۱۸) منلا ابواللیث بعد المادرس
حلبه بعده شامه قاضی اولوب آنده وفات ایدی عالم و صالح و دیندار و صاحب وفار ایدی (۱۹) منلا مصلح
الدین که مصدر یحیون دیرلردی بعد المادرس حلبه بعده مکرمه به قاضی بعده معزول اولوب کورکن وفات
ایندی * عالم و صالح اولوب سید علی بن یحیون مغربی حضر تلیرتک خدمته واصل اولمشدی (۲۰) منلا علی
ابن الشیخ عبد الرحیم المؤیدی که حاجی چلبی دیرلردی فضلادن اوقیوب فضائی مشهور اولدقه بر قاج
مدرسه لر مدرس اولوب بعده دماغنه خلل کلسکین در یادن مصره کیدرکن کافره اسیر اولوب بردوستی بونی
صانقون الوب استانبوله کلد کده ایکی مدرسه بعده شام قضاسی ویرلوب بعده عزل اولوب کلد کده خسته اولوب
بواشاده مصر قضاسی ویرلوب کیدرکن کوتاهییه ده وفات ایدی * جمیع علومدن بهره دار و حیدر الخصال
ایدی وافر کابلی اولوب اکثری مطالعه ایشدی بعض تحریراتی واردر (۲۱) منلا هدایه الله ابن منلا یار علی
الجبی کمال پاشا زاده دن دخی اوقیوب بعد المادرس مکرمه به قاضی اولوب آنده کوزلر بنه علت و خلل
کلد کده قضای براغوب مصره کلوب وفات ایدی * جمیع علومدن بهره دار فاضل و دیندار ایدی (۲۲) منلا
محمد بن محمد بن حسام الدین پدری قولی جفسی اولوب قصبه قضاسی ایدی کلدوسی بعد المادرس شامه
بعده بروسه به قاضی اولوب بعد العزل بر قاج مدرسه تکرار بروسه قضاسی بعده ادرنه بعده استانبول
قضاسی ویرلوب وفات ایدی عالم و فاضل و علم فقه و معارفه کامل صاحب نظم ایدی (۲۳) منلا مناو عبدی
بعد المادرس مکرمه به بعده مصره قاضی اولوب آنده وفات ایدی * عالم و فاضل و دیندار و قهر ظلمه و اجراء
حقده کانه علم فی رأسه نار ایدی (۲۴) منلا کمال چلبی بعد المادرس صحنه بغداد قاضی اولوب آنده
وفات ایدی عالم و فاضل و حیدر الخصال ایدی (۲۵) منلا شمس الدین احمد بولی لیدر بعد المادرس شامه قاضی
اولوب بعد العزل وفات ایدی اهل علم و حیدر الخصال ایدی (۲۶) منلا حکیم زاده محمد بن محمد بن فاضل ماهر
و مشهر و حیدر الخصال ایدی بعض شهر لر قاضی اولاد قد نصکره مدینه منوره به قاضی اولوب آنده وفات
ایدوب سابقه استانبوله مدرسه بنا ایشدی (۲۷) منلا یحیی که امین زاده کوسه سی دیرلردی بغداد قاضی
بعده استانبوله دار الحدیث پادشاه مدرس اولوب بعده وفات ایدی فاضل کامل کسینه ایدی (۲۸)
منلا محمد که خواجه قانی دیرلردی مکرمه به قاضی اولوب فاضل کسینه ایدی (۲۹) منلا مصطفی
النکساری استانبوله قاضی بعده دار الحدیث پادشاه پوزاوتوزاچقه ایله مدرس اولدی فاضل کامل متدین
ایدی (۳۰) منلا محمد بن محمد که عرب زاده دیرلردی بعد المادرس مصره قاضی اولوب در یادن قدرغه ایله
کیدرکن غرق اولدی غایتده فاضل مدقق و کامل محقق ایدی (۳۱) منلا نعمه الله بن روشنی که روشنی زاده
دیرلردی مدینه منوره به قاضی اولوب آنده وفات ایدی فاضل و صالح کسینه ایدی (۳۲) منلا احمد چلبی که
قوردر چلبی دیرلردی پادشاه خواجه سی خیر الدین افندی بک اوغلیدر شامه قاضی ایکن وفات ایدی فاضل
و خوب صورت و صاحب سخاوت ایدی (۳۳) منلا عبد الباقی بن علی العربی مصره و بروسه به و مکرمه

مکره به قاضی اولوب بعد عزل استانبولده وفات ایتدی فاضل کسینه ایدی (۳۴) منلا محمد چلبی ابن المولی
العلامة ابو السعود المفتی شامه بعده حلبه قاضی اولوب آنده وفات ایتدی علوم جلیله دن حصه دار اولوب
لکن عیش ونوشه مشغول اولمغین فضیلتده کویچک برادری احمد چلبی نیک طبعه سنه واصل اولدی بزرگی
بعه قسنت نه سال معلوم اهل کمالدر برادرندن ایکی ییل صکره وفات ایتدی (۳۵) منلا معمار زاده مصطفی
سابقه مذکور اولان حلب قاضیسی معمار زاده نیک اولغیدر استانبول قضا سندن عزله نصکره مدینه
منوره به قاضی اولوب آنندن دخی عزل اولند قدده مصره کلوب وفات ایتدی فاضل محقق و کامل مدقق
وصاحب ذهن وفاد و طبع قیاد ایدی (۳۶) منلا امام زاده محمد چلبی حلبه قاضی بعده یوزاچه وظیفه ایلده
امامیه به مفتی اولوب استانبولده وفات ایتدی فاضل و مشغول و لا ایلای مشرب ایدی (۳۷) منلا جلال زاده
صالح مصر قضا سندن معزول اولوب کلد کده بروجه قضا عد مدرسه حضرت ابی ایوب الانصاری ویرلدی
پادشاه زمانده نیجه مدت نشانی اولان قوجه نشانی دید ککری جلال زاده برادریدر (فصل) مرحوم
پادشاه زمانی علماسنک تحت قضا سنه واصل اولمغین نیک کار مشاهیری بونلر ایدی (۱) منلا خیر الدین که
قسطنطیندر علمادان اوقیوب فاضل کامل و صالح عامل اولمغین پادشاهه خواجه اولوب غایتده مقبول
ومقرب اولد قدده باب رفعت اتنا بی مزدم جباه و ملتئم شفاء اولدی مع هذا متواضع و کریم و مشفق و عظیم
النوال و حید الخصال مربی الفضل صاحب همت علی ایدی (۲) منلا حافظ الدین محمد که حافظ عجم دیرلردی
محمد برده شهر ندرت برزده جمیع علومی اوقیوب چله سنده ماهر و غایت مشهور اولد قدده شاه اسماعیل
ظهوری قهرنده سلطان بارید زمانده رومه کلوب بعد المدارس صحنه بعده ایاصوفیه مدرسه بعده
فارغ اولمغین تمش اجه وظیفه تعیین اولندی مدینه العلم آدلوب برکات تألیف ایتدی که سکنر قسم اولوب
برنده صاحب هدایه برنده صاحب کشف برنده قاضی یضای به برنده سید شریقه برنده منلا سعد الدینه
اوجنده دخی بکار سلفدن اوج کسینه نیک سوزلرینه علمی اعتراضلر ایدی شرح مواقف و شرح مفتاحه
بررمقدار حاشیه و متن تجریده غایت مفصل و لطیف شرح و نقطه العلم فهرست العلوم معارف الکتاتب سبعه
سیاره آدلوب ساله رودخی نیجه اسامی عجیبه ایلده بحد رساله لر یازوب اکثری مسوده ده قالدی خوب خط
وغایت سر بیع الکتابه اولوب برآیده حسن خطله صدر الشریعه یازم شدرد تحقیق و تدقیق و حفظ جمیع علوم
ومعارفده آیه من آیات الله اولوب مطالعه و درس و کتابدن خالی اولمزدی حیدر خصال و پسندیده فعال
اولوب طقوز یوزالی بیده وفات ایتدی (۳) منلا شیخ محمد مغوشی که مغربده شهر نونسده طوغمشدی پادشاه
زمانده رومه کلوب قرق اجه وظیفه تعیین اولندی شقایقه ذکر اولندی بقی اوزره جمیع علومک جمیع مسائلی
حتی مطول و حاشیه سید و طوابع و مطالع و مواقف و مختصر ابن حاجب شرحی و تلویح و کشف و طبعی
حاشیه بی و نیجه کتابلر بالتمام حفظنده اولوب مطالعه ایتدی دلدیکه خیالنده اولان محفوظاته نظر
ومطالع ایدوب یاتده برکات و ورق اولوب دائما تلاوت قرآن ایدردی محصل (نظم) لیس من الله
بمسئکرم ان یجمع العالم فی واحد * مفهومه واصل درجه علیا و اندر نوادر دنیا آیه من آیات الله
الکبری اولوب عظمه اقدماء علماء الحق ملحق اوله جق ایدی شدت شتاء رومدن قاجوب اجازتله مصره
کیدوب آنده وفات ایتدی (۴) منلا عبدالفتاح حافظ محمد برادریدر بکار فضلاء رومدن اوقیوب ایکی
مدرسه دنصکره استانبولده ابراهیم پاشا مدرسی ایکن وفات ایتدی جمیع علومدن بهره دار فاضل محقق
و مدقق و عقلیاتده ماهر خوب خط حیدر الخصال ایدی (۵) منلا علی اصغهان بومدن رومه کلوب نیجه
قضا به قاضی بعده قلبه ده بعده ککبوزه ده مدرسه اولوب وفات ایتدی عقایات و نقایساته واقف تفسیر
وعلوم عربیه ده ماهر و عارف کثیر الکمال حیدر الخصال ایدی (۶) منلا چالک مصلی الدین قرق یاشنده جلا ایکن
اوقوماغه باشلیوب فاضل اولد قدده قصبه تیره ده مدرسه اولوب بعده کار مشایخه مقارن اولمغین فارغ اولوب
اوقوزاچه وظیفه تعیین اولمغین اوقانی درس و فتوی و وعظ و عبادتله توزیع و کجه نیک اکثرین احیای ایدوب
احیانامازده حال غلبه ایدوب حاضر اولنر مشاهده ایدرلردی (۷) منلا شاه قاسم بن شیخ محمد و می مرحوم
سلطان سلیم خان بونی تبریزدن کتوروب الی اجه وظیفه ایتدی عالم عامل فاضل کامل لذیذ الصبحه عزیز

الرتبه هر علمدن خصوصاً تصوفدن حصه دار لیب و ادیب باوقار خوش نویس و منشی کامل نفیس اولوب
باشلیدی تواریخ آل عثمانی قبل الاکمال آخرته انتقال ایتدی (۸) منلا محی الدین قره باغی رومه کلوب سیدی
علی زاده به معید بعده بعض مدرسه بعده مدرسه ازینقه مدرسه اولوب وفات ایتدی علوم مشهوره ده فاضل
کامل و دائم مشغول اولوب تفسیر و غیره وافر تحریرات و جالب السرور آدلوب کتاب محاضرات یازوب مقبول
علم اولمشدر حیدر الخصال کسینه ایدی (۹) منلا شیخ شبستری زاده عجمده علوم عقایه و عربیه ده ماهر اولد قدده
سلطان سلیم زمانده رومه کلوب اوقوزاچه وظیفه ایتدی بر حاشیه تجرید و حاشیه مطالعه بر حاشیه و کافی به
بر شرح یازم شدرد و علم معما ده فارسی بر رساله یازوب جمیع قواعدی مسائلری ایاتی سلطان سلیم ایتنه
معما ایتشدرد بعده آتش بیلوف فارسی قصیده نظم ایدوب بر مصرعای سلطان سلیمانک جلوسنه بر مصرعای
رودس قصبه تاریخی ایدی بوقصه غرائب امور دندر (۱۰) منلا خانی زاده یوسف علماء رومدن اوقیوب بعده
عجمه کیدوب منلا جلال الدین دوانیدن اوقیوب آنده مدرسه اولوب تأهل ایدوب رومه کلد کده بعد المدارس
طربزونه مفتی بعده عزل اولنوب قرق اجه وظیفه تعیین اولندی اکثر علومدن بهره دار فاضل ایدی (۱۱)
منلا جلال قصبه قضا رندن وظیفه ایلده متقاعد اولوب فاضل محقق و کامل مدقق عالم ربانی و پیر نورانی و بقیه
سلف صالحین ایدی (۱۲) منلا کتخدا زاده فضلاء رومدن اوقیوب بعده عجمه کیدوب خیل زمان جلال
دوانیدن اوقیوب رومه کلد کده مناصب قضا تصرف ایدوب بعده فراغ ایدوب عجمه واروب کلد کده
وفات ایتدی فاضل محقق و کامل مدقق و خوش سیرت ایدی (۱۳) منلا امیر حسن بعد المدارس ادرنده
دارالحدیث مدرسی ایکن وفات ایتدی فرائض سیده و مسعود روحی به بر حاشیه سی و بعض مؤلفاتی دخی
اولوب علوم مشهوره دن تمام بهره دار ایدی (۱۴) منلا محمد شاه ابن منلا شمس الدین الیکانی بعد المدارس
ادرنده ده حفته نیک برنده مدرسه ایکن وفات ایدوب فاضل محقق و مدقق و حیدر الخصال ایدی (۱۵) منلا شمس
الدین احمد که عرب چلبی دیرلردی علماء رومدن اوقیوب مصره واروب جمیع علومی اوقیوب کمال فضلی مشهور
اولوب رومه کلد کده وزیر قاسم پاشا جزیری بوکا استانبولده قصبه حضرت ابی ایوبه بایدی جامعده درس
دنیک ایچون وظیفه تعیین ایتکین اکثر تفسیر و فقه و دروسلرین دیوب جوق کسینه متفقه اولوب احوال اوزره
وفات ایتدی عابد و زاهد و حیدر الخصال ایدی (۱۶) منلا احمد که ورق شمس الدین دیرلردی بعد المدارس صحن
مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و صالح و حیدر الخصال اولوب بوندن جوق دانشمند مستفید اولدیلر (۱۷)
قره صالح بعد المدارس صحن مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و عابد و زاهد ایدی (۱۸) منلا شیخی چلبی بعد
المدارس صحن مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و ذکی و محقق و مدقق و حیدر الخصال ایدی (۱۹) منلا
کیر بیچک زاده یوسف علمادان اوقیوب بعده کفده توطن و فتویه مشغول اولوب بعد المدارس استانبولده
ایاصوفیه مدرسه سندن امامیه فتوایی ویرلدی فاضل محقق و کامل مدقق و علوم شرعیه ده ماهر و حیدر
الخصال ایدی (۲۰) منلا مناستری چلبی ووم ایلنده ایکی کره قصبه مناسترد مدرسه بعده فارغ ویکرمی اجه
وظیفه ایلده متقاعد و خلقدن منقطع و علم و عبادتله مشغول اولدی عالم عامل اولوب برکه من برکات الله ایدی
(۲۱) منلا شیخ ابراهیم الحلبي الحنفی حلبه و مصرده علوم عربیه و شرعیه بی اوقیوب استانبولده کلد کده
سلطان محمد خان غازی جامعنه امام و خطیب و مفتی سعدی افندی نیک دارالقرآن سنه مدرسه اولوب طقوز یوز
اللی التبیده عمری طقساندن زیاده ایکن وفات ایتدی علم اصولده خصوصاً فروعه بکار فقهاء سلف کرام
رتبه سنده ماهر و مستحضر و غایت مدقق اولوب ملتقی الابحر آدلوب بر لطیف متن و منشیه المصلی به غایت جامع
و نافع شرح و دخی نیجه کتب و رسائل یازوب بوندن بحد شاکرد و سائر ناس مستفید اولمشدر سلف صالحین
سیر تلوع ایدوب صالح و حیدر الخصال و برکه من برکات الله ایدی شرح ابن همامه جابجیا نیجه قوی اعتراضاتی
وارد رغایت مشکل مسئله دوشدیکه مفتی سعدی افندی مرحوم بوکا خبر کوندروب مشاوره ایدردی
دیوهر ویدر (۲۲) منلا سیرلک محی الدین قصبه توفاتده مدرسه ایکن شهر زاده سلطان محمده خواجه اولدی
فاضل کامل ذکی و متفقه و مشغول و عابد و ناطق بالحق و محب صلحا و حیدر الخصال و متدین ایدی (۲۳)
منلا اهلجه محی الدین بعد المدارس بروسه ده سلطان مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و صالح و حیدر الخصال

اولوب اجیان او عظم دخی ایدوب وعظ ودرسدن چوق کسسه منتفع اولدی طریق مشایخه منسوب ایدی
(۲۴) منلا حسین چلی قرصیلو حسن چلبینک برادریدر بعد المداوس سخن مدرسی ایکن وفات ایتدی
فاضل و ذکی و علوم جلیله دن بهره دار و عقلیاتده ماهر ایدی (۲۵) امیر حسین چلی بعد المداوس پیش
انجه ایله ایکنی دفعه سخن مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و ذکی و خوش صحبت و اهل همت و کرم و مروت
محبوب القلوب مسلوب العیوب ایدی و زرا و کار علمانک مقبول اولغین اتمام مصالح فقر و احبابه جد و جدی
بجساب و انکله ارتکاب صواب و اکساب ثواب ایدردی (نظم) برین رواق زبرد نوشته اند بر
که جز نیکویی اهل کرم نخواهد ماند (۲۶) منلا محمد ابن وزیر مصطفی پاشا علمان او قیوب متفن و صالح
و متدین و بالطبع و مؤدب و خصال حمیده ایله مذهب و مذهب ایدی * پدری مدرسه سنه بعده بروسه ده
سلطانیه مدرسه اولوب تازه لکده وفات و ترک دنیای پرافات ایتدی (۲۷) منلا فرخ قمرانی بعد المداوس
سخن مدرسی ایکن وفات ایتدی فاضل و لطیف الطبع و ظریف النفس لذیذ الصحبه ایدی (۲۸) منلا صاری
شمس الدین بعد المداوس استانبولده پادشاه پدری مرحوم سلطان سیم خان غازی روحی ایچون مدرسه باید قده
سخن مدرسه سندن استانبول کورلدی فاضل مدق و متفن و مشغول ایدی (۲۹) منلا سروری چلی که اسمی
مصطفی در فاضل متفن و عابد و متدین و شاعر و پر معارف اولوب وافر و وفات واردر شمر زاده سلطان
مصطفی به خواجه ایکن انک قتلده استانبولده قائم پاشا مدرسه سی و برلوب کمال عزت و عبادته اشتغال
اوزره وفات ایتدی (۳۰) منلا جرجان که اسمی ابراهیم اولوب امامیه مقتیسی ایدی عالم وفقیه و صالح کسسه
ایدی (۳۱) منلا احمد چلی ابن شیخ الاسلام مفتی الانام ابو السعود بعد المداوس سلیمانیه مدرسه سی ایکن کیه قدن
کسک استیوب خسته اولوب سن شایده وفات ایتدی * کمال فضل و حفظ و ذکا و عجب و دنیا اولوب معمر
اولسه کار سلفه ملحق اولق محقق ایدی (فصل) مرحوم پادشاه زمانده اولان کار مشاهیر مشایخ بنور
ایدیلر (۱) شیخ عبد الکریم القادری که مفتی شیخ دیرلردی بعد زمان استانبولده مفتی اولغین مقبیل فضلده
تفصیل اولمشدر (۲) شیخ محمود چلی منلا قریمی پرورده سیدر علمه مشغول ایکن امیر بخاری نقشبندی
حضر تدریسه مرید و تحصیل مراد ایدوب دامادی و قائم مقام ارشادی اولدی * عالم ربانی و مرشد کامل صمدانی
و مهیب و ادب و نورانی ایدی مجلس شریفده کند و یاتده کتاب مثنوی او قیوب کند و سی انی طریق تصوف
اوزره تفسیر و تاول و شرح و تفصیل ایدوب عابد متصلب فی الشریع و عارف عالم بالاصل و الفروع ایدی * ادرنه
قبو سندن طشرده تکیه و جامع یا یوب مریدلر یله انده ساکن اولدی بوعبد حقیرک والدیه سی والدیه سنک پدری
اولوب طقوز یوزالی درنده وفات ایتدی روح الله تعالی روحه (۳) شیخ حاجی خلیفه دانشمند ایکن منور
شیخ محمود اقدی به مرید و محصول المراد و محاز بالارشاد اولدی * بعده عزت و عبادت و ارشاده مشغول
اولدی حمید الخصال و کلماتی مؤثره فی القلوب اولوب کجهلر او میوب صباحه دل قبله به فارش و جناب
حقه متوجه اولوردی * برکون ایکی مرید ایله اسکداره کجوب اصلا تدار کسر و خاتونه خبر سزجه کیدوب
دو نشده مدینه و وفات ایتدی (۴) شیخ بکر خلیفه دانشمند ایکن حاجی خلیفه به مرید و تحصیل مراد ایدوب
انک وفاتده نکره برینه کجوب ارشاده مشغول اولدی عالم و عارف و حمید الخصال ایدی (۵) شیخ کوندره صلح
الدین دانشمند ایکن طریقت زینیه دن شیخ تاج الدین انک وفاتده نکره شیخ قوجه لی محی الدین به مرید و اندن
محاز بالارشاد اولوب استانبولده انک برینه کجوب عارف و عابد و زاهد و منزوی ایدی (۶) شیخ محی الدین ازبکی
سلطان سلیم جامعک امامی ایدی شیخ یاوصی دن تحصیل مراد ایتش عابد و زاهد و حافظ قرآن و صاحب
کرامات وافر و ظاهر ایدی (۷) شیخ اسکندر قول جنسی اولوب شیخ یاوصی به مرید و تحصیل مراد و محاز
بالارشاد اولوب ایکن برکت تصوف ایله معارف ذوقیه به مالک اولدیکه معارفه عقول حیران اولوردی
قوی الارشاد صاحب کرامات ایدی (۸) شیخ سنان اردبیلی شیخ چلی خلیفه دن تکمیل طریق ایتشیری
عارف عابد و مرید و حاضر و ارشاده مشغول ایدی عمری یوزباشندن کجوب طقوز یوزالی برده وفات ایتدی (۹)
شیخ بلی خلیفه صوفیه لود عالم عامل مرشد کامل صاحب کرامات ولی علی الدرجات اولوب طقوز یوز
المیلد نکره وفات ایتدی (۱۰) شیخ مصطفی که مرکز خلیفه و مرکز اقدی دیرلردی منلا خضر بک اوغلی

احمد پاشا دن او قورکن سنبیل سنانه مرید و اندن تحصیل مراد ایتدی فاضل و مفسر و عارف و اهل سروا عظم
و مذکر فاع و زاهد و احرار آداب شریعت و طریقتده مجد ایدی (۱۱) شیخ سنان خلیفه امی و غایت پیر اولوب
لکن مرشد و صاحب جذبات الهیه و احوال سنیه ایدی خلیقه دن منزوی و فقرا و مساکینی مرعی ایدی (۱۲)
شیخ اویس چلی خلیفه مریدلر دن اولوب نامه توطن ایتدی عابد و زاهد و متقی و صاحب عرفان عظیم اولوب
خلق بو کافایت محبت ایتشدری (۱۳) شیخ بابا حیدر سمرقندی کوچک ایکن خواجه عید الله نقشبندی
حضر تدریسه خدمت ایدوب بعده آنلر بر مریدلرینه مقارن اولوب بعده مکه مکرمه ده نیجه زمان محاور
اولوب بعده استانبولده کلوب خلق بو کافایت اعتقاد ایدوب عابد و زاهد و عارف بالله ایدی (۱۴)
شیخ صنی الدین امامیه دن اولوب سراجلری شیخی دیرلردی عابد و زاهد اولوب عزت و خلوت و علم تعبیرده غایت
مهارت ایدی (۱۵) شیخ عبد الغفار قصبه مدرینلو اولوب شیخ زاده در تازه لکده اهل هوا ایکن ادرنه ده
بر کجه واقعه سنده پدری بونی دو کوب قاقیغین صباح شیخ رمضان و اربوب توبه و بیعت ایدوب خلوت کیروب
بعد المجاهدات و اصل مقامات و کرامات اولوب محاز بالارشاد اولد قده ولایتیه کلدی * علوم جلیله ظاهره دن
بهره دار اولوب وعظ و درس و عبادته محکم چالشوب عربی و فارسی انشا و نظم برینه ماهر و خوش نویس
و بی نظیر خطه مالک ایدی لذیذ الصحبه ولی علی الرتبه ایدی (۱۶) شیخ عبد المؤمن سید علی بن میمون مغربی به
نیجه مدت مقارن بعده شیخ صوفی زاده خلفا سندن برینه مقارن بعده بروسه ده عزت و وعظ و نصیحت
مدامت ایتدی چیل السیر عزیز و معتبر ایدی (۱۷) شیخ شجاع الدین الیاس کوچک ایکن طریق خلوتی به
منتسب اولوب عظیم چالشوب استانبولده دریا ایچنده قیرقله سنده اوج ییل عزت ایدوب شیخی خسته
اولد قده مریدلرینه کند و برینه شیخک کیه اوله جغه جناب حقدن اشارت امید یله توجه امر ایدوب جمله سنه
شجاع ایچون اشارت اولغین آنی شیخ دیکدیلر * امی اولوب لکن احوال طریق عالم ایدی اکثر با جذب غلبه
ایدوب اقوال و افعالی مضطرب و مختلفه اولوب انکچون جنون ایله ملقب اولمشیدی وفاتدن بر قاج آی مقدم
موتنه اشارت اولغین بوابه عیله و داعلشوب آغلشوب لقاء خدا جل و علایه اظهار اشتیاق ایدرک وفات ایتدی
(۱۸) شیخ احمد بن شیخ مرکز اقدی علوم عربیه و حدیث و تفسیری پدرلر دن او قیوب علوم ظاهره و باطنیه ده
کامل اولوب وعظه چالشوب بوندن غایت چوق کسسه منتفع اولمشدر بعض مسائلده بعض رساله لریاز مشدر
(۱۹) شیخ صاری چیلای که اسمی ابراهیم مغنیسایه قریب برده خلیقه دن عزت و کثرت عبادات اوزره
صاحب کرامات کثیره و عظیمه اولوب کار عارفین و خیار متقیندن ایدی طقوز یوزالتش ایکیده وفات ایتدی
(۲۰) شیخ محی الدین که قلندر خانه امامی دیرلردی علمای عصرلر دن او قیوب غایتده کامل و فاضل اولد قده
علم تصوفه مالک اولوب شیخ حبیب قمرانی و شیخ و فاضل شیخ امیر بخاری به مقارن قلندر خانه جامعنه امام و خطیب
اولوب طقوز یوزالی اوچده یوزالی یاشنده وفات ایتدی * علوم عربیه و شرعیه ده کامل و عبادته مشغول
عالم ربانی و پیر نورانی ایدی (۲۱) شیخ مصلح الدین حضرت امیر بخاری نقشبندی خلفا سندن اولوب طاشلور
تکیه سنده شیخ ایدی عابد و زاهد و مرشد و مجاهد ایدی (۲۲) شیخ سنان فلبه ده ساکن ایدی مشایخ
عظامدن یتشوب صاحب کرامات اهل وجد و حال ولی علی القدر ایدی (۲۳) شیخ قره لوعلی چلی منور شیخ
سنانک اوغلیدر * الولد علی سراییه مفهوم منجه ولایت و کراماتده پیر بنه شبیه ایدی (۲۴) شیخ واعظ علی چلی
عالم و عامل و فاضل و کامل و دیندار و متصلب و تقی شعار ایدی (۲۵) شیخ عبد الرحمن مرز یقونلی ایدیکه
واعظ شیخ زاده دیرلردی عالم عامل فاضل کامل و اعظم مفسر زاهد و صاحب السر اولوب مجر د اولغین سلطان
محمد غازی جامعنده بر بنجره ایچنده لیل و نهار معتکف وارساکن و دایم مطالعه و عبادته مشغول وراکن
ایدی (۲۶) شیخ محمود دده قونیه ده منلا خضر کار حضرت تدریستک منار شریفده بر بنجره ده خلقة دن منعزل
و عبادته مشغول مستجاب الدعوه و صاحب کرامات اولوب منور پادشاه بو کالوشوب خیر دعاسن المشدر
(۲۷) شیخ عبد الله بابا اهل ولایت و صاحب کرامات آقشمر قرینده بوله یقین برقر به ده اولوب تکیه سی سلاطین
عمارتن کبی مسافرنه دار الضیافه ایدی هر کون ییک نفر آدم کاسه کند و لره طعام و آتلی نه نیم ویریلوردی
جناب حقدن برکت خلیل و برلشدر و نیجه برده مسجد و کویلر بنا و تعمیر ایدوب خیرات و صدقاتی بیکر ایدی

نیجه پوز جفتی پوز یوب کسب حلال ایله کیچنور لردی کندود نصکره اولادی دخی ضیافت مسافرین اوزره غایت مشغول لرایدی (۲۸) شیخ محمد که علم طیده ماهر اولغین حکیم چای دیرلردی حضرت امیر بخاری نقشبندی مرید لردن اولوب عالم عامل و فاضل کامل و مرشد ظاهر و باطنی معموور عزیز پرنور ایدی طقوز یوز یتیم درنده وفات ایتدی (۲۹) شیخ ارلی زاده بکار مشایخ زهاددن اوقیوب قوشیده وعظ و ارشاد ایدردی اهل علم و کمال و صاحب عرفان و حال ایدی (۳۰) شیخ شاه علی چای ابن دفتر دار قاسم بن ملازمتندن فارغ و ایاصوفیا جامعنده ساکن اهل مشاهده صاحب تقوی و مجاهد و عالم و عامل و عارف کامل ایدی (۳۱) شیخ عبد اللطیف نقشبندی سلطان مراد و زراسندن قیون موسی اولادندن و مقدمه مامد کور اولان مولانا مصنفک نسلندن ایدیکه مذکور مصنفک امام خیر الدین رازی و حضرت ابوبکر صدیق نسلندندی منور شیخ دانشمند ایکن فارغ اولوب امیر بخاری نقشبندی دامادی و قائم مقامی اولان شیخ محمود افندی به مرید و داماد و تحصیل مراد و آنک وفاتنده قائم مقام ارشاد اولدی * علم و حلمه معموور و حسن خلقه مشهور و درون و بیرون پرانوار صاحب اسرار عزیز باوقار و تقوی شعار اولوب مشغولی و مرصاد العبادت قلعه معتاد صاحب ترتیب و ارشاد ایدی * پادشاهک شیخی مرتبه سنده معتقد و مقبول ایکن ملاقات ایچون چالشوب سرایه کتور سیوب آخر پادشاه اکا و ارمق ایستد کده غرض رجاء دعا ایسه دائما مشغول لطف ایدوب زحمتده اولسون دیورضار و برمیوب برکون پادشاه تره لر زیارتی بهانه سیه علی الغفله باشمغه کلور کن مر حوم شیخ ایشیدوب باغچه سنه کیدوب پادشاه کلوب حضرت امیر بخاری تره سین زیارت ایدوب شیخ افندی قنده در دیوروردن بعض درویشان پادشاه مزله کله جککرین بلیوب صباحدن اولادریله باغچه به کتدیله دیملر منور عزیز برنجناپ حقدن اعظم مراداتی مدینه حضرت رسولده یامکده وفات ایتک اولغین اول سنه یقلاشدن اهل و عیالیه مکة مکرمه به کیدوب بعد الحج عمری تمام التمش اوج ییل اولدقده مرادی حاصل و دار آخرته رحیل و منتقل اولوب علماء مشایخ کرامدن حضرت فضیل بن عیاض من اینه متصل دفن اولندی فی شهر شوال سنه طقوز یوز بر * مر حوم مر قوم بو عبد حقیرک والده منی پدیری

اولوب تاریخ منورده بو فقیر اوج یاشنده اولوب والدین ماجدین ایله استانبولده

ایدک (مؤلفه) ذکر اولنان مشایخ و علما * اولدیله چون دعوات راه خدا

هر برینه ایدوب بخدا رجت * مر قدین ایده روضه جنت *

نفر عالم رسول حرمتنه * اول کریم الاصول حرمتنه *

بزیده انره ایدوب الحاق * جمله من ایده رحمته

اغراق * هر که دیو بود عایه آمین * اوله

عالمده هر بلادن آمین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي ظهر لظهور الارض بان ظهر اشرف الاديان * ونسخ به نسخ اهل الكفر والبغي والعدوان * ثم الصلاة والسلام على حبيب الرحمن * محمد المرسل الى كافة الانس والجان * وعلى آله واصحابه ذوى الايقان والعرفان (اما بعد) قسم سابع كتاب مرآت الكائنات اولان اشهب واوراق فواند سمات دور حضرت آدم له نبوت نخر عالم صلى الله عليه وسلم ما بيننده کلان جواهر ملوک و حکامی و مشاهیر ام نامی اجمالاً مبين ومعلم اولوب اوز بيش بابيه منقسم ونیجه لری بعض فصوله منقسم ومر تسمدر

(باب اول در احوال ملوک پیشدادیان)

اشبوطا ثقه سدادنم در شاد اصیاد غایتده اصحاب عدل و داد اولغین افظ پیشدادیان بونله آد اولدی جمله سی اون ایکی آدم و نخته سکا هری دیار عجم اولوب سلطنتی قول اصح اوزره ایکی ییلک بش یوز اون ایکی ییل ایدی (فصل اول) در احوال کیومرث اتفاق اکثر مؤرخین آفاق اوزره اول ملوک عرب و عجم اجل سلاطین ام عا کیومرث شاه عالیه صاحب اقتباه رعایا پناه در * معتبرات تواریخده امام ابن حضرت نوح طقوز اوغلی اولوب بری کیومرث ابو السلاطین در دیو اتفاق اولغینکین عجب عجائب بود که ملوک عجم یانته کنبه کیومرثک نسیبده اختلاف اولوب بعض مؤرخین کیومرث ابن مهلائیل بن قینان بن انوش بن شبت بن آدم علیه السلام دیوب * تاریخ میرخوانده به ضلهم بن لاود بن ارم بن سام بن نوح علیه السلام ابتدای سلطنتنده کیومرث لقبیله ملقب اولدی دیوب * کتاب غنیه مؤلفی یافت بن نوحک براوغلی که اکابر بر عامر عجم کیومرث دیرلر عالمه والی و مستولی اولدقده کندوبی آدم استمدن غیری افظه ذکر اید نلک باشین کسمکه امر ایتمشدی دیمشدر دیوب * نظام التواریخده اگر چه نصیحة الملوک امام غزالیده حضرت آدمک اولادی چوغالدقده ایچلرندن شت و کیومرثی جمله به سردار ایدوب عمل ایچون هر برینه صحیفه شریفه و یروب امور دینیه فی شیشه دنیویه کیومرثه اصمیرایوب اول ملوک بنی آدم کیومرثدر دینوب لکن کیومرثک اولاد حضرت نوحدن اولدی اظهار در دیو مذکور در * معتبرانده مر ویدر که آیین پادشاهی بی وضع ایدن ابتدا کیومرثدر بلخ و اصطخر و دماوند شهر لر بن بعض قوایخه بابل شهر بن دخی بنیاد و دیساده بنای ابتدا بو ایچاد ایتدی ابراهیم و یول و قیلدن اسباب و قفتمان و قالی طوفان و قوی قازوب صوچیقارمق کار برلر یابوب چشمه لر ایتقی میوه اغاچلرین دیکمک متجسس و صبان ایل طاش اتقی جمله بونک اختراعیدر * بر صالح اوغلی اولوب مغاره لرده عبادت ایدرکن انی دیور قتل ایدوب کیومرث ایشند کده دیورله صواشوب کینی مقتول کینی اسیر و مغلول ایتدی * مر ویدر که کیومرث خور روی پسندیده خوی اولوب اکثر اعزات و سیاحت و عبادت ایدوب حضرت ادر یسندن در زیلک صنعتن اوکرتمشدی عاقبت دنیای پر عنانک فناسن بیلکین سلطنتدن فراغت ایدوب اوغلی سیامکی یا انک اوغلی هوشنگی برینه بکوروب آخر عمر نه دلک کنبه غارده لیل و نهار عبادت پروردکاره متصل مشغول اولدی * عمری ییلک دیو یوز ییل اولوب سلطنتی نظام التواریخده قرق شهنشاه و نصیحة الملوکده اوتوز سائر تواریخده بش یوز التمش ییل ایدی دیومذکور در (نظم) نه تاج و نه تخت و نه ملک و نه مال * نه عز و نه جاه و نه علم و کمال * خلاص ایده مر موتدن آدمی * فسا اوزره یایدی بیان عالمی (فصل ثانی) در احوال سیامک شاه بن کیومرث بونی دیور قتل ایدوب زمان سلطنتی آزا اولوب برینه اوغلی هوشنگ یکدی میرخوانده سیامک کیومرثک اوغلی اوغلیدر اکثر اعیانده مشغول اولوب جدی حیاتنده دیور زخمندن مجروح و اوقات ایدوب کیومرث کند و برینه سیامک اوغلی هوشنگی بکوروب بعده کیومرث دخی وفات ایتدی دینوب * نظام التواریخده سیامک ذکر اولغیوب کیومرث وفاتنده وصیتی اوزره هوشنگ پادشاه اولدی دیومذکور در * والله اعلم بما اخفی و اعلم (فصل ثالث) در احوال هوشنگ شاه ابن سیامک اکثر تواریخ غریبه ده اول ملوک عجم هوشنگدر طوفان نوحدن ایکه یوز ییل صکره پادشاه اولدی دینوب کیومرث ایله سیامک اصلا ذکر اولغی مشدر * میرخوانده قول شهر اوزره هوشنگ کیومرث نسلندندر به ضلهم لاییل دید کاری بودر قینان دید کاری پدیری کیومرثدر دیوب هوشنگ حقدن دخی نیجه اقوال وارد اقالیم سبعة دنیایه مالک ایدی دیمشدر ادیس عایه السلام زماننده پادشاه ایدی نهر دجله بی کسوب کتورن

بود درینوب اکن سابقا کیو مرث اولاد حضرت نوح بن اولسی اظهار در دید بکنه بخانه درو الله اعلم نظام
التواریخ ده هوشن اهل علم اولوب حکمت عملیه ده جاودان خرد آدلو کتب تالیف ایدوب مأمون خلیفه
زمانه عربی به ترجمه اولدی غایت عادل اولغین پیشدادی لقب قونوب صکره کلان ملوک بونک طریقه
سلوک ایتمکین پیشدادیان دیو مسمی اولدی طایفه عجم و نیکچون پیغمبر در دیوب لکن حضرت ابن عباس
طایفه محمد بن اصلا پیغمبر کندی دیشدر * مر ویدر که تاج کیوب تخت او سینه او نور منی معدن دمنور
چیقار منی واندن انواع آلات دوزمک بونک ایجادیدر مقامی اولان اصطخر شهری زیاده توسیع ایدوب
مر ویدر که کثیرا طاغرده عبادت ایدوب بر کون سجده ده ایکن بعض دیولباشنه طاشله اوروب شهید ایدوب
کیو مرث حیسانده اولوب لکن طوی عیوب بعده واقعه سنده اعلام اولغین واروب اود یولری قتل ایدوب
برلنده بلج شهری بایدی دینوب * سائر کتیده مذکور در که خلق دین اسلامه دعوت ایدوب بونک زمانه
نیجه شهر لر کویله یاربایوب دین سامعمور اواغنه باشلادی مغر بده سوس عمده ششتر راصفهان و بابل و کوفه
شهر لر بنیاد بایدی معادن سیم وزر و جواهر چیقار منی اغاجلری کسوب تختیه ایکن طایرانی یاربوب خرقه
کسوب افار صوکتور مک و سحر و سحر و قافم و ویشق و دایکی در یلری کورل ایدوب کیم کلبه شکار المنی
او کرکک چاقق طاشنی چاقوب آتش چیقار منی جله بونک ایجادیدر * سلطنتی قرقیل عمری بشیوز یا خود
یک ییل ایدی (فصل رابع) در احوال طهمورث دیو بنیاد بن افرجهان بن مرکتک بن هوشنک بن بهضر
هوشنک صلی اوغلی بعض اوغلی اوغلی در عیشلر * قوتلو هیبتلو اولوب مؤذی دیولری الیه طونوب کیمی قتل
کیمی کویله قویوب حبس ایتمکین دیو بند برلری بعض کتیده کند و الیه ییل در تیز سکسان دیو قتل
ایندی دیومذ کور در جدی هوشنک صلی اوغلی قالمغین آنک برینه تخت کچورلده اوج ییله دلک عالمده
بر فردن باج و خراج المیوب بعد زمان عظیم خط اولدده غنیر اخشام طعمایله اکتفا ایدوب صباح میکن
قزایه و بر مک امر ایندی * تاریخ کاملده اورج طوقق بونک زمانه ظهور ایندی زیر بعض فقر کمال
فقر لرندن کوندریمک عیوب همان اخشام زمانلنده جز نیجه سنده یکم معناد اولوب بو حاتی نواب
عدایت کوندره شرایع انبیا بو کاموافق ظهور ایدوب صوم مشروع اولدی دینوب * لکن زمان معینه صوم
شریعت حضرت آدمده فرض ایدی دیو یوقار و ده کدی بکنه مخالفدر * نه کاملده طهمورث ابایسک اوزرینه
صحرایوب بوب جله دنیای کز دروب المیسی و شیطانی قورقوب اطرافه قاجدر یلر قیلدن یو کدن لباسلر
فراسطوقتی و شکار ایچون وقیون سور یلر بن بکامک ایچون کلبه بسلتمک بونک ایجادیدر سلطنتک اول
ییلده بوراسب ظهور ایدوب خلق ملت صابینه دعوت ایندی دیومذ کوردر * مر ویدر که طهمورث اهل
عدالت و دیانت و فرات اولوب ادریس پیغمبر دیننده بعض کتیده ادریس پیغمبر زمانه ایندی دینوب لکن
عربی تاریخلده سلطنت هوشنک طوقاندن ایکوز ییلد نصکره ایدی دید کلبه نه مخالفدر * مر ویدر که تخت اوزره
او نور منی حیواناته ابرویان اوروب بکن فارسی بازی باز منی دویه یولک اور منی یوندره و قسرا قراجار چکمک قلی
بجاق کرز یوزخان دوزمک طوغانه چاقره آتجه به پارسه شکار المنی تعلیم ایکن ابریشم قوردرلر نه فوت اغاجی
پیراغن غذا تعین ایکن جله بونک ایجادیدر * فارس آمدنیشا بور مهر کهن قهندز مر وامل طبرستان ساریه
اصفهان شهر لری و حال اخراب اولان مدین سبعة ولایت عراق عرب بونک زمانه ییلدی عمری سکر یوز ییل
اولوب سلطنتی میرخوانده همان اوزر بعض کتیده قرق قاموسده ییوز ییل ایدی دیومذ کوردر * والله
اعلم (فائده) میرخوانده مذکور در که بونک زمانه اکثر نامس اقر یارندن یا احبارندن غایت سوکاو
کسبه لری وفات ایند کده آنک صورتن بایدروب تسلیمت قلیچون اکا نظر ایدردی مر و زمانه صورت
دوزنک سبی او نورلوب اغوی شیطانله عبادت او ثنان عیان اولدی (فصل خامس) در احوال جشید
غایتده خوب صورت اولغین بواجله مسمی اولدی زیر اسر یا نیجه جم ماه شید شعاع دیمک ایش بعض
طهمورثک برادر زاده سیدردیوب میرخوانده بعضلار رخشد بن سام بن نوح علیه السلام اوغلینک اوغلیدر
بعضلر طهمورثک برادریدر دیوب قول اشهر اوزره طهمورثک صلی اوغلیدر * طایفه عجم دیدر که اقالیم
سبعة به مالک اولوب طوائف انس و جنی تسخیر ایندی موت و مرض و پیرلک ضعیفی خلقدن رفع اولغنه دعا

ایتمکین اوج یوز ییله دلک عالمده بواج نسبه اصلا واقع اولدی * مفردات و مرکبات ادویه معادن و نباتاتی
مقتضای عقله تجر به ایدروب منافع و مضار بن بیان ایدردی * معادن انواع جواهر و سیم وزر و دمنور
چیقارندن و دمنور دن بجاق نجاق قلی خنجر زره مغر بایدروب سیم وزر و جواهر دن انواع زینت ایجاد ایدوب
ایکن قوردرلر بنیاد ابریشم جمع ایکن ورنکارنک یویالر پیدا ایدوب انواع لباسلر بویادوب کیمک وعود و عنبر
و انواع طیب و بخور دخی بونک ایجادیدر * آب شر اولان شراب کثیرا لضر بعضلر قونجه بونک ایجادیدر دینوب
سبب ظهوری تفصیله محتاجدر لکن شرب خمر شریعت حضرت آدمده حرام اولوب جشید ایجاد ایدوب
قول صحیح دکادر * مر ویدر که نیجه عظیم شهر لر یا بوب آیین سلطنته ابتداء نظام و ربوب عناصر ار بعه عددنه
او یقی ایچون خلقی درت صنف ایتمکین بری علما و اهل قلم بری سپاه و خدم بری اهل زراعت بری ارباب صنعتدر
دینوب * مر ویدر که صاحب حسن و جمال و عقل و کمال اولوب مهمات سلطنت و جلال و آلات حرب و قتال
و بدایع صنایع ترکیب و ترتیبه اشتغال ایدوب وزرا و امرا و بوابلر نصب ایکن و آت رخنلر بن پیدا ایکن چادر
دیگوب قور منی دریادن جواهر چیقار منی کرج و اسفیداج دوزمک بر روایتده حمام باقی جله بونک زمانه
ظهور ایدوب بعضلری بالذات کند و بکن اختراعیدر * تاریخ کاملده ادریس علیه السلام زمانه ایدی
دینوب اوائل سیوطیده هود و صالح علیهما السلام بونک زمانه کاد یلر * دین و آییننه خلل کلشکین ابتدا
چالوسنده اظهار آثار عدل و داد ایتمکین اول کونه نوروز دیدیلر بعده هر یکی ییلده او کونی بیرام ایدوب
غایت تعظیم ایدردی * آیین سلطنتی ابتداء وضع و نظم ایدن ملوک محمد بن جشید ملوک قبطدن حنا بن یصر
ملوک یمندن یسحب بن یعرب انبیا دن حضرت سلیمان ملوک یونانندن اسکندر بن فیلقوس ملوک نصرا دن
عالموس ایدی * جشید تختگاه قدیم اولان اصطخر شهر بن توسیع و تعمیر له اعجوبه دهر ایدوب طوس شهر بن
دخی بایدی درلر * فیثاغورث حکیم نعمات دنوازی و اکثر آلات سوز و سازی بونک زمانه ایجاد ایددی
دینوب لکن اشاعیده فصل امت یونانده فیثاغورث حکیم سلیمان پیغمبر شاکر لرندن برینک شاکر دیدر دیو
کله جک روایت صحیح به مخالفدر (کفر او) مر ویدر که جشید عنید غیر رشید (ان الانسان لطیفی ان راه استغنی)
آیت کریمه سی مفهومه واصل کمال عز و غنا و نائل اقبال عظیم دنیا اولدیغنه مغر و رودیده قلبی کور اولوب
عز و شوکتله انواع عیش و عشرت ایدوب مدت عمرنده اصلاحسته اولماغین اغوی شیطانله حاشاد عوای
الو هیات ایدوب کند و صورتده صغیر یا دروب خلقی اکا طایر منی ایچون اطراف عالمه کوندردی (قتل او)
میرخوانده مذکور در که شداد بن عاد برادر زاده سی ضحاک بیحد عسکرله کوندروب جنکده جشید صغیر
قاجوب بعد زمان سیاحتده طولوب ضحاک بونی دستره به کزربالق کوکبله بیچدروب (و کذلک نولی بعض
الظالمین بهضایما کافوا یکسبون) مضمون هم او بونی ظاهر اولدی (متفرقات) نه میرخوانده کرشاسب
نامه ده جشید سیاحتده سجستان اطرافده تاهل ایدوب اولادی اولوب کرشاسب ورستم انک نسلندن در
دینوب * بعض عجملر جشید اوچنی پیغمبر در دیوب ضحاک کدن قاجدده قرار ایدیه میوب آخر بر مغاره ده
طوروب اوت اولدردی دینوب * بعض کتیده قاجد قدن یوز ییل صکره ضحاک بونی دریا کارنده بر محجوف اغاج
ایچنده بولوب اغاجله ییله دستره ایله بیچدردی عمری ییک ییلد ییوز سلطنتی ییوز یا اوچ یوز ییل ایدی
و هب بن منیه جشید ابتداء سلطنتده عاد قومنه مبعوث اولدی دیشدر دینوب * هب قولی صحیح اینه
دعوی الو هیات ایتمکین روایت باطله اولور زیر انبیامت عمرلنده کفر دن معصوم اید کیری محقه در اما اکثر
احتمال صحیح دکادر زیر حضرت ابن عباس محمد بن پیغمبر کلامشدر در * والله اعلم (فصل سادس)
در احوال ضحاک ماری) ابن علوان حاکم ظالم اولوب رعایا به تحمل لرندن زیاده باج و خراجلر وضع ایدوب آدم
اصح ال ابق کسمک نازیانه ایله اور منی ضحاک سفاک افالک ناپاک بی باک بدعتیدر * جشیدک بر بنه کچوب
زاد فی الطنبور نغمه آخری مثلی مفهومه ظلم وعدوان و کفر و طغیان ایله اندن زیاده تابع امر شیطان
اولدی دمشق شام شهرنی ابتدا بیاچشدر بعضلر شداد بن عادک برادر زاده سی بعضلر همشیره زاده سی ایدی
دیوب بعضلر حاکم بن نوح علیه السلام نسلندن در دیوب بعضلر اوچنی اتاسی آدم پیغمبر در دیوب قاموسده
ضحاک بتون دنیا به حکم ایدوب والد سی جندن اولغین بودخی جنلره ملحق اولدی دینوب * نظام التواریخده

حضرت ابراهیم علیه السلام بونک زمانده پیغمبر اولدیغده اتفاق واردردیونوب * تاریخ ابن شحنه ده فرود
 خفا کان طرفندن ولایت عراق بکی ایدی دینوب * میرخوانده نیجه مؤرخلر تور و دجله دیار مغربده خفا کان
 طرفندن بکی ایدی دینوب * بعضی قواریخده فرودله خفا کان ایکسی برکسنه در خفا کان اسمی فرود قبیله دینوب
 تاریخ معمودینه خفا کان پدری اسمی ارواد ایدی * فرس بن طهمورث نسلندند و بعضی جشیدل
 همشیره سنی عرب بکارندن بری نسکا حلقوب خفا کان اندن طوغدی دینوب بعضی سیامک نسلندند دینوب
 مجوسیلر خفا کان التبی جدی کیومرث در دینوب * نیجه لر دیدیلر که داغماون بیک آت بسلکین فارسجه لقبی
 یوراسب ایدی اون در لوعیمی اولغین ده آلدیونوب بعده عربجه خفا کان دیدیلر * مذکور عیلم قبح صورت
 قصر قامت کبرایله نفوت جهاله حیاقت حیاده قتل اکاده کثرت ظلم رعیت فسادیت بدزبانلغله حدت و هر
 حالده کمال استیصال ایلده عدم صبر و سکینت ایدی * مر ویدر که سابقا هاروت و ماروت شاکردلر بیک برندن تعلم
 سحره چالشوب پدری بنده طائفه جبر بکارندن اولوب عربجه اسمی علوان عجمجه مرداس ایدی صالح کسنه
 اولوب خفا کان که سحری اوکرتمه دیکین پدری سحرله یوغ ایدوب سلطنتده برینه کجوب بعد زمان جشیدل
 اوزرینه واروب تخت بکدی (ظهور مار) مر ویدر که دیدیوز بیلد نکره ایکی اموزنده بیلان شکنده
 برزسنه بتوب هر کون ایکی آدم بینیسنی مرهم ایدوب بوحاله ایکیوز بیل کجوب بعده برواقه قاجعه
 کوروب تعبرایدر کده جشیدن نسلندن فریدون اسمی لودن سکا حلقوب زوال وار دید کازنده فریدونی ارادوب
 هنوز طوغغین فی والده می بریده صقلاوب نیجه بیللر دکره انک ایکی اوغلنی خفا کان قتل ایدردی
 (هلاک او) ولولادفع الله الناس بعضهم ببعض افسدت الارض ولكن الله ذو فضل علی العالمین) آیت کریمه سی
 مفهومجه (نظم) خبر در اولولردن نقل اولنور * که هر فرعونیه بر موسی بولنور (نثر) پس کاوه
 آهنکار صفا نده عسکر جراح خصم شکار ایلده ظهور ایدوب خفا کان اوزرینه کلوب فریدونی بولده بولوب پادشاه
 ایدوب جشیده خفا کان قاجوب بعده طوتوب ارقه سندن قایش چیقارلوب کوه دماوندده حبس و طبری قولنجه
 قتل اولندی * بعضی کتیده فریدون مقدم کاوه آهنکار خفا کان صواشوب خفا کان قاجوب نایدی اولدی دینوب
 لکن بقول صحیح دکلدر دیشلر (روایت) بعضی معتبرانده مذکور در کبرکون ابلیس لعین آدم صورته ده
 کلوب خفا کان ایکی اموزنی اوپوب کتدکده هر برنده چنان کبی برزسنه بتوب بارمق کبی اوزانوب محکم
 اغروب نه ابلیس طیب صورته کلوب بونک علاجی هر کون درت آدم بینیسیدر دیکین یوز بیلده دل
 هر کون درت آدم قتل اولنوب بینیلر فی مرهم ایدوب انکله وجبی دیکوب ارناسی مرهمی تازه ایوب یوز
 بیلد نکره وزیر وفات ایدوب برینه اولان وزیر عاقل و عادل اولغین ایکی آدم بینیسنه ایکی قبون
 بینیسین قاتوب هر کون ایکیشرحبوسنی قتلدن آزاد ایدوب خفیه مغاره لده بسلدردی در نیوز بیل دخی
 بوحاله کجوب قتلدن قورتلنلر ایکیوز بیکدن زیاده اولد قازنده فریدونه تابع اولوب کلوب خفا کان قتل ایدیلر
 نیجه معتبرانده کرد طائفه لری اشبو آزاد اولنلر نسلندند دیومذ کوردر خفا کان عمری بیک بیل سلطنتی
 التیوز یایدیوز بیک بیل قدر ایدی (فصل - ابع در احوال فریدون فرخ) تفسیر بایده بعضی قولنجه
 ذوالقرنین خفا کان قاتلی فریدون بن النعمه اندر دینوب قواریخده مذکور در که قیل تسخیر ایتک اوزرینه
 آدم نوب جنگ ایتک شهرله قلعه باقمق تریاق دوزنک بونک ایجادیدر خفا کان کوز فصلنک اول کونی قتل
 ایتکله دنیایی تازه و خاکی واصل فرح بی اندازه ایتکین اول یوم سعیدی عید ایدوب اسمی مهر جان قودی
 حالما طائفه عرب و عجمه نوروز کبی یوم مشهوردر * تاریخ میرخوانده بعضی کتیده جشیدن نسلندن اولوب
 اراننده سکر کسنه واردردیونوب لکن مؤرخینک جشیدل انقبان آدلواوغلینک صلی اوغایدردید کاری
 اصمدر پادشاه اولد قده کاوه آهنکاری سر عسکر ایدوب فتح مالکه کوندر مکین یکریمی بیل قدر ربع مسکونی
 کروب اعظم ملوک جنگ و تدبیر ایلده تسخیر ایدوب دنیاده بر مخالف قالد قده فریدونه کلوب بودخی اکاعراق
 و صفهان و آذر بایجان ملککلر بیک * کوه تن و یروب کاوه مکانه واروب اون بیلد نکره وفات ایدی
 دیومذ کوردر (درفش) مر ویدر که کاوه نلک ابتدا ظهورنده بر کوندر اوجنه باغلدیغی جشیدن پاره سنی که
 بعد زمان درفش کاویان دیکله مشهور جهان اولوب جمیع غزالده انی اوغر طوغلردی فریدون

انی کتوردوب جواهرله مرصع ایدوب بعده چاق دین محمدی ظهورنده دلک هر شاه عجم بر مقدار جواهر ضم
 ایدوب غزالنده تینانی بیله کونوروب حضرت عمر زمانده مداین کسری فتحنده عادت مجوس مخصوصدر
 دیودرفشک ختیبانی آتسه یاقوب جواهر فی مسلمانلر اولشوب اون ایکی کره یوز بیک فلوری حاصل اولدی
 (متفرقات) فریدون کند و سلطنتندن الی بیل صکره خفا کان قیزی نسکا حلقوب ایکی بیلده دلک قواریله
 سلم آدلوا بیک اوغلی اولوب بکار عجمدن برینک ایران دخت آدلوقیزی نسکا حلقوب آندن ارج آدلواوغلنی اولوب
 (العرق نزاع) مضمر نیجه سلم و نور دده لری خفا کان مشربن طوتوب ارج عاقل قو پیغین فریدون اکامائل اولوب
 دنیایی اوج قسم ایدوب روم و مغرب و فرنگ و لایترین سلم و یروب لقبی قیصر ارض ترکستان اولان چین
 و ماچین و بعضی ممالکی توره و یروب لقبی قغفور قویوب آنک و لایترینه توران دینوب (خیر الامور اوسطها)
 مفهومجه عدل و افضل ممالک عالم اولان فارس و عراق و خراسان و حجاز و لایترین که سر حد ترکستان
 اولان نهر جیحونه وار نیجه اولان و لایترین در ابرجه و یروب لقبی شام قویوب کند و وفات ایدکده برینه کجکی
 اکاتعین ایدوب ابرجک و لایترینه ایران دیدیلر * مر ویدر که قاتر طوغغی ایچون قسراغه حمار چکمل
 فریدونک بررواینده طهمورثک اختراعیدر * کتاب صور الاقالیمه حق تعالی فریدونی خفا کان قتل و عالمی
 اصلاح ایچون پیغمبر ایشدی دینوب لکن حضرت ابن عباس طائفه عجمدن اصلا پیغمبر کلدی دید و کنه
 مخالفدر * بعضی قواریخده تخت بکده خفا کان رعایان ظالمه الدینی مالری صاحب لرینه و یروب خفا کان
 قبیله سی اولان عاد قومنه غزا ایدوب انلری طاغدوب و لایترین الوب معموده ارضی بالتام فتح و ضبط ایدی
 دینوب نیجه مؤرخلر قولنجه بالذات سردارل کوندروب ممالک عالمی او تور دینی بردن تدبیر بیلده فتح و ضبط
 ایدی دیوتفصیل ایدوب * معتبرانده مذکور در که دنیانک ربع مسکونی تمام کزملک ملوک عالمده همان فریدونه
 و ذوالقرنینه و سلیمان پیغمبره وارد شیرین بابکه و تسع جبری یعنی به ميسر اولمشدر * مزبور فریدون کمال عدل
 و انصاف ایلده انصاف و علم اوصفا و حکما به غایت رعایت و علم طب و نجومه شغل و نظرا ایدوب رایت فتح آیتی
 باشند و وفق صد اندر مد و ارایدی حضرت خضر بونک زمانده اولوب سلطنتی بشیوز بایکیوز الی ایدی
 (فصل ثامن) در احوال منوچهر * میرخوانده بعضی ابرج بن فریدونک اوغلی اوغلیدر بعضی قیزی
 اوغلیدر دینوب قول اصح اوزره ابرجک صلی اوغلیدر سلم و نور ابرجه * سدا پدر لری فریدون ایلده چنکه
 اتفاقا عسکر کجوب فریدون دخی عسکر جمع ایدوب ابرج برادر یله صلحه و ارمغه اذن ایتوب فریدون
 اذن و برمیوب عاقبت ابرامله اذن الوب وارد قده سلم و نور ایتک باشن کسوب فریدونه کوندر بیلر بعده ابرجک
 اوغلی منوچهر طوغوب بعد زمان فریدون بونک اتفاقا سلم و نور عسکر کجوب جشیده سلم و نور قتل
 و عسکرلندن ایکیوز بیک آدم اسیر اولدی دینوب * نیجه معتبرانده مذکور در که منوچهر فریدون وفاتده
 آنک وصیتله تخت کجوب هراقلم و قبیله به نصب حاکم و مالکدن رفع نظام ایدی * خندق کسوب نهر فراتی
 ولایت عراقه ایدوب باغچه لیاوب انجبار و ریاحین ایله تربین ایدوب جله ممالکی حسن تدبیر ایلده ضبط
 و تعمیر ایدی عالم و عادل اولغین حصارله خندق قازمق و صبح و شام تقاریر چالدرمق و نیجه امور عجمیه
 و اعمال کثیره ایجاد ایدی * شعیب علیه السلام مدین قوه نه حضرت موسی علیه السلام مصرده فرعونله
 قبط قومنه بونک زمانک اواسطنده یوشع علیه السلام دخی بونک اواخرنده پیغمبر اولمشدر دیو اتفاق
 اولمشدر * تاریخ ابن شحنه ده فرعون منوچهر طرفندن مصر حاکمی ایدی دینوب لکن قرآنده حکایت
 او اندیغی اوزره (الیس لی ملک مصر) دیدیکندن امتقلالی تبادردر نجاستله مشهوران جهان اولان زال
 و سام و نریمان منوچهرلر امر اسندن دینوب * میرخوانده نریمان و اوغلی سام فریدونک امر اسندن سام
 و اوغلی زال منوچهرلر * کبر آء امر اسندن اولوب نریمان فریدونک سام منوچهرلر زمانلرنده وفات ایدیلر
 منوچهرلر اولسندن الی بیلده دلک عدل و دادله تعمیر بلاد ایدوب بعده تور نسلندن ترکستان پادشاهی
 افراسیاب بن بشتک عسکرله کلوب اثنا جشیده منوچهر امل شهرنک حصار غایت محکم اولغین اکا کیروب
 افراسیاب انی خیلی زمان محاصره ایتکین ناچار نهر جیحون ماوراسی افراسیابک اولاق اوزره صلح اولنوب
 افراسیاب اسکی ولایتنه کتدی بعده منوچهرلر قوت و شوکتی ارقوب قدیدن ملوک بن ملوک عجمک هیچ برینه

سرفروا بنام سکر کن بو کامطایع اولوب بمالک شرق و غربی ضبط و تسخیر ایدوب سلطنتی یوزیکری ییل ایدی
(فصل ناسع در احوال نوذر بن منوچهر) پدری برینه کجوب کمال حملدن تدبیرده تقصیرده اولمغین بدینجی
یا ایکنجی یا اون ایکنجی ییلده ترکهستان پادشاهی پشنگ ارشد اولادی اولان افراسیابی در تیوزیلک ییاده
وسواره نوذر اوزرینه کوندروب مقابله اید کرنده نوذر لعدم مقاومتی مقرر اولمغین طوس ایله کستم آدلو
ایکی اوغلی بعضی کسسهلر قاجروب اردلرجه افراسیاب عسکر کوندروب صواشلوب بو طرفده دخی
صواشلد قده نوذر اعیان عسکر ییلا سیر اولوب بعده افراسیاب آتی قتل ایدوب برینه کجوب پوشع بیغمبر علیه
السلام نوذر زمانده ایدی (فصل عاشر در احوال افراسیاب) نوذر سلندن ترکستان پادشاهی پشنگ
ارشد اولادیدر بعضی افراسیاب بن ترل بن نور بن فریدون ایدی * تاریخ میرخوانده نوذر قتل اید کده
اکثر عمال ایران مالک و راه جوړه سالک اولوب ایرانی ویران ایتمکین اعیان ولایت بونک برادری اغری رنه
ایلی کوندروب تحت ضبطنده کی عسکر ایران اسیرلر نیک اطلاق رجا اید کرنده جله سین آزاد ایدوب
افراسیاب ایشیدوب اغری رفی المالک پاره ایوب بعده زابلستان و نیچه بمالک حاکمی زاب بن طهماسب
ابن منوچهری پادشاه ایدوب اودخی عسکر ایرانی جمع اید کده افراسیاب دخی عسکرله قارشلوب ایدی
آیه دلک دمیدم جنگ محکم اولوب آخر عظیم حقت سبیلده بالضروره افراسیاب زابلده صلحشوب ترکستانه کیدوب
زال ایرانده همتقل شاه کامیاب اولدی * منور افراسیاب (لمرره) شجاع و مهیب و غضوب و غیور *
شه ظالم و بی امان و جسور (نثر) و دیار مجده نوذر برینه اون ایکی ییل پادشاه برغرور اولوب قتل عباد
و تخرب بلاد ایدی بعده ولایتنه کتد کده آنده کماکان سلطان کامران اولوب جله سلطنتی اویچوز طوقسان
ییل عمری در تیوزیل ایدی کیخسرو زمانده قتل اولد یغی اشاغیده کور * دیناده اوق و یای ابتدا بونک
زمانده ایجاد اولندی دیشلر (فصل حادی عشر در احوال زاب بن طهماسب بن منوچهر) بعضی زاب برینه
زو دیشلر عاقل و عادل اولوب فتنه کچد کده بدی ییلده دلک رعایان اصلا باج و خراج المدی اهل شجاعت
و شهامت اولوب قش باشنده ایکن افراسیابک اوزرینه عسکر کجوب مراراجنکر دینکره اتی اسکی ولایتنه
قاجروب جدی منوچهرک مملکتلر بن ضبط و افراسیاب خراب ایدی یکی برری معمور و عالمی عدله پرنور ایدی
قدیمدن بغداد بر مختصر ججه کوی ایکن عظیم شهر ایدوب اسمنی باغ داد قودی به دزمان اختیار یله سلطنتی
کرشاسب و پروب سلطنتی همان اوزرینا الی ییل ایدی (فصل ثانی عشر در احوال کرشاسب بن کشتاسب)
زاب برادر نیک با عیسینک اوغلی در والده سی بنیامین بن حضرت یعقوب علیه السلام سلندن رستم دستان
دخی کرشاسب سلندن در بودخی اختیار یله سلطنتی کید باده و پردی * نصیحه الملوکده کرشاسب ذکر اولمغینوب
زور برینه کید باده کیدی دینوب * میرخوانده مذکور در که مفاهیج القلوبده زابلده کرشاسب سلطنتده مشترک
ایدیلر دینوب * تاریخ طبریه کرشاسب زابک زیری ایدی دینوب * تاریخ مجده کرشاسب زاب
و فاطمه نصره بکری ییل پادشاه اولد در دینوب به ضلیمکری ایکی ییل دیدیلر والله اعلم

(باب ثانی در ذکر احوال ملوک کانیان)

اشبوط طایفه سکرار بر عورت و عدت سلطنتی ییوز اوزرینک ییل اولوب اتملر نیک اوللر نده شی و زنجبه کی
لفظی اولمغین بونلر کانیان در لر فارسجه کی عزیز القدر و پادشاه دیکدر بونلر دردی مسلمان با قیلری
مجوی آتش برست ایدیلر کانیان دینک اعتبار یله بونلری تواریخده بشقه طبقه باز مشلدر والا یوقاروده کچن
بیشدادیان سلندن اولوب حقیقه انلرک غیر طایفه دکلدر (فصل اول در احوال کید باده بن نوذر)
ابن منوچهر آخر پیشدادیان اولان کرشاسب اختیار یله سلطنتی بوکاور مشدی بعض کتیده زون طهماسب
و فاطمه نصره کید باده بن راع بن مبشر بن نوذر بن منوچهر فتنه کچدی دیومذ کوردر مر ویدر که کید باده
سداد نهاد رشاد اعتیاد عدل و دادله حایت بلاد و رعایت عباد ایدوب سلطان عظیم الشان عجم الاحسان
ایلی عادل و لیب و کامل و مصیب اولوب باب نصایحه کلمات لطیفه سی وارد در حزقیل و الیاس و البیع
و شعریل علیهم السلام بونک زمانده بیغمبر اولمغین انلر صدقه محبت و اوامر و نواهی آلهی رعایتنه همت
و دقت ایدردی * میرخوانده کرشاسب و فاطمه نصره جلوس ایدوب رستم دستان زابل و مهرباب کابل

وقارن رزخو و کسواد زرین کلاه بونک سیر عسکرلری اولوب عسکر جراح خصم شکارله افراسیابک اوزرینه
یور یوب اودخی صلح سابق بقاسین رجا ایتمکین تجدید و تآکید اولدی دینوب * بعض تواریخده ایکی عسکر مقابله
اولوب رستم دستان پهلوان جهان و صاحب قران زمان اولمغین عسکر دشمنه آت صالوب افراسیابی طوبوب
بوینته ایب طاقوب بعده بر حیلله ایل قورتلوب قاجوب مصالحه بعده واقع اولدی دیومذ کوردر * تختسکاهی
نهر جیحون کنارنده اصفهان شهری اولوب اترک نایاکه اکثریاجنک ایدردی سلطنتی یوزیکری یا یوزیل
ایدی (فصل ثانی در احوال کیکاس) بعضی کیکباده اوغلی بعضی کیکبده آدلو اوغلی اوغلی در دیشلر کیکباده
وصیله تختسکاهی کجوب حایت مملکت و قتل بعض جماعت ایدی بلخ شهرنده او توروب بابل شهرنده رصد بونک
آ نازندر خو بروی و جسم اولوب دکه برآت کونوره مزیدی عدل و خیرانه مائل وراکن لکن متلون اولمغین
گاهی امور متناقصه صدور ایدوب بعض غیر مهم حاتده سی موفور و بعض مهماتده اهمال و قصور ایدردی
حضرت داود و سلیمان و لقمان حکیم بونک زمانده ایدیلر (فتوح) تاریخ میرخوانده غایت مفصلدر که
مازندران فتنه واروب حصار محکم اولمغین فتح اید میوب عاقبت قویوب کیدوب برایکی منزل بردن تیار
صورتده آدملر کوندروب شهره کید کرنده ذخیره لر مخزنلرینه آتش اوروب جله سی باند قده کیکاس و دینوب
کلوب شهر لونک آرقاری قالمغین قلعه بی الوب خلعتی قیردی * اکثر تواریخده مذکور در که مازندرانده وارد قده
اسیر اولوب رستم زال واروب قورتردی بعده کیکاس عسکرله هندستانه واروب اول اطرافی ضبط ایدوب
بعده تختسکاهنه کادی (حبس) بعد زمان منجه سفر ایدوب بن پادشاهی ذوالاذعار جده کده صینوب
بر طرفه کیدوب بوشاده غایت حسن اولان قیزی کیکاس ایشیدوب ذوالاذعارله بارشوب قیزی الوب
سور بر سر ورده کیکاس سابقا عجم شاهی اولان نوذرک طوس و کستم آدلو ایکی اوغلی ایله نیچه امر و سپاهله
طوبوب قلعه ده حبس اولدیلر (خلاص او) رستم ایشید کده بیک نفر دلاور هنر اوریله منجه واروب
ذوالاذعار ایشید کده جله محبوسلری جیه واروب قیزی بیک جاریه ایله کیکاس و پردی افراسیاب ولایت ایرانی
شاهدن خالی ایشتمکین عسکرله کلوب اکثر عمالک عجمی ضبط ایدوب کیکاس و خلصن ایشید کده ممالکی
یا قوب یقوب ولایتنه کندی کیکاس تختسکاهنه کاد کده رستم سیستان و کابلستان و نیچه ولایت سلطنتی
و پروب تاج مرصع کیدروب اقبنی تهمتن و جهان پهلوان قودی (قصه) مر ویدر که سیاوش بعد زمان
کیکاس و حسن و جمال و شجاعت و کالده بی مثال اولان اوغلی سیاوش پر هوشه کیکاس و خاوندلرندن بری
ت عشق ایدوب دام کید ایله اتی صیدایک ایچون بی شک و امترا افترا ایدوب کیکاس خاوندینه اینوب سیاوشه
انجنوب اودخی پدری خوفندن افراسیابیه قاجوب انک قیزی نکاحلنوب کیخسرو آدلو اوغلی طوغوب
افراسیابک برادر لری حید ایدوب ایچلرندن * رشپوز سیاوشی قتل ایدوب مردان و زنان دیار ایران بونی
ایشیدوب کریان اولوب ماتم طوغتی اوزماندن عادت قالدی * کیکاس و سیاوشک اتقا میچون رستم زالی
عسکرله ترکستانه کوندروب وارد قده افراسیاب قاجوب رشپوز طوبوب او حالده یا نیچه زمانده نصره قتل
اولندی * بعضی دیدیلر که رستم ترکستانه وارد قده افراسیاب اوغلی شیده بی یوز بیک عسکرله کوندروب
جنگده شیده قتل اولنوب یا آتدن دوشوب بونی اوز یلوب شهنشاهه قولنج به بعد زمان کیخسرو و النده هلاک
اولدی * محصل رستم افراسیابک تختسکاهنی غارت و سلامتله عودت ایدی * نیچه لر دیشلدر که کیکاس
بر واقعه کوروب کیوبن کوردر اصفهانی بی کیخسرو بن سیاوشی بولوب کتورمکه ترکستانه کوندروب
وارد قده بدی ییل ارایوب بعده بر مر غزارد بولوب کیخسرو ایله والده سی وکیو اوچی اتفاقله قاجوب عجمه
کاد کرنده کیکاس فریر آدلو اوغلی واریکن سلطنتی کیخسرو و پردی کیکاس و مدت سلطنتی یوزاللی
یا یوزیکری ییل ایدی (فصل ثالث) در احوال کیخسرو بن سیاوش ترکستاندن کاد کده تازه بیکت
اولوب دده سی غایت پیر اولمغین اختیار یله سلطنتی بوکاوروب بودخی عالمی عدله معمور و خلق لطفله مسرور
ایدوب مرور زمانه ملوک جهان بو کامطایع فرمان اولدیلر عدالت و شجاعتده و تدبیر و صابنده و ترتیب
اسباب شوکده بی نظیر و دایم بر اولوب سلطان کامران عظیم الشان عجم الاحسان عدیم الاقران ایدی ملوک
ماضیه نک ظالم الدقلری ماللری صاحب برینه و پروب باج و خراج و تسکالینی تخفیف و قلوب ناسی تطفیف ایدوب

خسته اولوب دين ملعون مجوس اوزره قیزی هما کندودن حامل اولغین قارتک اوزرینه تاج قویوب اوغلی
 سادان بسبب الحرمان ترل دیار واطنان ایتدی تاریخ مجده بهم من سلطنتک یوزیکر منی بیانده پادشاهانغی
 اوغلی دارایه ویردی * منشا هر حکامدن ذیقراطیس ایل بقرط بهم من زمانده اولغین انلره تعظیم ایدوب انلردخی
 بوکاعلم تعلیم ایدرلردی دینوب * تاریخ این شخصه ده بهم من اقالیم سبعه به مالک اولاندردن ایدی دینوب
 سلطنتی یوزاون ایک یایوز بکرمی ایک ییل ایدی (فصل سابع در احوال هماینت بهم من) تاریخ مجده بهم من
 اختیار ایل سلطنتی اوغلی دارایه ویردی دینوب * نظام اتقوار یخده برروایتده بهم منک اوغلی ساسان درویشک
 اختیار ایدوب دارا آدلو اوغلو کوچک اولغین قیزی همایی تختہ کوردی * برروایتده دخی قیزی همایی دین
 باطل مجوس اوزره نکاحانوب کندودن حامل اولوب کندو خسته ایکن تاج سلطنتی همانک قارنی اوستنه
 قویوب سلطنتی طوغا حق اوغلانہ تعیین ایتد کده ساسان سبب حرمانه حرین وکوشه نشین اولوب بهم من وفاتده
 هم تختہ کوب حسن تدبیر و عدل کثیر ایل عجمه ستانی ضبط و تعیم ایدوب عاقبت اختیار ایل سلطنتی اوغلی
 دارایه ویردی دینوب * تاریخ میخ خوانده مذکور در کده هم تختہ کوب بش ایدنصر کده سابقا بهم من حامل
 اولد یی داراب طوغوب مقدم ما بهم من ارکط طوغا راسه پادشاه اولسون دیکین هم ازوال سلطنتدن خوف
 اوغلا تخی صدوقه قویوب بازوسنه بر عظیم جوهر باغلیوب اقرار صوبه صالوب بر جرجی اتی بولوب الووب
 صود و باغین ادنی داراب قویوب بسلوب بالغ اولد قده همانک دیار رومه کوندردی عسکرله سفره کیدوب
 دلاور لک ایتدیکنی همایشیدوب بعض علامتدن اوغلی ایدوکنی بیلوب کتوردوب اختیار ایل
 تختہ کوردوب همانک سلطنتی اوغلی ییل ایدی (فصل ثامن در احوال داراب بهم من) نتیجه و مدبر
 و صاحب عدل و داد اولغین ملوک بلادی کندویه مطیع و منقاد ایتدی روم پادشاهی فیلقوس بوسکا
 سرخرو ایتد کده دارا عسکرله واروب جنکده فیلقوس صینوب بقیه السیف ایل بر محکم قلعه به کیروب عاقبت
 صلحشوب دارایه قیزین ویروب ییلده قرق یلک التون خراج ویره جنک اولوب دارا قیزی الووب تختہ کاهنه
 وارد قده قیزل اغزی قورق اولغین پدرینه کوندروب جله سلطنتدن اون درت یا اون ایک یاقرق یا بکرمی ایک
 ییل کد کده کند و اسمیله مسی اولان اوغلی درانی تختہ کوردوب کند و وفات ایتدی * حکیم افلاطون الهی
 بونک زمانده ایدی عجمه بر شهر یا یوب اسمی دارا بکر دقودیلر * نصیحه الملوکده دارا بهم من جنک
 خصوصده مختلردن ایدی دیومذ کورد (فصل تاسع در احوال دارا بهم من) بوکاداری اصغر
 پدرینه دارای اکبر در اهل تدبیر و حشمت مائل توفیر شوکت اولوب لکن صاحب خشونت و رعوت حاکم
 بدسیرت اولغین قلوب اعیان اهل ایران ویران اولوب اسکندر روی به خفیه نامه کوندروب عجمه کورسکر
 سز معانوت ایدر دیو یازدیلر اودخی پدری فیلقوس ویره کادیکی قرق یلک التون خراجی ویرمیوب دارا
 قاقیوب عسکر چکوب اسکندر دخی عسکر یله موصل قریبده نصیبین شهرنه واروب نیچه کون محکم
 صواشوب برکون دارا جنکدن دونوب اوتاغه کاد کده کند و وقیوجبار یلک ایکسی بونک کوکسینه
 خنجر اووب قاجد قلنده اسکندر ایشیدوب دارایه کلوب باشی دیرینه قویوب دارا کوزین اچد قده اسکندر
 بو خصوصدن اصلاحیم یوقدر دیو عین ایدوب مرادم سزی قتل ایتک دکادی دیوب مافی الضمیرین دیو ویروب
 وصیتکوزار میدردید کده قاتللمی بولدر و ب قصاص ایلد و قیزم روشنیکی زوج ایلد و دیار عجمه خلاف جفسدن
 حاکم نصب ایچه دیوب وفات ایتد کده * اسکندر وصیتلری طوقوب دارایی مرصع تابوته قویوب تعظیم
 دفن ایتدی * بعض معتبرانده اسکندر دارا ایلد نیچه معاملاتنصره محکم صواشوب دارایی صیبوب قاجروب
 والده سن و اولاد و عیالان امیر ایدوب اردنجه کیدوب دارایه هند پادشاهندن معاونه عسکر کلکین
 تکرار جنک اولوب دارایی آدملری بوحالده قتل ایتکین اسکندر عجم سلطنتن دارانک برادرینه ویروب دین
 مجوسی رفیع ایدوب عجمه بعض شهر را یوب بعده هندستانه کندی دینوب * مریدر که دارای بی مدارانک
 سلطنتی اون درت یا الی ییل ایدی اسکندرک تفصیل احوالی ملوک یونان باند کده چکدرانده نظر اولنه
 (باب ثالث در احوال ملوک اشکانیان)
 اشبو طائفه اولنک اسمی فتح الف و سکون شنبه اشک اولغین بونلرک جله سنه اشکانیان دیر اسکندر دارایه

غلبه ایتد کده عجم بکرمی حبس و قتلده تردد ایتکین کندونک خواجه سی اولان ارسططاس حکیمه
 مکتوب کوندروب طائشوب اودخی سفک دماندن احتیاج ایدوب لکن هر بری برولایته حاکم ایلد تا که ایچلرند
 بللویاش اولماغله سنکله صواش اولیوب بری برلایه جدال و قتاله اشتغال ایدلر دیو خبر کوندرمکین بولری
 کامل ایلد عامل اولوب عمالک ابرانی عجم بکرمی بکرمی کسینه به توزیع ایدوب قدیمدن تختسکاه ملوک عجم اولان
 فارس و عراق ولایتلرین کند و آدملرندن اینطعی روی به ویروب کندوسی هندستانه سفرا ایتدی (لمرره)
 کین رفته اندوکیان آمده * بجای همایان آمده (نثر) تاریخ این شخصه ده اول بکرمی کسینه ملوک
 طوائف دیومسی اولوب بشیوزاون ایک ییلد ملوک اشکانیله طقساندن زیاده کسینه اولدیلر دینوب *
 نظام التوار یخده الی برنفر ایدیلر سلطنتلری ایکوزالی یادرتیوزا و توییلدر * دیومذ کورد درز کرباجی عیسی
 جرجیس علم السلام بونلرک زمانلرند کلوب اصحاب کشف قصه سی دخی بوزمانلرده واقعدر اشبو ملوک
 طوائف و اشکانیله جله سی آتش پرست مجوسه ییلدر اسم ویرسلرنده توار یخده اختلافلر اولوب نظام
 التوار یخله تاریخ میخ خوانده اعتماد اولندی (فصل اول در احوال اشکانیان دارا بن دارا اکبر) نظام
 التوار یخده مذکور در کده اسکندر عمالک عجم بکلمرین مستقل سلطنت اوزره بنه امر آجهمدن برکسینه به
 و تختسکاه ملوک عجم اولان فارس و عراق ولایتلرین کند و آدملرندن اینطعی روی به ویروب درت ییلدنصر کده
 من بوارشک ملوک طوائف معاونه و تیرلرله ظهور و اینطعی بی قتل ایدوب پدری تختہ کوب عمالک ابراندن
 رومیلری رفع و دفع ایدوب سلطنتی اون ایک ییل یا اون ییل ایدی (فصل ثانی در احوال اشکانیان دارا)
 نظام التوار یخده اشبو اوچنی طبقه ملوکینک اولی اشک درک اینطعی روی بی قتل ایتدی دیو تفصیل ایدوب
 بعده اشکانیان دارا یازلوب اول ملوک اشکانیان بونلردر زرا اسمی اشکان اولغین بوندنصر کده کلان ملوک
 بوکانبست اولوب اشکانیان دیککده مسی اولدیلر اشکانک مدت سلطنتی اون ایک ییلدر دیومذ کورد
 میخوانده اشکانیان یازلیوب همان مذکور در کده اول ملوک طوائف اشکانیان کلان ملوک چندان
 اعتماد اولمیانلر اشکانیان دارا عجمه نیچه را اسکندر عمالک عجمی تقسیم ایتدیکنی ملوک طوائفک بری دخی بودر
 دیوب لکن نیچه لر دیدیلر که اسکندر کتد کده ولایت عجمه کند و آدملرندن قود یی حاکم اوزرینه اشک خروج
 ایدوب ملوک طوائف معاونه و تیرلرله عمالک عجمی اول حاکم الندن الووب تختہ کوب سائر ملوک طوائف اشک
 رشک ایدوب مطیع اولوب لکن باج و خراج ویرمیوب اشکانک سلطنتی اون ایک ییل ایدی (فصل ثالث
 در احوال اشکانیان) نظام التوار یخده سلطنتی بکرمی ییل ایدی دیومذ کورد (فصل رابع
 در احوال اشکانیان) میخوانده مذکور در کده پدری وصیتله تختہ کوب خاتونی
 یوسف پیغمبرنسلندن ایدی بغداده برقوناق برده مداین شهرنی ابتدا بو طرح ایتدی هر دجله اوستنه دموردن
 کوپری یا یوب نوشروان زمانه دک طور دی قصه لری مشهور اولان ویس ورامین بونک زمانده ایدیلر *
 مریدر که اهل همت و مروت عاقل و عادل اولوب تعلم و تعلیم علوم حکمته مشغول ایدی حضرت عیسی علیه
 السلام بونک زمانده پیغمبر اولوب بعض کتبده بونک زمانده طوغدی دینوب سلطنتی قرق ایک یا التیش
 یا همان الی ییل ایدی (فصل خامس در احوال بهرام بن شاپور) بغداد قریبده انبار نام شهری و مداین ایل
 بغداد قریبده اولان رومیه شهرنک برنده اساسی صافی یونمه طاشدن بر شهر دخی وضع ایدوب اسلافی کبی
 مجوسی اولغین ثواب اعتقادیه عظیم آتشکده یا بدردی سلطنتی اون بریا اون بش ییل ایدی (فصل سادس
 در احوال بلاش بن بهرام) عدالتکار و شهر یار نامدار کامکار و اهل حشمت و اقتدار ایدی میخوانده بونک
 زمانده بنی اسرا ییلدن بر طائفه میون صورتیه مسیح اولوب بیدی کوندنصر کده جله سی هلاک اولدیلر دینوب
 سلطنتی اون بر ییل ایدی (فصل سابع در احوال هرمن بن بلاش) پدری سلطنتی اختیار ایلد بوسکا
 ویرمیدی خوش سیرت اهل شجاعت و سخاوت اولوب شکارده آهو قوارکن بر مغاره به کیروب فریدونک
 خزینه سن بولوب جله سن عسکرینه تقسیم ایتدی * ولایت عراق عربده شهر قادیسیه و نهر و بونک آثارنددر
 دیرلر سلطنتی اون طقوز ییل ایدی تاریخ جعفر یده یونس علیه السلام بونک زمانده پیغمبر اولدی دیندیکی
 غلط فاضح ایدیکی و اخذدر دیشلر (فصل ثامن در احوال انوش یا خود نری بن بلاش) برادرندنصر کده

هرامدرو الله اعلم اوج سبی وارد در * اولاً حقیقه لغو اولان هر لعب واهو حرامدر * ایکنی اعتقاد جبر صرف
البته کفر اولمغین آتی مشهورمذکر اولان دخی حرامدر * اوجنی قضا و قدری تعظیم فرض اولوب آت اهوری
اکاشیه حرام و کفر در قاموسه اردشیرک والده سی حرزاد سر قنده بر عظیم کو پرویا بشدر که اکثری بری
باقرودمور کرجل اولوب طولی بیک ارتفاعی یوزاللی ذراع اولوب عجائب دنیا دندردیومذکور در (فصل ثانی)
در احوال شاپور بن اردشیر (غایت خوب صورت اولوب عقل و شجاعت عدل و سخاوت ایل سلطنت سوروب
محلده نیجه زیبا بنا پیدا ابتدای دقیا فوسدن غیری ملولک یونان شاپوره سرفروایتیدیلر * کتب فلاسفه بی
جمع ایدوب اسان یونانی فارسی ترجمه ایدر ملک ابتدایوندن صادر اولدی عود دیدکاری سازونک ایجادیدر
(حکایت) ملولک اشکانیانندن برینک قیزی اردشیر اسیر ایدوب حسنا اوغین تصرف ایدوب اعداسی
نسلندن ایدوکنی بلد کده قتل ایلدیو وزیرینه ویروب اودخی پادشاهدن جلی اولدیغنی بیکین کندونک
ذکر فی کسوب بر قوطیه قویوب مهر ایوب بعد زمان معلوم اوله جتی نسنه در دیو پادشاهه امانت ویروب
خاتونی زیرزمینده بسلیموب طوغرد قده آتی شاپور قویوب بعد زمان اردشیرک اوغلی اولمغین سلطنت
اعدا به منتقل اولوردیو سوزو کد از ایند کده وزیرم تازدنلوز حقه رازی باز و سابقا کندودن افرازا بیکینی
ابرازا بیکین اردشیر شاپوری کتوردوب تخته کجوروب بعده شاپور عدل و داده و فتح بلاد بهاشادی (حکایت)
بعد زمان دجله وفات اراسنده مدینه خضری ایکی یادرت ییل محاصره ایدوب قلعه سی طلسمه یا بلغمین
فتح ایدو مد کده ضیضن آدلوباد شاهنک نظیره آدلوقیزی قلعه دن بونی کوروب عاشقه اولوب طریق فتح بودر که
بر کور کجینی حیض فائده بولاشدروب اوچوروب قلعه نک هر قنغی بر جبهه قونارسه بقلور دیو خبر کوندروب
بودخی تخر به ایدو کده ایکی برج بقلوب شهری فتح و ضیضی قتل ایدوب نظیره بی نظیره بی نکاحلنوب
بارمقلندن ایلکی کورینور حسنا و نازنین اولمغین بر کجبه دوشکده انین ایدوب یوقلان قده بردانه قوریمش
کل بیراخی کوده سنه باغش بولمغین شاپور نجب ایدوب بابا لسنی نه ایلد بسلردی دیوب قیون ایلکی و نبات مصری
و شراب صافی ایلد دید کده شاپور قاقیوب بولید نازله بسلین بابا که خیانت اید بیک بکانه ایتسک کرک دیوب قیزی
آته سور قدی (متفرقات) بعده نصیبین شهرنی محاصره و هزار تله فتح بعده رومه واروب اکثر بلادین
ضبط ایدوب ولایت کده نیجه عظیم شهر لر بنا ایدردی شاپورک اواخرنده نقاشل کده فرید و بی ثانی
اولان مانی که زمره حکمادن ثوبه مشرکین مذهبنده ایدی نبوت دعواسله ظهور ایدوب شاپورانی ارادوب
اودخی خوفدن قاجوب * تاریخ مسعودیده شاپور مانینک دین باطلن ابتدا قبول و عاقبت رجوع ایددی
دینوب * مرویدر که مانی جانی جمع محرمانه رخصت ویرمکین بیکد کسنه تابع اولوب دنیاده زنا و لواط بی ابتدا
مستحل اولان مانی ضال و مضل ایدی * مرویدر که شاپورک سخا سی حددن کچمکین وزیرا سی نصیحت اید کدر نیجه
الکریم المختار من استوی عنده الذهب والاحجار دیر ایدی سلطنتی او تویز ییل آتی یا او تویز اوج ییل ایدی
(فصل ثالث در احوال هرمن بن شاپور) جدی اردشیر کی عادل و دایر و عاقل و اهل تدبیر و صورت و سیرتده
اکانتیر ایدی * سابقا دیری تخته کچر کده بونی خراسان بکی ایدوب بعده بعض اعدا شهرزاده سلطنتی الکزدن
المغه ساعیدر دیو افترا ایدوب هرمن ایشد کده اوزمانده بدتده کلی عیبی اولان پادشاه اولمغین * کندو
اللی کسوب بدتره کوندروب اودخی کوروب غم چکوب جله بدنک چالچالک ایتسک بریمه پادشاه اوله جتی
سنین دیو خبر کوندروب کتوردوب رعایت ایدوب وفات اید کده برینه کچمشدی عجمه ارام هرمن بونک
بنالزندن سلطنتی بر ییل اون کون یار ییل اوج آتی یا بیک ییل یا او تویز ییل اوج آتی ایدی (حکایت)
کندودن مرویدر که بش خصلتی جمع انجمن حکومته لایق اولر (۱) شویله دورین و عاقبت اندیش اوله که
هر مصحتک اوانلنده عاقبتی نه مخبر اوله جغنی فراسله یلایوب اکا کوره عمل ایلده (۲) عقلی شویله اوله که
نامعقول ایشلردن آتی منع اید (۳) شویله قوت قبی اوله که هر نه مشکل ایش دوشرسه خوف و تشویش
چکیمه (۴) عهدنه وفا ایدیمی اوله (۵) اتمک یا تده زخارف دنیو به نک قدر و حرمتی اولیه (فصل رابع)
در احوال بهرام بن هرمن (عادل و حاکم و شفیق و سلیم محبوب القلوب مسلوب العیوب ایدی (قصه) مقدما
ظهور ایدن مانی جانی عیسایک بشارت اید بکی آخر زمان پیغمبری بتم بونک بک آدی انجیلدر بکا کوکدن

ایندی دیو هرزه ییوب جله خلقه جمع محرمانه رخصت دخی ویرمکین بیکد کسنه تابع اولوب لکن شاپورک
خوفندن کشمیر بولندن هندستانه اندن ترکستانه و چین و خطایه واروب نقاشل قده دنیایه نظیری کلامکین
نقوش عجمه ایلد مالک مزبورده خلقنی الدادوب انشاء سیاحتده بر ییول مغاره به کیروب بر ییلاق ذخیره
قویوب توابعنه بن کو که چیتوب بر ییل کو کارده طوروب بعده بره اینوب سزه عجمایندن خبر ویرمک کدر
فلان برده بکا توقف اید کدیوب مغاره ده تنه طوروب بر لوح اوستنه انس و جان حیران اوله جتی نقوش عجمه
واشکال غریبه یازوب بعده نبوغه معجزه اولمغین کوکدن ایندردم دیو خلقی الدایوب عجمه کاد کده بهرام
اکا نامها تصدیق ایتکین توابعنی جمع اید کده بهرام علماء مجوسله بونی بحث ایدروب مانی ملزم اولد قده
توبه تکلیف وانوب عناد ایتکین در یسی یوزلوب صمان طولدروب دروازه ده اصلوب جله توابعی دخی
قتل اولندی بهرامک سلطنتی اوج ییل اوج آتی ایدی (فصل خامس در احوال بهرام بن بهرام) اوائل
جلموسنده ظلم ایدوب بوندن خلق نفرت ایتکین کمال عدالتله سلولک ایدی سلطنتی اونیدی یا اون سکر یا اون
یا خود یوز بکرمی ییل ایدی (فصل سادس در احوال بهرام بن بهرام بن بهرام) اهل عقل و مائل عدل اولوب
پدری حیاته سستستان حاکمی ایدی * نظام التوار یخده پدری حیاته سستستان پادشاهی اولوب
شهنشاه دیو لقب قوغشدی * و مدبر و عادل اولوب سلطنتی اون اوج ییل آتی ایدی دینوب سائر کتبه
طقوز یادرت ییل باه مان درت آتی ایدی دیومذکور در (فصل سابع در احوال نرسی بن بهرام ثانی)
برادری بهرام ثانی بکینه کجوب لعب واهو و مائل ایکن عدل و حسن سلوک و تعهیر بلاد و ترفیه عبادا بیکه
معتاد اولوب عاقبت اختیار ایل اوغلی هرمنی تخته کجوروب سلطنتی طقوز ییل بایدی ییل آتی ایدی
(فصل ثامن در احوال هرمن بن نرسی) سلطنتدن اول بدخوی و ترش روی اولوب بعد الجاوس تحسین
اخلاق و عدل و اشفاق و بذل و انفاق اوزره اولدی کابلستان پادشاهنک قیزی نکاحلنوب دختر بد اختر
سیرکشلک ایتکین قتل ایدوب بعده نادم اولوب کند و به قتل القالیدن وزیرزاده سن صاب ایدی * سلطنتی ایدی
ییل بش آتی یا اون اوج ییل بش آتی یا غنر ییل بش آتی ایدی (فصل سابع در احوال شاپور ذوالا کف
ابن هرمن) شجیع و مهیب و مدبر و مصیب و سفالنی بال و عاقل و اهل ادب و عدله مائل سلطان کامل ایدی
پدری وفاتده والده سی بوکا حامل اولمغین تاج سلطنتی والده سی کیوب شاپور طوغرد قده ملولک آفاق عمالان
عجمی المغه عزم ایدوب جوار ولایت ایرانده اولان بعض قبائل عرب دخی عجمستانی غارت ایدوب شاپور
بش باشند تدبیر بهاشدوب اون الی باشند بیک یاررت بیک نفر کزیده * کدرله دجله وفات ویرمک
کزارلنده ولسا و قطیف و بحرین و هجر و ولایت نرنده قبائل عرب بدن بولدیغنی قیروب کیمینک ارقه لرندن قایش
چیمقارمغین لقمینی ذوالا کف قودیلر (حکایت) قبیله بی نمیدن اوچیزو یاشنده عجمو بن نیم طولوب
شاپوره کتور یلوب بعض قبل و قالد نصکره سب قتل عربی صوروب غارت بلاد عجم اید کار میچوندردید کده
ایدنر جزایرین بولدیلسا ترعر بولرک صوچلری ندر دیوب علمامن عاقبت عرب عجمه غالب اولوب مملکتلرین
السه لر کر کدر دیمکیندردید کده * چون بواشک اوله جغه پادشاه جازمدر عرب بلره جفانه لازمدر مناسب
بود کلیدر که شهیدن انلره احسان ایدو سز تا که انلر غالب اولد قلزنده سز کاه حسن معامله ایدو لردیوب نیجه
نصیحتلر اید کده شاپوره کلمات پیر خوب تدبیر تأثیر ایتکین قتال و قتل عرب بلردن فراغت ایدی من بورعمر و
سکسان ییل دخی بشاپوب بعده وفات ایدی (حکایت) شاپور بو حال نصکره تجسس احوال روم ایچون
تبدیل صورتله استانبوله واروب بر طریقه بیلنوب اسمی یونانوس اولان قیصر بونی طویوب حبس ایدوب
بعده چیمقاروب آتی اوکجه یاوغنی کونوردوب خوزستانده شاپورک تختکاهی اولان چند شاپور شهرنه
واروب محاصره ایدوب عید نصاری کجبه سنده شاپورله محبوسلر فرصت بولوب بندلرین چوزوب کند و قلعه سی
الته واروب چاغروب ایچرو النوب سرور موفور ایلد مسلح عسکر جمع ایدوب ینه اوکجه قلعه دن چیتوب علی
الغله رومیلری باصوب قیصری حبس ایدوب یا قوب بقدرنی خرما اغاچلری برینه رومدن زیتون اغاچلری
کتوردوب دیکدروب عمالک عجم اواکی کبی معهور اولد قده قیصری رومه کوندردی * بعض توار یخده
ایاقرین کسوب بورن دلوب ایب کجوروب چهاره بندروب کوندردی * تاریخ معجمه مذکور در که قیصر

محبوس اینک قسطنطنین نسلندن برکنسته استانبوله و اطرافده بادشاه اولمغین عسکر جمع ایدوب شاپوردن
 تاجان عرب بدخ قارشوب روم و عرب جله یوزنش یلک عدد اولوب اتفاقده هجوم ایدوب شاپور عجزنی یلوب
 فارسه کیدوب بعض ملوکدن یاردم ایستوب عسکر جمع ایندکده طور شوب جنگه صیوب اطرافده کروب
 تکرار عسکر جمع ایدوب رومه کیدوب قیصره نامه کوندروب اودخی بودغه کندیونک عجزنی یلوب شاپورک
 مرادغه مرحدده اولان نصیبین شهرنی ووروب هدایای عظیمه کوندروب صلح اولدیلر (ایوان) پس
 شاپور عراق عرب به کلوب ساحل نهر فراتده مداین شهرنی بریلده یلوب تختگاه ایندی * نظام التوار یخده
 شاپور رومه سفرایدوب قسطنطنیه ده ساکن اولان روم پادشاهی یونانوسه غالب اولوب خراج کسوب
 بعده دونوب مداین شهرنی یابدی دینوب * مریدرکه مداینده ایوان دیکه مشهور جهان اولان دیوانخانه
 شاهانه یی یابدی طوی یوز عرضی الی ذراع اولوب توغله و کرج ایله یابلوب یکریمی ییلده تمام اولدی ایچی
 منقش و مذهب ایش کی زیر حضرت عمر زمانده فتح اولنده قده بعض برلین مسلمانلری یقوب باقد قلمزنده اون
 کره یوز یلک فلوری حاصل اولدی دیشلر * مزبور ایوانک اوصاف و احوالی تفصیل عظیمه محتاج اولوب دخی
 الان نیجه دیوارلری موجود در شاپورک * ملطنقی بخش ایکی یا بخش میل ایدی (فصل عاشر در احوال اردشیر
 ابن هرمز) شاپور ذوالا کاکانک ینه شاپور آدلو اوغلی کوچک اولمغین برادری اردشیر تخته بکدی شاپور
 سیرتده اولوب اون درت یا اون یا همان درت ییلد نصکره سلطنتنی برادر زاده سی شاپور بن شاپور و بردی طبری
 ایدر ذوالا کاکانک پدری هرمن بن مریمه اوغلم اردشیری کجور مکر و فاعده نصکره طوغاجق اوغلی کجورک دیو
 اصغر مغین ارکان و اعیان اردشیری محروم و شاپور طوغجه توقف ایدوب طوغده قده تاجی باشنه قوبوب شاپور
 وفاتده اردشیر سلطنته مستولی اولوب سینه غم دینیه سنده کی کینه دیرینه سنجه سابقا حرماتنه باعث
 اولان اعیانی قتل ایتمکین باقیلری اوشوب بونی رفع و شاپور بن شاپوری نصب ایدیلر (فصل هادی عشر
 در احوال شاپور بن شاپور ذوالا کاکانک) عادل و اهل اتفاق و عادل و پسندیده اخلاق ایدی چادرده او توررکن
 یا دیورکن محکم بل اسوب اییلری قیلولب اوزرینه دو شمعین هلاک اولدی * توار یخ طبریده بعض اعیان
 بونی هلاک ایتمک ایچون چادر اییلرین قصده کسیدیلر * یوب سلطنتی بش ییل بش آی یاخود الی ییل ایدی
 مریدرکه عالمده احسان جمیع اشیادن خوبدراکن شکر احسان اندن اعلی و مرغوب در دیشدر
 (فصل ثانی عشر در احوال بهرام بن شاپور ذوالا کاکانک) پدری و برادری زمانزنده حاکم کرمان اولمغین
 بوکا کرمان شاه دیرلری حکومته نیکوسیرت و پاکیزه سیرت ایدی برادری برینه جلوسندن اون بریاون
 ایکی ییل صکره اوزرینه عسکر هجوم ایندکده ازدحام نامده براوق طوقنوب هلاک اولدی * تاریخ معجمه
 بعض اقر باشندن بری بوکا غرض ایدوب بی جرم و سبب بر طریقه قتل اولندی دیشدر دیو مذکوردر
 (فصل ثالث عشر در احوال یزدجرد الانیم) خود بین و غلیظ القلب حریص و ظالم و اهل سلب و جلب
 و مزاور قتل و سلب اولوب هر دم دارا زار کار اولمغین انیم لقبیله اشتهار بولمشدی بهرام بن شاپورک اوغلی
 یاخود برادری ایدی سابقا عقل و تدبیر و اخلاق دلپذیر ایله مشهور اولوب بعد الخلوص کثرت سفن
 دمان عدم اجتناب و مفساد و منکرانه ارتکاب ایدر اولدی (ع) اذاتم امر دنانقصه * فخر اسنجه ظلمی
 غایبه جویری تیا تیه ایدر کده ناکاه سیراته غائبدن برکوزل آنک کوب طوروب یزدجرد آتی کوروب غایت
 بکروب اکر یوب کتورک دیدکده یاتنه کسنه اوغرا تمیوب یزدجرد کندیوسی وارد قده آن طور مغین
 کند و ایله اکر یوب قویروغنه قوسقون کجوررکن سینه پر کینه سته محکم دپه چالوب یزدجرد مر داوادی
 آن دخی فی الحال کوزدن نهان اولوب محکم ارا نوب نام و نشانی عیسان اولوب جله خاق جهان حیران
 اولدیلر * سلطنتی یکریمی ایکی ییل بش آی یا یکریمی بریل یا یوز ییل یا سکسان ایکی ییل ایدی (فصل رابع عشر
 در احوال بهرام کور بن یزدجرد) انواع عیش و عشرت و صید و شکاره رغبت و رعایایه شفقت ایدردی
 تیرانداز قده ممتاز اولوب عجمه بویه ماهر کسنه کلدی داماشکاره مقید اولمغین کافی عجمیله فارسیجه
 اسنی کور اولان بیان اشکنی چوق صیدا ایتمکین یاخود برکون صحرا ده بیان اشکی اوزرینه حقیقه مش
 برارسلان کوروب اوق آتوب ایکی یی دخی دلوب کجوب بره صیلا مغین بهرام کوردیکه ملقب و مشهور

اولدی * مریدرکه پدری یزدجردک هر طوغان اوغلی یا شاعغین بهرام طوغده قده دیار عربده کوفه فر بنده آب
 و هوای خوب اولان حیره ولایتده کوندروب بوکا مطیع اولان ملوک عربدن نعمان بن امر القیس آکوب
 بساموب بونکجون خوزنق آدلو بر قصر فرید العصر یایدروب بعده نعمان دین حضرت عیسیایه کیروب ترک
 دنیا ایندکده اوغلی منذر بهرامی تربیت و رعایت ایدوب بوانشاده یزدجرد وفات ایدوب امر آه عجم بهرامی
 کتوررسلک جائز کیدری کی ظالم اوله خصوصاً عربستانده بیومکین طبعی بزه موافق اولیه دیوب اردشیر
 ابن بابک نسلندن خسرو نام کسنه یی تخته کجوروب منذر ایستدکده اوغلی نعمانی اون یلک عسکرله مقدم
 کوندروب در عقب کندیونک او یوز یلک عسکرله بهرامی الوب تختگاه عجمه واروب عجملر اراسنه نزاع
 دوشوب عاقبت بهرام تاج سلطنتی ایکی آج ارسلان اراسنه قولک خسرو له بن قنغیز واروب تاجی المغه جرأت
 ایدر سه او پادشاه اولسون دیکین بر صحرایه جمع اولوب بهرام بخت رام تخت مرام هر دانه میدانه کیروب
 ارسلان ترک بریمی بوکا حله ایندکده بهرامی بالک صحرایوب اوزرینه بنوب الله کی طامشه باشن اورمق ایسترکن
 ایکنی ارسلان دخی هجوم ایندکده بهرام اتی قولاغندن طوبوب ارسلان ترک باشن بری برلرینه اوروب
 خرد و خاش و شجاعت عظیمه سین خلقه فاش ایدوب کندویه شایاش دیدر کده خسرو ایله سائر ناس کلوب
 سلطنته بیعت واد آتمه نیت ایدیلر * بهرام عدالتله نظم امور دینصکره عیش و نوشه باشایوب شهرده اهل ساز
 و خوب آواز آزار اولمغین هندستاندن اون ایکی یلک سازنده و خواننده کتور دوشوب خلق دخی روز و شب شوق
 و شغب ذوق و طرب ایتمک ایچون ممالک عجمه تقسیم و اسباب تعمی و تنم ایدی (غلبه) خاقان چین
 بهرامک هوا سین ایستدکده ایکیوزالی یلک عسکرله مرو یاخود ری شهرنه کلوب او توروب طائفه عجم برغم
 و الم اولوب بهرام اولاد ملوک عجمدن یدی نفرو بهادرلر دن اوچیز نه رایله شکاره حیقوب برادری نرسی یی
 برینه نائب قویوب عجملر بهرام قاجدی صانوب خاقانه تضرعنامه لر کوندروب خراج و برمکه متعهد
 اولدیلر بهرام آذر باجی بانه معبد مجوس اولان آتش کده یی زیارت ایدوب بعده ارمینیه به واروب یلک نفر
 دلاور هنر آورله خفیه خاقان اردوسی قرینه واروب نجس اخبار دینصکره عسکرنی درت بولوب خیل
 غارت میل شبیه السیل لیل طویل الذیل مورث الولیده صغیر طبل و نفیر ایله درت طرفندن یوروب اترالک نایالک
 شاشوب تدارک باشلیخجه فی الحال بهرام خاقانک اوتاغنه یوروب او تور دینی برده باشی کوب عسکرنی
 صندروب نهر جیحونه دل قوه لبوب نیجه لرنی قیردی * تاریخ دینوریده مذکوردرکه بهرام خاقانک هجوم
 ابتدا ایستدکده یلک نفر دلاوری بر رویه بندروب هر برینه برآت و تازی و طوغان و یروب شکار نامه
 حیقوب آذر باجی بانه واروب یدی یلک عسکره بر بوش صغردریسی بر بدخوی طای و یروب مرو
 یقلاشد قده دریلری اصلادوب قوریدوب ایچنه خرده طاشلر قودروب اوفلدوب دیکدروب هر کشی بر راشی
 کونوروب کیجه خاقان اردوسین باصوب اترالک نایاکه کثرت و دهشت آواز ناساز جانتکدازدن خوف کلی
 مستولی اولمغین صیوب بهرام خاقانی کند و ایله طوبوب نهر جیحونه دل اترالکی قوه ایوب انده کند و طوروب
 بر آد میسنی بلاد شرقه کوندروب وارد قده اطراف واکافی ضبط و تسخیر ایدوب ماوراءالنهر دن نامه لر کلوب
 سینور تعین اولوب سالم و غانم تختگاهنه کلدی (منقرقات) طبری ایدر وطننه کلدکده رعایا ده باقی اولان
 ماللری باغشلیوب بهمن بن اسفندیار نسلندن وزیر عاقل بی نظیری مهر نرسی یی کند و برینه دیکوب کند و سنی
 سیاحت طریقیله هندستان سیرنه کیدوب وارد قده شکاره مشغول اولوب صحرا ده بریا و ز فیله صواشوب
 فیلی قتل ایندکده هند پادشاهی بهرامی یلیوب ندیم ایدی یوب بر خصم غالبی عسکرله هجوم ایندکده بهرام اندری
 صیوب پادشاه حظ ایدوب قیزی بهرامه و یروب قائمقامی ایتمک دیلدکده بهرام کند و یکم اید و کنی بیلدروب
 پادشاه عذر لرایدوب هند ایله عجم سنورنده شهر لر باغشایوب بهرام وطنندن ایکی ییل غیبتد نصکره مال
 و عیال له تختگاهنه کلدی بعده وزیرنی فرق یلک عسکرله استانبوله کوندروب وارد قده قیصری خراج کسوب
 کلدکده بهرام عجمه سفرایدوب بلاد سورانده و افر قتل و غارت ایدوب تختگاهنه کلدی * نظام التوار یخده
 مذکوردرکه کند و یمن و حبشه کیدوب برادری نرسی یی رومه کوندروب ایکسی دخی منصور و مظفر
 دونوب جمع اولدیلر (خاتمه) مریدرکه آخر عمرنده برکون شکارده جانور قوه لرکن آن واسبایله برقبویه

نوشتر و انجمنی اولمغینانی حبس ایدوب شامه وارد قدده خسته اولمغین نوش زادا کثری نصارا دن عسکر
جمع ویدری خزینه سین انله انعام ایدوب فارس واهوازی بدرینک آدمیری الذدن الوب بدرنی وفات ایدی
دیوشایع ایدوب ولایت عراق فتحه کیدوب نوشتر وانشاده ایکن کند و تختگاهنده اولان امر اسندن برینه
سردار اولوب اوغملایه صواشوب رفعه چالشوب لکن کندوبه ضرر ایرشد بریمیه سن دیو خبر کوندروب
اودخی صواشوب ناکاه نوشتر زاده اوق طوقنوب هلالنیا جنگنده اسیر اولمغین عسکری طاعلادی (متفرقات)
نوشتر و انمدانیه کادکده هنده عظیم عسکر کوندروب جبل سرندیبه دلک وارد قلنده هند پادشاهی نوشتر وانه
وافر هدا یا ایلی کوندروب بحر عمان کارنده عجم سنورنده کی شهر لری و یروب صلح دیلای کین نوشتر و ان
کند و سردار نه خبر کوندروب ولایت عجمه دوندردی * مر ویدر که بلاد ماوراءالنهر و خراسان و در بند خزان
و طبرستان و جرجان و فارس و کرمان و بعض ممالک هندستان و عراق و عمان و بحرین و یامه و لایتری بن و مغرب
حدود نه دلک بونک حکمنه کیدر که تعمیر بلاد و ترفیه عبادیه بذل مقدور و صرف میسور و وضع خراج
اراضیه عدل موفور ایدوب یهود و نصاری خراجیه کسوب عمری بکر میدن اکسک والیدین زیاده اولمغی
جمع تکالیفدن معاف ایدوب عسکر نه شمع و فارس اولمغی یوقلمغه ناظر و حارس دیکوب هر برینه
درت بیک الحقه مقرر ایدی (هدایا) مر ویدر که امور سلطنتیه تمام انتظام ویرد که ملوک برایا ارسال هدا یا
و اطاعت و مدارا ایتمک باشلوب جله دن هندستان پادشاهی کوندردیکی بیک بطمان عود ایدیکه آتشده
موم کی اریوب اوزرینه مهر باصلوردی و یکباره باقوت اچردن بردانه کاسه ایدیکه در یندکی همان ایکی
بار مق عرضی قدر اولوب لکن اغزی بیک عرضی بر قارش اولوب دنیا خراجی دکر ایدی و بر چارینه حسنا ایدیکه
قامتی بیدی قارش اولوب وصف جمال پر کالی محال ایدی و ییلان در یسندن طوقنوش بردوشمه ایدیکه سر بردن
نرم ایدی * و خاقان چین بر آتلو تصویر کوندردیکه کوزلری باقوت اچر و قبضه تیغی زمر دوسا تراعضای
جواهر له مرصع ایدی و نهایت ولایت چینده ولایت بت پادشاهی هر برینک وزنی قرق الیش در هم اولوب
لکن اوق کیمز و قیل کیمز یوزدانه بی نظیر جوشن ایددرت بیک نافه یا خود درت بیک بطمان مسلک و دخی
اطرافنده اوتور زادم اوتور جتی قدر اولوب جواهر له مرصع صافی التوندن بر عظیم سینی کوندردی (فائده)
مر ویدر که نوشتر و ان عقل و حکمتی جمع ایدوب سلاطینه لازم اولان اوصافی مختصر جه بیان ایلک دیوب هریری
کندی عقلنه کوره دیوب وزیر و مقبول اولان حکیم بزر جهر بن بختسکان ملوک که لازم اولان اوصاف (۱)
شهرت و غضبیدن و هوای نفسدن برهیز (۲) کلماتده صدق و مواعید و شرف و وطنده وفا (۳) عقلایه مشورت
(۴) اشرف ناسی مرتبه (۵) رنج رعایت (۵) حاکمیری احوالی تجسس و تقصص ایدوب حاللرینه کوره مکافات
و مجازات (۶) محبوسلر احوالی یوقلامقده دقت و اهتمام (۷) طشره لرده کی بولر و شهر لرده چار سولر و زخا
و ذخیره لر و متاعلر احوالی یوقلامق (۸) خلقی حسن تأدیب و حد و معینه بی اجرا (۹) آلات و مهمات
حر بی اجزاء (۱۰) اقربا و سائر نوابی رعایت و تأدیب و ضبط (۱۱) کندونک و اعداسنک و لایتری
چاسوسلرله یوقلا دیوب خیر و شر و نفع و ضرر هر نه ایسه معلوم ایدوب اکا کوره قیلغی (۱۲) وزراوند ما و سائر
نوابی احوالی یوقلامق دیکده * نوشتر و ان بوکلمات حکمت سمات سودمندی غایت پسند ایدوب جامع فصیح
ملوک در دیوالتون حل الیه یازلقی یوردی (متفرقات) مر ویدر که جمیع ملوک عجمدن مراعات آداب حکم
و حکم و عدل و عقل و تدبیر عالم ایتمکده افضل و اکمل وجهه ناسه نفی اعم و اشمل ایدی * آتش پرست اولوب
مسلمان اولیدی آتیشا و اصغیانصکره دور آدمند و یوندن اعدل و اعقل پادشاه کلدی دیمک جائز ایدی
کفرندن قطع نظر اطوار خیده و آثار پسندیده سی حکایات ملوک آفاقده و کتب فصیح و اخلاقده تفصیل
اولوب یوستانده مذکوردرکه (نظم) شنیدم که در وقت نزاع روان * هرمن چنین گفت نوشتر روان *
که خاطر نکهد اردرویش باش * نه در بند آتیش خویش باش (نثر) مر ویدر که سابقه ملوک عجمدن
دورین اوغلی سیف الملوک حبشه دن نظم و اطوار حیف ایتمک کوب نوشتر و ان اکا از عسکر قوشوب یننه
وارد قلنده حبشیلری سوروب چاقاروب بی سیف ضبط ایدوب بعده وفات ایدکده ظهوردن اسلامه دلک
عجم طرفلندن ضبط اولندی * مر ویدر که نوشتر و انک دیوانخانه سنده دائمدت کرسی طور دیکه بری

بزر جهر حکیم بری قیصر روم بری خاقان چین بری شاه قباوق اوتور مغیچون ایدی * خریده الجاییده نوشتر و انک
قولانغی جوهری کوبه لو اون بیک عدد دخو بروی سنبیل موی ایچ اوغلانی اولوب هیبت و شوکتیچون طوقز
بیک قیل بسلر دیکه ایکی بیک دینوزی قارکی غایت آقا ایدی وفات ایدکده خزینه سنده اموال و جواهر
و تختدن غیری وزنی اوچر مثقال اون بیک دانه شاهانه انجو بولندی دینوب * کتاب الاوائله ابتدا خراج
وضع ایدوب مقاسمه بی رفخ ایدن و اراضی بی مساحت ایدوب ممالک و بلادده تعیین و تحدید خراج ایدن
نوشتر و اندر دیشلر لکن ابن جبر جزیه دید کوری خراج واضعی حضرت موسی دریدی بیل جمع ایدی دینوب
* فوایع مسکیده ده نوشتر و ان کتاب کایله و دمنه نیک نصایح و حکمی مشتمل اید و کن ایستدکده انی بولوب
کتورمکچون برزویه حکیمه بش یوز بیک فلوری و یروب هنده کوندروب کتور دینوب فارسی به ترجمه ایدردی
دیومذ کوردردی * نیجه معتبر اتده حضرت رسول علیه السلام نوشتر و ان سلطنتک قرق ایکنی ییلنده طوغدیلر
بعده نوشتر و انیدی ییل سکر آری یاشایوب جله سلطنتی قرقیدی ییل سکر آری ایدی دینوب * شواهد النبویه
حضرت رسولت ولادت لرند نصکره یکر می ییل یشادی دینوب * کتاب منقذی ده عبدالمطلب هرمن بن نوشتر و ان
زماننده وفات ایدوب رسول علیه السلام سکر یاشنده ایدیلر دینوب خلق ایچنده حدیثدر دیومشهور اولان
ولدت فی زمن الملك العادل نوشتر و ان کلامی باطلدر حدیث دکدر دیومحدثن اتفاق ایدوب حتی سلفدن
برستی واقعه سنده بونی حضرت رسوله صورد قدده ماقلمه قطیبه بن آتی اصلا دیمدم دیو یورمشلر
(فصل ثالث و عشرون در احوال هرمن بن نوشتر و ان) والده بی خاقان چین قیزی اولمغین نوشتر و ان اولادی
ایچندن سلطنته بونی تعیین ایشدی اهل شوکت و مهابت و صاحب تدبیر و سخاوت لکن سفالنی باله ایدی
اوائل جلوسنده عدل بعده ظلم ایدوب اعیانی قتل و تذلایل و اراذلی تربیت و تحجیل ایدوب تدریججه بکار عجمدن
اوج بیک آدم قتل ایتمکده قلوب ناس یوندن نفرت و هراس ایتمکین ملوک اطراف جابجیا باش قالدروب قیصر
سکسان بیک عسکرله یوز یوب نصیبینه کلوب نوشتر و انک کندودن الدینی ممالکی الموق ایستوب دهور
قاپو طرفلنده کی طائفه خزر دخی در بیدی کوب آذربایجانله ارمنیه بی غارت و طائفه عربدن بعضی طرف
ولایت سواد عراق غارت ایدیلر (غلبه) خاقان اوغلی سابه شاه که هرمنک دایسیدر ولایت عجمی المغه
اوج در تیوز بیک عسکرله هرمن جیحونی کوب هرمانده اوتوروب هرمن دخی آذربایجان حاکمی بهرام چوینی
سردار ایتمکین همان اون ایکی بیک صالت دلاورایله واروب محکم صواشوب بهرام سابه به اوقاقوب هلال
ایدوب سابه نک اوغلی عجم رجع ایدوب صواشقدده اسیر اولوب میر خواننده ذکر اولندی بی اوزر بهرام
ایکیوزالی بیک دوه یوکی مال غنیمت الوب مداینه کوندردی * کین هرمن غایبده حظ ایدی (زوال)
وزیرافند بهرام حصد ایتمکین کوندردیکی مال الدیغک عشری دکدر دیدکده هرمن یاشایوب بهرام
غضب خبرین کوندروب عسکر هرمنه انجنوب بهرامی پادشاه ایدوب بهرام هرمنک اوغلی خسرو نامنه
سیم و زر کسدر و اطرافه یایوب خسرو پیدرندن قورقوب آذربایجان قاجوب هرمن خسرو لک ایکی دایلری
بندوبه ایله بطامی حبس ایدوب بعده ایکیسی دخی بر فرصتله قورتلوب بعض عسکر اتفاقا قریله هرمنی
طوقوب کوزلر بنه قزمش میل چکوب خسرو ایشیدوب کوب تخته کوب بیخبر اید و کینه پدینه عذر ایدی
هرمنک سلطنتی اون ایکی ییل یا اون بر ییل درت آری ایدی (روایت) نظام التواریخده مذکوردرکه
جلوسندن اون ییل صکره خاقان عسکرله خراسانه کوب هرمن عسکری بهرام چوینی کندروب
جنگنده خاقانی و اوغلی قتل ایدوب اموال غنیمتی هرمنه کوندروب کندوسی ترکستان ضبطنه کتمک
صددنده هرمن ایشیدوب بهرامک اوستنه عسکر کوندروب بهرام انلری صیدوب طاعدوب اعیان عجم
پرغم اولوب هرمنک کوزینه میل چکوب حبس ایدوب خسرو تخته کدکده کریش ایله بوغدردی * بعض
تواریخده دیوانخانه سنده زنجیر عدالت کروب اهل حاجت اولنلر زنجیری تحریک ایدکده برطرفی کند و خاص
اوطه سنده اولمغین خبردار اولوب اوکسنه بی کتور دینوب حاجتن بتورردی دینوب * لکن اکثر معتبر اتده
بومعنی نوشتر و ان اسناد اولمشدر (فصل رابع و عشرون در احوال خسرو بن هرمن) لقبی پرویز اولوب
معنای مظهر یا خود عزیز دیکدر * میر خواننده مفصلدرکه پدیری حبس اولد قدده کوب تخته کوب بهرام

چو بین بونک اوسته یور یوب خسروایه نمران یرمقی نگارنده صواشوب خسرو عسکری غدرایه کنین
صینوب مداینه قاجوب پدیری تعلیمه رومه کیدوب پوله دایلی جبرادونوب هرمنی یوغوب ینه کلوب
بهرامک عسکری ینشمکن خسرو برکایه کیروب تغییر باسه قاجوب طوائف عربدن ملوک حیره دن ایاسه
اوغرا یوب اندن واروب قیصر کلی رعایت وقیزی هرمنی نکاح ایدوب یوز قول بکرمی حسنا جاریه یوز دانه
شاهانه انجو بکرمی کره یوزیک تقدالتون ونیجه جواهر وافر قشاش فخر و یوب خسروانده بریحی بیل
طوروب بهمه قیصر اوغلی ناطوسی یوزیک قدر عسکرله خسرو قوشوب آذر باجیانه کلدگرنده بهرام
قارشو کلوب محکم صواشوب عاقبت اکثر عسکر کیجه خسرو کلوب بهرام ترکسته نه قاجوب خاقانک
مقبولی اولوب عاقبت خسرو اغواسیله خاقانک خاتونی بهرامی بر حیل ایلد قتل ایدوب خاقان طوید قده خاتونی
پوشادی (جلوس ثانی) بهرام قاجود قده خسرو تکرار تخته کجوب روم عسکر بن رعایتله کوندوب پدیری
وصیتله دایلی قتل ونظم امور جمهوره سعی موفور ایدوب جلوسنک اون دردنی ییلنده رومیلر قیصری
وناطوسی قتل ایدوب قیصرک بر اوغلی خسرو کلوب بودخی اوج سردار ایلد وافر عسکر قوشوب قدس
وفلسطینی آلوب خلقی اسیر ایدوب اسکندریه شهرنه دخی مستولی اولوب استانبول نواحیسنه دلا ولایت
رومده نیجه برلخراب ایدوب رومیلر اقلیس دید کلمی هرقلی پادشاه ینشمکن عسکر عجم چالشوب قیصر زاده بی
تخته کجوره مدیلر بعده هرقل خسرو له جنکه استانبولدن عسکر کجوب نصیبینه کلد کده خسرو اون ایکی
بیلک عسکرله بر سردار کوندوب چنکده سردار له الی بیلک نفر قتل اولوب نیجه معتبرانده خسرو هرقله
جنکه عسکر کوندوب هرقل عسکر صینوب قرآنده (الم غلبت الروم فی ادنی الارض) آیتندن مراد بودر
یدی ییلد نصره شام قرینده تکرار صواشوب هرقل غالب اولوب (وهم من بعد غلبهم سیغلبون فی بضع سنین)
آیتندن مراد بودر دیشلر (متفرقات درجه وجلال و کثرت مال و سائر احوال) و معتبرات کثیره ده اولانک
محصلی بودر که خسرو غایتده خوب صورت و پسندیده سیرت و اهل شجاعت و قوی البدن اولوب ملوک عجمده
ریاست و یکاست و صلابت و عزم و جزم و رزم و کثرت و قوت جنود و وفرت اموال و نفوذ
و معموری عمالت و امن بلاد و مسالک ایل ممتاز و سرفراز ایدی بر تخی و ارادیکه یوکسک اولوب ایکی ییلده دلا
متصل اونوز نفر شاکردلو یوز بکرمی استاد ایشلیوب جواهر له مرصع اولوب اون ایکی برج و سبعة سیاره
و اعمال ساعات و نیجه صناعات صورتی نقش اولغندی اونوز بیلک مرصع اکر الی بیلک آتی اون ایکی بیلک
دوهمی شید بر آدلو بر مشهور آتی بیلک ابکیوز فیلی اون ایکی بیلک حسنا جاریه سی و ارادیدی بشقه بر راسلو یوز
عدد خزینه سی اولوب بهر بیلک اسمی باد آوردا بیکه روم پادشاهی اموال نفیسه سن خوف اعدادن بیلک عدد
کیلره یوکسکدوب بر مکان حصینه کوندوب بحکمة الله مخالف بل اسوب بحر عجم نگارنه وارمغین جملہ سنی
خسرو ایشیدی بهر ویدر که عجایب دیادن نیجه نسبه به مالک ایدی بریسی تاج مرصع ایدیکه کیجه لده انک
ضیاسندن الشمس نفر استاد صنعت ایشلردی بهر بیلک الی ذراع بردا بندد ایدیکه کیرلند کده آتسه آتوب
کیری یانوب سمندر قوئی فویندن طوقغین دابنده ضرر اولوزدی بهر بیلک اوچنی حریردن بر قرمنی ردا ایدیکه
هر ساعت متلون اولوزدی بهر دردنی یوزک قاشی بر طاش ایدیکه اغزده طوتله صومراخی کسردی بهر بشنی
بر بچاق ایدیکه زهر لوطعام ایچنه قونسه قینا یوب ایچندن زهر آیرلوب چیقاردی بهر بعض معتبرانده مذکوردر که
خسروک مالی خصوصه مبالغه لراوانوب قول صحیح بودر که اون بر بیلک سازنده و خدمتکار جاریه سی
الی بیلک خادم و باسبانی بکرمی بیلک بشیوز رومی و عربی آتی و قازی طقوز یوز الشمس فیلی و ارادیدی بهر حیوة
الحیوانده مذکوردر که الی بیلک طواری اند ایکی یا اون اوج بیلک خاتونی اولوب آتیه بندیکه ابکیوز کسسه اللرنده
بخورد الله ییلد کیدوب یولاری بخورلیوب مقدمایک سقا یولاری صولوب بهر خسروک جملہ تحفندن بزی
برقطعه التون ایدیکه بال موی کبی بومشاق اولوب بهر یاضاتی و آتسه طوقغین نیجه نسبه لریا بلقی ممکن ایدی
و بر چناق ایدیکه ایچنده کی صواچلده کده قدرندن فی الحال صوایله طولردی بهر و آتسنودن آدم الی شکلی ایدیکه
بونک اولادندن بری طوغرکن صواچلده قونوب طوغد قده بهر آتسنوس یوزلوب طوغدنی اندن ییلنوب
طالعنی مخملر یوقلردی بهر خسروک شیرین آدلو محبوبی بهر عشق ایدوب الدینی و مقدمه مافره ادا ناهر ادا

کندوبی هلاکنه خسروک حیلله ایلد سبب اولدنی کتب حکایتده مذکور و مشهور حالتدر (هلاک او)
هر ویدر که اوائلده متواضع و عدالته مائل اولوب ایکی کسسه بی تعیین ایشیدیکه هر دوه آتیه بندیکه بونک
او کجبه آتیه یور یوب سن قواسن ته کسری دکلسن دیود مبدم سوبیلوب خسرو دخی باشیله بلی دیو اشارت
ایدردی لکن او اخر عمرنده مغرور و بدخوی اولوب حتی سلطنتنک اون طقوزنی یا بکرمی ییلنده حضرت
رسول الله صلی الله علیه وسلم مدینه به هجرتلر ینک یدنی ییلنده یونی ایمانه دعوت ایچون نامه کوندرد کده
خسرو ضلالترو کمال خبائث و حماقتندن مکشوب شریفی بر یوب رسول علیه السلام ایشید کده (مترق الله
ملکه) یعنی الله سلطنتی باره اسون دیکین ماه جادی الاولی نک اوئنده صالی کیجه سی اخشامندن یدی ساعت
یکد کده اوغلی شیویه خنجر له بونک قارنی یاروب سلطنت عجم دخی دما دم مختل اولوب حضرت عمر خلافتنده
بالکلیه زوال بولوب جمیع عمالت عجمی امت محمد ضبط ایتدیلر (سبب قتل او) هر ویدر که سابقا قیصر دن
صینوب قاجوب کلان عسکرلر اکثری خسرو حبس ایشکین و منجملر سلطنت عجم اولاد کدن بر ینک اوغلنده
آخرا ولوردید کلدگرنده اولادنی جاعدن منع ایچون حبس ایشکین و جیره پادشاهی نعمان بن منذری قتل ایدوب
برنی سابق الذکر ایاسه و بر مکین ویدری زمانه نبرو وزیر و مشیر اولان خواجه بر جهر حکیم مذهب باطل
مجویی ترک ایدوب دین حضرت عیسا به کیرد کده خسرو قاقیوب آتی قتل ایشکین محصل تبدیل اخلاق
و اعیان عجمله تحصیل شقاق ایشکین هجرت حضرت رسولک یدنی باطوقوزنی ییلنده اکبر عجم اوشوب یونی
حبس ایدوب اوزرنده بشیوز بکرمی قویوب برینه اوغلی شیویه بی کجوروب بعده شیویه ابرام اکبر له ناچار
پدرنی و اون یدی یا اون بر نفر برادرنی قتل ایتدردی سلطنتی اونوز سکر ییل ایدی (مجزه بر عبرت) کتب
سیرده محردر که خسرو و تنهاسنده بر ملک انسان صورتده کورنوب انده بر عصا طووب ای خسرو الله تعالی
کو کدن کابل بر بیغمبر کوندرد مشدرا کا ایمان کتور یوخسه یونی باشکده پاره لرم دیوب اودخی فارسجه
بیل بیل یعنی قواچتمه امان و یردیوب کله جک ییل دخی یوله ایدوب اوچنی ییل دخی ایمانه کلیه جکی مقرر
اولغین عصایی باشنده پاره ایوب کیدوب او کیجه اوغلی شیویه خنجر له خسروی اوروب قتل ایتدی
(لمحرره) دشمن دین محمد دایما اوله هلاک بهر بر ینک منزل و مأوامی اوله زیر خاک (فصل خامس و عشرون
در احوال شیویه بن خسرو) میر خوانده ابرام اعجام له پدرنی و اون نفر برادرنی قتل ایتدرب بعده عدالته
باشلیوب دیار عجمده عظیم طاعون اولوب پدر و برادرلری قتلنه ندامتندن خسته اولوب وفات ایتدی
هر ویدر که پدری هلاک کندنصره اوکی اناسی شیرینه عاشق اولوب آتی کندوبه رام ایشکی مرام و محکم ابرام
ایتد کده پدرک مقبره سن آج کوره یم دیوب آچد قده شیرین طانلو جانتدن اوصافغین آجی زهر ییوب فی الحال
وفات ایتدی دینوب نظام التوار یچده شیویه غدار و مکار اولوب پدریله اون یدی برادرنی قتل ایتدرب و بعده
بر مرض الیه اوغرا یوب دار حیمه کتدی دینوب بهر بعض معتبرانده پدرنی قتل کوندرد بیک کسسه به خسرو
اوستمه سنک چوق حقل و اردر آنک عوضی فلان صد یغمی آل سنک اولسون دیوب قتلانده کسره الوب
شیرویه به التوب اودخی اچوب بر حقه ایلد جبار یوب بردانه سن بین نیجه دفعه جماعه قادر اولور دیو یازلغین
شیرویه هر صندن ییوب زهر له یوغرماش اولغین هلاک اولدی دینوب بهر عمری بکرمی ایکی ییل سلطنتی همان
القی یاسکرز آیدی (فصل سادس و عشرون در احوال اردشیر بن شیویه) پدری وفاتده یدی باشنده
تخته کجورلوب روم سرحدنک بکی شهر یار نامدار مداینه عسکر چکوب اردشیری قالدرب تخته کجوب
اکبردن وافر کسسه بی خسروک قتلنه چالشیدیلر دیک بهر بانه سیله دفع و دفع ایدوب خسرو نسلندن کسسته
اولماغین عجمه لرا ناچار مطیع اولدیلر بهر سلطنتی بر ییل الی آیی یا همان بش ای ایدی نظام التوار یچده امراء
عجمدن شهر یازد سیم سالار اردشیر اوزرنه خروج و عاقبت یرینه کجوب نسل ملو کدن اولماغین اغیان
عجم همان اول کون شهر یزادی قتل ایتدیلر دیومذ کورد (فصل سابع و عشرون در احوال شهر یار)
یا خود شهر یزاد میر خوانده نسل ملو کدن اولماغین سپاه عجم بوکا اطاعته عارلنوب اصطخر عسکرندن
اوج برادر یونل قتلنه اتفاقشوب آت اوستنده نیزه ایلد یقوب عزل ایدوب جملہ قرق یا بکرمی کون پادشاه
اولاشدی دینوب بهر لکن تار یخ دینوریده مذکوردر که جلوس سندن بر ییل صکره نسل ملو کدن اولماغین

اکابر عجم هجومه بوی قتل ایدوب خسرو که پیرام چوبین همشیره می کرد به خاتون دین اوغلی بشری تخته
 بکوروب بر ییلد نکره وفات ایدوب خسرو که قیزی بوران دختی تخته بکوروب یلدر دینوب * مورد اللطافه ده
 بکوروب شهریان بن شیرویه قتل و خسرو که قیزی بورانی نصب ایدوب یلدر دینوب * (فصل نهم و عشرون
 در احوال کسری بن ارسلان) میرخوانده ذکر اولم یوب نظام التوار یخده اردشیر بن شیرویه اوستنه
 شهر برادر خوج و عاقبت قتل ایدوب تخته بکده نسل ملوک دین اولماغین همان اوکون قتل اولنوب
 فارس بن ساسان بن پیرمن نسلندن کسری بن ارسلان دین غیری ملوک بجم نسلندن آدم بولنماغین ناچار
 تخته بکوروب بر ییل بش ایدوب وفات ایدوب دینوب * نصیحه الملوک که اردشیر برینه کزازانک برینه بوران
 دخت آنک برینه ازرمی دخت آنک برینه فرخ زاد آنک برینه بزرگد اولدی دینوب * بعضی کتبده کسری
 ابن ارسلانک سلطنتی همان الی بش کون ایدی دیومذ کوردور و الله اعلم (فصل نهم و عشرون
 در احوال کسری بن قباد بن هرمز) بعضی معتبرانده ترکستانده بسلطنتی اتفاق اعیانله تخته بکوروب
 سلطنتی اوج آی ایدی دینوب * تاریخ میرخوانده اش بکسری ذکر اولنماشدر (فصل نهم و ثلاثین
 در احوال بوران دخت بنت خسرو) عاقله و کامله عارفه و عاده اولوب کوی بر ییلر و نعمت ایدوب شهریار
 قاتلرندن بری وزیر ایدوب خسرو زمانده رومدن کتوروب نصارتک معزز و مکرملری اولان خشیه
 الصبی قیصره کوندر و اودخی غایت حظ ایدوب دوست اولدی * بوران دخت شهریار توابعی و کندونک
 برادر لرینی قتل باعث اولملری قتل ایدوب بورانی دیدکاری طعام بکومنسو بسلطنتی بر ییل درت آی
 باهمان الی آی ایدی * بونک زمانده حضرت محمد صلی الله علیه وسلم کفار خا کساره غزا ایتمکده باشلیدی
 (فصل حادی و ثلاثین در احوال فیروز) میرخوانده درجه بعدده خسرو که عیسی اوغلرندن و بوران
 دختک ملازم لردن اولوب لقبی خشنده ایدی باقی بیولک اولمغین تاج سلطنتی کید کده نه عجب طاردر دینوب
 خلق طیار ایدوب سلطنتی آرا اولوردید بکده بعضی کتبده بکوروب سوزدن انجنوب تاجی باشندن الوب تخته غیری
 کسینه بکوروب یلدر دینوب * تاریخ کاملده بدسیرت اولمغین عسکر بوی قتل ایدوب سلطنتی بر آیدن آرا اولدی *
 بعضی تواریخده فیروز نکره خسرو بن قباد بن نوشر و ان تخته بکدی دینوب قول جه و رموز خینه مخالفدر
 دینوب نظام التوار یخده بوران دخت برینه پرویز بن پیرام بکوب و والده سی نوشر و ان نسلندن اولوب سلطنتی
 الی آی ایدی دیومذ کوردور (فصل ثانی و ثلاثون در احوال ازرمی دخت بنت خسرو) تواریخ غریبه ده
 خشنده بادشاه اولد قده امور سلطنت و تدبیردن خیر اولماغین برای مقداری طور و بعد برینه ازرمی
 دخت تخته بکوردی دینوب * میرخوانده غایت حسن او عاقله اولوب وزارتی اصلا کسینه به ویرمیوب رأی
 و تدبیرده مستقله ایدی خسرو زمانده نبرو خراسان بکی فرخ بن هرمز اوغلی رستمی برینه قویوب کندو
 مدینه کوب ازرمی دخت عاشق اولوب نکاح خلق مراد اید کده تروج سلطنته مانعدر لکن بر کجه تنه اجه
 کوب و صالم الله شاد و بر مراد ایدیم دیوب اودخی اینسانوب کده باشن کسوب بدخی سرای قیوسی اوکنه
 قویوب ایرندی خلق کوروب متغیر و متحیر اولدی رستم خراسانده ایشیدوب عسکرله کوب جنگده ازرمی
 طویوب عذاب عظیمه قتل ایدی * دینوب نظام التوار یخده رستم ازرمی به زهر بیدروب انگاه هلاک اولدی
 بروایتده عسکرله کوب قتل ایدی دینوب * ازرمینک سلطنتی بر ییل درت آی باهمان درت آی ایدی
 (فصل ثالث و ثلاثون در احوال کسری بن خشنس) میرخوانده ازرمید نکره بکوروب ملوک کسری نسلندن
 برکسینه ارا یوب اوازده اردشیر بن بابک نسلندن بوی بولمغین تخته بکوروب لکن امور سلطنتدن آگاه
 اولماغین برایکی هفتده نکره زمره سپاه اشوبی گاهی قتل ایدی * نظام التوار یخده اصلا ذکر اولنماشدر
 (فصل رابع و ثلاثون در احوال فرخ زاد بن خسرو) میرخوانده کسری قتلند نسل ملوکدن آدم بوقلنوب
 فرخ زاد سابقا برادر شیرویه خوقندن قاجوب حالا نصیبینده بولمغین کتوروب تخته بکوروب یلدر عذل و داده
 و تعمیر بلاد و ترغیه عبادده باشلیوب بر آی بکده قوللرندن بری بکوروب جنوب زهر لورنرت ایچروب هلاک
 اولدی دینوب * تواریخ غریبه ده کسری قتلند نوشر و ان نسلندن فیروز بولنوب ناچار بادشاه ایتمک
 دیلد کارنده باقی بیولک اولمغین تاج سلطنت برکت افسر نه راست کلیوب نه عجب طار اولوردید کده بجمه

طیار ایتمکین فی الحال قتل و فرخ زادی نصب ایدوب یلدر دینوب * نظام التوار یخده شیرویه برادر لرینی قتلده
 فرخ زاد طفل اولمغین هماندن نجات بولمشدی حالا بادشاه اولد قده تدبیرده غایت تقصیر ایتمکین بجمه قارسدن
 بزرگد کتوروب تخته بکوروب بوی عزل بر روایتده قتل ایدوب دینوب سلطنتی الی آی با بر آی ایدی
 دینوب (فصل خامس و ثلاثون در احوال بزرگد بن شهریار بن خسرو) میرخوانده مذکوردر که سابقا
 خسرو بجمه اولاد کدن بر ییلک بر اوغلی آخره ملوک اولد بکده دینوب بجمه بولمغین بجمه باطلنجبه تدبیرله
 تقدیری تغییر ایچون اولاد فی جاعدن حبسه منع اید کده اوغلی شهریار تقاضای شو و تدن اوکی اناسی شیرینه
 شکایت ایدوب اودخی نبات اعیانندن بر یی که بر صوج ایچون غضب ایدوب بجمه امره سا کردایتمشدی
 اوغلان لباسنده شهریاره کوندر و بعد زمان بزرگد و غوب شیرین الی بسلیموب بش باشنده خسرو الی
 کوروب صوروب بلد کده بجمه ملوک بجمه آخری سنک نسلکدن و بدتنده شومقوله عیب اولد بکده دریدیلر
 دیوب بوی صوروب دیری اوستنده اوعلامتی کورد کده اولدر ملک دیلیوب شیرین قورتاروب خسرو بزرگد
 قویوب بوی بر طرفه کوندرمشدی فرخ زاد و وفاتده حضرت عمر خلافتده امت محمد بلاد بجمه بر حد لرینه
 غالب اولد قلدنده اعیان بجمه بزرگد اصطخردن مدینه کتوروب آنشکده به ایلنوب آنده تاج سلطنتی
 باشنه کیدروب بعد تخته بکوردیلر (زوال او) نیجه معتبرانده مفصلدر که شیرویه برادر لرینی قتلده بعض
 بجمه بوی اصطخره قاجور مشلردی فرخ زاد سلطنت حقندن کاه مامکین بجمه بوی کتوروب تخته بکوردیلر
 سکنز ییلد نکره حضرت عمر خلافتده عشره مبشره دین سعاد بن ابی وقاص صحابه و غیریدن سکنز ییلک قدراری
 عسکر اسلامه بجمه کوب کوفه قریبده قادسیه شهر فی فتح ایدوب بزرگد رستم بن فرخ زادی التمش ییلک
 باقر ییلک عسکرله و تمش عدد فیلله جنگده کوندر و بوج کون بجمه صواشوب بعدده عظیم ییل آسوب
 کفار خا کسار از لرینی غبار بوروب و مکی بجمه سی مغلوب و مخدول و رستم برستم قبل اوزرنده مقتول اولدی
 بعده حضرت سعد مدینه واروب محاصره ایدوب ذخیره مضایقه سنده بزرگد و افر کافر نافر غیر طافرا اید
 قاجوب * سلمان شهری الوب ایچنده کیدری قیروب حد و صفدن خارج اموال عظیمه بولمغین عسکر مظهر سیله
 زری برادر کسورردی بزرگد دیوانخانه سنده دوشه ن التمش ذراع چار گوشه هر صحرای قالی که صافی
 زروحر برله طوقنوب پر نقش و نگار و یاد کار روز کار ایدی مدینه منوره به کوندر لوب حضرت عمرانی
 اشرف اشراف صحابه اولان اوچیز نقره قدراری اهل غزای بدره تقسیم اید کده هر بری حصه سن یا قوب
 بکرمیشر التون حیه قیدی و نیجه ییلک ییلدنبر و جاق فریدون زماندن قلوب درفش کاویان دیکله مشهور
 جهان اولان هر صحرای الی بکده بوزوب اون ابکی که یوز ییلک فلوری حاصل اولدی بعده حضرت سعد
 بغداد قریبده جلولا شهر بجمه عسکر کوندر و بوسلمانلریوز ییلک نفر کافره صواشوب و افر کافر قیروب بزرگد
 حلوان شهرنده ایکن قاجغین مسلمانلر واروب حلوانی ضبط ایدیلر عاقبت هجرت حضرت رسولک او تو بر بنی
 ییلنده حضرت عثمان خلافتده بزرگد مر دا ولوب بجمه مالک بجمه مسلمانلر ضبط ایدیلر * نظام التوار یخده
 مذکوردر که بزرگد رستمی مسلمانلرله جنگده کوندر کده نوشر و انک هر صحرای تاجن بجمه جواهر ایلد ولایت
 چینیه امانت کوندر و بکندوسی نه اوند کوب رستمک قتلن ایشد کده اصفهانه بعده کرمانه بعده هروه
 واروب انده طور و ب عاقبت اندن دخی قاجوب بولدم بر کرمه کوروب در کرمی بوی لباسنه طمه عاقل ایدوب
 دولت ملوک اعجام بونده انقراض و اختتام بولوب بعدد ضلالت اعلام کفار بجمه کسار نکون سار و رایت
 ظفر آیات دین رسول مختار اقطار و امصارده منصوب و آشکار لامع الانوار اولدی * فالجده الله علی ذلک
 ولا زال من ان یکون دائما کذلک بزرگد عمری الی اوج ییل سلطنتی بکرمی یا او تو زالی ییل ایدی (نظام)
 بکآن فریدون و خحال و جم * شهران عرب خسروان بجمه * همه خالک دارند بالین و خشت * خنک آنکه
 جز تخم نیکی نکشت

(باب خامس در احوال ملوک قبطیان)

تاریخ ابن شخبه ده قوم قبط قبط بن خام بن نوح علیه السلام نسلار بیدر سائر تواریخده حامل طوق و زعفر
 اوغلی اولوب بر ییلک اسمی قبط ایدیکه اولنک نسلندن اولنلره قبطی دیرلر دینوب * اشبوطا ایفه ولایت مصرده

ایدیلر حالادخی اهل مصر لک کتری بونلرک نسلندندر (فصل اول در احوال یصمر بن حام بن نوح علیه السلام)
بعض معتبرانده مذکور در که طوفانندن چوق صکره اشاعیده کله جک وجهله صرح غرودا کبر یقلد قدده
کمال دهشتدن جله خلقت دیلاری شاشوب حکمت حقه هر طاقه بر در لودیل سو یلمکه باشد قلزنده نوح
یغمه بر اولادک ایچلر بنه پراکنده لک دوشوب هر فرقه بر ولایت واروب بنالریابوب انده ساکن اولد قلزنده
حام بن نوح دخی مصر طرفنه کیدوب وفات ایندکده اوغلی یصمر مصر قریبده خاکی بت پرستلر اولان منف
شهر نه واروب پادشاه اولدی دینوب تاریخ این شعبه ده مصره وارن حام اولادیدر دیومذ کوردرد کاب
اولانده طوفانده صکره مصرده ابتدا یا بلان شهر منف در دینوب فواج مسکیده ولایت مصرده یوسف
علیه السلام زمانده تختگاه اولان منی ملوک و علماء قبطدن کنسکه هندی بابوب انده خواص طبیعیه و آثار
روحانیه ایله بدایع صنایع ایجاد و بنیاد ایتدی شهر مصری طوفانده صکره ابتدا مصر بن حام بن نوح علیه
السلام پایدی دیومذ کوردرد (فصل ثانی در احوال مصر بن یصمر) معتبرانده مصری ابتدا بویا عقیق انک
اسیله مسیحی اولدی دینوب مدت عمری و سلطنتی اوزانوب شهر لر معمور و عدولر مقهور ایدوب عاقبت میت
مقبور اولدی (لمحرره) اگر عمر انسان بود صد هزار شود عاقبت زیر خاکش قرار (نثر) بعض کنبده
مصری بنا ایدمک اسمی مصر ایتیم اولوب بعده ترخیم و تعریله مصر دیدیلر دینوب لکن کاب الاوانده سیوطی
ایدر طوفانده مقدم نسل حضرت آدم ازوب ایچلر نه بعض بعضه جفا و اذایدا اولد قدده بقراوس بن مصر
ابن تراکیل بن زراکیل بن عربان بن آدم علیه السلام ائلردن آیرلوب خالی و مأمن برجای لطیفی مسکن
ایدنک ایچون بخش سکان کسنه ایله ولایت مصره واروب نهر نیل کنار نه قونوب خالک پالک تابناکی زراعت
مناسب کورمکین بر شهر بابوب تیمنا و تبرک ایدری اسمی آقودی (فصل ثالث در بعض احوال فقط بن
مصر بن یصمر) شوکت و عزت و نصرت و مکننت و قدرت ایله نیجه مدت سلطنت سوروب عاقبت آخر نه
رحلت ایتدی (لمحرره) مامن الموت خلاص لا ولا عنه مناص مانجیامنه العوام مانجیامنه
الخواص (فصل رابع در بیان آریب بن مصر بن یصمر) مصر شهر نه برقاج میل برده عین شمس دیدکاری
شهری بویایدی بو عباد حق و ذره کتر نوار یخ مفصله کثیره به ظفر میسر اولمغین بوندن زیاده احوالی معلوم
اولدی (فصل خامس در بعض احوال صناعین مصر بن یصمر) خیلی زمان سلطان کامران اولوب فواج
مسکیده ملوک قبطدن ابتدا آیین سلطنت و قوانین ریاست واضعی بودر دیومذ کوردرد (فصل سادس
در بیان تدارس) بونک نسبی و احوالی معلوم اولدی (فصل سابع در بیان مالیک بن تدارس) نیجه زمان
سلطان اولدی (فصل ثامن در بیان حرا بن مالیک) احوالی معلوم اولدی (فصل تاسع در بیان احوال
کلکی بن حرا بن اهل حکمت و افره و قوت ظاهره و همی تقابصدن نافر ایدی دیناده ابتدا صرجه
پیدا ایدن بودر دینوب لکن صرجه بی دیناده ابتدا سلیمان یغمه ایچون جنلر پیدا ایتدی لر دیومذ کوردرد
مذ کوردرد (فصل عاشور در بعض احوال حریا) کلکینک عیسی اولوب لکن کفری شدید طماعی و عنید
باغی و بیلید ایدی (فصل حادی عشر در احوال طولیس) حاکم ظالم و زندوست اولغین مصرده شهر
قبولینه آدمقویوب طشره دن کلان حسنا خانقاری جبرله کشوردوب سرای آتش سزایده ایقوردی
(مجنزه) حضرت ابراهیم علیه السلام خانقاری ساره ایله غرود ولایتلردن کیدوب مصره وارد قدده ساره
غایت حسنا اولغین کفاردن قور تارمق ایچون صندوق ایچنه قویوب قابو جیلر اریابوب بولوب شاه کراهه
ایلتوب حضرت خالق الاقلاک خلی غنالك اولماق ایچون مبارک کوزلردن پرده لری قالدروب طور دینی
یردن چاق سربانک ایچنی کورردی طولیس ابلیس تلپیس ساره بی کوروب دست بت پرستن اوزانغی ایسترن
الی قور یغین توبه ایدوب آچلوب اوج کره تجر به ایدوب بوعلامت محض کرامت ایدوکن یلوب ساره به هاجر
آدلو بر جاریه باغشلیوب کتیکه دستور و یروب لکن ایمانه کلک نصیب اولدی حضرت ابراهیم مصرده کلکیوب
ساره ایله بنه ولایت شامه کیدوب ساره نازه اولوب لکن اولادی اولماغین هاجری حضرت ابراهیم باغشلیوب
اول جاریه شرف ساریه دن حضرت اسماعیل وجوده کادی (فصل ثانی عشر در بعض احوال جور و باق)
خانقاری اولوب طولیسک هم شیر سیدر برادری برینه کچوب نیجه مدت سلطنت سوردی (فصل ثالث عشر

در بعض احوال زلیقی بنت قامون) بودخی خانقاری ساطننده عجزی اولغین قدیدن ولایت شامده ساکن
عالمه طاقه سنک پادشاهی ولید مصره عسکر کچوب قبط طاقه سنه غالب اولوب تخت کجادی (فصل
رابع عشر در احوال ولید بن تروان) عالمه پادشاهی ایکن مصره عسکرله کابوب جبرله تخت کجادی مصرده
ملوک عالمه نک اولی بودر فرعون دیواقب قونوب بوندن صکره جمیع مصر پادشاهلری دخی بواقبله مذکور
اولدیلر اسان قبطده فرعون پادشاه دیکدر ولید بیلید کافر عنید اولغین صغره طپاردی شکار ایچون کشت
صحرا و دشت ایدر کن قتل اولندی (ع) همیشه کافران یارب چنین یاد (فصل خامس عشر در احوال هارام
ابن ریان بن ولید) پدری برینه کچوب مصر قریبده قصبه عین شمسده ساکن اولوب بعده منف شهر نه کوچدی
بوقار و ده تفصیل اولندی فی اوزره حضرت یوسف علیه السلام بونک زمانده مصره کتور یلوب صا زلوب اون
ایکی ییل حبس اولنوب عاقبت بونک بر مفصل واقعه سنی تعبیر ایتیم کین غایت رعایت ایله زنداندن دیوانه
کتور دوب زلیخانک زوجی قاطیر برینه وزیر و موشیر ایدنوب تخت او توردوب جمیع اموری تدبیرن بالکلیه
اکانتوبض ایتدکده یدی ییل غایت اوجوزلق آنک عقبنده یدی ییل دخی حددن بیرون قحط اولوب
برمجزه برکون قحطده وافر یک یوب قاری طویوب یوسفی چاغردوب اجله دن شکایت ایدوب یوسف
علیه السلام مبارک ایله کوکسن صیغاده قدرت حقه قاری طویوغین مجزه ایدوکنی یلوب ایمانه کادی
نفس اسیرده ریان بخش ایکی در لولغت بیلکین حضرت یوسفی ابتدا کوردکده هر بریده کا خطاب یوسف دخی
جمله سیله جواب و برمشدی اشبور ریان حضرت موسی علیه السلام زمانده اولان فرعوندن در نیوز ییل
مقدم ایدی دیومذ کوردرد (فصل سادس عشر در احوال دارم بن ریان بن ولید) قوار یخده پدری مسلم
رشید اما بو کافر و جبار و متکبر و عنید اولوب عاقبت تقدیر حضرت رب الخلق ایله نهر یلده غرق اولدی دینوب
لکن نفس اسیرده ریان وفاتده کفاردن قابوس بن مصعب بن ریان تخت کچوب حضرت یوسف علیه السلام
آنی دعوت ایدوب لکن ایمانه کلیوب یوسف علیه السلام آنک زمانده وفات ایتدی قابوس کفر مأوس
خیلی زمان سلطنت سوروب وفاتده برادری ولید تخت کچوب فرعون موسی اودر دینوب کشفاده (ولقد
جاءکم یوسف من قبل بالبینات) آیتنده احد قوانین اوزره مذکور در که فرعون موسی قابوس بن مصعبدر که
یوسف زماندن موسایه دلک بشامشدی دینوب تقاسیر و غیریده یوسف ایله موسی ارامی در نیوز ییلدر
و فرعون موسی اتیموز بکر می ییل بشاوب در نیوز ییل پادشاه اولمشدی دیدکاری اشبو قولک جتنه
دلات ایدر والله اعلم (فصل سابع عشر در احوال کاشم بن معدان) بودخی عالمه دندر مصرده کال متات
و استحکام و غرات بنالیه مشهور دنیا اولان اهرام دیکله بنام اولوب ایچنده نه وارایدوکی بروجه محسوم
نامعلوم اولان کوه مانند ایکی عالی بنای بلندی بیقدرمق ایستدکده حکما و عقلا مصر خزینه سی
انک هدی خرجنه و قال یخز خصوص ابری حضرت شیشک بری حضرت ادربسک مز ارشر بقری اولق هر ویدر
دیومذ کوردرد فرعون موسی بونک وزیر اولوب بونک وفاتده برینه کجادی دیشلر بعض قوار یخده مصرده
آخر ملوک عالمه بودر دینوب اکثر معتبرانده دارم ایله کاشم ذکر اولنوب ریان برینه قابوس کجادی دیشلردر
(فصل ثامن عشر در احوال ولید بن مصعب بن ریان) بعض عالمه دن بعض لری قبطدن ایدی دیوب حضرت
موسی علیه السلام ایله قصه لری مشهور اولان فرعون بی عون بودر دیشلر تقاسیر لباب و غیریده فرعون
موسایک اسمی قابوس یا ولید بن مصعب بن ریان یا مصعب کدوسی یاریان بن ولید اولوب علیق بن لاود بن ارم
ابن سام بن نوح علیه السلام نسلندندر دینوب تقاسیر قاضیده مشهور بودر که ریان بن ولید عالمی نسلندندر
دینوب تقاسیر تسیرده اسمی ولید بن مصعب بن ریان در اهل تورا و انجیل سربانیده بونک اسمی قابوسدر طاقه
قبطدن اولوب در نیوز ییلدن زیاده بشامشدر دیشلر دینوب اکثر تقاسیرده قوم عربدن عادات اولاندندر
دینوب تقاسیر کوراییده عالمه نسلندندر که آنلر عرب ایدیلر دینوب جمیع تقاسیرده فرعون موسی فرعون
یوسفدن در نیوز ییلدن زیاده صکره کادی دینوب ایکسی برکسنه اولق روابی حالا نصف حقیقه مقدم
یکمشدرد (ظهور او) تقاسیرا الواسعوده مفصلدر که فرعون قوم عاداتلردن شهر اصفهانده بر فقیر عطار ایدی
غایت مدیون اولغین شامه کلوب انده طوره میوب مصره کلوب شهرک طشره سنده بر یولق قار یوز بر ایچنه به

ایچروده بری بر اچیه کوروب تجارت عظیمه انجی دیوب بر یولق قار یوز صاوتون الوب شهره کیر کن نیجه یرده
 باجدار یاپشوب هر بری بر قار یوزی الوب چارشویه کاتجه بردانه فالغین الم چکوب شهرلک کی نظم امور
 بلد الیه مقید دکل انجی دیوب کندودخی شهرلک بر قیوسنده او نوروب هر کلان میت ایچون بشر اچیه المینجه
 طشره چیقار تمیوب بر رواینده مقابره طوروب بن مقبره لرامینیم دیوب اچیه الوب بحکمه الله عظیم طاعون
 اولغین اوج ییلده یجد مال جمع ایدوب عاقبت بادشاهک متعاقباتدن برینک قیزی وقات ایدوب میتی
 کتور یلوب اچیه ویرمه که نزاعلشوب آخر یولی طووب بادشاهه ایلشوب سنی کیم نصب ایتدی دیدکده امور
 سلطنتکزی انتظام ایدوکنی سزه اعلام مرام ایدوب ملاقاتکزه بوندن غیری چاره بولدم تحصیل ایتدیکم
 مالی سزک ایچون جمع ایتدم دیوب جله سین تسلیم ایدوب بنی وزیر ایل کورتدیر نیجه اولوردیدکده بادشاه بونک
 عقلی بکنوب وزیر ایدوب بدخی کمال عدالت واستقامت وبصیرت ایل ضبط ممالک و ربط مسالک ایدوب بادشاه
 وقات ایتدکده سابقار عایا و جنود بوندن خشنود اولغین تخت کتور یلوب لقی فرعون اولوب هر ور زمانه
 مکر شیطانه حاشا الوهیت دعوائنه جسارت ایتدی * نعوذ بالله من الضلال وفساد الحال واسوداد الحال
 (احوال او) معتبرانده اولانک اجمالی بودر که نوخط بکت ایکن تخت کجوب (قال لمن حوله الا تستمعون) آیتنده
 ابن عباس دیدیکه بونک یاننده اعیان دن بشیور کس نه او نوردریکه قولارنده التون بلزلک اولوب اول زمانه
 بلزلک طافتی ملوک مخصوص ایدی منف شهرنده ساکن اولوب بلد زره طابوب یاخود (وظنوا انهم النبا
 لا يرجعون) آیتی دلالتی اوزره کفره دهریه نه بنده اولوب * ابن عباس قولنج بر دیشی صغری اولوب
 اکا طابوب بر کوزل صورتلو صغر کورسه قومنه اکا طابقی امر ایدردی انکچون سامری بوزاغ و صورت
 دوزوب اضلاله بنی اسرائیلی اکا طابردی حسن بصری قوآنجه فرعونک بر خاجی واریدیکه بوغازینه آصوب
 کوروب اکا طابردی * سدی قولنج وافر خرده صغریا پدروب قومی اکا طابردوب سزک تکر بکر بونلردر
 بونلک وسزک تکر بکر بزم دیر ایدی قرآنده حکایت اولد بقی اوزره (انار بکم الاعلی) دیدیکه اکا اشارتدیر بعضلر
 فرعون وقومی کونشه طاباردی دیشلر * کشافده انار بکم الاعلی دیدیکندن قرق بیل صکره قومنه خطابا
 (یا ایها الملأ ما علمت لکم من الاغیری) دیدی دینوب علی کل حال سلطنتی قوی مزاجی صحتی حد نه سیه رسیده
 واموال و جنودی غیر عیدیه اولغین مکرر ایلدله حاشا دعوی الوهیت ایدوب قدیمدن بار و صدیقی و رفیق
 و شفیق هاما شیطان نشان ضلالت فشان وزیر و جله الملکی عاقبت سبب هلدکی ایدی * تفسیر تیسیرده
 حضرت موسی نبوته دل در نبوزیا اوچیز بکرمی ییلده دل حق تعالی بونک دناسین استدر اجا غایت معمور
 ایدوب حتی قرق کونده بر کره خلیه واروب اغزند بوندن کوزندن توکرک و سومک و باش کلیوب اصلا
 خسته اولوب حتی کسل و ضعف و صداع و غم و غصه دخی کورمیبوب بردیشی چیقمه یوب و اغریبوب
 لکن حضرت موسی بوی دینه دعوت ایتد کد نصکره بونک جمع احوالی بوزلوب سائر نام کی اولدی
 دیومذ کوردر (لمحرره) تکیم جرخ فلک دواردر * هر کلک بر زوالی واردر (غرائب) لباب التفسیرده
 فرعونک درت عجب نسنه سی واری ایدی اولاقامتی یدی قارش ایکن صفالی سکر قارش اولوب صفالک رنگی
 بشل ایدی ایکنی عری در تیوزیل ایدی اوچنی بر آتی واریدیکه یوقوشه چیقسه قولاری قصابوب اینشه
 اینشه ایاقلری قصابوب هر حالده دوز برده یوررکی درت ایاغی برابر اولوردی * در دغنی نیل ایرمانی قدرت
 و حکمت حقله ظاهر ابونک امر یله افار ایدی دینوب * بعض قواریخده قمری بکرلو کولک کوزلو قصابوب یلو
 ایدی دیومذ کوردر (غرق او) حضرت موسی علیه السلام بونی ایمانه دعوتده عظیم معجزه رکوستروب لکن
 بو عنادا یتکین مصرده قدیمدن الی التنده اولوب مسلمانلر اولغین انواع عذابله قوللان دغنی نیجه یوز بیلک نفر
 بنی اسرائیله بر کجه حضرت موسی امر حقله قدس طرفه کیدوب ایرتسی فرعون اون یدی کره یوز بیلک
 عسکر ایل آردلرجه کیدوب یتشدکده معجزه عصا الیه * مسلمانلر دیر ایدن کجوب فرعونله جله کافر لرق غرق اولدیلر
 بعض تفصیلده فرعونک عری در تیوزیل ایدی دینوب لکن بعضنده سلطنتی در تیوز عری التیوز بکرمی
 ییل ایدی دینوب حضرت موسی الیه معامله سی و کبیت غرق و نیجه احوالی جلد اولده باب حضرت
 دوماده مفصلا کجوشدر نظر اولنه (فصل ناسع عشر در احوال دلوکة العجوز) ملوک نسلندن

برعورت ایدی فرعون غرقنده مصرده تخت کجوب زماننده بوندن زیاده ماهر بر ساحر یوغیدی نیجه یوز بیل
 یشا یوب مصر شهرنی نیجه کونلک بولدن احاطه ایدر بر عظیم حصار استوار کوه واریا پدردیکه عجایب
 روز کاردن ایدی * تفسیر تیسیرده مذکوردر که غرق فرعوندن ایکی کون صکره موسی علیه السلام مقبولی
 و بر داری اولان پوشی بکرمی درت بیلک عسکرله مصره کوندروب وارد قلنده غرق اولان کفارلک ماللری
 ضبط ایدوب قابل نقل اولانی حضرت موسایه کوندروب سائرلرین خصوصاً عساکرلرین صاوتوب بهالرین جمع
 ایدوب مصرده باقی قالمش اولان قبط طائفه سنه نه کندو ایچلرندن بر حاکم دیکوب دو نوب موسی
 علیه السلام یانته کلدی (فصل عشرین در احوال در کون بن ملطوس) تازه بکت اولوب لکن قبط ایچنده
 بر یولک کس نه نسلندن اولغین غایت مکرم و محترم ایدی (فصل حادی و عشرون در بیان تر دس) چوق
 زمان سلطنت سوردری (فصل ثانی و عشرون در بیان لقاش) احوالی معلوم اولدی (فصل ثالث و عشرون
 در احوال امرینا) نیجه مدت سلطنت سوردری (فصل رابع و عشرون) در بیان استمداس (فصل خامس
 و عشرون) در بیان یلطوس (فصل سادس و عشرون) در بیان مالوس (فصل سابع و عشرون)
 در بیان مناکیل (فصل ثامن و عشرون در بیان یوله) اشوبش نفر بادشاهلک احوالی معلوم اولدی
 (فصل تاسع و عشرون در بعض احوال شیشاق) سلیمان یغمه زماننده نصکره بنی اسرائیل غزای جهنم جزا
 و نیجه وضع ناسرا ایتدی * تاریخ ابن شهنه ده شیشاق یوله نک اسمی اولوب ایکسی بر کس نه در دیشدر
 (فصل ثلثون در احوال فرعون الاعرج) بونک زماننده بابل بکی بختصر قدس شریفه لاری بیزا قوال تیوز
 بیلک نفر عسکرله کوب بنی اسرائیلک ثلثی مقتول و ثلثی اسیر مغلول و ثلثی دخی خراج کسوب حقیر و مخدول
 ایتدکده بعضلری مصره قاجوب بختصر انلری فرعوندن ایستدوب ویرما مکن عسکرله مصره واروب
 فرعون لک کوز نه عالمی تک ایدوب آتی با صوب شهری یا قوب یقوب مغرب ولایتنه کیدوب مصری
 آتیه یا قغین قرق بیل ویران و یوم آشیان اولوب بعده تعمیر اولد قده عجم بادشاهلرندن کیان طرفندن بعده
 اسکندر رومی عجمی الدقه آتک طرفندن بعده ملوک یونان طرفندن بعده ملوک روم اولان کفار نصاری
 طرفندن بکلی ضبط ایدوب حضرت عمر خلافتده عسکر اسلام صحابه دن عمرو بن العاص آدلوب در خاص
 ایل و واروب مصری فتح ایدوب اوزماندن الی هذا الان امت محمد عالیشان ضبطنده در فواج مسکینه نک
 بر محملنده آخر ملوک قبطک اسمی دقلطیا نوسدر طوفان نوحدن بونک زماننده دلو اوچیلک سکسان سکز بیل
 بوندن هجرت رسوله دلو اوچیزوالتش طقوز بیل کجدی دینوب بر محملنده دخی دقلطیا نوسدن هجرت نه دلو
 اوچیزوالتش طقوز بیل کجدی دیومذ کوردر والله اعلم

(باب سادس در احوال ملوک قحطان)

بوقرقه به کسر حواسکون میم و فتح یالیه ملوک حیر و تباعه بعضلرینه ادواء بن دخی دیرلر کشفانک طبعی
 حاشیه سننده ملوک یتندن حضرت موت و سبا و حیر و لایترینه مالک اولانه تبع دینوب اولمیا نه دیمزلدی تبعل
 معنای غایتده مطاع و کثیر الاتباع والاشباع دیمکدر دیومذ کوردر اشبوطا تفعه نک مدت سلطنتلری ایکی بیلک
 بکرمی بیل و تخت کاهلری دیار بن اولوب اکثری کونشه طا پر کافر ایدی (فصل اول در احوال قحطان بن عابر
 ابن شالح بن ارغشد بن سام بن نوح علیه السلام) بعضلر قحطان عابر بن ارغشد در دیوب بعضلر قحطان
 حضرت اسماعیل علیه السلام نسلندن در دیوب بر قول ضعیفده من بور عابر هود یغمه در دیر * امم عالم
 یساننده کاه جک وجهله طوفان نوح نصکره تبیل السنه ظهورنده اولاد نوح علیه السلام ممالک عالمه
 طاغلوب هر بری توابع یله بردیار اختیار ایتدکده قحطان بنه واروب تخت کجوب مستقل بادشاه اولدی
 اصلده اسمی یردا اولوب زمان قحطده خاق اطعامله الم قحطی رفع یتکین قحطان لقبیله مشهور جهان اولدی
 ملوک عربدن ابتدا تاج کین بودر * یعرب جرهم آدلو ایکی اوغلی واریدیکه هر بری عرب قبیله لرینک جد
 اعلا سیدر * بعض کتیده فخر آدلو اوغلی دخی واریدیکه انبیادن حنظله بن صفوان آنک نسلندن ایدی دینوب
 بعض کتیده سلطنتی کال قوت بولد قده طغیان اوزره اولدی دینوب جهو و علما نسب جمیع قبائل عرب
 قحطانله اسماعیل علیه السلام نسلندر جله اهل بن قحطان نسلندر دیوب * تاریخ مدینه ده قحطان دیدکری

عابری بن ارفخشذ بن سام بن نوح علیه السلام در که ابتدا عربیچه سویلین بود در دیشلر طائفه عرب جمله اوج
قسمد بری عرب عاربه در که قوم عاد و غود و طسم و جدیس و عقیق در آنکین عرب متعرب در که جدا علاری
خط اندر او چینی عرب مستعرب در که جدا علاری اسماعیل علیه السلام در دیومند کورد (فصل ثانی)
در احوال یعرب بن قحطان بعض معتبرانده ابتدا عربیچه سویلین بود در دیشلر بعض کتیده ابتدا عربی
خط یازان بود * شاعر ماهر اولوب * بیانی دخی سویلیدی دیشلر لکن تاریخ این شصته ده ارم بن سام بن نوح
علیه السلام اولاد نک اسانلری عربی ایدی دیشلر * کتاب الاوائلک بر مخلصه ابتدا عربیچه سویلین حضرت
اسماعیل در دیشلر مرادی حضرت ابراهیم اولاد ندن ابتدا عربیچه سویلین او در دیشلر اولاد و الاصحیح
دکادر زیرا اندن نیجه زمان مقدم هود و صالح و شعیب علیهم السلام جمله قوم علیه عرب طائفه سسندن
ایده کارنده انفاق وارد حضرت ابراهیم اوغلی اسماعیل اوغلا فخر کن والد سسینه مکیده ایلدوب قویوب
کتد کده عرب اسانلر انده ساکن اولان جرم طائفه سسندن او کونوب سسوده انلر پیغمبر اولدی دیو صحیح
بخاویده بر حدیث وارد دیو * بر مخلصه دخی حضرت آدمه ابتدا ایجه هوز حرقلری نازل اولوب وفات ندن
او چیز ییل مقدم باش کر پی اوزرینه سریانی و عبرانی و عربی و جمیع السسنده انواع اقلامه کابلری اوزوب
آنده بشروب مری و رایامه بردوام اولستی مری ام ایدندی دیشلر * تفسیر بایده سریانی و عبرانی و عربی و جمیع
لغاتی ابتدا سویلین و هر دیجه کابلر وضع ایدن حضرت آدم علیه السلام در تنکیم * کعب الاحبار دن
روایت اولنوب قرآن و حدیث دخی تقویت و شهادت ایدر دیو تصریح و تصحیح اولمشدر (فصل ثالث)
در احوال یسحب بن یعرب ملوک یسندن ابتدا بوابلر و باسانلر وضع ایدن و عسکر تعین ایدن و قلعه بیان
و آیین سلطنت و قوانین ریاست ترتیب ایدن بود در دیشلر * شهر آفاق محمد بن اسحاق یعرب یسحب اوغلی
دیشلر در دیو سائر مؤرخلر امر بر عکس دیشلر و الله اعلم (فصل رابع) در احوال عبد الشمس سبأ
ابن یسحب بن یعرب جمیع طوائف یمن و اکثر قبائل عرب بونک نسلیدر راصله اسمی عامر در اطراف عالمده
یجده غزالیدوب اعداسین دانیاسی یعنی اسیرا تنکین سبأ دیو لقب قونوب بعده یسند صنه شهر نه اوج کونلک
یولده ارض ماریده انواع زیب و زینت و کمال تکلف و صنعتله بر شهر فرید الدهر با یوب اسمی سبا قودیلر بعده
اول شهر خلقنه و آنلر نسللرینه قوم سبأ دیشلر * بعض کتیده سبیل خوفندن بر عظیم سد بنا ایدردی
دیشلر * تاریخ این شصته ده حیر که لان عمر و اشعر عامله آدلویش اوغلی و ارایدی دیشلر * تفسیر واحدیده
اون اوغلی اولوب ایچلرندن ازد کنده مدح اشعرون آغاز یجیلده یسند ساکن اولوب عامله غسان نلم جذام
ولایت شامه کیدوب آنده توطن ایدیلر دیو بر حدیث و تفسیر کوراینده ازم مدح یجیلده برینه اسد حیر نشام
ذکر اولمش بر حدیث مذکور در و الله اعلم (فصل خامس) در احوال حیر بن سبأ کسرا و سکون میم و فتح یا
وسکون را ایلد بعد زمان صالح پیغمبر قوی اولان غود طائفه سین دیار یسندن سور کون ایدوب مکه ایلد شام
اراسته کوندر یوب آنده توطن ایدیلر * قاموسه حیر بن سبأ نک روم آدلو بر اوغلی مذکور در (فصل سادس)
در احوال وائل بن حیر بعض کتیده حرف یاء مشنات تحتانیه ایلد و ایل دیشلر نیجه مدت سلطنت سور مشدر
دیومند کورد (فصل سابع) در بیان سکسک بن وائل بودخی نیجه مدت سلطنت سوریدی بونک اسمی
رفرف و زنی اوزره در (فصل ثامن) در بیان یعفر بن سکسک اولاد حیر دن دوریاش عامر نام کتینه
خروج ایدوب سلطنتی بونک اللدن الدی (فصل تاسع) در احوال عامر بن مارب بن عوف بن حیر که لقبی
ذو ریاش ایدی خروج ایدوب پادشاه اولد قد نصرکه یعفرک اوغلی نعمان ولایت خلقی معاوتیه بونی رفع
ایدوب برینه کیدی (فصل عاشر) در احوال نعمان بن یعفر عامر خارجی بی قالدروب پدیری تحتیه کجوب
سلطنتی کمال قوت و شوکت بولوب لقبی معاخر ایدی نیجه سفر ایدوب هر برنده مظفر اولدی (فصل حادی عشر)
در بیان اسمع (سلطنتی قوت اوزره اولوب پدیری کیم ایدوکی معلوم اولدی (فصل ثانی عشر) در احوال شدید
ابن عاد بن المظاط بن سبا المذکور ولایت شامده ساکن و اکثر ربع مسکونه حاکم ایدی برادر ی شداده
سلطنتده مشرک اولوب شدید کافر لکن غایت عادل ایدی هود پیغمبر بونی ایمانه دعوت اید کده عذاب ایدوب
بعد زمان کفرله وفات اید کده شهادت فتنه کیدی بعض کتیده شدید کرا و ایددی (فصل ثالث عشر) در احوال

(شهاد بن عاد) برادر ی شدید وفاتده برینه کجوب بعده بنون دنیا به حاکم اولدی بونک قوی اولان
طائفه عاد اولی مناره آسا بلند قامت و بالا لکن کفار ضلالت انما اولمغین حضرت هود بونلری ایمانه دعوت
اید کده بونلر قبول ایتیموب جمله اولاد و آبا ایمان دن ابا ایتدیلر (بناء ارم) شهاد اهل عباد هود دن علیه
السلام جنت اوصافن ایتد کده اول بلید عنید حاشا جسته تقاید دیشلر یوب معه و رة ارض بال طول والعرض
زیر دست هوا برستی اولمغین دیار عجم سلطنتده کوندر دیک همشیره زاده سی سخا که جمیع حکام ممالک عالمه خبرلر
کوندر یوب دنیا ده اولان اموال و جواهر لک اکثری کتور دوب ولایت یسند ارض حضرت موت و عذند اطرانی
اوچر کونلک واسع بر صحراء خوب هوا روح افزاده فرید دنیا اولان ارم شهر بی با ایتدروب خاکنی مسک و عنبر
و جله در و دیوارین و ایچنده کی و اربن صافی سیم و زردن ایدوب جواهر زو اهرایله مرصع و مصنع بایدر دیکه
خلق دنیا دن بروا کاه متبر بنا و زیبا پیدا اولیوب مقدور بشر ایلقدن کذرا ایتدیک مقرر ایدی قرآن عظیمده
(ارم ذات العماد الی لم یخلق مثله فی البلاد) آیتندن مراد بود * جمیع ممالکده اولان خلقدن و جله معاندن
اون ییله دل یجده و حساب سیم و زو جواهر اکساب ایدوب انواع حرفندن نیجه بیک استاد چالشوب سبی
واقدم ایلد او چیز یابیشیوز ییلده تمام اولدقه ایچنی محرف افکار اولان خوب صورت ابکار شبیه کارایله
طولاردی (هلاک) بعده بشیوز نفر بکاری و سائر عسکر کفر اتری ایلد مغرور و سرور سرای و قصور
بی قصور ایتد کده عزم مو فورا ایدوب شهر ارم و جسته کیم دیو قطع منازل و طی مریحل ایدوب بر قوناق
بر قالدقه شکار قورایکن عسکرندن آیرلوب (لحرره) کمال بولسه برشی خیر و کرشر * دوز عکسینه
البنه مقرر * نظرایله مه غرای کور کیم * هلال اولور که کیدر اوزر * مفهومیجه امر خالی کائنات ایلد
عزرائیل هاذم اللذات اتلو انسان صورتده شهادک یاتنه کلوب بی امان و زمان روح روان الوب بروا چاده
جمله عسکر اوزرینه غضب حقه جانب افلا کدن بر صیحه هولناک کلد کده زهره لری چاک و کند ولری هلاک
اولدی بر مدت عمر شهاد طقوز یوز ییل ایدی (عبرت) مریدیر که حضرت عزرائیله شود کوز زماندر که قابض
ارواح مخلوقاتن هیچ بر کسینه به رحم ایتدیک دیو صورلوب اودخی ایکی کسینه دن غیری به رحم ایتدم
بر یسی در یاده خلقی غرق اولان کیدن بالکتر چه بر فتنه پاره می اوسننده قورتلان همه امر را و غلا فتنی ایدی
ایکین شهاد ایدیکه روحنی قبض ایدر کن یا پدیر دیشلر شهر ی باری اراقدن بر لحظه کورهم دیو نضرع ایدوب
مقدرا اولما غین میسر اولدی دید کده * جناب حقندن کادیکه یا عزرائیل عزت و جلالم حقیقون غرقدن
قورتلار اوغلا فتنی شهاد ایدی ائی اول بلادن قورتلار یوب سسوده بوقدر ممالک و مال و بر مشیه کن بنه
بنم الوهیه انکار و کفر و خوار ایتدی (عبرت) مریدیر که هلال کفار دیکه قیامتده دل اول
شهر معتبر قهر اثر برنده طور و نظر بشر دن مستور اولوب ایچنه انساندن بر فرد کیم میسر اولدی
الا حضرت عمر یا معاویه خلافتده صحابه دن بری ولایت یسند دوه سن یای قلوب کزرن کذرا ایدوب ایچنه
کید کده یا پدیر بی اوزره معمور بولوب لکن (نظم) پرده بازی می کند در قصر قیصر عنبکوت * بوم نوبت
میزند در قاعه افرا سیاب * بیتنک مضنون مشاهده ایتدیک مری و الوف سنین و ایام و ایالی ایلد معمور و خالی
طور دیغنه متحیر و متغیر اولوب اکثرنک رنگی بوزلش جواهر دن آنکی طلوسی الوب طشره کلد کده دوه سنی
صحراده حالت حرا ده بولوب شهره تکرار کیم ملک ایتد کده همچو روح روان نظرندن بنه مان اولوب پر غم
و احزان دوشوب مدینه به یا شامه کلوب بو خالی حکایت ایتد کده بعض صحابه حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
ارم شهرن بره وصف ایدوب کاندان کیم ملک مقدرا اولما مشدر الا صحابه دن دوه یای قلوبش بر کسینه کیرسه
کر کدر دیو پدیر دیشلر * مریدیر که هود پیغمبر شهاد دیکه ایچنی عاد قومنه دخی مریسل اولوب اکثری
ایمانه کلد کارنده ریح عقیق ایلد هلال اولدیلر تنکیم باب هود علیه السلامده یکمشدر (فصل رابع عشر)
در احوال شهاد (یا خود مریند یا خود یعمر بن شهاد بن عاد * خریده العجایده مذکور در کده شهاد بی داد ارم ذات
العماده کتد کده بونی برینه قائم مقام قومشدی پدیر سقر مقرر دوزخه سفر ایتد کده میتی حضرت موت
شهر نه کتور و الوب تحت اوستنه قویوب یتش عدد التونلر حله اورقوب باشی اوچنه التوندن بر لوح قویوب
اوزرینه عربیچه بوشعری قازدردیکه (نظم) اعتباری ایما المغرور بال عمر المارید * اناشداد بن عاد صاحب

الحسن العمید * و اخ القوه والقدرة والملك الحشید * دان اهل الارض لی من خوف قهری ووعیدی *
 وملك الشرف والغرب بسلطان شدید * فانی هود وکافی ضلال قبل هود * فوعده نالوقبانه لاهم الرشید *
 فخصینه ونادیت الاهل من محید * فاتا نا صیحة تدوی من الافق البعید * فقامینا کرع وسط بید آخ صید
 (فصل خامس عشر در احوال لقمان اکبر) ابن عابد برادرش دادا اکبر (عبرت) تواریخده مذکور در که
 قوم عاد هلا کنده ایلمزدن لقمان آدلو کسسه هکده طوافده بولنوب کافر ایکن جناب حقه توجه ایتد کده
 هر ادله ایسه دیله لکن دیناده مؤید قالمق بحال ردیوها تفدن ندا کله کینیدی کرکس قوشی عمرین رجایا تمکین
 حاجتی قبول اولوب او قدریشادی * هر ویدر که بر کرکس قوشی بسایوب او وفات ایتد کده برین دخی بسلیوب
 هر بری سکسار یا خود در در یوزیل بشایوب بدیجینک اسمی لبد اولوب انک اجلی کلوب وفات ایتدی
 آنده امر رحمانه لقمان دخی دوشوب جان و بردی (لمرره) قورتلش یوقدر اولدن برکسه * نیجه بید
 ییل بوجهانده باشه سه * عربجه (انی الابد علی ابد) مثلی قصه لقمانه اشارت در اشبولقمان بن پادشاهی اولان
 لقمانه ایتد رغیری کسسه مدبر تصریح اوزره روایت کوردمم لکن ایکسی برکسسه اولمق ظن اوانور والله اعلم
 (بناء سد) خریده العجایده لقمان اکبرین ولایتیه سیل کلامکچون طاشله باقردن طول وعرضی بر فرسخ
 سده مشید یارب قریه لخراتی صوالکچون سده دیوارنده دموردن بر قاج قاپور یا بلشدی دینوب * بعض
 کسبه سدی مقدماسبایا پردی دینوب لکن تفاسیرده آتی بایدن اشاعیده کله جک بلقیس خاوند رک طاش
 وزفت ایله یا پردی دینشدر (قصه) تفاسیر و تواریخده مذکور در که یمنده ارض مارب که مسکن ملوک یمن
 اولان شهر سبا آنده ایدی طولاً و عرضاً التیسر آلتو یرده دک انواع الحف رب غفور ایله مغمور وشول هر سه
 مغمور ایدیکه جمیع قراوساتین بری برلینه یقین و متصل وقر بن اولمغین التي آتی یوله دکن قراخلقی آتشی
 بری برلندن یقارلردی * و تجارتیه کید نریندن شامه دلم متصل باغلار ارانده یور یوب هر کون مغمور کویله
 قورلردی اهل قراون فقیر خاوندلر باشلرینه طبله قویوب باغلار ارانده کزوب اییلک کیروب منزله
 کانجیه دک طبله سی انواع میوه ایله مالامال اولمغین صفاء بال ایله دوزردی ودخی جلد اول ولا یرده اصلا ییلان
 وعقرب کله پیره سکک و سائر حشرات ارض اولیوب لطافت آب وهوا ونعمت راحت افزا ایله مانند
 جنة الماوی غایتده صفایا ایدی اشبولایت خلقنه مدت کثیره ایچنده اون اوج نفر پیغمبر کلوب بونلری
 عصیان و طغیاندن منع ایدوب بونلر نعمت خدایه کفران ایتمکین خصوصاً (ربنا باعد بین اسفارنا) دیوب باغ
 وبستان کتر تمدن شکایت ایتمکین بعد زمان غضب رحمانه اسمی سبیل العرم اولان سبیل پرویل کلوب
 سدی ییقبوب اکثر ولایتی خراب ومنزل بوم وغراب ایدوب قبائل یمندن طائفه غسان شامه انمار مدینه یه
 جذام یا خود خراجه تمامه یه و حجازه اسد بجز نه از دمانه کیدوب اکثر دیار یمن خالی قلوب اولکی مغمور لکه
 امکان اولدی * یوقصه غرابت حصه حضرت عیسی علیه السلام زمانند نصکره اولوب ظهور دین محمدین
 در یوزیل مقداری مقدم ایدی (اقد کان لسمیاً فی مسکنهم آیه جنتان عن یمن وشمال کلوا من رزق ربکم
 واشکروا له بلدة طيبة ورب غفور فاعرضوا فاسلنا علیهم سبل العرم و بدناهم بیجنتهم جنتین ذواتی اکل
 خط وائل وثنی من سدر قلیل ذلک جزیناهم بما کفروا وهل نجازی الا الکفور وجعلنا بینهم و بین القرى
 التي بارکنا فیها قرى ظاهرة و قدرنا فیها السیر و فیها الیالی وایاما آمین فصار لواربنا بعدین اسفارنا وظلوا
 انفسهم فجعلناهم احادیث و مزقناهم کل ممزق ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکور و لقد صدق علیهم ابلیس
 ظنه فاتبعوه الا فریقاً من المؤمنین) ایتلندن مراد یوقصه در دیشدر (فصل سادس عشر در احوال بیان
 دوسد بن عاد) احوالی معلوم اولدی بعض کسبه بونی ذکر ایتمیوب بونک یرینه شداد بن عاد
 دخی ذکر اولمشدر (فصل سابع عشر در بیان حارث بن شداد) لقبی رایش اولوب انکله مشهور
 و مذکور ایدی سائر احوالی معلوم اولدی (فصل ثامن عشر در احوال ذوالقرنین صعب بن رایش) تفاسیر
 و تواریخده سدی آجوجی یابوب قرآنده مذکور اولان ذوالقرنینک اسم و نسب و زمان و مکان و عمر و نیجه امرنده
 عظیم اختلاف اولنوب اگرچه اکثر کسبه اسمی اسکندر اولوب رومی یونانی ایدی دیشدر لکن اکثر محققین
 حضرت ابن عباسدن ذوالقرنین کیدر دیو صور لده قوم حیدرین ایدی دیوب اولانده کی ذوالکله دخی

یمندن اید وکنه دلیلدر زیر اکثر ملوک یمن اسملنده ذوالقطنی وارد در ذوالمنار ذوالنور ذوالعین ذوالیرن
 ذو جندن کی خصوصاً سبع یعنی (نظم) قد کان ذوالقرنین جدی مسلماً * ملکاعلا فی الارض غیر مغند *
 باغ المشارق والمغارب یتغنی * اسباب امر من حکیم مرشد * دیکین یعنی اولمی اصح وار جدر دیو تحقیق
 ایتمکین * و دخی شهر مشاهیر فصحاء عرب یا اولان قس بن ساعدة الایادی یا مشر یا داین الصعب ذوالقرنین
 ملک الثقلین دیوب * و بعض قدما شعراء عرب (نظم) والصعب ذوالقرنین اصبح ثاوياً * بالخیر فی جنت
 اصم مقیم * دیکین ذوالقرنین دید کاری صعب بن رایش اولمی بر حسب ظن اغلب اولی واصوب وصحته
 اقرب اولقدر یو بایده قال وقیل و بونک احوالنده اولان تفاسیل باب انبیاء مشتهیه الاخوانه کله کین
 یوملده اختصاراً اختیار اولندی * اشبوصع بن رایش حقیقتده ذوالقرنین اولیوب مجرملوک یمندن ایسه
 سائر احوالنه اطلاع حاصل اولماش اولور * والله اعلم بما اخفی واعلم (فصل ناسع عشر در احوال ذوالمنار
 ابرهه که) صعب بن رایشک اوغلی یا برادری اولوب کونشه طایر کافر ایدی سلطنتی غایت قوت وشو کنده
 اولمغین اطراف عالمی کزوب روز کارده یاد کار قالمیچون بحر محیط کارنده و بعض جزایرده مناره شکنده بلند
 و بی مانند مللر و اوزرلرنده بوندن اونه سی معمود کادر دودن کل دیو اشارت ایدر صورتلر یابوب کندونک اسم
 و رسم قازدردی * خریده العجایده ابرهه یه ذوالقرنین دیرلردی لکن قرآنده مذکور اولان غیری کسسه در
 دیو مذکور در (فصل عشرون در بعض احوال افریقس بن ابرهه) مغربه سفر ایدوب فتح و ضبط
 ایتد کده انده بر شهر یا یمن اسمی افریقسه قودیلر (فصل حادی وعشرون در احوال ذوالادعار عمرو بن ابرهه)
 برادری افریقس یرینه کجوب اهل قوت و قدرت وشوکت اولمغین نیجه غزال ایتدی قاموسده مذکور در که
 بنی آدمدن همان برطر فلرندن برالو بر یا قلوب عجب الصوره غریب السیره اولان نسناس دید کاری طائفه دن
 وافر کسسه طوفوب تحتسکاهنه کتورد کده اهل یمن انلردن قورقوب بونک لقبی ذوالادعار قودیلر معنای
 قورقود یچی دیکدر * تاریخ میر خواننده مذکور در که عجم پادشاهی کیکاوس یمنه سفر ایدوب جنکده
 ذوالادعار صیدوب قاجوب کیکاوس بونک بر حسناتیزنی ایشیدوب اتی ویرمک شریطه بارشوب سور و سرور
 انناسنده ذوالادعار کیکاوسی و توانی طوفوب قلعده حبس ایتدیکنی کیکاوس بکارندن رستم بن زال
 عجمده ایشیدوب بیلک نفر دلاور له یاغرا ایدوب کاد کده ذوالادعار آنک خوفندن مجوسلری قیو و یروب وعده
 ایتدیکنی قیزی بیلک عدد جاریه ایله کیکاوسه و یروب اودخی قزی لوب ولایت عجمه کلدی (فصل ثانی وعشرون
 در احوال شراحیل) بعضلر شریطیل دیشدر سابقامذکور اولان کسک بن وائل نسلندن عاقل و مدبر
 و توانا و پادرایدی * تفسیر امام تعلییده مذکور در که شراحیل بن مالک بن ریان سلطان عظیم الشان اولوب
 اختلاف اقوالله کلی تفاسیلله محتاج برطر یرله طائفه جن پادشاهی فتح حرف سینه سکین نام کسسه نک
 قزی ریحانه بی نکا جنوب سلیمان پیغمبرک خاوندی اوله جق بلقیس طوغوب بعده ریحانه تفصیلله محتاج
 بر سبیل شراحیله انجنوب غایبه اولدی * یوقصه مطول تواریخده و ترکی فرج بعد الشده کابنده مفصلدر * کاب
 مبهات اقرآنده بلقیسک والده سی جندن اولوب اسمی فارعه یا بلعه یا بلعه یا رواحه در دیو مذکور در
 (فصل ثالث وعشرون در بیان هدهاد بن شراحیل) تاریخ ابن کثیرده پدیری یرینه کیدی دینوب *
 لکن تفاسیرده اولان تقریریه مخالفدر تنکیم حاله معلوم اولور (فصل رابع وعشرون در احوال بلقیس)
 تاریخ ابن کثیرده هدهاد قزیدر طیبی حاشیه سنده افریقس قزیدر دینوب قاموسده ذو جندن علس بن
 لیشرح بن الحارث بن صیفی بن سبا بلقیسک جدیدر * دیار یمنده ابتدا تغنی ایدن یعنی خوب آواز ایله ایرایان
 ذو جندنردیوب لکن تفاسیرده بلقیس شراحیل بن مالک بن ریان قزیدر پدیری قرق انایه دک ملوک یمن ایدیلر
 دینوب بلقیسک اناسی جندن ایدی تنکیم یوصیه ده شرح اولندی (ان احدا یوی بلقیس کان جنیا) حدیث
 شریقدر (جلوس) تفسیر تعلییده مذکور در که شراحیل وفاتده بلقیسدن غیری ولدی اولماغین بعض
 خلق بونی پادشاه ایتمک ایستیوب بهضرا یستیوب شراحیلک برادری اوغان کندور له پادشاه ایتدی لکن غایت
 ظالم اولوب رعایاسک خاوندلر بن تصرفه باشلده خدای خلق آتی عزل ایتمک ایستیوب قادر اولد فلرنده بلقیس
 حیلله قصیده کشدوی اکانکاح ایتد یروب دو کون کچه سی خیر ایچوب مست اولد قده باش کسوس ایراسی

اعیان شهری چاغروب کوه تروپ شید نکر و ایچکزدن برنی سلطنته اختیار ایلان دید کده انلردخی سندن غیری
استیزدوب بلقیسی اتفاقه پادشاه ایدیلر می ویدر که اهل حسن و جمال و غایت مدبره و عاقله و صاحبه
الکمال اولمغین ملوک اطراف بوکا اطاعتدن استیکاف ایتمیوب جمله سی سرفرو ایتدیلر هفته ده برکون
مصالح خلقی بالذات کورمکه مردانه دیوانه چیقوب لکن پرده اردنده او توروب طشره سنده صغار و بکار هیبت
و وقار ایلایاغ اوزره طوروب حاجتی اولان کسسه اولای بلقیسه سجده بعده مرادین عرض ایدردی دیوان
بوزله قده سر ایدده بدیجی طبقه او طه سنه کیروب قبولی قبا یوب سرائی بیک کسسه بکاردی کندوسی وجهه
قومی مجوسه لردن اولوب کوشه طیارلردی (عسکراو) هر ویدر که عسکرینک اون ایکی بیک یا خود یوزینک
قایدی و ارایدیکه هر بری بیکر یا یوزر بیک نفره سردار ایدی بعضر اهل مشورتی او چیموز او تور اوج کسسه
ایدیکه هر بری اون بیک نفره ضابطی ایدی دیوب اشبوا قوالک افلی اوزره او یوزر بیک کره یوزینک و او یوزینک
نفر عسکره مالک اولمش اولور * برروایتده همان اون ایکی عدد بکاری و ارایدیکه هر بیک لقبه طائفه انسان
جبرده کسر حرف قاف ایلای قیل دیتوب هر بری یوزینک نفر عسکر ضابطی ایدی (عرش او) عرایس ثعلبیده
مذکور در که بلقیس عینده شهر صنعا طشره سنده بشیوز عدد مر مردل اوستنده طوغله و کرج ایلای مربع
برسرای مصنع بایدر و هر ایکی درل اراسی اوزر ذراع اولوب سرائیک بر طرفنده برعالی قبه و نیجه او طه لر
بایدروب دیوار لری سیم و زردن تخته لر قبلانوب جواهر له مر صاع اولوب سرائیک نزد بانی انواع مر مردن اولوب
سرائیک اوستنده کندویه مخصوص اولمغین قزل یشل یا قوتدن زمر ددن و یاز بر جددن درت درل اوزره در
و یاقوت وز بر جده مر صاع سیم و زردن کر بجلرله بدی عدد او طه بایدر دیکه جله سنک طول و عرض و ارتفاعی
سکسانیا او تور یا طولی سکسان عرضی قرق ارتفاعی او تور ذراع ایدی (تفصیل) تقاسیم و یوزار یخده
مذکور در که سلیمان پیغمبر علیه السلام عینه واروب هدهد قوشنی صو آرامغه کوندروب اودخی اکلنوب
کلد کده بلقیسی خبر ویرمکین سلیمان علیه السلام اتی و قومنی ایمانه دعوت ایچون (من عبد الله سلیمان بن
داود الی بلقیس ملکه سبأ اسم الله الرحمن الرحیم السلام علی من اتبع الهدی اما بعد فلا تعلوا علی و اتقوا مسلمین)
دیونامه یازوب شمع برینه مسک ایلایه مر ایوب هدهدله کوندروب اودخی وارد قده دیوان قورلمش ایکن اعیان
وارکان اوزر تاسنده مکتوبی بلقیسک دیری اوستنه قویوب ایراقدن دکاه یوب سلیمان پیغمبره کلوب مفصل اخبر
ویردی * بوجانده بلقیس مکتوبی کوروب هیبت مهر سلیماندن بی اختیار دتروب بعده آچوب بکرنه
او قیوب نه ایدله دیو طانلوب بعده نبوت حضرت سلیمان بیلمک ایچون تبدیل صورت ایلای برزینت یوزریا ایکیشر
یوز یا شمر یوز قول جاریه و بیک کر پیسم و زمر صاع و نیجه تحف ایلایلر کوندروب حضرت سلیمان جله سنی
وحی ایلاییلوب انس و جان حیران اوله جتی وجهله دیوانخانه عظمت نشانلرینه کمال زینت ویرمکینچون
طولایدی یا طقوز فرسخ برینه جنله صافی سیم و زردن کر بجلر کسدر و طوغله برینه دوشدوب و اطراف
میدان دیوانه سیم و زردن کر بجلرله بردوار چکدر و بایجی خوب صورت حیوانات عجیبه و اولاد جندن الوف
طاعت مالوفه بر صفوف ایددی * ایچیلر کلوب بو حال لری کوروب شاشوب هدیه لرینی تحقیر اراغوب ترسان
لرزان بوشوب حضرت سلیمان یوقار وده کچدیکی اوزره هدیه لرینه متعلق معجزه لر کوستروب بزم احتیاج
بو قدر دیو هدایای ردایدوب بلقیسه قومی ایمانه کاسونلر یوخسه مقابله به قادر اولایه جقلری قدر عسکر
بی پایانه واروب دار و دیار لرین ویران ایدرم دیوب * بلقیس نبوت و عظمت حضرت سلیمان بیلمک کده نیجه کره
یوزینک عسکر ایلایه کلوب جله سی مسلمان اولدیلر می ویدر که والده سی جنیه اولمغین بلقیس امرا طوائف جتی
سلیمان اعلام ایدر دیو جنلر قورقوب سلیمان بونکچون عقلمنده خلل وارد و کوده سی قیللوا یا قلمی حیوان
ایاغی کبیردیکارنده آنی بیلمک ایچون عینده کی عرشنی یعنی تخت و قصرنی کنورتک دیکل کده وزیر ایسم
اعظم او قیوب قدرت خالق الکوین ایلای طرفه العینده کلوب حضرت سلیمان آنک بعض ترتین تغییر ایدروب
دنیا ده صرجه یو غیکن جنلر ایدوب یول اوستنده دوشه یوب التنبه و کوب باقلر قویوب بلقیس صرجه بی
صو صانوب ایاغن آچوب سلیمان علیه السلام کوروب قیللوا اولمغین نوره و جمایی جنلر پیدا ایدوب بلقیسه
حضرت سلیمان سنک عرش و قصر لک یوبلر سیدر دیوب اودخی کورد کده شاشوب غایت عاقله اولمغین اودریاد کادر

درسم جائز که بنی تکذیب ایدله لر دیو فکر ایدوب فی الحال کانه اودردیوب عارفانه جواب ویرمکین * ابن عباس
قولنجیه نکاح ایلوب عسکر ایلایه عینه کوندروب بونکچون جنله عینده ایکی یا اوج شهر بایدر و هر ایدیه بر کره
قدسدن عینه دیوانخانه ده او توررکن یل * کور و توروب ایکی اوج ساعتده واروب بلقیسک یاننده او چرکون
او توروب بعده قدسه کوردی * بلقیسدن داود آدلور او غلی اولوب کندو حیاطده وفات ایددی بعضر قولنجیه
کندونکاحلیمیوب بلکه عینده کسر حرف هاوسکون می ایلایهمدان پادشاهی ذوبعنه نکاح و جله ولایت
عینه آنی پادشاه ایدوب عین جنلر سنک سلطانی ذوبعنه بی آنک خدمتیه تعیین ایتمکین اکانیجه قلعه لر یا یوب
سلیمان علیه السلام وفاته دلک عینده سلطنت سوردی * قصه بلقیس حضرت سلیمان جلوسنک بیکری
بشینی ییلنده ایدی (وفات او) کسانیک قصص الانبیاسنده مذکور در که بلقیس بدی ییل ویدی آی طوروب
بعده ولایت شامده تدمر شهرنده وفات ایدوب خلفا بنی امیه دن ولید بن عبدالملک زمانده تدمره عظیم
سیل کلوب بردیواریه قلوب اساسی بره کچد کده زعفران کبی غایت صاری طاشدن طولی التمش ذراع بر تابوت
کور و یوب اوزرنده (هذا مدفن بلقیس الصالحه زوجة سلیمان بن داود اسلمت ایلایه عشر بن خات من ملکه
ودفنت ایلای تحت حائط بمدينه تدمر لم یطلع علی دفنها الا من دفنها) دیو یازمش اولوب نابوتک قباغن
قالدروب بلقیسک میتنه باقد قلرنده هنوز دفن اولمش کبی تازه کورلوب ولیده خبر کوندروب آنک امر ایلای
یرنده ابقا ایدوب اوزرینی طاش و مرمر له بنا ایتدیلر (فصل خامس و عشرون در بعض احوال ناشر النعم)
برعش بلقیسک عیسیدر ولایت مغربه غزا ایتشد در قاموسده ملوک جبردن بری رعشه به مبهتلا اولمغین رعش
دیکه مقلب اولدی دینوب برعش میدر غیری کسسه میدر معلوم اولدی (فصل سادس و عشرون در بعض
احوال شمر) تشدید حرف میله در ابن ناشر النعم برعش ولایت عراقه سفر ایدوب منصور و مظفر اولوب
اطرافنده کی ملوک غلبه اوزره ایدی (فصل سابع و عشرون در بیان احوال ابو مالک بن شمر) احوالی
معلوم اولدی (فصل ثامن و عشرون در بیان عمران بن عامر که) زید بن کهلان بن سبأ نسلدن ایدی بعض
کتبده ذکر اولدی (فصل تاسع و عشرون در احوال عمرو بن عامر) سلطان عظیم الشان اولمغین هرکون
ایکی قفتان کیوب غایت مغرور اولمغین بدن غیر یلر بونلری کیمک لایق دکادر دیوهر اخشام پاره لدیکچون
عمرو مزینقا دیو مسمی و مشهور دنیا اولدی * بعض کتبده بودخی ذکر اولدی (فصل ثانیون در احوال اقرن
ابن ابی مالک بن شمر) بعض کتبده پدری ابو مالک برینه پادشاه اولدی دینوب عمرانله عمرو ذکر اولما مشدر
بنار یا یوب خلقه اهل ضر و نفع و خف و غم و ظلم و اذ و عیون ناسه ماشد قذا ایدی (فصل حادی و ثلاثون
در احوال ذو حیشان بن اقرن) اهل شوکت و مهابت اولوب مکاه ایلایه بن اراستنده کی طیم و جدیس قبیله لر سنک
پادشاهنی * کسرو قهر ایددی اهل وقار و استوار اولمغین مصاحب ایلای اختلاطدن عار و فرار ایدردی
(فصل ثانی و ثلاثون در احوال تبع بن الاقرن) محمد بن اسحاق قولنجیه تبع بن عمرو ذوالاذهار بن ابرهه
ذوالمنار بن الرایش بن عدی بن صیفی بن سبأ الاصغر بن کعب کهف الظلم بن زید بن ثعل بن عمرو بن قیس
ابن معاویه بن جشم بن عبد الشمس بن وایل بن غوث بن قطن بن عرب بن زهر بن انس بن الهمیسغ بن العرفج
جبر بن سبأ الا کبر بن عرب بن شجب بن خط اندر * علی کل حال بوکاتبج اکبر و تبع اول دخی دیر لر عیندن چاق
ولایت ترکستان و بعض ممالک غزا ایدوب عاقبت هندستانده وفات ایددی * عمده شهر حرقه قندی بو یا یوب
بعده اسکندر ذوالقرنین تمام ایددی دیشلر * بعض کتب سیره تبع اکبره و من اولوب بعض غزاینده مدینه به
او غرا یوب اخر زمان پیغمبری کله چکنی ایشتمکین دین موسی علماسندن در تیوز کسسه قویوب برنی آنلره
رئیس ایدوب حضرت رسول ایچون بر او یادر و آنلره خطا یا بر محبتنامه یازوب ظهور ایتدیکارنده ویره سر
دیددی * اهل مدینه دن حضرت رسوله ایمان کتورن صحابه اول علماسندن و ایچلرندن ابو ایوب الانصاری اول
عالم لر رئیس لر نسلدن اولوب تبع مکتوبی حضرت رسوله او ویر مشدر دینوب * اکثر معتبر اتمده بقصه
صاحبی تبع اوستدر دینوب بعضنده تبع اصغر در دینشدر و الله اعلم (فصل ثالث و ثلاثون در بیان کریم
ابن تبع) یا کیکر بن زید بن تبع داغما غزا اوزره ایدی (فصل رابع و ثلاثون در احوال ابو کرب سعد بن کریم بن
تبع) بوکاتبج اوسط و تبع ثانی دخی دیرلر بعض کتبده ظالم اولمغین ابو کرب دیدیلر عاقبت قومی بونی قتل ایتدیلر

دینوب * تفسیر کورانیده (اهم خیرام قوم تبع) آیتی معنا شده اشبوتبع ملوک قحطاندن اسعد بن کبیر که
 کند و مسلم اولوب قوه بی دخی اسلامه کتوروب تبع وفاتده ینه کافر اولدیلر * مریدر که کعبه بی یقیمغه عزم
 ایشیکن توبه واستغفار و بحد قربانلر و اهل مکبه وافر احسانلر ایدوب کعبه معظمه نك او منته لباس اورقن
 بونک ایجادیلر * اوچیزیل پادشاه اولوب حضرت رسولک نبوتدن ید یوزیل مقدم وفات ایتدی مدینه یه
 اوغرا قدده علمای بنی اسرائیل آخر زمان پیغمبرندن خبر ویرمکین حضرت رسولی عربی قصیده ایله مدح ایدوب
 دیدیکی شعر مشهور اولدی * نخر عالم صلی الله علیه وسلم (لا تسبوا تبعاً فانه کان مسلماً ولا ادری اکان نبیاً ام لا)
 یعنی تبعه سوککنز براسلم ایدی اما پیغمبر میدی دکلیدی بلزم دیو یور مشلردینوب * کشفاده تبع انبیادن
 ایدی دیو ابن عباسدن مرویدر (روایت) معارج النبوه ابن احقادن مرویدر که تبع دیدکلری
 جبرین ورد عکده حاکم متبع اولوب درت بیک نفر علما و یوز اون اوج بیک نفر پیاده و سوار ایله دنیایی کشت
 و کذا ایدوب مکبه کاوب شهر لو کعبه ایله مغرور اولغین فارسو کلدکلر ینه انجنوب کعبه بی یقیمق دیدلده
 محکم مرهضه اوغرامغین دین نجوسدن عدول و حضرت ابراهیم دیننه دخول ایدوب کعبه یه حریر لباسلر
 اورنوب ایچنده اولان صغری چیقاروب اهل مکبه ضیافت ایدوب بعده مدینه شهرنک یزندن کچرکن آخر
 زمان پیغمبر بیک شهری اوله جغنی یاتده کی علمای بکین ایچلرندن درتیوز عالمه برار و ایدوب بر جاریه و وافر
 مال و یروب ایمان کتور دیکنه حضرت رسوله عربی محبتنامه یازوب ظهور ایتده کده ویره سز دیوب ولایتنه
 کتدی * حضرت رسوله اول نامه بیک میل تمامنده واصل اولوب اهل مدینه اول درتیوز نفر علمایسلاریدر
 اوزمانده مدینه شهرنک بری بالکلیه ارض خالیله اولوب تد ریحله بونلر معمور ایتدیلر * تبع مدینه دن
 هندستانده قلان شهر ینه واروب آنده وفات ایتدی دینوب * بعض کتیده تبع مکبه کاوب کعبه بی یقیمق
 دیدلده حق تعالی آتی بر مرهضه مبتلا ایدوب اوج کون اوج کیجه هوا قراروب تبع حیران اولد قدده کعبه یه
 اورنوب اورنوب تعظیم ایتدی دینوب * نیجه معتبرانده ملوک عالم دن ربع مکونی بالتمام کزن بش کسینه درکه
 فریدون ذوالقرنین سلیمان اردشیر بن بابک تبع عیندر دینوب * بعض معتبرانده مذکور درکه تبع ضبط عمالک
 دینادن فارغ اولد قدده نهایت ولایت چینه تبت نام شهرده عسکر بیک فلجیرین ایدوب دوردن برمناره
 یایدروب شمدنکرو و تخیر عالم ایچون شمیره احتیاجی قالدیغن اشعار ایدوب اول میل استواری روز کارده
 یاد کار قودی (روایت مفصله عجیبه) بعض معتبرانده ابن احقادن مفصلامرویدر که تان اسعد ابوکرب
 کلکی کرب بن زید بن تبع الاول عسکرله عالمی کزوب حیره و سمرقند شهرلری بیان یاخود سمرقندی ییقان بودر
 شرقه سفره کیدرکن مدینه یه اوغرا یوب آنده اوغلونی قویوب اهل مدینه آتی خفیه اولدروب تبع شرقدن
 دینوب کاد کده اوغلینک قتلنه انجنوب اهل مدینه بی قتل و خرمانا جلرین قطع و ولایتلرین یقیمق استده کده
 آنده اولنر بونکله کوندر صواشوب کیجه ضیافت ایتد کارنده بونلر کرم شام شانلر ینه تبع حیران اولوب
 بواننده ایکی عالم یودی کاوب مدینه یه ضرر تصدایچمکه هم قادر اوله مرسن الله آتی سندن صقلرهم سکاء ذاب
 نازل ایدوب یوقورقارنر زرا اولاد اسماعیل نبیدن آخر زمان پیغمبری احمد مکده ظهور و یونده قرار ایدوب جکدر
 دیدلر کتیده تبع نجب ایدوب اهل مدینه یه نیت جفادن واز کاوب اشبوا ایکی عالم ایله ینه کتیک ایچون مکبه
 اوغرامق مقرر اولد قدده کند و قومی بت پرستلر اولغین بعض عربلر کاوب کعبه نك التنده بحد مال و جواهر
 دیننه سی وارد ریحوب چیقار آل دیو تبعنک هلاکنه مکر و آل ایتد کارنده اول ایکی عالمه طاشوب کعبه یه
 و آنک شهر ینه هر کیم ضرر تصدایتدیه البته دنیاده غضب حقه هلاک اولمشدر ضرر دین حذر ایله دیو خبر
 ویرد کارنده تبع دین حضرت موسی اوزره ایمانه کاوب بش مکبه وارد قدده ایدوب اهل ایکی عالم کعبه بی
 طواف و تعظیم و عبادات مخصوصه ایله دیکین وارد قدده الی کون او توروب کعبه ده کی صغری چیقاروب
 کیدر مکبه کعبه بی بالایدوب طواف و تعظیم و تقبیل و تلثم ایدوب اهل مکبه یه قربانلر و طعاملر و عمل
 شر بتلری توزیع ایدوب واقعه سنده کعبه یه اورنی اورت دیو امر اولد قدده خسف ایله اورنوب آندن دخی
 اعلا اورت دیند کده معاف ایله اورنوب آندن دخی اعلا اورت دیند کده ملا و واصل ایله اورنوب کعبه بی دنیاده
 ابتدا اورتن بودر بعده طاقه جرحمدن کعبه ده کند و طرقتدن حاکمه کعبه بی داناتا تعظیم ایدوب بالک طوب

توسنی کایدلش طوققی اصغر لیوب بعده عسکرله ینه وارد قدده آتش پرست اولان قومی دینه دعوت ایدوب
 انلر دخی سنکله آتسه مر افعه اولیجه دینکی قبول ایتزدیدیلر (قصه آتش) مرویدر که ینه بر آتش و ارایدیکه
 دعواسی اولنلر کاواروب ظالمی یاقوب مظلومی انجتمزدی تبعنک یاتده کی ایکی عالم بوغازلر ینه مصقلرین
 اصوب اهل بن دخی صغیرین الوب تبعه جله سی آتش محله وارد قلرنده آتش طشره چیقوب بعض کفار
 هجوم ایتدیکین آنلر قورقوب قاچوب بعده غیرت ایدوب طور دقلرنده جله سی یور یوب صغری و کورنلری
 یاقوب اول ایکی عالم آتش ایچندن عرق ریز سالم چیقوب کندورنی و مصقلرنی آتش یقه امغین اهل بن دین
 حضرت موسایه کیروب انکیچون ینه دین و دباقی قالدی * برروایتده کافر لر عالمه هر قنغمز آتشی رد ایدر سه
 دین حق صاحبی اودر دیوب آتسه یورید کارنده آتش کافرله هجوم ایدوب قاچروب عالمه لور اوقویه رق
 یور یوب آتش تد ریحله چکوب غائب اولغین جله اهل بن دین موسایه کیردیلر * مریدر که اهل ینه کربام آدلو
 برارلری و ارایدیکه ایچندن بونلر آواز کاوب سو بیکین انده قربانلر کسوب غایت تعظیم ایدر لردی اول ایکی
 عالم تبعه بواو ایچندن کلان صدا شیطاندر بزی اکامسلط ایله دیوب بودخی اجازت ویرد کده برسیاه کاب
 چیقاروب بوغاز لیوب اول اوی یقیدیلر بوجله حکایت ابن احقادن روایت اولمشدر (فصل خامس و ثلثون
 در احوال حسان بن تبع الاوسط) تخته جلوسنده پدیری قاتلرندن انتقامن الوب داناتا غزا اوزره ایدی عاقبت
 برادری عمرو بونی قتل ایدوب ینه بکدی * خریدده مذکور درکه بونک زمانده عرب عربان بقیه قوم عاد
 اولان طسم و جدیس قبیله لر بیک پادشاهی علقی طسمدن اولغله جدیدسه بعض وجهله ظلم عظیم اوزره
 اولغین جدیدس جمع اولوب چوقاق اولغین علقی و طسمدن سکسان بیک آدمی بر طریقله باصوب قیروب
 باقیرلی حسانه شکایت و واروب اودخی بونلر معاونت ایچون سفر ایدوب جدیدس اکثری مقتول و اسیر
 و تحذول ایتدی (فصل سادس و ثلثون در بیان ذوالا عواد عمرو بن تبع اوسط) برادرین قتل ایتدیکین (بشر
 القاتل بالقتل) مفعول منجه بعد زمان بونی دخی قتل ایتدیلر (فصل سابع و ثلثون در بیان عبد کلال بن
 ذوالا عواد) عمرو بونک احوالی معلوم اولدی (فصل ثامن و ثلثون در احوال تبع اصغر بن حسان)
 بعض معتبرانده شامه سفر ایدوب شام پادشاهی و عمر بلردن بنی قریظه و بنی نضیر بکار بن کندویه مطیع ایدوب
 عادت قدیمه اوزره حج ایدوب کعبه یه اورنوب بحد قربانلر ایتدی * فوایح مدیه ده ملوک یتندن
 ابتدا اورنوب اورتن بودر دینوب لکن سائر معتبرانده تبع او مطدر دیومذ کوردر (فصل ناسع و ثلثون در
 بعض احوال حارث بن عمرو) بعض کتیده تبع اصغرک برادر زاده سیدر دینشدر تخته جلوسنده دین یوده
 کیروب خاقی اکادخی جبر ایتدی (فصل اربعین در احوال مرثد بن عبد کلال) بعض کتیده بونک اسمی
 سمرند یا زلمشدر * معارج النبوه مرثد برغریب واقعه کوروب اوندوب کاهنلری جمع ایدوب واقعه سنی
 بیلکدن عاجز اولد قلرنده برکون صیدایچون سوار اولوب شکار و ارایکن عسکر دن ایرلوب بر عرب قزیه
 راست کاوب واقعه ینه ایدو کفی قز بوکا خبر و یروب آخر زمان پیغمبری ظهور ایدوب جکدر دیو تعبیرده غایت
 تفصیل ایتدی دینوب * قاموسده ذواود مرثد نام کسینه التیوزیل بن پادشاهی اولمشدر دیومذ کوردر
 (فصل حادی و اربعین در بیان وکیعه بن مرثد بن کلال) سلطان ذوقوت و شوکت و جاه و جلال ایدی (فصل
 ثانی و اربعین در بعض احوال ابرهه) بعض کتیده پدیرنک اسمی صباح در دینوب قاموسده ابرهه بن الحارث
 تابعه یتندن ایدی ابرهه بن الصباح هلاک اولان رئیس اصحاب فیلدر دیومذ کوردر (فصل ثالث و اربعین
 در بیان صهبان بن محارب) احوالی معلوم اولدی (فصل رابع و اربعین در بیان عمرو بن تبع) بعضلر عیود بن تبع
 دیشلر احوالی معلوم اولدی (فصل خامس و اربعین در احوال ذوالشناثر) الی بارماقلاوا لغین بولقه مشهور
 اولوب اسمی بیحیته ایدی قاجر ولایت جاور و قاسط اولوب قوم حیردن اولان بک زاده لر عمل قوم لوط ایدردی
 ناکه عاد تلخجه ساطننه اسحقاقدن سقوط بولله * پس اول ناکس خیانت هوس ذونواس آدلو بک زاده بی
 مقصودمه هود ایچون کتور د کده بونی ذونواس بجایگاهلر اوروب هلاک ایتدیکین ولایت خلقی انی بونک یرینه تخته
 کوردریلر (فصل سادس و اربعین در احوال ذونواس بن حسان) اسمی یوسفدر کیسوسی یعنی اورلمش
 صاحب لری اولغین بولقه مشهور اولدی (حکایت) قتل اصحاب الاخدود لئار ذات الوقود * آیتده تفسیر

کورانده علماء نصارادن بری عربستانه واروب قبیله بنی نجرانی نصرانی آید یکی ذونواس یهودی بنده
ایستاده عسکر یله کلوب طولی قرقر عرضی اون ایکیش ذراع چقور لر قازدروب ایچلرند آتش یاقدروب
اولکی دیننه دوغینلری ایچنه آتوب بوجهلله اون ییک یا بنش ییک مسلمانلار ایستاده برکسنه قاجوب
نصارادن اولاقیصر رومه شکایت آید کده بنم ولایتم عنه اوزاقد راما سزه یقین حبش پادشاهی نجاشی به نامه
کوندره عیکه نصارادن اولغین معاونت آید دیوب نامه وارد قده نجاشی ارباط و ابرهه آدلوایکی سزدانامدارله
بنم بنش ییک عسکر کوندرروب جنسکده ذونواس صینوب قاجوب کی به بنوب بعده غرق اولدی یاخود
دریا به واروب خوفندن آت دیوب کیروب غرق اولدی * بعده سلطنت بن تبابعة الارندن کیدوب حبش
پادشاهی طرفندن بنش ییل ضبط اولوب بعده دین محمدی ظهور یله مسلمانلر ضبط آید یله تاریخ ابن شجنه ده
ذونواسه نصکره ذوحدن تحت کجوب آخر ملوک بن بودردینوب صحیح ایسه ذونواس قترقی اراسنده واقع
اوشدر * تفسیر فاضلک شیخ زاده حاشیه سنده اصحاب اخذود اوج کسنه درکبری شامده انطیانوس رومی
بری عجمده بختصر بری نجرانده ذونواس در دینوب * تفسیر واحدیده بعض سلف اخذود ایچلرندن آتش
قالقوب پادشاهی وقومنی یا قوب هلال آید (فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الخریق) آیتندن مراد
بودردینلر (روایت) سیرابن هشامده مذکور در کاهل نجران نصاری اولد قلدنه ذونواس کلوب اسکی
دیننه دوغینلری قتل ایدرم دیوب بونلر اسلامه اصرار و شهادت اختیار ایتمکین طولانی یول چقور لر
قازدروب مسلمانلر کین آتشه آتوب کین قیلله قیروب کینلک بورن قولان کسوب بوجهلله بکرمی بیکه
قریب کسنه هلال آیدوب مؤمنلرندن بری قاجوب قیصره عظم آیدوب اودخی نجاشی به خبر کوندرمکین بنش
ییک عسکرله ارباط و ابرهه کوندرروب کی ایله ساحل دریای بنم حیدق قلدنه ذونواس کلوب صواشوب
صینوب آتخ دریایه صالوب غرق اولدی (روایت) تاریخ مبرخوانده مفسر بن و مؤرخیندن مر ویدرکه
ذونواسلر بر ساحر ماهر وزیر بری اولد قده تعلیم سحر ایچون بر قابل یکت ایستاده ویروب برکون شا کرد
تعلیم کیدرکن برالنده برکسنه نک جناب حق مناجاتن ایشیدوب قلبنه غایت تأثیر و حرارت کلمکین طوروب
قالوب اوکیجه زیر زمینک قوسین بولوب ایچنده پلاس پوش و عارف پر هوش نورانی و روحانی بر راهب عبادت
راغب کوروب راهب بوکا اوغل بومکانی سن نیجه بولد کین اکل کاهله قناعت و خلق عالمدن کمال عزت
اوزرهیم دیوب غلام خیر مر ام احوال اعلام آید کده پیر و احب التوقیرانی ایمانه کتوروب کفار اشراردن
اسرارنی اسرار اصرار عین ویروب بعده غلام هر دفعه ساحره کیدوب کاشده راهبه اوغراوب مظهر نظر
پیر عالی کهر اولغین مستجاب الدعوه اولوب برکون بولده خلق ایرکیش کوروب سبب ضرور براردرهای
کوه بیکر مانع کذر اولمشدر دیو خبر ویرلد کده واروب ایله ارقاسین صغامغین اردر چکلوب کتر کده بوکرامته
خلق تعجب آیدوب * بنه برکون برارسلان خلقت اوزرینه یور یوب قوه لد قده غلام ارسلانک قولانغه کیزلو
بر سوزسو بلمکین چکلوب صحرا به کیدوب بعده ذونواسل بر قبوجیسی اعی اولوب اطبا عاجر قالوب غلام
اکا اکر ایمانه کوروسل کوزلک کورمکده دعا آیدیم دیوب حصول مراد نصکره بوابه صاقین بی ضرورت اسرار
پروردکاری اغیاره آشکارا نیمه دیوب پادشاه آنک کوزی آجلدیغن کوروب سبب ضرور تکرری تعالی
شفا و بری دیوب ناصل تکرری دید کده برلک کورلک خالق که جمیع اشیا به قادر اولوب آندن غیری تکرری
یوقدر دیوب شاه کرامت کی مغرور آید سولید دیو ابرام آیدوب دید کده قتل بیورمغین وزیرک شا کردی
دید کده آتی کتوروب بونک کوزنی سنی آجلد دیوب بنم دعا مله اچادی دید کده وزیر کتوروب
صوروب بن بومقوله نسنه بلزم نیجه تعلیم آید بیلورم دیوب پادشاه غلامه سنی بوخاله کیم ایرشدردی دیوب
اودخی دیموب اشکجه لره سولند کده راهی کتوروب بواوچنه مر تد اولتی تکلیف آیدوب رضا
ویرمد کازنده راهبه حاجی قتل آیدوب غلامی دریایه آتغه کوندرروب غلام دعا ایتمکله مخالف دل اسوب
برمه ایله موکل اولنلر یا قوب غلام صاغ کلوب پادشاه آتی کتوروب حالی صوروب ریم آنلره هلال بکاشجات
ویردی دید کده * یوکسلک طاغدن اشاعه اتقی بیوروب ایستاده کازنده محکم یل اسوب موکلاری طاغدن چاق
صحرا به آتوب غلام نهر کده کده پادشاه آتی داراغاچنه اصوب نیزه لره اورد قلدنه ضرر را بنوب بعده آتشه

عظیم آتش یا قوب اودخی انجه میوب ایراقدن اوغلر اولوب اودخی کیم میوب مدت صلبندن یدی کون کچد کده
پادشاه عسکر یله یا قوب غلام اکای کافر خاسر بنی قتل ایتمک ایسترسک (رمیت با هم رب هذا الغلام) دیوب
بکراوق آت دیوب اودخی دید یکی کبی آتغین وفات آید کده حاضر و ناظر اولان جم غفیر و جمع کثیرل اکثری
(آمنابر هذا الغلام) دیو اهل اسلام اولد یلر پادشاهه مقبرلری قور قدیغکه اوغرا دل دید کازنده مسلمانلره
قاجوب عظیم آتش یاقدروب اسکی دیننه دوغینلری ایچنه آتوب چاق صکره اوغلا بنجیلله بر خاتون کتوروب
آتش کورد کده اوغلنه محبه مر تده اولتی فکرند ایکن اوغلان همه امر کن قدرت حقه سو یلیوب ای آت
الاهدن قور قوب ایماندن دونه دیوب خاتون دخی اوغل سنی امر که دیکمدن نه آید حکم بلم دید کده ای آت
نسنه یوقدر رانته تعالی بزه بو کافر عذابندن نجات ویرسه کر کدر دید کده خاتون کندوبی اوغلله آتشه آتوب لکن
اصلا یا بنوب فی الحال ایکسی دخی خلقت کوزلرندن غائب اولوب جانب سلامته حیدقارلوب بعده امر حقه
آتش قالقوب یا یلوب جمیع کفاری سوزان ویران آید * مر ویدرکه بعضلر حضرت عمر زمانده عینده بر حیراده
اغاج اوزرند بر مصلوب کوروب زنجی اوی اوستنده طوران الینی برندن قالدرد قلدنجه فی الحال یرنه کلوب
کورنلر شاشوب عمره خبر کوندرلوب اودخی کعب الاحباره صور قده قصه اصحاب اخذودده اصلان غلامدر
دیوب حضرت عمر یله سنت رسول اوزره تکفین و دفن اولندی (روایت) کتب تفسیر و حدیثده حضرت
رسولدن مر ویدرکه بر پادشاهلک ساحری پیر اولد قده سحر اوکر تکه پادشاه اکابر اوغلان ویروب یول اوستنده
بر راهب اولوب غلام اکام معتقد و محب اولدی برکون بر ییلان خلقت یولنی طوغین غلام انله بر طاش الوب
یارب اگر بکراهب ساحردن سوکوا یسه یویلائی قتل آید دیوب آتوب هلال آید * بعده اتانسدن کوز سز
طوغا نلری وخته لری باذن الله صغالدوب پادشاهلک براعی مصاحبک کوزنی اجد قده پادشاه اکا صوروب
ریم اچدی دید کده قاجوب اشکجه ایتمکین غلام سبب اولدیغن دیوب اودخی سکا بو حال ندن کادی دیوب
اشکجه ایتمکین راهی اله ویرد کده کتوروب دیندن دون دیوب دونه کده دستره ایله ایک بچوب غلامه دخی
مر تد اول دیوب اولد قده بر طاغدن اشاعه اتقی بیوروب طاغ حیدقارلد قده دعا ایتمکین طاع صار صلوب یله
اولنلر هلال اولوب غلام کلد کده پادشاه بونی برکی به بندروب غرق ایتمک بیورمغین بندر کازنده یله اولنلر غرق
اولوب بنه غلام کلد کده پادشاهه سن بنی قتل آید مزین چاق جله خلق جمع آیدوب بنی آصوب بنم ترکشدن
بر اوق الوب (بسم الله رب الغلام) دیو بکا ایتمیجه دیمکین غلامک سوز یله عمل آید کده قاشیله قولانغی اور تاسنه
طوقنوب شهید اولد قده جله خلق (آمنابر الغلام) دیو ایمانه کلوب پادشاهه مصاحبلری قور قدیغکه
اوغرا دل دید کین چقور لر قازدروب ایچلرند آتش یاقدروب ایماندن دوغینلری ایچنه آتوب بر عورت دخی
اوغلا بنجیلله آتغه کلوب ترد آید کده اوغلا بنجی ای آت آتشه صبر ایله که دین حق اوزره سین دیمکین خاتون
آتشه کیردی * تفسیرده حضرت علیدن مر ویدرکه بعض ملوک نجوس هر کسنه کندوهه مشیره سنی نکا خلعتی
حق تعالی جلال آید دیو ییلان سو بلمکین قبول ایتمک کازنده چقور لر قازدروب آتشر یا قوب کیدوبی تصدیق
ایتمینلری ایچنه آید (روایت) بنه سیرابن هشامده مذکور در کاهل و لایت نجران عبده او ثمان
اولوب کویلر نلک برنده اوغلا بنجیلره سحر اوکره دو بر ساحر اولوب نامر دخی اوغلی عبد اللهی تعلیم ویروب
بعده دین عیسی اوزره بر عابد کلوب نجران شهر یله ساحر قریه سی اراسنده بحرکه ایله قونوب عبد الله یولده بوکا
اوغرا دلجه عبادت لری بکنوب ایمانه کلوب هر کون ساحره وار شده و کاشده اوغراوب یا تده اکتوب تد ریحله
احکام شریعتی اوکروب برکون عابده اسم اعظمی بکا اوکرت دیوب اودخی قور قارمکه حقندن کلیمه سن
دید کده عبد الله حفظنده کی اسماء اللهی بر رنسنه به یازوب بر برر آتشه آتوب همان بر اسم یا تده قده بوانجی
دیوب عابده دید کده بولش و بولش سن پس سرفی فاش ایتمه اما ایدرسک اکلا رمد دیوب عبد الله شهره واروب
هر مر یض کافر شرط ایمانه دعا آیدوب اوولا آید جله خسته لرایمانه شفا بولد قلدی معلوم پادشاه اولد قده
بونی کتوروب آبا و اجداد دینی بوزلد بوزلک و قولانک کسر م دیوب اودخی قادر دکلسن دید کده یوکسلک
طاغ کوندرروب اشاعه اتد قلدنه اصلا ضرر اولوب کلد کده بنم دید کیم دیوب مسلمان اولمجه بنی قتل
آید مر سن دیوب پادشاه اکا صوروب اودخی کلمه شهادت در دید کده شاه کرا مجر قتل ایچون دیوب الله کی

عصایه عبد اللهك باشق یاروب شهید اولده قده فی الحال پادشاه طور دیقی یرده هلاک اولوب چله اهل نجران
بواحوالی کوروب ازل و جان مسلمان اولوب بعده روزمان ایله دینارینه زوال و نقصان کادی * این اسحاق دن
مر ویدر که حضرت عمر زمانده نجرانده برکسته بر خرابه فی قازرکن مر ویدر عبد اللهك میتنی طبراق ایچنده
کوردیلر که او توروب انی باشنده کی یاره سی اوستنه قومش هر چند که انی قالدردیلر یاره دن تازه قان اقوب انی
صالبورد کار نجه یاره اوزرینه قانوب قان ساکن اولوردی بار مغنده خاتمی اولوب نقشی ربی الله ایدی بوحالی
عمره خبر کوندر دکر نده اولکی حالنده قوبوب اوستنه طبراقله باصدر لک دیمکن اولیله ایتدیلر قصه اخذ و داور
عجیبه دن اولغین جمع اقوبل ایله اختیار تفصیل اولندی (لمرره) عاقل اولانه اولور عبرت قصص *
کسب ایدراندن نیجه درلو حصص (فصل ثامن و اربعین در احوال ارباط) نصارادن اولوب سابقا کج دیک
اوزره دوناسه غلبه ایدوب او غرق اولده بومنه واروب تخته کجوب نیجه مدتد نصکره حبشیدن شرکته
یلر کلان بولداشی ابره بونک اوستنه خروج ایدوب ایکی عسکر جعنده ابره بونی باشه باش صواش ایچون
میدانه اوقیوب لکن ابره کونه قدس جیحشی کشی اولوب ارباط بلند قامت و خوب صورت اولوب ابره به
حربه اقوب قاشی کوزینی بونی طوداغنی یاروب انک قصاداری ارباطک اردنه طولاشوب علی الغضله
قتل ایدوب ایکی عسکر انفا قله ابره بی تخته کجوردیلر (فصل ناسع و اربعین در احوال ابره بن الصباح)
بودی نصارادن ایدی ارباطله جنکده قاشی کوزی بونی دوداغنی یاروغین اشرم دیوملق اولدی سابقا ارباطله
بونی یمه کوندرن حبش پادشاهی نجاشی بونک ارباطی قتل ایتدیکنی ایشیدوب قاقیوب بونک اوزرینه
وارمق دیکده ابره اعتذار و عبودیتنامه کوندر مکن صوچنی عفو ایتدی (قصه) مر ویدر که ابره
تخته کجکده ارباطله جکده کندوی قتلدن خلاص ایدن قصادار وفادارنه بدن نه دیرلسک دیله دیوب ولایت
یمده ابره وارن هر کلبی ارنه وارمزدن اول بن تصرف ایدیم دیوب بودی بویه بیوروب نیجه زمان بوحالده
خلاق منکوحه لر بن ایدر بر کجه بونصرف ایدوب عاقبت بر غیر تلوکسته انی قتل و خلقی شرندن خلاص
ایدوب ابره غایت حلیم اولغین سکوت ایتدی (قصه فیل) بعده ابره هدایت قشاشی تقر با الی النجاشی
انک نامه کمال ضلالت وجهالتدن حاشا کعبه معظمه به نظیر اولق فکر باطلیله یمده شهر صنعاده سیم
وزروالوان مر و انواع جوهر ایله ملع و مر صم و مر بن و مصنع بر خانه کفر آشیانه یایدوب قصر بلقیسدن
اکام مر و سیم وزرایله منقش حجر لک توروب تمام اولده غایت بونکسک اولغین اسمنی قلیس قوبوب
ایچنه سیم وزردن خاچلر و کراسی و منابر عاجلر قوبوب بعده جمیع حجاجی مکبه وارمقدن منع و اول
ختر بر خانه بی زیارت و طواف ایتمکده امر ایتد که مکه لوب عرب بانیت غزاقلیسده حاجتن قضا ایدوب باعربدن
بر طائفه قلیس کارنه قوبوب آتش یا قوب ایچنه آتش دوشوب بعض یرلری باند قده یار عرب کجه تنها
دوشوروب قلیس ایچنه لشر براغوب محرابی دیوارنه ایچوردن نجاست سوروب قاجده ابره غایت
قاقیوب بونی عربلر ایتمشدر واروب کعبه لر نی یقام دیواند ایچوب غایت آق و بیوک و یاوزاولان محمود آدلو
فیلی نجاشیدن کتوردوب التمش بیک یا اوچیز بیک عسکرله و یالکزر اول فیلله یاجله ایکی یا اون اوج یا سکر
یا اون یا اون ایکی یا بیک یا دوت بیک فیلله یمدن مکبه کیدوب بولده جاجا بعض قبائل عرب جنکه حاضر اولوب
یمده دونفر آدلو بیک کندو عسکرله کوب جنکده صنبوب ککندونک بعض مشافق توابعی بونی طوبوب
کتوردکر نده ابره حلیم اولغین عفو ایدوب قید و بند ایتدی * بعده فیل بن حبیب قبیلله خشم ایله جنکه کوب
صنبوب طوبوب قتل صد دنده بن سکاقولا غزاولیم دیمکن ابره عفو ایتدی * مکبه ثالث فرسخ قدر یرده
مغمس نام مکانه قوند قده اسود بن مقصودی مکه شمرنی غارنه کوندروب اودخی بولدیغنی طوار سور یرلر
کتوروب ایچنده حضرت رسولک جدی و طائفه قریشک رئیس عبد المطلبک در تیزو یا ایکوز دوه سی
یلر اولوب قریشله شمر طائفه جیقوب حضرت رسولک نور باهر السوروی بونک آتنده همجو بیدر منیر مستنیر
و مستدیر اولوب شمع عظیمی مکه شمرنه منعکس اولده * عبد المطلب ای قریش دونوب شهره کیده لم مشتی که
اشجودونک شرندن تورتلدیکز الله حقیچون بنده نور تابنده دوران ایتدی الا که ظفر بزه میسر اولغیچون
دیوب شهره کدکار نده ابره ایلی کوندروب بنم مر ادم غارت و خسارت دکل همان کعبه بی یقه اقدرا کر

قورلرسه یقوب بر فردی انجتمزم رضا و برلرسه ریشلر بی بکا کتور دیمکن واروب دیوب عبد المطلب دخ
بعض اولادیه واروب ابره بوکانظر ایتد که نور محمدی آتنده تابان اولغین ابره شاتوب دیلی طولاشوب
حتی صرع اولوب عقلی کدکده عبد المطلبه سجده ایدوب شهادت ایدر مکه قریشک سید یسن دیوب عبد
المطلب خوبروی و غایت مهیب اولغین ابره بی اختیار تختندن اشاغه اینوب قالیچه اوزرنده برابر واروب
تر جماله سوبلشوب مر ادک ندر دیوب بودی بنم بر قاج بوزدوه لرم المشلرانی و بره سز دیکده ابره بن سنی
کوردکده هر حالکی بکندم مکر سن احق ایشسن بن کعبه کزی یقمغه کادم انی دیک ایدر جک یرده
دوه لر ندر که انی رجا ایدرسن دیکده * عبد المطلب بن دوه لر حاجی یم کعبه حاجی تحقیق کعبه بی حفظ ایدر
دیوب ابره بدن حفظ ایدر مز دیکده عبد المطلب لطف و حفظ حقه غایت معتقد اولغین آتنده سن آتنده
اودیدی * مر ویدر که جله فیللر داتا ابره به سجده ایدوب لکن محمود اصلا ایچوب ابره آنی کتوردکده عبد
المطلبه باقوب دوه کبی دیز چوکوب سجده ایدوب السلام علی النور الذی فی ظهرک یا عبد المطلب دیو عریجه
سویلدی * اشبور وایت ظهور قصه فیل ولادت حضرت رسولک قرقیل مقدم ایدی دینر قوالدر اما
قول اصح اوزره همان الی کون مقدم دیمش * محصل علی کل حال مر ویدر که عبد المطلب ابره دن دوه لر بن
الوب کوب شهر خلقنی جله مال و عیال لر یله طاعلر باشلرینه قاجروب بعده بر قاج کسمه ایله کعبه نک حلقه سته
یا بشوب یارب هر کس کند و اوینی حیات ایدر که به ستمک اوکدر عد و وردن صله غیرت دیمدر دیو عریجه
مناجات ایدوب کول بوزینه باقد قده یم طرفندن کلور وافر قوشلر کوروب والله بونلر غریب قوشلر در تجدیبه
و تماسیه دکلردیوب * کوره لم آینه دوران نه صورت کوستر دیو طاع باشلرینه جیقوب ناظر و ظهور
غیرت رب غیور قهاره منتظر اولدیلر * بوجانده ابره بن الصباح وقت صبحا حده آتنبوب عسکر بن دوزوب
دیزوب فیل محمود مکبه کتکه عناد ایدوب دیوسلر و جنکالرله باشنه اوروب چاره اولیوب تجربه ایچون غیری
طرفله دوندر دکر نده سکر دوب کیدوب مکبه دوندر دکر کده چوکوب قلوب بوحالده همدردیاسی طرفندن
بورنی قزل باشی سیاه بونی اوزون براسه قدر یجدمرغ ابابیل با مر رب جایل کوب هر برینک برور ندر بر
ایاغنده مر جکدن بیوک شخوددن کوچک طاش اولوب کفارک باشلری اوستنه کدکار نده طاشلری براغوب
هر طاش اوستنده هلاک اوله جق کافر اسمی قدر تندن یارلغین باشن دلوب مقعدندن جیقوب کافر لشر اشوب
طاعلوب قولاغزلری نفیله بزه بن یوانی کوستر دیکدکر نده (نظم) این المقر و الاله طالب * والا شرم المغلوب
لیس غالب * دیو جواب حکمتن صاب ووروب بوحالده هر کافره بر قوش طوش اولوب طاشله هلاک اولوب
ابره نابالک غایت آز کسمه ایله یمه قاجوب بولده چیچک یا جذام مر ضنه اوغرا یوب جمیع اعضایی چور یوب
الک دوشوب یمه وارد قده یورکی چتلا یوب هلاک اولدی * ابو یکسوم آدلو وزیر نجاشی به کیدوب هواده
بر ابابیل قوشی یله کیدوب خبری تمام ایتدکده باشنه طاش اینوب قومی نیجه هلاک اولدیغنی نجاشی کوزیله
کوردی (الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل) سورهمی بوقصه به اشارتدر بوحال عرب مال ماه محرمک
اون بدنی کوفی اولوب قول اشرم و اظهر اوزره حضرت رسول علیه السلام بوسنه ربیع الاولک اون ایکینی
کجه سی وجوده کوب قدم مکرملر یله دنیا و مافیایی بلکه طبقات ارض و سمایی منور و مظهر منجر و معطر
ایتدی صلی الله علیه وسلم و شرف و کرم * بونقدر بجه ماینده همان الی درت کون بکمش اولوب بویابده دخ
اقوال کثیره واردر * پس جیش قریش طاع باشلر نده ایکن عبد المطلب ابره احوالنی یوقلمغه واروب اردوبی
بالکبه خلی و ماله ممتلی کوروب تقود و جواهر و تحفدن مال و افره ظافر اولغین ایستدیک قدر اولوب یره
کوموب بعده سائر قریش کوب اندر دخ اعتنام و اقسام ایتدیلر * مر ویدر که حق تعالی بر سیل کوندروب
هلاک اولنرک جیفه لر بن سوروب دریایه د کوب ارض مکدی بالو تابشک ایتدی * حضرت عائشه رضی الله
عنها ایدر مکده فیلک قائد و ساینی کورد مکه هر بری اعی و وقعه اولوب دینا بیک ایدر * توار یچنده
مذکوردر که ابره دنفکره حبش طائفه سته نفر قده دوشوب قلیس کایسانک اطراف بیابان و مسکن سباع
و حیوان اولوب کسمه اکا وارمغه قادر اولیوب خلفاء عباسیه نک اولی اولان سفاحه خبر و یردکر نده یم
حاکمی عسکرله کوندر مکن واروب کنیسه کفر ایسه بی یقوب ایچندن بیکدم مال استحصال اولدی (فصل

تجسین در بعض احوال یکسوم بن ابرهه) پدری کعبه بی یقین زعمیه کند کده بومنده قالمش ایدی او هلاک
اولاد قده بونخته یکدی (فصل حادی و خستین در احوال مسروق بن ابرهه) برادری وفاتده بونخته یکدی
مرویدر که ابرهه ملوک یمندن سیف بن ذی یزن والدیه سن نکاحلنوب سیف بن یویوب حبشیلر اندن اهل بن
رنجیده و بر محن اولغین سیف مبتلا با حیف قیصر رومه واروب شکایتی دیکند کده نوشروانه واروب اجدادی
سلطنتی المغه یارد محی ایستد کده نوشروان تعال ایدوب عاقبت قتل ایچون محبوس سکر یوز کسنه به بهروز
آدلو عاقل دانا پیر توانایی سردار ایدوب سیف ایله کوندرد کده سکر کی به بنوب ایکسی غرق اولوب التیسیله
یمنه وارد قلزنده سیف اهل یمندن بعض عسکر پیدا ایدوب مسروق قارشو کلوب چنکه باشلند قده بهروز
انی نشانلیوب اوقاوب تاجن و باشن دلوب قفا سندن چیمغین آندن یقلوب عسکری اوزر نه اوشد کازنده
عسکر سیف و بهروز حبشیلر جه ایدوب صینوب قیرو سیفله بهروز صنه اشهر نه کیروب بهروز بنم سنجاغ
اکبیلک اوغور دکلردیو شهر قاپوسن یقوب کیروب سیف یمنه پادشاه اولوب بهروز نوشروان طرفندن ناظر
وسر دار اولدی (فصل ثانی و خستین در احوال سیف بن ذی یزن) حالا یکدیکی اوزره یمن تختنه یمن قدم
ایله کجوب سلطان مکرم اولدی سابقا بنش ایکی ییل ولایت یمن ملوک یمن اندن کیدوب حبشیلر دن ارباط
وابرهه و آنک اولادی حکم ایدر لدی و بهروز کده سیفله یمنه یله کلان بهروز عجمی وفاتده سلطنت یمنی عجم
پادشاهلری بهروز لک اوغلی مرزبان آتک دخی وفاتده آنک اوغلی بیجانه آنک دخی وفاتده آنک اوغلی و یروب
بعده عزل ایدوب باذانه و یروب حضرت رسول صلی الله علیه وسلم زمانده باذانه اهل یمن ایمانه کلد کارنده
رسول علیه السلام آتی حکومت یمنده ابقا ایتدیلر هجر نک اوننجی ییلنده باذان وفات ایتد کده حکومت عمالک
یعنی صحابه دن سکر کسنه به تقسیم ایدوب کوندردیلر که بریسی باذانک شهر آدلو اوغلی ایدی (حکایت
عجیبه در احوال رسول صلی الله علیه وسلم) کتب سیرده محمدر دکه مزبور سیف حضرت محمد مصطفی صلی
الله علیه وسلم دنیا به کلد کلرندن ایکی ییل صکره یمنه پادشاه اولد قده اشراف قبائل عرب پیانی تهنیت سلطنتنه
کلوب اهل مکد دن بش کسنه ایله عبدالمطلب دخی وارد قده یمنده بخندان آدلو بر سرزاید بقیس خاتونک جدی
یشرح بن الحارث بن صنی بن سبا بناسی اولوب بر یوزی قزل بری صاری بری آق بری یشل ایدی و ایچنده
یدی توانلو قصر که هرا یکی توان مابینی قرق ذراع ایدی و سیف انده او قوروب روایح طیبیه سورنوب اوزرنده
ایکی یشل برده یعنی احرام اولوب صاغ و صولنده ملوک و امر ائمن او قوروب طوروب اهل مکد ایچر و کیرد کارنده
سیف عاقل و کامل صحیح و غایده بلیغ و فصیح اولغین عبدالمطلب ایله عریجه بر مقدار سو یلشوب بعده جهل سنه
(مرحبا و اهلا و اناقة و رجلا فارسلها مثلا و مستنخا و ملا و ملک کار جلا یعطی عطاء جز لا قد سمع الملك مة التکم
و عرف قرابتکم و قبل و سلطتکم و انتم اهل اللیل و النهار لکم الکرامه ما لکم و الحباء اذا طعنتم انهم ضوا الی دار
الضیاقه و الوفود) دیوب ابتدا دیناده مرحبا و اهلا دین سید قدر دیشلر و پس بونلری مهمه مانخانه به قوندروب
انواع رعایت ایدوب بر آیدن صکره عبدالمطلبی کتوردوب یانته الوب یا عبدالمطلب بن سکاعلم اسرارندن برنسنه
کشف ایدرم سندن غیری کسنه اولسه دیمزد لکن سن آنک معدنی اولغین سنی کامطالع ایتدم امدی
بوسر سنک یانکده کیزلو طو ورسون تالله عزوجل اکاذن و برجه دیو عریجه سویلیوب بعده (انی اجد
فی الکتاب المکنون و العلم المخزون فلیکن الذی اخرناه لانفسنا و احتجناه دون غیرنا خیرا عظیما و خطر اجمیما
فیه شرف الحباء و فضیله الوفاء للناس عامه و لهطک کفاة و لا خاصة) دیوب عبدالمطلب دخی مفصلا
صور قده سیف دیدیکه (هذا حینہ الذی یولد فیہ ولد اسمہ محمد یعمت ابوه و امه و یکفله جدہ و عمه و لقد ولدناه
مرارا و الله باعنه جهارا و جاعل له من انصارا یعز به و اولیاءه و یدل به اعداءه و یضرب بهم الناس عن عرض
و یستنج بهم کرام الارض یخمد به الذیران و یعبده الرحمان و یرزبه الشیطان و یکسر به الاوثان قوله فصل
و حکمه عدل یا امر بالمعروف و یفعله و ینهی عن المنکر و یبطله) عبدالمطلب دیدیکه (عز جارك و دام ملکات
و علا کعبک فیل الملك ساری با فصاح قده اوضح لی بعض الایضاح) سیف دیدیکه (والبیت ذی الحجب و العلامات
علی النصب آنک جدہ یا عبدالمطلب من غیر کذب و پس عبدالمطلب غایت سرورندن سیفجه جدہ ایدوب اودخی
ارفع رأی سنک و صدرك و علا کعبک فیل احسنت بشی عماد کرت لک) دید کده عبدالمطلب نعم پادشاهم

برسوکو اوغلم و ارایدیکه اشراف قوم یمن آمنه آدلو بزرگمه قیز نکاحلندروب محمد آدلو اوغلی طوغوب پدر
و مادری وفات ایدوب حالا عیسیله بن یسلم دیکین سیف دخی (ان الذی قلت لک ما قلت فاحفظ ابنک و احذر
علیه من الیهود فانهم له اعداء و ان یجعل الله لهم علیه سبیلا و اطوماذ کرت لک دون هؤلاء الرهط الذی معک
فانی استامن ان تدخلهم النفاة فی ان یتکون لک الیایة فینصبون لک الحبایل و یبعون لک الغوایل و هم
فاعلون ذلک و ابناؤهم من غیر شک و لولا اعلم ان الموت غیر محتمل حتی قبل مبعثه اسرت الیه بجلی حتی
اجعل یثرب دار ملک لک فانی اجد فی الکتاب النساطق و العلم السابق ان یثرب دار استحکام امره و اهل نصرته
و موضع قبره و لولا انی اقیه الا کفات و احذر علیه العاهات لا علنت علی حدائنه امره و لا طوأت اسن ان
العرب کعبه و لکنی صار فی ذلک الیل یمن معک) دیوب بعده عبدالمطلبک بش تقریولداشلر بن کتوردوب هر برینه
اوزر سیاه قول اوزر سیاه جاریه ایکشیر حله یعنی بشیر طل اتون اوزر طل کومش و وافر عنبر خام و یوز عدد دوه
لکن عبدالمطلبه اون بو قدر و یروب بر ییل یکد کد نصکره بکا کلوب نه ظهور اید و سه اعلام اید و سن دیوب بحکمه
الله او ییل سیف وفات ایدوب و بعض معتبر ایتد قتل اولندی دیشلر ملوک یمن اولان ملوک قحطایان آخری
بودر رجه الله علیه ایدا

(باب سابع در احوال ملوک جرهمیه)

ملوک طوائف عرب جهل بش فرقه در بری قحطایاندر که بیان اولندی بری دخی جرهمیه در که حالا بیان اولنور
بونلره ملوک حجاز دخی دیرلر اوج فرقه دخی بونلردن مؤخر اولوب ابتدا ظهور اعتبار یله ملوک نصاراد نصکره
یازلسه کرکدر (فصل اول در احوال جرهم بن قحطان بن عابر بن شالح بن ارغشدد بن سام بن نوح علیه السلام)
بهضلر جرهم بن یقطن بن عبیر بن شالح بن قحطان بن عبیر بن شالح دیوب و ابن عباسدن مر ویدر که زمان سابقه
ملائکد دن بری بر عظیم کناه اتمکین حق تعالی انی بر یوزر نه ایدروب انسان صفتند قیلوب عذرا آدلو بر ملک
دخی برکاه اتمکین هواده ایکن مکد به ایدر لوب انده عمالقه دن بر عورت نکاحلنوب جرهم آدلو اوغلی
اولدی جهل و عربان نب جمیع قبائل عرب قحطانه حضرت اسماعیل نساید رجه طوائف ولایت یمن قحطان
نساید ر دیوب بعض اهل یمن قحطان دخی اسماعیل اولادندن اولوب جمیع طوائف عرب اسماعیل نساید ر
دیشلر و تاریخ ابن شعثنه ده جرهمک برادری یعرب یمنه پادشاه اولد قده جرهم وافر جماعته ولایت حجاز
کلوب شهر مکد پرند ساکن اولوب کعبه معظمه دخی یا بلماشدی دینوب و تقاسیر و قواریخده مذکوردر که
ابراهیم یغمبرک خاتونی ساره دن اولادی اولماغین جاریه سی هاجری زوجته باغشلیوب هاجردن اسماعیل
علیه السلام طوغدینی باعتده ساره خاطر یچون امر حقه هاجر و اسماعیل طوفان فوجد نبر مکد شهری
بنادن و انساندن بالکلیه ارض خالیه اولغین براقه بنوب دلالت جبرائیل علیه السلام ایتدوب آند قیوب فی الحال
دونوب کلد کده حضرت اسماعیل مکرم یوزی صوبینه آب زفرم بردن چیمه طائفة جرهم یمندن شامه
سفر تجارت داتما آنلر عادت اولوب بوسفرده بالری اوغراد قده اول مکان جنت نشان و رحمت آشیانی
بکتوب یمندن کوچوب کلوب آنده ساکن و متوطن اولدیلر و اسماعیل و هاجر ایچلرنده یله اولوب بعد زمان
قوم جرهمی و جهل یمن خلقی دین حضرت ابراهیم دعوت ایچون حضرت اسماعیل نبی و رسول اولوب تفصیل
حالیاری انبیایا بلرند بکمشدر نظر اولنه (فصل ثانی) در بیان عبدالبیل (فصل ثالث) در بیان جرهم
(فصل رابع) در بیان عبدالمدان (فصل خامس) در بیان ثعلبه (فصل سادس) در بیان عبدالمسح
اشوبش نفر پادشاهلرک احوالری معلوم اولدی (فصل سابع در بیان مضاض الاکبر) اهل شوکت
صاحب سطوت اولوب بعض محاربه لرا بشدر و تاریخ ابن مسعودیده اشوب و مضاض بن عمرو بن سعد
ابن الرقیب بن هنی بن نبت بن جرهم بن قحطان اولوب مکده اول ملوک جرهم بودر یوز ییل حکومت ایتدیشدر
دومد کوردر (فصل ثامن در بیان عمرو الاکبر بن مضاض الاکبر) سلطنتی یوز ییل کرمی ییل اولوب سلطنتی
احوالی حضرت اسماعیل بونک قیز نکاحلندینی مناسبتیه ایکی صحیفه اشاعیده کور نظر اولنه
(فصل تاسع در بیان حارث بن عمرو الاکبر) پدرند نصکره یوز ییل یادخی اکسک پادشاه اولدی (فصل عاشر
در بیان عمرو الاکبر بن حارث) بودخی پدرند نصکره یوز ییل سلطنت سوردی (فصل حادی عشر

در بیان بشر) بعض کتب مذکور و الفا مشدر (فصل ثانی عشر در احوال مضاد الاصر) تاریخ مسعودیه
مضاض اصغر بن عمرو بن الحارث بن مضاض الاکبر پدری حارث بنده که قرق ییل سلطنت شوروی دینوب
اکن یو فاروده حارث عمرو اکبر او غلیدر دیوب کلامینی مایمنده تساعض واردر (فصل ثالث عشر
در بیان حارث بن مضاض الاصر) تاریخ مکده بعض قوم جرهم دن کعبه بی بناء حضرت ابراهیم و بناء
عالمیقه نصکره بنایدن بودر دیوب کعبه ملک بنایی احوالی و عددی اشبوکاب مرآت السکائناتک جلد اولینک
جاق اوانده کعبه احوالنده فصلدر نظر اولنه (فصل رابع عشر در بیان عمرو بن حارث بن مضاض) بعض
واریخده مضاض و فائده قوم جرهمه بو حاکم اولدی دینشدر آخر ملوک قوم جرهم بودر بونک و قومنک مک
شهرندن جبر و قهرله اخراج و نفی بلد اولند قری اقتضاء مناسبیله اشبو بایک او اخرنده کور * مر ویدر که
مکده دن سورلد کارنده مضارقت کعبه به غایت الم چکوب بوشعری دیدیکه (نظم) کان لم یکن بین الجون
الی الصفا * انیس و لیسر بمکه سامر * بلی نحن کما اهلها فافازنا * صروف اللیالی و الجود و العواثر *
و کالاوله البیت من بعد ثابت * نطوف بذال البیت و الخیر ظاهر * ملکنا فغزنا فاعظم ملکنا * و لیس لخی
غیرناغه فاخر (فائده در کیفیت ظهور قوم جرهم در ولایت مکه مکرمه) اکثفا آدلو کابده ابراهیم علیه
السلام اسماعیلی مکده و قدده شهر مکدنک یری برخالی میشه زار اولوب عرب دن قوم عمالقعه جبل عرفات
قر بنده ساکن ایکن مکده ابراقونان طائفه بونلدر اوزمانده مکده و اطرافنده ایجه جک صوغایت آزار اولوب
اسماعیلله هاجر ایچون قدر تدن آب زهم سیکاری ظهور ایتد کده عمالقعه دن ایکی کشتی دوه لرین یایوی قلوب
اطرافنی ارارکن مکده اوغرا قدرنده بر سیکار آشکار اولمش کور مکین قبیله سته خبر ویرد کده جمله سی اول
ماه کور سیما ایچون کوچوب مکده قوطن ایدوب تدر بجه آبادان ایتدیلر ابراهیم پیغمبر ایه اسماعیلله
هاجر ی یوقلغه آید بر کره برافله بر آنده امر قله فی الحبال واروب کلور ایدی اسماعیل اون اوج یاشنه
وارد قده قصه ذیح ظهور ایدوب مرتبه رجولیتنه وارد قده عمالقعه دن بر قیز نکاح حنوب بر کون شکارده ایکن
ابراهیم پیغمبر کوب بونک خاتونه احوالرین صوروب اودخی آنی یلمیوب فقر دن شکایت ایتد کده زوجک
کلد کده قبوسنک ایتکنی تبدیل ایتسون دیه سن دیوب کیدوب اسماعیل کلد کده بونده هیچ کسنه کلدی می دیوب
خاتون دخی بالتمام خبر ویرد کده اوکسنه بنم بابا مدرقا و ایشکندن مرادی سفین دیوب خاتونی بوشایوب
بر زمان مجرد طور دی * ولایت مکه مکرمه قوم عمالقعه اللرنده اولوب لکن حرم شریفک حرمتنی رعایت
ایتمز اولد قدرنده بنده جرهم ایل قنطورا آدلو ایکی برادر قحط جهنندن جمله مال و عیال لریله کوچوب مکده
اوغرا قدرنده او تلوسولو برانجی دیوب بکنوب قوطن ایدوب بعده بنندن هر کوچن قبیله ریاسه لریله بیله کوچوب
قبیله جرهم دخی بکاری مضاض اکبر ابن عمرو ایله مکدنک جانب اعلا سته قبیله قنطورا بکاری سمیدع
ابن هر مز ایل جانب اسقلنه قوئوب عمالقعه بونلری دفع ایچون نزاعلشوب بونلر غالب اولوب جمله عمالقعه بی
حرم دن سوروب چیقار مغین مز بور عمالقعه طول و عرضی نیجه میل اولان حرم شهر مکه اطرافنده ساکن
اولوب حد دن ایچرو کیر مکه قادر اولار اولدیلر بعده حضرت اسماعیل مز بور مضاضک قیزی رعله بی
نکاح حنوب اون ایکی اوغلی طوغدی دینوب * تاریخ میرخوانده سابق باطلاق ویردیکی عمالقعه دن عمرو
بنت اسد مکه نکاح خدیجی سیده بنت مضاض بن عمرو الجرهمیدر دینوب * معارج النبوه اولکی
جرهم دن عماره بنت سعد بن امامه ابکنی بنه جرهم دن هاله بنت الحارث یاسیده بنت مضاض یاسلی بنت
الحارث بن مضاض در دینوب * کاب خیسده اسماعیل علیه السلام پدری حیاته رعله بنت مضاضی بارعله
بنت عمرو ی باوهاله بنت حارث بن عمری نکاح حنوب اون ایکی یا اون اوغلی اولوب ییوکار نکاح اسمی ثابت
و ایچلر دن برینک اسمی قید زایدی دینوب * عرایس تعلبیده علما دیدیلر که اسماعیل ییو د کده سیده بنت
مضاض الجرهمی بی نکاح حنوب اون ایکی اوغلی اولدی دیومذ کوردر و الله اعلم (فائده در حکومت ملوک
جرهم در مکه و سبب زوال ایشان) معارج و خیس نام ایکی کابده مفصلدر که اسماعیل علیه السلام و فائده
ییو ک اوغلی ثابت زیات شهر مکه و حکومت قوم جرهمه قائم مقام پدر اولوب بونک دخی و فائده والده سی
پدری مضاض اکبر بونک اولادی احوالنه مکمل اولغین ریاست مکده مضاض دکوب اوزمانده اهل مکه ایکی

فرقه ایدیل بری جرهم ایدیکه رئیساری اشبو مضاض اکبری قنطورا ایدیکه رئیساری سمیدع اولوب بوا یکی
قبیله اقربا اولمغین یمندن اتفاقله کلمشاردی مضاض اصغر سلطنتنده ارارینه نزاع دوشمکین بحکم صواشوب
مضاض سمیدعی قتل ایدوب مکده ظلم و بیغی ابتدا بو زمانده پیدا اولدی حکومت ولایت مکده مضاضه قلوب
ریاست بیت الله معظمی دخی اولاد اسماعیل طرفلرندن ایدردی. مضاض وفاتده قوم جرهم اولاد اسماعیلی
تر بیت ورعایت ایدوب انزه قیزلر و بر مکله تحصیل قربات ایتد کار یچون ریاست کعبه جرهمک الارنده اولوب
کعبه نلک ایچنه سیل کیر مکله یلمغین بناء حضرت ابراهیم اسلوبنده یایوب اکین سابقا قبوسی آچق
طور مغیچون ایکی قنادی اولوب بونلر ایکی قنادلو قبو کچوروب کایدلو طور اولدیلر. بعده اولاد اسماعیل
چو غلوب مکده شهرینه صیغمه ز اولد قلزنده اطرافه متفرق اولان قبائل عرب یانلرینه واروب کثرت وقوت
بولد قلزنده اطراف واککافه مالک اولوب عماقه بی سوروب طاغدوب بعد زمان قوم جرهم ظلم و تعدی یه تصدی
ایدوب اموال و نذور کعبه بی بلاحق مالکانه تصرف و مجاورین و مسافرنه انواع ظلمه تعسف ایدر
اولد قلزنده اولاد اسماعیل غیرته کلوب قبیله بنی بکر بن عبدمناف بن کثانه قبیله خزاعه دن برجماعت
اتفاقیله جرهمه ظلمدن فراغت و سلوک طریق مستقیم باریاست مکده قدیمدن بزم اوغین حتی مستحققه تسلیم
ایک دیو خبر اشوب جرهم کثرتلرینه غرور اولوب جنسکه حقیقوب لکن انشاء منه کوب و الظالم مغلوب
غواسخنه بلا سبب قلبلرینه خوف دوشوب مکده بی بونلر تسلیم و کندولری جلای وطن ایتمک اوزره
صلح اشوب جرهم حاکمی عمرو بن حارث بن مضاض اصغر اولاد اسماعیله رغمت حیرالامود مبارکی کعبه نلک
دیوارندن قوپاروب و عجم پادشاهنلک اوغلی اسفندیار کعبه یه هدیه کوندردیکی صافی التوندن ایکی آهوی که
اکاعر لر غزالی الکعبه دیرلردی و کعبه نلک ایچنده طوران بعض سلاحلری زمزم قیوسنه براغوب اوستنی
طبر اغله طولدروب بی نام و نشان ایدوب جماله قوم جرهم مال و عیال لر یلینه کیدوب وارد قلزنده مکده
ایند کاری مظالم سببیله طوائف عرب ایچنده مشهور و غایت مستقیم و منفور اولان عدسه دید کاری چچکه
بکزر مرضه اوغرا یوب جماله سی آندن هلال اولدیلر (لحرره) مفتح اولمز اهل افاد و فساد * دائماً محنت
چچکه بولمز مراد * خلق راستده قتی مذموم اولور * عاقبت بولور جزا معدوم اولور * مزبور طائفه یینه
کتد کارنده نسل اسماعیل مکده کلوب وطن طوتدیلر بشور ییلدنلر کمره حضرت رسولک جدنا محمدلری
عبدالمطلب برواقعه عظیمه سببیلر نفعیلر محتاج و جهله چاه زمزمی بولوب قازوب آب زمزم مکریمی آشکار
ایتمکین جمیع قبائل عرب ایچنده کمال عز و جاه و اشتهار بولدی (متفرقات) یینه خیسده سابقا جرهم
مکده عصیان ایدر لکن ایچلرندن اساف آدلور برار نایله آدلور عورتله کعبه معظمه نلک چاقا ایچنده زنا
ایتمکین غضب حقله ایکسیده طاش اولوب خلق انلری طشره چیقاروب عبرت ایچون برینی صفارینی مروه
اوستنه قودیلر مرور زمانه بحال اوزره اوندلوب کفار عرب انلری صنم ایدوب اکا طبار اولدیلر حضرت
حبیب خدا محمد مصطفی محمد مجتبی صلی الله علیه و سلم ایدامر مداء مکده بی فتح و دین باطلی طرح ایتد کده ضلال
فاشی اولان اول ایکی طاشی قیردیلر دینوب * بعض توار یچنده دخی حضرت اسماعیل سابقا جرهم ایچنده
اوله نوب قیدار آدلور اوغلی طوغوب بیود کده جرهم اتی کندولره پادشاه ایدوب تاج کیدروب سلطنت ولایت
حجاز نسل اسماعیله منتقل اولدی دیشوب اشاعیده ملوک عرب بدن عمرو بن لخی فصلنده بر محله متعلق بعض
فوائد کله چچکه در * حاشیه طبعی ده ثابت بن اسماعیلدنلر کمره کعبه معظمه خدمت ایدوب پادشاه اولان
قبیله جرهم غایت رفاهیت ایلر معیشت ایدوب بعد زمان حقه عصیان و خلقه طغیان ایدر اولد قلزنده کثانه
و خزاعه قبیله لری بونلر مسلط اولوب جبر و قهر ایتمه سورکون ایتدیلر دینوب * تاریخ مدینه ده جرهمی
نئی ایدن اول ملوک عدنان اولان جفته نلک برادری ثعلبه در دینوب * یینه خیسده مذکور در که حکومت
مکده نالت بن اسماعیلدنلر کمره قوم جرهم الارنده او حیو زبابشور یا التیو زبیل طور دی و الله اعلم

(باب نامن در احوال خلفاء حکام بنی اسرائیل)

بوطائفه نك اسامی واحوانته بوعبدحقیر ذره شمال کمال اجمال اوزره سر تا پای مسجع ومقنی مصنع ومضنی
عربی بر تار پنج مختصر دن غیری رده ظفر بولماء غین مجرد آنده محرر اولان اوزره مقرر ومسطر ایتندی

(فصل اول در احوال حضرت موسی علیه السلام) بنی اسرائیل سکسان میل نبوت و رسالت له حکومت
ایدوب تفصیل احوالری جمله اولده انبیا باندہ یکم شد نظر اولنه (فصل ثانی در احوال حضرت یوشع)
علیه السلام عن خلق ماضی و نفع استادری حضرت موسی و فاته نصکره نبوت له یکر می سکزیل خلافت
و حکومت ایدوب تفصیل حالری انبیا باندہ یکم شد (فصل ثالث در احوال فیحاص یافیحاش بن عیزار
ابن هارون علیه السلام) الیاس علیه السلام فیحاصک اوغلی یاسینک اوغایدر عزیز یر یغمیردخی فیحاص
نسندندر یونک مدت حکومتی اونیدی ییلدر یفاسیرده یوشع وفات ایدر کن کالب بن یوقنا نام صالح کسنه یی
خلیفه دیکوب کالبک نبوت بر روایت وارد یر بعض معتبرانده کالب وفاتده کالبک اوغلی یوسفوس
خلیفه اولوب یوسف مشال خوب جمال ایدی دینوب لکن تفاسیرده کالب نصکره حزقیل یغمیردخی خلیفه اولوب
انک وفاتدن حضرت الیاس زمانه دل بنی اسرائیل ایچنده ضلالت و کراهی و انواع مناهی و ملاهی صدور
حتی عبادت اصنام دخی ظهور ایدی یر بعد زمان الیاس علیه السلام نبوتله خلافت ایدوب آنر ملائکه
ارضه فارشد قد شاکردری الیسی خلیفه دیکوب اودخی یغمیر اولوب بعد زمان وفات ایدکده اشمویل
یغمیر ظهور ده دل در تیورالتش ییل بنی اسرائیل طائفه عمالقه جفاسیله حقیر و ذلیل اولوب نیچه قن و محن
چکدیله یوچله نک تفصیلی حزقیل و الیاس و البس و اشمویل بابلرندہ یکم شد نظر اولنه (فصل رابع در احوال
کوشان) یعقوب یغمیرک برادری عیصر نسندن اولوب بنی اسرائیله تغلبه سکزیل حکومت ایدوب
ظالم اولمغین رفع اولندی یر بعض تواریخ قولنج بونی غنائیل قتل ایدوب یرینه یکدی (فصل خامس در احوال
غیشال) یاخود غنائیل بن قنان بنی اسرائیلدن صالح و مفلح امیر اهل تدبیر اولوب قرق ییل حکومت
ایدی (فصل سادس در احوال عفلون) لوط یغمیر نسندن اولوب بنی اسرائیله تغلبه اون سکزیل
حکومت ایدوب اهل جور بدطور اولمغین مه زول و محذول اولدی یر بعض تواریخ قولنج بونی ایهموز قتل
ایدوب یرینه یکدی (فصل سابع در احوال اهودیاخودایهون) بنیامین بن یعقوب علیه السلام نسندن
عاقل و عادل حاکم کامل اولوب سکسان ییل حکومت ایدی (فصل ثامن در احوال شمکار) اهل شوکت
و مهابت و قار اولوب همان بریلدن اسکین حکومت ایدوب بعده رفع اولندی یر بعض تواریخده باراق
یرینه شمکار پادشاه اولوب قیساریه پادشاهی یکر می ییلدن یونی اسرائیله مسلط ایدی یر شمکار جلوس ایدکده
آنرله چکده ظفر اولوب قرق ییل سلطنت سورددی دیومذ کورد (فصل ناسع در احوال بابین) ولایت
شامدن کوب بنی اسرائیلی تذلیل ایدوب تغلبه یکر می ییل حکومت ایدوب بعده رفع اولندی (فصل عاشر
در احوال باراق) بنی اسرائیلدن اولوب قرق ییل حکومت ایدی بعض تواریخده ایهموز یرینه باراق یکوب
بنی اسرائیل اوزرینه فلسطین عسکری نیچه کره قصد ایدوب کوب باراق آنری دفع ایتشد یر بنی اسرائیل
ایچنده یونک شجاعتی ضرب مثل اولشدر همان بریل حکومت ایدوب وفات ایدوب یرینه شمکار یکدی
دیومذ کورد (فصل حادی عشر در احوال کدعون) بنی اسرائیله تقویت و دین مبین حضرت موسایه
نصرت ایدوب نیچه اعدا قتلندن کوب بودخی قرق ییل حکومت ایدی یر بعض تواریخده شمکار نصکره
بنی اسرائیله مدیان نام طایفه یدی ییلده دلک مسلط اولمغین طاعنه قاجوب بعده کدعون پادشاه اولوب اهل
مدیاندن اوچیزاللی ییک آدمی چکده قتل ایدوب قوت و شوکتله قرق ییل پادشاه اولوب یقش ایکی عدد
اوغلی و ارایدی برینک آدی رملج ایدیکه بر حیلله ایلدیش برادرلری قتل ایدوب یونان آدلور برادری قاجوب
عسکر جمع ایدوب رملجی قتل ایدوب رملجک مدت سلطنتی اوتوز ییل ایدی یر بعده میشابن یوسف نسندن
تولاغ پادشاه اولوب یکر می اوچ ییل سلطنت سوروب مدارا و حسن تدبیر ایلد کینوردی بعده تانیر که ادی نام
کسنه پادشاه اولوب یوز عیج یغمیر ایدی دیشلر میشابن ایدی زمانده بر طایفه بنی اسرائیله مسلط
اولوب چوق کسنه قتل ایدوب یونک سلطنتی ایدی ییل ایدی یر بعده یونان نسندن تغشاج نام کسنه پادشاه
اولوب تدبیر و مرامه چاشوب یدی ییلدن نصکره یود یاربونی قتل ایدوب بعده زلیون نسندن یولون پادشاه
اولوب ایکی ییلدن نصکره افرانیم بن یوسف نسندن عودون پادشاه اولوب استقامتله یدی ییل سلطنت سوروب
بعده شمسون بعده عالی امام پادشاه اولدی دینوب یوایکسند احوالی تفصیل اولشدر و الله اعلم بالصواب

(فصل ثانی عشر در احوال اییال بن کدعون) پدری کبی جری و قوی و سالت صراط سوی ایدی اوچ ییل
حکومت ایدوب وفات ایدی (فصل ثالث عشر در احوال یواہر) بنی اسرائیلدن اولوب شوکت و دوات
قوت و صوات ایلد یکر می ایکی ییل حکومت ایدی (فصل رابع عشر در احوال امونیطو) شوکت
و قدرت ایلد اون سکزیل حکومت ایدی (فصل خامس عشر در احوال یفیح) الی ییل عدل ایلد حکومت
ایدوب وفات ایدی (فصل سادس عشر در احوال ابصن) یهوذا بن یعقوب علیه السلام نسندندر یدی
ییل عز و جاهله حکومت ایدوب وفات ایدی (فصل سابع عشر در احوال اوان) حاکم معتدل و اهل
دل ایدی اونیدی ییل حکومت ایدوب وفات ایدی (فصل ثامن عشر در احوال عبدون) افرانیم بن
یوسف علیه السلام نسندندر سکزیل حکومت ایدوب وفات ایدکده بنی اسرائیله طائفه عمالقه تغلبه
مساط و انلری نیچه زمان بلارہ مورط ایدیلر (فصل ناسع عشر در احوال حکام شهر فلسطین) غالباً
یو طائفه شامله مصر اراستده قدسه قریب یرلده ساکن اولان طائفه عمالقه کفارد بنی اسرائیله تغلبه قرق
ییل متصل چنوا و ایلد حکومت ایدوب لکن قاج نقر ایدکاری مقرر و محرر اولماشدر یر فلسطین دیدکاری
قدسه بر قوناق یرده بحر شام کنار بنه قریب رمله شهر یرد عسقلان دیدکاری رمله یره بر قوناق یرده غزه شهر یرد
دیشلر و الله اعلم (فصل عشرین در احوال شمسون الحبار) غایبده بهادر و تدبیر معظمانه قادر منلی
نادر ایدی یکر می ییل حکومت ایدوب بعده قتل اولندی یر باب انبیا مشتمله الاحوالده مفصل سرگذشتی
یکم شمسون عابد بودر حضرت عیسا نصکره کوب کفاره ییک آغز ایدوب عاقبت شهید اولمشدر یر بعض
تواریخده یوقار و ده مذکور اولان عودون یرینه پادشاه اولوب دان بن یعقوب علیه السلام نسندن ایدی
مؤرخلر عیج یغمیر ایدی نیچه لوبو کاتب اولوب اکثر ناس عناد ایدوب یودیلر اغواسیله فلسطین کافرلری
دفعه ایلد و افر عسکر چکوب کوب شمسون از عسکرله انلری صیدر و ب طاعنوب عاقبت شهید ایدیلر دیوب
یوقار و ده حکایت اولندی یی اوزره تفصیل اولمشدر (فصل حادی عشرین در احوال عالی السکاهن)
هارون یغمیر نسندن صالح و مفلح کسنه ایدی قرق ییل حکومت ایدوب وفات ایدی اشمویل یغمیر
کوچک ایکن یوزیت ایدوب یونک آخر عمرنده یونک یاننده یاوور کن یغمیر اولوب تاریخ میرخوانده یونک
قصه یی تفصیل اولمشدر یر بعض تواریخده شمسون یرینه عالی امام پادشاه اولدیکه یغمیر ایدی دیومذ کورد
(فصل ثانی و عشرین در احوال اشمویل بنی علیه السلام) بنی اسرائیل اراستده اون بر ییل نبوتله حکومت
ایدوب وفات ایدی تفصیل حالری باب انبیا ده یکم شد یر بعض معتبرانده یونک نصکره شمسون صدیق خلیفه
اولدی دینوب لکن اکثر معتبرانده شمسون عزیز یر یغمیر نصکره خلیفه اولشدر دینوب اشاعیده کلور

(باب ناسع در احوال ملول بنی اسرائیل)

اشموطائفه نک اکثری احوالنه مسجع و مقفی بر تاریخ عربی مختصر دن غیری یرده یو عید حقیر ظفر یولماغین
اکثرینک احوالی اجالی واقع اولدی (فصل اول در احوال طالوت بن قیس) بنیامین بن یعقوب علیه السلام
نسندن سابقا بر راعی بادباغ یاسقا یا مکاری اولوب اکن عالم و کامل و دانا و بلند و ارچند و توانا ایدی
بنی اسرائیلی عمالقه پادشاهی جالوت داتما غزا ایلد بر آزار و جانلرندن ییز ایدوب وفات حضرت موسادن
در تیور طقسان اوچ یادر تیور سکسان ییل صکره بنی اسرائیلک پادشاهلری اولماغین اشمویل یغمیر بره قرآندہ
ذکر اولندی اوزره (ابعث لسانک کانتال فی سبیل الله) دیدکارنده امراله ایلد طالوتی پادشاه دیکوب اشمویل
و طالوت جالوتله چنکه واروب حضرت داود تازه یکت ایکن جالوتی قتل ایدیکه باب اشمویل علیه السلامده
تفصیل اولمشدر یر طالوت داود جالوتی قتل ایدر سک قیزی و سلطنتک نصفی سکا و یریم دیوب حصول مرادده
قیزی و یروب اکن سلطنتی و یرمیوب بنی اسرائیل داود غایت محبت ایتد کین طالوت زوال سلطنتدن
قورقوب بر قاج کره داودی قتل و واروب چاره یولمیوب عاقبت داود شهر دن کیدوب طالوت نیچه یوز علمایی
داود سنده در دیو ازمنه متفرقه ده بر بر قتل ایدوب آخر کار صدقه توبه و استغفار ایدوب داودی یولمغین
اون برنفر یرار اوغلر ییل ترک سلطنت و دار و دیار ایدوب تحصیل مغفرت پرورد کار ایچون لیل و نهار کفسار ایلد
غزایه چالشوب احوال اوزره جمله سی شهید اولدیلر سلطنتی ایکی ییل یا قرق ییل ایدی یر نیچه معتبرانده طالوتک

مجموع قصه سی غایتده تفصیل اولوب حالانکه کمال اجمالی درو العارف تکفیه الاشاره
 (فصل ثانی در احوال ایش بوش) یا خود ایش بوش بن طالوت پدری وفاتنده اسباط بنی اسرائیل اون
 بر فرقه سی بونی یهودا بن یعقوب علیه السلام سبطی اولان بر فرقه کند و له حضرت داودی پادشاه ایدوب
 اوچ ییلد نصکره اتفاق جمیع اسباطله ایش بوش رفع اونوب حضرت داود جمع بنی اسرائیل نبوت و رسالتله
 پادشاه و تعیین حضرت اله جل علاه ایلد خلیفه الله اولدی (فصل ثالث در احوال حضرت داود نبی علیه
 السلام) عمر شریفی یوزیا شش یا یوز یکری سلطنت و خلافتی شش یا قرق ییل اولوب تفصیل احوال لاری باب
 انبیاده بکشدور (فصل رابع در احوال سلیمان بن داود علیه السلام) پدری حیاتهنده اون سکن نقر برادری
 وارا یکن امر حقله سلطنت بو کامعین و میسر بده انس و جن و سایر مخلوقات بو کامسخر اولمشدی * تفصیل
 احوال لاری باب انبیاده بکشدور عمر شریفی همان الی اوچ سلطنتی قرق ییل ایدی (فصل خامس در احوال
 رجیم یا خود رجیم یا خود رجوعام) معتبراته مذکور در که وفات حضرت سلیمان بنی اسرائیلدن
 سبط یهودا و سبط بنیامینه پادشاه اون سبطه دخی سلیمانک بر کافر قرلی تغلبله پادشاه اولوب ایکوز التمش
 بر ییل اولاد سلیمان علی التوالی قدسده خلیفه و والی عالی اولوب ملوک اسباط شامده پادشاهلی ایدوب
 یوارانده نیجه فترت در و مختلطه و ورا ایدوب سلیمان یغمه بر نسلدن حزقیان بن اخز پادشاه اولدقه جمله
 اسباطه حاکم اولوب قنده و فساد دفع اولدی رجیمک سلطنتی اون ییدی ییل اولوب او توز سکن نقر اوغلی وارا ایدی
 بعض تواریخده رجیم یغمه ایدی دیو و هیدن مرویدو * بعض تواریخده مذکور در که رجوعام بن سلیمان
 بنی علیه السلام یغمه ایدی یونک معاصر نندن اوچ یغمه وارا ایدیکه بر یونک اجمعی احیایر یونک شععیایر یونک
 عدوا ایدی سلیمان یغمه وفات ایدکده اسباط بنی اسرائیلدن ایک سبطه پادشاه اولوب اون سبطه سلیمان
 یغمه ک قوللر نندن رجوعام آدلو کسینه پادشاه اولوب بتره طایوب کافر اولوب مسلمانلری قدس شریف زیارتنه
 گتمکدن منع ایدوب التوندن یا بلش ایک صحنه طایدر ووب یکری ایک ییل پادشاه اولوب وفات ایدکده
 اوغلی بعده واحد ایدو واحد اوغلی اوغللری ایکوز التمش بر ییلدک اون ییدی کسینه پادشاه اولدی بیلدور تفصیل
 اولمشدر (فصل سادس در بیان افسیایا یا افسیایا بن رجیم یا خود افسای بن رجوعام) سلطنتی اوچ
 ییل ایدی (فصل سابع در احوال اسایان بن رجیم یا خود اسای بن افسای) عادل و عاقل اولوب سلطنتی
 قرق بر ییل یا یکری ییل ایدی به ضلوت کجیون یغمه ایدی دیوب تفصیل احوالی باب انبیاه مشبهه الاحوالده
 بکشدور نظر اوانه * بعض تواریخده مذکور در که سبط یهودا و سبط بنیامینه پادشاه اولوب جدی سلیمان
 و داوده تقاید ایدوب یواکی سبطدن کافر اولملرک بتلرین قیروب حتی والده سین دخی بت پرست اولغین قتل
 ایدوب کافر کفار دن زرخ آدلو پادشاهی اغوا ایدوب کتور ووب اسای یغمه خدایه مناجات ایدوب نمازده
 سجدهده او یوبوب ای اساعم چکمه دشمنک دفعی نرم عهده مزده در دیو و حی اولغین فرحناک اولوب بعده زرخ
 بوکا ایلجی کوندر ووب نامه سنده یا تابع اول باوقته حاضر اول دیو تهدید یا تشکیکن تکرار مناجات ایدوب
 مسلمانله جنسکه وارد دیو یور ووب بنی اسرائیل خوف ایدوب اساهمان اون عدد کسینه ایلد و اروب زرخ
 ملعونک عسکری یونله اولترا تدفینده هراوق دونوب صاحب قتل ایدوب زرخ آزادمله قاچوب کی به
 یوب اسای بدعا یمکن جمله سی غرق اولوب همان بریسی کوب خبر ویردی (فصل ثامن در احوال یوشافاط
 ابن اسای) سلطنتی یکری بش ییل اولوب (ع) قدری سامی خلقی حامی حاکم عادل ایدی (فصل ناسع در بیان
 یوزام بن یوشافاط) سلطنتی سکن ییل ایدی (فصل عاشر در احوال اخز یا هو بن یوزام) ایک یا بر ییل
 سلطنت نصکره وفات ایدکده بنی اسرائیلده فترت اولوب علیه پادشاه اولدی (فصل حادی عشر در احوال
 عنلیاهو) سلیمان یغمه جاریه نندن بر حصاره و مکاره اولوب انواع ظلمه مائله و مقتونه بر ملعونه ایدی داود
 و سلیمان علیه السلام نسلارین عالمدن کسکه چالشوب انلردن نیجه کسینه قتل یمکن ایچلر نندن یواش
 نام اوغلا شفی خلق صقلا یوب صکره پادشاه ایدیلر * عنلیانک سلطنتی ییدی ییل اولوب بعض کتب عبارت نندن
 عنلیانک اولتی یا خود سلطنتنده وفات ایدکده هم اولنور * بعض تواریخده اخز یا هو وفاتنده والده سی عایلیا
 نسل حضرت داوددن نیجه شهمزاده لری قتل ایدوب شهمزاده لردن یواش بن اخز یا هو یی مسلمانلر صقلا یوب

عایلیانک سلطنتندن الی ییل بکد کده یواشی پادشاه ایدیلر عایلیانک قلمره صاروب پاره پاره ایدیلر
 دیومذ کوردور (فصل ثانی عشر در احوال یواش بن اخز) یوسلیان یغمه بر نسلدن اولوب ییدی یا شنده
 تخته بکوردیلر حاکم عادل عاقل کامل اولوب اعانت مظلومین و اغانت ملهوفین و اقامت حد و شرع مبین
 ایدردی سلطنتندن یکری اوچ ییل صکره قدس شریفی مجددا تع میر و بنای ایدوب عالم پر عبده بعض اثرلر
 قویوب سلطنتی قرق ییل اولدقه آخر ته سفرا ایدی * بعض تواریخده عایلیانک نام خاتون اندن قاچورد قلمری
 یواش بن اخز یا هو تخته بکوردوب شریعت موسی و عادت داود علیه السلامی اجرا و بنای بیت المقدسک
 خرابلرین تعمیر ایدوب قرق ییل پادشاه اولوب کندو قوللر نندن بری بونی شهید ایدی دیومذ کوردور
 (فصل ثالث عشر در بیان امصیا هو بن یواش) یکری طقوز ییل سلطنت سوروب بعده اعداسی بونی قتل
 ایدیلر بعض تواریخده امصیا بن یواش پدری بر بنه پادشاه اولوب یکری بر ییل عدالت ایدوب وفات ایدی
 دیومذ کوردور (فصل رابع عشر در احوال عزریاهو) عمری اوزون و تعمی حددن افزون ایدی مرض
 برص عارض اولغین سلطنتنه ضعف کوب اوغلی یونم جبر ابونک بر بنه بکدی سلطنتی الی ایک ییل ایدی *
 بعض تواریخده عزریان امصیا پدری بر بنه بکوب الی بر ییل سلطنت سوروب زماننده خلق عدالت و امن
 و امانله راحتده ایدی بعده وفات ایدی دیومذ کوردور (فصل خامس عشر در بیان یونم) یا خود یونام
 ابن عزریاهو یونس یغمه یونک زماننده موصول قومنه مرسل او اشدی سلطنتی اون الی ییل ایدی بعض
 تواریخده پدری بر بنه پادشاه اولدقه داود یغمه کسین اجرا ایدوب اون الی ییلد نصکره وفات ایدوب بر بنه
 اوغلی ارخاد بکدی دیومذ کوردور (فصل سادس عشر در بیان اخز بن یونم) بودخی اون الی ییل سلطنت
 سوردی بهض تواریخده ارخاد بن یونام پدری وفاتنده بر بنه بکوب یوقار و دهده کرا اولنان بروعام اولادنه
 تبعیت ایلد کافر اولوب اون الی ییل کفرله سلطنت سوروب هلاک اولدی دیومذ کوردور (فصل سابع عشر
 در احوال حزقیان بن اخز) یا خود ابن ارخاد منصور و مظهر مقبول و موقر و الخ رویدندار مدبر و کامکار ایدی *
 جلوسنک التخی ییلد ملوک اسباط منقرض و منعدم و بنای دولتری منهدم اولغین متفرق اولان بنی اسرائیل
 حاکم اولوب خاص و عام امر نه رام اولد قلزنده واصل هر مرام اولدی * اهل شوکت و نصرت اولغین اطرافنده کی
 ملوک بوکا مطیع اولوب کیی خراج کیی هدیه کوندر لر در یی * تاریخ ابن کهنه ده مذکور در که زماننده کی
 شعیا یغمه بر سنک عمرک آخر او اشدی لکن الله تعالی سکا اون بش ییل دخی باغشلیوب برخاتون نکاح خلق
 یوردی دیو خبر ویردی دینوب * تاریخ قدسده بابل و موصل ولایتلرینک پادشاهی سنجاریب التیوزینک
 عدالی بر اقلوعسکرله قدسه کوب حزقیانی جنکده طوبوب بعده آزاد ایدی دینوب * تاریخ میر خواننده
 یواکی قصه عن قریب کله جک صدقه به واقع اولدی دینوب تفصیل اولمشدر * حزقیانک سلطنتی یکری
 طقوز ییل اولوب حضرت موسی وفاتسک سکن یوز التمشینی ییلدده وفات ایدی * بعض تواریخده حزقیان
 ارخاد پدری وفاتنده تخته بکوب مسلم و دیندار اولغین بتلری و بتپرستلری یوغ ایدوب میخو و آدلو کسینه یونک
 اوزرینه خروج ایدوب یوزا اولدنک اکثر عقار لرین و چقتلکارین غضب ایدوب حزقیانک اوزرینه عسکر
 کوندر ووب جناب * قدن بر صحنه عظیمه ایلد یوز سکیان کافر هلاک اولوب سائر لری ولایتلرینه قاچوب بعده
 حزقیانکسته اولوب شعیا یغمه بر حرمته شفا بولوب اون بش ییل دخی یشا یوب جمله مدت سلطنتی یکری
 بر ییلد دیومذ کوردور (فصل ثامن عشر در احوال منشیام بن حزقیان) اوائل سلطنتنده تکبر و تشبیر
 اوزره حاکم ظالم اولوب بعده تائب و آیب و رضا حتی طالع و راغب اولدی - سلطنتی الی بش ییلد * بعض
 تواریخده مذکور در که پدری وفاتنده اون ایک یا شنده عاقل و ذکی اوغین تخته بکوردوب ابتدا حسن سلوک
 ایدوب بعده کافر اولوب پدری یقه یی بتخانه لری یا یوب کندیوبه بر مخصوص صحنی بیت المقدس شریفه
 قویوب وافر مسلمان قتل ایدوب جبرایله مسلمانلری کافر ایدوب یکری ایک ییلد نصکره جزیره پادشاهی بونی
 طوبوب اسیر ایدوب دمورقه سه قویوب التنه آتش یا قوب قفس قیزدقهده میثا صحنلری چاغروب بالواروب
 چاره اولدقهده سلیمان و داودک تکررین دخی چاغرام دیوب جناب حقه تضرع و مناجات ایدکده حق تعالی
 آتشی بوکارد و سلام ایدوب خلاص یمکن سلطنتنه کاد کده ایمان و تقویه و صلاح حالله او توز ییل دخی پادشاه

اولوب وفات ایتدی (فصل ناسع عشر در بیان امون بن منشا) سلطنتی ایکی ییل ایدی بعض تواریخنده مذکوردر که امون بن میشاپدری برینه کجده کده کافر و فاسق اولوب خلقه دخی انلری تکلیف و جبرایدوب ایکی ییلد نصره تخت اوزرنده ایکن پدیرنک قوللری بونی پاره لیوب قتل ایتدیلار اون ییلده دلا اول غلاملار اسنده قترت ویری برلرله جنگ اوزاندی (فصل عشرین در احوال یوشیا بن امون) یاخود ابن میشاپدری یا برادری برینه کجده کده بناه قدسی تجدید و نشیمن ایتدی اهل طاعت و عبادت اولوب سلطنتی او تو زبر ییلدر * بعض تواریخنده مذکوردر که یوشیا هوئی بن امون تخت کجوب مملکتلرین قنده دن بالایدوب ایمان و صلاح و عدالتله بیت المقدسی تعمیر ایتدی زماننده اولان خوالد یغمبر علیه السلام دن نرم حالمز فیه اولوردی و یوروب اودخی بنی اسرائیل کافر و فاسق اولدقار یچون یوللرنده چوق بلا واردر لکن سنک کبی عابد فاضل زمانی سلامتله کجدر عیکن کلساری ییغوب بتلری یا قوب سبب قنده وضلات اوللری قتل ایدوب او تو زبر ییل کامرانلق ایلد پادشاه اولوب بعده موصل پادشاهی ائنده قتل و شهید اولدی (فصل حادی و عشرین در احوال یو یاقیم) یاخود یو یاقیم ویر ابن یوشیا جلوسدن بر قاج آی صکره مصر پادشاهی فرعون اعرج کلوب بونی طوب خور و حقیر و مقهور ویر و اسیر مصره ایلنوب ائنده وفات ایتدی * بعض تواریخنده مذکوردر که یو یاقیم یوشیا هوئی پدیری برینه کجده کده موصل پادشاهنک خوفندن کافر اولوب اکن فائده ایتمک طوب حبس اولنوب انک حبسنده وفات ایتدی (فصل ثانی و عشرین در احوال یو یاقیم بن یوشیا) برادری اسیر اولدقده برینه کجدی سکر نچی ییلده ولایت بابل یکی یغمبر مجوسی ایکن بنی اسرائیل امور دین و آیینی تغییر و تبدیل ایتدیلر دیوشام و قدسه عسکر عظیم ایلد کلوب بنی اسرائیلده جنکه قدرت قالمایم یو یاقیم ا کا طاعت ایدوب اودخی بونلری ایتمک یوب دونوب کندی بعد زمان یو یاقیم یغمبر مصره عصیان ایتمکین عسکر کوندروب بونی طو تدر ویر یولده خوفندن وفات ایتدی سلطنتی اون بر ییل ایدی * بعض تواریخنده ای یاقیم بن یوشا هوئی برادری حبس اولدقده تخت کجوب فسق و کفرده آندن زیاده ایدی بونک زماننده یغمبر بنی اسرائیلده سلط اولوب ای یاقیم اوج ییلده دلا کا مطیع اولوب بعده عاصی اولغین ای یاقیم واکثر بنی اسرائیل یغمبر نصراننده هلاک اولدیلر زماننده اولان ارمیا یغمبر اوریا هوئی یغمبر بونلره نصیحت ایدوب اکن مفید اولما مشدی جله مدت سلطنتی اون بر ییل ایدی (فصل ثالث و عشرین در احوال یحیی بن یو یاقیم) پدیری حبسه یغمبره کجده کده بونی برینه کجور ویر غلام یوز کون کجده کده یغمبر بنی اسرائیل علماسدن نیجه کسینه ایلد بونی دخی طو تدر ویر کتوردوب بعض کسینه لاله حبس اولنوب زندانده وفات ایتدی * حضرت دانیال و حضرت حزقیل علیهما السلام دخی امیرلده ییلد ایدیلر * بعض تواریخنده ای یو یاقیم بن یو یاقیم پدیری برینه کجوب آنک کبی فاسق و کافر ایدی سکر ییلد نصره یغمبر خورج ایدوب یغمبر دخی قدسه کلوب بونی محاصره ایدوب عظیم جنگلر دیکر بونی واکثر اولادانی یاسی اسیر ایدوب قدس شر یفده اولان جمیع خزان و دقایق یغمبر ایوب الوب بونک برینه صدقیایی کوردی دیومذ کوردی (فصل رابع و عشرین در احوال صدقیای بن یوشیا) برادرزاده سی برینه کجوب اون ییلدن زیاده جبه پادشاه اولدی * بعض معتبرانده مصلد که صدقیای آخر ملوک بنی اسرائیلدر ملوک محمدن اولان اهراسب طرفندن یغمبر وفات حضرت موسادن طقوز یوز الی ایکی یا طقوز یوز یشت طقوز ییلد نصره ولایت بابل یکی اولدی ییلده موصلده یونس یغمبر قومنه سفر ایدوب جله سین قیروپ شهری ضبط ایدوب دردخی ییلده ولایت شامه کلوب بنی اسرائیل عاجز و ذلیل اولغین پادشاهلرله کامطیع اولغین یغمبر دونوب کیدوب بکر منی ییلده صدقیای یغمبره عصیان ایتمکین اولغین بنی دین التیوز ییک نفرالی بیر اقلو عسکرله کلوب قدسی ایکی ییجی ییل محاصره بعده جبرایله فتح ایتدکده بنی اسرائیل نیجه سین قتل ایدوب نیجه سین خراج کسوب مزبور صدقیایی و بعد زمان انبیا دن اولان عزیر و دانیالی حضرت داود نسلندن ییدی ییک اشرفله ییلد بنی اسرائیلدن التیوز ییک آدم اسیر و نورا و قیاسلاردن قرق ییک آدم قتل ایدوب بنی اسرائیل بعضی مصره قاجوب یغمبر بونلری فرعون اعرجدن ایستوب اودخی التجا ایدلری اله ویرمک رواد کدر دیو عذر ایتدکده یغمبر انجنوب مصره واروب جله خلقین قیروپ مصری بالکیه ویران بعده مغربه واروب اتی دخی الان تالان و خلقن تالان ایدوب وندی یغمبر

عاقبت حالی و کیفیت احوالی و وفاتی دانیال یغمبر باندکده کجدر * بعض تواریخنده مذکوردر که یغمبر قدسه کلوب ایو یاقیم اسیر ایتدکده میشا بن یوشیا هوئی آنک برینه کجور ویر اسنی صدقیای قدسی برادرزاده سی بونله کیدوب یغمبره عاصی اولوب طقوز ییلد نصره یغمبر نکر اقدسه کلوب محاصره ایدوب صدقیای عاجز قالدقده برکیجه قاجوب لکن اردنجه عسکر کیدوب شهر باندکده طو تلوب کتوردکده یغمبر بونک اوغللری قتل ایدوب بونک کوزلری کور ایدوب بغداده کوندروب یغمبر لک پیروز زاد اولو یکی کلوب قدس شر بنی خراب ایدوب آتیه یا قوب شهرده اولان خلقن اشرفن یغمبره کتوردوب جله سین قتل ایتدیلر * بعده یو دا بن یعقوب علیه السلام سلطنتی وطن و مسکنلریندن اخراج ایدوب کدای بن احتقای ابن سافانی قدسه حکم ایدوب بدی آید نصره شجاعیل آدلو کسینه بعض عسکرله کلوب کدای او نفر آدمه قتل ایدوب باقی قلان بنی اسرائیل قدس دن کجوب مصره کیدوب بنی اسرائیل ذات و نفعی و زوال سلطنتلری ظهور ایدوب ذوالکفل یغمبر و برمیای یغمبر بونلر زمانلرنده ایدی (فائده) هر ویدر که قدس شر یف در تیوز الی اوج ییل معمور ایکن قترت یغمبر نصره کجدر یشت ییل خراب طور ویر بعده ملوک محمدن بری تعمیر ایدوب بعده بنی اسرائیلده ملوک محمدن در تیوز او تو زبر ییلد نصره کجدر ملوک یونان حکم ایدوب او یچوز ییلد نصره ملوک اشکانیاندن جودرز حضرت یحیی قانی یچون بنی اسرائیلی قتل عام ایدوب قورتلانلر کتدکجه قلیل و ذلیل اولغین دین محمدی ظهور ییلد نصره دلا ملوک یغمبر خراج ویرلردی (روایت) اکثر معتبرانده صدقیای کراولنوب آنک بدله سلیمان یغمبر نسلندن صدقیای بن عزریایا لوب بابل یکی سنجاریله اولان قصه عظیمه سی و سائر احوالی شعبا یغمبر باندکده کجدر نظر اوانه (فصل خامس و عشرین در احوال ناسیه بن اموص) اکثر معتبرانده صدقیای وفاته سلطنت ایچون بنی اسرائیل اراسته جدال و قتال اولوب بعده ناسیه پادشاه اولدی دینوب یغمبر نصره قدسه سی بونک زماننده ظهور ایتدی دیو طویل اولمشدر سکیم یو قاروده ارمیا یغمبر باندکده تفصیل اولمشدر و الله اعلم بما اخفی و اعلم

(باب عاشر در احوال ملوک یونان و بطاشه)

اشبو طائفه عیص بن اسحاق بن ابراهیم بنی علیه السلام یاخود یونان بن یافث بن نوح بنی علیه السلام نسلاندن در دیشلر (فصل اول در احوال فیلیس بن مصریم بن هر مس بن میطون بن روی ایطن بن یونان بن یافث بن نوحه بن شرخوب بن روسیه بن نوطن بن نوطن بن روی بن الاصف بن الغزن عیص بن اسحاق بن ابراهیم علیه السلام) تاریخ ابن کثیر ده ملوک یونان متفرق بکر اولوب ایچلرنده همان قوت و شوکتله شهرت یولان فیلیسدر غیرلری کمال استقلال بولدمشدر در دینوب * فواج مسکیه ده اول ملوک یونان فیلیسدر دینوب اکثر کتبد بوکا فیلقوس دیدکری غالب فیلیسدن تعرب طریقه اولمقد * یغمبر کاهی روم ایلنده حالاصول قول دیدکری ولایتلرده قصبه سیروزه قریب ما کدون شهری ایدیکه حالا خراب اولوب لکن عظیم بنالری نیک اثرلری باقیدر * ملوک کیا اندن دارای اکبر بن یهم بن ملوک عالمی کندیوه مسخر ایتدکده فیلقوس اکامر فروا تمکین دارا عسکرله کلوب جنکده فیلقوس صیغوب بقیه السیوفله بر حصن حصین و رصینه کیروب عاقبت دارا ایلد مدارا ایچون صلح مشوب قزنی دارا یه ویر ویر ییل قرق ییک فلوری خراج ویرمکه عهد ایتمکین هر ییل کوندوردی * میرخوانده مذکوردر که روم و یونان پادشاهی فیلقوس قزنی دارای اکبر الوب شهرنه ایلدکده بعد الاجتماع اغزی قو قار اولغین حلی و ارا یکن پدیرنه کوندروب یولده اسکندر طوغوب دختر فیلقوس پدیرنه رد اولد یغمبر غضب و عار و ناموس چکدین اسکندری ریحرا ده براغوب بر خاقون بولوب الوب بسلیوب بیود کده برطر یقله والده سی بونی کور ویر ییلوب فیلقوسه دیدکده آلوب بسلیوب اوغلی اولما یغمبر بعد زمان اسکندری برینه کجور ویر کندیو سلطنتدن فارغ اولدی * بعض معتبرانده مصلد که اسکندر فیلقوس صلی اوغلیدر سلطنتنک ییغی ییلد اسکندرله نیجه عسکر بنی بعض عدوسیه جنکه کوندروب کندیو مقرر بلرندن ارقلوس بونک خاقونیه عاشق اولوب وصالنه چاره بولمقد قده برطر یقله عسکر جمع ایدوب فیلقوسه صواشوب مجروح و طمراینه قاجوب کندیو دخی در عقب واروب معشوقه سین طوقی صدقنده اسکندر سفردن کلوب عدوی خبیانخوی خیانتجوی بی مهمل و مطل قتل ایدوب فیلقوس خلق جمع

ایدوب اسکندری تخته کجور و ب کندی وفات ایتدی (فصل ثانی در احوال اسکندر بن فیلیس) یا خود
 فیلتوس بر روایتده فیلقوس اسکندری اوغلی ایدوکی بر قاج سطر مقدم یکم شد رنجیه عظاماء علماء سلف قرآنده
 مذکور اولان ذوالقرنین بودردیوب لکن قول صحیح اوزره بوروی و کافر اوینی یونانی و پیغمبر باولی الله اولوب
 ایکسک ما یسنده دخی نیجه ییل یکدی یکی مقرر و یوفار و ده باب انبیاء مشبهه الاحوالده مصلحه محرردر پس
 معلوم اوله که یوکا اسکندر و وی و ذوالقرنین اصغر دخی دیرلر عالم و عاقل و عادل و سخی و متبع و مدبر اولوب
 مر ویدر که دارای اکبرک سلطنتندن اون اوج ییل یکدکده اسکندر طوغوب ییود کده پدری فیلقوس بونی
 روم ایلنده سالانه دیدکاری اتناس شهرنده ساکن اوسطا طالس حکیمه شاکرد لکه و یروب انده بش ییل
 طور و ب علوم یکجاده کامل اولوب بعده فیلقوس خسته اولد کده کتوردوب وفات ایتد کده تخته یکدی
 (اجال جمیع احوال اسکندر) تفصیل کیده محرردر که پدری وفاتده ولایت یونان بکلمین مسخر و مملکتلرین
 ضبط و کند و ممالکده ضم و ربط ایتد کده مجرد صاحب قرانلق ایچون فتح ممالک عالمه عزم ایتمکین بحر اخضره
 یعنی محیطه وارنجیه ملوک عرب و غیره کسر و قهر ایدوب دوند کده مصره واروب شهر اسکندریه یی با یوب
 بعده بنی اسرائیل غزای ایدوب آندن ارمینیه ایل باب الابواب طرفه کیدوب ممالک عراقده کی ملوک و حکام
 و جمیع طوائف قبط و بربر و کاتب و مسخر اولوب بعده عجم پادشاهی دارا ایل محکم و واشوب انی کند و آدم لری
 قتل ایتد کده اسکندر ممالک عجمی دخی ضبط ایدوب بعده هندستانه واروب اکثر یلر فی فتح ایدوب انده نیجه
 عالی شهرلر با یوب بعده ولایت چین و اقصادی ممالک روی زمین و واروب طوائف و امم عالم ایل نیجه جنک لری ایدوب
 ممالک فتح ایتد کده خراسانه کوب بر قاج اطیف شهرلر با یوب دیار عراقده دوند کده شهر زورده خسته اولوب
 وفات ایتدی بعضی بابل شهرنه کلد کده بورنی قنایوب دیکم یوب آندن دوشر کن ایندر دکر ندی بعضی و صبتلر
 ایدوب وفات ایتدی (تفصیل) بعضی معتبر انده مفسر لکه اسکندر پدری بر نه یکدکده حسن تدبیر ایل
 ملوک متفرقه دیار روم و یونانی تسخیر ایدوب مغرب ولایت کیدوب جمیع ممالک غربی فتح و ضبط ایدوب
 بعده مصره واروب سلطنتلر دخی ییلنده اسکندریه شهرنده دیار کازنده مناره عدیل بر میل طویل با یوب
 اوزرینه طبله ایینه جهنم قویوب بعده شامه آندن ارمینیه ممتنه واروب عجم شاهی دارا ایل نیجه
 ممالک تندرکده محکم صواب صیوب قاجروب والدیه سین و اولاد و عیالان اسیر ایدوب اردنجه کیدوب
 دارا یه هند پادشاهندن معاونه عسکر کلکین تکرار صواب اولد دارا یی کند و آدم لری قتل ایتد کده
 اسکندر عجم شاهلغین دارانک برادرینه و یروب دین مجوسی رفع ایدوب نهر جیحون قر بندیه مر و دیدکاری
 مر جالوس شهرین بعضی قولنجیه هرات و ممر قندی دخی با یوب بعده هندستانه واروب هند پادشاهی فوزک
 بعد فیلاری و بریجی جانور لری اولغین اسکندر دموردن و باقر دن یکر می درت ییل عرد مجوق عظیم جانور لری
 با یوب ایچلری اودون و کبریت و باروتله طولدر و آبائی جنکده ایچلرینه آتش قویوب طوشد کده فیلار
 اوزکوب هندلر اکثری چکنیوب نیجه دخی رومیلر قیروب فوز قاجوب قلعه یه کیروب بعده عظیم
 عسکر جمع ایدوب یکر می کونه دل اسکندر ایل محکم صواب آخر اسکندرانی میدان او قیوب فوز کند و
 جسامت و شمشیر غرور اولوب عسکر یه نظر ایدیم دیر کن اسکندر فرصت بولوب قیلله چالوب قتل ایتدی
 بعده عسکر هنده امثال ایدوب غنیمت فراوانله اقصادی ممالک هندستان پادشاهی کیده هندی اوزرینه
 کیدوب اودخی اوچیز یاشنده بر اولغین مرفه و ایدوب غایت حسن اولان قرنی و بر حاذق طبیعتی و علم
 حکمت و فراستله ضما و واقف بر حکیم کامانی و جله عسکری صواب و بوشانز بر قدح بر حکمتی نیجه تحف
 طرف ایل کوند مکن اسکندر کا و ارمیوب ولایت چین بعده سائر ممالک شرقه واروب هر برنده عظیم
 جنک لری ایدوب جله ملوک کند و یه رام ایتمکله نائل مر ام اولوب ترکستانه شهرلر با یوب ولایت مغربه
 کندی بعد از تسخیر ممالک جهان بر مقتضای محبت اوطان عزم دیار یونان ایدر کن یولده شهر زورده بورنی
 قنایوب مزاجنه غایت ضعف کلوب حتی آندن دوشمکین یول اوزرینه آتله دموردن جبهه لرد و شوب
 بره قدر اوچیز و وارد کده کوشش ایتمکین کواکملک اولغین اوزرینه قنایوب طوطه قارنده کوزن آجوب
 باقد کده ایچکامه خیمه لری و وفاتک دموردن بر او سنده اغاجدن کولک ایتده اوله جقدردیدکاری بواجب

دوب وافر و صیتلر ایدوب وفات ایتدی * تاریخ حکاده اشقر یعنی صاروشین و برکوزی سیاه برکوزی کولک
 ایدی * اون طقوز یاشنده تخته کجوب اون ییدی ییل پادشاه اولوب طقوز ییلنده فتح ممالک و محارباته چالشوب
 سکنز ییلنی فراغ باله کجور و ب یکر می ایکی عظیم مملکتده مسلط و مستولی و کند و اقرباستدن اون اوج پادشاهه
 غالب و حاکم و والی اولوب سطر و حضرده انلر بولاملازم ایدیلر اکثر رجب مسکونی اوچیز یکر می ییل عسکرله
 همان ایکی ییلده کشت و کذا و عجائب و غرائب دنیای مشاهده و اصارا یخشدی * نیجه معتبر انده زمان
 سلطنتده اون ایکی شهر با یوب هر بر ییلک استی اسکندریه قویوب شهر زورده وفات ایتد کده التوتندن تابونه
 قونوب والدیه سی اسکندریه شهرنده حیاته اولغین آنده ایلد یوب دفن اولندی * جله مدت عمری بالانفاق اوتوز
 الی سلطنتی اون طقوز یا اون اوج یا اون ایکی ییل اولوب حضرت عیسان اوچیز التوش اوج ییل مقدم ایدی
 تفسیر ابوالسعودده روم ایلنده قصبه سیروز قرینده ویران اولوب آثار ابنیه عظیمه سی حالا باقیه اولان
 مقدونیه شهر ییونک تخته کاهی ایدی دیومذ کورد (فصل ثالث در احوال شسوس بن لاغوش المنطقی)
 اول ملوک بطالس بودر زیرا یوکا و بعده کلان اون درت نهر پادشاهلر هر بر نه اسان یونانجه بطلمیوس
 دیرلری معنایی شیر غزاد یکدر * اسکندر وفاتده یونان و مصر و شام و عین و عراق و مغربه ممالک اولوب اهل
 حکمت و تدبیر عاقل و کامل امیر دلیر دایم بر ایدی * نظام التوار یخده اسکندر وفاتده سلطنتی اوغلی طوسه
 تسکیف اولوب ارسطو حکیم یاتده علوم حکیمه تحصیلنه مشغول اولغین قبول ایتد کده شسوسی
 تخته کجور دیرلر دینوب * تاریخ کاماده اسکندر وفاتده اوغلی اسکندروسه سلطنت تسکیف اولد کده
 ایستیموب عبادت اختیار ایتمکین بطلمیوس مرعوس پادشاه اولوب اوتوز سکنز ییل سلطنت سوردی دینوب
 سائر کتیده شسوسک سلطنتی یکر می ییل یا قرق ییل ایدی دینشدر (فصل رابع در احوال فیلقوس)
 معنایی برادرین سوچی دیکدر * بخت نصر زمانه نبر و حبس اولان بنی اسرائیلدن اوتوز ییلک اسیر بولغین
 جله سین آزاد ایدوب قدسده کی علماء بنی اسرائیل هدیه ل کوندروب توراتی عبرانیدن یونانی به ترجمه ایتد کده
 ایچون علماء ایستیمکین انلر دخی اون ایکی سبطدن التیشیر عالم کامل کوندروب کلد کزنده انفاقله ترجمه ایدوب
 تورات تسکینه لری ییلک احتی بودر غیر لری یهودیلر تغیر و تحریف ایتدیلر دیشلر سلطنتی اوتوز * ییلدر
 (فصل خامس در بیان اورا خطیس) سلطنتی یکر می بش ییلدر سائر احوالی معلوم اولدی (فصل
 سابع در بیان فیلقوس) معنایی بابانی سوچی دیکدر سلطنتی اون ییدی یا یکر می ییلدر (فصل
 سابع در بیان افنیقوس) سلطنتی یکر می درت ییلدر (فصل ثامن در بیان فیلقوس) معنایی
 والدیه سی سوچی دیکدر سلطنتی اوتوز بش ییلدر (فصل ناسع در بیان اورا خطیس الثانی) سلطنتی
 یکر می طقوز ییلدر (فصل عاشر در بیان سوطرا) سلطنتی اون الی ییلدر (فصل حادی عشر در بیان
 شیدریطس) اهل هوا کسنه ایدی سلطنتی طقوز ییلدر (فصل ثانی عشر در بیان اسکندروس) سلطنتی
 اوج ییلدر (فصل ثالث عشر در بیان فیلقوس الثانی) سلطنتی سکنز ییلدر (فصل رابع عشر
 در بیان دینوسیموس) سلطنتی یکر می طقوز ییلدر * بعضی معتبر انده یونک بدلینه بطلمیوس الثانی یا راشدر
 (فصل خامس عشر در احوال فالوبطرا) بعضی کتیده رجالدن اوقا کلا نوب لکن معتبر انده عورت اولوب
 روم پادشاهی اغسطوس یونانلرله جنکده غایب اولد کده فالوبطرا کند و یی قتل ایدوب سلطنتی یکر می ایکی
 یا اون ییدی ییلدر آخر ملوک یونان بودر دیومذ کورد (روایت) تاریخ کاملده اسکندر وفاتده اوغلی
 اسکندروس سلطنت ایستد کده ممالک یونانه مرعوس اوتوز سکنز ییل بعده دمیانیوس قرق ییل بعده
 اوداعاطس یکر می درت ییل بعده فیلاطرا یکر می بر ییل بعده افساس یکر می ایکی ییل بعده اوداعاطس الثانی
 یکر می ییل بعده طراون ییدی ییل بعده اخشدر اون بر ییل بعده اخنعی سکنز ییل بعده طائنه نسادن
 لکن حکم کادن فالوبطرا اون ییدی ییل پادشاه اولوب یونلر دندرکده ولایت شامه ملوک روم حکم ایتدیلر
 دیومذ کورد و الله اعلم بالصواب

(باب حادی عشر در احوال ملوک روم از کفار)

ملوک روم ایکی فرقه در بری جلدت پرست کسار اولوب ترکیه قزل الماهر بجه رومیه کبری روم و فرنگیه

رومادیدکاری شهرده ساکن ایدیلر ایکنی فرقه نصارادن اولوب استانبول دیدکاری شهر قسطنطنیه ده ساکن ایدیلر اولکی فرقه بونلدرکه حالا ذکر اولور (فصل اول در احوال غالینوس) ملوک رومدن مشهور اولنلرک اولی بودر ساکن اولدیغی شهر رومامور و سین و شهر اولیه غایت معمور اولوب بالکنز تاوقیه بازارنک طولی بر فرسخ ایدی غالینوس وجهه قومی بت پرست کافر ایدیلر فواج مسکینه ده ملوک رومدن آیین سلطنت وقوانین ریاست وضع ایدن غالینوس در اول ملوک روم اسمی رومیس ایدیکه رومیه کبری شهرنی اوبنا ایدوب قرندهانی رومانسی قتل ایدوب بعده اونوز سکر ییل پادشاه اولدی رومیه نک طولی یکریمی سکر میل اولوب ولادت حضرت عیسان درت ییل مقدم پابلوب شهر ایچنده انواع طلسمات و توجیدن بیک عدد قیوسی اولوب برکنیسه کفر ایدیه سی وارددرکه جواهر زاراه ایلهر صاع اولوب صافی التوندن یکریمی سکر قیوسی و ارایدی دیومز کورد (فصل ثانی در بیان یولیوس) احوالی معلوم اولدی نیجه کتیده بومز کورد کلد (فصل ثالث در احوال اغسطس) معتبر ائده مذکوردرکه آخر ملوک یونان اولان فالوپترانام خانقنه جنک و کاغله ائده کده فالوپتر اکندوبی قتل ایدوب اغسطس جله ولایت یونانی ضبط ائدی ملوک رومده ائد اوقت وشوکت یولان بودر اکنجون قیصر دیواق قونوب صکره کلان ملوک روم دخی انگاه ملقب اولدیلمر مصر و شامی فتح وضبط وجهه بنی اسرائیلی کنده و یه مسخر ایدوب اناطولیده قیساریه شهرنی یویاچشد ر سلطنتک قرق ایکنی یئلنده واسکندر رومینک دارایه غلبه سندن اوچیوز اوج ییل باهمان التمش بش ییل صکره حضرت عیسی علیه السلام وجوده کلدی اغسطسک سلطنتی الی ایکی یاللی الی یا قرق اوج ییل ایدی (روایت) تاریخ کاملده آخر ملوک یونان اولان فالوپتر اناطولیده نصکره ولایت شامه روم حکم ایدوب ملوک رومک ائدالری جانوس بن مرلوسدرکه سلطنتی الی ییل اولوب بعده اغسطس پادشاه اولدی دیومز کورد (فصل رابع در احوال طیماریوس) طبریه شهرنی یویاچغین اناک اسمیه مسی اولدی بعضر یونک اسمی طیارس بعضر طیار بئش دیوب حواریونی یهودیلر ائندن قورتاروب بعده ایمانه کادیکی حکایت باب حضرت عیسانه احوال مریم و حواریونده کچمشدر نظر اولنه سلطنتی یکریمی ایکی ییل ایدی (فصل خامس در بیان غالینوس) سلطنتی درت ییلدر بهض کتیده حضرت عیسی یونک زماننده کوکه چکادی دینوب * اکن طیارسک حواریونی رفع عیسانصکره قورتاردیغی روایت مخالف اولور مکرکه طیارس طیار یوسدن غیری کسینه اوله والله اعلم (فصل سادس در بیان فلیودیوس) سلطنتی اون درت ییلدر یونک زماننده حواریونک رئیس شمعون صفا خلقی اسلامه دعوت ایچون بعد از رفع حضرت عیسی اشارت حضرت عیسانله ظهور ائیدی دیشلر (فصل سابع در احوال مارون) یاخودنارون کچمشدر خارق دیدکاری جغرافیا واضعی مارینوس حکیم یونک زماننده ایدی حواریوندن بودس و شمعونی قتل ایدوب بعده نادم اولوب ایمانه کادیکی حکایت باب حضرت عیسی احوال مریم و حواریونده کچمشدر نظر اولنه سلطنتی یکریمی اوج ییل ایدی قومنک نامدارلرندن نیجه کسینه قتل ایتمکین ساسانیوس بوکاهجوم و قتل ائیدی دینوب غالب ایمانه کادیکیچون ایدی (فصل ثامن در احوال ساسانیوس) مارونی قتل ایدوب برینه کچوب سلطنتی اون ییل اولدی * تفسیر ابوالسعودده بعد از رفع عیسی یهودیلر حواریونه انواع جفا و اذات کارینی روم پادشاهی ایشیدوب حضرت عیسانک اوصاف مطبوعی مجموعی مسجوعی ازلده عیسانک احوال بیلش اولیدم انی یهودیلردن حمایت ایدردم دیوب یهودیلر پادشاهی یونک حکمنده اولغین حواریونی کتوردوب سولتد کده ایمانه کوب حضرت عیسی نامه مصلوب اولانی داردن ایدوب غایب و دارا غاچنی تعظیم و یهودیلر غزا ایدوب اول شاه ظافر وافر کافر نافر قیروپ دین نصاری رومده اوزماندنبرو ظهور ائیدی اناک وفاتده طیماریوس پادشاه اولدی دینوب * تفسیر لبابده حواریونی یهودیلردن قورتاران پادشاه طیاریشدر دیومز فصلدر (فصل ناسع در احوال طیماریوس) یاخود طیماریوس بن اسبانیوس * تفسیر لبابده جلوسندن بر ییل صکره و رفع عیسان قرق ییل قدر صکره ولایت قرنکده رومیه شهرندن بنی اسرائیل غزا ایدوب کارلین مقتول و صغارلین اسیر و خنذول و تورا شریفی سوزان و شهر قندی ویران ایدوب مسجد قدسه جیفه لر براغوب و ایچنده خنذول بوغازلدر * حضرت عمر خلافتنه دک قدس خراب طوروب بعده تدریج جله معمور اولدی * اشیواقصه حضرت سلیمان بناسند نصکره

قدسک ایکنی خرابغیدرکه اولکی دفعه ده بختنصر خراب ایشیدوبی بو حالده نصکره یهودیلرک دولت وشوکتلری زوال بولوب اطراف واکافه طاعلیدلر دینوب * تاریخ قدسده مذکوردرکه طیماریوس خرابلقند نصکره قدس شریف تدریج جله برمه قدر معمور اولوب بعده روم پادشاهی قسطنطنینک والده سی هیلانه قدسه کلوب معابد بنی اسرائیلی خراب ایدوب برینه کایسانا یوب ولایتنه کتدی اوزماندنبرو مسجد اقصی مزبله لک اولوب حضرت عمر فتحنده مسلمانلر پاک و تابشالک ائیدیلر * ملوک رومدن ائد اقدسی خراب ایدن طیماریوسدر سلطنتی ییدی ییل ایدی (فصل عاشردر احوال درمطینیوس) بت پرست و کافر بی پروا اولغین یهودیون نصاری قتل عام ایتمکده مباحث ائیدی سلطنتی اون بئر ییلدر (فصل حادی عشر در احوال بارواس) یاخودناروس ظالم شدید و کافر عنید اولوب سلطنتی بر ییل ایدی (فصل ثانی عشر در بیان طرانانوس) سلطنتی اون طقوز ییلدر (فصل ثالث عشر در بیان ادریانوس) سلطنتی بکریمی بر ییلدر علم هیئتده ککاب مجسطی مؤلفی بطلمیوس حکیم یونک زماننده ایدی (فصل رابع عشر در بیان انطونیوس) سلطنتی یکریمی اوج ییلدر (فصل خامس عشر در بیان مرقوس) سلطنتی اون طقوز ییلدر (فصل سادس عشر در بیان قومودوس) سلطنتی اون اوج ییلدر علم طبعده مشهور دنیا اولان جالینوس حکیم یونک زماننده ایدی (فصل سابع عشر در بیان فوطیخوس) الی ای پادشاه اولوب بعده قتل اولندی (فصل ثامن عشر در بیان طیماریوس) سلطنتی اون سکر ییلدر (فصل ناسع عشر در بیان انطینیوس) سلطنتی درت ییلدر (فصل عشرون در بیان اسکندر روس) سلطنتی اون اوج ییلدر (فصل حادی وعشرون در بیان مکسیموس) سلطنتی اوج ییلدر نصاریه نیجه غزا ایدوب انلری کسر و قهره مشغول ایدی (فصل ثانی وعشرون در بیان عوردیانوس) نیجه غزا ایدوب سلطنتی الی ییلدر (فصل ثالث وعشرون در احوال دقیانوس) کافر شدید و جبار عنید ایدی قصه اصحاب کهف یونکده واقع اولوب باب حضرت عیسی آئرنده تفصیلی کچمشدر نظر اولنه سلطنتی الی ییل اولوب تختکاهی شهر طرسوس ایدی (فصل رابع وعشرون در بیان غالینوس) سلطنتی اوج ییلدر (فصل خامس وعشرون در بیان ارتانوس) سلطنتی اون بئش ییلدر (فصل سادس وعشرون در بیان فلودیوس) سلطنتی بر ییلدر (فصل سابع وعشرون در احوال اذرفلینوس) یاخودارد قاس * متکبر و متعجب و کثیر الظلم و عدیم البر اولوب عاقبت کوکدن یلدرم اینوب هلاک اولدی سلطنتی الی ییلدر (فصل ثامن وعشرون در بیان فردقوس) یاخود فردوس بدنه ساد اهل فساد حاکم ظالم ایدی سلطنتی ییدی ییلدر (فصل ناسع وعشرون در بیان فاروس) الی ییل پادشاه اولوب وفات ائیدی (فصل ثلاثین در احوال دقلطیانوس) ملوک روم بت پرستانک آخریدر قسطنطنینک مظفر بوکاغلبه ایدوب برینه کچدی سلطنتی اون اوج ای ایدی

(باب ثانی عشر در احوال ملوک رومیان نصاری)

یونلدرخی رومیلدر اکن اکثری دین حضرت عیسی اوزره مسلمان اولوب بعضر حاشاشام حاشاعیسی ابن اللهدر دیواقعتقاد باطل ایدوب کچی دخی بت پرست ایدیلر جله سنک تختکاهلری قسطنطنیه در (فصل اول در احوال قسطنطنینک مظفر) دقلطیانوسه غلبه ایدوب برینه کچد کده اوج ییل صکره رومیه شهرندن بر بطیه شهرنه کوچوب بر حصار استوار یا یوب اسمی قسطنطنیه قودی جله قومیه صابیه دینندن چیقوب دین عیسایه کیردیلر * فواج مسکینه ده مذکوردرکه قسطنطنیه به استانبول دخی دیرر معنای پادشاه شهری دیمکدر * جله شهرک بنامی قرق یئلده تمام اولدی طائفه رومده دین نصاری ابتدا اظهار و جمع و تدوین ایدن قسطنطنیندر والده سی هیلانه قدسه واروب عیسایه بکزن کسینه بی آصد قلی دارا غاچنی بولدروب حاشا الوهیت عیسایه اعتقاد باطل ایدن کافرلردن اولغین اوکونی بیرام ایدوب اسمی عید الصلیب قیروپ قدسده نامه آدلور بر مکلف کایسانا و حص و رهان شهرلنده دخی برر کایسانا ائیدی * ککاب خریده الحجایده مذکوردرکه قسطنطنین استانبول حصارین طقوز میل اوزونلقده یا یوب حصارنه یوزقاوا ایدوب هر برخی التوندن تخته لرله قیلا یوب عجائب دینادن بر عظیم کو بری یا یوب اول شهر فریدالده رده بدایع صنایع ایلد آثار بکار و یاد کار روز کار اوله جق غرائب نسنه لر بنایدوب وفات ائیدکده تابونی حالاعورت بازارنده اولان مناره مشال

دیکی طاشک اوسته قونوب انک اوسته بعض علامات ایچون اشکال و طسمات اید یلر سلطنتی اونوز ییل
ایدی (فصل ثانی در احوال قسطنطین بن قسطنطین) برخوای (الولاسرایه) هر حاله بدرینه شبیه حاکم نبیه
اولوب سلطنتی یکریمی درت ییلدر * تاریخ این نبیعه ده قسطنطین وفاتده اوج نفر اوغلی علی التوالی
دشاه اولدی یلر دینوب * لکن اسم و رسم و احوالری ذکر اولنماشدر (فصل ثالث در احوال کلیسایوس)
پادشاه اولد قده دین عبادن چیقوب بت پرست اولدی * عاقبت بریدن اوق طوقنوب هلاک اولوب سلطنتی
التشر ییلدر (فصل رابع در احوال یونانیوس) مسلمان اولمغیز پادشاه اولد قده خلقی اسلامه دعوت و قبول
ایتمانه انواع زجر و عقوبت ایدوب سلطنتی همان بریل ایدی * نظام التوار یخده عجم پادشاهلرندن شاپور
ذوالکاف دیار رومه هجوم ایتد کده یونانیوس جنگده صینوب هر ییل خراج ویرمک شرطیله صلح ایندی یلر
دینوب * لکن میرخوانده غیری وجهله یارلوب باب ملوک عجمده شاپور فصلنده کچمشد نظر اولنه
(فصل خامس در بیان رالیطیانیوس) دین عیسی اوزره مسلمان اولوب سلطنتی اون درت ییلدر (فصل
سادس در بیان انویانیوس) سلطنتی اوج ییلدر (فصل سابع در بیان خرطیانیوس) بونک دخی سلطنتی
وج ییلدر (فصل ثامن در بیان تاودوسیوس) یاخود باودوسیوس سلطنتی قرق طقوز ییلدر (فصل
تاسع در بیان ارفاریوس) سلطنتی اون اوج ییلدر بعض کتبده شریکی واریادی دیمشدر (فصل عاشر
در بیان اونور یوش) احوالی معلوم اولدی بعض کتبده مذکور دکدر (فصل حادی عشر در احوال
تاودوسیوس الثاني) مسلم مقلع و غایت صالح اولوب سلطنتی یکریمی ییلدر * اصحاب کهنف بونک زمانده اوجیوز
طقوز ییللق اوچولرندن اوپاند قری قصه باب حضرت عیسا ده کچمشد نظر اولنه * قاموسده صاحب قصه نک
سمی دیقوس در دینوب تفسیر واحدیده تدوسیوس در که سلطنتندن التشر سکز ییل کچد کده واقع اولدی
دیمشدر (فصل ثانی عشر در بیان مرقیانیوس) سلطنتی یدی ییل اولوب بر عالی کلیسایان ایدی
(فصل ثالث عشر در بیان رالطیس) سلطنتی بر ییلدر (فصل رابع عشر در بیان لاوان) سلطنتی اون
یدی ییلدر (فصل خامس عشر در بیان زینپون) سلطنتی اون سکز ییلدر بعض کتبندن قتلی فهم اونور
(فصل سادس عشر در احوال ابطینیوس) خوش نماد و داد اعتیاد و اهل رشاد و سداد اولوب تعمیر بلاد
و ترفیه عباد و شهر حاقله سین ترمیم و آباد ایدی سلطنتی یکریمی یدی ییلدر (فصل سابع عشر در احوال
تونسطنیوس) بعض مقرر ایدوب مظفر اولدی اهل همت صاحب شوکت اولوب سلطنتی طقوز ییل ایدی
(فصل ثامن عشر در احوال تونسطنیوس الثاني) طائفه عجم بونک قومیه نیجه کره محکم جنگار ایدوب
طائفه روم عاجز و مغوم و غلبه و نصرتدن محروم اولدی یلر سلطنتی اونوز ییلدر (فصل تاسع عشر در احوال
تونسطنیوس الثالث) اهل قوت و شوکت اولوب سلطنتی اون درت ییلدر بعض کتبده مذکور اولماشدر
(فصل عشر و در بیان طبریوس) سلطنتی اوج ییلدر (فصل حادی عشر و در بیان طبریوس الثاني)
صاحب فتح و نصرت و تدبیر و بصیرت و شهامت و مهابت اولوب سلطنتی درت ییلدر (فصل ثانی عشر و در
در بیان ماریقوس) سلطنتی سکز ییلدر (فصل ثالث عشر و در بیان مرقوس) سلطنتی اون ایکی ییلدر
(فصل رابع عشر و در بیان قوفاس) سلطنتی سکز ییلدر ملوک عجم باند خسر و بن هر مزلقابن اتامی
اولوب حکایتی کچن قصیر بودر نظر اولنه * عاقبت طائفه روم اوغلی ناطوسل بونی قتل ایتدی یلر (فصل خامس
عشر و در بیان ارفلیس) که عر بلر قتل دیر لرایدی اهل احسان و وجود و خیر مائل عدل و دافع ضرایدی
تختگاهی استانبول اولوب بعده انطاکیه بعده حصده ساکن اولدی * سلطنتنک اون ایکنی ییلنده خاتم الانبیا
حبیب خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم ایدامر مداحضرتی عز و سعادتله کدند مدینه رحلت و هجرت
ایتد کدن التی ییل مکره هر قلی اسلامه دعوت ایچون صحابه دن دحیه ایلد مکروب شریف کوندردیلر (غلبه)
سابقا عجم شاهی خسرو هر قلی اوزرینه عسکر کوندروب (الم غلبت الروم) آیتی مفعول نیجه جنگده هر قلی
مغلوب اولد قده بعد زمان کندو غالب اولورسه استانبولدن یا حصدن قدسه زیارت ایچون یان ایاق وارمغه
عهد ایدوب یدی ییلد نکره شام قریبده تکرار صا شد قده (هم من بعد غلبم میغلبون فی بضع سنین) آیتی
مفعول نیجه جنگده هر قلی غالب اولد قده چاق قدسه دلک یولارده قشایر دوشدوب اوزرنده یان ایاق یوریوب

واردی (حکایت) مکتوب حضرت رسول هر قله قدسه وصول بولد قده تعظیم ایدوب ایمانه کلسکه میل
ایتمکین قومنک علما و اکابرین جمع ایدوب دین حضرت محمدی تکلیف ایدوب انلر رضا و یرمیوب بعده ایلی
اولان دحیه بی نهایتا غروب و الله بز محمد حق پیغمبر ایدوب کین بیلورز لکن بن روم طائفه سندن قورقارم
رو ماده ضغاطر آدلور راهب وارد کده چله نصاری اکابندن زیاده تعظیم ایدر لرا کار کورنه دیر دیوب دحیه
واروب ضغاطری ایمانه دعوت ایتد کده والله بز نورات و انجیلده محمد پیغمبر اوله جغت و وجهه اوصافنی
کورمه سندر دیوب ایمانه کوب آق قشتانلر کوب عصایه طیبایوب کایسایه واروب ای طائفه روم بزه احد
عر بیندن مکتوب کوب حق پیغمبر اولمغیز چله مزی اسلامه دعوت ایتش دیوب کله شهادتی سوبلد کده
اوزرینه کافرلر اوشوب شهید ایتدیلر * دحیه هر قله کوب خبر و یرد کده کورامدی اکا محبتلری بندن
زیاده ایکن آتی قتل ایتدیلر شهبه مزی بنی دخی قتل ایدر لرا بندن قورقارم دیوب قدسندن حصه واروب آنده
براطه ایچنه کیروب چله خلقی جمع ایدوب بنجره دن انلری اسلامه دعوت ایتمکین کافرلر غضبه کوب هر قله
هجوم ایدوب قبوقباش اوامغیز طشره کتک صد دنده ایکن هر قلی انلره مرادم همان سزی امتحان ایدی
بمحضور اولد کزدیوسلی و دین حضرت محمددن تبری و تولی ایدی * بعض علما هر قل خفیه ایمانه کادی دیوب
لکن قول ضعیف در دیشلر * بعض کتبده هر قل علم نجومده غایت ماهر اولوب آخر زمانده بر پیغمبر کله جکینی
استخراج ایتشیدی دینوب * حضرت رسول علیه السلام زمانده و حضرت عر خلافتده هر قله مسلمانلر
نیجه جنگار ایدوب کفار خاکساری جانلرندن بیزار ایدوب عاقبت هر قلی شهر لری ورخت و بخت و تختلری بی
آلوب هر قل دخی ناچار تیر خورده شکار کبی قسطنطینییه به فرار ایدوب بوقصه لر تفصیل عظیمه محتاج اولوب
مطولات تواریخ و سیرده مقرر در * هر قلی سلطنتی اونوز بریل ایدی دیشلر (روایت مفعول آخری در ذکر
قیاصره روم) مجهول الاسم بر تار یخ فارسیده بوباده اولان تقاصیلک اجمالی بودر که عیسی پیغمبر نصکره
روم تختنه اونور ان قیصر لر بی پادشاهلرالی نفر کسینه اولوب مدت سلطنتلری در نیوز التشر ایکی ییلدر (۱)
اعطوس) والده بی بونی طوغر رکن وفات ایدوب بونی والده سی فارتنندن حیه تاردیلر بوله اولانه یونان دبلنجه
قیصر دیر * کین بونک اقی قیصر اولدی اول قیاصره بودر بوکا کیه باونوس دخی دیر لردی اسکندریه شهرنی
الوب الی بش ییل پادشاه اولوب سلطنتنک قرق ایلد * کسینه حضرت عیسی طوغشیدی (۲ طنبانیوس)
اعطوسلک اقرباسندندر بکارندن برینی شامده یوحنسان زکریایی قتل ایتد کچر بی دخی قدسه حضرت
عیسایه اشکجه ایتسکه * کوندردی یکریمی درت ییل پادشاه اولدی (۳ عاینوس) قزیه و همشیره سیله
زنا ایتمکین قتل اولدی قرق سکز ییل پادشاه اولدی (۴ فیلودوس) فاسق و فاجر ایدی بونک زمانده خلق
سیرغ قوشن * کوردیلر ارکدش جزائری فتح ایتشدر اون بش ییل پادشاه اولدی (۵ نابرون) والده سنی
و خواجیه سنی و ترسا طائفه سنی و بعض اعیانی قتل ایتمکین یهودیلر بوکا عاصی اولوب رومیلره آتش براغوب
بونک اهلی قتل ایتدیلر سلطنتی اون درت ییلدر (۶ کایله) لارنده جزیره سندر بر ییل پادشاه اولدی (۷)
امیسانیوس) سابقا عصبان ایدن قدس شریف یهودیلر نیب و غارت ایدوب چوق کسینه لرین دخی قتل
ایتدی باقیلری قحطدن هلاک اولدی مدت سلطنتی اون ییلدر (۸ طنطوس) پدیری برینه کچوب ختی کسینه
ایدی بیت المقدس دن انسان اموال غنیتی رومیه به و یردی سلطنتی ایکی ییل ایدی (۹ دوامطیانیوس) برادری
برینه کچوب رومده بختانه یابوب هر ولایتدن بره نم کتوردی هر نه یردن دشمن ظاهر اولور ایسه صملرک
یوزلری او طرفه دوغسکین خبردار اولوب دشمنی دفع ایدر لردی مدت سلطنتی اون درت ییل ایدی (۱۰ تارون)
خوب رأی و عادل ایدی مدت سلطنتی بر ییل درت آی ایدی (۱۱ طریانیوس) سابقا بیت المقدس خراب
ایتشدر دیو نغمه و آبادان ایدوب یهودیلر اک * کیرمکدن منع ایتدی نصاری رعیات ایدردی مدت
سلطنتی یکریمی درت ییل ایدی (۱۲ طیطوس) اورام طویانیس دخی دیر لردی اسکندریه شهرنده اولدی
کتاب مجسماتی مؤلفی بطایوس بونک زمانده ایدی جزیره صقلیه ده وفات ایتدی مدت سلطنتی یکریمی درت
ییل ایدی (۱۳ مرقوس) و برادری دایوس شمر کله پادشاه ایدیلر ایتد لارنده ملک اربن یونان شهرین خراب
ایدوب مرقوس صقلیه جزیره سنه چاق ترک ولایتنه قاچوب انلردن چوق کسینه قتل ایتدی مدت سلطنتی

طقوز ییلدر (۱۴ قمرطوس) اما سیه خلیفه جنت ایدوب ایلیوس ایل سلطنتده شریک اولوب نصارادن
برجاعت ایلدوایکسیسی یودیلرقتل ایلدیلر مدت سلطنتلری یکریمی ییلدر (۱۵ ارطونیناس) غایت
فاسق وزانی اولوب اوکی اناسیه زنا ایشیدی مدت سلطنتی یدی یچق ییلدر (۱۶ مرطیوس) بر ییلدر نصکره
یومسکیکی اوغلی ایلد قتل ایلدیلر (۱۷ ارطونیناس) غایت فاسق وفاجر اولوب مدت سلطنتی دوت ییلدر
(۱۸ ایشندروس) عسکر یله عجم ولایتنه واروب عجم پادشاهی شاپور ذوالا کفاه خلافت وردی مدت
سلطنتی اون اوج ییلدر (۱۹ مکسیناس) اما سیه ولایتین الوب مدت سلطنتی اون اوج ییلدر (۲۰
کردیانوس) ولایت عجمه عسکر چکمشدر همان الی آ پادشاه اولوب بعده بعضی بوکاغدر ایدوب اوغلیله
ایکسیسی قتل ایلدیلر (۲۱ فیلیپوس) قیاصره رومدن ایلد راسا اولوب یعنی عیسی دیننه کیرن بودراوسبیدن
اوغلیله ایکسین رومیه ده کافر قتل ایلدیلر مدت سلطنتی همان بر ییلدر چله خزینه لرین کایسایه
خرج ایشیدی (۲۲ عالوس) ایک اوج ییل پادشاه اولدی (۲۳ ولادینوس) ایک ایل پادشاه اولوب بعده قتل
اولندی (۲۴ لویانوس) عجم عسکر یله چنکده صیوب اوغلی قتل کند واسیر اولوب عجم پادشاهی شاپور بونک
یونینه باصوب آه بندی مدت سلطنتی اون بش ییلدر (۲۵ فلینوزیوس) رومیه شهرینه حصار ایدردی مدت
سلطنتی بش یچق ییلدر (۲۶ طیپوس) غایت سخی و کریم ایدی ولایت عجمه عسکرله واروب انده قتل اولندی
مدت سلطنتی همان یدی آیدر (۲۷ فوروس) اوج ییل دوت آ پادشاه اولمشدر (۲۸ فلیوریانوس)
تخته کچر بر ییل یکریمی کوند نصکره طراطوس شهرنده قتل اولندی (۲۹ ازوس) ایک شریک ایلد ایک ییل
پادشاه اولوب عجم ولایتی غارت ایتکه کتک تدارکنده ایدی بین النهرینده اوزرنده یلدرم ایوب هلال اولدی
(۳۰ ذوقلیپانوس) غایت ظالم و خونریزی بالک اولوب نصارادن بیک کسینه قتل ایدوب یکریمی ییلد خلق
معذب ایتکین بکر بوکاگر ییلدروب هلال ایلدیلر (۳۱ دنکریوس) اما سیه شهرین الدی مدت سلطنتی
ایک ییلدر (۳۲ اقسطنطینوس) برص مرضنه مبتلا اولوب برعلاجله دفع اولدقه دین نصاری قبول ایدی
استانبول شهرنی بویا شدر انکچون اسمی قسطنطنیه ما اولمشدر فرنک ولایتی ریم باب اولان سلفیدروسه
وردی مدت سلطنتی اوزر ییلدر (۳۳ قسطنطینوس) پدی اسمیلده دخی مشهور ایدی مدت سلطنتی اون
بر ییلدر (۳۴ لویانوس) قسطنطینوس ثانی ک اوغلی اوغلی نصارادن ایکن بت پرست بعده یهودی اولوب
یت المقدسی تعمیر ایدوب تکرار زلزله ایلد خراب اولدی نه درجله کارنده عجم عسکر یله جنت ایدی برکجه
چادرده یاقوب صباح میت بولوب سبی معلوم اولدی مدت سلطنتی ایک ییل سکر آیدر (۳۵ بوتینانوس)
خوش سیرت و مرمدم دوست اولوب زماننده خلقی راحتده ایدیلر مدت سلطنتی یدی ییلدر (۳۶ اولینطانوس)
برادر یله شرکت اوزره پادشاه اولوب دین عیساده متزلزل ایدیلر فرنک ایلد جنت ایدوب انلردن اوتوزیک قدر
کسینه قتل ایدوب مدت سلطنتی اون بر ییلدر (۳۷ والیس) برادری اولینطانوس وفاتده مستقل اولدی
مخوس ایلد نصاری دین خصوصنده بچلر و معارضه رایتدیلر والیس دین عیساده ثابت اولوب بیک کسینه لری
عیسی دیننه قودی (۳۸ ارقایوس) بونک زماننده بر خاچی مجهول ربع شمالی طرفندن ظهور ایدوب رومیه
شهرین الوب یاقوب باقی قلاتی یلدرم خراب ایدوب ارقایوس مدت سلطنتی اون اوج ییلدر (۳۹ انوریوس)
جمله خلقه عدالت و مروت و شفقت اوزره اولوب بعضی امر ابونی قتل نفسه ترغیب ایلد کارنده قادر اولسم
مرده لری زنده ایدردم زنده لری نه پورک ایلد مرده ایلد یه دیو جواب صواب و برمش مدت سلطنتی اون بر ییلدر
(۴۰ نادیونوس) بونک زماننده شیطان جزیره کرتیه ده عیسی بیغم بصورتده ظاهر اولوب خلقی بیت
المقدسه وعده ایدوب ناودینوسه صواوزرنده یورلوب بکمی الزام ایدوب بودخی ملتزم اولدقه صویه
غرق اولدی اصحاب کتف بونک زماننده اوچخودن اوپاندیلر دیشدر مدت سلطنتی یدی ییلدر (۴۱
فرقینانوس) قسطنطینوس ایلد شرکت اوزره پادشاه ایدیلر مدت سلطنتی یدی ییلدر (۴۲ لاقیونوس) الی
ییل پادشاه اولدی (۴۳ ریتونوس) اون سکر ییل پادشاه اولدی (۴۴ بامطانوس) الی ییل پادشاه اولدی
(۴۵ یوسطینانوس) بونک زماننده شهر انطاکیه ده عظیم زلزله اولوب اکثر بنار خراب اولوب اکثر خلقی انده
هلاک اولدیلر مدت سلطنتی طقوز ییل ایدی (۴۶ یوسطیوس) غایتده علم سخی ایدی سیاست و آداب

پادشاهیه چوق تر کیمیلر دوزدی زماننده غایت عظیم خط و طاعون اولوب خلقی اچله لردن بر برلرین ییلدر
بودخی او ما ییلده هلال اولدی مدت سلطنتی یکریمی ییلدر (۴۷ یوسطینوس) اون بر ییل پادشاه اولدی (۴۸
یوسطینانوس) ولایت فرنکده قیصر اولوب نهر فرات کارنده عجم شاهی نوشروانه جنت ایدوب عسکر عجم
رومیه بی الوب و افراسیر کتوردیلر بونک زماننده قیصر لقی فرنکدن یونانیله انتقال ایدی مدت سلطنتی
اون بر ییلدر (طبقه قیاصره یونان) بونلری یکریمی الی کسینه ایدیلر (۴۹ قوقایصر) عادل و صاحب خیر ایدی
خرج ایلدیکم بدر صقلا یوب قویوب کتدیکم دشمنه کدر که صفاسن اوسورردی و اناصوت اعلا ایلد سو یلردی
بر دینیه عظیمه یولوب چله سین خیر و احسانه صرف ایدی مدت سلطنتی یدی ییلدر (۵۰ هرقل) عیسی بیغم بیک
بر عبادتخانه سنده سنی قتل ایتسه لکر کدر دیوها تفدن ندا ایشیدوب قورقوب واقعاً یکریمی ییل سلطنت
سورده کده قتل اولندی * او اخر سلطنتنده عجم پادشاهی خسرو بن هرمز بن نوشروان بهرام چوینندن
قاجوب بوکا کلوب بودخی ککاء ککرله معاونت ایدوب واروب بهرامدن تختنی الیورمشدر (۵۱
قسطنطینوس) قدس شریفی بعده اسکندریه بی فتح و مصری دخی ضبط ایدوب سلطنتک اوننی ییلنده
حضرت رسول صلی الله علیه وسلم دیننه حرکت ییوردیلر یوقاروده ذکر اولشان هرقل بواولمغین تفصیل
حالی اعاده اولندی و تاریخ سابق الذکرده اشوهر قلند نصکره اوتوزدن زیاده قیصر لردخی یازمشدر لکن ظهور
دین اسلام نصکره کلان ملوک کفاری یازمق مناسب اولماغین بو حقیر انلری نقل و ذکر ایتدم

(باب ثالث عشر در احوال ملوک غسان)

اشبوطانقه قبائل عربند در دیار یمندن کلوب ولایت شامده ساکن اولوب ابتداء دولتری ظهور نبوت
حضرت رسولدن تختینادر تیوز ییلدن زیاده جه مقدمدر * بونلر اصلده از دیا خودزید بن کهلان بن سبأ
ابن یثعب بن یعرب بن قحطان نسلندن اولوب ولایت یمنی سیل عرم خراب ایلد کده اکثر اهل یمن اطراف
عالمکه طاعیلوب بونلر دخی شامه واروب شامی قبائل عربدن طائفه قضاعه دن بنی سلیم قبیلده سندن ملوک
شام اولان ضحانه نک الازندن الوب انلری جبر و قهرله شامدن سورکون ایلدیلر * بونلر شامه کاد کده غسان آدلو
بر صوکارنه قوتوغین یانلرینه جمع اولوب اوصودن هر کیم ایچسه کاغسانی دیرلردی بوطائفه حقیقتده
مستقل پادشاهلر اولوب قیاصره دیدکاری ملوک رومک طرفلردن بوی بکاری مقوله می ایدیلر (فصل اول
در احوال جفنه بن عمرو) تفسیر واحدیده جفنه بن عمرو بن عامر بن حارث بن ثعلبه بن امر القیس بن مازن
ابن الازد بن الغوث بن نبت بن مالک بن زید بن کهلان بن سبأ بن یثعب بن یعرب بن قحطان بن عابر بن شالح
ابن ارفخشذ بن سام بن نوح علیه السلام دینوب * قاموسده جفنه نک پدی عمرو بن پادشاهی ایدی دینوب
عمرو بن یقیاق قبیلده مشهور دینا ایدوکی وسبب وضع اقی باب ملوک قحطانده کچمشدر * جفنه نک جدی عامر کرم
و سخای عظیمه مشهور اولمغین ماه السعاده یکمه ملقب و مسمی ایدی (فصل ثانی در احوال عمرو بن جفنه)
اهل قدرت و شوکت اولوب دین حضرت عیسی اوزره اولمغین عبادت ایچون خلقه ایک کایسایا ایلد کده
بری دیر ابوب بری دیر هندیکه مشهور اولدی (فصل ثالث در بیان ثعلبه بن عمرو) صرح غدیر آدلو
بر قصر بی نظیر یایدردی (فصل رابع در بیان حارث بن زهلبه) احوالی معلوم اولدی (فصل خامس
در احوال جبله بن الحارث) قومی ایچنده هر غوب و محبوب القلوب ایدی * کو بر و روم بعض نسنه لریا پمشدر
(فصل سادس در احوال حارث بن جبله) دمشق شامه ایک اوج منزل یرده شهر بلقایه واروب آتی تختگاه
ایدینوب بعض بنار یامشدر کند و نصکره بش نفر اوغلی بیای پادشاه اولدیلر که حالاذ کراولنور (فصل سابع
در احوال منذر بن حارث) سلطنتی قوت و شوکت بولمشدر (فصل ثامن در بیان نعمان بن حارث) احوالی
معلوم اولدی (فصل تاسع در بیان جبله بن حارث) اهل خیر و عاقل عدالتده کامل ایدی (فصل عاشر
در بیان ایهم بن حارث) اهل اشفاق و حمید الاخلاق ایدی (فصل حادی عشر در بیان عمرو بن حارث) کسر
اعدا ایدوب کامر انلق ایلد سلطانلق ایدی (فصل ثانی عشر در احوال جفنه بن منذر بن حارث) اهل
شوکت و سطوت اولوب کوفه قرینه حیره شهرینه سفرا ایدوب وارد قده آتش ایلد احراق ایتکین محرق قبیلده
مشهور آفاق اولدی * قاموسده ابتدا طائفه عربی آتشه یقان بواولمغین بونک آل و اتباعنه آل محرق

دیرلری دیومند کورد (فصل ثالث عشر در بیان نعمان بن منذر) سلطنتی قوت و شوکت کشته ایدی
 فصل رابع عشر در بیان نعمان بن عمرو (اصحی شوید بر قصر فرب العصر بنسایت دیری (فصل خاص
 عشر) در بیان جبهه بن نعمان (فصل سادس عشر) در بیان نعمان بن الایم (فصل سابع عشر
 در بیان حارث بن الایم) بواج کشته نک احوالی معلوم اولدی (فصل ثامن عشر در بیان نعمان بن
 حارث) بعضی بنسایت دیری (فصل تاسع عشر در بیان منذر بن نعمان) احوالی معلوم اولدی (فصل
 عشر و در بیان عمرو بن نعمان بن منذر) شدید البأس و المغانین بواجی محرق دیرلری (فصل حادی
 و عشرین در بیان حارث بن نعمان) مالک مال فراوان ایدی (فصل ثانی و عشرین در بیان حارث بن حجر)
 اهل کرم و هم ایدی (فصل ثالث و عشرین در بیان جبهه بن حارث) متفق و مشفق ایدی (فصل رابع
 و عشرین در بیان حارث بن جبهه) ولایت حیره پادشاهی منذر بن ماء السماء ملک کشته عسکر چکوب
 غارت و فوابعندن نیچه لری قتل ایدوب دوه لرین و مال لرین سوروب الدی (فصل خامس و عشرین)
 در بیان نعمان بن حارث (فصل سادس و عشرین) در بیان الایم بن جبهه (فصل سابع و عشرین
 در بیان منذر بن جبهه) بواج کشته نک احوالی معلوم اولدی (فصل ثامن و عشرین در بیان شراحیل
 ابن جبهه) قدرت و شوکت ایل امصار و اقطارده اشتها بولدی (فصل ناسع و عشرین در بیان عمرو بن جبهه)
 (فصل ثلاثین در بیان جبهه بن حارث) بواج کشته نک احوالی معلوم اولدی (فصل حادی و ثلاثین) در احوال
 حارث بن ابی شمس (حکایت) کتب سیرده می ویدر که حضرت رسول علیه الصلاة والسلام صحابه دن
 شجاع بن وهب ایل حارثی ایمانه دعوت ایچون مکتوب شریف کوندروب وارد قده هر قل حصدن قدسه زیارته
 کش اولغین اکا پشکش تد ارکنده واروب حارثک قابو جیسنه بولشوب بواج اغلا یوب ایمانه کلوب آخر
 زمان یغیرنک اوصافی انجیاده او قودم لکن حارثدن قور قرم حارث ایه ایمانه کلز هر قلدن قور قار دیوب
 شجاعی اوینه الوب ضیافت و رعایت ایدوب بر کون حارث تخت کوب تاج کیوب شجاعی چاغردوب مکتوب
 شریفی اوقیوب بنم سلطنتی المدن کیم آله بیلوردیوب قاقیوب ایرتسی مدینه عسکر چکوب کتمک فکرین
 ایدوب اجازت ایچون هر قل خبر کوندروب اودخی صقین کتمه ایلی بی تأخیر ایل سن کلوب بکا قدسه
 بولشوب دیو جواب کوندرمکین حارث شجاعی چاغروب بجان کیدرسن دیوب اودخی یارین دید کده یوز مثقال
 التون و یروب قابو جی دخی خفیة آرق و لباس و یروب بدن رسول الله سلام ایل یوب دینی اوزره ایدوکی
 یلدر دیوب شجاع مدینه به واروب حضرت رسوله حارثدن خبر و برد کده (باملکه) یعنی سلطنتی هالک و زائل
 اولسون دیوب قابو جینک اسلام و سلامن دید کده صدق دیو یوردیلر مزبور حارث بریاد نصکره حضرت
 رسول صلی الله علیه و سلم مکدی فتح اید کاری تاریخده کفرله وفات ایدی بعضار ایمانه کلوب قیصر بنی قتل
 ایده دیو خوقدن ایمانی اظهار ایده مزدم دیدی دیشلر والله اعلم (فصل ثانی و ثلاثین در احوال جبهه بن
 الایم) آخره بولغسان بودر (حکایت) کتاب الحسبک بر محله جبهه بی ایمانه دعوت ایچون هجرتک
 یدنجی یلنده حضرت رسول علیه السلام مکتوب شریف کوندروب اودخی ایمانه کلوب هدا ایل مکتوب
 کوندروب حضرت عمر خلافتنده حجه کلوب کعبه بی طوافده قبیله فراهه دن بر عرب یونک ازارین با صوب
 جوزلد کده جبهه قاقیوب حدتله بر طایفه اوروب عربک بورق و بر قاج دیشی قیلد قده حضرت عمره
 شکایت ایدوب عمر دخی جبهه بی کتوردوب یا عفا یا قصاص دیوب جبهه انجوب یونک ایچون بدن قه اصمی
 ایدرسن بن پادشاه بواهل مو قدن ایکیز برابر میوز دیوب عمر دخی اسلام ایکیز بری برابر ایدی سنک اندن
 افضایتک اولمز الاتقوی ایل اولوردید کده جبهه چونکه بودینده بن یونکله برابر نصارا دینه کیرم دیوب
 عمر دخی ایل ایدرسن یونک اورم دید کده جبهه بواج کجه بکاهمت و بر حالمی فکر ایده هم دیوب او کجه فوابعیله
 اتلاوب استانبوله قاجوب وارد قده نعوذ بالله نصاری دینه کیروب می تدلک اوزره بعضر قولنجه تکرار
 ایمانه کلوب ایمان اوزره وفات ایدی دینوب (روایت) کتاب مزبورک بر محله دخی حضرت عمر خلیفه
 ایکن شامه وارد قده جبهه کلوب ایمانه کلوب بعده قبیله مزینه دن بر عرب یل چکوب کوزی اویتنه
 طایفه اوروب عرب شکایت اید کده حضرت عمر عربی سندخی بواج طایفه اوروب جبهه آنک کوزیله

بنم کوزم برابر میدر دیوب حضرت عمر برابر دید کده جبهه بوشهر لرده بن طور مزم دیوب مر تد اولوب
 انکوری شهرینه واروب کفرله وفات ایدی دیومند کورد (روایت) بعض کتبه مرویدر که هجرت
 رسولک اون بشنجی یلنده عمر خلافتنده جبهه ایمانه کلوب حج ایتمک ایچون عادت عرب اوزره غایت زینت
 و شوکتله شامدن مکده کلوب اتی و اخر کسینه قارشولوب عرفاتنده حجاجله طور دقه یا کعبه بی طواف
 ایدرکن کتبه بر عرب یونک رداسی با صغین قاقیوب عربی بر محکم طایفه اوروب یورنی قیروب عمره
 مرا فعه اولد قلدن دیت و یروب حلالش یوخسه قصاص لازم کلمکین اودخی سکا طایفه اورمغه امر
 ایدرم دید کده جبهه عارلنوب بواج کجه فکر ایده هم دیومهاست ایستوب کجه جبهه فوابعیله شامه قاجوب بعده
 بشیوز کسینه ایل استانبوله واروب مر تد اولوب یونک نصکره ولایت شامی حکام اهل اسلام ضبط ایدیلر

(باب رابع عشر در احوال ملوک الخیمه)

یونک اواج کسینه دن اشاعیسنه الخیمون دینه کین تغلبه جبهه سنه الخیمون دیرلر مسکنلری کوفه قریبده حیره
 آدلو شهر اولغین ملوک حیره دخی دیرلر (فصل اول در احوال مالک بن فهم الازدی) از دین کهلان بن سبا
 ابن یسحب بن عرب بن قحطان نسلندند بر ظهور دین اسلامدن تخمینا درت بشیوز یل مقدم ولایت یمنی
 سیل عرم دید کاری سیل پرویل خراب اید کده نیچه قبائل عرب اطراف عالمه طاغیلوب مالک دخی فوابعیله ترک
 دیار و شهر حیره ده قرار اختیار ایدوب اهل بذر و کرم صاحب عدل و هم اولغین تدبیر ریاست و تعمیر ولایت
 ایلدی عجمده ملوک طوائف زمانلرنده ایدی (فصل ثانی در بیان عمرو بن فهم) بعض کتبه برادر ند نصکره
 پادشاه اولدی دینوب بعضنده سلطنتی برادر ندن الدی دینوب حیاطنده غصبه یارضا ایلدی یوخسه
 وفاتند نصکره می الدی بیان اولغا مشدر (فصل ثالث در احوال جذیمه الابرش ابن مالک بن فهم) ابرش اولوب
 اللری بریر آق اولغین لقی وضاح ایدی سلطنتی قوت و شوکت بولوب اهل صحت و عشرت ایدی فواج
 مسکیده جذیمه الابرش آداب مساهره ملوکده نظیر لری عذیم مالک و عقیل آدلو ایکی ندیم ایدینوب فرق
 یل مصاحبت و موانست ایدوب بوقدر زمانده بر کره بیان و افاده اید کاری خبر و حکایتی بر زمانده دخی اعاده
 ایامش ایدیدی بومرته حالت عقلده و فرت حفظده قوت معلوما تده کتبه نشان ایدوکی مقرر دیر مرویدر که
 دیار بر کر قریبده ولایت جزیره پادشاهی عمرو بن الضرب العقابنک اوزر بنه واروب جنکده آتی قتل اید کده
 عمروک زبا آدلو قیزی پیری برینه پادشاه اولوب بعد زمان جذیمه بی کند و ولایتنه دعوت ایدوب کند و بی
 اکانکاح ایتمک حیلله سیمه سراینه کتوردوب بابا سیچون انتقاما قتل ایدی (فصل رابع در احوال عمرو بن
 عدی الخیمی) جذیمه نک همشیره زاده سیدر بدیری قبیله الخمدن اولوب جذیمه نک میر مجلس و شر ایداری
 و مقبول و مستشاری ایدی مزبور عمر و مقدمما ذکر اولسان زیادن دایسی جذیمه نک انتقامن المغه و سیمه
 بر حیلله ایدوب بر خدمتکارنک بورن کسوب اوغلانک رضایله ایتمکین اوغلان ظاهر آقا چوب زبایه
 واروب خدمت ایدوب زباطر فندن تجارتله کیدوب کلوب عاقبت عمر و معرقیله صدق و قرا یچنه آدمه لرفیوب
 تخفله کتوردم دیو بکاری زبانک سراینه ایدروب بعده علی الغفله آدملری چیقاروب زبای قتل ایدوب
 قاجدیلر عروک زمان سلطنتی ممد و شوکت و قدرتی مشدد اولمشدی (فصل خامس در بیان امر القیس
 ابن عمرو) احوالی معلوم اولدی (فصل سادس در احوال عمرو الخیمی) عجم پادشاهلر ندن شاپور
 ذی الکاف زمانده اولوب بوکامرو محرق دیرلری نلم قبیله سنک مغیری و ایچلر ندن اشرف و اشهری
 بری بودر بر دخی عمرو بن هند ایدی دینوب بعض کتبه عمرو ذکراولندی (فصل سابع در بیان اوس بن
 قلام العمامی) بعض کتبه امر القیس نصکره تغلبه عمالقه طائفه سنکدن ایکی کسینه پادشاه اولوب
 اولکینک اسمی اوس ایدی دینوب ایکینی یازالمشدر (فصل ثامن در احوال امر القیس المحرق الخیمی) عمرو
 ابن امر القیس اولاد ندن ایدی ظالم و بی رحم اولوب غضب ایدیکی کسینه لری تشه یا ققین محرق لقیله
 مشهور و مذکور ایدی (فصل تاسع در احوال نعمان بن امر القیس) شوکتی مشدد سلطنتی ممد اولدی
 (قصه) کسر سن و تشدید نون مکسوره ایل سنمار آدلو بر استاد معماره یکر می یلده خورنق آدلو بر قصر
 فرب العصر بایدروب بدایع صنایعنه انسان حیران اولغین احسان فراوان ایده جلک برده کند و دن غیر یله

این کبی قصرز بیابنا تمام ایچون قهرمدن اشاعه اتوب مسکینی هلالا ایتدی * مقابله احسانده اسائن
 ایدنله عرب (جزا جزا سمار) دیو ضرب مثل ایتدی (روایت) میرخوانده مذکور در که ملوک عجمدن
 رز جرد الاثینک هر طوغان اوغلی بشامامغین بهرام طوغد قده شهر حیره نلک آب وهواسی خوب اولوب ملوک
 حیره آنک تحت یننده اولمغین بهرامی نعمانه ووروب بودخی حیره به کتوروب رعایتله بسالیوب ولایت رومدن
 معمار سمار کتوردوب سدیروخورنق نام ایکی قصر مقبول محیر العقول یابدروب نعمان اکا کلی احسان
 ایدوب اودخی بکا بودر رعایت اوله جغن بیایدم دخی اعلا یساردم دیدکده بنسدن غیر یله بوندن اوسین
 یا عسودن دیو قصردن اشاعه اتوب هلالا ایتدی (ترک ملک) مزبور نعمان بت پرست اولوب لکن وزیر
 نصارادن اولمغین برکون وزیر خسته تدبیر (محرره) خف من الله ایم العاقل * لکن عن عذابه غافل *
 اقتصر فی صلاح عاقبتک * واسع فی نظم حال آخرتک * مفهوم منجه بعض نصیحت وموعظت ایدوب
 (محرره) دنیا بلاسن جور و جفاسن * قهر و عناسن آخر فاسن * جنت بقاسن حسن و بهاسن *
 نور و سناسن حور و بناسن * ذوق و صفاسن دائم و فاسن * تعبیر دایمیرله تقریر ایدکده نعمانه تأثیر
 ایتمکین دین عیسایه کوروب ملک و مال و اهل و عیالی ترک و محبت حضرت رب متعالی قلبنده برک ایدوب
 زهده اساس اولان بر لباس یلام ایل تارک اوطان و بی نام و نشان اولدی (فصل عاشم در احوال منذر بن
 نعمان) پدری غایب و غیر آیب اولد قده یرینه کچوب بهرامی بوتربیت ایدوب بعد زمان رز جرد وفاتی و آنک
 یرینه اردشیر بن بابک نسلندن خسروی عجملر تخت کجور دکاری خبری کلد کده بهرام طلب ملک پدر ایچون
 عجمه کیمک دیلد کده منذر قرق بیک عرب عسکر یله بیلد کیدوب باب ملوک عجمده بهرام فصلنده تفصیل
 اولد یغی طریقه بهرام تخت کجور کده منذری انواع رعایتله ولایتنه کوندروب بونک اوغلی نعمانی کندویه
 مصاحبکده الیقودی * میرخوانده رز جرد خبر وفاتی کلد کده منذر اوغلی نعمانی بهرامه قوشوب وافر
 عسکرله عجمه کوندردی دینوب بر قاج سطر اشاعیده مقدما نعمانی اون بیک عسکرله کوندروب در عقب
 اونوز بیک عسکرله کندومی دخی بهرامله عجمه واروب بهرام تخت کجوری دیو مفصلدر (فصل حادی عشر
 در بیان اسود بن منذر) اعداسنه غزال ایدوب قبائل عرب بدن اهل شام اولان طائفه غسان اعیانندن نیجه لری
 اسیر ایتدی (فصل ثانی عشر در بیان منذر بن منذر) احوالی معلوم اولدی (فصل ثالث عشر در بیان
 علقمة الذمیلی) قنه و شقا و اعداسنه دائم غزا اوزره ایدی بعض کتیده مذکور دکلدر (فصل
 رابع عشر در بیان امر القیس بن نعمان) احوالی معلوم اولدی (فصل خامس عشر در احوال منذر بن امر
 القیس) والده می غایت حسن اولوب انک لقبی ماء السمالو لغین بو کامنذر بن ماء السمالو پدری عاقل کامل
 اولوب اوغلی نعمانه ایتدی بکی بعض نصایح کتیده مذکور در * عجم شاهی قباد من دل زندیقه تابع اولوب منذر
 اومذهب باطلی قبول ایتدکده قباد منذری عزل و قبائل عرب بدن کنده پادشاهی جارت بن عمرو بن حجر
 نصب ایتدی * بعد زمان قبادک اوغلی نوشروان تخت کجور کده مذکور دکل قتل و حارقی عزل و منذری اسکی یرینه
 نصب ایتدی (جنگ) تاریخ ابن شخبه ده مذکور در که اعظم وقایع عرب قبائل لخم و غسانک مرج حلیه
 دیدکاری محاربه عظیمه لیدر که ایکی طرفدن یحیدر و لایعده مر دیندر صحرانورد جمع اولوب مردان نه نلک آهنک
 ماتدیر بونک محکم جنگ ایتدی لکه میدان کارزاردن قلقان غبارده خورشید پر نور مستور قالوب شدت
 ظلمندن یلدر کور غمکه قلاشوب غرایب امور صدور ایتدی * نزاع و غضب خصوصنه سبب بوایدیکه منذر
 ستوده شمائل ایل قبائل بکر بن وائل اراسنده سابقدن عداوت اولوب ظفر میسر اولورسه فلان طاغث
 باشندن اتکینه دل خانلرین روان ایتمک پیمان و ایمان ایتمش اولمغین طائفه بگردن وافر کسینه قتل ایدوب
 عاقبت میبندد خائن اولما مغبه باعث اولمغین فان اوستنه صود و کوب طاغ اتمکینه آتدی (امور)
 میرخوانده مذکور در که نوشروان جلوسنده منذری یرینه حیره به پادشاه ایتدکده ملوک غساندن خالد
 ابن جله منذرک ملک کتیرینه عسکر چکوب بوابعدن نیجه لری قتل و دوه لری و بعض ماللرین تهب و غارت
 ایدوب منذر نوشروانه شکایت ایدوب اودخی قیصر رومله صلح اولد قده واروب دیار بکرده داراورها دیار
 شامده قنسر بن وحاب و انطاکیه شهرلرین الوب ضبط ایتدی (فصل سادس عشر در احوال حارث

ابن عمرو بن حجر الکندی) قبائل کنده پادشاهی ایکن عجم شاهی قباد منذری عزل و بونی انک یرینه حیره
 ولایتنه و لخمیون ملک کتیرینه پادشاه ایدوب بعده نوشروان بونی عزل و منذری تکرار حیره به پادشاه ایتدی
 تکیم بر قاج سطر مقدم بیان اولندی (فصل سابع عشر در احوال عمرو بن هند) منذر بن ماء السمالو اوغلی
 اولوب پدری کبی والده سنه منسوب اولمغله مذکور مشهور اولدی * حضرت خرق عالم صلی الله علیه وسلم بونک
 زمانده دنیا به کتشد در عمرو دیار حجازه و جلالت قبائل نسل منضربن نزاره دخی حاکم اولوب سلطنتی قوت و شوکت
 بولمایدی * کتب مناقب و مناقب طائفه لخمیونک مغیری و اشرف و اشهری ایکیدر که بری عمرو و محرق
 بری عمرو بن هند در دینوب * قاموسده عمرو بن هند دخی محرق دیرلری زیرانی تمیدن دارم قبیله سسندن
 یوز کسینه بی آتسه یا قدی دینوب بهض کتیده عمرو ایچون قتل اولندی دیومذ کورد (فصل ثامن عشر
 در بیان قابوس بن منذر بن ماء السمالو) برادر عمرو بن هند یرینه کچمشدر سارا حوالی معلوم اولدی
 (فصل ناسع عشر) در احوال نعمان بن منذر بن ماء السمالو (قصه عیبیه) هر ویدر که نعمان اهل عیش
 و نوش اولوب بر کجه سر خوش ایکن بر مقبول مصاحبی غضبه طیراغه کوموب ایرتسی غایت پشیمان
 و خاطری یریشان اولوب آخر عمر نه دل برکون حضور یرینه هر کیم کورسه قتل ایرتسی کتله عفو و احسان
 ایتمک پیمان و ایمان ایدوب اولدی کونه یوم بوس ایکنی کونه یوم نعیم دیو آد قنوب خصوص مزبور ایل
 اوچیز بیلدن زیاده عمل ایدوب عاقبت یوم غضبه حکمت اله ایل ناکاه اولاد و عیالنه نفقه ایچون درمان
 ارار بر قیصر الحلال و عذیم النوال کسینه راست کوب نعمان انی قتل ایتک دیلد کده واروب اولاد و عیالاله
 جلالتشوب کاهیم دیوب نعمان کفیل ایستوب نعمانک مصاحبلندن شریک بن عدی آدلو بر اهل کرم کلن
 اکا ضامن اولوب حریف غم ایف کیدوب اخشامدن مقدم کل استیصال ایل کوب عهدنه وفا ایچون قتله
 رضاسنه و ندیم کریم بویه امر عظیمه بر بیلدی کسینه به کفالتله اجتراسنه نعمان حیران اولوب اول فقیر
 صادق و مستحقه و افرا حسان ایدوب باعث نفرت و لغت اولان عادتدن دخی فراغت ایتدی * صبحان
 من جعل الصدق و الکرم سببا للخیات و قضاء الحاجات و رفعة الدرجات (محرره) صدق و اخلاصدر
 نجایه سبب * باعث رحمت و رضای رب * راست اولانک ایشی راست * لور * طوغر و اقله مراده
 واصل اولور (متفرقات) هر ویدر که عجمه ای شقایق اولان کنجک چچکی آل رنک اولمغین نعمان انک
 نظرینه مائل اولوب مسکنی قریبده تارلارده کدروب قوپاره سونردیو قوریدوب رغبت ایتمکین اول
 چچک شقایق نعمان دیکله مشهور جهان اولدی * نیجه معتبرانده نعمان اوچیز بیلدن زیاده یشایوب هجرت
 حضرت رسولان ایکنی بیلنده نعمانی عجم پادشاهی خسرو دین نصاریه کیدری دیو حبس ایدوب زندانده
 وفات ایتدی دینوب * میرخوانده خسرو نعمانی قتل ایدوب برینی ایاس بن قبیصه به ویردی دینوب *
 کاب الخیصده خسرو نعمانی حضرت رسولک نبوتدن یدی ای مقدم قتل ایتدی دیومذ کورد و الله اعلم
 (فصل عشرین در بیان منذر بن نعمان بن منذر بن ماء السمالو) احوالی معلوم اولدی بعض کتیده بونی اصلا
 یازما مشر (فصل حادی عشرین در احوال ایاس بن قبیصه الطائی) عجم شاهی خسرو بهرام چوینندن
 قاجوب ساطنندن مقارفته جزع و یأسله و ناامیدی و یأسله ایاسه اوغرا یوب بودخی خسرو اکرام بید و قیاس
 ایدوب بعده خسرو قیصر رومه ولور مشدر تکیم باب ملوک عجمده خسرو فصلنده تفصیلی کجوری بعض کتیده
 حضرت رسول علیه السلام بونک زمانده پیغمبر اولدی دینوب بعضنده دخی بونی و کوره اولنلری اصلا
 یازما مشر (فصل ثانی و عشرین در بیان زادویه الهمدانی) کسرها و سکون میم ایلهمدان طائفه عرب بدن
 قبائل اهل یمندن بر قبیله نک اسمندر (فصل ثالث عشرین در احوال منذر المعزوری) که نقطه سحر حرف
 عینله در حضرت ابو بکر خلافتنده صحابه دن خالد بن الولید مدینه دن عسکر ظفر مغفر ایل کفار مرقم
 اوزرلرینه سفرایدوب شام و حلب و بعض ممالک عجم و روم و عرب فتح اولد قده حیره ولایتن دخی امانله الوب
 منذری و قومی خواجه کسوب ولایتلرینه مسلمانلر حکم ایتمک باشایوب دیدلری خیره اولان ملوک
 حیره دوات غیره واردی دیو مبتلای حیره اولوب سلطنتلری تمام اولدی * فالحمد لله علی ظهور دین الاسلام
 (باب خامس عشر در احوال ملوک کنده)

کسر کاف و سکون نون ایلد در قاموسه مذکور در که طایفه کنده نوبین غیر نسلید که باباسنی ترلایدوب
دایلی یانه وارد یغیون کنده دیوملقب اولدی کنود کفران النعمه دیکدر (فصل اول در احوال حجر)
ضم جیم و سکون حایله در ملوک یمندن یزدین کهلان بن سبا اولادند در طایفه لخیون المازندن حالا
دیاربکر دیککاری بکر بن وایل ولایت غصبله الوب پادشاه اولاشد (فصل ثانی در بیان عمرو بن حجر)
احوالی معلوم اولدی (فصل ثالث در احوال عمرو بن لخی بن قعنه بن خندف) اهل عزت و شوکت و قدرت
و مهابت اولوب یزدین کهلان بن سبا نسلسند در (ضلائع عرب) معتبرانده مذکور در که جمیع قبائل
عرب قدیمین دین قویم حضرت ابراهیم اوزره ایکن کافرت پرست اولمیرینه عمرو مستحق الجزی ارب سبب
اولدی اصلی بودر که شامه واروب طایفه عمالقه فی مزین صخره طیارلر کوروب صورده فتح و نصرت و نعمت
وبر کتمز اولدند در دیوهره سوبلد کارنده کمال حاکمندن اول بدنه سادله اعتقادا یتکیکن انلردن هبل آدلو
برصم الوب عربستانه کتوروب کعبه معظمه نک دیوارنه آصوب خلقی اککا طایدردی بعد زمان قبائل
عربدن هر قبیله برصم ایدوب بشقه برآدقوب اککا طیار اولدیلر (اظهار بدع) معتبرانده مذکور در که
بعض خصوص ایچون حیوانات آزادایدوب مرعاره صالوبانی ثواب و من بعدانی قوللغنی حرام عدا یتک
وقول و جاریه آزادایدوب و لاسن یعنی میران اسقاط ایتک که طایفه عرب یوایی قصه به سابه دیرلر ایدی
وبر نایقه یعنی دیشی دوه بش کره طوغروب بشنی ارکک اولدقه دوه بی آزادایدوب اککا علامت ایچون
قوللرین کسوب مرعاره صالوبانی یکی قوللغنی حرام عدا یتک که اول نایقه به بهیره دیرلردی مزبور
عمرو بدعتلر دیر کتب حدیثه (اول من غیر دین ابراهیم عمرو بن لخی بن قعنه بن خندف ابو خزاعه) دیو
ودخی (رأیت عمرو بن عامر الخزاعی یجر قصه فی النار و کان اول من سب السوائب و یجر البجیر) دیوودخی
(رأیت عمرو بن لخی بن قعنه بن خندف اخای کعب هولا یجر قصه فی النار) دیو احادیث شریفه یازلمشدر
تفسیرده (انما النبی زیاده فی الکفر) آیتی معنا سنده ابن عباسدن مریدر که طایفه عرب اشهر حمدن
هر ابستدکاری آیی ایچنده قتال ایتکی تحلیل وانک یرینه سائر اولردن برین تحریم ایتک بدعتیکه وقتندن
تا اخیر سبیلده عربجه کانی دیرلردی مزبور عمرو بدعتلرند در بطریقله جمیع شهر و سینه یلورلرندن
خصوصا زمان حج وقتندن شاشوب حضرت رسول علیه السلام هجرتک طقوزنی ییلنده حجه الوداع
دیدلری حجه که حضرت رسولک بالذات حج ایتدکاری تاریخدر زمان قدیم شرعیسی اولان ماه ذی الحجه به
راست کلدی (متفرقات) مریدر که قبائل عربدن اولوب سابقا ولایت یمنده سیل عرم ظهورند
یندن کلان طایفه خزاعه اشبوعه و منسوب ایدیلر بعض معتبرانده طایفه خزاعه قدیمین مکده اولان
طایفه جرهمی جبر و قهرایله ولایت یمنه سورکون ایتدکارنده عمرو بن لخی بی جله عرب قبیله لری کندولره
سردارایدوب هر نه بدعت احداث ایتسه قبول و تحسین وانی کندولره دین و آیین تعیین ایدرلردی * زیر امر بور
عمرو عر بلره اکرام و اطعام و هر موسم حجه لباس انعام ایدرلردی دینوب * تاریخ ابن کثیرده مذکور در که
جمیع قبائل عرب دین حضرت ابراهیم اوزره ایکن عمرو بن عامر الخزاعی ظهور ایدوب مکدن حکومت و بیت
الله شریفک خدمتین حضرت رسولک اجدانک المازندن غصبله الدقه عبادت اصنام پرالوات و نیجه منکرات
مفاسد احداث ایدوب طایفه عرب ایسه جهلا و لغین انلری دین و آیین ایدوب کفر و مشرکین اولدیلر * لکن
عر بلر ایچنده دین جلیل حضرت ابراهیم الخلیل اوزره مصر و باقی و مستر قالمش کسنه لر جابجیا اکسک
دکلدی * طایفه خزاعه اوچیموزیل مکده حاکم اولوب اشبوعه مدت شامت اوزره کچوب بعده اجداد حضرت
رسول عالجینا بدن قصی بن کلاب بعض قبائل عرب معاوتیلر خزاعه طایفه سیله جنک ایدوب مکد شهر فی
خزاعه نک المازندن الدیلر (فصل رابع در احوال زهیر الککبی) چوق بشایوب اعداسیلر دایما صواشوردی
عاقل کامل اولغین کاهن دیوملقب ایدی برکون چوق شراب ایچمکیکن هلاک اولدی (فصل خامس در احوال
کلب بن ابی ریععه) سلطنتی قوت و شوکتده اولغین یمن پادشاهنک عسکر یله جنکده انلری منظم
و نیجه سن قتله منعدم ایتدی (فصل سادس در بیان زهیر بن العبسی) بعض جنکده قتل اولوب بوندن
زیاده حالی معلوم اولدی (فصل سابع در احوال قیس بن زهیر) امر و نهی و جد و سعی ایدوب اعداسیلر

جدال و قتال النصره حضرت رب براکبر بونی هدا یتنه مظهر ایتکیکن بت پرستلکدن فراغ و عدول و دین
مبین حضرت عیسیاه دخول ایدوب ترل سلطنت و اختیار عبادت و سیاحت ایتدی (فصل ثامن در احوال
حارث بن عمرو بن حجر) بعض معتبرانده قیس بن زهیردن اشاغیسی یازلمیوب لکن تاریخ ابن شحنه ده اول
ملوک کنده اولان حجر وفاتده یرینه اوغلی عمرو کچوب انک دخی وفاتده اوغلی حارث وارث اولوب ملوک
عجمدن قباد حیره پادشاهی مندر بن ماء السمانی عزل ایدوب برین کنده پادشاهی حارثه و ربوب ایکی سلطنت
جمع ایتکله حارث قوت و شوکت بولدی قبادلر یرینه اوغلی نوشروان کچد کده حارثی ردایدوب مندری
یرینه کچوردی دینوب * قاموسه مذکور در که اول عربدن بر قاج کسنه محرق لقبیلده مشهور اولوب جله دن
بری حارث بن عمرو ایدی (فصل ناسع در احوال حجر بن حارث بن عمرو بن حجر الاکبر بن عمرو بن معاویه
ابن الحارث بن معاویه بن کنده بن نوبین مرتع بن معاویه بن الحسانده بن عفر بن الحارث بن مره) تاریخ
ابن شحنه ده پدری بونی قبائل عربدن بنی اسد و بنی خزیمه طایفه لری یرینه براوغلی بنی سائر قبائل عرب
پادشاه ایتدی دینوب لکن کند و حیاطده می ایتدی وفاتده نصره اولغهی وصیت ایتدی بیان اولنما مشدر
مشهور عالم اولان امر القیس شاعر بونک اوغلیدر قاموسه قبیله بنی اسد دن کامل نام کسنه امر القیسک
پدری قتل ایتدی دیومذ کوردر (فصل عاشدر در احوال امر القیس) مشهور دنیا و افصح و اکمل جمیع
شعراء عرب با اولان شاعر ماهریم متابودر * پدری حجرک یرینه پادشاهیکن نوشروان بونک جدی حارثی
ولایتندن سوروب بوطایفه نک دولتری منقرض اولدقه امر القیس تفرق انصار و اعوان ایچون احزان
فراوانله قیصر رومه واروب بعد زمان دونوب کورکن برروایتده بولده انک و ریده وفات ایدوب لکن اکثر
نوار یخده بر طریقله قیصر رومک قزیمه عاشق اولوب بلند کده قاجوب قیصر بوکا انجنوب زهر لوقه شان
کیدروب بولده بدنی چور یوب هلاک اولدی دینشدر * مریدر که فصاحت و بلاغتی حدنما یتی کچمکیکن فصحا
و شعراء عرب بوکاتسلیم و تعظیم ایدوب حتی عبرت و خبرت و سجده و تکریم و تحیت و رعایت ایچون کعبه
معظمه نک قاپوسنه اصدقلری سابعه معلقه دیومشهور دنیا و اصل درجه علیا اولان بدی عدد قصیده
بلیغه نک بریسی بونک ایدی که مطلبی بودر (نظم) قضا یتک من ذکر ی حبیب و منزل * بسقط اللوی بین
الدخول فومل (فائده) اتفاق آراء عولا اوزره جمیع طوائف عرب ایچنده اشبوعه قصیده دن ابلاغ
وافصح بر قصیده دینما مشیکن حضرت رسول قرآن نازل اولدقه عظماء بلغاء عرب قرآن عظیم الشان باهر
البرهانک کمال بلاغتنه و انواع علامتنه حیران و سرگردان اولوب شدت تجلتلرندن قصیده لری کعبه قیوسندن
ایتدروب بنهان ایتدیلر (حکایت) بعض کتبده مذکور در که حضرت رسول علیه السلام
سوره اذالزلات نزول ایدوب صحابه به بونی او قوده لرند امر القیسک همشیره سی انده اولغین یار رسول الله
برادر مک شعری سزه اوقیایم دیوب اجازت اولدقه بوشعری اوقیدیکه (نظم) اذا الساعة
اقتربت مالها * وزلزات الارض زلزالها * تمر الجبال علی سرعة * کسیر السحاب تری
حالها * و تفتط الارض من نفثه * هنالك تحدث احوالها * و نفسک ما قدمت
احضرت * ولوزرة کان مثقالها * یحاسبها ملاک عادل * فاما
عليها و اما لها (نثر) بوشعر مقبول مسموع حضرت
رسول اولدقه (قاتل الله امر القیس سید
الشعر و قائد هم الی النار لقد نطق
بالوحی قبل ان ينزل) دیو
بیور مشدر

(بسم الله الرحمن الرحيم)

الحمد لله الذي فتح الاسلام ليعلمها ويوحده * وخلق الامكنة ليعبد فيها ويمجد * وفرق فرق البرايا لتعبر
الاقطار والزوايا * والصلاة والسلام الايمان * على حبيبه المرسل الى كافة امم الانس والجان *
وعلى آله واصحابه وعترته واصحابه الذين نصر واسنته بجلوس القواد * ونشر وامنته الى جميع البلاد (اما بعد)
قسم ثامن كتاب مرآت الكائنات اولان اشبو اوراق فوائد سمات * باعث اختلاف السنه ولغات * ومورث
افتراق جلائل قبائل باقطار كائنات * واسامي واحوال امم عالم * از زمرة بنى آدم بيانته اولوب همان ايكي باب
توزيع لكن باب ثاني يكرمي دوت فصله تفريع اولنشد * وما التوفيق الا بالله هو حسبي ولا اله سواه

(باب اول در سبب اختلاف لغات واتشارام بكائنات)

بوايكي خصوصه بعد التبع الا وفرظف بولنان معتبرات تقاسير وتوار يخ وسير بر صبرده متعلق نظر عبد احقر
اولان روايات صحت اثر بولدر كه بلو بر ينك ربحان نامي غير مقرر اولغين جمله سي محرر اولدي (روايت)
تاريخ ابن سنيحه ده مذ كوردركه اولاد نوح بن عليه السلام طوفانده نصكره چوغالوب بنش ايكي فرقه اولوب
تكرار طوفان اولمق خوفندن ولايت بايلده جمع اولوب خاكدن افلاكه دك بر حصار استوار فلان وارينا سنه
قول وقرار ايدوب هر فرقه ايجون بر برج يابد قلزنده جمله سنك سويلشد كاري لغت برايكين هر فرقه
بر درلودل سويلوب عابر بن صالح بن ارغند بن سام بن نوح عليه السلام انله فارسماغين حق تعالى
آني لسان عربي اوزره باقي قودي * اولاد نوح دنياه طاغلوب سام بن نوح اولادي هندستانه وارنجه عراق
وفارس ولايتلرينه * حام بن نوح اولادي جنوبده مصر ومغرب طرفلرينه * يافت بن نوح اولادي
مشرقده ولايت چين سنه واروب نوبن ايتديله * قصة تبديل السنه رغوبن فاخ بن عابر بن صالح طوغد قده
ظهور ايتدي (روايت) كتاب مستظرفده مذ كوردركه دنياه ابتدا بايلان بنا عمرود اكبر بن كوش
بن حام بن نوح عليه السلام بايلده مجرد احتمال طوفان ثاني ايله طاش وياقردن كر بجلله يابد يعني صر حدركه
ارتفاعي بش ينك ذراع ايدى بر كيجه كوكدن غايت هيتلو صداوند اكوب غضب الله ايله ناكاه صرح بيقلوب
دهشتدن جمله خلق غشي اولوب شاشوب ديللري طولاشوب اختلاف السنه ولغات ظهور ايتدي (روايت)
تفسير لبابده ومعلم التميز بلده حضرت ابراهيمي آتسه اتان عمرود بن كنهان اسحق كمال ضلالت وغايت
جهالتندن كوكة چقمق ديله كده ديار بايلده ابن عباس قولنجه ارتفاعي بش ينك ذراع كعب قولنجه ايكي فرسخ
يعني اون سكر ينك ذراع بر صرح مشيع وقصر رفيع يابد روب بعده غضب رب قهار اكبر ايله باد صر صراسوب
صرح بيقلوب باشي درياه باقيسي عمرود ايله قومك شهرى اوزرينه دوشوب اكثر بن باصوب هلاك
ايدوب باقيلرينك خوفندن ديللري طولاشوب بنش ايكي درلواغت بدا اولوب اندن اول خلقك ديللري
سرياني ايدى دينوب * اشبو روايتده تفسير قاضي وكشافده (وقد ذكر الذين من قبلهم فاني الله بنيانهم
من القواعد فخر عليهم السقف من فوقهم) آيتنده وتفسير لبابده (وان كان مكرهم لتزول منه الجبال)
آيتنده ابن عباسدن مفعلا هر ويدركه صرح بيقلده قده عمرود ايله قومك اوزرلرينه بيقلوب جمله سن هلاك
ايتدي دينوب ~~مكن تبديل السنه ظهوري ذكر اولنا مشدر والله اعلم~~ (روايت) ~~ينه لبابده سبب~~
اختلاف السنه ده اولان اقوالك بري بودركه امر الله ايله ناكاه بريل اسوب خلق ديار بايله جمع ايدوب او حالده
بري بررل ينك ديللرينا كلا ميوب بعده ينه بريل اسوب خلق طاغدوب هر طائفه بر درلواغت سويليكه
باشلدي (روايت) ينه لبابده بر قول دخی بودركه حضرت نوح يغمبر طوفانده نصكره ارو عورت جمله
سكسان آدمه كميدن چيقوب بر يوزنده ابتدا بر كوي ياوب اسمعي سوق الثمانين قوديلر * بر كون صباح
اويخودن فالقوب حكمت حقله هر كس براغت سويلدي * كتاب خيسده بوروايته موافق مذ كوردركه
اولاد نوح عليه السلام نوحه نصكره شهر موصولده ساكن اولوب ديللري سرياني ايدى حضرت
رب العالمين بنياد بلاد ايله تعمير روي زمين ديليكين بر كيجه بولنك ديللرينه وقليلرينه مغايرت ومخالفت
دوشوب ايرتسي هر فرقه بر درلواغت سويليكين بايلدن حيرت وغررت وكر بت ايله چيقوب هر فرقه برولايته
دوشوب انده نوبن ايدوب تعميره باشليوب اول ولايت انك اسميله مشهور اولدي (روايت) ينه لبابده

سبب اختلاف السنه ده قول صحیح کعب الاحبار دید و کیدر که ابتدای و سریانی و عبری و سائر دیلار چه کابیر یازوب جمع لغاتک هر بر بنی ابتدا سوبیلن آدم پیغمبر علیه السلام در بو خصوصه (و علم آدم الاسماء کله) آبتی دلیل قاطع و برهان ساطع اولوب (و علم آدم الاسماء کله) حتی القصصه و القصصه (حدیث شریفی دخی صراحتله شهادت ایدر دینوب *ینه لباب و تفسیر کبیرده اصحاب تأویل دیدیلر که حضرت آدم جناب حقن معلم اولمغین اسائی مخلوقاته و جمع السنه و اغانه واقف و عارف اولوب اولادی دخی جمع لغاتی سوبیلوب آدم پیغمبر و فاته بونلر که هر بر فرقه سی بر ولایت کیدوب بر رافت مخصوصه سوبیلوب هر ور زمان و کور و آن ایل یوما فیوما سائر لغتلی اوفدوب دائما استعمال ایتدکری لغت معینه لری اوزره قالدیلر * دیومذ کورد و الله اعلم بما لهم و اعلم

(باب ثانی در اسامی و احوال ام عالم از بنی آدم)

بو عبد احقر و ذره کتر اشوب باب نلیاب فوائد آتسابه بکری درت فصل باهر الفضل صحیح الاصل درج و انلری نیجه کابیدن جمع و ترتیبده بی حد سعی و همت خرج ایتشد که اصحاب فهم باهره بعد التتبع السکلی ظاهر ویدید اولور (مقدمه) اولام معلوم اوله که دور شریف الطور آدم مکرم علیه السلام در و اشوب عالمده اولان طوائف ام حددن بیرون و عددن افزوندر * زیرا کاب کز الاسرارده بعض علماء متکلمین انواع کفر ضالین چوقدر حتی کافر لیدیوز فرقه اولشدر در دیوب * قوار یخده مذ کورد که بر یوزنده انس و جن و یا جوج و مأجوج و شیاطیندن غیری بیک در لواست دخی براد لوب در تیوزی قراده التیوزی در یاده در دیوب * کاب خریدة الحجابیده کار تا بعیندن سعید بن المسیب عالم بیک عدددر التیوزی در یاده در تیوزی قراده در دیوب * ضحاک عالم یوزیکری سکر عدددر التمشی لباس کین اجناس ناسدر باقیلری لباسدن عاری اولوب خالق و بار یلرین دخی باز لردیوب * مقاتل بن حیان عالم سکسان بیکدر نصفی قراده نصفی در یاده در دیوب * مقاتل بن سلیمان اگر عوام احوالی یازیم بیکر ور قلوبیک جلد کاب اولور دیوب * کعب الاحبار عدد عوام حضرت حقن غبرک معلومی دکادر دیوب * قتاده جلد دینا بکری درت بیک فرسخدر * اون ایکی بیک زندگی عربلرک سکر بیک رومک اوج بیک عجمک و دیار چین اتر کنک و بیک جمع قبائل عربک و لایلریدر دیوب * قتاده دن بر روایتده دخی اون ایکی بیک هند و سند سکر بیک یا جوج و مأجوج و بیک روم بیک عرب مملکتلریدر دیوب * فوایح مسکیده ده دخی الله تعالی بیک امت برادوب التیوزی در یاده در تیوزی قراده اولوب هر بر بیک بر در لودیلر و اردر دیوب بوباید دخی بعض قال و قبل و کلی تفصیل بو کابک جلد اولی اولنده عدد عوام مخلوقه ده کیمشدر نظر اولنه * پس ام عالم اگر چه قابل حد و عدد دکادر لکن * مالایدلرک کله لایترک کله مضبوط نیجه اشوب تاریخ مفید و مختصر که بعون الله الملك الاکبر جامع جمیع مهمات کتب قوار یخ و سیر ایدوکی مقرر در ذکر ام بنی آدم دن بالکیه خالی اولماق ایچون ایچلرندن بین الجمهور غایت مشهور اولنلری ظن غالب ایل ترتیب و زمان ظهور لری اوزره علی الوجه المطبوع بیانلر نه شروع اولندی (فصل اول در احوال امت سریان) معتبرانده مذ کورد که اقدم ام عالم بونلر در زیر حضرت آدمک و اولادک و طائفه صابئیه نک لسانلری سریانی ایدی اگر چه آدم علیه السلام بر در لولغت بیلوب اکثر اولاد و نسلنه او کردوب ایچلرنده اول لغتله سوبیلور ایدی لکن اکثر یاسو بیلشدکری خصوصاً عوام ناسک دیلاری سریانی ایدی * شیت وادریض و نوح و بعض قوا نیجه حضرت ابراهیم و لوط و یونس دخی علیهم الصلاة والسلام جله سریانی ایدیلر بنی اسرائیل ظهور ینه دلک اولنله سریانی صکره کلنله عبرانی دیرلر * تفاسیرده مذ کورد که لسان سریانی عربی یه نوعا بکزدی مثلاً ابراهیم لفظی سریانی اولوب معنای ابراهیم اولمغین حضرت ابراهیم دخی جله عالمه بروجه مطبق رحیم و مشفق ایدی (حکایت) معتبرانده هر ویدر که طوفان حضرت نوحه دلک جمیع بنی آدم همان ایکی فرقه اولوب بری اولاد شیت بن آدم علیهما السلام ایدیلر که طاعنلرده ساکن و جله سی سلطان اولوب اکثر چالگری خوب صورت و خاتونلری بدشکل ایدیلر * ایکنی فرقه اولاد قایل بن آدم علیه السلام ایدیلر که مزبور قایل برادری هابیلی حسدا و ظلم قتل ایتد کده کند وسیله اکیز طوغان

همشیره سی اقلیم ایلده هر دود و مطر و داولد قدیمه واروب انکله زندان اولان اولادی چوغالوب جله سی کفار اشرا و عبده قار اولمشدری * بونلرک عورتلری خو بروی اکن کندولری بدشکل و بدخوی اولوب صحرا لرده شهر لری یابوب هر شب و روز ساز و سوز ایل انواع فسق و فجور ایدر لردی * اولاد شیت حضرت آدم وصیتله بونلر قار شیموب کمال مباحثت و منافرت اوزره ایدیلر * بعد زمان اغوای شیطان ایل اختلاط و امتزاج و اندماج و ارتباط ایدوب بری بر لردن قیز * کما حلتوب نسلاری قارشوب بیلدزلری بارشوب مزاجلری الشوب اولاد قایل چوغالوب ربع مسکونی ضبط ایدوب خیلی زمان کچد کده حضرت نوح یونلری طقوز یوزاللی بیل ایمانه دعوت ایدوب عاقبت غضب حق ایل جله کفار طوفانه غرق و انسان جنسندن همان سکسان نفر مسلمان کچی به نبوب قورتلوب انلردن فرق اولدیلر تکیم باب حضرت نوحده تفصیلی کچمشد * معتبرانده مذ کورد که آدم پیغمبر حیاتده قایلدن ماعداسا سائر اولادی و انلرک نسلی جله بر ملت و دین اوزره اصحاب صلاح و ارباب رشد و فلاح اولدیلر بیچون ملائکه کرام جله مسلمانلر صورت انسانده کورینوب مصالحه و سلام ایدر لردی * حضرت ادریس کوه کچکچیمه دلک حال بو منوال اوزره ایدی حضرت آدم و شیت و ادریس و نوح شریعتلری و احوال نسل و ذریلری جلد اولده هر بر بیک با بیلرند کچمشد و نظر اولنه که جله سی سریانی ایدیلر (قوائد) فوایح مسکیده ده السنه و لغات یتش ایکیدر که افضل عربی اولوب جنتده جمیع اهل جنت انکله سوبیلشد کاری مقرر در علماء دین قننده ثابته اولان صور رسمیه بیدییوز قلدلر زیر آدم علیه السلام بیدیوز در لولغتله تکلم ایتشدلر انک افضل عربی در خبرده کلمشدر که حق تعالی آدمه جنت مر سینهندن اوزرنده حروف معجم یازوب بکری بر ورق انزال ایدوب هر ویدر که آدم کابک مراد ایند کده اشکال و صور سمیات حروف قوالب نورانیه ده متشکله و متشکل اولوب بو حالت پر غرات آدمک خصایص و کرامتلرنددر * تاریخ ابن خلکانده جمیع کابات ام شرق و غرب اون ایکیدر که کابک عربیه جبریه یونانیه فارسیه سریانیه عبرانیه رومیه قبطیه بر بریه اندلسیه هندیه صینییه در دینوب * کابک عربیه دن غیری جمیع لغات اقلامنک حروفی ایچد هوز حرفلری ترتیبی اوزره در * سریانی و عربی و مغلیدن غیری جمیع لغاتک کلماتی ترکیله یازلیوب حروف مقطعه ایل یازلور و لسان سریانی و عبرانی و عربی و غیره کابک نکل سطر لری صاعدن صوله یازلوب لسان قبطی و یونانی و رومی کابکی صولدن صاغه یازلور * و حروف تهجی مسهلرینک تلفظنده عربی و سریانی ماینشده نوعا مشابیه و مناسبت و اردر * مثلاً ایچد هوز حرفلری لسان سریانیده بو جهله اوفدور که الف بات جیم دالت های و او زای حات طات یوت کاف لات میم نون شکت عاقا صادی قوف راش شاین ناو نو خاذیل ذاطاغا لکن اشوب الفاظک صور و اشکالی اول اغتده بواصوله یازلیوب اشکال رمله بکزر و اندن اغرب بعض صورتلر اوزره کابک اولنور دیومذ * کور اولوب مزبور صورتلر بالتمام انده یازلشد (فصل ثانی در احوال امت صابئیه) بو طائفه نک تعریفنده کلی اختلاف اولنوب تاریخ ابن شیمه ده بونلر مصرده اهراملرید کبری عظیم بنالرک او چخیستنده مد فون اولان صابی بن شیت پیغمبره منسوب اولدیلر ایچون صابئیه دیومذی اولدیلر * بونلر دین و آیینلرین شیت و ادریس علیهما السلام دن الوب ادریسه منسوب بر کابلری و ارایدیکه ایچنده صداقت و شجاعت و غریزه و حرمت و بعض اشراف اوصاف و اوصاف اشراف ایلده امر و ذائل اخلاق و شمانلندن نهی اولنوب هر کون بیدی وقت غازیلر لردی * بری وقت ضعی ده و بری کیجه نک التخی ساعتده بشی دخی امت محمد تمنازلری و قننده ایدی * جنازه غازیلر دخی قیلوب کیجه نک ربغندن ایرتسی اخشامه دلک صوم اوزره شمسیه حساب نیجه بیلده اونوز کون اوج طوب کونش جل بر جنه و ارایدنی کونی بیرام ایدوب شرق زحل و مشتری و مریخ و زهره و عطارد در بر بیراملری دخی و ارایدی * ولایت شامده شهر خران قر بنده بر مکان مخصوصه حج ایدوب بنی آدم دن ملائکه افضلدر دیواعتقاد ایدر لردی * بونلرک دینلری اقدم ادیان اولوب اکثر خلق جهان اومذ هیده ایدیلر تدر نیجه بدعتلر ضم اولمغین چوق زمانده صکره ابراهیم پیغمبر لک دخی جله سی ابطال ایدی * صکره کلان جمیع انبیا و امم ملت و دین قویم حضرت ابراهیم

اورزه اولوب نهایت بعض احکام شرعیه امی حقه نوعا مغایرت واقع اولمیشدر * فواج مسکیده
 علم طلسمانده ابتدا تکلم ایدن طائفه صابئیه در دینوب * میرخوانده صابئیه بر طائفه در که کندورین
 شینه منسوب وانک نبوته اقرار ایدوب ایچلرنده بر کتاب وارایدیکه یوز یکریمی سوره اولوب اکار یوز
 اول دیرلردی دینوب * تفسیر قاضیه مذهب صابئیه نصاری و مجوس مایینده ایدی بعضلر قولنج
 اصل دینلری نوح پیغمبر دینی اورزه اولوب بر روایتده ملکه یا خود یلدزلره طیارلردی دینوب * تفسیر
 لبایده صابئیه یهود و مجوس مایینده آتش پرست بر طائفه در که مجاهد ایدلر ابوحنیفه قولنج اهل
 کابدن دکل ایدیلر * بعضلر قولنج توحید خدا ایدوب کتاب زبور اوقیوب کعبه یه قارشو غازیلوب
 ملائکه یه دخی عبادت ایدوب هر دیندن بر قاج نسنه جمع ایتلشدی * بعضلر قولنج یهود و نصاری مایینده
 بر طائفه در که باشلرین اور تاسن تراش و ذکرلرین بالکلیه قطع ایدرلردی * بعضلر قولنج بر طائفه ایدیلر که حالا
 بالکلیه منقرضلردی * بعضلر قولنج حضرت ابراهیم پیغمبر قومی ایدیلر که یلدزلره طایوب انلره کسدانیون
 دیرلردی دینوب * بعض کتیده ابراهیم پیغمبر طوغدیغی بابل ولایتی خلقنه کلدانیون حران شام جزیره
 ولایتلری خلقنه کسدانیون دیرلردی کواکب سبعة سیاره یه و بعض اصنام عبادت ایدوب قطب شمالی یی
 قبله ایدینوب عالمک خالق و مدبری نجومدر دیرلردی دینوب * تفسیر کیمبرده کسدانیون و کلدانیون
 ایکی مذهب اصحابلر که بعضلری حق تعالی عالمی برادوب کواکب نجومی صلا و دعایه قبله ایدوب
 انلره تعظیم ایتلر امر ایتدی دیوب * بعضلری دخی افلاک و کواکب و جله عالمک خالق الله تعالی درلکن دیناده
 خیر و شر نفع و ضرر و محض و سائر جوهر و عرضه تقدیر و تدبیر ایدن کواکبدر پس انلرک
 تعظیمی انسانه واجد در دیوب دین حضرت ابراهیم بوجهلک مذهب برضالالین رد و ابطال ایتدی * دینوب
 تفسیر ابو السعود بر محله کلدانیون زمان سابقه بر قوم ایدیلر که کواکب طایوب انلری مدبرات عالمدر
 دیرلردی حق تعالی ابراهیم پیغمبری اوج فرقه نیک مذهبلرین ابطاله ارسال ایتلشدی * بری صابئیه در که
 افلاک و نجوم لذات و احوال و احوال الوجود در دیوب * ایکنی عبده اصنامدر که افلاک ایچون الهلردی دیوب
 هر بر فلکک اسمنه بشقه صورت دوزوب طیارلردی * اوچنی شونلردی که افلاک و نجومک خالق و اردر لکن
 تدبیر امور عالمی انلره تفویض ایتلشدی دیرلردی دینوب * بر محله دخی صابئیه ایچون بعضلر آتیه طیارلردی
 دیوب بعضلر آیه کونیه طیارلردی دیوب * بعضلر نصارادن بر طائفه ایدیلر که انلردن آیلرولب قیلر جولار
 کیرلردی دیوب * بعضلر یهود و نصاری دینلرینک هر برندن بعض نسنه لولوب برینه قارشو دیوب افی
 کندورلر دین و مذهب ایدینوب عالمک ایکی اصلی و اردر که بری نور و بری ظلمتدر دینلرینلردی دینوب * بر محله
 دخی طائفه صابئیه نیک شرع حکمی و حلالی امام اعظم قنده اهل کتاب حکمی کبیر * امامین قنده صابئیه
 ایکی فرقه در بری زبور اوقیوب ملائکه یه عبادت ایدوب بری کتاب اوقومیوب یلدزلره عبادت ایدوب
 ایکیسی دخی اهل کابدن عداوتلر دینوب * تفسیر جلالینده صابئیه یهوددن یا نصارادن بر فرقه اولوب
 امام شافعی قولنج نصارادن بر فرقه در دینوب * کتب فقهده امام اعظم قولنج صابئیه اهل کابدن اولوب
 زبور اوقیوب کواکب عبادت ایتیمولر لکن بر قبله یه تعظیمالستقبال ایتدیکمز کبی کواکب تعظیم ایدرلر
 امامین قولنج کواکب عبادت ایدوب کابلی اولیوب عبد قاصنام مقوله سی دیرلردی دیوب * کنز الاسرارده
 اولان اقوالک بری دخی بودر که بعضلر قولنج صابئیه بر طائفه در که لاله الا الله دیوب یوندن غیری امور
 دینیه دن اصلاحی بر سنه ایلد مقید اولر و الله اعلم بالصواب (قائده) تفسیرده مذکوردر که اصول
 جمیع ملل و ادیان و رؤس مذاهب ام جهان (ان الذین آمنوا و الذین هادوا و الصابئین و النصاری و المجوس
 و الذین اشركوا ان الله یفصل بینهم یوم القیامه فیما کانوا فیما یختلفون) آیتی دلالتی اورزه همان الی عدد
 اولوب بری دین اسلامدر بری ادیان کفار ائمه در که دین یهود دین صابئیه دین نصاری دین مجوس دین
 مشرکیندر * اشبو ادیان سنه متنوعه اصحابدن هر بر طائفه دخی متفرق و فروع دینده غیر متفق اولمغین
 مسلمین و نصاری و یهودلر هر بری یتش ایکشر صابئیه و مشرکین و مجوس دخی نیجه فرقه لولوب بوالی عدد
 ادیان عظیمه دن هر برینک ایچنده نیجه طائفه و مذاهب مختلفه پیدا اولدی و الله الهادی الی سواء السبیل

(نکته) دهر یون و طبیعیون و سوفسطائیه و ملاحده و نادقه که انلرک هر بری عالمک خالق و صانع
 یوقدر همان هر شی کیندودن موجود اولوب پس عالم مخلوق اولیوب قدیمدر دیوب حشر و نشری
 دخی انکار ایدرلر خصوصاً فلاسفه و حکما و براهمه که وجود باری تعالی یه مقر و مصرا اولوب لکن شرایع
 و ادیان کیمی حاجت یوقدر دیوب کیمی مراجعت ایتیمولر مجرد عقول قاصره و آراء خاسره لینه اعتماد و جمیع
 امورده همان عقل وافی کافی در دیوب اعتقاد ایدوب ایتیا و شرایعه انقباد ایتما مشلردی * اشبو فرق ناحق سائر
 کفاردن اجهل و احمق و اغله الحق زمره اندن عداوتلر دیوب بهایم و جادانه ملحق اولمغین * اصناف کفره
 بشدر دینوب ذکر اولان اصناف بی انصاف حق انصاف کفارندن دخی عداوتلر دیوب دائرة انسانیه یه
 دخوللری رد و صد و اول باب بالکلیه سد و شد اولمیشدر (فصل ثالث در احوال قبطنیان) بوطائفه
 قبط بن حام بن نوح علیه السلام نسلندن ایدیلر * تاریخ ابن شحنه ده قبط ایلر فرنگ قوط بن حام اولادندن
 ایدیلر دیومذ کوردن تبیل السنه ظهورنده حام کندوسی یا خود اولادی مصره واروب قوطن ایدوب
 نسللری چوغالادی جمیع قوم قبط صابئیه دیننده اولوب اصنام و هیاه کله طایوب علملری طلسم و نارنجاده
 و سمیا و کیمیا و جحرده ماهر اولمیر ایدی * بوطائفه نیک پادشاهلری احوالی مفصلا کیمشدر نظر اولنه
 فرعونک قومی دخی قبطدن اولوب حالا دخی ولایت مصر خلقینک نیجه سی و رعایاسنک اکثری قبط نسلندن
 بعض کتیده اهل مصر آتیه و صغله طیارلردی دیومذ کوردن حالا دیار رومده چنکانه دید کاری
 طائفه یه دخی قبط دیرلر غالباً قبط طائفه سنک بقایایی نسللری در و الله اعلم (فصل رابع در احوال
 امت فرنگ) قوط بن حام نسلندن ایدیلر مرور زمانله امت فرنگ طوائف متبیده و فرق غیر متبیده اولوب
 جله سی کفار ایکن هر فرقه نیک بر مستقل دین و آیین باطللری و اردر حضرت عیسی نبوتند نصکره
 اکثری دین نصاریه کیروب لکن یهودیلردن بر مکار و حیل کار بونلرک بر قاج فرقه لرینه بری برینه
 مخالف انجیل شریف نسخه لرین یازوب و یروب ارارینه جدال و قتال بر ایتلدر نیکم باب احوال
 عیساده سبب تغیر دین نصاری سرچیننده یازلشدر و اوسیدن کثرت طوائف فرنگ اصلده نصاری
 و اهل انجیلدن اولوب لکن کابلی ناهموار اولمغین احکام دینده خصوصاً امور عرفیه و عادات دنیویه ده
 اکثر یا اختلاف و افتراق و عداوت و شقاق اورزه دیرلر مملکتلری جزایر و دیار کارنده اولوب و هر برنده
 بلاد معموره کثیره القری اولوب هر فرقه نیک مستقل پادشاهلری و اردر بوطائفه نیک اخلاق و اوصاف
 و اکثر احواللری معلوم عالم اولمغین تفصیل اولمغدی (فصل خامس در احوال امت عجم) که بونلره فارس
 دخی دیرلر ضم فاسکون را ایلر فرس دخی دیرلر * فارس بن ارم بن سام بن نوح علیه السلام یا خود فارس
 ابن ارم بن سام یا فارس بن لا و دین سام نسلندن اولوب * تاریخ ابن شحنه ده مزبور فارس جد طائفه عمالقه
 اولان علیه ق برادر دیرلر دیوب * شرح مشرقده فارس بر قومدر که فارس بن علم بن نوح نبی یه منسوب
 ایدیلر دینوب بعضلر قوم فرس یافت بن نوح علیه السلام اولادندن دیوب * مرویدر که بوطائفه
 بزکیو مرث اولادندن دیوب اتی آدم پیغمبر کبی بشقه اصل صاحب نسل اولمق زعم فاسد ایدرلردی
 شهر زور و لایتنده اولان طائفه کورد و ماوراء النهر ایلر ولایت چین اطرافنده کی ترک و تاتار طوائف
 فرس دن معدود در دیشلر * جمیع طوائف عجم قدیمدن صابئیه دیننده ایکن ملوک عجمدن کشتاسب زماننده
 زرداشت دعوی نبوتله بر دین باطل ایجاد ایتد کده جله عجمی آتش پرست مجوسی ایتدی * نیکم باب ملوک
 عجمده کشتاسب فغانده کیمشدر * خریدة الحجابده بلاد فارس قدیمدن معمور اولوب بیک عددده قریب شهر
 مشهوردر که نهر جیحونه منتهی اولور جله سنه ولایت ایران دیرلر زبیرا سابقا ملوک عجمدن فریدون اوغلی
 ایرجک ولایتلردی جیحونک اونه طرفی که ماوراء النهر دن چین و هندستانه منتهی اولور ولایت ترکستاندر که
 سابقا فریدون اوغلی تور و لایتری اولمغین توران دیرلر * طائفه عجمک ظهوردن محمد بن اولان سلاطینی
 احوالی مفصلا کیمشدر * حالا معلوم اوله که قبل الاسلام جله عجم کفار ایکن عدل و سخاده عقل و ذکاده اطف
 و حماده و اکثر کالات سنیه انسانیه ده طائفه عرب بد نصکره افضل جمیع ام عالم ایدیلر * اکمل و اکرم جمیع طوائف
 بنی آدم اولان عرب نایاب عجم نالار و مدر سائر فرقه لر یومر تبه یه وصولدن محرومدر * طائفه عجمک دین محمدی

ظهورند نصیحه شرع شریفه متابعی و علوم شریعه به اجتهاد و تعلیم و تعلمه کثرت خدمتاری
و صلح است و فرستاد تباری و انواع حالتی قابل تعبیر و ممکن تفر بر او ایوب نبیجه علما و صلحاری طوائف
عرب به غلبه استند که کتب مذاق سلف بر شرف مطالعه اولیجه بواسطه قوم مفصل معلوم اولمز کتب
حدیثه (لو کان العلم معلقا بالثنا و له قوم من انباء فارس) دیو بر حدیث شریف ذکر اولنوب * تقاسیرده
(ان بشأینکم ایها الناس و یأت بآخرین) آیتی نزولیده رسول علیه السلام سلمان فارسی نیک ارقه سنه
مبارک اللریه اوروب (انهم قوم هذا) دیوب یعنی آخرین من اد طائفة محمدی دیوب (یا ایها الذین آمنوا
من یرتد منکم عن دینہ فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذلة علی المؤمنین اعززة علی الکافرین یجاهدون
فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم) معناسنده دخی اشبو آیتده کی قومین مراد بعض اهل بندر زرا
رسول علیه السلام بندن اولان ابوموسی الاشعری به اشارت ایدوب (قوم هذا) بیوردیلر دیوب * بعض اهل
صحابه نیک نصی اولان طائفة انصار در دیوب بعض اهل بندر زرا رسول علیه السلام بونلر کیلدر
دیوب و در قدیم سالنک امور زینه مبارک اللرین اوروب (هذا و ذروه و لو کان الايمان معلقا بانثری بالنار جل
من انباء فارس) دیو بیوردیلر بعض اهل بندر زرا کیلدر قبیلہ کنودن بش بیک سائر ناسدن اوج بیک
کسنده در که حضرت عمر زمانده ولایت عجمده محاربه فارسیه عظیم جنگلر استلدری دیش
دیومذ کوردی هجرت حضرت رسولان بر قاج یوزیل صکره عظیم تفصیل محتاج و جهله طائفة عجم ایچنده
مذهب رفض و شیعه پیدا اولوب تدریجده ارقوب هجرت حضرت رسول صلی الله علیه و سلم طقوز یوز
بشنده شیخ حیدر اوعلی شاه اسماعیل سلطنتیه طائفة قزلباش اوباش ظهورنده مذهب رفض کفر فاش
دیوب عجمده شایع و منتشر ذایع و منتشر والی الان مستقر و مستمر اولدی * اهلک الله الرافض و المحدثین
و سائر اعداء الدین بحرمه محمد سید المرسلین صلی الله علیه و علی آله و صحبه اجمعین یارب العالمین (فائده)
نبیجه معتبرانده مذ کوردی مقتدای ناس حضرت ابن عباس صحابه خاص رضی الله عنهما طائفة محمدی
اصلا یغمیر کلامش در دیش (فصل سادس در احوال امت کرد) بعض اهل بندر زرا ولایتده کی اگر دخی
طوائف عجمده در دیوب قاموسک بر محله طائفة کردل جدی کرد بن عمرو مزین بن عامر ماء السمار
دیوب بر محله دخی جاوان اگر ددن بر قبیلہ در که بغداد قریبده شهر حله ده ساکن اولمش در دیوب * نبیجه
معتبرانده مذ کوردی عجم پادشاهی خاگان آموزنده بلان شکنده بنان چبانک و جعن تسکین ایچون
تعلیم شیطانده هر کون درت فقر آدم قتل اولنوب بینلری میهم ایدوب بو حالده نبیجه یوزیل کجوب
بعده وزیر جدید شفیق و اهل رأی سدید اولغین ایکی قیون بینسمله ایکی آدم بینسن فارش دروب هر کون
خفیه ایکی شرمجوس قور نار مغین خلاص اولنلر طاعلده ساکن اولوب بو حالده دخی در تیز یا خود
بیدیوزیل کجوب قاجونلر اولادی چو غالوب عاقبت فریدی کندیله سردار و خدای قتل ایدوب
طائفة کرداشبو قاجونلر نسلیدر * حالا طائفة اگر آدم وصل و دیاربکر اطرافنده بشقه اسملو بشقه حا کلو
قبائل و عشائر کثیره شهر اولوب بعضی مسلمان و سنی بعضی مسلمان صورتده کیمی رافضی
کیمی شیعیدر کیمی دخی سیاه کلبه طبار کفار در لکن اکثر اگر دین و آیین ایلده مقید اولوب حیوان
مثال اکل و شرب و قتال و جدال ایلدکن نورلر تفصیل حاللری معلوم اکثر ناس اولغین بیان اولغدی
(فصل سابع در احوال امت اترک) قاموسده طائفة ترک حضرت ابراهیم یغمیرلر قنطورا اولو خاقوندن
باچار به سندن اولان اوغللر نیک بری اولادندن اولغین ترکله عرب بلری قنطورا دخی دیرلر دیوب
لکن جمیع معتبرانده یازیلدی اوزرده یافت بن نوح علیه السلام نسلندن اولوب بیکدی طائفة متخالفه در
اکثر نیک دینلری موافق اولوب لکن هر فرقه نیک مستقل حا کلری وارد اهل ولایت چین و اهل ولایت
ماچین و اصناف تانار جله بونلر ندر * تقاسیرده طائفة ترک اصلده با جوج و ما جوج قبیللر نندن اولوب لکن
انلر دائما فتن و قتل و فساد استکین بونلر انلر قارشمیوب بلکه دائما نصیحتلر ایدوب حضرت ذوالقرنین
عالی کرب و امحلا و غراده جله خلق با جوجیدن شکایت و بونلر صلاح بر نه شهادت استکین سد
بابوب با جوج و ما جوجی ایچورده اترک طشرده قوبوب طشرده دخی ولایتلری بونلر قایل ایتدی دیوب

خریده العجایده بونلر ایچلندن مشهور اولان فرقه لری خلیج نیش نحرین تغز غز کیمال جاجان
انکش ترکس قبیچاق خلیج بلغار غز ایدی دیوب * عربجه غز دیکلری ترکلر اوغوز دیکلریدر * نه
تقاسیرده امام سدیدن مریدر که ترک طائفة با جوج و ما جوجدن اولوب سدابیلده مقدمه بعض
ولایت غار سه چقمش بولند قلیچون ذوالقرنین انلر مقید اولوب طشرده قالدیلر جمیع طوائف ترک
انلر نسلیدر * قتاده دن دخی مریدر که با جوج و ما جوج بیکری ایکی قبیللر ایدی بیکری بر نیک اوزلر
سدیابیلوب بری ترک اولنوب یعنی طشرده قونمغین ضم حرف تا ایل ترک دیو مسیحی اولدیله * نه خریده ده
اترا کدن طائفة خنرایله دیاربغرب ارا سنده اترکدن درت امت وارد که عربجه اسملری بقی یجود یحناک
ابو جرد اولوب هر بر نیک بشقه پادشاهلری وارد در جله سی اصلده بر کسنه نیک نسلیدر و هندستانده چین
اراسنده خراسان سرحدنده اولان تبت ولایتده و افر شهرلر اولوب دیارب اترک اودر اطراف عالمه مسکن
اندن کاور دیوب * عربی قواریچده یاز بلان بر طاش ائل لان اکثر طائفة لری دخی اترک کندر قاموسده
طائفة خنر باب الابوابده یعنی دسور قبو ولایتده ساکن ایدیلر دیوب * ترک ایللر هنددن مخلوط هیاطله
آدلو بر طائفة و ارایدیکه نوشروان عادل انلری جله قتل ایتدی دیشلر * جمیع قبائل اترکان کیمی آتسه
کیمی کونشه کیمی از دره هایه طبارلر اولوب بونلر احوال لری حددن بیرون تفصیل محتاج اولوب
اوائل ظهور لری باب حضرت نوحده اولاد یافت احوالنده کجه شد نظر اولنه * حالا ولایت اناطولیده و روم
ایلنده اولان طوائف اترک اشبو فصلده ذکر اولنان طوائف اترک نسللرندن اولوب دیارب رومده دین اسلام
ظهور ایتد کندن نصکره دیارب عجم و ترکستانده انواع قننه ظهور استکین متفرق زمانلرده فرقه فرقه ترک وطن
ایدوب ولایت رومه کتلر نسللریدر (فصل ثامن در احوال امت تاتار) که بیکدی و شمار طائفة در
بر فرقه سنه ضم میم و غین ایل مغول دیوب کونشه طبارلری اترک کدن طائفة کیمیا کیمیا غالباً بونلر
زیرا انلر دخی کونشه طبارلر جمیع طوائف مغول و اکثر تاتار ماوراء النهرده اولوب ولایتلری فرغانه
شاش کاشان کاشغر و دیاربچینه دل بعضی کتلر در * فرخار آدلو بر شهر لری وارد که خوبلر نیک حسن
بی بدلی عجمده ضرب مثل اولنور اکثر ممالک اسلامییه خصوصاً بغدادی خراب ایدن چنکیزخان و انک
اوغلی نیک اوغلی هلاکو و انلر جله عسکر لری طائفة مغولدن ایدیلر * انلر و حالده یاز شرده اوز بیک دیکاری
تاتارلر و چغتای تاتارلری و دیارب کفه سمندده اولان ولایت دشت قبیچاق تاتارلری و نوای تاتارلری و کیمیه
باش و آق قیونلو و قره قیونلو طائفة لری سداباً جوجدن طشره قتل قبائل اترک نسللرندن اولنلر
والله اعلم (فصل ناسع در احوال امت چین) بونلر دخی قبائل کثیره اولوب اترک جفسندن ایدیلر
اهل عقل و عدل و تدبیر و اکثری صنعت تصویر و نقشده بی نظیر اولوب نقاشان جهان بونلر نقشلرینه
حیران اولور لری * علم نجوم و طلسمات و نارنجیات و رقی یعنی افسون و عزایده کامل عالمی و ارایدی
اشبوات بیکدی طائفة متخالفه اولوب کیمی کونشه کیمی صغله کیمی ییوک ییلانلر طابوب کیمی دخی
آتش پرست مجوسی ایدیلر * ولایتلری بحر هند ایل سداباً جوج از اسنده اولوب طوی اوج آیتی عرضی درت
آیتی و جله سنک دوری آیتی آیتی بول اولوب آیتی عدد و لا بیدر که هر برنده بر مستقل پادشاه و بری جله سنه
باش اولوب اکا خاقان دیوب کویا ملوک مسلمانده خلیفه مقامنده اولور دی * اوچیز عدد معوم و شهر
مشهور لری اولوب ایچلنده التون معدنی وارد اهل چین باشلری ییوک یوزری بقی بولری قصه اولوب
بعضلر نیک دیلاری شریانی بعضلر نیک دیلاری اختلاف اوزرده در دیدیلر * ولا بیلر ندره صندل و کافور و آنش
ور اوند و نبیجه لطیف نسلر و عجیب و غریب حیوانلر اولوب انده کیمیه و کوندز داغما بر در بحر محیطه
متصل طرفنه چین و ماچین دیرلر (فصل عاشر در احوال امت در بند) اشبو ولایت عربجه و فارسیجه
در بند و باب الابواب و باب الحدید ترکیجه دسور قبو دیرلر شروان قریبده در * خریده العجایده اشبو ولایت
کوهستان اولوب جبل قبی آدلو بر کوه بلند قاف مانند در که نبیجه کونلر بره اوزانوب انلر اقلرینه ابواب
دیرلر اشبو طاعلده و اقلر ندره و بحر ارنده اوچیز عدد شهر مشهور وارد که هر برنده کی طائفة نیک اسانی
مستقل و سائر نیک اسانه مشابه و مائل دکلر اول ممالک عسیره المساکدن بعضلر نیک اسامیسی بودر که

(۱) مملکت شروانشاه (۲) مملکت کر بویاکیسی غایت واسع مملکت اولوب نیجه شهرلری وکویلری واردر
 طائفه کر بیدر ولایت کسسه لر در که جله سی کافر جاحد و سرکش و معانددر (۳) مملکت لاید انشاه
 (۴) مملکت موغانیه (۵) مملکت دودانیه خانی اخیت ناسدر (۶) مملکت طبرستان (۷) مملکت حیدان
 (۸) مملکت عتیق (۹) مملکت زرنکوان (۱۰) مملکت جندخ اون ایکی یلک عدد قریه سی واردر دیشلر
 (۱۱) مملکت لان (۱۲) مملکت انجبار (۱۳) مملکت خزینه (۱۴) مملکت طحا خلقی باغیلر و طاغیلر در
 (۱۵) مملکت ضاریه (۱۶) مملکت شکلی (۱۷) مملکت صعلیک (۱۸) مملکت کشتک نسا ورجالی
 حسن و جالی کالی بولوب اکثری یوزریاشنه واردر دیشلر (۱۹) مملکت سبع بلدان که عریجه بدی شهر
 دیکدر (۲۰) مملکت ارم اشبویکری عدد مملکتک بعضنده عجایب و غراب اولدیغنی بیان ایتیشلر
 دینوب یوزریاشنه مذکوردر که باب دیدکری یری نوشروان عادل یابوب متانت بنیانله مشهور جهان
 و خارج دائرة بیاندر غایت محکم اولقی ایچون بناسنک بالچقن کول و کرج و آلچق و عریطه آغی و بعض
 اجزایله قارشدروب دریاطرفنه برسد مشیدیا پیشدر والله اعلم (فصل حادی عشر در احوال امت روس)
 یافث بن نوح یغمه لر روس آدلو اوغلی باب احوال نوحده کجدرکی اوزره برادرلی خزر و لایتک اطرافنه
 کلوب ایلمچی کوندر بونک ولایتنه قراریده جک ریاستیوب خزر دخی آب و هوای خوب بر جزیری
 اکا مسکن تعیین ایتکین روس جله اولاد و اتباعیله انده وطن ایتدی حالا روس و مسکو طائفه لر
 انک نسلیدر ولایتلری بلغاریه صقالیه اراسنده کمال وسعت اوزره جانب شمالده اولوب اکثری
 کوهستان اولمغین داغاقیش اوزره اولوب طاغلر نده سنجاب و مور و قاقم و غیری چوقدر طوب در یلرین
 کورلایدوب کیر و صتارلر بو طائفه مور زمانه غایت چوغالوب تاریخ ابن شخبه ده بونلر نسا رانددر
 دینوب لکن خریده العجاییده طائفه روس اهل حق و عناد اولمغین شرایع الهیه دن برینه اعتقاد و خلاف
 جنس لرندن بر پادشاهه انقیاد ایتامشلر در ولایتلرینه وارن غریب و مسافری قتل ایدوب او مملکتلرده
 اقصر ایام همان اوج بچی ساعت اولور و التون معدنی اولوب او مملکتلری عظیم طاغلر احاطه ایتیشدر
 دیومذ کورددر حالا ولایتلری کورنلر قتل ایدر که پادشاهلری سفره کتدکجه یوز یلک مقداری تفنن
 انداز قازاق یعنی بهادر عسکر ایله کیدر بو طائفه نک اکثر طالری معلوم عالم اولمغین تفصیل اولغدی
 (فصل ثانی عشر در احوال امت صقالیه) که بونلر حالا روم ایلنده له و چه دیدکاری کفار طائفه لریدر
 صقلاب بن یافث بن نوح علیه السلام نسلندن اولمغین عریجه بونلر صقالیه دیرلر باب احوال نوح
 علیه السلامده کجدرکی اوزره مزبور صقلاب اولاد و اتباعی چوغالده برادرلی روس ولایتنه واروب
 نطقه مکان ایستیوب اودخی بریزتکدر سزه وفا ایتدیو عذرا بیکده صقلاب برادرلی کجاری ایله خزره
 واروب مسکن ایستیوب ویرمد کارنده صواب چکده صقلاب صینوب اقلیم سابع اردنده قیشی محکم
 بر بره دوشوب زیرزمینده اولوب ساکن اولدیلر (فصل ثالث عشر در احوال امت یاجوج
 و مأجوج) تاریخ میرخوانده یافث بن نوح علیه السلام اوغلی منشجک یاجوج و مأجوج آدلو ایکی
 اوغلی اولوب اولاد یافث اطراف عالمه طاغلده بونلر دخی مشرق ولایتلرینک چاق نهایتنه واروب ساکن
 اولوب اولادلری غایت چوغالوب عدد حصی بیحد واحصا اولدیلر * مرویدر که بوجه اوج قسدر که
 بعضلرینک طول و عرضی یوزیکرمیش ذراعدر بعضلرینک طولی اوقدر در اکن عرضی دخی اکسکدر
 بعضلرینک بر قارشدن قرق ذراع و ارنجه بوماینلرده بولی اولوب اشبوا و چنی صعلک قولقلری غایت
 یولک اولمغین فیل کوش و کبک کوش دخی دینوب فیل و کدن و برتبی جانورلری طوب برلر ککندو
 میترین دخی دفنایتمیوب بیکه معتادلر اکثر طعماملری کچی بوشوزی عیشدر که اودیارد غایت چوق
 بر جله یاجوج و مأجوجک اصلا دین و شریعتلری اولوب هیچ برنسنه به طامیوب حق تعالی بی
 بلایوب همان حیوانات کچی کرلر دینوب خریده العجاییده دخی یاجوج و مأجوج یافث بن نوح
 علیه السلام نسلندن ایکی برادر ایدیلر دیتلری چوغالوب جدا عللری اسمیله مشهور اولدیلر * یوزلری
 مدور قاملری بریا او چر قارش اولوب قولقلرینک برینی دوشوب برینی اور تورلری بارمقلرنده

قوش قیناغی کچی طرناغی و آغزلرنده یولک آزدیشلری اولوب بدنلری پرموی اولمغین اسی و صوغق کار
 ایتز بو جله بدنلر اهل فساد اولوب قتل واکل عباد و غارت بلاد ایتکه معتاد اولمغین حضرت ذوالقرنین
 بونلر ولایتلری آغزلنده ایکی عظیم طاغ اراسنده دمورایله باقردن بر محکم سدابوب خلقی بونلر شرنندن
 قورناردی * احیاناکو که چکیلان آذردهال بونلر ولایتلرینه براغلوب غدارلی اودر زمانی کجدر که
 استسقایه چیقار کچی جمع اولوب دعا ایدرلر بری برلرله جدال و قتال ایدوب ولایتلری بحر محیطه منتهی
 اولوب بر بحر الرنده لیل و نهار طور میوب قدرندن نارینلر دینوب * تفاسیرده یاجوج و مأجوج
 بر طائفه وهر بری در تیوز بادریت یلک طائفه در غایت چوق بشاروب ایچلرندن هر بری سلاح کونور
 یلک نفر صلی اوغلی کورمیشجه وفات ایتز * بعضلر یاجوج ترکدن مأجوج جیلدن یاد ایدندر دینوب
 بعضلر ایکیسی دخی ترکدن دینوب بعضلر ترک بونلر جنسندن زرا بونلر یکری ایکی فرقه اولوب
 بر فرقه سی سدن طشره قالمغین ترکدیکله مسخی اولدیلر دینوب * تفسیر تیسیرده حضرت ابن عری یاجوج
 و مأجوج برادرین قتل ایدن قایل بن حضرت آدم نسلیدر دینوب * مقاتل دخی دیشدر که جمع طوائف انسان
 کثرته قدر ایتسه یاجوج و مأجوج طقوز اوقدر و مشرق و مغربده اولان جابلقا و جابلصا شمرلرینک خلقی که
 بریسی بقیه قوم هود علیه السلام بریسی بقیه قوم صالح علیه السلام نسلندن کثرته طقوز یاجوج
 و مأجوج قدر در انلرک اردلرنده اولان تارس و منسک نام ایکی طائفه که یافث بن نوح نسلندن لر طقوز
 جابلقا و جابلصا قدر در دینوب بونک تفصیلی باب صالح علیه السلامده یکمیشدر * کتب معارج النبوه ده
 حضرت رسول صلی الله علیه و سلم لیله معراجده یاجوج و مأجوج اوغره بوب ایمانه دعوت ایتدکده
 اول ملعونلر قبول ایتیب جابلقا و جابلصا خلقی دعوت ایتدکده بونلر قبول ایدوب منسک و تاویل و تاریس
 خلقی دعوت ایتدکده قبول ایتدیلر دیو بر حدیث شریف مرویدر * نیجه معتبرانده یاجوج و مأجوج
 ایکی امت وهر بری درت یلک فوجدر و جله سی اوج نود بری دوه کچی یولک اولوب بولی چام اغاجی کچی
 یوکسکدر بری طول و غرضده یوزیکرمیش ذراعدر که بونوعه طاغ و دمور قارشو طور میوب بری دخی
 بر قولقلرین دوشوب برین اورتوب فیل و خنزیر و بیان جانورلرین حتی کند و میترلرین دخی برلر دیو بر حدیث
 شریف مروی اولوب * بر روایتده بدنلری حیوانات کچی قیلاو و برتبی جانورلر کچی کسکین طرناقلو آزدیشلو
 قوردر آواز لو انسان صورتلو اولوب بیه چکاری بو جکار جانورلر عسا حلاز دهالر اولوب هر ییل در یادن
 تمساح چیقوب بر روایتده صحرالردن بیلانلر کلوب اتی برلر بر روایتده امر حقه بر بوات کلوب اندن
 بونلر ولایتلرینه غایت یولک بیلان اینوب بر بیله دلک بونلر اتی بیوب قتلده و فایدر بر دانه بیلان ایتدکده
 لخط اولوب ایکی ایتدکده اورته حال اوج ایتدکده غایت اوجوزلق اولور دینوب * عجایب المخلوقاتده
 عریجه کسرتا و نون و تشدید نوله تبین دیدکاری آذردها که بالقی قسمندن راغزلنده کوندر کچی او زون و قلی
 کچی کسکین دیشی اولوب کندوسی غایت اوزون خرما اغاجی کچی و کوزلری قان کچی قزل و آتش کچی براتی
 و اغزی غایت یولک اولوب حیوانلری بو طمغین جمیع حیوانات بر و بحر اندن قورقوب غایت قوتلو اولمغین
 حرکتلر دریا قوج ایدوب ابتدا حالنده آ زغون بیلان اولوب قراده کی حیواناتی بیوب انجندکده امر حقه
 برملان آتی دریا به آتوب انده دخی بالقری بیوب غایت بیوبوب موزی اولدقده ینه برملان اتی قاپوب
 یاجوج و مأجوج ولایتنه اتوب انلر طوب برلر برکسسه اوزنلغی ایکی فرسخ بانی انسان کوده سی بالقی
 بر جانور کوردیکه هیبتی و صفدن خارج ایدی بر روایتده یاجوج و مأجوجک بیه چکاری بر درلوقوری
 اوندر که عربستانده دخی بتردیومذ کورددر (فائده در خروج یاجوج و مأجوج در آخر زمان)
 معتبرانده بونلر سد ذوالقرنینی هر کون قازوب کوش ضیای کوردکده بر روایتده دیوار یله دیلار یله یاجوج
 یوز طه قبوغی قدر یوققه قالدقده ریشلری دونک کیده لم یارین کلوب قازوب طشره چیقالم دیو کتدکارنده
 الله تعالی سدی اولکی کچی ایدوب دجال چیقوب هلاک اولدقده نصکره ینه ریشلری یارین ان شاء الله
 قازمه یز دیوب ان شاء الله دیدکری چون سد دیواری حالی اوزره طور و بر ایتسی تمام ییقوب طشره چیقوب
 مکده و مدینه و قدس و مضرده طور طاعندن غیری جمیع دنیای کزوب بولقلری خلقی قیرو بابتدای شامده

آخری چاق خراسانده اولوب طبریه دکنی ایچوب صکره اوغره یالار زمانه بونده صور ایش دیوب بواننده
حق تعالی عیسی پیغمبره کوندروب قولری طور طاغنه ایلنوب انده حفظ ایله که قولرمدن بر طائفه
چیقا رده که هیچ کس نه انده قارشو طوره مز دیو یورر او دخی یوزنده کی جله مسلمانله طوره واروب
یا جوج و ما جوج قدس طاغنه کلوب یوزی خلقنی قیردی کول خلقنی دخی قیرمه دیوب اولقرین کوکه
آتوب حکمت حقه قانه بولاشمش ایند کده سوبینوب بعده طوره مسلمانلری محاصره ایدوب شدت خطدن
بر صغر باشی یوز فلوریدن مقبول اولوب دفع بلایه حضرت عیسی دعا ایتمکین اوکیجه بونلرک بیونلرینه
صاقرغه لیا شوب جله سی اندن هلاک اولوب مسلمانلر طشره چیقوب یا جوج و ما جوج اشلری وقانلری
وبد راجه لری دنیای طوقوب عیسی ایله مسلمانلر دعا ایتمکین امر حقه دوه کبی بیولک قوشلر کلوب هربری
بررلشی کونوروب کیدوب بعده یغمه وریاغوب دنیای پالک ایدوب مسلمانلر بونلرک اوق و یای وترکشلری ندی
ییلدک اودون برینه یقارلر بعد زمان جله مسلمانلر وفات ایدوب یوز ییلد نصکره کافر لراوسته قیامت
قوباریم بعده قیامتده آدم پیغمبره یا آدم ذریتکدن بعث نار چقاردیو امر پرود کار اولوب یارب بعث نارنه در
دید کده اولاد کل یک نفرندن طقوز یوز طقسان طقوزین جهنم ایچون افرایله دینوب هر یک نفرندن
طقوز یوز طقسان طقوزی یا جوج و ما جوج اولوب انلر جهنمه کوندرلوب باقی قلان بیکده بردانه سی
سائر اصناف بنی آدم اولسه کر کدر دیوب رقاچ فصل حدیث شریفلر مذکوردر قصه یا جوج و ما جوج
اغرب حکایت اولغین اولندن آخره دلک یازلدی (فصل رابع عشر در احوال امت هند) بونلر
هند بن حام بن نوح علیه السلام نسلندن اولغین ولایتلری دخی انکله مسعی اولدی می ور زمانه بونلر بجد
ولایه خرقه اولمشلردر برسی باسویه درکه آتسه تعظیم واجلال وزنایی استحلال ایدوب صغرله طیارلر
بری یهودیه درکه جهلا و بدند اولوب حیوانات بوغازلیوب یکی ومطلقا عورت نکاحلغنی ومال جمع
ایتمکی حرام اعتقاد ایدوب بدنلرین آتش کوا یله مسیح ایدرلر اهل هنددن نیجه فرقه کیمی **کوشه**
کیمی آیه کیمی صغره کیمی آتسه کیمی بر مخصوص بیکار عوینه طیارلر کیمی محبت نارایله سمندر وار
کندولری آتسه کیمی دخی صوبه ایتوب کندولرین بوجه ناصواب مورث العذاب ایله هلاک ایتمکی نواب
صانورلر بر فرقه به دخی براهمه دیرلر که علماء سائرناس بلدکارینه بعض یرلر ده مخالف وجهله علم افلاک
ونجومه غایت ماهرلر درکن دیناده هیچ بونلردن برکس نه پیغمبر اولامشدر زیر ا عقل کافیدرانلر حاجت
یوقدر دیوب کافر اولمشلردر * عمالک هند غایت جوق اولوب اعظمی ملنکر درکه بحر لان کازنده درانلرک
مسلمانلر قرب اولان ولایتلری و اهل هندلر قدیدن تختکاهلری شهر قزو جدر که انده قدیدن سومنات آدلو
بر مشهور صنم مرصع و مصنع اولوب بیک پاره معهور و وقف کویلی و کلیسا سنک نیجه یوز خد متککاری
وارایدی * ملولک غزنویه دن سلطان محمود اول دیری خیر برضری بیقوب تفصیل غزا و ماجرای انک فصلنده
یکمشد * می ویدر که اکثر هند سائرناسدن زیاده یشایوب و اکثری اذکیا و عقلا اولوب ایچلرنده
بعده حکما و علما کلددر که علوم عجیبه و اسرار غریبه ده کابلریازوب برسی کیناش حکیمدر که علم نارنجانی
ایجاد ایدوب سکن یوز قرق بیل یشامسدر بری دخی صصه بن داهر درکه ملات شهرامه علم تدبیر و حکومت
واحوال جنکی تعلیم ایچون شطرنج ایجاد ایددی بری دخی برزویه حکیم ایدیکه پادشاهی ایچون کلیله و دمنه
کابن تألیف ایدوب لسان حیواناتدن فصاحت و تدبیرات و انواع کالات کو ستردی * ترکی هم اوتنامه
انک فارسیسی ترجمه سیدر * معتبرانده جله دنیای اقلیدر اولکی هند ابکنی حجاز اوچنی مصر
در دخی بابل بشنی روم و شام التخی ترکستان بدنی چیندر هر اقلیمک طول و عرضی طقوز یوز فرخدر
دیشلر بعض کسیده اولکی بابل و عجم ابکنی هند و سند و سودان اوچنی مکده و حجاز و عین
در دخی مصر و افریقیه و اندلس و دیار بربر بشنی شام و روم التخی ترک و خزر و صقالیه و دیلم
بدنی چین و دیلدر دینوب احوال هندستان تاریخ مستقل اولغه مقول اولغین تفصیله بحال اولدی
(فصل خامس عشر در احوال امت هند) ولایت سند هندستانک جانب غریب سنده در بونلر یکی قسم
اولوب بری ولایت لاندن منصون و دیلدر که حالا اکثری مسلمان ایشلر * ابکنی ولایت کشمیر خلقیدر که

عبده اصنامدرلر جمع اهل سند حام بن نوح علیه السلام اوغلی سند نسلندن اولغین کندولری و ولایتلری
بوانده مسعی اولدیلر والله اعلم (فصل سادس عشر در احوال امت حبش) که حبش بن حام بن نوح
عالمیه السلام نسلندن اولوب بونلرک اکثری حالادین نصاری اوزره در ولایتلری ارض حجاز مقابله سنده
بحر قرنم کازنده در قدیدن پادشاهلرینک لقبی نجاشی اولوب تختکاهی که بر آدلو شهر در هلاک اولان
اصحاب فیل بونلردن ایدیلر شکیم باب ملوک یمنده یکمشد در آخر زمانده بو طائفه که به مکر مبی بیقه سر
کر کدر شکیم آخر باب عیسی علیه السلامده یکمشد * حبش جوازنده اکثری حالا مسلمان اولان
ولایت زیباغ خانی مسلمین و صلحا و متقین اولوب متن کنز شاری امام زیباغی خنی انلرندر بو طائفه نک
رنک رولری حبش یلسیاهلغندن اکسکدر (فصل سابع عشر در احوال امت سودان) یعنی غایت سیاه
عر بلر بو جله حام بن نوح عالمیه السلامک زنج و نو به آدلو اوغلاری نسلندن اولغین کندولری و ولایتلری
زنج و نو به ایله مسعی اولدی بونلر بجد ولایه طائفه متخالفه و پادشاهلری بشقه در بو جله نک کیمی
آتسه کیمی بیولک بیلانلر کیمی صغره طایوب ولایتلرنده التون معدنلری غایت وافر اولوب زنجسز
حاصل اولور * می ویدر که اکثر لرلندن نیجه مرچان کبی یردن التون بنوب طیارق اوزرینه چیقوب
قال ایتمک که احتیاج اولمز * پادشاهلری سرائنده التون بیتوب او یوجک اولغین اکا جیجا حلقه لر ایدوب
آتلرین آند باغلرلر ولایتلری مصرده افان نمرینلک جانب جنوبی سنده در * سودانک بر فرقه سی
طائفه ارغانه در که ولایتلرینه انجیر طوز باقر کیدوب التون ایله صاقون اولور * بر فرقه سی دخی نو به در که
ولایتلرینه بجایوه دیرلر پادشاهلری تختکاهلری شهر قدقده در او ولایتده نیجه معهور شهرلر اولوب مصرده
صعید ایلندن اوتیه در قدما دن لقمان حکیم و صحابه دن بلال حبشی حضرتلری و دخی مهجع مشایخدن
ذوالنون مصری نوبی عر بلر اولوب خیر السودان ثلاثه لقمان و بلال و مهجع دیوب بر حدیث شریف وارد
بر فرقه سنده دخی زغاوه دیرلر برینه دخی بیجه دیرلر که مانند حیوان عریان کزوب صغره طیارلر برینه دخی
دمادم دیرلر که سودان ایچلرنده بونلر تانار کبی غب و غارنه و انواع خسارته معتادلر در بیجه ایله نو به ارا سنده
سوداندن بلیون آدلو بر فرقه حضرت عیسی ایچون حاشا ابن الله دیوب نصارادن درلر سودانک بر فرقه سی
دخی ولایت دهم خلقیدر که حیوان کبی عریان کزوب برلرین بیوب بر عورت صورتیه طایوب غیری حاله
مقید کلددر * بر فرقه سی دخی طائفه زنجدر که ولایتلری مملکت سند مقابله سنده در جله سی بت پرست اولوب
صغرله بنمکین پادشاهلری اوچوز بیک صغره بنر عسکر ایله سفر ایدر بلاد و قراری معهور اولوب وافر التون
معدنلری واردلر * بر فرقه دخی تکرورد که ولایت مصره یقین اولوب نمرینلک غریب سنده در ولایتلری ایچنده
التون جوق اولوب طیارق کبی بترا کاتیردینور اطرافه انکله تجارت ایدوب مصره وافر کتورلر رصافی
بیتوب قال اولغه حاجت یوقدر حالا جله تکروریلر تشرع و متورع مسلمانلر اولوب جله سی مالکی المذهب لدر
پادشاهلری عدل و داد ایله ضبط بلاد ایدوب هر بیل حاجیلری مصردن مکیه به حجه واروب کاهی بعض
پادشاهلری دخی حج ایچون مصره کاورا سائلیر اکامیوب البته ترجانه محتاجدر * سوداندن بیل کازنده
کام ولایتلرک دخی اکثر خانی مسلمان و مالکی المذهب لدر * بوار یخنده سوداندن بر فرقه وارد که قدرت خدای
جل و علا ایله اصلا باشلری اولمیوب کوزلری امورلری اوستنده و آغزلری کو کسارنده بجد ولایه
کسندر اولوب اکن خلقه ضررلری طوقیز دینوب * تفاسیرده مطلع شمسده عریان **کزن** سودان دیناده
اولان جمیع طوائف بنی آدم دن چوقدر دیوب حضرت بن عمر دن مر ویدر (فصل ثامن عشر در احوال
امت کنعان) تاریخ ابن شحنه نک بر برنده بونلر کنعان بن ماریع بن حام بن نوح علیه السلام نسایدردینوب
بر برنده دخی و کتاب قاموسده کنعان بن مام بن نوح نسایدردینوب * بعض کتیده کنعان بن حام بن نوح عالمیه
السلام دیومذ کوردر * می ویدر که تابل السنه ظهورنده کنعان ولایت قدس و شام اطرافه واروب لوطن
ایتدی * سابقا حصن نمرودا کبری بنایدنلرک بری دخی بودر * بعد زمان حضرت یعقوب طائفه کنعانه پیغمبر
اولوب مصره کیدجه ایچلرنده متوطن اولشدی * قاموسده طائفه کنعانیونک اغتیلری اسان عربی به
بکزردی دیشدر * تاریخ ابن شحنه ده طائفه کنعانه پادشاه اولنلرک لقبی جالوت و حضرت داودک

قتل آمد و کی جالوت آمدی کلیا زایدی دینوب * لکن تفاسیر و غیره جالوت عاقله پادشاهی ایدی دیند و کنه مخالف کور بنور والله اعلم (فصل ناسع عشر در احوال امت بربر) توار یخده حام بن نوح ک بر آدلو اوغلی وار ایدی دینوب * تاریخ ابن شحنة ده اصح بودر که بونلر کنعانیوندن ایدیلر جالوت قتل اولند قده ولایت مغربه کیدوب انده ساکن اولوب چوق قبیله اولدیلر * جله دن بری کانه در که بعد زمان ملوک فاطمیه نکل و شتری ظهور نه بونلر معین اولدیلر * بری دخی صنهاجه در که ملوک افریقیه ایدیلر * بری دخی زیانه در که ملوک فاس و تلسان و سلجماسه ایدیلر * بری دخی بر عواطه در طائفة بربر صحرارده ساکن اولنده قبائل عرب کیدر لسانلری عربی اولوب غرب و ثقیل و سرعته تکلم اولوب اصلحروف و کلماتی فهم اولنلر دینوب * خریدده طائفة بربر سوداندن نیجه فرقه اولوب عرب مختصر لر در ولایتلرینه الواحات و غرب ادنی دخی در لر مصر ایله ولایتلری اراستنده بر عظیم طاغ وارد وافر کویلری اولوب ولایتلری غایت اسیدر جله اول قوم قوملو برلر ده ساکن اولوب انده عجایب و غریب وارد دینوب قاموسده بربر ایکی طائفة در بری مغربه بری حبشه و زنگیلر ولایتلری اراستنده ساکنلر در جله سی قیس غیلان نسلندن یا خود دیننده جبر قومندن ایکی طائفة در که برینه صنهاجه در لر برینه کاهمه در لر برین پادشاهی افریقسی ایله مغربه واروب بونلر انده قالدیلر طائفة بربر لک افرن نام بر قبیله لری دخی وارد دینوب کشفافک طیبی حاشیه سنده مذکور در که عربجه کثرت کلامه بربره در لر افریقسی مغربه واروب بوطائفة به غزا ایتد که کلاملرینک کثرت و ولولوسن ایشدوب بونلر بربر دیو آد قودی (فصل عشرین در احوال امت بنی اسرائیل) حضرت یعقوب اکبی اسرائیل اولوب معنای عبدالله دیکدر بونلر انک نسلندن اولغین بنی اسرائیل دیکله و حضرت موسی علیه السلام طوره مناجاته کتد کده بونلر بوزاغویه طابوب حضرت موسی کلد کده توبه و رجوع ایتد کار یچون یهود دیکله مسمی اولدیلر * جله سی اون ایکی نفر اولاد یعقوب علیه السلام نسلندن اولغین اون ایکی فرقه اولوب هر برینه عربجه سبط فلان یعنی یعقوب اوغلی نکل اوغللری دینوب جله سنه اسباط دیرلر ایدی * حضرت یعقوب یوسفله ملاقاته شهر مصره یتش ایکی نفر اولاد کور و انانیله واروب بعد زمان بونلر چو غالوب فرعون در تیوز بیل سلطنتنده بنی اسرائیلی استخدام و تذلیل ایدوب کیمی طاغیدن طاش کسوب کتور مکدن اموزلری پاره انوب کیمی فجار کیمی ارغاد جفا کار کیمی دمورچی کیمی کریم کیمی اولوب غایت بی طاقت اولنلری هر کونلک خراجیه کسوب اخشامه دل ویرمه که قادر اولمیانلرک اللری بوغازلرینه باغلیوب بر آیه دل باغلو کزدی * خانولری ایسه قوم قبط عورتلرینه کلان اکیروب جلاهلان و انواع خدمت ایدرلر دی * در تیوز بیل کجوب بعده موسی بیغمبر جله بنی اسرائیلی مصرده جمع ایدوب بیروخته اولان و اوغلان و عورتدن غیری جنکه قار آدمندن ابن مسعود قولنجه التیوز بیک و یتش بیک ابن عباس قولنجه التیوز بیک و بشیوز یتش بدی نفر ایله و اون ایکی کره یوز بیک در بیلر یله بر کیمجه مصردن حیقوق ابرتسی فرعون اردلر نیجه کلوب بونلر در یایی کجوب فرعون عسکر یله غرق اولدینی بعده جله مرکز شتری انبیاء بنی اسرائیل بابلرنده غایت تفصیل اوزره کچمدر بوطائفة نکل کند و ذات و صفاتلرینه متعلق احوال مخصوصه لرینک بعضلری بونلر در که حضرت موسی اشباون ایکی فرقه نکل هر برینه بربر تقیب یعنی بلوک باشی دیکوب موسی دنصکره دخی بو ترتیب جاری اولوب بفر و حضرتده هر فرقه بشقه لکن جله نکل پادشاهلری برکسنه اولوب ایچلرندن بحکمة الله نبوت نسل لاری بن یعقوبه سلطنت نسل یهود این یعقوبه مخصوص ایدی * میر خواننده نسل حضرت یعقوب بدن یتش بیک بیغمبر کدی دینوب * معتبر انده اسباط دنصکره کلان جمیع انبیاء و مرسلین انلرک نسلیدر و الا ایوب و شعیب و یونس و حضرت محمد صلی الله علیه و سلم دیومذ کوردی * مر ویدر که بنی اسرائیلده علما و صلحا اکسل اولوب سائر لری انبیاء و علما و حکامینه اکثر یا مخالفت و عناد ایدوب اهل حق و فرد و حیده و مکر و فتنای و فتنه و فساد و شقاق بر طائفة خائفة بی اتفاق ایدیلر * شر فرعوندن و شر در یادن محض لطف حقه نجات بولدرلرینک عقیدنده شکرا لله ایل و نهار عبادت لرایده جک یرده مزین صفا لره طیار کفاردن بر طائفة کورد کاردن آکا امر نوب (یا موسی اجعل لنا الهام کالهم آلهة) دیوب بت پرستلکه اجازت

ایستدیلر * بعده موسی طوره مناجاته کتد کده ساهری اغواسیله بونلرک اکثری بوزاغویه طابوب موسی کلد کده بونلر توبه و ندامت ایدوب امر حقه بری برلرین قیروب * بعده بونلر کلدن کتاب تورا نازل اولوب ایچنده کی احکام شرعیه نکل علامه قادر دکلرزدی و تردد و عناد ایتد کاردن حضرت جبرائیل علیه السلام طوره طاغین یرندن قوباروب آشکاره هواده معلق باشلری اوزره طوبوب موسی علیه السلام امر حق قبول ایلاک بوخسه طاغی اوزر یکنزه براغوب هلاک اولور سر دیکین ناچار قبول و اختیار ایتدیلر * بعده قدسه قریب کفاردن جبار بن طائفة سیله جنگ امر اولند قده بونلر کیمکه عناد ایدوب یا موسی سن ربک ایله واروب کفارله جنگ ایکنز بر بونده او نورزد دیکین * قرنی بیل تبه صحر اسنده بر قوناق یرده حیران و سرگردان کزوب بعده بوللری آجلدی تنکیم بو جله باب موسی علیه السلام ده مصلایکمه شدر * موسی بیغمبر دنصکره شرع موسی به تابع اولکزدیوا کثرتا شهر لرده و قریه لرده بر زمان ایچنده حق تعالی نیجه بیغمبر لر کوندروب کاه یوز کاه دخی زیاده کاه بیک بیغمبر جمع اولوردی * هر زمانده اکثر یهود مر دود کافر عاصی و اهل جود اولوب نیجه انبیاءلری قتل ایدوب کلوب حتی بر کونده یتش بیغمبر قتل ایتدیلر * کتب حدیثده یهودیلر یتش بر فرقه اولدیلر بریسی اهل جنت باقیسی اهل جهنم در دیو بر حدیث صحیح وارد و تفاسیرک مواضع متفرقه سنده مذکور در که حضرت موسی بنی اسرائیل صافی عبادت ایچون هفتقه کونلرندن جمعه کونی اختیار ایلاک دیوب بونلر دخی حق تعالی مخلوقات یراغفه احداث باشلیوب سبتده فارغ اولغین سبتی اختیار ایدر ز دید کاردن سبت کونی تعیین اولوب اکن مخالفت و عناد لرینه جزاء عبادتدن غیری جمیع امور لره تقید حرام اولوب انی رعایت ایتمین و عید شیدایله تهدید اولندیلر * بعضلر قولنجه صوم رمضان بونلر دخی فرض اولمشیکن انی ترک و بیلده همان بر کون اوزرجه تبدیل ایدوب اودنی فرعون عاشورا کونی غرق اولمشیکن بونلر غیری کون طوبوب اودر دیو کذب ایدر لر (واو حینالی موسی و اخیه ان توبوا اقوم کما بعصر بیوتا واجعلوا بیوتکم قبله) تفسیرنده دیکلر که حضرت موسی نکل دخی قبله سی کعبه ایدی ایتدای حاللرنده کفار خوفندن اولرنده نماز قیلغیه مأمور اولوب بعد زمان بنی اسرائیلک قبله لری سابقا جنتدن حیقان قدس شریفده کی صخره مبارکه اولدی * تفسیرنده مذکور در که شریعت حضرت موسی علیه السلام غایت شدت و صعوبت اوزره ایدی * حتی لباسدن و بدن انساندن نجس بولاشن بری کسمی نیجه شرعایک اولوردی و کلاه ایشلیان عضوی کسمک فرض ایدی * وات ایچنده معین بعض طهر ارامق و یوم سبتده دائم عبادته چالشوب انده امور دنیویه ایشلمک حرام اولق * و مسجددن غیری برلر ده نماز قیلق چا نراولماق * و قصدا و خطا قتل نفسده دیت و برمل هم عفو ایلاک اصلا چا نراولوب البته قصاص اولق * و هر کون الی وقت نماز قیلق * و ربع مالی زکاة و برمل * و کذاب دینی و زنا بیک ذکر کنی کسمک * و اجنبی به باقه نکل کوزنی حیقا رملق و برکسنه بر کلاه ایشلمه حلال اولان طعام لر دن بری کند و به حرام ایتمکی تعیین ایتمک * بو وجهله هر بری فرض ایدی و برکسنه برنسنه او نوسه جانب حقندن عجله ایله عقوبت اولق * و حیض کورمش خانویله کندی بر او ده ایچنده یاغی حرام اولق * و بو جله نکل امثالی تشدیدات و تغلیظات وار ایدی * و دخی بوزاغویه طابو قلر نه چاق بری برلرین قتل ایتمی نیجه توبه لری قبول اولدی * و جله بنی اسرائیلدن هر کسنه تنهاده بر کلاه ایتسه البته او نکل طشره قیوبی اوستنده فلان کسنه فلان کلاه ایشلیدی توبه سی بودر دیو قدرندن یاز لوب ابرتسی رسوای جهان اولوردی * و حضرت رسول صلی الله علیه و سلم زمانته دل مال غنیمت الملق حرام اولغین جمع ایدوب آتشه یقارلردی * مر ویدر که بنی اسرائیلک بعض صالحلری عبادت ایتد کار نیجه کمال خضوع و خشوعله ادا ایتمک ایچون عبار کیوب اللری بیونلرینه باغلیوب کیمی دخی بوغازی یاننده کی کر کبی اگر نیجه کور کونی دلوب ایپ کجوروب دیر کاره باغلیوب کیمی دخی کند و به نیجه جفا و اذا اختیار ایدوب قهر نفس برزیانه و تحصیل رضا و رحمانه نیجه درمان اراوب کند و لری عبادت خدایه حصر و قصر و نفس واجبه الکسر لرین ارتکاب مشاقه جبر و قسر ایدرلردی (فائده) مر ویدر که حضرت عیسی نبوتنده صکره طائفة بنی اسرائیل طوائف روم و عجم غلبه لرینه دل نبوت و سلطنت بنی اسرائیل ایچلرندن خالی اولوب قهر حقه مزبور غلبه لر ظهور ندنصکره نبوت و سلطنت ایچلرندن بالکلیه زائل و مجرد

ساخت رومیله منتقل اولدی (وقطعناهم فی الارض اما) آیتی تفسیرنده مذکوردر که یعنی بنی اسرائیلدن
 هر فرقه بی اقطار ارضدن بر قطره یعنی بر ولایتده ایدوب عمالت دینادن هیچ بر مملکت و ناحیه بی انلردن
 خالی ایتمک ناکه متفرق اولغله قوت وشوکنتری اولوب ذات و تکیلی زباده اوله (فائده)
 بنی اسرائیلدن بر طائفه سامریه در که سامری آدلو کسسه حضرت موسی طوره مناجاته کتد کده التوندن
 یوزاغوباب اکثر بنی اسرائیل اکاطابوب موسی علیه السلام کد کده باب موسی ده تفصیل اولندی
 اوزره نیجه امور ظهور ایدی * تفسیرده سامری سنی اولغین امر حقه قتل اولغوب لکن مسلمانلار اسندن
 رد و طرد اولوب (فانک فی الحیوة ان تقول لامساس) آیتی مفهومیجه کندویه بر کسسه
 و کندویه بر کسسه یا پیشه ایکسی دخی استمه طور اولغین اوخلقدن خلق دخی اندن قاجوب یا نه کلکن
 دیو فریاد ایدوب اکابولشحق و سولشحق و انکله میایعه و سائر معامله ایتمک خلقه حرام اولندی * عاقبت
 بر صحراده هلاک اولوب بعضی قوا نیجه یا شعله استمه طوق حالی حالانک قومنده دخی باقیدر دیومذ کوردن
 یوزاغوباب سامری طائفه سندن اولنلرک نسلی قدسه بر قوناق برده قصبه نابلسده حالا بر جماعت
 اولوب حقیقتده قدس بودر دیو اعتقاد باطل ایتمکین انده متوطنلر اولوب باشلرینه قزل دابند صارینورلر
 (فائده) تفسیر لبایده (ومن قوم موسی امة یهدون بالحق و به یعدلون) آیتنده بعض تابعیندن مرویدر که
 بنی اسرائیل کفر و شقا و قتل انبیایند کارنده اسباط فرقه لرینک بری صلحا اولغین سائرلردن
 مباحث ایچون مناجات رب العزة ایدوب بروایتده امم اعظم ییلوب انکله دعایند کارنده جبرائیل
 علیه السلام کلوب قدسده برالتندن یول اچوب یونلری قوابلرله ایچنه قوبوب یوله کوندز او کلر نیجه
 قدرندن بر نور قند بللر یا نغین ضیا سنده یور یوب کیجه قرا کو اغنده قونوب یا قوب یونلرله یله قدرندن
 بر ابرق قوب کیدوب سائر روزقاری دخی بی مانع و فاصل غیبدن حاصل و واصل اولوب بو حاله بر یحقی ییل
 یور یوب یل فرسخ بر یجوب بعده شرفده ولایت جیددن اونه بر لطیف یره حقیق دیر که صافی قومدن
 انش اوق کبی لیل و نهامر عتله اقوب کیدن ابرق مانع و حائل اولغین یونلرله بی آدمدن کسسه واصل
 اوله مز یوطائفه ذوبدن مبرا عیوبدن معرا اولغین وحوش و سباع یونلرله اختلاط ایدوب اصلا ضرر ایتزلر
 کمال صلاحلردن بعض ملائکه صورت انسانده کورنوب یونلرله مصافحه ایدرلر یونلر بر یله بوجه تحقیق
 مانند اخ شفیق شفیق ماله و شرعه موافق هر حالده مواسات و جله می غنده کمال مساوات اوزره درلر *
 لطف حقه یغمورلری کیجه یاغوب کوندز هوا اچلوب ذهاب و ابایده یغمور المن چکه زلر هر کشی
 کفایت قدر المتی ایچون جمیع ماللری ارا رنده بیدر یغدر * ایله معراجده حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
 کو کدن او غرابوب مفصلاسو یلشوب یونلر اکا ایمان کتوروب موسی علیه السلام آ خر زمان پیغمبرینه
 یتشکر بندن اکا سلام ایتسون دیو یزه اصغرله مشدر دیدر رسول علیه السلام بعد اداء جواب السلام
 قرآن عظیمدن کندویه مکده این سورهلردن سورۀ فاتحه و طقوز سوریه بی تعلیم و اداء صلاة و زکاة امر ایدوب
 اوزمانده صوم و حج فرض دکل ایدی * و دخی دین موسی اوزره یوم سبت حرمتی رعایت ترک وانک برینه
 یوم جمعه بی تعظیم ایدوب مکانلردن غیری یره کتنامک امر ایدی * هر ییل نافله حجه کتکه قدرت
 کتک ایچون دعا یتوب رجا ایتد کارنده حضرت رسول علیه السلام دعا ایتمکین هر ییل حجه کیدوب
 لکن یونلری سائر بنی آدم اصلا کورمز لر * تفسیر تیسیر و معارج النبوه یونلرک اوصاف و احوال لردن
 اولقدر بحسب و غرایب و فضائل و مناقب یازمشدر که اصحاب فطنت و خبرته باعث حیرت و موثر
 عبرت اولور (فصل حادی و عشرون در احوال امت روم) که روم بن عیص بن اسحاق بنی علیه السلام
 نسلیدر قاموسده اصغر بن روم بن عیص نسندن اولد قلمچون یونلرله بنی الاصغر دیرلر دینوب * مرویدر که
 قدیمدن صابیه دینی اوزره بت پرستلر ایکن نبوت عیسی دفسکره کلان روم پادشاهی قسطنطین و اکثر روم
 دین عیسی اوزره مسلمان اولوب قسطنطیندن فکله طائفه روم نصارادن لکن اکثری حاشا عیسی
 ابن الله در دین کفارندن ایدرلر * فواجح مسکیده رومیله اول ظهورلری وفات حضرت موسادن
 اوچ یوز و شش الی ییل صکره ایدی دینوب * مرویدر که طائفه رومان ولایتلری کافر جمه رومایه

رومیله ترکیه قزل الما دید کارل شهر دن عربجه صقالبه دید کارل له وجه ولایتلرینه دکل دینانک طرف
 شمالی سیدر ملوک طوائف روم احوالی یوقاروده یکمشدر حالامت روم بیحد ولایت طائفه متخالفه در
 قاموسده رومدن سافره آدلو بر طائفه واردر که اقصای دیار مغربده ساکنلردن دینوب * بعض معتبرانده
 اگر سافره ناک آواز لری مانع اولسه کونشک غروب صدا سن ایشدر دیکزد یو بر حدیث شریف مذکوردر
 والله اعلم (فصل ثانی و عشرون در احوال امت ارمن) که ارمن بن عیص بن اسحاق بنی علیه السلام
 نسلیدر حالا ارض روم دید کارل شهر قریبده ارمنیه شهری یوطائفه پادشاهلرینک تختگاه ایدی
 حالا ارمنی دید کارل طائفه نصاری غالباً یونلردن اولقد * حلب و دیار بکر مابینلرنده ملاطیه و اخلاط
 و نصیبین ایلله اوچ یوز و شش عدد شهر مشهورلری اولوب یکریمی التیسی غایت حصین و حصین اولغین فنی
 محال ایدی دیشلر (قصه) خریده الجاییده مذکوردر که ولایت ارمنده بر زمانلر یلک عدد شهر مشهور
 موجود اولوب خلقنی دینه دعوت ایچون بر پیغمبر کلوب یونلر اطاعت ایتمکین مکة مکرمه قریبده
 ارض حجازدن امر حقه حارث و حویرت آدلو ایکی عظیم طاغ کلوب یونلری باصوب قبا یوب هلاک ایدوب
 اود یارده قالدی (فصل ثالث و عشرون در احوال امت یونان) تاریخ ابن شکنه ده یونلر یونان
 ابن یافث بن نوح علیه السلام یا خود صوف بن عیص بن اسحاق علیه السلام نسلدنلر دینوب
 لکن تفسیر ابوالسعودده اسکندر رومی ثانی دید کارل فیلیس بن مصریم بن هرمس بن میطون بن رومی
 ابن لیطن بن یونان بن یافث بن نونه بن شرخوب بن رومی بن فونطر بن فوفیل بن رومی بن اصغر بن العز
 ابن عیص بن اسحاق علیه السلام اوغلور دیندیکی مزبور یونان یافث بن نوح اوغلو اولوب یافث
 ابن نونه بن شرخوب اوغلو اولغه دلالت ایدر * مزبور ابن شکنه ولایت یونان مغرب طرفده ربع شمالی ایدیکه
 اراسنی بحر قسطنطنیه فصل ایدر دیوب یعنی استانبولده کی آق دکر کارنده روم ایل ولایتنک صول قوی ایل
 بحر مزبورک اناطولی یقاس سنده قویه شهرینک اطراف ایدی انکیچون ولایت قومانه ارض یونان دیرلر
 تفسیر ابوالسعودده روم ایلنده قصبه سیر و زقر بنده مقدونیه آدلو شهر اسکندر رومی یونانک فنی ایدی
 حالا خراب اولدی لکن بنالردن عظیم اثرلر باقیدر دینوب * قوار یخده مذکوردر که طائفه یونانک اول
 ظهورلری لن آدلو بر کسسه دن ایدیکه حضرت موسی زمانده طوغشیدی لکن مذکور و مشهور اولمیرینه
 شعرا دن امیرس آدلو شاعر سبب اولدیکه حضرت موسی وفاتندن بشیموز التمش سکر ییل صکره ایدی
 طائفه یونانک اکثری عالم و عاقل و ذکی و اهل ریاضت اولوب امم عالمده یونلر کبی عاقل و کامل
 طائفه کلامشدی حکما و فلاسفه دید کارل اکثریا یونلردن ایدی یونان دیلنجه اهل علمه فیلسوف دیرلر
 معنای محب الحکمه دیکدر انکیچون حکایه عربجه فلاسفه دیرلر یعنی علما دیکدر علم طب و هیئت
 و هندسه و نجوم و اسطرلاب و منطق و کلام و موسیقی و بعض صنایع و بعض علوی یونلرک علمای ایجاد
 ایتشلردن جمیع علوم عقلمده واصل درجه علما و استاد علما دنیا ایدرلر لکن اکثر علما و حکملری مجرد
 مقتضای عقله قناعت ایدوب انبیایه تابع اولماغین اکثری کافر ایدرلر (فصل رابع و عشرون در ذکر
 مشاهیر عظمای و حکما که از طائفه یونان و سائر امم جهان) معلوم اوله که حکما یعنی دور آدمدن دین محمدی
 ظهورینه دکل عالمه کلان علما مانند اعداد حصی خارج عدد و حصی اولغین جلای ذکر ایتمک بحال امر المادر
 لکن ایچلردن غایت مشهور اوللردن بو حقیر کثیر التقصیر احوالربنه مطلع اولدیغی کسسه لر یونلردن که
 اکثرینک زمانی یقینا نامعلوم اولغه ترتیب زمانلر ذکره امکان اولماغین حروف نهجی ترتیبیجه ذکر اولغنه
 شروع اولندی (حکیم ابیدقلیس) کتاب ملل و فحله اول علما یونان بودر داود پیغمبر زمانده
 کلسدر دینوب ابیدقلیس آدلو بر حکیم دخی واردر که آشاعیده ذکر اولنور (حکیم اردیموس)
 قلم طبیعی بی ابتدا وضع ایدن بودر دیشلر (حکیم ارسططالپس) یا خود ارسطوطالپس که معنای
 فاضل کامل یا خود محب الحکمه دیکدر بو کااختصارا ارسطو دخی دیرلر * پدیری یقوماخس حکیم عالم
 فایق و طیب حاذق اولوب حکیم افلاطونله هم عصر ایدی * مرویدر که ارسطو اون بدی باشنده افلاطونه
 شاگرد اولوب یکریمی ییلدن زیاده اندن تحصیل و تکمیل ایدوب غایت عاقل و ذکی اولغین افلاطون

بوکا عقل مصور دیر ایدی و پاش شاکردی اولغین انک وفاتده متصل درس عده فاعمه سامی اولدی علم منطقی
 بواجاد ایتمکین پادشاه بوکا بشیوز بیک فلوری و یروب بیلده یوز یکرمیش بیک فلوری وظیفه
 تعین ایدی * فنون بحیبه و علوم غریبه ده سکساندن یاوزدن زیاده جه یاوز یکرمی کتاب یازوب
 علم خواص اجاری دخی بواجاد ایدوب ایچنده التیوز درلوطاش خاصیتین بیان ایدی * وافر شاکردلی
 اولوب اسکندر رومینک خواجه سی اولوب زمان سلطنتده بش ییل اکا تعلیم علوم ایدی مدت عمری
 اتش سکنیا التمشیدی ییل ایدی * تاریخ میرخوانده ارسطو طیب کامل اولوب پدری اسکندرک
 جدیدنه خدمت ایدردی * ارسطو سکنز باشنه کیردکده پدری انی روم ایلنده مدینه الحکما اولان
 حالا آتینه دیدکری آتیس شهرنه ایلتوب اون بیلده دک بعض علوم اوکروب بعده افلاطونه واروب
 مقبول شاکردی اولدی * انک وفاتده مدینه الحکما و اروپ بر مدرس یازوب خانی تعلیمه چالشوب بواننده
 فیلقوس تختکاهی اولان ماقدون شهرنه بونی کنوردوب اسکندر تخته کچدکده ارسطو شهرک
 هواسندن حظ ایدمیبوب مدینه الحکما و اروپ لوقین شهرنده اون ییل طوروب بعده مولدی اولان
 اصطاغیر شهرنه کیدوب انده ایکن شاکردلی اولان اسکندر دن وسائر ملوک واعیاندن بوکا دایما
 هدایا کوردی دینوب * کتاب موضوعات العلومده ارسطو خاتمه حکما وزمانده سید علم ایدی اسکندر بونک
 تعلیمه عامل اولغین صاحب قران اولوب ممالک نشر عدل ایتشدی ارسطو سبیلده ولایت یونان دن دین شرک
 برچرک بالکلیه رفع اولدی * قیاصقلاو خوب صورت معتدل قامت اولوب یورودکده میرعتله یوروب
 اکثر یا کابلده دفته مطالعه ایدوب سوال اولند بجه باشن آشاعه ایدوب فکره واروب آز جواب و یروب
 اوقات نهاده صحرارده وایر مقلر کثارنه واروب خوب آواز لر استماعنه واهل ریاضتله واهل بحث
 وجدل اولنله او تورمغه مائل ایدی بجمده منصف خطا ایتسه معترف ایدی * اکل و شرب ولباسده اعتدال
 ایدوب ملوک و سائر اکابر دن شاکردی وافر اولوب بعد زمان اهل دینان چکوب مدرس یازوب
 تعلیم ناسه چالشوب وفات ایدکده مدفن اولان اسطاسا شهرنک خلقی برمشکل ایشلری اولدقده بونک قبرینه
 جمع اولوب مشکلی فح اولوردی * اوولایت خلقی انک قبرینه وارمق عقله جلا فکره صحت وصف او بر
 دیوزم ایدرلردی اوصاف و اخباری کتاب مستقله مقمدر (حکیم ارشمیدس) فاضل کامل ایدی
 تالیس حکیم صد اندر صد وضع ایتدی عظیم وقفه نظر ایدوب خواص و منافعن بیان ایدی * اون برکتاب
 تالیف ایتشدی طائفه روم بونک اون بش یولک کابن آتیه باقدیلر (حکیم اسقراطیس) قدماء حکما دندر
 حضرت موسی بونک زمانده پیغمبر اولوب نیچون واروب اکا بولشهرنیز دیدکرنده بزنکمیل اولنش
 بر طائفه برغیر یله احتیاج جز یوقدر دیمش * کشفاده ونیجه کابده بوکلام سقراط حکیمه اسناد اوانشدر (حکیم
 اسقلتینوس) حضرت موسی زمانده نصر کیره ولایت مصر خاقانه پیغمبر اولان اغا نادیمون یونانک شاکردلردن
 اولوب دیار روم و عجمده علم طبی ابتدا بواظهار ایدی * وفات ایدکده اون ایکی بیک نفر شاکردی واریدی
 دیمش (حکیم اسقلتینوس) اول رئیس جمیع حکماء دنیا اولوب حکما ایچنده هر مس حکیم دیدکری
 ادریس پیغمبرک شاکردلردن ایدی (حکیم اسقلتینوس ثانی) وفات افلاطون نصر کیره کادی اشبوابی
 اسقلتینوس سارک بعض احوالاری مناسبتله بقراط حکیم احوالنده کور نظر اولنه (حکیم اسکندر
 افرویشی) ارسطو حکیم نصر کیره کوب کار حکما دندی اون ایکی کتاب یازمشدر (حکیم
 اسطوقانوس) کار حکما دندی اولوب زمانی معلوم اولدی (حکیم اغا نادیمون) موسی پیغمبر نصر کیره کوب
 عظماء حکما دندی بعض اهل یونان دن مصر خاقانه پیغمبر اولنک بری بودر دیمش * بعض معتبرانده
 اهل مصر و یونانه فی مرسل اولان غازیون یا خود غونادیمون یا خود اغنادیمون ادریس پیغمبرک استادی
 ایدی * بعض قولنجه غونادیمون شیت پیغمبر در دیومز کورد (حکیم افلاطون الهی) که صاحب
 فضل نامتناهی ایدی پدر و مادری اعیان دیار یونان دن و حکیم اسقلتینوس اول نسلدن اولوب پدر بونک
 اسمی ارسطک والده سنن پدری سولون حکیم ایدی * افلاطون تازه لکنده تعلیم بعض علوم نصر کیره بش ییل
 سقراط حکیمه مقارن اولوب انک وفاتده مصر واروب انده فیثاغورث حکیم شاکردلردن نیجه

عظماء حکما دن تکمیل علوم حکمیه ایدوب بعده مدینه الحکما کوب ایکی مدرسه یازوب تدریس
 هر علم نفیس ایدردی * معتدل قامت خوب صورت اسمعرا لون نادر الـ کون اولوب انواع کمالات
 و مکارم اخلاقده زمانده اکل اهل آفاق ایدی * عزات و وحدته مائل اولغین اکثر یا نک و تنها کشت دشت
 و صحرا ایدوب بونی آره یلر مناجات ونداسندن و بکامی صداسندن ییلوب بولورلردی فنون بحیبه
 و علوم غریبه ده التمش بش یا او نورالتی کتاب یازمشدر * اکثر حکما شرایع انبیایه مراجعت ایتماکله
 عقائد باطله اوزره کافرلر اولوب اما افلاطون حکماء مسلمیندن اولغین افلاطون الهی دیرلر نیجه نصایح
 عظیمه سی واردر که اخلاق ناصری دیمکله مشهور کابده مسطوردر * مرویدر که شاکردلی ایکی فرقه
 اولوب برینه بولده یورر کن درس دیدیکچون انره مشایون دینوب برینه دخی مدرسه ده درس
 دیمکین انره اشراقیون دیرلردی * موضوعات العلومده مذکوردر که افلاطون اعظم حکماء یونان اولان
 بش کسسه نک بریدر علما نسلدن شریف القسب جلی الحسب علی الترتب عظیم القدر و سمیع الصدر
 مقبول الکلام امام همایندی * فیثاغورث حکیمک بالذات شاکردلردن اولوب سقراط یله او قومشدی
 علوم حکمیه ده وافر کابلریازوب لکن عباراتده رمز و اغلاق اختیار ایتشدی آخر عمرنده درسی
 ارشد اصحابه تفویض ایدوب کند و عباداته مشغول اولدی * جمله سکسان ییل یاشیوب حالا آتینه
 دیدکری آتیس شهرنده طوغوب یکرمی یاشنده سقراطه شاکرد اولوب الی ییل اندن علم او قیوب
 بعده آتیس کوب شاکردلره درسه یاشلیوب بوستانلرده تازه اولتربیبوب ایکی خاتون نکاحلنوب
 نفی مبارک اولغین وافر شاکردلر تکمیل ایدوب هر بری علمه مشهور جهان اولدیلر (حکیم اقرطین)
 رسدده احکامی یازیلان بیک یکرمی ایکی عدد یلدزلرک صورتلرین ابتدا بوضع ایدی (حکیم
 اقلیدس) صور شهرندن اولوب علوم ریاضیه بی ابتدا بواجاد ایدی واول فنده کتاب تألیف ایدوب
 کتاب اقلیدس دیمکله مشهور دنیا اولدی (الخط هندسه روحانیه ظهرت باله جسمانیه) انک کلامیدر
 ارسطو حکیم نصر کیره کوب استقصاب آدلو کتاب یازوب بعض ارجله اون درت کتاب یازدی دیمش
 (حکیم اقلایون) علم فراسی ابتدا بواجاد ایدوب بقراط حکیم زمانده ایدی * بعض معتبرانده قلمیون
 بعض کتبه فیلون آدلو بر حکیم دخی مذکوردر * والله اعلم (حکیم انبارقلس) غایبده عظماء حکما دندی
 (حکیم انبرقلس بن فاذن) فواجح مسکیده علم حکمنده بحر عمان و مشهور جهان اولان حضرت اقامان
 صاحب عرفانک شاکردلردن اولوب انبارقلس نصر کیره کیشدر دینوب * کتاب ملل و مللده اید قلس آدلو
 بر حکیم ذکر اولنوب حضرت داود زمانده کیشدر دیومز کورد * والله اعلم (حکیم اندروماخس)
 بعضلر تر یاق فاروق مجنون بواجاد ایدی دیوب لکن قاموسده حکیم ماغنیس ايجاد ایدوب اندروماخس
 قرص افی اید تکمیل ایدی دیشدر (حکیم انکساغورس) ملاطیه شهرندن اولوب عظماء حکما دندی
 (حکیم انکسانس) بودخی ملاطیه لودر علم حکمیه ده فریدده ایدی (حکیم انکسیانس) غایبده
 عظماء حکما دندی (حکیم امیرس) اقدم واعظم شعرا یونان اولوب طائفه یونانده بوند نصر کیره
 کلان شعر او کاتقلید ایدرلردی * حضرت موسی نبوتدن بشیوز التمش الی بیلده نصر کیره ظهور ایدوب اسان
 یونانده قصائد لطیفه و کلمات حکمت سمائی واریدی (حکیم برقپوس) الاسکندری که اسکندریه
 شهرندن ایدی علم طبایع و خواص عددده ابتدا کتاب تألیف ایدوب در (حکیم برماییدوس) کبار اطباء
 حکما دن اولوب بعض احوالی مناسبتله بقراط احوالنده کور نظر اولنه (حکیم بطلمیوس الفالوژی)
 میرخوانده علم هندسه و نجومده فرید عصر ایدی اسکندر به ده طوغوب فنون عدیده تألیفاتی واردر
 حالا بحسب طبی دیمکله مشهور اولان ماغاسطن نام کتاب بونک تألیفیدر او فواجحک پادشاهی آریانس زمانده
 رسد قوروب احوال نجومی یازدی * معتدل القامه سفید روی کثیر اللحیه کشاده دندان شیرین کلام
 شدید الغضب بطی الارض قلیل الاکل کثیر الصوم خوشبوی پاک جامه اولوب یتش سکنز یاشنده
 وفات ایدی دینوب * فواجح مسکیده ده یونانجه معانی میزان الشمس اولان علم اضطرابی ابتدا بطلمیوس
 ايجاد ایدی * علم افلاک عاشق اولغین علم هندسه سبیلده فلک حقیقه و افلاکی مساحه ایدوب احوال نجوم

و غیر ییلوب کتاب مجسطیده یازمشدر بونک رصدیه خلفاء عباسیه دن مأمون خلیفه زماننده کی
رصدراستنده التیوز طقسان ییل بکدی * بعض معتبراته جالینوس حکیمله هم عصر اولوب اون اوچ کتاب
تألیف ایدوب قوردی رصد شهر رود سده ایدی دینوب * کتاب ملل و مملکده هیأت فلکده ابتدا تکلم ایدوب
علم هندسه تألیف ایدن بود دیومذ کورد (حکیم بقراط بن راقلیس) ولایت فرمانده نیکده شهرنده
طوغوب انده ساکن ایدی * فاضل فایق و طبیب حاذق اولوب علم طب و حکمتده او توردن زیاده کتاب یازدی
بخت نصر دن یوز طقسان التی یا همان طقسان التی ییل صکره کدی * فوایح مسکیده بو کاتر اقل دیرلر
علم طی ابتدا بتألیف ایدوب اسقلینوس حکیمدن اول کلمندر بر کسنه کند و سید کی اوزرینه نو کورسه
بل اغریسندن امین اولور دینوب حقنه ایتمکی بر قوشدن کوروب اوکر غشیدیکد کز کارنده وافر بالتی ییوب
امتلا اولد قده یورینه دکر صوبن الوب کند و برینه صوقوب دو کوب اسهال اولوردی دینوب * میر خواننده
بعض بقراط و ذیقراطیس ملوک عجمدن بهمن زماننده ایدیلر دینوب لکن نیچه لر ظهور بقراط ظهور اسکندر
رومیدن یوز ییل مقدم ایدی دیمشدر * موضوعات العلومده بقراط کند و زماننده طبیعیونک رئیس
اولوب فاضل کامل و معلم جمیع اشیا و منته و متاله و ناسک و عابد و سالک و سیاح ممالک اولوب خسته لر الله
علاج ایدردی * عجم پادشاهی اردشیر زماننده کوب حصده ساکن اولوب دمشق شامه واروب ریاضت و تعلم
و تعلیم ایچون انک میمنه زاورنده ساکن اولوردی دینوب * تاریخ حکیمده مفصلدر که بقراط اول اسقلینوس
انی بیلک کند و سلسله مخصوص اولمغیچون اجنبیلره تعلیمدن نهی ایدردی طبی صافی تجرب به ایله تحصیل
ایتمکین انک زمانندن ییلک در تیز اون التی ییلده کج جمع حکما متاله علم طبده تجرب به ایله عمل ایدوب بعده
مینوس حکیم کوب تجرب به به قیاس ضم ایدوب یدیموز اون بش ییلده کج حکما طبده تجرب به و قیاسله معام
ایدوب بعده برمانیدوس حکیم کوب تجرب به خطادر دینوب مجرد قیاس ایله عمل ایدوب انک وفاتده
شاگردلری تجرب به و قیاس خصوصاً زنده اختلاف ایدوب افلاطون حکیم کاد کده ملاحظه عظیمه ایله
تجرب به و قیاسنک ایکسی دخی لازمدر دیو قطع ایدوب سائر اقوال اوزره یازیلان کابری احراق ایدردی
افلاطون وفاتندن ییلک در تیز بکرمی ییل صکره اسقلینوس ثانی ظهور ایدوب انک و شاگردلرینک
وفاتلرند نصکره نه انک شاگردلرند بقراط علم طبده فرید عصر اولدی * مزبور بقراط اهل مرحمت و کرم
و فضل اولمغین عالمدن علم طب قطع اوقا خوفندن انک تعلیمن جله خلقه بذل ایدوب غیر ییلده دخی تعلیم ایدوب
انلری اولادی کبی ییلوردی * خوب صورت سفید روی بزرگ سر مخنی قامت صاحب غضب بطی الحمره
صائب القول قلیل الاکل کثیر الصوم ایدی * طقسان با طقسان بش ییل یشاوب اون التی باشند
تکمیل علوم حکما ایدوب باقی عمری تعلیم و تألیفه صرف ایتمشدی حکیم بقراط ثانی ابن قلیس
حکیم بقراط ثالث ابن دارقن بن بقراط حکیم بقراط رابع که * بقراط ثالث عبسی اوغلیدر
اشبواوچ بقراط لرک احوالری معلوم اولدی (حکیم بقراطیس) تفسیر طلسمات روحانیه کابن
بو تألیف ایدی (حکیم بلیناس) فوایح مسکیده کج بر مخلصده سید الحسکا اولوب اسکندر رومینک
استادی ایدی علم طلسمات روحانیه اول تکلم ایدن بود دینوب * بر مخلصده دخی علم طلسماتده اول
تکلم ایدن طائفه صابیه در دیمشدر (حکیم تالیس) فوایحده مذکوردر که حاب قربنده شهر
ماطیه دن اولوب مصرده ابتدا متفلسف اولان بود در صد اندر صد بر عظیم وفق وضع ایدوب همکل عطارده
قویوب الهام ربانیدن نوع وحی دن استنباط ایدوب جمیع اهل یونان اولو حی غایت تعظیم و آنکه
تبرک ایدوب عدودن و غیر بدن بر بلایه او غرسه لر اولو حه توجه و بر کشتن استمداد ایدوب بلالری
دفع اولوردی خیلی زمان بولوح ایچلر زنده طوروب بعد زمان ارشمیدس حکیم بونک منافع و خواص یازوب
فوائدی محتاج تفصیلدر دیمشدر (حکیم تالیس) معتبراته مذکوردر که علوم فلاسفه و حکما که حکمیات
و ریاضیات دیرلر حضرت موسی زماننده ماطیهده تالیس مصرده فلوطرخس روی ایجاد ایدوب
صکره کلان حکما در جله ارتور دیرلر ملل و مملکده ابتدا فلاسفه و حکمتی حضرت موسی زماننده طائفه روم

ایجاد ایدوب انلردن ابتدا فیلسوف اولان تالیس ملطیدر ابتدا فلسفه ایله مشهور اولوب علم حکمت
اکمفسوب اولان مصرده فلوطرخسدر دیومذ کورد (حکیم تالیس) میر خواننده ماطیهده
حکامن ابتدا بوظهور ایدوب سلطنت بخت نصر دن یوز بکرمی اوچ ییل صکره ایدی دیومذ کورد
(حکیم جالینوس) میر خواننده رئیس اطباء دنیا سکر کسنه ایدی * بری اسقلینوس * ایکینی غورس
او چینی مینوس * در دینی برمانیدس * بشخی افلاطون * التخی اسقلینوس ثانی * یدینی بقراط * سکرینی
جالینوسدر که بو کاخامه اطباء دیرلر صکره کاتر جله بو کاقتدا ایدیلر * نبوت حضرت عیسا دن ایکیز ییل
صکره طوغوبنی متفق علمدر پدیری بو کا علم طب اوکر تمکه عظیم مال خرج ایدوب بودخی تحصیل انواع
علوم ایچون ممالک یونان و روم و مصری کز مشدر * کندم کون خوب صورت کثیر السفر کابره کثیر المطالعه
ایدی ملوکله کثیر الاختلاط اولوب شهر مقدونیهده نیقاس آدل و پادشاه بو کا غایت رعایت ایدردی
ملوک مغربدن بر یله عظیم تفصیل محتاج براطیف سر کدشی کوب حاصلی انی مرض جذامدن قورتاروب
عظیم احسانلر نه مظهر اولوب اوغللرندن برنی علوم اوقومغه جالینوسه شاگرد ایدوب وطننه یله
کوندردی دینوب * نیچه معتبراته جالینوس بقراط وفاتندن التیوز التمش بش ییل صکره رودسه
حضرت عیسی زماننده طوغوب علوم حکما به خصوص صاطبه یش ییل چالشوب نهها یتنه یرشوب فنون
متعددده در تیز جلدیا یش عدد کتاب تألیف ایدی * پدیری دخی علم هندسه و علوم ریاضیهده غایت
ماهر ایدی * جالینوس کثیر الصوم و اهل خیر اولوب قرا و اغنیاء خسته لرینه رضاء الله بی اجرت و منت
خدمت ایدوب مالدار اولمغین معالجه به کند و بایندن خرج ایدردی * سکسان یدی یاسکسان سکر ییل
یشاوب یش ییلنی جله علم طبه صرف ایتمشدی * هر ویدر که وفات ایدر کن عالم قدیمیدر حادثه در حل
ایده مدم دیمش دینوب * موضوعات العلومده یونانندن شهر قوغاموسده طوغوب زماننده رئیس و امام اطباء
و حکما ایدی ارسطو در نصکره طبیعیده بقراطله بوندن اعلم کسنه کدی * بعضلر بونی استانبولک جانب
شرقیسنده ایسپا بلادندن اولوب قیصره رومک التجیسی پتره قیصرک زماننده ایدی ولایتلر کزوب
جمیع علوم حکماده اون یدی باشند ماهر بکرمی در تده منتهی و جله اقرا نه غالب اولدی عقیف و غنی القلب
اولمغین سلاطینه قارشمیوب بخششلرین دخی المزدی * بقراطک علومنی تجدید و علم نشر یحده کاغلبه ایدوب
علوم حکماکی حل مشکلاته احیا ایدوب بو اولسه ترک اولوب دینان ضایع اولوردی * پدیری دخی
کند و زماننده علم مساحهده اعلم ناس اولوب دین نصاری ظهور ایدوب حضرت عیسی ایچون قدسه
بر کسنه احیاء موتی و ابراء که و ارض ایدر ایش دیو ایشیدوب لکن انک کو که کتد و کندن یش یدی ییل
کچمکین باری انک یولدا ایشلرینه بولشه یم دیو کیدوب یولده وفات ایدی دیومذ کورد (حکیم درهوباس)
فوایح مسکیده ده کبار حکامن ایدی دیمشدر (حکیم دیسکوریدس) خواص نباتاته مشاهده طریقله
کمال و قوف تحصیل قرق ییل چالشوب منافع و مضارین تحریر و کثیرینک اشکان تصور ایدوب بوباید
ابتدا کتاب تألیف ایدن بود (حکیم ذوانا) بعضلر بونی پیغمبر ایدی دیمکین باب انبیاء مشبهه الاحوالده
نیمشدر نظر اولنه (حکیم ذیقراطیس) عظماء حکامن اولوب عجم شاهی بهمن زماننده ایدی
حکیم ارسطو بونک قوانی کند و استادی افلاطون حکیم قولندن ترجیح ایدردی * منافع اجزاء حیواناتی
ابتدا بویسان ایدوب او بایده کتاب یازمشدر (حکیم زرداشت) بعض کتیده پیغمبر ایدی دیمکین
تفصیل حالی باب انبیاء مشبهه الاحوالده نیمشدر نظر اولنه (حکیم سقراط بن نیفرستس) هر ویدر که
اعظم حکما دنیا اولان فیثاغورث حکیمک شاگردلرند اولوب افلاطون الهی دخی بونک شاگردی ایدی فضل
و کالده مرتبه علیا به واصل اولوب لکن علومه تعظیما اصلا کتاب تألیف ایدی * اهل قلت و قناعت
کثیر الانقطاع کثیر العباده اهل ریاضت زاهد مجاهد اولوب خلقی بت پرستلکدن منعه نصب نفس ایتمکین
عاقبت بر حاکم ظالم بونی حبس ایدوب تفصیل محتاج و جله بو کا زهر یدرمکین یوزاون باشند
وفات ایدوب اون ایک ییلک شاگردی قالدی * تفاسیرده بعض کسنه لر بو کانیچون موسی پیغمبر واروب
بولشه سزید کده بر تهمذیب و تکمیل اولمش بر طائفه بزغیر یله احتیاج جز یوقدر دیو جواب ناصواب

ویرش دینوب لکن توار یخده بوقصه اسقراطیس حکیمه اسناد اولمشدر * والله اعلم (حکیم سولون)
 افلاطون حکیم والد سی پدی اولوب بعض لطیف موعظه کتباری یازمشدر بر حاکم نظامدن قاجوب
 سکسان یاشنده غریبه وفات ایدی (حکیم طفطیوهیس) فوایح مسکیده کار حکمدن عد اولمشدر
 (حکیم فلقطیریوس) قلم فلقطیری بی ابتدا بوضع ایدی (حکیم فلوطرخیس روی) بونک احوالی نالش
 حکیمه کیمشدر نظر اولمه (حکیم فولوس) فوایحه جالینوسک همشیره زاده سی اولغین بونی حضرت
 عیسیایه کوندرمشدر طائفه نصاری رئیس حواریون اولان شمعون صفاد نصکره بونی پیغمبر اولدی
 دیواعتقاد ایدر دینوب لکن جالینوس بونی عیسیایه کوندردی دینوبکی یوقار وده کدیکی اوزره جالینوسک
 عیساندن ایکو زبیل صکره کدیکی متفق علیه ایدوکنه مخالف اولور * والله اعلم (حکیم فیناغورث)
 ابن میساکورث (فوایحه والد سی بکر ایکن طوغردی دینوب یعنی بر طریقه مادر رحنه طایفه پدر
 واصل اولوب حکمت ربیه بلاسی الاب وجوده کدیکی اشعار اولمشدر * نیجه معتبراته علوم الهیه
 وطبیعیه بی سلیمان پیغمبردن وانک شاکر لرندن اوکرونوب عابد واهل ریاضت اولوب علم موسیقی بی و علم
 خواص اعدادی و بعض علومی قوت علم و ذکایله بواجب ایدی * جشمید زماننده کادی دیو بروایت
 واردر * مرویدر که حرکات افلاک مطلع اولوب هیچ انلردن لذیذ و لطیف نسنه کوروب وایشتمدم دیردی
 موسیقی بی اندن استخراج ایدی حکمدن فلک صداسن ایشیدن ابتدا بودردیشدر * علم خواص اعداد
 وسائر فنونده ایکوز سکسان جلد کتاب تألیف ایدوب جمیع حکماء عالم انلری مقبول و مسلم طوئیدر
 مصرده بانظاکیمده ساکن اولوب حکمدن نیجه بیک شاکردی واریادی دینوب * میبر خواننده
 مذکوردر که صور شهرندن اولوب شهر لرنه عدو غلبه ایتمکین خلعتی جلای وطن اید کارنده بونک پدی
 دخی جله اولادیه ساموس شهر لرنه بعده انظاکیمیه واروب حاکی بونی اوغل ایدنوب سن شبایه ایردکه
 سلطون شهر لرنه کوندروب انده حکمکن برندن هندسه ونجوم اوکرونوب بعده علوم حکمیه تحصیله
 سیاحت ایدوب مصره واروب بعده بنه ساموسه کلوب تعلیم وارشاد خلقه چالشوب کابلر تألیف ایدوب
 آخر عمرنده بر شهره واروب انده برکنسنه بوعادوت ایدوب بمجادله قرق نفر شاکردی قتل اولنوب
 باقیلر بله بر کجه قاجوب شهر بشهر کروب عدوسی بونک آردنه دوشوب یتشوب بونلر یوله بر محکم البنا مصره
 کروب عدوی بدخی انک اطرافنه اودون طاشیوب آتش اوردقه فیناغورثله شاکردی بر قاج کون
 جوع و عطش و حرارت آتش چکوب عاقبت جله سی هلاک اولدیلر (حکیم فیلون) فوایحه دکر منلری
 وعود ولا بلری بواجب ایدر دینوب * معتبراته اقلیمون آدلو بر حکیم دخی واردر که بقراط زماننده
 اولوب علم فراست انک ایجاد ایدر (حکیم مارینوس) علم جغرافیا که کجیلر خارجی دیرلر ابتدا بوضع
 ایدوب بهضرب طلیوس دخی جغرافیا یازمشدر دیوب غالبامارینوسد نصکره اولمقد (حکیم ماغنیس)
 قاموسده تر یاق فاروق مجنون ترکیب و ایجاد ایدوب حکیم اندروماخس قرص افنی ایلر تکمیل ایدی
 دینشدر (حکیم مورطس) الشمس میل قدر یردن ایشیدیلان ارغنون آدلسازی بواجب ایدی
 (حکیم مینوس) علم طیده حاذق و فایق اولان کارا طبادن اولوب بعض احوالی مناسبته بقراط احوالنده
 کدی نظر اولمه (حکیم نیقوماخس) ارسطو حکیمک دیریدر عالم فایق و طیب حاذق اولوب افلاطونله
 هم عصر ایدی (حکیم هرمس) که ادربس پیغمبر اولغین احوالی انبیایا بلرنده کیمشدر (حکیم هردودیس)
 فوایحه کار حکمدن عد اولمشدر (حکیم هوزمیس) بودخی کار حکمدن عد اولمشدر (حکیم لادن)
 سقراط حکیمک مقبول شاکر لرندن (فائده) دیار یونانده وغیر بیده بجد ولا بعد حکمایی علما کلوب
 بوملده ذکر اولانلر انلر اکابر کاری واعظم عظماء پراشتار ایدر * فوایح مسکیده حکماء یونانک
 غایت اولوری یدی کسنه در که اعلی نالیس انکساغورث انکسیانس ابازلس فیناغورث سقراط
 افلاطوندر دیومذ کورد (فائده) نیجه معتبراته فلاسفه دیکاری حکماء یونان وغیری ایکو نوع ایدیلر
 بری قدماد که بونلر دخی اکثری ایکو صنف ایدیلر که * اولکی به دهر یون دیرلر که حق سبحانه وتعالی نلک
 وجودشرفن بالکلیه انکار ایدیلر * ایکو به طبعیون دیرلر که وجود باری تعالی به اقرار اکن حشر و نشری

انکار ایدیلر بواکی فرقه دخی کفاردن درلر * نوع ثانی متأخریندر که بعضاری قدمامذ هبلرنده اولوب
 سائرلر بیکه متأخرینک اکثریدر اهل سداد و مسلم و پاک اعتقاد اولغین بونلر الهیون دیرلر * بونلر قدماء
 ذوی الضلال مذهلرین رد و ابطال ایچون نیجه کتاب لطیف تألیف ایدوب سقراط و افلاطون و ارسطاطالیس
 و بعضر و قدمادن فیناغورث و بعضر الهیوندن ایدیلر دیومذ کورد (فصل خامس و عشرون)
 در احوال ام نصاری حضرت عیسی پیغمبر اولدقه قدس یاننده ناصره آدلو قریه ده ساکن اولوب بعض
 بنی اسرائیل کامتبع و نصرت ایتمکین انلر نصاری دینوب بعده بحق و بغیر حق دین عیسی اوزره کچن
 هر طائفه به دخی تعلیمات و تعجیبات نصاری دیدیلر * بعض بنی اسرائیل و جمیع روم وارمن و فرنک و جرکس و کرج
 و روس و بلغار و مجار و نیجه و یوسنه و خروات و صقالیه دید کار طوائف له وجه حالا اسمی نامعلوم بجد
 ولایه فرقه اولمشدر * حدیث شریفده نصاری تمش ایکو فرقه اولوب بریسی اهل جنت غیر یلری اهل نار
 یعنی جهنمدردیلر * حضرت عیسی محض قدرت خدا جل و علاایله بابامز طوغغین و مستراحیا
 ایتمکین اکثر یاسنسناس التباس مکر شیطان خناس ایلر پروسواس اولوب ضلالتله دوشدیلر * تفاسیرده
 (فاختلاف الاحزاب من بینهم) آیتنده مذکوردر که عیسی کوکه چکله کد نصکره عیسوی یلر اوج فرقه اولوب
 بریسی یعقوبیه در که عیسی الله ایدی بر یوزنده ایستدوکی قدر طوروب بعده کوکه کندی دیدیلر * بری دخی
 نسطور به در که عیسی الهلک اوغلیدر دیدیلر * بواکی فرقه تحقیق کافر ایدیلر تعالی الله عما یقول الظالمون
 علوا کبیرا * اوچنی فرقه عیسی الهلک قوی و پیغمبری و جاریه سی مریمک اوغلیدر دیوب بونلر مؤمنین صحیح
 الاعتقاد ایدیلر * تفاسیر ابوالسعودده اشبو مسلمانلر فرقه سنک اسمی ملکاتیه ایدی دینوب لکن تفسیر نیسیرده
 نصارادن ملکاتیه الله و عیسی و مریم حاشا اوج شریکاردر دیواعتقاد باطل ایدن فرقه کافر در دینوب *
 اکثر تفاسیرده اشبو فرق ثلاثه نصاری دینلری اوغرنه بری برلر یله جدال و قتال ایدوب اول ایکو کافر
 فرقه لری غایت جوقلق اولغین مسلمانلر فرقه سنه غلبه ایدوب قیروب مسلمانلرک دولت و شوکتلری زوال بولوب
 کتدکجه دنیاده وجود لری غایت آزا اولوب حتی بعض شهر لرنه و قریه لرنه انجیق برر ایکیشر کسنه اولوب
 انلردخی خلقدن غایت عزت ایدوب اسلاملرین اخفا ایدرلر * خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله
 علیه وسلم ایدر * برمدای پیغمبر اولدقه نصکره دین اسلام و نور توحید خدا عالمی برضیا ایدی * نصارادن
 عیسی ابن الله در دین ملهونلر بعد الکفر المقرراطها رحق مکرر ایدوب عیسی صاب اولمشدر دیواعتقاد باطل
 ایدوب لکن بعده صغالوب کوکه چکله دیرلر * صلب قصه سی البته کذب و افترا ایدوکی باب عیساده کیمشدر *
 مرویدر که نصارانک کتباری اولان انجیل شریفده احکام شریعت غایت آزا اولوب جمیعاً وعظ و نصیحت
 و یوز الی سورة بر حکمت اولوب نصارانک شریعتلری شرع حضرت موسی ایدی حضرت عیسی
 شرق طرفنه قارشو طوغغین نصاری قبله لری مشرق اولوب نماز لری وقتی امت محمد نماز لری وقتی اولوب
 نصف الایامده حضرت داوده نازل اولان زبور شریفی اوقورلردی هر رکعتده بن سجد ایدوب نماز لری
 آبدستسز قیلورلردی * اوج دفعه او جبری وار ایدیکه بریسی الی کون بریسی اوج کون ایدی * تفاسیرده
 صوم رمضان بونلر دخی فرض ایکن بعد زمان یاز کوته کلد کده تأخیر ایدوب قیشله قضا اید کارنده
 اون کون زیاده ایدوب نیجه زماند نصکره ایچلرنده طاعون اولوب آنک دفعیچون اون کون دخی زیاده ایتمک
 نذر ایدوب اوسبیدن اور جبری الی کون اولدی دیو بر روایت واردر * مرویدر که عودیلر غایت غلیظ
 طائفه اولغین امت بنی اسرائیلده کدیکی تفصیل اوزره شریعتلری دخی غایت ثقیل ایدی * طائفه نصاری
 ضعیف الحال اولغین شریعتلری خفیف و بر رخصت و وسعت اولوب حیض کوومش عورتیه جماعدن
 ونجاستلردن چوقلق صلاقمق و جنابتدن غسل ایتمک و بونلر امثالی امور رجا نر ایدی * شرع محمدی
 (خیر الامور اوسطها) مفهومیجه اعدل و افضل جمیع شرایع اولغین تغلیظات بود و تحقیقات نصاری
 اور تاسنده بر شرع پاک نابالک مبارک و سبب رضای حق تعالی و تبارک اولمشدر * الله الحمد والمئه (فائده)
 مرویدر که بواس آدلو بر یهودی راهب صورتنده نصاری پادشاهنه کلوب عبادتله کتدو به اعتقاد
 اید کارنده انجیل شریفی تغیر و تبدیل ایدوب بری بر بنه مخالف نسخه لری یازوب هر بری بر پادشاهه و یروب

بنی عیسوی کو که چاغزیدی اکا کیدرم دیوایانندوب کندوبی هلاله ایدوب بعده هر پادشاه کندونسخه سنی
 جیقاوروب حق بنه کیدردیوارارینه جدال و قتال دوشوب هر بری بر فرقه اولوب انکیچون طوائف نصاری
 غایت جوق و دین و آیینلری بری برلر بنه مخالف اولوب ارارنده اکثریاعدات دخی وارددر قصه بولس تفصیلی
 آخر باب عیساده کچمشدر نظر اولنه (فائده) طوائف هرکس و کرج و بلغار و بوسنه و خروات و مجار
 ونجه و له و وجه و افلاق و بغداد و اردل و الا مان و نیجه طائفه دخی نصارادن سابقات پرستلر اولوب حضرت
 عیسی بنو تنصکره تدریججه جله سی نصارانک کفاردن اولان یتش ایک فرقه سندن اولوب لکن انلرک اصللری
 کیملرک نسلیدر وابتداء حاللری ندر معلوم اولیوب حالا موجود اولنلرک ایسه کندولرینک و عملکترینک
 احواللری اجمالاً معلوم خلق عالم اولغین تفصیل اولغدی * امام معلوم اوله که کرجی طائفه سنه فارسیجه
 مغول دیرلر غالباً ولایت چینده مغول دیدکری طائفه نادران ایدیلر کبی * و طوائف اترکدن برینک
 دخی اسمی بلغار در دینوب غالباً نصارادن اولان طائفه بلغار انلر اولغدر * والله اعلم بما اخفی و اعلم
 (فصل سادس و عشرون در احوال امت عرب) کرجه بونلرک اوائلی ذکر اولنان امتلرک نیجه لرندن
 مقدم کیشلدر لکن ناسخ ملل وادیان و خاتم انبیا و امم جهان اولان حضرت محمد مصطفی اول بمجد مجتبی
 و مقلد مقتدی صلی الله علیه و سلم و عظم و کرم و جله اصحاب و اتباعی و اکثر امت و اشباعی طوائف عرب
 اوانلرندن اولوب امت عالی همی آخر امم بنی آدم اولغین خصوصاً بر مضمون * الخلو آخر الطعالم طائفه
 گابده امت عرب خیر طلب ذکر یلدهان جان پر عرفانی شهد کام و اشبو کاب مستطاب منفعت نصابی
 مسکی الختام ایتمک محض صواب بلکه باعث اکنساب ثواب کورلرکین مجموع قبائل امت عرب خیر ادب
 ذکر ایشبو کاب حاوی الفاخر آخر نه تأخیر اولغدی * پس حالا معلوم اوله که جمیع جنس امت عرب یحید
 ولایت قبیل و طائفه متخالفه اولوب لکن لسانی و واحد ایدی قاموسده شهرده ساکن اولنلر بنه عرب
 صحراده ساکن اولنلر بنه اعراب دیرلر دینوب بوجله نک کیمی عینه کیمی مکده و مدینه و ارض حجازده
 کیمی شام و مصر اطرافده کیمی مدینه ایلد بصره و الحسا اراسته ولایت نجدده کیمی ارض عراقده کیمی
 دیار بکر و متلرنده اولوب اکثری او به ایلد قونار و کوچر قبیللر اولوب حالا دخی بولدر (فائده) نیجه
 معتبرانه جمیع جنس عرب اوج نوعدر برینه عرب عاربه دیرلر که عاد و غمود و طسم و جدیس و عمالقه
 و جرهم و عبیل قبیللر بیدر * ایکنی به عرب متعربه دیرلر که ملولین ابدامی اولان قحطان بن عابر بن شالح
 ابن ارغشده بن سام بن نوح علیه السلام نسلندن اولان قبیللر در * او چنی به عرب مستعربه دیرلر که
 حضرت اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام نسلی اولان قبیللر در دینوب * تاریخ ابن کثیره ده اوج قسمک
 اولک سبک نسللری و تفصیل خبر و اثرلری منقطع اولغین عرب بانه دیرلر که عاد و غمود و جرهم طائفه لریدر
 ایکنی به عرب عاربه دیرلر که حضرت اسماعیلدن مقدم کلندر او چنی به عرب مستعربه دیرلر که
 انلر تنصکره کلندر دینشدر (مقدمه) اگر چه جمیع طوائف عرب مانند رمل و حصی یحید و عد
 و احصی اولغین جله سن ذکر ایتمک مقدور معشر بشر دکل ایدوکی مقرر در لکن اصول قبائل و مشاهیر
 طوائف فروع بونلر که ترتیب انواع ثلاثه مذکورده اوزره علی وجه المطبوع شروع اولندی
 (نوع اول) که انلر عرب عاربه یا عرب بانه دینوب انبیا ماضیه زمانلرنده کندولری و نسللری بالکلیه
 منقرض اولشدر اولر عاد و غمود و طسم و جدیس و عمالقه و جرهم و عبیل طائفه لریدر که حالا ذکرا و انور
 (قبیله عاد) بدتمه ذوی العناد ضلالت معتاد اشبو قوم مستحق اللوم عاد بن عوض بن ارم بن سام
 ابن نوح علیه السلام یا خود عاد بن ارم بن شالح بن ارغشده بن سام بن نوح نسلندن ایدیلر * مزبور عاد
 تبیل السنه ظهورنده ولایت بابلدن کیدوب بن و عمان مملکتلری اراسته حضر موت شهرنده اسمی
 احقاف اولان قوم مصال ولایتده ساکن اولوب نسلی جوغالدی جله سی بت پرست و باده کفر و غرور
 قوت و شجاعتله مست ایدیلر * اوچر یوزدن بیکر ییلدهلک بشایوب یوزر یادر در یوز ذراع قامتلری اولوب
 غایت کونه قدرلرینک قامتی التمش یا تمش یا سگسان ذراع ایدی * بعضلر بلندلرینک قامتی یتش بعضلر
 اولن ایکی ذراع ایدی دیدیلر * بونلرک نیجه لری طاعنن الاریه قبه قدر عظیم طاشلر قوباروب و هب بن منبه

قوانچه باشلری بونلر قبه قدر اولوب کوزلری ایچنده برتبی جانورلر یا قوب یا ور یلردی جمیع قوم عاد جهنم
 معاد ایکی فرقه ایدیلر * برینه عاد اولی برینه عاد ثانیه دیرلر که اولکی یا ایکنی قوم هود علیه السلام در که
 ریج عقیل هلالک اولوب اون اوج عدد قبیللر ایدکری و تفصیل حاللری باب هود علیه السلامده و ملول
 یتمندن شداد فصلنده کچمشدر نظر اولنه (فائده) قاموسده سناس بر جنس مخلوقدر که هر برینک همان
 برایانی اولوب اولوب اوله کله صحرار * حضرت رسول صلی الله علیه و سلم یورمشدر که عاددن بر قبیللر رسوللر بنه
 عاصی اولغین الله تعالی انلری مسخ ایدوب سناس اولدیلر هر برینک همان برطر فدن برانی و برایانی
 اولوب ییه جکارین قوشلر دانه بر کبی ییوب حیوانلر اوتلر کبی اوتلرلر آ ز کسنه ایدیلر حالا انلر منقرض
 اولمشلدر اوصورتده موجود اولنلر بنه بر درلو مخلوقدر * یا خود سناس اوج جند بری نام
 بری سناس بری نساندر یا خود نسانس بونلرک ایچلرند عورت قسمیدر یا خود نسانسن قدرلری
 ارفه در یا خود نسانس یا اوج و مأجوددر یا خود بنی آدمدن بر قومدر یا خود انسان صورتده
 بر درلو مخلوقدر که انساندن اولیوب نیجه سنسده انسانه بکزه مز لرد یومذ کوردر * ملولک عینه ذوالاذعار
 طائفه سناسه سفر و انلردن و افر کسنه اسیر ایدوب یینه کتور دیککی باب ملولک قحطانده ذوالاذعار
 فصلنده کچمشدر (قبیله غمود) خیانت غمود خیانت فزود که غمود بن عابر بن ارم بن سام بن نوح
 علیه السلام نسلندن اولوب قوم عاد اقر باسندن ایدیلر مکده شام اراسته کسر حالیه حجر نام طاشلو
 و قوم ملوک مکان مقام ایدینوب اوچر یوزدن بیکر ییلدهلک بشایوردی بونلر دخی کفار لثام و عبده اصنام
 اولغین نسبه ایچلرند صالح پیغمبر بونلری ایمانه دعوتی هر سل اولوب بونلر قبول ایتمک کارنده درت ییل
 نفر مسلمانلر ایچلرندن کیدوب باقی شقیلر صیحه حضرت جبرائیل ایلد هلالک اولدیلر * حضرت صالح و فائده
 قوم غموددن ییل اولان مسلمانلر نیجه زمانده نصکره کفر و طغیان اوزره اولوب حضرت حنظله پیغمبر
 اولدنده بونلر تصدیق ایتمیوب جنک ایدک کارنده جله سی هلالک اولدیلر * تفصیل احوال قوم غمود باب صالح
 علیه السلام ایلد باب حنظله علیه السلامده کچمشدر نظر اولنه (قبیله طسم و قبیله جدیس) که
 ولایت حجاز ایلد بن اراسته ولایت یمامه ده ساکن ایدیلر قاموسده طسم قوم عاد بقایاسندن بر قبیللر
 ایدیلر نسللری منقرض اولدی دینوب * تفسیر لیا بده غمود ایلد جدیس ایکی برادر اولوب عابر بن ارم بن سام
 ابن نوح علیه السلام اوغللریدر دینوب * کاب الخیسلر بر محله عمیق ایلد طسم برادرلر اولوب نود بن سامک
 عاد ایلد عبیل دخی برادرلر اولوب عوض بن ارم بن سامک غمود ایلد جدیس دخی برادرلر اولوب جانیق
 ابن ارم بن سامک اوغللری اولوب عبیل حالا مدینه منوره دیدکری یترب شهر بنه کلوب قونوب بعده
 اندن اخراج اولنوب بریره واروب قونوب بعده انلر بر سیل کلوب اجحاف ایتمکین اول مکانه حقیقه
 دیو آدقود یلردینوب * بر محله دخی غمود ایلد جدیس عابر بن ارم بن سامک طسم عملاق امیم دخی
 لاود بن سامک اوغللریدر دینوب * خبر بده العجابه طسم ایلد جدیس قدام عربدن اولوب ایکی قرن داش
 اوغللری ایدیلر پادشاهلری طسمدن اولوب طائفه جدیسه انواع اهانت اوزره اولغین جدیس جمع
 اولوب طسمدن زیاده اولغین بر لطیف حیللر ایلد پادشاهلری عمیق و طسمدن سکسان ییل آدمی قتل ایدوب
 بقایای قوم طسم بن سلطانی حسانه شکایت و واروب اودخی بونلر معاونت ایچون عسکرله کلوب
 قوم جدیسک کین اسیر ایدوب خوار و زاری جمیع بن تار و مار ایددی * جدیس ایچنده زرقاء یمامه دیکله
 مشهور جهان بر قیز و ارایدیکه اوج میل یردن هر نه اولسه کورردی حسانانی بر عجب حیللر ایلد طونوب
 کوزین جیقاوروب ایچنده کی طمرلری قدرت حقدن کل ایلد طولو بواندی دینوب * قاموسده سکری
 وزانجه کثری جدیس و طسمک صغری اسمیدر که نیشل بن الریس انی او فادوب حضرت رسوله فاجوب
 کلوب مسلمان اولدی دیومذ کوردر (قبیله عمالقه) که تفاسیرده و تاریخ ابن کثیره نک بر محله عمیق
 ابن لاود بن سام بن نوح علیه السلام اولاندند در دینوب * بر محله دخی عمیق بن ازد بن سام نسلندر
 عمیق ایلد فارس برادر ایدیلر دینوب بعضلر عملاق بن لاود بن ارم بن سام نسلندن ایدیلر دیوب قاموسده
 طائفه عمالقه بعض بلادده متفرق اولوب عمیق یا خود عملاق بن لاود بن ارم بن سام نسلندن ایدیلر

دیومذ کوردی * تبیل السنه ظهورنده دیار بابلدن ولایت یمنه و بعد زمان بر فرقه سی مکبه واروب
انده کی عرب قبیله لرین کسرو قهر و مکده توطن ایتدیلر قوم عاد ایله هم عصر اولوب جله سی عرب دن اولغین
بری برل یله دوستلشورلر ایدی * حضرت اسماعیل یمنده کی عمالقه ایله مکده کی قوم جرهمه بیغمبر اولمشدی
حضرت ابراهیم نصکره کعبه بی عمالقه صکره جرهم بنایا تمشدر در عمالقه نک اکثر احوالی یوقاروده احوال
کعبه ده و باب ابراهیم و باب اسماعیل علیهما السلام ده و باب ملوک جرهمه کچمشدر نظر اولنه * عمالقه دن
بر فرقه نک مصر له قدس اراسته لب دریاده نیجه شهر لری اولوب کفار دن اولغین بنی اسرائیل له شمویل
بیغمبر بونلر سفر ایدوب پادشاه لری جالوت له کفاری قتل ایتدیلر تکیم باب شمویل علیه السلام ده
کچمشدر * سائر عمالقه عرب دن اید کاری مقرر اولوب قوم جالوت دن لسان لری عربی ایدی د کلیدی بیان
اولغا مشدر * لکن تفسیر ابو السعوده قوم جالوت علیق بن عاد نسلندندر دینوب یوقاروده جرهم بونلر قوم عاد
نسلدن اولوب د بیلری عربی اولتی کور بنور بعض تفسیر ده مصر ده فرعون یعنی پادشاه اولنلر اکثری
عمالقه یه دخی حاکم ایدیلر دینوب * تفسیر و نوار یخده یوشع بیغمبر بنی اسرائیل له جنک و قتل ایتد کاری
قوم جبار بن عمالقه دندر دینوب * تفسیر ابو السعوده قوم جبار بن بقیه قوم عاد ایدیلر دینوب بعض
معتبرانده عمالقه ممالک عالمه یا بلوب بحر بن و عمان و حجاز و شام و مصر و لایتری اراسن قبالوب جبار
شام و فراعنه مصر انلردن ایدی دیومذ کوردی (قبیله جرهم) که اول ملوک بن اولان حطاطک اوغلی
جرهم نسلی اولوب ابتدا یمنده مکده ساکن ایدیلر مکبه عمالقه دن صکره کلمشدر در را عمالقه قوم عاد ایله
معاصر اولوب بونلر اسماعیل علیه السلام زمانده ایدیلر جرهم تک تفصیل احوال لری باب حضرت اسماعیل ده
و باب ملوک جرهمه کچمشدر نظر اولنه (قبیله بنی عبیل) قاموده عبیل بن عوض بن ارم بن سام
بن نوح علیه السلام نسلدن اولوب عرب عار به دن ایدیلر حالا منقرض اولمشدر دیومذ کوردی
(نوع ثانی) فصل امت عرب اولنده کچدیکی اوزره جله جنس عرب اوج نودر اولکسی عرب عار به
یا عرب بانه در کذ کراوندی * ایکنجی سی اول ملوک بن اولان حطاطک نسلی اولان قبیله لر در که بونلر
عرب متعرب به یا عرب عار به دیرلر حضرت اسماعیل مکده حطاطک نسلدن اولان قوم جرهم دن خاتون
نسکا حلوب جمع اولاد کرامی کند و والده لری طرفدن حطاطک نسلدن اولغین بعض مورخ لری جمع
قبائل عرب حطاطک نسلندندر دینلر لکن فی الحقیقه نوع اول اولان ام منقرضه دن ماعدا جمیع قبائل
عرب ایک نوع اولوب بری حطاطک بری حضرت اسماعیلک نسلی اید کاری محقق و معتقد * پس نسل
حطاطک بونلر در کذ کراوندی (قبیله سبا) ولایت یمنده ساکن اولوب ملوک یمندن سبا بن یثعب بن یعرب
بن حطاطک بن عابر بن شالح بن ارغشد بن سام بن نوح علیه السلام نسللر بدر سبا نک تفصیل حالی باب ملوک
یمنده کچمشدر * تاریخ ابن شحنه ده سبا نک حیر که لان عروا شعر عامه آدلوبش اوغلی و ارایدی دینوب
تفسیر واحدیده اون نفر اوغلی و ارایدی که ایچلر دن ازدکنده مدج اشعرون اغار بیجیله یمنده طوروب عامه
غسان لم جذام ولایت شامه واروب توطن ایتدیلر دینوب * تفسیر کورائیده از مدج بیجیله برینه اسد حیر نشا
یا زاشدر * محصل سبا اولادندن هر بر یس نک نسلی نیجه قبیله اولمشدر مشهور لری بونلر در که (قبیله حیر)
بن سبا کسر حاوسکون میم و فتح باوسکون را ایددر بونلر نیجه قبیله جلیله اولوب یمنده ساکن ایدیلر بونلر
سلاطینی احوالی باب حطاطک انده کچمشدر نظر اولنه (قبیله قضاغه) حیر بن سبا قبائل نک اکبر و اکثری
ایدیلر بونلر دخی نیجه قبیله اولوب ایچلر نه جهینه آدلوب قبیله مشهوره و ارایدی (قبیله ازد) که ازد
یا خوزیر بن که لان بن سبا نسلدن نیجه قبیله اولوب افر و افر و افر بونلر در که اصولدن متمیز اولغینون
طائفه دیو یازلدی (طائفه خزاعه) یمنده سیل عرم ظهورنده کوچوب مکبه کلوب توطن ایدوب سابقا
مکده اولان قبیله جرهمی سوروب چیقاروب بعده کعبه معظمه نک مفتاحی بونلر ده اولغین رئیس قبائل
عرب ایدیلر * عاقبت اجداد حضرت رسول صلی الله علیه وسلم دن قصی بن کلاب کعبه نک بنو ابی مسد ایدوب
برطلوم خیر ایله مفتاح شری بنی بوادن صاقون آلوب بعده یوماق و یوماق طائفه قریش عزیز و جلیل و طائفه خزاعه
نادم و خوار و ذلیل اولدیلر سابقا بونلر مکدن قوم جرهمی حقایق بونلر دخی معارفت بعض قبائل عرب ایله

طائفه قریش سوروب چیقار دیرلر آخر باب ملوک جرهمه و واسط باب ملوک کنده ده مقصلا در نظر اولنه
(طائفه اوس و طائفه خزرج) اشبو ایک قبیله برادر زاده لر اولوب مدینه ده ساکن ایدیلر
صحابه کرامدن طائفه انصار جله بونلر دندر * تفسیر ابو السعوده اوس ایله خزرج لاب و ام برادر لر ایدیلر
دینمشدر (طائفه غسان که) یمندن شامه کلوب توطن ایدوب احوال لری پادشاه لری بانه کچمشدر نظر اولنه
(قبیله طی) که لان بن سبا نسلدن اولوب جود و سخا ده کرم و عطاده مشهور دنیا اولان حاتم بونلر دن ایدی
بونلر دن دخی نیجه قبیله حاصل اولمشدر حذر اعن التطویل یازلدی (قبیله مدج) که لان نسلدن نیجه
قبیله اولوب جله سی یمنده ایدیلر (قبیله همدان) کسر هاء و سکون میله در که لان نسلدن یمنده نیجه
قبیله ایدیلر (قبیله کنده) که لان نسلدن نیجه قبیله ایدیلر بونلر ملوک احوالی یوقاروده بنقه بانه
کچمشدر نظر اولنه (قبیله بنی مراد) که لان نسلدن یمنده طوائف کثیره و مشهوره ایدیلر (قبیله بنی انمار)
که لان نسلدن بر قاج قبیله ایدیلر (قبیله نلیم) یمنده عمرو بن سبا نسلدن اولوب جله دن بنی الدار آدلو
بر قبیله لری و ارایدی قبیله نلیم یمندن کوفه قریبده حیره شهر بنه کلوب مستقل پادشاه لری اولدیلر باب ملوک
لجده کچمشدر * شعبه بیغمبر که قومی اولان اهل مدین طائفه لجندن ایدیلر تکیم یوقاروده کچمشدر
حضرت یوسفی صاقون الان مالک بن ریان یا ابن زغر لجندن یا جذامدن یا خزاعه دن ایدی (قبیله جذام)
عمرو بن سبا نسلدن اولوب جله دن بنی سلیم آدلو بر قبیله لری و ارایدی (قبیله اشعرون) یمنده اشعر
ابن سبا نسلدن طوائف کثیره و مشهوره اولوب کبار صحابه دن ابو موسی الاشعری بونلر دن ایدی
قبیله بنی عامله بن سبا یمنده ایدیلر (نوع ثالث) اشبو فصل امت عرب اولنده کچدیکی اوزره جله جنس
امت عرب اوج نودر اولکی یه عرب عار به یا عرب بانه * ایکنجی یه عرب متعرب به یا عرب عار به دیرلر که
ایکسی دخی اجمالاً ذکر اولندی * اوچنجی یه عرب مستعرب به دیرلر که جله سی اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام
نسلدر که حالا اجمالا یا نلرینه شروع اولندی و الله الموفق (مقدمه) شمد نصکره کذ کراوندی جی جمع قبائل
عرب جد اعلای حضرت رسول صلی الله علیه وسلم اولان عدنان نسلدن اولوب سبا نسلدن اولان قبائل
بشقه در انلر بنی حطاطک بونلر بنی عدنان دینوب انلر اکثری یمنده بونلر اکثری مکبه و مدینه و حجاز ده
و بعضلری عراق و لایترنده ساکن ایدیلر * پس قبائل بنی عدنان دخی ایک قسملر بری ریهه بری نزار
ابن معد بن عدنان بری مضر بن نزار من بونلر لری در که حالا ذکر اولنور (قبائل بنی ریهه) بونلر دن
بش اون قبیله عظیمه حاصل اولمشدر که جله سی ممالک عراق ده اولورلر ایدی (قبیله بنی بکر بن وائل) اکبر و انهر
قبائل بنی ریهه بونلر در آمد و موصل و لایتری متملر نه ساکن اولغین او مملکت لره دیار بکر دیرلر بونلر دخی
بش اون قبیله عظیمه اولوب مشهور لری بونلر در (طائفه بنی حنیفه) بونلر مکبه ایله بن اراسته ولایت
یمامه ده ساکن بر قبیله کثیره اولوب حضرت رسول صلی الله علیه وسلم زمانده حاشا دعوی نبوت ایدن
مسئله کذاب بونلر دن اولوب ابو بکر خلافتنده بونلر دن قریبک نفر کافر ایله مسلمانلر صاوب مسیلمه ایله
اکثر کفاری قیرد قلی باب ابو بکر ده مفصلدر بو طائفه قلی جنک کنده جمیع قبائل عرب دن زیاده ماهر بهادر ایدیلر
قبل ظهور الاسلام خرما خیرندن بر صمن دوزوب نیجه بیلار اکا طابوب بعد زمان عظیم خط اولد قده صملر بن
اکل ایتدیلر * بوقصه اغرب غرائب و بین العرب اعظم معائب ایدی (طائفه بنی ذهل) بنی شیبان بنی بکر
ابن وائلدن بر قبیله مشهوره ایدیلر (قبیله بنی اسد) کبار قبائل بنی ریهه دن اولوب بش قبیله ایدیلر
مشهور لری بونلر در که (طائفه بنی کاهل طائفه بنی عبدالقیس) بن اقصی که بونلر دخی اوج درت طائفه
ایدیلر (قبیله بنی ثعلب بن وائل) کبار قبائل بنی ریهه دن اولوب بونلر دن دخی بر قبیله حاصل اولدی
(قبائل بنی مضر بن نزار بن معد بن عدنان) مکبه و مدینه و دیار حجاز ده اولان قبائل عرب خصوصاً طوائف
قریش جله سی مضر نسلی اولوب وافر قبیله جلیله نبیله اولمشدر اکثری مکده ساکن اولوب افصح عرب
اولد قلیچون اشرف واعظم جمیع قبائل عرب بونلر در * فصاحت و سخاوت و هر حالته سائر لر دن زیاده ایدیلر
خصوصاً حضرت نضر عالم سید بنی آدم صلی الله علیه وسلم مضر نسلدن اولغین قبائل مضر عذیمه الضرا اشرف
و اکرم امم عالم اید کاری محقق و مسلمدر (نظم) عرب دن نک اکرمات اولیدی * حبیب الله اولم دن کلیدی

مسلمان اولوب خصوصاً مكرمه فتحنده وهجرتك اوننجي ييلنده (ورأيت الناس يدخلون في دين الله
افواجا) آيتي دالتي اوزره طوائف عربدن يامد هزار محبت وشوق خارج عن الطوق جوق جوق كلوب
شرف اسلام وملاقات حضرت سيد الانام عليه افضل الصلاة والسلام ايله مستعد وبر مرام ومسرور
وشاد كام اولور ايدى * صحابه كرام واجب الاحترامك جله منى قبال عربدن اولوب ابتدا هجرتدن
مكة فتحنه دله متابعت حضرت رسالت ايجون مدينه به كنلره مهاجرين دينوب مقدما مدينه خلقندن
اولوب رسول مقبول بر اصوله ايمان كتوروب نصرت ومعاونت ومحبت ومتابعت ايدنلره انصار دينوب
اهل مدينه دن اوليوب مكة فتحند نصكره ايمانه كالانه همان صحابي ديرلر * وفات حضرت رسوله فخره
بور بكمري ييك قدر صحابه سى قالوب بونلك تفصيل احواللى جلد اول آخرنده باب صحابه ده بكمشدر
نظر اولنه (نظم) دائم از حق سلام ورضوانش * بادبراهل بيت ويارانش * اظهروا الدين بينو لنا *
ضاعف الله اجرهم حسنا (خاتمة كتاب) الحمد لله كه فخر جميع عالم سيد وسند بنى آدم صلى الله عليه وسلم
بعد انقاس من سكت وتكلم حضرت تبارك آفتاب عالم تاب دين شرف اتسا بلرى اقطار دنياه ضياء بخت اوله
خلفاء خنقا راشدين واساطين سلاطين اهل دين وسائر غزاة هداة ومحاهدين رحمة الله تعالى عليهم اجمعين
زهره لربك مهر تابدار شمشير آيد اراريله ظلام كفر وضلال امصار واقطار دن قلع وقع ودفع ورفع اولنقله
ملل سالفه متخالفه واديان ساقية غير متوافقه نسخ وفسخ اولنوب بنيان كفر وطغيان بوما فيوما
منهدم بلكد بالكلمه زائل ومنهدم اولن اوزره دره حضرت رب واسع العطاء سامع الدعاء ودافع البلا
ورافع السجدة نصرت رجا ولنور كه (ان الله زوى الى الارض فرايت مشارقها ومغاربها
وان امي سيبليخ ملكها ما زوى الى منها) حديث بشارت توريثك مضمون همايون
قرح مقرون روز بروز ظهور وروز ابتدروب ساكان اطراف معمورة ارض
وقاطنان اكاف عالم بالطول والعرض افضل واكمل سلاطين جهان باعث
واحت امن وامان اهل ايمان اولان ملوك مكرمت سلوك آل عثمان
خلد الله خلافتهم الى انتهاء الزمان جناب لربنه مسخر ومجموع
عالمك روى زمين زرينكن ظفر قرينلى اولنق مقدر وميسر
ومقرر اوله * بحق الحق وصفاته العلى امين
يا ارحم الراحمين والحمد لله
رب العالمين
تم
تم
تم



وكان تمام طبعه بدار الطباعة الباهرة * الكائن ببولاق مصر القاهرة * ملحوظا بعين
عناية ناظرها السني المراتب * حضرة حسين افندى الملقب براتب * ومشهورا
برعاية رئيس معصمها المفتقر الى الطاف ربه الصمد * المدعو بالشريف احمد
على ذمة الحاج محمد كامل افندى بن المرحوم عيسى افندى
الادرنوى شيخ العرض الجليل * بمصر القاهرة المعزية
لثلاث خات من المحرم الحرام افتتاح سنة
ثمان وخمسين ومائتين بعد الالف من
هجرة خاتم الرسل الكرام
صلى الله وسلم عليه
وعلى آله واصحابه
بدور التمام

